بسم الله الرحمن الرحيم

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۵)

# وصیت نامه کامل شهدا

استان سمنان

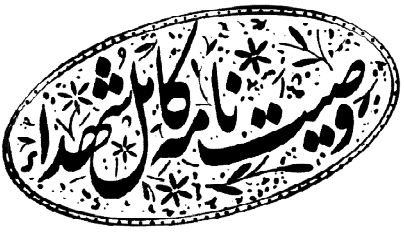


دفتر اول

آ - الف

آجقلی - اعظمی نژاد

تصحیح و تنظیم:

دکتر منوچهر اکبری

نشر شاهد

واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران

شهریور ۱۳۹۰

سرشناسه: **اکبری، منوچهر ۱۳۳۵**
عنوان و نام پدیدآور: **وصیت‌نامهٔ کامل شهدا/ استان سمنان/ دفتر اول آ- الف/ منوچهر اکبری**
مشخصات نشر: **تهران: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی، نشر شاهد، ۱۳۹۰**
مشخصات ظاهری:۷۸۳**صفحه**
شابک: **۱-۴۱۳-۳۹۴-۹۶۴-۹۷۸**
وضعیت فهرست‌نویسی: **فیپا**
موضوع: **جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷.- شهیدان- وصیت‌نامه**
شناسه افزوده: **بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد**
رده‌بندی کنگره: **DSR۱۶۲۵ع ۸ و ۱۳۹۰۶**
رده‌بندی دیویی: **۹۵۵/۰۸۴۳**
شماره کتابشناسی ملی: **۲۱۵۱۸۹۰**

**واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران**
**آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۵)**
**وصیت‌نامهٔ کامل شهدای استان سمنان ◆ دفتر اول آ- الف (آجقلی- اعظمی نژاد)**
تصحیح و تنظیم: **دکتر منوچهر اکبری**
نوبت چاپ: **چاپ اول شهریور ۱۳۹۰ ◆** تیراژ: **۱۵۰۰ نسخه**
هماهنگی فنی و صفحه‌آرایی: **نسترن حاجی‌زاده سابق**
حروف‌چینی: **مینا صفری ◆** هماهنگی تولید: **زهرا شیرکوند**
امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: **مؤسسهٔ فرهنگی هنری شاهد**
قیمت: **۱۲۰۰۰۰ ریال ◆** شابک: **۱-۴۱۳-۳۹۴-۹۶۴-۹۷۸**

نشانی: **تهران- خیابان آیت‌الله طالقانی- خیابان ملک‌الشعرای بهار شمالی- شمارهٔ ۵ معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: ۸۸۸۲۴۷۴۹**
توزیع: **مؤسسه فرهنگی هنری شاهد ◆ مرکز پخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱ قم ۰۲۵۱-۷۸۳۰۳۴۰ و فروشگاه‌های نشر شاهد و سایر فروشگاه‌های معتبر**
www.navideshahem

# فهرست


سخن ناشر ۱۱
پیشگفتار ۱۵
مقدمه ۱۷
آجقلی، محمد ۳۳
آجودانی، سیدعبدالحسین ۳۸
آجودانی، علی‌اکبر ٤٥
آجودانی، موسی ٥١
آخوندی، حبیب‌الله ٥٥
آخوندی، مجید ٦٠
آذری، سیف‌الله ٧٣
آذری، محمدحسن ٧٩
آرو، عباسعلی ٨٣
آشوری، حمیدرضا ٨٩
آشوری، علیرضا ٩٥
آشوری، غلامرضا ١٠١
آقاجانی، مهرعلی ١٠٧
آقایان، سیدحسین ١١١
آقایی، احمد ١١٦
آقایی، علی ١٢٢
آقایی، علیرضا ١٢٩
آقایی، محمدابراهیم ١٣٤
آل‌حکمت، فتحعلی ١٤١
ابراهیم‌طوسی، غلامرضا ١٤٧
ابراهیمی، احمد ١٥١
ابراهیمی، بابک ١٥٧
ابراهیمی، جواد ١٦٢
ابراهیمی، جواد ١٦٨
ابراهیمی، حسین ١٧٤
ابراهیمی، علی‌اصغر ١٨٤
ابراهیمی، علی‌اکبر ١٩٣
ابراهیمی، علیرضا ٢٠٢
ابراهیمی، مجید ٢٠٧
ابراهیمی، محمد ٢١٢
ابراهیمی، محمد ٢١٥
ابراهیمیان، ابوالفضل ٢١٨
ابراهیمیان، محمد ٢٢٧
ابراهیمی‌ورکیانی، مهدی ٢٤٨
ابک، قربانعلی ٢٥٣

ابوالقاسمی، محمد ۲۵۷
ابوالمعالی، حسام‌الدین ۲۶۳
ابوتراب، ابراهیم ۲۷۷
ابوحمزه، فریبرز ۲۸۳
اجاقی، یوسف ۲۸۸
احسانی، علی‌اکبر ۲۹۱
احسانی، محمدحسین ۲۹۹
احمدپناه، سیدجعفر ۳۰٤
احمدپناهی، سیدجمال ۳۱٤
احمدپناهی، سیدمهدی ۳۲۵
احمدزاده، محسن ۳۳٦
احمدی، احمد ۳۵۲
احمدی، اسدالله ۳۵٦
احمدی، حاتم ۳٦۳
احمدی، عبدالوهاب ۳٦۷
احمدی، علی ۳۷۳
احمدی، عیدعلی ۳۷۸
احمدی، مالک ۳۸٤
احمدی، محمد ۳۹۱
احمدی، محمد ۳۹۵
احمدی، محمد ٤۰۰
احمدی، محمدحسن ٤۱۰
احمدی، محمدحسین ٤۱۵
احمدی، نورالله ٤۲۲
احمدی، یدالله ٤۲۵
احمدیان، مجتبی ٤۳۵
احمدیان، مهدی ٤٤۳
اختری، علی ٤۵۰
اخلاقی، حسن ٤۵۸
اخلاقی، مجید ٤٦٤
اخلاقی، محمدتقی ٤٦۹
اخلاقی، محمدرضا ٤۷٤
اخلاقی، محمود ٤۷۷
اخوان، ذبیح‌الله ٤۸۰
اخیانی، مصطفی ٤۸۳
ادب، جعفر ٤۹۱
ادب، رجبعلی ۵۰۲
ادب، محمود ۵۰۵

ادریس‌آبادی، شهاب‌الدین ۵۱۱
ادهم، علی ۵۱۸
ادهم، علی‌اکبر ۵۳۰
اردکانی، محمدرضا ۵۳۶
اردکانی، مهدی ۵۴۰
اسد، علی‌اکبر ۵۴۴
اسدیان، احمد ۵۵۲
اسدی‌نژاد، محمدباقر ۵۵۶
اسکندری، حسن ۵۶۰
اسکندری، ساجد ۵۶۴
اسکندری، علی ۵۷۱
اسماعیلی، محمدحسین ۵۷۶
اشتری، علی ۵۸۵
اشتری، محمد ۵۸۸
اشرف، عباسعلی ۵۹۴
اشرف، محمدحسین ۶۰۷
اشرف، مهدی ۶۲۱
اشرفی، اکبر ۶۳۲
اشرفی، حسین ۶۳۵
اشرفی، علی‌اصغر ۶۴۱
اشرفی، علی‌اکبر ۶۴۸
اشرفی، مسلم ۶۵۷
اصحابی، احمدرضا ۶۶۴
اصغری، احمد ۶۶۹
اصغری، محمد ۶۷۶
اصغریان، ابوالقاسم ۶۹۲
اصغریان، علی‌اصغر ۶۹۷
اصغری‌اعلایی، شکرالله ۷۰۷
اعرابی، محمدعلی ۷۱۵
اعرابیان، رضاعلی ۷۲۲
اعظمی، جواد ۷۳۳
اعظمی‌نژاد، ابوالفضل ۷۴۹
تعلیقات ۷۶۴

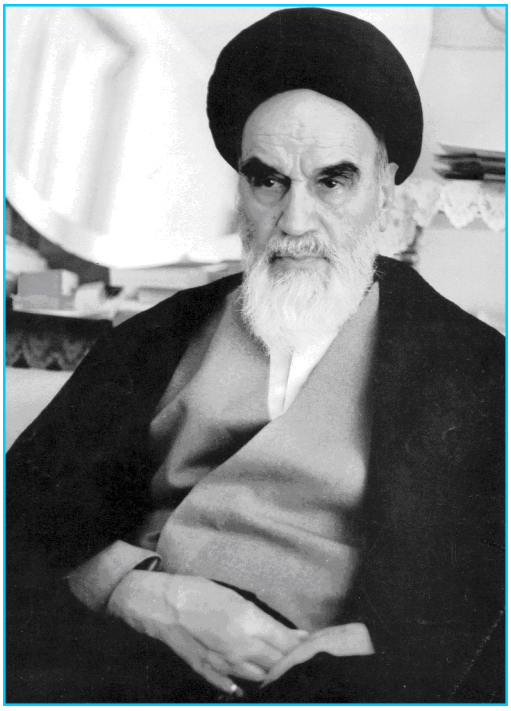

«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید»

**امام خمینی(ره)- صحیفه نور- جلد ۱۵ ص۳۲**

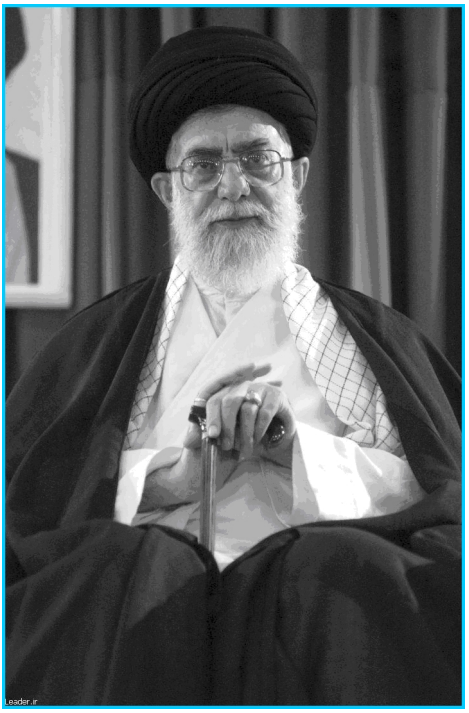

منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همهٔ چیزهایی که برای ادارهٔ امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامهٔ امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعهٔ فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

**بیانات مقام معظم رهبری- نماز جمعه تهران- آذرماه۱۳۸۱**

# سـخن ناشـر

اطلاع‌رسانی و انتشار اسناد و آثار شهدا و ایثارگران با هدف روشن‌نمایی تاریخ پرشکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ادامه فرآیندی است که بنیاد شهید و امور ایثارگران در ساختار اسنادی، مطالعاتی و انتشاراتی خود در نظر گرفته است.

آغاز فعالیت انتشاراتی در بنیاد مقارن با تأسیس این نهاد مهم و انقلابی در سال ۱۳۵۹ بوده و تاکنون صدها عنوان کتاب در زمینه‌های ادبی، پژوهشی، اسنادی و تاریخی برجامعه عرضه شده است؛ ولی آنچه را می‌توان بر مبنای مطالعه اهداف سازمانی در دوره‌های مختلف شکل‌گیری و توسعه بنیاد حائز اهمیت دانست، تأسیس انتشارات شاهد با هدف تدوین و انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران بوده است؛ گو اینکه به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی، قلت و پراکندگی منابع و عدم تنظیم و آماده‌سازی اسناد، تمرکز فعالیت‌های نشر شاهد بر روی انتشار اسناد شهدا و ایثارگران به شیوه علمی و تخصصی تاکنون کمرنگ بوده است و لذا وجه ادبی و غیراسنادی در نشر شاهد گاه بر وجوه مطالعاتی و اسنادی آن غالب شده است.

از چندی پیش انتشارات شاهد، براساس اهداف دیرینه و در پی ایجاد شرایط مناسب‌تر که آثار و اسناد ایثارگران فراهم‌آوری و تنظیم گردید، انتشار اسناد دست اول آن بزرگواران را اولویت مهم خود قلمداد کرده است. به باور اندیشمندان و صاحبنظران تاریخی، فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و

پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام(ﷺ) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکار می‌سازد.

در چهار جلد قبل، نظرات بسیار سودمند و قابل اعتناء به دفتر انتشارات شاهد رسید و مورد بررسی قرار گرفته و پس از تایید کمیته مستندات در این کتاب لحاظ گردید.

از آنجایی که مراکز معتبر سندی همچون مرکزاسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و پژوهشگران ذیصلاح با جملاتی دلگرم کننده نشر شاهد را تشویق به تداوم جدی کار نمودند همکاران خدوم با تلاشی مضاعف پنجمین جلد از این مجموعه نفیس را تقدیم حقیقت پژوهان وعلاقمندان می‌نمایند. دو نمونه از اظهار نظرات عبارتند از:

– رئیس مرکز اسناد، موزه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی:

**«این کار کاری کارستان بود و بسیار با ارزش، امید است کار سترگ نشر شاهد در انتشار کتاب وصیت‌نامه کامل شهدا ادامه پیداکند».**

– یعقوب توکلی (نویسنده وپژوهشگر):

**«چاپ تصویر اصل وصیت‌نامه‌ها، یکی از اقدامات خوب نشر شاهد، در انتشار این کتاب‌ها بوده و سندیتی محکم به این مجموعه داده است».**

این کتاب حاوی ۱۰۵ وصیت‌نامه از وصیت نامه‌های شهدای استان سمنان است که حاصل بررسی‌ها وبازنگری‌های کارشناسانه در واحد انتشار اسناد و آثار شهدا و ایثارگران است. در اینجا شایسته است که از آقای دکتر منوچهر اکبری استادگروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه تهران، رئیس بنیاد دانشنامه نگاری ایران و پژوهشگر ادبیات وتاریخ دفاع مقدس به‌عنوان چهره نام آشنا در عرصه‌های دانشگاهی و پژوهشی به‌ویژه در حوزه دفاع مقدس و همکارانشان که زحمت تدوین این مجموعه را به عهده گرفته و تلاش بی‌وقفه داشته‌اند تشکر و قدردانی شود.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحبنظران گرانقدر آقایان: دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، دکتر کیانوش کیانی و... صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

در پایان دست صاحبنظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار و دوران با عظمت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مددکار پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گرفته و موجبات خشنودی شهدای والامقام و امام شهدا و رهبر معظم انقلاب اسلامی و خانواده معظم شهدا و ایثارگران را فراهم سازد.

**نشر شاهد**

**شهریور ۱۳۹۰**

# پیشـــــگفتار

تاریخ و فرهنگ از مؤلفه‌هایی است که کشورهای مختلف جهان هنگام تعیین جایگاه خـود در جامعه جهانی، به آن استناد کرده و به تناسب تأثیرگذاری در تمدن بشری به آن مباهـات می‌کنند. شکی نیست که کشور ایران به علت برخـورداری از تـاریخ کهـن و فرهنـگ غنـی اسلامی در صف مدعیان این عرصه قرار داشته و آداب، رسوم و فرهنگ این مرز و بوم کـه سینه به سینه و نسل به نسل در قرون مختلف، میان مردم این کشور منتقل شده است، نشانه هویت و مایه مباهات این ملت می‌باشد.

امروزه نقش اسناد و مدارک در بازشناسی و تنویر اندیشه بخش‌هـای مختلـف اجتمـاع، بالاخص آن قشری که توفیـق لمـس و درک فرهنـگ و شـرایط ویـژه دوران تأثیرگـذار آن اجتماع را نداشته‌اند اهمیت فراوانی دارد. این موضوع از چنان اهمیت روزافزونی برخوردار است که بخش عمده‌ای از تلاش و همـت مراکـز اسـنادی و آرشـیوی صـرف گـردآوری، حفاظت، نگهداری و تأمین سلامت و صحت این گنجینه‌های گرانقدر فرهنگی می‌شود.

اهمیت این رویکرد در خصوص اسنادی که از بار فرهنگی و هویتی منحصر بـه فـرد و ویژه‌ای برخوردارند، دو چندان می‌نماید. بدون شک این گونه اسناد می‌توانند ضـمن ایفـای نقش اطلاع‌رسانی که خصیصه اصلی این ارزش‌های مکتوب می‌باشد، خود موجب و موجد یک هویت مستقل فکری و فرهنگی و مبلغ یک جریان انسان‌ساز معنوی باشند.

اسناد شهدا و ایثارگران به‌مثابه حافظه تاریخی و میراث معنوی انقلاب و دفاع مقدس بوده و گردآوری، حفظ و عرضه آنها برای همه ما یک رسالت تاریخی است. حفظ و نگهداری این اسناد سبب خواهد شد آیندگان با بهره‌گیری از این گنج عظیم به بازشناسی و درک صحیح از تاریخ دست یابند.

مطابق آخرین استانداردهای علمی فرایندهای کاری گردآوری، تنظیم و توصیف، حفظ و عرضه اسناد و اطلاعات چهار فرایند اصلی مراکز اسنادی به‌شمار می‌رود. مرکز اسناد ایثارگران براساس چارت تشکیلات مصوب بنیاد شهید و امور ایثارگران سه فرایند از چهار فرایند علمی فوق را انجام می‌دهد و فرایند چهارم به دلیل اهمیت و گستردگی در اداره کل انتشارات و اطلاع‌رسانی تعریف شده است.

مجموعه حاضر حاصل تلاش همکاران انتشارات و اطلاع‌رسانی به‌منظور عملیاتی نمودن فرایند چهارم یعنی عرضه اسناد و اطلاعات می‌باشد.

وصایای شهدا در بین سایر اسناد فرهنگی ایثارگران از جایگاه خاصی برخوردار است تا آنجا که امام خمینی(ﷺ) می‌فرمایند: «پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید».

حرکت به سمت تعالی و ایجاد یک حافظه مستند و دیجیتال از دوران دفاع مقدس در چارچوب چشم‌انداز تدوین شده برای مرکز اسناد ایثارگران با تعامل و همکاری همه جانبه سازمان‌های مرتبط و به‌ویژه خانواده‌های محترم شهدا و ایثارگران میسر خواهد بود.

در پایان از خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران، پژوهشگران، مسئولین محترم مؤسسات و سازمان‌های فرهنگی و اسنادی، آرشیوداران شخصی و سایر علاقمندان فرهنگ ایثار و شهادت دعوت می‌شود برای تکمیل و غنی‌سازی مرکز اسناد ایثارگران و عرضه و انتشار این میراث گرانبها مرکز اسناد ایثارگران را یاری نمایند.

**اداره کل جمع‌آوری، نگهداری و تنظیم آثار ایثارگران**

# مقـــدمـــه

## جایگاه و نقش فرهنگی وصایای شهدا

بررسی وصایای شهدا می‌تواند نمادی روشن و مستند باشد از تفکـر و اندیشـه هـر قـوم و ملت، شهر و منطقه و حتی خانواده و شخص. نقطه اشتراک همه شهدا فلسفه وجودی همه، از مناطق گوناگون، از شمالی‌ترین نقطه کشور تا سواحل نیلگون خلیج‌فارس و مناطق غربی و شرقی ایران وحدت و همدلی برای آزاد سازی ایران از دسـت صـدام و شکسـت برنامـه تهاجم امریکا به ایران بود. همه رزمندگان در یک هدف کلی اشتراک مسـاعی داشـتند و آن دفاع از اسلام و ایران عزیز و لبیک عاشقانه به ندای حضرت امام خمینی(ﷺ) بـود. در ایـن حضور و انجام تکلیف هیچ منطقه و قوم و نژادی را بر دیگری رجحان نبـود. دفتـر روشـن شهادت نام و نشانی را ثبت نکرده است که جز برای رضای حضرت حق و یاری و نصرت نایب امام عصر(عج) حضرت روح‌الله(ﷺ) جان در کف اخلاص نهاده باشد. حماسـه‌هـایی در دوران دفاع مقدس رقم خورده است که واقعاً قلم از بیان و توصیف آنهـا عـاجز اسـت. شکوه حضور نیروهایی مردمی از سطوح و سنین مختلف از جوانان، نوجوانان و نـو خطـی که ۱۳ ساله‌های آن در صف شهادت ایستاده، تا پیران محاسن سفیدی کـه بعضـاً بـا نـوه و فرزند خویش همسنگر بودند، اگر مدعی نباشیم که تکرار ناشدنی است، حداقل می‌توان بـر این نکته پای فشرد که پیش از این ایران چنین تجربه‌ای نداشته است. مادرانی که فقط برای

رضای خدا از عزیزان خویش دل می‌کندند و خم بر ابرو نمی‌آوردند. جوانانی که خلاف طبع و انتظار جوانی بقدری از ایمان و رشادت و اخلاص سرشار بودند که به تعبیر بلند حضرت علی(علیه‌السلام) مرگ را «شیرین‌تر از عسل» می‌دانستند. وصایای شهدا تنها به انگیزه توصیه شرعی نوشته نشده‌اند. وصایای شهدا دفتر معرفت و ایمان و اخلاصِ دلاور مردانی است که صرفاً برای آزادسازیِ نقطه یا ناحیه‌ای از ایران به استقبال مرگ نمی‌رفتند. در درجه اول رضای خدا و خشنودی امام عصر(عج) و اطاعت از ولی‌امر امام خمینی(رحمه‌الله) انگیزه حضورشان در جبهه‌ها بوده است. در حالت عادی هم هر مسلمان موظف است برای فردای خود وصیت‌نامه‌ای داشته باشد. وصایای شهدا از لون و صبغه و رنگ دیگری است. وصایای شهدا دانشنامهٔ سلوک و معرفت و عرفانِ حماسی است. شاید فقط در برخی از دوره‌هایی از تاریخ بتوان چنین شرایطی فراهم آید تا چنین مردانی پای در میدان رشادت و غیرت و آزادگی بگذارند. بی‌تردید وقتی خداوند سبحان از بندگانی اخلاص و پاکی و صداقت ببیند، عنایت خاصِ خود را برای الهی شدن یک امت شامل می‌گرداند.

اسناد شهدا به‌خصوص وصایای آنان نمایانگر ظرفیت و میزان معرفت آنان از اسلام و ولایت است. وصایا سندی است برای انتقال تجارب ارزشمند دفاعیِ نسلی که در واقع تمام قد در برابر استکبار جهانی و اذناب و اقمارش ایستاده و از کیانِ عقیدتی خویش دفاع کرده است. محتوی این وصایا پاسخی است به چرایی جنگ. با همین اسناد معتبر می‌توان از حقانیت و مظلومیت جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی دفاع کرد. اگر این کلام نورانی را ملاک انسان‌شناسی بدانیم که «**المرءُ مخبوءٌ تحت لسانه**».

هر وصیت‌نامه مدرک معتبری است برای معرفی و شناخت دقیق رزمندگان. به‌خصوص که این وصایا در شرایطی نوشته شده‌اند که افراد از همه قیود و تعلقات دنیوی رها شده و انگیزه ناب و ایمان زلال و معنوی آنان در وصایایشان متجلی است. این وصایا آیینه عبرت و آگاهی ملتی است که در مسیر تاریخ و خمگردهای راه پر پیچ و خم زندگی حماسه‌آفرینی جوانان غیرتمند و مؤمن و شجاع و دلاورش را در نظر داشته باشد. این وصایا می‌تواند از ایجاد شکاف نسلی و فکری بین دیروز و فردای ما ممانعت کند. بی‌تردید نسل‌های کنجکاو و پیچیده بعد، نسل‌های پرسشگر را می‌توان با وجود این وصایا در برابر «چرا جنگ» متقاعد کرد.

## اعتبار اسنادی

با عنایت به اینکه وصیت‌نامه شهدا از طریق مرکز اسناد و اطلاعات اعلام این بزرگواران از دفتر مطالعات و تحقیقات بنیاد شهید و امور ایثارگران اخذ شده است همین امر ما را در معتبر بودن اسناد و اطلاعات این کتاب به یقین می‌رساند.

از آنجا که شیوه ما از جهتی تصحیح متون و اسناد خطی معتبر است، رعایت کامل امانت، اولین تعهدی است که باید بدان پایبند باشیم. در تصحیح متون خطی و اسناد هرگز مجاز به تغییر یا دست بردن در اصل سند حتی با توجیه اصلاح نیستیم. به دیگر زبان، دست بردن در اصلِ اسناد تحت هر شرایط ممنوع و غیر علمی است. یقیناً در نسخه بازنویسی و تایپ شده و منقح تا آنجا که به روح کلی و اصالت عبارت‌ها لطمه وارد نشود اقدام می‌گردد. صد البته با رعایت امانت و توضیح در پانویس هر صفحه.

در اکثر وصایا امکان مقایسه و تطبیق چند نسخه از یک متن وجود ندارد چون وصیت‌نامه در یک نسخه نوشته شده. به دیگر زبان مصحح با تصحیح تک نسخه روبروست.

در تصحیح تک نسخه از جهتی کار مصحح ساده است و از جهتی مشکل. تعبیر سهل و ممتنع اصطلاحی است که باید بکار برد. سهل است چون موظف نیست در تصحیح پنج یا ده نسخه را که در زمان‌های متفاوت و با خطوط مختلف تحریر شده است، با یکدیگر مقایسه و با شم و تجربه و تخصص نسخه اصلی را معین و سایر نسخه‌ها را با نسخه اصلی یا مادر مقایسه کند، از جهتی ممتنع است که بعضاً از شهید هیچ اثر دیگری در اختیار ندارد که با بررسی و مقایسه ساختارِ نگارش، جمله‌بندی، نوع قلم، کاغذ و نگارشِ عصری و سبکی بر مبنای تصحیح قیاسی، اصلاحات لازم را اعمال نماید. بر مبنای اصل استحسان در مواردی گمانه‌زنی‌ها یا کنار هم گذاشتن مشابهت‌های تحریری و خطی یا نوع قلم مصحح را کمک کند تا به اصالت یکی از نسخه‌ها یقین کند.

## ساختار وصایای شهدا

وصایای شهدا در کلی‌ترین سطح از الگوی معینی پیروی می‌کند که در نمودار زیر به خلاصه ترسیم شده است:

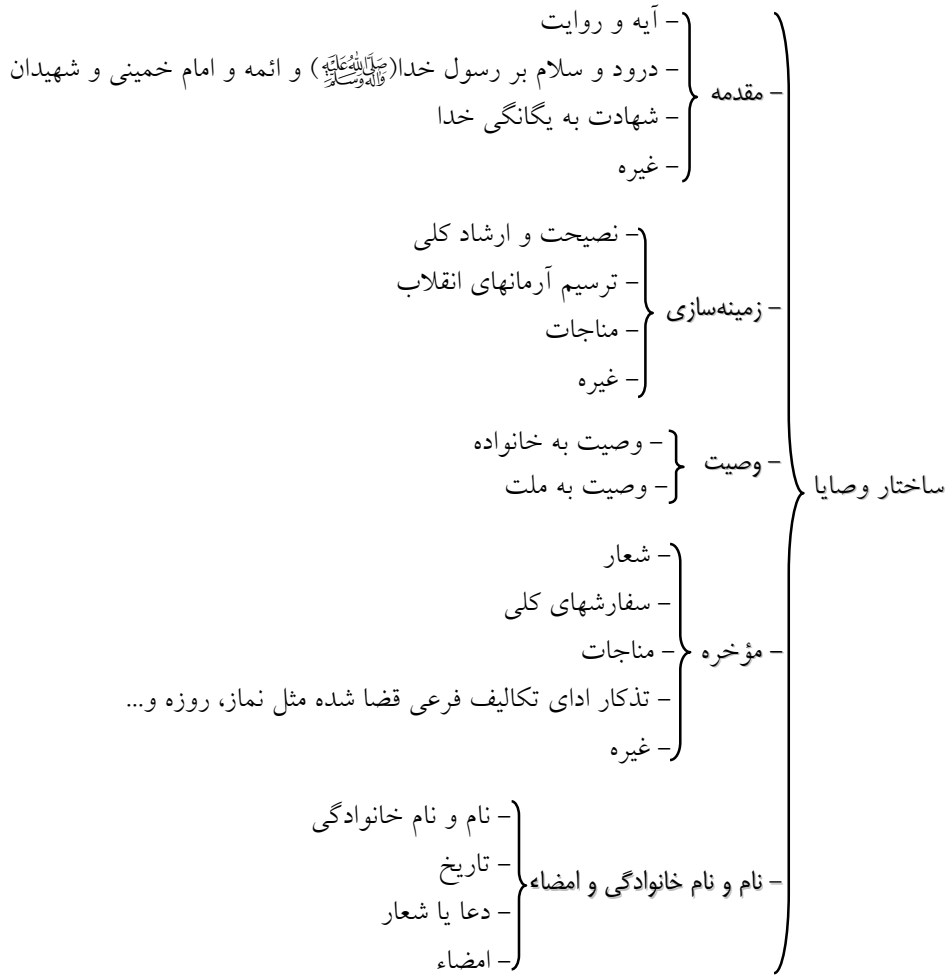


الگوی کلی وصایای شهدا که عناصر آن تقریباً در تمامی وصایا تکرار شده است، الگوی فوق است. البته این الگو در وصایای مختلف، گاه تفاوت می‌کند و گاه نیز در موارد معدودی از این الگو پیروی نشده است و حتی در مواردی عناصر ذکر شده، ترتیبی متفاوت از نمودار را دارند، اما اصولاً در مطالعات علمی، وجه غالب در نظر گرفته می‌شود و وجه غالب در الگوی وصایای شهدا همین است که ترسیم شد. نکاتی که باید در باب این ساختار و الگوی کلی گفت این که بعضی از عناصر این ساختار ممکن است مفصل یا مختصرتر از دیگر قسمت‌ها باشد و این در وصایا تفاوت دارد. گاه مقدمه‌ای مفصل و

مؤخره‌ای یا وصیتی مجمل و گاه در وصیتی تمام عناصر وصایا وجود دارد و در وصیتی دیگر فقط چند عنصر به چشم می‌خورد.

## ویژگی‌های کلی وصایا

این وصایا چون با خط خود شهیدان نوشته شده و پشتوانه روح بلند و نفس گرم و مسیحایی و مطهر شهیدان را دارد جان‌های شیفته را با خود همراه می‌سازد. چاپ این وصایا در واقع انتشار و ترویج فرهنگ شهادت است، ترسیم خط روشنی است در برابر نسل‌های در راه، به دیگر زبان نقشه راه است برای آنان که در خماخم و پیچاپیچ دنیا سرگردانند، چراغ هدایت است از وادی دنیا تا سرای آخرت.

نویسندگان این وصایای ارزشمند از سطوح علمی و معرفتی و تحصیلی متفاوتی برخوردار بوده‌اند. برخی حتی از نعمت تحصیل رسمی محروم بوده‌اند، در حالی که در جایگاه معرفتی بالایی نشسته بودند. یقیناً تنوع وصایا از جهت ظاهر و نوع خط و عبارت پردازی و ادبیات، گویای تکثر اقشار مختلف جامعه در دفاع مقدس است. از دل این وصایا به‌خوبی می‌توان دفاع مقدس را یک دفاع مردمی و مسئله ملی و فراگیر دانست. این وصایا آیینه‌ای است از حضور اقشار شهری و روستایی، دانشگاهی، بازاری، روحانی، کشاورز، کارگر، دانشجو، معلم و صنوف دیگر از اقشار جامعه. بسیاری از شهدا به‌قدری در جمال حضرت دوست غرق بودند که حتی وصیت نوشتن را نوعی تعلق دنیوی می‌دانستند، و البته بسیاری از وصایا در شرایط خاص جنگی و حملات و عوارض طبیعی جنگ از دست رفته است. بسیاری از وصایا به خط خود شهید قبل از شهادت با ذکر دقیق تاریخ و روز و بعضاً ساعت معینی قلمی شده است. برخی از شهدا چون از نعمت نوشتن محروم بوده‌اند از هم‌رزمان و دوستان خود برای نوشتن وصیت‌نامه کمک گرفته‌اند. در مواردی چنین برمی‌آید که برخی از رزمندگان با وجود توان نوشتن از دیگران تقلید کرده‌اند. چنین برمی‌آید که برخی از رزمندگان در سنگر مشترک در فراغ بال و فرصت مناسب وصیت‌نامه نوشته و از وصایای یکدیگر باخبر بوده‌اند. برخی در دفترچه یادداشت این وصیت‌نامه‌ها را می‌نوشتند. برخی در برگه‌های مخصوص وصیت‌نامه، وصایا را قلمی کرده‌اند. برخی در شرایط خاص جنگی و در تنگنای زمان به این مهم دست زده‌اند، حتی فرصت تکمیل

وصیت را نداشته و کلی و عام سخن رانده‌اند. برخی با حوصله با ذکر مقدمه و حتی آمیخته با نوعی تحلیل از جنگ و منطقه و اوضاع سیاسی اجتماعی ایران و کشورهای منطقه و شهر و محل خدمتشان بیان فلسفه حضور در جبهه‌ها و نقش عوامل داخلی و ستون پنجم استکبار در کشور حرف زده‌اند. برخی وصایای عمومی و سیاسی را از وصایای شخصی و خانوادگی جدا کرده‌اند. برخی ریزترین مسئله شخصی را یادآور شده‌اند. از جمله نقاط مشترک این وصایا که فلسفه وجودی جنگ و نوع اعتقاد رزمندگان را روشن می‌کند، تعهد به تکالیف شرعی است. از جمله اینکه چند روزی روزه و نماز قضا دارند که از بازماندگان خواسته‌اند ادا شود. برخی وصایا در چند نسخه و خط موجود است. برای مثال اصل دستخط شهید موجود است. پس از شهادت عین همان نوشته بدون کم و کاست از سوی مراکز فرهنگیِ نهادها و ارگان‌ها اعم از سپاه و بسیج یا بنیاد شهید و حتی واحد تعاون سپاه و ارتش تایپ شده و تصویری هم از شهید کنار وصیت قرار گرفته و حتی جمله‌ای از امام خمینی(ﷺ) یا حدیثی از ائمه بر پیشانی برگه قرار گرفته است.

برخی از وصایا را در بازنویسی، خلاصه کرده‌اند. در مواردی عین وصیت‌نامه شهید با خط خوش و شیوا، بازنویسی شده است و اغلاط احتمالی و سهوی وصایا نیز رفع شده است. در مواردی تمام وصیت شهید در اختیار نیست از آن چند سطر یا بعضاً صفحه‌ای افتاده است. در مواردی در تایپ مجدد اغلاطی دیده می‌شود که یقیناً با اصل نسخه مغایر است. این اغلاط می‌تواند اغلاط تایپی باشد. به‌خصوص که بسیاری از این وصایا در شرایط اضطراری تایپ شده و کسی با دقت و حوصله به تطبیق نسخه و نمونه تایپی با دست‌نویس نپرداخته است. در مواردی شهید قبل از اعزام به جبهه وصیت خود را با زبان خود بازگو کرده و در نواری از خود به یادگار گذاشته، پس از شهادت، از نوار پیاده شده است. چه بسا در حین خواندن، جمله یا کلمه یا عبارتی را نتوانسته بخوانند یا اشتباه خوانده‌اند. در مواردی هم اصل اغلاط املایی درخود وصیت‌نامه بوده و در تایپ هم همان موارد تکرار شده است. در مواردی هم فقط نسخه تایپی از وصیت‌نامه در اختیار است حتی بدون امضای شهید. نمونه‌هایی هم موجود است که نسخه خطاطی شده از وصیت باقی مانده است. در اندک موارد انگشت‌شمار هم، به نسخه وصیت‌نامه مطالبی اضافه شده است که با توجه به تطبیق خط و نوع قلم وصیت‌نامه برمی‌آید که توسط خود شهید اضافاتی

صورت گرفته، دلایل این کار می‌تواند فاصله نوشتن وصیت و شهادت باشد. یعنی شهیدی به کرّات به جبهه اعزام شده و شرایط خانوادگی یا سیاسی تغییر کرده و شهید به بازنویسی یا به روز کردن وصایا پرداخته است. در معدود وصایایی هم افراد دیگری در اصل وصایا مطالبی را اضافه یا خط کشیده‌اند. بعضی از شهدا دارای وصایای متعدد حتی تا سقف ۹ مورد هم هستند، که در تاریخ‌های گوناگون و اعزام‌های متعدد نوشته‌اند. طبیعی است که سیاق و عبارت‌های برخی از وصایا مشابه و در قسمت‌هایی یکسان باشد. می‌تواند در مواردی شباهت‌های دو وصیت‌نامه از دو رزمنده در اثر توارد باشد. بدون اینکه حتی در عمرشان یکدیگر را دیده باشند، یا از وصایای همدیگر باخبر باشند. این شباهت‌ها می‌تواند در اثر شرایط خاص و سطح دانش یکسان و یا مشابهت کلاس‌های آموزش عقیدتی یا معارف یا فعالیت‌های فرهنگی تبلیغیِ قبل از اعزام فراهم آید. رشته تحصیلی، پیشینه مطالعاتی و ذوق ادبی و مطالعه و علاقه برخی را به‌خوبی می‌توان از نوع نگارش، فحوای کلام و سبک عبارت‌پردازی آنان دریافت. حتی می‌توان از دیدی کلی وصایا را به دو نوع سنتی و غیر سنتی تقسیم کرد. در نوشتن وصایا و نوع نگارش و عبارت‌ها و جمله‌بندی آنها تفاوت‌هایی محسوس است. برخی با زبان گفتار و محاوره‌ای مطالب را نوشته و برخی با زبان ادبی با رعایت کامل اصول نگارش و حتی نثر مسجع و آهنگین و شعرگونه. برخی از ذوق شعری و حافظه بسیار قوی برخوردار بوده‌اند. برخی از شهدا در وصیت‌نامه هم از آثار و کتاب‌هایی که مطالعه کرده‌اند، تأثیر پذیرفته حتی به نقل عبارت‌ها و جمله‌های معروف از یک نویسنده پرداخته‌اند. بی‌تردید دقت و تأثیری که کلام و سخنان حضرت امام بر آنان داشته در اکثر وصایا مشهود است. عبارت‌ها و کلمات قصار امام را در حافظه داشته و حرف‌ها و نصایح خود را با عبارت‌ها و توصیه‌های امام مزیّن و مستند کرده‌اند. روح حماسی و سلحشوری که لازمه این گونه افراد است حتی در وصیت‌نامه‌هایشان نیز ریشه دوانده و متجلی است. عطش و شوقی که به شهادت داشته‌اند، نقطه اشتراک همه آنان است. عواطف انسانی نسبت به اقوام و خانواده و حتی همشهری‌ها و هموطنان از خصلت متعالی انسانی آنان خبر می‌دهد.

چون برخی از شهیدان احتمال می‌دادند که وصایا و دست نوشته آنان در اختیار دشمن قرار گیرد با پنهان پژوهی و دقت خاص امنیتی و با کنایه از منطقه عملیاتی یاد کرده‌اند. این تعهد و احساس مسئولیت آنها قابل تحسین است.

از وصایای شهدای استان سمنان از آنچه در مجلد نخست «شهدای کهگیلویه و بویراحمد» تحت عنوان «درنگ» آمده است خودداری شده است، زیرا درنگ نوعی تحلیل از شخصیت و متن وصایا تلقی می‌گردد. از آنجا که در این مجموعه مأموریت ما تحلیل و نقد وصایای شهدا نیست، از وصیت‌نامهٔ در اختیار، مهم‌ترین عبارت‌ها و نکات استخراج، و با عنوان «عبارت‌های کلیدی» در جمله‌های کوتاه شاخص شده است. بی‌تردید پس از چاپ این آثار گنجینه‌ای بسیار غنی و عبرت‌آموز در اختیار همگان است. در آن صورت می‌توان پایان‌نامه‌های متعددی را به بررسی و تحلیل وصایا و حتی به ترسیم و بازشناخت شخصیت شهیدان اختصاص داد و فرصت خوبی است که این آثار از زوایای گوناگون تحلیل شوند. معمولاً آنچه با عنوان عبارت‌های کلیدی از وصایا استخراج می‌شود بین ۵ تا ۱۰ عبارت است. شاید تنها کاری که روی نسخه اصلی وصایا شده و به‌نوعی اصالت بخشی بدانان است. سعی شده تمام اعداد و نوشته‌هایی که پس از شهادت به وصایا اضافه شده پاک شود از جمله برخی در شرایط خاص و یقیناً شناختی که از شهید داشته‌اند مسائلی را در حاشیه وصیت‌نامه آورده که معلوم است پس از شهادت صورت پذیرفته.

در برخی از وصایا ذیل عبارت‌ها و جملاتی از وصایا خط کشیده شده که در خلاصه‌سازی یا مناسبت نکوداشت شهید، فرازهایی از وصیت آن را به اطلاع عموم برسانند به همین دلیل در اصلاح و منقح‌سازی، این خطوط را هم برداشته‌ایم تا به اصالت وصیت‌نامه شهید نزدیک‌تر شویم.

هرگونه یادداشت اضافی از وصایا پاک شده است. مثلاً ذیل برخی وصایا نوشته شده این وصیت از سوی واحد فرهنگی سپاه پاسداران تایپ و تکثیر شده است یا اطلاعات یا نحوه ارسال وصیت‌نامه از سوی نهاد اعزامی اضافه شده یا از برخی وصایا فیش‌برداری شده یا خلاصه‌سازی صورت پذیرفته است که یقیناً خارج از وصیت‌نامه تلقی می‌گردد. از مهم‌ترین کارهایی که در تصحیح و آماده‌سازی وصایا صورت پذیرفته عبارتند از:

۱- در حد امکان سعی شده همه وصایا با آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شوند.
۲- آیات و احادیثی که در متن وصیت‌نامه موجود است از جهت نام سوره یا رقم آیه یا آیات مشخص شده است.
۳- در عبارت‌هایی که افتادگی کلمه به‌خصوص حروف ربط یا فعل صورت گرفته با حفظ امانت، واژه اصلاحی داخل [] آورده شده است.
٤- در موارد بسیار خاص که تکرار واژه به‌خصوص حروف ربط و اضافه عبارت را از اعتبار یا فصاحت می‌اندازد واژه یا حرف تکراری داخل [] شده است.
۵- در پیوسته یا مجزانویسی عبارت‌ها یا ترکیب‌ها جهت کلی به شیوه فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. در مواردی که پیوسته‌نویسی موجب غلط خوانی نشده است، اصل بر شیوه نگارش شهید قرار دارد.
٦- کلیه اغلاط تایپی یا ارقام اشتباه و شماره‌های آیات با ذکر اصل کلمه، در پانویس اصلاح شده است.
۷- در مواردی که خواندن کلمه یا عبارتی مشکل بوده روی نسخه تایپی بالای کلمه یا عبارت شماره‌گذاری شده و در پانویس با عنوان «خوانا نیست» آمده است.
۸- هرجا که شهید کلمه الله را به‌صورت «ا...» آورده، کلمه مقدس الله جایگزین شده است.
۹- هر جا که کلمه یا عبارتی خوانا نبوده اعم از اینکه واژه یا واژه‌هایی ذیل آرم «مرکز اسناد ایثارگران» یا به‌جهت نوع خط، رطوبت، حتی تاشدگی و یا رنگ پریدگی صورت پذیرفته با قرار دادن [...] مشکل را یادآور شده یا در پانویس «خوانا نیست» آمده است.
۱۰- آنجا که در عبارتی به ترجمه آیه قرآن یا حدیث مبارک یا به سخنان شاخص حضرت امام اشاره داشته، از منابع معتبر و مراجع مستند، گویا سازی شده است.
۱۱- در مواردی که عبارت دست نوشتِ شهید، عین جمله امام خمینی(ﷺ) نیست بلکه اقتباس از سخن امام، است در پانویس با ذکر عدد عین عبارت یا سخنان امام خمینی(ﷺ) آورده شده است.

۱۲- در مواردی شهید آیه یا حدیثی را بکار برده اما چون از حافظه کمک گرفته یا در شرایط سخت جنگی بوده رقم آیه و حتی نام سوره را به جهت شباهت آیات، اشتباه نوشته، در پانویس صحیح آن آمده است.

۱۳- در وصایایی که اشعاری به‌خط شهید یا بعضاً تایپی آمده، سعی شده است با ذکر دقیق منبع، شاعر معرفی گردد.

۱٤- برخی از اشعار که به‌صورت نوحه یا اشعار مدحی است و معلوم نیست واقعاً سراینده خود شهید است یا فرد دیگر به نوشته شهید اعتماد شده است.

۱۵- درتنظیم وصایایی که متعددند اصل بر آن است که ترتیب تاریخی آنها رعایت شود.

۱٦- عبارت‌های کلیدی را حتی‌الامکان از آخرین وصیت شهید برگرفته‌ایم و در تنظیم به‌جز وصیت اول در آغاز هر یک عبارت «وصیت دیگر» آمده است.

۱۷- خود را موظف دانسته مجموعه اطلاعات کلی اعم از اعلام شهید، تصویر و عبارت‌های کلیدی را در یک صفحه جای دهیم.

۱۸- اصل بر این است که پس از ذکر نام مبارک ائمه هدی، حضرت ختمی مرتبت در صورتی که خود شهید حروف (ع، ص، س) را آورده به همان حروف و علائم اختصاری بسنده شود و در سایر موارد «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» برای رسول اکرم، «علیه‌السلام» برای ائمه «علیهم‌السلام» برای حضرت زهرا و حضرت زینب در نظر گرفته شده است. در صورتی که شهید صراحتاً از ذکر نام پیامبر یا ائمه خودداری کرده باشد مثلاً نوشته پیامبر اکرم، رسول اکرم یا امام زمان یا امام عصر(عج) به همان صورت دست نوشته اکتفا شده است.

۱۹- معیار مجلدات موجود حدود یکصدوبیست‌وپنج وصیت‌نامه است البته در صورتی که در جلد آخر تعداد وصایا به‌حدی باشدکه قطر یک جلد از حد معمول اضافه نشود، می‌توان تعداد باقی‌مانده را به عدد مذکور اضافه کرد.

۲۰- اگر پس از چاپ نخست وصایا، وصیت‌نامه‌ای از سوی اداره کل بنیاد شهید و مرکز اسناد ایثارگران تأیید شود می‌توان در چاپ‌های بعد آنها را لحاظ کرد. یا اگر پس از چاپ کل وصایای یک استان اطلاعات جدید برسد در کتابی با شماره ممیز آخرین کتاب استان شماره‌گذاری و منتشر می‌شود.

۲۱- اینک که بین تاریخ شهادت این عزیزان و ما که چشم‌مان به جمال وصایایشان منور می‌گردد، بیش از سی سال فاصله است، نسل امروز حتی توفیق دیدار افراد و بزرگانی چون شهید رجایی، شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید دستغیب، شهید مطهری را نداشته با ذکر عدد به پانویس ارجاع شده است. در پانویس معرفی کوتاهی از شهیدان شاخص را آورده‌ایم تا انگیزه‌ای باشد برای مطالعه دقیق زندگی و آثار و اندیشه‌ها و نقش و جایگاه آنان در انقلاب و نزد حضرت امام. برخی از مناطق جنگی را که در وصیت بدان اشاره شده به اختصار معرفی کرده‌ایم. همهٔ این گویا سازی‌ها برای دفع سوال مقدری است که به جهت فاصله نسلی فراهم می‌آید و امری طبیعی تلقی می‌گردد.

۲۲- از آنجا که تکرار مطالب پانویس خارج از عرف علمی تصحیح و تعلیقه‌نویسی است به‌جز عبارت‌های خاص و اشکال‌های تایپی و اغلاط املایی، سایر موارد به ذکر ر.ک. تعلیقات به پایان کتاب قسمت تعلیقات ارجاع شده است.

۲۳- در وصایایی که در فرم‌های چاپی در اختیار شهدا گذاشته شده تمام متن وصایا را مورد تأیید شهید می‌دانیم و همه وصایا مجدداً تایپ و بدان شهید اختصاص می‌یابد.

۲٤- وصایای تایپی همگی از سوی اداره کل اسناد ایثارگران مهر شده و برای ما ملاک اعتبار وصایاست. این وصایا از سوی، واحدهای فرهنگی نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط از روی نسخه اصلی دست‌نویس و یا تایپ شده است.

## معرفی کوتاه از استان سمنان

استان سمنان با وسعتی برابر ۹۸۵۱۵ کیلومتر مربع ۵/۸ درصد مساحت کل کشور را داراست. از نظر مساحت ششمین استان کشور است. وسعت آن حدود چهار برابر استان تهران است. جمعیت فعلی استان به حدود ۵۸۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد. استان سمنان با مرکزیت شهرستان سمنان از شمال به استان مازندران، از جنوب به استان اصفهان، از شرق به استان خراسان و از غرب به استان تهران محدود شده است. استان سمنان در حال حاضر دارای ٤ شهرستان، ١٤ شهر، ١٠ بخش و ٢٨ دهستان است. شهرستان‌های آن عبارتند از سمنان، شاهرود، دامغان و گرمسار. شهرهای تابعه استان عبارتند از: سمنان، مهدی‌شهر،

شهمیرزاد، سرخه، شاهرود، بسطام، تجن، کلاته، خیج، میامی، بیارجمند، دامغـان، گرمسـار، ایوانکی و آرادان.

مردم صبور و متدین استان سمنان مانند سایر استان‌های کشور در جنـگ رشـادت‌هـا و ایثارگری و شهادت‌طلبی چشمگیری از خود نشان دادند. قاطبه اهالی استان افـرادی متـدین و وجودشان از مهر امام خمینی(ﷺ) و ائمه هدی سرشار بود و به ندای حضرت امام مبنـی بر گرم نگهداشتن جبهه‌های نبرد حق علیه باطل لبیکی عاشقانه می‌دادند. در دوره زمـانی ۸ سالهٔ دفاع مقدس، این استان با تمام توان در خدمت جنـگ بـوده اسـت. بازسـازی منـاطق جنگی برخی از شهرهای جنوب مانند خرمشهر و سوسنگرد و در منطقه غرب کشور بانه و صالح‌آباد و مهران از سوی اداره‌ها و سازمان‌هایی چون بنیاد مسکن و جهاد سازندگی و راه و ترابری استان پذیرفته شده است. از جهت اعزام نیرو در دوران جنگ، اگر آمار اعزام‌هـای متعدد را به صورت تفکیکی منظور و محاسبه کنیم قریب بـه یکصـد هـزار نفـر نیـرو بـالغ می‌شود. جهاد سازندگی استان سمنان در طول ۸ سال دفاع مقدس ۱۲۰۰۰ نفر نیـرو جهـت پشتیبانی امور رزمی و تخصصی اعزام داشته است.

بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز گویای بالا بـودن رتبـه شـهدا و نیروهای اعزامی این استان به جبهه‌ها نسبت به استان‌های دیگر کشور است: «من بـا پـدران شهدا، مادران شهدا و همسران شهدا زیاد نشست و برخاست کرده‌ام و می‌کنم؛ داستان‌هـا و ماجراها در این دیدارها از زبان آنها شنیده‌ام که حیرت‌آور است. شماها می‌دانید. در همـین استان مؤمن و غیور و شجاع شـما- ایـن اسـتان از لحـاظ تعـداد نسـبی رزمنـدگان، جـزو استان‌های درجهٔ یک کشور محسوب می‌شود. این سه هزار شهید نسبت به جمعیـت اسـتان و آن تعدادی که از این استان برای شرکت در دفاع مقدس یک یا چند بار به جبهه رفته‌انـد، یکی از رتبه‌های بالا بین استان‌های کشور است و شهدای برجسته این استان زیادند».[۱]

آمار شهدای کل استان سمنان با توجه به درصد جمعیت ساکن، افتخارآفرین و تحسـین برانگیز است. در بین کل استان‌های کشور در رتبـه دوم قـرار دارد. در سـال ۱۳۶۵ در ایـن استان تیپ مستقلی از سوی ارتش جمهوری اسلامی ایران تأمین شـد کـه مسـتمراً در خـط

---

۱- برگرفته از سایت مقام معظم رهبری: http://farsi.khamenei.ir

پدافندی جزیره مجنون (جاده خندق) حضور داشت. لشکر ۵۸ ذوالفقار بعد از دفاع مقدس در استان مستقر شد و با تقدیم ۱۷۰۰ شهید حماسه‌های بیادماندنی از خود به جای گذاشت.

قرارگاه حمزه زیر نظر جهاد استان سمنان انجام مأموریت نموده است و گردان‌های دیگری تحت امر این قرارگاه وجود داشته است.

آمار شهدای استان سمنان ۲۸۷۰ نفر است. از مجموع ۹۵۰۰۰ شهید بسیجی کل کشور، استان سمنان با تعداد ۱۵۷٤ نفر بسیجیِ شهید از ۱۰٪ میانگین کل کشور بالاتر است. اگر رقم شهدای جهاد سازندگی کل کشور را ۳۱۰۰ نفر بدانیم، استان سمنان با رقم ۱۱۰ شهید معادل ٤٪ آمار استان و ۱/۵٪ شهدای کل کشور را بخود اختصاص داده است. آمار جانبازان استان جمعاً ۷۵۵۰ نفر است از مجموع شهدای استان بیش از ۵۰٪ دارای وصیت‌نامه هستند.

**ترکیب اقشار شهدای استان سمنان**

| سپاه | دانش‌آموز | وظیفه‌سپاه | کادر و وظیفه‌ارتش | روحانی | دانشجو | جهادگر | نیروی انتظامی | فرهنگی | سایر اقشار | کل |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۳۱٦ | ٦۳۰ | ۲٤۵ | ٤۵۰ | ۱۰۲ | ۱۰۲ | ۱۱۳ | ۸۵ | ۱۵۰ | ٦۷۷ | ۲۸۷۰ |

وجود بقعه‌ها و مقبره‌های متعدد از امامزادگان در این استان از پیشینه مذهبی و دینی استان خبر می‌دهد از جمله بقعه حضرت یحیی‌بن موسی است که از فرزندان حضرت موسی‌بن جعفر(علیهما‌السلام) است. علاوه بر آن مساجد معروف، قلعه‌ها و عمارت‌های تاریخی بسیاری در استان وجود دارد که گویای قدمت و دیرینگی استان است.

آرامگاه مشاهیر و عرفایی چون علاءالدوله سمنانی واقع در روستای صوفی‌آباد از بناهای تاریخی و آثار معماری قرن ۷ و اوایل قرن ۸ است. آرامگاه بایزید بسطامی و شیخ ابوالحسن خرقانی از مشاهیر بزرگ صوفیه و عرفای نامدار و شیخ حسن جوری از رهبران

قیام سربداران نیز در این استان واقع است. آرامگاه ابن‌یمین فریمدی نیز در روستای فرومد واقع است.
تعداد وصایای در اختیار از این استان حدوداً ۱۳٦۸ مورد است.

## منابع:

- احسانی، حسینعلی (۱۳۸۹). **ستاره‌های جاده فانوس- عملکرد اجمالی استان سمنان در دفاع مقدس**. قم، چاپ اول، انتشارات: زمزم هدایت.
- شاه‌حسینی، علیرضا؛ احسانی، حسینعلی (۱۳۸٤). **جلوه‌های حماسه استان سمنان «به روایت مطبوعات»**. سفارش اداره کل حفظ و آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس- استان سمنان، چاپ اول، انتشارات: زمزم هدایت.

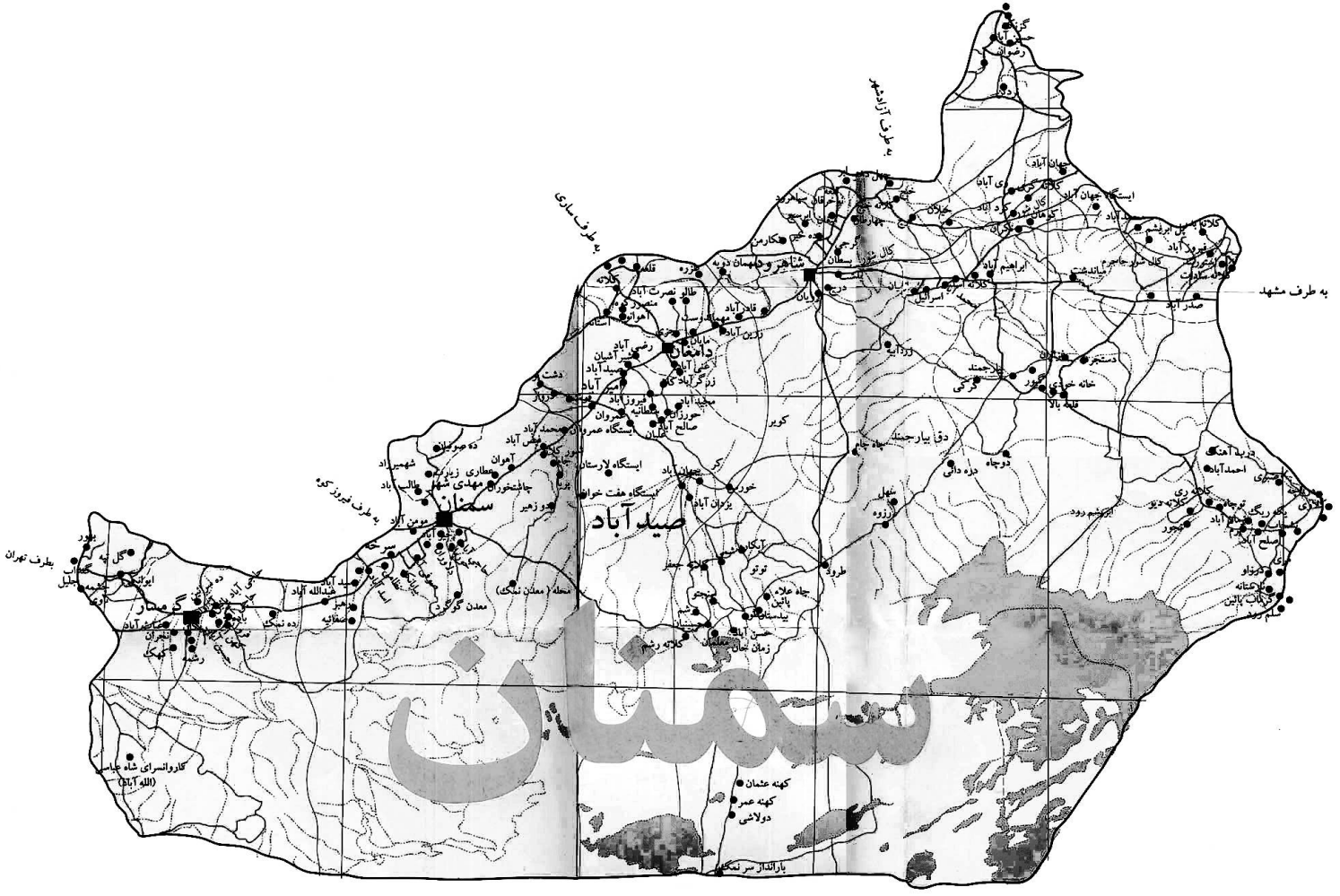
سمنان
به طرف آزادشهر
به طرف ساری
به طرف مشهد
به طرف تهران
به طرف فیروزکوه
شاهرود
دامغان
سمنان
صید آباد
گرمسار
کاروانسرای شاه عباسی
(الله آباد)
کهنه عشمان
کهنه عمر
دولاشی

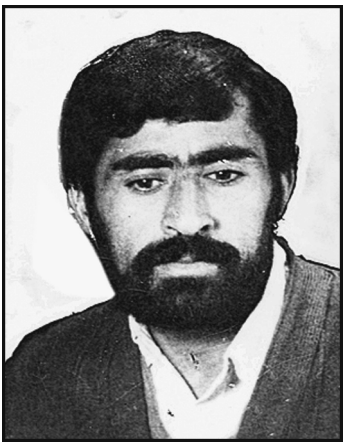

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **آجقلی**
نام پدر: **غلامحسین**
نام مادر: **شرف**
تاریخ تولد: **بیست‌وچهارم آذر ۱۳۳۵**
محل تولد: **روستای خیج از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم فروردین ۱۳٦٦**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- همسر عزیزم چنانچه اگر من به درجهٔ رفیع شهادت نائل شدم، هر چقدر که ممکن می‌شود، برای بنده روزه بگیرید.
- نماز بخوانید.
- شما تا زمانی که در منزل بنده هستید و از فرزندان من نگهداری می‌کنید، تمامی امور زندگی به اختیار شماست.
- شما وکالت دارید بعد از من اموال من را حساب کنید.
- خمس و سهم امام را به نایب امام بدهید.

## محمد آجقلی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

**۱- مشخصات کامل:** محمد آجقلی فرزند غلامحسین.

**۲- هدف از آمدن به جبهه:** کمک و یاری به دین اسلام و رزمندگان اسلام.

همسر عزیزم وصیت‌نامه[۱] من از این قرار است: چنانچه اگر من به درجهٔ رفیع شهادت نائل شدم، اگر چنانچه ممکن شد، هر چقدر[۲] که ممکن می‌شود، برای بنده روزه[۳] بگیرید و نماز [بخوانید][٤] و شما تا زمانی که در منزل بنده هستید و از فرزندان من نگهداری می‌کنید، تمامی امور زندگی به اختیار شماست. اگر خواستید بروید[۵] بچه‌های من را به خداوند یکتا[٦] واگذار بکنید و مهریّه[۷] خودتان [را] از اموال بنده بگیرید. خرجی[۸] هم که رسم ده است از روز اوّل تا سال بدهید و دیگر، بچه‌های بنده را طوری تربیت کنید که رضای پروردگار باشد و کسانی [را] هم [که] از من دلخور[۹] شده‌اند، از ایشان رضایت حاصل کنید.

خداوند نیامرزد کسانی را که در این وصیت‌نامه تغییری دهند. و بدهکاری هم که هرچه دارم خود شما از حقوق بنده بپردازید. مبلغ /۲۰۰۰۰ ریال رد مظلمه[۱۰] بدهید، چون بنده فرصت[۱۱] نکردم که اموال خودم [را] حساب کنم.

---

۱- در اصل وصیت «وصینامه».

۲- در اصل وصیت «چه‌قدر».

۳- در اصل وصیت «روضه».

٤- برای روزه و نماز فعل بگیرید را به‌کار برده. درست آن است، روزه بگیرید و نماز بخوانید.

۵- منظور شهید از «بروید» خطاب به همسر یعنی اگر قصد ازدواج داشتند.

٦- در اصلِ وصیت «یگتا».

۷- «مهریه» به‌صورت «مهثریه» آمده است.

۸- منظور از «خرج» اصطلاحی است که برای مراسم شهادت یا فوت افراد اعم از اول تا سوم یا هفتم یا چهلم یا سر سال شهید به‌کار می‌رود، یعنی غذا دادن یا روضه و جلسه قرآن دائر کردن است.

۹- در اصل وصیت «دل‌خور».

۱۰- از «رد مظلمه» منظور «رد مظالم» است.

۱۱- در اصل وصیت «فرست».

شما وکالت دارید بعد از من اموال من را، آنچه را کـه پیغمبـر فرمـوده، حسـاب کنیـد.[۱] خمس و سهم امام را به نایب امام بدهید. این وصیت‌نامه وقتـی عملـی مـی‌شـود کـه بنـده نباشم، چنانچه برگشتم مربوط به خود بنـده اسـت. خداونـد یـار و نگـه دار شـما باشـد و خداوند بیامرزد کسی را که این وصیت‌نامه[۲] را عمل کند.

**[محمد آجقلی]**

**«والسّلام علیکم[۳] و رحمت‌الله[٤] و برکاته»[٥]**

این وصیت‌نامه[٦] در حضور جمعی از برادران نوشته شده است.[۷]

**محمد آجقلی**

**گردان کربلا، گروهان امام حسین**

**٦٤/١١/١٦**

**در صورتی که به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود را بنویسید.** روستای خیج، کنـار شهدا

---

۱- منظور تسویه حساب شرعی از لحاظ پرداخت خمس و سهم امام و سایر امور است.

۲- در اصل وصیت «وصینامه».

۳- در اصل وصیت «عکیم».

٤- در اصل وصیت «اله».

٥- در اصل وصیت «برکاتو».

٦- در اصل وصیت «وصتنامه».

۷- ذیل وصیت‌نامه نام و امضای غلامرضا رنجبر، شعبان رنجبر و علی‌اکبر حدادی ثبت است.

بسمه تعالی

# وصیتنامه رزمندگان

بنیاد شهید و ایثارگران

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند

(امام خمینی)

محل الصاق عکس

توجه: خواهشمند است نکات ذیل را در نوشتن وصیت‌نامه خود رعایت نمائید

۱ـ مشخصات کامل: محمد آحقلی فرزند غلامحسین

۲ـ هدف از آمدن به جبهه: کمک و یاری به دین اسلام و رزمندگان اسلام

۳ـ پیام:

هر عزیزم وصیتنامه من از این قرار است چنانچه اگر من ببرم به فیض شهادت

نائل شدم اگر چنانچه ممکن شد هر چه قدر که ممکن می‌شود برای بنده روضه و دعا

بگیرید و شما تا زمانی که در منزل بنده هستید مواظب فرزندان من نگهداری کنید

تمامی امور زندگی به اختیار شما است اگر خواستید بروید بچه‌های من را بفرستید

گیتا و آنیا را بگذارید و مقداری به خودتان از اموال بنده برگردانید بگیرید خرجی هم که رسیده

است از روز اول تا سال بدهید و دیگر بچه‌های بنده را طوری تربیت کنید

که رضای پروردگار باشد و کسانی هم از من دل خوری داشته‌اند از ایشان

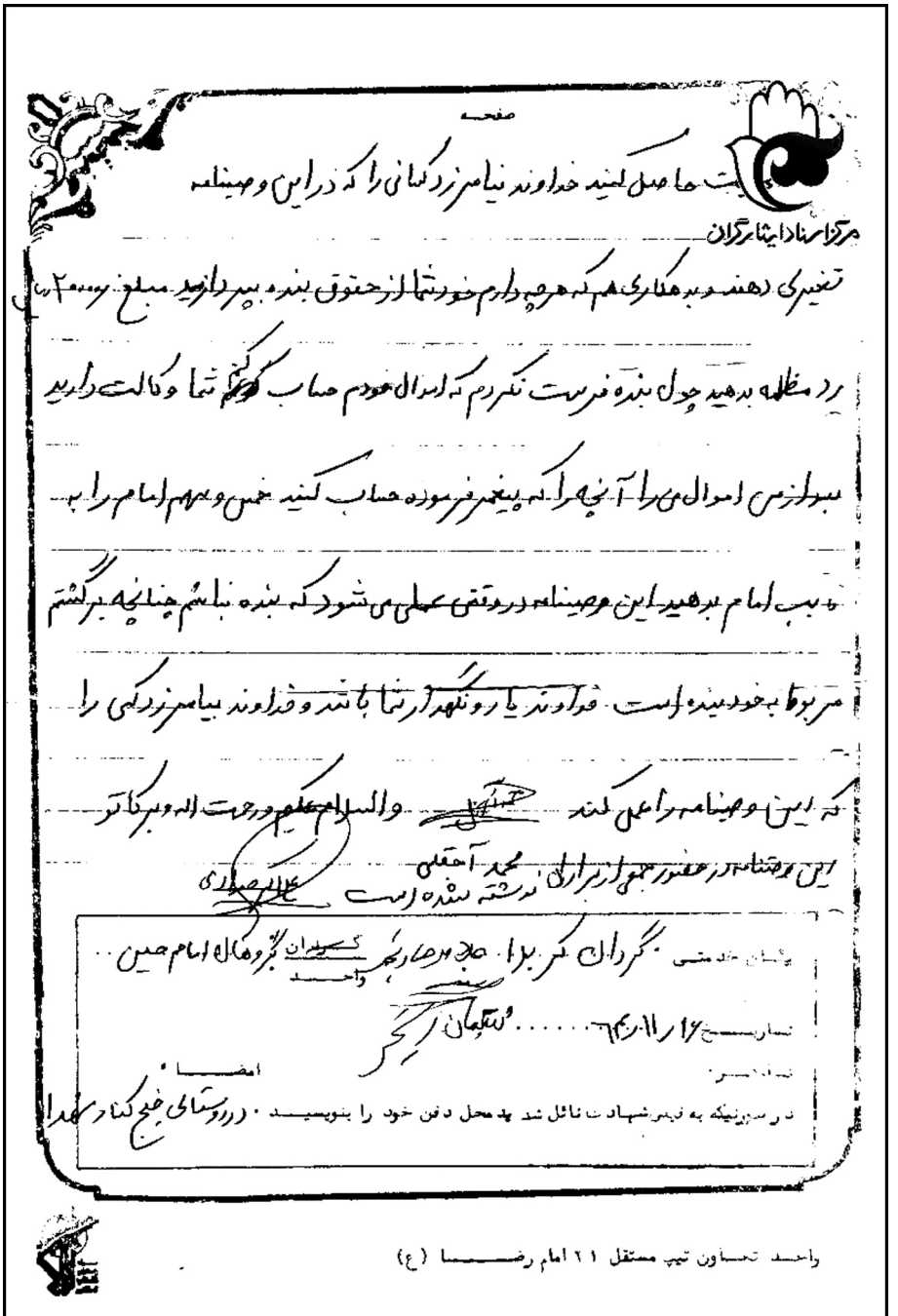

صفحه

ت حاصل کنید خداوند پیامبر زرکشانی را که در این وصیتنامه

مرکز اسناد ایثارگران

تغییری دهند و به هکاری هم که هرچه دارم خودشان از حقوق بنده بپردازید مبلغ نزدیک ۲۰۰۰۰ ریال

رد مظلمه بدهید چون بنده فرصت نکردم که امسال خودم حساب کرده شما وکالت دارید

بپردازید من اموال می را آنچه را که پیغمبر فرموده حساب کنید خمس و سهم امام را به

نایب امام بدهید این وصیتنامه در وقتی عملی می شود که بنده نباشم چنانچه برگشتم

مربوط بخود بنده است خداوند یار و نگهدار شما باشد و خداوند پیامبر زرکشانی را

که این وصیتنامه را عملی کند والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

این وصیتنامه در حضور جمعی از برادران محمد آجقلی

نوشته شده است علی رضا صفاری

بنگردان کتر برادر حاج مرحوم رجب کریمان گبروهای امام حسین

واحد

تاریخ ۱۶/۱۱/۶۴ ..... کریمان رجب

امضا

در صورتیکه به فیض شهادت نائل شد به محل دفن خود را بنویسید . در روستای خیج کنار سهدا

واحد تعاون تیپ مستقل ۲۱ امام رضا (ع)

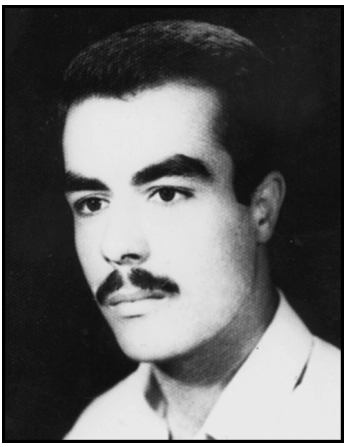

نام: **سیدعبدالحسین**
نام خانوادگی: **آجودانی (حسینی)**
نام پدر: **سیدرضا**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **یکم تیر ۱۳۴۷**
محل تولد: **روستای چهارطاق از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سال چهارم رشته کشاورزی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم آبان ۱۳٦٦**
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- هدف من از آمدن به جبهه در درجهٔ اول یاری دین مبین اسلام، حفظ سنت پیامبر و امامان معصوم [است].
- پیامبر فرموده: «بهترین عمل مؤمن جهاد در راه خداست».
- اگر من بگویم چرا من به جبهه بروم دیگری هم همین را بگوید، می‌بایست اسلامی را که از خون هزاران شهید به‌دست آمده مفت و مجانی فنا کنیم.
- اگر خدا این بنده حقیر را قبول کرد و مرگ در راه خودش را نصیب قرار داد، عاجزانه می‌خواهم که گریه و شیون و به سر زدن نباشد.
- همگی ما رفتنی و باید یک روزی از دنیا برویم.
- هیچ وقت از صحنه جنگ بیرون نروند.
- به امید آن روزی که شهادت در راه حق نصیب این حقیر گردد.

## سیدعبدالحسین آجودانی[۱]

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و گمان مبرید آنان که در راه کشته شده‌اند مردگانند[۲] بلکه زندگانند[۳] و نزد خدای خویش روزی می‌خورند».[٤]

قال الصادق: «دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر» [است]،[٥] با سلام و درود به یگانه منجی عالم بشریت و با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و با سلام و درود به تمامی رزمندگان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل. اینجانب سیدعبدالحسین آجدانی- دارای شماره شناسنامه پنج (۵)، تاریخ تولد ۱۳٤۷/٤/۱ هجری شمسی.

هدف من از آمدن به جبهه در درجهٔ اول یاری دین مبین اسلام، حفظ سنت پیامبر و امامان معصوم [است]،[٦] پیامبر فرموده: بهترین عمل مؤمن جهاد در راه خداست.[۷] البته من کمتر [از][۸] آنم که بتوانم یک مؤمن باشم و خصوصیات مؤمن را داشته باشم.

اگر خدا هم جهاد ما را مورد قبول درگاهش قرار دهد. در درجهٔ دوم به‌خاطر دفاع [از][۹] [از][۹] ناموسم، شرف و عزت، کشورم. چرا؟ چون اگر من بگویم چرا من به جبهه بروم دیگری هم همین را بگوید، می‌بایست اسلامی را که از خون هزاران شهید به‌دست آمده مفت و مجانی فنا کنیم و دشمن غارتگر تمامی خاک میهن عزیز ما را زیر چکمه‌های دژخیمانه خود گذارد.

---

۱- خود شهید نام و نام خانوادگی‌اش را در پایان وصیت چنین نوشته است: سیدعبدالحسین آجدانی.

۲- در اصل وصیت «مرده‌گانند».

۳- در اصل وصیت «زنده‌گانند».

٤- جمله اول وصیت‌نامه که در داخل گیومه گذاشته شده ترجمه این آیه از قرآن است: «ولاتحسبن‌الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون» (آل عمران/ ١٦٩).

٥- فعل «است» در اصل وصیت نیست.

٦- در اصل وصیت نیست.

۷- «ان افضل عمل المومن الجهاد فی سبیل الله». نهج‌الفصاحه، کلمات قصار پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

۸- در اصل وصیت حرف «از» نیست.

۹- در اصل وصیت حرف «از» نیست.

پیام: البته من کوچک‌تر[م] از آنم که بخواهم برای شخص یا اشخاصی اعمّ از فامیل، هم‌ولایتی و غیره پیامی داشته باشم. چون همه که جزء این ملت می‌باشند، همه با هم برادرند و همگی دارای ضمیری روشن و آگاه و ایمانی قوی [هستند]. ولی به‌عنوان سفارش به پدر و مادرم و اقوامم: اگر خدا این بندهٔ حقیر را قبول کرد و مرگ در راه خودش را نصیب قرار داد، عاجزانه می‌خواهم که گریه و شیون و به سر زدن نباشد. چون همگی ما رفتنی و باید یک روزی از دنیا برویم. حالا یکی زودتر و یکی دیرتر. یکی در جبهه هنگام نبرد و یکی تصادف و در بیمارستان. راهی است که باید برویم.

از پدر و مادرم می‌خواهم که همان‌طور [که][1] خبر مرگ حاج آقا مصطفی را به امام دادند، فرمود: «همه از خداییم باید به پیش او برویم»[2] آنها هم همان‌گونه باشند.

دو سه کلمه‌ای هم به جوانان عزیز و بزرگوار روستایمان:[3] هیچ‌وقت از صحنه جنگ بیرون نروند.[4] برادران و بزرگواران، مرگ در همه‌جاست. اگر در خانه‌ات بنشینی به سراغت خواهد آمد. در سر کار و همه‌جا، انسان همان‌طور که یک روزی به دنیا می‌آید باید یک روزی از دنیا برود. حالا چه بهتر مرگ در راه خدا باشد: آن‌روز که به دنیا آمدی گریانی جمعی به تو خندان- ای دوست: کاری بکن که در وقت رفتن جمعی به تو گریان و تو باشی خندان.

**«والسلام»**[5]

به امید آن روزی که شهادت در راه حق نصیب این حقیر گردد.

**۶۴/۱۱/۲۰**

S.A

**سیدعبدالحسین آجدانی**

---

۱- در اصل وصیت واژهٔ «که» افتاده است.

۲- عبارت شهید ترجمهٔ آیه «انالله و انا الیه راجعون»، بقره/۱۵۶ است.

۳- در اصل وصیت «روستائیمان».

۴- در اصل وصیت «نروننند».

۵- در اصل وصیت «وسلام».

یک ماه روزه بگیرند و شش ماه نماز به علت ضیق[1] وقت فرصت ندارم مطالبی را ذکر نمایم. یک وصیت‌نامه دیگر در گرمسار داخل کمد وسائلم دارم. در صورت لزوم از آن می‌توان استفاده کرد. در اینجا فقط خواستم یادآور موضوع بالا باشم.

**«والسلام»**

**۶۶/۸/۲۶**

۱- در اصل وصیت «ذیق».

بسمه تعالی

# وصیتنامه رزمندگان

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

محل الصاق عکس

سرباز رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ــ مشخصات کامل.

۲ــ هدف از آمدن به جبهه.

۳ــ پیام.

بسم الله الرحمن الرحیم

وگمان مبر به آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌گانند و نزد خدای خویش روزی می‌خورند. قال الصادق: دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر.

با سلام درود به یگانه منجی عالم بشریت و با سلام درود به رهبر کبیر انقلاب و با سلام و درود به تمامی رزمنده‌گان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل.

اینجانب سید عبدالحسین آجدانی - دارای شماره شناسنامه پنج تاریخ تولد ۱۳۴۷/۴/۱۱ طبری شمسی.

هدف من از آمدن به جبهه در درجه اول یاری دین مبین اسلام - حفظ سنت پیامبر و امامان معصوم، پیامبر فرموده: بهترین عمل مؤمن جهاد در راه خداست. البته من کمتر آنم که بتوانم یک مؤمن باشم و خصوصیات مؤمن را داشته باشم. اگر خدا هم جهاد ما را مورد قبول درگاهش قرار دهد و در درجه آخر بخاطر دفاع ناموس - شرف و غیرت کشورم. چرا؟ چون اگر من بگویم چرا من به جبهه بروم دیگری هم همین را

صفحه ۲

۶۶،۶۱

تقدیم می‌نمایم این اوراق را که از خون فرزندان شهید به دست آمده است

و جان فدا کنیم و دشمن غارتگر تمامی آفرینش را از دیار خویش

خود دور کرده، پیام بالصمیم من کوچکتر از آنم که بخواهم برای شخص یا اشخاص اعظم

از خاطرات خود و آنچه در پیش داشته‌ام چون همه کسانی که جزو یک ملت می‌باشند

همه با هم برادرند و همگی دارای ضمیری روشن و آگاه و ایمانی قوی، ولی به عنوان تعارف

به پدر و مادرم و اقوامم، اگر خدا امانی بنده حقیر را قبول کرد و مرگ در راه خود نصیب

ما فرمود تقاضا دارم عاجزانه می‌خواهم که گریه و شیون و بی‌تابی نکنند چون همگی

طرفی دارند یک روزی از دنیا باید برویم حالا یکی زودتر و یکی دیرتر یکی در جبهه و گمنام نمیرد

یکی تصادف و در بیمارستان، راهی است که باید برویم از پدر و مادرم می‌خواهم که همانطور که

مرحوم حاج آقا مصطفی را به امام دادند، همان‌طور خودشان باید به پیش او بروند آنها هم فرزند باشند

و ۳۰ هم فرزندان عزیز و بزرگوار روستائیان، هیچ وقت از صحنه جنگ به شهر

نرفتند، برادران و بزرگواران مرگ در همه جاست مگر در خانه‌ات بنشینی به راحتی

خواهد آمد در کار همه جا انسان همانطور که یک روزی به دنیا آمده باید یک روزی از دنیا برود، حالا چه به

مرگ در راه خدا باشد چه آن روز که به دنیا آمدی گریان جمعی به تو خندان — ای دوست بکار باش که در وقت رفتن

جمعی به تو گریان و تو با بی خندان • والسلام به امید آن روزی که شهادت در راه حق نصیب این حقیر گردد •

| | |
|---|---|
| نگهان خدمتی • ..... | گردان • ۱۹۰۰ ..... |
| | واحد • |
| تاریخ • ..... | |
| تذکر • | امضاء • |
| در صورتیکه به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود را بنویسید • | ۶۴/۱۲/۲۰ سید عبدالحسین آجودانی |

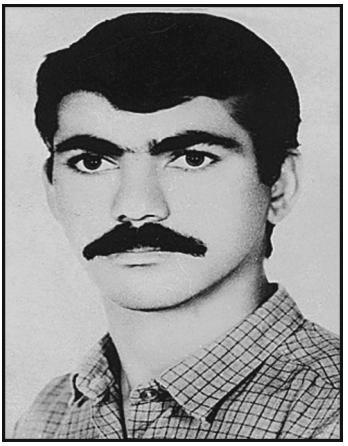

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **آجودانی**
نام پدر: **شعبان**
نام مادر: **هاجر**
تاریخ تولد: **بیستم آذر ۱۳٤٦**
محل تولد: **روستای چهارطاق از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم فروردین ۱۳٦٦**
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **بمباران شیمیایی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدایا به‌نام تو آغاز می‌کنم که نام تو مونس من است و یاد کردنت شفای قلبم.
- خدایا دستم را بگیر و بیاموز که آنچه مورد رضایت توست بنویسم.
- شهادت می‌دهم و شهادت می‌دهم به اینکه حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرستاده و رسول توست و ائمه اطهار جانشینان آن و فقها ادامه دهنده راه آنها هستند.
- شهادت می‌دهم که مرگ حق است و روزی تمام خلائق در محضر عدل حق حاضر خواهند شد.
- من با آگاهی به اینکه اسلام در خطر است به پیروی از خمینی، ولی فقیه زمانم، به جبهه رفتم تا پیام حسین زمانم را لبیک گفته باشم.
- به شما سفارش می‌کنم همانند تمام شهدا و رزمندگان پسر زهرا را تنها نگذارید.
- دل به این دار فانی نبندید که این دل دادن سرچشمهٔ تمام گناهان است.
- طوری با این عجوزه (دنیا) برخورد کنید که در محشر سرافراز باشید.

## علی‌اکبر آجودانی

### بسم الله الرحمن الرحیم

«**ولاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لاتشعرون**».[1] «کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید بلکه آنها زنده‌اند ولی شما درک نمی‌کنید».

خدایا به‌نام تو آغاز می‌کنم که نام تو مونس من است و یاد کردنت شفای قلبم. به‌نام تو آغاز می‌کنم که آغاز اولی و هم آخر و از تو استعانت می‌طلبم که یاور همه هستی. اکنون که قلم به‌دست گرفته‌ام تا وصیت‌نامه بنویسم، از بس که گناه کردم روی این را ندارم که به‌خودم جرأت بدهم که قلم را بر کاغذ جاری کنم تا اینکه خبری از این حقیر گناهکار باقی بماند. ولی ای محبوب من، تو مربی و حامی[2] هر آفریده‌ای هستی دستم را بگیر و بیاموز که آنچه مورد رضای توست بنویسم. من علی‌اکبر آجودانی، فرزند شعبان. بندهٔ سراپا[3] تقصیر به یکتایی تو خداوند آفریدگار شهادت می‌دهم و شهادت می‌دهم به اینکه حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرستاده و رسول تو است و ائمه اطهار جانشینان آن و فقها ادامه دهندهٔ راه آنها هستند و شهادت می‌دهم که مرگ حق است و روزی تمام خلائق در محضر عدل حق حاضر خواهند شد. اینک با اینکه من کوچک‌تر از آنم که بتوانم به کسی چیزی بگویم، اما چند کلامی برای ادای دین عرض می‌کنم. ای مردم برای اینکه [...][4] نسل‌های بعدی بدانند و شما نیز آگاه باشید، عقیده‌ام را بر صفحه کاغذ می‌نگارم که من با آگاهی به اینکه اسلام در خطر است به پیروی از خمینی، ولی فقیه زمانم، به جبهه رفتم تا پیام حسین زمانم را لبیک گفته باشم و به شما سفارش می‌کنم همانند تمام شهدا و رزمندگان پسر زهرا را تنها نگذارید و به تمام دوستان و اقوام[5] سفارش می‌کنم که دنیا محل گذر است و روزی

---

۱- بقره/۱۵٤ در اصل وصیت «بقره/ ۱۵۵».

۲- در اصل وصیت «هامی».

۳- در اصل وصیت «سرپا».

٤- خوانا نیست.

٥- در اصل وصیت «قومان».

همه از این دار فانی خواهند رفت. لذا دل به این دار فانی نبندید که این دل دادن سرچشمه تمام گناهان است. طوری با این عجوزه (دنیا) برخورد کنید که در محشر سرافراز باشید.

و تو ای پدر و ای مادر، من شرمسارم که نتوانستم زمان پیری خدمتکارتان باشم و حق پدر و مادری را به‌جا بیاورم، ولی شما به این افتخار کنید که امانتی که خداوند به شما داده بود با سربلندی به خداوند تحویل دادید. ای مادرم مرا ببخش. هنوز که بزرگ شده‌ام و سنی از من گذشته شرمنده[1] نگاه پر مهرت هستم، ولی تو بودی که من را این‌طور پرورش دادی که در زمان کودکی مرا به‌پای منابر عزای حسین(علیه‌السلام) بردی و برای بی‌کسی و بی‌یاوری آقا امام حسین(علیه‌السلام) گریه کردی که اشکت بر صورتم جاری شد و من عشق به آقایم [را][2] آنجا چشیدم و این نتیجهٔ آن نوع تربیت است. ای پدر و ای مادرم، از شما می‌خواهم که به شهادتم افتخار کنید. برایم گریه نکنید که نزد فاطمه زهرا(علیهاالسلام) و زینب کبری(علیهاالسلام) سرافراز هستید.

ای خواهرانم و برادرم، بعد از من مسئولیت‌های شما چندان خواهد شد. از شما خواهرانم و برادرم می‌خواهم که فرزندانتان را طوری تربیت کنید که یاور جمهوری اسلامی و پیرو ولایت فقیه باشند.

و از شما برادرم، که ذاکر حسینی، می‌خواهم که اسلحهٔ به زمین افتاده‌ام را به‌دست بگیرید و [...][3] هایت بر روی منبر به مردم برسانی که ما همه می‌گفتیم کاش در کربلا بودیم و جان را نثار راه حسین(علیه‌السلام) می‌کردیم و حال که ایران کربلا است و دین اسلام، که حسین(علیه‌السلام) و فرزندانش فدای آن شدند، اکنون در خطر است و من که از مال دنیا چیزی ندارم ولی مقدار زمین آبی را به من داده‌اید، دوباره به خودتان برمی‌گردانم.

پدرجان، برای من یک‌سال[4] روزهٔ قضا[5] و یک‌سال هم نماز بخوانید. امیدوارم مرا ببخشید و اگر خدای نخواسته کوچک‌ترین بی‌احترامی نسبت به شما پدر و مادر کرده‌ام به

---

۱- در اصل وصیت «شرمند».

۲- «را» در اصل افتاده است.

۳- خوانده نمی‌شود.

٤- در اصل وصیت «یکسال».

۵- در اصل وصیت «غذا».

بزرگی خودتان عفو بفرمایید و برای [...][1] خداوند کریم از گناهانم بگذرد. برایم استغفار کنید.

**«والسلام[2] علیکم و رحمةالله وبرکاته»**

**فرزند شما**

**علی‌اکبر آجودانی**

**۶۵/۱۰/۲**

---

۱- [...] از قلم افتادگی دارد. احتمالاً چنین باشد برای من دعا کنید که خداوند کریم از ....

۲- در اصل وصیت «و سلام علیکم و ...».

بسم الله الرحمن الرحیم

لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لا تشعرون

کسانی را که در راه خدا کشته می شوند مرده نگویید بلکه آنها زنده اند و نزد خدا روزی می خورند

شما حرکت می کنید ام بقره آیه ۱۵۵

خدایا با نام تو آغاز میکنم که نام تو مونس من است و یاد تو دستمایه قلبم - با نام تو آغاز میکنم

و آغاز از تو و هم آخر و از تو استعانت می طلبم که یاور همه هستی - اکنون که قلم بدست گرفته ام

تا وصیت نامه بنویسم از بس که گناه کردم روی اینم را ندارم که بخود جرأت بدهم که قلم را بر کاغذ

جاری کنم تا اینکه خبری از این حقیر گناهکار باقی بماند — و ای محبوب من تو مرا می دهی

مرا آزمایش می کنی دستم را بگیر و بیا موزکه آنچه مورد رضای توست بنویسم

من علی اکبر آجودانی فرزند شعبان - بنده سراپا تقصیر به یکتائی تو خداوندا آفریدگار وحدانیت میدهم و ربوبیت

میدهم با نبوت حضرت محمد (ص) فرستاده و رسول تو است و ائمه اطهار جانشینان آن و تحقق ادامه دهنده

راه آنها هستند - و ربوبیت میدهم که مرگ حق است و روزی تمام خلائق در محضر عدل حق حاضر خواهند شد

اینک با اینکه من کمتر از آنم که بتوانم یک وصیتی بکنم اما چند کلامی برای ادای دین عرض میکنم ای مردم برای اینکه

هم سلطانی بمیرد و شما نیز آگاه باشید عقیده ام را بر صفحه کاغذ می نگارم که من با آگاهی باینکه اسلام در خطر است

و پیرو از خمینی و فقیه زمانم به جبهه رفتم تا پیام حسین زمانم را لبیک گفته باشم و شما سفارش میکنم همانند

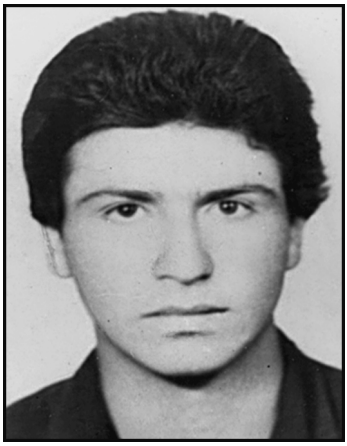

نام: **موسی**
نام خانوادگی: **آجودانی**
نام پدر: **قنبر**
نام مادر: **طیبه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۳**
محل تولد: **روستای چهارطاق از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **پانزدهم خرداد ۱۳۶۳**
محل شهادت: **ارومیه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله توسط گروه‌های ضدانقلاب**
مزار: **زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- درود بر رهروان پاک شهیدان به خون خفتهٔ انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی.
- اگر لیاقت شهادت را پیدا کردم، امیدوار هستم این راه، یعنی همان راه امام که [راه] اسلام است تا آخرین نفس ادامه دهید.
- انشاءالله پیروزی از آن اسلام است.
- صدام و صدامیان نابودیشان نزدیک است.
- همین روزها است که کربلا را زیارت خواهید کرد.

## موسی آجودانی[۱]

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل.

درود بر رهروان پاک شهیدان به خون خفتهٔ انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و مخصوصاً شهدای والفجر و با سلام و درود به خانوادهٔ عزیزم: پدر، مادر، خواهر، برادران، همسر و فرزندان. از راه دور دست شما را می‌بوسم. امیدوارم که حال همگی شما خوب باشد و پیروز و مؤید باشید. اگر از احوالات اینجانب خواسته باشید خوبم و ملالی نیست. الان که این وصیت‌نامه را [که] می‌نویسم شب قبل از ورود ما به عملیات والفجر[۲] در جبهه است. روز ۶۱/۱۱/۲۵ است در پادگان دوکوهه[۳]. این وصیت را برای این نوشتم که اگر برایتان مقدور است به آن عمل کنید. اولاً مبلغ ۳۸۰ ریال به یک چلوکبابی، که علی بلد است، بدهکارم و بعد مدت دو سال برایم نماز و روزه، با آن پولی که دارم، بدهید. مبلغ ۵۸۰/۰۰۰ ریال هم بیشتر [نزد] حاجی دارم که هرچه خرج کرده حساب کنید و بقیه را بابت مهریه اگر قبول کردند، بدهید و بقیه کارها را حاجی وکالت دارد از طرف من که انجام بدهد. پدر، مادر، خواهر و برادران و همچنین همسر و بچه‌ها، می‌دانم که جز بدی چیزی از من ندید[ید]. انشاءالله که مرا حلال کنید که خدا در دنیا و آخر[ت] جزا به همه شما عنایت فرماید. اگر لیاقت شهادت را پیدا کردم، امیدوار هستم این راه [را]، یعنی همان راه امام که [راه] اسلام است تا آخرین نفس ادامه دهید و به دل هراس راه ندهید. که انشاءالله پیروزی ازآن اسلام است و صدام و صدامیان نابودیشان نزدیک است و همین روزها است که کربلا را زیارت خواهید کرد و یاد شهیدان اسلام را زنده نگه می‌دارید. به مجتبی که از جانبازان اسلام است رسیدگی کامل کنید. و راجع[به] بچه‌ها، زهره و زینب،

---

۱- در بالای وصیت تاریخ ۶۱/۱۱/۲۵ نوشته شده است.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

خود حاجی به رضایت دو طرف تصمیم بگیرد. به مصطفی هم بگویید که با مجتبی مهربان‌تر باشد، کلاً با خانواده. خوب سخن دیگری ندارم. به امید پیروزی سپاه اسلام بر سپاه کفر و آزادی قدس. امیدوارم که ادامه دهندگان راه شهیدان باشید.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

از قول من به تمام دوستان و اقوام سلام برسانید. برای فتح کربلا پیش به‌سوی جبهه‌ها.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

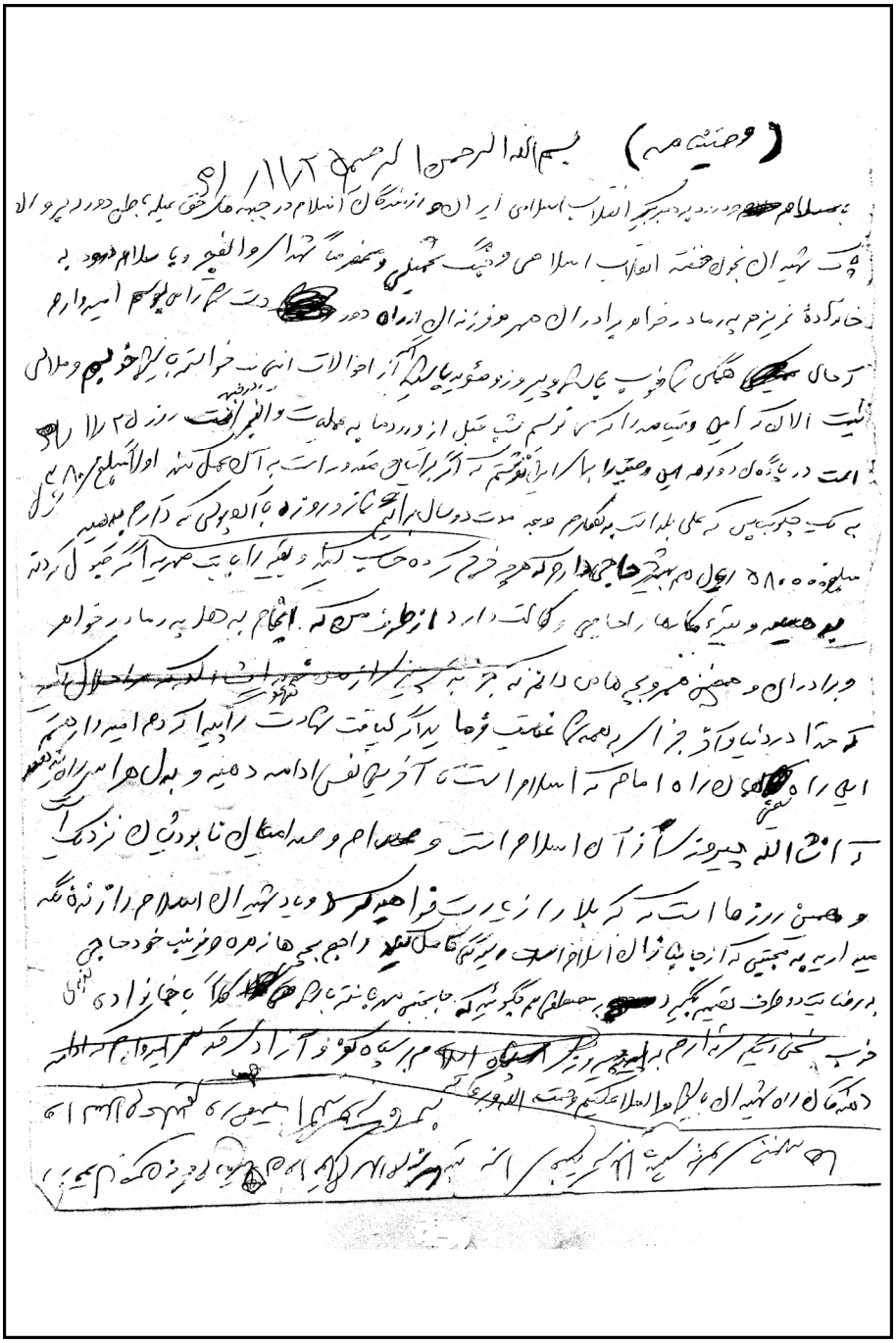

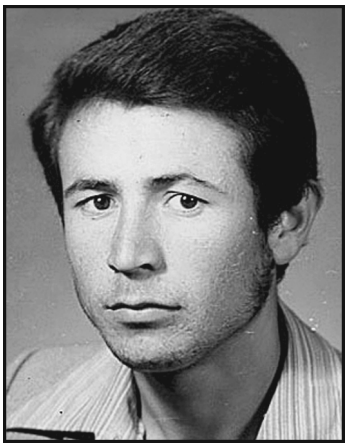

نام: **حبیب‌الله**
نام خانوادگی: **آخوندی**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **یکم تیر ۱۳٤۰**
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دهم اردیبهشت ۱۳٦۱**
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- اگر خدا خواست و به آرزویم رسیدم که بزرگ‌ترین نعمت الهی است.
- [امیدوارم] بتوانم با ریختن خون خود درخت اسلام را آبیاری کنم.
- اگر این افتخار بزرگ نصیب من و شما شد، تازه گوشه‌ای از زحمات این ملت شهیدپرور را جبران نکرده‌ام.
- همه پیروزی‌ها و موفقیت‌هایی که رزمندگان اسلام به‌دست می‌آورند همه‌اش را مدیون این ملت الهی است.
- اگر به دیدار خدا شتافتم، من از شما می‌خواهم که کوچک‌ترین ناراحتی و گریه و زاری نکنید که ممکن [است] خداوند بزرگ این قربانی شما را قبول نکند.

## حبیب‌الله آخوندی

### بسم الله الرحمن الرحیم

به‌نام الله در هم کوبندهٔ ستمگران و با سلام و درود بر خمینی، رهبر کبیر انقلاب، بت‌شکن زمان و نایب برحق امام زمان (عج).

وصیت خود را آغاز می‌کنم. انشاءالله که اگر خدا خواست و به آرزویم رسیدم که بزرگ‌ترین نعمت الهی است و بتوانم با ریختن خون خود درخت اسلام را آبیاری کنم، تا به امید پروردگار یکتا، اسلام برای همیشه زنده و پابرجا باقی بماند و حیاط خودش را ادامه دهد. پدر و مادر عزیز و خانواده گرامی، این را شما باید بدانید که [تازه] اگر این افتخار بزرگ نصیب من و شما شد، تازه گوشه‌ای از زحمات این ملت شهیدپرور را جبران نکرده‌ام، چون این همه پیروزی‌ها و موفقیت‌هایی که رزمندگان اسلام به‌دست می‌آورند همه‌اش را مدیون این ملت الهی است.

ای ملت عزیز و شما پدر و مادر و خانواده عزیز، من از شما می‌خواهم که در نمازهای جمعه شرکت کنید تا اینکه مشت محکمی باشد بر دهان یاوه‌گویان شرق و غرب. ملت عزیز و خانواده عزیز تا زنده هستید پشتیبان ولایت فقیه و امام امت خمینی کبیر و روحانیت مبارز همچون آیت‌الله منتظری[۱] و هاشمی رفسنجانی[۲] و خامنه‌ای[۳] و دیگر روحانیون باشید تا هیچ‌گونه آسیبی به اسلام و این مملکت اسلامی وارد نشود، و از جوانان عزیز می‌خواهم که ادامه دهنده راه شهدایی باشند [تا] جمهوری اسلامی برقرار شود و ملت عزیز و شهیدپرور، من از شما می‌خواهم که هر کس از من به هر نحوی بدی دیده ما را به بزرگی خودشان ببخشند، چون من از روی بی‌عقلی و کم‌خردی کاری را کردم و حالا از شما مردم عزیز طلب آمرزش می‌کنم.

**حبیب‌الله آخوندی**

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

پدر و مادر عزیز و خانواده گرامی، اگر من لیاقت این نعمت بزرگ الهی را داشتم و به دیدار خدا شتافتم من از شما می‌خواهم که کوچک‌ترین ناراحتی و گریه و زاری نکنید که ممکن [است] خداوند بزرگ این قربانی شما را قبول نکند و خدای نکرده ضد انقلاب‌ها هم از این فرصت سوءاستفاده کنند.

پدر و مادر عزیز، مرا حلال کنید و از شما طلب آمرزش می‌کنم، چون نتوانستم قدری از زحمات بیست سالهٔ شما را جبران کنم و خدمتی برای شما انجام دهم. مادر جان، من اگر صدها جان می‌داشتم می‌خواستم که در راه خدا و اسلام و جمهوری اسلامی فدا کنم[1] و همچنین ما باید این جهان را برای ظهور امام زمان آماده کنیم تا اینکه خدا ظهور حضرت مهدی(عج) صاحب‌الزمان را هر چه زودتر فراهم گرداند تا مردم از این گرفتاری‌ها نجات یابند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار، از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزا. خداوندا به پدر و مادرم و خانواده‌ام در نبود من صبر و استقامت عطا بفرما و آنها را از لغزش‌ها محفوظ بدار. خدایا پیروزی رزمندگان اسلام را امضاء بفرما و به ما توفیق بده تا در راهی که میل و رضای تو در آن است قدم برداریم.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**وصیت‌نامه حبیب‌الله آخوندی**

---

۱- عبارت شهید یادآور حدیثی است که از طریق اهل سنت روایت شده است: «(قال النبی(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)): ... ولوددت انّی قاتلت فی سبیل‌الله فقتلت ثم احییت ثم قتلت ثم احییت» (صحیح البحاری، ج ٤ ص ١١). ترجمه: و دوست می‌داشتم که در راه خدا بجنگم و کشته شوم سپس زنده شوم سپس کشته شوم و سپس زنده شوم.

حبیب الله آخوندی — آخوندی

بسمه تعالی

بنام الله که زنده است دل‌های شهیدان و با سلام و درود بر خمینی رهبر کبیر انقلاب بت شکن زمان
و نایب بر حق امام زمان (عج) وصیت خود را آغاز می‌کنم. انشاءالله که اگر خدا خواست
و به آرزویم رسیدم که بزرگترین نعمت الهی است و بتوانم با ریختن خون خود درخت
اسلام را آبیاری کنم. با امید پروردگار تا اسلام برای همیشه زنده و پویاتر جاودانه باقی بماند و حیات
خویش را ادامه دهد. پدر و مادر عزیز و خانواده گرامی‌ام شما باید بدانید که تازه آغاز این
افتخار بزرگ نصیب من و شما شد. تازه اگر خداوند اجابت کند این ملت شهید پرور را
جبران نکرده‌ام چون این همه پیروزی‌ها و موفقیت‌هایی که رزمندگان اسلام به دست آوردند
را مدیون این ملت الهی است این ملت عزیز و شما پدر و مادر و خانواده عزیز
از من از شما می‌خواهم که در نمازهای جمعه شرکت کنید تا اینکه مشت محکمی باشد بر دهان یاوه
گویان شرق و غرب. ملت عزیز و خانواده عزیزم تا زنده هستید پشتیبان ولایت فقیه و امام
امت خمینی کبیر و روحانیت مبارز همچون آیت الله منتظری و هاشمی رفسنجانی و
خامنه‌ای و دیگر روحانیون باشید تا هیچگونه آسیبی به اسلام و این مملکت اسلامی وارد
نشود. و جوانان عزیز می‌خواهم ادامه دهنده راه شهدا باشند و جمهوری اسلامی
برقرار شود [illegible] پدر و مادرم از شما می‌خواهم که هر کس از من به هر نحوی بدی
دیده [illegible] بزرگی خودشان ببخشند چون [illegible] بی‌عقلی و کم خردی کاری را کردم
و حالا از شما مردم عزیز طلب آمرزش می‌کنم.

حبیب الله آخوندی

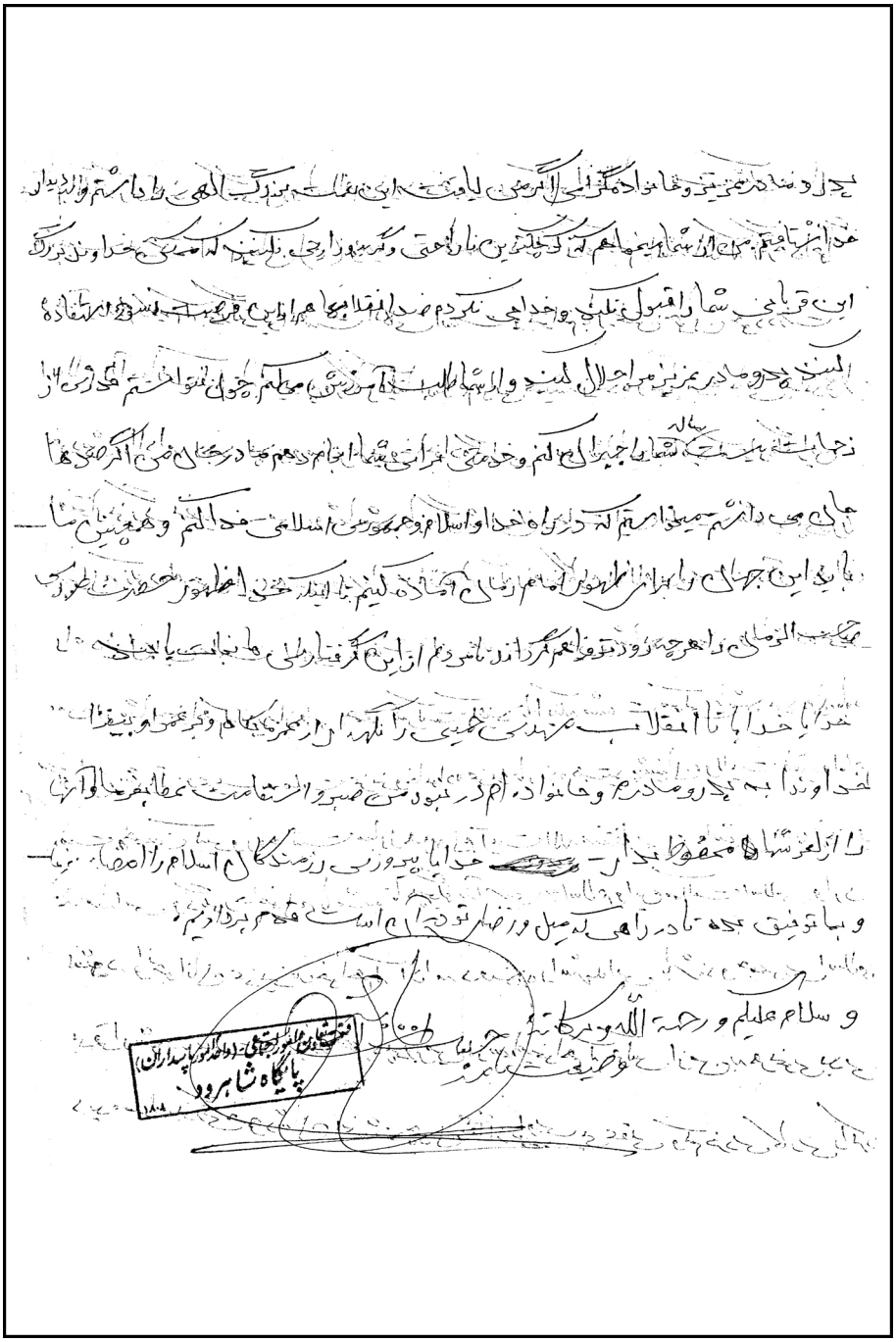

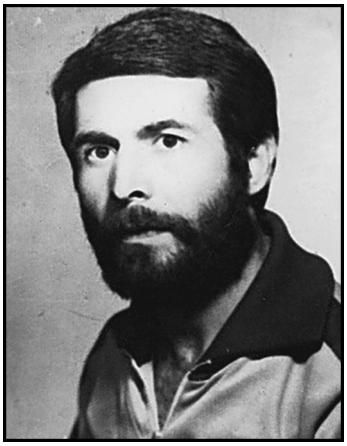

نام: **مجید**
نام خانوادگی: **آخوندی**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **۱۳۳۲**
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم تیر ۱۳۶۱**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله و ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- سلام بر مهدی(عج)، فرمانده نیروی اسلام در جنگ با کفر و کسی که رمز حمله و پیروزی ما به‌نام اوست.
- سلامتان باد ای ملت بیدار و همیشه در صحنه و ای شهیدپروران با ایمان و همیشه در خط امام.
- سلامتان باد ای شهیدان راستین اسلام، ای سرور شهیدان کربلا، ای امام ما، ای حسین ابن علی(علیه‌السلام) و درودتان باد.
- روی سخنانم فقط با مردم (خواهرها و برادران حزب‌الله است) و با منافقین و سازشکارها و رنگ عوض‌کن‌ها و کسانی‌که قاشق هر آشی می‌شوند صحبتی ندارم.
- در تشییع جنازه‌ام و در مجالسی که به‌خاطر شهدا برپا می‌شود فقط برادران و خواهران حزب‌الله شرکت کرده.
- نگذارند که افراد غیرمکتبی و سازشکاران و منافق شرکت کرده و سوءاستفاده کنند.
- من به آن آرزو رسیده‌ام و در کنار حسین زمان و در رکاب او آنقدر می‌جنگم که به معبودم بپیوندم.

## مجید آخوندی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

**«الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل‌الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت و قاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا».**[۱]

«ای اهل ایمان شما در راه خدا و کافران در راه شیطان جهاد می‌کنند، پس شما مؤمنان با دوستان شیطان بجنگید و از آنها هیچ بیم و اندیشه مکنید که مکر و سیاست شیطان بسیار ضعیف است».

سلام بر مهدی(عج)، فرمانده نیروی اسلام در جنگ با کفر و کسی که رمز حمله و پیروزی ما به‌نام اوست یا مهدی(عج) و سلام بر نایب برحقش، امید مستضعفان جهان، خمینی بت‌شکن، ابراهیم زمان و سلامتان باد ای ملت بیدار و همیشه در صحنه و ای شهیدپروران با ایمان و همیشه در خط امام و سلامتان باد ای شهیدان راستین اسلام، ای سرور شهیدان کربلا، ای امام ما، ای حسین ابن علی(علیه‌السلام) و درودتان باد ای بهشتی‌ها[۲] و ای رجایی‌ها[۳] و ای منتظری‌ها[۴] و دروتان باد ای شهدای گمنام کربلاهای ایران، سپاستان باد ای لشکر الله، ای بازوان پُرتوان انقلاب اسلامی و ای در هم کوبندگان کفر و شرک (مورخه ۶۰/۴/۲۲ مطابق با سه‌شنبه ۲۱ رمضان، شهرک دارخوین ساعت یک بعدازظهر). امروز که کاملاً تجهیز شده و آماده‌ایم برای حمله به خط برویم[۵] و انشاءالله امشب حمله می‌شود. امشب شبی است که ما دو ماه است آرزویش را داریم و امشب کربلا و عاشورا تکرار

---

۱- نساء/ ۷۶.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- دقیقاً یک‌ماه قبل از تاریخی که شهید اعلام کرده یعنی ۱۳۶۰/۳/۲۱ در منطقه دارخوین عملیاتی با نام فرمانده کل قوا، خمینی روح‌الله انجام شده است. در شرق کارون (جنوب دارخوین) بعد از آن در ۶۰/۶/۱۵ عملیاتی دیگر در جبهه جنوبی رودخانه کرخه صورت گرفته است. عملیاتی که با رمز یا مهدی ادرکنی انجام شده در ۶۰/۹/۲۰ حدوداً ۵ ماه بعد از تاریخی که در وصیت‌نامه آمده است. این عملیات در غرب (سرپل ذهاب) بوده است.

می‌شود و امروز روزی است که همه برادران با چشم نگاه می‌کنند. آخه[۱] فردا صبح معلوم نیست که چند نفر مهمان خدا باشند و امروز است که وصیت خود را می‌نویسم. روی سخنانم فقط با مردم (خواهرها و برادران حزب‌الله است) و با منافقین و سازشکارها و رنگ عوض‌کن‌ها و کسانی‌که قاشق هر آشی می‌شوند صحبتی ندارم. فقط با آنان سخن می‌گویم که کاملاً در خط امام و پیرو ولایت فقیه هستند.

اولین وصیتم این است که در تشییع جنازه‌ام و در مجالسی که به‌خاطر شهدا برپا می‌شود فقط برادران و خواهران حزب‌الله شرکت کرده و با تمام وجود بکوشند و نگذارند که افراد غیرمکتبی و سازشکاران و منافق شرکت کرده و سوءاستفاده کنند. حتی این افراد اگر از اقوام بسیار نزدیک ما باشند و همچنین از برادران روحانی و متعهد و پیرو ولایت فقیه در برنامه‌ها استفاده شود نه از روحانی‌نماهایی که آبروی اسلام و روحانیت را برده‌اند و در این لباس مقدس به اسلام و انقلاب ضربه می‌زنند.

ای برادران و ای خواهران حزب‌الله، نگذارید که منافقین در هر شکل و لباسی و در هر گروه و فرقه‌ای با عناوین مختلف و با زدن ماسک اسلام بر چهره‌هایشان فعالیت کنند، آدم‌ها را شناسایی کرده و به آنها فرصت ندهید. «**یحلفون لکم لترضوا عنهم [فان ترضوا عنهم] فان الله لا یرضی عن القوم الفاسقین**»[۲] «آن مردم منافق برای اینکه شما از آنها راضی شوید قسم‌ها یاد می‌کنند، پس اگر شما فریب آنها را خورده و از آنها راضی شوید، خدا هرگز از آن گروه فاسق راضی نخواهد شد».

و این منافقین و کسانی که ضدولایت فقیه هستند بدانند و آن کسانی که با اسلام درمی‌افتند بدانند که بنا به فرموده مولای متقیان: «**من صارع الحق صرعه**»[۳] (هر که با حق کشتی گرفت و درافتاد حق پوزه‌اش را به‌خاک مالید).

---

۱- لفظ آخه اگرچه از زبان عامیانه است ولی برای شهید بسیار مأنوس و صمیمی است. در پشت این لفظ حسرت پرواز همرزمان شهید نهفته است.

۲- توبه/ ۹۶.

۳- نهج‌البلاغه، حکمت ۴۰۸.

توصیه و وصیت بعدی من بـه مسـئولین عزیـز و بـرادران حـزب‌اللهـی و پیـرو اسـلام فقاهتی[۱] آموزش و پرورش است به [...][۲] شما بیشتر از این حقیر اطلاع داریـد کـه مـا چـه وظیفه خطیری به‌عهده گرفته‌ایم و چه امانت‌های ارزنده در رکاب کاروانی به ما سپرده شده و ما قافله‌سالار آن هستیم که متاع‌های گرانبهایی را حمل می‌کند و این ما هسـتیم کـه [...][۳] باشید این قافله را به صراط مستقیم هدایت کـرده و بـه نـور برسـانیم یـا اینکـه آنهـا را از کوره‌راه‌ها برده و در ظلمت رها سازیم. شما سـعی کنیـد ایـن امانـت‌هـا و ایـن کـاروان را تحویل کسانی بدهید که در روشنایی حرکت کرده و راه نور می‌پیمایند و به کسـانی کـه در ظلمت قدم برمی‌دارند شما باید قاطع باشید و بکوشید رهروان تاریکی‌ها را بیـرون کنیـد و عده‌ای را نجات بخشید. پیروزی کامل انقـلاب اسـلامی و صـدور آن بسـتگی مسـتقیم بـه فرهنگ ما دارد و رابطه مستقیم با نسل آینده (نوجوانانی که مشغول تحصیل هسـتند). پـس این ما هستیم که سازنده و خط‌دهنده به نسل جدید می‌باشیم و در این راه بایـد نسـبت بـه وظیفه و مسئولیتی که در جامعه اسلامی به عهده ما واگذار شده از هستی مایه بگذاریم و از ناملایمات نهراسیم.

**و صحبتی دارم با دانش‌آموزان، این غنچه‌های کوچک و نشکفته:**

عزیزان من، لابد یادتان هست که با هـم چـه برنامـه‌هـا و هـدف‌هـایی را داشـتیم و دنبـال می‌کردیم و شاید تنی چند از شما عزیزان گفته‌های مرا هنوز به یاد داشته باشید. مخصوصـاً در رابطه با نماز که با هم پیمان بسته بودیم نمازها را با جماعت خوانده و در نماز جماعت نیز شرکت فعالی داشته باشیم. حال که من نیستم برای شـادی و خشـنودی خـدا و شـادی روح من آن برنامه‌ها را ادامه دهید و یادتان باشد حتماً در آخر نماز که دست دعا بـه‌سـوی پروردگار بزرگ و بی‌نیاز بلند می‌کنید، حتماً امام را دعا کنید و هم‌چنین روحانیت در خـط امام و رزمندگان را و در آخر این حقیر فراموشتان نشود که خداوند بزرگ خشنود می‌شـود وقتی که می‌بیند دست‌های کوچکی برای استغاثه به درگاهش بلند شده و ناامیدتان نخواهـد

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

کرد و دعای شما را مورد اجابت قرار خواهد داد. باز هم تکرار می‌کنم دعا یادتان نرود. به‌خصوص برای امام عزیزمان.

معلم دیگری که بعد از من سر کلاستان خواهد آمد بگویید که همه‌اش به‌فکر بازی و توپ نباشد. به او بگویید معلم شهید ما برنامه‌ای دیگر داشت. بگویید که ما به ورزش روحی بیشتر احتیاج داریم تا به ورزش جسمی. اول غذای روح ما را تأمین کن، بعد غذای جسممان را، که ورزش باید وسیله باشد نه هدف. بنا به گفته رئیس‌جمهور عزیز و در خط امام ما (ورزش باید مقدمه سپاهیگری در اسلام باشد). در رابطه با ورزش روحی با شما دانش‌آموزان عزیز حرف‌ها زده بودم و شما خوب یادتان هست.

ملت عزیز تقوا پیشه کنید و از گناه بپرهیزید و چنان زندگی کرده و فکر کنید که هر آن خواهید مرد و باید برای آخرت توشه‌ای داشته باشید.

نماز را سبک نشمارید و آن را سر وقت و با جماعت بخوانید. مخصوصاً در نمازهای جمعه شرکت کنید که همه کارهای ما به‌خاطر نماز است. به حرف‌های امام عزیز دقیقاً و عمیقاً توجه کنید که امروز اسلام در وجود او خلاصه شده و ضربه خوردن به او یعنی ضربه خوردن به اسلام. برادران عزیز در خط امام نگذارید سنگر من خالی بماند و اسلحه‌ام بر زمین. «**و قاتلوا فی سبیل‌الله واعلموا ان الله سمیع علیم**»[1] «جهاد کنید در راه خدا و بدانید که خدا به گفتار و کردار خلق دانا و شنواست».

پدر و مادر و خانوادهٔ عزیزم: چند سال قبل از انقلاب در یکی از عاشوراهای حسینی که تعزیه می‌خواندند، وقتی که تمام یاران امام حسین(علیه‌السلام) شهید شدند و امام تنها ماند، به شمشیرش تکیه زد و ندای «**هل من ناصر ینصرنی**»[2] سر داد ولی کسی نبود که به ندایش لبیک گوید. من آن‌روز آرزو می‌کردم کاشکی من در آنجا بودم و به ندای امام پاسخ می‌گفتم و هزار جان می‌داشتم و در راهش فدا می‌کردم. این بزرگ‌ترین آرزویم بود و حال من به آن آرزو رسیده‌ام و در کنار حسین زمان و در رکاب او آنقدر می‌جنگم که به معبودم

---

١- ٢٤٤/ بقره.

٢- ر.ک. تعلیقات.

بپیوندم و از این نظر خوشحال و سعادتمندم و شما نیز اگر سعادت مرا می‌خواهید خوشحال باشید که فرزندتان به آرزویش رسید و ناراحتی نکنید که راضی نیستم.

شاید بسیاری از جوانان آرزویی همچون من داشتند ولی حال آنها را چه می‌شود که نمی‌خواهند به آرزویشان جامهٔ عمل بپوشانند. برای جبهه رفتن بهانه‌های گوناگون برای خودشان می‌آورند. چنانچه دو سری جدید اعزام شدند و از[1] برادران بسطامی ما خبری نشد. انشاءالله که بیشتر توجه داشته باشند که امروز به گفته امام همهٔ هم و غم ما باید جنگ باشد و قرآن نیز می‌فرماید: «**و لقد کنتم تمنون الموت من قبل ان تلقوه فقد رأیتموه و انتم تنظرون**»[2] «شما همان کسانی هستید که پیش از آنکه دستور جهاد برای مسلمین بیاید با کمال شوق آرزوی جهاد و کشته شدن در راه خدا می‌کردید، پس چگونه امروز به جهاد در امور سخت و شدید از مرگ نگران می‌شوید؟»

در خاتمه همه شما عزیزان را به خدا می‌سپارم و امیدوارم که همه‌تان را خداوند به صراط مستقیم هدایت کند. «**ربنا انّنا امنا فاغفرلنا ذنوبنا وقنا عذاب النار**»[3] «پروردگارا به کرم خود گناهان ما ببخش و ما را از عذاب آتش جهنم نگه دار».

**از همگی التماس دعا دارم**

**بردارتان مجید**

**(خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار)**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

به‌نام الله، در هم کوبنده طاغوت و طاغوتیان. سلام بر حضرت مهدی صاحب‌الزمان(عج) منجی بشریت، چراغ هدایت انسان‌ها و درود بر نایب برحقش امام خمینی، این قلب تپنده میلیون‌ها مسلمان مستضعف در سراسر جهان و درود به رزمندگان اسلام، این شیران پرتوان

---

۱- در اصل وصیت حرف اضافهٔ «از» دو بار آمده است.

۲- آل عمران/ ۱۴۳.

۳- آل عمران/ ۱۶.

و بازوان پرقدرت انقلاب اسلامی و درود بـه روان پـاک شـهدای گلگـون کفـن اسـلام، از شهدای کربلا تا شهدای کربلاهای ایران، به‌خصوص سرور شهیدان حضـرت حسـین(علیه‌السلام) و سیدالشهدای ایران، شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی.

**«اللهم برحمتک فی الصالحین فادخلنا وفی علیین فارفعنا و قتلاً فی سبیلک مع ولیک فـوق لنا»**.[1] «خدایا به من آن توفیق [را] عطا فرما که در راه تو و به‌همراه ولی تو کشته شوم».

درود بر پدر و مادر مهربانم. درود بر شیر پـاک مـادرانی کـه فرزنـدانی شـهید پـرورش می‌دهند. و درود بر پدرانی که شیرانی شهید تربیت می‌کنند.

پدر و مادرم و خانوادهٔ عزیزم، اگر لطف خداوند بزرگ شامل این بنده گناهکار شد و به درجه رفیع شهادت نائل آمدم، شما خدا را شکر کنید و هیچ ناراحت نباشید. مطمئن باشـید که من کاملاً خوشبخت شده و به درجه انسانی کامل نائل گردیدم.

همان‌طور که قبلاً بارها گفته‌ام زندگی و لذت‌ها و هوس‌های این دنیـا همـه‌اش گـذرا و فانی است. وای به حال کسانی که در این دنیا و با این عمر کوتاه، کـه آزمـایش خداونـدی است، مردود شوند. وای به حال انسان‌هایی که به این دنیـا بـا ایـن همـه فریـب‌هـایش دل ببندند. اینها دیگر در بهشت جایی ندارند و عذاب جهنم در انتظـار آنهاسـت. ولـی پـدر و مادرم، ملت عزیزم، من با آگاهی کامل از تمام لذت‌ها و نعمت‌های دنیایی چشم می‌پوشم و تمام هستی خود را در راه معبود فدا می‌کنم و در رابطه با آیـه شـریفه: **«ان الله اشـتری مـن المؤمنین به انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه»**[2] همه هستی خود را به خدای خودم می‌فروشم و با او معامله می‌کنم و معبودم در عوض به من بهشت عطا خواهد کرد.

پدر و مادر و خانواده عزیزم، اگر من به افتخار شهادت نائل آمدم مطمئن باشید در ازای خدمت‌هایی که به من کردید به خدا عاجزانه التماس خواهم کرد که شما را نیز نزد مـن بـه بهشت بیاورد. امیدوارم کلیه ملت عزیز، همشهریان و آشنایان، اگر چنانچـه از مـن خطـایی

---

۱- فرازهایی از دعای شب‌های ماه رمضان است. ترجمه: «خدایا به رحمت خود ما را در زمـرهٔ شایسـتگان درآور و در علیّین بهشت بالا ببر»... «و کشته شدن در راه خود ما را موفق بدار» (مفاتیح‌الجنـان، ص ۲۱۶، دعـای شـبهای مـاه رمضان).

۲- بخشی از آیهٔ ۱۱۱ سورهٔ توبه: خداوند جان‌ها و مال‌های مومنان را در برابر نعمت بهشت خریداری فرمود.

دیدند در طول این مدت کم زندگانی مرا ببخشند. پیام من به همهٔ دوستان و جوانان و ملت عزیز این است که سنگرهای مسجد، نماز جمعه و سنگر جبهه‌ها را خالی نگذارند و راهم را ادامه بدهند. از همکاران آموزش و پرورش می‌خواهم به این غنچه‌هایی که برای تربیت به‌دست آنها سپرده شده بیشتر توجه کنند و آنها را هرچه بیشتر تحت تربیت روحی قرار دهند و از تمام دانش‌آموزانم می‌خواهم که سنگر نماز جمعه را خالی نگذارند و راهم را ادامه بدهند.

پدرم اختیار کامل دارد، تمام چیزهایی را که مربوط به من است، هرطور که صلاح می‌دانند استفاده کند و خانم من هم هرچه زودتر به زندگی خودش برسد و به‌خاطر من و برای من زندگی خودش را تباه نسازد. فقط انتظار دارم از فرزندانم به نحو احسن نگهداری کنند تا اینکه آنها نیز بعد از بزرگ شدن راهم را ادامه دهند. ملت عزیزم، عاجزانه از شما می‌خواهم به حرف‌های امام خمینی کاملاً توجه کنید و همیشه پشتیبان و پیشمرگ او باشید[1] که او در عصر ما اسلام است. اگر خدای[2] نکرده به او صدمه برسد اسلام صدمه دیده است. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار، از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزا. خدایا در نبود من به پدر و مادرم صبر عطا فرما و در ادامه راهم آنها را ثابت‌قدم بدار.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**مورخ ٦١/٣/٤**

**مجید آخوندی**

---

١- در اصل وصیت «باشد».

٢- در اصل وصیت «خدایی».

بسم الله الرحمن الرحیم

الَّذِینَ آمَنُوا یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالَّذِینَ کَفَرُوا یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِیَاءَ الشَّیْطَانِ إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطَانِ کَانَ ضَعِیفًا

ای اهل ایمان شما در راه خدا و کافران در راه شیطان جهاد می‌کنند پس شما دوستان با دوستان شیطان بجنگید و از آنها هیچ بیم و اندیشه مکنید که کید و سیاست شیطان بسیار ضعیف است.

سلام بر مهدی (ع) فرنده سرورهای اسلام در جنگ با کفر و کسیکه رمز جهد و پیروزی با نام اوست (یا مهدی) و سلام بر نایب برحقش امر مستضعفان جهان خمینی بت شکن ابراهیم زمان.

رهسپاران با ای ملت بیدار و همیشه در صحنه وای شهید پروران با ایمان و هیئت و خط امام، و پیشتاران با ای شهیدان راستین اسلام، ای سرور شهیدان کربلاهای امام ما ای حسین بن علی (ع) درودتان باد ای بهشتی ها و ای رجائی ها و ای منتظری ها و درودتان باد ای شهدای گمنام کربلاهای ایران.

سپاستان باد ای لشکر الله ای یاوران پرتوان انقلاب اسلامی و ای درهم کوبندگان کفر و شرک.

مورخ ۶۰/۴/۲۲ مطابق با شنبه ۲۱ رمضان شروع ساعت ابتدا ظهر

امروز که کاملاً مجهز شده و آماده‌ایم برای حمله بروم و آشنا به الله شب حمله میشود امشب شبی است که ما دوماه است آرزویش را داریم و شب کربلا و عاشورا تکرار می‌شود و امروز روزی است که همه برادران با چشم دیگر بما نگاه می‌کنند آخر فردا جمعه است که ظهر تهران خدا باشد و امروز است که وصیت خود را می‌نویسم.

روی سخنم فقط با مردم (خواهران و برادران حزب الله است) و با منافقین و سازشکارها و رنگ عوض کن‌ها و کسانی که تماشچی هستند و صحبتی ندارم فقط با آنان سخن می‌گویم که کاملاً در خط امام و پیرو ولایت فقیه هستند اولین وصیتم این است که در تشییع جنازه‌ام و در مجالسی که برای شهید برپا می‌شود فقط خواهران و برادران حزب الله شرکت کرده و با نام و هویت باشند که نگذارند افراد غیر متعهد و سازشکار و منافق شرکت کرده و سوء استفاده کنند حتی این افراد اگر از اقوام بسیار نزدیک ما باشند. هم چنین از برادران روحانی شهید و پیرو ولایت فقیه در برنامه‌ها استفاده شود و از روحانی نماهائی که آبروی اسلام و روحانیت را برده‌اند و در این لباس مقدس به اسلام و انقلاب ضربه می‌زنند.

ای برادران و ای خواهران حزب الله نگذارید منافقین در هر شکل و لباسی و در هر گروه و فرقه‌ای با عناوین مختلف و با زدن ماسک اسلام بر چهره‌هایشان فعالیت کنند آنها را شناسائی کرده و با آنها قاطعانه برخورد نمائید

یُحْلِفُونَ لَکُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا یَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِینَ

آنها منافقند برای اینکه شما از آنها راضی شوید قسم یاد می‌کنند پس اگر شما نسبت به آنها راضی شوید و از آنها راضی شوید خداوند از گروه فاسق راضی نخواهد شد.

در رابطه با درویش روحی باشما دانش آموزان عزیز حرفی نزده بودم و شما خوب یادمان هست

ملت عزیز تقوا پیشه کنید و از گناه بپرهیزید و چنان زندگی [illegible] کنید که هر آن خواهید مرد و باید برای آخرت توشه‌ای برداشته باشید.

نماز را سبک نشمارید و آن را سروقت و با جماعت بخوانید مخصوصاً در نمازهای جمعه شرکت کنید که همه کارهای ما نیاز به نماز است. به حرفهای امام عزیز دقیقاً و عمیقاً توجه کنید که امروز اسلام در وجود او خلاصه شده و ضربه خوردن به او یعنی ضربه خوردن به اسلام.

برادران عزیز در خط امام نگذارید سنگر تان خالی بماند و امت و امام را بزرگ نمایید

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

جهاد کنید در راه خدا و بدانید که خدا به گفتار و کردار خلق دانا و شنوا است.

---

پدر و مادر و خانواده عزیزم: چند سال قبل از انقلاب در یکی از عاشورا های حسینی که تعزیه می خواندند وقتی که تمام یاران امام حسین (ع) شهید شدند و امام تنها ماند به شهید شمر میگوید نامه امان نامه برای برادرم عباس میخواهم شمر به او میگوید نامه امان نامه برای کسی نوشته میشود که بیاید تسلیم شود و من آمده‌ام که سر از بدنت جدا کنم و برای امام پاسخ می‌گفتم و هنوز جوان بودم و نمی‌دانستم و در راهش قدمی برداشتم ای بزرگوار آرزویم بود و حالا این آرزو در سینه دارم و در کنار حسین زمان و در رکاب او آنقدر می جنگم که به معبودم بپیوندم و از این نظر خوشحال و سعادتمندم و شما نیز اگر سعادت برای خواهید خوشحال باشید که عزیزتان به آرزویش رسید و ناراحتی نکنید که راضی نیستم.

شاید بسیاری از جوانان آرزوی همچون من داشتند ولی حاضر آنرا پیاده نمی‌کرد که نمی خواهند به آرزوهایشان جامه عمل بپوشانند برای همین راه‌ها و گوناگون برای خودشان می‌آورند چنانچه دیدید عده‌ای اعدام کردند و از این برادران دیگری ما خبری نشد انشاءالله که بتوانید وجه را شفاعت کنید که امروز گفته امام همه و همه ما باید جنگ جنگ تا پیروزی و قرآن سرلوحه

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (شما همان کسانی هستید که پیش از آنکه دستور جهاد برای مسلمین بیاید با کمال شوق آرزوی جهاد و کشته شدن در راه خدا می‌کردید پس چگونه امروز در جهاد در امور سخت و شدید از مرگ گریزان می‌شوید) در خاتمه هم شما عزیزان را ابدا می‌سپارم امیدوارم که همگی راضی و خوشنود باشید و از خدا بخواهید که ما را مشمول عفو و رحمت خود گرداند.

رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (پروردگارا ایمان آوردیم خودت گناهان ما را بیامرز و ما را از عذاب آتش جهنم نگه دار)

از همگی التماس دعا دارم برادرتان مجید (خدایا تا انقلاب مهدی را نگه دار)

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام الله در هم کوبنده طاغوت و طاغوتیان سلام بر حضرت مهدی صاحب الزمان
عجل الله فرجه و چراغ هدایت انسانها درود و سلام بر نایب برحقش امام خمینی
دامت برکاته سلام بر ملت قهرمان و مسلمان مصنف درس اسلام و درود بر روح شهدای راه اسلام

اسلام این شیران پرتوان و بازوان پرقدرت انقلاب اسلامی و درود بر روان پاک
شهدای گلگون کفن اسلام از کربلا تا کربلاهای ایران بخصوص سرور و سالار شهیدان
حضرت حسین (ع) و سید الشهدای ایران شهید مظلوم آیت الله اشرفی

اللهم برحمتک یا ارحم الراحمین فاجعلنا و فی علیین فارفعنا
و قتلا فی سبیلک مع ولیک فوفق لنا

الهی من آن توفیق عطا فرما که در راه تو و همراه ولی تو کشته شوم

درود بر پدر و مادر مهربانم درود بر روح پاک مادرانی که فرزندانی شهید پرور شریفه
و درود بر پدرانی که شیرانی شهید تربیت می کنند.
پدر و مادرم و خانواده محترم اگر لطف خداوند بزرگ شامل این بنده گنهکار شد
و بدرجه رفیع شهادت نائل آمدم شما هرگز ناراحت نباشید
مطمئن باشید که من کاملاً خوشبخت شده و بدرجات انسانی کامل نائل گردیدم
شما که قبلاً بارها گفته ام زندگی و دلبستگی و هوسهای این دنیا هیچ ارزشی ندارد و فانی
است و ای بحال کسانی که در این دنیا و با این عمر کوتاه که آزمایش خداوندی
است فریب دروغ و هوسهای بحال ان ناپایدار این دنیا را خورده و دل ببندند
اینها دیگر در آخرت جائی ندارند و عذاب جهنم را انتظار آنهاست.
و می پدر و مادرم ملت عزیزم من با آگاهی کامل از انجام این کار و نتیجه کار دنیایی
چشم می پوشم و تمام هستی خودم را در راه معبود خودم فدا می کنم و در راه اسلام
عزیز ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه

هر هستی خود را به خدای خود می فروشم و با او معامله می کنم و معبودم در عوض
به من بهشت عطا فرا خواهد کرد
پدر و مادر و خانواده عزیزم اگر من به افتخار شهادت نائل آمدم مطمئن باشید در ازای
خدماتی که به من کردید به خداحافظ از الیاس خواهم کرد که شما را شاد و سربلند
در بهشت بیاورد
اسیدوارم که مدت عمر همسر بال و پشتیبان هم باشید اگر خطائی
دیدند در طول این مدت کم زندگانی مرا ببخشند

پیام من به دوستان و همرزمان و مدت عزیز این است که مسجد
نماز جمعه و بسیج محله ها را خالی نگذارند و راهم را ادامه بدهند

از کلیه آموزش و پرورش می خواهم به این نکته هائی که برای تربیت
دست آنها سپرده شده بیشتر توجه کنند و آنها را هم چه بیشتر کمک تربیت
روحی کرده و هدف و ادامه تمام راه آنها می خواهم که سنگر نماز جمعه
خالی نگذارند و راهم را ادامه بدهند

پدرم اختیار کامل دارد که تمام چیزهائی را که مربوط به من است هر طور
که صلاح می داند استفاده کند و خانم من هم هر چه زودتر زندگی خود را بسازد
و بخاطر من و برای من زندگی خود را تباه نسازد و تا انتظار دارم از فرزندانم
من نگهداری کنند تا بتوانند آنها را بعد از بزرگ شدن راهم را ادامه دهند

مدت عزیزم عاجزانه از شما می خواهم به حرفهای امام خمینی کاملاً توجه کنید و هیچ
وقت بسیج و پشتیبان اوباشید که او در حقیقت اسلام است اگر خدائی نکرده
از او جدا بشوید اسلام از جدا شده است

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حسینی را تنها مگذار از همه ما بگذار و به همه ما توفیق
و السلام و علیکم و رحمة الله و برکاته خدایا در پناهت من و پدر و مادر و خانواده ام همه عطا
فرما و راه را ادامه راهم آنها را تا انقلاب مهدی ادامه بده
تاریخ ۶۱/۳/۲۴
محمد آخوندی

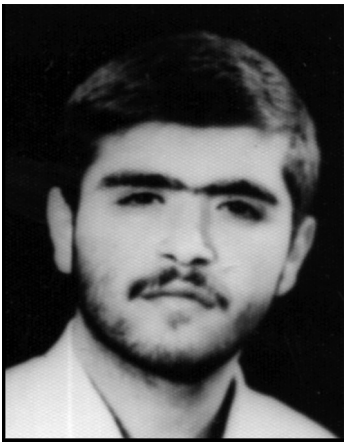

نام: **سیف‌الله**
نام خانوادگی: **آذری**
نام پدر: **عبدالله**
نام مادر: **ربابه**
تاریخ تولد: **هفدهم شهریور ۱۳٤٥**
محل تولد: **دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند ۱۳٦۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- آرزو دارم خدا مرا جزء شهدا قرار دهد.
- مادر و پدر عزیزم، می‌دانم که مرا دوست دارید ولی وقتی مبارزه برای دین خدا پیش می‌آید، باید به مجاهده به‌پا خیزیم.
- من شما را خیلی دوست داشتم ولی خدایم را از شما بیشتر دوست دارم.
- بدانید بهترین کشته شدن‌ها همان‌طور که علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: «افضل الموت القتل فی سبیل الله» برترین نوع مرگ، مرگ سرخ در راه الله است.
- پدر و مادر عزیزم مرا حلال کنید و برایم دعا کنید که جزء شهدا قرار گیرم.
- پدر و مادرم، بعد از مرگ من دیگر برادرانم را سفارش کنید که اسلحه‌ام بر زمین نیفتد و اسلحه مرا بردارند.
- هم‌شهری‌ها و امت حزب‌الله پشتیبان امام باشند. جبهه‌ها را پر کنید.

**سیف‌الله آذری**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

سلام علیکم

«**ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**».[۱] «مپندارید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».

با سلام و درود به پیشگاه ولی عصر آقا امام زمان(عج) و نایب برحقش امام امت خمینی کبیر و با درود بر رزمندگان اسلام و شهدا و مجروحین و معلولین انقلاب اسلامی.

خدمت امت حزب‌الله و شهیدپرور شهرمان سلام عرض می‌نمایم. خدمت پدر و مادر عزیزم، خواهر و برادران عزیزم، دوستان و آشنایان و فامیل‌ها سلام عرض می‌نمایم و سلامتی همگی شما را از خداوند متعال خواهانم. اینک که قلم در دستم روی کاغذ می‌لغزد و وصیت‌نامه‌ام را می‌نویسم، آرزو دارم خدا مرا جزء شهدا قرار دهد. مادر و پدر عزیزم، می‌دانم که مرا دوست دارید ولی وقتی مبارزه برای[۲] دین خدا پیش می‌آید باید به مجاهده به‌پا خیزیم. من شما را خیلی دوست داشتم، ولی خدایم را از شما بیشتر دوست دارم و به عشق او از وطن و دینم پاسداری می‌کنم و بدانید بهترین کشته شدن‌ها همان‌طوری که علی(علیه‌السلام)[۳] می‌فرماید: «**افضل الموت القتل فی سبیل الله**»،[٤] برترین نوع مرگ، مرگ سرخ در راه الله[۵] است.

---

۱- آل عمران/ ۱٦۹. در اصل وصیت واژه «قتلوا» بدون الف، «قتلو»، نوشته شده است.

۲- در اصل وصیت به‌جای واژه «برای» کلمه «با» آمده است.

۳- در اصل وصیت به‌جای حضرت علی عبارت را از قرآن دانسته است.

٤- معمول بود در نوشتن کلمه «الله» از تحریر کامل آن خودداری می‌کردند و به‌صورت «ا...» می‌نوشتند. شاید احتیاط بود که مبادا نوشته زیر پای کسی بیفتد. عبارت «افضل الموت القتل فی سبیل الله» در قرآن وجود ندارد. در خطبه ۱۲۳ نهج‌البلاغه، این سخن از علی(علیه‌السلام) آمده است. «ان اکرم الموت القتل» ترجمه «همانا، گرامی‌ترین مرگها کشته شدن در راه خداست».

۵- در اصل وصیت «ا...» است.

امیدوارم مرا ببخشید چون در تمام زندگی‌ام جز[۱] دردسر و مزاحمت چیزی دیگر برای شما نداشتم. پدر و مادر عزیزم، مرا حلال کنید و برایم دعا کنید که جزء شهدا قرار گیرم، چون می‌دانم لیاقت شهادت را ندارم و خدا مرا جزء شهدا قرار نمی‌دهد. پدر و مادرم که امید داشتید مرا داماد کنید، امید داشتید در پیری عصای دستتان باشم، ولی چه کنم، عاشقم و عشق خدا مرا به طرفش کشیده است. پدر و مادرم، بعد از مرگ من دیگر برادرانم را سفارش کنید که اسلحه‌ام بر زمین نیفتد و اسلحه مرا بردارند و درود خدا به شما باد که چنین فرزندانی را تحویل جامعه می‌دهید. چند سخنی با خواهرم: خواهر عزیز و مهربانم همچون زهرا(علیهاالسلام) بچه‌هایت را تربیت کن و از هر کدام اسطوره‌ای[۲] از مقاومت بساز. در این دنیای پوچ، مال و ثروت مایه خوشبختی نیست. فقط به خدا نزدیک شدن و به حالات معنوی رفتن مایه خوشبختی[۳] و سعادت می‌باشد. مرا حلال کن و برایم دعا کن که خدا از گناهانم بگذرد. سخنی با برادر بزرگترم یدالله[٤] دارم. برادر عزیزم، سلام عرض می‌نمایم. امیدوارم مرا به بزرگی خود ببخشی و مرا حلال کنی. همسرت و پسر کوچکت را از قول من سلام برسان. مرا از ذکر دعا [...][٥] پیش پروردگارت هیچ‌گاه فراموش نکن که سعادت و و افتخار در این کارهاست. فقط برای رضای[٦] او و برای رضای او قدم بردارد. هیچ‌گاه ذکر خدا را فراموش نکن. برادران کوچکم، مصطفی و عزت، از این دور دست‌ها سلام خود و رزمندگان را تقدیم حضورتان می‌نمایم. برادرانم، اسلحه‌ام را بر زمین نگذارید. مصطفی تو که خود مشغول خواندن درس هستی، دَرسَت را ادامه بده. امیدوارم که فرد لایقی برای جامعه بشوی و تو، عزت، دنبال صنعت و کسب علم برو و یادت باشد که برادرت وصیت کرده اسلحه‌اش را بر زمین نگذاری. سخنی با دوست و پسر عزیزم، حسین. حسین جان، اگر خوبی و بدی از من دیدی به بزرگی خودت ببخش و تو بودی که حتی من بیشتر

---

۱- در اصل وصیت «جزء».

۲- در اصل وصیت «استوره‌ای».

۳- در اصل وصیت «خوشوقتی».

٤- در اصل وصیت «یدا...».

٥- خوانا نیست.

٦- در اصل سند به‌جای «او» نوشته «و». احتمالاً در اثر عجله الف افتاده است.

اوقاتم را با تو می‌گذراندم و اخلاق مرا زیاد آشنایی داری. می‌دانی فقط برای رضای خدا و برای رضای او به جبهه آمدم. کسب علم را ادامه بده و دست از مراسم مذهبی بر ندار که ما هرچه داریم از این مراسم است. خواهرم مرا حلال کن. پدر و مادرم دیگر عرضی ندارم که به رشته تحریر درآورم. می‌دانید که به کسی بدهکار نیستم. تا حد امکان برایم نماز و روزه به‌جا آورید، هر مقدار که لازم دانستید خیرات و صدقات بدهید. هم‌شهری‌ها و امت حزب‌الله پشتیبان امام باشند. جبهه‌ها را پر کنید و در هر لحظه ذکر خدا را فراموش نکنید.

**«والسلام»**

**و من الله التوفیق**

دوستان افزون کنید همواره همت را — این پیام از من بپا دارید وحدت را
همگی یاری امام امت را — وعدهٔ او دیدار ما بهشت رضوان است

S.AZARI[1]

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**

۱- ذیل وصیت نام خانوادگی به خط لاتین نوشته شده است.

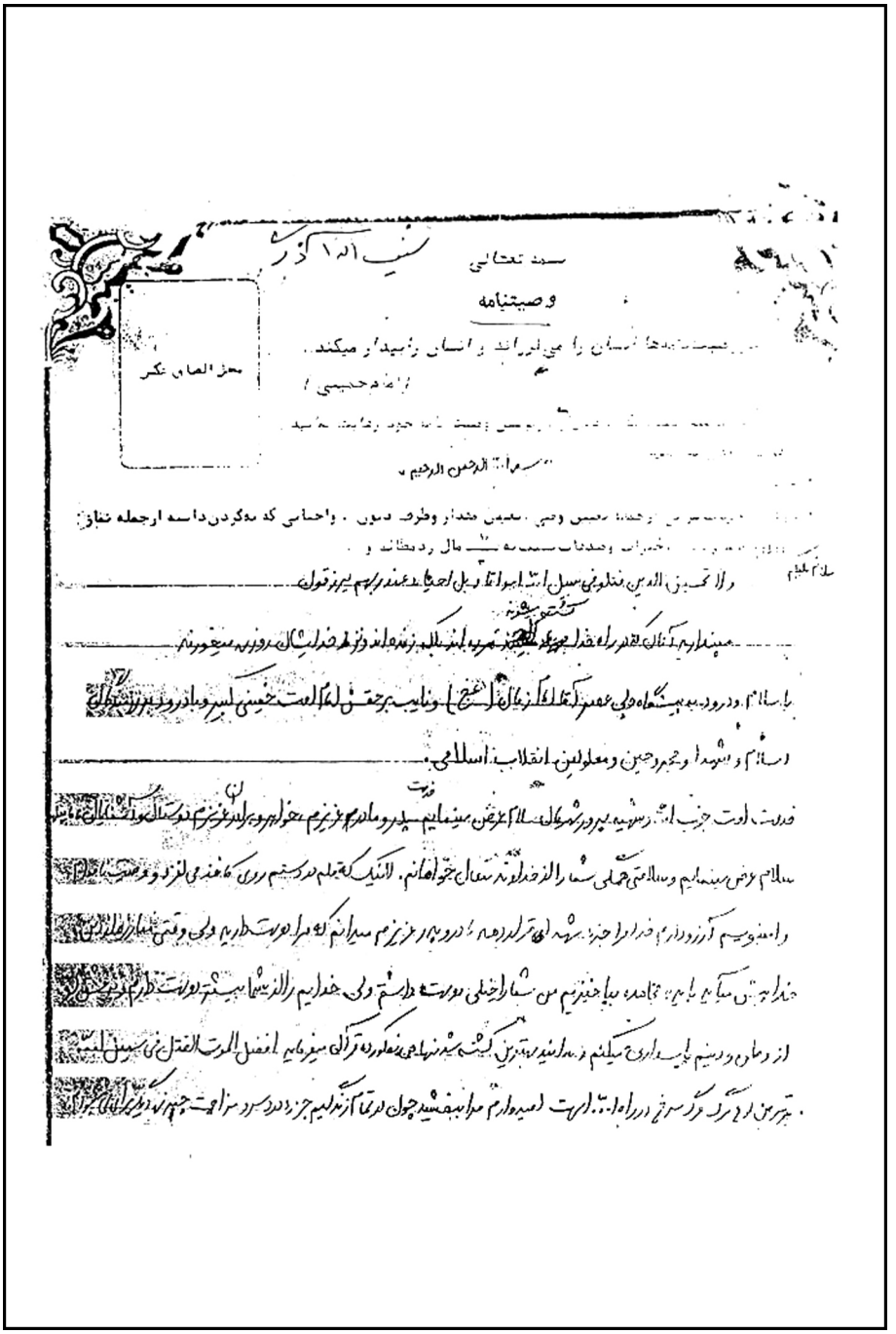

وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحیم

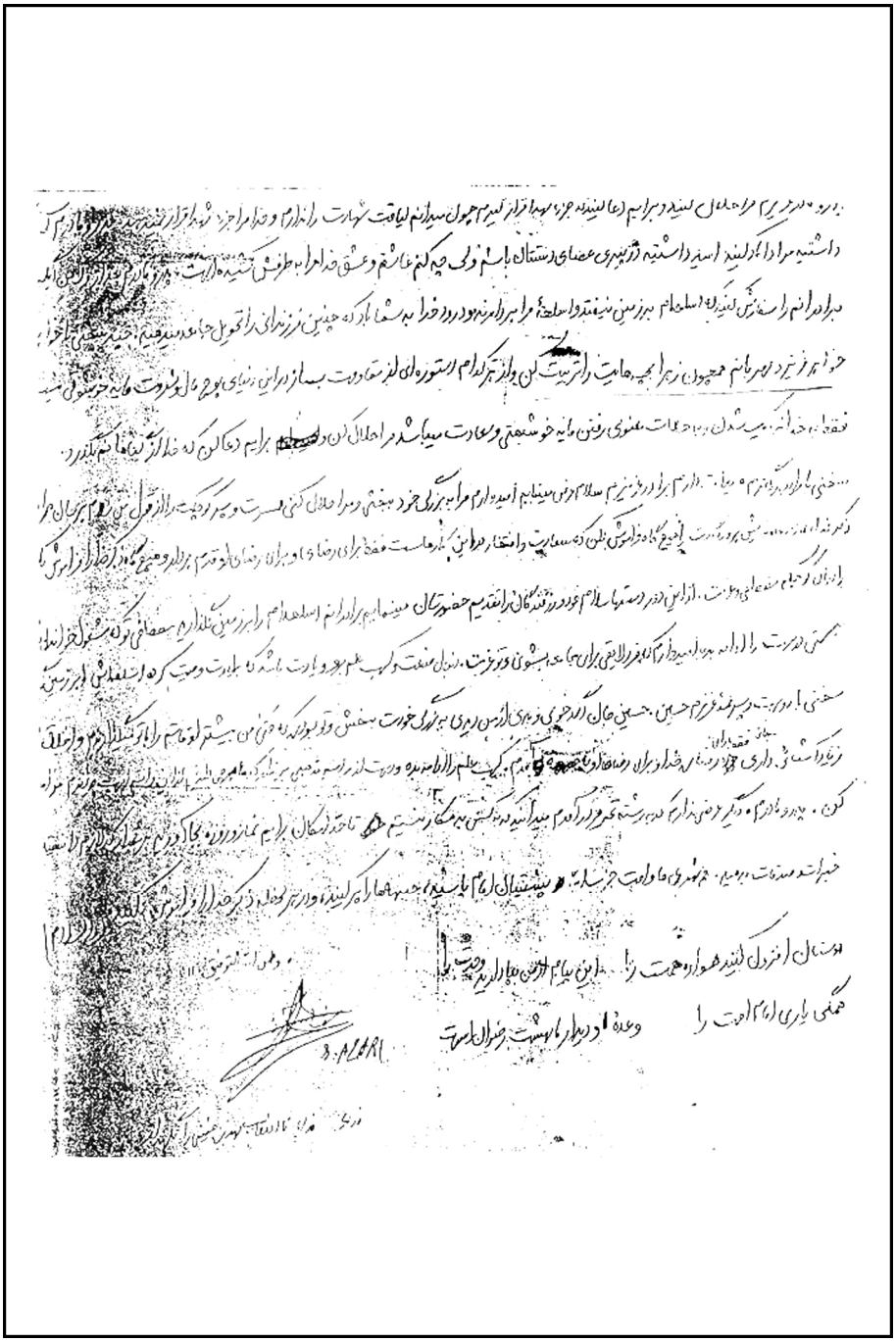

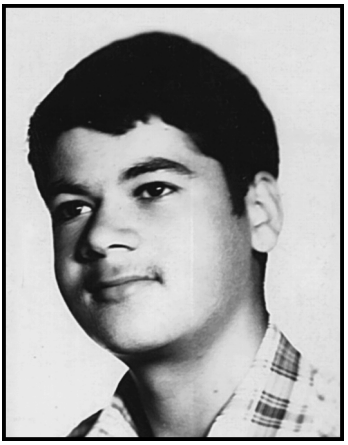

نام: **محمدحسن**
نام خانوادگی: **آذری**
نام پدر: **محمدهادی**
نام مادر: **مرضیه**
تاریخ تولد: **نهم فروردین ۱۳٤۱**
محل تولد: **دامغان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **پنجم آذر ۱۳٦۱**
محل شهادت: **سردشت**
نحوهٔ شـهادت: **اصابت گلوله توسط نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین)**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- اکنون که این وصیت‌نامه دست شماست، من در میان شما نیستم و از همـهٔ شـما امیـد بخشـش دارم.
- یک تقاضا از شما دارم و آن اینکه بگذارید برادرانم راهم را، که همـان راه اسـلام اسـت، ادامـه دهند.
- پیامی برای خواهران زینب گونه‌ام دارم، امیدوارم بتوانید پیام خـون مـرا بـه تمـام نقـاط جهـان همچون خواهر حسین(علیه‌السلام) برسانید.

## محمدحسن آذری

### بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

**گوشه‌ای از وصیت‌نامه شهید آذری**[۱]

با نام و یاد خدا آغاز سخن می‌نمایم، خدایی که آفرید آسمان‌ها و زمین‌ها[۲] را و درود به پیشگاه منجی عالم بشریت حضرت مهدی(عج) و با درود به پیشگاه رهبر بزرگ و عزیزمان حضرت امام خمینی. اکنون که این وصیت‌نامه دست شماست، من در میان شما نیستم و از همهٔ شما امید بخشش دارم.

پدر عزیزم، از شما طلب حلیت[۳] می‌نمایم و امیدوارم به بزرگی خود مرا ببخشید، چون شما برای من پدر و مادر دلسوزی بودید و یک تقاضا از شما دارم و آن اینکه بگذارید برادرانم راهم را، که همان راه اسلام است، ادامه دهند.

و یک پیام هم به مادرم دارم و آن اینکه امیدوارم مرا ببخشید و امیدوارم در دوری[من] صبر و استقامت را پیشه خود کنی.

برادرها از شما هم طلب گذشت می‌نمایم. و از شما می‌خواهم که کارم و راهم را ادامه دهید، تا انشاءالله پیروزی کامل نصیب ما شود، تا انشاءالله ظهور مهدی(عج) حاصل گردد و پیامی برای خواهران زینب گونه‌ام دارم.

---

۱- اگر معیار صحت و اصالت وصیت عبارت پایانی و نیز آغازین این سند باشد، گویا فرد دیگری قسمتی یا گوشه‌ای از وصایای شهید آذری را به‌صورت انتخابی دست‌نویس کرده است. اگر بپذیریم که شهید وصیت‌نامهٔ دیگری را در نظر داشته و یا فرصت تحریر نداشته و یا این گزیده‌ای است از وصیت‌نامهٔ دیگری که داشته اما به دلایل مختلف در اختیار نیست، تعبیر پایانی یعنی «روحش شاد و راهش گرامی باد» با بافت کلی وصیت ناهمخوان می‌نماید. در معرفی کوتاه وصیت‌نامه قید شده است (در برگه پیوست) که از شهید آذری وصیت موجود دست‌نویس است. در هر صورت، در این وصیت حمل بر صحت می‌نماییم.

۲- عبارت با ترجمه آیاتی که به خلق آسمانها و زمین مرتبط می‌شود سازگاری دارد، تنها با این اختلاف که واژه (ارض) در قرآن به صیغه جمع به‌کار نمی‌رود. در شواهد متعدد قرآنی سموات وجود دارد، اما زمین‌ها وجود ندارد «خلق السموات والارض».

۳- در اصل وصیت «حرّیت».

امیدوارم شما هم از خطاهایم بگذرید و بتوانید پیام خون مرا به تمام نقاط جهان همچون خواهر حسین(علیه‌السلام) برسانید و یک مقدار پول هم به حساب جنگ‌زدگان واریز نمایید. با دعا برای امام و امت و پیروزی رزمندگان، سخنم را خاتمه می‌دهم.

**به امید دیدار در روز قیامت**

**روحش شاد و یادش گرامی باد**

گونه از وصیت نامه شهید آذری

باسلام و یاد خدا آغاز سخن می نمایم خدائی که آفرید آسمانها و زمینها را و درود بی پایگاه معنی عالم بر تربت حضرت محمد (ص) تعالی فرضه و با درود بی پایگاه بهر بزرگ و غربتهای حضرت امام خمینی (ره) اکنون که این وصیت نامه دست شما است من در میانه نمایشم و از همه شما امید بخشش دارم بدرگاه پروردگار طلب مغفرت مینمایم و امیدوارم به بزرگواری خود مرا ببخشید چون شما برای من پدر و مادر دلسوزی بودید و یک تقاضا از شما دارم و آن اینکه نگذارید برادرانم راهم را که همان راه اسلام است ادامه دهند و یک پیام هم به مادرم دارم و آن اینکه امیدوارم مرا ببخشید و امیدوارم در دوری صبر و استقامت پیشه خود کنی برادرها از شما هم طلب گوشت می نمایم و از شما میخواهم که کارم و راهم را ادامه دهید تا انشاء الله پیروزی کامل نصیب ما شود تا ابتدا ظهور مهدی (عج) حاصل گردد و پیامی برای خواهران زینب گونه ام دارم امیدوارم شما هم از خطاهایم بگذرید و میتوانید پیام خود مرا به نامزدها طحیان همچون خواهر حسین (ع) برسانید و کمیقدار پول هم بچه جنگزدگان واریز نمایند یاد عباس امام و است و پیروزی رزمندگان حزب الله را خواستارم پیروز و رستگار باشید

روحش شاد و یادش گرامی باد

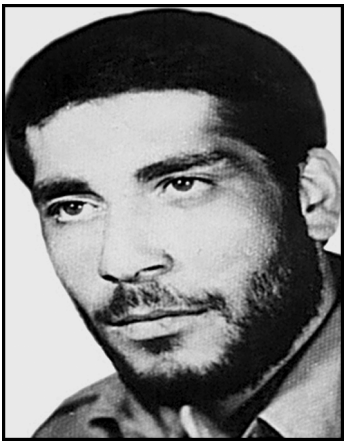

نام: **عباسعلی**
نام خانوادگی: **آرو**
نام پدر: **محمدقلی**
نام مادر: **نسا**
تاریخ تولد: **دوازدهم اردیبهشت ۱۳٤۰**
محل تولد: **مهدی‌شهر**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دهم فروردین ۱۳٦۲**
محل شهادت: **پاسگاه زید عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای شهر شهمیرزاد از توابع زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- سلام بیکران ما به روان پاک شهیدان در خون خفته از صدر اسلام تا انقلاب خونبار ایران.
- سلام به مادر عزیزم که با شیره جانش مرا پرورید و با تربیت خودش مرا یکی از سربازان اسلام قرار داد.
- سلام به برادران و خواهرانم که با صبر و پایداری راه را بر دشمنان دین خدا مخصوصاً منافقین بستند.
- از خدا می‌خواهم این مرگ مرا شهادت در راه خودش قرار بدهد.
- ای مادرم از تو می‌خواهم که در مرگم شیون نکنی و به‌خاطر خدا و دین مبین اسلام صبر کنی.
- بدان که این فرزند تو امانتی بوده در دست تو که اکنون خدا از تو خواسته و باید امانت را صحیح و سالم تحویل دهید.

## عباسعلی آرو

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**و بسم رب شهداء و الصدیقین**

**به‌نام خداوند بخشنده مهربان و به‌نام خدای شهدا و صادقان**

«**ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**»[۱] «گمان مبرید آنان‌که در راه خدا جهاد کردند و کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه آنها زنده و جاویدند و در نزد خدایشان روزی می‌خورند».

کشته شدن در راه خدا عبادت ماست و شهادت کرامتمان. (امام سجاد)

سلام بر مهدی موعود روحی و ارواحنا فدا و درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و نایب برحق امام مهدی(عج) و امید مستضعفان جهان و قلب تپنده[۲] امت حزب‌الله و همیشه در صحنه، امام خمینی، و درود و سلام بیکران ما به روان پاک شهیدان در خون خفته از صدر اسلام تا انقلاب خونبار ایران و جنگ تحمیلی و سلام بر امت شهیدپرور و مردپرور سرزمین ایران، این بیشهٔ شیران و دلیران که با ایثار خون دشمن را به نابودی کشانیدند[۳] و سلام به مادر عزیزم که با شیره جانش مرا پرورید و با تربیت خودش مرا یکی از سربازان اسلام قرار داد و سلام به برادران و خواهرانم که با صبر و پایداری راه را بر دشمنان دین خدا مخصوصاً منافقین[٤] بستند و دین خدا را یاری می‌نمایند.

مادرم امیدوارم مرا حلال نموده و برایم طلب مغفرت نمایید، تا خداوند مرا با شهدای صدر اسلام محشور فرماید و از خدا می‌خواهم این مرگ مرا شهادت در راه خودش قرار بدهد. و ای مادرم از تو می‌خواهم که در مرگم شیون نکنی و به‌خاطر خدا و دین مبین اسلام صبر کنی و بدان که این فرزند تو امانتی بوده در دست تو که اکنون خدا از تو

---

۱- آل عمران/ ۱٦۹.

۲- در اصل وصیت «طپنده».

۳- در اصل وصیت «کشانیدن».

٤- ر.ک. تعلیقات.

خواسته و باید امانت را صحیح و سالم تحویل دهید و خوشحال باشی کـه خداونـد چنـین عنایتی به شما فرموده و لیاقت شهادت را به شما داده است.

از شما می‌خواهد که در مجالس ختم من اسراف نشود و سعی کنید خـرج نکنیـد، اگـر هم خواستید خرج کنید، مواظب باشید که اسراف نشود. چون خداونـد اسـراف‌کننـدگان را دوست ندارد. سعی کنید به جای ختم و غیره پول آن را به جبهه بفرستید، تا رزمندگان را با این عمل خود یاری دهید.

اگر جنازه‌ام به دست شما رسید در شهمیرزاد دفن کنید و اگر هم به دست شما نرسـید، نگران نباشید و از خواهرم می‌خواهم بلند گریه نکند و صبر داشته باشند و با این کار خـود مشت محکمی بر دهن منافقین می‌زنید و از امت حزب‌الله می‌خواهم که امام را دعا کننـد و ندای امام را لبیک گفته و جبهه‌ها را خالی نکنند و از برادران سـپاه و بسـیج هرچـه بیشـتر فعالیت نموده و به منافقین و ضدانقلابیون فرصت توطئه را ندهند.

در ضمن، ای آنان‌که که ندایم به شما می‌رسد تا زمانی که دشمن نابود و قدس[1] عزیز و مکه معظمه آزاد نشده خوار و ذلیل هستیم. پس تنها رمز رسیدن به این هدف «ولایت فقیه» است و هرگاه در خط ولی فقیه، که همان اسلام حقیقی است، خارج شدید، به همان جایی رفتید که دشمن کافر می‌خواهد.

دوم اینکه نماز را سبک نشمارید که با این‌کار پا بر روی خـون شـهدا مـی‌نهیـد و دعـا بخوانید و دعا کنید که بزرگ‌ترین سلاح مؤمن دعاست.

سوم اینکه امر به معروف و نهی از منکر را هیچ‌وقت فراموش نکنیـد. در ضـمن مـادرم شش روز روزه بدهکارم و مقداری نماز قضا دارم. از شما می‌خواهم ادا کنید هرچـه بیشـتر بهتر. دیگر عرضی ندارم. در مجـالس خوانـده شـود ایـن یـک بیـت سـخن اسـت. شـعار همیشگی: خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

**۶۲/۱/۲**

**عباسعلی آرو**

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

این جانب عباسعلی آرو، یاورم «الله»، پیامبرم «محمد» صلی‌الله، کتابم «قرآن»، رهبرم «خمینی».

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

وصیت‌نامه اینجانب عباسعلی آرو

اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم خود را لایق کشته شدن در این راه نمی‌بینم، چون هنوز تا انسانیّت و مؤمن شدن واقعی شدن فاصله است.

**«لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد إستمسک بالعروة الوثقی لاانفصام لها والله سمیع علیم»**.[۱]

به‌درستی که هیچ اکراه و زوری در دین خدا وجود ندارد، زیرا این مکتب یا مذهب است که آغاز آن با ایمان قلبی ما پا می‌گیرد و ایمان به ذات پاک الله و لبیک به فطرت پاک خداجویان است نه اعمال زور.

اکنون که راه حق را شناخته و راه باطل را نیز شناختم، اکنون که مقام رهبری حسین را شناختم، می‌خواهم بالاترین سرمایه خود را، که خدا به من داده است، هدیه کنم و آن جان آخرین سرمایه من است. فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله، ما هنگامی می‌توانیم به خدا ایمان آوریم که تمام جسم و جان و ذکر و فکر را از طاغوت دور کنیم.

خداوندا تو خودت می‌دانی که من آگاهانه به مشهد مقدس خویش می‌روم و مرگ را بر ننگ ترجیح می‌دهم.

«اگر مرگ حتمی است، بگذارید مرگی را انتخاب کنم که آبستن زندگی باشد» (امام خمینی).

---

۱- بقره/ ۲۵۶.

بسم الله الرحمن الرحیم و بشر الشهداء والصدیقین

بنام خداوند بخشنده مهربان و بنام خدای شهدا و صادقان

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون.

گمان مبرید آنانکه در راه خدا جهاد کردند و کشته شده اند مرده اند بلکه آنها زنده جاویدند و در نزد خداوندشان روزی میخورند (قرآن کریم) (وصیت نامه)

کشته شدن در راه خدا عبادت ماست و شهادت کرامتمان (امام سجاد) (عج)

سلام بر مهدی موعود روح وارواحنا فداه و درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و نائب برحق امام عصر تعالی شرحه الشریف و امید مستضعفان جهان و قلب طپنده امت حزب الله رهبر فرزانه امام خمینی و درود و سلام بیکران ما به روان پاک شهیدان در خون خفته از صدر اسلام تا انقلاب خونبار ایران و جنگ تحمیلی و سلام برامت شهید پرور و مرد پرور سرزمین ایران این بیشهٔ شیران و دلیران که با ایثار خود دشمن را به نابودی کشانیدند و سلام به مادر عزیزم که با شیره جانش مرا پروراند و با تربیت خودش سربازی از سربازان اسلام تقدیم داشت و سلام به برادران و خواهرانم که با صبر و پایداری راه را بر دشمنان دین خدا مخصوصاً منافقین بستند و دین خدا را یاری نمایند.

مادرم امیدوارم مرا حلال نموده و برایم طلب مغفرت نمائید تا خداوند مرا با شهدای صدر اسلام محشور فرماید و از خدا میخواهم این مرگ مرا شهادت در راه خودش قرار دهد و ای مادرم از تو میخواهم که در ترک من نگریی و به خاطر خدا و دین مبین اسلام صبر کنی و بدان که این سرنوشت تو نیز بوده و در نهایت تو که اکنون خدا از تو خواسته و باید امانت را صحیح و سالم تحویل دهید، و خوشحال باشی که خداوند چنین عنایتی به شما فرموده و لیاقت شهادت را به شما داده است از شما میخواهم که در مراسم ختم من اسراف نکنید و سعی کنید خرج نکنید اگر هم خواستید خرج کنید مواظب باشید که اسراف نشود چون خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد سعی کنید به هر ختم و غیره پول آن را به جبهه بفرستید تا رزمندگان را با این عمل خود یاری دهید، اگر جنازه ام بدست شما رسید در شهر را دفن کنید و اگر هم بدست شما نرسید نگران نباشید و از خدا برایم مغفرت بطلبید گریه نکنید و صبر داشته باشید و با این کار خود دشمن کینه بر دل منافقین می نهند و از امت خرسند و خوشحال باشید که امام را دعا کنند و ندای امام را لبیک گفته و جبهه ها را خالی نکنند و از برادران سپاه و بسیج هر چه بیشتر حمایت نمایند و به منافقین و حزب الله بیرون نرفته تا طعمه را ندهند.

در ضمن ای آنانکه خدا به شما میرساند تا زمانی که دشمن نابود و قدس عزیز و کل منطقه آزاد نشده فارغ دل ننشینید پس تنها رمز رسیدن به این هدف «ولایت فقیه» است و هرگاه در خط ولی فقیه که همان اسلام حقیقی است خارج شوید به همان جایی رفته اید که دشمن کافر می خواهد دوم اینکه نماز را سبک نشمارید که با انکار یا بی توجهی خون شهدای نهید و دعا نمائید و دعا کنید که بزرگترین سلاح مومن دعاست. سوم اینکه امر به معروف و نهی از منکر را هیچ وقت فراموش نکنید. [illegible] در مقابل خداوند شرمنده این سه بیت شعر است

شعار همیشگی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

عباسعلی آرو

۶۲/۱/۲

این جانب عباسعلی آرو یادرم (الله) و پیامبرم (محمد) و علی (ع) کتابم قرآن و رهبرم (خمینی) را

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامه انتساب عباسعلی آزرد

اکنون که این وصیت نامه را می نویسم خود را لایق نشمرده و نمی دانم چون هنوز تا انسانیت و سوسن شدن واقعی شدن فاصله است.

لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لانفصام لها والله سمیع علیم.

هر شیئی که هیچ اکراه و زوری در دین خدا وجود ندارد و برای این گفته شده است که آنان با ایمان قلبی ما پای گیرد و ایمان به ذات پاک الله و لیکن اگر به نظرت پاک خدا چه باشد ایمان زور...

اکنون که راه حق را شناختم و راه باطل را نیز شناختم، اکنون که تمام زندگی را شناختم می خواهم بالاترین سرمایه خود را به خدا بپس داده است هدیه کنم و آن گرانبهاترین سرمایه من است که نفی کیفر با طاغوت و یؤمن بالله، ما مسلمانان بر آنیم به خدا ایمان کنیم تا تمام وجود و فکر و ذکر را از طاغوت دور کنیم. خداوندا در خود میدانی که من آگاهانه به شهید متعهد خویش میرسم و مرگ را بر ننگ ترجیح میدهم.

اگر مرگ حتمی است بگذارید مرگی را انتخاب کنم که آبستن زندگی باشد

«امام خمینی»

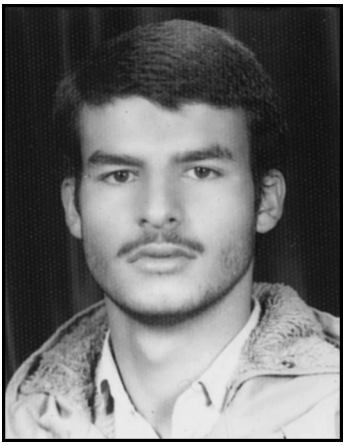

نام: **حمیدرضا**
نام خانوادگی: **آشوری**
نام پدر: **عباسعلی**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۸**
محل تولد: **تهران**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم تیر ۱۳۶۷**
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای روستای ابر شهرستان شاهرود**

## عبارت‌های کلیدی

- اکنون زمان حسین(علیه‌السلام) فرا رسیده و صدای «هل من ناصر حسین» زمان به گوش می‌رسد.
- بر ماست که به ندای فرزند حسین جواب مثبت دهیم.
- برای پیشبرد این انقلاب الهی تا آخرین نفس به مبارزه خود علیه صدامیان جنایتکار، این نوکران ابرشیطان زمان، ادامه می‌دهم.
- ما برای اسلام قیام کرده‌ایم و از هیچ قدرتی باکی نداریم نه از شرق و نه از غرب.
- اگر شهید شدم، بر سر قبرم عکس امام امت را نصب کنند تا شاید من هم جزء سربازان امام زمان باشم.

## حمیدرضا آشوری

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

### بسم رب الشهداء و الصدیقین

«**ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**».[۱]
پس از حمد [و] سپاس از خداوند یکتا که به ما جان داده که بتوانیم که به جانان تسلیم کنیم. سلام بر پیامبران گرامی مخصوصاً حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که ما را به راه راست و مرگی شرافتمندانه[۲] رهبری کردند.

با سلام و درود فراوان به رهبر عظیم‌الشأن[۳] انقلابِ خونبار اسلامی و شهداء گلگون کفن راه حق آزادی، سلام به کلیهٔ برادران حزب‌الله. اکنون زمان حسین(علیه‌السلام) فرا رسیده و صدای «**هل من ناصر**»[٤] حسین زمان به گوش می‌رسد. بر ماست که به ندای فرزند حسین جواب مثبت دهیم،[٥] تا شاید خداوند متعال به ما رحم کند و کمی از گناهان گذشته‌مان را ببخشد و در دعای کمیل بخوانیم «یا سریع‌الرضا»[٦] ای کسی که زودتر از همه راضی می‌شوی.[۷]

ما نباید وقت را تلف کنیم، حال که خدا به ما عنایت کرده و حکومت جمهوری اسلامی را نصیب ما کرده و شیطان‌ها[۸] می‌خواهند حکومت اسلامی را از بین ببرند، ما نباید بگذرایم که مزدورانی مثل حزب بعث عراق، که دشمن اسلام هستند، کاری انجام دهند.

---

۱- آل عمران/۱٦۹. ترجمه: «و گمان نبرید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه آنان نزد خداوند زنده‌اند و روزی داده می‌شوند».

۲- در اصلِ وصیت «شرافتمندان».

۳- در اصلِ وصیت «ایشان» ولی به نظر می‌رسد منظور عظیم‌الشأن بوده است.

٤- از عبارت‌ها و شعارهای شاخص حضرت امام حسین(علیه‌السلام) در میدان نبرد با یزیدیان است.

٥- غرض حضرت امام خمینی است که به جهت شباهت جایگاه و نوع انقلاب اسلامی ایشان را حسین زمان خطاب می‌کردند.

٦- عبارتی از دعای نورانی کمیل است.

۷- در اصل وصیت «می‌شود».

۸- تعبیر شیطان برای آمریکا به‌کار می‌رود، برگرفته از این عبارت حضرت امام خمینی است که آمریکا را شیطان بزرگ می‌دانستند.

اینجانب برحسب وظیفه شرعی و با بینش و آگاهی و با رضایت اولیاء، به «هل من ناصر ینصرنی»[۱] امام عزیز لبیک گفته و داوطلبانه راهی جبهه نبرد حق علیه باطل شدم و برای کمک به رزمندگان اسلام و برای پیشبرد این انقلاب الهی تا آخرین نفس به مبارزه خود علیه صدامیان جنایتکار، این نوکران ابرشیاطین زمان، ادامه می‌دهم و از خداوند سبحان متواضعانه می‌خواهم که در این هدف مقدس ما را یاری و پیروز نماید.

و اما از پدر و مادر عزیزم که سال‌های سال زحمات جبران‌ناپذیر مرا متحمل شده‌اند مجدانه می‌خواهم که اگر در حین انجام وظیفه در این هدف مقدس توفیق شهادت یافتم، هیچ‌گونه ناراحتی به خود راه ندهید و خدا را شکر کنید که مفتخرانه [در] این حکومت الهی سهیم می‌شوید و همواره همانند سایر اولیاء صبر و شکیبایی را فرا راه خود نمایید. ما برای اسلام قیام کرده‌ایم و از هیچ قدرتی باک نداریم، نه از شرق و نه از غرب. انشاءالله به زودی صدام را نابود خواهیم کرد.

تو ای مادر که در طول عمر من زیاد رنج و سختی کشید[ی] و ای پدر تو هم برای تربیت فرزندانت زیاد متحمل رنج و سختی شدی، امیدوارم که همگی شما مرا حلال کنید. اگر شهید شدم، بر سر قبرم[۲] عکس امام امت را نصب کنند تا شاید من هم جز سربازان امام امام زمان باشم.

امروز که [از] جز شوق جوانی به سرم نیست  عکسم تو [مادر] نگه دار که فردا اثرم نیست[۳]

و در خاتمه سلامتی و طول عمر امام بزرگوار، این پاسدار واقعی قرآن، سلامتی و تندرستی پدر مادر و [...][٤] سایر رزمندگان و بازماندگان اسلام و پیروزی‌های حکومت الهی[را][٥] در سراسر گیتی از خداوند قادر متعال خواهانم[۱].

---

۱- تعبیر و کلام نورانی حضرت امام حسین(علیه‌السلام) را خطاب به آنان که تماشاگر صحنه کربلا بودند برای امام خمینی به‌کار برده است.

۲- در اصل وصیت «قبر».

۳- به نظر می‌رسد شکل درست شعر اینگونه باشد: امروز که جز شوق جوانی به سرم نیست/ عکسم تو نگه دار که فردا اثرم نیست.

٤- خوانا نیست.

٥- در اصل وصیت‌نامه واژه «را» وجود ندارد.

«خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار» «منتظری نستوه، برای نصر اسلام، محافظت بفرما».

**«والسلام»**

**حمیدرضا آشوری**

---

۱- در اصل وصیت «خواهام».

بسم ا... الرحمن الرحیم
مژده ای دلها که وقت وصل جانان آمده
مژده ای جانها که جانان در گلستان آمده

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ ا... أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

پس ارحمد سپاس از خداوند یکتا که به ما جان داده که بتوانیم که به جانان تسلیم کنیم سلام بر پیامبران گرامی مخصوصاً حضرت محمد (ص) که ما را به راه راست و موحی شرافتمندان رهبری کردند

با سلام و درود فراوان به رهبر عظیم الشان انقلاب خونبار اسلامی و شهدای گلگون کفن راه حق آزادی سلام به کلیه برادران حزب ا... که اکنون زمان حسین (ع) فرا رسیده و صدای اهل من ناصر حسین زبان به گوش میرسد برماست که به ندای فرزند حسین جواب مثبت دهیم تا شاید خداوند متعال به ما رحم کند ولی از

که دست ستمگران را بشکند و دردهای مژده ای دلها که وقت وصل جانان آمده
مژده ای جانها که جانان در گلستان آمده

نزدیکتر از همه راضی می شود ما باید وقت را تلف کنیم حال که خدا به ما عنایت کرده و حکومت جمهوری اسلامی را نصیب ما کرده و شیطان (ص) میخواهد حکومت اسلامی را از بین ببرد نه ما باید بگذاریم که مزدوران مثل حزب بعث عراق که دشمن اسلام هستند کاری انجام دهند این شب بر حسب وظیفه شرعی و با بینش و آگاهی و با رضایت اولیاء به اهل من ناصر حسین نصرتی امام عزیز لبیک گفته و داوطلبانه راهی جبهه نبرد حق علیه باطل شدم و برای کمک به رزمندگان اسلام و برای پیشبرد این انقلاب الهی تا آخرین نفس به مبارزه خود علیه صدامیان جنایتکار ادامه میدهم و از خداوند سبحان متوالی مسئلت میخواهم

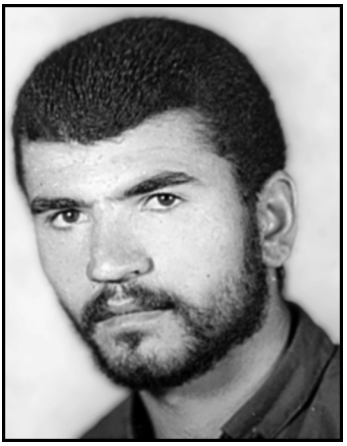

نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **آشوری**
نام پدر: **حبیب‌الله**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **بیستم فروردین ۱۳٤٥**
محل تولد: **روستای ابر از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **چهارم تیر ۱۳٦٤**
محل شهادت: **مریوان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- سلام بر امام عزیزمان، خمینی بت‌شکن، آن پیر جماران، آن خورشید تابان، آن زاهد شب و شیر درندهٔ روز.
- سلام بر شهیدان، شعله افروزان این جامعه بشریت، که چگونه زیستن را بر ما آموختند.
- افتخار کنید که چنین جوانی تربیت کردید و در راه اسلام دادید.
- همسر عزیزم، من از تو خواهش دارم که بعد از مرگ من حجابت را حفظ کن.
- از شما برادران عزیزم، غلامرضا و حسین و حسن و صادق، می‌خواهم که راه شهدا را ادامه بدهید و کربلا را از چنگ کافران آزاد کنید.
- اگر من به کربلا نرسیدم که زیارت کنم تو می‌روی سلام من را به اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) می‌رسانی.

## علیرضا آشوری

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**اللهم اجعلنی من جندک فان جدت هم الغالبون واجعلنی من حزبک فان حزبک هم المفلحون و اجعلنی من اولیایک فان اولیائک لاخوف علیهم و لاهم یحزنون**»[۱] «خدایا مرا از سپاه خویش قرار ده، زیرا سپاه تو پیروزند و بگردان مرا از حزب خود، زیرا حزب تو رستگارند و مرا از دوستان خویش قرار ده، زیرا که دوستان تو [را نه] بیمی بر آنان است و نه آنان اندوهگین می‌شوند».[۲]

به‌نام الله، پاسدار[۳] حرمت خون شهیدان اسلام، یاری‌دهندهٔ مظلومان و در هم کوبنده ستمگران و با سلام بر امام عزیزم، خمینی بت‌شکن، آن پیر جماران، آن خورشید تابان، آن زاهد شب و شیر درندهٔ روز که راه فراموش شده [اسلام] محمدی را به[٤] ما آموخت و سلام بر شهیدان، شعله افروزان جامعه بشریت، که چگونه زیستن را به ما آموختند.[۵] حضور محترم پدر و مادر عزیزم را سلام می‌رسانم[٦] و امیدوارم که این سلام من را بپذیرید[۷] و پدر و مادرجان، شما من را بزرگ کردید و من را خدا به شما داده است و خدا هم از شما می‌گیرد و انتظار من این است که بعد از مرگ من برای من گریه نکنید و افتخار کنید که چنین جوانی را تربیت کردید و در راه اسلام دادید و پدرجان و مادر عزیزم، من اگر شهید شدم و لیاقت آن را اگر داشتم من را باید ببخشید و حلالم کنید و من را توی ابر[۸] همان

---

۱- صحیفه سجادیه، دعای روز سه‌شنبه.

۲- ترجمه دعای صحیفه سجادیه.

۳- در اصلِ وصیت «پاسداران».

٤- در اصلِ وصیت «بر».

۵- تعبیر برگرفته از جمله معروف دکتر علی شریعتی است که: خدایا چگونه زیستن را به من بیاموز، چگونه مردن را خود خواهم آموخت (مجموعه آثار دکتر شریعتی).

٦- در اصلِ وصیت «می‌رساند».

۷- در اصلِ وصیت «به پذیرید».

۸- روستای اَبر از توابع شهرستان شاهرود است.

جایی که برادران جای شهدا انتخاب کردند که توی درانها[۱] هست آنجا دفن کنید و زیاد خرج برای مجلس من نکنید[۲] و شما نباید برای من گریه کنید، چون من در راه[۳] خدا رفتم و مادر عزیزم و خواهر مهربانم حجابتان را حفظ کنید و از بهر من شیون نکنید و بیرون شیون نکنید، ولی توی خانه هر کاری می‌کنید کنید و همسر عزیزم، من از تو خواهش که دارم بعد از مرگ من حجابت را حفظ کن و به[٤] زندگانی خودت مشغول باش و نباشد که بعد از من زندگانی نکنی و من از تو انتظار دارم که بعد از مرگ من با پدر و مادر من مشغول زندگی باش و پدر مادر من را نگهداری کن[٥] و تا آنها بوی تو را از من بگیرند و اگر این کار را نکنی، من از تو راضی نیستم و روز قیامت جلوی تو را می‌گیرم و پدر و مادرجان، من از شما می‌خواهم که بعد از من با همسر من زندگی کنید و به‌خاطر خون شهدا و به‌خاطر خون من با هم زندگانی کنید و اگر همسرم نخواست زندگانی کند و خواست برود جای دیگر زندگانی کند، وسیله‌هایی که پدر و مادر خودش به آن داده‌اند سوا[٦] می‌کنید می‌دهید به همسر. بعد اگر خواست[۷] برود که برود و شما چیزی به آن نگویید نگویید و برای من هم ناراحت نباشید و وسیله‌هایی که من برای زندگی خودم خریداری کردم، آنها را به تک‌تک برادرانم تقسیم می‌کنید و برای خود آنها می‌دهید تا[۸] از من یک یادگاری داشته باشند و هر دم مرا یاد کنند و تقسیم کنید تا بخورند[۹] نوش‌جان آنها باشد و پدر و مادر عزیزم، آن مقدار پولی که من از یحیی آشوری می‌خواهم به مبلغ ۲۵۰۰ تومان آن را بگیرید خرج من بکنید و دیگر عرضی ندارم، به‌جز سلامتی امام و پیروزی رزمندگان اسلام و شما برادران عزیزم و مهربانم. من از شما برادر محرم خودم، آقای محمدرضا،

---

۱- واژهٔ «توی درانها» نامفهوم است.

۲- در اصل وصیت «من را زیاد خرج برای مجلس نکنید».

۳- در اصل وصیت «را».

٤- در اصل وصیت «با».

٥- در اصل وصیت «کنی».

٦- در اصل وصیت «صبا».

۷- در اصل وصیت «خاست».

۸- در اصل وصیت «و».

۹- در اصل وصیت «بخروند».

می‌خواهم که بعد از من راه من را ادامه بدهی و سنگر من را خالی نگذاری و انتقام خون شهدا[ی] ایران و خون من را از ستمگران بگیری و بعد از شما از برادران عزیزم، غلامرضا و حسین و حسن و صادق، می‌خواهم که راه شهدا را ادامه بدهند و کربلا را از چنگ کافران آزاد کنید و می‌کنید و برادرجان محمد به همین زود[ی] پیروز می‌شویم و کربلا را می‌گیریم.[۱] اگر من به کربلا نرسیدم که زیارت کنم، تو می‌روی سلام من را به اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) می‌رسانی و از عوض من زیارت می‌کنی و من دیگر عرضی ندارم به‌جز سلامتی شما. خداحافظ، به امید دیدار در روز قیامت و مادرم و خواهرم حجابت را، پدرم و برادرم نگاهت[۲] را به‌خاطر خون شهدا حفظ کن.

«الجلوس فی المسجد [...][۳] الصلوه عباده [...]»[٤]

«نشستن[۵] در مسجد به انتظار نماز عبادت است، تا حدث نباشد غیبت نباشد» پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

پدر عزیزم و مادر مهربانم و برادرانم و خواهران عزیزم به مسجد بروید و انتظار نماز بکشید چون عبادت است، ولی در مسجد غیبت نکنید چون گناه بزرگی است.

**«والسلام»[٦]**

**خداحافظ**

**علیرضا آشوری[۷]**

**تاریخ ۱۳٦۳/۱۲/۲۳**

---

۱- در اصل وصیت «می‌گیرم».

۲- در اصل وصیت «نگلهت».

۳- ناخوانا است.

٤- ناخوانا است.

۵- در اصل وصیت «نشن».

٦- در اصل وصیت «واسلام».

۷- شهید آشوری در پایان وصیت‌نامه خانوادگی‌اش را عاشوری نوشته است. در اعلام شهدای استان سمنان ذیل حرف (ع) شهیدی با این مشخصات وجود ندارد.

بسم الله الرحمن الرحیم بنام خداوند مهربان

وصیت نامه عاشورائی

از اسناد ایثارگران

اللهم اجعلنی من حزبک فان حزبک هم الغالبون
و اجعلنی من حزبک فان حزبک هم المفلحون و اجعلنی من اولیائک
فان اولیائک لا خوف علیهم و لا هم یحزنون =

خدایا مرا از سپاه خویش قرار ده زیرا سپاه تو پیروز و رستگار و مرا از حزب خود
زیرا حزب تو رستگارند و مرا از دوستان خویش قرار ده زیرا که دوستان
تو بیمی بر آنست و نه آنان اندوهگین میشوند

بنام الله پاسدار از حرمت خون شهید ان اسلام یار رهبر معظم مصلوصا از و درهم کوبنده
مستکبران و با سلام بر امام عزیزم خمینی بت شکن آن پیر جماران آن خورشید
تابان آن زاهد شب و شیر دردن روزگار راه فراموش شده محمدی را بر ما آموخت
و سلام بر شهیدان شعله افروز ان جامعه بشریت که چگونه زیستن را به ما آموختند

حضور محترم پدر و مادر عزیزم سلام مرا بپذیرید امیدوارم که این سلام من را با پذیرید و پدر
و مادر جان شما من را بزرگ کردید و من را خدا به شما داده است و خدا هم از شما میگیرد
و انتظار من این است که بعد از مرگ من برای من گریه نکنید و افتخار کنید که
چنین جوانی را تربیت کردید و در راه اسلام دادید و پدر جان و مادر عزیزم من اگر شهید
شدم و لیاقت آن را داشتم من را باید ببخشید و حلالم کنید و من را تو گور ابر
همان جایی که برادران جای شهدا انتخاب کردند که تو گور دارها هست آنجا
دفن کنید و من را زیاد خرج برای مجلس نکنید و شما نباید برای من گریه کنید چون
من در راه خدا رفتم و مادر عزیزم و خواهر مهربانم حجابتان را حفظ کنید و اثر بد من شیون نکنید
و بیرون شیون نکنید ولی تو گور خانه هر سال من را تمیز کنید و همسر عزیزم من از تو خواهش
میکنم بعد از مرگ من حجابت را حفظ کن و با زندگانی خودت مشغول باش
و نباشد که بعد از من زندگانی نکنی و من از تو انتظار دارم که بعد از مرگ من
با پدر و مادر من مشغول زندگی باشی و پدر و مادر من را نگهداری کنی و تا
آنها بودند تو را از من بگیرند و اگر این کار را نکنی من از تو راضی نیستم
و روز قیامت جلوی تو را می گیرم و پدر و مادر جان من از شما خواهم

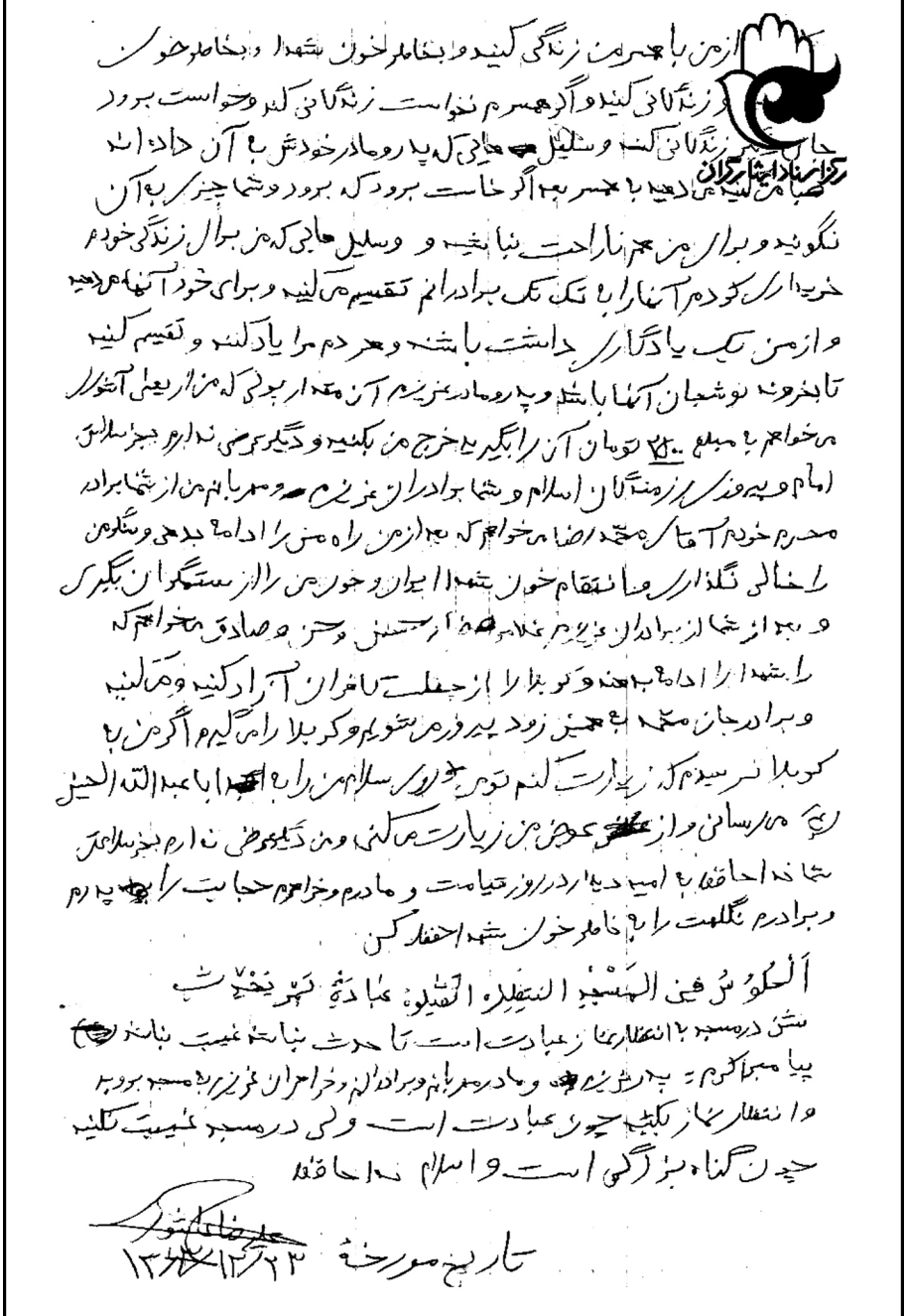

از من با همسرم زندگی کنید و با خاطر خون شهدا و با خاطر خون
زندگانی کنید و اگر همسرم نخواست زندگانی کند و خواست برود
جای دیگر زندگانی کند وسایل هایی که پدر و مادر خودش به آن داده است
تحویل او دهید با همسرم اگر خواست برود که برود و شما چیزی به آن
نگویید و برای من هم ناراحت نباشید و وسایل هایی که من برای زندگی خودم
خریداری کردم آنها را به تک تک برادرانم تقسیم می‌کنید و برای خود آنها هدیه
و از من تک یادگاری داشته باشید و هر دم مرا یاد کنید و تقسیم کنید
تا بخورند نوشجان آنها باشد و پدر و مادر عزیزم آن مقدار پولی که من از بعضی آشنایان
می‌خواهم یا مبلغ ۲۰۰ تومان آن را بگیرید و خرج من بکنید و دیگر چیزی ندارم جز سلام
امام و پیروزی رزمندگان اسلام و شما برادران عزیزم و همسر باایمان من از شما برادر
محترم خودم آقای محمدرضا می‌خواهم که بعد از من راه من را ادامه بدهی و نگذاری
راه خالی بماند برای انتقام خون شهدا ایران و خود من را از ستمگران بگیری
و بعد از شما از برادران دیگرم علی و حسن و حسن و صادق می‌خواهم که
راه شهدا را ادامه بدهند و کربلا را از چنگ تاغوتیان آزاد کنید و مکه
و برادران محمد هم زود پیر و فرم بشویم و کربلا را می‌گیریم اگر من به
کربلا نرسیدم که زیارت کنم تو روز روز سلام من را به امام با عبدالله الحسین
می‌رسانی و از طرف من زیارت می‌کنی و من دیگر وظیفه ندارم بجز سلامتی
شما و احافظه با امید دیدار در روز قیامت و مادرم و خواهرم حجاب را رعایت کنید
و برادرم نگذارید راه خاطر خون شهدا حفظ کنید

اَلْجُلُوسُ فِی الْمَسْجِدِ لِلْاِنْتِظَارِ اَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ ثُمَّ يَحْدُثُ بِ
نشستن در مسجد با انتظار نماز عبادت است تا حدث نباشد غیبت نباشد
پیا مبرا کرم ته پرسش زیاد و مادرم برادرانم و خواهران عزیزم به مسجد بروید
و با انتظار نماز بگذارید چون عبادت است ولی در مسجد غیبت نکنید
چون گناه بزرگی است و اسلام نداشته

تاریخ وصیت‌نامه ۱۳۶۲/۱۲/۲۲

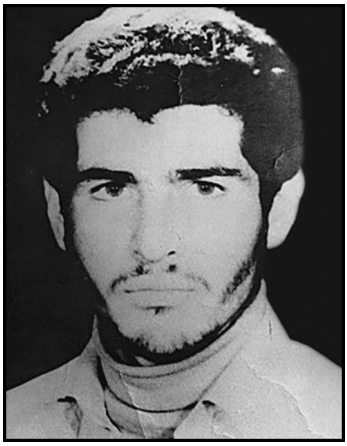

نام: **غلامرضا**
نام خانوادگی: **آشوری**
نام پدر: **نادعلی**
نام مادر: **سلیمه**
تاریخ تولد: **یکم تیر ۱۳٤٥**
محل تولد: **روستای ابر از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش خمپاره**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(علیه‌السلام) در میدان نبرد شهید شد.
- جوانان، مبادا در غفلت بمیرید که علی(علیه‌السلام) در محراب عبادت شهید شد.
- مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر حسین در راه حسین(علیه‌السلام) و با هدف شهید شد.
- همه مثل خاندان وهب جوانانتان را به جبهه‌های نبرد بفرستید.
- برادران استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها و تسکین دردهاست.
- همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید.
- هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند.
- شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند.

## غلامرضا آشوری

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة اَلاّ تخافوا و لا تحزنوا وابشروا بالجنة الّتی کُنتم توعدون»**[1]

**وصیت‌نامه غلامرضا آشوری، فرزند نادعلی ۱۳٦٤/۱۱/۳**

حمد و سپاس بی‌پایان بر خداوند جان آفرین. سپاس و ستایش مخصوص خداوند است که یکتاست. یگانه و دارای صفات عظیم والایی است که هیچ قدرتی توانایی او را نداشته و نخواهد داشت. او را می‌ستایم به صفت ستارالعیوبش و مهربانی و بخشندگی‌اش. درود و سلام بر پیام‌آوران الهی و امامان معصوم و تمامی علمای اسلام و اصیل در خط رهبری صحیح. درود و سلام خالصانه‌ام بر وجود مقدس رزمجویان عزیز و تمامی شهدای آگاه و بیداردل. وصیتی که من به جوانان دارم:

ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(علیه‌السلام) در میدان نبرد شهید شد. ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی(علیه‌السلام) در محراب عبادت شهید شد. مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر[2] حسین در راه حسین(علیه‌السلام) و با هدف شهید شد و ای مادران، مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب(علیهاالسلام) را بدهید که تحمل ۷۲ شهید را نمود. همه مثل خاندان وهب[3] جوانانتان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید. زیرا مادر وهب فرمود سری را که در راه خدا داده‌ام پس نمی‌گیرم. برادران، استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها و تسکین دردهاست و همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم

---

۱- فصلت/ ۳۰. ترجمه: «آنان که گفتند پروردگار ما (محققاً) خدای یکتا است و بر این ایمان پایدار ماندند و فرشتگان رحمت بر آنان نازل شوند (و مژده دهند) که دیگر هیچ ترسی از آینده و اندوهی از گذشته ندارید و شما را به آن بهشتی که انبیاء وعده دادند بشارت باد».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

بردارید و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازد، شما را از روحانیت متعهد[۱] جدا نکنند، که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمان و روز جشن ابرقدرت‌هاست. حضورتان [را] در جبهه‌ها[ی] حق بر علیه باطل ثابت نگه دارید. در امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را بیابید و خود را تسلیم او سازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید. اگر فیض شهادت نصیبم گشت، آنها که پیرو خط سرخ امام خمینی نیستند و به ولایت او اعتقاد ندارند و رهبر آینده را قبول ندارند بر من نگریند، بر جنازه من حاضر نشوند. اما باشد که دماء شهداء آنان را نیز متحول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند. سلام مرا بر رهبر عزیزم برسانید و بگویید تا آخرین قطرهٔ خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد. با خداوند پیمان می‌بندم که در تمام عاشوراها و در تمام کربلاها با حسین(علیه‌السلام) همراه باشم و سنگر او را خالی نکنم تا هنگامی‌که همه احکام اسلام در زیر پرچم اسلام امام زمان به اجرا درآید.

سلام بر پدر مهربانم که چنین فرزندی تربیت کرده‌ای و در راه اسلام و قرآن فدا کردی و سلام بی‌پایان[۲] من بر مادر گرانقدرم که مرا بزرگ کرد با آن سختی‌ها و مشکلات و مادر و پدرم، مرا حلال کنید که نتوانستم خوبی‌های شما را جبران کنم. امیدوارم[۳] اگر در آخرت[٤] شفاعت بتوانم بکنم، شما را شفاعت خواهم کرد و ای برادران من امیدوارم[٥] که شما هم اگر بدی از من دیدید ببخشید و مساجد را ترک نکنید. در نمازهایتان[٦] ظهور امام زمان، دعا برای امام بکنید.

برادرم، قنبر، مرا ببخش که نتوانستم خوبی‌های تو را جبران کنم. امیدوارم که روز قیامت بتوانم خوبی‌های تو را جبران کنم و ای خواهرم تو هم مرا ببخش. حجابت را حفظ کن و ای خواهرها حجابت[ان] را حفظ کنید و با حجاب خود مشت محکمی بر دهان

---

۱- در اصل وصیت «متعد».

۲- در اصل وصیت «بی‌پان».

۳- در اصل وصیت «امیدوم».

٤- در اصل وصیت «آخرات».

٥- در اصل وصیت «امیدورم».

٦- در اصل وصیت «نمازهایتا».

منافقین بزنید و از طرفمان از تمام قوم و خویشان حلالیت بطلبید و امیدوارم شهادت من برای شما جز[و] عزت و افتخار چیز دیگر نباشد. بسیار شادمان باشید که فرزند شما راه اسلام [را] در پیش گرفته و برای یاری امام عزیز به جبهه‌های نور علیه ظلمت عزیمت[1] [...][2] است و مردانه با کفر و شرک نبرد کرده و در آخرالامر آنچه که همه عاشقان و شیفتگان راه حسین(علیه‌السلام) آرزو می‌کنند، یعنی شهادت، نصیبم شده. گریه برای حسین(علیه‌السلام) و اهل بیت داغدیده نمایید. گریه کنید که گریه کردن برای شهید زنده نگهداشتن نهضت را به دنبال دارد. با مشکلات عارفانه مبارزه کنید. عاشقانه عبادات خداوند [را] انجام دهید.

و در آخر پیامی که برادران حزب‌الله دارم دو طرف[3] را بگذارند کنار و با هم متحد شوند و من را هر کجا که برادرم قنبر و پدرم تصمیم گرفتند[4] می‌توانند دفن کنند. من دلم می‌خواست که مزار شهدا یک‌جا باشد، چون حالا که مزار شهدا دو تا شد هر کجا که برادرم و پدرم تصمیم گرفتند[5] و من خودم چیز[ی] ندارم که بدهم برایم روزه نماز بخوانند.[6] ولی اگر پدرم و برادرم دوست داشتند،[7] می‌توانند دو ماه روزه و یک سال و نیم هم بدهند، برایم نماز بخوانند[1] و کسی حق ندارد به وصیتم دست بزند.

**غلامرضا**

«Asory»

---

۱- در اصل وصیت «عظیمت».

۲- خوانا نیست.

۳- دو طرف: غرض شهید از دو طرف، دو جناح سیاسی موسوم به چپ و راست است که امروزه تغییر نام داده به اصلاح‌طلب و اصولگرا شناخته می‌شوند.

٤- در اصل وصیت «گرفتن».

۵- در اصل وصیت «گرفتن».

٦- در اصل وصیت «بخواند».

۷- در اصل وصیت «داشتن».

وکذلک ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة ان لا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون

بسمه تعالی

**کشته شدن در راه خدا اعادتمان و شهادت کرامتمان** امام زین العابدین (ع)

✡ ✡ ✡ ✡ ✡ ✡ ✡

بسم الله الرحمن الرحیم ۱۳۶۴/۱۱/۳

وصیت نامه غلامرضا آشوری سرزنه تا دملی

حمد و سپاس بی پایان بر خداوند بزرگ تا آخرین سپاس و ستایش مخصوص خداوند است که یکتا و بی نیاز و دارای صفات عظیم و والا می باشد که جمیع قدرتها توانائیها و اراده ها و تحولات و تغییرات در دست با کفایت اوست و او دانای پنهان و آشکار است و او را سپاس می گویم به صفت ستار العیوبی و همواره و پیوسته از او طلب آمرزش می نمایم و درود و سلام بر پیامبر آخرین انبیاء و امامان معصوم و تابعین راستین آنان و سلام بر شهدای راه حق و سلام بر امام عصر و ولی زمان و سلام بر خمینی کبیر و سلام بر رهبر عزیز و سلام بر همه رزمندگان اسلام و سلام بر همه شهدای صدر اسلام و سلام بر همه شهدای انقلاب اسلامی و سلام بر همه شهدای جنگ تحمیلی و سلام بر همه شهدای گمنام و سلام بر همه شهدای سراسر جهان و سلام بر همه شهدای استان سمنان و سلام بر همه شهدای شهرستان دامغان و سلام بر همه شهدای روستای تا آخرین قطره خونم سلام بر شما باد ای رزمندگان اسلام ای پاسداران ای بسیجیان ای ارتشیان ای نیروهای انتظامی ای نیروهای کمیته ای نیروهای سپاه ای نیروهای جهاد سازندگی ای نیروهای ژاندارمری ای نیروهای شهربانی ای نیروهای دژبان ای نیروهای گارد ای نیروهای ارتش ای نیروهای سپاه ای نیروهای بسیج ای نیروهای کمیته ای نیروهای جهاد سازندگی ای نیروهای ژاندارمری ای نیروهای شهربانی ای نیروهای دژبان ای نیروهای گارد ای نیروهای ارتش

ای جوانان که در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (ع) در صحرای کربلا با اصحاب و یارانش در میدان جنگ شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی (ع) در محراب عبادت شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی اکبر حسین (ع) در راه حسین (ع) و با هدف حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی اصغر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عمو عباس حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که قاسم حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عبدالله حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که محمد حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عون حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که جعفر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عثمان حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عبدالله حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که محمد حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عون حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که جعفر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عثمان حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد

ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی اکبر حسین (ع) در راه حسین (ع) و با هدف حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی اصغر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عمو عباس حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که قاسم حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عبدالله حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که محمد حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عون حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که جعفر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عثمان حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد

ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی اکبر حسین (ع) در راه حسین (ع) و با هدف حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی اصغر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عمو عباس حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که قاسم حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عبدالله حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که محمد حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عون حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که جعفر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عثمان حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد

ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی اکبر حسین (ع) در راه حسین (ع) و با هدف حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی اصغر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عمو عباس حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که قاسم حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عبدالله حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که محمد حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عون حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که جعفر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عثمان حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد

ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی اکبر حسین (ع) در راه حسین (ع) و با هدف حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که علی اصغر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عمو عباس حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که قاسم حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عبدالله حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که محمد حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عون حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که جعفر حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد ای جوانان که در غفلت بمیرید که عثمان حسین (ع) در راه حسین (ع) شهید شد

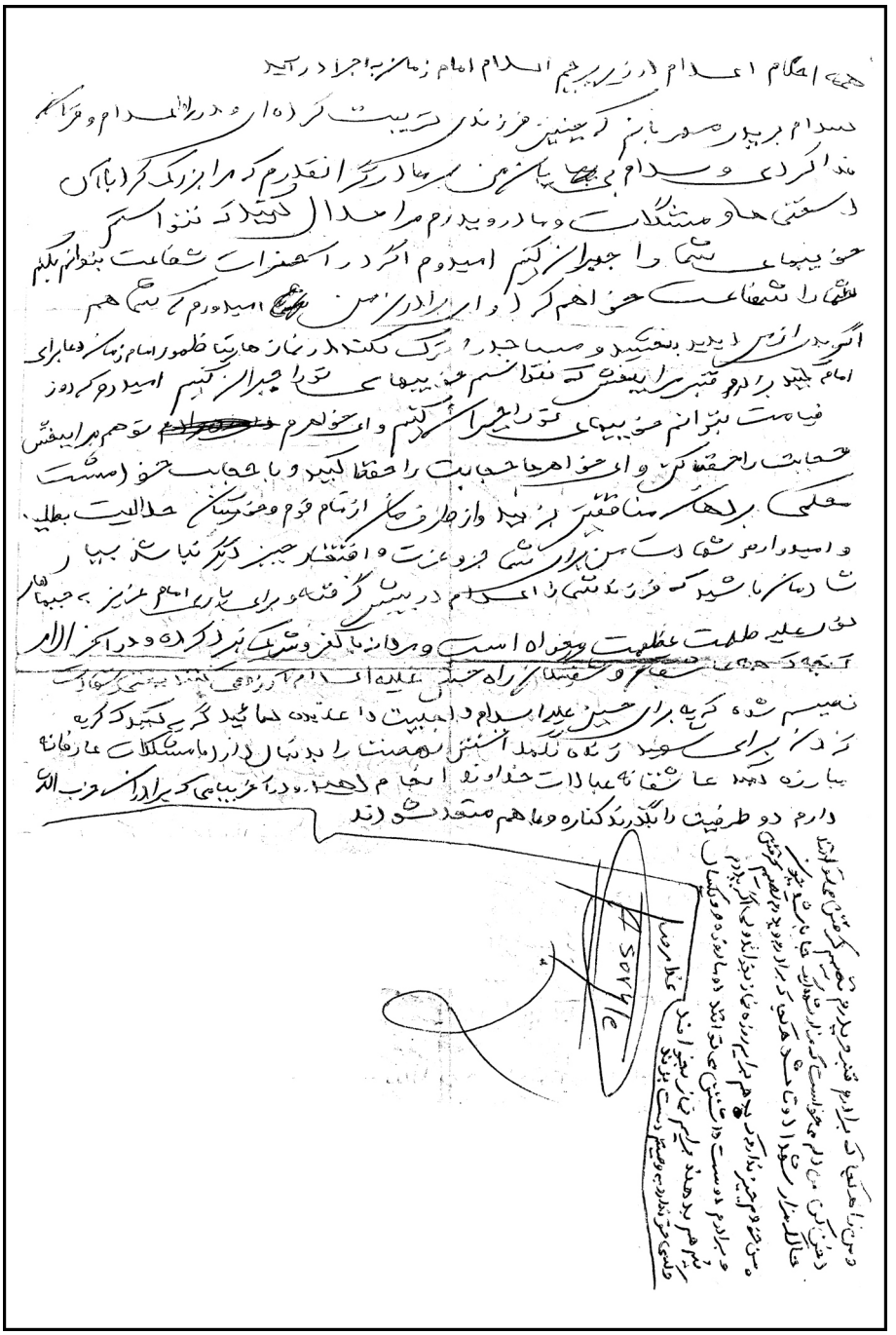

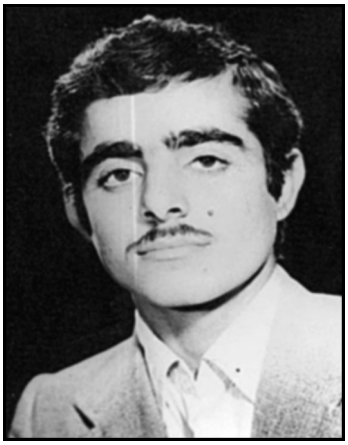

نام: **مهرعلی**
نام خانوادگی: **آقاجانی**
نام پدر: **قربانعلی**
نام مادر: **مولود**
تاریخ تولد: **دوازدهم اردیبهشت ۱۳٤٥**
محل تولد: **بابل**
تحصیلات: **بی‌سواد**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیستم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **کوشک**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلـزار شـهدای امـامزاده یحیـای شهرستان سمنان**

## عبارت‌های کلیدی

- درود و سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران.
- درود و سلام بر تمام شهیدان راه خدا.
- درود و سلام بر رزمندگان اسلام که در جبهه حق علیه باطل می‌جنگند.
- پدر من وصی من و زنم به‌عنوان ناظر باشند.
- پدرجان هر کجا که دفنم بکنند شما خودتان می‌دانید.
- پدرجان، هر چه که همسر عزیز من خواسته انجام بدهد کسی حق ندارد جلو آن را بگیرد.

## مهرعلی آقاجانی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

**وصیت‌نامه شهید مهرعلی آقاجانی مورخ ٦٤/١١/٢١**

وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم. درود و سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با درود و سلام به تمام شهیدان راه خدا و با درود و سلام بر رزمندگان اسلام [که][1] در جبهه حق علیه باطل می‌جنگند. وصیت‌نامه[ام] «شهید مهر علی آقاجانی» را شروع می‌کنم. پدرِ من به‌عنوان وصی[2] من و زنم به‌عنوان ناظر می‌باشد. پدرجان، من چند سال بود که نماز و روزه نگرفته بودم، حال شما به‌جای من بگیر. چیز[3] بدی از دست من دیدید، ببخشید. هرکجا که دفنم بکنند شما خودتان می‌دانید و از زن و بچه‌ام کاملاً مواظبت نمایید به‌خصوص بچه‌ام. از کلیه دوستان و آشنایان و فامیل‌ها که از من بدی دیدند باید ببخشند.[4] پدرجان من از روز روز اول خوشی را ندیدم، تا حال که به درجهٔ رفیع شهادت نائل[5] آمده‌ام. پدرجان، هرچه که همسر عزیز من خواسته انجام بدهد کسی حق ندارد جلو آن را بگیرد، چون آنکه گناه نکرده است و اگر خواسته دخترم را بگیرد که هیچ و اگر نبود، پدرجان از آن خیلی خیلی مواظبت بکنند. حساب کن که آن من هستم. پدرجان من مبلغ پنج‌هزار ریال تمام از آقای حسن که [...][6] می‌خواهم[7] و شوهر خاله‌اش[8] می‌باشد. پدرجان «گمان نکنید که من مرده‌ام مرده‌ام بلکه زنده‌ام و نزد خداوند روزی می‌خورم».[9] آن چیزهایی که مانند طلا باشد نصف

---

۱- در اصل وصیت «که» افتاده است.

۲- در اصل وصیت «وسیع».

۳- غرض اگر کار بد یا نافرمانی از شهید سر زده است.

٤- در اصل وصیت «بخشنده‌اند».

۵- در اصل وصیت «ناعل».

٦- خوانا نیست.

۷- در اصل وصیت «می‌خوام».

۸- در اصل وصیت «خلعش».

۹- عبارت ترجمه سورهٔ آل عمران آیه ١٦٩ است «ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون».

مال دخترم و نصف[۱] مال همسرم. اما بقیه وسایل خانگی سهم خودم[سهم] همسرم باشد، کسی حق چیزی ندارد. وصیت‌نامه‌ام را تمام می‌کنم.

**شهید مهرعلی‌آقاجانی**

**مورخ ٦٤/١١/٢١**

**در جبهه کوشک**

---

۱- در اصل وصیت «نصب».

* به استناد معرفی کوتاهی که از شهید آقاجانی در اعلام شهدای سمنان آمده است، شهید سواد خواندن یا نوشتن نداشته است، پس باید این وصیت توسط شهید قرائت شده و یکی از همرزمان آن را تحریر کرده باشد. به همین دلیل ادبیات وصیت‌نامه بیش از آنکه نوشتاری باشد گفتاری است. ما هم برای حفظ اصالت سند درصدد اصلاح جدی ویرایش و نگارش آن برنیامدیم.

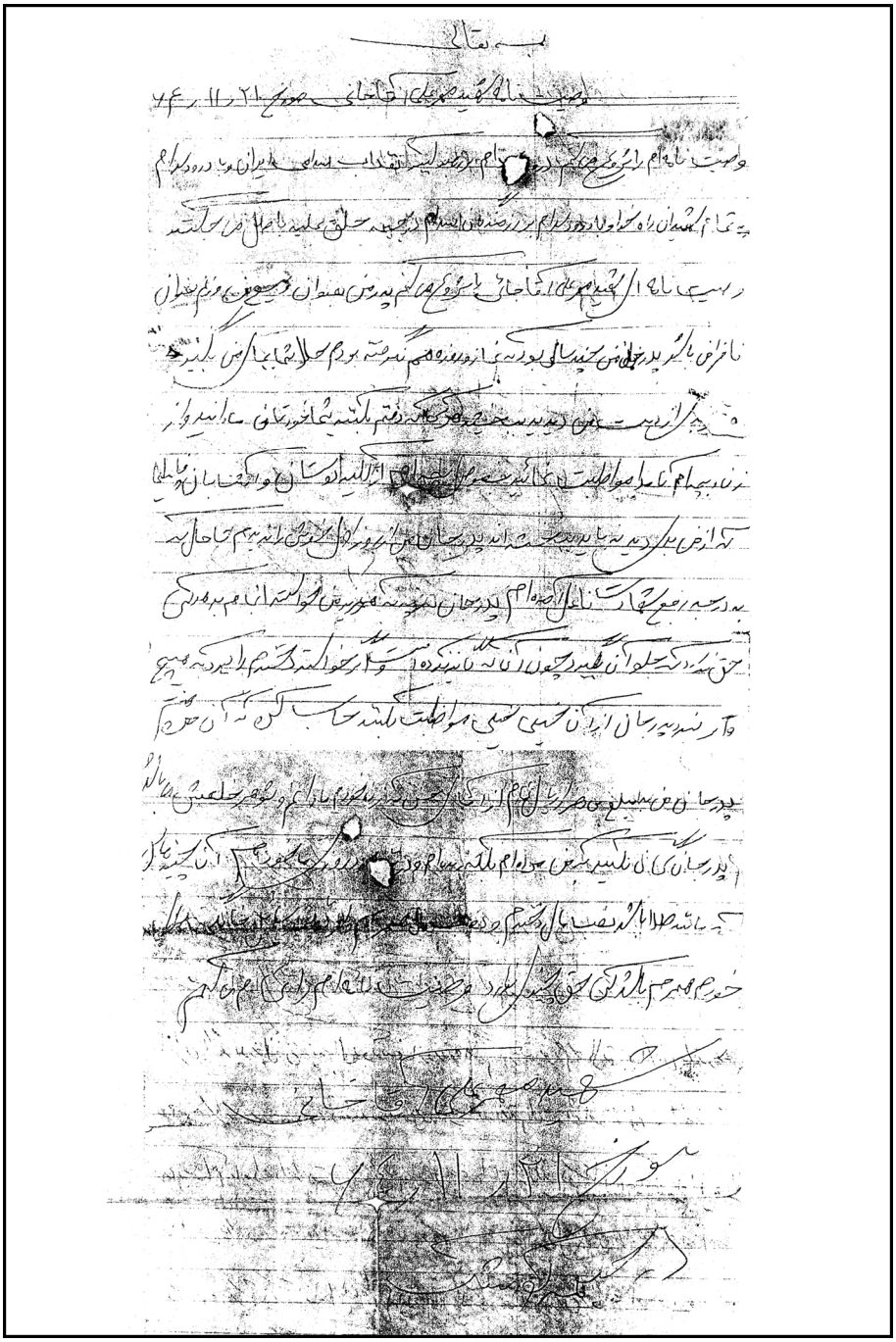

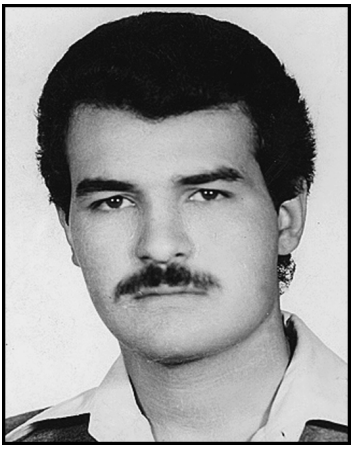

نام: **سیدحسین**
نام خانوادگی: **آقایان**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **حلیمه**
تاریخ تولد: **پنجم مرداد ۱۳۳۵**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم آبان ۱۳۶۰**
محل شهادت: **آبادان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش خمپاره**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- پروردگارا گام‌هایم را استوار گردان تا این امانت را که از تو برای راه حق مایه گرفته‌ام به صاحبش، که او سبحان قادر متعال می‌باشد، پس دهم.
- درود و سلام بر تو مادر. ای مادرم که برای پرورش من هستی خویش را فنا نمودی و در این راه از هیچ کوششی برایم دریغ نکردی.
- مادرم، من شرم دارم از اینکه بگویم اگر شهید شوم چنین کن و چنان کن.
- مادرم اگر می‌خواهی که مورد قبول خدا قرار گیرم، تو پیش حضرت زهرا(علیهاالسلام) روسفید باشی، به محض شنیدن خبر مرگم، دست‌هایت را بلند کن و بگو «انالله و انا الیه راجعون».
- مادرم اگر می‌خواهی که دعایت مستجاب گردد و راه کربلا باز شود، دعا کن که خون فرزندت مورد قبول خدا واقع شود.

## سیدحسین آقایان

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«ربّنا افرغ علینا صبرا و ثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین».**[۱]

سپاس خداوند را که به ما هستی بخشید تا در راه احقاق حق و رهایی مستضعفان جهان از چنگال مستکبرین و ایجاد جامعه توحیدی قیام نماییم. سپاس قادر متعالی را که به ما شناخت داد تا در این راه هستی خویش را نثار راهش نماییم.

پروردگارا گام‌هایم را استوار گردان تا این امانت را که از تو برای راه حق مایه گرفته‌ام به صاحبش، که تو سبحان قادر متعال می‌باشی، پس دهم و امید آن دارم که این امانت را آن‌طور که شایسته امانت‌داری باشد امین بوده باشم و با درود بر رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی، و پیروان راهش. سخنی را ابتدا با مادرم آغاز می‌نمایم. درود و سلامم بر تو باد. ای مادر عزیزم که برای پرورش من هستی خویش را فنا نمودی و در این راه از هیچ کوششی برایم دریغ نکردی. مادرم، من شرم دارم از اینکه بگویم اگر شهید شوم چنین کن و چنان کن، زیرا آنقدر گناهانم زیاد است که کمرم زیر بارش خم گردیده است و دعا کن که خداوند این بار سنگین را از پشتم بردارد. مادرم، می‌دانم که از مرگ من خیلی ناراحت می‌شوی و بی‌تابی زیاد می‌کنی، ولی نظرت را به چند نکته جلب می‌کنم و می‌خواهم که زیاد ناراحتی نکنی. مادرم، مگر تو در تمام نیایش‌هایت آرزوی کربلا نمی‌کردی؟ مگر تو نمی‌دانی که باز شدن راه کربلا احتیاج به خون پاک‌ترین و مخصلص‌ترین افراد حزب‌الله دارد؟ پس مادرم اگر می‌خواهی که دعایت مستجاب گردد و راه کربلا باز شود، دعا کن که خون فرزندت مورد قبول خدا واقع شود. مادرم، مگر تو از کودکی برایم تعریف نمی‌کردی که موقعی که امام حسین(علیه‌السلام) علی‌اصغر(علیه‌السلام)[۲] را جهت سیراب کردن به میدان نبرد برد، وقتی مورد اصابت تیر آن پلید قرار گرفت، حسین(علیه‌السلام) با دو دست خویش خون

---

۱- بخشی از آیه ۲۵۰ سورهٔ بقره. پروردگارا به ما شکیبایی و استقامت عنایت فرما و قدم‌های ما را در پایداری ثابت بدار و ما را بر جماعت کافران پیروز گردان.

۲- ر.ک. تعلیقات.

جگرگوشه‌اش را [با دو دست] به آسمان پرتاب نمود و از خداوند تقاضای پذیرش قربانی نمود؟ مادرم، مگر نشنیده‌ای داستان آن مادری را که سه فرزند رشیدش را در راه اسلام، خویش، به مسلخ‌گاه عشق فرستاد.[۱] پس مادرم اگر می‌خواهی که مورد قبول خدا قرار گیرم و تو پیش حضرت زهرا(علیهاالسلام) روسفید باشی، به محض شنیدن خبر مرگم دستهایت را بلند کن و بگو «**انالله و اناالیه راجعون**».[۲] از او بود و به‌سوی او پرکشید. پس مادرم به‌جای ناراحتی و نگرانی، فرزندان دیگرت را آن‌طور آماده شهادت کن که حضرت زهرا(علیهاالسلام) می‌کرد. پس مادرم دعا کن که خداوند شهادت را نصیبم سازد و اگر این سعادت نصیبم شد، هرگز بر مزارم اشک مریز و در مراسم تشییع من لباسی را که برای عروسی‌ام دوخته بودی به تن کن و دل کثیف ضد انقلاب را تیره نما، زیرا سعادتی بالاتر از شهادت در راه الله وجود ندارد و تو ای پدرم که از کودکی و نوجوانی و جوانی آن‌گونه با من رفتار نمودی. هرگز فکر نمی‌کنم بتوانم دِینم را نسبت به شما ادا نمایم. درود بی‌کران من بر شما باد و تو ای برادرم اگر می‌خواهید روح مرا شاد سازید، فقط برای خدا گام بردارید[۳] و در راه او از هیچ مشکلی هراسی به خود راه ندهید. از پدر و مادر به نحو احسن نگهداری کنید، هر چند که من نتوانستم خدمت به ایشان کنم، شما بکوشید که با حرکات ناخودآگاه خویش دلشان را رنجه نکنید. ای برادرانم، بدانید که نجات شما فقط در مکتب انسان‌ساز و رهایی‌بخش اسلام است. پس همچنین راه را بگیر تا انتهای آن که فنا شدن در راه الله است ادامه دهید و تو ای خواهرم، فرزندانت را آن‌گونه تربیت کن که زینب(علیهاالسلام) می‌کرد. خواهرم، در راه دفاع از اسلام و امام جلوی هر ضد انقلابی بایست و مقاومت کن. و اما ای برادر حزب‌الله که بار سنگین انقلاب بر دوش شما برادران است بدانید که شکفتن[٤] غنچه‌های گل سرخ انقلاب اسلامی به خون سرخ و پاک شما عزیزان محتاج است. پس ای برادران خونتان را جهت آبیاری این نهال ایثار نمایید. و شما ای مخلصین راه الله دعا کنید

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- بقره/ ۱۵٦.

۳- در اصل وصیت «بردارید».

٤- در اصل وصیت «شگفتن».

که خون این حقیر جهت آبیاری این نهال مورد قبول خداوند قرار گیرد و در انتها سخنی با تو ای ضد انقلاب، باید بدانید که این پیرمرد (امام خمینی) چشم ما ملت مسلمان است. ما حاضریم جانمان را بدهیم ولی چشممان را هرگز. در خاتمه از تمامی مخلصین راه الله طلب مغفرت و آمرزش را خواهانم.

برافراشته باد پرچم خونین جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، نابود باد جبهه متحد ضدانقلاب. مرگ و نفرین بر امریکا و شوروی و دیگران.

**«والسلام علی من اتبع الهدی»**

**پانزدهم مردادماه شصت**

**سیدحسین آقایان**

**۱۳٦۰/۵/۱۵**

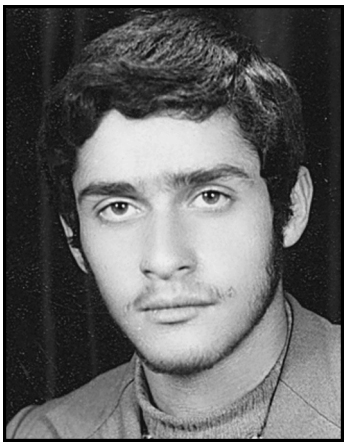

نام: **احمد**
نام خانوادگی: **آقایی**
نام پدر: **هاشم**
نام مادر: **حورالعین**
تاریخ تولد: **بیست‌وسوم اردیبهشت ۱۳٤٦**
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۳٦٥**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش خمپاره**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدایا، از تو می‌خواهم به عزت خودت خواسته‌هایم را محروم نکنی و به بدی عملم ننگری.
- خدایا، مرا به‌کرده‌های پنهانی‌ام، که تو می‌دانی، رسوا نگردان، سرّ مرا فاش نکن.
- پروردگارا، غیر از تو کسی ندارم و جز تو از که بخواهم که زیان مرا برطرف کند و نظری به‌کار من کند؟
- پروردگارا، ذکر نام تو را وسیله‌ای برای تقرّب به تو قرار داده‌ام.
- یا رب، قلب من از پرده‌های گناه پوشیده شده، نفس من معیوب گشته و عقل من مغلوب گشته و هوی و شهوت بر من غالب گشته.
- پروردگارا، این حیله نیست بلکه حقیقتی است که از عیب من آگاهی.
- شهادت سلاح خونینی است که شهید به‌وسیله آن آخرین ضربه را به دشمن زبون وارد می‌سازد.
- با شهادت این الگوها، سرنوشت جامعه ساخته می‌شود.

## احمد آقایی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

**«یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم* تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل‌الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون».**[۱]

خدایا، از تو می‌خواهم به عزت خودت خواسته‌هایم را محروم نکنی و به بدی عملم ننگری. خدایا مرا به کرده‌های پنهانی‌ام، که تو می‌دانی، رسوا نگردان، سرّ مرا فاش نکن و به عقوبت من شتاب منما، به آنچه که در خلوت کردم. خدایا بلایی بزرگ دارم و بدی‌هایی فراوان نموده‌ام و در اعمال خود کوتاهی کرده‌ام، که زمین‌گیر کرده مرا. پروردگارا، غیر از تو کسی ندارم و جز تو از که بخواهم که زیان مرا برطرف کند و نظری به‌کار من کند؟ پروردگارا، بیامرز گناهانی را که نازل می‌کند بلا را و هر لغزشی و خطایی که نموده‌ام.[۲]

پروردگارا ذکر نام تو را وسیله‌ای برای تقرّب به تو قرار داده‌ام و از تو شفاعت می‌جویم. یا رب، قلب من از پرده‌های گناه پوشیده شده، نفس من معیوب گشته و عقل من مغلوب گشته و هوی و شهوت بر من غالب گشته و عبادتم ناچیز و معصیت من بسیار و زبانم معترف به‌گناه است. پروردگارا این حیله نیست[۳] بلکه حقیقتی است که از عیب من آگاهی و از زبان[٤] و دلم می‌گویم ای بخشنده و مهربان. خدایا، در آن روز [که] همه چیز

---

۱- صف/ ۱۰- ۱۱. در اصل وصیت واژه «علی‌تجارة» را «علی‌التجاره» و «باموالکم» را «به اموالکم» نوشته است. و ضمناً در همین آیه به‌جای «رسوله» نوشته است «قوله». ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید آیا می‌خواهید شما را به تجارتی راهنمایی کنم که سود آن شامل نجات شما از عذاب سخت قیامت خواهد بود؟* پس باید به خداوند و پیامبر او ایمان بیاورید و در راه دین خدا با مال و جان خود به جهاد برخیزید؛ این برای شما اگر دقت کنید بهترین کار است و سودمندترین تجارت».

۲- برگرفته از فرازهایی از دعای کمیل.

۳- این قسمت از وصیت‌نامه ترجمه‌ای است آزاد از فرازهایی از دعای صباح فقط به ذکر شواهدی چند بسنده می‌شود: «الهی قلبی محجوب و نفسی معیوب و عقلی مغلوب و هوایی غالب و طاعتی قلیل و معصیتی کثیر و لسانی مقرّ بالذنوب فیکف حیلتی یا ستار العیوب و...» (مفاتیح الجنان- دعای صباح). ضمناً در اصل وصیت واژه «مغلوب» را «مقلوب» نوشته است.

٤- در اصل وصیت «بان».

رسوا می‌شوند و بلاها زنجیر پاها می‌شود، پناه می‌خواهم و از این همه تقصیر اکنون عذر می‌خواهم. پشیمان و دل‌شکسته‌ام و عفو می‌خواهم و آمرزش برایم را اقرار دارم. به‌سوی تو روی می‌آورم و کار را به تو وامی‌گذارم که عذر مرا ببخشی و به‌رحمت واسع خود وارد کنی مرا، بپذیر عذر مرا و رحم کن بر این بدن ضعیف.

خدایا، لذت ایمان و جان‌نثاری در راهت را بر این بنده ذلیل خویش عطا فرما و گام نهادن در راهت و اقتدا کردن به اولیائت، آن سرور شهیدان حسین بن علی(علیه‌السلام)، و آن شیرینی عبادت و بندگی شبانه‌روزی‌ات را عنایت فرما، هدایت کن بر سبیل خودت عشق و محبت خودت و عشق و محبت عاشقانت و آنچه را که باعث قرب به تو می‌شود بر من حقیر عطا فرما. در طول زندگی، انسان‌ها با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند و به مبارزه با آن می‌پردازند، پس چقدر شیرین است که این مبارزه را در جهت صحیح قرار داده و به پیش رفت و در این جولانگاه تمام مشکلات را زیر پا گذاشت. انسان تا لحظه‌ای از چیزی پشتیبانی می‌کند که امر مهم‌تری پیش نیاید و وقتی که امر مهمی پیش آید، از آن امر مهم حفاظت می‌کند. وقتی اسلام در خطر افتاد، دیگر باید تمام امور دیگر را رها کرد و به پشتیبانی از آن آرمان مقدس برخاست.[۱]

«شهادت سلاح خونینی است که شهید به‌وسیله آن آخرین ضربه را به دشمن زبون وارد می‌سازد و با شهادت این الگوها، سرنوشت جامعه ساخته می‌شود».

از مسئولین محترم می‌خواهم که در امور محول گشته همچنان کوشا باشند و سخنی با مسئولین بدون مسئولیت دارم که توجه داشته باشند با امتی روبه‌رو هستند که هستی خود را فدای[۲] اسلام نموده و هدف اصلی خود را دنبال می‌کنند و تمام مشکلاتی که روبه‌رو می‌شوند از میان برمی‌دارند و به هر نابکار فرصت سربلندی را نمی‌دهند. از هموطنان گرامی می‌خواهم حمایت از ولی فقیه آیت‌الله منتظری[۳] را نموده و همچنین سدی باشند در مقابل از خدا بی‌خبران و اجازه پیاده کردن اهداف پوچ و برخاسته از هواهای نفسانی‌شان را

---

۱- در اصل وصیت «برخواست».

۲- در اصل وصیت «فدا».

۳- ر.ک. تعلیقات.

ندهند. اگر افراد می‌خواهند در یک جهت گام برداشته باید در یک نظام تشکیلاتی صحیح، که ادامه‌دهنده حرکت انبیاء و امامان و وارثین ایشان قرار گرفته است، باشید و به آن رهبر و سید مظلوم، حسین بن علی(علیه‌السلام)، اقتداء نمایید. از مرقد مطهر امام‌زاده کمال استفاده را ببرید که وجود آن مرقد شریف نعمت بزرگی است که نصیب شما گشته است و طبق آیه شریفهٔ «**واعتصموا بحبل‌الله...**»[1] همت و وحدت خود را حفظ کنید و جمعاً به ریسمان الهی چنگ بزنید. از معلمین و استادان عزیز می‌خواهم با تربیت صحیح، محصلین را آماده کنید برای خدمت به اسلام و از دانش‌آموزان می‌خواهم که در درس خود کوشا باشید و اخلاق اسلامی را رعایت نموده و اجازه ورود اخلاق زشت و ناپسند را به محیط مقدس مدرسه [را][2] ندهید و مبارزه با افراد خلاف‌گوی را فراموش نکنید و حرکت خود را به‌سوی خدا سوق دهید و حمایت از اهداف مقدس خود نمایید تا بتوان مملکت را به استقلال واقعی رسانید. همچنان جبهه را گرم نگه دارید و از تک تک حق‌داران و دوستان و اقوام و آشنایان حلالیت می‌طلبم. به امید ظهور حضرت بقیةالله اعظم و جهانی شدن حمکت عدل الهی وحی.

**العبد والعاصی الحقیر**
**احمد آقایی**
**٦٥/٢/٢٧**

---

۱- در اصل وصیت کلمه الله را «ا...» نوشته است. آل عمران/ ۱۰۳.
۲- «را» در اصل وصیت زاید است.

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تومنون بالله و رسوله تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون.

خدایا از تو می‌خواهم به حرمت خودت خواسته‌هایم را محروم نکنی و به بی‌عملم ننگری. خدایا ما بنده‌های گناهکاریم که تو را می‌خوانیم، سر ما ناشکر و به عقوبت ما شتاب مفرما به آنچه که در خلق کرده‌ام.
خدایا بلایی بزرگ دارم و سیاهی فراوان. خود دانی اعمال خود که تباهی کرده‌ام که زبیر کرده مرا.
پروردگارا غیر از تو کسی ندارم و جز تو از که بخواهم که زبان مرا به طرف کند و نظری به کار من کند؟ پروردگارا بیامرز گناهانی را که نازل میکند بلا را و هر لغزشی و خطائی که کرده‌ام.
پروردگارا ذکر نام تو وسیله‌ای برای تقرب به تو قرار داده‌ام و از تو شفاعت می‌جویم. بار خدایا قلب من از پرده‌های گناه پوشیده شده و نفس من مریض گشته و عقل من مغلوب گشته و هوای نفس بر من غالب گشته و عمر تم را چیزی معصیت من بسیار و زیاد معرف نگذاشته است.
پروردگارا این حقیقتی است که از عیب من آگاهی و از پنهان و درگذری ای بخشنده پوشاننده.
خدایا در آن روزهایی که بر ما تاریکی شده و بلاها از هر طرف ما را احاطه کرده و از این همه تقصیر اکنون عذر خواهم پشیمان و دل شکسته‌ام و عذر خواهم و آمرزش برایم را اقرار دارم. تویی که تو روی می‌پوشی و کار را به تو واگذار می‌کنم که عذر ما را بپذیری و ظلمت واسع خود را کنی ما را بپذیر عذر ما را و رحم کن بر این بدن ضعیف.
خدایا لذت ایمان و حلاوتی در عبادت را به این بنده ذلیل خویش عطا فرما و تمام نادانی در عبادت و اقدام کردن به اولیاءات آن به حرمت شهیدان حسین بن علی (ع) و آن شهیدی عبادت و بندگی شایسته روزیت را عنایت فرما عبادتی که موجب وصل خودت، عشق و محبت خودت و عشق و محبت عاشقانت و آنچه را که ما را به قرب تو می‌رساند بر من حقیر عطا فرما.
در طول زندگی انسان با مشکلاتی روبرو می‌شود و مبارزه با آن نیاز دارد بسی جالب‌تر این است که این مبارزه را در جهت صحیح قرار داد. در این جا لازم است تمام مشکلات را زیر پا گذاشت. انسان تا لحظه‌ای از چیزی پشیمانی میکند که از مهمتری پیش پا باید و وقتی که از دومی پیش آید از آن اعراض می‌کند و وقتی اسلام در خطر افتاد دیگر با هیچ

تمام امید دیگر را رها کرده و به پشتیبانی از آن آرمان مقدس برخاست.

«شهادت سلاح خونینی است که شهید به سینه آن آخرین ضربه را به دشمن زبون وارد میسازد و با شهادت این افکارها سرنوشت جامعه ساخته میشود.»

از مسئولین محترم می‌خواهم که طوری عمل کنند همچنان که شاه شده سنتی با مسئولین بعدی مسئولیت دارم که توجه داشته باشند با اتکاء و بر دوستانی که هستی خود را فدا اسلام کرده و هدف اصلی خود را دنبال می‌کنند و تمام مشکلاتی که در روی دوش ایشان است از میان برداشته و به هر نحو یاری رفع مشکلات را فراهم نمایند. از همه طلاب گرامی می‌خواهم حمایت از ولی فقیه آگاه و مقتدری را نموده و همچنین سعی نمایند در سایه از خدای خویش و اجازه ندادن اهداف پلید و برخاسته از هواهای نفسانیشان را ندهند.

گرامی از مسئولین محترم درخواست می‌نمایم در یک جهت گام برداشته با یک نظام تشکیلاتی صحیح کارها را دنبال نموده و حرکت انبیاء و اولیاء و دارش ایشان قرار گرفته باشند و به آن رهبر بیدار مظلوم حسین زمانی اقتدا نمایند.

از مقدمه مطهر امام آزاده کمال استفاده را ببرند که در آن مرحله شرعیت سنت بزرگی است که نصیب شما گشته است و طبق آن به شرعیه و اعتمدوا بحبل ا..... هست وحدت خود را حفظ کنید و همه به ریسمان الهی چنگ زنید.

از مسئولین و استادان محترم نیز خواهم با تربیت صحیح متعلمین را آماده کنند برای خدمت به اسلام.

و از دانش آموزان میخواهم که درس خود را شاخته و اخلاق اسلامی را رعایت نموده و از اجازه ورود اخلاق زشت و پلید را به محیط مقدس مدرسه ندهند و مبارزه با افراد خلاف‌کار را از او دانش نکنند و حرکت خود را بسوی خدا سرق دهند و حمایت از اهداف مقدس خمینی کبیر تا پیروزی نهایی و استقلال واقعی برسانند همچنان که تا کنون نکرده‌اند و از کمک به حق طلبان و دوستان و اقدام آشنایان جلالیت می‌طلبد.

از خداوند حضرت بقیه الله اعظم و جانشین شایسته عدل الهی و محی

العبد العاصی الحقیر احمد آقائی

۶۵/۲/۲۷

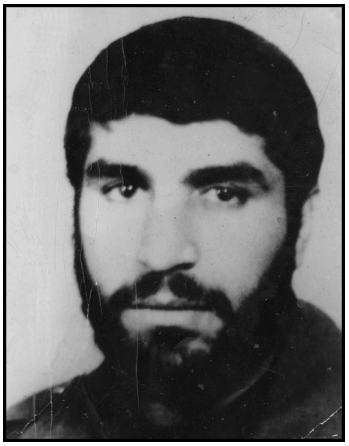

نام: **علی**
نام خانوادگی: **آقایی**
نام پدر: **یدالله**
نام مادر: **فاطمه صغرا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای ابراهیم‌آباد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم تیر ۱۳۶۲**
محل شهادت: **سردشت**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- وظیفه شرعی خود دانستم که به جبهه بروم و از سرزمینم و از وطنم و از اسلامم و از رهبرم و از خون این همه شهید به خون تپیده با نثار خون ناقابلم پشتیبانی نمایم.
- اگر به یاری خداوند به فیض شهادت رسیدم، از برادرانم می‌خواهم که اولاً مرا ببخشند.
- حال که می‌بینم این دست‌نشاندگان آمریکا به میهن اسلامی‌مان حمله کرده‌اند وظیفهٔ هر مسلمان آزاده است که به جبهه‌های حق علیه باطل برود.
- می‌نویسم به برادرانم که چنانچه این حقیر به لقاءالله پیوست، ادامه دهندهٔ راهش باشید.

## علی‌آقایی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

وصیت کردن بر هر مسلمان واجب است.

به این خاطر من در این سطر می‌نویسم به برادرانم که چنانچه این حقیر به لقاءالله پیوست، ادامه‌دهندهٔ راهش باشید و اگر چنانچه کسانی از این بندهٔ حقیر بدی دیده‌اند، که حتماً دیده‌اید، رضایتشان را جلب نمایید.

از مادرم می‌خواهم که مرا ببخشد و شیر پاکش را که به من داده است، حلالم نماید و از برادرانم می‌خواهم که مقدار بدهی که دارم و خودشان در جریان آن هستند پرداخت نمایند و امیدوارم که مرا ببخشند.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام و آزادی راه کربلا، خدا نگه دار چون موقع خواب است. ساعت ۱۱/۵ شب

[...][1] وسط دعا آمدند بیرون، ولی دعای توسل[2] به هم نخورد. بعد از دعای توسل آمدم به چادر برادران اطلاعات عملیات و بعد برادران شروع کردند به‌نامه نوشتن و وصیت‌نامه، چون فردا بنا است برویم سردشت[3] و هیچ‌کس نمی‌داند که آیا فردا زنده می‌ماند یا خیر؟ همه به این فکر بودند که کارهایشان را تمام کنند که خدای نکرده اگر فردا کمین خوردند و به دام دشمن افتادند، دیگر حرفی نزده نمانده باشد. همه داخل چادر یک دست مشغول نامه نوشتن هستند و بعضی‌ها مثل من می‌گویند من که وصیت‌نامه ندارم و نمی‌خواهم که البته روایت از امام جعفر صادق(علیه‌السلام) که می‌گوید: «**الوصیة حق علی کل مسلم**»[4]

---

۱- خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «دعای توسط».

۳- بخشی از شهرستان مهاباد (آذربایجان غربی). قصبه مرکزی آن سردشت در ۲۶ کیلومتری جنوب غربی مهاباد است.

٤- ترجمه: «بر هر مسلمانی است که وصیت خویش را بنویسد» (امام جعفر صادق(علیه‌السلام)، الهدایه، ص ۳۱۹).

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

## بسم‌الله الرحمن الرحیم

با سلام به شهیدان، با درود به رهبرم. اینجانب علی آقایی، فرزند یدالله، شناسنامه شماره شش، صادره از حوزه سه شاهرود، متولد ۱۳٤۱ وصیت می‌نمایم که به یاری خداوند تبارک و تعالی و چهارده معصوم اگر در مبارزه علیه کفار و برای پیشرفت اسلام و پیروزی حق علیه باطل به فیض شهادت نائل آمدم، اولاً خداوند روزی‌دهنده تمام انس و جان می‌باشد. ثانیاً وظیفه شرعی می‌دانم حال که صدامیان کافر بر سرزمین و میهن اسلامی‌مان وحشیانه حمله‌ور شدند و ملت بی‌گناه و بی‌سلاح ما را در جنوب و غرب به زیر رگبار گلوله‌های سنگین خود می‌گیرند و آنها را ناجوانمردانه به شهادت می‌رسانند، از این رو وظیفه شرعی خود دانستم که به جبهه بروم و از سرزمینم و از وطنم و از اسلامم و از رهبرم و از خون این همه شهید به خون تپیده با نثار خون ناقابلم پشتیبانی نمایم. ثالثاً اگر به یاری خداوند به فیض شهادت رسیدم، از برادرانم می‌خواهم که اولاً مرا ببخشند و ثانیاً با آنچه که دارم بفروشند و بدهکاریهایم را بدهند تا این حقیر بتواند در چهار گوشه قبر آسوده بخوابد و از برادرانم می‌خواهم که ادامه‌دهنده راه شهیدان باشند و از مادرم می‌خواهم که در شهادت من اولاً چنانچه از روی جوانی و نادانی حرف بدی زدم که رنجیده شده مرا ببخشد و ثانیاً در شهادت من ناراحتی نکند. مادر جان، می‌دانم که هر مادری دوست دارد فرزندش در کنارش باشد، به‌خصوص که تو ای مادرم مرا با خون دل و با بی‌پدری بزرگ نمودی، ولی حال که می‌بینم این دست‌نشاندگان آمریکا به میهن اسلامی‌مان حمله کرده‌اند، وظیفهٔ هر مسلمان آزاده است که به جبهه‌های حق علیه باطل برود و با نثار خونش نهال اسلام و کشور جمهوری اسلامی را یاری نماید. همچنین از دوستانم تقاضا دارم که چنانچه از روی جوانی خطایی کردم، مرا ببخشند. رابعاً دانسته باشید ای ملت رزمنده ایران، ما رزمندگان اسلام تا ده‌ها نفر از مزدوران عراقی را به درک واصل نکنیم کشته نخواهیم شد. چون دشمن کورکورانه و بی‌هدف و با زور به خاک میهن اسلامی‌مان حمله‌ور شده، در صورتی که ملت ما همه، با عقیده‌ای که به جمهوری اسلامی دارند، برای نبرد داوطلبانه به جبهه‌های حق علیه باطل می‌روند تا این دست‌نشاندگان آمریکای جنایتکار را از پای درآورند و ملت عراق را از زیر یوغ استعمار آمریکا و صدام و حزب بعث نجات دهند.

وصیت‌نامه خود را در زمانی می‌نویسم که از نظر جسمانی و عقلی و روحی سالم هستم و شعارم همیشه این است «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار»

**«والسلام علیک»**

**مورخ ۱۳۶۱/۶/۱**

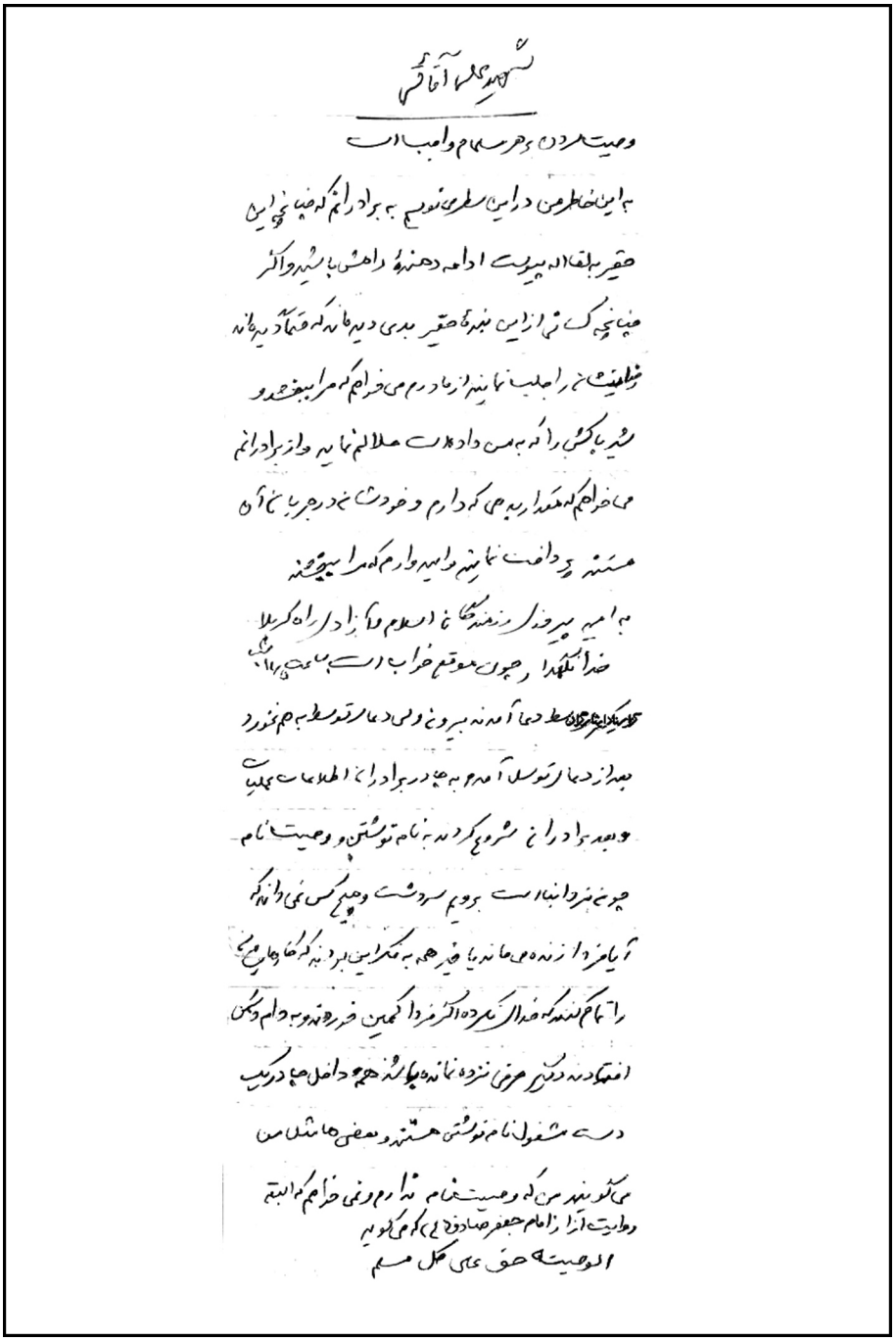

شهید علی آقایی

وصیت کردن بر هر مسلم واجب است

با این خاطر من در این سطور می‌نویسم به برادرانم که ضمن این
حقیر بلقای الهی پیوست ادامه دهنده راهش باشید و اگر
ضمن این کم تری از این بنده حقیر بدی دیده‌اند که قهقرا دیده‌اند
شما هیچ‌یک را مجلب نمایند از برادرم می‌خواهم که مرا ببخشد و
شد با کسی را که به من داد ملالم نماید و از برادرانم
می‌خواهم که مقداری بدهی که دارم و خودش نیز در جریان آن
هستند پرداخت نمایند و امیدوارم که مرا ببخشند
با امید پیروزی رزمندگان اسلام و آزادی راه کربلا
خدانگهدار و چون موقع خداحافظی است با صلوات بر محمد و آل محمد
[illegible] بعد از دعای توسل آمدم به جبهه و برادرانم اطلاعات مجلس
و بعد برادرانم شروع کردند به نام نوشتن و وصیت نامه
چون نمی‌دانستیم برویم شهید شویم و چیزی کسی نمی‌داند که
آیا فردا زنده می‌ماند یا خیر هم به فکر این بودند که کارهایی را
تمام کنند که خدای نکرده اگر فردا کسی خبر شهادتم را داد دیگر
احتیاجی نداشته باشد که هیچ داخل چادر یک
دسته مشغول نام نوشتن هستند و بعضی هاشان من
می‌گویند من که وصیت‌نامه ندارم و نمی‌خواهم که البته
وصیت آنرا از امام جعفر صادق (ع) کم می‌گویم
الوصیة حق علی کل مسلم

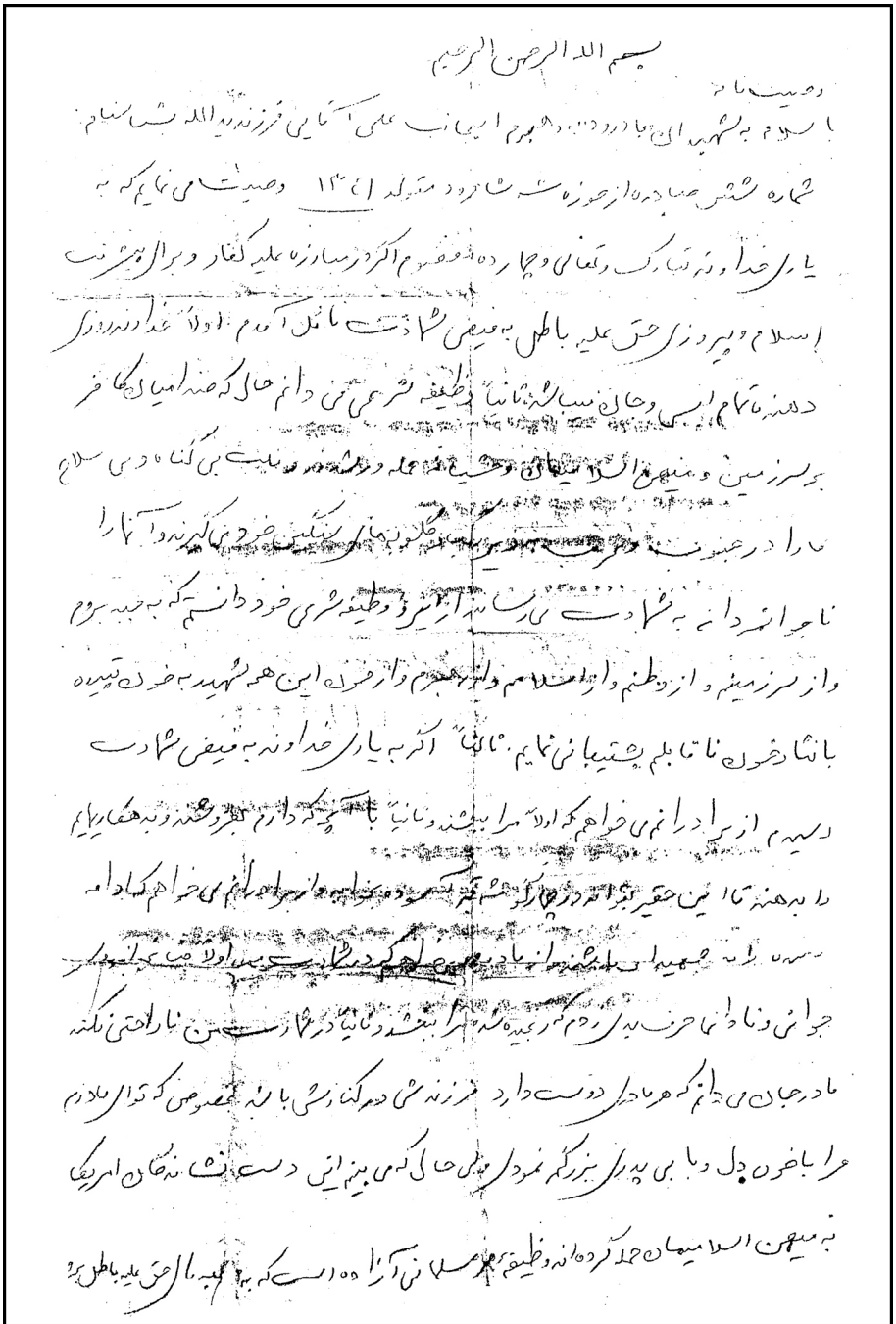

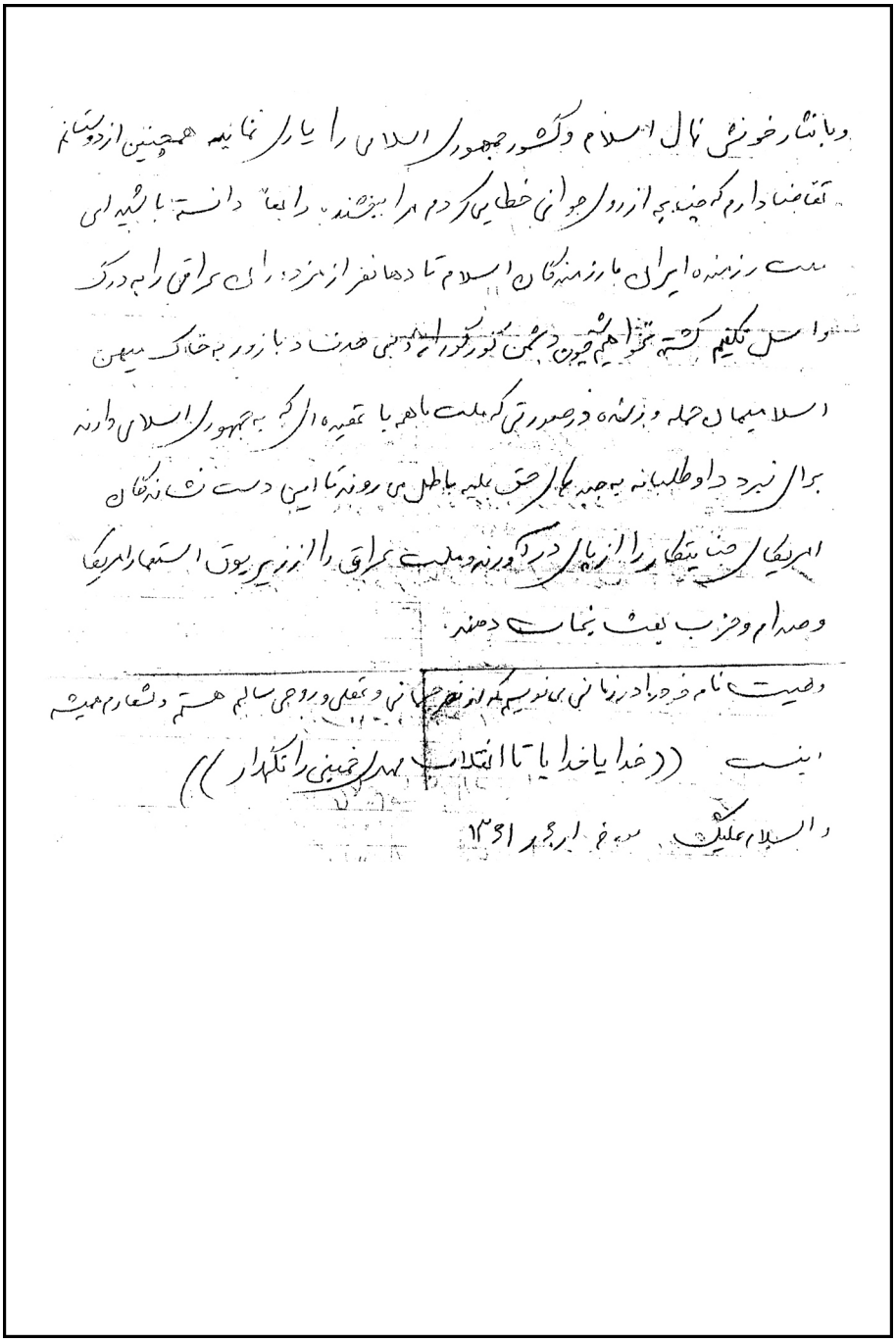

وبا نثار خونش نهال اسلام و کشور جمهوری اسلامی را یاری نماید همچنین از دوستانم
تقاضا دارم که چنانچه از روی جوانی خطایی کردم مرا ببخشند و را بعنوان دانسته با شبه‌ای
ست رزمنده ایران با رزمندگان اسلام تا دهها نفر از مزدوران کرانی را به درک
واصل نکنیم که خواهیم چون دشمن کور کرانه دنیی هدف و با زور به خاک میهن
اسلامیمان حمله و برنده در صورتی که ملت ما هم با تعبیه اگر به جمهوری اسلامی دارند
برای نبرد داوطلبانه به جبهه بیایند حق بلیه باطل می روند تا این دست نزدگان
امریکای جنایتکار را از پای در آورند و ملت عراق را از زیر یوغ استعمار امریکا
و صدام و حزب بعث نجات دهند.

وصیت نامه خود را در پایان می نویسم که از نظر جسمانی و عقلی و روحی سالم هستم و شعارم همیشه
است ((خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار))

والسلام علیکم ۱۳۶۱/۱۲/۲۰

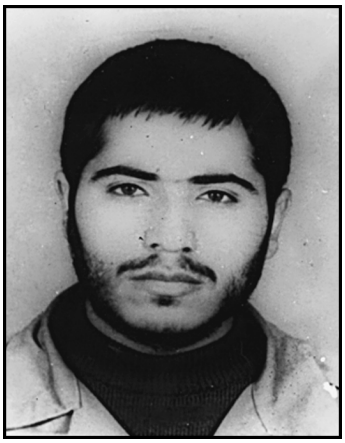

نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **آقایی**
نام پدر: **صفرعلی**
نام مادر: **فاطمه‌صغرا**
تاریخ تولد: **۲۷ بهمن ۱۳۴۳**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **دوازدهم شهریور ۱۳٦٤**
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای میقان زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- پروردگارا، تو خود شاهدی و می‌دانی که هدف من از آمدن به جبهه به‌جز یاری دین تو چیزی نبوده است.
- سوگند یاد می‌کنم که کسانی را که به یاری روح الله برنخاسته‌اند، راضی نیستم که به جنازه‌ام دست بزنند.
- البته این عبد روسیاه این لیاقت را ندارم، ولکن تو رحمان و رحیمی ای خداوند و از فضل تو دور نیست که این حقیر را به غلامی قبول کنی.
- این عزیزان بدانند که نباید دست از یاری امام عزیزمان، روح‌الله، [بردارند].
- در کارها رضای خداوند متعال را تحصیل کنند.

## علیرضا آقایی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**اناالله وانا الیه راجعون**»[۱] «همه از خداییم و به‌سوی او بازگشت خواهیم کرد».
«**اللهم وفقنا لما تحب و ترضی**» «پروردگارا بدانچه دوست می‌داری و راضی هستی موفقمان بدار».

پروردگارا، مولای من، سرور من، تو خود می‌دانی که من بندهٔ گنه‌کار توام و این چند سال هم به‌جز [...][۲] تو کاری از دستم برنیامد. و حال پشیمان شده و به‌سوی تو توبه می‌کنم و برمی‌گردم.

حمد و سپاس مخصوص توست که بنده گنه‌کاری را توفیق جهاد دادی، توفیق سربازی امام زمان را به این عبد روسیاه درگاهت دادی.

پروردگارا عاجزم از شکر نعمت‌های تو  عجز ما بینی و بگذر از عصیان ما[۳]

پروردگارا، تو خود شاهدی و می‌دانی که هدف من از آمدن به جبهه به‌جز یاری دین تو چیزی نبوده است، به‌جز یاری ابا عبدالله چیزی نبوده است، به‌جز یاری حسین زمانم چیزی نبوده است. سوگند یاد می‌کنم که کسانی را که به یاری روح الله بر نخاسته‌اند،[٤] راضی نیستم که به جنازه‌ام دست بزنند و در تشییع جنازه‌ام شرکت نمایند.

پروردگارا، تو خود صاحب و ولی‌نعمت من هستی و از حاجتم آگاهی و می‌دانی که چه تقاضایی دارم. همان تقاضایی که اولیائت داشتند، که همان شهادت در راهت است، می‌باشد.

البته این عبد روسیاه این لیاقت را ندارم، ولکن تو رحمان و رحیمی ای خداوند و از فضل تو دور نیست که این حقیر را به غلامی قبول کنی و به این فیض بزرگ برسانی، باشد که جزء صالحان درگاهت قرار بگیرم و اگر چنانچه رضایت به ماندن ما است خودت

---

۱- بقره/ ۱۵٦.

۲- خوانا نیست.

۳- بیت فاقد وزن روان و درست است. مهم نیت خالصانه شهید مبنی بر اقرار خالصانه در پیشگاه خداوند است.

٤- در اصل وصیت «برنخواسته‌اند».

هدایتمان کن که از راهت منحرف نشویم و دست از یاری دین خودت برنداریم و به دفاع از آن بپردازیم. و اگر رضایت بر اسارت این حقیر است، اسارتم را زمینه[۱] آزادی از عذابت قرار بده و اگر رضایت به این است که حقیر را به این فیض برسانی، چه بهتر از این الحمدلله رب العالمین. این حقیر کوچک‌تر از این است که پیامی برای عزیزان، برای یاران روح‌الله و سربازان امام زمان داشته باشد، ولکن مطلبی هست و تذکرش هم بد نیست. این عزیزان بدانند که نباید دست از یاری امام عزیزمان، روح‌الله، [بردارند] و در کارها رضای خداوند متعال را تحصیل کنند. انشاءالله همیشه در کارها به لطف خداوند متعال ذول‌الجلال[۲] موفق بوده باشند. این حقیر مبلغ ده هزار تومان پول رایج ایران به برادر ارجمندم، محمد محمدی، بدهکارم که از دارایی‌ام آن را پرداخت و همچنین هم مبلغی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرمان بدهکارم که آن هم پرداخت شود. و این حقیر به گردنش سه ماه روزه و دو سال نماز می‌باشد و جنازه‌ام را در گلزار شهدای شاهرود دفن کنید و مابقی[۳] دارایی‌ام از آن یار و غمخوار زندگیم، غمکش دورانم، یار گرامی‌ام، همسر مهربانم می‌باشد و از ایشان عذرخواهی کامل می‌نمایم و از ایشان حلالیت می‌طلبم.

در آخر از تمام آشنایان و دوستان و کسانی که بر گردن این حقیر حق داشتند و در حق آنها کوتاهی است، ما را ببخشند و عذرمان را بپذیرند. باشد که لطف پروردگار شامل حال همه ما بشود انشاءالله و احتیاطاً مبلغی هم جهت رد مظالم بپردازید. ضمناً عهدنامه این حقیر امضاء شده است و در داخل ساکم می‌باشد و آن را به کفنم ملحق کنید.

**از زحمات همه شما متشکرم**

**«وصیت‌نامه‌های قبلی فاقد اعتبار می‌باشد»**

**علیرضا آقایی**

**٦٤/٥/٢٥**

---

۱- در اصل وصیت «ضمیمه».

۲- در اصل وصیت «ذل جلال».

۳- در اصل وصیت «مابغی».

بسمه تعالی

## وصیتنامه

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

محل الصاق عکس

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ ـ هدف از آمدن به جبهه

۲ ـ پیام

۳ ـ رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار وطرف دیون، واجباتی که به‌گردن داشته از جمله نماز وروزه قضا و ..... خیرات وصدقات نسبت به ـــ مال ردمظالم و..

بسم الله الرحمن الرحیم

«انا لله وانا الیه راجعون»

«همه از خدائیم وهمه به سوی او بازگشت خواهیم کرد»

«اللهم وفقنا لما تحب وترضی»

پروردگارا بدانچه دوست میداری و راضی هستی موفقمان دار

پروردگارا - مولای من، سرورم تو خود می دانی که من بنده گنه کار توام و این فیضناله هم بر عالمت توکل از دستم بر نیامد و حال پشیمان شده و بسوی تو توبه می کنم و می گریم

همه سپاس خصوص تو را که بنده گنهکار را توفیق جهاد داد توفیق سربازی امام زمان را بما این عبد روسیاه درگاهی داد

پروردگارا اجاقم را از شکر نعمتهای تو خالی مگردان و بیدریغ و بیدر از قربانیان ما

پروردگارا تو خود شاهدی و میدانی که هدفی جز آبادی بیت تو جز دین تو جز نبود نداشته

جز یاری ابا عبدالله جز نبوده است جز یاری خمینی و اسلام چیزی دیگر نبوده است

سوگند یاد میکنم که کسانی را که به یاری روح الله برخاسته اند راضی هستم که به جنازه ام در

بزنند و در تشییع جنازه ام نمیتوانید از پرچم استفاده نمائید / سرکی نمائید.

تذکر: لطفاً وصیت نامه را داخل پاکت گذاشته و تحویل نمایندهٔ تیپ یا لشگر دهید

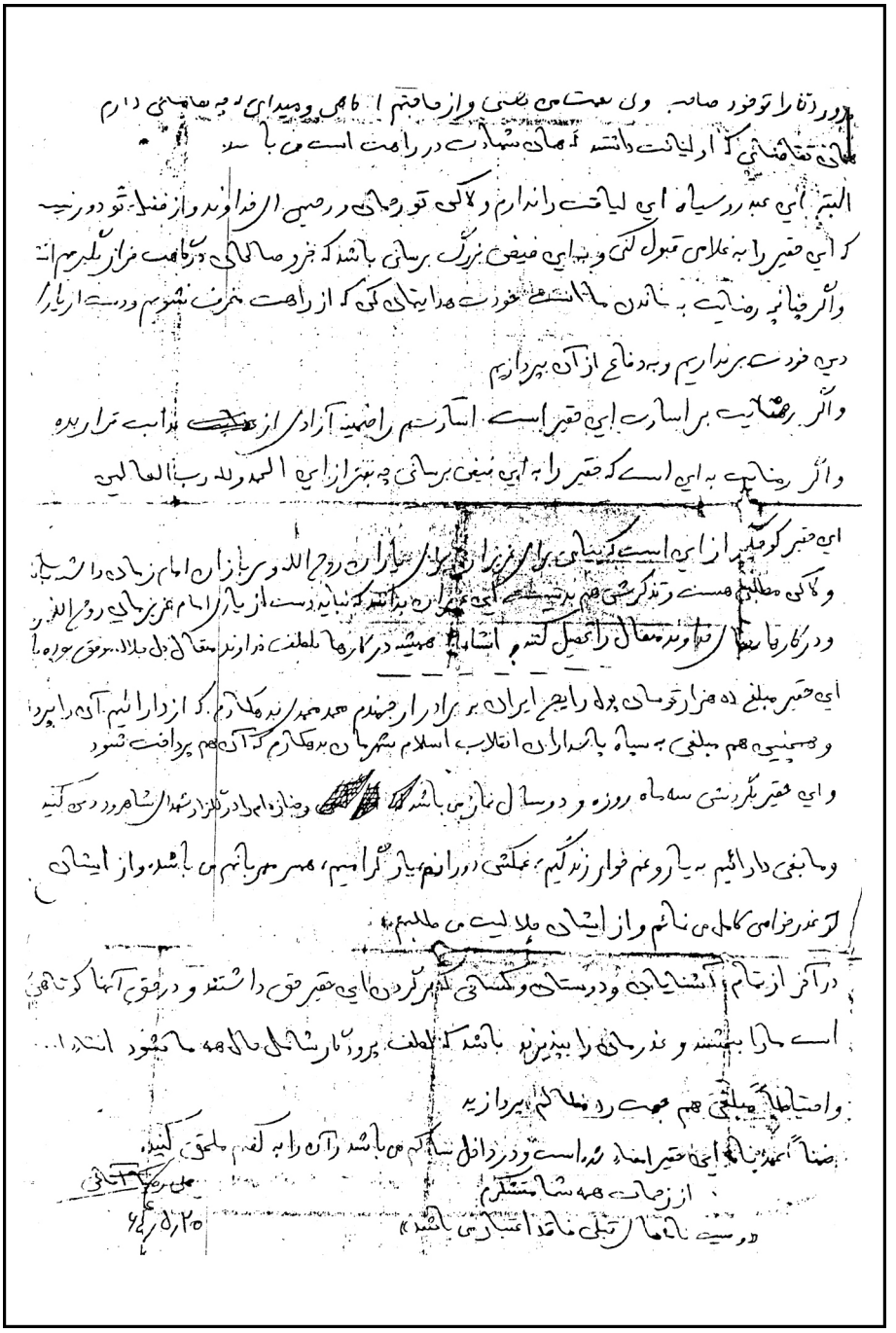

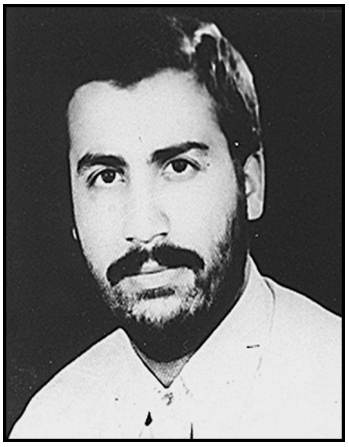

نام: **محمدابراهیم**
نام خانوادگی: **آقایی**
نام پدر: **حبیب‌الله**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **دهم فروردین ۱۳۳۷**
محل تولد: **تهران**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **چهاردهم فروردین ۱۳۶۱**
محل شهادت: **رقابیه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش خمپاره**
مزار: **بهشت‌زهرای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ای پروردگار من، گناهان من را ببخش و مرا بپذیر و لیاقت شهادت در راه خودت را نصیب ما کن.
- بار پروردگارا، امام امت ما را، روح خودت را، که هرچه داریم از رهبری او داریم، تا انقلاب مهدی او را زنده نگه دار.
- شما قدر این امام و رهبری را بدانید که وحدت و برتری شما در گرو همین رهبری و ولایت فقیه است.
- دست از پشتیبانی از روحانیت مبارز برندارید که فنا خواهید شد.
- اگر جنازه‌ام به دستتان نرسید، هیچ ناراحت نباشید چون من فدای اسلام و امام می‌شوم.
- ما در رکاب حسین زمان شهید می‌شویم.
- جان میلیون‌ها انسان فدای یک لحظه عمر امام.
- همیشه برای امام دعا کن و مرگ بر آمریکا و شوروی بفرست.

## محمدابراهیم آقایی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

**«من المومنین رجال صدقوا[۱] ما عاهدوا[۲] الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا[۳] تبدیلا».**[٤]

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب، امام امت و با سلام بر روان پاک شهیدان و امت شهیدپرور ایران.

بار خدایا، ای که ما را هستی بخشیدی و به ما رحمت عطا کردی، ای معبود من، ای پروردگار من، گناهان من را ببخش و مرا بپذیر و لیاقت شهادت در راه خودت را نصیب ما کن. بار پروردگارا، امام امت ما را، روح خودت را، که هرچه داریم از رهبری او داریم، تا انقلاب مهدی او را زنده نگه دار. ای امام، از تو می‌خواهم که مرا دعا کنی و در آن دنیا مرا شفاعت کنید، و سخنی با شما ملت عزیز به‌عنوان برادر کوچک‌تر شما، لحظه‌ای بیندیشید که ما چه بودیم و که بودیم و حال چه هستیم و که هستیم. ما ملتی منحط بودیم که در فساد غوطه‌ور بودیم، ولی این دست خدا از آستین روح‌الله به در آمد و ما را ملتی شجاع و الگو و اسوه نمود. ما ملتی ترسو بودیم، ما ملتی تحت سلطه بودیم، هیچ کشوری و هیچ ملتی روی ملت ما حساب نمی‌کرد، ولی حالا به همت روح‌الله و رهبری او ملتی شده‌ایم که برای همه ملت‌ها نمونه هستیم و در حال حاضر با آمریکا در جنگیم و شما قدر این امام و رهبری را بدانید که وحدت و پیروزی شما در گرو همین رهبری و ولایت فقیه است و دست از پشتیبانی از روحانیت مبارز برندارید که فنا خواهید شد و با دولت مکتبی همکاری کنید که ما ملت مدیون این دولت هستیم، مدیون کسانی که از شب و روزشان گذشته و برای خدمت‌گزاری به شما ملت زحمت می‌کشند. و شما ای پدر، از رنج سالیان تو برای

---

۱- در اصل وصیت «صدقو».

۲- در اصل وصیت «عاهدو».

۳- در اصل وصیت «بدلو».

٤- احزاب/۲۳، ترجمه: «برخی از مؤمنان بزرگ‌مردانی هستند که به عهدی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده، هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

بزرگ کردن من متشکرم. گرچه فرزند از دست دادن سخت است، ولی امیدوارم که فرزندان دیگرت را هم فدای اسلام و امام کنی و در این راه از هیچ چیز دریغ نکنی.

اگر جنازه‌ام به دستتان رسید، مرا در بهشت زهرا در کنار ۷۲ تن دفن کنید و بر مزار من اشک نریزید، بلکه شربت و شیرینی پخش کنید و اگر هم به‌دستتان نرسید هیچ ناراحت نباشید، چون من فدای اسلام و امام می‌شوم و در هرکجا که جنازه‌ام باشد سرزمین خداست و از تمام خانواده اعم از پدر و مادر و همسر و خواهر و برادرانم می‌خواهم که بر مزار من اشک نریزند و لباس مشکی نپوشند. و ای مادر، می‌دانم که فرزند از دست دادن سخت است، ولی یادتان است که هر وقت روضه امام حسین خوانده می‌شد گریه می‌کردید و حال، ما در رکاب حسین زمان شهید می‌شویم. جان میلیون‌ها انسان فدای یک لحظه عمر امام و همیشه برای امام دعا کن و مرگ بر آمریکا و شوروی بفرست و شیرت را حلالم کن و از زحماتت متشکرم و تو را به خدا می‌سپارم.

و تو ای همسرم، من را حلال کن و دعا به جان امام کن و همیشه پایدار و مفتخر باش که همسرت در راه اسلام و امام شهید شد و فرزندمان اگر پسر بود اسمش[۱] را، به عشق امام، روح‌الله و اگر دختر بود اسمش[۲] را حمیده بگذار و تو بعد از شهادت من آزادی و می‌توانی همسر دیگری اختیار کنی و مرا فراموش کنی و راضی نیستم که به‌خاطر من در خانه بمانی و تو ای خواهرم دَرست[۳] را بخوان تا بتوانی خدمت‌گزاری لایق برای ملت و اسلام باشی.

و برادرانم، اصغر، تو اگر از جبهه برگشتی به سپاه پاسداران برو، و قاسم، دَرست[٤] را بخوان و مطالعه زیاد کن و قرآن را خوب بخوان و نماز و روزه‌ات را یادت نرود و تو ای حسین کوچولو، به حرف‌های بزرگ‌تر از خودت گوش بده و درس بخوان تا بتوانی خدمت‌گزار اسلام باشی و از پدربزرگ هم متشکرم که سهم پدری به گردن من دارد و از

---

۱- در اصل وصیت «اسماش».

۲- در اصل وصیت «اسماش».

۳- در اصل وصیت «درس‌ات».

٤- در اصل وصیت «درس‌ات».

مال دنیا هم که یک موتور دارم که دست عباسعلی رحیمی است و مقدار ۱۰ هزار تومان بـه صندوق امام سجاد و ۵ هزار تومان هم به صندوق کـوثر بـدهکارم. موتـورم را بفروشـید و بدهکاری‌هایم را بدهید.

**«والسلام علیکم و رحمةالله»**

**دوست‌دار شما الاحقر**

**محمدابراهیم آقایی**[۱]

**۶۰/۱۲/۲۹**

۱- در انتهای وصیت‌نامه آنچه به‌عنوان بیوگرافی یا اطلاعات شناسنامه‌ای کـه عبـارت اسـت از: شـهید: محمـد ابـراهیم آقایی، تاریخ تولد: ۱۳۳۷، تاریخ شهادت: ۱۳٦۱/۱/٤، محل شهادت: رقابیـه، نـام عملیـات: فـتح‌المبـین، نـام پـدر: حبیب‌الله، محل تولد: تهران، شماره شناسنامه: ۵۲، صادره از: تهران آمده از آن شهید و به قلم او نمی‌دانیم، بلکـه از سوی گردان، گروهان یا مرکزی می‌دانیم که پس از شهادت آن را کامل کرده اسـت، زیـرا شـهید قبـل از شـهادت تاریخ و روز شهادت خودش را مشخص نمی‌کرده.

# وصیت نامهٔ شهید محمد ابراهیم آمانی

بسم الله الرحمن الرحیم

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب امام امت و با سلام بر روان پاک شهیدان و امت شهید پرور ایران بار خدایا ای که ما را هستی بخشیدی

و به ما رحمت عطا کردی ای معبود من ای پروردگار من گناهان من را ببخش و مرا بپذیر و لیاقت شهادت در راه خودت را نصیب ما کن بار پروردگارا

امانتی است ما را روح خودت را که هر چه داریم از رهبری او داریم تا انقلاب مهدی او را نگهدار ای امام از تو می خواهم که مرا دعائی و در آن

دنیا مرا شفاعت کنید و سخنی با شما ملت عزیز بعنوان برادر کوچک تر شما، لحظه‌ای بیندیشید که ما چه بودیم و که بودیم و حال چه هستیم و که هستیم

ما ملتی منحط بودیم که در فساد غوطه‌ور بودیم ولی این دست خدا از آستین روح الله بر آمد و ما را ملتی شجاع و الگو و اسوه نمود ما ملتی ترسو بودیم

ما ملتی تحت سلطه بودیم هیچ کشوری و هیچ ملتی روی ما حساب نمی‌کرد

ولی حالا به همت روح الله و رهبری او ملتی شده‌ایم که برای همه ملت‌ها نمونه هستیم و در حال حاضر با آمریکا در جنگیم و شما قدر این امام و رهبری

را بدانید که وحدت و پیروزی شما در گرو همین رهبری و ولایت فقیه است و دست از پشتیبانی از روحانیت مبارز بر ندارید که فنا خواهید شد و با دولت

مکتبی همکاری کنید که ما ملت مدیون این دولت هستیم مدیون کسانی که از شب و روز شان گذشته و برای خدمت گزاری به شما ملت زحمت می کشند.

و شما ای پدر از رنج سالیان تو برای بزرگ کردن من متشکرم گرچه فرزند از دست دادن سخت است ولی امیدوارم که فرزندان دیگرت را هم فدای اسلام

و امام کنی و در این راه از هیچ چیز دریغ نکنی اگر جنازه‌ام بدستان رسید مرا در بهشت زهرا در کنار ۷۲ تن دفن کنید و بر مزارم اشک نریزید بلکه

شربت و شیرینی پخش کنید و اگر هم بدستان نرسید هیچ ناراحت نباشید چون من فدای اسلام و امام می‌شوم و در هر کجا که جنازه‌ام باشد

سربرمی‌خواست و از تمام خانواده‌ام از پدر و مادر و همسر و خواهر و برادرانم می‌خواهم که بر مزارم اشک نریزند و لباس مشکی نپوشند

و ای مادر می‌دانم که فرزند از دست دادن سخت است ولی یادتان است که هر وقت روضه امام حسین خوانده می‌شد گریه می‌کردید و حال مادر رکاب

حسین زمان شهید می‌شویم، جان میلیون‌ها انسان فدای یک لحظه عمر امام و همیشه برای امام دعا کنید و مرگ بر آمریکا و شوروی نیست و نیرت را

حلالم کن و از زحمات متشکرم و تو را به خدا می‌سپارم و تو ای همسر من را حلال کن و دعا بجان امام کن و همیشه پایدار و مقتدر باش که همسرت

در راه اسلام و امام شهید شد و فرزندان اگر پسر بود اسم ابی را عیشان اما روح الله و اگر دختر بود اسم ابی را حمیده بگذارد و تو بجواز شهادت من

آزادی و می‌توانی همسر دیگری اختیار کنی و مرا فراموش کنی و راضی نیستم که بخاطر من در غم بمانی و تو ای خواهرم درس‌ات را بخوان تا بتوانی

خدمتگزاری لایق برای ملت و اسلام باشی و برادرانم، اصغر تو آزاد جبهه برگشتی و سپاه پاسداران بروی و تا سر درس‌ات را بخوان و سطالعه زیاد

لی و قرآن را خوب بخوان و نماز و روزه ات را یاد بگیر و تو ای حسین کوچولو؛
برای برکت از خودت آموزش بده و درس بخوان تا بتوانی خدمتگزار اسلام باشی

و از پدر بزرگ هم متشکرم که سهم بدری به کردن من دارد
و از عمال، تا هم کمک صوتوردارم کرد دست عباسعلی رحیمی است و مقدار
۱۰ هزار تومان؛ صندوق امام سجاد و ۵ هزار تومان هم؛ صندوق کوثر بهکام
صوتورم را بفروشید و بدهکاری هایم را بدهید و السلام علیکم ورحمة الله
دوست دارشما الاحقر محمد ابراهیم آتائی
۶۱/۱۲/۲۹

شهید: محمد ابراهیم آتائی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱۰/۴

محل شهادت: ربابه

نام عملیات: فتح المبین

نام پدر: حبیب‌الله

محل تولد: تهران

شماره شناسنامه: ۵۲ صادره: از تهران

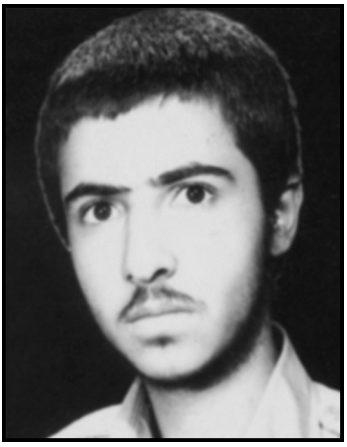

نام: **فتحعلی**
نام خانوادگی: **آل‌حکمت**
نام پدر: **اسدالله**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **بیست‌وهشتم آذر ۱۳۴۱**
محل تولد: **دامغان**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **نوزدهم اسفند ۱۳۶۲**
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خداوندا، مرا از شهیدان راهت قرار ده.
- امروز شما از امام حمایت کنید که حمایت از امام حمایت از اسلام است و به مبارزهٔ خود تا انقلاب مهدی(عج) ادامه دهید.
- دست این گروهک‌های مزدور آمریکا را از سر این ملت کوتاه کنید.
- تنها وصیت من به ملت شهید پرور ایران این است که فقط راه امام را، که راه خدا و راه اسلام راستین و راه سالار شهیدان حسین(علیه‌السلام) است، بروید.
- شما برادران عزیزم با دشمن دین در هر جا و در هر لباس که هست مبارزه کنید.
- ای خواهران عزیز و مهربانم، شما زینب‌گونه باشید.
- با رعایت حجابتان مشت محکمی بر دهان ابرقدرت‌ها بکوبید.

## فتحعلی آل‌حکمت

### بسم الله الرحمن الرحیم

«**ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون**».[۱] «گمان نکنید آنهایی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

سلام بر مهدی(عج) و درود بر نایب برحقش امام خمینی و سلام بر ملت شهیدپرور ایران. «**اللهم اجعل**[۲] **من شهداء فی سبیلک**» خداوندا مرا از شهیدان راهت قرار ده. ملت عزیز ایران، ای ملتی که تا با حال نشان دادید که به غیر از خدا از هیچ ابرقدرتی نمی‌ترسید. امروز شما از امام حمایت کنید که حمایت از امام حمایت از اسلام است و به مبارزهٔ خود تا انقلاب مهدی(عج) ادامه دهید و دست این گروهک‌های مزدور آمریکا را از سر این ملت کوتاه کنید. اینها می‌خواهند دوباره آمریکا را برگردانند، اما کور خوانده‌اند. ملت ما دیگر نمی‌گذارد آمریکا و ایادی فاسدش در مملکت اسلامی ما راه پیدا کند. تنها وصیت من به ملت شهیدپرور ایران این است که فقط راه امام را، که راه خدا و راه اسلام راستین و راه سالار شهیدان حسین(علیه‌السلام) است، بروید و از دستورات او پیروی کنید تا پیروز و سرفراز باشید و اما پدر و مادر، در حالی این آخرین نامه مرا می‌خوانید که من در کنار شما نیستم. از شما می‌خواهم برایم گریه نکنید و صبر کنید و شکیبا باشید تا خداوند شما را در صف صالحان قرار دهد و مرا ببخشید که فرزند خوبی برای شما نبودم و شما برادران عزیزم، با دشمن دین در هر جا و در هر لباس که هست مبارزه کنید و ای خواهران عزیز و مهربانم، شما زینب‌گونه باشید و با رعایت حجابتان مشت محکمی بر دهان ابرقدرت‌ها بکوبید و در همه جا و در برابر هر مصیبت صبر کنید تا رستگار شوید. نماز را بپا دارید و روزه بگیرید، در نماز جمعه حتماً شرکت کنید. من چون مقلد امام هستم با تقلید از امام که گفت زندگی‌ام به اسلام خدمتی نکرد شاید مرگم باعث خدمتی شود، من هم می‌گویم در زندگی

---

۱- آل عمران/ ۱۶۹.

۲- در اصل وصیت «جعل» است.

نتوانستم به اسلام عزیز خدمتی کنم، شاید مرگم باعث خدمتی شود. چند وصیت دارم: اول اینکه ۶۰ رکعت نماز برایم بخوانید و حدود یک‌ماه روزه بگیرید و هرچه از مال دنیا برای من است به جنگ‌زدگان بدهید.

**«والسلام»**

**فتحعلی آل‌حکمت**[1]

**۶۰/۲/۱۹**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

سلام بر تو ای روح خدا، سلام بر تو ای وارث حسین(علیه‌السلام)، سلام برتو ای رهبر عزیز خمینی بت‌شکن، خداوند شما را در همه حال پیروز و سربلند بگرداند و دشمنانت را نابود کند و قدم‌های یارانت را استوار و استوارتر کند. مرگ بر تو ای شیطان بزرگ که روی شیطان را سیاه کردی. آمریکا ننگت باد که با شعار حقوق بشر خون بشر [...][2] هر جا ببینی حقوق بشر به نفعتان است، مانند موشهای کور به سوراخ‌هایتان می‌روید و صدایتان هم درنمی‌آید. وقتی که دیدید که به ضررتان است، مانند سگ‌های هار در پشت بلندگو و در صحنه تلویزیون، سر و صدا می‌کنید و دم از حقوق بشر می‌زنید. برای مثال، هنگامی که ملت مسلمان ایران، دانشجویان قهرمان پیرو خط امام[3] چند جاسوس شما را به گروگان گرفتند و در بدترین شرایط، نگهداری می‌کردند. شما رفتید و کتاب حقوق بشر را پیدا کرده، خاک‌های آن را پاک کرده و حقوق بشر، حقوق بشر راه انداختید، اما وقتی که این عنصر پلید و کثیف و نوکر حلقه به‌گوش شما صدام کافر، موشک‌های ۹ متری بر سر مردم بی‌دفاع می‌اندازد، صدایتان هم در نمی‌آید. ای تف بر این حقوق بشرِ شما و لعنت خدا بر تمامی مزدورانتان. اما بدانید و گوش کنید، چشم‌هایتان باز باشد. ما قصد داریم اسلام را به سرتاسر زمین برسانیم و تا بانک «لا اله الا الله» در سرتاسر زمین طنین نیفکند، مبارزه هست

---

۱- شهید در پایان وصیت‌نامه کلمهٔ «آل» را از نام خانوادگی حذف کرده و چنین نوشته است «فتحعلی حکمت»

۲- خوانا نیست.

۳- ر.ک. تعلیقات.

و تا مبارزه هست، ما هم هستیم و اگر موفق نشویم و به هدف مقدسمان که برپایی حکومت الله است برسیم، با خونمان شعار «لا اله الا الله» را بر سطح زمین می‌نویسیم و شما برادران عزیزم که این نامه را می‌خوانید آگاه باشید که مسئولید و باید دین خود را نسبت به اسلام ادا کنید. اسلامی که محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای آن رنج‌های فراوان کشید و بعد از او علی(علیه‌السلام) برای اسلام چقدر رنج و زحمت کشید و چه حرفها که شنید و آخر هم در محراب، خون پاکش را برای اسلام داد، اسلامی که حسین(علیه‌السلام) در روز عاشورا خون برایش داد، تا درخت اسلام آبیاری شد و از آن زمان تا به حال، چه خونهای پاکی که به زمین ریخته نشده، اسلام عزیز با خون هزاران هزار شهید گمنام آبیاری شده تا به دست ما رسید و ما باید قدر آن را بدانیم و از آن حفاظت کنیم، اگر در این امر سستی کردیم، باید روز قیامت جواب خدا و پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حسین(علیه‌السلام) و شهیدان را بدهیم، ما تا جان در بدن داریم، دست از اسلام و امام برنمی‌داریم و در مقابل تمامی کافران و منافقان می‌ایستیم و هرگز سازش نمی‌کنیم و کافران، منافقین بدانند که به یاری الله و کمک روح‌الله همه آنها را نابود می‌کنیم و پرچم پرافتخار «لا اله الا الله» را برفراز کره زمین، به اهتزار در می‌آوریم. به امید آن روز.

**«والسلام»**

**فتحعلی آل‌حکمت**

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر تو ای روح خدا، سلام بر تو ای وارث حسین (ع)، سلام بر تو ای رهبر عزیز خمینی بت‌شکن خداوند
شما را در همه حال پیروز و سربلند بگرداند و دشمنانت را نابود کند و قدمهای یارانت را استوار و استوارتر کند
مرگ بر تو ای شیطان بزرگ که روی شیطان را سیاه کردی آمریکا ننگت باد که با شعار حقوق بشر خون بشر
را می‌ریزی هر جا ببینی حقوق بشر به نفعتان است مانند موشهای کور به سوراخهایتان می‌روید و صدایتان هم در نمی‌آید
اما که دیدید که به ضررتان است مانند سگهای هار در پشت بلندگو و در صحنه تلویزیون سر و صدا می‌کنید و دم از حقوق
بشر می‌زنید برای مثال هنگامی که ملت مسلمان ایران دانشجویان مسلمان پیرو خط امام چند جاسوس شما را به گروگان گرفتند و در
بهترین شرایط نگهداری می‌کردند شما رفتید و کتاب حقوق بشر را پیدا کرده خاکهای آن را پاک کردید و حقوق بشر، حقوق
بشر را انداختید اما وقتی که این عنصر پلید و کثیف [illegible] که حلقه بگوش شما صدام کافر موشکهای ۹ متری بر سر مردم بی
دفاع می‌اندازد صدایتان هم در نمی‌آید ای تف بر این حقوق بشر شما و لعنت خدا بر تمامی مزدورانتان ای آمریکا بدانید و گوش کنید
چشمهایتان باز باشد ما تصمیم داریم اسلام را در سرتاسر زمین برسانیم و تا بانگ (لا اله الا الله) در سرتاسر زمین طنین
[illegible] مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هم هستیم و اگر موفق نشدیم به هدف مقدسمان که برپایی حکومت الله است
برسیم با خونمان شعار (لا اله الا الله) را بر سطح زمین می‌نویسیم و شما برادران عزیزم که این نامه را می‌خوانید آگاه باشید که مسئولید و باید
دین خود را نسبت به اسلام ادا کنید اسلامی که متعهدانی برای آن رنجهای فراوان کشیدند بعد از علی (ع) برای اسلام چقدر رنج و
زحمت کشید و چه حرفها که شنید و آخر هم در محراب خون پاکش را برای اسلام داد اسلامی که حسین (ع) در روز عاشورا خون برایش
داد تا درخت اسلام آبیاری شد و از آن زمان تا به حال چه خونهای پاکی که بر زمین ریخته نشده اسلام عزیز با خون هزاران هزار شهید
گمنام آبیاری شده تا به دست ما رسیده و ما باید قدر آن را بدانیم و از آن محافظت کنیم [illegible] اگر در این امر سستی کردیم باید روز
قیامت جواب خدا و پیامبر و حسین (ع) و شهیدان را بدهیم ما تا جان در بدن داریم دست از اسلام و امام بر نمی‌داریم و در مقابل تمامی کافران
و منافقان ایستاده‌ایم و هرگز سازش نمی‌کنیم و [illegible] منافقین بدانند که به یاری الله و کمک
[illegible] (لا اله الا الله) را بر فراز کره [illegible] روح الله همه آنها را نابود می‌کنیم

(والسلام)

[illegible]

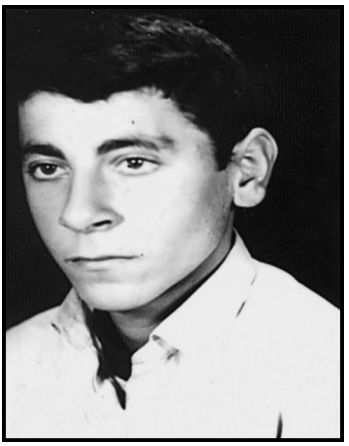

نام: **غلامرضا**
نام خانوادگی: **ابراهیم‌طوسی**
نام پدر: **علی‌اصغر**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت ۱۳٤۹**
محل تولد: **دامغان**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند ۱۳٦٦**
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای غنی‌آباد زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- سفارش و وصیت به شما عزیزان جز تذکر، یادآوری چیز دیگری نمی‌تواند باشد.
- ملت ما نشان داده است که چگونه به ندای پیامبرگونه امام امت‌مان لبیک گفتند.
- اما به خفتگان بگویم، به آنانکه پس از چندین سال از انقلابمان هنوز در خواب غفلت به‌سر می‌برند و پشت به صراط مستقیم و نور نموده‌اند، از این غفلت و خواب بیدار بشوید.
- این انقلاب مانند کشتی نجات است و حبل الله.
- باید همگی و تمامی مسلمانان به این حبل و رسیمان الهی چنگ زنیم تا از صراط مستقیم، که صراط ائمه نور و حسین (علیه الصلاة والسلام) و فرزندان شهیدش می‌باشد، منحرف نشویم.

## غلامرضا ابراهیم‌طوسی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالآخرة و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیة اجراً عظیماً**».[۱] «آنها که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند و آن کس که در راه خدا پیکار کند و کشته شود تا پیروز گردد پاداش بزرگی به او خواهیم داد».

این وصیت‌نامه غلامرضا ابراهیم‌طوسی است به امت همیشه بیدار و متدین ایران. سفارش و وصیت به شما عزیزان جز تذکر، یادآوری چیز دیگری نمی‌تواند باشد. چرا که ملت ما نشان داده است که چگونه به ندای پیامبرگونه امام امت‌مان لبیک گفتند و از جان و مال و دنیایشان گذشتند. چرا که به این حقیقت رسیده‌اند که تمامی هستی امانتی است در اختیار بشر و زمانی فرا رسد که این امانت باید بازپس داده شود. پس چه زیباست که جان را با شهادت بازپس داد و مال را در اختیار عاشقان حسین(علیه‌السلام) قرار داد. اما به خفتگان بگوییم، به آنان که پس از چندین سال از انقلابمان هنوز در خواب غفلت به سر می‌برند و پشت به صراط مستقیم و نور نموده‌اند، از این غفلت و خواب بیدار شوید که این انقلاب مانند کشتی نجات است و حبل الله است و باید همگی و تمامی مسلمانان به این حبل و رسیمان الهی چنگ زنیم تا از صراط مستقیم که صراط ائمه نور و حسین «علیه الصلاة والسلام» و فرزندان شهیدش می‌باشد، منحرف نشویم و باید همان‌گونه که در آیه فوق آمده است، زندگی دنیا را به آخرت بفروشیم که این تجارتی است با ارزش و نیک چون در قبال این تجارت جاودانی بودن در جنت و به لقاءالله رسیدن نصیب‌مان می‌گردد. وصیتم به پدر و مادرم این است که هرگز از شهادتم ناراحت نشوید، زیرا من راه حسین(علیه‌السلام) را انتخاب کردم و وصیت دیگر من به برادرانم این است که راه مرا ادامه دهید و سلاح بر زمین افتاده مرا برگیرید و به میدان نبرد بشتابید و وصیتم به خواهرانم این است که هرگز از شهادتم

---

۱- نساء/ ۷٤.

ناراحت نشوید و هر وقت به یاد شهادتم افتادید، به یاد امام مظلومان، حسین(علیه‌السلام)، بیفتید[۱] و صحنه کربلا را به‌خاطر آورید و وصیت آخرم به امت حزب الله این است که در دعاهای کمیل و توسل و دیگر ادعیه شرکت نمایید و سنگر مساجد و جمعه‌ها و جماعت‌ها را خالی نگذارید. مبلغ ده هزار ریال را به‌عنوان رد مظالم بپردازید و یک ماه نماز و یک ماه روزه برایم بگیرید و در آخر از مردم غنی آباد[۲] حلالیت می‌طلبم و از آنها می‌خواهم که مرا در کنار مزار شهدای[۳] همین قریه به خاک بسپارید.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

۱- در اصل وصیت «بیافتید».

۲- غنی‌آباد: روستایی از توابع شهرستان دامغان زادگاه شهید است.

۳- در اصل وصیت «شهدا».

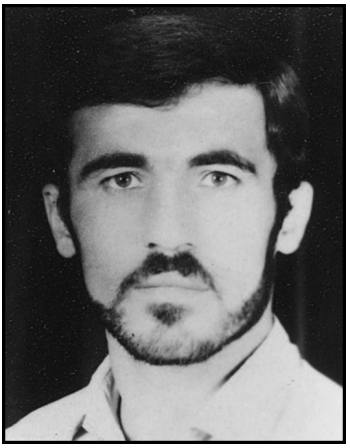

نام: **احمد**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **جعفر**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **دهم اردیبهشت ۱۳٤۸**
محل تولد: **روستای حسین‌آباد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای نکا شهرستان زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- با سلام و درود بر رزمندگان کفرستیز جبهه‌های حق علیه باطل، آن انسان‌هایی که از سرمایهٔ جان و فرزند خود گذشتند و به جبهه‌های حق علیه باطل رفتند.
- با سلام و درود بر امت همیشه پیروز حسین‌آباد که با تربیت فرزندان و فرستادن آنها به جبهه قلب امام و روح شهدای ما را شاد می‌کنند.
- پدران و مادران عزیز، شما فرزند را باید تربیت صحیح و کامل نمایید و تربیت آنها نیز برای خدا باید باشد و بس.
- شما که فرزندانتان می‌خواهند تربیت اسلامی شوند، چرا آنها را نمی‌گذارید به جبهه‌های حق بر علیه باطل بروند و کار جنگ را یکسره کنند.
- پدران و مادران عزیز، بدانید که اگر فرزندان شما رفتند و به خیل شهدا پیوستند، آنها تربیت شده‌اند، مرده نیستند.
- ما که می‌گوییم، ما اهل کوفه نیستیم، امام تنها بماند، بیاییم این شعار را در عمل بیاوریم و امام عصر خود را یاری و کمک نماییم.
- چقدر خوب است که انسان مرگ را در جبهه‌ها ترجیح دهد و در قیامت در زمرهٔ شهیدان محسوب گردد.

**احمد ابراهیمی**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

با سلام و درود بر منجی انسان‌ها، آخرین امام شیعیان جهان، حضرت مهدی موعود(عج) و نایب برحقش پیر جماران، خمینی‌کبیر، آن یگانه انسانی که ایران را از ظلم و ضلالت و از یوغ ستمگران نجات بخشید و به ایران [...][1] دیگر داد و با سلام و درود بر رزمندگان کفرستیز جبهه‌های حق علیه باطل، آن انسان‌هایی که از سرمایهٔ جان و فرزند خود گذشتند و به جبهه‌های حق علیه باطل رفتند.

و با سلام و درود بر امت حزب‌الله ایران، این مردمی که با دادن کمک‌های مالی و جنسی جبهه‌ها را یاری و کمک می‌نمایند و نمی‌گذارند که جبهه‌ها خالی از نیروی رزمی و تدارکات باشد.

با سلام و درود بر امت همیشه پیروز حسین‌آباد[2] که با تربیت فرزندان و فرستادن آنها به جبهه قلب امام و روح شهدای ما را شاد می‌کنند و این حقیر بنا به سهم خود پیامی برای این ملّت اسلامی دارم:

البته من کوچک‌تر از آنم که بخواهم پیامی برای ملّت حزب‌الله حسین‌آباد داشته باشم، اما من‌باب وظیفه‌ای که در خود احساس می‌کنم، می‌خواهم مطلبی را روشن نمایم. پدران و مادران عزیز، شما فرزند را باید تربیت صحیح و کامل نمایید و تربیت آنها نیز برای خدا باید باشد و بس. پس شما که فرزندانتان می‌خواهند تربیت اسلامی شوند، چرا آنها را نمی‌گذارید به جبهه‌های حق بر علیه باطل بروند و کار جنگ را یکسره کنند.

پدران و مادران عزیز، بدانید که اگر فرزندان شما رفتند و به خیل شهدا پیوستند، آنها تربیت شده‌اند، مرده نیستند بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگار خود روزی می‌خورند که قرآن کریم در این مورد می‌فرماید «**ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند**

---

۱- خوانا نیست.

۲- حسین‌آباد روستایی است از توابع شهرستان شاهرود که زادگاه و مزار شهید بوده است.

**ربهم یرزقون**»[۱] «هرگز مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مردگانند بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند».

پس پدران و مادران عزیز، حال به گفته قرآن مجید عمل کرده و بگذارید که جوانانتان به جبهه‌ها بروند و حسین زمان و اسلام را یاری نمایند و دیگر اینکه مگر شما نمی‌گفتید که کاش ما هم بودیم و در زمان حضرت حسین‌بن علی(علیه‌السلام) به یاری او [می]رفتیم و او را یاری می‌کردیم.[۲]

حال که خدا ادعای ما که می‌گوییم، ما اهل کوفه نیستیم، امام تنها بماند،[۳] بیاییم این شعار را در عمل بیاوریم و امام عصر خود را یاری و کمک نماییم تا انشاءالله بتوانیم اسلام را به تمام جهانیان برسانیم.

**و اما مطلبی برای خانواده‌های شهدا:**

خانواده‌های عزیز شهدا، بدانید کسانی هستند که اسلحهٔ به زمین افتاده شهیدانتان را بردارند و مبارزه نمایند و پیامی که رزمندگان اسلام برای شما دارند این است که در مقابل تمام حوادث و کارهای سخت و ناگوار صبر و استقامت کنید که خدا صابران را دوست می‌دارد.

**پیام به پدر و مادرم:**

پدر و مادر عزیزم، اگر شهید شوم در مرگم گریه نکنید، در عوضِ گریه و زاری در مرگم نقل و نبات به مردم بدهید تا آنجا که می‌توانید به خانواده‌های شهدا دلداری دهید و به مادران شهید بگویید که رحمت بر آن شیری که شما به این فرزندان دادید و این طور آنها را تربیت کردید که رفتند و جنگیدند و عاقبت به لقاءالله پیوستند.

**و پیامی که برای همرزمان و دوستانم دارم:**

برادران و دوستان عزیزم، بدانید که عاقبت همه مرگ است و هیچ کس نمی‌تواند از این مرگ بگریزد، ولی چقدر خوب است که انسان مرگ را در جبهه‌ها ترجیح دهد و در قیامت در زمرهٔ شهیدان محسوب گردد و برای یاری امام حسین(علیه‌السلام) و اسلام شهید شده باشد.

---

۱- آل عمران/ ۱۶۹.

۲- این عبارت فراز آخر زیارت امام حسین(علیه‌السلام) را تداعی می‌کند: «یا لیتنی کنتُ مَعَکم فافوز فوزاً عظیماً.» مفاتیح.

۳- در اصل وصیت «حال که خدا ادعای ما که می‌گوییم...».

پس برادران عزیزم، جبهه‌ها نیاز به سعی دارد و باید جبهه‌ها پر از نیرو باشد که بتوانیم انشاءالله راه کربلا را باز کرده و از آنجا به‌سوی بیت‌المقدس[۱] روانه شویم به امید آن روز.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**

**من الله التوفیق، ٦٤/١٠/٨**

**احمد ابراهیمی**

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

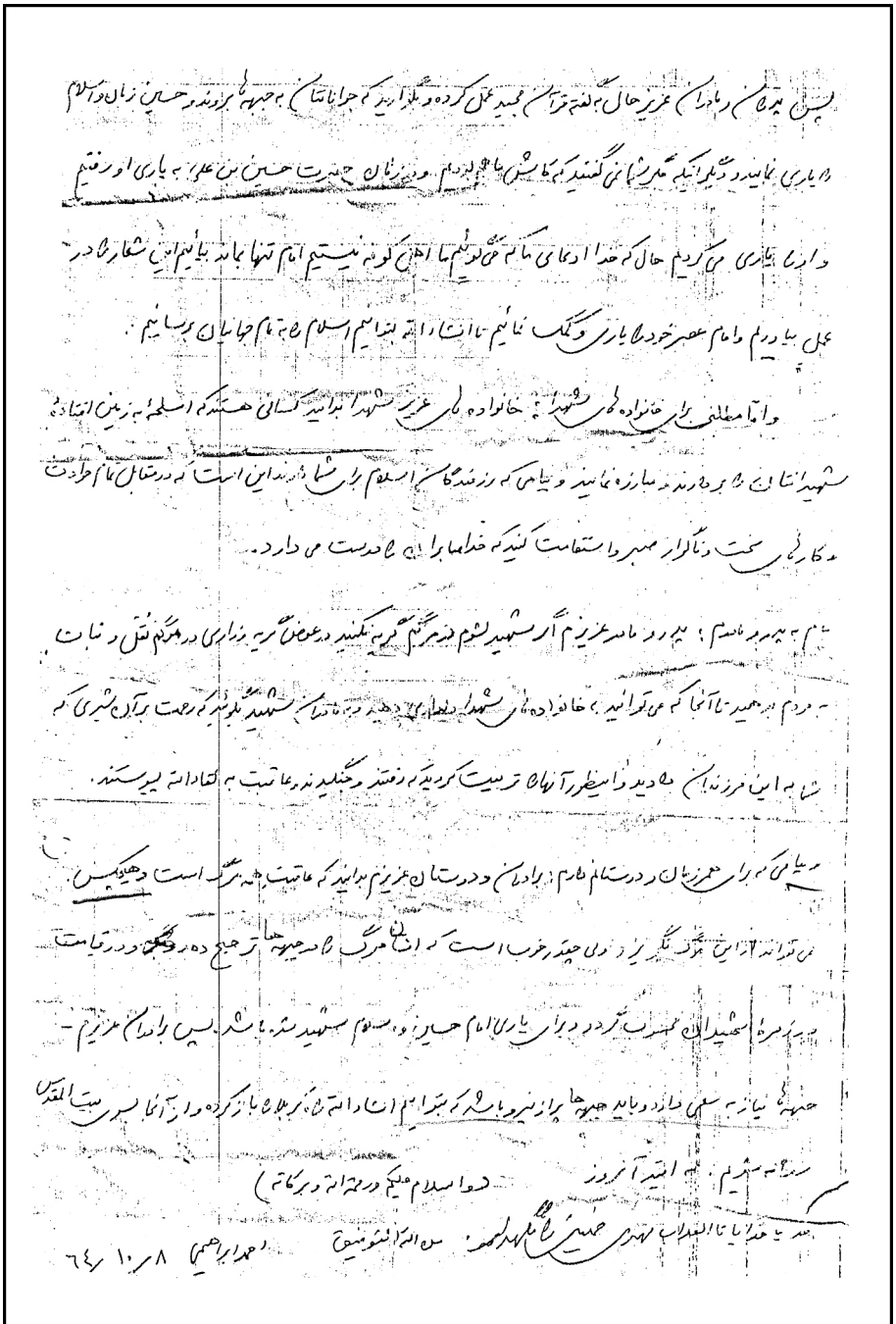

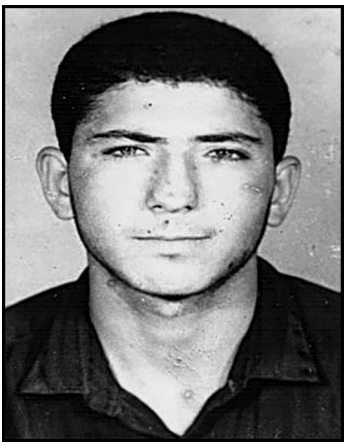

نام: **بابک**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **مصطفی**
نام مادر: **مریم**
تاریخ تولد: **دوم اردیبهشت ۱۳٤۸**
محل تولد: **شهر ایوانکی از توابع شهرستان گرمسار**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳٦۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- پیام من به امت حزب‌الله و شهیدپرور این است که در هر موقع از زمان و در هر صورت با حضور خود در صحنه و با پشتیبانی از روحانیت اصیل و مبارز چنان مشت محکمی بر دهان ابرقدرت‌ها بزنید که دیگر نتوانند در مقابل قدرت اسلام عرض اندام نمایند.
- امام عزیزمان فرمودند رفتن به جبهه‌ها واجب کفایی می‌باشد.
- گفته‌اند که در این برهه از زمان جهاد از همهٔ فروعات بالاتر می‌باشد.
- من بر حسب وظیفه و اطاعت از فرماندهی کل قوا و پیروی از ولایت فقیه و انجام تکلیف الهی به جبهه آمدم.
- من به جبهه آمدم تا دین خود را به اسلام و قرآن ادا نمایم.

## (بابک) رسول ابراهیمی[۱]

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**و قاتلوهم حتی لاتکون فتنة و یکون الدین لله**»[۲] «بکشید دشمنان دین را تا فتنه از میان برود و دین جایگزین شود».

با سلام و درود خدمت آقا امام زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی، این بت‌شکن زمان همچون اجدادش محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ابراهیم(علیه‌السلام) و با سلام و درود به رزمندگان اسلام، این صف‌شکنان توحید و درهم کوبندهٔ ظالمان و با سلام و درود به معلولین و مجروحین جنگ و با سلام و درود به روان پاک و طیبهٔ شهدا، از کربلای تشنه‌لبان تا کربلای جان برکفان.

برادران و خواهران گرامی، چنانچه می‌دانید امام عزیزمان فرمودند رفتن به جبهه‌ها واجب کفایی[۳] می‌باشد و نیز گفته‌اند که در این برهه از زمان جهاد از همهٔ فروعات[٤] بالاتر می‌باشد و من هم برحسب وظیفه و اطاعت از فرماندهی کل قوا و پیروی از ولایت فقیه و انجام تکلیف الهی به جبهه آمدم تا بتوانم با حضور خود در صحنه، دین خود را به اسلام و قرآن ادا نمایم.

پیام من به امت حزب‌الله[۵] و شهیدپرور این است که در هر موقع از زمان و در هر صورت با حضور خود در صحنه و با پشتیبانی از روحانیت اصیل و مبارز چنان مشت

---

۱- نام شناسنامه‌ای شهید بابک بوده است. در فهرست اعلام شهدای استان سمنان نیز اطلاعات ایشان با بابک آمده است. گویا تحت تأثیر فضای معنوی و اسلامی و حال و هوای پس از پیروزی انقلاب و جبهه‌ها نام جدیدی با عنوان «رسول» اختیار کرده است. وصیت‌نامه را هم با نام رسول امضاء کرده است.

۲- بخشی از آیه ۱۹۳ سورهٔ بقره.

۳- ر.ک. تعلیقات.

٤- اصول دین عبارت‌اند از: توحید، نبوت، معاد، و فروع دین عبارت‌اند از: نماز، روزه، جهاد، حج، امر به معروف و نهی از منکر..

۵- در اصل وصیت «حزب ا...».

محکمی بر دهان ابرقدرت‌ها بزنید که دیگر نتوانند در مقابل قدرت اسلام عرض اندام نمایند.

در آخر به پدر و مادر عزیزم: امیدوارم که از فراق من هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشند و صبر پیشه کنند «**انالله وانا الیه راجعون**».[۱] ما توسط باری‌تعالی آفریده شده‌ایم و به‌سوی او بازمی‌گردیم. این دنیا مانند کشتگاهی است که انسان‌ها در این دنیا هر کدام محصول بهتری داشته باشند اجر و پاداش فراوانی نزد خدا دارند و هرکدام که محصول کمتری داشته باشند اجر و پاداش ناچیزی نزد خداوند دارا می‌باشند.[۲]

برادر جان، امیدوارم که شما در کارهایتان موفق باشید و همیشه و هر روز قدم بلندتری به‌سوی کمال[برداری] و با ایمانی قوی و عزمی راسخ برای دفاع از اسلام و پیروی از احکام آن بکوشید.

در پایان از کلیه دوستان، آشنایان که با این بندهٔ حقیر آشنایی دارند می‌خواهم مرا حلال نمایند.

**«والسلام علی عبادی‌الله الصالحین»**
**الحقیر، رسول ابراهیمی**
**مورخه ۶۵/۱۰/۱**
**محل دفن ایوانکی**
**گردان امام سجاد**

---

۱- بقره/ ۱۵۶.

۲- مفهوم عبارت‌اند شهید برگرفته از این حدیث است: «الدینا مزرعه الاخره».

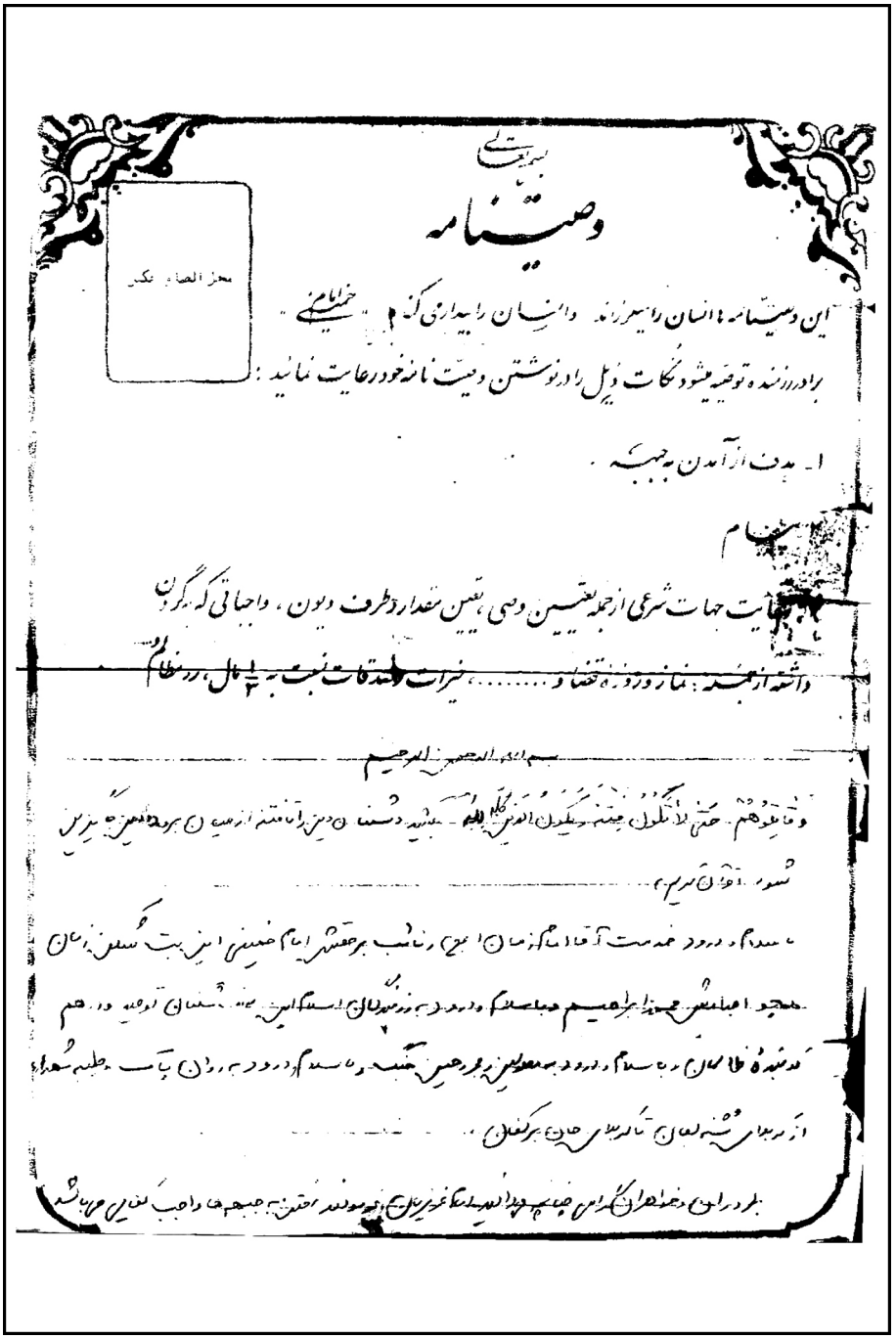

بسمه تعالی

# وصیتنامه

محل الصاق عکس

این وصیتنامه با انسان راه میرود و با انسان راه میآید و می‌گوید خیلی

برادر و خواهر شهید توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمایید:

۱- هدف از آمدن به جبهه

بسم

رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار و طرف دیون، واجباتی که بگردن

داشته از جمله: نماز و روزه قضا و ..... خیرات و صدقات نسبت به ۱/۳ مال، در نظام

بسم الله الرحمن الرحیم

وقاتلوهم حتی لا تکون فتنة ویکون الدین کله لله - شهید دستش دین را نگاه داشته از همین رو همه عزیز شمرده میشود و قرآن عزیز

با سلام و درود خدمت آقا امام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی این بت شکن زمان مجدد ابطال شرک ابراهیم علیه السلام و درود بر یاران ابراهیم علیه السلام این بت شکنان توحید در همه زمانها و مکانها و با سلام و درود بر معلمین بزرگوار حسین علیه السلام و با سلام و درود بر روان پاک جانباختگان راه اسلام و نفرین بر ستمگران جهان

برادران و خواهران گرامی چنانچه خداوند متعال توفیق شهادت را نصیب شما نمود رعایت جهات واجب دیون بر شما

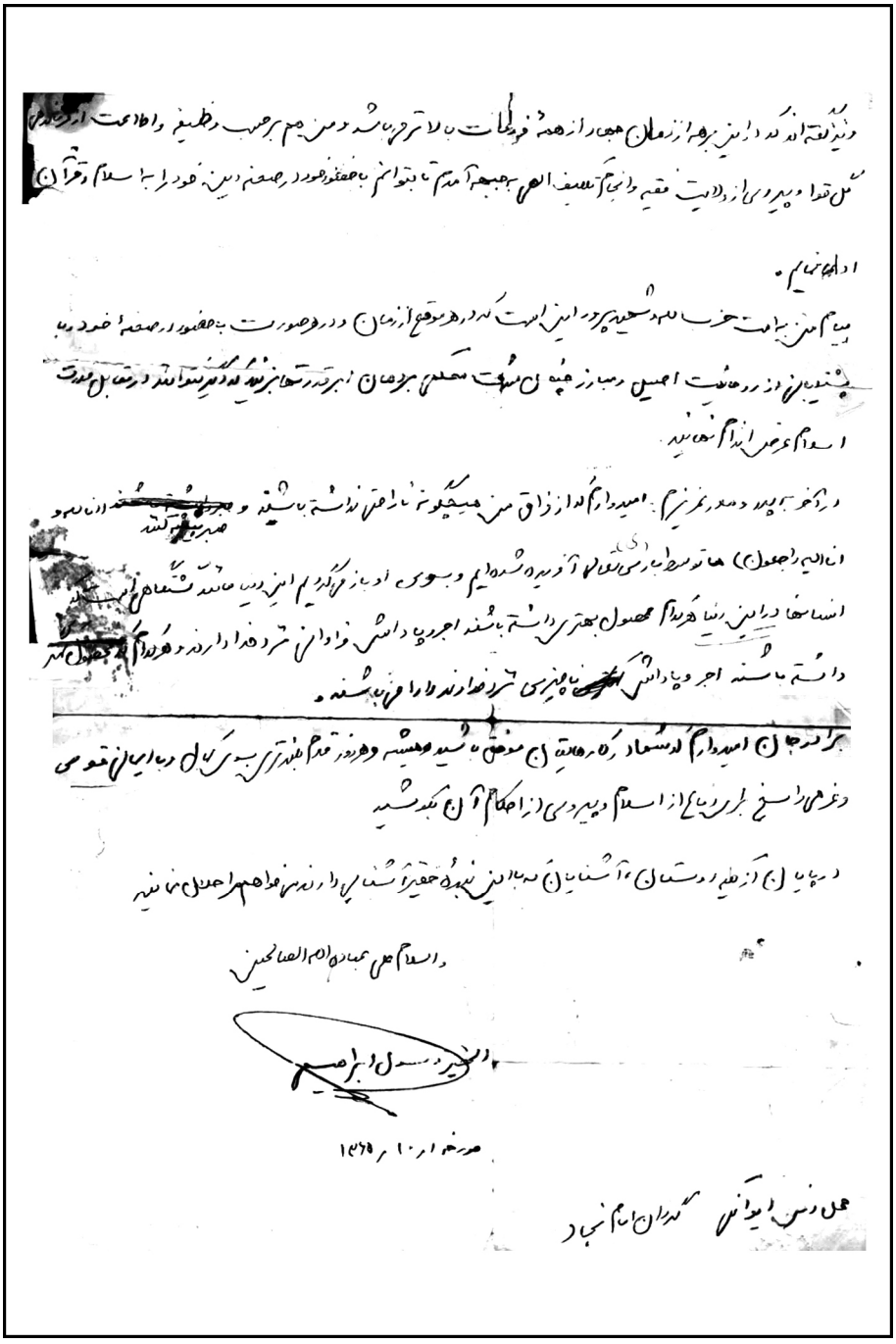

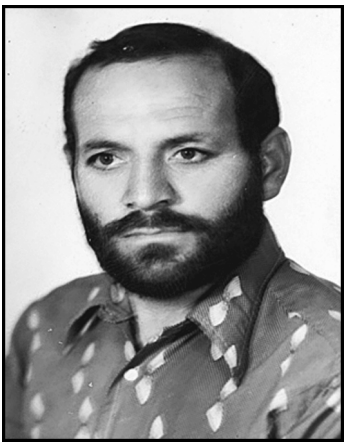

نام: **جواد**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **دهم بهمن ۱۳۲٤**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- هدف از رفتنم به جبهه دستور خداوند بزرگ در قرآن مجید است.
- قرآن می‌فرماید: «اگر دشمنان به شما تاختند، شما هم به آنها بتازید و مهلت ندهید که بازگردند».
- قرآن می‌فرماید: «آنقدر جنگ کنید تا فتنه و آشوب نباشد».
- پیام خون شهدای عزیز که همیشه کلام آنها این بود که صحنه‌ها را ترک نکنید.
- امام را تنها نگذارید.
- اگر پرچمی از دست رزمنده‌ای افتاد، فوراً دیگری آنرا بردارد.

## جواد ابراهیمی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**ربنا انّنا سمعنا منادیاً ینادی للایمان ان آمنوا بربّکم فامنّا**».[۱] «پروردگارا، ما نـدای تـو را، کـه مردم را دعوت می‌کرد که به خدای یگانه ایمان آوریـد، شـنیدیم و ایمـان آوردیـم کـه تـو خدای واحدی. «**ربنا فاغفرلنا ذنوبنا و کفر عنا سـیئاتنا و توفّنـا مـع‌الابـرار**».[۲] «پروردگـارا، گناهان ما را بیامرز و از بدی‌های ما درگذر و بپوشان و ما را با نیکوکاران قرار ده».

با سلام و صلوات بر خاتم انبیاء عالم حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و چهارده معصوم پـاک و آرزوی طول عمر برای حضرت امام خمینی، این نایب برحق امـام مهـدی موعـود(عـج) و سلامتی قائم‌مقام رهبری، حضرت آیت‌الله منتظری[۳] و درود و سلام بـر مـردان پیکـارجو در صحنه‌های نبردحق علیه باطل، این شیران روز و عابدان شـب و شـما امـت حـزب‌الله و در صحنه شاهرود.

اینجانب جواد ابراهیمی، فرزند حاجی علـی، دارای شـماره شناسـنامه ٤، متولـد ١٣٢٤، صادره از شاهرود برای دومین بار عازم جبهه‌ها شـدم و هـدف از رفتـنم بـه جبهـه دسـتور خداوند بزرگ در قرآن مجید است که می‌فرماید: «اگر دشمنان به شما تاختند، شما هـم بـه آنها بتازید و مهلت ندهید که بازگردند»[٤] یا در جای دیگر می‌فرماید: «آنقدر جنگ کنیـد تـا فتنه و آشوب نباشد»[٥] و پیام خون شهدای عزیز که همیشه کلام آنها این بود که صحنه‌ها را

---

۱- آل عمران/ ۱۹۳.

۲- همان.

۳- ر.ک. تعلیقات.

٤- در قرآن مجید به‌خصوص از مجموعه آیات و احکام جهاد و قتال بـا کفـار و منـافقین و مشـرکین و نـاکثین آیـات متعددی وجود دارد. در تمامی این آیات روح تقابل و نوعی دفاع جاری و ساری است. هرگز خداوند مسـلمین را شروع‌کننده جنگ نمی‌داند. همیشه حکم این است که اگر آنها قتال کردند، شما هم قتال کنیـد. در مـواردی حکـم این است که بجنگید تا رفع فتنه و یا بجنگید تا آنها منهزم شوند. آیات ۱۹۳ بقره/ ۳۹ انفـال/ ١٤ توبـه/ ۱۹۰ بقـره/ ۱۹۱ بقره/ ۱۱۱ توبه. جالب اینکه حکم خدا این است که اگر دو مؤمن یا طایفه‌ای از مؤمنین با یکـدیگر جنـگ و قتال کردند، باید سریعاً آنها را به مصالحه دعوت کرد.

٥- ترجمه آیه ۱۹۳ سوره بقره است.

ترک نکنید و امام را تنها نگذارید. اگر پرچمی از دست رزمنده‌ای افتاد، فوراً دیگری آنرا بردارد. [...].[1]

سایر ادارات[2] دولت نیز می‌خواهم که کار مردم را به امروز و فردا نیندازند[3] و سریع به کارهای مردم رسیدگی نمایند.

چند کلمه هم به خانواده‌ام عرض می‌کنم. اولاً از پدر و مادرم می‌خواهم که مرا عفو کنند و ببخشند، اگر خدای نکرده بی‌احترامی نسبت به آنان انجام داده‌ام و از همسر خوبم می‌خواهم که اگر از من بدی دیده است، درگذرد و برای من دعا کند. بچه‌هایمان را خوب تربیت کند و از آنها مواظبت نماید که خوب تربیت شوند و از راه راست اسلامی منحرف نگردند.

همسرم به من خیلی لطف دارد. از خدا می‌خواهم که با فاطمه(علیهاالسلام) محشور گردد. از فرزندانم می‌خواهم که نماز بخوانند و خوب درس یاد بگیرند تا برای آینده خود و مملکت خدمات خوبی انجام دهند و از آنها می‌خواهم که مرا ببخشند، اگر پدر خوبی نبودم. مقداری پول در بانک ملی دارم که در اختیار همسرم می‌گذارم. مقداری هم در صندوق قرض‌الحسنه اسلامی واقع در خیابان تهران دارم که آن هم را در اختیار همسرم می‌گذارم. برای مکه معظمه نام‌نویسی کردم که در صورت شهید شدن همسرم می‌تواند به مکه برود و برای من هم دعا کند. در تعاونی مصرف فرهنگیان هم عضو هستم که در اختیار همسرم می‌باشد. در صندوق تعاونی اداره هم پس‌اندازی[4] دارم که نصف آن را به‌عنوان رد مظالم بپردازید، بقیه را خیرات کنید.

اگر از حقوقم چیزی پرداخت کردند، به‌عنوان پس‌انداز برای سه فرزندم بگذارید. خانه و زندگی کلاً در اختیار همسر می‌باشد که هر طور صلاح می‌داند[5] استفاده کنند. در خاتمه

---

۱- قسمتی از وصیت‌نامه افتاده است.

۲- در اصل وصیت «ادارت».

۳- در اصل وصیت «نیاندازند».

٤- در اصل وصیت »پس‌از اندازی».

۵- در اصل وصیت «صلاح می‌دارند».

از برادر و خواهرم نیز طلب بخشش می‌کنم و از دوستان و آشنایان و اقوام مـی‌خـواهم کـه مرا حلال کنند.

**خداحافظ همگی باشد**

**الحقیر، جواد ابراهیمی**

**گروهان امام حسین(علیه‌السلام)**

**گردان کربلا**

**تاریخ ٦٤/١١/٩**

در گلزار شهدای شاهرود کنار شهید حسین عابدی[1] دفن نمایید.

۱- شهید حسین عابدی از دوستان شهید جواد ابراهیمی بوده است. بـه‌عنـوان کارمنـد بسـیجی عـازم جبهـه شـده، در فروردین ۱۳٦۱ به درجه رفیع شهادت نایل می‌آید و در گلزار شهدای شاهرود به‌خاک سپرده شده است.

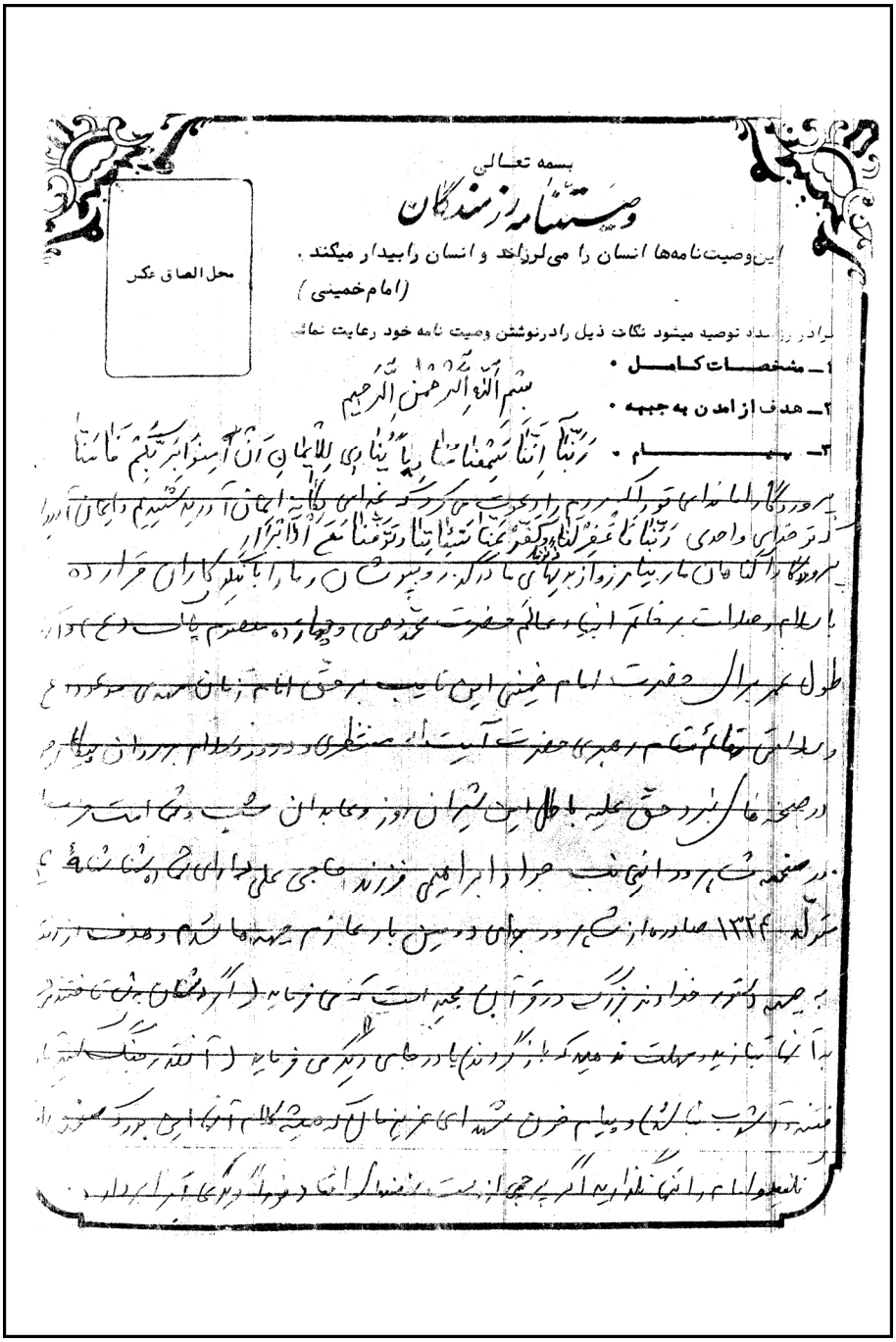

بسمه تعالی

# وصیتنامه زندگان

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

محل الصاق عکس

برادر در راستای توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید.

۱ــ مشخصات کامل •
۲ــ هدف از آمدن به جبهه •
۳ــ پیام •

بسم الله الرحمن الرحیم

ربنا انا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا
پروردگارا ما ندا دهنده‌ای را شنیدیم که ما را به ایمان آوردن به پروردگارتان دعوت کرد و ما ایمان آوردیم
ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار
پروردگارا گناهان ما را بیامرز و از بدیهای ما درگذر و ما را با نیکوکاران بمیران
با سلام و صلوات بر خاتم انبیاء و سالار شهیدان حضرت محمد مصطفی و چهارده معصوم پاک (ع)
طول عمر ما را حضرت امام خمینی نایب برحق امام زمان (عج) و رهبر
و رهبر فرزانه‌اش حضرت آیت‌الله منتظری و درود و سلام بر روان پاک
در صحنه باشیم و بر دوش حق علیه باطل این شعار و دعا بدان حق با ماست
در صفحه اول وصیت‌نامه خود را برای فرزند حاج علی دایی‌اش
سال ۱۳۶۴ صادر می‌کرد بدان دومین بار عازم جبهه‌ها شده و هدف از رفتن
به جبهه را خدا و نیز آزادی قدس عزیز می‌داند (اگر شهید نشدم
یا آنها بازنشسته نمودند که باز گردند) یادداشتهای دیگری فرمایند (آنقدر فرصت
نشد وصیت‌نامه را بنویسم) و پیام خود را برای عزیزان که وصیت‌نامه آنها را
نامه‌ها را برای ما بفرستند و دعا کنند

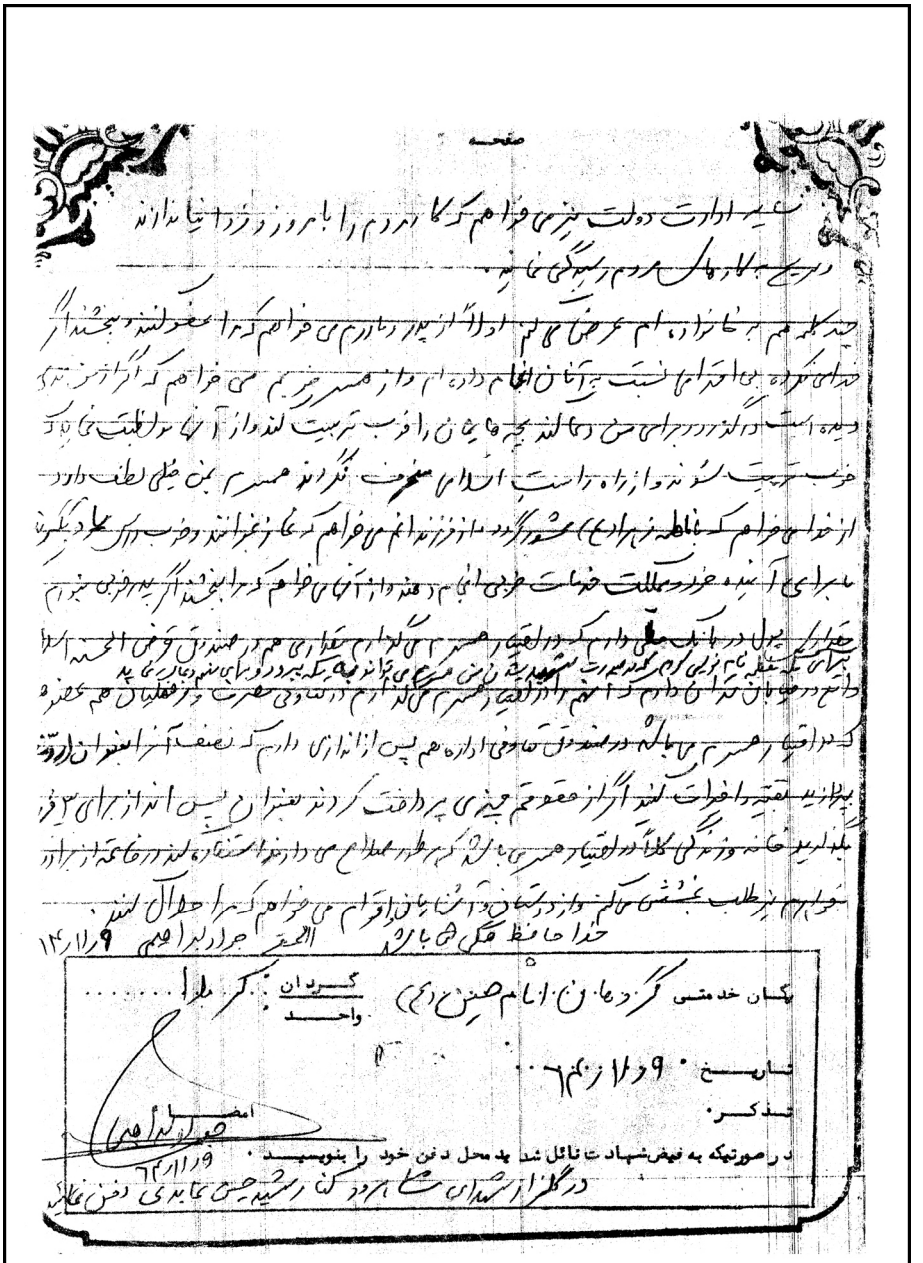

صفحه

به ادارات دولت نیز می‌فرماید که کار مردم را با مرور و تردد بیهوده بی‌سرانجام نگذارند

و به کار و حال مردم رسیدگی نمایند.

چند کلمه هم با خانواده‌ام عرض کنم. اولاً از بیمار و ناراحتی می‌فرماید که مرا معذور بدارند و بخشندگی

خداوند بزرگ را از خداوند متعال نسبت به آنان انتظار دارم. همسر عزیزم می‌فرماید که اگر از من

دیده است ناراحتی و ناراحتی حق دارند بچه‌هایش را خوب تربیت کند و از آنها سرافراز باشد

خوب تربیت کنند و از راه راست اسلام منحرف نگردند. همسرم بمن لطف داشت

از خداوند می‌خواهم که باطمینان زندگی شود و از من می‌خواهم که با خانواده‌ام خوب رفتار کنند

برای آینده خود و مملکت خدمات علمی انجام دهند و آنچه می‌خواهم که برایشان بگذارم

[illegible] پول در بانک ملی دارم که در اختیار همسرم می‌گذارم همچنین مبلغ [illegible] ریال

[illegible] دارم که در اختیار همسرم می‌گذارم که در صورت لزوم [illegible]

که در اختیار همسرم باشد و صندوق خانوادگی دارم هم پس از اندازی دارم که نصف آن از

پرداخت بقیه اقساط نماند اگر از صندوق چیزی پرداخت کردند بقیه پس انداز برای [illegible]

بدانید خانه و زمینی که در اختیار همسرم می‌باشد که طبق اعلام می‌دارد استفاده نکند در خانه که از اداره

خواهم که طلب بخشش کنید و از دیدن و آمدن باز نایستید و از خداوند می‌خواهم که همه را حفظ کند

خدا حافظ همگی شما باشد

والسلام جواد ابراهیمی ۱۳۶۱/۱۱/۹

| | |
|---|---|
| نشان خدمتی | گردان: کربلا ..... |
| | گردان واحد |
| تاریخ | ۱۳۶۱/۱۱/۹ |
| تذکر | |

امضا

در صورتیکه به فیض شهادت نائل شد به محل دفن خود را بنویسید.

۱۳۶۱/۱۱/۹

در گلزار شهدای شهر ورکن رشیه حسن عابدی دفن خواهد شد

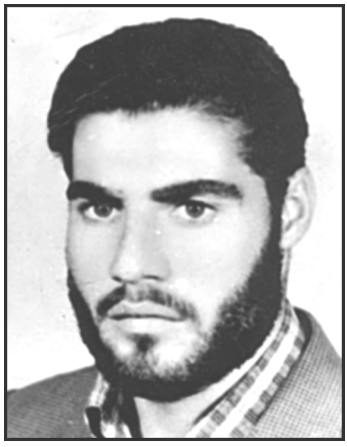

نام: **جواد**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **عباس**
نام مادر: **عالیه**
تاریخ تولد: **بیستم تیر ۱۳۴۲**
محل تولد: **روستای حسین‌آباد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۵**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خانم از تو می‌خواهم خونسردی خودت را کاملاً حفظ کنی و مثل حضرت زینب(علیهاالسلام) با استقامت باشی.
- اگر هم برنگشتم، بدان در جوار حضرت حق زنده هستم و از نعمات بهشتی متنعم خواهم بود.
- تو خود می‌دانی که جهاد در راه خدا چقدر اجر و مزد دارد.
- خدا بارها در قرآن گفته است که کسی در راه من کشته شود، زنده و جاوید است.
- می‌خواهم اگر شهید شدم گریه و زاری راه نیندازی و سر و صدا نکنی.
- برای رفع هرگونه اشکال شرعی از همان پس‌اندازها مقداری خمس و زکات بدهید.

## جواد ابراهیمی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**ربنا واتنا ما وعدتنا علی رسلک ولاتخزنا یوم القیامة انّک لاتخلف المیعاد**».[۱] «خدایا ما را به صلاح از آنچه به زبان پیغمبرانت از عطا وعده فرمودی، به ما هم عنایت کن، و روز قیامت ما را خوار و ذلیل و بینوا مفرما. محققاً وعده‌های تو خلف نمی‌شود».

رباب همسر خوبم، سلام عرض می‌کنم. امیدوارم که حالت خوب باشد. بچه‌ها نیز خوب و سرحال باشند. خانم، جز دوری دیدار شما ملالی نیست. باری این چندمین نامه و شاید آخرین نامه باشد. چنانچه این را نوشتم، هرآن امکان دارد مأموریت جدید به ما واگذار کنند. از تو می‌خواهم خونسردی خودت را کاملاً حفظ کنی. [...][۲] و مثل حضرت زینب(علیهاالسلام) با استقامت باشی و کاری نکنی که دشمن خوشحال شود. شاید در این مأموریت برگشتی نباشد و اگر خدا خواست، که چنانچه بارها گفته‌ام، صحیح و سالم برگردم. اگر هم برنگشتم، بدان در جوار حضرت حق زنده هستم و از نعمات بهشتی مُتنعم[۳] خواهم بود. تو خود می‌دانی که جهاد در راه خدا چقدر اجر و مزد دارد و خدا بارها در قرآن گفته است که کسی که در راه من کشته شود زنده و جاوید است. جهاد نیز از روی هوی[٤] و هوس نیست، زیرا هیچ‌کس زندگی راحت [...][٥] را نمی‌گذارد، در بیابان‌ها با سختی زندگی کند. حداقل من که در زندگی هیچ‌گونه کمبودی را نداشتم که [...][٦] تازه‌ای بگیردَم. البته انسان جایزالخطاست. امیدوارم که مورد لطف و مرحمت واقع شوم و خدا مرا بیامرزد. از تو می‌خواهم که مرا عفو کنی، اگر شوهر خوبی برای تو نبودم یا اگر پدر خوبی

---

۱- آل عمران/ ۱۹٤.

۲- خوانا نیست.

۳- در اصل وصیت «تنعم خواهم بود».

٤- در اصل وصیت «هوا».

٥- خوانا نیست.

٦- خوانا نیست.

برای فرزندانم نبودم. به هرحال اگر برنگشتم، هیچ‌کس را مقصر ندانی «یک[۱] وقت خدای ناکرده پشت سر [...]»[۲] دوستی حرفی نزنی، چون آنها مقصر نیستند که این جنگ را به راه انداختند. هرچی ناسزا دارید به ابرقدرت‌ها خصوصاً آمریکا بگو و مقصر اصلی صدام نانجیب است که فکر ژاندارمی خلیج فارس سرش زد و این جنگ را راه انداخت. با استقامت بایست و هرکسی نیز حرفی زد، خلاف واقع گفت جوابش را محکم بده. نگذار که ضد انقلاب زیاد خوشحال شود. [...][۳] به دل نگیر [...][٤] با بردباری با او برخورد کن چنان‌که تا حالا این کار را کرده‌ای. [...][٥] دارد با هرکس دیگر نیز چنین باش. اگر حرف مفت می‌زنند با شجاعت [...][٦] و نگذار هرچی از دهنشان درمی‌آید بگویند. اگر برنگشتم با بچه‌ها آن‌طور که خود می‌دانی برخورد کن و یک[۷] جوری آنها را قانع کن، هرچند که خودشان خیلی فهمیده‌اند. حتی مرتضی باهوش هم [...][۸] می‌خواهم اگر شهید شدم گریه و و زاری راه نیندازی[۹] و سر و صدا نکنی. شب‌ها از دعا مرا فراموش نکن. می‌گویی این چه حرف‌هایی است که می‌زنم تو خودت می‌دانی که قلب من صاف است و هرچه بر زبانم و ذهنم می‌آید می‌گویم دیگر[۱۰] فکر چیز دیگری نمی‌کنم، ولی من می‌دانم که لیاقت شهید شدن را ندارم. امکان دارد زخمی یا معلول گردم. خیلی بودند که از اول جنگ بارها در جبهه‌ها بودند ولی یک خراش هم برنداشتند. کسانی بودند که زخمی شدند یا برای چندمین بار به جبهه رفتند و یا اولین بار آنها را از پا درآورد. من «از تو می‌خواهم به اخبار

---

۱- در اصل وصیت «یه».

۲- در اصل وصیت جمله اندکی گنگ و ثقیل است. «به وقت جوان کرده پشت سر [...]»، نامفهوم است.

۳- خوانا نیست.

٤- خوانا نیست.

٥- خوانا نیست.

٦- عبارت غیرقابل مفهوم است.

۷- در اصل وصیت «یه».

۸- عبارت مفهوم نیست.

۹- در اصل وصیت «نیاندازی».

۱۰- در اصل وصیت دیگه (با لهجه شکسته فارسی- یا تهرانی).

رادیو تلویزیون خوب توجه کنی».[۱] در صورت [گرفتن یا اعلام][۲] خبری از من نکند به این این طرف و آن طرف بروی، چون مسئولین خودشان می‌دانند چکار کنند. به محض کوچک‌ترین خبری شماها را در جریان می‌گذارند و یک[۳] وقت دیدی انشاءالله صحیح و سالم [...][٤] برگشتم نزد شما. همین دیشب در مراسم دعای توسل[٥] و صبح امروز در مراسم مراسم صبحگاه، فرمانده گفت که هرکس نمی‌تواند در عملیات شرکت کند برود نزد فرمانده گروهان‌ها و بگوید نمی‌توانم [...].[٦] خدا شاهد است یک نفر از رزمندگان این‌کار را را نکرد و همه با گریه و سلام و صلوات آمادگی خودشان را اعلام کردند. خوب دیگر سفارشت نمی‌کنم. آن وصیت‌نامه که قبلاً نوشته بودم [...][۷] خودم می‌باشد. طبق همان وصیت‌نامه رفتار کنید. مضافاً به اینکه از حقوقم بدهی دکان را پرداخت کن. کتاب‌ها را برای بچه‌ها بگذار باشد تا از آنها استفاده کنند. خمس و زکات هم بده [...][۸] ولی برای رفع هرگونه اشکال شرعی از همان پس‌اندازها مقداری خمس و زکات بدهید [...][۹] زیاد است انشاءالله در نامه‌های [...][۱۰] اگر هیچ دیگر هیچ. همهٔ شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

**خدانگه دار، قربان همهٔ شما**

---

۱- جمله در اصل وصیت چنین است که به‌ضرورت فصاحت بدون تغییر کلمه‌ای نوع چینش را تغییر دادیم: «از تو می‌خواهم خوب توجه به اخبار رادیو تلویزیون کن».

۲- از سیاق کلام چنین برمی‌آید که واژه‌ای چون «گرفتن یا اعلام» از قلم افتاده باشد.

۳- در اصل وصیت «یه».

٤- خوانا نیست.

٥- در اصل وصیت دعا توسل.

٦- از سیاق کلام برمی‌آید با جمله با فعل «شرکت کنم» تمام بشود که در اصل وصیت وجود ندارد.

۷- افتادگی دارد. قسمت‌هایی از آغاز و بعضاً پایان هر سطر در کپی چاپ نشده است. احتمالاً در اصل وصیت افتادگی در حواشی نسخهٔ اصلی باشد.

۸- خوانا نیست.

۹- خوانا نیست.

۱۰- خوانا نیست.

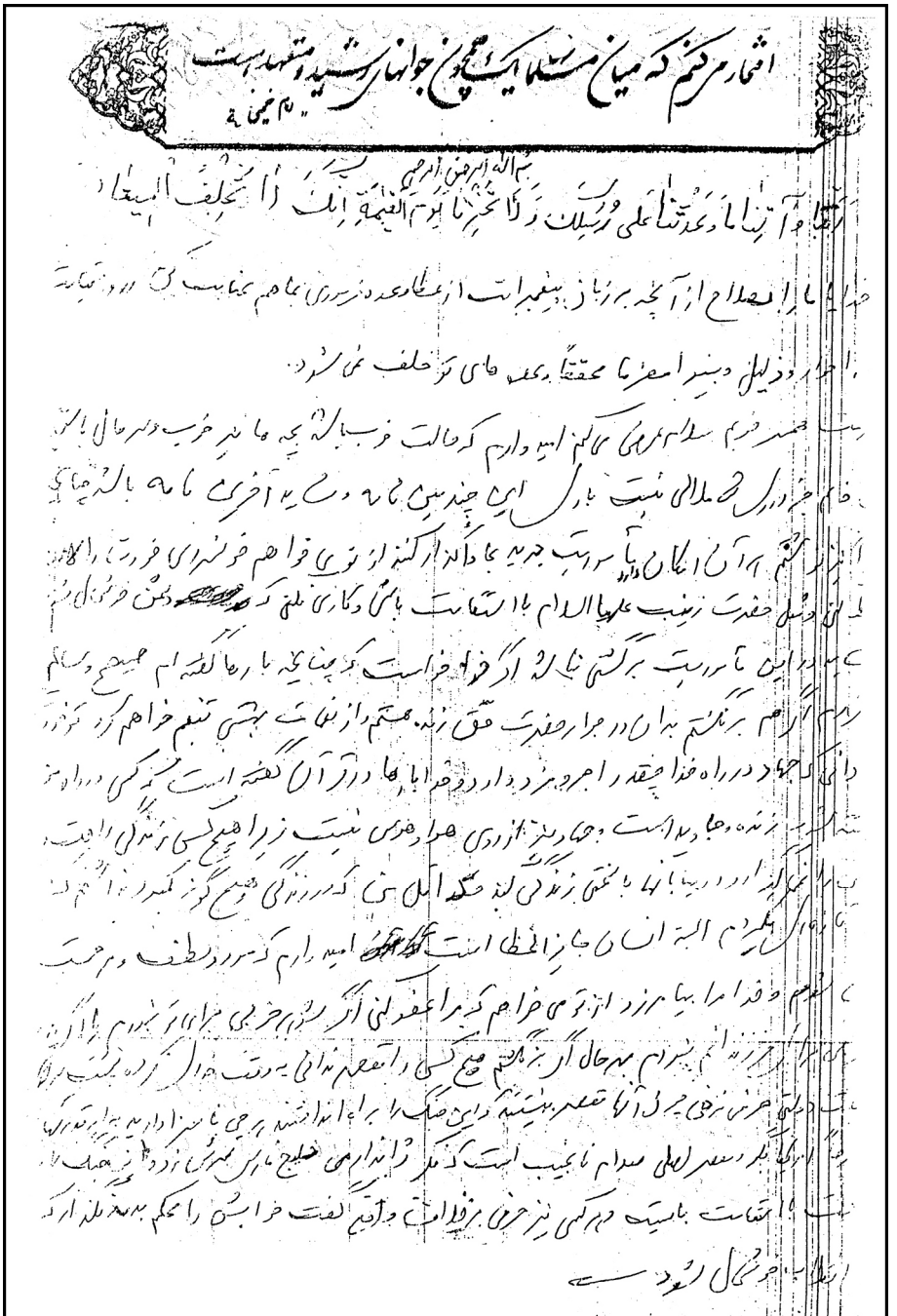

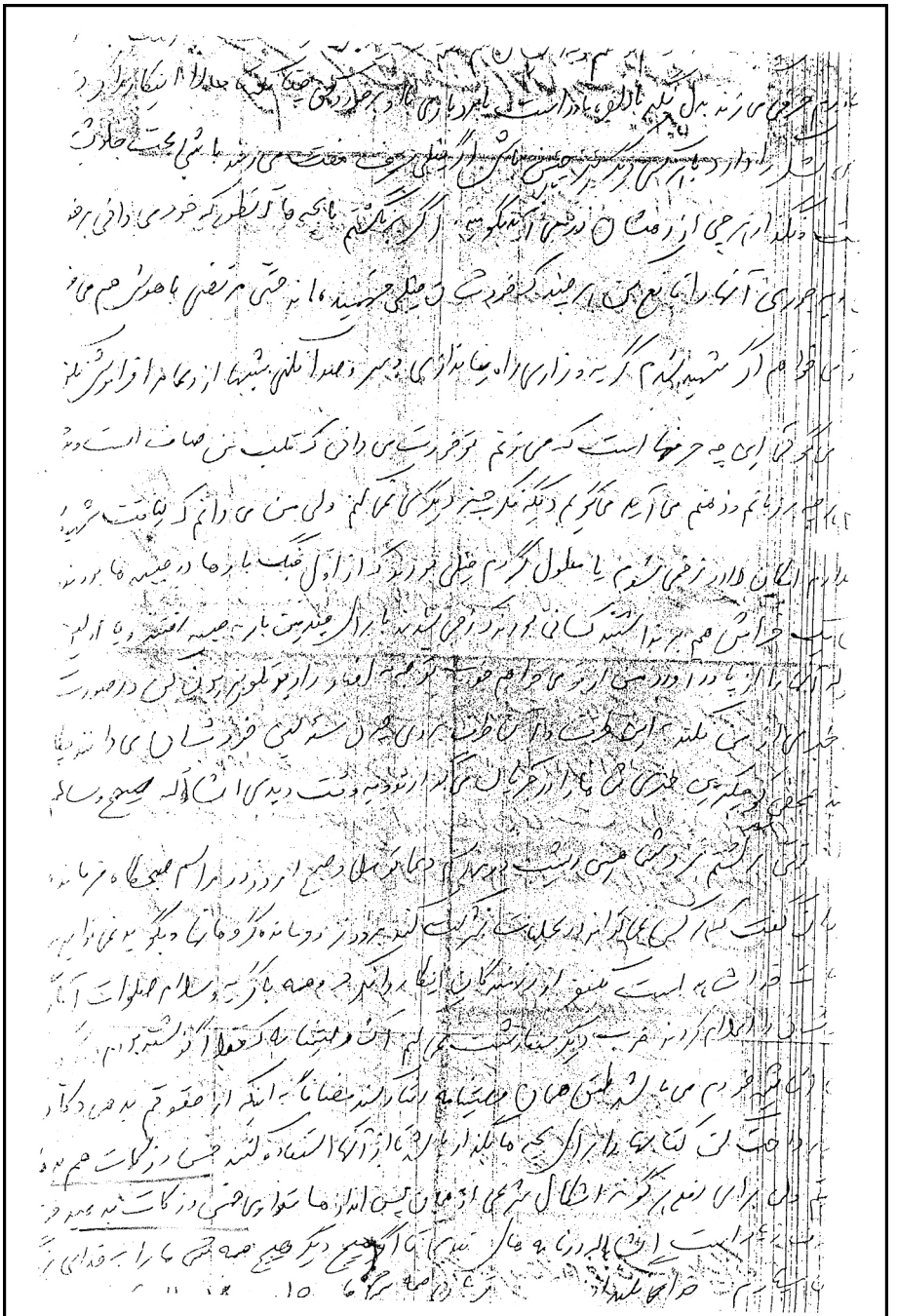

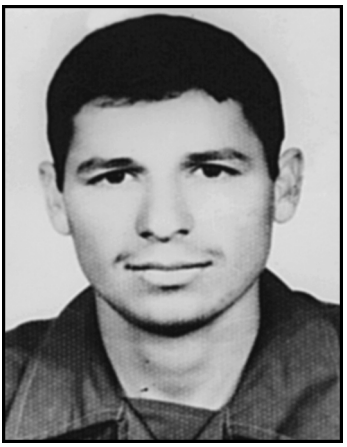

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **پنجم آبان ۱۳۴۳**
محل تولد: **روستای دیـزج از توابـع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **چهارم دی ۱۳٦٥**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- به‌نام او که پوشاننده عیوب و آرام‌بخش قلوب و آمرزنده ذنوب است.
- به‌نام خدایی که شب و روز را به خلقت خود آفرید.
- به‌نام خدایی که از او آمرزش می‌طلبم که جز او هیچ خدایی زندهٔ پاینده نیست.
- درود بر حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و با سلام و درود بر بزرگ عدالت‌گستر جهان.
- سلام بر او که تنها می‌آید و در خانهٔ خدا به نماز می‌پردازد.
- سلام و درود بر امام عزیزمان که سراسر عمر ما فدای لحظه‌ای از لحظه‌های عمر گرانبهای تو.
- ای امام، برایمان ثابت شد که بدون عشق به تو نمی‌توان عاشق مهدی(عج) شد.
- خدا، به خدایی‌ات قسم، دوری تو و ائمه و معصومین تو را چطور تحمل کنم.
- خدایا باز هم اگر می‌خواهی مرا به جهنم ببری ببر، اما خدا مرا در پـیش یـاران و همسـنگرانم و پیش قومان و خویشان رسوایم مکن.

## حسین ابراهیمی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

### و بسم رب الشهداء والصدیقین[۱]

«**اشهدُ ان لااله الا الله و اشهدُ ان محمد رسول الله و اشهدُ ان علی ولی الله**».

«**ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون**»[۲] «آنان‌که[۳] در راه خدا کشته شدند مرده نپندارید بلکه زنده‌اند و نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند»

به‌نام بزرگ پاسدار حرمت خون شهیدان. به‌نام خدایی که ورد زبان پاکان از گناه است. به‌نام او که پوشاننده عیوب و آرام‌بخش قلوب و آمرزنده ذنوب[٤] است. به‌نام خدایی که شب و روز را به خلقت خود آفرید و در این آفرینش از هیچ احدی کمک نخواست. به‌نام خدایی که از او آمرزش می‌طلبم که جز او هیچ خدایی زندهٔ پاینده نیست و به‌سوی او از توبه بازمی‌گردم و با سلام و درود بر حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و با سلام و درود بر بزرگ عدالت‌گستر جهان. سلام بر او که تنها می‌آید و در خانهٔ خدا به نماز می‌پردازد و سپس از آنجا ظهور می‌کند و با فریاد تکبیرش همه جهان را بیدار نموده و یاران را به حضور می‌خواند[۵] و با سلام و درود بر امام عزیزمان که سراسر عمر ما فدای لحظه‌ای از لحظه‌های عمر گرانبهای تو. ای امام، برایمان ثابت شد که بدون عشق به تو

---

۱- در اصل وصیت «بسم رب شهداء و صدیقین».

۲- آل عمران/ ۱٦۹.

۳- در اصل وصیت «آنکه».

٤- آنچه شهید در ادامه این فراز از وصیت‌نامه‌اش می‌آورد، معنی مناجات و بیان صفات بی‌شمار خداوند عزیز همگی تحت‌تأثیر و ترجمهٔ تحت‌اللفظی از ادعیه و آیات قرآنی است، از آن جمله‌اند: ستارالعیوب، آمرزندهٔ ذنوب، آرام‌بخش دل‌ها، زندهٔ پاینده و... در دعای کمیل، دعای جوشن کبیر و صباح و... تعابیر متعددی از صفات الهی به‌زبان ائمه معصومین جاری شده است.

۵- اشاره دارد به ظهور حضرت قائم، امام زمان(عج). اینک به‌عنوان آخرین ذخیره از امامت، حی است و در دوران غیبت کبری به‌سر می‌برد. ظهورش از نظر شیعیان همراه با عدالت و نور و تکامل عقلی و معرفتی انسان‌ها به‌خصوص مسلمین و به‌ویژه شیعیان خواهد بود. منطقی است که عدالت‌جویان و حق‌پرستان انتظارش را می‌کشند تا جهان را با آمدنش به صلح و نیکی فرابخواند. هیچ نظر ثاقبی پیرامون محل ظهورشان مورد توافق نیست.

نمی‌توان عاشق مهدی(عج) شد و اینک خدایا برای تو، به عشق تو و برای ادای تکلیفم و تداوم انقلابم به جبهه آمده‌ام. خدا، نمی‌خواهم و نمی‌توانم بگویم جبهه آمدنم برای تو بوده. خدا می‌خواهم پرواز کنم به‌سویت، اما با کوله‌باری [از][1] گناه. خدایا، سنگینی گناهانم و دوستی دنیا، مانع از پرواز به‌سویت شده. خدایا، گناهانم را ببخش تا بتوانم به‌سویت پرواز کنم. خدایا به‌عنوان سؤالی از شما می‌خواهم که به عفو و رحمت خود از من درگذری. خدایا، گفتم به جبهه آمده‌ام تا در کنار برادران عزیزم، این عاشقان الله و عاشقان حسین(علیه‌السلام)، به دفاع از دین و قرآن بپردازم و چه زیباست نبرد حق علیه باطل و چه زیباست قدم در راه حق نهادن و جان، که سرمایه گرانبهای هر فرد است، در راه خدا فدا نمودن و چه زیباست و پرمحتواست مکتب حیات‌بخش، مکتب اسلام، که جز حق را نخواهد و جز شهادت را نپذیرد و چه نیکوست زمانی‌که انسان پاک‌باخته خالص شود و از جان و مال و پدر و مادر و همسر خود بگذرد. برای دست‌یابی به هدف والا که همان تحقق احکام حیات‌بخش اسلام در سراسر گیتی است و از این دنیای فانی به آن دنیای باقی هجرت نماید و به این آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: «**[و] الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل‌الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عندالله و اولئک هم الفائزون**»[2] عمل نماید و اگر در این راه شهادت نصیبم شد، خدا را شکر می‌کنم و می‌دانم که من لیاقت شهید شدن را ندارم، اما ناامید از درگاه خداوند هم نیستم و می‌دانم که روزی باید از این دنیا بروم، چه شهید شوم یا به مرگ طبیعی از دنیا بروم. اما خدا، چند حاجت دارم. خدایا، می‌خواهم بگویم بنده توام، اگرچه گناهکار و بدم، اما هرچه هستم بنده توام. خدایا، مرا ببخش. خدایا، اگر می‌خواهی، مرا به جهنم ببر و مرا عذاب بدهی، بده. چون می‌دانم من مستحق عذاب توام. اما خدایا مرا در پیش شهدا، شهدایی که فقط به‌خاطر رضای تو خون خود را در راه انقلاب عزیز داده‌اند، رسوایم مکن. خدایا، اگر می‌خواهی مرا به جهنم ببری ببر، اما خدا مرا در پیش برادران مخلص بسیجی رسوایم مکن. چون می‌دانم که برادران بسیجی نسبت به برادران سپاه حساب دیگری می‌کنند. خدایا، باز هم اگر می‌خواهی مرا به جهنم

---

۱- واژهٔ «از» در اصل وصیت نیامده است.

۲- توبه/ ۲۰.

ببری ببر، اما خدا مرا در پیش یاران و همسنگرانم و پیش‌قومان و خویشان رسوایم مکن. خدایا، خودم می‌دانم که من طاقت آتش جهنم این دنیا را ندارم، چطور می‌خواهم بر آتش جهنمی که خود به‌دست خودم آن را درست کرده‌ام تحمل کنم. خدایا، گویا بر آتش جهنم که خود به‌دست خودم آن را درست کرده‌ام، تحمل کنم. خدایا گیرم[۱] بر آتش جهنم صبر کنم، اما خدا به خدایی‌ات قسم دوری تو و ائمه و معصومین(علیهم‌السلام) تو را چطور تحمل کنم. خدایا، دوری حسین(علیه‌السلام) را چطور تحمل کنم. منی که به عشق حسین(علیه‌السلام) و عشق زیارت حسین(علیه‌السلام) به جبهه آمده‌ام. خدایا، باز هم نمی‌خواهم بگویم آمدن به جبهه برای تو و نیتم خالص بوده، اما خدا تو خودت ما را خالص کن و با فضل و بخششی که داری با ما رفتار کن، نه با عدالت که اگر بخواهی با عدالت با ما رفتار کنی همه ما یقیناً مستحق عذاب توایم. «**الهی عاملنا به فضلک ولاتعاملنا به عدلک**».[۲]

و ای مردم عزیز، خواستم در این لحظه آخر عمرم چند جمله‌ای را به‌عنوان وصیت خدمت شما بنویسم. ای مردم شهیدپرور عزیز، قدر امام را بدانید. به فرامین و رهنمودهای امام از دل و جان گوش فرا دهید و به آن عمل کنید و فرزندانتان را به جبهه بفرستید. نکند خدای ناکرده مانع اعزام فرزندانتان به[۳] جبهه بشوید و همان‌طور که تابحال به جبهه کمک می‌کردید کمک کنید. به دعاها اهمیت بیشتری بدهید و تا می‌توانید برادران بسیجی را کمک کنید و از جوانان عزیز هم تقاضا دارم که دیگر از اختلافات بی‌مورد دوری کنند و جوان‌های عزیز چرا در زمانی که بهترین جوان‌های ما در جبهه مثل مرغ سر بریده پرپر می‌شوند، یک[٤] سری از جوان‌ها دانسته و ندانسته در مقابل بسیجی‌ها جبهه‌گیری می‌کنند؟ جوان‌های عزیز، به‌عنوان یک برادر کوچک از شما خواهش می‌کنم بیایید و از اختلافات دوری کنید و قدر برادران بسیج و سپاه را بدانید و سخنی هم برای برادران پایگاه و بسیجی‌ام که قدر خودتان را بدانید و نکند خدای ناکرده از میدان به در روید و میدان را

---

۱- در اصل وصیت «گویا».

۲- ترجمه «خدایا با ما با فضل و کرمت رفتار و حکم کن نه با عدلت. (از ادعیه امام علی(علیه‌السلام)، غررالحکم).

۳- در اصل وصیت «از».

٤- در اصل وصیت «یه سری».

برای یک[۱] سری افراد فرصت‌طلب باز کنید. برادرها امروز روز استقامت و پایداری در مقابل تمام مشکلات و به‌خصوص جنگ است و چنانچه قرآن هم می‌فرماید: «**فستقم کما امرت**»[۲] همه باید مقاومت و پایداری بکنند. برادرها این آیه شریف را سرلوحه تمام کارهاتان قرار بدهید و نکند خدای ناکرده از جنگ خسته شوید و برادرها همان‌طور که تا به حال به پایگاه[۳] می‌رفتید و کمک می‌کردید به پایگاه بروید که خود پایگاه مانند سنگری است که باید در آن سنگر از دست‌آوردهای انقلاب و جنگ و از خون شهیدانمان حفظ و حراست بکنید و برادرها به دعاها اهمیت بیشتری بدهید، زیرا دعا سلاح مؤمن است[٤] و این سلاح خدادادی را حفظ کنید.

و اما پدر و مادر عزیزم، مرا ببخشید که تا به حال فرزند خوبی برای شما نبودم و همیشه باعث نگرانی شما را فراهم می‌کردم. مادرم، شیرت را بر من حلال کن و از برای من از خدا طلب عفو و بخشش [از خدا] کن تا خدا مرا ببخشد، چون من بنده خوبی برای شما نبودم. پدر و مادر عزیزم، از من راضی باشید تا خدا هم از من راضی باشد. پدر و مادر عزیزم، امیدوارم که بتوانم با تقدیم خون ناچیز و جسم ضعیف خود به اسلام و امام عزیزمان رضایت خدا و شما را فراهم کنم. و شما همسر خوب و مهربانم، همسر فداکارم، ببخشید که من همسر خوبی برای شما نبودم و نتوانستم وظیفه همسری را نسبت به شما انجام دهم. همسرم همیشه من به‌وجود شما افتخار می‌کردم و خدا را شکر می‌کردم که چنین همسری خوب و فداکار مثل شما را داشتم و در آخر از شما همسرم می‌خواهم مرا ببخشید و از من راضی باشی و از اینکه نتوانستم وظیفه‌ام را نسبت به شما انجام دهم معذرت می‌خواهم و اما شما برادرم، حسن، از شما هم تقاضا دارم که از برادر خود راضی باشید. حسن جان با شهادت من وظیفه شما سنگین‌تر می‌شود و باید اسلحه از دست رفته‌ام

---

۱- در اصل وصیت «یه سری».

۲- هود/ ۱۱۲ «فاستقم کما امرت و من تاب معک و لاتطغوا انه بما تعلمون بصیر» ترجمه: «پس ای رسول، تو چنان‌که مأموری پایداری و استقامت کن و کسی که به همراهی تو به خدا رجوع کرد (نیز پایدار باشد) و از حدود الهی هیچ تجاوز نکنید، که خدا به هر چه شما می‌کنید بصیر و داناست».

۳- ر.ک. تعلیقات.

٤- «الدعا سلاح المؤمن» (اصول کافی، ج ٤، ص ٢١٤).

را بردارید و راهم را ادامه بدهید و شما خواهرانم، از همه شما می‌خواهم حجابتان را حفظ کنید و در مرگ من زیاد گریه نکنید که با گریه شما دل دشمن شاد می‌شود و اگر خواستید گریه بکنید، باید برای مظلومیت حسین(علیه‌السلام) گریه بکنید و شما عمو و زن عموی عزیزم، شما همیشه مثل یک پدر و مادر مهربان برای من بودید و ببخشید که من داماد خوبی برای شما نبودم و نتوانستم وظیفه‌ام را نسبت به [شما] انجام دهم. امیدوارم که مرا حلال کنید و از من راضی باشید و در آخر از همه شما تمام قومان و خویشان و همسایه‌ها و تمام کسانی که مرا می‌شناسند، طلب عفو و بخشش دارم و از همه شما می‌خواهم برای من از خدا حلالیت بطلبید و دعا به جان امام را فراموش نکنید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

**«والسلام»**

**بنده گناهکار خدا، حسین ابراهیمی**

**۶۵/۱۰/۳**

**فرزند محمد**

بسم الله الرحمن الرحیم و بنیم رب شهدا و صدیقین

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان علیا ولی الله
ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون (قرآن کریم)
آنانکه در راه خدا کشته میشوند مرده نیندار بلکه زنده اند و نزد پروردگار خویش روزی میخورند
بنام الله بزرگ پاسدار حرمت خون شهیدان بنام خدائی که ورد زبان پاکان از گناه است بنام خدائی که
پوشاننده عیوب و آرامبخش قلوب و آمرزنده ذنوب است بنام خدائی که شب و روز را به

خلقت خود آخر بخشید و در این آخر بینش از هیچ احدی کمک نخواست بنام خدائی که از او آمده ایم و
که جز او هیچ خدائی زنده پاینده نیست و بسوی او از تو به بازمیگردم و با سلام و درود بر حضرت
ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) و با سلام و درود بر پیشوای عدالت گستر جهان سلام بر او که تنها امید
و در خانه خدا به نماز می پردازد و سپس از آنجا عزم رزم میکند و جانش را نثار تکبیر میکند جان را نثار شهود و

یاران را به حضور می خوانم و با سلام و درود بر امام عزیزمان ای که سراسر عمر ما فدای لحظه ای از
لحظه های عمر گرانبهای تو ای امام بر ایمان ثابت شدگان بدون عشق نمیتوان عاشق عدالت شد و
و ما اینک خدایا برای تو به عشق تو و برای ادای تکلیفم و تداوم انقلابم به جبهه آمده ام خدایا خواهم
و نمی توانم بگویم جبهه آمدم برای تو بوده خدا می خواهم پیروز میکنم بسویت اما با گلوله باری گناه خدایا

سنگینی گناهانم و دوستی دنیا مانع از پرواز بسویت شده گناهانم را ببخش تا بتوانم بسویت پرواز
کنم خدایا بعنوان مسئولی از شناسی خواهم که با عفو و رحمت خود از سر درگذری خدایا خدایا
گفتم به جبهه آمده ام تا در کنار برادران عزیزم از عاشقان امام و عاشقان حسین به دفاع از دین و
حرمت برخیزم و چه زیباست نبرد حق علیه باطل و چه زیباست قدم در راه حق نهادن و جان کف

حسین (۲)

سرنیزه گرانبهای هر مرد است در راه خدا نمودن و چه زیبا ست و پر معنا است مکتب جانبخش مکتب اسلام که هر حق را خواهد و هر شهادت را نوید دهد چه نیکوست زمانیکه انسان پاک باخته خالص شود و از آن وصال و دیدار و هم سر خود دگذرد دیرای دست یابی به هدف والا که همان تحقق احکام حیات بخش اسلام در سراسر گیتی است و از این دنیای فانی به آن دنیای باقی هجرت نماید و به این آیه شریفه قرآن عمل نماید که می فرماید والذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله ... باموالهم

وانفسهم یان لهم الجنه عمل نماید و آنرا در این راه شهادت نصیبم شود خدا را شکر می کنم و می دانم که من لیاقت شهید شدن را ندارم امیدوارم ولی خداوند هم نیستم و می دانم که روزی پا به این دنیا میزنم چه شهید بشوم یا به مرگ طبیعت از دنیا بروم اما خدا چند حاجت دارم خدایا می خواهم بگویم بنده توام آنچه گناهکارم اما هرچه هستم بنده توام خدایا مرا ببخش خدایا اگر می خواهی مرا به جهنم ببری و مرا عذاب بدهی چون می دانم مستوجب عذاب توام اما خدایا مرا در پیش شهدا شهدائی که فقط بخاطر رضای تو خون خود را در راه انقلاب عزیز داده اند رسوایم نکن خدایا اگر می خواهی مرا به جهنم ببری مرا با خدا مرا در پیش برادران مخلص بسیجی رسوایم نکن چون می دانم که برادران بسیج نسبت به برادران سپاه حساب دیگری می کنند خدایا باز هم اگر می خواهی مرا به جهنم ببری ببر

اما خدا مرا در پیش یاران و همسنگرانم و پیش قومان و خویشان رسوایم نکن خدایا خودم می دانم که من طاقت آتش جهنم این دنیا را ندارم چطور می خواهم پیرآتش جهنمی تا خود بدست خودم آنرا درست کرده ام تحمل کنم خدایا گویا پیرآتش جهنم صبر کنم اما خدایا با خدائی ات قسم دوری تو را و معصومین تو را چطور تحمل کنم خدایا دوری حسین (ع) را چطور تحمل کنم من که به عشق

بسم (۳)

حین (۲) ... عشق زیارت حسین (ع) به جبهه ... آمدم و ام خدا یا باز هم نخواهم بگذرم آمدن به جبهه ... برای تو و نیتم خالص بوده امیدوارم تو خود نیت ما را خالص گردانی و با فضل و منش خود ما را یاری کنی تا با ... عدالت گستر خواهی باعدالت با ما رفتار کنی هان ای یقیناً ... مستحق عذاب توایم الهی عالمانه متفکر و ... تو ما بلنداپایه عدالت ... ای مردم عزیز خواستم در این نامه آخرین حرفم چند جمله‌ای را بعنوان وصیت ... خدمت شما بنویسم ای مردم شهید پرور عزیز قدر امام را بدانید به شرایطی و رهنمودهای امام از دل و جان گوش فرا دهید و به آن عمل کنید و فرزندان را یا جبهه بفرستید تا نهال خدای ناکرده ما نع انجام فرزندان از جبهه نشوید و همانطور که تا بحال به جبهه کمک می‌کردید کمک کنید یاد و عاطفه بیشتری پیدا کنید و تا می‌توانید برادران بسیج را کمک کنید و از جوانان عزیز هم تقاضا دارم که از دیگر از اختلافات ... مسئولین دوری کنند و جوانهای عزیز جزء از زمانی که بهترین جوانها و با درجه‌ای عالی عزم ... سر بر پایه ... بر می‌شوند و بسیاری از جوانها دانشگاه و نداشتند در مقابل بسیجی‌ها جبهه‌ها گیری می‌کنند جوانهای عزیز بعنوان یک برادر کوچک از شما خواهش می‌کنم بیائید و از اختلافات دوری کنید و قدر برادران بسیج و سپاه را بدانید و سختی هم برای برادران پایگاه و بسیجی ام که قدر خود تان را بدانید و نکند خدای ناکرده از میدان بدر رود و میدان را برای یک سری افراد فرصت طلب باز کنید برادرها امروز روز ... استقامت و پایداری در مقابل تمام مشکلات و بخصوص جنگ است و جنایت‌های قرآن می‌فرماید خشنتیم ... اگر اهل ... پایداری کنید بر ما و ما این آیه شریفه را سرلوحه تمام کارهایمان قرار دهید و نکند خدای ناکرده از جبهه خسته شوید و برادرها نظیر که ابدال با ... پایگاه مردم فکر نکنند که رفتند به پایگاه برزند که خود پایگاه مانند سنگری است که باید در آن سنگر از دست آوردهای انقلاب و خون شهدایمان حفظ و حراست بکنید و برادرها یاد و عاطفه بیشتری پیدا کنید و برادر عاشق و مسئول است و این سلاح خدادادی را حفظ کنید

حسن (۴)

والدا بزرگوار و پدر عزیزم مرا ببخشید که تا بحال طرز نادرستی برای شما نبوده ام و همیشه باعث نگرانی
و ناراحتی شما می گردم پدر عزیزم شرمنده را ببخش حلال کن و از من راضی باش و از خدا طلب عفو و بخشش از خدا کن
تا خدا امرا ببخشد چون من بنده خوبی برای شما نبودم پدر و مادر عزیزم از من راضی باشید تا
خدا هم از من راضی باشد پدر و مادر عزیزم امیدوارم که بتوانم با تقدیم خون ناچیز و جسم ضعیف
خود به اسلام و امام عزیزمان رضایت خدا و شما را فراهم کنم و شما همسر خوب و مهربانم همسر خدا کار
خدا کارم ببخشید که من همسر خوبی برای شما نبودم و نتوانستم وظایف همسری را نسبت به شما
انجام دهم همسر همیشه من به وجود شما افتخار می کردم و خدا را شکر می کردم که چنین همسری خوب
و خدا کار مثل شما را داشتم [redacted]
و در آخر از شما همسرم می خواهم که مرا ببخشید و از من راضی باش و از اینکه
نتوانستم وظیفه ام را نسبت به شما انجام دهم عذرت می خواهم و اما شما برادرم حسین از شما هم تقاضا
دارم که از پدر و مادر راضی باشید حسین جان با شهادت من وظیفه شما سنگین تر می شود و باید اسلحه
را در دست رفقایم را بیرد را بیرد را ادامه دهید و شما خواهرانم از شما می خواهم حجابتان را حفظ
کنید و در مرگ من زیاد گریه نکنید که باعث ناراحتی دشمن شاد می شود و اگر خواستید گریه کنید
بخاطر برای مظلومیت حسین (ع) اگر گریه کنید و شما عموی عزیزم شما همیشه مثل یک پدر و مادر
مهربان برای من بودید و ببخشید که من را مادر خوبی برای شما نبودم و نتوانستم وظیفه ام را نسبت به
شما انجام دهم امیدوارم که مرا حلال کنید و از من راضی باشید
و در آخر از همه شما تمام فامیل و خویشان و همسایه ها و تمام کسانی که مرا می شناسند طلب عفو و
بخشش دارم و از همه شما می خواهم برای من از خدا طلب مغفرت بطلبید و دعا به جان امام را فراموش
نکنید خدایا خدایا تا انقلاب اسلامی خمینی را نگهدار (والسلام)

بنده ناچیز خدا حسین ابراهیمی ۶۵/۱۰/۱۳

فرزند شهید

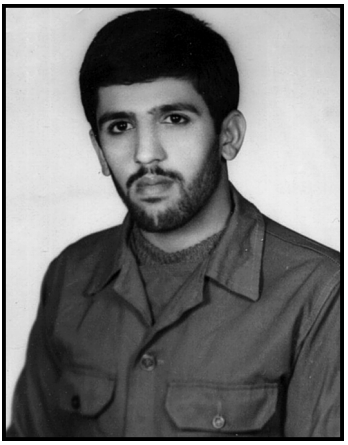

نام: **علی‌اصغر**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **ابوالفضل**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **سی‌ام شهریور ۱۳۴۳**
محل تولد: **روستای ورکیان از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **موج انفجار**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای شهرستان زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- با خلوص نیت و پاکی باطن، تمام مادیات زندگانی و دنیوی را کنار گذاشته و به‌سوی نور و شهادت پرمی‌کشم.
- رهبر من حسین(علیه‌السلام) می‌باشد که در صحرای کربلا شهید شد.
- خداوندا، تو شاهدی که از آن لحظه‌ای که از خانه خارج شدم، فقط به‌خاطر تو و برای رضای تو آمدم.
- آمدم تا همچون علی‌اکبر حسین(علیه‌السلام) جانم را فدا کنم. پدر و مادر و خانواده و دوستان را ترک گفتم.
- با تو تعهد نمودم که این دعایم که «الهی لاتکلنی الی نفسی طرفهٔ عین ابدا» را مستجاب کرده «و مرا لحظه‌ای به خودم وامگذاری».
- ای بازوان انقلاب، بجوشید از خون ما و به تداوم این انقلاب ادامه دهید.
- ای مردم، به هوش باشید که اکنون امانت خدا در دست شماست.

## علی‌اصغر ابراهیمی

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**اعوذ بالله من الشیطان الرّجیم**

**«انّ الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانَّ لهم الجنّـة یقاتلون فی سبیل‌الله فیقتلـون و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التّوریة والانجیل و القرآن و من اوفی بعهـده مـن الله فاستبشـروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذالک هو الفوز العظیم».**[1]

«خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کند که در برابرش بهشت بـرای آنـان باشد. آنها در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند... این وعدهٔ حقی اسـت بـر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خـدا بـه عهـد خـود وفـادارتر است. اکنون بشارت بر شما بر داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این پیروزی بزرگـی بـرای شماست».

به‌نام و یاد او که روح‌بخش اجساد و اجسام است و رحمتش بر همه انسان‌ها جـاری و رحمانیتش بر بندگان خاص نیز جریان دارد.

حمد و سپاس رب عالمیان که بر ما منت نهاد و جامهٔ[2] هستی بر ما پوشانید و مـا اینـک همیشه درمانده و خالصانه در درگاه او حاضریم. باشد که با یاد او در دل، آرامش جایگزین گردد.

این حقیر، علی‌اصغر ابراهیمی ورکیانی، فرزند ابوالفضل، به‌شماره شناسنامه ۵، صادره از دامغان، متولد ۱۳۴۳. هم‌اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم بـه عملیـات[3] افتخـارآفرین و

---

۱- توبه/ ۱۱۱.

۲- در اصل وصیت «جامعهٔ هستی».

۳- نزدیک‌ترین عملیاتی که با تاریخ پایان وصیت شهید ابراهیمی مناسبت دارد در تـاریخ ۶۲/۷/۲۸ در منطقـه عمـومی سلمانیه و منطقه عملیاتی پنجوین انجام گرفته است. این عملیات در سلسله عملیات مشترک بین سپاه پاسـداران و ارتش جمهوری اسلامی بوده با رمز یا الله. از جمله دستاوردهای آن آزادسازی ۲۰۰ کیلومتر مربـع از خـاک مـیهن اسلامی از اشغال عراق بوده است.

پیروزمندانه رزمندگان اسلام[1] باقی نمانده. اینک که من عازم جبهه‌های جنگ حق علیه باطل (نور علیه ظلمت) هستم و با خلوص نیت و پاکی باطن، تمام مادیات زندگانی و دنیوی را کنار گذاشته و به‌سوی نور و شهادت، که قلب من آکنده از آن است و آرزوی دیرینهٔ من است، پرمی‌کشم، امیدوارم که خداوند متعال این حقیر را که بنده‌ای گنه‌کار در مقابل او هستم بپذیرد و مرا به‌سوی خود بکشد. رهبر من حسین(علیه‌السلام) می‌باشد که در صحرای کربلا شهید شد و من هم که انسانی گنه‌کار می‌باشم می‌خواهم گوشه‌ای از راه آن بزرگوار را بپیمایم و عاشقانه شهید شوم.

خداوندا، تو شاهدی که از آن لحظه‌ای که از خانه خارج شدم فقط به‌خاطر تو و برای رضای تو آمدم. آمدم تا همچون علی‌اکبر[2] حسین(علیه‌السلام) جانم را فدا کنم. پدر و مادر و خانواده [و] دوستان را ترک گفتم، زیرا عشق من به تو مهم‌تر از دوستی آنان بود. پس با تو تعهد نمودم که این دعایم که «**الهی لاتکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا**»[3] را مستجاب کرده «و مرا لحظه‌ای به خودم وامگذاری». و اکنون که در این دانشگاه الهی و کارخانه انسان‌سازی[4] قدم گذاشته‌ام و آن را پُلی به‌سوی تکامل برای مردم می‌دانم، از تو می‌خواهم که نیت مرا خالص گردانده و مرا به‌سوی خود بکشی و از تو می‌خواهم که از مادیات و دنیا رها ساخته و جزء شهدا قرار دهی. ای خداوند قادر، تو خودت می‌دانی که من چقدر مشتاق شهادتم و نیز می‌دانی که هدف من شهادت نمی‌باشد، بلکه پیروزی در راه توست؛ اگر توانستیم می‌کشیم و اگر نتوانستیم کشته می‌شویم.

درود بر رهبر، بر امامان، جان جانان، مرید مریدان، عصاره رسالت پیامبران از آدم تا خاتم، هم‌رزم ابراهیم، همراه موسی، دوست عیسی، هم‌کیش محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، هم‌سنگر علی(علیه‌السلام)، هم‌فکر حسین(علیه‌السلام)، هم‌گام مهدی(عج)؛ ای ماه جماران، ای حامی مستضعفان، ای خمینی، ای امام، این را بدان که این مردم با تو میثاق بسته و هرگز دست از

---

۱- در اصل وصیت «رزمندگان اسلامی».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- حدیث از رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. (بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۰٤).

٤- ر.ک. تعلیقات.

تو برنمی‌دارند و به تو وفادارند، زیرا تو به اسلام وفاداری. ما که در تاریکی و ظلمت به‌سر می‌بردیم و در طلب مادیات و عافیت‌طلبی بودیم و او بود که همچون کوهی استوار بر دین خدا ما را از ورطهٔ نابودی نجات داد. خداوند او را زنده بدارد تا، با رهبری پیامبرانه‌اش، این ملت را به فیض رساند و وارث زمین گرداند.[۱]

سلام بر تو ای امت شهیدپرور. من برای شما چه می‌توانم بنویسم. این شما بودید که ما را راهنمایی کردید و در ادامه راه امید دادید و اکنون این خون‌ها چه ارزشی دارد که در راه اسلام، که راه هستی‌ساز است، ریخته شود. ای انقلاب، سیراب شو که ما جوانان با خون آبیاریت می‌کنیم.

ای بازوان انقلاب، بجوشید از خون ما و به تداوم این انقلاب ادامه دهید. ای مردم، به هوش باشید که اکنون امانت خدا در دست شماست و این وظیفه شماست که از او حفظ و حراست کرده و به فرمان امام خمینی، او که همانند فرمان‌های امام زمان(عج) است، گوش دهید.

این امام گرچه در داغ یاران[۲] بسیاری چون بهشتی‌ها[۳]،مطهری‌ها[٤]، مفتح‌ها[٥]، دستغیب‌ها[٦]، دستغیب‌ها[٦]، رجایی‌ها[۷] و باهنرها[۸] نشسته، ولی خون گرم و جوشان آنان امام را در تداوم انقلاب امید داده و او را در یاری امام زمان(عج) و اسلام امیدوارتر می‌سازد و اکنون به [عهدهٔ][۹] شماست که از اسلام خود حفاظت کرد، تا مبادا روحانیت را از آن جدا سازند، زیرا اسلام منهای روحانیت اسلام نیست.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- اشاره به شهادت یاران امام در ترورهای متعدد منافقین که شهید در ادامه به برخی اشاره می‌کند.

۳- ر.ک. تعلیقات.

٤- ر.ک. تعلیقات.

٥- ر.ک. تعلیقات.

٦- ر.ک. تعلیقات.

۷- ر.ک. تعلیقات.

۸- ر.ک. تعلیقات.

۹- در اصل وصیت واژه عهدهٔ وجود ندارد. برای فصاحت و رسایی اضافه شده است.

ای مسلمانان، برخروشید و با رهبری این امام عالی‌قدر، این شب‌زنده‌دار مجاهد، پرچم پرافتخار و خونین لا اله الا الله را در سراسر جهان و بر فراز بلندترین قله‌ها به اهتزاز درآورید. ای جوانان، مبادا در رختخواب ذلت بمیرید، زیرا حسین(علیه‌السلام) در میدان نبرد شهید شد، ای جوانان، مبادا در رختخواب ذلت و غفلت بمیرید، زیرا علی(علیه‌السلام) در محراب[۱] شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید، چرا که علی‌اکبر حسین(علیه‌السلام) در راه حسین(علیه‌السلام) در میدان نبرد شهید شد. ای مردم، مبادا امام را تنها گذارید، زیرا اگر او را تنها گذارید، همان به سر شما خواهد آمد که بر سر مردم کوفه آمد. ای مردم، مبادا نماز جمعه، این سنگر عاشقان الله و سنگر عبادت و سیاست[۲] را ترک کنید. همیشه با حضور هرچه فشرده‌تر صف‌های آن را محکم کرده و آن را مانند نمازهای یومیه واجب بدانید. ای پدران و مادران، مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه‌ها جلوگیری کنید، زیرا فردای قیامت جواب حسین(علیه‌السلام) و زینب(علیهاالسلام) را نمی‌توانید بدهید که تحمل ۷۲ شهید[۳] را نمودند. همیشه طبق آیهٔ «**واعتصموا بحبل‌الله جمیعاً ولاتفرقوا**»[٤] با یکدیگر وحدت داشته و یکپارچه مشت محکمتان را بر سر ایادی شرق و غرب فرود آورید.

و اما شما پاسداران عزیز، دلاوران مکتب اسلام، قدر خودتان را بدانید که امام به شما افتخار می‌کند[۵] و از مقام محترم پاسداری خوب پاسداری کنید تا خدای ناکرده مقام پاسداری لکه‌دار نشود و همیشه همین‌گونه که تابه‌حال عمل کردید در مقابل آمریکا ایستاده و منافقین را از جای برکنید.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- تعبیرهای «نماز جمعه سنگر است یا نماز جمعه نماز عبادی سیاسی یا نمازهای وحدت‌بخش» از سخنان حضرت امام خمینی است. (صحیفه امام، دور ۲۲ جلدی).

۳- شهادت ۷۲ تن یا شهدای کربلا اشاره به واقعه عظیم و تاریخی کربلا دارد که در آن حضرت امام حسین(علیه‌السلام) به همراه خانواده و یارانش در نبرد با یزدیان حاضر شد. در آن واقعه ایشان به همراه ۷۲ تن از همراهان شجاع و موّحد خود به شهادت رسید.

٤- در اصل وصیت همه آیه را نیاورده و فقط به اعتصموا... اشاره کرده است. آیه چنین است: «واعتصموا بحبل‌الله جمیعاً ولا تفرّقوا واذکروا نعمت‌الله علیکم» (آل‌عمران/ ۱۰۳) ترجمه: «همگی به ریسمان خدای چنگ زنید و پراکنده مشوید و نعمت‌های خدای را بر خود یاد کنید».

۵- در اصل وصیت «امام افتخار به شما می‌ورزد».

و شما ای برادران انجمن اسلامی، شما باید الگو باشید. کاری نکنید که مفسدین از شما نقطه ضعف بگیرند. شماها وظیفه سنگین و مهمی به دوشتان است که باید آن را به خوبی انجام دهید. به جلسات خود ادامه دهید و افراد بی‌تفاوت را به‌سوی خود بکشید، زیرا خداوند توبه‌پذیر است. به افراد زیاد سخت نگیرید و با آنها به نرمی و خوبی رفتار کنید تا انشاءالله خداوند آنها را هدایت نماید. و شما ای دانش‌آموزان، شما می‌بینید که عده‌ای در سال قبل با شما بودند، ولی امسال شهید و معلول شده‌اند. اگر در جبهه به شما احتیاج است به جبهه بروید. شماها باید در جبهه جای افراد را پر کنید که زاهدان شب و شیران روز[۱] بوده‌اند. این درس را از مولای خود علی(علیه‌السلام) آموخته‌اند و کسانی که برای آنها مقدور نیست، درس بخوانند و با درس خویش قلب وابستگی را نشانه روند و ظلم و استکبار را نابود نمایند.

و شما ای پدر و مادر و برادران و خواهرانم، این را بدانید که در قاموس شهادت واژه وحشت نمی‌باشد.[۲] و هرکس را لیاقت شهادت نمی‌باشد. شهادت به حیاتی می‌گویند که شخص با هدف کشته شود و حق باشد. هرسالی خُمس دارد و من هم به‌عنوان خمس[۳] برادران و خواهرانم فدا شدم و این را بدانید که من به‌سوی معشوق خویش شتافته و سفیر گلوله‌ها عقد[٤] مرا با عروس شهادت خواندند. پس برای رضای خدا در ملأعام نگریید، زیرا شهادت گریه ندارد. بلکه شکست اسلام گریه دارد. مادرم مبادا در نبود من گریه کنی. هرگاه خواستی گریه کنی برای علی‌اکبر حسین(علیه‌السلام) گریه کن.

---

۱- عبارت شهید می‌تواند تحت تأثیر این روایت منسوب به حضرت علی(علیه‌السلام) در بیان صفت مؤمن باشد «زاهد اللیل و اسد النّهار» «زاهد شب و شیر روز».

۲- تعبیر بلند «در قاموس شهادت واژه وحشت نیست» از سخنان حضرت امام خمینی است که در آن شرایط تاریخی در تقویت روحیه نیروهای رزمنده بسیار مؤثر بود. (صحیفه امام دوره ۲۲ جلدی).

۳- کاربرد واژه خمس برای خود که در راه خدا شهید می‌شود، بسیار دل‌انگیز و در عین حال از پایبندی و اعتقاد شهید به فروع دین خبر می‌دهد.

٤- تعبیر «عقد خود را با سفیر گلوله بستن» کاملاً بدیع، شاعرانه و بکر است. در عین حال که حماسی و قهرمانانه می‌باشد و از روحیه شهادت‌طلبی رزمندگان به‌خصوص شهید ابراهیمی خبر می‌دهد.

و شما ای برادران و خواهرانم، از شما نیز امید عفو دارم و امیدوارم که از خط امام که همان خط امام [زمان][1] و اسلام است جدا نشوید و این حکومت را زمینه‌ساز حکومت مهدی(عج) گردانید و در انجام فرایض دینی سستی نکنید و با دوستان خوب بنشینید. چه بسا افرادی صددرصد مکتبی بودند و با افرادی بد نشستند و... و از شما می‌خواهم که اگر شما را آزردم، مرا ببخشید و تو ای برادرم، مبادا اجازه دهی اسلحهٔ گرمم بر زمین افتد و خون گرمم از جوشش بیفتد. اسلحه‌ام را بردار و راهم را ادامه بده و همیشه سعی کنید که در راه اسلام خدمتگزاری خالص بوده و در ارگان‌های انقلابی جهاد سازندگی و سپاه، که به منزله بازوان انقلابند، انجام وظیفه کنید و تو ای خواهرم، مبادا در نبودم گریه کنید. صبر کنید که خداوند با صابران[2] است. در همین‌جا با شعار خدایا خدایا[3] سخنم [را][4] به پایان رسانده و از تمام شما همشهریان طلب عفو و مغفرت می‌نمایم.

ساعت ۵ بعدازظهر روز جمعه ۶۲/۷/۱۵ منطقهٔ جنگی غرب (سرپل ذهاب).

**«والسلام»**

**علی اصغر ابراهیمی**

**به امید زیارت کربلای حسینی**

---

۱- در اصل وصیت واژه «زمان» پس از امام نبود. سیاق کلام از افتادگی این واژه خبر می‌دهد.

۲- ترجمه این آیه قرآن است: «ان الله مع الصابرین» (بقره/۱۵۳) و آیه‌هایی مشابه و قریب به این مضمون. شاید مناسب‌ترین آیات در این زمینه برای رزمندگان این باشد: «کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله والله مع الصابرین». (بقره/ ۲۴۹).

۳- شهید همهٔ شعار یعنی «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار» را نیاورده و با ذکر خدایا خدایا به اصل و کل شعار که ورد زبان نیروهای رزمنده بود اشاره دارد.

۴- در اصل وصیت واژه «را» افتاده است.

بسم رب الشهداء والصدیقین

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ... ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم ... ان الذین یقتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا علیه حقا فی التورات والانجیل والقرآن ومن اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به وذلک هو الفوز العظیم (توبه ـ ۱۱۱)

خداوند از سرشان جان و ایمانشان را چنان نگهداری می‌کند که در برابرش هیچ‌گاه بیمی به آنان راه نیابد. در راه خدا پیکار می‌کنند و می‌کشند و کشته می‌شوند ـ این وعده حق است که در تورات و انجیل و قرآن ذکر شده و چه کسی از خدا به عهد خود وفادارتر است. اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این است پیروزی بزرگ. (توبه ـ ۱۱۱)

بنام و با یاد آن که وجودش آغاز و انجامش ایمان است و هستی‌اش برجهٔ انسان را جاری و در جانبش بر سبزگان خاص نیز جریان دارد. حمد و سپاس رب عالمیان که بر ما منت نهاد و جاودانه هستی بر پایدار شایسته و سایهٔ هستی‌دهنده و نگاهدار در درگاه او حاضریم با شکر که یاد او در دلها آرامش جاگیر می‌گردد.

این حقیر علی اصغر ابراهیمی و رکیانی فرزند ابوالقاسم شناسنامهٔ ۱۵ صادره از دامغان متولد ۱۳۴۳ هم اکنون که این وصیت نامه را می‌نویسم چند شبی بیش به جلیات افتخار المرسم. بر پیر و رزمندگان اسلامی باقی مانده ایمان که بین عازم جبهه‌ام جنگ حق علیه باطل (نور علیه ظلمت) هستم و با خود هیچ توشه‌ای بجز یاد خدا و یاد زندگان و دنیای را کنار گذاشته و به سوی توشه‌ای که نصیب من آکنده از آن است و آرزوی دیرینه من است پر می‌کشم امید وارم که خداوند متعال این حقیر را که بنده‌ای گنهکار در مقابل او هستم ببیند و مرا به سوی خود بکشد. رهبر حسین (ره) می‌باشد که در صحرای کربلا شهید شود. حسین هم که ابتدای گنهکار نبود بلکه او هم می‌خواهد گوشه‌ای از راه آن بزرگوار را بپیماید و عاشقانه شهید شود. خداوندا تو شاهدی که از آن هنگام که از خانه خارج شدم مقصدم جز تو و برای رضای تو نبود. آنروز که امیر حسین جانم را خواستم و پدر و مادر و خانواده و دوستان را ترک گفتم زیرا عشق من بیشتر از دوستی آنان بود. [illegible] این دعایم که (نمی‌دانم این نفس طرح‌چندمین ابدال) را مستجاب کرده و مرا محظوظ به خود می‌نگری. اکنون که در این راه قدم نهاده‌ام و کمابیش با آن آشنا هستم و آنچه به حسین تعلق دارد می‌دانم از تو می‌خواهم که نیت مرا خالص گردانده و مرا به سرور و عهد یکتای و از تو می‌خواهم که مادر سادات حضرت زینب (س) را روز حشر جزء کنیزان حضرت فاطمه (س) قرار دهی. ای خداوند قادر بر حرکت سیمان که چه بسیار شتابان بسوی شهادتم می‌روم و نیز سیمای هر چه حسن شهادت من باشد بلکه پیروزی در راه تو ست اگر خواستیم و اگر تیغ بر گلویم کشته می‌شوم.

درود بر پیر و راستین امام جانباز ـ رهبر سرباز ـ معمار بزرگ سپاهیان از آدم تا خاتم ـ عزم ما را استوار و راهمان را هموار سازد ـ خمینی عزیز ـ همیشه عزیز ـ همیشه عزیز ـ هنگام مرگ ای شاه همه‌ی ما را ـ ای عاشق شهادت ـ ای خمینی ای امام این را بدان که این سرودم با تو میثاق بسته و هرگز دست از تو بر نمی‌دارند و به تو وفادارند زیرا تو ما را از اسلام و ما که در تاریکی و ظلمت سیر می‌کردیم و در طلب آیات و عاشقانه طی می‌کردیم و از بردگی همچون که می‌استعمار بر دوش خدایا را از ورطه نابودی نجات داده خداوند او را زنده بدارد تا بار سنگین سپاهیان اش این ملت را به منزل برساند و وارث زمین گرداند.

سلام بر تو ای امت شهید پرور و حزب‌الله من برای شما چه می‌توانم این شما بودید که سایه را احیایی کردید و در راه راه امید دادید و اکنون این خون که بر زمین دارد که در راه اسلام که راه هیچ سازش ندارد ریخته شود ـ ای انقلاب سیراب شو که ما جانبازان با خون آشامیت می‌کنیم ای بازوان انقلاب بجوشید از خون مادر به تداوم این انقلاب ادامه دهید. ای مردم به هوش باشید که اکنون شما

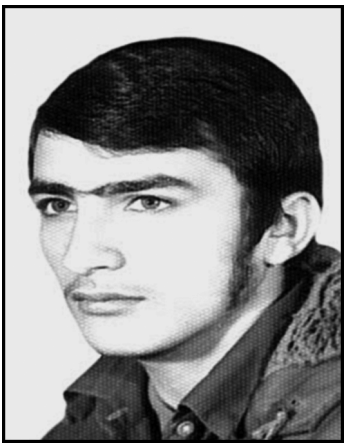

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **حسینعلی**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم اردیبهشت ۱۳٤٥**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۳٦٥**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدایا، من در طول عمر همیشه می‌خواستم رضایت تو را جلب کنم.
- خدایا، شکر می‌گویم ترا از اینکه زندگی مرا سعادت و مرگ مرا شهادت قرار دادی.
- امام را هیچ‌گاه از یاد نبرید.
- پشتیبان روحانیت و ولایت فقیه باشید.
- قرآن را بخوانید. دعاها را بخوانید.
- نماز جماعت‌ها و جمعه‌ها را باشکوه برقرار کنید که قلب دشمن را به درد می‌آورد.
- امت عزیز، جنگ را هرگز فراموش نکنید.
- به دنیا دل نبندید که دیگر آخرتی ندارید.
- به قول پیامبر دنیا زندان مؤمن [است].
- وحدت همیشگی را حفظ کنید.
- به خانواده‌های شهدا، اسرا، مفقودین، معلولین، به خود معلولین احترام قائل شوید.
- به فکر آخرت خود باشید.
- آنهایی که هنوز در خواب غفلتند از قافله عقب مانده‌اند.
- جبهه به ما احتیاجی ندارد، بلکه ما هستیم که به جبهه احتیاج داریم.
- جبهه محل خودسازی و دانشگاه انسان‌هایی است از مدیران، دبیران، مربیان.

## علی‌اکبر ابراهیمی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**انالله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص**»[۱] «خدا آن مومنانی را که در صف جهاد با کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند، بسیار دوست می‌دارد».

سپاس خدایی را که پیامبرانش را برای هدایت ما مردم فرستاد تا امت را از تاریکی به‌سوی خود فراخوانند. سپاس پروردگاری را که ما را نیز جزء انسان‌های روی زمین آفرید و به ما عقل و شعور داد تا راه را بازشناسیم.[۲]

درود و سلام بر ائمه اطهار، امامان معصوم و پیروان به‌حقشان، از جمله امام امت، امت شهیدپرور، خانواده‌های محترم شهدا، اسرا، مفقودین، معلولین و سلام خدا بر شهیدان راه حق از بدر رسول‌الله تا بدر روح‌الله.[۳] درود خدا بر رزمندگان پرتوان.

خدایا، تو خود شاهدی که بنده روزی از روزها چون در تاریخ ٤٥/۳/۲۸ پا به این جهان نهادم و تاکنون عمری از من گذشته است. مقداری را در خوبی‌ها و مقداری نیز در بدی‌ها صرف شد. آن روزی که مرا آفریدی چون نوزادی پاک و معصوم بودم، ولی الان با کوله‌باری گناه در این جهان زندگی می‌کنم.

خدایا، من در طول عمر همیشه می‌خواستم رضایت تو را جلب کنم ولی در بعضی از مواقع پایم لرزید و در پی آن بودم که همیشه تو را داشته باشم، ولی افسوس که در بعضی از مواقع شیطان درون مرا وسوسه می‌کرد. با همهٔ این وجود، زمانی که خودم را می‌نگرم ترا شکرگزارم و همیشه ترا سپاس می‌گویم. حال ای خدا، زمان موعود فرارسید. در این شهر خونین خرمشهر در حالی که آمادهٔ رزم می‌شویم چند کلامی را به‌عنوان وصیت‌نامه به‌جای می‌گذارم.

---

۱- صف/ ٤.

۲- ترجمه آیه‌های متعددی است که می‌توان به سورهٔ زمر آیه ۱۸، سورهٔ انعام آیه ۸۷، سورهٔ غافر آیه ۳۸ اشاره کرد.

۳- ر.ک. تعلیقات.

خدایا، ترا سپاس می‌گویم که روزی مرا آفریدی و امروز هم خواستت بر این بود که به تو برگردم.[۱] خدایا، شکر می‌گویم ترا از اینکه زندگی مرا سعادت و مرگ مرا شهادت قرار دادی. خدایا، ترا سپاس گویم از اینکه توفیق قرآن خواندن، جبهه آمدن، بنده تو بودن را به من عطا کردی. بعد از همهٔ شکرگزاری‌ها ترا شکرگزارم که به من توفیق نوشتن وصیت‌نامه‌ای در این مکان مقدس دادی و این چند کلام را به‌عنوان این می‌نویسم تا شاید دعای خیر امت باعث آمرزش گناهان شود.

ای امت شهیدپرور، سخن بسیار است ولی افسوس که قلم و دست حقیر توان نوشتن را نداد. فقط چند جمله‌ای به شما می‌گویم که ای ملت عزیز، وصیت‌نامه‌های شهدا را بخوانید و بدان عمل کنید. خیلی‌ها بعد از شهادت وصیت‌نامه‌ها را به‌جا گذاشتند. اگر من بدانم که به همان وصیت‌ها عمل[۲] می‌شود، دیگر هیچ نخواهم نوشت.

چرا پیام من همان پیام شهدای دیگر است. و آن این است که...

امام را هیچ‌گاه از یاد نبرید. پشتیبان روحانیت و ولایت‌فقیه باشید.[۳] قرآن را بخوانید، قرآن کلام خدا با شما است. دعاها را بخوانید، دعاها سخن شما با خدای عزوجل می‌باشد. نمازجماعت‌ها و جمعه‌ها را با شکوه برقرار کنید[٤] که قلب دشمن را به درد می‌آورد. امت عزیز، جنگ را هرگز فراموش نکنید. در زمان جنگ هیچ عذری پذیرا نیست. ببینید همانند زمان حسین(علیه‌السلام) نباشد که او را یاری نکردند، هرچند که تاکنون خوب عمل کرده‌اید ولی سخن من با عده‌ای دیگر است. و به دنیا دل نبندید که دیگر آخرتی نیک ندارید که به قول

---

۱- مفهوم عبارت به ترجمه «اناالله و انا الیه راجعون» نزدیک است.

۲- در اصلِ وصیت «عملی».

۳- این عبارت مأخوذ از سخنان و توصیه‌های حضرت امام است در دفاع از روحانیت و ولایت فقیه.

٤- امام خمینی سخنان گوناگونی مبنی بر برقراری نمازهای باشکوه جمعه و جماعت دارند؛ از آن جمله‌اند: «نماز جمعه یک عبادت سیاسی و اجتماعی است که در هر هفته مردم اجتماعات زیاد بکنند و مسائلشان را حل بکنند در آنجا» (بیان امام در سنگر نماز، ص۱۳۷) «ائمه جماعت محکم مساجد را و ارشاد ملت را حفظ کنند» (همان، ص۱۵۸) «نماز را در جماعت بخوانید، اجتماع باید باشد» (همان، ص۱٦۲) «یکی از برکات این نهضت و انقلاب همین اقامه نماز جمعه‌هاست» (همان، ص۱٦۷).

پیامبر دنیا زندان مؤمن [است]،[۱] از کدام زندان تاکنون خیر و خوشی دیده‌اید. وحدت همیشگی را حفظ کنید که همان وحدت است که اسلام را سرفراز کرده است و جنگ را به پیش و انقلاب را به انقلاب حضرت مهدی(عج) متصل می‌کند. به خانواده‌های شهدا، اسرا، مفقودین، معلولین، به خود معلولین احترام قائل شوید، چرا که چشم و چراغ ملتند[۲] و همیشه خود را جای آنها بگذارید، یا بیشتر به یاد آنها باشید و بدانید که خدا فرمود من جانشین شهدا در خانواده‌هاشان می‌باشم.[۳] همیشه به یاد آنها باشید و هرچند گاهی به دیدن آنها بروید تا شما روحیه‌ای بگیرید و آنها نیز خشنود باشند و تسلی دلی برای آنها باشد.

از تفرقه و صحبت‌های بیهوده‌ای که به ضرر اسلام است بپرهیزید و از شما می‌خواهم چند نفری که در شهر باعث آبروریزی شهر می‌شوند و هنوز هدایت نشده‌اند، نصیحتشان کنید و اگر هدایت نشدند جلوشان [را] بگیرید و سخن من با آنها این است که ای عزیزان دنیا می‌گذرد، به فکر آخرت خود باشید. بیایید راه را بیابید و راه راست را انتخاب کنید و قدر برادران بسیج، سپاه و رزمنده را بدانید که همین‌ها هستند که انقلاب و جنگ را به پیش می‌برند و تاکنون برده‌اند.

پیامم به محصلین این است که در دو جبهه بجنگید که در دنیا و آخرت خشنود باشید و بدانید این عزیزان رزمنده هم دانش‌آموزی بودند در کنار شما. فکر نکنید که اینها عقب مانده‌اند، بلکه آنهایی که هنوز در خواب غفلتند از قافله عقب مانده‌اند و این را باید همه بدانند جبهه به ما احتیاجی ندارد، بلکه ما هستیم که به جبهه احتیاج داریم، چرا که جبهه

---

۱- ترجمه این حدیث نبوی است «الدنیا سجن المومن».

۲- این عبارت به سخن حضرت امام خمینی نزدیک است که فرمود «خانوادهٔ شهدا چشم و چراغ این ملتند» (صحیفه امام خمینی).

۳- این عبارت که خدا فرموده: «من جانشین شهدا در خانواده‌هاشان می‌باشم» در محتوای هیچ آیه‌ای وجود ندارد. شاید ترجمه‌ای است از آخر این عبارت که در سال‌های دفاع مقدس به‌عنوان حدیث قدسی مشهور بود، اما در کتب معتبر حدیث به‌صورت زیر دیده نشده است. «من طلبنی وجدنی، من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبّنی و من احبّنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلهٔ و من قتلته فعلی دیهٔ فأنادیته». در وسائل‌الشیعه حدیثی شبیه این نقل شده است: «ان الله تعالی قال: من دعانی اجبته و من سألنی اعطیته و من اعطانی شکرته و من عصانی سترته و من قصدنی ابقیته ومن عرفنی خیرته و منِ احبنی ومن احبته ومن قتلته فعلیَ دیته و من علیَ دیته فأنا دیته» (ج ۱۸، ص ٤١٩).

محل خودسازی و دانشگاه انسان‌سازی است از مدیران، دبیران، مربیان. می‌خواهم در پرورش و سرپرستی و آموزش برادران بیشتر کوشش کنند. عزیزان دانش‌آموز، راه شهدای انجمن را ادامه دهند و به فعالیت بپردازند تا خدا از همهٔ ما راضی باشد و بدانید جنگ ما، انقلاب ما، کشور ما، جامعهٔ ما، همه و همه در گرو همان فعالیت‌های دو جبهه شما می‌باشد. پس چنان تحصیل کنید که کشور ما دیگر به مستشاران خارجی احتیاجی نداشته باشد. البته درس را در کنار جنگ بخوانید، چرا که اگر کشور امن نباشد و خطر تهدید کند، دیگر چگونه می‌شود که در کلاس درس نشست و به تحصیل ادامه داد؟

و اما پدر و مادر، از شما کمال تشکر را می‌کنم که آن‌چنان تربیتم کردید که مقداری بتوانم به اسلام و مسلمین خدمت کنم، اگر انشاءالله خدا قبول کند. قلم قاصر است از نوشتن چند جمله‌ای برای شما، چرا که هرچه بگویم شما به من آموخته‌اید. پس خدا را از خود راضی نگه دارید و رضایت خدا با صبر و تقوا و ایمان و اخلاص [و] معرفت شما به‌دست می‌آید. در آخر از زجرهایی که شب و نیمه‌شب و در هر زمان برایم کشیدید، کمال تشکر را می‌نمایم. همچنین از اخوی‌ها و خواهرها نیز می‌خواهم که حقیر را ببخشند و فرزندان را چنان تربیت کنند، چرا که امید آینده کشور هستند. امید است شما برادران به فعالیت ادامه داده و در هرجایی رضایت الهی را جلب کنید.

در ضمن مدت ٦٠ روز روزه قضا و مقداری نماز قضاء برایم اداء کنید. در آخر از کلیه کسانی که حقی بر گردنم دارند از جمله پدر و مادر و دوستان [و] همسنگران جبهه، در مأموریت‌ها، و امت شهیدپرور می‌خواهم که حقیر را حلال کنند.

**«والسلام»**

**شهر خونین خرمشهر، چند ساعت قبل از شروع عملیات**

**٦٤/١١/٢٠**

**الحقیر، علی‌اکبر ابراهیمی**

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ

خدا آن مومنان را که در صف جهاد با کافران مانند سدی آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می دارد.

سپاس خدائی را که پیامبرش را برای هدایت ما مردم فرستاد تا امت را از تاریکی به سوی نور فراخواند و سپاس بیکرانه ی او را که ما را نیز جزء انسانهای روی زمین آفرید و به ما عقل و شعور داد تا راه را باز شناسیم.

درود و سلام بر ائمه اطهار. امامان معصوم. و پیروان مجاهدشان از جمله امام امت. امت شهید پرور. خانواده های محترم شهدا. اسرا. مفقودین. معلولین. و سلام خدا بر شهدای راه حق از زمان رسول الله تا پدر روح الله. درود خدا بر رزمندگان پیروز ایران

خدایا تو خود شاهدی که بنده روزی از روزها چون در تاریخ ۲۸/۳/۶۵ پا به این جهان نهادم تا کنون عمری از من گذشته است مقداری از خوبیها و مقداری هم بدیها صرف شد آن روزی که سرا آفریدی پیشوازی پاک و معصوم بودم ولی اکنون با کوله باری گناه در این جهان زندگی می کنم خدایا من در طول عمر همیشه می خواستم رضایت تو را جلب کنم ولی در بعضی از مواقع پایم لغزید و در آن بودم که همیشه تو را داشته باشم ولی افسوس که در بعضی از مواقع شیطان در من سرا وسوسه می کرد. با همه این وجود زمانی که خودم را می نگرم ترا شکر گزارم و منت ترا سپاس می گویم حال ای خدا زمان موعود فرا رسید در این شهر خونین خرمشهر در حالی که آماده رزم می شویم

چند کلمه بعنوان وصیت نامه بجای می‌گذارم
خدایا ترا سپاس می‌گویم که روزی مرا آمرزیدی و امروز هم خواست بدان بود که
به تو برگردم خدایا شکر می‌گویم ترا از آنکه زندگی مرا سعادت و مرگ مرا شهادت مقرر داری
خدایا ترا سپاس گویم از آنکه توفیق قرآن خواندن - جبهه آمدن - بندهٔ خود
را به من عطا کردی بعد از همهٔ شکرگزاریها ترا شکر گزارم که به من توفیق نوشتن وصیتنامه‌ای
در این مکان مقدس دادی و این چند کلام را بعنوان این می نویسم تا شاید دعای خیر امت باعث
آمرزش گناهان شود.
ای امت شهید پرور. سخن بسیار است ولی افسوس که قلم و لیاقت حقیر توان
نوشتن را ندارد فقط چند جمله ای به شما می‌گویم که ای ملت عزیز. وصیت نامه‌ای
شهدا را بخوانید و بدان عمل کنید خیلی بعد از شهادت وصیتنامه‌ها را بجا گذاشته‌اند اگر من
بدانم که به همان وصیت‌ها [illegible] عمل نمود دیگر هیچ نخواهم
نوشت.
چه که پیام من همان پیام شهدای دیگر است. و آن این است که.
امام را هیچگاه از یاد نبرید. پشتیبان ولایت فقیه باشید. قرآن را بخوانید و بآن عمل کنید
کلام خدا است. دعا را فراموش نکنید دعا سخن شما با خدای عزوجل می باشد. نماز جماعت
و جمعه را با شکوه برگزار کنید که مظهر قدرت اسلام است. امت عزیز. جنگ را هرگز
فراموش نکنید در زمان جنگ هیچ هدیه‌ای به پیشگاه خدا مانند زمان جنگ نباشد گاهی
دیده شده که تا کنون خوب عمل کرده اید ولی سخن پایان عمل دیگر است.
هم دنیا دل نبندید که دیگر آخر می‌گذارید که به قول پیامبر دنیا زنی است صوص از کدام
فرزندان تا کنون خیر و خوشی دیده اید. وحدت همگی را حفظ کنید که همان وحدت

است که اسلام را سرفراز کرده است و جنگ را به پیش و انقلاب را به انقلاب حضرت مهدی (ع) متصل می‌کند. به خانواده‌ی شهدا. اسرا. مفقودین. بعلاوه‌ی به خود مولی

اصرار می‌کنم که چشم و چراغ ملت و همه خود را حاضر باشند آنها باشید و بدانید که خدا فرمود من جانشین خانواده‌ی شهدا در

ما باشم. همیشه به یاد آنها باشید و هر جا گاهی به دیدن آنها بروید تا شما را ببینند آنها شاد شوند و دلی برای آنها باشد

و از شما می‌خواهم

از خواهران و صحنه‌های بیدار ده‌ای که به هنر اسلام است بپرهیزید. چند نفری که در شهر باعث آبروریزی شهر می‌شوند و هنوز هدایت نشده‌اند نصیحتشان کنید

و اگر هدایت نشدند حلوشان بگیرید و سخن من با آنهاست این است که ای عزیزان دنیا مرگ را به فکر آخرت خود باشید بیائید راه را بیابید و راه راست را انتخاب کنید

و ملت ما برادران بسیج سپاه و نیروهای که هستند که انقلاب و جنگ را پیش می‌برند و تاکنون برده‌اند

پیام من به مجلس این است که در دو جبهه بجنگید که در دنیا و آخرت خشنود باشید و بدانید این عزیزان هم دانش‌آموزی در کنار شما فکر نکنید که اینها عقب مانده‌اند بلکه آنانی که هنوز در خواب غفلت عقب مانده‌اند و این را باید همه بدانند جبهه به ما احتیاجی ندارد بلکه ما هستیم که به جبهه احتیاج داریم چرا که جبهه محل خودسازی و

دانشگاه انسانسازی است. از همه‌ی ایران - دبیران - مربیان می‌خواهم در پرورش و سرپرستی و آموزش برادران بیشتر کوشش کنند. عزیزان دانش‌آموز راه

شهدای ایمان را امام دهند و به مبارزه پیروزمند تا خدا از همه ما راضی باشد پدران
خانه‌ها - انقلاب ما - کشور ما - همه و همه در گرو همان مبارزه‌ای دیروز است
شما هم باید پس چنان تحصیل کنید که کشور ما نیز به متخصصان خارجی احتیاج

نداشته باشد البته درس را در کنار خوب بخوانید چرا که اگر کشور امن نباشد و خطر
تهدید نکند دیگر چگونه می‌شود که در کلاس درس نشست و به تحصیل ادامه داد

والدین پدر و مادر. از شما سال تشکر را می‌کنم که آنچنان تربیتم کردید که مقداری بتوانم
به اسلام و مسلمین خدمت کنم اگر انشاءالله خدا قبول کند قلم قاصر است از توصیف

چند جمله‌ای برای شما همراه که هرچه بگویم شما به من اگر فکر کنید پس خدا را از خود راضی نگه دارید
و رضایت خدا با صبر و تقوا - و ایمان و اخلاص - معرفت شما بدست می‌آید شما از
زجرکشی که سپس و سینه‌ست و در هر زمان برای تشکر را می‌خواهم
همچنین از خواهرم که نیز می‌خواهم که حفیز را بیشتر فرزندان را چنان ترس
تحت تربیت امین آینده کشور هستند. امید است شما برادران به مبارزه ادامه دهید

مرجائی رضایت الهی را جلب کنید.

از طرف من صد روز روزه قضا و مقداری نماز قضای پدرم ادا کنید
در خاتمه کلیه کسانی که حقی بر گردن دارند از جمله پدر و مادر و دوستان همکاران
جبهه مورد که. وامت شهید پرور می‌خواهم که حفیز را حلال کند.

والسلام ۶۳/۱۱/۲۰ الحقیر. علی‌اکبر ابراهیمی
شهر خونین جزمسهر چند ساعت قبل از شروع عملیات.

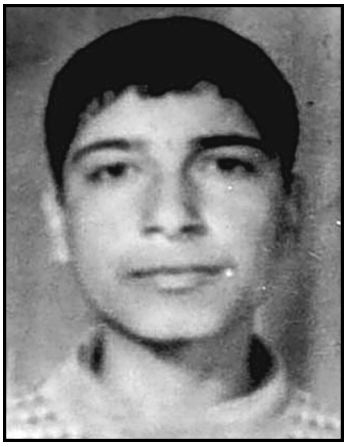

نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **صفرعلی**
نام مادر: **طوبا**
تاریخ تولد: **یکم خرداد ۱۳٤٤**
محل تولد: **روستای میان‌آباد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پانزدهم خرداد ۱۳٦۲**
محل شهادت: **سردشت**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- سلام بر پدران و مادران گرامی که فرزندان خود را به کربلای حسینی می‌فرستید.
- به خدا قسم من که در این راه آمده‌ام فقط برای خدا هست.
- ای شهیددادهها، شما باید بدانید که اگر ملت ایران همگی کشته شوند، زیر بار منافقین نخواهیم رفت.
- جبههها انسان‌ساز است.
- اگر کشته شویم و اگر بکشیم پیروزیم.
- حق همیشه پیروز است.

## علیرضا ابراهیمی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

### به‌نام خداوند بخشنده مهربان

«**اللهم وفقنا لما تحب و ترضی**» «خدایا به آنچه تو دوست داری و از آن راضی هستی موفقمان[۱] بدار».

با سلام بر امام زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی و بت‌شکن زمان و رهبر انقلاب و با سلام فراوان به رزمندگان اسلام وشهیدان گلگون‌کفن از صحرای کربلا تا حال.

سلام بر پدران و مادران گرامی که فرزندان خودتان را به کربلای حسین می‌فرستید و به خداوند هدیه می‌کنید و سلام بر آن مادرانی که فرزندان خود را آن‌چنان تربیت کردند که خون خود را در راه اسلام می‌دهند.

ای مادر عزیزم، به خدا قسم من که در این راه آمده‌ام، فقط برای خدا هست. ای مادر عزیزم، مبادا که برای من گریه کنی. مادر عزیز مرا حلال[۲] کن و شما ای پدر ارجمندم، اگر از من بدی دید[ی] به بزرگی خودت مرا ببخش و حلالم کن و همان‌طور که امام بزرگوارمان فرمودند که ما می‌خواهیم انقلابمان را به تمام ابرقدرت‌ها صادر نماییم[۳] و شما ای مردم عزیز، ای شهید داده‌ها،[٤] شما باید بدانید که اگر ملت ایران همگی کشته شوند، زیر بار منافقین نخواهیم رفت. منافقین باید بدانند که ما تا ریشه آنها را از زمین نکنیم، با آنها جنگ می‌کنیم. همان‌طور که در قرآن آمده است «**اولئک کالانعام بل هم اضل**»[٥] «همانا مانند چهارپایان هستند بلکه گمراه‌ترند[٦] از آنها». ای برادران، ای جوانان[۷] عزیز، من از شما

---

۱- در اصل وصیت «توفیقان».

۲- در اصلِ وصیت «حلاًلم».

۳- ما تا آخرین قطره خون خویش با آنان (آمریکا) شدیداً می‌جنگیم. ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم. (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱٤۸).

٤- در اصلِ وصیت «دادها».

٥- در اصلِ وصیت اولیک کل انعام بل هم اضل. (بخشی از آیه ۱۷۹ سورهٔ اعراف).

٦- در اصلِ وصیت «بعتر» منظور شهید بدتر است. ترجمه درست واژهٔ اضل گمراه‌تر است نه بدتر.

۷- در اصلِ وصیت «جوانانه».

می‌خواهم که یک نظر هم بر جبهه‌های جنگ بیندازید[۱] که جبهه انسان‌ساز است[۲] و اگر کـه کشته هم بشویم هم پیروزیم و اگر بکشیم هم پیروزیم،[۳] حق همیشه پیروز اسـت. بـرادران عزیز، همیشه امام عزیزمان را دعا کنید. شعار همیشگی را یادتان نرود و دیگر عرضی ندارم به جز سلامتی امام امت.

**«والسّلام و علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**فرزند حقیر شما، علیرضا ٦٢/٢/١١**

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**

---

۱- در اصلِ وصیت «به‌اندازید».

۲- تعبیر جبهه انسان‌ساز است برگرفته از سخنان حضرت امام خمینی است.

۳- تعبیر «اگر که کشته هم بشویم هم پیروزیم و اگر بکشیم هم پیروزیم». قرائت دیگری است از این سخن امـام خمینـی «مـا چـه کشته شویم و چه بکشیم پیروزیم» (صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی).

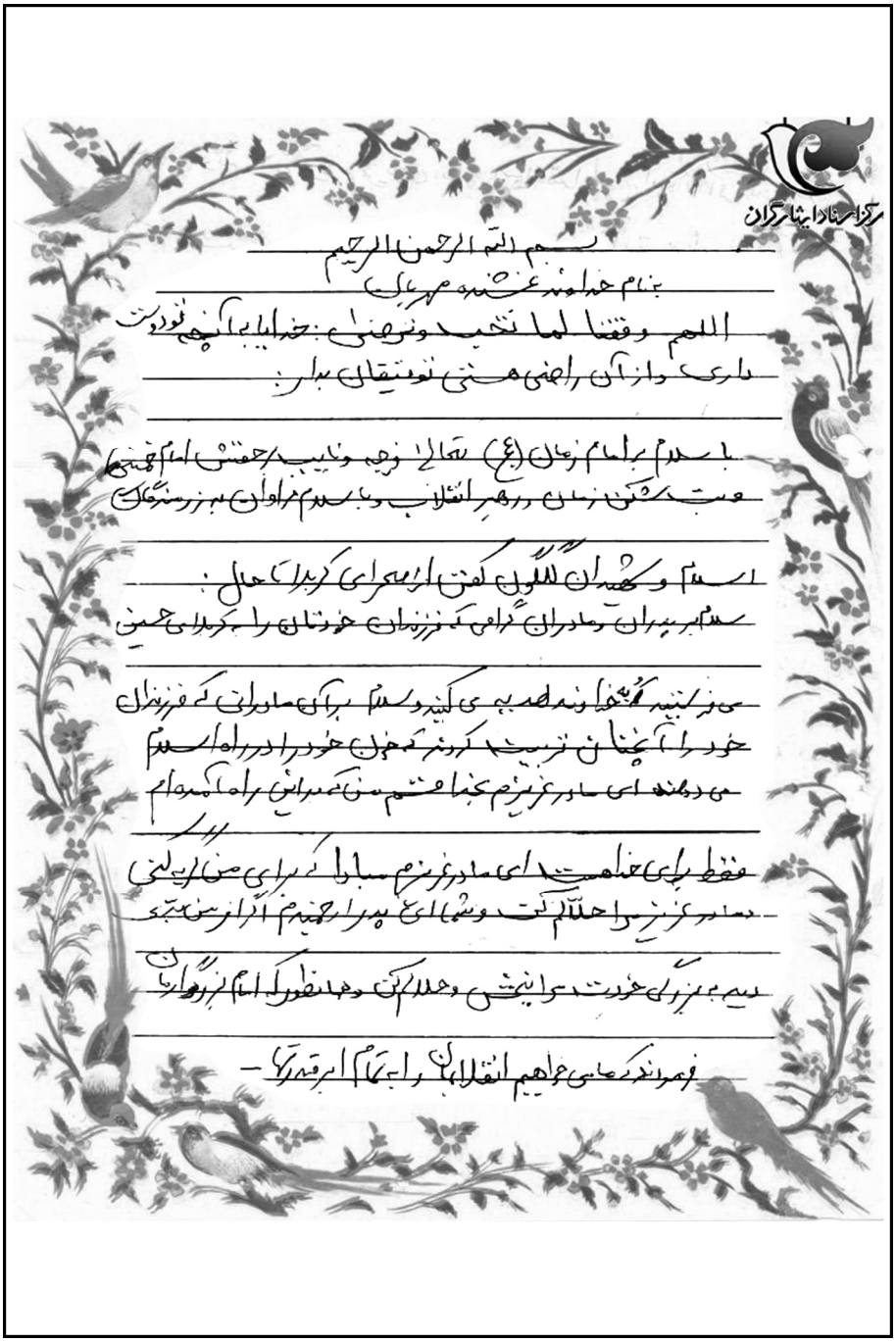
مرکز ملی ایثارگران
بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خداوند عشق و مهربانی
اللهم وفقنا لما تحب وترضی
خدایا با آنچه تو دوست داری و از آن راضی هستی توفیقمان بده
با سلام بر امام زمان (عج) نماینده ولیب رحمتش امام خمینی
عبت شکن زمان و بهمر انقلاب و با سلام و احترام به رزمندگان
اسلام و کهنه سربازان گمنام از صحرای کربلا
سلام بر پدران و مادران گرامی که فرزندان خود را به کربلای عشق
می فرستید خوشا به حالتان که فرزندان
خود را آنچنان تربیت کردید که جان خود را در راه اسلام
می دهند ای مادر عزیزم خجالت می کشم برای راه آمدنم
فقط برای خاطر خدا ای مادر عزیزم سپاس که برای من آرزو کنی
مادر عزیزم ناراحت نباش و شما ای پدر گرامی اگر از من بدی
دیدید به بزرگی خودت ببخشید و حلالم کنید و به نظور ادای امام بزرگوار
فرمودند که عاشق عراقیم انقلابش را به تمام ابرقدرتها

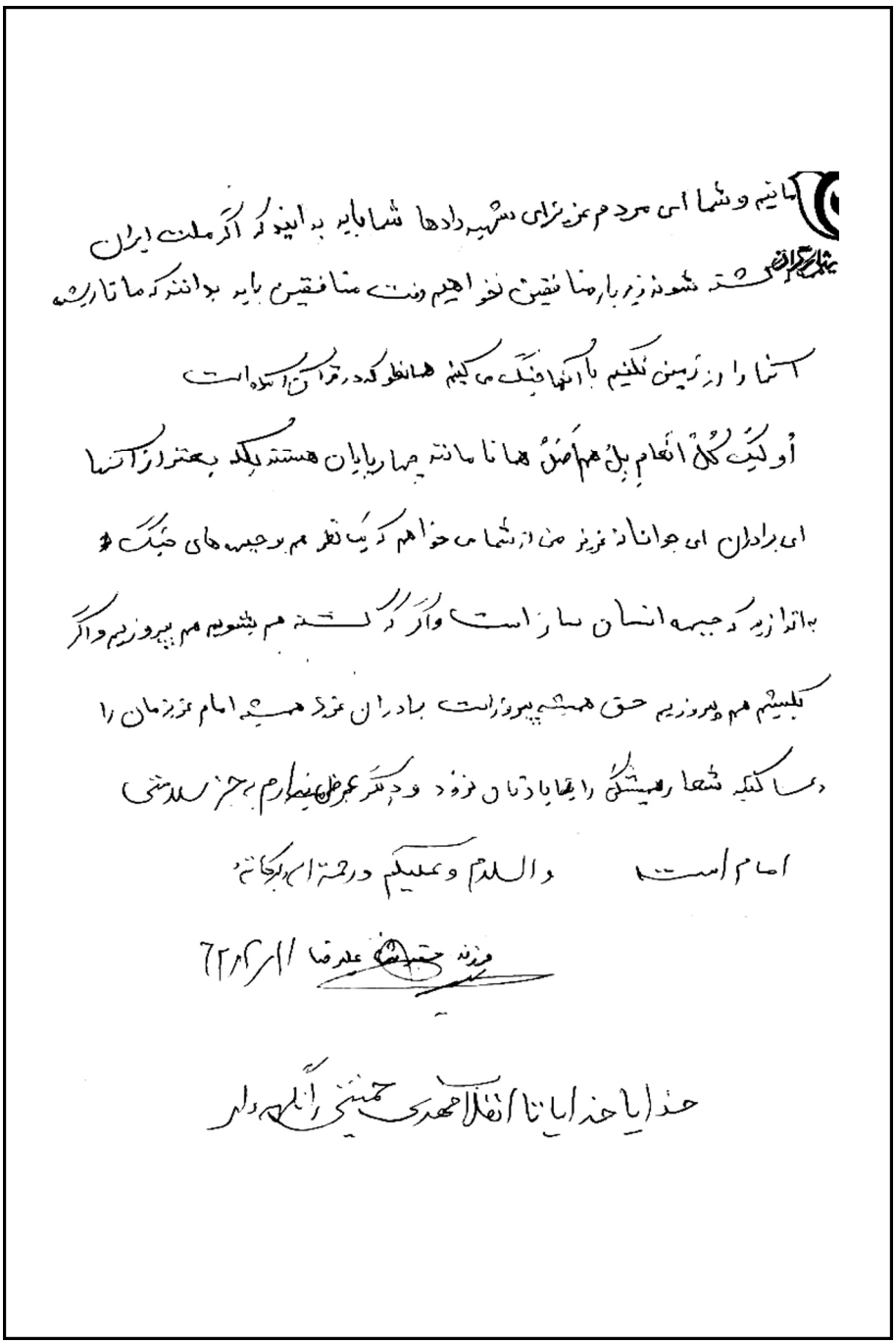

ما نیم و شما ای مردم عزیز برای دشمن داده ها شما باید بدانید که اگر ملت ایران
متحد و متشکل شده زیر بار منافقین نخواهیم رفت منافقین باید بدانند که ما تا ریشه
آنها را از زمین نکنیم با آنها جنگ می کنیم همانطور که در قرآن آمده است
أولیک کالأنعام بل هم أضل همانا مانند چهارپایان هستند بلکه بدتر از آنها
ای برادران ای جوانان عزیز من از شما می خواهم که یک نظر هم به جبهه های جنگ
بیاندازید که جبهه انسان ساز است و اگر گرسنه هم بشویم هم پیروزیم و اگر
تشنه هم پیروزیم حق همیشه پیروز است یاد آن مردان بزرگ همچو امام عزیزمان را
و ما که شما را همیشگی را یاد آن نمونه و در آخر عرض می کنم چهارم بحز سلامتی
امام است والسلام و علیکم و رحمة الله و برکاته

مورخه ۶۲/۶/۱۱

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

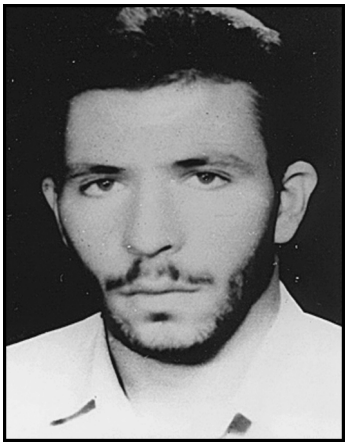

نام: **مجید**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **محمدباقر**
نام مادر: **عذرا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳٤٥**
محل تولد: **روستای گرمن از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **بی‌سواد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم فروردین ۱۳٦٥**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- اگر من از این سفر الهی برنگشتم، ناراحت نباشید و برای ما گریه نکنید.
- مادر، به خدا سوگند من راه خوبی را انتخاب کردم، راهی که قرآن و اسلام به ما دستور داده.
- ما از اماممان تقلید می‌کنیم که فرموده‌اند که واجب است که برویم به جبهه‌ها.
- ای مردم، ای امت حزب‌الله، [ا]گر من [و] شمایی که مُقلد امام هستیم امام واجب کفایی کرده که آنهایی که می‌توانند باید به جبهه‌ها بروند.
- اگر من و برادرم از این سفر الهی برنگشتیم، ناراحت نباشید و اجازه دهید برادران دیگرم را به جبهه اعزام کنند.
- ای عزیزان قلبتان را پاک کنید و برای اسلام جان‌فشانی کنید.

**مجید ابراهیمی**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

پدر و مادر عزیزم، به خدا سوگند یاد می‌کنم که اگر من از این سفر الهی برنگشتم، ناراحت نباشید و برای ما گریه نکنید، چون من و برادرم راهی را انتخاب کردیم که شهیدانمان انتخاب کردند. راهی را انتخاب نکردیم که باعث سرشکستی شما شود. مثل بعضی‌ها که راه منافقین را انتخاب می‌کنند، باید روز قیامت جواب بدهند. مادر به خدا سوگند من راه خوبی را انتخاب کردم، راهی که قرآن و اسلام به ما دستور داده؛ ما از امامان[۱] تقلید می‌کنیم که فرموده‌اند که واجب است که برویم به جبهه‌ها و من به دستور امام و رهبر خودم این راه را انتخاب کردم و به جبهه رفتم. ای مردم، ای امت حزب‌الله، [ا]گر من [و] شمایی که مُقلد امام هستیم[۲] امام واجب کفایی کرده که آنهایی که می‌توانند باید به جبهه‌ها بروند. ای جوانان، خدا را شاهد می‌گیرم که اگر به جبهه نیایید باید روز قیامت جوابگو باشید. از شما سؤال می‌کنم که چرا شما که می‌توانستید و امکانات داشتید چرا نیامدید. چرا اسلام را یاری نکردید. شما که اخبار را گوش می‌کردید و در تشییع[۳] شهدا شرکت می‌کردید، ولی خیلی از شما به جبهه نیامدید. پدر و مادر عزیز، این سخن را به شما می‌گویم اگر من و برادرم از این سفر الهی برنگشتیم، ناراحت نباشید و اجازه دهید برادران دیگرم را به جبهه اعزام کنند تا اسلحهٔ به زمین افتاده برادرانشان را بردارند و با صدام و صدامیان بجنگند[٤] و کربلای حسین و قدس بزرگ را آزاد کنند. مادرم، شما به من خیلی خدمت کردی و من قدر شما را ندانستم و خیلی شما را اذیت کردم و اگر برنگشتم شما مرا ببخشید. موقع رفتنم به جبهه چون نمی‌دانستم واقعاً مرا می‌برند یا نه. در سپاه شاهرود من را نگه داشتند و گفتند در حال حاضر نیرو نمی‌خواهند ولی من با هزار خواهش و تمنا

---

۱- منظور شهید حضرت امام خمینی است. در اصل وصیت «امامان» است.

۲- سیاق کلام حکم می‌کند از فعل «هستیم» استفاده شود. در اصلِ وصیت «هستید».

۳- در اصل وصیت «تشیع».

٤- در اصل وصیت «بجگند».

آنها را راضی کردم و اعزام شدم حالا می‌خواهم مرا حلال کنی و مرا ببخشی. من در اینجا یعنی در سنگرهای جبهه‌ها شما را دعا خواهم کرد، زیرا در جبهه دعا زود مستجاب می‌شود. پیام من برای برادران و دوستان و هموطنان عزیزم این است که ای عزیزان قلبتان را پاک کنید و برای اسلام جانفشانی کنید. شما مسلمان هستید، وظیفهٔ شما این است که باید به اسلام خدمت کنید. خدا نکند که در خانه بمانید و به مال دنیا فکر کنید. باید حسین‌وار باشیم و به فرمان امام لبیک گوییم و از تهمت و غیبت جداً خودداری [کنیم].[۱]

۱- فعل پایانی جمله در وصیت‌نامه افتاده است.

وصیت نامهٔ شهید مجید ابراهیمی

بسم تعالی

پدر و مادر عزیزم به خدا سوگند یاد می‌کنم که اگر من از این سفر الهی برنگشتم ناراحت نباشید و برای ما گریه نکنید چون من و برادرم راهی را انتخاب کردیم که شهیدان انتخاب کردند راهی را انتخاب کردیم که باعث سرشکستگی شما نشود. مثل بعضی که راه منافقین را انتخاب می‌کنند باید روز قیامت جواب بدهند، یا در به خدا سوگند من راه خوبی را انتخاب کردم راهی که قرآن و اسلام به ما دستور داده ما از امام باید تقلید می‌کنیم که فرموده‌اند که واجب است که برویم به جبهه‌ها، من به دستور امام و رهبر خودم این راه را انتخاب کردم و به جبهه رفتم. ای مردم ای امت خوب ا... اگر من شما که مقلد امام هستید امام واجب کفایی کرده که آنهایی که می‌توانند باید به جبهه‌ها بروند. ای جوانان خدا را شاهد می‌گیرم که اگر به جبهه نیایید باید روز قیامت جواب‌گو باشید. از شما سوال می‌کنم که چرا شما که می‌توانستید و امکانات داشتید چرا نیامدید چرا اسلام را یاری نکردید. شما که اخبار را گوش می‌کردید و در تشییع شهدا شرکت می‌کردید ولی خیلی از شما به جبهه نیامدید. پدر و مادر عزیز این سخن را به شما می‌گویم اگر من و برادرم از این سفر الهی

برنگشتیم ناراحت نباشید و اجازه دهید ~~بچه~~ برادران دیگرم
را به جبهه اعزام کنند تا اسلحه بزمین افتاده برادرانشان را بردارند
و با صدام و صدامیان بجنگند و کربلای حسین و قدس بزرگ را آزاد کنند،
مادرم شما خیلی من خدمت کردی و من قدرشما را ندانستم و
خیلی شما را اذیت کردم و اگر برگشتم شما مرا ببخشید. موقع
رفتنم به جبهه چون نمی دانستم واقعاً مرا می برند یا نه. درسیاه
شاهرود من را تنگه داشتند و گفتند در حال حاضر نیروئی نمی خواهند
ولی من با هزار خواهش و تمنا آنها را راضی کردم و اعزام شدم حالا
می خواهم مرا حلال کنی و مرا ببخشی من در این جا یعنی در سنگرهای
جبهه شما را دعا خواهم کرد زیرا در جبهه دعا زود مستجاب می شود
پیام من برای برادران و دوستان و همه مسلمان عزیزم این است که
ای عزیزان قلبتان را پاک کنید و برای اسلام جان فشانی کنید
شما مسلمان هستید و وظیفهٔ شما این است که باید به اسلام خدمت
کنید خدا نکند که درخانه بمانید و به مال دنیا فکر کنید. باید حسین
وار باشیم و به فرمان امام لبیک گوییم و از تهمت و غیبت جداً خودداری

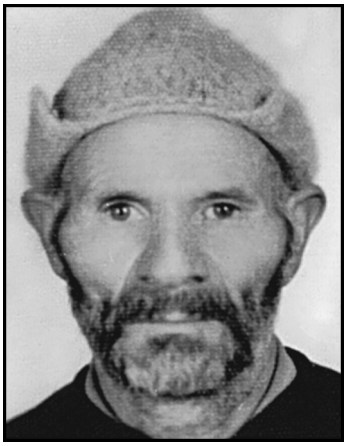

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **ابراهیم**
نام مادر: **ملکه‌خانم**
تاریخ تولد: **دوم بهمن ۱۳۰۸**
محل تولد: **روستای دیزج از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **بی‌سواد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **هفت‌تپه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- محمد ابراهیمی، فرزند ابراهیم که در حال صحت و سلامت وصیت می‌نماید.
- نسبت به عیالم از حیاط ملک خودم یک اطاق با وسایل زندگی از هر نوعی یک‌دست کامل.
- باغچه‌ای که از اسماعیل خریداری شده، نیم‌جریب می‌باشد که با یک ساعت آب موتور از عیالم می‌باشد.

**محمد ابراهیمی**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

وصیت‌نامه برادر محمد ابراهیمی، فرزند ابـراهیم کـه در حـال صـحت و سـلامت وصـیت می‌نماید. نسبت به عیالم از حیاط ملک خودم یک اطـاق بـا وسـایل زنـدگی از هـر نـوعی یک‌دست[۱] کامل و باغچه‌ای که از اسماعیل خریداری شده، نیم‌جریب می‌باشد کـه بـا یـک ساعت آب موتور از عیالم می‌باشد و در (درجه اول) قباله او باید داده شود.

و اما زمین شورائه دو جریب و نیم از فرزنـد، حسـین، و دو جریـب از فرزنـد دیگـرم، حسن، و مبلغ چهل هزارتومان (/٤٠٠٠٠تومان) جهت خـرج عروسـی حسـن و در ضـمن چهل هزارتومان (/٤٠٠٠٠تومان) خرج عزایم و نماز و روزه [...][۲] و اما بـدهکاری مـن کـه باید هرچه زودتر پرداخت، شود از این قرار است:

۱- بدهی به سوپر سعید مبلغ /۱۰۰۰ تومان، ۲- حسین عمـه /۱٤۰۰ تومـان پـول، ۳- پـول دنبه /۷۰۰ تومان. در ضمن پول انگور قرمز که از پسر حاج ابراهیم بگیـر هسـتم،[۳] گرفتـه و بدهی‌هایی که توضیح داده شده [را][٤] پرداخت نمایید[٥] و چنانچه چیزی باقی ماند هر طـور[٦] صلاح بود به مصرف برسد.

---

۱- در اصل وصیت «یکدسته».

۲- خوانا نیست.

۳- منظور شهید از «بگیر هستم» یعنی طلب‌کار هستم.

٤- در اصل وصیت واژهٔ «را» وجود ندارد.

٥- در اصل وصیت «نمایند».

٦- دراصل وصیت «تور».

بسمه تعالی

وصیت‌نامه برادر محمد ابراهیم فرزند ابراهیم که در حال صحت و سلامت وصیت مینماید نسبت بعیالم از احتیاط مالک خودم یک اطاق با وسائل زندگی از هر نوعی یکدسته کامل و باغچه‌ای که از رساعیس خریداری شده نیم جریب میباشد با یک حق آب لوتور از عیالم میباشد و در (درجه اول) قباله او باید داده شود ——

و اما زمین شورائی دو جریب و نیم از فرزند حسین و دو جریب از فرزند دیگرم حسن و مبلغ چهل هزار تومان جهت خرج عمره حسن و در حین چهل هزار تومان خرج عزاییم و نماز و روزه‌ی

و اما به طلبکارین که باید هرچه زودتر پرداخت شود از این قرار است

۱ به هربه سوپر سعید مبلغ ۱۰۰۰ تومان ۲ حسین محمد ۱۴۰۰ تومان بدا

۴ پول دنبه ۷۰۰ تومان ——

در حین پول انگور قرمز که از پسر حاج ابراهیم بگیرم گرفته و به هی ۴ ذکا توضیح داده شده پرداخت نمایند و چنانچه چیزی باقی ماند هرطور صلاح بود مصرف برسد

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **ابراهیمی**
نام پدر: **نصرت‌الله**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **بیستم اسفند ۱۳٤٤**
محل تولد: **روستای کلامو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پنجم خرداد ۱۳٦۱**
محل شهادت: **سقز**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

✿ نخل آزادی ما را جز شهادت بار نیست  جان سپردن بهر ما آسان بود دشوار نیست.
✿ بر سر طاغوت‌های زمان خود فریاد می‌زنم.
✿ ای نابخردان زمان بهراسید که شیعه همیشه امامش پرخروش و فریادش کوبنده است.
✿ اینجانب تنها به عشق حسین زمانم، خمینی بت‌شکن، به جبهه حق علیه باطل می‌روم.
✿ با نثار خون ناقابلم در به ثمر رسانیدن انقلاب اسلامی وظیفه انسانی و اسلامی خود را به انجام رسانم.

**محمد ابراهیمی**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون».**[۱]

نخل آزادی ما را جز شهادت بار نیست[۲] جان سپردن[۳] بهر ما آسان بود دشوار نیست

از برای سرفرازی بر فراز دارها میثم تمار بسیارست اما دار نیست

اینجانب، محمد ابراهیمی وصیت‌نامهٔ خود را با نام خدا آغاز و با یاد[٤] امام خمینی فریاد الله‌اکبر را رساتر می‌کنم و بر[٥] سر طاغوت‌های زمان خود فریاد می‌زنم که ای نابخردان زمان زمان بدانید که شیعه همیشه امامش پرخروش و فریادش کوبنده است و شیعه امام فریادگرش را در می‌یابد.[٦] و اینجانب تنها به عشق حسین زمانم، خمینی بت‌شکن، به جبهه حق علیه باطل می‌روم. بلکه با نثار خون ناقابلم در به ثمر رسانیدن انقلاب اسلامی وظیفه انسانی و اسلامی[۷] خود را به انجام رسانم و ضمناً به[۸] پدر و مادر و خواهر و برادرانم و همهٔ دوستان و خویشانم[۹] سلام می‌رسانم و امیدوارم اگر از این حقیر بدی یا خطایی دیده‌اند، مرا به بزرگی خودشان ببخشند.

**«والسلام»**

**مورخه ٦۰/۱۲/۱۲**

**محمد ابراهیمی**

---

۱- بخشی از آیه ۲۲۷ سورهٔ شعرا. ترجمه: و آنان که ظلم و ستم کردند «در حق آل رسول و اهل ایمان» بزودی خواهند دانست که به چه کیفرگاهی و دوزخ انتقامی بازگشت می‌کنند.

۲- در اصل وصیت «نخل آزادی ما جز شهادت بار نیست».

۳- در اصل وصیت «دادن».

٤- در اصل وصیت «یا».

٥- در اصل وصیت «به».

٦- در اصل وصیت «درمیابد».

۷- در اصل وصیت «اسلام».

۸- در اصل وصیت «از».

۹- در اصل وصیت قبل از سلام کلمه «را» آمده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مرکز اسناد ایثارگران

نخل آزادی ما جز ز شهادت بارنیست — جان دادن بهر ما آسان بود دشوار نیست
از برای سرفرازی بر فراز دارها — میثم تمار بسیار اما دگر یار نیست

اینجانب محمد ابراهیمی وصیتنامهٔ خود را با نام خدا آغاز و با یاد امام خمینی فریاد الله اکبر را رسا می‌کنم و به سر طاغوتهای زمان خود فریاد میزنم که ای نابخردان زمان بدانید که شیعه همیشه امامش پیروز و مرادش کربلاست و شیعه امام فریادرس را در میابد و اینجانب تنها به عشق حسین زمانم خمینی بت شکن به جبهه حق علیه باطل می‌روم بلکه با نثار خون ناقابلم در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی وظیفه انسانی و اسلام خود را به انجام رسانم و ضمناً از پدر و مادر و خواهر و برادرانم و همهٔ دوست و خویشانم را استلام می‌رسانم و امیدوارم اگر از این حقیر بی‌یا خطائی دیده‌اند مرا به بزرگی خودشان ببخشند. والسلام موخره ۶۰/۱۲/۲۴ محمد ابراهیمی

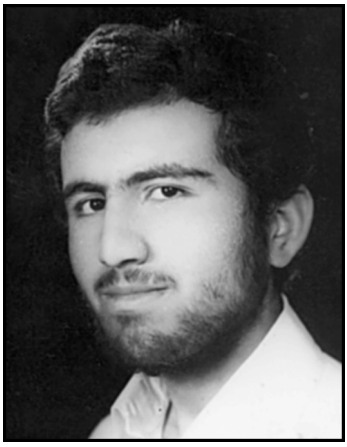

نام: **ابوالفضل**
نام خانوادگی: **ابراهیمیان**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **دوازدهم شهریور ۱۳۴۲**
محل تولد: **دامغان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- بر سجاده‌ای به وسعت زمین، با قربتی بر خون شهیدان رنگین نماز می‌گزاریم.
- نغمهٔ مرگمان الله اکبر.
- قرآن تفریحگاه دنیایمان، کشت‌گاه آخرتمان.
- از بین تمام رنگ‌ها رنگ سرخ را برگزیده‌ام.
- از میان انواع مرگ‌ها شهادت را.
- از تمامی انبیاء، محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و از تمامی رهبران، علی(علیه‌السلام) و از تمامی مجاهدان، حسین(علیه‌السلام).
- از تمامی عصرها، قیام حضرت مهدی(عج) و از تمامی کتاب‌ها، قرآن را برگزیده‌ام.
- اگر من چند جان داشتم، حاضر بودم که همگی را در راه اسلام فدا نمایم.

## ابوالفضل ابراهیمیان

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**یا ایهاالذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم* تومنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل‌الله باموالکم و انفسکم...**»[۱] «ای اهل ایمان، شما را به تجارتی که شما را از عذاب خدا نجات بخشد دلالت می‌کنم. ایمان بیاورید به خدا و رسولش و جهاد کنید در راه خدا با اموال و جان‌هایتان...».

به‌نام الله، پاسدار حرمت خون شهیدان و به‌نام نامی جهان، رسول گرامی اسلام و به‌نام یگانه منجی عالم بشریت، حضرت مهدی(عج) و به‌نام امام بت‌شکن جماران و به‌نام امت قهرمان و خانواده شهدا.

بر سجاده‌ای به وسعت زمین، با قربتی بر خون شهیدان رنگین، در قبله‌ای به عمق هستی، در صفوفی به شکوه اقیانوس، با ایمانی راسخ‌تر از کوه‌ها، با آیاتی به زیبایی حقیقت، به امامتِ نورِ خورشید نماز می‌گزاریم.

عید و عزای‌مان یکسان است و میلادگاهمان یک‌جا. از میان همه گل‌ها، لاله را برگزیده‌ام و از بین تمامی باغ‌ها، بهشت را. سرود پیروزیمان، نغمهٔ[۲] مرگمان، الله‌اکبر هر روزمان، مفتاح هر رزم‌مان، سجده[۳] هیبت توتمان، صلابت عزتمان[٤]، اخوتمان، عبادتمان، نماز امید اکثرمان، دعای هر شبمان،[۵] نور اخترمان، موت اطهرمان، مرگ احمدمان، جنگ اکبرمان، جشن عزایمان،... یکی است. شهادت، کتاب مکتبمان، نور مشعلمان، مقصدمان، یکی است.

---

۱- در اصل وصیت این آیات، ۷ تا ۱۰ دانسته شده اما آیات مذکور آیه‌های ۱۰ و ۱۱ سورهٔ صف را شامل می‌شود.

۲- در اصل وصیت «نقمه».

۳- با توجه به فحوای کلام به نظر می‌رسد «سجده» باشد.

٤- در اصل وصیت «عزتیمان».

۵- در اصل وصیت «شجان».

قرآن، تفریحگاه[۱] دنیایمان، کشتگاه آخرتمان، خرمّگاه تاریخمان، زیارتگاه ملتمان یکی است. گورستان، از بین تمام رنگ‌ها رنگ سرخ را برگزیده‌ام و از میان انواع مرگ‌ها، شهادت را و از تمامی باغ‌ها، گورستان را و از میان تمام گل‌ها، لاله‌ها را. هیچ‌یک از ما به مرگ طبیعی نمی‌میریم. مرگ طبیعی ما شهادت است. عید و عزای‌مان سرد و خشن است و میعاد چشمان‌مان قبرستان و زیباترین درختان[۲] حیات‌مان در گورستان می‌روید و نه گورستان بلکه نورستان.

از تمامی انبیاء، محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و از تمامی رهبران، علی(علیه‌السلام) و از تمامی مجاهدان، حسین(علیه‌السلام) و از تمامی عصرها، قیام حضرت مهدی(عج) و از تمامی کتاب‌ها قرآن را برگزیده‌ام.

**پدر و مادر و امت قهرمان:**

شهامت، انسانیت، پاکی، راستی، امانت‌داری، ایثار، نوع‌دوستی، تحمّل و صبر و شهادت از خصلت‌های زمان انقلاب است و اگر من چند جان می‌داشتم حاضر بودم که همگی را در راه اسلام فدا نمایم و در این راه همچون شمع بسوزم و راه را روشن نمایم، تا رهروان شهادت راه را به جان بپیمایند.

عزیزانم، اینک که در آخرین لحظات عمرم می‌خواهم سخنی کوچک بگویم ولی این کوچکی سخنم، [که] همان وصیت من می‌باشد، این است:

اولاً شکر و سپاس خداوند را که به ما نعمت جمهوری اسلامی را عطا فرمود و ما را به راه راست هدایت و توفیق داد که بتوانم در جبهه حق علیه باطل حضور یابم و در این دانشگاه الهی به دفاع از اسلام و مکتب انسان‌سازش باشم. و این حرکت آگاهانه را با شناخت، فقط به‌خاطر اطاعت و[۳] فرمانبرداری از خداوندمان، و پیروی از دستورات امام زمان(عج) و نایب برحق او می‌باشد، چراکه خداوند می‌فرماید تا زمانی که فتنه در روی

---

۱- در اصل وصیت «تفریگاه».

۲- در اصل وصیت «درختتان».

۳- در متن «از» نوشته برای صحت متن «و» پیشنهاد می‌شود.

زمین است مقاتله نمایید.[۱] (پدرم وصیت اصلی من در لای قرآن جلد سیاه است و این را دنباله آن سازید).

پدر و مادر و امت شهیدپرور، ما گنه‌کاران خجالت می‌کشیم که نمی‌توانیم کاری نماییم که مورد خشنودی شما گردد. فقط می‌توانیم با اهداء خون خود، که حرکت‌ساز می‌باشد، یاد فرزندانتان و عزیزان رزمنده را در پیش چشم شما برای لحظه‌ای[۲] مجسم سازیم. هنگامی که خبر شهادت ما را می‌شنوید، همگی به یادی می‌افتید از خاطرات شهیدانتان و فقط خواهش کوچکی که داریم التماس دعا به جان امام و رزمندگان اسلام می‌باشد. امیدوارم که امام و امت و خانواده شهدا در قیامت شفیع ما گردند در پیش سرور آزادگان حسین‌بن علی(علیه‌السلام).

پدر و مادرم و امت (حزب‌الله)، من هیچ‌وقت نمی‌گویم که قادر نیستم که به شما پیام بدهم، چون می‌دانم که خداوند متعال مرا کمک می‌نماید. همان‌طور که در قرآن می‌فرماید: «**رب اشرح لی صدری* و یسر لی امری* واحلل عقدة من لسانی* یفقهوا قولی**»[۳] و من که موفق گشتم در جبهه شرکت نمایم و (انشاءالله) به لقاءالله بپیوندم و بهتر راحتی را بر سختی و مرگ ترجیح بدهم، باید که پیامی هم داشته باشم. اما پیامم با اعترافاتم به گناهان بزرگ و کوچک می‌باشد. تا می‌توانید سعی نمایید که گناه نکنید که پشیمانی سودی ندارد و اگر گناهی دارید توبه نمایید که خدا رحمان و رحیم است. خدا را فراموش نکنید از اسلام و مسلمین جهان دفاع نمایید، حق را پیدا نموده و از باطل دوری کنید.

جوانان و نوجوانان و هم‌سالان، بیشترین وقت خود را صرف عبادت و نزدیکی به الله بگذرانید. شیطان درون را بکشید و فرشته را به قلب‌های پاک خود جای دهید. همچون من گنه‌کار نباشید که در دم آخر اعتراف می‌نماید و توبه می‌کند و باید استغفار نماید تا خدا به فضل و کرمش او را به‌سوی خود بخواند. عزیزان، اگر در جوانی و نوجوانی گنه نکردی

---

۱- بقره/ ۱۹۳.

۲- در اصل وصیت «لحظه‌ایی».

۳- طه/ آیات ۲۵ تا ۲۸. ترجمه: «پروردگارا اکنون که بر این کار بزرگ مأمورم فرمودی پس شرح صدرم عطا فرما و کار مرا آسان گردان سختی‌ها را از پیش پایم بردار و عقدهٔ زبانم را بگشا تا مردم سخنم را خوش فهم کرده بپذیرند».

بدان که شیطان درون را می‌توانی در درون خود بکشی در زمان پیری. عزیزان، قدر جوانی‌تان را بدانید و روی به خدا آورید، شما دارای قلب‌هایی پاک هستید، آن را سیاه ننمایید. بگذارید که پاکی قلب تمام وجودتان را فراگیرد.

خواهران و برادران، حضرت زینب(علیهاالسلام) و امام حسین(علیه‌السلام) و حضرت اباالفضل(علیه‌السلام) همه یک راه رفتند و سرور زنان جهان، زینب(علیهاالسلام) و سرور تمام شهیدان، حسین(علیه‌السلام) است و علمدار تمامی علمداران و پرچمداران، ابوالفضل(علیه‌السلام) است و شما باید راه آنها را سرمشق بگیرید و مبارزه نمایید با بی‌حجابی و عوام‌گرایی و نوگرائی.

پدر و مادرم، من در مدت عمرم به هیچ چیزی از مال دنیا طمع و چشم‌داشتی نداشتم، ولی در پیش خدا نتوانستم به خدا نزدیک‌تر شوم تا زودتر مرا انتخاب نماید.

پدر و مادر عزیزم، (در مدت عمرم وصیتی دارم[1] که امیدوارم آن را انجام دهید) مدت دو ماه برایم نماز بخوانید. ۵ نوار به مسجد قلعه هدیه نمایید. و ۱۰۰۰ ریال به حسینیه حضرت ابوالفضل(علیه‌السلام) هدیه دهید.

در مزارم سوره کوثر بخوانید، چون اگر شهید شدم و نمازهایم که یادم نیست نخوانده‌ام (یا خوانده‌ام را بخوانید) و ده روز روزه بگیرید یا کفاره دهید و مبلغ ۱۰۰۰ تومان به مسجد قلعه بدهید.

از اموال دنیا، یک ساعت دارم که به جبهه هدیه نمایید. اگر به دستتان رسید و قرآن مجید را به برادر کوچکم و کتاب‌ها را نیمی را به مسجد قائم و نیمی را به حسینیه حضرت ابوالفضل هدیه نمایید. و (الله)[2] که مادرم برای دامادیم نگه داشته اگر مایل بود و راه کربلای حسین(علیه‌السلام) باز شد در ضریح حضرت حسین‌بن علی(علیه‌السلام) بیندازید.

پدر و مادرم، آخرین سخنم این است که نگذارید خون شهدا پایمال گردد. راهم را پیموده، تقوی را پیشه خود سازید و اگر در این مدت کوچک‌ترین آزاری به شما رسید حلالم نمائید، هم شما و هم تمامی فامیل‌ها و دوستان و امت شهیدپرور.

---

۱- خود شهید عبارت وصیتی کردم را به وصیتی دارم ترجیح داده است.

۲- الله منظور کلمه الله است که از طلا می‌سازند.

پدرم، اگر جسد من به دستتان نرسید، ناراحت نباشید بلکه خوشحال باشید و اگر به دستتان رسید مرا در فردوس رضا دفن نمایید و صبر را پیشهٔ خود سازید که خداوند با صابرین است.[۱]

**«والسلام»**

**اهواز، تیپ ۲۱ امام رضا(علیه‌السلام)، گردان حضرت رسول‌الله،**

**واحد رزمی، تاریخ ٦٤/١١/١٦**

**ابوالفضل ابراهیمیان**

۱- متن برگرفته از این آیات است: «یا ایها الذین امنوا استعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرین». بقره/ آیه ۱۵۳

متن وصیت نامه شهید ابوالحسن ابراهیمیان.

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تومنون بالله ورسوله وتجاهدون فی سبیل الله باموالکم وانفسکم ... (صف ۱۰ - ۷)

ای اهل ایمان شما را به تجارتی که شما را از عذاب خدا نجات بخشد دلالت می کنم ایمان بیاورید به خدا و رسولش و جهاد کنید در راه خدا با اموال و جانهایتان و ...

به نام الله پاینده هرچه خون شهیدان و به نام نائب امام، رهبر آزاده اسلام و به نام نگهبان عالم بشریت حضرت مهدی (عج) تا لبیک به امام امت شکستن جهان را و به نام امت قهرمان خمینی بزرگ.

بر سجاده ای به وسعت زمین با قدرتی برخون شهیدان رنگین در قنوتی ای به عمق هستی در صفوفی به شکوه آفرینش، با ایمانی راسخ‌تر از کوهها، با آیاتی به زیبائی حقیقت به امامت فرزند رشید نماز می گذاریم، عید و عزا یمان یکسان است و میعادگاهمان یک جا. از میان همه گلها - لاله را برگزیده‌ام و از بین تمامی باغها بهشت را - سرود پیروزیمان نغمه مردان الله اکبر هر روزمان مفتاح حرز امان سجده‌ها هیبت کفرتان، صلابت عزتمان، اخترتان - عبارتمان نماز امید اکبرمان، دعای هر شبمان نور اخترمان مرقد اطهرمان - تربت اهرمان - جنب اکبرمان - جشن عزایمان، ... یکی است شهادت، کتاب، کتیبان، نور مسلمان، مقصدمان، یکی است.

قدس، تعریگاه دنیایمان کشتگاه آخرتمان، خرمشاه تاریخمان زیارتگاه مسلمان یکی است.

گورستان، از بین تمام گلها گنبد سرخ را برگزیده‌ام و از بین تمامی باغها گورستان را و از بین تمام گلها لاله ها را - هیچیک از ما به مرگ طبیعی نمی میریم، مرگ طبیعی برای شهادت است عید و عزایمان سرد و خشن است و میعادگاهمان قبرستان گرمترین و پرنشاط‌ترین و مشتاقان جایمان در گورستان می روید و نه گورستان بلکه فردستان از تمامی انبیاء، خود (ص) و از تمامی رهبران علی و از تمامی مجاهدان حسین (ع) و از تمامی قصد ها، تیام حضرت مهدی (عج) و از تمامی کتابها قرآن را برگزیده‌ام.

پدر و مادر راحت قهرمان:

شرط مت، انسانیت یک راستی، امانت داری، ایثار، نوعدوستی، تحمل و صبر و شهامت از خصلتهای زمان انقلاب است و اگر من چندجان می داشتم حاضر بود م که همگی را در راه اسلام فدا نمایم در راه این راه همچون شمع سوزم و راه را روشن نمایم تا رهروان شهادت راه را بجان پیما یند عزیزانم اگر که در آخرین لحظات عمرم می خواهم سخنی گویم و این گریه‌ها نکنید و صیت من همین است.

اول شکر و سپاس خداوند را که به ما نعمت جمهوری اسلامی را عطا فرمود و ما را به راه راست هدایت و توفیق

دارد که بتوانم در جبهه حق علیه باطل حضور یابم و در این دانشگاه الهی به دفاع از اسلام و مکتب انسان ساز آن بپردازم. و این حرکت آگاهانه را با شناخت دقیق و خاطر اطاعت از فرمان رهبر از خداوند نبیان و پیروی از دستورات امام زمان (ع) نائب برحق او می باشد چرا که خداوند می فرماید تا زمانی که فتنه در روی زمین است جنگ نمائید.

(پدرم وصیت الهی من در لای قرآن جلد سیاه است و این را دنبال آن بیاورید) (ابراهیم در حالی که به خود می لرزید)

پدر و مادر دوست شهید پرور ما دشمنان خائن خائف می کشیم که ما در این راه کاری نمائیم که مورد خشنودی شما گردد متقابلاً می توانیم با اهدا خون خود که حرکت سازی با شد باز فرزندانتان و عزیزان زنده را در پیش چشم شما برای لحظاتی مجسم سازیم همانهائی که خیمه نهادت ما را فرا گیرند مقدمی به یاری می اندیشید از خاطرات شهیدانتان و متقابلاً خواهش کوچکی که داریم التماس دعا جان امام و فرزندان اسلام می باشد امیدواریم که امام راحل و خانواده شهدا در قیامت شفیع ما گردند در پیش سرور آزادگان حسین بن علی (ع)

پدر و مادر عزیز (جزء ۱) من هیچ وقت فکر نمی کردم که تا در بستر که به شما بیاموزم برعکس چون می دانم که خداوند متعال مرا کمک می نماید هانطور که در قرآن می فرماید در رب شرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی) و من که موفق شدم در جبهه شرکت نمایم و (انشاء الله) به لقاء الله بپیوندم و تنها راهی را برگزیدم که مرگ ترجیح بر هم با یکدیگر بیاموزم هم داشته باشم، اما پیام را با اعتراف به گناهان بزرگ و کوچک، می باشد تا می توانید سعی نمائید که گناه نکنید که پشیمانی بسوی دارد و آنرا گناه من دارید توبه نمائید که خداوند رحیم است خدا را فراموش نکنید از اسلام و مسلمین جان دفاع نمائید حق را پیدا نموده و از باطل دوری کنید.

جوانان و نوجوانان عزیز هم سنگران، بیشترین وقت خود را صرف عبادت و نزدیکی به الله بنمائید شیطان درون را بکشید و فرشته را به قلبهای پاک خود جای دهید همچون من نکند کاری بنمائید که در آخر اعتراف می نمائید و توبه می کنید زیاد استغفار نمائید تا خدا به فضل و کرمش او را بسوی خود بخواند، عزیزان آمر در جوانی و نوجوانی که فکر می کنید شیطان درون را می توانید در درون خود بکشی در زمان پیری.

عزیزان هدر جوانیتان را بیهوده نکنید و به خدا نزدیک شوید شما دارای قلبهای پاک هستید آن را سیاه نکنید نگذارید که پاکی قلب تمام وجودتان را فرا گیرد.

خواهران و برادران: حضرت زینب (س) و امام حسین (ع) و حضرت ابا الفضل (ع) همه یک راه را میروند و سرور زنان جهان حضرت زینب (س) است و علمدار تمامی علمداران دیروز همه ایران ابا الفضل (ع) است و شما باید راه آنها را سرمشق بگیرید و مبارزه نمائید با حجاب و عواطف و نوگرائی.

پدر و مادرم من در مدت عمرم هیچ چیزی از مال دنیا طمع و چشمداشتی نداشتم ولی در پیش خدا نتوانستم به خدا نزدیکتر شوم تا نزد تو مرا انتخاب نماید.

اما پدر و مادر عزیزم (در مدت عمرم هیچی ندارم ولی امیدوارم آخرا ایام (ذهبیه)) مدتا ۲ ماه برایم نماز بخوانید ۵ نماز به مسجد قلعه هدیه نمائید و ۱۰۰۰ ریال به حسینیه حضرت ابوالفضل(ع) هدیه دهید در ضمن سوره کوثر بخوانید، چون اگر شهید شدم و نمازهایم که یادم نیست نخوانده‌ام (یا خوانده‌ام را نخوانید) روزه روزه بگیرید یا کفاره دهید هر سیلغ ۱۰۰۰ تومان به مسجد قلعه تزید از اموال دنیا، یک ساعت دارم که به جبهه هدیه نمائید اگر به دستان رسید و قرآن مجید را به برادر کوچکم وکتابها را نیمی را به مسجد قائم و نیمی را به حسینیه حضرت ابوالفضل هدیه نمائید. و (الله) که نمادم برای دادیم گذاشته اگر مایل بود براه کربلای حسین(ع) باز شد در ضریح حضرت حسین بن علی(ع) بیندازید.

پدر و مادرم آخرین سخنم این است که نگذارید خون شهدا پایمال گردد راهم را پیموده تقوی را پیشه خود سازید و اگر در این مدت کوچکترین آزاری به شما رسید حلالم نمائید، هم شما هم تمامی فامیلها و دوستان را مت شهید پرور،

پدرم اگر حق من به دستتان نرسید ناراحت نباشید نکند خوشحال باشید و اگر به دستتان رسید مرا در فردوس رضا دعا نمائید و صبر را پیشه خود سازید که خداوند با صابرین است.

والسلام

امضاء تیپ ۳۱ امام رضا(ع) گردان حضرت رسول ا- واحد رزمی - تاریخ ۶۴/۱۱/۱۶

ابوالفضل ابراهیمیان

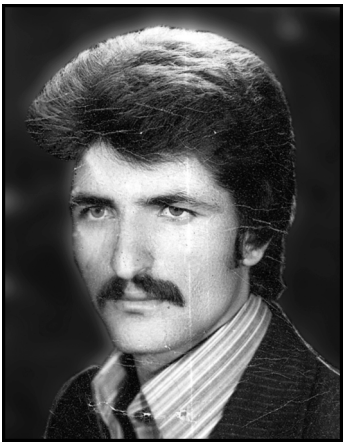

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **ابراهیمیان**
نام پدر: **غلامحسین**
نام مادر: **فخری**
تاریخ تولد: **دوم آذر ۱۳۳۳**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **ام‌الرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- درود به روان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه هدی (علیهم‌السلام) که جان خویش را در راه احیای اسلام گذراندند.
- سلام به شهدای ۷۲ تن از یاران باوفای امام که حسین‌گونه در حیات خویش دفاع از اسلام نمودند.
- چه شهدای گرانقدری که گمنام هستند.
- درود به رهبر عظیم‌الشان که دین و دنیای کثیری را احیا کردند.
- درود به تمامی روحانیت در خط فقاهت به‌ویژه شهیدان زنده حجت‌الاسلام خامنه‌ای عزیز.
- چه گواراست لحظه‌های دیدار و وصال.
- الهی، مرا و امت مسلمان را برای حتی یک لحظه به خودم وامگذار.
- بارالها مظاهر دنیوی انسان را به ضلالت می‌کشد و نفس اماره و شیاطین ما را به بدی دعوت می‌کنند.
- بارالها، امت اسلام را قدردان نعمت جمهوری اسلامی و رهبری قرار ده.
- شهادت را که شیوهٔ اولیاء خدا بوده برگزیدم و به آن افتخار می‌کنم.
- از خدا می‌خواهم از نسل و ذرّیه من حامی اسلام به بار آیند.
- شما عزیزان اگر زندگی خوش و مورد رضای خداوند می‌خواهید، با خدا باشید.

**محمد ابراهیمیان**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**۱- مشخصات کامل:** محمد ابراهیمیان، نام پدر غلامحسین، شماره شناسنامه ۹۵۲، متولد دوم آذرماه ۱۳۳۳، محل تولد سمنان.

**۲- هدف از آمدن به جبهه:** جلب رضایت الله، پاسخ به ندای حضرت امام مدظله، پاسداری و حراست از خون شهداء گرانقدر اسلام.

«**اشهد ان لا اله الاالله و ان محمداً رسول الله و الائمة المعصومین حجج الله صلوات الله علیهم اجمعین**». شهادت می‌دهم به اصالت راهی که حضرت امام خمینی مدظله العالی روحی له الفداء و دام بقاء عمره، نایب برحق مهدی موعود بقیة الله فی الارضین، امید منتظران و عاشقان جمال نورانی حجة بن الحسن المهدی(عج) حفظ الله تعالی علیه، حکم او را به جان خریدم که مرجع عالم تشیع است، مدیر و مدبر، شجاع و آگاه که از سلاله پاک زهرای مرضیه و خاندان عصمت و طهارت است، ولیِّ فقیهی است که فقاهت و ولایتش بر محبّان خدا به یقین و عاملی است که بر مقلدینش بی ابهام و بر سایرین، اگر مُهر بر دل نداشته باشند، بی‌تردید مورد قبول است. درود به روان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه هدی(علیهم‌السلام) که جان خویش را در راه احیای اسلام گذراندند، به‌ویژه شهدای ۷۲ تن از یاران باوفای اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) که عاشقانه جان به جان آفرین تسلیم نمودند.

سلام به شهدای ۷۲ تن از یاران باوفای امام که حسین‌گونه در حیات خویش دفاع از اسلام نمودند و در تثبیت نظام جمهوری مظلومانه تهمت‌ها و ناسزاها را از دوست و دشمن تحمل کردند و خم به ابرو نیاوردند و با شهادت خویش خط بطلان بر اعتقادات سست‌اندیشان کشیدند و وفاداری خویش را به اسلام عزیز با خون خود امضاء نمودند.

درود به تمامی شهدای راه پیروزی انقلاب و شهدای قطع ید وابستگان به عمال چپ و راست که میثم‌وار[1] و عمار[2] یاسرگونه روح خویش را تسلیم حق نمودند و به تمامی

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

شهدای جنگ تحمیلی که با ایثار و فداکاری با شهدای کربلا پیمان بستند که حمایت از دین خدا کنند و به تمامی شهداء به‌ویژه شهید رجائی[۱] و باهنر[۲] و امام جمعه‌های محترم که چون شهید محراب، علی(علیه‌السلام)، در حراست از نظام جمهوری درس ایثار به امت مسلمان آموختند و چه بگویم، چه شهدای گرانقدری که گمنام هستند و چه اوصافی در خصوص هر یک از شهداء[۳] مذکور که قلم از توصیفشان عاجز است، این مختصر نتواند زبان حالشان را هرچند کوتاه در خود جای دهد. درود به رهبر عظیم‌الشان که دین و دنیای کثیری را احیا کردند و امید است خداوند عطاء غیب را به‌وجود عزیزش کرامت کند و عمرش را به بلندی آفتاب طولانی و حتی در کنار حضرت بقیةالله زنده بدارد.

اگر امروز جهان اسلام، پس از ٤٠٠ سال، جانی دوباره پیدا کرده و جماعت کثیری را در شهادت طلب و ملتی را ایثارگر و در جهانی انقلابی به‌وجود آورده که هر روز در گوشه‌ای از دنیا شاهد حرکت مسلمانی و غیرمسلمان هستیم، به جهت رهبری داهیانه[٤] انسانی آگاه و مسلم است که خداوند تبارک و تعالی خواست خود را از طریق این عبدصالح به‌صورت نعمت به بشر ارزانی داشته است.

و درود به تمامی روحانیت در خط فقاهت به‌ویژه شهیدان زنده حجت‌الاسلام خامنه‌ای[٥] عزیز و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی[٦] و... تبری می‌جویم از هر راهی جز صراط اسلام و شکر می‌گذارم خدای منان را که هدایت‌مان کرد به این طریق و نجات بخشید از ظلمت‌ها و گمراهی و شر شیاطین.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- اشاره شهید ابراهیمیان به شهدای محراب است. شهیدان مظلومی که توسط منافقین و عوامل آنها یا در محراب نماز یا در مسیر اقامه نماز جمعه به شهادت رسیدند از آن‌جمله‌اند: شهید قاضی، شهید مدنی، شهید صدوقی، شهید اشرفی اصفهانی و شهید دستغیب.

٤- در اصل وصیت «داعیانه».

٥- ر.ک. تعلیقات.

٦- ر.ک. تعلیقات.

**«الحمدلله ما هدانا[۱]- الحمدلله الذی هَدینا لهذا و ما کنّا لنتهدی لولا ان هدیناالله».[۲] «و من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبّنی و من احبّنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلنی دیته و من علی دیته فانادیته»[۳] «و من کان فی هذه اعمی فهو فی الاخرة اعمی»**

درخت اسلام از بدو اشاعه‌اش توسط حضرت ختمی مرتبت، محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، با وجهه خونین به «امیّین» نازل گشته. همچنان نیاز به خون برای تبلیغ و ترویج دارد. یک روز با تقیه، دیگر روز با سکوت و دیگر روز با شهادت‌طلبی و... تاریخ گوشه‌ای از حقایق را برای حق جریان طریق الله بیان می‌کند که جلوداران لوای اسلام همیشه روحانیون مبارز اسلام بوده‌اند. چون مدرس[٤]ها، کاشانی[٥]ها، نوری[٦]ها، میرزا[٧]ها و نواب صفوی[٨]ها و... امروز خمینی روح‌الله جلودار این نهضت اسلامی است که از دیرباز با حرکت خویش جانی دوباره در کالبد غافلانی چون من بخشید و چون حرّ[٩] راهی جبهه‌ام ساخت و چنان قومی پدید آورد که به فرموده رسول اکرم و حبیب معظم «در دوره آخرالزمان ملتی و امتی از من بدون زیارت من و شنیدن قول مستقیم اقامه حق می‌کنند» و اکنون آن قوم است که برخاسته و دعوی حق می‌کند که ندایشان نه در ایران بلکه در جهان اسلام و کشورهای حاکم کفر نیز طنین‌انداز است و کوس زهق الباطل[۱۰] در گوشه و کنار دنیا نواخته می‌شود.

---

۱- از شعارهایی است که قبل از اقامه نماز عید فطر برای فراخوان نمازگزاران قرائت می‌شود. «مفاتیح‌الجنان».

۲- بخشی از آیهٔ ٤۳ سورهٔ اعراف.

۳- در وسائل الشیعه حدیثی شبیه این حدیث نقل شده است: «ان الله تعالی قال: من دعانی اجبته و من سألنی اعطیته و من اعطانی شکرته و من عصانی سترته ومن قصدنی ابقیته ومن عرفنی خیرته و من احبّنی ابتلیته ومن احبته قتلته ومن قتلته فعلیّ دیته ومن علیّ دیته فأنا دیته» (ج ۱۸، ص ٤۱۹).

٤- ر.ک. تعلیقات.

٥- ر.ک. تعلیقات.

٦- ر.ک. تعلیقات.

۷- ر.ک. تعلیقات.

۸- ر.ک. تعلیقات.

۹- ر.ک. تعلیقات.

۱۰- اسری/ ۸۱.

آری خون است که خونخواهان را به قیام وا می‌دارد و اسلام است که خون طلب می‌کند. شهداء، مفقودالاثرها، گمنامان تاریخ، اسیران و معلولین و رزمندگان در حال نبرد گواهان این طریقند. عروس اسلحه و سنگرها حجله آنان است. صف عاشقان لقاءالله باوقار هر چه تمام‌تر به‌سوی رحیل حق در نبردند و پرواز به‌سوی احدیت دارند.

بارالها، تمامی پیکرم که امانت تو بر روی زمین و این کالبد زندان روحی است که به‌سوی درگه تو قصد عروج دارد. آری چه گواراست لحظه‌های دیدار و وصال! دست گنه‌کارم بگیر، زیرا «**انا فقیر الی رحمتک**»، من نیازمند رحمت توام. «**عبد ذلیل ... لا یملک لنفسه نفعاً ... ولا نشورا**[1]». اینک که لطف تو شامل حالم شده است به دیدار عاشقانی کشانده که به لقاء حق رسیده‌اند و اینک به مقربان درگاه تو قسم مرا دریاب. یقین دارم کرم بیکران تو و دریای رحمت تو بر بنده ناچیزت اگر روا بداری چیزی کم نمی‌شود.

وجود سراسر نیازم مرا به درگه بی‌نیازت کشانده، زیرا «**ان الله یحول بین المرء و قلبه**[2]. **نحن اقرب الیه من حبل الورید**»[3] و هر که به تو توکل کند او را بسیار خواهی بود «**و من یتوکل علی‌الله فهو حسبه**».[4] بارالها، دلم و دل مسلمانان را از هر دری نا امید و به درگاه خویش متوجه ساز «**الهی هب لی کمال الانقطاع الیک**».[5]

الهی، مرا و امت مسلمان را برای حتی یک لحظه به خودم وامگذار «**اللهم لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا**».

---

۱- در بیان ادعیه و مناجات با خدا قسمتی از آیهٔ ۲۵ سوره فرقان را در نظر داشته است. «... وَلا یملکون لِأنفسهم ضُرّاً و لا نفعاً و لا یملکون موتاً و لا حیوة و لا نشوراً».

۲- قسمتی از آیه ٢٤ سورهٔ انفال است: ترجمه: «که خدا در میان شخص و قلب او حایل است».

۳- بخشی از آیه ١٦ سورهٔ قاف. ترجمه: «همانا از رگ گردن به او نزدیک‌تریم».

٤- بخشی از آیه ۳ سورهٔ طلاق. ترجمه: «هر که (در هر امر) به خدا توکل کند، خدا او را کفایت خواهد کرد».

۵- قسمتی از مناجات شعبانیه است. ترجمه: «بارالها (برای توجه به خودت) بریدگی کامل (انقطاع) از تعلقات را ارزانی‌ام فرما». مفاتیح، ادعیه ماه شعبان.

بارالها مظاهر دنیوی انسان را به ضلالت می‌کشد و نفس اماره و شیاطین ما را به بدی دعوت می‌کنند. جز آنان که خود را به تو سپرده‌اند و تمسک به درگه تو دارند همه هلاک خواهند شد «**ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی**».[۱]

لذا ما را در حصار اخلاص خویش قرار ده و درهای غفلت را به رویمان ببند و کوردلان را دیده بصیرت عنایت بفرما.

اعتراف می‌کنم محمد رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین برگزیدگان تواند و خمینی کبیر، قائد اعظم، ولیِ جامع الشرایط و فقیهی مدبر است. نظام جمهوری اسلامی عطاء برحق است و رهبرش خمینی در ظل توجهات صاحب اصلی مهدی موعود(عج). بارالها، امت اسلام را قدردان نعمت جمهوری اسلامی و رهبری قرار ده. بارالها، تو می‌دانی «**ان الانسان لِربّه لکنود**»[۲]... اما تو دل‌های بصیرت ده و به فضل خویش ما را محاکمه کن و...

شهادت را که شیوهٔ اولیاء خدا بوده برگزیدم و به آن افتخار می‌کنم و خدای منان را به جهت این فوز عظیم سپاس می‌گویم که در حال حاضر که از یک پله نردبان سعادت موفق به درگاه احدیت رجعت کردم.

به نزد آنکه جانش در تجلی است — همه عالم کتاب حق تعالی است[۳]
عرض اعراب و جوهر چون حروفست — مراتب همچو آیات وقوفست
ز او هر عالمی چون سوره اخلاص — یکی زان فاتحه دیگر چو اخلاص

***

دادیم به یک جلوه رویت دل و دین را — تسلیم تو کردیم هم آن را هم این را[٤]
می‌دید اگر چشم تو را لعل سلیمان — می‌داد در اول نظر از دست نگین را
ما سیر نخواهیم شد از وصل تو آری — لب تشنه قناعت نکند ماء معین را

---

۱- قسمتی از آیه ۵۳ سورهٔ یوسف. ترجمه: «زیرا نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت وامی‌دارد جز آنکه خدا به لطف خاص خود آدمی را نگه دارد.

۲- عادیات/ ٦. ترجمه «قسم که انسان نسبت به پروردگارش کافرنعمت و ناسپاس است».

۳- گلشن راز شیخ محمود شبستری (ابیات ۱ تا ۳).

٤- چهار بیت بعدی از غزلیات فروغی بسطامی است.

در دایـــرۀ تـــاجوران راه نـــدارد آن سـر کـه نسـاییده بپـای تـو جبـین را

***

ما قافله کعبـه عشـقیم کـه رفتـه اسـت سـر تـا سـر آفـاق صـدای جـرس مـا[1]

و اما پیام:

و اینک که قلم عنان از کف برگرفته و خود می‌نویسد، به تدبیر رهایش ساختم و گـویم ای قلم که در قرآن سوگند به توست و ای قلم که **افضل من دماء شهداء**[2] و مـن شـهیدی، و ای که علم مطهری‌ها[3] را بر لوحه‌ها نگاشتی و زنده پـس از شـهادتش نمـودی، خجلـم مسـاز آن‌گونه که زبان نیش‌زنان باشد.

پس از عرض سلام به تمامی دوستان و آشنایان و اقرباء و کسانی کـه وصـیت‌نامـه‌ام را می‌خوانند و سلام به حاملان پیکرهای خونین شهادت‌طلبان کـه سـنگینی حقـوق شـهداء و ره‌آورد و دستاورد آنان را حراست خواهند کرد.

به خانواده گرانقدرم که پس از دیدار جمال یکایکتان، که در مرخصی به زیات شما نائل آمدم، عرض می‌کنم صبر و شکیبایی را از حضرت زینت(علیهاالسلام) الهام گیرید. آن چنـان [در] تربیت و تهذیب فرزندانم همت گمارید که مثال عامه به بدی نشوند و نگویند (پسر نـوح... خاندان نبوتش برخاست) و این اثر فلان فرد شهادت‌طلب اسـت و از خـدا مـی‌خـواهم از نسل و ذرّیه من حامی اسلام به بار آیند. در قیامت موجـب شـرمندگی‌ام نشـوند و اگـر در سوگ من طاقتی نبود، بر مصیبت اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) بگریند و به اسارت رفتن خانـدان و اهل بیت عصمت و طهارت بیندیشند و بر مصیبت این اهل بیت گریه کنند.

دخترانم، که شما را چون دیگران دوست داشتم و پسر عزیزم، که امید و فـروغ خانـه‌ام هستی و خواهی بود و ای همسر گرانقدرم که در هر لحظه از زندگی پس از مـن بـا دیـدن بچه‌ها به یاد خاطرات گذشته می‌افتی، تو را به صبر سفارش مـی‌کـنم و از تـو مـی‌خـواهم

---

۱- بیت آخر از غزلیات عبدالرحمن جامی است.

۲- تعبیر یادآور و ترجمه گونه‌ای است از این حدیث شریف«**مداد العلماء افضل من دماء الشهداء**».

۳- ر.ک. تعلیقات.

اتکال به خدا داشته باشی و نماز شب به پا داری و ضمن آن از خداوند برایم طلب استغفار کنی و از خطاهای گذشته‌ام درگذری. فرزندانم را در اذان صبحگاهان بیدار کنی و با تعلیم نماز برایشان قرآن بخوانی، شاید خداوند تفضلی کند ذهن و سینه‌هایشان به نور الهی منور گردد و از صالحات باقیات گردند. فرزندانم را آن‌چنان بار نیاوری که مردم بر آنها ترحم کنند و یا دیده به دست دیگران بدوزند و تو مختار خواهی بود که بعد از من هرگونه بمانی. خداوند وصی شهید و خانواده شهداء خواهد بود و اوست که پیامبر یتیم را مأواء داد و او را به راه راست هدایت فرمود. پس از دیدارتان احساس کردم که شاید مهر دیگری در قلبم می‌خواهد جایگزین شود و لذا در مدت دوری از شما عزیزان دلتنگی نداشتم، بدین لحاظ احساس نمودم که خداوند باب دیگری را مفتاح شده و اینک می‌گویم «**یا مقلب القلوب والابصار ثبت قلبی علی دینک و لا تزع قلبی بعد اذ هدیتنی اللهم فتضل منی و دعائی یا ارحم الراحمین**[1]» و شما عزیزان اگر زندگی خوش و مورد رضای خداوند می‌خواهید، با خدا باشید همان‌گونه که فاطمه چنین بود و شأن نزول آیه «**انما نطعمکم لِوجه الله لا نُریدُ منکم جزاء و لا شکورا**»[2] و یا در آیه ۸۲ و ۸۳ سوره انعام در این خصوص ذکر کرده‌اند.

و اما با امت شهیدپروری که شاهد وصیت‌نامه‌ام خواهند بود می‌گویم کوچک‌تر از آن هستم که پیامی بدهم و آنچه را که می‌گویم چه بسیار و بسا که در گذشته عامل نبوده‌ام و در مدت کمی که مجدداً به سیل خروشان طوفندهٔ راهیان حق پیوستم، حقایقی برایم پدیدآمده که تصور می‌شود به تحریر آمدن آن بی‌بهره نباشد.

...و پسرم می‌خواهم در هر حال سرباز واقعی اسلام و امام زمان(عج) باشی و پاسدار اسلام گردی. تقوای خدا را پیشه سازید و نماز شب به پا دارید. سوره فجر آیه ۱ تا ۵ در رابطه با اهمیت نماز شب است که خداوند نماز شب را، که در دل شب خوانده می‌شود، سوگند یاد می‌کند. نمازهای واجب خود را به‌ویژه نماز صبح را در اول وقت به‌پا دارید که انسان را بر نفس اماره مسلط می‌کند، هیچ مقامی نزد خدا محبوب‌تر از این نیست که انسان

---

۱- بخشی از دعای تحویل سال است که در آغاز تحویل سال از سوی مسلمانان بیان می‌شود.

۲- انسان/ ۹. ترجمه «گویند فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی‌طلبیم».

بتواند در این جنگ امتیاز و افتخار کسب کند و رسیدن به مقام محمود[۱] را، که همانا تسلط بر نفس اماره می‌شود، دست یابد.

جنگ و جبهه را فراموش نکنید که اگر حب الدنیا و حب المال و آمال دور و دراز در اندیشه داشتید وای بر شما... که خون شهدا را به باد فنا داده و اسلام را از دست خواهید داد. اگرچه خدا خودش حافظ قرآن و اسلام خواهد بود «**انا نحن لحافظون...**»،[۲] اما شما بشر در حال امتحان هستید. امام و دعا به جان امام را فراموش نکنید حامی دولت و خدمتگزاران [...][۳] باشید و روحانیت خط امام را حمایت کنید و مقامشان را حفظ نمایید. در کارهایتان نیت قربةالی‌الله[٤] داشته باشید تا کارتان عروج پیدا کند و شما معراج‌المومن باشید. «**صبغة الله و من احسن من الله صبغة و نحن له عابدون**»[٥] «همانا رنگ خدا چه رنگ خوبی است و چه نیکو خواهد بود اگر کارهایتان رنگ خدایی داشته باشد».

پاسدار خون شهدا باشید و حامی امام و بدانید این طریق بسیار مزیت‌ها[٦] دارد چرا که خداوند آن‌کس را که کفر ورزیده رهایش کند و آنقدر در ناز و فراوانی است که کمبودی او را به درگاه حق نکشاند، زیرا آنان گمراهانند و کسانی که خداوند رهایشان کرده هدایتی نخواهد بود و شما را هر سختی و مصیبتی باشد به یاد آورید مصیبت اهل بیت عصمت و طهارت را که برای تبلیغ دین اسلام تحمل کردند و شما نیز در رنج و زحمت امتحان خدا را خواهید داد.

در سورهٔ مزمل آیه ۲۰ و سورهٔ اسرا آیه ٤٥ در رابطه با قرائت خواندن قرآن است (به‌ویژه بعد از نماز صبح) که تأکید می‌کند و می‌فرماید در هنگامی که قرآن می‌خوانی خداوند می‌فرماید ما بین تو و شیطان (نفس اماره تو) فاصله می‌اندازیم و قرآن و آنچه در

---

۱- اشاره دارد به آیه ۷۹ از سوره بنی‌اسرائیل: «و من اللّیل فَتَهجّد به نافله لک عسی ان یبعثک ربّک مقاماً محموداً».

۲- بخشی از آیه ۹ سورهٔ حجر. «و ما هم محققاً قرآن را محفوظ خواهیم داشت».

۳- خوانا نیست.

٤- در اصل وصیت «قربت علی ا...».

٥- بقره/ ۱۳۸.

٦- در اصل وصیت «مضیتها».

آن است شفاء و رحمت‌های مومنین و خسران و زیان برای ظالمین و طاغیان خواهد بود. پس قرآن را بخوانید و به معنایش دقت کنید.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

«القلب حرم الله فی حرم الله لاغیر الله»[1] و بدانید که اگر دل چراگاه شیطان نباشد، اگر لانه فساد و معاصی نباشد، خدا جایگزین خواهد شد و دلی که خدا در آن بود لبیک خداوند را محققاً می‌شنود. در کارهایتان به دور از اطاعت نفس به خدا تکیه کنید.

در نمازهای جماعت شرکت کنید و به فرمایش امام، مسجد سنگر است در سنگرهایتان به دفاع از اسلام برخیزید. و شما بسیجیان عزیز، در مساجد و پایگاه‌ها به نشر افکار اسلامی و تعلیم قرآن از طریق جلسات قرآن خوانی و تفسیر بپردازید. کتابخانه‌های مدارس و مساجد را غنی و عادت به مطالعه را در یکایک بسیجیان فراهم آورید. نماز جمعه‌ها را، که میعادگاه عاشقان الله و وعده‌گاه حزب‌الله است، تقویت نمایید. هرگاه نماز جمعه‌ها خلوت شود، منافقین کوردل و اجانب خوشحال خواهند شد. شما را به حضور فعال در نماز جمعه سفارش می‌کنم. نیت‌های خود را برای انجام امور دینی و دنیوی خدایی کنید. از تظاهر و ریا پرهیز کنید که «کل ریاء شرک»[2] که ناخواسته مشرک خواهید شد و مشرک در محضر خداوند تبارک و تعالی محشور خواهید شد.

زبان‌هایتان [را] از غیبت و تهمت باز دارید که همانند خوردن گوشت مردار برادر شما خواهد بود (از قرآن کریم) با حضور در دعاهای توسل و کمیل قلوبتان را رأفت و جلا ببخشید و اهل بیت را وسیله و واسطه بین خود و خدایتان قرار دهید چنان‌که در سورهٔ مائده آیه ۳۵ می‌خوانیم: «ای افرادی که باتقوا هستید، اگر به درگاه خدا می‌روید با وسیله تمسک جویید (توسل به اهل بیت) و در سورهٔ اعراف آیه ۱۸۰ می‌خوانیم: خداوند تبارک و

---

۱- روایتی از حضرت امام صادق(علیه‌السلام) است که عبارت کامل آن «القلب حرم الله فلا تسکن حرم‌الله غیرالله» دل جایگاه محترم و ارزشمند خداوند است پس نباید غیر خدا را در چنین جایگاهی نشاند.

۲- سخنی از حضرت امام صادق(علیه‌السلام) است که عبارت کامل آن «کل ریاء شرک انه من عمل للناس ثوابه علی‌الناس و من عمل لله کان ثوابه علی الله»، تمام ریا شرک است، کسی که برای مردم کار کند اجرش با مردم است و کسی که برای خدا کار کند ثوابش به عهدهٔ خداست. (حقایق، ص۸۱).

تعالی اسماء زیبا و نیکویی دارد، در هنگام دعا خدا را با آن اسماء دعا کنید و امام جعفر صادق فرمودند: اسماء حسنی که در قرآن کریم آمده است که هنگام دعا با آن دعا شود ما اهل بیت هستیم در دعاهایتان شکر نعمت جمهوری اسلامی، دعای امام، پیروزی تمامی جیوش مسلمین بر کفر و الحاد، شفاء مجروحین، آمرزش شهدا و اموات، آزادی اسرا فراموش نشود.

چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است　　بر رخ او نظر از آینهٔ پاک انداز
غسل در اشک زدم اهل طریقت گویند　　پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک‌انداز[1]

به فکر مرگ باشید که وقتی شما را فرا گرفت آن‌وقت هیچ جای اصلاح نخواهد بود. اگر فکر مرگ بودید ریشه حب دنیا و حب مال را خواهد سوزاند و در اصلاح صفات نیکو مؤثر خواهد بود به خود آیید که «**یوم لاینفع مال و لابنون**»[2] در انتظارتان خواهد بود. از مال مال فقط کفنی، از عیال و فرزند فقط مشایعت جنازه و حفر گودال و چیدن لحد محکم سود دیگری نخواهد بود آن‌وقت عمل تو است که تا یوم حشر با توست.

گوهر پاک می‌باید که شود قابل فیض　　ور نه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود[3]
دردمندی که کند درد نهان پیش طبیب　　درد او بی سببی قابل درمان نشود
هر که در پیش بتان از سر و جان می‌لرزد　　بی تکلف تن او لایق قربان نشود

و شما بی‌تفاوت‌هایی که می‌بینید ایثارگری جوانان را و تعقل نمی‌کنید و هوشیار باشید و شما منحرفین که خداوند به جهت کفرتان رهایتان کرده، قرآن می‌فرماید این کتاب بدون شک هادی و راهنمای متقین است. این کتاب قرآن خسران و زیان برای ظالمین است «**والقرآن ... ولا یزید الظالمین الا خسارا**».[4]

---

۱- شعر از حافظ است.
۲- شعرا/ ۸۸. در اصل وصیت کلمهٔ «لا» قبل از «ینفع» جا افتاده است.
۳- غزلیات حافظ. دیوان حافظ (غنی- قزوینی).
٤- بنی اسرائیل/ ۸۲. ترجمه «ولیکن کافران به‌جز زیان چیزی نخواهد افزود».

بدانید مجرمین در قیامت بنا به گناه خویش معذبند و بسیاری از قهر جهنم به مدت تقریباً هفتاد سال آخرتی راه می‌پیمایند و در حالی که می‌سوزند به بالا نمی‌آیند که به ناگاه گرزی آنان را به جهنم مجدداً فرو خواهد برد. دنیای فانی وکوتاه به ذلت و شرمساری آخرت نمی‌ارزد. خداوند می‌فرماید: «**انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفورا**».[۱]

**«والسلام علی عبادالله الصالحین»**

**محمد ابراهیمیان**

**مطابق با دوازدهم بهمن‌ماه شصت و چهار**

۱- دهر/ ۳. ترجمه «ما به حقیقت راه (حق و باطل را به انسان نمودیم) و به اتمام حجت بر او رسول فرستادیم حال خواهد شکر این نعمت گوید و خواهد کفر آن کند».

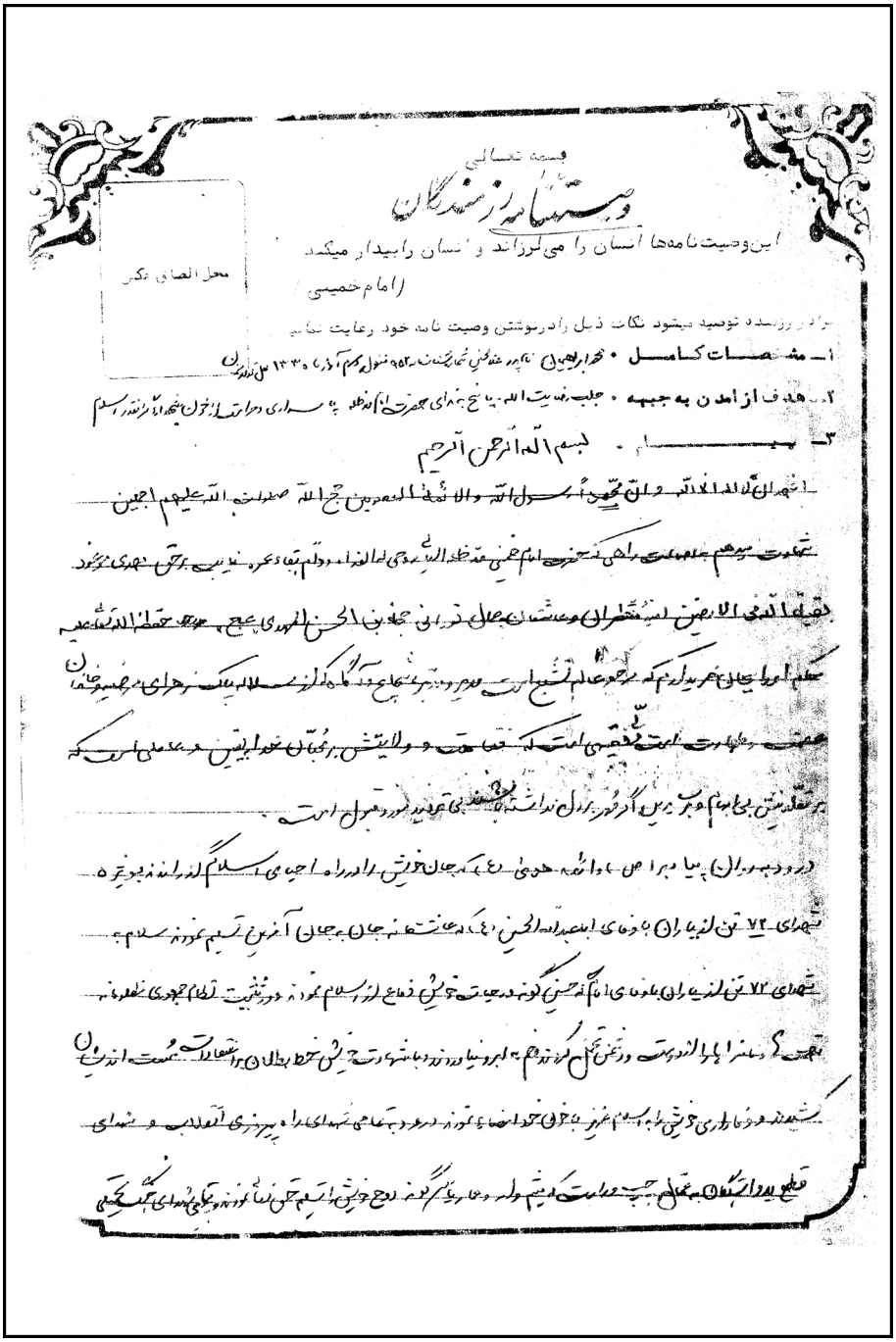

بسمه تعالی

وصیتنامه زندگان

این وصیت نامه‌ها انسان را می‌زداید و انسان را بیدار میکند

(امام خمینی)

محل الصاق عکس

برادر ارزنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمایید

۱ـ مشخصات کامل • محمد ابراهیمیان شماره شناسنامه ۹۵۲ صادره از سمنان متولد ۱۳۳۵ محل تولد سمنان

۲ـ هدف از آمدن به جبهه • جلب رضایت الله - پاسخ به ندای رهبر عزیز انقلاب - پاسداری و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلام

۳ـ بسم الله الرحمن الرحیم

اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و الائمة المعصومین حجج الله صلوات الله علیهم اجمعین

شهادت میدهم علمیات راهی نهضت امام خمینی مدظله العالی و دولت اسلامی بقیه الله ارواحنا فداه و دعوت نایب برحق ایشان مهدی موعود

عجل الله تعالی فرجه الشریف است و معتقدم که ولایت فقیه عدل خدا بر روی زمین است و اطاعت از او اطاعت از خدا و

عصیان و مخالفت با او عصیان خدا و مخالفت با حجج الله است و ولایت فقیه استمرار نبوت و امامت است و اطاعت از او

واجب و لازم است و من به تکلیف شرعی خود عمل کرده‌ام و به جبهه حق علیه باطل شتافتم و از خداوند متعال مسئلت دارم

که شهادت را نصیب من گرداند و اگر موفق نشدم و در جبهه حق علیه باطل به شهادت نرسیدم و به میهن اسلامی برگشتم

وصیت میکنم که راه شهدا را ادامه دهید و از خانواده شهدا و جانبازان و مستضعفان حمایت کنید و از ولایت فقیه

پشتیبانی کنید و بدانید که پیروزی از آن مستضعفان است و حزب الله پیروز است و حزب شیطان نابود و شکست خورده است

و سفارش میکنم به برادران و خواهران که حجاب اسلامی را رعایت کنند و بدانند که حجاب از واجبات الهی است و

بی حجابی و بدحجابی باعث فساد جامعه و گسترش فحشا و منکرات است و از خداوند متعال میخواهم که روح مرا با

شهدای اسلام محشور گرداند و از شفاعت شهدا بهره‌مند گرداند و از خداوند متعال میخواهم که به رهبر عزیز انقلاب

اسلامی طول عمر عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران عزت و سربلندی عنایت فرماید و از

خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران پیروزی نهایی بر کفار و منافقین عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم

که به ملت ایران وحدت و برادری عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران صبر و استقامت عنایت

فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران پیروزی نهایی بر کفار و منافقین عنایت فرماید و از خداوند متعال

میخواهم که به ملت ایران وحدت و برادری عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران صبر و استقامت

عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران پیروزی نهایی بر کفار و منافقین عنایت فرماید و از

خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران وحدت و برادری عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران

صبر و استقامت عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران پیروزی نهایی بر کفار و منافقین عنایت

فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران وحدت و برادری عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به

ملت ایران صبر و استقامت عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران پیروزی نهایی بر کفار و

منافقین عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران وحدت و برادری عنایت فرماید و از خداوند متعال

میخواهم که به ملت ایران صبر و استقامت عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران پیروزی نهایی

بر کفار و منافقین عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران وحدت و برادری عنایت فرماید و از

خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران صبر و استقامت عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران

پیروزی نهایی بر کفار و منافقین عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران وحدت و برادری عنایت

فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران صبر و استقامت عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به

ملت ایران پیروزی نهایی بر کفار و منافقین عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران وحدت و

برادری عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران صبر و استقامت عنایت فرماید و از خداوند متعال

میخواهم که به ملت ایران پیروزی نهایی بر کفار و منافقین عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت

ایران وحدت و برادری عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران صبر و استقامت عنایت فرماید و از

خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران پیروزی نهایی بر کفار و منافقین عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم

که به ملت ایران وحدت و برادری عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران صبر و استقامت عنایت

فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران پیروزی نهایی بر کفار و منافقین عنایت فرماید و از خداوند

متعال میخواهم که به ملت ایران وحدت و برادری عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران صبر و

استقامت عنایت فرماید و از خداوند متعال میخواهم که به ملت ایران پیروزی نهایی بر کفار و منافقین عنایت فرماید

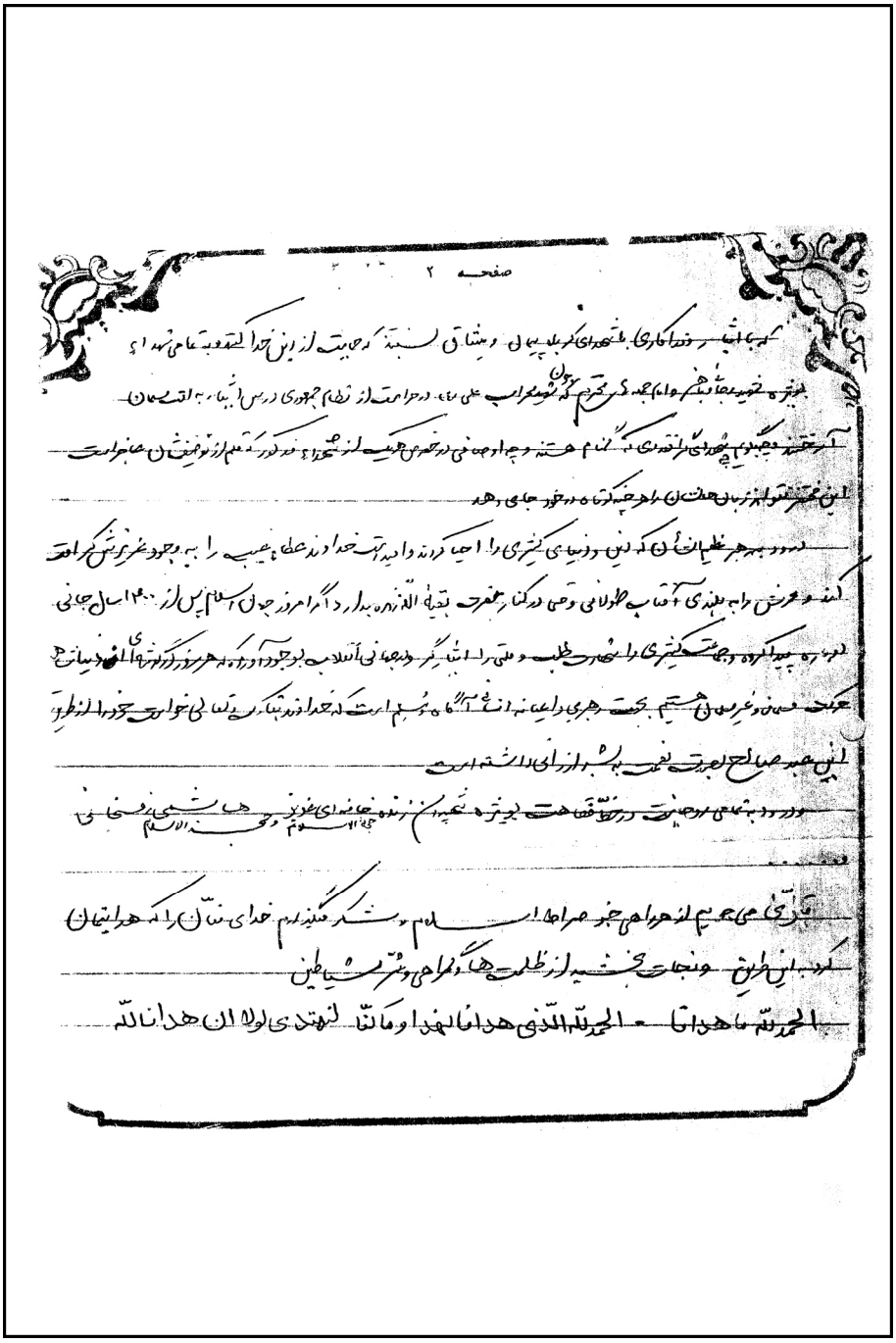

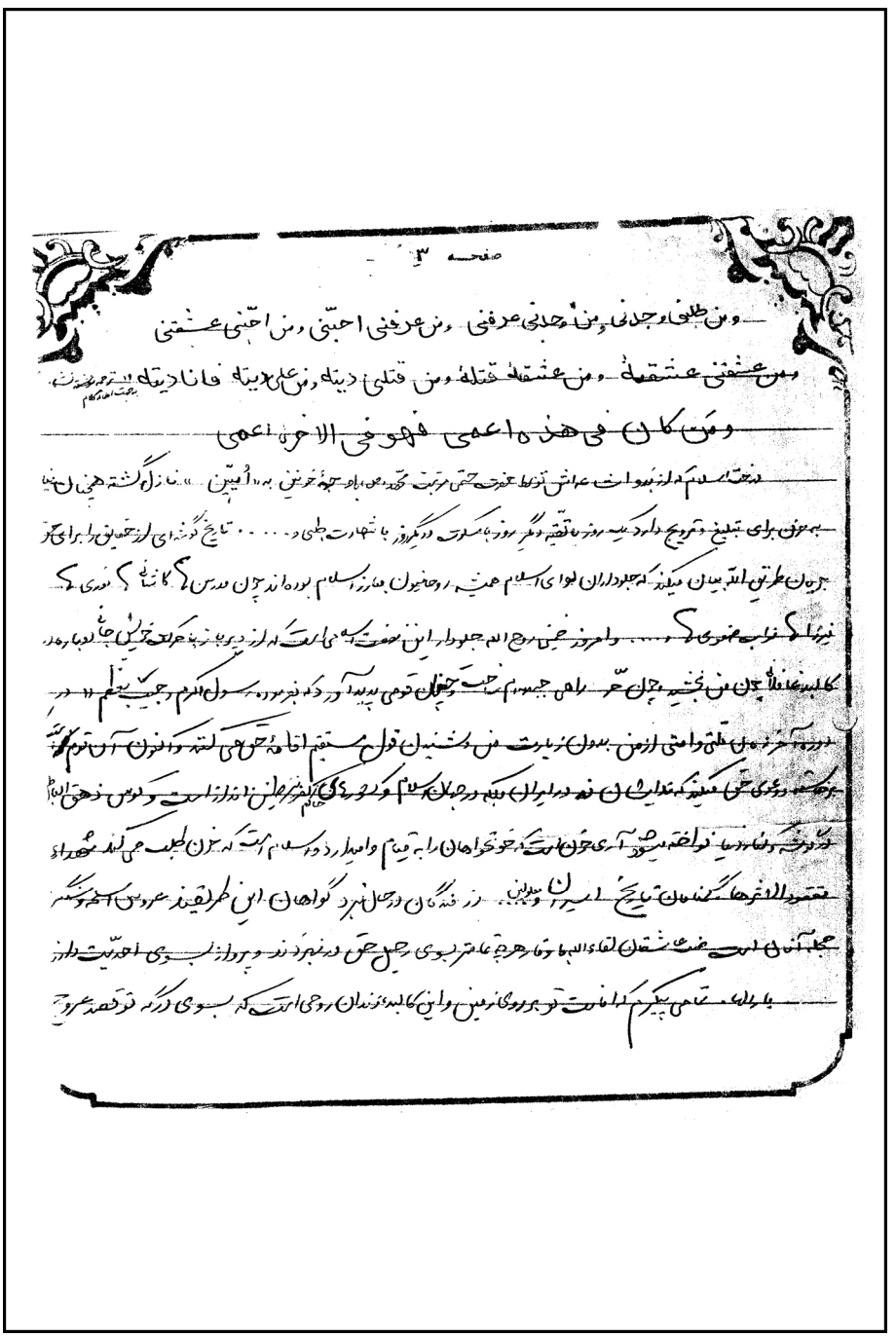

**امام خمینی :**

**آفرین بر شمار زمندگان عزیزی که ایران را بر بال ملائکه الا... نشاندید.**

فارد آبی چگوارات کجا؟ ای دیدار و وصال !! دیرگ نشکنم بگیر زیرا انا فقیرٌ الی رحمتک من نیازمند رحمت توام عبید ذلیل ... لا یملک لنفسه ..... ولا نشورا . اینک که لطف تو شامل حالم شده است امید دیدار عاشقانی کشانده که به لقاء حق رسیده اند و اینک به مقربان درگاهت قسم میدهم را در یاب یقین دارم کرم بیکران تو دوری مرا جبران خواهد نمود بر نبودن ناچیزت اگر سرآغاز هر چیزی کم می‌شود وجود سراسر نیازم را بدرگه بی نیازت کشانده زیرا ان الله یحول بین المرء وقلبه ... نحن اقرب من حبل الورید و هرچه به تو نزدیک شدم ترا بسیار خواهی بود و من بتوکل علی الله فهو حسبه (الطلاق ۳) .

بارالها دلم را از هر دری ناامید و بدرگاه خویش متوجه ساز (الهی هب لی کمال الانقطاع الیک) الهی مرا با نور معرفت خود بر راه خویش دار، برای جستن به مطلوم واگذار (اللهم لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا . بارالها مظاهر زیبای انسان را با صفات حمیده و نفس امارهٔ خویش مدار، ای بسا انسانی که پندار خویشتن ناسم خود را به ترسیم اندیشه و تمنای بدرگه نزدیک کرد هرچند خواهد شد (ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی) (یوسف ۵۳)

لذا مارا در حصار اخلاص خویش قرار ده و رهای ضلالت را بر دیدگان بندگان را دیده بصیرت عنایت بفرما

اعراب عن محمد رسول الله و ائمه معصومین بر گزیده گانی تو اند و خشی بکبرتاه اعظم ولی جامع الشرائط و فقیه قدرات تشکیل جمهوری اسلامی علماء حق امت و هبرش خمینی در ظل توجهات مستمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بارالها ملت اسلام را قدردان نعمت جمهوری اسلامی و رهبری قرار ده و بارالها تو به (ان الانسان لیطغی) .... اما تو دلهای بصیرت ده و بفضل خویش مارا محکم کن و .....

خداوندا با دستهای اولیاء خدا بدرگه بر گردیم و به آن آستان رحیم و خدای متعال را بجهت این فوز عظیم سپاس می گوییم بدرگاه بی نیاز سعادت موفق به درگاه احدیت رجعت کردم

به تردد نگه جانش در تجلی است — هر عالم کتاب حق تعالی است
غرض اعراب وجود حرف است — مراتب همچو آیات و فقرات
از هر عالمی چون سوره و خلق — یکی زان ناتج دیگر چون خواص

اهدائی گروه مقاومت شهید مطهری مهدی شهر به رزمندگان اسلام

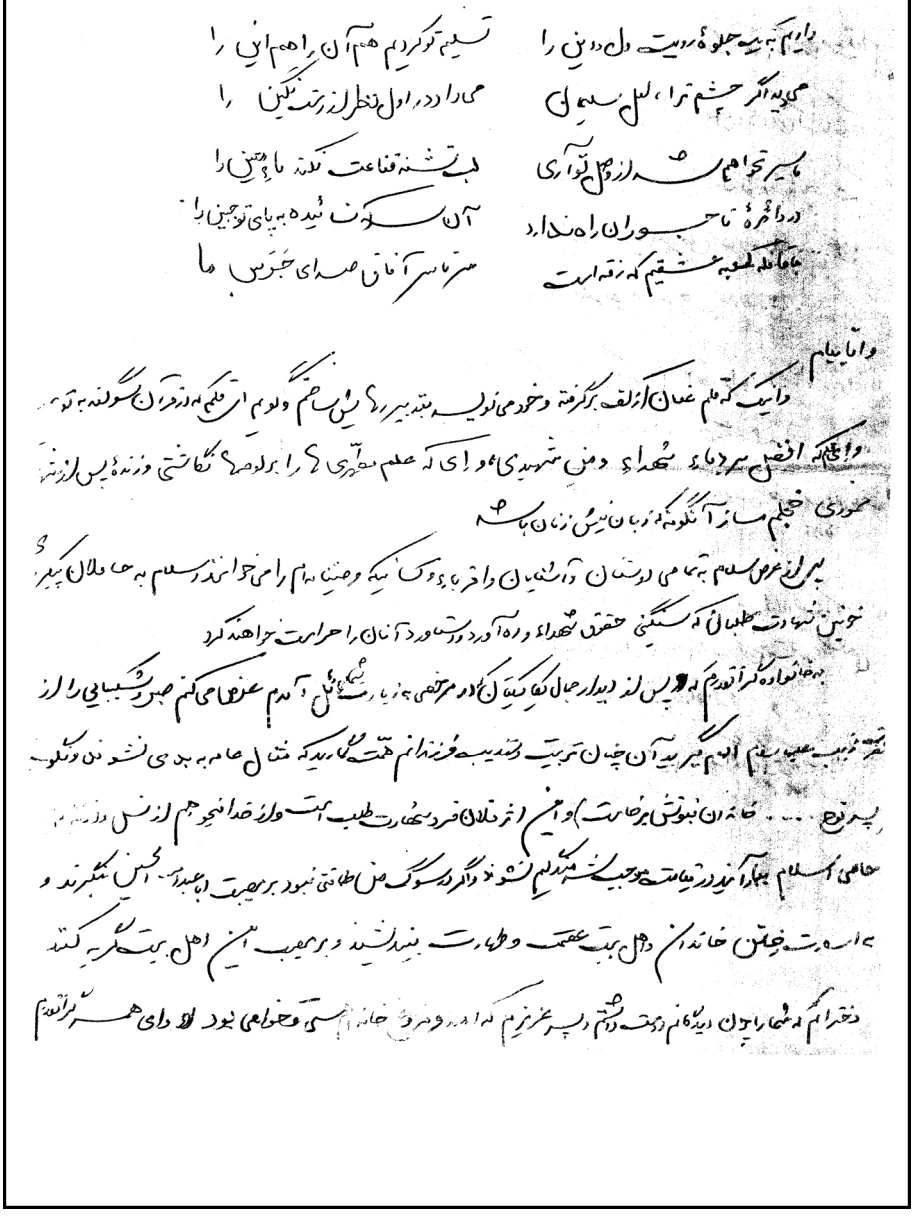

**امام خمینی :**

**آفرین بر شما فرزندگان عزیزی که ایران را بر بال ملائکه الـ... نشاندید**

**امام خمینی :** غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

**آفرین بر شما فرزندگان عزیزی که ایران را ابر بال ملائکه الله... فشاندید**

القلب حرم الله فی حرم الله لا غیر الله

و بعد اینکه اگر دل چراگاه شیطان نباشد اگر لانه فساد و معاصی نباشد خدا جاگزین خواهد شد ولی که خدا در آن بود کید خدا و ندها محققاً می‌شود. لذا تا توان بدور از اطاعت نفس بخدا تکیه کنید

در نمازهای جماعت شرکت کنید و به فرمان امام مسجد گرایش و دستگاه تبلیغاتی اسلام را هر چه بیشتر پشتیبان باشید. مساجد و پایگاهها پشتوانه اسلام و تعلیم قرآن را طریق صحیح قرآن خوانی و تفسیر آیات را از کلاسهای مدارس و مساجد را غنی و عامر بطالبان را در کلاسهای نماز جمعه و پایگاهها و مساجد و غیره گام ضروری است تقویت نمائید. نماز جمعه با حضور شما باعظمت خواهد شد شما با حضور فعال در نماز جمعه پشتیبان حکام شرع خود را برای انجام امور دینی و دنیوی خدایی کنید از ظاهر و ریا پرهیز کنید که کل ریا شرک است که ناخواسته مشرک خواهید شد و مشرک در محضر خداوند تبارک و تعالی محشور خواهید شد

برادران و خواهران عزیز و همیشه باید توجه داشته باشید که حضور شما در راهپیمائیها و تظاهرات ضد رژیم خواهد بود از تجمعات کم نکنید با حضور در صفوف متراکم و متشکل خود قلوب کفار و منافقین را پر از رعب و وحشت بنمائید و بدانید که پیروزی از آن شماست و خداوند متعال وعده داده است. در سوره انفال آیه ۳۵ می‌فرماید ای کسانیکه ایمان آورده‌اید اگر بگروهی برخورد کردید ثابت قدم باشید و خدا را بسیار یاد کنید تا پیروز شوید و در سوره اعراف آیه ۱۸۰ می‌فرماید خداوند تبارک و تعالی اسماء و صفاتی دارد که هنگام دعا خدا را با آن اسماء بخوانید و از اهل الحاد که در اسماء حسنی او الحاد می‌کنند دوری کنید. دعاهای ما اهل بیت همیشه در دعاهای خود ما و دعاهای امام و دعاهای جمهوری اسلامی را فراموش نکنید. دعای امام پیروزی عامی جهان اسلام بر کفر و الحاد و شهادت مجروحین آزادی اسراء و اموات را فراموش نکنید.

چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است ای رخ او نظر از آینه پاک انداز (قلب سلیم)

غسل در اشک زدم اهل طریقت گویند پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز

اهدائی گروه مقاومت شهید مطهری مهدی شهر به دزمندگان اسلام

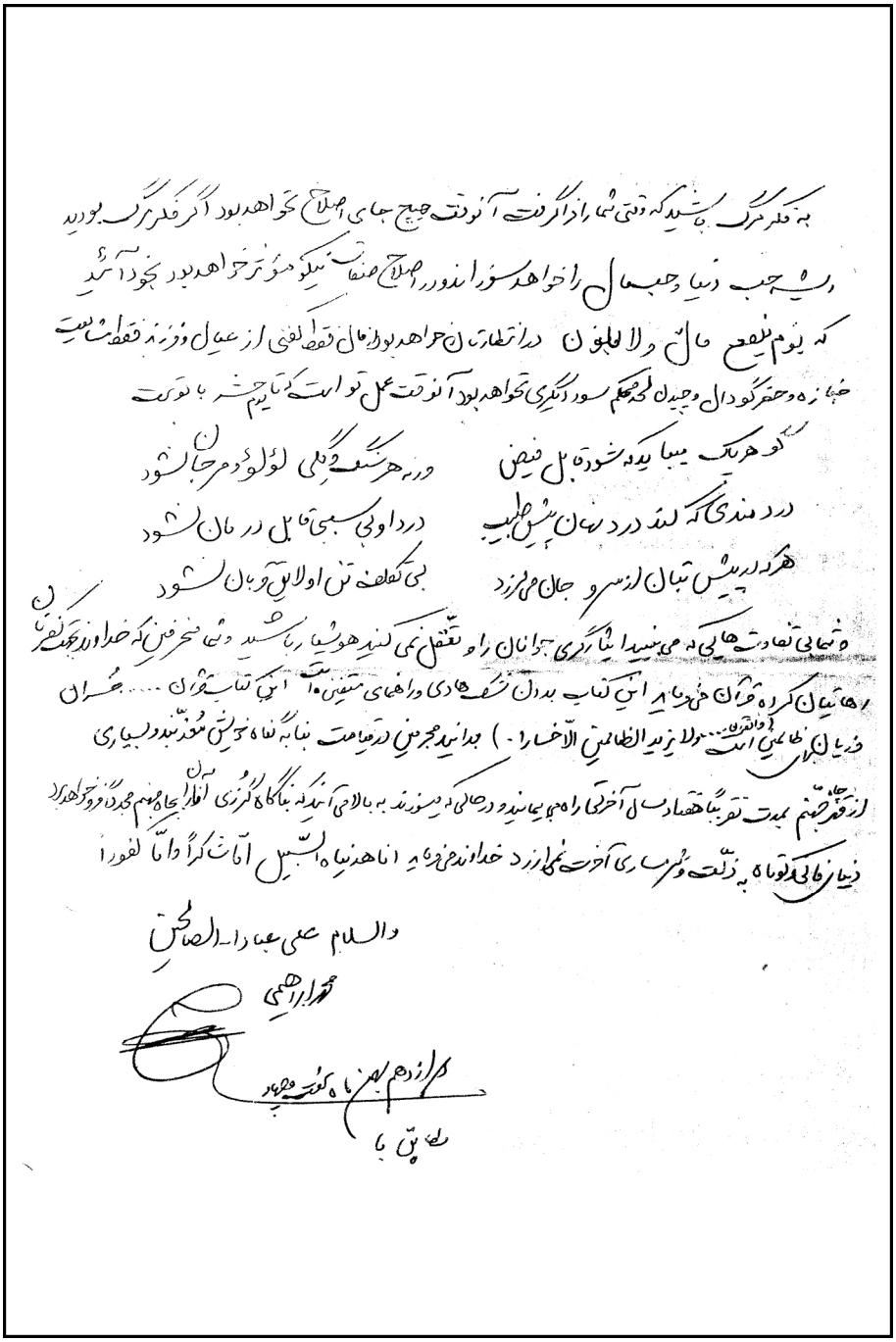

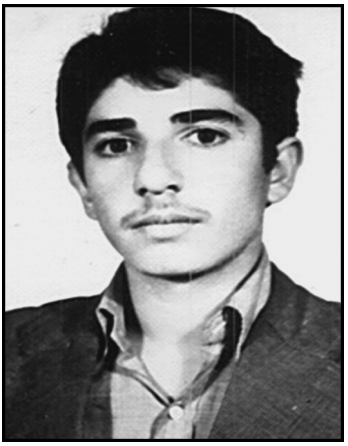

نام: **مهدی**
نام خانوادگی: **ابراهیمی ورکیانی**
نام پدر: **محمدحسین**
نام مادر: **مریم**
تاریخ تولد: **دهم اردیبشهت ۱۳٤۲**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست بهمن ۱۳٦۱**
محل شهادت: **رقابیه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش و گلوله**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- درود به خانواده‌های شهدا که شهدایی را پرورش داده و با خون شهدا درخت اسلام را آبیاری می‌نمایند.
- نمی‌دانم چه گویم. حضرت علی(علیه‌السلام) با آن همه عبادت، تقوی و معصومیت می‌فرماید با عفو و بخشش خود رفتار کن.
- خدایا، از تو می‌خواهم با شهادت در راه تو به‌سوی تو برگردم.
- خدایا از تو می‌خواهم نمازهای جمعه گوش به توصیه‌های او نماییم.
- پدرم و مادرم، در کوتاهی‌هایی که کرده‌ام مرا ببخشید.
- دنیا زندگی موقت است و راهی سوی آخرت است و سرانجام باید رفت.

## مهدی ابراهیمی ورکیانی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة**»[۱] «خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده است».[۲]

«این اعجاز بزرگ قرن و این پیروزی بی‌نظیر و این جمهوری اسلامی محتاج به حفظ و نگهبانی است»[۳] (امام خمینی).

با سلام [و] درود بر رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی که هم‌اکنون در پرتو نورانی این رهبر عظیم‌الشأن انقلاب است[٤] که امت اسلام به مصداق آیهٔ شریفه[٥] «**انا‌لله**[٦] **و انا الیه راجعون**»[۷] با قبول آنکه «از او هستیم به‌سوی او هجرت می‌نماییم و به‌سوی او حرکت می‌نماییم»[۸] و با سلام درود به خانواده‌های شهدا که شهدایی را پرورش داده و با خون شهدا درخت اسلام را آبیاری می‌نمایند. به راستی که امت شهیدپرور در فضای حاصل از خون شهدا تنفس می‌کنیم و مدیون خون ارزشمند آنان هستیم.

هم‌اکنون که در حال نوشتن هستم شبی است‌که[۹] چند ساعتی دیگر به جبهه خط مقدم می‌رویم. از خداوند می‌خواهم تا نیتم را خالص گرداند و به او نزدیک شوم و تا زمانی که جدا هستم مرا بمیراند. خدایا، گناهانم کثیر است و از تو می‌خواهم با عفو و بخشش خود رفتار کنی. نمی‌دانم چه گویم. حضرت علی(علیه‌السلام) با آن همه عبادت، تقوی، معصومیت

---

۱- بخشی از آیه ۱۱۱ سورهٔ توبه.

۲- در اصل وصیت شهید آیه ۱۱۰ توبه نوشته در حالی که صدر آیه ۱۱۱ است.

۳- امام خمینی، صحیفه امام.

٤- در اصل وصیت «استکه».

٥- در اصل وصیت «شریف».

٦- در اصل وصیت «الله».

۷- بخشی از آیه ۱٥٦ سورهٔ بقره.

۸- ترجمه آیهٔ ۱٥٦ سورهٔ بقره است.

۹- در اصل وصیت «استکه».

می‌فرماید: با عفو و بخشش خود رفتار کن. چه گویم. خدایا، از تو می‌خواهم با شهادت در راه تو به‌سوی تو برگردم. و شما امت قهرمان با یاری خداوند هرچه زودتر نابودی ابرکفرها را مشاهده خواهید کرد و خواهید دید که ابرکفرها همچو کف به پایان حیات خود می‌رسند. و تمام انسان‌ها از تحت سلطه این ابرجنایت‌ها رها می‌شوند و با کشتی[۱] شناور در خون شهدا به ساحل نجات می‌رسیم. کشتی که ناخدای آن رهبر است و هنگامی به ساحل حقیقت می‌رسد که کوچک‌ترین مُسامحه در اطاعت از امر رهبری ننماییم و همواره گوش به ندای[۲] رهبر باشیم و با شرکت در نمازهای جمعه گوش به توصیه‌های [او] نماییم تا بتوانیم در خط راستین اسلام، خط رهبری، حرکت نماییم.

در پایان، پدرم مادرم، در کوتاهی‌هایی که کرده‌ام مرا ببخشید و هرگز گریه نکنید که دنیا زندگی موقت است و راهی به‌سوی آخرت است و سرانجام باید رفت. برادران و خواهرانم، برایتان آرزوی توفیق می‌نمایم و امید آن دارم در راهی که می‌روید، گام‌هایتان را مستحکم بردارید.

پدر عزیز و گرانقدرم، مدت دو ماه نماز و یک ماه روزه به یک فرد واجد شرایط برایم قضا نمایید و ۵ ریال بر حمام [...][۳] محله امام هم بدهید.

**«والسلام»**

**مهدی ابراهیمی ورکیانی**

---

۱- در اصل وصیت «باکشی».

۲- در اصل وصیت «نداری».

۳- در اصل وصیت خوانا نیست.

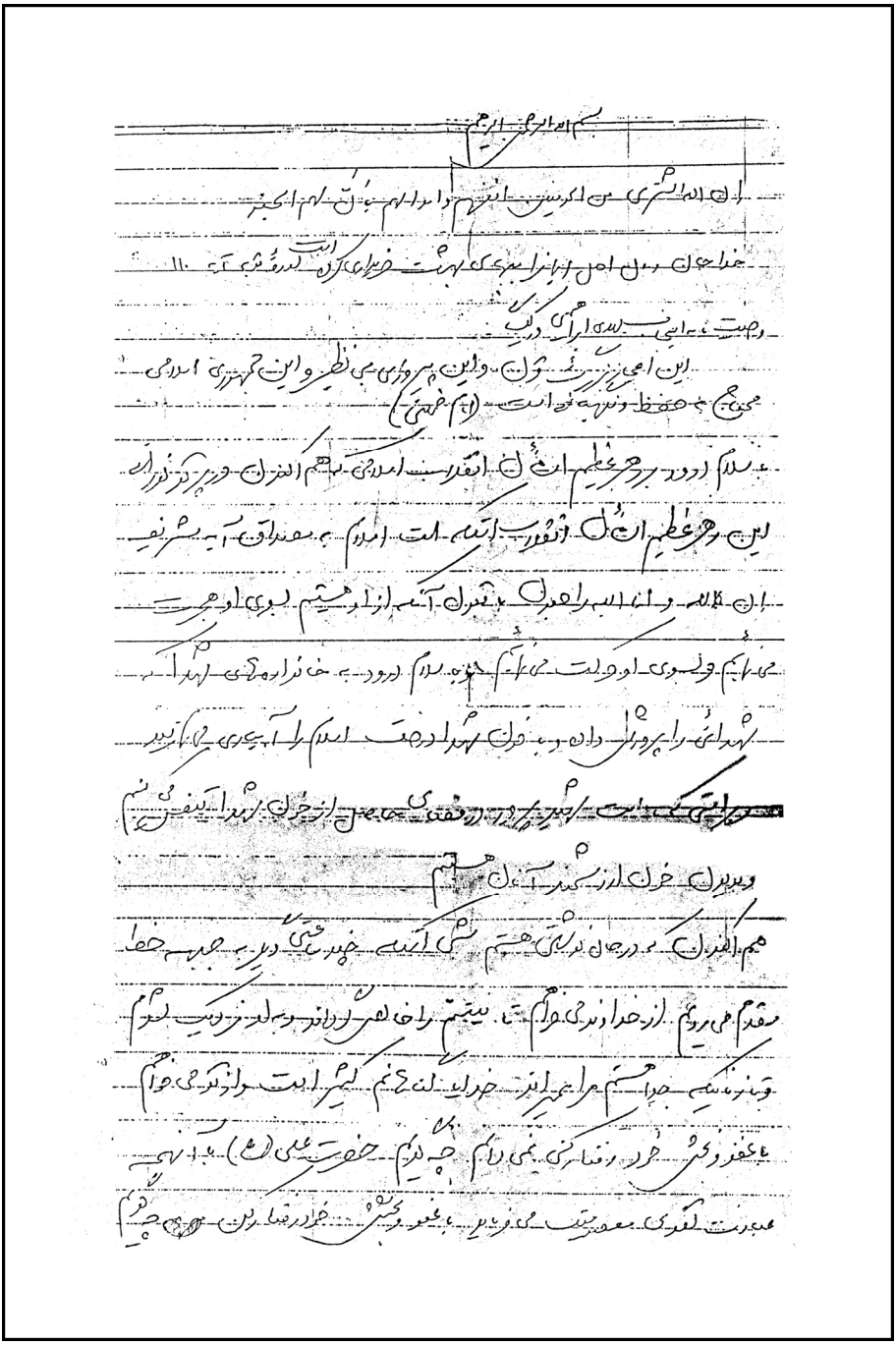

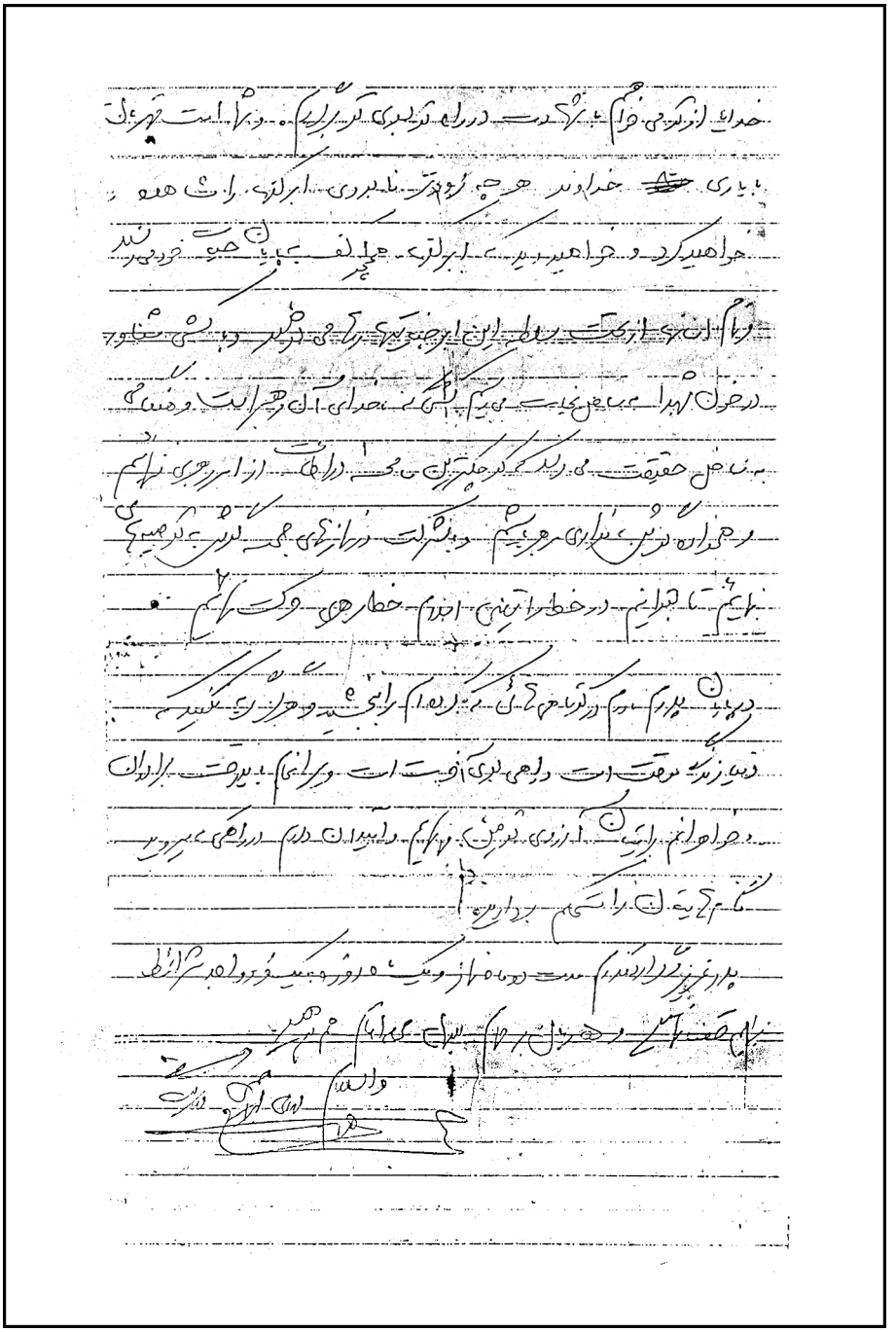

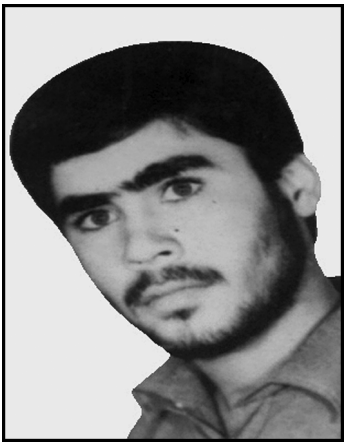

نام: **قربانعلی**
نام خانوادگی: **ابک**
نام پدر: **اسماعیل**
نام مادر: **کبری**
تاریخ تولد: **دهم فروردین ۱۳٤٦**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳٦۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خداوندا، من بارها به دنبال سعادت بزرگ دویدم، ولی هنوز آن را نتوانستم دریابم.
- خدایا، از تو می‌خواهم که شهادت، که سعادت بزرگی است، نصیب من گناهکار بگردان.
- خداوندا، مرا از یاران امام حسین(علیه‌السلام) قرار بده.
- خدایا، من به فرمان امام لبیک گفتم و هر چه او گفت گوش کردم.
- در همه وقت امام را دعا کنید.
- نگذارید امام تنها بماند.
- پیرو ولایت فقیه باشید.
- از دشمنان اسلام نترسید.
- در نماز جمعه و جماعت و دعاها بیشتر شرکت کنید.

## قربانعلی ابک

### بسم الله ا لرحمن الرحیم

«**ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون**»[1] «مپندارید کسانی‌که کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در نزد خداوند روزی می‌خورند».

به‌نام الله، به‌نام خدایی که ما را خلق کرد و به‌نام خدایی که ما را به راه مستقیم هدایت کرد.

با سلام و درود بر امام مهدی و با سلام و درود بر نایب برحقش امام خمینی و با سلام و درود بر خانواده شهدا و شهیدان راه خدا و رزمندگان اسلام. خداوندا، من بارها به دنبال سعادت بزرگ دویدم، ولی هنوز آن را نتوانستم دریابم. خدایا، از تو می‌خواهم که شهادت، که سعادت بزرگی است، نصیب من گناهکار بگردان. خدایا، گناهانم آن‌قدر زیاد است که کوله‌بارم سنگینی کرده است، پس گناهانم را بیامرز و مرا از یاران امام حسین(علیه‌السلام) قرار بده. خدایا، من به فرمان امام لبیک گفتم و هر چه او گفت گوش کردم ولی می‌ترسم در آخر از یاران او نباشم. پس اعمالم را مورد رضای درگاه خود قرار بده و مرا جزء یاران واقعی او بگردان. پیام من به شما ملت حزب‌الله این است که در همه وقت امام را دعا کنید و نگذارید امام تنها بماند و به جبهه‌ها کمک کنید و پیرو ولایت فقیه باشید و از دشمنان اسلام نترسید. همانا خدا با شماست. و از شما می‌خواهم که در نماز جمعه و جماعت و دعاها بیشتر شرکت کنید و برای پیروزی و سرافرازی اسلام و رزمندگان دعا کنید. پیام من به شما مادرم این است که مادر گرامی‌ام برای من گریه نکن که باعث عذاب روحم می‌شود، چون بالاخره روزی همگی ما خواهیم رفت و از تو می‌خواهم که خوشحال باش و ناراحت نباش که چرا پسرت را از دست داده‌ای. پس افتخار کن که پسرت در راه خدا به شهادت رسیده است و نیز گوش به حرف‌های شایعه‌پراکنان نده که تو را از اسلام منحرف می‌کنند و بدان که دشمن هرگز از پا نمی‌نشیند و آرزوی ناراحتی خانواده‌های شهدا و داغداران را می‌نمایند. هر چه شما بیشتر ناراحت باشید آنها خوشحال‌تر خواهند شد. پس

---

۱- آل عمران/ ۱٦۹.

به‌خاطر اسلام، اگرچه از دست دادن فرزندان مشکل است، ولی مادرم صبر پیشه کن و خدا را شکر کن که توانستی مرا سالم به‌دست همان کسی بدهی که همگی باید به پیش او برویم و آن هم خداست. و اما خواهرم! پیام من به شما این است که در مرگم ناراحت نباشید که دشمن از ناراحتی‌ها سوء استفاده می‌کند و از تو می‌خواهم که فرزندانت را همچون علی‌اکبر[۱] و زینب‌گونه تربیت کن، که امیدان آینده کشور هستند. پیام من به شما برادرانم این است که راهم را ادامه دهید و نگذارید اسلحه‌ام بر زمین بیفتد[۲] و افتخار کنید که برادرتان در راه خدا به شهادت رسیده است نه در راه باطل. و اما برادران حزب‌الله، از شما می‌خواهم در سر هر کاری هستید پاسدار انقلاب باشید و کار خود را به نحو احسن انجام بدهید و از امام پیروی کنید و هرگز او را تنها نگذارید. در ضمن در پایان وصیت‌نامه‌ام از تمام دوستان و آشنایان طلب عفو می‌کنم. امیدوارم که بنده را ببخشید و در آخر اگر جنازه‌ام به دست شما نرسید، به یاد هزاران هزار مفقود جنگ باشید و ناراحت نشوید، چون مهم راه است و بعد معنویت و نه جسم و مادیت. ضمناً ۳٤ روز روزه را برایم قضا نمایید.

**بنده حقیر خدا، قربانعلی ابک**

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «بیافتد».

بسم ا... الرحمن الرحیم

## وصیتنامه پاسدار رشید اسلام شهید قربانعلی ابک

ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل ا
امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون

***

میندارید کسانیکه کشته شده‌اند
مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در نزد
خداوند روزی می‌خورند

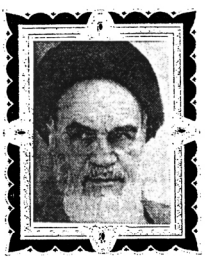

**بنام الله، بنام خدائیکه ما را خلق کرد و به نام خدایی که ما را به راه مستقیم هدایت کرد.**

با سلام و درود بر امام مهدی و با سلام و درود بر نائب برحقش امام خمینی و با سلام و درود بر خانواده شهداء و شهیدان راه خدا و رزمندگان اسلام.خداوندا من بارها به دنبال سعادت بزرگ دویدم ولی هنوز آن را نتوانستم دریابم خدایا از تو می‌خواهم که شهادت که سعادت بزرگی است نصیب من گناهکار بگردان. خدایا گناهانم آنقدر زیاد است که کوله‌بارم سنگینی کرده است پس گناهانم را بیامرز و مرا از یاران امام حسین(ع) قرار بده. خدایا من به فرمان امام لبیک گفتم و هرچه او گفت گوش کردم ولی می‌ترسم در آخر از یاران او نباشم پس اعمالم را مورد رضای درگاه خود قرار بده و مرا جزء یاران واقعی او بگردان. پیام من به شما ملت حزب‌الله این است که در همه وقت امام را دعا کنید و نگذارید امام تنها بماند. و به جبهه‌ها کمک کنید و پیرو ولایت فقیه باشید و از دشمنان اسلام نترسید همانا خدا با شماست. و از شما می‌خواهم که در نماز جمعه و جماعت و دعاها بیشتر شرکت کنید و برای پیروزی و سرافرازی اسلام و رزمندگان دعا کنید. پیام من به شما مادرم این است که مادر گرامیم برای من گریه نکن که باعث عذاب روحم می‌شود چون بالاخره روزی همگی ما خواهیم رفت و از تو می‌خواهم که خوشحال باش و ناراحت نباش که چرا پسرت را از دست داده‌ای پس افتخار کن که پسرت در راه خدا به شهادت رسیده است و نیز گوش به حرفهای شایعه پراکنان نده که تو را از اسلام منحرف می‌کنند و بدان که دشمن هرگز از پا نمی‌نشیند و آرزوی ناراحتی خانواده‌های شهدا و داغداران را می‌نمایند هر چه شما بیشتر ناراحت باشید آنها خوشحالتر خواهند شد پس به خاطر اسلام اگر چه از دست دادن فرزندان مشکل است ولی مادرم صبر پیشه کن و خدا را شکر کن که توانستی مرا سالم به دست همان کسی بدهی که همگی باید به پیش او برویم و آن هم خداست. و اما خواهرم! پیام من به شما این است که در مرگم ناراحت نباشید که دشمن از ناراحتیها سوء استفاده میکند و از تو می‌خواهم که فرزندانت را همچون علی‌اکبر و زینب‌گونه تربیت کن که امیدان آینده کشور هستند. پیام من به شما برادرانم این است که راهم را ادامه دهید و نگذارید اسلحه‌ام بر زمین بیافتد و افتخار کنید که برادرتان در راه خدا به شهادت رسیده است نه در راه باطل. و اما برادران حزب‌الله از شما می‌خواهم در سر هر کاری هستید پاسدار انقلاب باشید و کار خود را به نحو احسن انجام بدهید و از امام پیروی کنید و هرگز او را تنها نگذارید. در ضمن در پایان وصیتنامه‌ام از تمام دوستان و آشنایان طلب عفو می‌کنم امیدوارم که بنده را ببخشید و در آخر اگر جنازه‌ام به دست شما نرسید به یاد هزاران هزار مفقود جنگ باشید و ناراحت نشوید چون مهم راه است و بعد معنویت و نه جسم و مادیت. ضمناً ۳۴ روز روزه مرا برایم قضا نمائید.

**بنده حقیر خدا قربانعلی ابک**

خانواده شهید

بنیاد شهید انقلاب اسلامی شهرستان سرخه

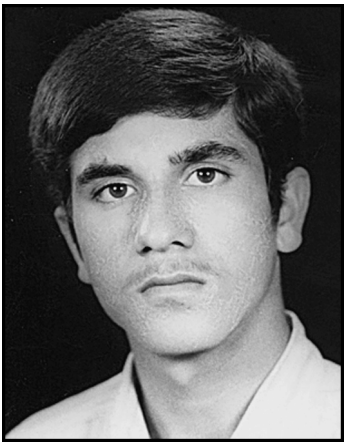

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **ابوالقاسمی**
نام پدر: **غلامعلی**
نام مادر: –
تاریخ تولد: –
محل تولد: **جیلان شاهرود**
تحصیلات: **محصل**
ارگان اعزام‌کننده: –
تاریخ شهادت: **سوم تیرماه ۱۳٦٦**
محل شهادت: **ماوت عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: –

## عبارت‌های کلیدی

- باید این را بدانید که الان جبهه‌ها بیشتر از هر وقت به نیرو احتیاج دارد.
- ما نباید بگذاریم اسلحهٔ خونین دوستان و هم‌سنگران‌مان بر زمین بماند.
- باید راه شهیدان را ادامه بدهیم.
- پدر و مادر عزیزم مرا حلال کنید.
- ای ملّت غیور، فرزندانتان را خانه‌نشین نکنید.
- مانند کسانی که هنوز در خواب به‌سر می‌برند و پنبه‌های سفت را از گوششان شُل نکرده‌اند نباشید.
- اگر من در کنار شما نیستم، خدا در کنار شما هست.
- خدایا، من اگر لیاقت شهید شدن را داشتم ]مرا] یک شهید واقعی گردان.

## محمد ابوالقاسمی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

به‌نام ایزد پاک و منان و خدای زمین و آسمان و تمامی موجودات و با سلام و درود به پیشگاه اقدس باری تعالی و حضرت مهدی موعود(عج) و نایب برحقّش، خمینی کبیر، رهبر انقلاب اسلامی ایران و با سلام و درود بر خانواده‌های شهدا و با سلام به حضرت اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) که شهیدان‌مان به آرزوی او و دیدارش شهید می‌شوند و با سلام به ملّت قهرمان‌پرور ایران.

سلام بر پدر و مادر مهربانم. می‌دانم از اینکه با شما خداحافظی نکردم، ناراحت هستید ولی باید این را بدانید که الان جبهه‌ها بیشتر از هر وقت به نیرو احتیاج دارد و ما نباید بگذاریم اسلحهٔ خونین دوستان و هم‌سنگران‌مان همچون شهید حسن محمّدی[۱] و... بر زمین بماند و باید راه شهیدان را ادامه بدهیم. پدر و مادر عزیزم، از اینکه نتوانستم جبران زحمت شما را در دوران کودکی تا به الان را بکنم و شما خیلی بزرگوار هستید و من هرچه قدر هم کوشش کنم نمی‌توانم زحمت یک شب که من بیدار می‌شدم و تو مرا ساکت می‌کردی را جبران کنم، ولی باید خیلی مرا ببخشید که از شما دور هستم و پدر و مادر عزیزم مرا حلال کنید.

من در خود لیاقت نوشتن وصیت را هم ندیدم، چون وقتی که من وصیّت دیگر شهدا[۲] دیگر را می‌خوانم از خود خجالت می‌کشم. بنده‌ای با این همه گناه چگونه می‌تواند وصیت بنویسد و این را من به‌عنوان عفو و بخشش شما پدر و مادر و خواهر و برادر عزیز وصیت [...][۳] من می‌نویسم و اگر من در کنار شما نیستم، خدا در کنار شما هست. چون خداوند می‌گوید: کسی که می‌گوید اگر به جبهه بروم پدر و مادر و.... مشکلاتی هستند که چشم

---

۱- شهید حسن محمدی، فرزند یزدان، متولد ۱۳٤٥، در روستای حکیم‌آباد از توابع شهرستان علی‌آباد کتول از جمله دوستان شهید ابوالقاسمی بوده است که در تاریخ ۱۳٦٥/۲/۳ در منطقه مریوان به شهادت رسیده و در گلزار شهدای امامزاده عبدالله به خاک سپرده شده است.

۲- در اصل وصیت «شهدای».

۳- خوانا نیست.

امید به من دارند، من خودم به جای تو هستم در پیش پدر و مادرت. تو که بندهٔ من هستی از خود من که بهتر نیستی. پس خدا با شماست. شاید بگویی که تازه آمده‌ای ولی با خبری که تازه به من رسیده است، از من خواسته شده که سریعاً خودم را به منطقه برسانم و من هم با اطاعت از امام و رهبری و ولایت فقیه خود را موظف به انجام آن دانستم. اگر من از این سفر برنگشتم و لیاقت داشتم و به آرزوی خود رسیدم، پدر و مادر بزرگوارم مرا حلال[۱] کنید و در دوری[۲] من صبور باشید که خداوند با شما است.

چند سخن با ملّت مسلمان که ای ملّت غیور فرزندانتان را خانه‌نشین نکنید و نگذارید عمرشان بیهوده از بین برود و مانند کسانی که هنوز در خواب به‌سر می‌برند و پنبه‌های سفت را از گوششان شُل نکرده‌اند نباشید که فرزندانشان در سر کوچه‌ها و خیابان‌ها عمرشان را به بیهوده‌گری و ولگردی و بطالت گذرانده‌اند. من واقعاً وقتی که در جبهه‌ها جوانانی را می‌بینم که چنان با عشق و علاقه و ایمان به خدا می‌جنگند، از خود شرمنده می‌شوم و می‌گویم چرا هنوز من ساخته نشده‌ام، ولی واقعاً جبهه‌ها جای خودسازی و کمال روح و معنویت هر شخص است. والله به خون اباعبدالله و خون‌های ریخته شده در کربلای ایران، اگر در این جهان نتوانیم تقاص[۳] خون شهیدان را از آنان بگیریم ولی خداوند شما را رها نمی‌کند و اگر می‌خواهید پای روی خون‌هایی که در هر کوچه‌ای نشانی از آن است، بنهید این کشور اسلامی جای شما نیست (تبهکاران) و باید از کشور اسلام بیرون بروید، همان‌طوری که اربابانتان را بیرون کردیم، شما را هم بیرون می‌کنیم. خدایا، من اگر لیاقت شهید شدن را داشتم [مرا] یک شهید واقعی‌ام[٤] گردان و همانگونه که پاک به دنیا آوردی، پاک نیز از این جهان ببر. من از کلیهٔ خواهران و برادرانم که در ایام تحصیلاتم در پیش آنان بودم و زندگی را بر آنان سخت کردم، از آنان می‌خواهم که اگر بدی از من دیده‌اند به بزرگواریشان مرا عفو کنند و از زحماتی که در طول این مدت برایم کشیدند، بی‌نهایت

---

۱- در اصل وصیت «حلا».

۲- در اصل وصیت «دوی».

۳- در اصل وصیت «تباس».

٤- در اصل وصیت «واقعی» برای صحت عبارت «واقعی‌ام».

متشکرم. و از کلیهٔ دوستان و آشنایان می‌خواهم اگر از من بدی دیده‌اند، مرا به بزرگواریشان ببخشند و در پایان باز هم از پدر و مادر عزیزم حلالیت می‌طلبم و همیشه از شما می‌خواهم که به فکر امام و رزمندگان باشید و آنان را در سر نمازهایتان دعا کنید.
ان‌شاءالله، به امید پیروزی و من الله توفیق عنده و نصره.
خدایا، خدایا، ستارگان که رفتند خورشید را نگه دار.

**آمین یا رب العالمین**
**محمد ابوالقاسمی- گنبد**
**۶۵/۱۲/۲۶**

«بسم رب الشهداء والصدیقین»

به نام ایزد پاک و نمایندهٔ وجدان آسمانی‌اش در سراسر هستی، و با سلام و درود بر پیشگاه مقدس یاران گمنام
حضرت مهدی موعود (عج) و نایب برحقش خمینی کبیر رهبر فقید بیدار ایران و با سلام و درود بر خانواده‌های معظم شهدا و
با سلام به حضرت آیت‌الله العظمی (دام ظله) که شهیدان ما نه از زندگی او و دیدارش شهید می‌شوند و با سلام به ملت قهرمان
پرور ایران.

سلام بر پیر و رهبر و مرجع بانام من دانم از اینکه با طرح شما خواهان مقاومت نکردم نارحت هستید ولی باید این را بدانید که ما امکان جبهه‌ها
بیشتر از هر وقت نیرو احتیاج دارد و ما نباید بگذاریم اسلام عزیز و دژ نگهبان و همگرایان همچون شهید حسن قهرمان...
عزیزمان بماند و باید راه شهیدان را ادامه بدهیم. پدر و مادر عزیزم از اینکه نتوانستم زحمت شما را در دوران کودکی تا به الان
را بکشم و به خاطر این بزرگوار رشید و من هر قدر هم که بگویم کم است نمی‌توانم زحمت یک شب که من بیداری شما و تو سرانجام می‌کردید
را جبران کنم ولی باید خیلی مرا ببخشید که از شما دور هستم. و پدر و مادر عزیزم مرا حلال کنید
من در حضور لیاقت و شرم وصیت را هم ندارم چون وقتی که من وصیت دیگر شهدای را می‌خوانم از خود سوال می‌کنم که آیا بنده‌ای
با این همه گناه می‌تواند وصیت بنویسد و این را من به همه‌ی شما عزیزان عفو و بخشش شما پدر و مادر عزیز و محبت برادر و خواهر عزیزم
و از همه‌ی آشنایان می‌خواهم حلالم کنید چون خداوند می‌گوید که اگر به همدیگر حلال کنید من هم شما را حلال می‌کنم و گناهان شما را می‌بخشم
تنها چشم امید به من دارند، من خودم به جای تو هستم در پیش پدر و مادرت تو که بندهٔ من هستی از خود در مقابل من طلبکاری پیدا کنی
و بدهکار نباشی و آنها را حلال کنی تا من هم بتوانم با خیال راحت به سوی خدا پرواز کنم و از او بخواهم که تو را ببخشد و از گناهانت بگذرد
و هم با اطاعت از امام و رهبری و ولایت فقیه خود را موظف به انجام آن دانستم. اگر من از این سفر برنگشتم ولیاقت داشتم و به
آرزوی خود رسیدم پدر و مادر عزیزم مرا حلال کنید و در روی من صلوات بفرستید که خداوند با شما باشد

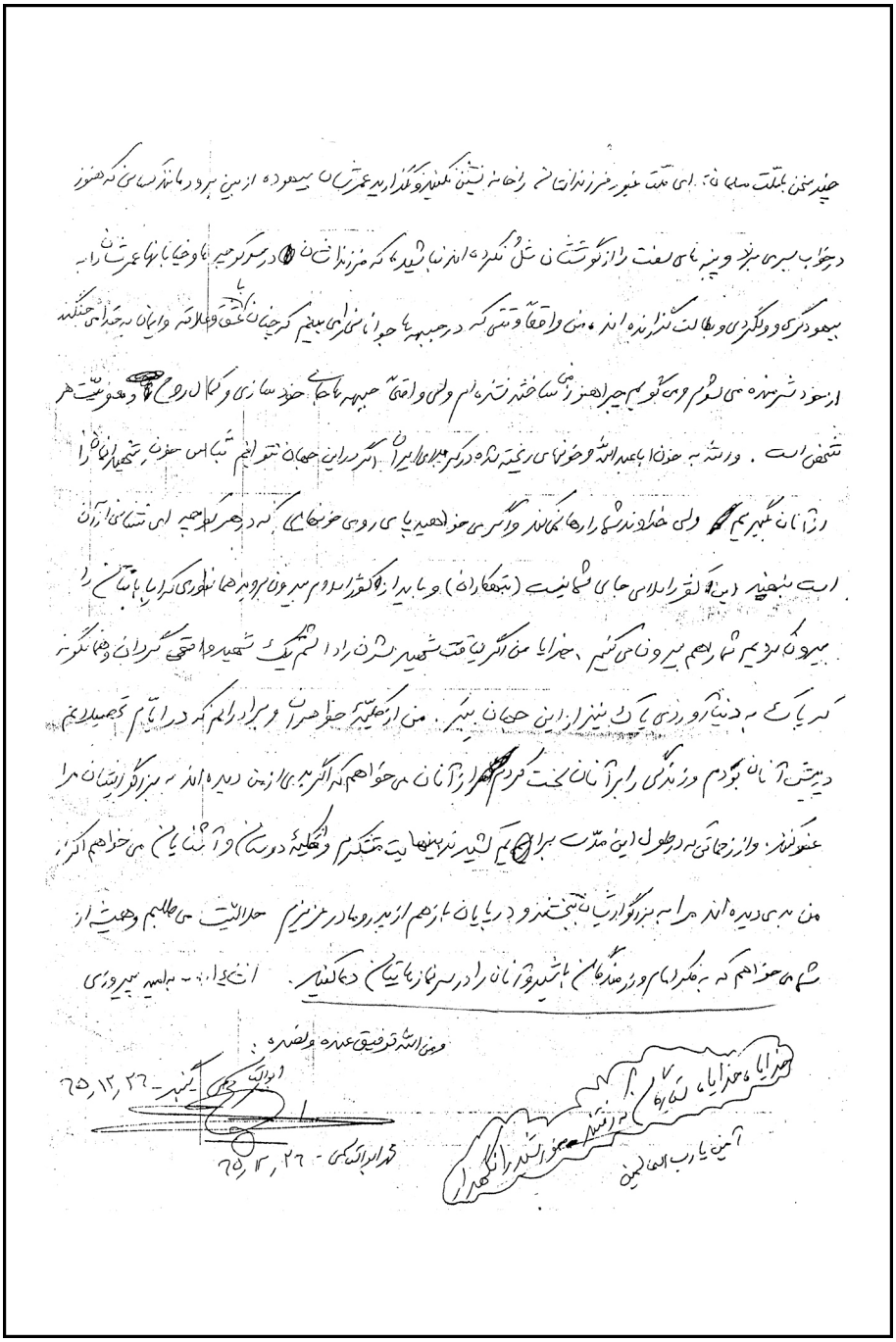

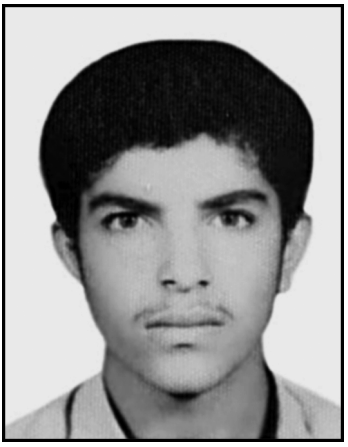

نام: **حسام‌الدین**
نام خانوادگی: **ابوالمعالی**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **شهربانو**
تاریخ تولد: **یکم مرداد ۱۳٤٤**
محل تولد: **شهرستان مهدی‌شهر**
تحصیلات: **دانشجوی سال دوم کارشناسی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ام اردیبهشت ۱۳٦٥**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- با درود و سلام بر خانواده‌های معظم شهدا.
- انگیزه‌ای که من برای آن به جبهه آمدم آن تکلیف شرعی بود.
- برای این به جبهه آمدم تا به ندای «هل من ناصر» حسینِ زمانمان لبیک گفته باشم.
- برای این به جبهه آمدم تا راه حسین(علیه‌السلام) را، که با ریختن خون پاک خود در صحرای کربلا بنیان نهاد، رفته باشم.
- برای این به جبهه آمدم تا خود را در این دانشگاه بزرگ انسان‌سازی بسازم.
- مسلمان باید حتماً خودش را با رفتن به جبهه و اعمال خیر دیگر متذکر سازد.
- شهادت رهی است که انسان عاقل آن را انتخاب می‌کند.
- شهادت رهی است که امام حسین(علیه‌السلام) و ائمه اطهار انتخاب کردند.

## حسام‌الدین ابوالمعالی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

**«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل‌الله فیقتلون و یقتلون وعدا علیه حقا فی التوراة و الأنجیل و القران و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک هوالفوز العظیم».**[1]

«خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدیست که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا باوفاتر به‌عهد کیست ای اهل ایمان. شما به‌خود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگی است».

من در ره حق ندارم از مردن باک — خواهم که شوم به وقت جان دادن پاک
جان هر چه رسد ز جانب دوست نکوست — از تیر بلای حق نگردم غمناک

با درود و سلام بر منجی عالم بشریت، امام زمان(عج) و نایب برحقش، امام خمینی و با درود و سلام بر حماسه‌آفرینان جبهه توحید، رزمندگان سلحشور ایران و با درود و سلام بر خانواده‌های معظم شهدا.

این حقیر، محمد ابوالمعالی، برحسب وظیفه و نیازی که در این برهه از زمان احساس می‌شود اقدام به نوشتن چند سطری به‌عنوان وصیت‌نامه نمودم که امیدوارم مورد رضای حق‌تعالی قرارگیرد. انگیزه‌ای که من برای آن به جبهه آمدم آن تکلیف شرعی بود که اماممان بر دوش ما نهاده بود. برای این به جبهه آمدم تا به ندای «هل من ناصر»[2] حسینِ زمانمان لبیک گفته باشم. برای این به جبهه آمدم تا راه حسین(علیه‌السلام) را، که با ریختن خون پاک خود در صحرای کربلا بنیان نهاد، رفته باشم. برای این به جبهه آمدم تا خود را در این دانشگاه بزرگ انسان‌سازی بسازم. انسان خیلی سست و لغزان است، تا تذکر و یادآوری

---

۱- توبه/ ۱۱۱، در اصل وصیت «آیه ۱۱۰ سوره توبه» آمده است.
۲- ر.ک. تعلیقات.

نباشد و از خدا غافل شده[۱] راه پستی را در پیش می‌گیرد. مسلمان باید حتماً خودش را با رفتن به جبهه و اعمال خیر دیگر متذکر سازد، تا خدای نکرده مورد غضب خدا قرار نگیرد. خدایا، پناه می‌برم به تو از غضبت، خدایا، خداوندا، شهادت، این فوز عظیم، را نصیب من گردان تا شاید به این وسیله گناهان زیاد من بریزد و به قرب تو برسم. خدایا، خداوندا، شهادت نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به توست. شهادت رهی است که انسان عاقل آن را انتخاب می‌کند. شهادت رهی است که امام حسین (علیه‌السلام) و ائمه اطهار انتخاب کردند. شهادت رهی است که شهدای انقلابمان همچون بهشتی[۲] و رجائی[۳] و باهنر[٤] و مطهری[٥] انتخاب کرده‌اند. مسلماً این راهی است که انسان را به کمال می‌رساند. این راه تنها راه و بهترین و نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به لقاءالله است. خدایا، خداوندا، شکرت می‌گذارم از اینکه مرا از زمره شهدا قرار دادی و مرا از روزی خود متنعم ساختی. برادران عزیز، انقلابمان به فداکاری‌های زیادی نیاز دارد. انقلابمان، بعد از گذشتن هفت سال، احتیاج به پاکسازی ادارجات و کارخانجات و دیگر مکان‌ها دارد. انقلابمان به عالمانی همچون طباطبائی[٦] و مطهری نیاز دارد. انقلابمان نیاز به متخصصین و مبتکرین متعهد دارد. کلمهٔ تعهد در بین علما و متخصصین خیلی مهم است، چون انقلابمان از عالمان بی‌عمل ضربه خورده و می‌خورد و متخصصین بی‌تعهد هستند که علمشان را در راه غیرخدا به‌کار گرفته به انقلابمان ضربه می‌زنند. دوستان و برادران دانشجو، مسئولیت شما در دانشگاه‌ها خیلی سنگین است. شما عزیزان باید در دانشگاه‌ها فداکاری و جان‌گذشتگی‌های زیادی بکنید. نباید بگذارید از این دانشگاه‌ها کسانی بیرون بیایند که به خون ملت تشنه و نسبت به این انقلاب و رهبری آن بی‌تفاوت و بلکه دشمن باشند. برادران دانشجو، این واقعاً ضایعه[۷]

---

۱- در اصل وصیت یک «واو» اضافه بود.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

٤- ر.ک. تعلیقات.

٥- ر.ک. تعلیقات.

٦- ر.ک. تعلیقات.

۷- در اصل وصیت «ضایع».

بزرگی است که برادران حزب‌الهی به دانشگاه‌ها بروند و بعد از اینکه فارغ‌التحصیل شدند آدم‌های بی‌خود و بی‌تفاوت باشند. برادران حزب‌الله باید در زمینه درسی کوشا و پیشتاز از دیگران باشند. آنها باید دانشگاه‌ها را پر کنند تا جای خالی برای افراد ملحد باقی نماند. حوزه‌ها، این مراکز سیاسی و معنوی، باید قداست خودش را حفظ کند و برادران طلبه و دیگر برادران باید نگذارند که خدای نکرده از حوزه‌ها افراد ضد خدا با افکار سیاسی غلط بیرون بیایند. از برادران و خواهران انتظار دارم پشتیبان ولایت فقیه بوده و امر او را امر رسول‌الله بدانند و بدون هیچ کم‌وکاستی اطاعت کنند. امروز مسئله اصلی کشورمان جنگ است و این جنگ باید تا دفع کل فتنه از عالم ادامه داشته باشد.[1] نکند وسوسه‌ها و زمزمه‌هایی شروع شود که این جنگ را به صلح تحمیلی بکشاند. صلح تحمیلی یعنی پایمال شدن این همه خون شهید. برادران عزیز مسئله جنگ را مسئله اصلی خود بدانند و از کمک به جبهه، چه در خط مقدم و چه در پشت جبهه، دریغ نکنند. امروز کسانی که می‌گویند باید امام زمان بیاید تا در جوار او مبارزه کنیم و ظلم و فساد را ریشه‌کن کنیم رجوع به خودشان بکنند، ببینند آیا واقعاً این کار را می‌کنند، یا اینکه به مبارزه با او برمی‌خیزند. امروز که نایب او، امام خمینی، برای ظهور امام زمان به جنگ با دشمنان او برخاست، حاضر به شرکت و همکاری در این مبارزه بی‌امان نمی‌شوند، ببین چگونه ادعا دارند که ما مبارزه را در رکاب آن حضرت می‌کنیم. عزیزان، اگر فرزندان شما مایلند به جبهه بروند مانع و جلوگیر آنها نباشند، بلکه مشوق آنها باشند. فرزندان خود را با فرستادن به جبهه بیمه کنید تا از هرگونه فساد اخلاقی و انحرافات فکری در امان باشند. در پایان از برادران تقاضا دارم که برای ظهور امام زمان(عج) دعا کنند و خود را آماده برای ظهور امام زمان کنند.

**«والسلام»**

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**

**مورخه ٦٥/٢/٢٧ ابوالمعالی**

---

۱- تعبیر«جنگ جنگ تا رفع فتنه از جهان» از سخنان حضرت امام خمینی است.

ضمناً ۸ روز روزه از پارسال و چند روز از امسال روزه قرض به گردن من است. قرض روزه‌های[۱] مرا به برادران بسیجی بدهند و خرج‌هایی که برای من می‌دهند، سعی کنند بیشتر برادران بسیجی را دعوت کنند. اگرچه اقوام و دوستان جای خود دارند و با عرض معذرت اگر امکان دارد مقداری نماز هم برای من قرض بدهید و از خدا برایم طلب مغفرت کنید. مقدار خمسی که قرار بود بدهم و نَنَه[۲] در جریان آن است، بدهید و مبلغ ۵۰۰ تومان پول در بانک تهران دارم که دفترچه آن در داخل کیف من است و آن ساعتی که خریده بودم و در دست محمود است. پدرم یا علی یا حسین هرکدام که صلاح می‌دانید، بردارید و کتاب‌های درسی‌ام[۳] که به درد علی سلمان می‌خورد بردارد. ضمناً به او بگویید از طرف من از هم اتاقی‌هایم، از اینکه آنها را اذیت کردم، معذرت‌خواهی کند و به آنها بگوید که مرا حلال کنند و برایم دعا کنند و نیز از دوستان دیگر دانشگاهی‌ام[٤] طلب حلالیت کند. از خاله‌هایم، مخصوصاً خاله ایران، می‌خواهم که اگر من یا دیگران شهید شدیم بی‌تابی نکند و توکل بر خدا کند و راضی باشد به رضای خدا. از عمه‌ها و دیگر اقوام حلالیت می‌طلبم و از آنها تقاضا دارم پشتیبان این انقلاب و جنگ و رهبر انقلابمان باشند و راهم را ادامه دهند. در پایان از خانواده‌ام تقاضا دارم اگر جنازه به دستشان رسید، مرا در کنار دیگر شهدای مهدی‌شهر به خاک بسپارند.

مطالب و وصیت‌ها زیاد است که اینجا جای آن نیست. از خانواده‌ام تقاضا دارم اگر کم‌وکاستی در وصیت‌نامه وجود دارد، آن را آن‌طور که صلاح می‌دانند برطرف کنند.

**مورخه ٦٥/٢/٢٧**

**حمیدیه**

**ابوالمعالی**

---

۱- در اصل وصیت «روزهای».

۲- در اصل وصیت «نه‌نه».

۳- در اصل وصیت «درسیم».

٤- در اصل وصیت «دانشگاهیم».

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

«**انفروا خفافا و ثقالا و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون**»[1] «برای جنگ با کافران سبک‌بار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید که این کار شما را بسی بهتر است اگر مردمی با فکر و دانش باشید».

مبادا خویشتن را واگذاریم — امام خویش را تنها گذاریم
ز خون هر شهیدی لاله‌ای رست — مبادا روی لاله پا گذاریم[2]

با درود و سلام بر مهدی موعود، منجی عالم بشریت، با سلام و درود بر نایب برحقش امام امت، خمینی بت‌شکن، وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم.

خدایا، خداوندا، تو شاهدی که من برای رضای تو و برای اجرای امر تو به جبهه رفتم من برای اینکه به ندای اماممان لبیک گفته باشم و برای اینکه سلاح شهیدان را گرفته و ادامه‌دهندهٔ راهشان باشم به جبهه‌ها رفتم.

من خدا را شکر می‌کنم که مرگ مرا شهادت در راه خودش قرار داد و بر من و خانواده‌مان منت گذاشت و همان‌طور که خداوند متعال در آیهٔ فوق فرموده، «ما باید از شهرهای خودمان کوچ کنیم و جان‌های خود را در راه خدا بدهیم».[3]

پیامی که من به مردم شهیدپرور مهدی‌شهر دارم این است که هرگز از خدا غافل نشوند، و این شهیدان باعث کسالت روحیه آنان نشوند، بلکه باعث تقویت روحیه آنان شوند و همیشه به یاد خدا باشند و عمل صالح انجام دهند که این دنیا دو روز است و اگر امروز کار نیک انجام دهند، فردا در روز قیامت سرافراز هستند و پیامی که به معلمان دارم این است که تحت‌تأثیر دسیسه‌های شیطان قرار نگیرند و این مسئولیت سنگینی که بر دوش

---

۱- توبه/ ٤١.

۲- قیصر امین‌پور، در کوچه آفتاب.

۳- این عبارت شهید که داخل گیومه گذاشته‌ایم به آیه ۲۰ از سورهٔ توبه اشاره دارد، می‌توان همین عبارت را ترجمه آزادی از آیات دیگر از جمله آیه‌های ٧٤ و ٧٥ انفعال و ۵۸ حج هم دانست.

آنها است به‌خوبی انجام دهند. معلمین عزیز باید توجه داشته باشند که آنها با نفوس بچه‌ها سروکار دارند و اگر خودشان ساخته شده باشند، می‌توانند دیگران را هم بسازند. و اگر خدای نخواسته منحرف باشند، به هیچ‌وجه نمی‌توانند دیگران را هدایت کنند و نیز معلمین باید توجه داشته باشند که کارها را به‌خوبی انجام دهند و برای رضای خدا انجام دهند و از زیر مسئولیت‌ها شانه خالی نکنند و کارها را مخلصانه انجام دهند و پیامی که به دانش‌آموزان دارم این است که همراه درس خود و همراه با کسب علم جنبه معنوی خود را تقویت کرده و تقوا و پرهیزکاری را پیشه کنند، که علم بدون تقوا به درد نمی‌خورد و برای تقویت تقوا باید سختی‌های زیادی را متحمل شوند تا همچون طباطبائی‌ها به مقام قرب الهی برسند. دانش‌آموزان و تمامی مردم توجه داشته باشند که نماز جماعت را همان‌طور که امامان فرمود ترک نکنند و این مسجدها را پر کنند[1] که به قول امامان دشمن از همین مسجدها می‌ترسد[1] و همیشه دنباله‌رو روحانیت و امامان باشند که این روحانیت است که اسلام را از زمان پیامبر تا حالا حفظ کرده و به ما رسانده[1] و حالا وظیفه‌مان این است که آن را حفظ کرده و زمینه را برای ظهور حضرت مهدی آماده کنیم تا انشاءالله به زودیِ زود تمامی ستمگران نابود شده و اسلام در تمامی کره خاکی جهان‌گستر شود. انشاءالله

**«والسلام»**

**۱۳۶۲/۱۱/۲۹، خیمه‌گاه جندالله، ابوالمعالی**

---

۱- برگرفته از سخنان حضرت امام خمینی در اهمیت نماز جماعت و مسجد و روحانیت. وصایای شهید می‌تواند مأخوذ یا تحت تأثیر عبارت‌های زیر از حضرت امام باشد: ۱- «... نماز را در جماعت بخوانید؛ اجتماع باید داشت». (تبیان آثار موضوعی دفتر ۷، امام در سنگر نماز) ۲- «اسلام مساجد را سنگر قرار داد». (همان، ص۱۷۳) ۳- «مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسب‌ترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند». (همان، ص۱۷٤).

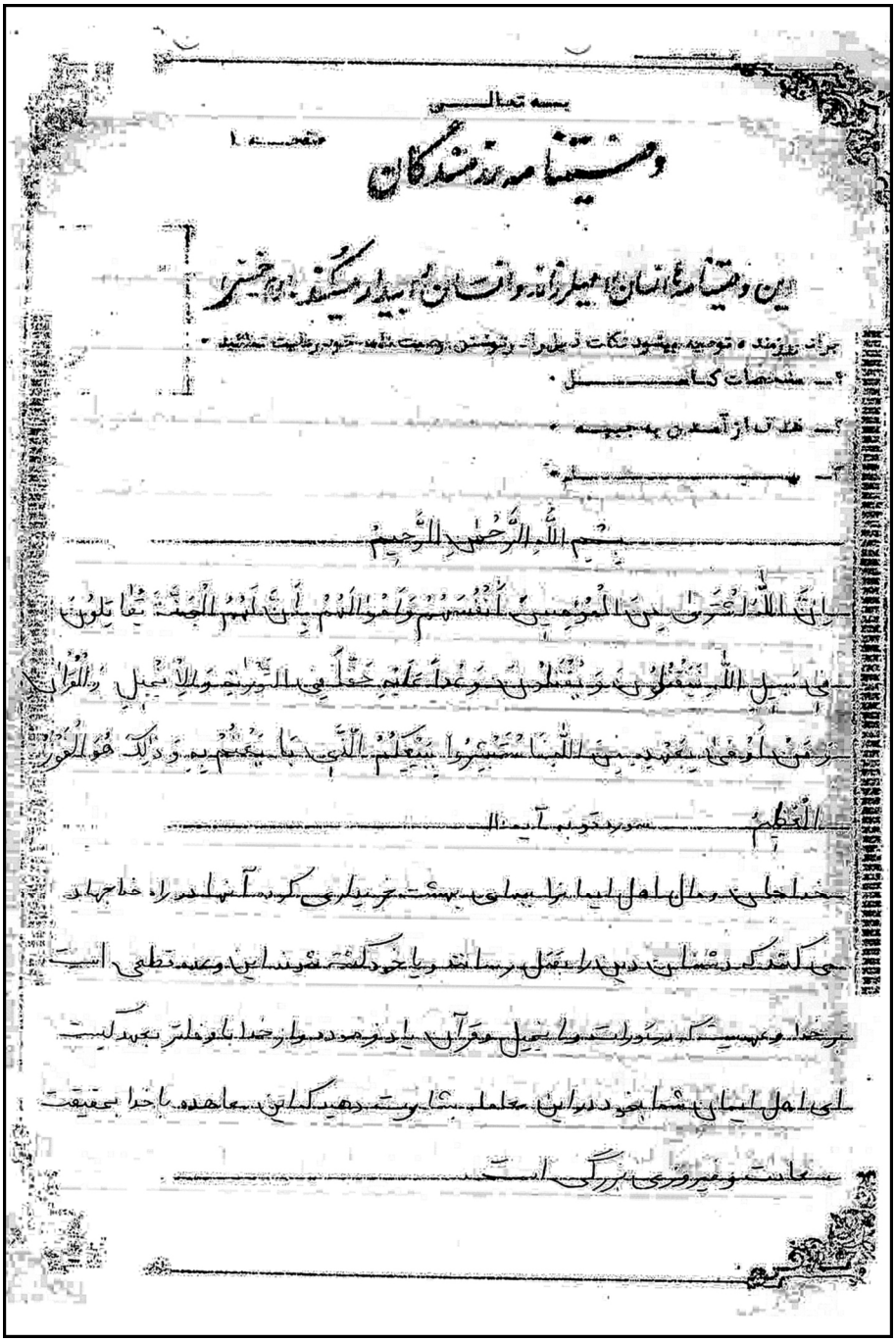

به تعالی

صفحه ۱

# وصیتنامه بزرگمندگان

این وصیتنامه انسان را بیدار میکند و به خیر

برای برزمند، توصیه بهبود نکات زیر را در متن وصیت‌نامه خود رعایت نمائید.

۱ــ مشخصات کامل.

۲ــ هدف از آمدن به جبهه.

۳ــ

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعدا علیه حقا فی التورات و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم

سوره توبه آیه ۱۱۱

خداوند و مال اهل ایمان را بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را بقتل رسانند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و ثبت است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا باوفاتر بعهد کیست ای اهل ایمان شما خود در این معامله بشارت دهید که این معامله با خدا بحقیقت سعادت و پیروزی بزرگ است

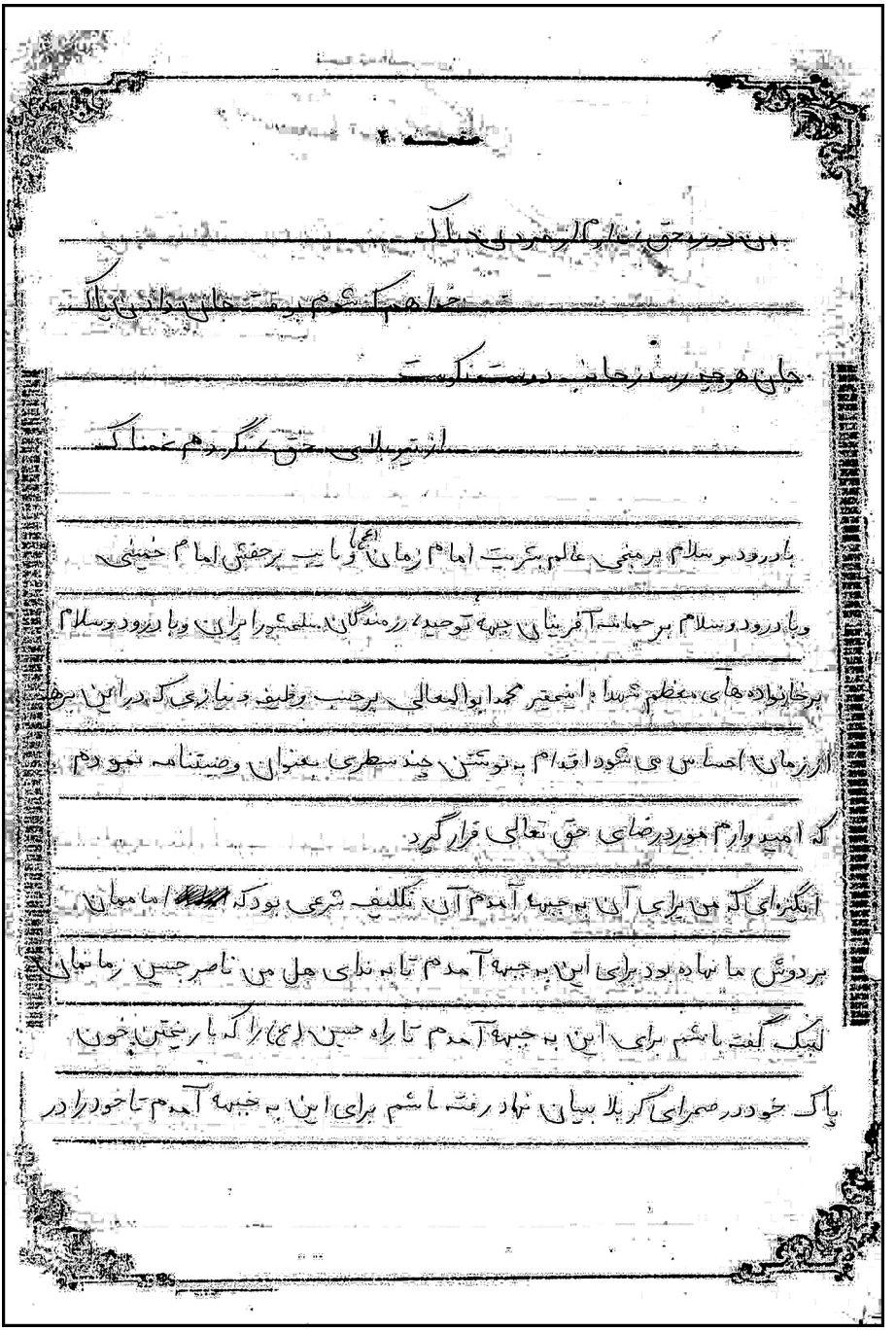

بسم الله الرحمن الرحیم

خدایا کمکم بده جان بدادن را پاک

جان هر دو سرباز ما نیست ناپاک

از تیر بلای حق نگردد غمناک

با درود و سلام بر منجی عالم بشریت امام زمان (عج) و نایب برحقش امام خمینی

و با درود و سلام بر جامعه آفرینان جبهه توحید، رزمندگان اسلام عزیز ایران و با درود و سلام

بر خانواده های معظم شهدا، اینجانب محمد ابوالمعالی بر حسب وظیفه و نیازی که در این برهه

از زمان احساس می شود اقدام به نوشتن چند سطری بعنوان وصیتنامه نمودم

که امیدوارم مورد رضای حق تعالی قرار گیرد

انگیزه ای که من را برای آمدن به جبهه آمدم آن تکلیف شرعی بود که [redacted] ما میان

بر دوش ما نهاده بود برای این به جبهه آمدم تا به ندای هل من ناصر حسین (ع) زمانیان

لبیک گفته باشم برای این به جبهه آمدم تا راه حسین (ع) را که با ریختن خون

پاک خود در صحرای کربلا بیان نهاد رفته باشم برای این به جبهه آمدم تا خود را در

صفحه ۳

این دانشگاه بزرگ انسان سازی بسازم انسان خیلی ست و لغزان است
تا به کردو یاد آوری نباشد و از خدا غافل نشده و راه بستی را در پیش می گیرد مسلمان باید
حتما خودش را بارفتن به جبهه و اعمال خیر دیگر متذکر سازد تا خدای نکرده مورد غضب خدا قرار نگیرد
خدایا پناهی برم به تو از غضبت، خدایا خداوندا شهادت این نور عظیم را نصیب من
گردان تا شاید به این وسیله گناهان زیاد من بریزد و به قرب تو برسم خدای خداوندا شهادت
نزدیکترین راه برای رسیدن به توست شهادت رهی است که انسان عاقل آن را انتخاب
می کند شهادت رهی است که آگاهان و آنانکه اطهار انتخاب کردند شهادت رهی است
که شهدای انقلابمان همچون بهشتی و رجائی و باهنر و مطهری انتخاب کرده اند مسلما
این راهی است که انسان را بکمال می رساند این راه انتها راه و بهترین و نزدیکترین راه
برای رسیدن به لقاالله است خدایا خداوندا شکرت می گذارم از اینکه مرا از زمره شهدا قرار
دادی و مرا از روزی خود متنعم ساختی برادران عزیز انقلابمان به فداکاریهای زیادی نیاز
دارد انقلابمان بعد از گذشت هفت سال احتیاج به پاکسازی ادارجات و کارخانجات و دیگر
مکانها دارد انقلابمان به عالمانی همچون طباطبائی و مطهری نیاز دارد انقلابمان نیاز به

متخصص و متفکر بی تعهد دارد کلمه تعهد در بین علما و متخصص خیلی مهم است چون انقلابمان از عالمان بی عمل ضربه خورده و می خورد و متخصص بی تعهد هستند که علمشان را در راه غیر خدا بکار گرفته به انقلابمان ضربه می زنند دوستان و برادران دانشجو مسئولیت شما در دانشگاهها خیلی سنگین است شما عزیزان باید در دانشگاهها هنرکاری و جانگذشتگی های زیادی بکنید نباید بگذارید از این دانشگاهها کسانی بیرون بیایند که بخون ملت تشنه و بنت به این انقلاب و رهبری آن بی تفاوت و یا دشمن باشند برادران دانشجو این واقعاً بمایه بزرگی است که برادران حزب الهی به دانشگاهها بروند و بعد از اینکه فارغ التحصیل شدند آدمهای بی خود و بی تفاوت باشند برادران حزب الله باید در رشته درسی که شما و پس از دیگران باشند آنها باید دانشگاهها را پر کنند تا جای خالی برای افراد ملحد باقی نماند حوزه ها این مراکز سیاسی و معنوی باید قداست خودش را حفظ کند و برادران طلبه و دیگر برادران باید نگذارند که خدای نکرده از حوزه ها افراد ضد خدا با افکار سیاسی غلط بیرون بیایند از برادران و خواهران انتظار دارم پشتیبان ولایت فقیه بوده و امر او را امر رسول الله بدانند و بدون هیچ تردید و کوتاهی از اطاعت کنند امروز مسئله اصلی کشور ما جنگ است و این جنگ باید تا رفع کل فتنه از عالم ادامه داشته باشد نکند وسوسه ها و زمزمه هائی شروع شود که این جنگ را به صلح فعلی بکشاند صلح فعلی یعنی پایمال شدن این همه خون شهید برادران عزیز مسئله جنگ را مسئله اصلی خود بدانند و از کمک به جبهه چه در خط مقدم و چه در پشت جبهه در یغ نکنند امروز کسانی که می گویند باید امام زمان بیاید تا در جوار او به مبارزه کنیم و ظلم و فساد را ریشه کن کنیم رجوع به خودشان بکنند ببینند آیا واقعاً این کار را می کنند یا اینکه به مبارزه با او بر می خیزند امروز که نایب او امام خمینی برای ظهور امام ما جنگ با دشمنان او بر خاسته حاضر به شرکت و همکاری در این مبارزه بی امان نمی شوند بین چگونه ادعا دارند که ما مبارزه را در رکاب آن حضرت می کنیم عزیزان اگر فرزندان شما مایلند به جبهه بروند مانع و جلوگیر آنها نباشید بلکه مشوق آنها باشید فرزندان خود را با فرستادن به جبهه بیمه کنید تا از هرگونه فساد اخلاقی و انحرافات فکری در امان باشند در پایان از برادران تقاضا دارم که برای ظهور امام زمان (عج) دعا کنند و خود را آماده برای ظهور امام زمان کنند والسلام

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

مورخ ۷۵/۲/۲۷

ابوالمعالی

تقریباً ۸ روز روزه از یازده سال و چند روز از امسال روزه قرض نگردن من است قرض روزهای مرا برادران بسیجی بدهند و خرجهائی که برای من می‌دهند سعی کنند بیشتر برادران بسیجی را دعوت کنند اگرچه اقوام و دوستان حالی خود دارند و عازم مغفرت اگر امکان دارد مقداری نماز هم برای من قرض بدهید و از خدا برایم طلب مغفرت کنند مقداری هم که تراول بودیدهم و سند در جریان آن است بدهید و مبلغ ۵۰۰ تومان پول در بانک تهران دارم که در حرکت در داخل کفن من است و آن سابقی که غریبه بودم و در دست عمو داشت پدرم یا علی یا حسن هرکدام که صلاح می‌دانید بدهید و کتابهای درسم که پدر علی‌سلمان می‌خورد بردارد خدا بیامرزد اگر غرض من ارهم [illegible] تا فهیمه از بابک آنها را از من گرفتم مغفرت خواهی کند و آنها بگوید که مرا حلال کند و برایم دعا کنند و نیز از دوستان دیگر تقاضا کنیم طلب حلالیت کنند از خالها یم مخصوصاً خالد ایران می‌خواهم که اگر من با دیگران نمی‌توانستم حلالیت بکنم و توکل برخدا کند و راهی با کسب رضای خدا از همه‌ها و دیگر اقوام حلالیت می‌طلبم و از آنها تقاضا دارم چنانچه این انقلاب و جنگ و رهبر انقلابمان امت را هم از ادامه دهند و بپایی از خانواده‌ام تقاضا دارم اگر خدا از من بستانی بر سر مزار دیگر شهدای مهدیشهر خاک بسپارند طلب و وصیتهایی داشت که اینجا حالی آنها نیست از خانواده‌ام تقاضا دارم اگر کم و کاستی در وصیت‌نامه وجود دارد آن را آنطور که صلاح می‌دانند برطرف کنند

در خدمت ۲۷ / ۲ / ۶۵

حمیدیه

[illegible]

وصیت نامه شهید حسام الدین ابوالمعالی

«بسم الله الرحمن الرحیم»

انفروا خفافا و ثقالا و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون

برای جنگ با کافران سبک بار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و

ان جهاد کنید که این کار شما را بسی بهتر است اگر مردمی با فکر و دانش باشید

با خویشتن را واگذاریم — اما خویش را تنها گذاریم
تو امر شهیدی لالای ربت — مبادا روی لالا یا گذاریم

با درود و سلام بر مهدی موعود منجی عالم بشریت با سلام و درود بر نایب برحقش امام امت خمینی بت شکن وصیت نامه خود را شروع میکنم

ای خداوند تو شاهدی که من برای رضای تو و برای اجرای امر تو به جبهه آمدم من برای اینکه به ندای امامم لبیک گفته باشم و برای اینکه سلاح میدان را گرفته و از مهد دهنده را هشای باشم به جبهه ها رفتم من خدا را شکر میکنم که مرگ مرا شهادت در راه خودش قرار داد و بر من و خانواده‌ام منت گذاشت و همانطور که خداوند متعال در آیه شریفه فرموده ما باید از شهر و خانه و مال خود کوچ کنیم و جانهای خود را در راه خدا بدهیم پیامی که من به مردم شهید پرور همدان شهر دارم این است که هرگز از خط عاشورا غافل نشوند و این شهیدان باعث کمالت روحیه آنان نشوند بلکه باعث تقویت روحیه آنان شوند و همیشه یاد خدا باشند و عمل صالح انجام دهند که این دنیا دو روز است و اگر امروز کار نیک انجام دهند فردا در روز قیامت سرافراز هستند و پیامی که به معلمان دارم این است که قدمت تأثیر دسیسه های شیطان قرار نگیرند و این مسئولیت سنگینی که بر دوش آنها است بخوبی انجام دهند معلمین عزیز باید توجه داشته باشند که آنها با نفوس پیچیده سر و کار دارند و اگر خود شان ساخته شده باشند میتوانند دیگران را هم بسازند

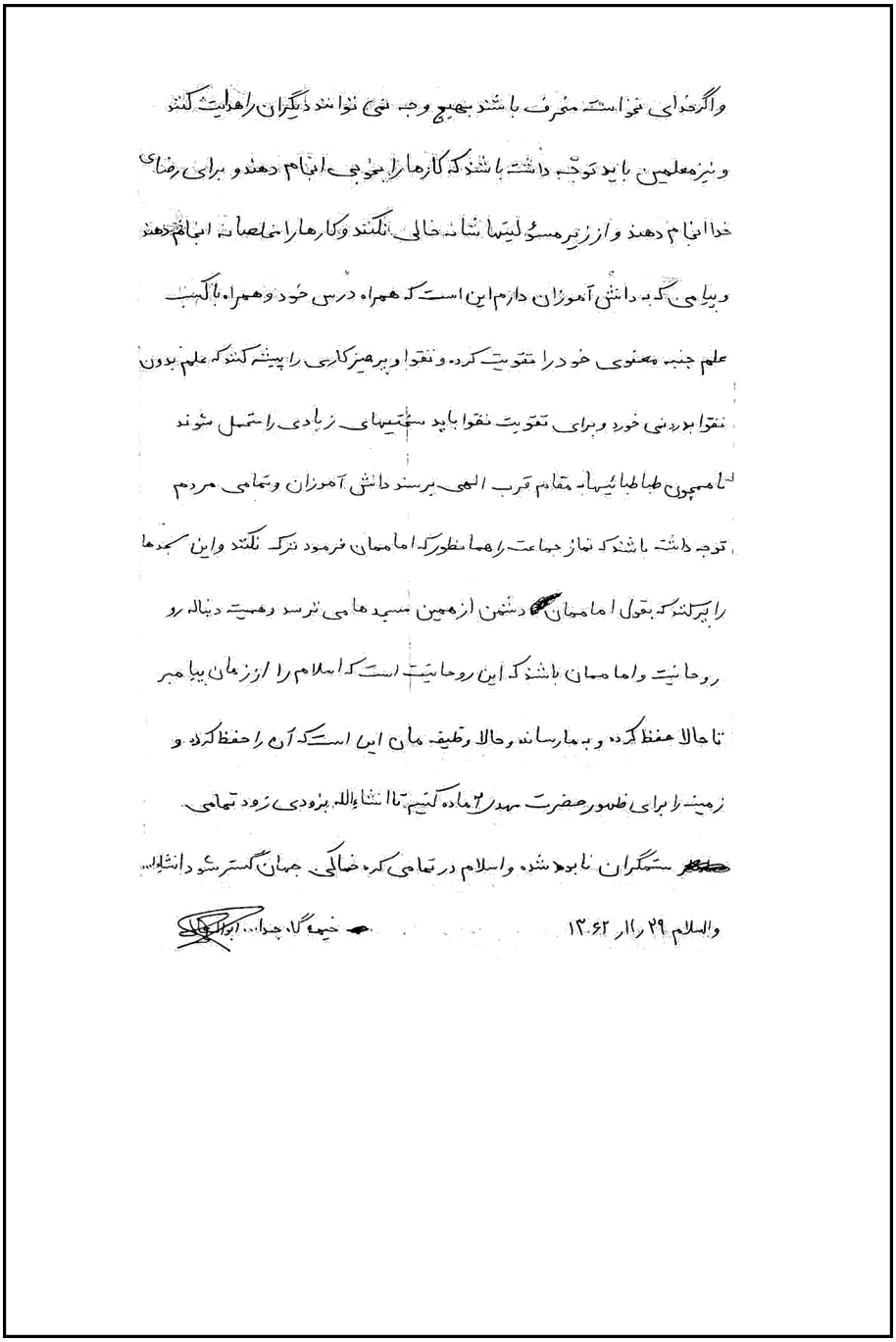

واگر خدای نخواسته منحرف باشند بهیچ وجه نمی توانند دیگران را هدایت کنند
و نیز معلمین باید توجه داشته باشند که کارها را بنحوی انجام دهند و برای رضای
خدا انجام دهند و از زیر مسئولیتها شانه خالی نکنند و کارها را خلاصانه انجام دهند
و پیامی که به دانش آموزان دارم این است که همراه درس خود و همراه با کسب
علم جنبه معنوی خود را تقویت کرده و تقوا و پرهیزکاری را پیشه کنند که علم بدون
تقوا بدردی نخورد و برای تقویت تقوا باید سختیهای زیادی را تحمل شوند
تا همچون طباطبائیها به مقام قرب الهی برسند دانش آموزان و تمامی مردم
توجه داشته باشند که نماز جماعت را همانطور که امامان فرمودند ترک نکنند و این سجده ها
را پر کنند که بقول امامان دشمن از همین سجده ها می ترسد و همیشه دنباله رو
روحانیت و امامان باشند که این روحانیت است که اسلام را از زمان پیامبر
تا حالا حفظ کرده و به ما رسانده و حالا وظیفه ما ن این است که آن را حفظ کرده و
زمینه را برای ظهور حضرت مهدی (عج) آماده کنیم تا انشاءالله بزودی زود تمامی
ستمگران نابود شوند و اسلام در تمامی کره خاکی جهان گسترش و انشاءالله

والسلام ۲۹ / ۱۱ / ۶۲ ۱۳ خمینه گان جواد ابراهیمی

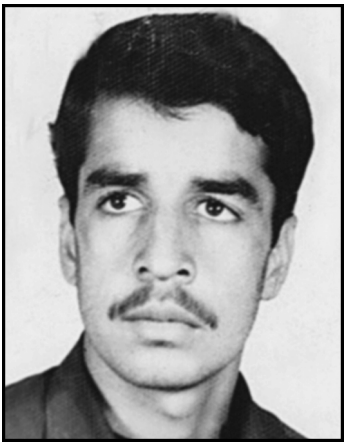

نام: **ابراهیم**
نام خانوادگی: **ابوتراب**
نام پدر: **فتح‌الله**
نام مادر: **ربابه**
تاریخ تولد: **سوم مهر ۱۳٤٤**
محل تولد: **روستای گرمن از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی ۱۳٦٥**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدایا، غیر از تو کسی را ندارم و تنها معبودم تویی.
- خدایا، تو می‌دانی که به‌خاطر رضای تو و رسالت و مسئولیتی که نسبت به انقلاب داشتم، پای در جبهه گذاشتم.
- از تو ای مهربان خدا می‌خواهم که توفیق شهادت در راهت را نصیبم کنی.
- زمان زمان حسین و ایام عاشوراست.
- شهدا را فراموش نکنید.
- مسئله جنگ، که مسئله اصلی است، فراموش نشود.
- ای منافقین و ای مزدوران استکباری که بویی از وجدان و انسانیت نبرده‌اید، بدانید که روزی رزمنده‌های ما به سراغ شما خواهند آمد.
- تقاضامندم که همیشه حامی اسلام و روحانیت مبارز و در خط امام باشید.
- امام عزیز را تنها نگذارید که نخواهید گذاشت.

## ابراهیم ابوتراب

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

«**الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی‌سبیل‌الله**[۱] **امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**».[۲]
«**اشهد ان لا اله الاالله و اشهد ان محمد رسول‌الله و اشهد ان علی ولی‌الله**».[۳]
اینجانب، ابراهیم ابوتراب، فرزند فتح‌الله، وصیت‌نامهٔ خود را به شرح ذیل تقدیم می‌کنم. خدایا، پناه می‌برم بر تو. پس کمکم کن تا بتوانم حقیقتی را که در اعماق وجودم نهفته به رشتهٔ تحریر درآورم. الهی و ربی من لی غیرک.[٤] خدایا غیر از تو کسی را ندارم و تنها معبودم تویی. خدایا در دعای با عظمت کمیل می‌خوانم که «**اللهم فاقبل عذری و ارحم شدة ضری و فکنی من شد وثاقی یا رب ارحم ضعف بدنی**».[٥] ای خدای من، عذر مرا بپذیر و رحم کن بر ناتوانی‌ام و رهایی ده مرا از بند سخت گناهانم و رحم کن بر ناتوانی بدنم. خدایا، خود می‌دانی که به‌خاطر رضای تو و رسالت[٦] و مسئولیتی که نسبت به امام و انقلاب داشتم، پای در جبهه گذاشتم و جان بی‌ارزش خود را به کف گرفته، تا بتوانم با نثار جانم در راه اسلام و قرآن ادای تکلیف کرده باشم و اکنون که خود را سربازی نالایق برای اسلام و امام می‌دانم، از تو ای مهربان خدا می‌خواهم که توفیق شهادت در راهت را نصیبم کنی. خداوندا، در جای دیگر از دعای کمیل می‌خوانم که «**ولایمکن الفرار من حکومتک**».[۷] و گریز از قلمرو حکومتت ممکن نیست. پس پناه می‌برم بر تو ای تنها معبود عاشقان.

---

۱- توبه/ ۲۰. ترجمه: آنها که ایمان آورده و هجرت اختیار کرده و در راه خدا با مال و جان جهاد کرده‌اند.

۲- بخشی از آیه ۱٦۹ سورهٔ آل‌عمران است که شهید در اصل وصیت‌نامه آن را در ادامه قسمتی از سورهٔ توبه، آیه ۲۰ آورده است. ترجمه: مرده مپندارید بلکه آنها زندگانند و نزد خدایشان روزی می‌خورند.

۳- شهادت به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ولایت حضرت علی(علیه‌السلام) جزء اقرارهای اصلی و واجب مسلمان است که در نمازهای یومیه تکرار می‌شود. ضمناً برای قبول دین اسلام هم توسط افراد تازه مسلمان واجب است.

٤- فرازی از دعای کمیل است.

٥- فراز دیگری از دعای کمیل است. در اصل وصیت «الهم».

٦- در اصل وصیت «سالت».

۷- فرازی از دعای کمیل.

برادران و خواهران مسلمان، زبان الکنم قادر نیست برای شما چیزی بگوید و قلم هرگز قادر نیست شهامت، شجاعت و ایثار و مردانگی شما را توصیف کند. اما توجه داشته باشید که دارید. زمان زمان حسین و ایام ایام عاشوراست[۱] پس به‌خاطر خدا اوامر امام را بدون چون [و] چرا بپذیرید. شهداء را فراموش نکنید و مسئله جنگ، که به گفتهٔ امام مسئله اصلی است، فراموش نشود و اما آنان که هنوز در خواب غفلت به‌سر می‌برید و در پیروزی اسلام تردید دارید، باید بگویم تا دیر نشده به آغوش اسلام برگردید. ای منافقین و ای مزدوران استکباری که بویی از وجدان [و] انسانیت نبرده‌اید، بدانید که روزی رزمنده‌های ما به سراغ شما خواهند آمد و فریادهای پوچ شما را در گلو خفه خواهند کرد. در پایان از ملت عزیز تقاضامندم که همیشه حامی اسلام و روحانیت مبارز در خط امام باشید و اما پدر و مادرم، چند کلامی با شما پدر عزیزم: همیشه خود را مدیون دست‌های پینه‌بسته‌ات می‌دانستم و تقاضا دارم که زحمت‌های جبران ناپذیرت را حلالم کنی و امیدوارم بعد از من بتوانی هرچه بیشتر در خدمت اسلام و جنگ باشی. مادر مهربانم، که هرگز نتوانسته‌ام محبت‌های تو را جبران کنم، شیر پاکت را حلالم کن و رنج‌هایی را که از طرف من بر تو وارد شده نادیده بگیر.

پدر و مادرم، پیوسته در نامه‌های[۲] متعددی[۳] که برایتان می‌نوشتم، به شما قول داده بودم که فرزندی شایسته برایتان باشم و امیدوارم که با نثار جان خویش در راه اسلام توانسته باشم به این عهد خود وفا کرده باشم. برادران و خواهران عزیزم، برادر کوچک خود را حلال کنید و همیشه حامی اسلام و قرآن باشید و تا می‌توانید برایم کمتر گریه کنید که همانا از گریه شما منافقین خوشحال خواهند شد. دوستان عزیزم، اگر در طول این مدت از من رنجشی دیده‌اید،[٤] مرا حلال نمایید و سعی کنید در زندگی‌تان راه‌روِ راه خونین شهیدان

---

۱- عبارت تحت تأثیر کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا است.

۲- در اصل وصیت «نامهای».

۳- در اصل وصیت «متعدی».

٤- در اصل وصیت «دیده‌ات».

شهیدان باشید و امام عزیز را تنها نگذارید که نخواهید گذاشت. در پایان نصر و پیـروزی را برای ملت عزیز و رزمندگان اسلام خواهانم.
امام را تنها نگذارید، پیرو روحانیت باشید.
جنگ جنگ تا پیروزی.
وصیت‌نامه‌های گذشته مردود است.

**ابراهیم ابوتراب**
**٦٥/١٠/١٥**

بسم الله الرحمن الرحیم

الذین امنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله اموالهم وانفسهم اعظم درجة عند الله

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان علیا ولی الله

اینجانب ابراهیم ابوتراب فرزند فتح الله وحیدیه تاج خود را بسر و ذیل تقدیم می نم

خدایا پناه می برم بتو پس کمکم کن تا بتوانم حقیقتی را که در اعماق وجودم

نهفته بر شته تحریر درآورم الهی و ترسی من دون غیرک . خدایا غیر از تو کسی را ندارم

و تنها معبودم تویی خدایا در دعای با عظمت کمیل می خوانم که اللهم فاعل بی ما

انت اهله و ترحم شدة ضری و فقری الیک شدة و انی یا رب ابرح ضعف بدنی . ای خدای من

عذابم مده بیش ببر و رحم کن بر ناتوانیم و رهایی ده مرا از بند سخت گناهانم و رحم کن

بر ناتوانی بدنم . خدایا خود می دانی که به خاطر رضای تو و سالتا و مسولیتی که نسبت

به اسلام و انقلاب داشتم پای در جبهه گذاشتم و جان بی ارزش خود را بکف گرفته

تا بتوانم با نثار جانم در راه اسلام و قرآن ادای تکلیف کرده باشم و اکنون که

خود را سربازی نالایق برای اسلام و امام می دانم از تو ای مهربان خدا می خواهم

توفیق شهادت در راهت را نصیبم کنی . خداوندا در جای دیگر از دعای کمیل

می خوانم که ولا تکن للفراعین علی خلقک ولا تحرمنی ان علمت مکانی منک

پس پناه می برم بتو ای تنها معبود عاشقان . برادران و خواهران مسلمان

زبان الکنم قادر نیست برای شما چیزی بگویم و قلم هرگز قادر نیست شهامت

شجاعت و ایثار و مردانگی شما را توصیف کند اما توجه داشته باشید که

دارید . زمان زمان حسین و ایام ایام عاشوراست پس به خاطر خدا اوامر

امام را بعد از چون جیره بیذیرید . شهدای ما فراموش نکنید و صدق هیچگاه که

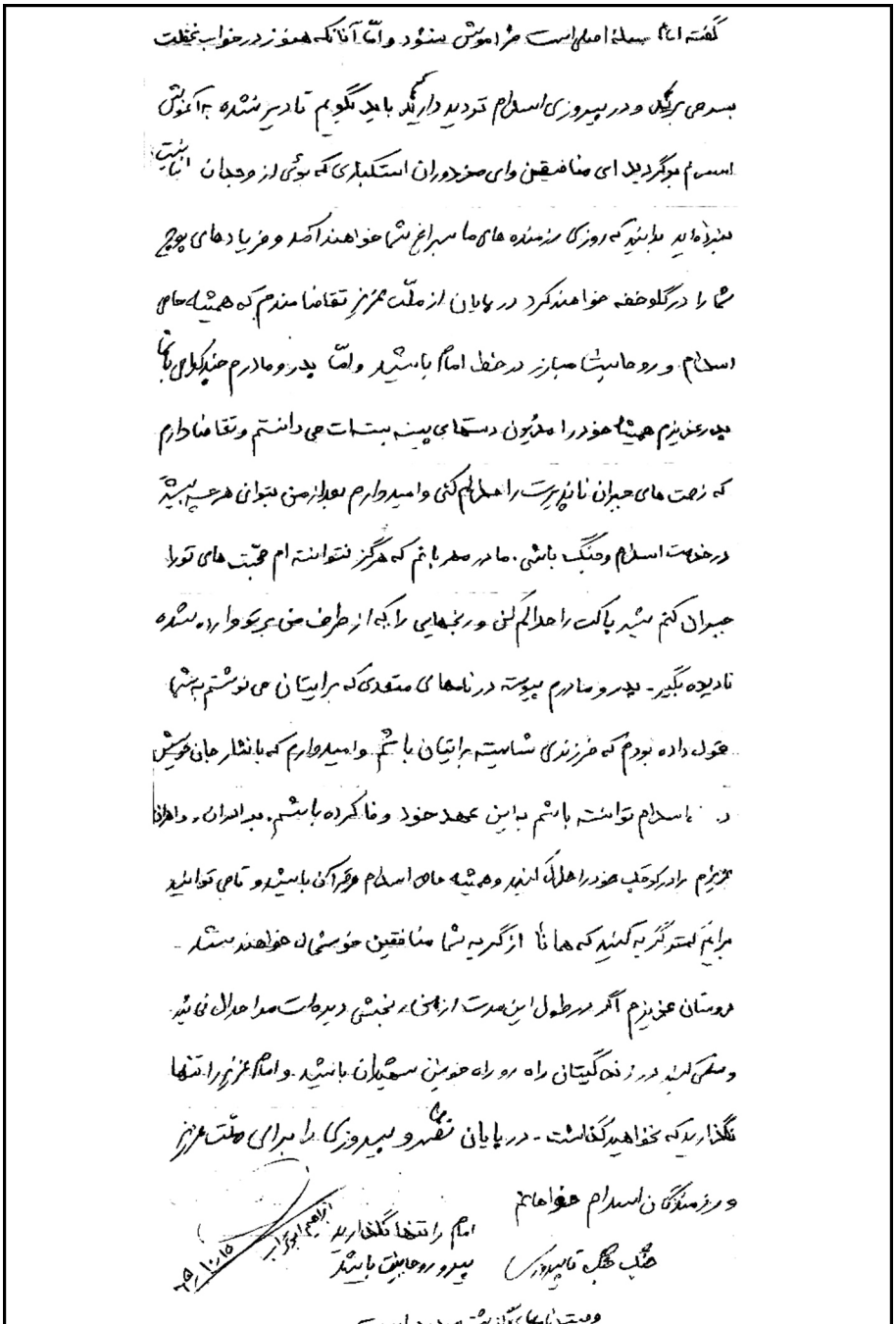

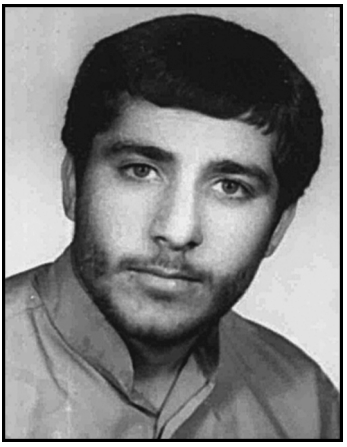

نام: **فریبرز**
نام خانوادگی: **ابوحمزه**
نام پدر: **نصرت‌الله**
نام مادر: **زرین‌تاج**
تاریخ تولد: **چهاردهم فروردین ۱۳۴۷**
محل تولد: **دامغان**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- سلام بر انبیاء و اولیاء برحق بالاخص بر حضرت مهدی(عج).
- سلام بر قدم‌های استوار عاشقان کربلا.
- امید است امت حزب الله کما فی‌السابق، پیوسته، یاری دهنده این رزم‌آوران باشند.
- بدانید که اگر در این امر مهم کوتاهی کنید، هر آیینه عذابی دردناک به‌دنبال خواهید داشت.
- مقصودم از اینکه به‌سوی جبهه حق علیه باطل شتافتم، فقط و فقط برای رضای حق تبارک و تعالی.
- از خدای خویش طلب این نعمت بزرگ شهادت در راهش را نصیب خود فرماید.

**فریبرز ابوحمزه**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

«**ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الاتخافوا ولاتحزنوا و ابشروا بالجنة التی کنتم توعدون**»[1] «همه آنان که گفتند الله پروردگار ماست و در این راه استقامت ورزیدند ملائک بر آنها نازل می‌شود و اینکه اینها ترس وحزن و اندوهی ندارند و بشارت باد شما را به بهشتی که وعده داده شدید».

السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیکم یا انصار الخمینی. حمد و ثناء خداوندی را که ما را در بهترین ساعات آفرید و نعمت بزرگ جمهوری اسلامی و رهبری را به ما ارزانی داشت. پس جای شکر این نعم باقی‌ست.

سلام بر انبیا و اولیاء برحق بالاخص بر حضرت مهدی(عج)، ریشه‌کن کننده کاخ‌های ستم و بر نایب برحقش، خمینی عزیزم، یاری دهندهٔ مظلومان و با سلام بر شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان و بر خانواده‌های معظمشان و با سلام بر قدم‌های استوار عاشقان کربلا که عارفانه و خالصانه برای رضای حق و آزادی حرم مطهر ابی عبدالله بر کفار بعثی می‌تازند. امید است امت حزب الله کما فی‌السابق، پیوسته، یاری دهنده این رزم‌آوران باشند و بدانید که اگر در این امر مهم کوتاهی کنید، هر آیینه عذابی دردناک به‌دنبال خواهید داشت.

بنده، خدا و رسولان و ملائک و ائمه اطهار و تمام موجودات را گواه می‌گیرم که هدف و مقصودم از اینکه به‌سوی جبهه حق علیه باطل شتافتم، فقط و فقط برای رضای حق تبارک و تعالی و انجام دادن وظیفه‌ای که برعهده‌ام بود و لبیک گفتن به ندای ملکوتی ابراهیم زمان و در پایان برای آزادی کعبه دل‌ها و حرم با صفای ابی‌عبدالله می‌باشد. امیدوارم خداوند منان بر ما منت نهد و توفیق شهادت را رفیق این بنده نالایق بگرداند. زیرا

---

۱- فصلت/۳۰.

این مقام مقامی است بس بزرگ، تا جایی که شهید ثانی[۱] رحمةالله علیه یک سال شب‌ها نخوابید تا شب قدر را درک کند و در آن شب که امورات مسلمین مقدر می‌شود، از خدای خویش طلب این نعمت بزرگ شهادت در راهش را نصیب خود فرماید. البته ناگفته نماند که هدف ما پیروزی اسلام بر جهان کفر است. ولی اگر این چنین است که برای برقراری اسلام باید جان‌های ما فدا شود، پس ما این کالای ناچیز را، که از خود اوست، در طبق اخلاص نهاده و عاشقانه تقدیم حضرت حق می‌نماییم.

**برادر حقیر شما، فریبرز ابوحمزه**

**۶۵/۱۰/۱**

---

۱- شهید ثانی. شیخ زین‌الدین بن نورالدین شیخ علی بن احمد عاملی معروف به شیخ ثانی از بزرگان فقهای شیعه است. در ۱۳ شوال سال ۹۱۱ هـق در دهکدهٔ جبع یا جبل عامل در یک خاندان علمی به‌دنیا آمد. در سال ۹۶۶ هـق کشته شد. از جمله آثار او در فقه «الروضة الجهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه» شرحی مزجی بر کتاب لمعة دمشقیه از شهید اول است. اثر معروف دیگر ایشان «مسالک الافهام» که شرحی است بر شرایع الاسلام از محقق حلی.

فرزند ابوذر

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تبارک و تعالی: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.

همانا آنانکه گفتند الله پروردگار ماست و در این راه استقامت ورزیدند ملائک بر آنها نازل میشود و اینکه اینطور بترس و حزن و اندوهی نداشته باشید و بشارت باد شما را به بهشتی که وعده داده شدید. السلام علیک یا اباعبدالله

السلام علیکم یا انصار الحسین. حمد و ثنا و ستایش خداوندی را که ما را از برترین سعادات آویزه نعمت بزرگ جمهوری اسلامی و رهبری را به ما ارزانی داشت. حال که این نعمت باقیست سلام بر شما باد ای یاران راستین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که گامهای سبز و بی تابتان جنبش خمینی عزیزم یاری دهنده مظلومان و سلام بر شهدای راه حق و مقصودین و جانبازان و همه خانواده‌های معظم شهدا و سلام بر قدمهای استوار عاشقان کربلا که عمر خود را با لبیک به ولی فقیه و آزادی حرم مطهر ابی عبدالله برکنار بقی می‌نمایند. امید است امت حزب الله کماکان راه یاری دهنده این رزم آوران باشند و بدانند که آنچه در این امر مهم کوتاهی کنند مرآیه عذاب دردناکی بر بال خواهد داشت. بنده خدا و رسول او ملائکه و ائمه اطهار

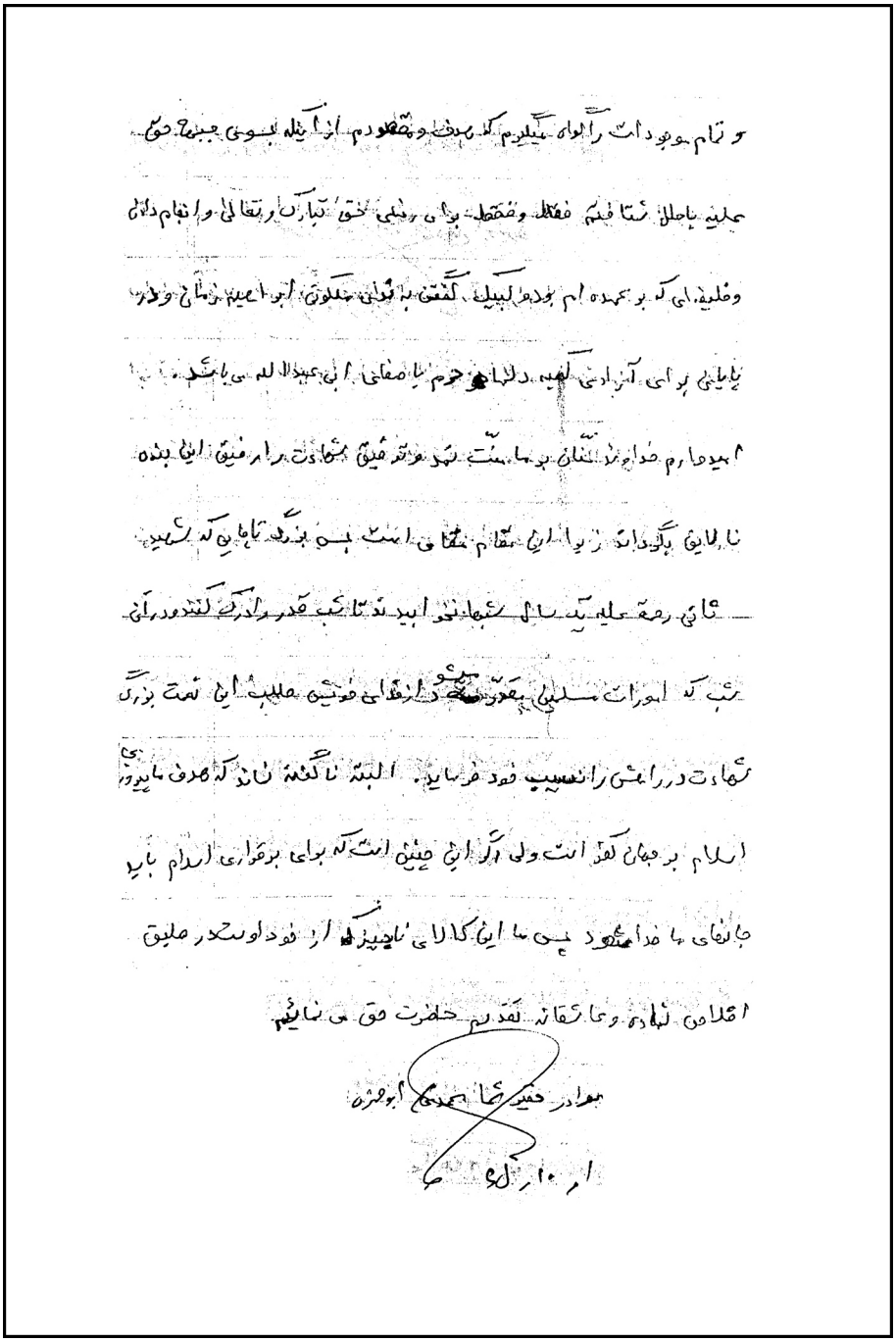

و تمام موجودات را گواه میگیرم که هدف و مقصودم از آینده بسوی جبهه حق علیه باطل نمی باشد فقط و فقط برای رضای حق تبارک و تعالی و انجام وظیفه ای که بر عهده ام بود لبیک گفتن به ندای ملکوتی ابراهیم زمان و ولی پایانی برای آزادی قبله دلها خمینی بت شکن ابن عبدالله می باشد. امیدوارم خداوند منان بر ما منت نهد و توفیق شهادت را رفیق این بنده نالایق بگرداند زیرا این مقام تمنای است هر بنده تا پای که شهید ثانی رحمة علیه بیست سال شبها نخوابید تا شب قدر را درک کند و آن شب که ابوابات سلیمی بقدر شهید دانشجوی فوتبال طلب این نعمت بزرگ شهادت در راهش را نصیب خود فرماید. البته ناگفته نماند که هدف ما پیروزی اسلام بر جهان کفر است ولی راه این چنین است که برای برقراری اسلام باید جانهای ما فدای خود پس ما این کالای نایاب را از خود و خدا و خلق اقلام نموده و صادقانه تقدیم حضرت حق می نمائیم

برادر حقیر شما حمید ابوحمزه

۱۳۶۰/۱۰/۱۲

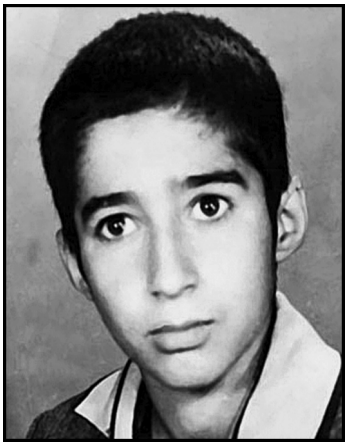

نام: **یوسف**
نام خانوادگی: **اجاقی**
نام پدر: **اصغر**
نام مادر: **مریم**
تاریخ تولد: **هشتم مهر ۱۳۴۳**
محل تولد: **گرمسار**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم خرداد ۱۳۶۱**
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای محمدآباد از توابع زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

✿ من برای این به جبهه حق علیه باطل می‌روم تا کفار را از سرزمین خود بیرون کنم.
✿ تنها حرف من به پدر ومادرم این است که به هیچ عنوان نماز جمعه را ترک نکنند.
✿ من تنها آرزویم شهادت در راه خدا و پیامبران خداست.

## یوسف اجاقی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

من برای این به جبهه حق علیه باطل می‌روم تا کفار را از سرزمین خود بیرون کنم و حکومت اسلامی را به رهبری امام خمینی بر سر کار آوریم.

تنها حرف من به پدر و مادرم این است که به هیچ عنوان نماز جمعه را ترک نکنند و من تنها آرزویم شهادت در راه خدا و پیامبران خداست و امیدوارم که پدر و مادرم مرا حلال کنند. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی شروع و وجود و هستی خود را از آن خدا می‌داند و این انقلابی که با هفتاد هزار شهید پا گرفت و حکومت سلطنتی را کوباند به هیچ وجه از ابرقدرت‌ها شکست نخواهد خورد. انشاءالله.

**«والسلام»**

# وصیتنامه شهید یوسف اجاقی

بسم الله الرحمن الرحیم

من برای این به جبهه حق علیه باطل می‌روم تا کفار را از سرزمین خود بیرون کنم و حکومت اسلامی را به رهبری امام خمینی بر سر کار آوریم.

تنها حرف من به پدر و مادرم این است که به هیچ عنوان نماز جمعه را ترک نکنند و من تنها آرزویم شهادت در راه خدا و پیامبران خدا است و امیدوارم که پدر و مادرم مرا حلال کنند. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی شروع و وجود و هستی خود را از آن خدا میدانند و این انقلابی که با هفتاد هزار شهید پا گرفت و حکومت سلطنتی را کوبیدند به هیچ وجه از این قدرتها شکست نخواهد خورد انشاء الله

والسلام

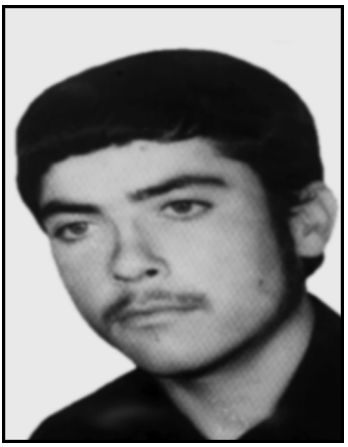

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **احسانی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **سیده‌لیلا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳٤٤**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **دوم مرداد ۱۳٦۳**
محل شهادت: **رودخانه کارون**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- درود و سلام به رزمندگان اسلام که هم‌چنان در جبهه‌های جنگ حق بر باطل حماسه می‌آفرینند.
- درود و سلام به شهیدان غرب و کردستان مظلوم.
- درود و سلام بر امام زمان و نایب برحقش امام امت، خمینی.
- درود بر محرومین و معلولین.
- درود بی‌پایان به خانواده‌های شهدا و با سلام به اُسرای ایران که در چنگال صدام کافر هستند.
- سلام بر سنگرهای پر خون مرزهای ایران.
- مرگ بر منافقان که می‌خواهند این انقلاب نونهال را ناتوان سازند.
- من این راه را با چشمان باز انتخاب کرده و این راه علی‌گونه را پیش می‌گیرم.
- چه سعادتی از این بالاتر که انسان در راه عقیده و آرمانش به شهادت برسد.

## علی‌اکبر احسانی*

### بسم الله الرحمن الرحیم

### به‌نام الله، پاسدار حرمت خون شهیدان

«**الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل‌الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عندالله اولئک هم الفائزون**».[۱] «ای مؤمنان جهاد نمایید در راه خدا با مال و جان خود که در دو عالم پیروز و موفق هستید».[۲]

به‌نام خدا وصیت‌نامهٔ خود را شروع می‌کنم.

با درود به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و با درود به روحانیت اصیل.

به‌نام خداوند در هم کوبنده ستمگران و منافقان و با درود[۳] و سلام به شهیدان کربلای حسینی(علیه‌السلام) و با درود و سلام به شهیدان گلگون‌کفن کربلای ایران و با درود و سلام به رزمندگان اسلام که هم‌چنان در جبهه‌های جنگ حق بر باطل حماسه می‌آفرینند و با درود و سلام به شهیدان غرب[۴] و کردستان مظلوم و با درود و سلام بر امام زمان و نایب برحقش امام امت، خمینی، آن حامی مسلمین و مستضعفین جهان و با درود بر محرومین و معلولین و با درود بی‌پایان به خانواده‌های شهدا و با سلام به اُسرای ایران که در چنگال صدام کافر هستند و سلام بر سنگرهای پر خون مرزهای ایران که توسط مزدوران بیگانه و جیره‌خواران شرق و غرب که دستشان از آستین صدام خائن درآمده است و مرگ بر منافقان که می‌خواهند این انقلاب نونهال را ناتوان سازند، ولی باید بدانند ملت مسلمان ایران متکی به

---

*- بالای وصیت نوشته شده است (وصیت‌نامه برادر علی‌اکبر احسانی)

۱- توبه/ ۲۰، در اصل وصیت «به اموالهم».

۲- در اصل وصیت «هستین».

۳- در اصل وصیت «دورود». شهید احسانی در تمام موارد واژه درود را «دورود» نوشته که از تکرار حاشیه در اصلاح خودداری می‌شود.

٤- غرض از غرب یعنی مناطق غرب کشور است که قبل از شروع جنگ با عراق در برخی از مناطق و نواحی و شهرها درگیری‌های داخلی با گروه‌ها و عوامل ضدانقلاب داشتند، پس از جنگ هم عملاً مناطق درگیر با صدام به جبهه غرب و جبهه جنوب موسوم بود.

سلاح ایمان است. می‌خواهم چند کلمه‌ای با شما وصیت کنم و من کوچک‌تر از آنم که به شما پیام بدهم. من اکنون به امام امت لبیک گفته و راهی جبهه شدم، همان‌طور که آیت‌الله طالقانی[۱] می‌فرمایند من از زنده ماندنم خجالت می‌کشم و از این که عزیزان ما کشته می‌شوند ولی ما هنوز زنده هستیم، که امیدوارم خداوند تعالی مرا در پیش خودش سرباز اسلام قبول کند و قطرهٔ خون مرا بپذیرد. امیدوارم که بعد از شهادت من امت قهرمان ایران همیشه یار امام باشند و گول گروهک‌های وابسته به شرق و غرب را نخورده و به راهنمایی‌های امام امت که دشمن از آنها هراس دارد گوش فرا دهند و همیشه به ولایت فقیه لبیک گفته و چشم دشمنان را کور کنند. من به امت قهرمان توصیه می‌کنم که کورکورانه از دشمن اطاعت نکنند. چون من این راه را با چشمان باز انتخاب کرده و این راه علی‌گونه را پیش می‌گیرم. چه سعادتی از این بالاتر که انسان در راه عقیده و آرمانش به شهادت برسد و همان‌طور که علی(علیه‌السلام) فرموده است «مرگ برای همگان است»[۲] و چه خوب است انسان در بستر بیماری نمیرد[۳] و با[٤] شهادت در راهِ خدا جان خود را از دست دهد. انسان مرگی را انتخاب کنید که آبستن زندگی باشد و چه زیبا امام امت می‌فرمایند: «ما چه کشته شویم و چه پیروز شویم هر دو جهت پیروزی از آن ماست».[۵]

و در آخر از پدر و مادر عزیزم که تا به حال زحمت مرا کشیدند و شهامت خودشان را برای فدا کردن فرزندشان به‌خاطر اسلام نشان دادند متشکرم. مادر، از آن شیری که به من دادی حلالم کن. و امیدوارم که بعد از شهادت من یار و یاور امام باشید و اگر من شهید شدم از شما خواهش می‌کنم که برای من گریه نکنید. همین گریه کردن شما باعث می‌شود که دشمن خوشحال بشود و کارش را کند و اگر شما گریه نکنید باعث می‌شود که دشمن

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- حضرت علی(علیه‌السلام) در عبارت‌هایی کوتاه به همگانی بودن مرگ اشاره دارد. از آن‌جمله‌اند: «لِکُل حَیّ موت» یا «لِکُل شیئی موت».

۳- در اصل وصیت «بمیرد».

٤- در اصل وصیت «یا».

۵- ص ۱۰۷ صحیفه امام مجلد ۱۳.

از جا نشیند و هیچ غلطی نتواند بکند و باید خیلی خوشحال باشید که همچنین فرزندی در راه خدا دادید و در تشییع[۱] جنازه‌ام شعارِ:

شـــهیدان زنـــده‌انـــد الله اکبـــر بـــه خـــون آغشـــته‌انـــد الله اکبـــر

[را][۲] تکرار کنید و مرا در زادگاهم یعنی سرخه[۳] دفن کنید. و شما ای پدر و مادر عزیز و برادران و خواهران گرامی و دوستان، از هیچ چیز ناراحت نباشید که فرزندتان [را][٤] در راه خدا دادید و باید شما افتخار کنید که خانواده یک شهید هستید که امام امت می‌فرماید «شما خانوادهٔ شهدا چشم و چراغ این ملتید»[۵] و شما ای پدر و مادر عزیزم، باید خیلی خوشحال باشید که پدر یک شهید و مادر یک شهید هستید و ای خواهر عزیزم، شما هم به مدرسه‌ات ادامه بده که مدرسه هم یک سنگر است. شما باید سنگرها را پر کنید و شما برادران عزیزم، با سپاه و بسیج به‌طور فعّالانه همکاری نمایید و دیگر این که از برادران عزیز می‌خواهم که بعد از من با جبهه‌ها بیشتر همکاری نمایند و به امام امت لبیک بگویند و دیگر این که امام می‌فرماید «جبهه هم یک دانشگاه است».[٦]

و در پایان وصیت‌نامه‌ام که آن مقدار پولی که دارم در بانک اسلامی بردارید، در مجلس ختم من هر چقدر خرج شد خرج کنید و هر چه باقی ماند به حساب جنگ‌زدگان واریز کنید و یک پیام دیگر به شما دارم تا هر چه می‌توانید در نیمه شب و در نماز جمعه‌ها و در شب‌های دعای کمیل و یا در دعای توسّل برای مجروحین و معلولین و رزمندگان اسلام

---

۱- در اصل وصیت «تشیع».

۲- برای درست خوانی «را» اضافه شده است.

۳- سرخه نام شهری است از توابع شهرستان سمنان مولد و مزار شهید است.

٤- «را» از قلم افتاده است.

۵- امام خمینی سخنان ارزشمندی در شأن خانواده شهدا فرموده‌اند. یکی از شاخص‌ترین آنها همین است که «شما خانواده شهدا چشم و چراغ ملتید». (صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی).

٦- صحیفه امام دوره ۲۲ جلدی. امام خمینی از واژه سنگر برای حوزه‌های علمیه، دانشگاه، مسجد، نماز جمعه و... استفاده کرده است. مدرسه را هم برای دانش‌آموزان سنگر می‌دانند.

دعا کنید و همین دعاهای شماست که قلب دشمن را می‌شکند و آن‌ها را خوار و ذلیل می‌کند. دیگر عرضی ندارم.

**«والسلام علیکم رحمةالله و برکاته»**

نام: علی‌اکبر، فامیل: احسانی، شماره شناسنامه: ۱۲، سال تولد: ۱۳٤٤.
نام پدر: محمد،

**۱۳٦۲/۳/۲٤**
**دوم ماه مبارک رمضان**
**علی‌اکبر احسانی**

بسم الله الرحمن الرحیم وصیت نامه برادر علی آبراحانی

بنام الله یاسدار حرمت خون شهیدان

الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عند الله اولئک هم الفائزون

ای مردمان جهاد نمایید در راه خدا با مال و جان خود که در دو عالم پیروز

موفق هستید - با نام خدا وصیت نامه را شروع می کنم

با درود به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و با درود به روحانیت اصیل شروع می کنم

بنام خداوند رهم کوبنده ستمگران و منافقان و با درود و سلام به شهیدان کربلای حسین (ع) و با درود و سلام به شهیدان گلگون کفن کربلای ایران و با درود و سلام به رزمندگان اسلام که همچون رجبعلی های جنگ حق بر باطل حماسه های آفرینند و با درود و سلام به شهیدان غرب و بر دستان مظلوم و با درود و سلام بر امام زمان و نایب برحقش امام امت خمینی عزیز و بر مستضعفان جهان و با درود بر پیروان و معلولین و با درود بر یاران یا یاران به خانواده های شهدا و با سلام به آسرای ایران که در چنگال صدام کافر هستند و سلام بر سنگرهای پرخون مرزهای ایران که توسط مزدوران بیگانه و جیره خواران شرق و غرب که دستشان از آستین صدام خائن در آمده است و مرگ بر منافقان که می خواهند این انقلاب مردمی را از توان باز دارند و با بیدار نمودن ملت مسلمان ایران نقشه های شوم آنان را نقش بر آب نمایند

امید است ... می خواهم چند کلمه ای با شما وصیت کنم و من تو جلد تر از آنم که به شما پیام بدهم

من اکنون به امام امت لبیک گفته و راهی جبهه شدم همانطور که آیت الله طالقانی می فرمایند من از زنده ماندم خیانت می کنم و از این که عزیزان ما کشته شوند و ما هنوز زنده هستیم که امیدوارم خداوند تعالی مرا در پیشگاه خود از سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه قطره خون مرا بپذیرد امیدوارم که بعد از شهادت من امت قهرمان و رشید

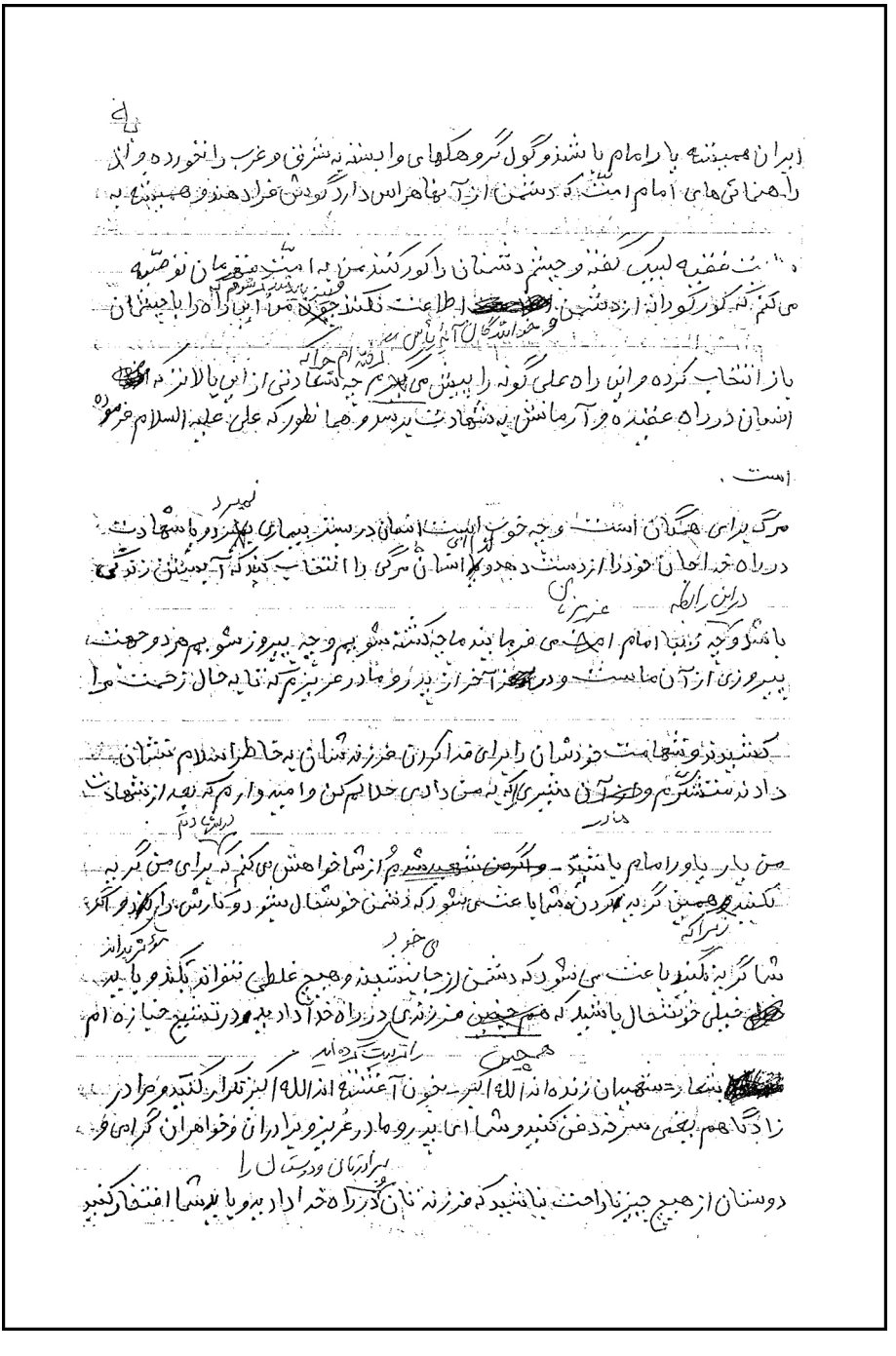

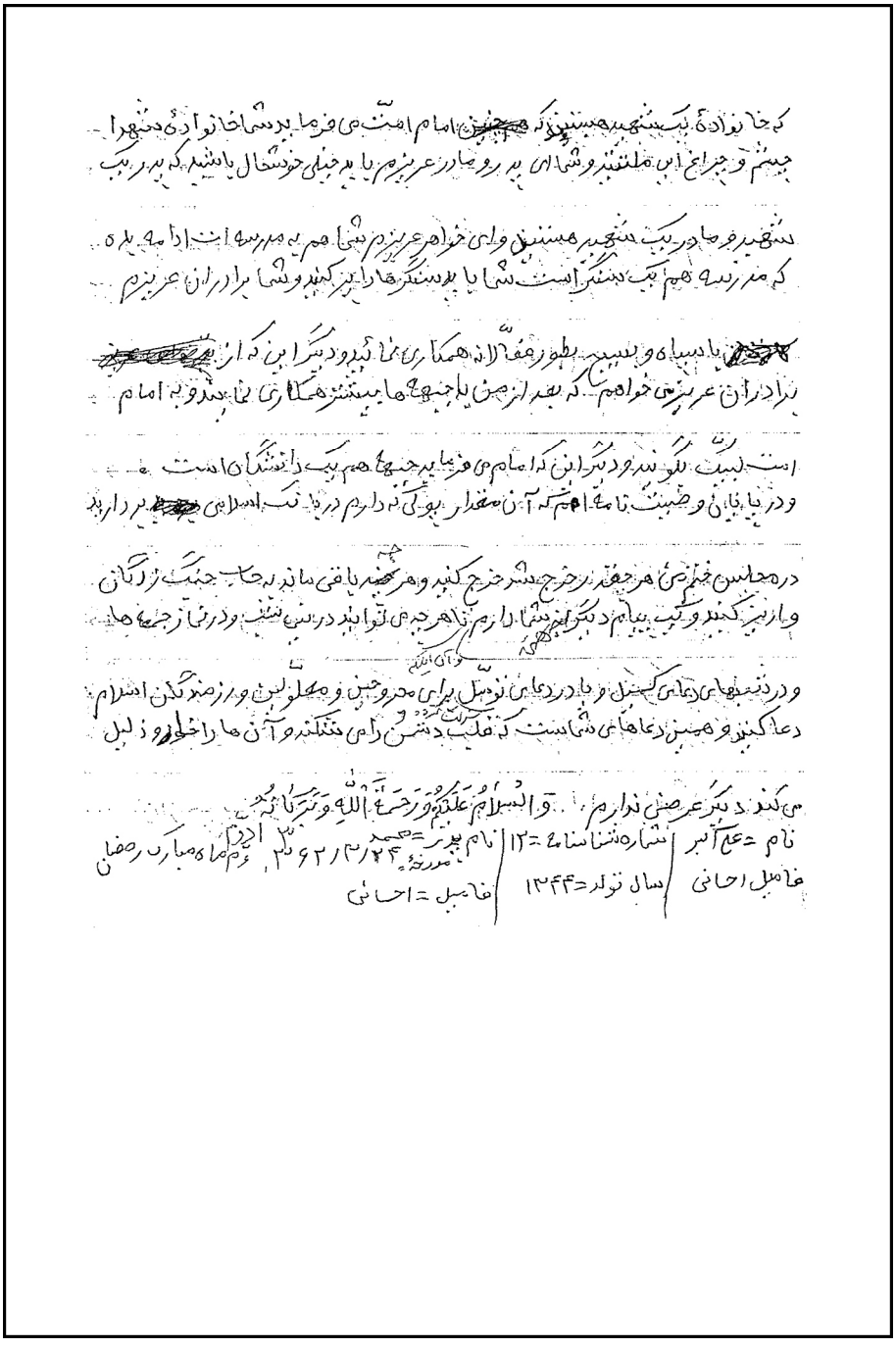

که خانواده یک شهید هستید و که چنین امامت می فرماید پرستار خانواده شهدا
چشم و چراغ این ملت بزرگوار شما هستید پدر و مادر عزیزم یا پدر جان خوشحال باشید که پدر یک
شهید و مادر یک شهید هستید و برای خواهر عزیزم شما هم به مدرسه ادامه بده
که مدرسه هم یک هنر است شما با پرستاری هایتان برادران عزیزم
برادران عزیز من خواهم که بعد از من پا جای پای من بگذارید و دیگر این که از
برادران عزیزم خواهم که بیشتر همکاری با برادر و به امام
است لبیک بگوئید و دیگر این که امام می فرمایند همه یک دانشگاه است
و در پایان وصیت نامه ام که آن مقداری پولی که دارم در بانک اسلامی
در محاسن خمینی هر چقدر خرج کنید و هر چه باقی ماند به صاحب حق زکات
واریز کنید و کتب و پیام دیگر اینکه شما را هر جا می توانید در بین بنی و در فرا جبهه ها
و در نمازهای جماعت و یا در دعای توسل برای محرومین و محلولین و رزمندگان اسلام
دعا کنید و همین دعاهای شماست که قلب دشمن را متلاشی و آنها را خوار و ذلیل
می کند دیگر عرضی ندارم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نام = علی اکبر | شماره شناسنامه = ۱۲ | نام پدر = محمد | تاریخ = ۶۲/۳/۲۴ | ساعت = ۳ بعد از ظهر
فامیل = احسانی | سال تولد = ۱۳۴۴ | فامیل = احسانی

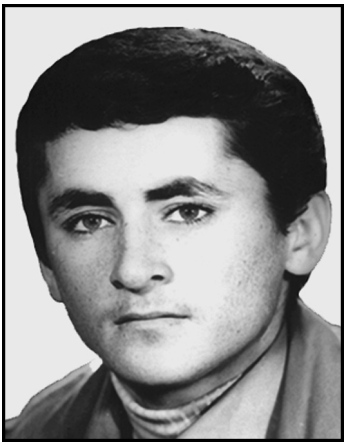

نام: **محمدحسین**
نام خانوادگی: **احسانی**
نام پدر: **عبدالله**
نام مادر: **بی‌بی**
تاریخ تولد: **دهم اردیبهشت ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نوزدهم اردیبهشت ۱۳۶۱**
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- بار پروردگارا، اگر گناهم بزرگ است، تو هم بزرگی و رحم و مهربانی‌ات هم بزرگ.
- خدایا ترا به بزرگی‌ات مرا ببخش و ما را در صف شهدا قرار ده.
- پدر گرامیم، انسان یک‌بار بیشتر نمی‌میرد، چه بهتر که در راه خدا بمیرد.
- شهادت سعادتی است که نصیب هرکس نمی‌شود.
- از شما پدر و مادر و برادر و خواهران گرامی و ارجمندم می‌خواهم که بعد از شهادتم افتخار کنید و شاد باشید.
- مادر، از شهید شدن من هیچ نگران و ناراحت مباش.
- افتخار کن که مادر یک شهیدی و بر خود ببال.
- افتخار کن و مفتخر باش که امانت خود را به خدا سپردی.

## محمدحسین احسانی

### بسم الله الرحمن الرحیم

علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: «اگر هزار ضربت به فرق من فرود بیاید که به این وضع کشته بشوم بهتر است تا در بستر با یک بیماری بمیرم. اگر چه دنیا زیبا و دوست داشتنی است، اما خانهٔ پاداش الهی، خانهٔ اخرت، خیلی از دنیا زیباتر است».

اگر مال دنیا را آخر کار باید گذاشت، پس چرا انسان آن‌را در راه خدا انفاق نکند.

با درود و سلام به رهبر سازش‌ناپذیر، مرجع عالی مقام عالم تشیع، حضرت امام خمینی که با رهبری پیامبرگونه خود پرچم جمهوری اسلامی را در ایران به اهتزاز درآورده و می‌رود تا این پرچم را در کشورهای دیگر هم به اهتزاز درآورد.

بار پروردگارا، اگر گناهم بزرگ است، تو هم بزرگی و رحم و مهربانی‌ات هم بزرگ، پس خدایا ترا به بزرگی‌ات مرا ببخش و ما را در صف شهدا قرار ده.

پدر گرامی‌ام، انسان یک‌بار بیشتر نمی‌میرد، چه بهتر که در راه خدا بمیرد و شهادت سعادتی است که نصیب هرکس نمی‌شود.

از شما پدر و مادر و برادر و خواهران گرامی و ارجمندم می‌خواهم که بعد از شهادتم افتخار کنید و شاد باشید چون فرزندی را تربیت کردید که در راه خدا شهید شد.

مادر، از شهید شدن من هیچ نگران و ناراحت مباش و افتخار کن که مادر یک شهیدی و بر خود ببال و افتخار کن و مفتخر باش که امانت خود را به خدا سپردی و بدانید هرگونه افسردگی و ناراحتی و گریه مطمئناً باعث عذاب روح من می‌شود.

خوهرانم، از شما می‌خواهم که با عمل به اسلامِ حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه طاهرین پیام خونم را رسانده باشید و زینب‌گونه عمل نمایید و از شما می‌خواهم که مرا عفو کنید.

برادرم، اگر من شهید شدم و بدنم در خون غرق شد ناراحت مباش، همان‌طور که خود معتقدی بلکه اسلحهٔ خونین خود را به شما می‌سپارم تا راهم را، که راه امام است، ادامه دهی و از شما می‌خواهم که مرا عفو نمایی. و وصیت می‌کنم که وقتی شهید شدم مرا در زادگاهم دفن نمایید و اگر چنانچه جنازهٔ من به دست شما نرسید، ناراحت نباشید و به یاد

کربلای حسین(علیه‌السلام) باشید که چگونه در صحرای کربلا، در آفتاب داغ کربلا، افتاده بودند و کسی به فریاد آنها نمی‌رسید.

و ای مردم شهیدپرور، اگر خواستار شادی روح شهیدان هستید، نگذارید امام احساس تنهایی بکند و به دستورات او، که واجب شرعی می‌باشد، عمل کنید و از روحانیت اصیل جداً پشتیبانی کنید و نگذارید کمترین توطئه‌ای بر علیه آنها صورت گیرد. فراموش نکنید که دنیا به آخر می‌رسد، سعی کنید به دنیا دل نبندید و خود را مهیای سفر آخرت کنید. همیشه گوش به فرمان امام باشید و از این نعمت گرانبها که خداوند نصیب کرده حداکثر استفاده را بنمایید و این را هم بدانید که روز حسابی هم به پیش داریم.

پدر و مادر عزیز، در زندگی رنج فراوان به شما داده‌ام، ولی امیدوارم که مرا ببخشید و برایم گریه نکنید، زیرا بردباری و صبر شما بیشتر باعث شکست دشمن می‌شود و از خویشان و آشنایان طلب مغفرت می‌کنم.

علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: «آگاه باشید من شما را به استمرار انقلاب شب و روز و نهان و آشکار دعوت می‌نمایم، سوگند به خدا اگر سستی کنید و ذلیل و مغلوب گردید، دشمنان با شما در خانه‌هایتان خواهند جنگید، پس رسالت خود را فراموش ننموده و به دیگران محول ننمایید».[1] (خطابه ۲۸ از نهج‌البلاغه).

انتهای تکامل شهادت است　　این سعادت است، این سعادت است

**«والسلام»**

---

۱- عبارتی که شهید از قول حضرت علی(علیه‌السلام) آورده است ترجمه‌ای است آزاد از فراز دوم خطبهٔ ۲۷ نهج‌البلاغه که به خطبه جهاد مشهور است. «الا و انّی دعوتکم الی قتال هؤلاء القوم لیلا و نهارا، و سرا و اعلانا، و قلت لکم اغزوهم قبل ان یغزوکم، فو الله ما غزی الغارات علیکم و ملکت علیکم الاوطان» ترجمه: «من شبان و روزان، آشکارا و نهان، شما را به رزم این مردم تیره روان خواندم و گفتم: با آنان بستیزید، پیش از آنکه بر شما حمله برند و بگریزید. به خدا سوگند با مردمی در آستانهٔ خانه‌شان نکوشیدند، جز که جامهٔ خواری بر آنان پوشیدند. اما هیچ یک از شما خود را برای جهاد آماده نساخت و از خوارمایگی، هر کس کار را به گردن دیگری انداخت؛ تا آنکه از هر سو بر شما تاخت آوردند و شهرها را یکی پس از دیگری از دستتان برون کردند.» «نهج‌البلاغه، ترجمه، سید جعفر شهیدی ص ۲۷».

# «وصیت نامه شهید» محمدحسین احسانی

"بسمه تعالی"

علی (ع) میفرمایند: اگر هزار ضربت به فرق من فرود بیاید که به این وضع کشته بشوم بهتراست تا در بستر بایک بیماری بمیرم. اگر چه دنیازیبا و دوست داشتنی است، امّا خانهٔ پاداش الهی خانهٔ آخرت خیلی از دنیازیباتراست.

اگرمال دنیارا آخرکارباید گذاشت پس چرا انسان آنرادر راه خدا انفاق نکند.

**بادرود و سلام به رهبرسازش ناپذیر مرجع عالی مقام عالم تشیع حضرت امام خمینی که بارهبری پیامبرگونه خودپرچم جمهوری اسلامی رادرایران به اهتزاز درآورده و می‌رود تا این پرچم رادرکشورهای دیگر هم به اهتزازدرآورد.**

**بارپروردگارا، اگرگناهم بزرگ است توهم بزرگی ورحم ومهربانیت هم بزرگ، پس خدایا ترا به بزرگیت مرابیخش ومارادرصف شهدا قرارده.**

**پدرگرامیم: انسان یکبار بیشتر نمی میرد، چه بهترکه در راه خدابمیرد و شهادت سعادتی است که نصیب هرکسی نمی شود.**

**از شمابدر و مادر و برادر و خواهران گرامی و ارجمندم میخواهم که بعد از شهادتم افتخارکنید و شاد باشید چون فرزندی راتربیت کردیدکه در راه خدا شهید شد.**

**مادر: ازشهید شدن من هیچ نگران و ناراحت مباش و افتخارکن که مادریک شهیدی و برخود ببال و افتخارکن و مفتخر باش که امانت خودرابه خدا سپردی و بدانید هرگونه افسردگی وناراحتی وگریه مطمئنا" باعث عذاب روح من می شود.**

**خواهرانم: از شمامیخواهم که باعمل به اسلام حضرت محمد (ص) وائمه طاهرین پیام خونم را رسانده باشید و زینب گونه عمل نمائید و ازشمامیخواهم که مراعفو کنید.**

**برادرم: اگرمن شهید شدم و بدنم درخون غرق شد ناراحت مباش، همانطورکه خود معتقدی بلکه اسلحهٔ خونین خودرابه شمامی سپارم تاراهم راکه راه امام است ادامه دهی و از شما میخواهم که مرا عفو نمائی.**

**و وصیت میکنم که وقتی شهید شدم مرادرزادگاهم دفن نمائید و اگرچنانچه جنازهٔ من بدست شما نرسید ناراحت نباشید و بیادکربلای حسین باشیدکه چگونه درصحرای کربلا درآفتاب داغ کربلا افتاده بودند وکسی به فریادآنهانمی رسید.**

**و ای مردم شهیدپرور: اگرخواستارشادی روح شهیدان هستید نگذارید امام احساس تنهائی بکند و ازدستورات اوکه واجب شرعی می باشدعمل کنید و از روحانیت اصیل جدا" پشتیبانی کنید و نگذارید کمترین توطئه ای برعلیه آنهاصورت گیرد.**

**فراموش نکنیدکه دنیابه آخر می رسد، سعی کنیدبه دنیادل نبندید و خودرامهیای سفرآخرت کنید، همیشه گوش بفرمان امام باشید و ازاین نعمت گرانبهاکه خداوند نصیب کرده حداکثر استفاده راببنمائید.**

بقیه در پشت صفحه

و این راهم بدانید که روز حسابی هم به پیش داریم .

پدر و مادر عزیز : در زندگی رنج فراوان به شما داده ام ولی امیدوارم که مرا ببخشید و برایم گریه نکنید ، زیرا بردباری و صبر شما بیشتر باعث شکست دشمن می شود و از خویشان و آشنایان طلب مغفرت می کنم .

علی علیه السلام میفرماید :

"آگاه باشید من شما را به استمرار انقلاب شب و روز و نهان و آشکار دعوت می نمایم ، شوکند به خدا اگر سستی کنید و ذلیل و مغلوب گردید ، دشمنان با شما در خانه هایتان خواهند جنگید ، پس رسالت خود را فراموش ننموده و به دیگران محول ننمائید " . (خطبه ۲۸ از نهج البلاغه)

انتهای تکامل شهادت است

این سعادت است ، این سعادت است

(والسلام)

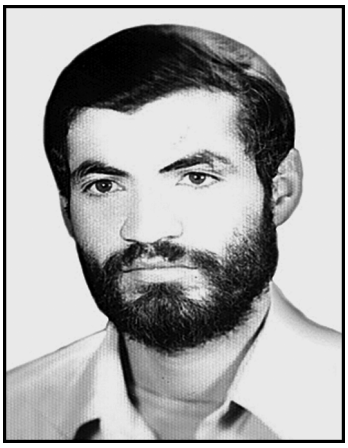

نام: **سیدجعفر**
نام خانوادگی: **احمدپناه**
نام پدر: **سیدکریم**
نام مادر: **سیده‌خانم**
تاریخ تولد: **ششم فروردین ۱۳٤٥**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم دی ۱۳٦٥**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- سلام خدا بر فرماندهٔ کل قوا(عج) و نایب برحقش امام امت و خمینی کبیر.
- سلام خدا بر شما پدران و مادران که هم‌چنین فرزندانی بزرگ کرده‌اید.
- الهی (الله) تو را شکر که چنین لیاقتی به من دادی که من به دانشگاه آقا اباعبدالله(علیه‌السلام) راه یابم.
- ای ملت عزیز این سعادت (شهادت) مخصوص خودم نیست، خداوند به من عنایت کرده.
- شما ایمان و تقوی را بیشتر کنید و به دانشگاه آقا اباعبدالله(علیه‌السلام) راه یابید تا معنای این جملات را درک نمایید.
- لبیک بگویید و مثل مردم کوفه نباشید، که امام تنها بماند.
- مرگ مرگ است، مرگ سرخ چه بهتر از مرگ طبیعی.

## سیدجعفر احمدپناه[۱]

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**ولاحول و لاقوة الا بالله العلی العظیم**».

«**ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**».[۲] «ای مردم گمان مکنید[۳] که شهیدانی که در راه خداوند منان شهید شده‌اند مردگانند، اینها زنده هستند و در نزد خداوند خویش روزی می‌خورند».

با عرض پوزش و معذرت، چون برخی، واجب دانستم و واجب است، وصیت‌نامه داشته باشیم نوشتم.

این وصیت را با نام خداوند متعال شروع می‌کنم.

سلام خدا، بر فرماندهٔ کل قوا(عج) و نایب برحقش امام امت،[٤] خمینی کبیر و سلام خدا بر تمامی شهیدان و معلولین و مجروحین و مفقودالاثرها و سلام خدا بر تمامی خانواده‌های شهدا، مفقودین، مجروحین و معلولین و سلام خدا بر شما پدران و مادران که همچنین فرزندانی بزرگ کرده‌اید[۵] یعنی امانتی بود از جانب الله که شما توانستید صحیح و سالم با کمال سرافرازی، امانت را تقدیم الله کنید. یا اینکه به جبهه‌ها بفرستید و شب الی صبح خواب از چشم پریده و به دعاگویی شماها می‌باشند و همچنین اسلام را از خطر دشمن، محفوظ بدارند.

الهی (الله) تو را شکر که چنین لیاقتی به من دادی که من به دانشگاه آقا اباعبدالله(علیه‌السلام) راه یابم و با آگاهی کامل و با علم بیشتر، تمام راه حق و حقیقت را انتخاب و در این راه که

---

۱- شهید در بالای سمت چپ وصیت خود نوشته است: «گرچه من کوچک‌تر از آن شهیدانی بودم خیلی وصیت‌ها کردند من شاگرد آنها هستم و خواهم بود».

۲- آل‌عمران/ ۱٦۹.

۳- در اصل وصیت: «می‌کنید».

٤- در اصل وصیت به‌جای ویرگول «واو» آمده است.

۵- در اصل وصیت: «کردی».

انتهای آن یعنی شهادت در راه خداست، گام نهم. و از این سعادت عظیم، برخوردار شوم، ای ملت عزیز این سعادت مخصوص خودم نیست، خداوند به من عنایت کرده، بلکه شما ایمان و تقوی را بیشتر کنید و به دانشگاه آقا اباعبدالله(علیه‌السلام) راه یابید تا معنای این جملات را درک نمایید. ای خدای من، من که در زندگی و در این دنیا چیزی نداشتم و ندارم که در راهت بدهم جز یک مشت گوشت و پوست و استخوان، پس بپذیر و راضی باش از من. به حق محمد و آل طاهرین او که سلام و رحمت‌های تو بر همه آنان باد. چند حدیث[1] برای شما می‌خواهم بنویسم، انشاءالله پذیرا هستید.

پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید که شما برای نابودی آفریده نشده‌اید، بلکه برای ماندن و باقی بودن، به‌وجود آمده‌اید و با مرگ، تغییر مکان می‌دهید و از منزلی به منزل دیگر انتقال می‌دهید. یا حضرت علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: که دنیا منزل گذران و آخرت مقر جاودان است. فرصت را غنیمت شمارید و از گذرگاه خویش برای قرارگاه خود چیزی بگیرید و ذخیره‌ای بیندوزید یا می‌فرماید: دنیا روز عمل است نه حساب، ولی آخرت روز حساب است نه عمل. و ای ملت شهیدپرور، مبادا شما برخلاف این حدیث عمل کنید، به مال دنیا دل ببندید و از معنویات و از دانشگاه و همچنین استادی که نصیب همه‌کس نمی‌شود، عقب بمانید و در آخرت هم خدا نکرده دچار دوزخ الهی شوید. پشیمان می‌شوید که دیگر سودی ندارد. یا رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در حدیثی دیگر می‌فرماید: اگر فرزند آدم به ظرفیت دو رودخانه بزرگ سیل طلا در اختیار داشته باشد، باز هم قرار نمی‌گیرد و در طلب ثروت‌های دیگری است. خداوند به فریاد ما برسد، خیلی مشکل است یا شما در شهرستان هستید، جبهه را فراموش نکنید، یعنی به فرمان امام خمینی بت‌شکن یا حسین زمان ما جبهه را اهم از واجبات دانسته، کسی که توان رزمی دارد[2] به جبهه، کسی [که] ندارد[3] نسبت جبهه از نظر مالی، اگر از نظر مالی هم در مضیقه‌اند[4] دعای خیر یادشان نرود. ولی مبادا

---

۱- در اصل وصیت «حدیثی».

۲- در اصل وصیت «دارند».

۳- در اصل وصیت «ندارند».

٤- در اصل وصیت «مزیقه‌اند».

آرزوی درازی کنید که خود را به‌سوی سقوط قطعی و مرگ لغزیده رسانده‌اید. آرزو داشته باشید[۱] نه آرزوی دراز و بی‌حساب.

خلاصه مزاحمت ایجاد کردم و سر شما را درد آوردم، مقصود این بود یک مقدار به فکر آیید، به فکر آخرت باشید، یک مقدار [...][۲] باشید. اما، ما که حسین(علیه‌السلام) می‌کنیم، این شعار را هم عمل کنیم. حسین(علیه‌السلام) زمان ما خمینی است، لبیک بگوییم به خدا دیر است. خلاصه با عرض پوزش، باز هم در این‌باره حدیثی داریم که می‌فرماید از امام صادق(علیه‌السلام) وقتی امام اراده می‌کند خبری را بداند، خداوند او را به آن چیز آگاه می‌سازد. تنها در این‌باره، دربارهٔ[۳] امام امت مطالعه کنید. ببینید همین‌طور است یا نه. لبیک بگویید و مثل مردم کوفه نباشید، که امام تنها بماند، یا مثل مردم زمان امام حسین(علیه‌السلام) چندین لشکر بودند ولی در جنگ ۷۲ تن از یاران باوفای امام بیش نبودند، که اینها هم در راه خداوند شهید شده‌اند. شما راه شهیدان را ادامه دهید و نگذارید، اسلحه آنها بر زمین بماند و به‌دست دشمن افتد و دشمن از اسلحه این شهدا استفاده کرده و به قلب ما نشانه بگیرد و یا نگذاریم خون آنها[٤] به‌هدر رفته باشد و مسئولیت شهدا را که به گردن ما گذاشته، خیلی سنگین است. نمی‌توانیم به سادگی از آن گذشت. ولی یک مقداری فکر کنیم، متوجه می‌شوید چه مسئولیت سنگینی بود که به گردن ما گذاشت. مرگ مرگ است، مرگ سرخ چه بهتر است از مرگ طبیعی. مرگ سرخ را دریابید و به‌سوی آن بشتابید.

**«والسلام من تبع الهدی»**

**٦٥/٤/٧**

**برادر حقیر شما، سیدجعفر**

---

۱- در اصل وصیت «باشد».

۲- خوانا نیست.

۳- در اصل وصیت دربارهٔ دوم را ندارد.

٤- در اصل وصیت بین آنها و به هدر «را» زاید است.

همین‌طوری که شما در این دنیا منزل نو، ساختمان نو می‌سازید تا[۱] برای خود، آسایش داشته باشید به فکر ساختمان نو در آخرت باشید، که در آن دنیا جاودانی و ماندنی است و خراب نمی‌شود ولی در این [دنیا] هرچه ساختمان نو و چند طبقه بسازید، ماندنی نیست و خراب می‌شود.

به پدر و مادر، سلام می‌رسانم، خلاصه گرچه فرزند خوبی برای شما نبودم، امانتی بودم که شما مرا صحیح و سالم تحویل خدا دادید و شما هم که هستید انشاءالله[۲] زینب‌وار زندگی کنید، خلاصه مرا حلال کنید، از خویشان و دوستان و همسایه‌ها، طلب عفو و حلالیت نمایید.

خواهران عزیز[۳] زینب‌وار زندگی کنید و حجاب شما، از خون سرخ من بهتر است، مهم‌تر از تیری است که به چشم منافقان می‌خورد. ولی یک مقدار پول دارم، در نزد صرفی‌آباد (رضا در نزدیکی میدان سعدی) بگیرید و مقداری دیگر دست شما است، هر مقداری می‌خواهید بردارید و یک مقداری که خرج مجالس می‌شود و مقداری دیگر [را] به جبهه اهدا کنید و موتور را فروخته و پول را اگر احتیاج دارید بردارید وگرنه به جبهه اهدا کنید و هم‌چنین به مقدار ۳۰۰ تومان غلامحسین از من می‌خواهد، بدهید.

با دعا به جان امام زمان(عج) و نایب برحقش. با دعا برای رزمندگان اسلام و سلامتی تمامی رزمندگان اسلام، صحیح و سالم برگشتن مفقودالاثرها به خانواده‌شان و هم‌چنین آوردن مفقودالجسدها به خانواده‌هاشان و دیگر دعا و نماز شب را فراموش نکنید و شما [با] یک دست قرآن و دیگر [دست] اسلحه را بردارید و نماز جماعت و نماز جمعه را فراموش نکنید و نگذارید جای شما خالی باشد و منافق کوردل چشم [باز] کند و ببیند. بگذارید همان منافق که کور است و کر است و لال، همین‌طور بماند. که تا خداوند آنها را نیست و نابود کند.

---

۱- در اصل وصیت «و».

۲- در اصل وصیت پس از انشاءالله «مانند» دارد.

۳- در اصل وصیت پس از خواهران عزیز «مانند» دارد.

**والسلام من تبع‌الهدی**
**برادر حقیر شما، سیدجعفر احمدپناه**
**تیر ٦٥/٤/٧**

## شهید سیدجعفر احمدپناهی

ای ملت عزیز این سعادت مخصوص خودم نیست، خداوند به من عنایت کرده، بلکه شما ایمان و تقوی را بیشتر کنید و به دانشگاه آن آقا اباعبدالله راه یابید، تا معنای این جملات را درک کنید. ای خدای من که در زندگی و در این دنیا چیزی نداشته و ندارم که در راهت دهم، جز یک مشت پوست، گوشت و استخوان، پس بپذیر و راضی باش از من، به حق محمد و آل طاهرین او که سلام و رحمت‌های تو بر آنها باد.

**محل شهادت: کربلای ٥**
**تاریخ شهادت: ٦٥/١٠/٢١**

بسمه تعالی

# وصیتنامه رزمندگان

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

محل الصاق عکس

۱ـ مشخصات کامل.

۲ـ هدف از آمدن به جبهه. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

۳ـ پیام. بسم الله الرحمن الرحیم

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

ای مردم آگاه کلید بهشت آنانی هستند که در راه خدا و دفاع از اسلام کشته شده‌اند مرده مانند انسانهای دیگر نیستند بلکه همچون درختی پر ثمر و سرسبز در نزد خداوند روزی میخورند

با درود بی‌شمار و سلام بیکران به محضر حضرت حق و با عرض ارادت به پیشگاه رهبر کبیر انقلاب و امید به پیروزی اسلام در سراسر جهان وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم.

این وصیت را به نام خداوند متعال شروع می‌کنم.

سلام خدا بر فرمانده کل قوا (ع) و نایب برحقش امام امت و درود بر پدر شهیدان و معلولین و مجروحین و مفقودالاثر و سلام خدا بر شما خانواده‌های شهداء مفقودین مجروحین و معلولین و سلام خدا بر شما برادران و خواهران گرامی و همچنین فرزندان عزیز گرامی امید است از جانب ما به شما قرین سلامتی و تندرستی باشد و همچنین از طرف ما نگران نباشید با اینکه ما در جبهه‌ها هستیم ولی همیشه فکرمان پیش شما عزیزان است و همیشه در صدد خدمت به شما هستیم و همچنین اسلام را از خطر دشمن محفوظ دارند.

الحمد لله که ما را شکر کوشش لیاقتی بخشید و ما را در این راه مستقیم آگاه آمادا بعد از (ع) راه پایمردی و آگاهی کامل و با علم بر اینکه تمام راه حق و حقیقت را انتخاب و در این راه از اشتیاق آن نهراسیدیم و در راه خدا قیام نمودیم از این بعد راه عظیم و پرافتخار را که ملت غیور ما بسعادت مخصوص خداوند برای ما مشخص کرده با شتاب و قدرت ادامه دهید و با دشمنان اسلام و قرآن با مشت گره کرده و با پشتکار و ایمان قاطع خود به راه پرشکوه و پرافتخار خود ادامه دهید.

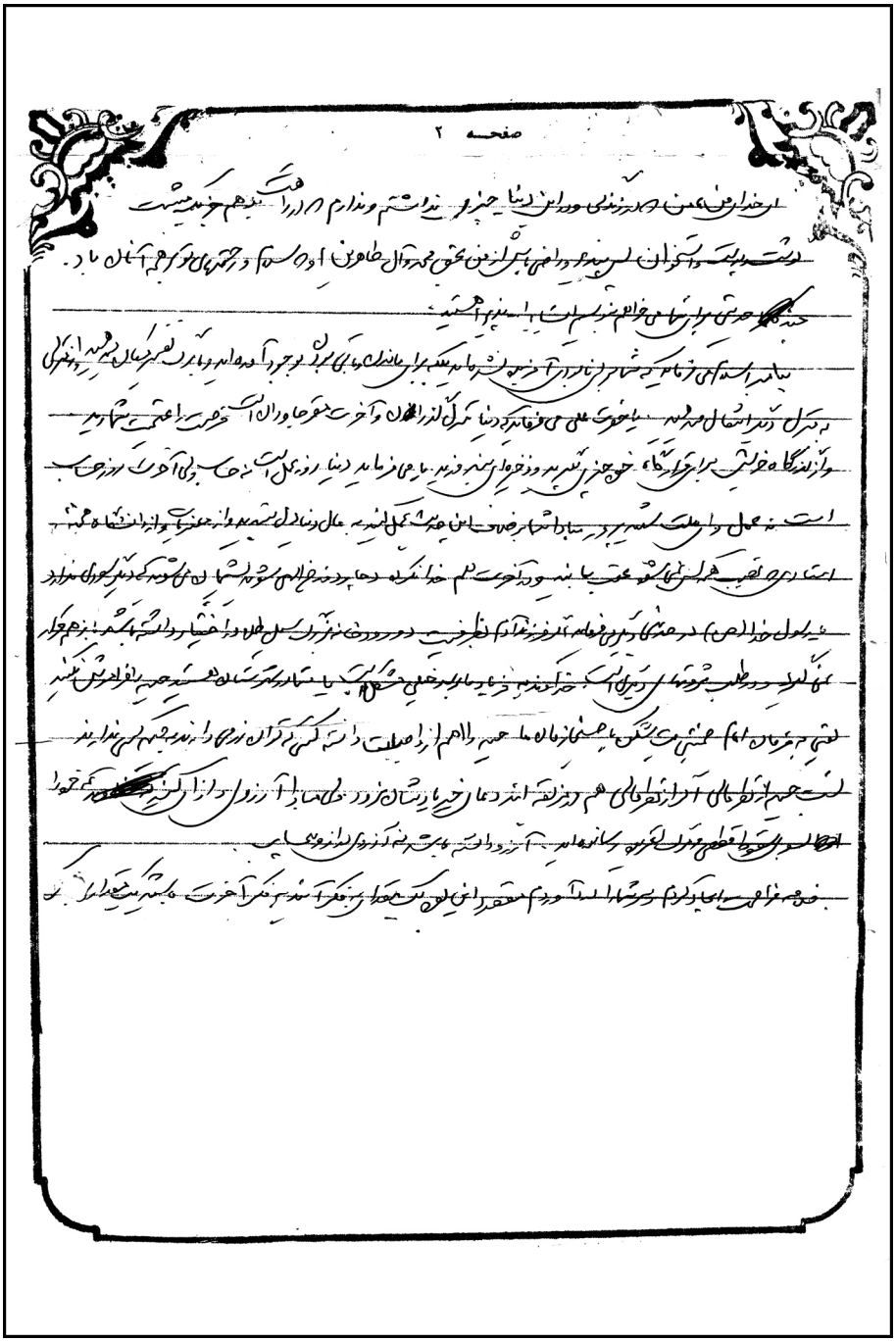

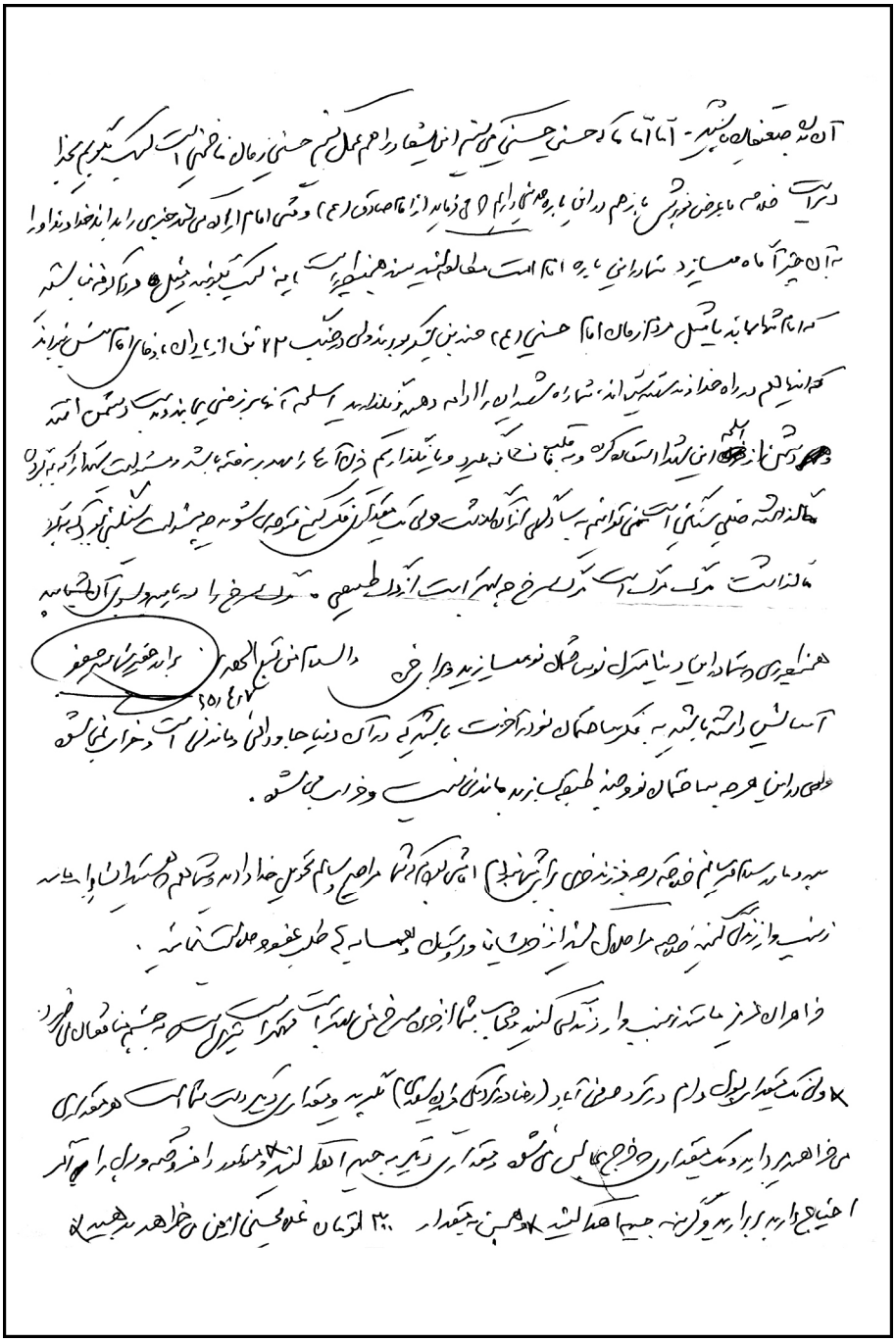

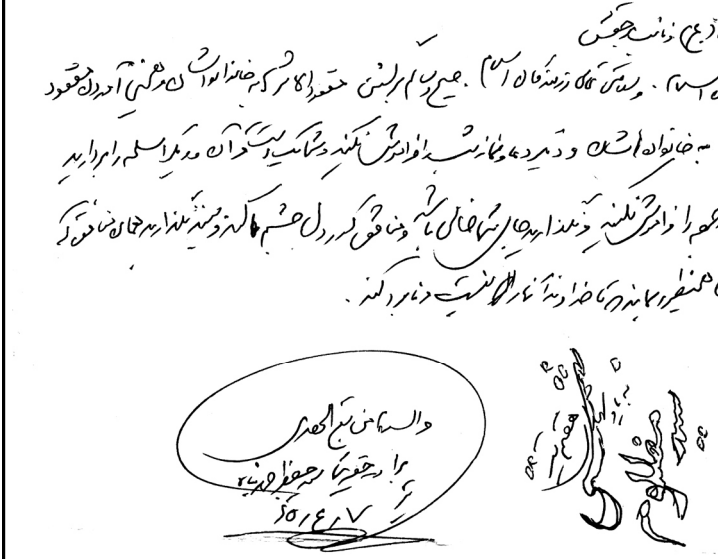

«شهید سید جعفر احمدپناهی»

از ملت عزیز این سعادت مخصوص خودم نیست خداوند به من عنایت کرده بلکه شما ایمان و تقوی را بیشتر کنید و به دانشگاه آن آقا ابا عبدالله راه یابید تا معنای این جملات را درک کنید ای خدای من که در زندگی و در این دنیا چیزی نداشته و ندارم که در راه تو دهم جز یک مشت پوست، گوشت و استخوان، پس بپذیر و راضی باش از من بحق محمد و آل طاهرین او و سلام و رحمتهای تو بر آنها باد.

محل شهادت: کربلای ۵ — تاریخ شهادت: ۶۵/۱۰/۲۱

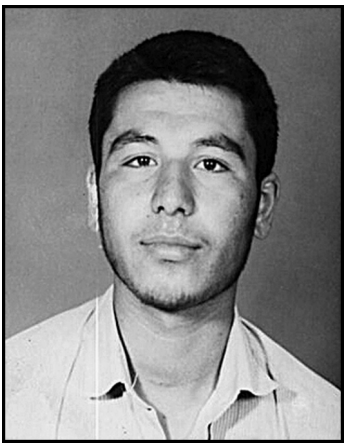

نام: **سیدجمال**
نام خانوادگی: **احمدپناهی**
نام پدر: **سیدجواد**
نام مادر: **زکیه**
تاریخ تولد: **بیست‌وسوم دی ۱۳۴۳**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **نوزدهم اسفند ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدایا سپاست می‌گویم که به این راه که راه صالحان است رهنمونم ساختی.
- با درود بی‌پایان به رسول‌الله تنها منجی آزاد کننده انسان از بند بندگی.
- سلام بر راد مردی که از سلاله اوست و نایب برحقش روح‌الله.
- درود بر شهیدان افتخارآفرین اسلام از بدر رسول‌الله تا بدر روح‌الله.
- امام را تنها نگذارید.
- شما را به خدا پشتیبان امام امت باشید.
- به قول امام ما هرچه داریم از این عزاداری‌ها داریم، مساجد را پر کنید.
- مادرم، خواهرم را همچون نامش زینب کبری(علیهاالسلام) بپروران.

## سیدجمال احمدپناهی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

### به‌نام خدای گناهکاران و صالحان

قال الحسین(علیه‌السلام): «**و ان تکن الابدان للموت انشئت/ فقتل امرء بالسیف فی‌الله افضل**».[۱] «اگر بدن‌ها برای مرگ خلق شده‌اند، کشته شدن انسان با شمشیر در راه خدا بهتر است».[۲]
قال علی(علیه‌السلام): «**مولای یا مولای انت الغافر و ان المذنب و هل یرحم المذنب الاالغافر**».[۳] آقای من، ای آقای من، تو بخشنده گناهانی و من گناهکار، آیا چه کسی جز آمرزنده گناهکار را[٤] می‌آموزد.

خدایا سپاست می‌گویم که به این راه که راه صالحان است، رهنمونم ساختی و با اینکه لیاقت نداشتم، شربت شیرین و گوارای شهادت را به مذاق[٥] تلخم چشاندی.

پروردگارا، ترا شکر می‌کنم که لطف بی‌کرانت را شامل این عبد عاصی نیز نمودی و مرا به آرزوی دیرینه‌ام که رسیدن به قرب تو بود رسانیدی.

مولاجان، تو خود بهتر می‌دانی که من عاشق تو بودم و [تا] با اینکه بی‌لیاقت بودم به این عشق حقیقی‌ام پاسخ مثبت دادی.

خدایا، اگر قرار بر ماندن است، پس چگونه شد که اصحاب خاصت در خون خود غلطیدند؟ و اگر قرار بر رفتن است، پس چرا ما بی‌معرفتان بمانیم؟ می‌دانم که لیاقت نیست، ولی چه شد کرم و لطف تو که با آن خوی گرفته‌ایم. اگر بنا باشد ما را با آن گناهکاران عذاب کنی، چه کنیم که تحمل عذاب را نداریم.

---

۱- از سخنان حضرت امام حسین(علیه‌السلام). «بحارالانوار، ج٤٤، ص۳۷٤».
۲- از علی(علیه‌السلام) عبارتی نقل شده است که مانند جمله‌ای است که شهید «احمد پناهی» نقل کرده است «أن اکرم الموت القتل» نهج‌البلاغه خطبه ۱۲۳.
۳- فرازی از دعای ندبه.
٤- در اصل وصیت «گناهکارا».
٥- در اصل وصیت «مذاغ».

با درود بی‌پایان به رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، تنها منجی آزادکننده انسان، از بند بندگی و بر رهبران راستین، پس از آن وجود شریف امامان حق شیعه از علی(علیه‌السلام) تا مهدی موعود(عج) و درود بر امام عصر، فرمانده‌ای که جان فرمانبردارانش در هوای کویش می‌طپد و جان‌نثاران، بی‌صبرانه منتظرند، تا جان ناقابل خود را در رکابش ببازند و خون پاک و سرخ خود را بر سر راهش، به‌عنوان سنگفرش زمین بگسترند. سلام بر رادمردی که از سلاله اوست و نایب برحقش روح‌الله. درود بر شهیدان افتخارآفرین اسلام، از بدر[1] رسول‌الله تا بدر[2] روح‌الله و همه شهدای آینده اسلام، که عاشقانه جانشان را در طبق اخلاص گذاردند و جام‌شیرین شهادت از دست[3] ساقی کوثر نوشیدند و به سعادت رسیدند.

می‌خواهم چند جمله‌ای به‌عنوان وصیت بنویسم، اما شرم دارم، به یاد می‌آورم مادرانی که نه تنها بدن پاک عزیزشان را از صحنه‌های خون و ایثار نیاوردند، بلکه وصیت‌نامه‌ای هم به‌عنوان دلخوشی به اسمشان تقدیم نکردند، درودشان بُوَد. به هرحال سخن و وصایایم را در دو بخش آغاز می‌کنم.

امت اسلام، وصیت‌نامه شهدا را بنگرید و بخوانید و مطالب مشترک بین آنها را در ذهن بیاورید. اگر دقت کنید چند مطلب در همه وجود دارد:

جبهه را پر کنید. نکند خدای ناکرده سنگرهای خونین که با خون سرخ عزیزان آغشته شده است و خاکش بوی خون گرفته است، خالی بماند. تا من و تو ای برادر در روز قیامت روسیاه برانگیخته شویم. نکند خدای ناکرده از این امتحان سختی که در پیش داریم، با سرافکندگی به در آییم. عَلَم و پرچم اسلام را تا اینجا شهیدان به دوش کشیدند. بیایید کاری کنیم که روحشان پس از رفتنشان با دیدن اعمالمان در عذاب نباشد. کاری کنیم که خرسندشان کنیم، تا خداوند را خرسند نموده باشیم.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت: «بدست».

امام را تنها نگذارید، شما را به خدا پشتیبان امام امت باشید، تا خدا نیز پشتیبانتان باشد. اگر هم پای و هم ردیف امام حرکت کنید، به قلهٔ رهایی و سربلندی اسلام صعود[۱] خواهید کرد. اگر جلوتر حرکت کنید، در اثر عجله و تند بودن از آن قله سقوط خواهید کرد و اگر تنهایش بگذارید، در درهٔ سقوط و هلاکت، در خواهید غلطید، که در این دو صورت، نه دارای اجر دنیوی خواهید بود و نه اخروی. بلکه در هر دو عالم ذلیل خواهیم شد و به‌عبارت دیگر شرمندگی روز محشر را در مقابل شهیدان و امامان و پیامبران چه کنیم. که از هر عذابی شدیدتر است.

در مراسم عبادی، سیاسی، اجتماعی شرکت فعال داشته باشید، تا به این وسیله در رزم عزیزانتان در جبهه‌ها شریک باشید. در عزاداری‌ها، دعاها و مراسم مذهبی شرکت کنید، که به‌قول امام «ما هرچه دارم از این عزاداری‌ها داریم»،[۲] مساجد را پر کنید[۳] و به تعریف امامان که فرمود: «مسجد سنگر است[٤] سنگرها را پر کنید»، جامه عمل بپوشانیم و بالاخره به فرمایشات امامتان با گوش دل لبیک گویید و عمل کنید.

روی سخنم با شماست، ای مسئولین، شما را به مقدساتتان، کاری نکنید که این امت خدای ناکرده پشت کند به شما. اینقدر این ملت مظلوم و رنجدیده را با اعمال خود ناراضی نکنید. کسانی که دست به این اعمال می‌زنند، به دو دسته‌اند: دسته‌ای دشمن هستند و در ادارات و مراکز اجتماعی نفوذ کرده‌اند و منتظرند تا ضربهٔ کاری خود را بر پیکر انقلاب وارد کنند. و به راستی این آرزویشان را به گور خواهند برد. عده‌ای دیگر ناآگاهانه کاری می‌کنند که خشم ملت را خدای ناکرده، برمی‌انگیزند که این باعث خواهد شد، این

---

۱- در اصل وصیت «سعود».

۲- امام خمینی: «این محرم را زنده نگه دارید. ما هر چه داریم از محرم است و از این مجالس، اگر این مجالس وعظ و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما پیروز نمی‌شد» (صحیفه امام، ج۱۷).

۳- امام خمینی: «مسجدها را حفظ کنید. بروید به مسجد. این مسجدها را حفظ کنید، مسجدها را خالی نکنید» (تبیان، آثار موضوعی امام، دفتر هفتم، ص۱۸۰-۱۸۱).

٤- امام خمینی: «مسجد یک سنگر اسلامی است. می‌خواهند نماز را بشکنند... خالی کنند این سنگرها را و بعد از خالی کردن این سنگرها، حمله کنند» (تبیان، آثار موضوعی امام، دفتر هفتم).

تعداد قلیل، باید جوابگوی خون شهیدان باشند و آنجاست که نمی‌توانند جواب بدهند و سرافکنده می‌شوند. مسئولین محترم به درد این امت رنج کشیده برسید، حال که زمام امور را به‌دست گرفته‌اید، کوتاهی نکنید، و در انجام مسئولیت شرعی و قانونی خود بکوشید، نقاط ضعف را بشناسید و در موردش به نقاط قوت بیاندیشید. هسته‌های کور ضدانقلاب را بشناسید و در نطفه خفه‌شان کنید. از قهر این ملت بترسید. ملت همان ملتی است [که] شاه و آمریکا و دیگر مزدوران منطقه را به بند درآورده، کاری نکنید که شما هم مورد این خشم قرار گیرید. البته منظورم این است که به فکر باشید تا[1] قبل از به‌وجود آمدن چنین مسئله‌ای، مواظب وقایع آن باشید. در آخر به دوستان و برادرانم توصیه می‌کنم که اگر از طرف این حقیر نسبت به شما بدی رسیده است و دانسته یا ندانسته مرتکب اشتباهی شده‌ام، ببخشیدم. من از هیچ‌کس چیز بدی در خاطر ندارم و از شما هم می‌خواهم با من در همین دنیا تسویه[2] حساب کنید، تا مجبور نباشم در صحرای محشر جوابگوی خطاهایم در مورد شما باشم. برایم دعا کنید و طلب مغفرت بنمایید، که خداوند دعای مخلصان را زود اجابت می‌کند.

**به امید سربلندی اسلام به زودی زود در سراسر گیتی**
**«والسلام»**

**بخش دوم را به خانواده گرامی و اقوام و فامیل گرامی اختصاص می‌دهم.**

پدر و مادر عزیز می‌دانم غم دوری فرزند بس مشکل است و جانسوز، ولی اگر فقط برای رضای خالق کون و مکان باشد، بسیار آسان و شیرین است. معترفم به اینکه در طول این مدت، فرزند خوبی برایتان نبودم و چه‌بسا پنبه‌های بی‌توجهی گوشهایم را پر کرده بود. و دل به نصایح شما نمی‌دادم و توجه نمی‌کردم، می‌دانم خوبی مرا می‌خواستید و من نمی‌فهمیدم. امید دارم به بزرگی خودتان حقیر را ببخشید.

---

۱- در اصل وصیت «که».

۲- در اصل وصیت «تصفیه».

می‌دانم صبور هستید و بردبار، می‌دانم خود را برای هرچه آماده کرده‌اید، ولی باز هم متذکر می‌شوم که در مورد من، خانواده‌های شهدا را الگو قرار دهید و خود الگو قرار بگیرید، برای خانواده‌های شهدای دیگر. نکند خدای ناکرده، با تضرع و زاری در مراکز عمومی چهره انقلاب را لکه‌دار کنید که نمی‌کنید. و در این صورت به قول برادر شهیدم حسین درزی حرفه،[1] در صورتی که شهادت من مورد قبول درگاه احدیّت قرار نگیرد، اجرتان پابرجاست. پس مواظب باشید اجر خود را ضایع نکنید.

مادرم، خواهرم را همچون هم نامش زینب کبری سلام‌الله علیها بپروران، تا شاگردی از مکتب پیام‌رسانیش تربیت شود. و پیام‌رسان خون برادرش باشد. برادر کوچکم را همچون هم‌نامش شهید محمدکاظم نصیری[2] و پسرعمه‌اش و برادرش و دوستان برادرش، بپروران، تا رهرو راه سرخ حسین(علیه‌السلام) باشد. برادران و سرورانم، اگر در این مدت از من بدی به شما رسیده است، از شما پوزش می‌خواهم. گاه‌گاهی باعث نارضایتی شما شده‌ام، مرا ببخشید و از خدا نیز برایم طلب آمرزش کنید.

فامیل‌ها و خویشاوندان محترم، یکدیگر را دوست بدارید و ارتباط خود را با هم قوی‌تر کنید که رمز خوشبختی دنیا و آخرت، اتحاد به‌خاطر رضای خداست.

اگر جنازه‌ام به‌دستتان رسید، در کنار دیگر عزیزان دفنم کنید، تا شاید به برکت هم‌جواری با آنان لطف خدا، شامل حال این بنده روسیاه قرارگیرد و مورد بخشش حق قرارگیرم.

و در صورتی که نرسید، صبر کنید و راضی باشید به رضای حق و مطمئن باشید، تنها نیستم بلکه فرمانده‌ام بقیةالله انشاءالله هم‌نشینم خواهد بود.

در خاتمه مدت سی و یک روز، روزه بدهکارم که برایم بگیرید و یکسالی هم نماز برایم بخوانید.

---

۱- حسین درزی حرفه از دوستان شهید بوده است که در سال ۱۳٦٤ در جنگ عراق به شهادت رسیده است. نام او بهرام است که مثل بسیاری از شهیدان به‌جای نامهای ایرانی اسامی اسلامی انتخاب کردند.

۲- شهید محمدکاظم نصیری دانش‌آموز شهیدی است که در آبان ۱۳٦۱ در منطقه عملیاتی عین‌خوش به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمد و در امامزاده یحیای زادگاهش (سمنان) به‌خاک سپرده شده است.

شما را به خدای لاشریک می‌سپارم.

یکـــی درد و یکـــی درمـــان پســـندد  یکـــی وصـــل و یکـــی هجـــران پســـندد[۱]
مـــن از درمـــان و درد و وصـــل وهجـــران[۲]  پســـندم آنچـــه را جانـــان پســـندد

به امید فتح کربلای حسینی و اقامه نماز در قدس[۳] به امامت روح خدا خمینی

**بنده گناهکار خدا**

**سیدجمال احمد پناهی**

---

۱- دو بیتی از بابا طاهر همدانی است.

۲- مصرع سوم یا مصرع اولِ بیت دوم، در اصل سند «میان درد ودرمان وصل و هجران».

۳- ر.ک. تعلیقات.

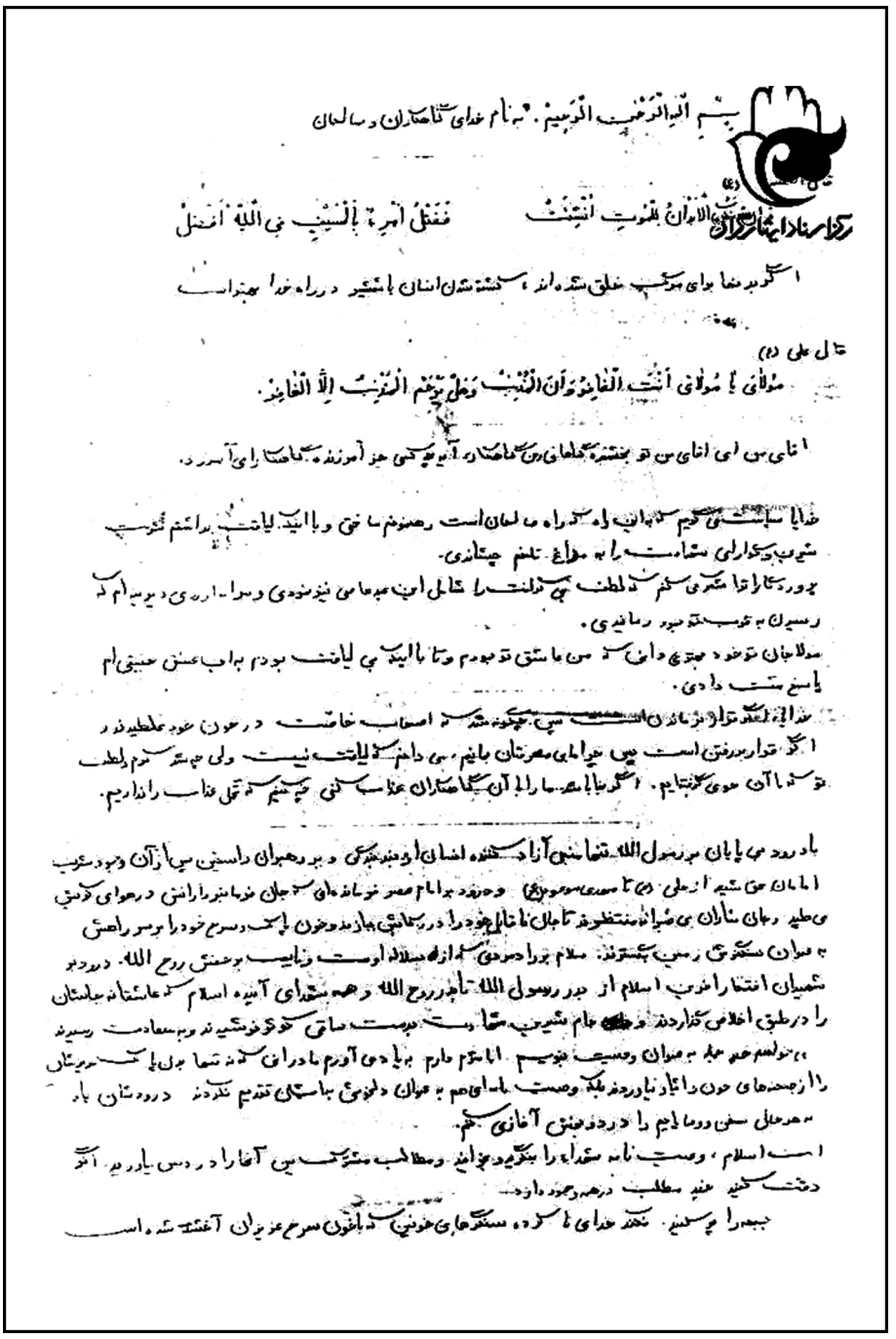

بسم الله الرحمن الرحیم. به نام خدای تاجداران و سالخان

[illegible] الایمان بالغیب انشئت  فنقل امره بالتسبیب فی الله افضل

اگر بر ما برای موکب خلق شده اند، گشتن انسان با شمشیر در راه خدا بهتر است

قال علی (ع)

مولای یا مولای انت الغافر ذنوبنا و علمک بحکم الغیب الا الغافر.

الهی من ای الهای من تو بنشنه گناهان من گناهکار را آمرزنده گناهکاران را آمرزنده.

خدایا سلامتی کریم کاروان راه کدام مسلمان است رهنوردش باقی و با ایمان لیاقت بدانم تقرب شریف بکارانی سلامت را به مواقع تلخم چشانده.

پروردگارا قدرتی بکنم که لطف بی نهایت را شامل این عبدها من نیز نمودی و سرانجام دیوبام که رسیدن به خوب منتهی نمود رهانیدی.

مولایان موجود هیچ دانی که من با مشق تو بودم و تا با ایمان بی لیاقت بودم بواب عشق حقیقی ام پاسخ مثبت دادی.

خدایا [illegible] سپس چگونه شکر کنم اصحاب خاصت در رحمن خود محاطیدند و اگر قدار بدرفتی است بین خوابهای مصرشان بابیم، بی دانم که لیاقت نیست ولی چه شکر کنم لطف تو شکر آن موی گنجایم. اگر با بصیرت را الآن گناهکاران عذاب کنی چشمیم که تحمل عذاب را ندارم.

---

یاد رود می پایان مرد رسول الله تنها سنن آزاد کننده انسان او مبنی بر حرکت و بر رهبران راستین پس از آن وجود غرب امامان حق شیعه از علی (ع) تا مصری موعود (عج) و درود بر امام عصر خواننده های جان فرسا منیر را راستی در رهوای گرمی ی طلبه رهای شاران بی ضیاء منتظر فرج تا جان نا قابل خود را در کفایتی بازیدند و خون پاک و سرخ خود را بر سر راهش به فوران سنگرهای زمین بگشتند. سلام بر او درودی که از سلاله اوست و نایب برحق روح الله. درود بر شمیران انتظار انقلاب اسلام از دیر رسول الله تا دور روح الله و همه شهدای آمیزه اسلام که عاشقانه بیاستان را در طریق اخلاص گذاردند و طلبه جام شیرین شهادت بدست ساقی کوثر خوشنود نمودم سعادت رسیدند، خواستم خیلی به عنوان وصیت بنویسم. اما دیدم دارم به یاد آوردن مادرانی که شما بول پاک مردمان را از جیبهای خون رنگ آلود نیاورده بلکه وصیت نامه ای هم به عنوان دلنوشته بپاستان تقدیم نکردند. درودشان باد به هر حال سخن دوستان را در رهنوردی آغاز کنم.

اسلام، وصیت نامه شهدا را بگیرید بخوانید و مطالب مشترک بین آنها را در دس یادداشت کنید خیلی مطلب در هم وجود دارد.

جبهه را بشناسید. تخت خدای ناکرده سنگرهای خونین دشمن در سرحد عزیزان آغشته شده است

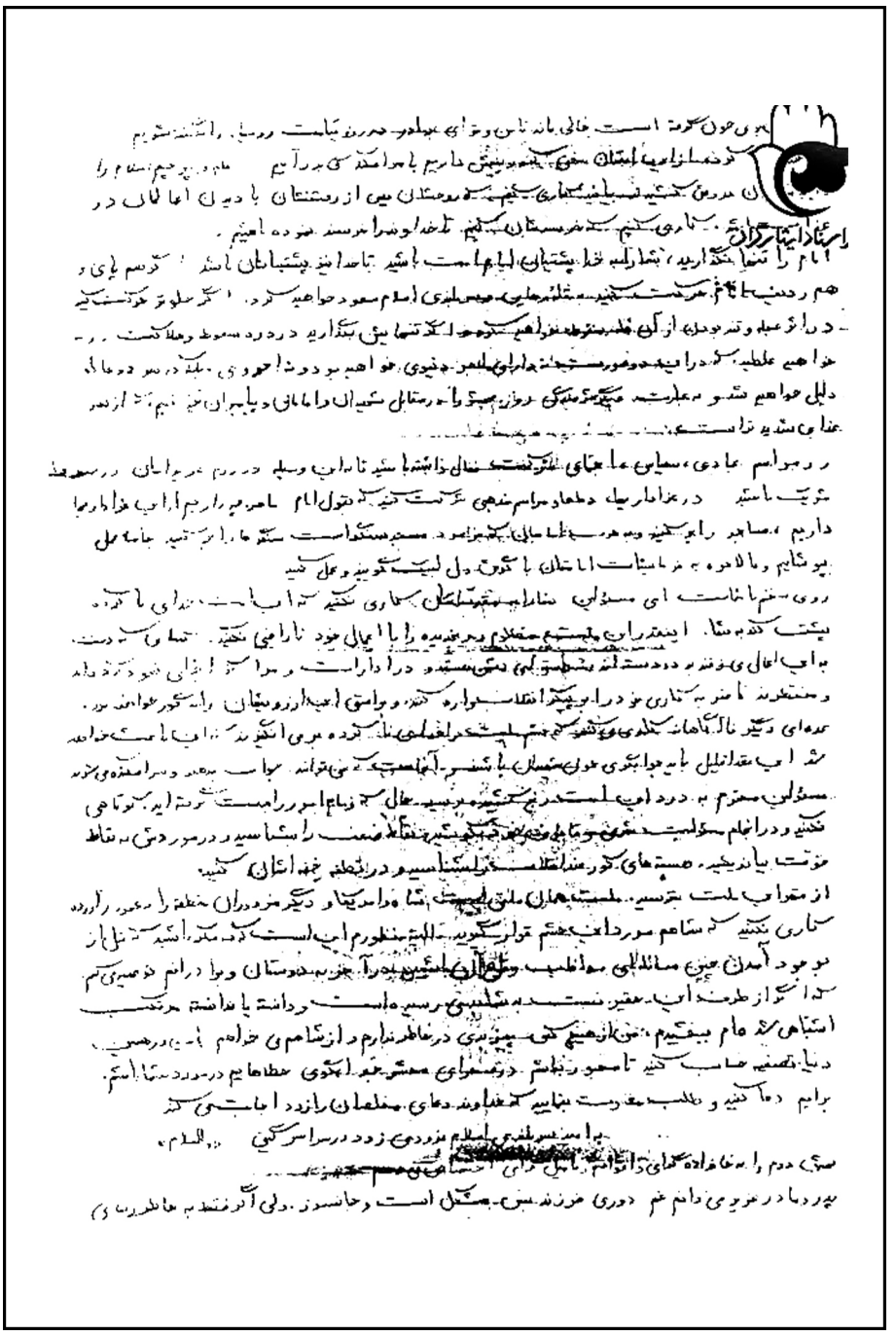

خالق کون ومکان باشد

بسیار آسان وشیرین است معتقدم با اینکه در طول این مدت فرزندخوبی واتیان نبودم وجیه بسا بینه‌های بی توجهی

تو شما را چگونه وجد وحال به ضایع شما من دانم وتوجه نمی کردم می دانم خوبی مرا نمی خواستید ومن نیز نمیدانم امیدوارم

که به بزرگی خودتان من حقیر را ببخشید. می دانم صبور هستید وجود بارمی دانم بخود واجرای هرچه آماده کرده اید ولی

باز هم متذکر می شوم که در مورد من خانواده‌های شهدا را للّه قرار دهید وخود اللّه قرار بدید برای خانواده‌های شهدای

خلیج فارس خدای نکرده با تضییع وزاری در مرکز عمومی چهره انقلاب را لکه دار کنید که نمی کنید ودراین صورت برادر شهیدم حسین

در رزی هرچه در صورتی که شهادت من مورد قبول درگاه احدیت قرار نگیرد باز هم اجرتان با خودتان باشد حساب من مواظب

باشید اجر خود را ضایع نکنید. مادرم، خواهرم، راحیون نامش زیب کبری سلام الله علیها ببیوران تا بهمنوان

خادمه بخدمت مکتب پیام رسانیش تربیت مقتدر وپیام رسان خون برادرش باشد. برادر کوچکم راحیون هم نامش

شهید محمد کاظم نصیری وپسر همنامش وجوانیش مدد رسان برادرش ببیوران تا هجرت راه سرخ حسین باشد.

جوانان وسرورانم اگر در این مدت از من بدی به شما رسیده است از شما بپوزش می خواهم ظلمی باعث ناراضایتی شما

شده ام مرا ببخشید وجوانان از خدا طلب آمرزش کنید خاطره‌ها مخوشحالوندان محترم کدیگر را دوست بدارید وارتباط

خود را بکمک قوی کند که در خوشبختی دنیا و آخرت اتحاد به خاطر رضای خداست اگر بنده ام در کنار
دیگر عزیزان دفنم کنید تا شاید به برکت هم جواری با آنان لطف خدا شامل حال این بنده روسیاه قرار گیرد و
در صورد بخشش حق قرار گیرم و در صورتی که نتوانید صبر کنید و راضی باشید به رضای حق و مطمئن باشید تنهایتان نگذارم
فرمانده ام تعیین الله ان شاء الله هم نشینم خواهد بود شما را به خدای لا شریک له می سپارم.

نگی درود و نگی در میان نیست  نگی وصل و نگی هجران نیست

میان دو دو در میان وصل و هجران  نیست آنچه را جانان نیست.

بنده ناچیز خدا : سید جمال احمد پناهی

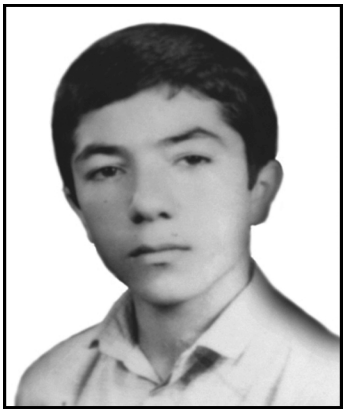

نام: **سیدمهدی**
نام خانوادگی: **احمدپناهی**
نام پدر: **سیدجواد**
نام مادر: **زکیه**
تاریخ تولد: **پانزدهم فروردین ۱۳۴۹**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم تیر ۱۳٦٦**
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: –

## عبارت‌های کلیدی

- با سلام و درود به امام زمان(عج) و به امام امت و رزمندگان اسلام.
- درود به خانواده‌های معظم شهدا که آن چیزی که خیلی دوست دارند، فدای اسلام کردند.
- امام هم می‌گوید: شما خانوادهٔ شهدا چشم و چراغ باشید.
- خدا هم مقام والایی برای خانوادهٔ شهدا در نظر دارد.
- شما ملت شهیدپرور اگر می‌توانید باید به جبهه بروید.
- به شما ملت یادآوری می‌کنم که سنگر نماز جمعه و جماعت را خالی و تنها نگذارید.
- پیامم به پدر و مادر مهربان و عزیزم این است که صبر و شکیبایی را پیشه کنید.

**سیدمهدی احمدپناهی**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**بسم رب الشهداء و الصدیقین**

سلام علیکم و رحمةالله و برکاته

«**ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**»[۱] «و هرگز گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».

با سلام و درود به امام زمان(عج) و به امام امت. رزمندگان اسلام اینانند که[۲] در مقابل کفر، ستیز و مقابله می‌کنند و با جهاد جان ستیز می‌کنند و خدا انشاءالله تمام نبردها و خون‌ها را قبول درگاهش قرار دهد و به امید آزادی اسرا اسلام، به‌خصوص دانش‌آموز قهرمان، مصطفی امامی،[۳] که با استقامت و صبر در زندان‌ها و شکیبایی، منتظر نصرت رزمندگان هستند که آزاد شوند و خدمت کنند و به امید شفای معلولین و مجروحین که چند سال در تخت بیمارستان‌ها منتظر آقا امام زمان و شفای آنها توسط[٤] آقا هستند و به امید خبر سلامتی مفقودین و گمنامان و[٥] رسیدن به خانواده‌های آنها و درود به خانواده‌های معظم شهدا که آن چیزی که خیلی دوست دارند، فدای اسلام کردند. چنان‌که امام هم می‌گوید، شما خانوادهٔ شهدا چشم و چراغ باشید[٦] و خدا هم مقام والایی برای خانواده

---

۱- آل عمران/ ۱٦۹.

۲- در اصل وصیت «که اینانند در مقابل».

۳- از عبارت چنین برمی‌آید که مصطفی امامی از آزادگانی است که در زندان‌های بعثی مقاومت چشمگیری از خود نشان داده است.

٤- افتادگی دارد [آنها توسط].

٥- [واو] اضافه شده است.

٦- امام خمینی: «خانوادهٔ شهدا چشم و چراغ این ملتند» (صحیفهٔ امام، دورهٔ ۲۲ جلدی).

شهدا در نظر دارد و بعد از سلام و درود، امیدوارم خدا این بندهٔ حقیر و کوچک را[1] که آن‌قدر گناه کرده‌ام ببخشاید و در رتبهٔ آن امامان و صالحان و اصحاب خاص حسین قرار دهد و التماس دعا و تقاضا دارم از شما ملت ایثارگر، که خدا تمام گناهانم را ببخشد و بنده به‌عنوان یکی از افراد جامعه که توفیق رفتن به جبهه را یافتم و در کنار سنگرنشینان جان‌برکف به مبارزه و نبرد پرداختم و در محلی آکنده از عشق و صفا و اخلاص و معنویت است، بالاخص هنگام عملیات که برادران با چه شوقی منتظر عملیات هستند که به دیدار معشوق خود بپیوندند و اینکه شما ملت شهیدپرور اگر می‌توانید باید به جبهه بروید و با نثار جان و مال خود، ادامه دهنده راه شهدا باشید و بنده مثل وصیت و پیام تمامی شهدا به شما ملت یادآوری می‌کنم که سنگر نمازجمعه و جماعت را خالی و تنها نگذارید و همیشه یک‌طوری کار کنید که ایجاد همبستگی و اتحاد بیشتر کند، ولی اگر اتحاد و جماعت‌ها کم باشد دشمنان اسلام و منافقان سوءاستفاده [کرده] و خوشحال می‌شوند، پس حتماً باید ارزش دهید به نمازجماعت‌ها، به‌خصوص نمازجمعه که خیلی تأکید می‌شود و پیامم به پدر مادر مهربان و عزیزم این است که صبر و شکیبایی را پیشه کنید و در هر کاری مقاومت و استقامت کنید. پدرجان، از زحمات بی‌پایانت خیلی تشکر می‌نمایم و به من آموختی درس ایمان و جبهه و جنگ را و حال ای مادر عزیزم و دلسوزم، از شما خیلی تشکر می‌کنم و از بی‌خوابی‌ها و زحمات زیاد و سختی‌ها که من را تا به اینجا آوردی و بزرگ کردی و برایم کشیدی متشکرم و این را می‌دانم که در ناراحتی گریه و زاری نمی‌کنی، اما تذکر می‌دهم[2] که صبور باشی و گریه برای امام حسین(علیه‌السلام) و علی‌اکبر(علیه‌السلام) و حضرت زینب(علیهاالسلام) کن نه برای من، زیرا دشمنان اسلام منتظر همین گریه‌ها و ناله‌ها هستند که حرف‌های پوچ و بی‌ارزش خود را بزنند.

پدر و مادرم، از شما حلالیت می‌طلبم که آن دنیا روسفید در نزد خدا باشم و باکی نداشته باشم و پیامی هم به برادرانم دارم، حاجی آقا سیدجلال، آقا سیدجمال، آقا سیدکمال

---

۱- در اصل وصیت «را» افتاده است.

۲- در اصل وصیت «تذکر می‌کنم».

و آقا سیدمحمد کاظم که امیدوارم مرا ببخشید و حلالم کنید. مخصوصاً از برادر بزرگم، و متشکرم از مشکلات درسی که برایم کشیدی و کارهایی که برایم انجام دادی و آقا سیدکمال و سیدمحمدکاظم، سنگر مدرسه را خالی نگذارید و همیشه کوشش کنید که خدمتگزار جامعه باشید و ادامه‌دهندهٔ خون شهدا و پیامم به خواهرم این است که ایمان و حجاب را حفظ کنید که حجاب شما و حجاب خواهران دیگر کوبنده‌تر از خون شهدا است و همین‌طور درس را با جدیت بخوان و مرا ببخش و در پایان پیامم به تمام خویشان و دوستان به‌خصوص احسان، دائی خوبم، این است که مرا ببخشید و طلب حلالیت از همهٔ شما دارم.

ای امت شهیدپرور، ادامه‌دهنده و عمل‌کنندهٔ به وصایای شهدا باشید.

**«انشاءالله»**

**بندهٔ حقیر اسلام، سیدمهدی احمد پناهی**

**۱۳۶۵/۱۲/۱**

در معبد عشق جان فدا باید کرد — یعنی به حسین اقتداء باید کرد
بی‌سر به لقاء یار باید رفتن — دینی‌ست که اینگونه ادا باید کرد

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**
**رزمندگان اسلام نصرت‌عطا بفرما**
**زیارت کربلا نصیب ما بفرما**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم رب الشهداء و الصدیقین**

**به‌نام خدای بندگان نه مخلوقات**

«**و من‌المؤمنین رجال صدقوا**»[1] از مومنین مردانی هستند که برعهد خود وفا کردند و از جان خود که شیرین‌ترین چیز در دنیا بود گذشتند و با نثار خونشان نشان دادند که دیوانه

---

۱- بخش اول آیه ۲۳ سورهٔ احزاب.

حُسینند و دیوانه و عاشق بودن حسین(علیه‌السلام)، به حرف نیست و با[۱] سخن و محبت تمام نمی‌شود، بلکه باید در عمل سردار عشق بود و در عمل نشان داد دوست داشتن حسین(علیه‌السلام) را و برای مولا یک جان و ده‌ها جان کافی نیست، شهیدان و جان‌نثاران افسوس می‌خورند، که چرا یک جان دارند که در راه خدا بدهند، چرا بیشتر نداند.
پس باید دیوانهٔ حسین(علیه‌السلام) بود تا آقا قبول بفرماید.

با سلام به امام زمان(عج) و نایب برحقش امید مستضعفان جهان و حضرت آیت‌الله منتظری[۲] و امید پیروزی رزمندگان اسلام در نبرد با کفار بعثی و آزادی اسرا که واقعاً از صابرینند که با صبرشان[۳] اسلام را زنده می‌کنند و امید شفای معلولین و مجروحین که اینها هم از صابرانند و نشانه ملی ایثارند.

تذکر خدمت برادران و خواهران و ملت عزیز و دوستان فداکار: ای مردم، سنگرها را خالی نگذارید و اسلحه‌های شهیدان را بردارید. می‌دانند برادرانی که در جمع ما بودند که چون دیدند درخت اسلام به خون نیاز دارد، خونشان را فدا کردند (حال جای اینها خالی است و باید به ندای حضرت امام مُدظله العالی) که رفتن به جبهه از اهم واجبات الهی است، لبیک گفت و به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل رفت و در صفوف پیکار نمازها را به جماعت بخوانید و نمازجمعه را هرچه مستحکم‌تر کنید و به ابرقدرت‌ها، قدرت اسلام را[٤] نمایش دهید.

برای طلاب عزیز و گرامی: انشاءالله با درس خواندنتان در آینده جامعه را بسازید و اسلام را گسترش دهید به تمام جهان و بندهٔ خطاکار را حلال کنید.

اینک پدر و مادر مهربان: تشکر از سختی‌هایی که برای من کشیدید و بزرگ کردید و درس جانبازی را یاد دادید، سعی کنید الگو برای دیگران باشید و برای خانواده‌های شهدا، دل‌تسلاّ باشید و انشاءالله فرزند کوچک‌تان را حلال کنید و از خدا طلب بخشش برای بنده

---

۱- افتاده از اصل وصیت «با».
۲- ر.ک. تعلیقات.
۳- قبل از واژهٔ اسلام «را» در اصل سند زاید است.
٤- واژهٔ «را» از قلم افتاده است.

نمایید. برادرانم، شما هم بنده را حلال کنید و آقا سیدکمال و محمدکاظم درس و سنگر مدرسه را خالی نگذارید و حاجی آقا، شما هم مردم را بیشتر در خط اسلام راهنمایی کنید.

[...][1] خواهرانم، شما با حجابتان، که کوبنده‌تر از خون شهید است، اسلام را نگه دارید و دیگران را هم ارشاد نمایید و سخت جلوی اینکارها را بگیرید.

و در آخر، ای خانواده‌های محترم شهدا و مفقودین و اسرا و معلولین و مجروحین صابر باشید و [این][2] مشت محکمی به دهان آمریکا و طرف‌دارانش بزنید که دیگر نتواند از جای خود بلند شود.

پدر و مادرم: در شهادتم اگر خدا قبول کند، گریه نکنید و اگر می‌کنید، برای امام حسین(علیه‌السلام) و یارانش گریه کنید و بدانید که شهدا مقامشان خیلی والا است بیش از آنکه فکر می‌کنیم.

دیگر عرضی نیست، خداحافظ شما، خدایا شکرت.

حسینا من به‌سودای غمت دیوانه خواهم شد  به روز وصل رویت از همه بیگانه خواهم شد

«مولای یا مولای انت مولای و انا العبد و هل یرحم العبد الا المولی».[3]

**حقیر خدا**

**سیدمهدی احمد پناهی**

**روز شنبه ۱۳٦٦/٤/۲۷ در دست [...] ولی‌عصر**

**ساعت ۸ و ۳۲ دقیقه و ٤٥ ثانیه**

---

۱- خوانا نیست.

۲- «این» در اصل وصیت اضافه است.

۳- فرازی از مناجات حضرت امیر. (مفاتیح‌الجناح، شیخ عباس قمی، ص٤۰۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

ماینبغی لامرء مسلم ان یبیت لیله الا و وصیته تحت راسه

... او را زیبنده نیست که هر مسلمان شبی را سپری کند، مگر اینکه وصیتنامه او زیر سرش باشد.

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته : سلام بر تمامی شهداء و صدیقین

ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون

و هرگز مگویید کسانی که در راه خدا کشته شده اند مرده اند بلکه زنده اند و نزد خدایشان روزی می خورند

با سلام و درود به امام زمان (عج) و به امام امت و رزمندگان اسلام که ایستادند در مقابل کفر ستیزه

مقابله می کنند و با جان و دل از اسلام دفاع می کنند و با تمام نیروها و توان را تبدیل در گامش قرار دهند و

به امید آزادی اسلام از چنگال حاکمان جور و ستم و به امید شفای معلولین و مجروحین

که چند سال در انتظار آقا امام زمان و شفای آن آقا هستند و به امید خیر سلامتی مفقودین و

گمنامان رسیدن به خانواده هایشان و درود به خانواده های عظیم شهداء که آنها نیز دوست دارند برای

اسلام گروه حنانی امام هم بگویند تا خانواده شهدا چشم و چراغ ملت و خدا هم مقام والایی برای

خانواده شهداء در نظر دارد و بعد از سلام و درود امیدوارم خدا این بنده حقیر و کوچک که آنقدر

گناه کرده ام بیخشد و در زمره آن امامان و صالحان و امام زمان (عج) قرار دهد و التماس

دعا دارم از شما ملت ایثارگر که خدا تمام قتلهایم را ببخشد و بنده به عنوان یکی از افراد ما بتواند در زمین

رفتن به جبهه را داشته و در کنار رزمندگان جانبرکف به مبارزه و نبرد پرداخته و در میدان آگاه از

عشق و صفا و اخلاص و معنویت است با الهی هنگام عملیات که برادران با چه شوقی منتظر عملیات

هستند که همیار معشوق خود بپیوندند و اینگونه شهادت شهیدپرور آرزوی ما باید به جبهه برویم

و با نثار جان و مال خود ادامه دهنده راه شهداء باشیم و بنده مثل وصیت و پیام تمامی شهداء به ما

ملت یادآوری می کنم که سنگر ما زهد و جماعت را خالی و تنها نگذارید و همیشه یک طوری کاری کنید

که ایادی هستی را قطع بکند ولی اگر افراد و جماعتها کم باشد دشمنان اسلام و منافقان سودا ستاده

و فوتبالی می شوند پس حتما باید ارزش دهید به تار جماعتها مخصوص نماز جمعه که فیلتا کیدی بر خود و پیام

به پیشوا و رهبران و عزیزم این است که صبر و شکیبائی را پیشه کنید و در هرکاری مقاومت و استقامت

کنید پدر جان از زحمات بی پایانت خیلی تشکری نام و به من آموختی در دین ایمان و صبر و جنگ را

و حال ای مادر عزیزم و دلسوزم از تمامی تشکری کنم از زیر مادیها و زحمات زیادی که من را تا اینجا

آوردی و بزرگ کردی و برایم کشیدی تشکر می کنم و این را می دانم که در نارا حتی گریه و زاری می کنی اما

تشکری کنم که صبر بالایی و گریه را ولی امام حسین و علی اکبر و حضرت زینب (سلام الله علیها) کن و بدان من زیرا

دشمنان اسلام منتظر همین گریه ها و نالدها هستند که هر وقت بیرحم و بی ارزش خود را بیفتند

یادم از حلالیت می طلبم که آن دنیا روسفید و در نزد خدا باشم و بتوانم به برادرانم
دارب می آقا سید جلال، آقا سید بهلال، آقا سید کمال و آقا سید محمد کاظم که سید و ارثم مرا ببخشید و حلالم کنید مخصوصاً از پدر
بزرگم و مشهدم از مشکلات دری که برایم کشیدی و کارهای که برایم انجام دادی و آقا سید کمال و سید محمد کاظم سنگ
مدرسه را خالی نگذارید و هیئت که دست نگذارید حتماً باشید و ادامه دهنده خون شهداء و پیغام
پیام به خواهرم این است که ایمان و حجاب را حفظ کنید که حجاب نگاه و حجاب خواهران دیگر که بنده تو از خون تغذیه
است و همینطور دین را با جدیت فرا و مرا ببخشید و در پایان پیام به تمام خویشان و دوستان مخصوص اهالی
دای خوبم این است که مرا ببخشید و طلب حلالیت از همه دارم.
ای امت شهید پرور ادامه دهنده و عمل کننده به وصایای شهداء باشید انشاء ا...

بنده حقیر اسلام سید مهدی الحسینی
۱۳۶۵/۱۲/۱

در معبد عشق جان فدا باید کرد
با سر به لقاء یار باید رفتن

یعنی به حسین اقتداء باید کرد
دینی است که آنگونه ادا باید کرد

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار
رونده گان اسلام نصرت عطا بفرما
زیارت کربلا نصیب ما بفرما

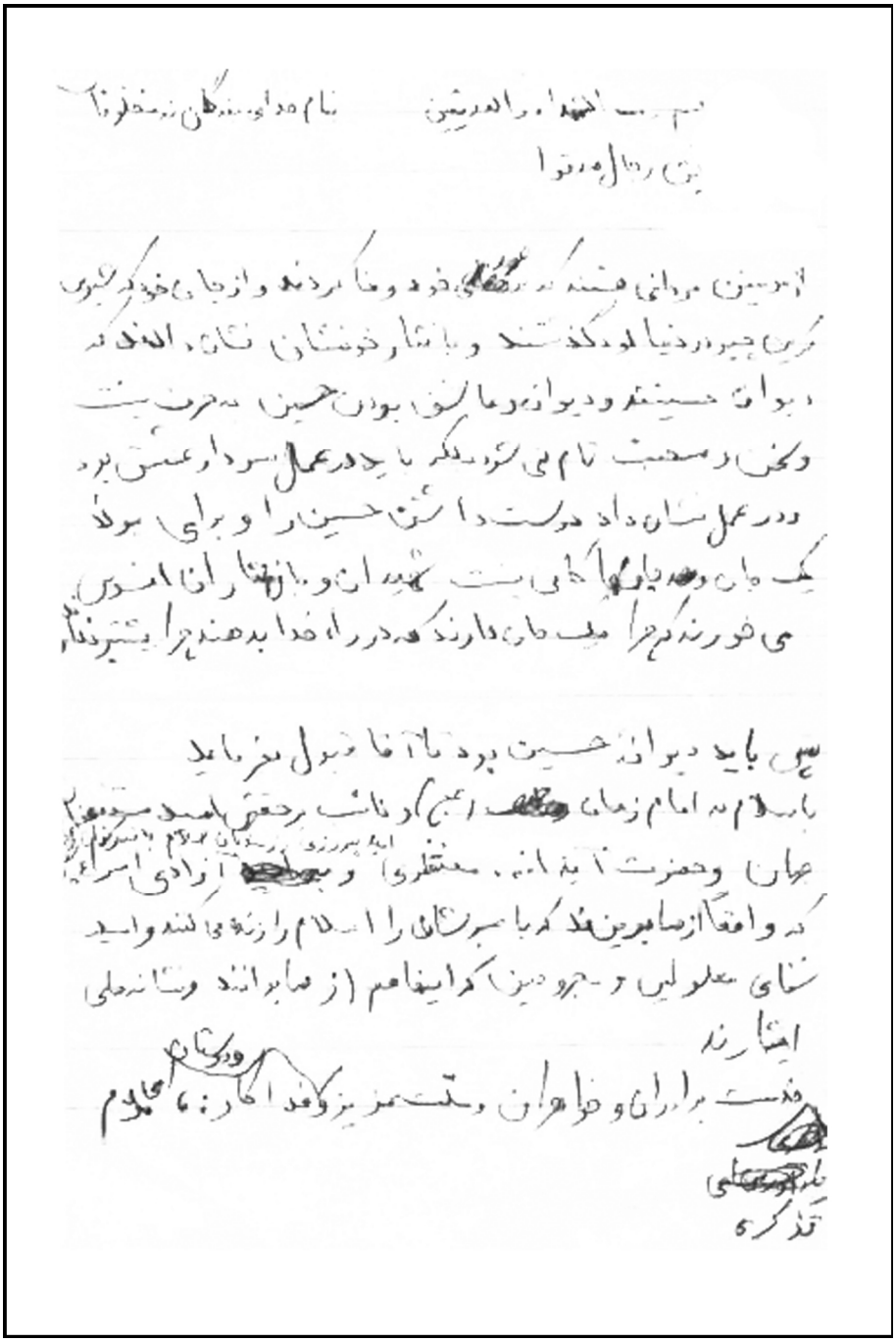

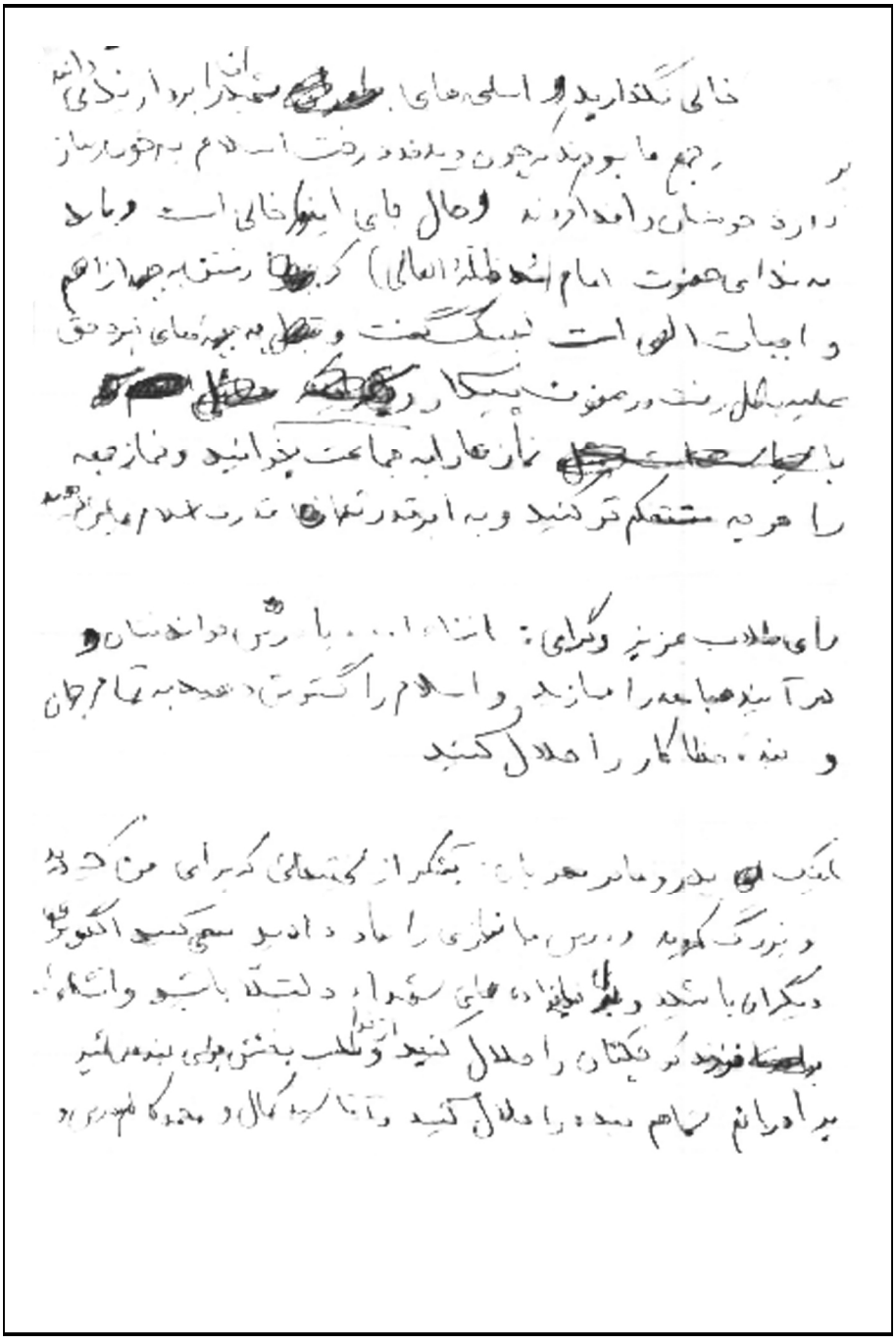

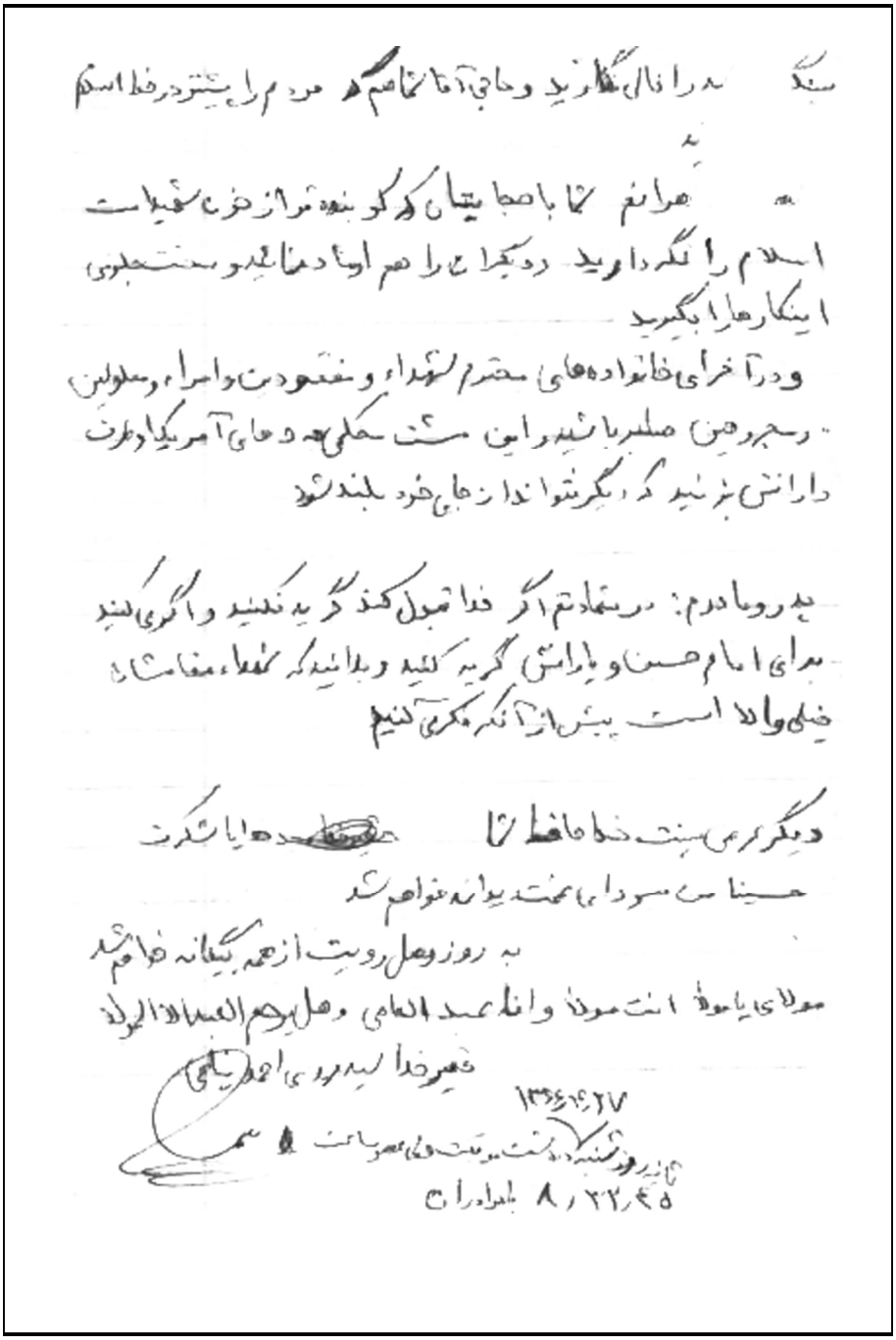

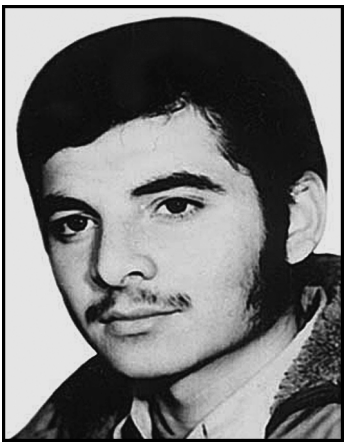

نام: **محسن**
نام خانوادگی: **احمدزاده**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **بتول**
تاریخ تولد: **یکم آبان ۱۳٤٥**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **ام‌الرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- با درود بر پیامبر اسلام خاتم الانبیا حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که برای نجات بشریت از منجلاب شرک و بت‌پرستی فرستاده شد.
- با سلام بر رزمندگان کفر ستیز اسلام که برای یاری دین خدا به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین زمان لبیک گفتند.
- خداوندا پس مرا در انتخاب راه سعادت و صراط مستقیم هدایت فرما.
- ای خدای رحمان، ای معبود و محبوب من، ترا شکر می‌کنم تا نیک‌بخشت شوم.
- همیشه پیرو ولایت فقیه که استمرار بخش راه انبیاء و اولیاء الله است، باشید.
- عزیزان، بیشتر به اسلام و انقلاب و خون‌ها فکر کنید، پاسدار حرمت خون شهدا باشید.
- همان‌طوری که بارها امام فرمود مسئله اصلی خود را جنگ بدانید.

## محسن احمدزاده*

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

«**فلیقاتل فی سبیل‌الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخرة و من یقاتل فی سبیل‌الله و فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیما**».[۱] «مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هرکس در جهاد به راه خدا کشته شد یا قانع گردید پس بزودی اجر عظیم را به او خواهیم داد.»

«**السلام علیک یا اباعبدالله، السلام علیک یابن رسول‌الله، السلام علیک یابن امیرالمؤمنین و ابن سیدالوصیین السلام علیک یابن فاطمة الزهرا و سیدة نساءالعالمین، السلام علیک یا ثارالله وابن ثاره والوتر الموتور، السلام علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک**».[۲]

«**الهی بک انتصر فانصرنی و علیک اتوکل فلاتکلنی و ایاک اسئل فلا تخینی و فی قفلک ارغب فلاتحرمنی**».[۳]

بارخدایا، معبودا، خالقا، از تو می‌خواهم که یاریم کنی، یاورم باشی، توکل و اعتمادم به توست. مرا به‌خود وامگذار درخواست و سؤالم از توست، مأیوسم مکن، رغبتم بفضل و احسان توست محروم و ناامیدم مفرما.

**به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان**

حمد و سپاس مخصوص ایزد منان خداوند غفار و رحیم، و رزاق و کریم و الصمد است. و با درود بر پیامبر اسلام، خاتم‌الانبیا، حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که برای نجات بشریت از منجلاب شرک و بت‌پرستی فرستاده شد. و با سلام به پیشگاه مولای متقیان

---

* بالای صفحه اول اصل وصیت قبل از ذکر آیه به خطر شهید نوشته شده: «خدمت امت حزب‌الله و همیشه در صحنه. وصیت‌نامه حقیر محسن احمدزاده مورخ ٦٤/٩/٢٥» .

۱- نساء/ ٧٤.

۲- بخشی از زیارت عاشورا.

۳- فرازی از دعای عرفه.

امیرمؤمنان، مظهر صفا و عدالت و فرزندان بزرگوارش امام حسن مجتبی(علیه‌السلام) و امام حسین(علیه‌السلام) سید و سرور و سالار شهیدان اسلام.

با درود به پیشگاه ولیعصر امام زمان(عج) این خورشید تابنده و نایب برحقش، امام امت قلب تپنده امت، ماه جماران و اسطوره[۱] مقاومت خمینی عزیز و با درود بر روحانیت در خط امام و مبارز خصوصاً در رأس آنان امید امت و امام حضرت آیت‌الله منتظری[۲] و با سلام بر شهدای گلگون‌کفن و مظلوم اسلام که خون آنها مظلومانه جهت آبیاری درخت تنومند اسلام از قبل تاکنون ریخته شده و می‌ریزد. خصوصاً شهدای کربلای امام حسین(علیه‌السلام) تا شهدای کربلای سرچشمه[۳] ایران، هفتاد و دو[٤] یار امام، در رأس آنان شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی.[٥] و با سلام بر رزمندگان کفرستیز اسلام که برای یاری دین خدا به ندای «هل من ناصراً ینصرنی»[٦] حسین زمان لبیک گفتند و در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت فعال داشته و در پشت جبهه، در سنگرهای عبادی سیاسی و در ارگان‌های انقلابی و دیگر مراکز اجتماعی، برای خودکفایی کشور می‌کوشند. و با سلام درود بر امت شهیدپرور و ایثارگر ایران که امام عزیز در وصف آنان می‌فرماید به‌جز یک برهه از زمان (دوران صدر اسلام) امتی این چنین نبوده.[۷]

---

۱- در اصل وصیت «استوره».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- سرچشمه منطقه‌ای در تهران محل دفتر حزب جمهوری اسلامی، که در انفجار ۷ تیر سال ۱۳٦۰، آیت‌الله دکتر سید محمد بهشتی و بیش از هفتاد و دو نفر از همراهان او شهید شدند.

٤- در اصل وصیت «هفتاد و».

٥- ر.ک. تعلیقات.

٦- ر.ک. تعلیقات.

۷- امام خمینی: «جوانان رزمنده و شجاع ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح پیروان شهید جاویدی هستند که تاریخ می‌گوید هر یک از جوانان و یاران او که به شهادت می‌رسیدند رخسار مبارکش افروخته‌تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می‌گردید. ... یادگار شجاعان صدر اسلام هستند که پرچم از دست هر یک از فرماندهان می‌افتاد، دیگر پرچم را می‌گرفت» (صحیفه امام، ج۱۵).

بلبل به ترانه این سخن می‌گوید  به‌به به کسی، که راه حق، می‌پوید[۱]

در اندیشه آن هستم از چی بنویسم، از کجا آغاز کنم و به کجا پایان رسانم. از خلفتم گویم یا از رفتنم؟ از دنیای مادی و وانفسا گویم، یا از دنیای معنوی و عرفانی؟ از خود ببالم یا از خدای خود؟

در شگرفم از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه و آخر به کجا؟[۲] «آری عزیزان» فلسفه آفرینش انسان که از هیچ هست به نهایت، از نیستی هست به هستی. در این دنیای فانی و زودگذر مبدایی دارد و پایانی.

هر انسانی در این دنیا بعد از پیدایش، مراحل جسمی و روحی را در کالبد و مغز خود می‌پروراند تا روح و جان گیرد، انتخابگر باشد و هدف‌دار و مسئولیت‌پذیر. بر انسان دو راه بیش نیست. انتخابگر راهی می‌گردد که به او اصالت، ارزش، شخصیت انسانی، الهی می‌بخشید و یا راهی را برگزیند که از هواهای نفسانی و خنّاسانهٔ طغیانگر و سرکش، امر می‌گیرد و در منجلاب گناه غوطه‌ور می‌گردد. بَه، چه زیباست، که انسانی راه و مکتبی را برگزیند که خود را در این دنیا بسازد و در معرض آزمایشات و مشکلات و مسئولیت‌ها و احکام الهی ببیند، و دنیا را بازیچه قرار دهد، تا با روحی گشاده و ایمان‌زا و سرافراز به لقای یار بشتابد. خداوندا، پس مرا در انتخاب راه سعادت و صراط مستقیم، هدایت فرما و مرا شهید بمیران. شاید خون ناچیز من، کمکی کرده باشد، برای تداوم انقلاب اسلامی، ای خدا، ای رحمان، ای معبود و محبوب من، ترا شکر می‌کنم تا نیک‌بخت شوم و با شهدایی که در رضای و خشنودی درِ نیستی را کوفتند، تا هست شوند، همخانه شوم، خدایا حمد و

---

۱-

از خون شهید لاله‌ها می‌روید  در اشک فرشته لاله را می‌شوید
بلبل به ترانه این سخن می‌گوید  به‌به بکسی که راه حق می‌پوید

در اصل وصیت «می‌پویند» شعری که شهید آورده است بیت دوم از رباعی بالا است.

۲- گویا شهید در ذهن خود این بیت از مولانا را داشته است:

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود  به کجا می‌روم؟ آخر ننمایی وطنم
(غزلیات شمس)

ثنایم را بپذیر و مرا هدایت فرما، مرا ببخش و مرا پاک گردان، زیرا تو دوست داری پاکان را.

ـ خدایا بار دیگر، به‌سوی تو روی آوردم و از تو عاجزانه خواستارم که مرا دریابی و از گناهانم درگذری، تا رستگار شوم.

و ای امت عزیز و همیشه در صحنه:

در اینجا احساس وظیفه کردم که عقده‌های دلم را به‌عنوان آخرین درد و دل همراه با اشک‌هایم که حاکی از مظلومیت اسلام و هزاران انسان‌هایی که در زیر یوغ مستبدانه تاریخ زمانه، چون کاغذ مچاله[1] می‌شوند، بر روی کاغذ جاری سازم، تا شاید گواه صادق و ندای رسایی باشد، برای جهانیان که حقایق را لمس می‌کنند.

ای عزیزان من، شما با اتکال به خدا و معجزات الهی و با اعتماد به نفس، قیامی خونین به‌راه انداختید، تا امور و حاکمیت الله را احیاء و به مستضعفین بشارت و نوید دهید[2] که می‌توان بر سلطه جهانخواران چیره شد و جامعه را از ظلمت به نور و از قهقرا به کمال سوق داد. و این عمل به جز به خدا فکر کردن و روح شهادت‌طلبی و ایثار شما و داشتن رهبری جامع و سالک آینده‌اندیش، میسر نیست، عزیزان، بیشتر به اسلام و انقلاب و خون‌ها فکر کنید، پاسدار حرمت خون شهدا باشید، تا این انقلاب، معجزه‌آسای الهی، راه‌های پرفراز و نشیبی را که در پیش دارد، طی کند و جهانی شود. مبادا غفلت کنید و در خود فرو روید، چراکه دشمنان اسلام درصدد ضربه کاری هستند، استکبار جهانی تا آنجا که توان دارد، می‌کوشد، اگرچه این کارها دردی را درمان نمی‌کند. اما باید با ایمانی راسخ و مصمم، با اتحادی مستحکم چون ریسمانی الهی، انقلاب را حفظ و توطئه‌ها را خنثی نماییم.

آری امت حزب‌الله، همیشه در صحنه با نگرشی بر اخلاص و روح شهادت‌طلبی و جهاد دنیا را به حیرت وامی‌دارد و با لبیک‌گویی به سخنان گوهربار اسلام و رهبرش که

---

۱- در اصل وصیت «موچاله».

۲- در اصل وصیت «دهد».

می‌فرماید: «اگر این جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد ایستاده‌ایم».[۱] چون همیشه و در همه اوامر شتابان به صحنه‌های نبرد حق علیه باطل روی‌آور می‌شود و معجزات و امدادهای غیبی را لمس می‌نماید، یا در این راه به شهادت می‌رسد[۲] یا در انتظار شهادت می‌نشیند. و حال برادران و خواهران عزیز، من حقیرتر از آنم که بتوانم پیامی را عنوان کنم، چرا که [تو][۳] همان‌طوری که در اول وصیتم نوشته‌ام، امام عزیز و بزرگوار در مورد امت چنان فرموده، شما در آزمایشات، صبر، ایمان، تقوای، عمل و ایثار و گذشت و... سرافراز و موفق شدید. اما نکند لحظه‌ای به‌خود واگذارده و مغروریت و خودپسندی، ما را احاطه سازد اگر به اینکار مبتلا شدیم، بدانیم که غرق در ابلیسان و شیاطینیم و در خاتمه از شما می‌خواهم، کماکان در سنگرهای حق مساجد، جنگ و دعاهای یومیه و نماز عبادی سیاسی جمعه حضور دائم داشته باشید و متانت و اخلاص و ایمان به خدا قرار داده و همیشه پیرو ولایت‌فقیه که استمراربخش راه انبیا و اولیاءالله است، باشید. لحظه‌ای امام امت را[٤] این احیاءکننده اسلام در این عرصه هستی، که چشم همه مستضعفان عالم به ایشان دوخته شده تنها نگذارید و پیوسته پشتیبان طبیبان اسلام که روحانیت پیشرو مبارز و متعهد هستند باشید.

پیام کوتاهی برادران پاسدار و بسیجیان قهرمانم: همان‌طور که امام عزیز فرمود: «ای کاش من هم یک پاسدار بودم»[۵] و (از پاسداری خوب پاسداری کنید) هرچند که خودم لیاقت آن را نداشتم، که بتوانم در میان شما حضور داشته باشم و تا با هم به اسلام و ملت مظلوم خدمت نماییم. از شما برادران می‌خواهم که اعمالی را که انجام می‌دهید سعی کنید خالص برای خدا باشد و بیشتر در صحنه‌های جنگ حضور داشته باشید. همان‌طوری‌که بارها امام فرمود مسئله اصلی خود را جنگ بدانید که الحمدلله برادران عزیز پاسدار و بسیج

---

۱- صحیفه امام خمینی.

۲- در اصل وصیت وجود ندارد اصلاح نگارشی.

۳- [تو] زاید است.

٤- [را] افتاده است.

۵- صحیفه امام خمینی.

حضور فعال را در جبهه دارند و فضای جبهه را با حضور خود عطرآگین نموده‌اند. و در آخر از شما برادران پاسدار تقاضا دارم، سعی کنید بیشتر با برادران بسیجی باشید و نگذارید اختلاف و جدایی در میانشان افتد و از شما می‌خواهم که اگر از من هر عمل ناشایستی یا خلافی سرزد، است که باعث ناراحتی شما گشته، مرا عفو نمایید.

**پیامی به خانواده عزیز و گرامی‌ام:**

حضور مبارک نورچشمانم مادر عزیزم، سلام عرض می‌کنم. و می‌دانم که در طول زندگی و عمرم برای شما فرزند خوبی نبودم و نتوانستم از زحمات شما قدردانی کنم، شما با آن همه مشکلات و سختی که می‌کشیدید، برایمان هم یک سرپرست خوبی بودید و هم یک مادر زحمت‌کش، پس از راه دور دست شما را می‌بوسم و امیدوارم بتوانم در عالم آخرت و قیامت جبران نمایم و ثانیاً از برادر عزیزم که در موقع اعزام موفق به خداحافظی با ایشان [را][1] نشدم طلب عفو و بخشش می‌کنم و از ایشان می‌خواهم همانطور که در سنگر علم و دانش پیشرفت می‌نماید، سعی کند که فرد مفید و خدمت‌گزاری برای ملت مظلوم و مسلمان و جامعه اسلامی خود باشد و در دروس علمی و عقیدتی برای ایشان آرزوی موفقیت را دارم و ثالثاً از خواهران عزیزم می‌خواهم، با حفظ حجاب ظاهری و باطنی و باوقار و عصمت و طهارت خود را چون حضرت فاطمه(علیهاالسلام) پاک نگاه دارند و اگر برای ایشان در طول زندگی برادر خوبی نبودم و نتوانستم به دردهایشان رسیدگی نمایم، طلب عفو از ایشان می‌نمایم و در خاتمه از همه دوستان و آشنایان و خویشاوندان طلب عفو و بخشودگی می‌نمایم و از ایشان می‌خواهم که در شهادتم، خصوصاً خانواده عزیزم، صبور و مقاوم باشند و برایم گریه کنند، نه به‌صورتی که منافقان خوشحال شوند، شیون نکنند. و هرطور و به هر نحو مطلوب که انقلاب اقتضاء می‌کند، ادامه‌دهنده راهم و دیگر شهدا باشند. ضمناً اگر جنازه‌ام به‌دست شما رسید مرا در کنار شهیدان گلگون‌کفن دفن کنید.

---

۱- [را] زاید است.

در ضمن از روحانیت متعهد تقاضا دارم، در صورت امکان و بودن جنازه‌ام در موقع دفن کردن و مجالس ترحیم مصیبت آخرین وداع[۱] امام حسین(علیه‌السلام) و واقعه[۲] عاشورا را ذکر کرده و از خانواده و دیگر امت حزب‌الله خواستارم که به‌یاد امام حسین(علیه‌السلام) و سایر شهدا بگریند. التماس دعا.

اگر از نظر مسئولین و روحانیت اشکال ندارد مرا با لباس مقدس پاسداری دفن نمایید، تا همه بدانند که این لباس کفن ما بوده که به تن کرده‌ایم، نه برای مسائل و موارد دیگر.
امام عزیز و رزمندگان را دعا کنید.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**
**الحقیر محسن احمدزاده**
**٦٤/٩/٢٥**

در پایان از خانواده گرامیم تقاضا دارم که اگر برایشان ممکن است، برایم یکسال را نماز بخوانند و چند ماهی را روزه بگیرند. از مقدار وجهی که دارم استفاده نمایند.
صحیح‌ترین وصیت‌نامه همین است. بقیه اعتباری ندارد.

**«والسلام»**
**الحقیر احمدزاده**
**٦٤/٩/٢٥ جزیره**

**بسم رب الشهداء و الصدیقین**[۳]

**«انالله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص»**[٤]
«شهید نظر می‌کند به وجه‌الله» امام خمینی[٥]

---

۱- در اصل وصیت «وادی».
۲- در اصل وصیت «واقع».
۳- در اصل وصیت «بسم رب شهداء و صدیقین».
٤- الصف/ ٤.
٥- عبارت عرفانی و بلند از امام خمینی است در منزلت و شأن شهید.

به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهدا

پس از عرض سلام و درودهای بیکران به امام زمان(عج) و نایب برحقش امام امت خمینی کبیر و با درود و عرض سلام بر امید امت و امام حضرت آیت‌الله منتظری[1] و پس از عرض سلام بر شما خانواده عزیز، مختصر سخنی را با شما آغاز می‌کنم. خداوندا مرا شهید بمیران، شاید خون ناچیز من کمکی کرده باشد، برای تداوم انقلاب اسلامی.

ای خدا، ای رحمان، ای معبود و محبوب من، ترا شکر می‌کنم تا نیک‌بخت شوم و با شهدایی که در رضا و خشنودی درِ نیستی را کوفتند، تا هست شوند، همخانه شوم. خدایا حمد و ثنایم را بپذیر و مرا هدایت فرما و گناهانم را ببخش و مرا پاک گردان، زیرا تو دوست داری پاکان را. سروران گرامی من در تاریخ ٦١/٣/١ به ندای «هل من ناصر»[2] امام امت خمینی کبیر لبیک گفته و داوطلبانه از طرف بسیج اعزام. شدم چون خیلی دوست داشتم از نزدیک جبهه جنگ یا به تعبیر دیگر، خانه امام زمان یا در دانشگاه انسان‌سازی اسم‌نویسی کنم و عضو شوم، به امید خدا پیروز شدم و موفق شدم که به جبهه اعزام شوم، به‌خدا برادران و خواهران اگر به‌خاطر امام زمان و امام امت ما رهبر عزیز ما نباشد، این جبهه یک ساعت هم نمی‌تواند روی پای خودش بایستد. پس برادران حزب‌الهی در دانشگاه کربلا و دانشگاه انسان‌سازی اسم بنویسید و با هوای نفس خود ستیزه کنید و گناهان نفس را نخرید، چون از فرقه کافران می‌شوید پس هدف شما و راه شما راهی باشد که امامان ما و رهبران می‌پیمودند و راهی را بروید که رستگار شوید.

سخنی چند با خوانندگان و شنوندگان. امام را رها نکنید. که به‌خدا هرچه داریم و نداریم از همین رهبر که، شیر روز و زاهد شب[3] است و با یک سخنش تمام جهان را با قدرت الهی واژگون می‌کند، داریم.

---

۱- به پانویس شمارهٔ ۲ دومین صفحه از وصیت‌نامه اول همین شهید رجوع شود.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- تعبیر شیر روز و زاهد شب از آن علی(علیه‌السلام) در بیان صفت مؤمن است.

برادران و خواهران عزیز، به مسجدها بروید و سنگر عبادی سیاسی نمازجمعه را رها نکنید و از لطف خدا غافل[۱] نباشید و روحانیت مبارز و سلحشور را رها نکنید و از آنها راهنمایی و به سخنان آنان گوش دهید. سخنی چند با خانواده عزیز خودم: مادرجان، از شما می‌خواهم که تاکنون موفق نشدم که حق فرزندی را برای شما ادا کنم،[۲] سخت پشیمانم و چون موفق به دیدار و خداحافظی [را][۳] نشدم از شما معذرت می‌خواهم و امیدوارم که مرا ببخشید و از شما می‌خواهم که پس از شهادتم، مثل کوه مقاوم[٤] بوده، تا منافقان[٥] خوار[٦] و ذلیل گردند و از شما می‌خواهم که در تشیع جنازه‌ام گریه نکنید. چون روح من در عذاب خواهد بود و از خواهرانم می‌خواهم که همچون فاطمهٔ زهرا، همیشه در صحنه باشند و با ضد انقلاب و منافقان مبارزه کنند و از برادرم می‌خواهم که پیرو خدا باشد و امام و روحانیت را رها نکنید و همگام با آنان به تحصیل خود ادامه دهید. از برادران بسیجی می‌خواهم که سنگر خود را رها نکنند و مواظب اعمال دشمنان انقلاب و دشمنان اسلام باشند و در سر نمازهایشان امام را دعا کنند و مطالعه قرآن و نهج‌البلاغه یادتان نرود. دعاهای یومیه را بخوانید، مخصوصاً دعای کمیل را در هر شب جمعه، به خانه‌های شهدا رفته و با هم قرائت کنید.

**برادر کوچک شما، محسن احمدزاده**

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**

---

۱- در اصل وصیت «قافل».

۲- از قلم افتاده است. با سیاق عبارت وجود چنین فعلی «ادا کنم» را واجب می‌دانیم.

۳- [را] زاید است احتمالاً نظر شهید به‌جای را «تان» باشد یعنی خداحافظی‌تان.

٤- در اصل وصیت «مقاومت».

٥- ر.ک. تعلیقات.

٦- در اصل وصیت «خار».

خدمت امت حزب الله همیشه در صحنه وصیت نامه حمیدرضا احمدزاده

بسم الله الرحمن الرحیم

فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخرة ومن یقاتل فی سبیل الله

فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیما (نساء ۷۴)

«پس مؤمنان باید در راه خدا با کسانی که حیات مادی دنیا را به آخرت می‌فروشند جهاد کنند و هر کس در جهاد در راه خدا کشته شد یا پیروز گردید پس به زودی اجر عظیم به او خواهیم داد»

السلام علیک یا اباعبدالله السلام علیک یابن رسول الله السلام علیک یابن امیرالمؤمنین وابن سیدالوصیین السلام علیک یابن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین، السلام علیک یا ثارالله وابن ثاره والوتر الموتور، السلام علیک وعلی الارواح التی حلت بفنائک»

«الهی بک استجیر فاجرنی وعلیک اتوکل فلا تکلنی وایاک اسئل فلا تخیبنی وفی فضلک ارغب فلا تحرمنی»

پروردگارا، همیشه از تو می‌خواهم که یارم کنی، یاورم باشی، توکل و اعتمادم به توست مرا بخود واگذار درخواست و سئوالم از توست، مأیوسم مکن، رغبتم بفضل و احسان تست محرومم و ناامیدم منما.

بسم الله یاسالار شهیدان حضرت خون شهیدان

حمد و سپاس مخصوص ایزد متعال خداوند غفار و رحیم و رزاق و کریم است. و درود بر پیامبر اسلام خاتم الانبیاء حضرت محمد (ص) که با کرامت نبوت از ضجیجه شرک و بت پرستی فرستاده شد. و با سلام بر پیشگاه مولای متقیان امیرمؤمنان مظهر عدل و عدالت و فرزندان بزرگوارش امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع) سید و سرور سالار شهیدان اسلام.

با درود به پیشگاه ولیعصر امام زمان (ع) این عزیز شیعه و نائب برحق امام امت تبلیب نموده است که راه عدالت و استوه مقاومت خمینی عزیز و با درود بر روحانیت مبارز و رهبر فقید امت و امام امت حضرت آیت الله منتظری و با سلام بر شهدای گلگون کفن و معلوم السلام و علی من تبعهم باحسان الی یوم الدین

درخت تنومند اسلام از قبل تاکنون با خون شهدا آبیاری شده است و بر شاخسار سبز و پرشکوه آن شهدای گلگون کفن از صدر اسلام تا شهدای کربلا و شهدای جبهه‌های حق علیه باطل ایران همگی با امام و پیشوای آنان سرور شهیدان آیت الله بهشتی و با سلام بر روزی که کفر ستیز اسلام که برای دین خدا بپا خاست و هل من ناصر ینصرنی حسین زمان لبیک گفت و در جبهه حق علیه باطل قدرت فعال داشت و در پشت جبهه در مسجدها و پایگاه‌های بسیجی و در گلزارهای اقتدار و دیگر مراکز اجتماعی برای خود کفایی کشور می‌کوشت. و با سلام و درود بر امت شهید پرور و رهبر انقلاب ما امام عزیز در وصف آنان همین بس که جز به خدا از هیچ (دوران صدر اسلام) امی ابتر نبوده

بلبل بتر اندر این سخن می‌گوید. تا نبود بر کسی، که راه حق، می‌پوید

دراندیشه آن هستم از چی بنویسم، از کجا آغاز کنم و به کجا پایان رسانم از خلقتم گویم یا از رفتنم، از دنیای مادی و وابستگی‌هایم یا از دنیای معنوی و عرفانی که خود بیافتم یا از خدای خود.

«ای عزیزان» ... دیشگفتم از کجا آمده‌ام، آمدنم بهرچه و آخر به کجا؟

قلب آفرینش انسان در اوج هست به نهایت، از نیستی هست به هستی در این دنیای فانی و زودگذر مجازی دارد و پایانی.

هر انسانی در این دنیا بعد از پیدایش مراحل حسی و روحی را در کالبد و معنی خود می‌پروراند تا روح و جان گیرد، انتخابگر باشد و هدف دار و مسئولیت پذیر. برای انسان دوراهه بیش نیست انتخابگر راهی می‌گردد که با او اصالت، ارزش، شخصیت انسانی، الهی بخشید و یا راهی را برگزیند که از هرگونه تعالی و رشد انسانی طفره رفته و سرکش او می‌گردد و در هنجارگناه غوطه‌ور می‌گردد به چه زیباست که انسان راه و مکتبی را برگزیند که خود در این دنیا بسازد و در حوزه آزمایش و مشکلات و مسئولیتها و احکام الهی ببیند و دنیا را بازیچه قرار دهد تا بارور و گشاده و ایمان زا و سرانجام با لقای یار شتابد، خداوندا پس مرا در انتخاب راه سعادت و طی صراط مستقیم هدایت فرما و مرا شهید این راه خویش قرار بده تا چیزی که شایسته تو باشد برای تداوم انقلاب اسلامی، ای خدا، ای عشق ابدی و معبود و محبوب من تو را شکر می‌کنم تا نفس هشتم و یا شهادی که در رضای و خشنودی تو نیستی را کرنش تا هست شوند، هر چه داشتم خدایا چه دنیایم را بپذیر و مرا هدایت فرما، مرا بیخش و مرا پاک گردان زیرا تو دوست داری پاکان را.

خدایا دیگر بس تو روح آفریدم و از تو عاجزانه خواستارم که مرا دریابی و آنگاه که از دنیا درگذری، تا رستگار شوم.

ای امت عزیز همیشه در صحنه،

در اینجا احساس وظیفه کردم که عقده‌های دلم را با شما ای آخرین در دودل همراه با اشکهایم در حالی که مقابل دست اسلام و هزاران انسانهای دربند یورش ستمگران تاریخ زمان، چون کاغذ موچاله می‌شوند بروی کاغذ جاری سازم تا شاید گواه صادق و ندای رسایی باشد برای جهانیان که حقایق را لس می‌کنند.

ای عزیزان من، شما با اتکال به خدا و معجزات الهی و با اعتماد به نفس قیامی چنین براه انداختید تا امور و حاکمیت الله را احیاء و از مستضعفین پشتیبانی و دنیا دهکده میتوان بر سلطه جهانخواران چیره شود و جامعه را از ظلمت به نور و از قهقرا به کمال سوق داد. و این عمل بجز بخدا تکیه کردن و روح شهادت طلبی و ایثار و شاه داشتن رهبری جامع و سالک آشنا پس میسر نیست.

عزیزان [redacted] بیشتر با اسلام و انقلاب و خون‌ها قدر بشناسید و پاسدار خرمت خون شهدا باشید تا این انقلاب معجزه‌آسای الهی را به فراموشی نسپارند و بر پیش دارد طی کند و جهانی شود. میدانم غفلت کنید و در خط مقدم و رویه جبهه‌ها دشمن اسلام در صدد ضربه‌کاری هستند، استکبار جهانی با تمام توان وارد می‌شود اگر چه این کارها در توان آنان نمی‌باشد امّا باید با ایمان راسخ و مصمم

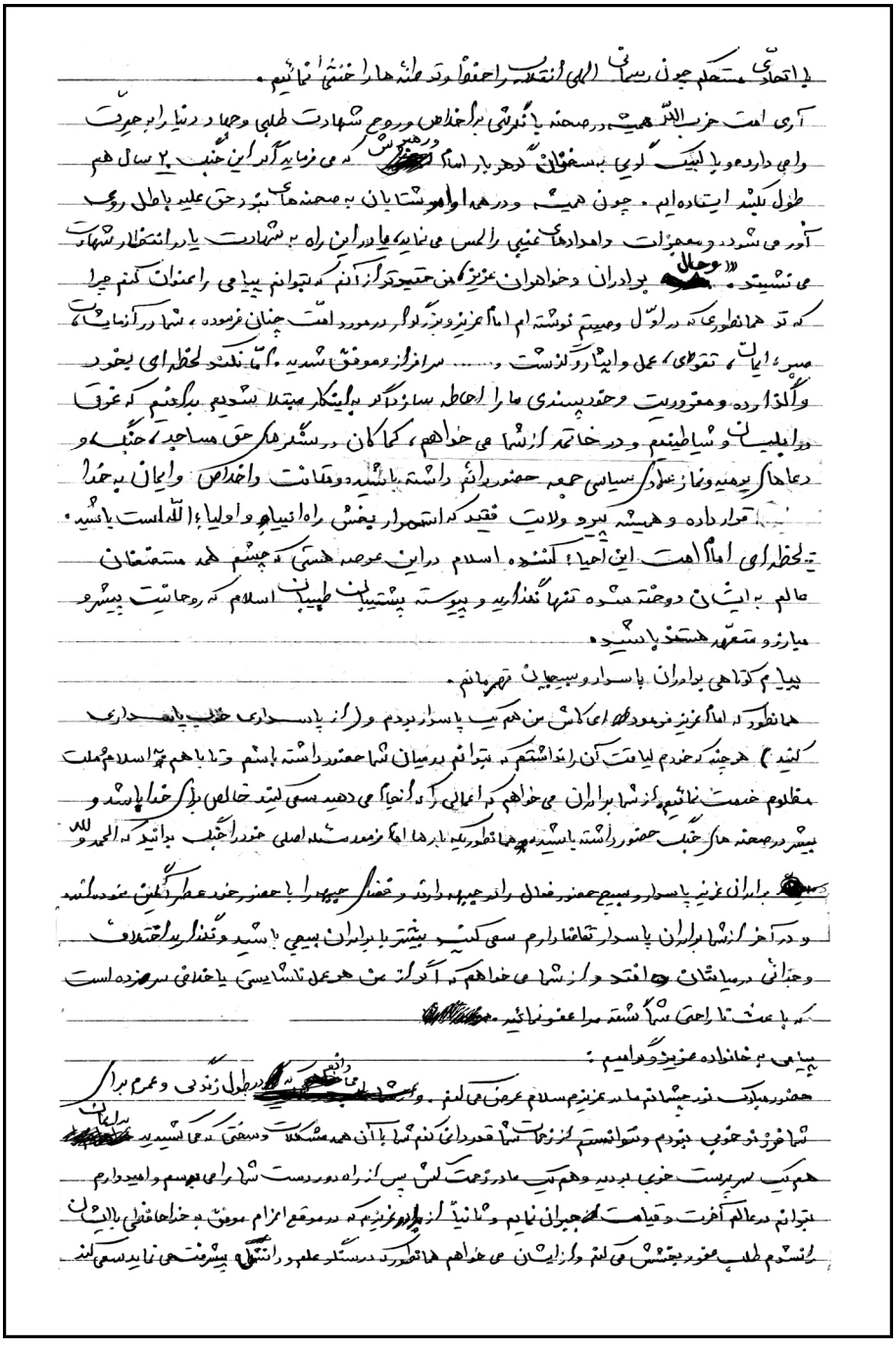

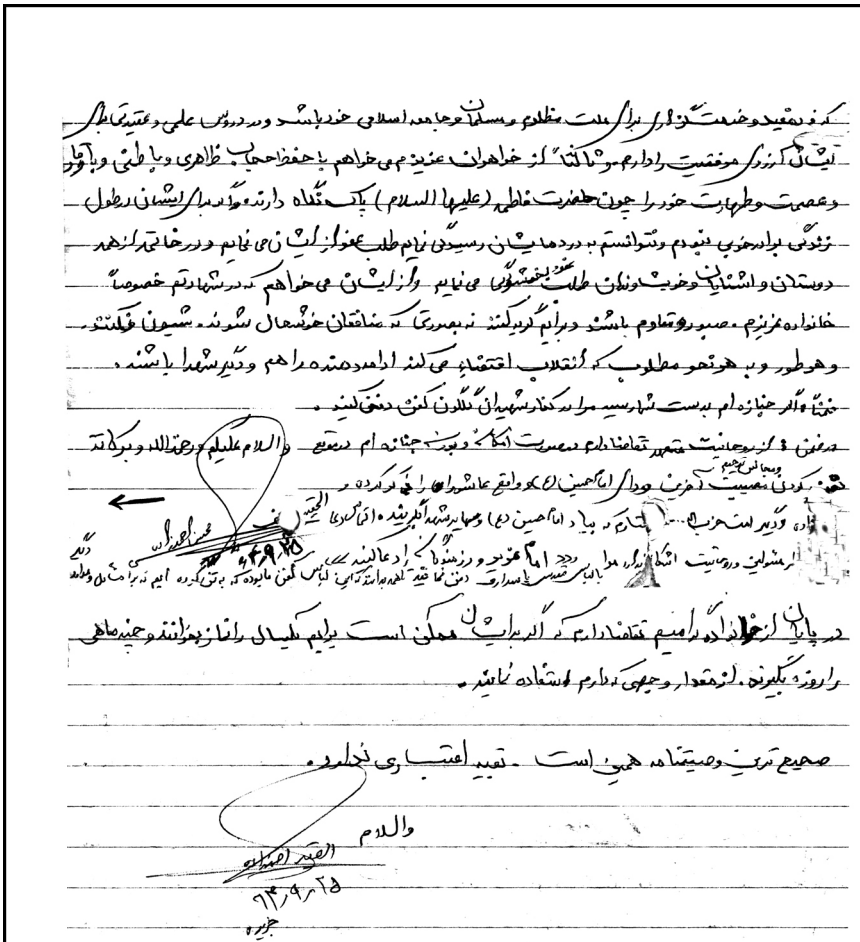

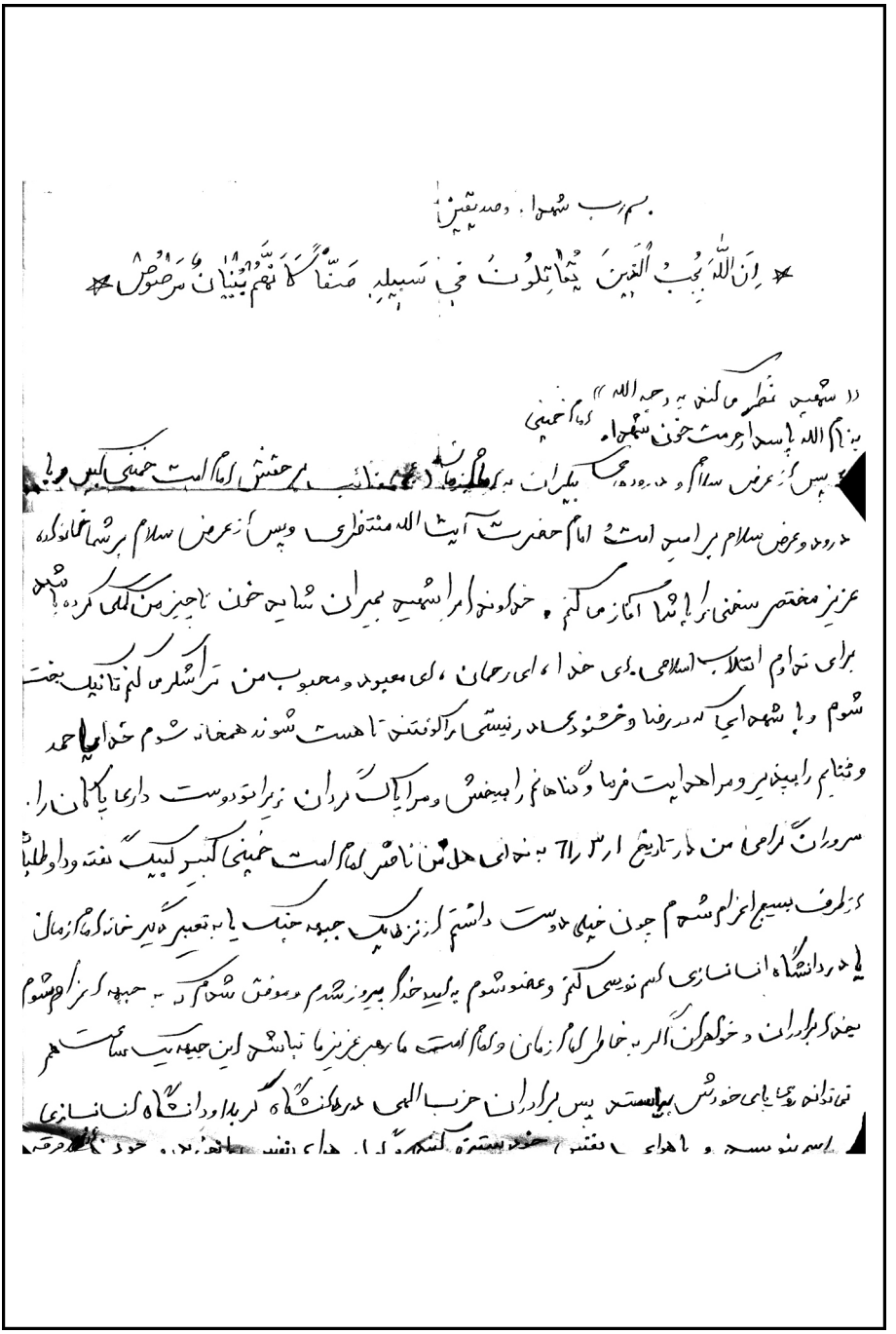

بسم رب شهدا و صدیقین

﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ﴾

«شهید نظر می کند به وجه الله» امام خمینی

به نام الله پاسدار حرمت خون شهداء

پس از عرض سلام و درود [illegible] به نائب برحق امام امت خمینی [illegible] و با درود و عرض سلام بر امت امام حضرت آیت الله منتظری و پس از عرض سلام بر شما خانواده عزیز مختصر سخنی با شما دارم. خداوند را شهید میران شاهد خون ناچیز من باشد که در شهید برای تداوم انقلاب اسلامی. ای خدا، ای رحمان، ای معبود و محبوب من تو را شکر می کنم تا نایل بخت شوم و با شهدایی که در رضا و خشنودی ات تا هست شوند همخانه شوم خدایا حمد و ثنایم را بپذیر و مرا حمایت فرما و گناهانم را ببخش و مرا با یاران نزدیک و دوست داری ام یکسان کن. سروران گرامی من از تاریخ ۱۳۶۱ به خواهش دل من ناصر امام امت خمینی لبیک لبیک گفته و داوطلبانه راهی جبهه شدم چون خیلی دوست داشتم که در یکی از جبهه های جنگ یا به تعبیر دیگر خانه کعبه از دست دشمنان اسلام آزاد شود یا در دانشگاه انسانسازی کسم نویسی کنم و عضو شوم به امید خدا پیروز شدم و موفق شدم که به جبهه بروم و شوم بنده کوچک برادران و خواهران گرانقدر به خاطر گرانی و امامت ما رهبر عزیزمان تا باشد این جبهه ها سنگر تهذیب نفوس و پرورشگاه انسانهاست پس برادران حزب اللهی در دانشگاه تربیت دانشگاه انسانسازی [illegible]

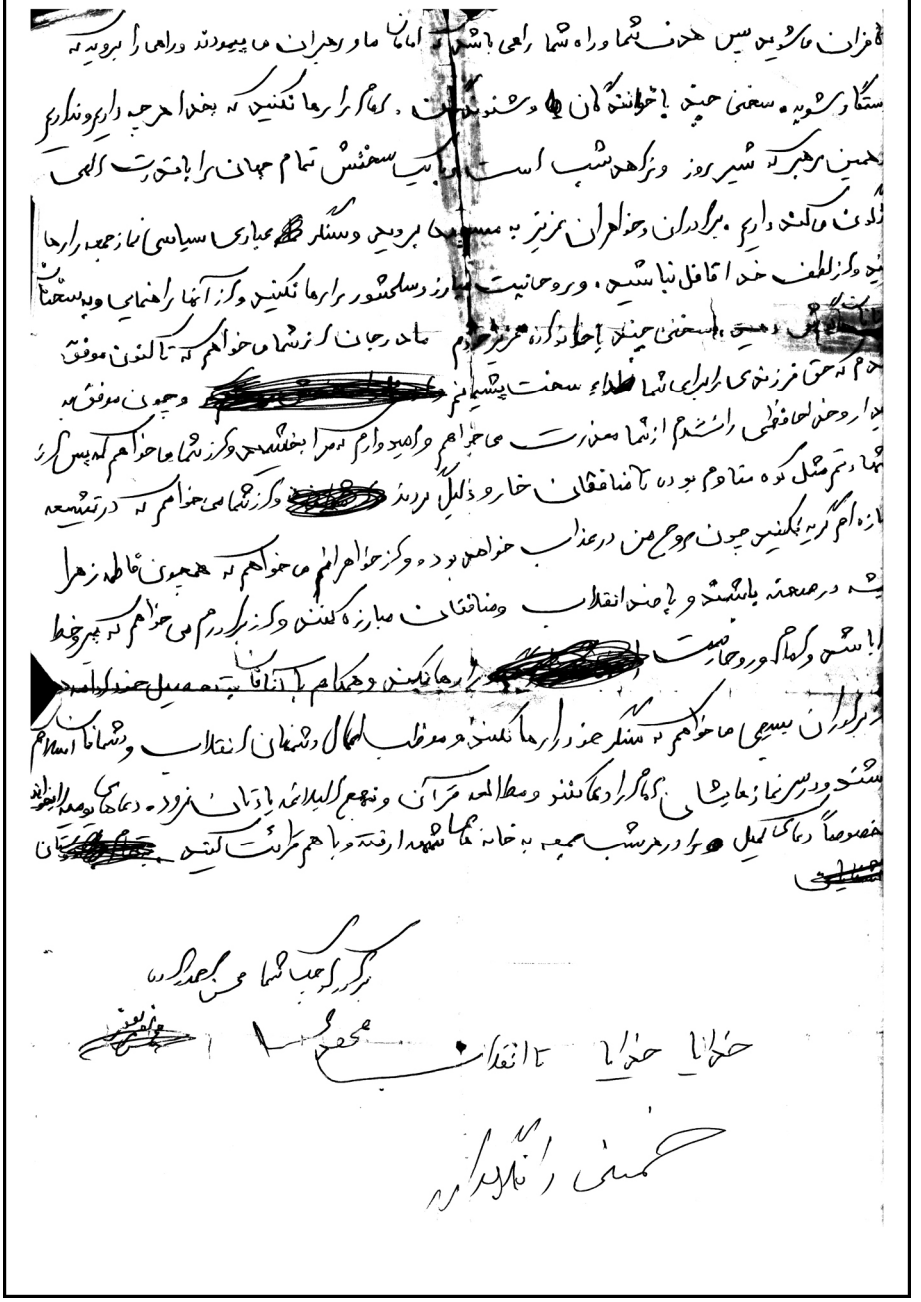

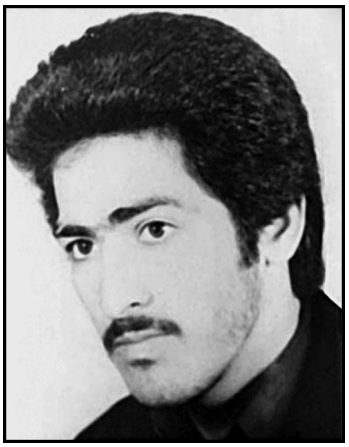

نام: **احمد**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **لطفعلی**
نام مادر: **شهربانو**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم آبان ۱۳۳۸**
محل تولد: **گرمسار**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **دوازدهم اردیبهشت ۱۳۶۱**
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خواهش می‌کنم با هم خوب باشید و فقط راه اسلام و [راه] امام که همان راه اسلام است [را] بروید.
- سخن حق بگویید و عمل نیکو انجام دهید.
- من همه را آنقدر دوست دارم، که حاضرم جانم را فدای شما و دیگر بندگان خاص خداوند بکنم.
- اگر از من گناهی در هر مورد و در حق هرکس سر زده، خواهش می‌کنم که برایم گریه نکنید.
- اگر افتخار شهید شدن را داشتم بر روی قبرم شعار خدا- قرآن- خمینی را هم بنویسید.
- اسلام نیازمند به شهید است.
- ما نیازمند به ارتقاء درجه در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی.
- انسانیت نیازمند به تزریق خون.
- شما را به خدا، شما را به‌خدا، که باید امت شایسته‌ای برای امام خمینی باشیم.

## احمد احمدی[۱]

### بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

این نوشته را به‌عنوان وصیت می‌نویسم. اول از همه سلام به رهبر کبیر انقلاب و بعد، اینکه سلام مرا به همه برسانید و از همه حلالیت بطلبید، دوم خداحافظی مرا همراه با دعای خیرم بر خودتان قبول کنید. خواهش می‌کنم با هم خوب باشید و فقط راه اسلام و [راه] امام که همان راه اسلام است [را] بروید و سخن حق بگویید و عمل نیکو انجام دهید. چون من همه را آنقدر دوست دارم که حاضرم، جانم را فدای شما و دیگر بندگان خاص خداوند بکنم. اگر از من گناهی در هر مورد و در حق هرکس سر زده، خواهش می‌کنم که برایم گریه نکنید، چون من فقط به‌خاطر [مبارزه با] کفار و پیروزی اسلام و شکست عراقی‌ها به جنگ آمدم و من داوطلب شدم. اگر افتخار شهید شدن را داشتم، بر روی قبرم شعار خدا- قرآن- خمینی را هم بنویسید. و دیگر اینکه چند سخن گهربار از امام هشتم(علیه‌السلام) در مورد آخرت: اول: توبه کردن بدون پشیمانی دل. دوم: از خدا توفیق خواستن بدون کوشش کردن. سوم: پاکی و عصمت خواستن از خدا بدون حذر کردن از ناپاکی. چهارم: ترسیدن از دوزخ بی‌آنکه از شهوت دست بداری. پنجم: بهشت خواستن از خدا بدون آنکه بر رنج‌ها صبر کنند. ششم: مرگ را یاد کردن بدون تعمق دربارهٔ آن. هفتم: خدا را یاد کردن بی‌آرزومندی و شوق به دیدار او.

و اما شما مادرم: مادر جان هر موقع به یاد من افتادی در همان لحظه کربلای حسین(علیه‌السلام) را بیاد آر، که در آن زمان با کافران و ستمکاران برای پابرجا ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمانان از زیر سلطه یزید جنایتکار و جانی، خود و فرزندان عزیزش را دو دستی تقدیم حق‌تعالی نمود. مادر جان ما رسالت خون و شهادت را عمیقاً درک کرده‌ایم و در این لحظه‌های خون رنگ، زمانی که سرزمین اسلام به خون هزاران شهید رنگین است پیام شهیدان را با پیوند خون خود به گوش تاریخ می‌رسانیم. اسلام نیازمند به شهید است و

---

۱- در بالای وصیت آمده است: «تاریخ شهادت: ۶۱/۲/۱۶ ، محل شهادت: خونین‌شهر در حمله: بیت‌المقدس».

ما نیازمند به ارتقاء درجه در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی و انسانیت نیازمند به تزریق خون. شما را به‌خدا، شما را به خدا، که باید امت شایسته‌ای برای امام خمینی باشیم و بیش از این با ندانم‌کاری‌هایمان [و] رفتار غیراسلامی‌مان، قلب او را به درد نیاوریم. برترین آرمان و نهادم پیروزی اسلام و امام خمینی است چون ما، امام را سیاستمداری مسلح به علم نسبی نمی‌دانیم، که ایشان را ابرمردی مسلح به سیاست مبتنی بر علم مطلق (وحی) [می‌دانیم] اما آخرین چیزی که از شما می‌خواهم، فقط و فقط همین است صبر، صبر و بردباری را پیشه کنید و همیشه سورهٔ والعصر به زبانتان جاری باشد. به امید اینکه این انقلاب جهانی شود و رهبر عزیز ما رهبر دنیا باشد و اینکه از خدا می‌خواهیم تا ظهور حضرت مهدی(عج) امام را نگه دار باشد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار. «آمین یا رب العالمین»

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

۳۰۴

# وصیت نامهٔ شهید احمد احمدی

تاریخ شهادت: ۶۱/۱/۱۶
محل شهادت: خونین شهر
در جبهه: بیت المقدس

بنام خداوند بزرگ

این نوشته را به عنوان وصیت می نویسم. اول از همه سلام به رهبر کبیر انقلاب و بعد اینکه سلام مرا به همه برسانید و از همه حلالیت بطلبید، دوم خدا حافظی مرا همراه دعای خیر برخودتان قبول کنید. خواهش می کنم با هم خوب باشید و فقط راه اسلام و راه امام که همان راه اسلام است بروید و سعی حق بگوئید و عمل نیکو انجام بدهید.

چون من همه را آنقدر دوست دارم که حاضرم جانم را فدای شما و دیگر بندگان خاص خداوند بکنم. اگر از من گناهی در مورد و در حق هرکس سرزده خواهشمندم مرا ببخشید تا اگر احیاناً شهید شدم روحم در عذاب نباشد، از همه بستگان خواهش می کنم گریه نکنید چون من فقط خاطر کفار و پیروی اسلام و شکست عراقی ها به جنگ آمدم و من داوطلب شدم. اگر افتخار شهید شدن را داشتم بر روی جنازهٔ مطهرم شعار خدا- قرآن- خمینی را هم بنویسید.

و دیگر اینکه چند سخن گهربار از امام هشتم علیه السلام در مورد آخرت: اول: توبه کردن بدون پشیمانی در دل. دوم: از خدا توفیق خواستن بدون کوشش کردن. سوم: باکی و عصمت خواستن از خدا بدون حذر کردن از ناپاکی. چهارم: ترسیدن از دوزخ بی آنکه از بهشت دست بداری. پنجم: بهشت خواستن از خدا بدون آنکه به رنجها صبر کند. ششم: مرگ را یاد کردن بدون توفیق در یاری آن. هفتم: خدا را یاد کردن بی آرزومندی و شوق به دیدار او.

و اما شما مادرم: ما در طول هر موقع به یاد من افتادی در همان لحظه کوتاه حسین(ع) را بیاد آر، که در آن زمان با کافران و ستمگران برای پابرجا ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمانان از زیر سلطه یزید دنیا تلاش و جانبازی خود و فرزندان عزیزش را در راه حق تقدیم حق تعالی نمود.

مادرجان: ما رسالت خون و شهادت را عملاً درک کرده ایم و در این لحظه های خون رنگ زمان که سرزمین اسلام به خون هزاران شهید آغشته است پیام شهیدان را با پیوند خون خود به گوش تاریخ می رسانیم اسلام نیازمند به شهید است و ما نیازمند به ارتقاء درجه در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی و انسانیت نیازمند به تزریق خون.

شما را بخدا، شما را بخدا، که باید است شایسته ای برای امام خمینی باشیم و بیش از این باعث ناراحتی امام نگردیم، رفتار غیر اسلامی مان، قلب او را بدرد نیاوریم.

برترین آسمان و نهادم پیروی اسلام و امام خمینی است چون ما، امام را سپر بلای اسلام داریم و مسلم به علم نسبی نرسیده ایم که ایمان را بر مردی مسلح به سیاست مبتنی بر علم مطلق (وحی) ترجیح دهیم.

اما آخرین چیزی که از شما می خواهم فقط و فقط همین است صبر؟ صبر و بردباری را پیشه کنید و همیشه سورهٔ والعصر به زبانتان جاری باشد. به امید اینکه این انقلاب جهانی موجد و رهبر عزیز ما رهبر دنیا باشد و اینکه از خدا میخواهم ظاهر حضرت مهدی (عج) امام را نگهدار باشد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار. آمین یا رب العالمین

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

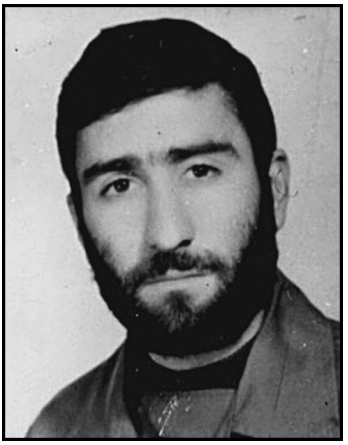

نام: **اسدالله**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **قربان**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳٤۲**
محل تولد: **روستای قلعه‌نو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدا را سپاس که به من، بنده عاصی توفیق داد که بعد از گذشت هزاران سال از ندای ابی‌عبدالله، پاسخ لبیک دهم.
- ما را چه باک از شهادت که خود تولدی نوین است.
- بدانید که جبههٔ جنگ دو طرف دارد، یک طرف اربابان سرمایه و تسلیحات جهانی و یک طرف ملتی مظلوم و استقلال‌طلب که از قرآن پیروی می‌کنند.
- عزیزانم و برادرانم و خواهرانم، امت اسلام، با اطمینان قلب، پشتیبان امام و انقلاب باشید و تا سرحد جانتان بکوشید و مطمئن باشید که موفقیت و پیروزی با ماست که خداوند می‌گوید: «ان تنصروالله ینصرکم».
- هیچ‌وقت از خدا غافل نشوید.

**اسدالله احمدی**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

«**اشهد ان لااله الا الله و اشهد ان محمداً رسول‌الله و اشهد ان علیا ولی‌الله، صل الله علی رسول‌الله و علی امیرالمؤمنین علی‌ابن ابیطالب و اولاد المعصومین و سیماالمهدی و صل‌علی امامنا الخمینی**».

«**اللهم لاتعتنی میته جاهلیه و لاتزغ قلبی بعد اذ هدیتنی**».[۱] «خدایا، مرا چونان مردگان در راه جاهلیت نمیران و دل مرا بعد از آنکه ره‌نموده‌ای به کژی گرفتار مساز».

خدا را سپاس که به من، بنده عاصی، توفیق داد که بعد از گذشت هزاران سال از ندای ابی‌عبدالله، پاسخ لبیک دهم و در این جهاد مقدس شرکت کنم و در رکاب فرزند برومندش، روح‌الله، خون ناارزشم را به‌درگاه احدیت، هدیه برم. اویی که از اویم و عشقم این است که به‌سویش بروم. اما کوردلان ما را از شهادت می‌ترسانند. ما را چه باک از شهادت که خود تولدی نوین است. مرغابی را چه باک از آب. ای امت اسلام، ای تک درخت شوره‌زار وسیع کفر و الحاد و نفاق جهانی، به‌خود آی، فرصت، غنیمت‌دار که فردا دیر است. عَلَم مبارزه بر دوش گیر و ره مولا حسین(علیه‌السلام) پوی و بدانید که جبهه جنگ دو طرف دارد، یک طرف اربابان سرمایه و تسلیحات جهانی و یک طرف ملتی مظلوم و استقلال‌طلب که از قرآن پیروی می‌کنند. ساکت بودن در زمانی که جنایتکاران دستشان تا مرفق به‌خون محرومان و مستضعفان آلوده است، معنایی ندارد، جز تأیید آنها. به‌جای تکیه بر، ابر جنایتکاران جهانخوار بر خدا و رحمت بی‌انتهای او تکیه کنید و این سیر و حرکت انبیاء و اولیاء هست. مبادا تمرد از امر ولی امرمان کنید، که کفران نعمت است. از شکرگزاران باشید و رهبر و مرجع تقلید، روح‌الله، را چون جانتان دوست بدارید. عزیزانم و برادران و خواهران امت اسلام، با اطمینان قلب پشتیبان امام و انقلاب باشید و تا سرحد جانتان بکوشید و مطمئن باشید که موفقیت و پیروزی با ماست. که خداوند می‌گوید «**ان**

---

۱- مفاتیح‌الجنان/ دعا در غیبت امام زمان.

**تنصروا الله ینصرکم**»[۱] اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می‌کند. هیچ‌وقت از یاد خدا غافل نشوید و در محل زندگی برای حفظ قوانین اسلام از خود و خانواده خود شروع کنید، تا جامعه از کفر و نفاق و دیگر کارهای شیطانی پاک شود و از هیچ چیز دریغ نکنید که مرگ فناء نیست، بلکه اول بقاء است. ای دلیرمردان صحنه نبرد، ای پاسداران عزیز اسلام، شکرگزار[۲] باشید که خداوند شما را برانگیخت تا که پاسدار و مدافع اسلام و انقلاب باشید و ثابت‌قدم. به یک دست صلاح و دست دیگر سلاح برگیرید، تا هر آنچه ما بی‌کفایت بودیم و لباس مقدس پاسداری از مکتب اسلام را به تن کردیم، شما این خلا را پر کنید و تقاص ما را از دشمن بگیرید.[۳] انشاءالله

با خشوع و خضوع باشید و مأموم‌وار از امام تبعیت کنید. توکل به خدا کنید و مغرور نشوید. برادرانم و جوانانی که هنوز اسلام و انقلاب را درک نکرده‌اید و در غفلت به سر می‌برید، باید جبهه خود را مشخص کنید، که در کدام صف و مدافع که هستید؟ یک طرف آرمان و آرزوی انبیاء و صالحین و شهدا و صدیقین و طرف دیگر پادشاهان خونخوار، فرعون‌ها و قارون‌ها و ریگان‌ها و صدام‌ها. بیایید مدافع اسلام باشید و حق بگویید. از سکوت و خوشگذرانی چند روزه دنیا دست بکشید. پدر و مادرم، قربان شما که هیچ‌کس جز شما بعد از خدا و مولایش و ائمه‌اش و امام عزیز گردنم حق ندارد. سعی و کوشش خود را در راه خدا کنید. صبر پیشه کنید، که خدا با صابران است و چون امانتی که از خدا نزد شما بوده و حال به‌خوبی پس می‌دهید، نگران نباشید که خدا اجرش را خواهد داد و در مراسم من تکبیر بگویید. شاید با هر تکبیر شما، به اذن خدا، [...][۴] از بار گناهانم کم شود. و اما برادرانم می‌روید، زمان هجرت سر می‌رسد، برای آخرت بکوشید که کاخ‌نشینان و کوخ‌نشینان هر دو رفتند و می‌روند. دنیا مسیر راهی‌است که باید رفت. باید آخر نگریست.

---

۱- محمد/ ۷.

۲- در اصل وصیت «شکرگذار».

۳- اصلاح ویرایشی. (در اصل وصیت «شما این خلاء را پرکنید و تقاص ما را باز پس بدهید)

٤- خوانا نیست.

اگر [در] طول مدت حیاتم زحمت‌تان دادم، خیلی معذرت می‌خواهم، اما حال مسئولیتی دیگر دارید. اگر بیندیشید، باید بدانید که چه راهی در پیش دارید، از خدا طلب یاری کنید.

مادرم و همسرم، زن‌های زمان را بنگرید، همه از نسل آدمیم ما فرقی که داریم از خودمان هست. پس ما می‌توانیم هرجور که می‌خواهیم باشیم، بدان‌گونه باشید که امام‌مان می‌خواهد، که زینب بود، از زینبیان باشید. اما همسرم، تو باید نمونه باشی، خدا را به یاد داشته باش و مسئولیت بزرگی را از اول زندگی انتخاب کردی و بعد از این مسئولیت تو زیادتر شده. سخت بکوش که باید هرکس وظیفه‌اش را خوب انجام دهد. وظیفه‌شناس باش و بدان عمل کن. هر وقت به یاد من افتادی به یاد کربلای اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) و اصحابش باش و یک نظر هم به یاد روز محشر باش و به درگاه خداوند متعال شکر کن. از همه شما طلب عفو و بخشش دارم. امیدوارم مرا ببخشید. از همه برادران، خواهران، فامیل‌ها[1] و بستگان و تمامی حق‌داران، طلب عفو و بخشش دارم. برای من از خدا طلب رحمت کنید. از خداوند متعال برای شما امت حزب‌الله به‌خصوص خانواده‌ام، صبر بسیار مسئلت[2] می‌نمایم. امیدوارم به همه اجر اخروی عنایت بفرماید. مدت ۲۵ بیست پنج روز روزه بدهکارم. برایم بگیرید و آنچه دارم مبلغ ۸۰۰۰۰ ریال[3] هشت هزار تومان به بسیج بدهید.

**«اجرکم الله عندالله»**

**عبدالعاصی، اسدالله احمدی**

**۱۳٦٤/۱۱/۱٦ ۱٤۰٦/۵/۲۵**

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**

---

۱- در اصل وصیت «فامیلان».

۲- در اصل وصیت «مصعلت».

۳- رقم پول -/۸۰۰۰۰ ریال باشد که با هشت هزارتومانِ بعد از آن درست درآید.

بسم الله الرحمن الرحیم

اشهدان لا اله الا الله واشهدان محمداً رسول الله واشهدان علیاً ولی الله صل الله علی رسول الله وعلی امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب واولاد المعصومین وسیما المهدی وصل علی امامنا الخمینی.

اللهم لا تعتنی میتة جاهلیة ولا تزغ قلبی بعد اذهدیتنی خدایا مرا چون مردگان در راه جاهلیت نمیران و دل، را بعد از آنکه رهنمودهای به کژی گرفتار مساز.

خدا را سپاس که با من بنده، عاصی توفیق داد که بعد از گذشت هفت هزاران سال از ندای ابی عبدالله پاسخ لبیک دهم و در این جهاد مقدس شرکت کنم و در رکاب فرزند برومندش، روح الله خون ناارزشم را بدرگاه احدیت هدیه برم اوئی که از اویم وعشقم این است که بسوی اوبروم - امّا کوردلان ما را از شهادت می ترسانند ما را چه باک از شهادت که خود تولدی نوین است مرغابی را چه باک از آب. ای امت اسلام ای تک درخت شوره زار وسیع کفر والحاد ونفاق جهانی، بخود آی فرصت غنیمت دار که فریاد برآست علم مبارزه بردوش گیر ورهرو مولایت حسین - علیه السلام - پوی و بدانید که جبهه جنگ دو طرف دارد یکطرف اربابان سرمایه و تسلیحات جهانی ویکطرف ملتی مظلوم و استقلال طلب که از قرآن پیروی می کنند، ساکت بودن درزمانی که جنایتکاران دستشان تا مرفق بخون محرومان ومستضعفان آلوده است معنایی ندارد جز تائید آنها، بپای تکیه برابر جنایتکاران جهانخوار، برخدا ورحمت بی انتهای او تکیه کنید واین سیر وحرکت انبیاء واولیاء هست مبادا فرد از امر ولی امریان کنید که کفران نعمت است ار شکر کنداران باشید ورهبر و مرجع تقلید روح الله راچون جانتان دوست بدارید. عزیزانم وبرادران وخواهران

است اسلام با اطمینان قلب پشتیبان امام وانقلاب باشید

وناسرحد جانتان بکوشید ومطمئن باشید که موفقیت وپیروزی
با ماست که خداوند میگوید اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم - اگر
خدا را یاری کنید خدا نیز شما را یاری می کند هیچ وقت زیاد
خدا غافل نشوید ودرمحل زندگی برای حفظ قوانین اسلام از
خود وفداکاری خود شروع کنید تا جامعه از کفر ونفاق ودیگر -
کارهای شیطانی پاک شود واز هیچ چیز دریغ نکنید که مرگ
فناء نیست بلکه اول بقاء است . ای دلیرمردان صحنه
ای پاسداران عزیز اسلام شکرگذار باشید که خداوند شما را
برانگیخت تا که پاسدار ومدافع اسلام وانقلاب باشید و ثابت
قدم به یک دست سلاح و دست دیگر سلاح برگیرید تا هرآنچه
ما بی کفایت بودیم ولباس مقدس پاسداری از مکتب اسلام را
بتن کردیم شما این خلاء را پُر کنید ونقاص ما را باز پس دهید انشاءالله

خشوع و خضوع باشید وما موم وار از امام تبعیت کنید توکل
بخدا کنید و مغرور نشوید . برادران وخواهرانی که هنوز اسلام
وانقلاب را درک نکرده اید ودر غفلت بسر می برید باید
جبهه خود را مشخص کنید که در کدام صف ومدافع کیست
یکطرف آریان وآزروی انبیاء و صالحین وشهداء و -
صدیقین ، و طرف دیگر پادشاهان خونخوار فرعونها و
نارونها ، ریگانها و صدامها ، بیائید مدافع اسلام باشید
وحق بگیرید از سکوت وخونسردی چند روزه دنیادست
بکشید . پدر و مادرم قربان شما که هیچ کس جز شما بعد از
خدا ومولایش وائمه اش وامام عزیز کردم حق ندارد س -
کوشش خود را در راه خدا کنید صبر پیشه کنید که خدا با صابران
است وچون امانتی که از خدا نزد شما بوده وحال بخوبی پس
می دهید نگران نباشید که خدا اجرش را خواهد داد
و در مراسم تکبیر بگوئید شاید باهر تکبیر شما به اذن خدا -

از بار گناهانم کم نشود ولی برادرانم دیدبدبودم
امّا رفتم هستید امّا میروید زمان هجرت سرمی رسد برای آخرت
بکوشید که کاخ نشینان و کوخ نشینان هردو رفتنی و میرونده
دنیا مسیر راهیست که باید رفت باید آخر نگریست اگر
طول مدّت حیاتم زحمتتان دادم خیلی معذرت می خواهم
امّا حال مسئولیتی دیگر دارید اگر بپذیرید باید بدانید
که چه راهی در پیش دارید از خدا طلب یاری کنید.
مادرم و همسرم زنهای زمان را بنگرید همه از نسل آدمیم
ما فرقی که داریم از خودمان هست پس ما می توانیم هرجور
که می خواهیم باشیم بدان گونه باشید که امامان می خواهد
که زینب بود از زینبیان باشید. امّا همسرم تو باید
نمونه باشی خدا را بیاد داشته باش و مسئولیت بزرگی را از اوّل
زندگی انتخاب کردی و بعد از این مسئولیت دو زیاد تر شده
سخت بکوشی که باید هرکس وظیفه اش را خوب انجام
دهد وظیفه شناس باشی و بدان عمل کن هر وقت بیاد
من افتادی بیاد کربلای ابا عبدالله الحسین علیه السلام
و اصحابش باش و به خطرهم بیاد روز محشر باش و بدرگاه
خداوند متعال شکر کن. از همه شما طلب عفو و
بخشش دارم امید وارم مرا ببخشید از همه برادران خواهران
فامیلان و بستگان و تمامی حق داران طلب عفو و بخشش دارم
و برای من از خدا طلب رحمت کنید از خداوند متعال برای
شما امت حزب الله بخصوص خانواده ام صبر بسیار
و صحت می نماییم امید وارم به همه اجر اخروی عنایت بفرماید
مدّت ۲۵ بیست پنج روز روزه بدهکارم برایم بگیرید و آنچه
دارم مبلغ ۸۰۰۰- هشت هزار تومان به بسیج بدهید.
اجرکم الله عند الله
عبدالعلی احمدی
۱۴۰۶/۵/۲۵ ۱۴۶۴/۱۱/۱۶

خدایا خدایا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

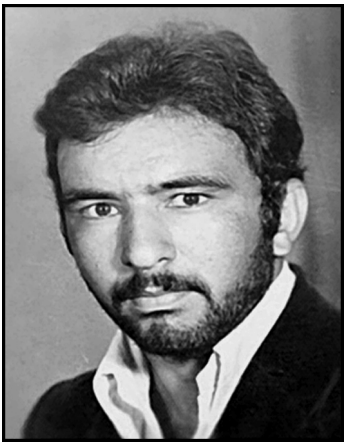

نام: **حاتم**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **نبی‌الله**
نام مادر: **زینب**
تاریخ تولد: **هفدهم فروردین ۱۳۳۸**
محل تولد: **گرمسار**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **دوم اردیبهشت ۱۳۵۸**
محل شهادت: **سنندج**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدای من الله است.
- دین من اسلام است.
- قبله من کعبه است و من مسلمانم و رهبر و امام من روح‌الله است.
- کتاب من قرآن است و یک عمر مسلمان بوده‌ام و مملکت من ایران.
- مکتب تشیع نظیری در دنیا نداشته و نخواهد داشت.
- آقای کمونیست، مواظبت باش و آگاه تو نمی‌توانی این مسلمان را از اسلام دور کنی، تو یا مغرضی یا منافق.
- اگر آزادی‌خواه هستید چرا صبر نمی‌کنید تا ببینید دولت انقلابی اسلامی، بهترین آسایش و رفاه را برای کلیه اقشار ملت فراهم می‌سازد و به‌ویژه قشر و طبقهٔ کارگر و دهقان و بقیه مستضعفین؟

**حاتم احمدی**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**بسم الله الرب المستضعفین**

اتحاد، اتحاد حافظ آزاد کیست　　بپا خیز و بیدار باش

بسم‌الله القاصم الجبارین　　بسم‌الله الرب المجاهدین

خدای من الله است. دین من اسلام است. پیغمبر من محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. علی و فرزندانش ولی‌الله است. قبله من کعبه است و من مسلمانم و رهبر و امام من روح‌الله است و کتاب من قرآن است و یک عمر مسلمان بوده‌ام و مملکت من ایران. مکتب تشیع نظیری در دنیا [ندارد]. تشیع [را] اسلامی می‌دانند و هست و ایران مملکت امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) است.

مکتب تشیع نظیری در دنیا نداشته و نخواهد داشت و شیعه همیشه در هر مکان و زمان مسئول ومتعهّد و متوجه به پیشگاه خالق و مخلوق است، آقای کمونیست، مواظبت باش و آگاه، تو نمی‌توانی این مسلمان را از اسلام دور کنی، تو یا مغرضی یا منافق، اگر نیستی چرا بر علیه قوانین اسلامی و این مملکت عمل می‌نمایی؟ مگر رهبر انقلاب نفرموده‌اند که دیگر نه اعتصاب و نه تظاهرات و نه راهپیمایی؟ چرا شما بر علیه صلاحیت ایران عمل می‌نمایید؟ اگر آزادی‌خواه هستید چرا صبر نمی‌کنید تا ببینید دولت انقلابی اسلامی، بهترین آسایش و رفاه را برای کلیه اقشار ملت فراهم می‌سازد و به‌ویژه قشر و طبقهٔ کارگر و دهقان و بقیه مستضعفین؟ یا چرا حالا اعلامیه پخش می‌کنی و کار ساواک و سیا را انجام می‌دهی؟ شما که حالا مردم را جمع می‌کنید و می‌دانید شاه‌دوست‌ها و ساواکی‌ها استفاده می‌کنند و موجب اخلال و اختلاف و اختناق می‌گردند، مگر نمی‌گویید (چریک‌های فدایی خلق ایران) خلق ایران مسلمان است و خودش فدایی است برای اسلام و مسلمین، پس ما این دایه‌های دلسوزتر از مادر را طرد می‌نماییم و ما فداییِ کمونیست نمی‌خواهیم و شما

خدا را قبول ندارید. آن وقت دم از آزاد کردن مسلمان هستید، بلی خلق خلق ایران مُسلم است و شما کمونیست‌ها خیال می‌کنید برادران کارگر ما نادان هستند نه.[۱] الحمدالله کارگر و دیگر طبقات مردم مسلمان ما آگاه، بیدار، مسئول و روشن است و می‌آیید در این موقعیت حساس اعلامیه و تفرقه در میان کارگر پخش می‌نمایید، بروند در هند و چین و شوروی و... تبلیغ مکاتب‌ها دیگری بنمایید. چون در آنجاها گاو، سنگ، بت و آتش و مادیات می‌پرستند، نه اینجا که جامعه توحیدی هستند و اگر مُغرض و منافق نیستید، صبر کنید ببینید اسلام چیست؟ شما آزادید نه به‌طوری که بر علیه سه‌چهارمِ، یک چهارم دنیا توطئه کنید.

۱- شهید احمدی به دوران اول انقلاب اشاره دارد که گروهک‌های منافق و کمونیست با دهها گرایش و اسم و ایسم قارچ‌مانند سربرآورده و همه به نوعی به بیگانگان خارجی و قدرت‌های جهانی وابسته بودند. اعلامیه‌های متعدد صادر می‌کردند در دفاع از حقوق کارگر و کشاورز و فقرا و چوب لای چرخ دولت نوپای جمهوری اسلامی می‌گذاشتند و حتی مکتب اسلام را در اداره کشور ناکارآمد می‌دانستند. هر روز به بهانه‌های واهی غائله و آشوبی به پا می‌کردند. تا اینکه با تدبیر امام عزیز به احسن وجه بساطشان جمع شد و همهٔ آنان غیرقانونی اعلام شدند و انقلاب اسلامی با توان الهی به راهش ادامه داد. (مصحح)

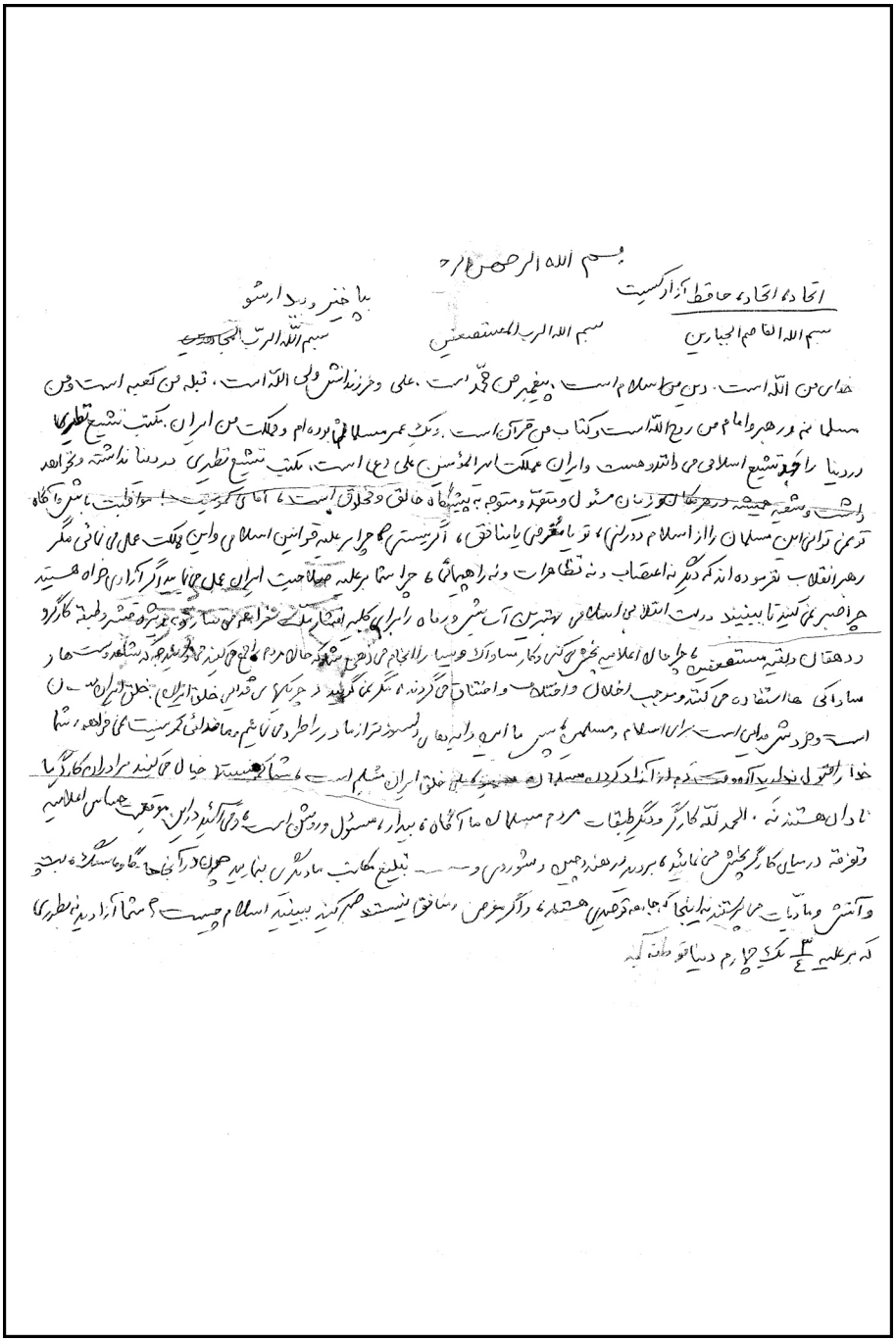

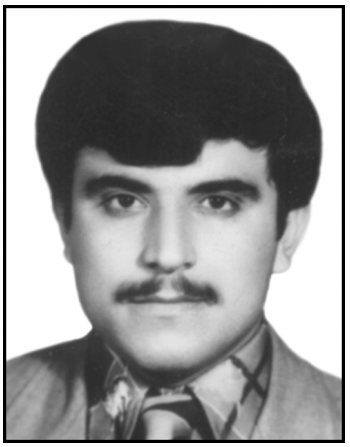

نام: **عبدالوهاب**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **رمضان**
نام مادر: **طاهره**
تاریخ تولد: **نهم مرداد ۱۳۳۵**
محل تولد: **روستای دودانگه از توابع شهرستان ساری**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **سیزدهم مهر ۱۳۶۰**
محل شهادت: **رقابیه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای روستای کاورد از توابع شهرستان سمنان**

## عبارت‌های کلیدی

- شناخت واقعی خدا برای ما حاصل نمی‌شود، مگر از راه بیان امام(علیه‌السلام).
- برای شناخت واقعیت و حقیقت صفات خدا و افعال و چگونگی او احتیاج به امام دارید.
- امام صادق(علیه‌السلام) فرمودند: «بنا عرف الله و بنا عبدالله و لولانا لما عرف الله و لولانا لما عبدالله».
- پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه».

## عبدالوهاب احمدی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال النبی صلی‌الله علیه و آله و سلم: «**اول العلم معرفتة الجبار و آخرالعلم تفویض الامر الیه**»[۱]

حضرت رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «مرحله اول علم شناخت پروردگار است و مرحلهٔ آخر علم، واگذار کردن همه کارهاست به[۲] خداوند».

بدان‌که علم واقعی و حقیقی چنانکه[۳] پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند، شناخت خداست و توکل به او [در][٤] تمام کارها و این را باید بدانید که شناخت واقعی خدا برای ما حاصل نمی‌شود مگر از راه بیان امام(علیه‌السلام). زیرا آنها هستند که خداوند را به معنای واقعی شناختند و به این سبب خداوند آنها را واسطهٔ بین خود و مخلوقاتش قرار داده تا آنها را به این سبب بشناسند. چنان‌که[۵] امام صادق(علیه‌السلام) فرمودند: «**بنا عرف الله و بنا عبدالله و لولانا لما عرف الله و لولانا لما عبدالله**»[٦] یعنی به سبب ما خدا شناخته شد و به سبب ما خدا عبادت شد. و اگر ما نبودیم خداوند به‌طوری‌که باید عبادت شود نمی‌شد و آن‌طوری‌که عبادت [باید][۷] شناخته شود، شناخته نمی‌شد پس آنها [و][۸] سبب معرفت خدا و عبادت خداوندند. و اگر کسی اشکال کند که پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «**من عرف نفسه فقد عرف ربه**»[۹] یعنی

---

۱- حدیث از رسول اکرم است.

۲- در اصل وصیت «بسوی».

۳- در اصل وصیت «چنانچه».

٤- در اصل وصیت «در» نیامده.

۵- در اصل وصیت «چنانچه».

٦- از سخنان حضرت صادق(علیه‌السلام) (اصول کافی، ج ۱، ص ۱٤٤).

۷- در اصل وصیت [باید] نیامده.

۸- حرف «واو» زاید است.

۹- روایت به علی(علیه‌السلام) منسوبست. همین روایت با تعبیر اذا عرف نفسه- جزو احادیث نبوی آمده است. (کنوزالحقایق، ص۹).

«هرکس شناخت خدای خود را همانا، شناخت[۱] شخص خودش را. همانا شناخت[۲] خدای خدای خود را». چرا شما می‌گویید خدای را از راه امام شناخت. جواب می‌گوییم: شناخت خود سبب شناخت وجود خداست، یعنی فقط به‌واسطهٔ شناخت خود پی می‌بریم که این عالم آفریننده‌ای دارد. اما برای شناخت واقعیت و حقیقت صفات خدا و افعال او و چگونگی [او]،[۳] احتیاج به امام داریم، چنان که[٤] در حدیث[٥] گذشت. اما قسمت دوم حدیث حدیث که فرمود واگذار کردن تمام کارهاست، به این سبب ما وقتی خدا را به صفت[٦] جبّاریت یعنی اصلاح‌کنندهٔ کارها شناختیم و یقین کردیم که اوست که ناملایمات و شکستگی زندگی ما را تأمین می‌کند، تمام کارهایمان را به او واگذار[۷] می‌کنیم.

**عبدالوهاب احمدی**

– در برگهٔ پیوست وصیت‌نامهٔ شهید عبدالوهاب اشعار و عبارت‌هایی به قرار زیر قلمی شده است. این نوشته‌ها همگی به خط اوست، علاوه بر آن مبالغی را که پرداخت کرده (۱٦ قلم) را نیز متذکر شده است.

چو می‌بینی که نابینا و چاه است — اگر خاموش بنشینی گناه است[۸]
مرگ اگر خونین بود — بهتر از زندگی ننگین بود
آب دریا را اگر نتوان کشید — هم به‌قدر تشنگی باید چشید[۹]
در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبریست — ورنه هر گبری بر پیری می‌شود پرهیزکار
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین — به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

---

۱– واژهٔ «شناخت» از قلم افتاده است.
۲– واژهٔ «شناخت» از قلم افتاده است در اصل وصیت.
۳– در سیاق عبارت باید واژهٔ «او» باشد.
٤– در اصل وصیت «چنانچه».
٥– در اصل وصیت «حدیس».
٦– در اصل وصیت «سفت».
۷– در اصل وصیت «واکذار».
۸– در اصل وصیت «چو گر بینی که نابینا و چاه هست».
۹– در اصل وصیت «لیکن قدر تشنگی باید چشید».

تـــرا تیشـــه دادم کـــه هیـــزم کنـــی نـــدادم کـــه دیـــوار مـــردم کنـــی

صورت گزارش مالی

۱- ۲ هزارتومان به‌وسیله عباسعلی محمدی دادم. ۲- ۲ هزارتومان یک‌دفعه از تهران دادم. ۳- ۵۸۰۰ تومان یک‌دفعه در ساری دادم. ٤- ۵۰۰ تومان یک‌دفعه از تهران دادم. ۵- ۳۰۰ تومان یک‌دفعه در ساری دادم. ٦- ۱۰ هزارتومان به‌وسیله عباسعلی از تهران دادم. ۷- ۱۰ هزارتومان به‌وسیلهٔ خودم در ساری دادم. ۸ و ۹ و ۱۰و ۱۱و ۱۲ (خوانده نمی‌شود). ۱۳- ۲۰۰۰تومان در... به ابوی دادم. ١٤- ۷۰۰ تومان پول قفل و لولا. موارد ۱۵ و ١٦ و ۱۷ نیز خوانده نمی‌شود.

یک مورد از عبارت‌های شعرگونه نیز خوانده نشد.

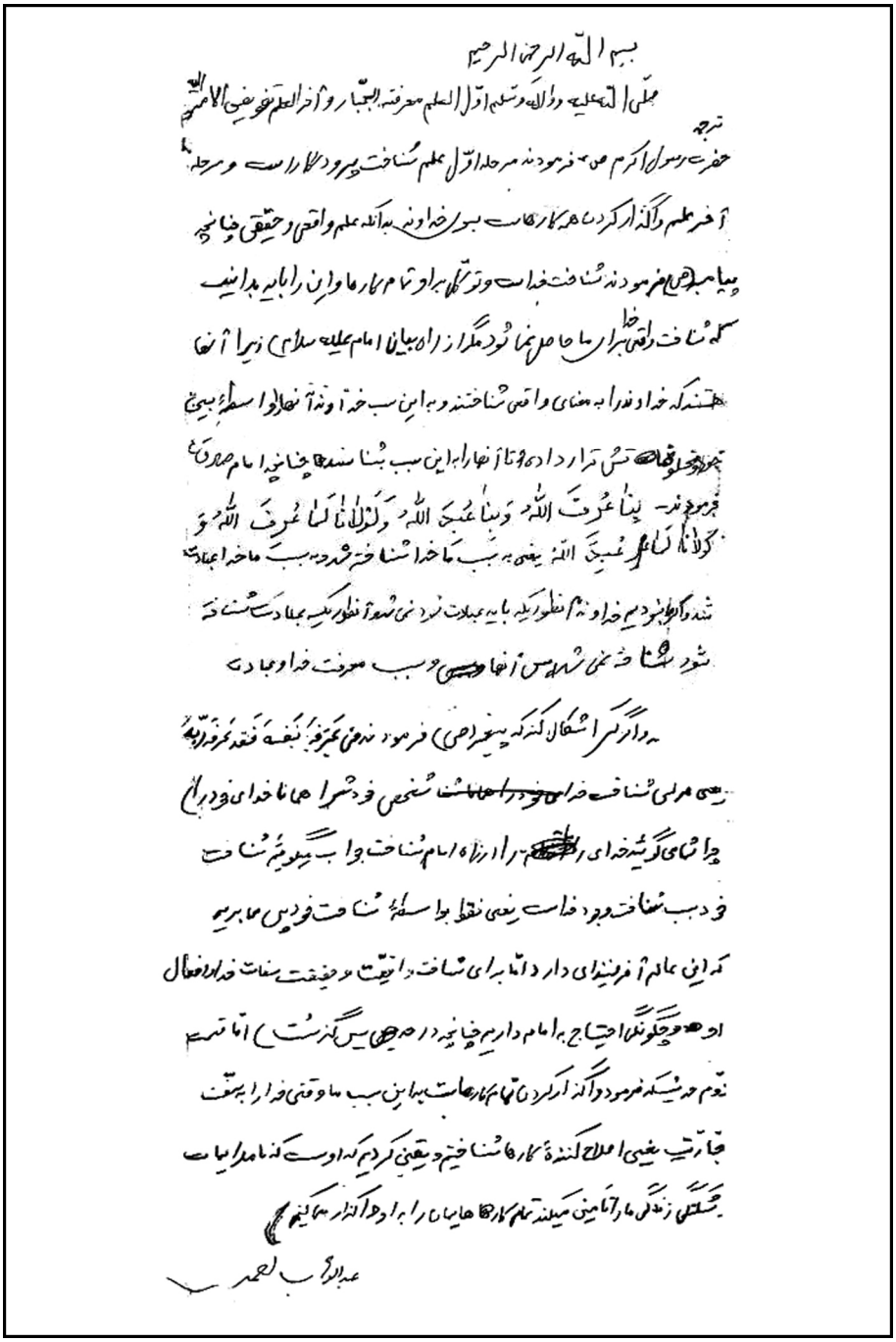

بسم الله الرحمن الرحیم

صلی الله علیه و آله و سلم اول العلم معرفة الجبار و آخر العلم تفویض الامر الیه

ترجمه

حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند مرحله اول علم شناخت پروردگار است و مرحله

آخر علم واگذار کردن همه کارها است بسوی خداوند بدانکه علم واقعی و حقیق چنانچه

پیامبر (ص) فرمودند شناخت خدا است و تمام کارها و این را باید بدانیم

که شناخت واقعی خدا برای ما حاصل نمی شود مگر از راه بیان امام علیه السلام زیرا آنها

هستند که خداوند را به معنای واقعی شناختند و به این سبب خداوند آنها را اسماء بین

قرار داده و آنها را به این سبب بنا نهاد چنانچه امام صادق (ع)

فرمودند: بنا عرف الله و بنا عبد الله و لولانا ما عرف الله و

لولانا ما عبد الله یعنی به سبب ما خدا شناخته شده و به سبب ما خدا عبادت

شده و اگر ما نبودیم خداوند هیچ نظر نکرد به عبادت زمینی شود و هیچ نظر نکرد به عبادت شناخته

شود شناخته نمی شد پس آنها وسیله معرفت خدا و عبادت

به دلیل کلام او که پیغمبر (ص) فرمودند من عرف نفسه فقد عرف ربه

یعنی هر کس شناخت خود را داشت شخص خود را همانا خدای خود را

چرا شما گریه خدای را از راه امام شناخت جواب میدهیم شناخت

خود نفس شناخت وجود خدا است یعنی فقط با وسیله شناخت خود پس عابر به

که این عالم آفریننده دارد اما برای شناخت واقعیت و حقیقت صفات خدا را افعال

او همچنان احتیاج به امام داریم چنانچه در (حدیث) پیش گذشت اما نسبت

به نعم که فرمودند واگذار کردن تمام کارها است به این سبب ما وقتی خدا را بشناسیم

عبادت یعنی اطاعت کنند کارها شناختیم و یقین کردیم که او است که نامدار ما

مشکلی زندگی ما را تامین میکند تمام کارهایمان را به او واگذار میکنیم

عبدالوهاب احمد

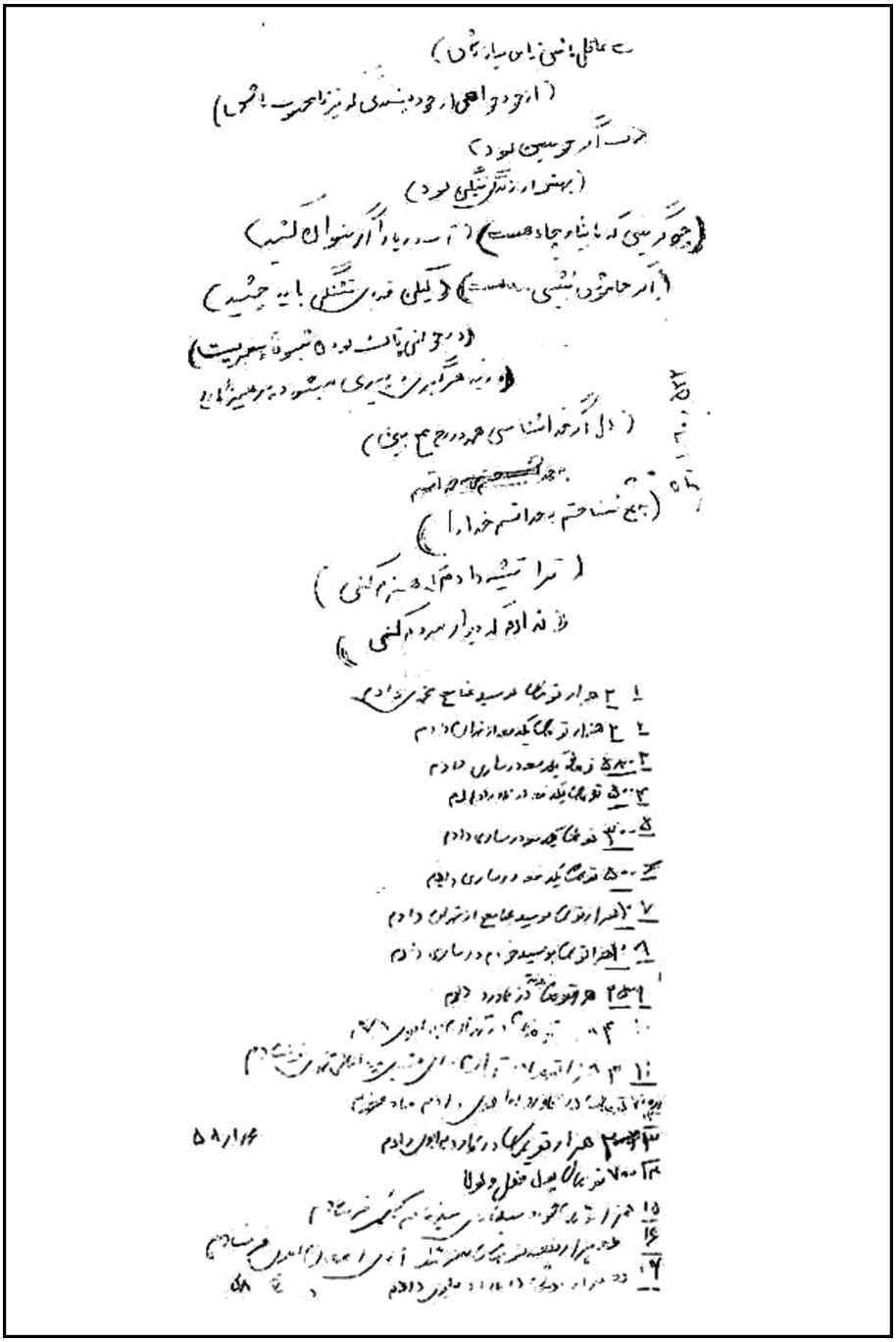

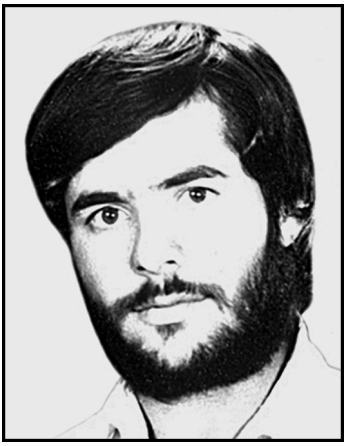

نام: **علی**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **یکم تیر ۱۳۳۹**
محل تولد: **روستای طرود از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **ششم مرداد ۱۳۶۰**
محل شهادت: **دزفول**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- درود بر شهدایی که شمع‌گونه سوختند تا شجره طیبهٔ اسلام را زنده نگه دارند.
- بنده خود را کوچک‌تر از این می‌بینم که جزء کاروان و قافله شهدا گردم و در آن قله رفیع عشق، به [نزد] خدا سکنی گزینم.
- از درگاه خداوند مأیوس هم نمی‌باشم و امیدوارم که عنایت و لطف خدا نصیب این حقیر گشته، تا به سبب ریختن خون سرخم، زندگی تاریکم را روشن نماید.
- انسان، زمانی راحت می‌شود که به لقاءالله بپیوندد.
- ای پدر و مادر عزیزم که برای من شب‌ها و روزها زحمت‌های بسیاری را متحمل شدید، تا اینکه من رشد کردم و شرمنده‌ام که نتوانستم حقوق شما را ادا کنم.
- چنانچه در طول عمرم [اگر] خطا و اشتباهی را مرتکب شدم، امیدوارم عفو و بخشش نمایید.

## علی احمدی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله [امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون]»**.[1]

با سلام به امام زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی و با درود بر شهدایی که شمع‌گونه سوختند تا شجره طیبهٔ اسلام را زنده نگه دارند. چند کلمه‌ای را به‌عنوان وصیت‌نامه عرض می‌نمایم. البته بنده خود را کوچک‌تر از این می‌بینم که جزء کاروان و قافله شهدا گردم و در آن قله رفیع عشق، به [نزد] خدا سکنی گزینم و البته از درگاه خداوند مأیوس هم نمی‌باشم و امیدوارم که عنایت و لطف خدا نصیب این حقیر گشته تا به سبب ریختن خون سرخم، زندگی تاریکم را روشن نماید و جزء شهدا گردم. و اگر چنین شد، این مقام رفیع را برای خود درجه‌ای بس عظیم می‌دانم. چون انسان زمانی راحت می‌شود که به لقاءالله بپیوندد.

**اما سخنی با پدر و مادرم:**

شما ای پدر و مادر عزیزم که برای من شب‌ها و روزها زحمت‌های بسیاری را متحمل شدید، تا اینکه من رشد کردم و شرمنده‌ام که نتوانستم حقوق شما را ادا کنم و چنانچه در طول عمرم [اگر] خطا و اشتباهی را مرتکب شدم، امیدوارم عفو و بخشش نمایید. پدر و مادرم مبادا بعد از شهادتم جَزَع و فَزَع نمایید و باعث گردید اجر و پاداش خود را از بین ببرید، چون بنده امانت خدا در نزد شما بودم و شما بایستی خوشحال بوده که امانت خود را سالم به صاحب اصلیش تحویل می‌دهید.

اما شما ای برادرانم، امیدوارم که نگذارید خون من خشک شده و اسلحه‌ام بر زمین بماند و سنگرم خالی. من به شما تأکید می‌کنم که راه مرا ادامه دهید.

اما شما ای خواهرانم امید است که زینب‌وار حامل ارسال پیام من باشید و سلاح شما همان حفظ حجاب شماست که با این عملتان فاطمه زهرا(علیهاالسلام) از شما خوشحال می‌شود،

---

۱- آل عمران/ ۱٦۹.

در پایان از برادران و خواهرانی که با بنده آشنایی داشته، [و] از طرف اینجانب، چنانچه اسائه[1] ادبی شده است، به بزرگواری خودتان این حقیر را عفو نمایید.

**«والسلام و علیکم ورحمة...»**

**علی احمدی**

۱- در اصل وصیت «اساءة».

وصیتنامه شهید برادر علی احمدی

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل ا...

بسم الله الرحمن الرحیم با درود بر حضرت امام خمینی و یاران و برپادارندگان راه شهدا که شمع گونه سوختند تا شکوفه جمهوری اسلامی را شکوفا سازند چند کلمه‌ای را به عنوان وصیت‌نامه عرض می‌نمایم.

ابتدا بنده خود را کوچکتر از این می‌بینم که چنین راه و هدف مقدسی را ادامه دهم ولی از آن جهت که رفتن عشق بوده است و من آرزو داشتم در راه خداوند جهاد و شهید شوم و امیدوارم که عنایت و لطف خدا بغیب این حقیر شده تا به سبب نیتم خون سرخم زنگ ننگ را از دامن اسلام بزداید و جزء شهدا گردم. و اگر چنین شد این مقام رفیع را برای خود و همه‌ای بس عظیم می‌دانم. چون ان زمان راحت می‌روم که به لقاء الله پیوسته‌ام.

از شما پدر و مادرم تقاضا دارم که برای من شهید و روحیه‌ای بپا دارید و با تقوی باشید از شما می‌خواهم که نگذارید حقوق شهدا از بین برود و خانه‌ها و محله‌ها را به فساد نکشانید و از خدا بترسید و بدانید که خداوند با صابرین است.

پدر و مادرم صبور باشید و بدانید که جزع و فزع نکنید و باعث گردید اجر و ثواب شهدا از بین

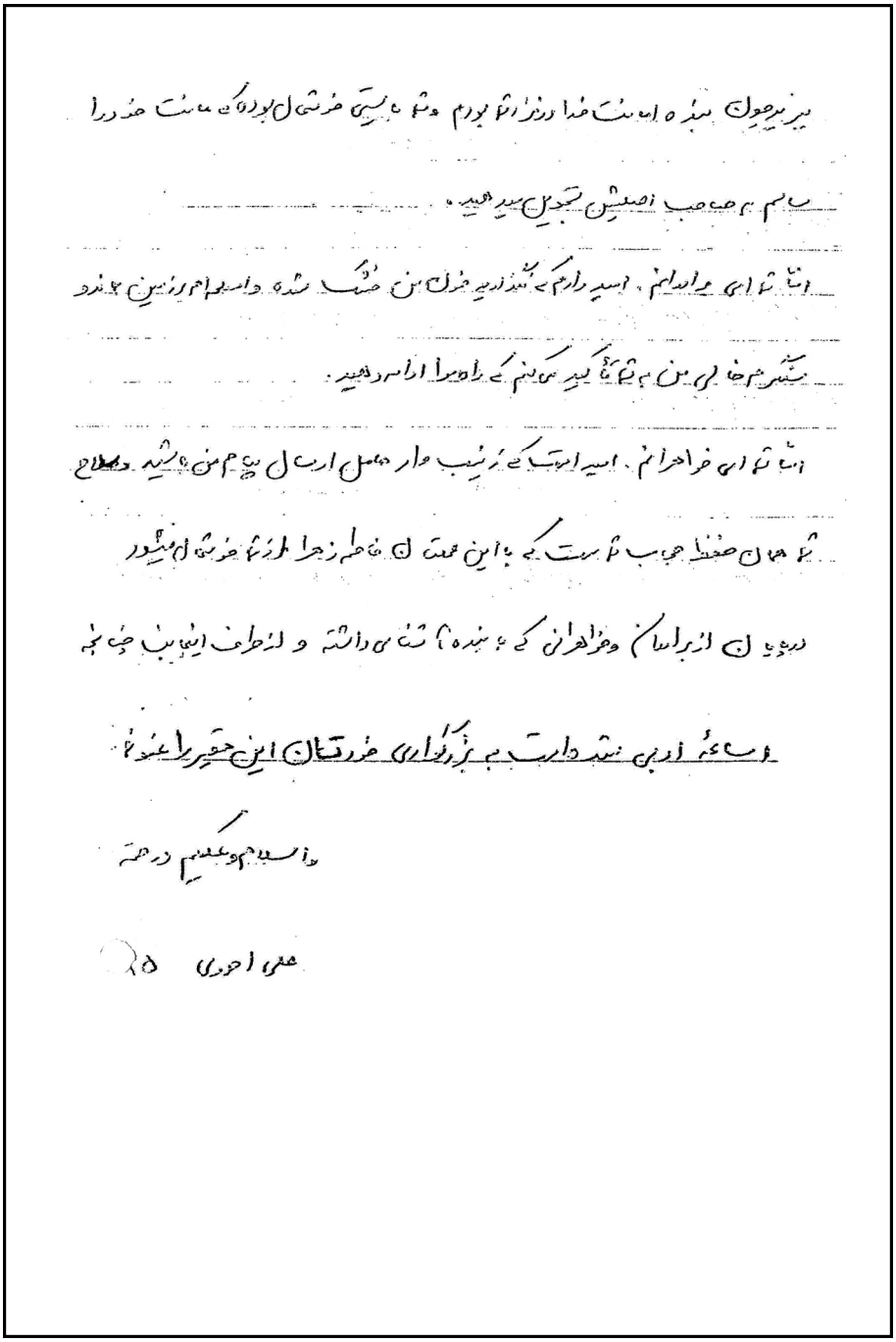

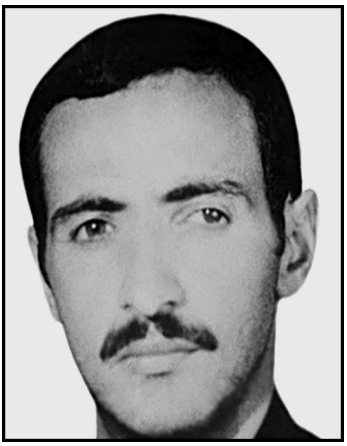

نام: **عیدعلی**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **میکائیل**
نام مادر: **باجی**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت ۱۳۳۷**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفدهم اسفند ۱۳٦۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای کاورد زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- اکنون زمان آن است که باید به ندای حسین زمان لبیک گفت و باید به یاری امام شتافت.
- من این راه را آگاهانه انتخاب نموده‌ام و خود نیز در ا ین راه گام نهادم.
- می‌دانم جبهه مکان مقدسی است، کربلاست.
- اکنون نیز بهترین زمان محرم است و امروز بهترین روز عاشوراست.
- باید برویم تا جبهه‌ها را پر کنیم و آخرین ضربه را بر پیکر دشمن بعثی وارد آوریم.
- من از تمامی انبیاء حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را از تمامی رهبران علی(علیه‌السلام) را و از تمامی مجاهدان حسین(علیه‌السلام) برگزیده‌ام.
- از تمامی کتاب‌ها قرآن، را از تمامی گل‌ها لاله را، و از تمامی مرگ‌ها شهادت را برگزیده‌ام.

## عیدعلی احمدی

### بسم الله الرحمن الرحیم

«**یا ایها الذین امنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم. تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل‌الله باموالکم و انفسکم ذالکم خیر لکم ان کنتم تعلمون**»[1] «ای کسانی‌که ایمان آوردید آیا راهنمایی نکنم شما را به تجارتی سودمند که برهاند شما را از عذابی دردناک، ایمان آورید به خدا و رسولش و کوشش کنید در راهش با مال و جان خویش این بهتر است شما را اگر بدانید».

و با سلام و درود بر امام زمان منجی عالم بشریت و نایب برحقش امام خمینی و سلام بر آیت‌الله منتظری[2] امید امام و امت و سلام بر رزمندگان ایثارگر که با نبرد با کفر جهانی پرداخته‌اند. این مطالب وصیت‌نامه اینجانب عیدعلی احمدی فرزند میکائیل که در تاریخ ۶۵/۱۱/۳ می‌نویسم می‌باشد. «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا». هر روزمان عاشوراست و هر جا کربلا. اکنون وقت آن است که باید به جبهه‌ها رفت تا خصم دون را سرنگون ساخت باید به‌سوی نور شتافت. نوری که سراپای انسان را فرا می‌گیرد و به معراج سیر می‌دهد. اکنون زمان آن است که باید به ندای حسین زمان لبیک گفت و باید به یاری امام شتافت و دست هر جنایتکاری را از خیانت و جنایت و تجاوز کوتاه کرد. من این راه را آگاهانه انتخاب نموده‌ام و خود نیز در این راه گام نهادم که می‌دانم جبهه مکان مقدسی است، کربلاست و اکنون نیز بهترین زمان محرم است و امروز بهترین روز عاشوراست، باید به جبهه رفت تا خصم دون بداند که ما مرد جنگیم و از هیچ چیزی هراسی نداریم، که قلبمان مملو از ایمان است. باید برویم تا جبهه‌ها را پر کنیم و آخرین ضربه را بر پیکر دشمن بعثی وارد آوریم. باید به جبهه برویم و بجنگیم و به حق بپیوندیم. من از تمامی انبیاء حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را از تمامی رهبران علی(علیه‌السلام) را و از تمامی مجاهدان

---

۱- صف/ ۱۰- ۱۱.

۲- ر.ک. تعلیقات.

حسین(علیه‌السلام) را و از تمامی کتاب‌ها قرآن را از تمامی گل‌ها لاله را و از تمامی مرگ‌ها شهادت را برگزیده‌ام. من رهسپار جبهه‌ها شدم تا دینم را به انقلاب اسلامی ادا کرده باشم.

پدرم اگر سعادت با ما یار شد و شهادت نصیبمان، بدان که افتخار بزرگی است و در عصر شهادت در بستر مردن صفایی ندارد و باید شهید مرد. پدرم بعد از شهادتم خود را در رنج و اندوه قرار مدهید، که تقدیر چنین بود، در سنگر نبرد با دشمنان خدا شهید شوم و به آرزویم برسم.

اگر سعادت شهادت نداشتم، از خدای بزرگ می‌خواهم که از تقصیرات و گناهانمان بگذرد و ما را در ردیف توبه‌کنندگان قرار دهد که او توبه‌پذیر است و ما خیلی گناهکاریم و خداوند آمرزنده. پدر جان الآن کار شما این است که دعا کنید. دعا کنید که خداوند امام را برای ما و اسلام نگه دارد و اسلام و مسلمین [را] پیروز گرداند و رزمندگان اسلام را یاری نماید.

پدرم، برادرم، همسرم، فرزندم حسین را، به شما می‌سپارم که از آن خوب نگه داری و مواظب کنید که او چون حسینی در کربلاهای زمانه بر یزیدیان بشورد و در مقابل ظلم و ستم ظاغوتیان قیام نماید و سلاح افتاده بر زمین پدر را در دست گیرد و بر قلب ناپاک دشمن نشانه رود.

به حسینم بگویید که پدرت با دشمنان دین خدا جنگید و شهید شد، به فرزندم بگویید در آینده درسش را خوب بخواند تا به جامعهٔ اسلامی خدمت نماید. پدرم بعد از شهادتم جسور باشید. به برادر و خواهر و همسرم بگویید صبور باشند که «**والله یحب الصّابرین**»[1] و خداوند صابران را دوست دارد.

به تمام دوستان و اقوام سلام برسانید. پدر جان مرا از انتهای سرخ زمین تشییع کنید و در کاورد[2] دفن نمایید. برایم یک سال نماز بخوانید و یک ماه روزه بگیرید. از دوستان و

---

۱- آل عمران/ ۱٤٦.

۲- کاورد نام روستای پدری شهید است که بنا به وصیت شهید احمدی را در آنجا به خاک سپرده‌اند.

آشنایان حلالیت می‌طلبم و همه شمار را به خدای بزرگ می‌سپارم. به امید پیروزی اسلام و مسلمین بر کفار و منافقین.[۱]

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**عیدعلی احمدی**

گل گفت که مذهب دینی دارم — که با آل رسول همنشینی دارم
بویم زمحمد است و رنگم زعلی — خُلق حسن و خوی حسینی دارم

رهبر زخدای خود کمک می‌گیرد — امداد ز الله ملک می‌گیرد
این جنگ نه قادسیه صدام است — روح الله ما غرامت فدک می‌گیرد

ما که پیوند ولایت با تو بستیم ای امام — پشت شرق و غرب را شکستیم ای امام
رهبر اما بی‌وفا چون هل کوفه نیستیم — تا تو هستی بین ما، ما با تو هستیم ای امام

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

# وصیتنامه شهید عبدعلی احمدی

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین امنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم ◆ تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذالکم خیر لکم ان کنتم تعلمون (سوره صف آیه ۱۰ و ۱۱) ترجمه: ای کسانیکه ایمان آورده‌اید آیا راهنمائی نکنم شما را به تجاری که شما را از عذابی دردناک رهائی بخشد ایمان آورید بخدا و رسولش و کوشش کنید در راهش با مال و جان خویش این بهتر است شما را اگر بدانید

با سلام و درود بر امام زمان نایب بر حق امام خمینی و سلام بر آیت الله منتظری امید امام و سلام بر رزمندگان ایثارگر که با بسیج دار فخر جهانی پرداخته‌اند. این مطالب وصیت‌نامه جناب عبدعلی احمدی فرزند اسکائیل که در تاریخ ۱۳۴۵/۳/۱۲ متولد میباشد کل ۲۰ روز عاشورا و کل ارض کربلا. هر روز ما عاشورا و هر جا کربلا. اکنون وقت آن است که باید به جبهه شتافت تا خصم دون را سرکوب ساخت باید به بوی نور شتافت نوری که سرتاپای انسان را فرا می‌گیرد و به معراج سیر میدهد اکنون زمان آن است که با بدای حسین زمان لبیک گفت و با یاری امام شتافت دست هر جانیکاری را از خیانت و جنایت و ستمگری کوتاه کرد این ندا راه را آگاهانه انتخاب نموده‌ام خود نیز در این راه گام نهاده‌ام که میدانم جبهه مکان مقدسی است، کربلاست و اکنون نیز بهترین زمان محرم است و امروز بهترین یاور عاشوراست، باید به جبهه رفت تا خصم دون بداند که ما مردی جنگیم و از هیچ خبری هراسی نداریم که قلبمان مملو از ایمان است باید برویم تا جبهه ما را بگیریم و آخرین ضربه را بر پیکر دشمن بعثی وارد آوریم باید به جبهه برویم تا بگیریم و به حق بپیوندیم من از تمامی انبیا خصوصا حضرت محمد (ص) از تمامی رهبران علی (ع) از تمامی مجاهدین حسین (ع) از تمامی کتابها قرآن را از تمامی گلها لاله را از تمامی مرکبها شاه را برگزیده‌ام، من هشیار جبهه هاشدم ما دنیم را به انقلاب اسلامی داده باشم. پدرم اگر سعادت با ما یار شد و شهادت نصیبمان بدار گم افتخار بزرگی است و در عصر شهادت (بستر مردن) صفائی ندارد و باید شهید مرد. پدرم بعد از شهادتم خود را در تنگنا دیده قرار مدهید که تقدیر چنین بود در سنگر نبرد با دشمنان خدا شهید شوم و سبد آرزویم برسم. اگر سعادت شهادت نداشتم از خدای بزرگ میخواهم که از تقصیرات و گناهانمان بگذرد و ما را در ردیف توبه کنندگان قرار دهد که او توبه پذیر است و ما خیلی گناهکاریم و خداوند آمرزنده. پدر جان آنان کار شما نیست که دعا کنید. دعا کنید که خداوند امام را برای ما و اسلام نگهدارد و اسلام

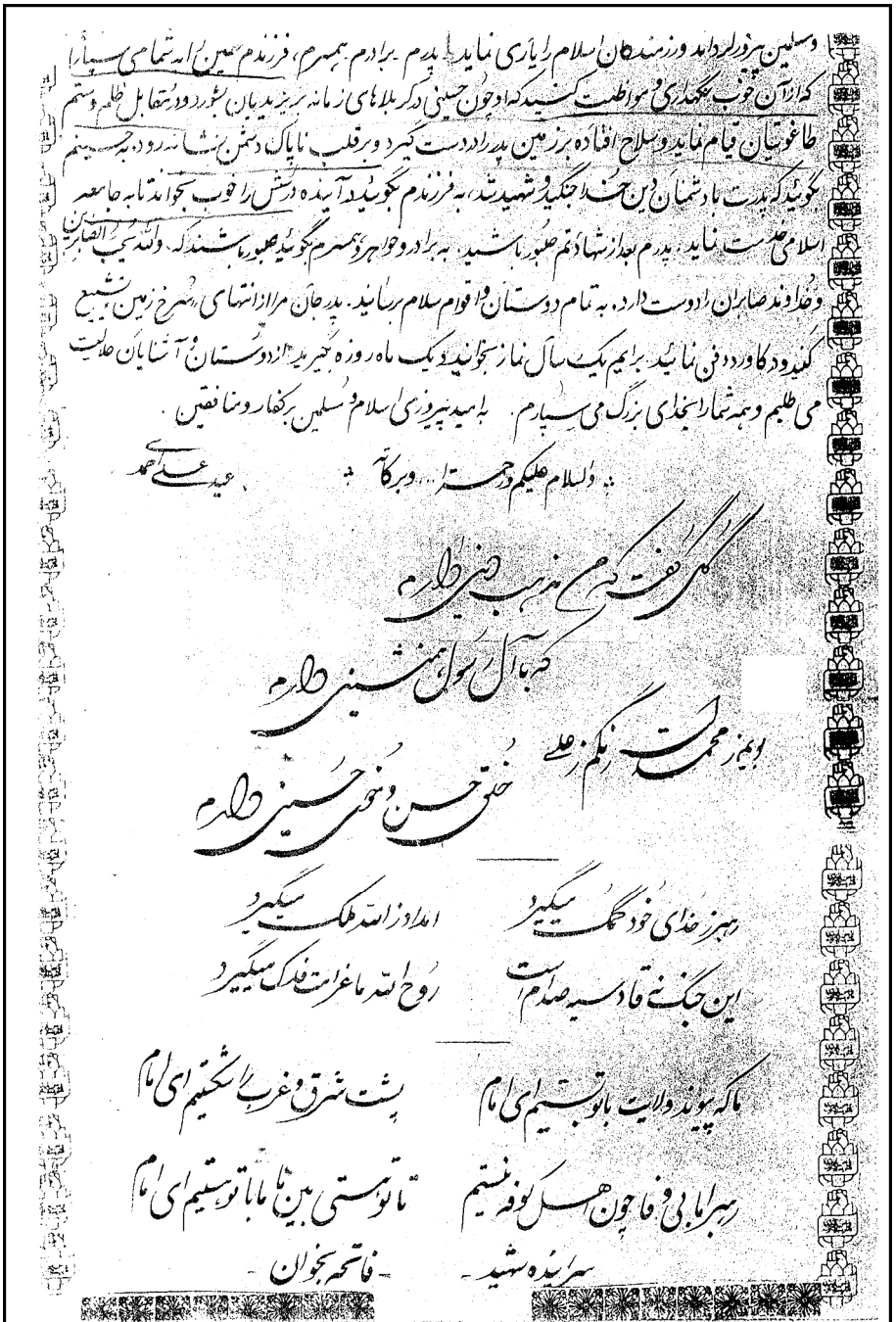

وسلمین پیروز برزمندگان اسلام را یاری نماید. پدرم - برادرم - همسرم، فرزندم سلام مرا به شهدای سپاه که از آن خوب نگهداری و مواظبت کنید که او چون حسینی در کربلاهای زمانه بر یزیدیان بشورد و در مقابل ظلم و ستم طاغوتیان قیام نماید و سلاح افتاده بر زمین پدر را در دست گیرد و بر قلب ناپاک دشمن بتازد و چه شیرین بگوید که پدرت با دشمنان دین خدا جنگید و شهید شد، به فرزندم بگوئید آینده درشش را خوب بخواند تا به جامعه اسلامی خدمت نماید. پدرم بعد از شهادتم صبور باشید. به برادر و خواهر و همسرم بگوئید صبور باشند که. والله یحب الصابرین و خداوند صابران را دوست دارد. به تمام دوستان و اقوام سلام برسانید. پدر جان مرا از انتهای سرخ زمین بشیع کنید و در کاوردفن نمائید. برایم یک سال نماز بخوانید و یک ماه روزه. غیر از دوستان و آشنایان طالبیت می طلبم و همه شما را بخدای بزرگ می سپارم. با امید پیروزی اسلام و مسلمین بر کفار و منافقین.

والسلام علیکم ورحمة... وبرکاته

عیدعلی احمدی

گر گفت که مذهب دینی داری
که با آل رسول نشینی داری
بویم ز محمدت نگم ز علی
خلقی حسن و خوی حسینی داری

رهبر خدای خود نگهبان تو باد
امداد ز الله ملک نگهبان تو باد
این جنگ نه قادسیه صدام است
روح الله ما غرقه فدایت باد

ما که پیوند ولایت با تو بستیم ای امام
پشت شرق و غرب را شکستیم ای امام
رهبرا بی و فا چون اهل کوفه نیستیم
تا تو هستی بین ما ما با تو هستیم ای امام

سرپرده شهید - فاتحه بخوان -

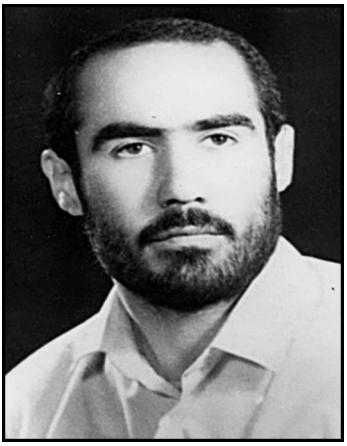

نام: **مالک**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **چهاردهم مرداد ۱۳٤۲**
محل تولد: **شهر ایوانکی از توابع شهرستان گرمسار**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دهم مرداد ۱۳٦۵**
محل شهادت: **خندق عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدا را شکر می‌کنیم که در ایام جوانی، ما را از منجلاب فساد توسط نایب برحق امام زمان نجات داد.
- خدا می‌داند که اگر این [امام] عزیز نبود ما الان سر از کجاها در می‌آوردیم.
- وقتی امام عزیزمان می‌گوید که این جنگ یک نعمت بزرگی است ما باید فکری کنیم تا بفهمیم که چه می‌گوید.
- به خدا قسم چیزهایی که این جنگ به ما آموخته از این مسائل خیلی مهم‌تر است.
- این خون‌ها که ریخته می‌شود فقط و فقط برای احیاء اسلام است.
- بدانید که خدا با شماست و همانطور که در اول گفتم ما زندگی می‌کنیم برای عقیدهٔ خودمان که الحمدالله عقیدهٔ همگی ما همان اسلام است.

## مالک احمدی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**ان الحیاة عقیدة و جهاد**»[۱] «زندگی یعنی عقیده و جهاد در راه آن» (منسوب به امام حسین)

به‌نام آن‌کس که ما را بیافرید، تا در راه او قدم برداریم و فقط برای رضای او تلاش کنیم. البته نه اینکه خدای تبارک و تعالی به عبادت ما نیازی داشته باشد، بلکه برای خودمان می‌باشد و خدای را شکر می‌کنیم که، در ایام جوانی، ما را از منجلاب فساد توسط نایب برحق امام زمان نجات داد و ما را به راهی که راه رستگاری است، راهنمایی کرد و خدا می‌داند که اگر این عزیز نبود، ما الان سر از کجاها درمی‌آوردیم. پس ما فقط تا آخر عمر باید خدای را شکر نماییم که این چنین ما را نجات داد و نجات ما فقط در پیروزی انقلاب نبود که ما بگوییم انقلاب شد و ما نجات پیدا کردیم. بلکه دیدیم و دیدید که سران حکومت مثل بنی‌صدر- بازرگان می‌خواستند دوباره ما را به همان راه اولی، که بازگشت به طاغوت بود، بازگردانند، ولی باز رهبر عزیز، ما را با الطاف الهی نجات دادند و یک قسمت از معرفی خود این اشخاص خود فروخته (بنی‌صدر، بازرگان و...) همین جنگ ما بود که خدا می‌داند که اگر این جنگ نمی‌شد، چهره‌های آنها به این زودی شناخته نمی‌شد و وقتی امام عزیزمان می‌گوید که این جنگ یک نعمت بزرگی[۲] است، ما باید فکر کنیم تا بفهمیم که چه می‌گوید. آن وقت بگوییم که چرا جنگ؟ چرا کمبود؟ به خدا قسم چیزهایی که این جنگ به ما آموخته، از این مسائل خیلی مهم‌تر است که مثلاً چرا جوان‌های ما دارند شهید می‌شوند، البته این را هم بگویم که جوان‌های ما، که در جبهه‌ها به شهادت می‌رسند، آینده‌سازان این کشور خواهند بود، ولی فعلاً اسلام در مقابل کفر قرارگرفته است و این

---

۱- منسوب به حضرت امام حسین(علیه‌السلام) است.

۲- امام خمینی: «خدای تبارک و تعالی می‌گوید که جنگ تا رفع فتنه غایت دفع فتنه است. قرآن نگفته جنگ‌جنگ تا پیروزی. قرآن بالاتر از این گفته. اسلام هم گفته است و بالاتر از این هم گفته است و رحمت است این، نه این است که نقمتی بر مردم است. یک رحمتی است بر تمام بشر که خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت به مقاتله کرده است» (صحیفه امام، ج۱۹، ص۱۱۶).

خون‌ها که ریخته می‌شود، فقط و فقط برای احیاء اسلام است و خدای ناکرده اگر مردم ما در جنگ سستی نمایند، اسلام شکست خورده است و اگر مردم ما پشتیبان جنگ باشند و همه امکانات خود را اعم از جانی- مالی در اختیار جنگ قرار دهند (که الحمدلله قرار دادند)، این جنگ انشاءالله هرچه زودتر به پیروزی خواهد رسید و به قول امام، امسال سال پیروزی می‌باشد. آن‌وقت شما امت حزب‌الله و شهیدپرور در پیشگاه خداوند و مسلمین جهان، روسفید خواهید بود و از همه شما عاجزانه تقاضا دارم که در هر کاری مشغول خدمت هستید، بدانید که خدا با شماست و همان‌طور که در اول گفتم ما زندگی می‌کنیم برای عقیدهٔ خودمان که الحمدلله عقیدهٔ همگی ما همان اسلام است، که اجرت آن در آخرت می‌باشد و ما نباید برای این دنیا خود را از آخرت محروم نماییم.

**سخنی با پدر و مادرم:**

پدر و مادر گرامی‌ام من نمی‌دانم به چه زبانی با شما سخن بگویم و چطور قلم را بر روی کاغذ بنویسم. فقط از شما طلب عفو و بخشش می‌کنم و می‌خواهم بگویم که من در مدت زندگی نتوانستم حق فرزندی را برای شما به‌جا بیاورم و از شما می‌خواهم که اگر خدا خواست و... شما از پدر و مادر بقیه شهدا که پدر و مادر مهم‌ترین دوستان ما بودند و آنها شهید شدند، روحیه بگیرید و خداوند به تمامی خانواده شهدا صبر و اجر عطا بفرماید.

خواهران و برادران عزیزم، می‌خواهم که به وظایف شرعیه خود عمل نمایید، که انجام می‌دادید و احتیاج به گفتن نبود، ولی به تقاضای این برادر حقیر، از تمامی شما خواهران شهدا می‌خواهم که الگو باشید برای دیگران و برادران عزیزم، از شما می‌خواهم که به سخنان پیامبرگونه امام امت، با جان و دل گوش فرا دهید که رستگاری همه شما در همین است.

و ای برادران بسیجی، از شما می‌خواهم که سنگر بسیج را ترک نکنید و امام امت بر بازوان شما بسیجیان بوسه زده است[1] و از شما می‌خواهم که بیشتر به خانواده شهدا،

---

۱- امام خمینی: «من به دست و بازوان شما بوسه می‌زنم و بر این بوسه افتخار می‌کنم» (صحیفه امام، دورهٔ ۲۲ جلدی).

مفقودین، معلولین سر بزنید و ایشان وقتی شما را می‌بینند، مثل اینکه فرزندان خودشان را زیارت می‌کنند.

در آخرِ سخنم، از همه شما امت حزب‌الله طلب عفو و بخشش می‌کنم و عاجزانه می‌خواهم اگر کسی ناراحتی از من داشته است، مرا ببخشد.

**«والسلام علکیم و رحمةالله و برکاته»**

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار**

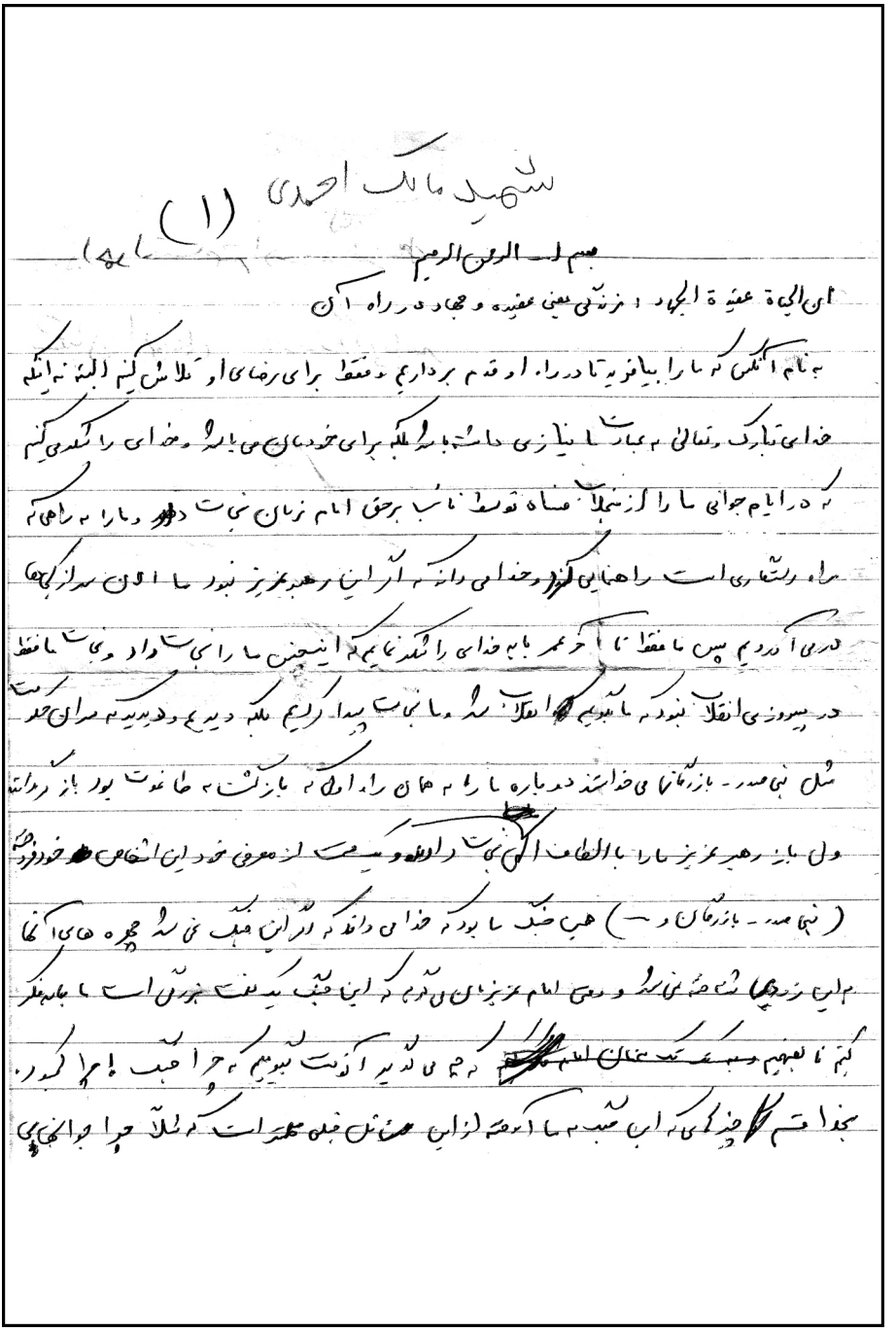

شهید مالک احمدی (۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

ای الحیاة عقیدة الجهاد : زندگی یعنی عقیده و جهاد در راه آن

به نام آنکس که ما را بیافرید تا در راه او قدم برداریم و منحصراً برای رضای او تلاش کنیم البته نه اینکه خدای تبارک و تعالی به عبادت ما نیازی داشته باشد بلکه برای خودمان می باید و خدای را شکر می کنم که در ایام جوانی ما را از شیطان و هوای نفس ناشی برحق امام زمان نجات داد و ما را به راهی که راه رستگاری است راهنمایی کرد و خدایی داشته که آن این رهبر عزیز بود ما اگر این سرانگشتها قدری آب دیم پس ما فقط تا آخر عمر باید خدای را شکر نماییم که اینچنین ما را یاری داد و ما فقط در پیروزی انقلاب نبودیم که ما ببینیم انقلاب شد ما بنا شد پیدا کردیم بلکه دیدیم و دیدیم میلیونها مثل نهصد - بازرگانها خواستند دوباره ما را به همان راه اول و بازگشت به طاغوت بود باز رهبر عزیز ما با الطاف الهی بنا را بر وحدت از صفوف خود این اشخاص خودفروخته (نهضت - بازرگان و ـــ) هیچ شک نبود که خدای دانا که در این شب نیز شعله های آگاهی را در دلها شعله ور می سازد و صبح امام عزیزمان می آورد که این شب سیاه نیز سپری است و بامداد نور کلیم تا بفهمیم و سبک کنند [illegible] که چی می دیدیم آخر ما نمی بینیم که چرا شب ! چرا کور، بخداقسم [illegible] چیزهایی که این شب به ما داده از این هیاهوها فیلمهاست که مثلاً چرا جوانهای

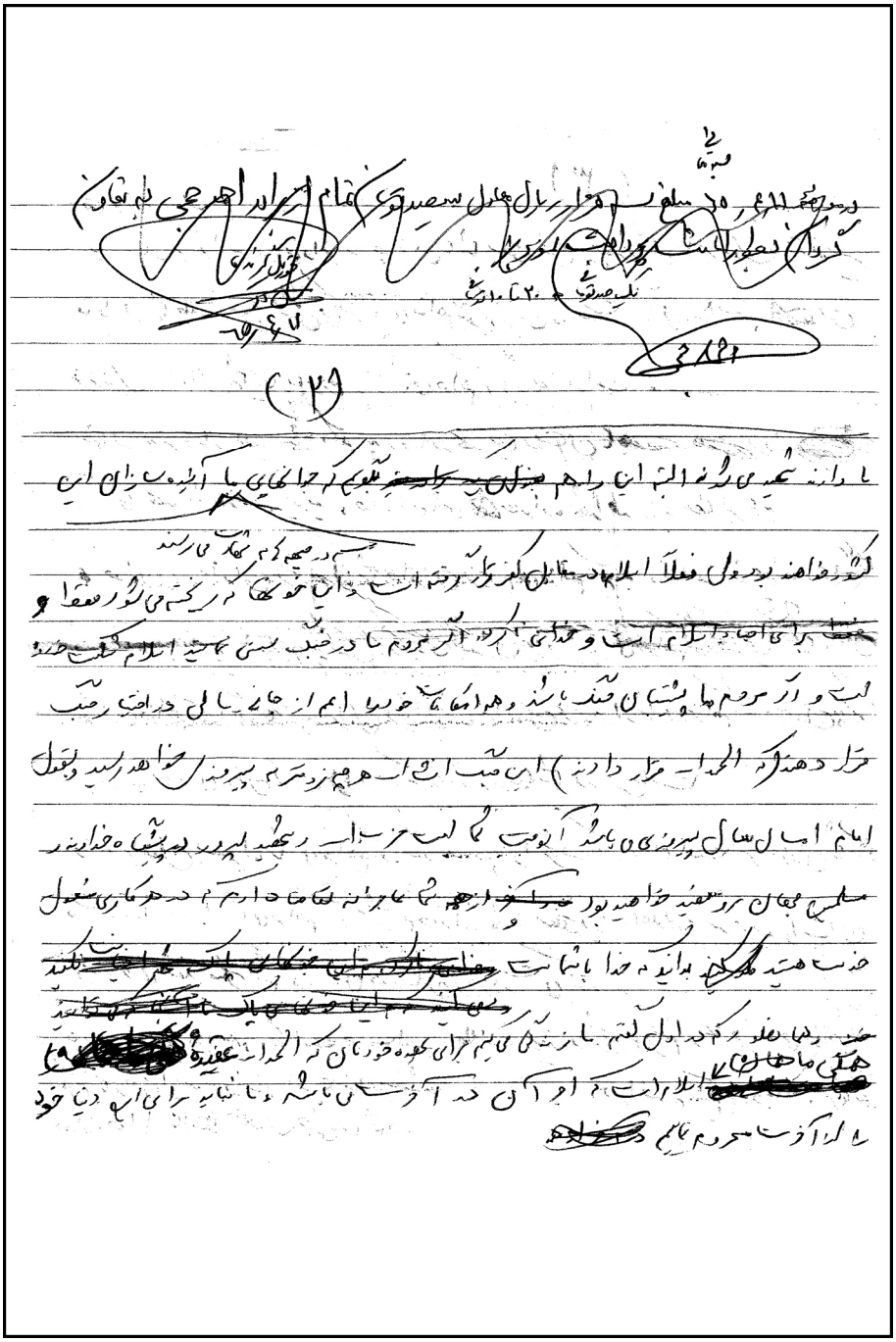

(۳)

بسمه تعالی

پدر و مادرم آنچه من می‌دانم به چه زبان با شما سخن بگویم و چطور تعلم بار بزرگی عاقبت بدهم
فقط از شما طلب عفو و بخشش می‌کنم و می‌خواهم بگویم که من در مدت زندگی تا آنجا که حق
فرزندی را برای شما ایجاب می‌کرد وظایف خود را انجام داده‌ام و از شما خواهم که از خدا خواهید
شما ای پدر و مادر بعثم شهدا که پدر و مادر بهترین دوستان ما بودند
و اگر کوتاهی شده نزد خدا و به شما خانواده شهدا عذر آورده و عفو بخواهید
خواهران و برادران عزیزم از شما خواهران عزیزم می‌خواهم که به وظایف شرعی خود عمل نمایید
و از خانواده‌ها می‌خواهم که از شما خواهران
شهدا می‌خواهم که الگو و سرمشق برای دیگران و برادران عزیزم از شما می‌خواهم که به جهاد پیگیر
امام امت با جان و دل گوش فرا دهید که رستگاری شما در همین است
و ای برادران بسیجی از شما می‌خواهم که بسیج را مرکز بدانید و از برادران شهید
بوسه رودوست دارم از شما می‌خواهم که بسیج و خانواده شهدا معلولین - اعلولین سربلند و آنان
دوست شما هستند مثل آنکه فرزندان خودتان را از آنان بدانید
در پایان خواستم از همه شما عزیزان طلب عفو و بخشش می‌کنم و عاجزانه می‌خواهم آنچه
کوتاهی از من دیده‌اید مرا ببخشید
خدایا، خدایا، تا انقلاب محمدی حسینی را نگه دار

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

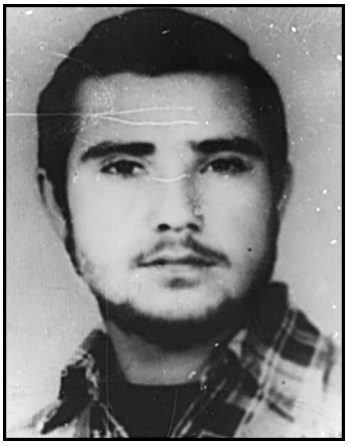

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **اسدالله**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳٤۲**
محل تولد: **روستای دیزج از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سرباز ژاندارمری**
تاریخ شهادت: **چهاردهم اسفند ۱۳٦۱**
محل شهادت: **مریوان**
نحوهٔ شهادت: **سانحه رانندگی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- صدام و صدامیان گفتند که ما به خدا ایمان آوردیم ولی عمل نکردند.
- چه گل‌هایی که به دستور آمریکا خونشان بی‌گناه بر زمین نریخت؟
- منافقین هم گفتند که ما ایمان داریم و تاریخ شاهد این جریان بود که با علی چه کردند.
- آمریکاییان هم با ملت ما چه کردند.
- رسالت بس عظیم به گردن حزب‌الله است.
- با منافقین داخلی و دشمنان خارجی بجنگند و جوانان به جبهه‌ها بروند برای احقاق حق از دست رفتهٔ محرومان جهان.

**محمد احمدی**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

«**یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون**»[۱] «الا ای کسانی که ایمان آورده‌اید به زبان چرا با خلق خدا دو رنگی و نفاق می‌ورزید وچیزی که به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید.

صدام و صدامیان گفتند که ما به خدا ایمان آوردیم ولی عمل نکردند. نه تنها عمل نکرد بلکه جنایات بزرگی انجام داد. چه خانه‌هایی که ویران نکرد؟ چه گلهایی که به دستور آمریکا خونشان بی‌گناه بر زمین نریخت؟ منافقین هم گفتند که ما ایمان داریم و تاریخ شاهد این جریان بود که با علی چه کردند و آمریکاییان هم با ملت ما چه کردند. بهشتی‌ها[۲] را به شهادت رساندند. رجایی[۳] و باهنر[٤] را سوزاندند، دستغیب[٥] و همراهانش را به‌وسیله بمب قطعه‌قطعه کردند، به جرم اینکه حق می‌گفتند به جرم اینکه طرفدار اسلام بودند و طرفدار مستضعفین بودند از همه مهم‌ترین به جرم اینکه یاران وفادار و صدیق و [...][٦] امام بودند.

این رسالت بس عظیم به گردن حزب‌الله است. با منافقین داخلی و دشمنان خارجی بجنگند و جوانان به جبهه‌ها بروند برای احقاق حق از دست رفتهٔ محرومان جهان. بروند قدس را آزاد کنند. فلسطین و لبنان [را] از [...][۷] جنایت صهیونیسم نجات دهند. بروید این رسالت خدایی و جهاد در راه خدا انجام دهید، تا وظیفه خود را انجام دهید و به جهانیان

---

۱- صف/ ۲.
۲- ر.ک. تعلیقات.
۳- ر.ک. تعلیقات.
٤- ر.ک. تعلیقات.
٥- ر.ک. تعلیقات.
٦- خوانا نیست.
۷- خوانا نیست.

ثابت کنید که از اسلام و قرآن پیروی می‌کنید و ثابت کنید که رهبرمان حضرت امام خمینی است. قرآن می‌فرماید: «**ان الله یحب الذین یقاتلون فی‌سبیل الله کانهم**[۱] **بنیان مرصوص**»[۲] «... خداوند مقاتله‌کنندگان در راه خود را دوست می‌دارد و آنان دارای ایمان قوی هستند پس در راه خدا جنگ کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد». و در حدیث قدسی است که هر کس خدا را دوست داشته باشد او را می‌کُشد و سپس خون‌بهای او را می‌دهد. بار خدایا، به ما توفیق بده تا در راه تو کار کنیم و در آخر زندگی ما را شهادت قرار ده. سلام مرا به امام برسانید آن امامی که صدایش را می‌شنوم و به قلبم قوت می‌بخشد و بر ایمان‌مان[۳] افزوده می‌شود. و پیامم به ملت ایران است که پشتیبان ولایت فقیه باشیم تا پیروز شود. خدمت مادر گرامی خود سلام می‌رسانم و از ایشان حلالیت می‌طلبم. خدمت برادران و خواهران سلام می‌رسانم من که برای آن برادر خوبی نبودم. آنان به بزرگی خودشان مرا ببخشند از تمام مردم، اهالی مستضعف دیزج حلالیت می‌طلبم به‌خصوص دوستان محترم.

**«والسلام من التبع الهدی»**

**هدیه راه خدا، محمد احمدی**

---

۱- در اصل وصیت «کعنهم».

۲- بقره/ ٥٦.

۳- در اصل وصیت «برانیان».

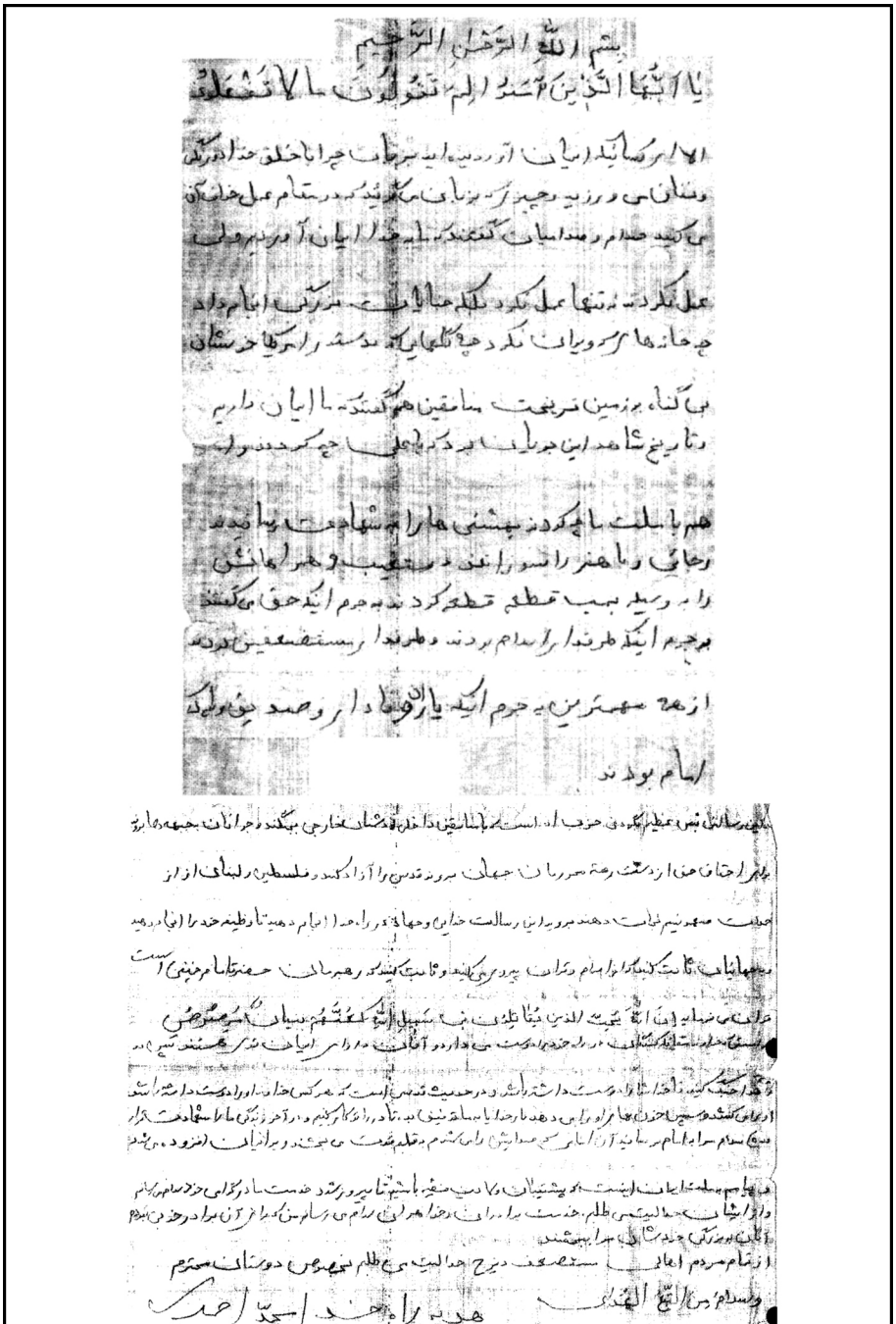

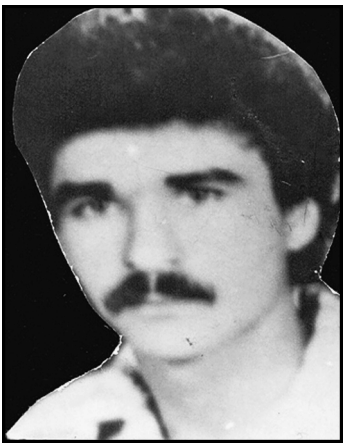

نام: **محمد**
نام‌خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **سکینه‌خاتون**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت ۱۳٤۱**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم آذر ۱۳٦۱**
محل شهادت: **اهواز**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- سلام شیرین و مخلص ما بر خمینی روح‌الله.
- چه سخت است نوشتن وصیت‌نامه برای جوانی که آرزوها دارد.
- چه بد است موقعی که قلم به روی کاغذ حرکت نمی‌کند.
- نمی‌دانم چرا وصیت در راه خدا آنقدر شیرین است که از همهٔ آرزوها بالاتر است.
- پروردگارا شکر، که پس از مدت‌ها به آرزوی خود رسیدم.
- شهادت: شهادت مرگ سعادت‌آمیزی است که آغاز دیدن زندگی پربار جدیدی را نوید می‌دهد.
- شهادت: شربتی است که هر کس توان آن را ندارد که بنوشد.
- شهادت در نزد من مانند مادری است که فرزندش را با تمام وجود به آغوش می‌کشد.
- شهادت: قلهٔ رفیع انسانیت است، من به آغوش شهادت می‌روم و به‌سویش پرواز می‌کنم.
- سوگند به شهادت که شهادت نهایت آرزوی من است.

## محمد احمدی[۱]

### بسم الله الرحمن الرحیم

«**یا ایها الذین امنوا مالکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل‌الله اثاقلتم الی الارض ارضیتم بالحیوة الدنیا من الاخرة فما متاع الحیوة الدنیا فی‌الاخرة الا قلیل**»[۲] «ای آنان‌که ایمان آورده‌اید چه می‌شود شما را که هرگاه گفته می‌شود به شما کوچ کنید برای جنگ در راه خدا، سرگردانی و سنگینی می‌کنید. در روی زمین آیا خشنود شده‌اید به زندگانی دنیا به جای آخرت؟ همانا نیست چهره زندگی دنیا در آخرت مگر خیلی کم». «**و قاتلوا فی سبیل‌الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا اِن الله لا یحب المعتدین**».[۳] «و جنگ کنید در راه خدا با آنان که جنگ می‌کنند با شما و تجاوز مکنید که خدا نیست دوستدار تجاوزگران». درود گرم و خالص ما بر محمد و خاندان پاکش. سلام شیرین و مخلص ما بر خمینی روح‌الله. چه سخت است نوشتن وصیت‌نامه برای جوانی که آرزوها دارد. چه بد است موقعی که قلم به روی کاغذ حرکت نمی‌کند. آن هم در هنگام مرگ، ولی نمی‌دانم چرا وصیت در راه خدا آنقدر شیرین است که از همهٔ آرزوها بالاتر است. پسری ۲۰ ساله به آرزوی دیرینه و همیشگی خود (شهادت) رسیدم. پروردگارا شکر که پس از مدت‌ها به آرزوی خود رسیدم. شهادت: شهادت مرگ سعادت‌آمیزی است که آغاز دیدن زندگی پربار جدیدی را نوید می‌دهد. شهادت: شربتی است که هر کس توان آن را ندارد که بنوشد مگر اینکه خود را از تمام قید و بندهای ظاهری اعم از مال و جان خود گذشته و در راه حق علیه باطل فدا کند. شهادت در نزد من مانند مادری است که فرزندش را با تمام وجود به آغوش می‌کشد. شهادت: قلهٔ رفیع انسانیت است من به آغوش شهادت می‌روم و به‌سویش پرواز می‌کنم. سوگند به شهادت، که شهادت نهایت آرزوی من است. هر چه بیشتر به خدا می‌اندیشیدم هر چه بیشتر به

---

۱- در بالای وصیت آمده است: وصیت‌نامهٔ محمد احمدی فرزند علی‌اکبر.

۲- توبه/ ۳۸.

۳- بقره/ ۱۸۹.

شهادت عشق می‌ورزم. چه شیرین است آن زمانی که انسان به خون خودش می‌غلتد. من آموختم که زندگی مادی نکبت‌بار است و نباید دل به دنیا بست. یا نباید منتظر باشم که مرگ مرا فرا گیرد و اینجاست که من سبقت گرفتم و به سراغ مرگ می‌روم، مگر انسان یک دفعه بیشتر می‌میرد؟ پس چه بهتر که آن یک دفعه هم در راه خدا باشد. ای پدر و مادر مهربانم، وصیتم به شما این است که هرگز ناراحت نباشید. اگر هم گریه می‌کنید برای امام حسین(علیه‌السلام) و حضرت علی‌اکبر(علیه‌السلام)[1] و یارانش گریه کنید. شما باید مانند کوهی محکم و استوار باشید. شما خوب می‌دانید که خداوند بندگانش را در هر زمانی آزمایش می‌کند. خداوند ما را به‌طور امانت به شما تحویل داده است و شما می‌بایست امانتی را که خدا به شما داده بود، سالم و خیلی‌خوب پس می‌دادید و شما بهترین کاری بود که کردید. ای پدر و مادر خوبم من برای شما نتوانستم فرزند خوبی باشم و آن محبت‌هایی که به من کرده بودید جبران کنم. اگر از من در عمرم ناراحتی دیدید و یا اگر به شما بی‌احترامی کرده بودم، مرا ببخشید و از من در گذرید. پدر جان تو نمونه‌ای برای مردها، چون تو دو پسر جوانت را در راه خدا داده‌ای و تو باید در مقابل ضد اسلام، محکم و استوار بایستی. مبادا پدر از راهت دست بکشی، اجر تو پیش خداست. مادر جان، تو داری کم کم به زینب نزدیک می‌شوی. تو دو پسر پاره جگرت را، در راه خدا داده‌ای. مادر جان تو از من خیلی تعریف می‌کردی، آخر تو باید بدانی که خدا چیز خوب قبول می‌کند و خدا چیز بد نمی‌خواهد و امیدوارم که خداوند همه کسانی که در راه او کشته می‌شوند را جزء شهیدان صدر اسلام (کربلا) بدارد. مادر، تو باید انقلاب را زینب‌گونه به پیش ببری. پاداشت با خداست.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامهٔ محمد احدی فرزند علی اکبر

اسناد ایثارگران

یا ایها الذین آمنوا مالکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اثاقلتم الی الارض ارضیتم بالحیوة الدنیا من الاخرة فما متاع الحیوة الدنیا فی الاخرة الا قلیل. توبه (۳۸-۳۷)

ای آنانی که ایمان آورده‌اید چه میشود شما را که هرگاه گفته میشود شما که چرا نمیروید برای جهاد در راه خدا سنگینی میکنید در روی زمین آیا خوشنود شده‌اید بزندگانی دنیا بجای آخرت همانا بهرهٔ زندگی دنیا در برابر آخرت

متن وصیت

وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین. (بقره ۱۸۹-۱۹۰)

و جنگ کنید در راه خدا با آنانکه جنگ میکنند با شما و تجاوز مکنید که خدا نیست دوست تجاوزکاران

درود گرم و خالصانه بر محمد و خاندان پاکش

سلام شیرین و مخلصانه بر خمینی روح الله

چه سخت است نوشتن وصیت نامه برای جوانی که آرزوها دارد و چه بسا نیست موفقی که علم هر دو را داشته

- جرأت نمی‌کند آن هم در هنگام مرگ. ولی می‌دانم چرا وصیت در راه خدا آنقدر شیرین است که لذتهٔ

آرزوها بالاتر است

سپری بیاد آرزوی دیرینم و همیشگی خود (شهادت) رسیدم پروردگارا شکر که پس از مدتها به

آرزوی خود رسیدم شهادت!

شهادت مرگ سعادت آمیزی است که آغازگر دنیای زندگی جاوید و ابدی است شهادت

است که هر کس توان آن را دارد که بتواند سعادت خود را در تمام قیدوبندهای ظاهری از مال و جان گذشته

و در راه حق علیه باطل خدا کند. شهادت در بر دارنده من مانند مادری است که فرزندش را با تمام وجود

آرزو می‌کند شهادت علت رفیع این نیست امید من با کوشش شهادت نماید و سعیم بر طاعت خدا کنم.

سرگذشت به مرادت که مرادت نهایت آرزوی من اینهاست هرچه بشر به خدا می‌اندیشیم هرچه بشر به شرافت عشق

می‌ورزم چه شیرین است آن زمان که انسانی به خون خویش می‌غلتد ،

من آمده‌ام که زندگی مادی نکبت بار است و نباید دل به دنیا بست و باید به منتظر باشم که مرگ مرا فرا گیرد

و اینهاست که من لبیک گفتم

و به سراغ مرگ می‌روم مگر انسان کدام هدف بیشتر می‌خواهد پس چه بهتر که آن کدام

هم در راه خدا باشد .

ای پدر و مادر مهربانم شما این را بدانید که هرگز ناراحت نباشید اگر هم گریه می‌کنید برای امام حسین

و اهداف مقدسش گریه کنید شما باید بدانید که هر کس راه و رسم امام را پیروی کند شما خوب می‌دانید که خداوند نگهدارش

و در هر زمانی آزمایش می‌کند خداوند ما را بطور امانت به شما تحویل داده است و شما می‌بایست امانتی را که خدا

به شما داده بود سالم و خیلی خوب پس می‌دادید و شما بهترین کاری بود که کردید .

ای پدر و مادر خوبم من برای شما نثر فرستم هرچند خوب نباشم و آن محبتهایی که به من کرده بودید جبران کنم

اگر کلمه‌ای در عدم ناراحتی دیدید و یا اگر به شما بی‌احترامی کرده بودم مرا ببخشید و کلمه در گذرید و پدر جان تو

همه‌ی برای مردها چون تو و پسر جوانت را در راه خدا داده‌ای و تو باید در مقابل همه‌ی امام محکم

و استوار و لبیک بگویی مبادا پدر از راهت دست بکشی . اجر تو پیش خدا است .

مادر جان تو داری گریه می‌کنی به غریب تر از همه می‌شوی تو دو پسر پاره‌ی جگرت را در راه خدا داده‌ای مادر جان تو کلمه

خیلی تعریف می‌کردی اگر تو با این برای که خدا چه خوب قبول می‌کند و خدا چه به ما می‌خواهد و امیدوارم که خداوند همه

کسانی که در راه اسلام می‌کوشند جزء شهدا محشور (کربلا) بیاورد . مادر تو باید افتخار کنی نه

به پیش به سوی پیروزی با امید به خدا

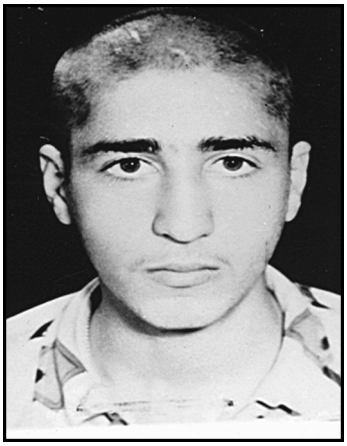

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **قربان**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **بیستم دی ۱۳٤٥**
محـل تولـد: **روسـتای قلعـه‌نوخرقـان از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۳٦٥**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش و گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدایا تو را شکرگزارم که از خانواده ما شهید برگزیدی.
- به این بندهٔ روسیاه توفیق دادی که پس از چند روز بعد از شهادت برادر رشید و شهیدم اسدالله، به راهش روان شوم.
- دنیا سرای گذر است، کاروانسرایی است که از دری وارد شـدیم و از در دیگـر بیـرون خـواهیم رفت.
- بهترین توشه‌ها تقوی است.
- همهٔ پیامبران و امامان یکی از مهم‌ترین وصیت‌هاشان سفارش به تقوی بوده است.
- در محشر کبری چیزی که به درد ما می‌خورد تقوی است.
- ای امت اسلام حجت خدا امام برحق را بشناسید.
- نصرت خدا نصرت و یاری ولی خداست.
- در زمان غیبت با مجتهد جامع‌الشرایط، ولی مسلمین و زمامدار جامعهٔ اسلامی است.
- پدر و مادر گرامی‌ام: شکر خدا کنید که فرزندانتان سرباز امام زمان «ارواحنا له الفدا» بودند و در راه خدا فدا شدند.

**محمد احمدی**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«اشهد ان لا اله الا الله**
**و اشهد ان محمداً رسول‌الله**
**و اشهد ان امیرالمؤمنین و ابنائه المعصومین حججالله، صلوات الله علیهم اجمعین**
**و اشهد ان الموت حق**
**و ان الصراط و المیزان و الحساب حق**
**و ان الجنة و النار حق**
**و ان الساعة آتیته لاریب فیها**
**و انالله یبعث من فی القبور»**[1]
**«و من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا».**[2]

و از مؤمنین جوانمردانی هستند که به عهدی که با خدایشان بستند [...][3] وفا کردند.
بعضی از ایشان به آرزویشان، که شهادت بود، رسیدند و بعضی‌شان در انتظارند و آن عهد و پیمان را تغییر نداده‌اند.

عهدی که با او بسته‌ایم روز ازل نشکسته‌ایم  آن عهد و آن پیمان ما برجاستی برجاستی

اینجانب بندهٔ کمترین، محمد احمدی، فرزند قربان، در این روزهای خاطره‌ای که به پاسداری از خون شهدا توفیق جبهه آمدن نصیبم شده است. این چند جمله را به‌عنوان وصیت‌نامه بر این صفحات می‌نویسم. امیدوارم که خدای بزرگ از تقصیرات حقیر درگذرد و مورد عفو و بخششم قرار دهد.

---

۱- قسمت اول تشهد است. در ادامه تلقین که از آداب تدفین مسلمانان است.
۲- احزاب/۲۳.
۳- خوانا نیست.

و سرانجام کارم ختم به خیر و ختم به شهادت باشد.

خدایا تو را شکرگزارم[۱] که از خانوادهٔ ما شهید برگزیدی و به این بندهٔ روسیاه توفیق دادی که پس از چند روز بعد از شهادت برادر رشید و شهیدم، اسدالله، به راهش روان شوم و سلاح بر زمین افتادهٔ او را به دست گیرم و با دشمنان اسلام بجنگم، اللهم انصر الاسلام و المسلمین و اخذل الکفار و المنافقین.[۲]

دنیا سرای گذر است، کاروانسرایی است که از دری وارد شدیم و از در دیگر بیرون خواهیم رفت و به جهان دیگر خواهیم پیوست. مرگ، سرانجام، همهٔ انسان‌ها را ملاقات خواهد کرد.

چه خوب است که این چند روزی که در این راه هستیم و به‌سوی سرمنزل ابدیمان پیش می‌رویم، به فکر توشه و ذخیره‌ای باشیم که وقت رفتن دست خالی نباشیم. و بهترین توشه‌ها تقوی است. همهٔ پیغمبران و امامان یکی از مهم‌ترین وصیت‌هاشان سفارش به تقوی بوده است.

«**یا ایها الذین امنوا اتقوا الله...**»[۳]

همهٔ بدبختی‌های بشر از بی‌تقوایی‌ها است.

اگر جامعه افرادی متقی داشته باشد، همهٔ گرفتاری‌ها و مشکلات حل می‌شود.

در محشر کبری چیزی که به درد ما می‌خورد تقوی است. [...][۴] انسان‌ها تقوی را، تقوی را، نصب‌العین خود قرار دهید. تقوی: اطاعت از خدا و رسول و اولوالأمر است. تقوی: انجام واجبات و ترک محرّمات است. تقوی: پاکی و پرهیزگاری است. ای امت اسلام، حجت خدا، امام برحق را بشناسید و فرمان او را به جان گوش فرا دهید. و دست از یاریش برندارید نصرت خدا نصرت و یاری ولی خداست.

---

۱- در اصل وصیت «شکرگذار».

۲- از جمله دعاهایی است که در پایان مراسمی چون نماز، دعا و در مجامع مسلمانان به‌خصوص در دوران دفاع مقدس بیان می‌شد.

۳- بخش اول آیه ۲۸ سورهٔ الحدید. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید...».

٤- خوانا نیست.

و در زمان غیبت، مجتهد جامع‌الشرایط، ولی مسلمین و زمامدار جامعهٔ اسلامی است.

مبـــــادا خویشـــــتن را واگـــــذاریم　　امـــــام خـــــویش را تنهـــــا گـــــذاریم
ز خـــون هـــر شـــهیدی لالـــه رســـته　　مبـــادا روی لالـــه پـــا گـــذاریم[1]

پیامبر اکرم(ﷺ) دو امانت سنگین را برای ما به‌یادگـار گذاشـته اسـت: کتـاب خـدا، قرآن، را و عترتش را.[2] و فرمود اگر کسی به ایـن دو امانـت متمسـک شـود، هرگـز گمـراه نمی‌شود، پس ما نیز باید سفارش پیغمبر خدا را همواره مدنظر داشـته باشـیم و بـا ایـن دو امانت رابطه‌مان را بیشتر کنیم و این دو ثقل گرانبها را محور زندگی‌مان قرار دهیم.

اما سخنی با شما پدر و مادر گرامی‌ام، امیدوارم از این فرزند حقیرتـان راضـی باشـید و اگر نتوانستم فرزند خوبی برایتان باشم، امیدوارم مورد عفو و بخششم قرار دهید.

از خدای بزرگ می‌خواهم که شـما را در دنیـا و آخـرت سـرافراز و سـربلند دارد و در مصیبت‌هایی که در راه خدا ممکن است برای شما پیش آید صبر و استقامت عنایت کند.

شما این توفیق را پیدا کردید پاسدار رشیدی چون بـرادر شـهیدم، اسـدالله، [را][3] تقـدیم پروردگار کنید. انشاءالله قبول درگاهش واقع شود و ذخیرهٔ آخرتتان باشد.

آرزویم این است که اگر این فرزندتان نیـز توفیـق شـهادت در راه خـدا نصـیبش شـد[4] همچنان با[5] افتخار تبسم به لب داشته باشید و شکر خـدا را بـه‌جـای آوریـد کـه فرزنـدتان گمراه و منحرف نبود. منافق نبود که آلت دست بیگانگان[6] باشد و بـه‌خـاطر جنایـت‌هـایش اعدام شود.

---

۱- شعر از قیصر امین‌پور است.

۲- پیامبر اکرم(ﷺ) «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی...» (نهج‌الفصاحه).

۳- اصلاح ویرایشی، واژه «را» از قلم افتاده است.

٤- فعل «شد» از قلم افتاده است.

۵- در متن وصیت «به» اصلاح و ویرایش جایگزین «با».

٦- در اصل وصیت «بیگانه‌گان».

شکر خدا کنید که فرزندانتان سرباز امام زمان، «ارواحنا لـه الفـدا»، بودنـد و در راه خـدا فدا شدند. مبادا لب به گلایه‌ای یا اعتراضی بگشایید که چرا فرزند دیگرتان نیز بـه شـهادت رسیده است.

افتخار کنید به اینکه توفیق پیدا کردید که در این چند روزهٔ دنیا، که سرای امتحان است، برای فردای قیامتتان ذخیره‌ای فراهم کنید. «**اللهم تقبل منا**» «خدایا قبول درگاهت فرما».

برادران عزیزم را به تقوی و پرهیزگاری و صبر و استقامت سفارش می‌کنم. امیـدوارم از این برادر کوچکشان راضی باشند و در راه خدا از هیچ کوششـی دریـغ نورزنـد و در خـط اسلام و انقلاب قدم بردارند و امام عزیز را یاری کنند. انشـاءالله کـه شـما نیـز، بـه پیـروی حضرت فاطمهٔ زهرا(علیهاالسلام)، از بهترین مـادران جامعـه‌مـان باشـید. از خویشـان و اقـوام[1] و دوستان و آشنایم و همهٔ حق‌دارانم می‌خواهم که این بنـدهٔ حقیـر را ببخشـایند و بـرایم[2] از خدای بزرگ طلب آمرزش کنند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

در آخر می‌دانم، لازم می‌دانم، سفارشی راجع به فرزند برادر شهیدم، اسدالله، نمایم [...][3] که خوب تربیتش کنید، با ذکر و یاد خدا بزرگش نماییـد و از همـان کـودکی بـا اهـل‌بیـت عصمت و طهارت آشنایش سازید. در غذاهایی که به او می‌دهید، نهایت دقت را کنید، مبادا لقمهٔ شبهه‌ناکی به او بخورانید، در گوشش آیات شریفهٔ قرآن را زمزمه کنید و به او بگوییـد که پدرت در راه خدا بود و در جبهه نبرد حق علیه باطل به شهادت رسید.

انشاءالله که باعث افتخار اسلام و مسلمین باشد. خدایا، از برادرم فرزندی به‌یادگار مانده است، از تو می‌خواهم که آن عزیز را و همهٔ فرزندان شهدا را در پناه امام زمان(عج) مصـون و محفوظ داری و از بزرگان انقلاب اسلامی‌شان قرار دهی.

---

۱- در اصل وصیت «قومان».

۲- در اصل وصیت «برای».

۳- خوانا نیست.

یک سال نماز و ۳۱ روزه برایم گرفته شود و پانصد تومان برای رد مظالم به اهلـش داده شود.

بسم الله الرحمن الرحیم

اشهد ان لا اله الا الله

و اشهد ان محمداً رسول الله

و اشهد ان امیرالمومنین و ائمة المعصومین حجج الله
صلوات الله علیهم اجمعین

و اشهد ان الموت حق

و ان الصراط و المیزان و الحساب حق

و ان الجنة و النار حق

و ان الساعة آتیة لا ریب فیها

و ان الله یبعث من فی القبور

و من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه
فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر
و ما بدلوا تبدیلا

مومنین جوانمردانی هستند که به عهدی که با خدایشان بستند وفا کردند
بعضی از ایشان به آرزو یشان که شهادت بود رسیدند
و بعضی شان در انتظارند و آن عهد و پیمان را تغییر نداده اند

عهدی که با او بسته ایم روز از ل نشکسته ایم
آن عهد و آن پیمان ما برحاستی برحاستی

اینجانب ، بنده کمترین محمد احمدی فرزند قربان در این روزهای خاطره‌ای که به یاد دارم از طرف شهدا توفیق جبهه اعزام نصیبم شده است
این چند صفحه را به عنوان وصیت نامه بر این صفحات می نویسم

امیدوارم که خدای بزرگ از تقصیرات حقیر درگذرد
و مورد عفو و بخشش قرار دهد
و سرانجام کارم ختم به خیر و ختم به شهادت باشد

خدایا تو را شکر گذارم که از خانواده ای شهید پرور یدی و به این بندهٔ روسیاه توفیق دادی که پس از چند روز جبهه شهادت برادرم رشید و شهید اسدالله ، به راهش روان شوم و سلاح بر زمین افتادهٔ او را به دست گیرم و با دشمنان

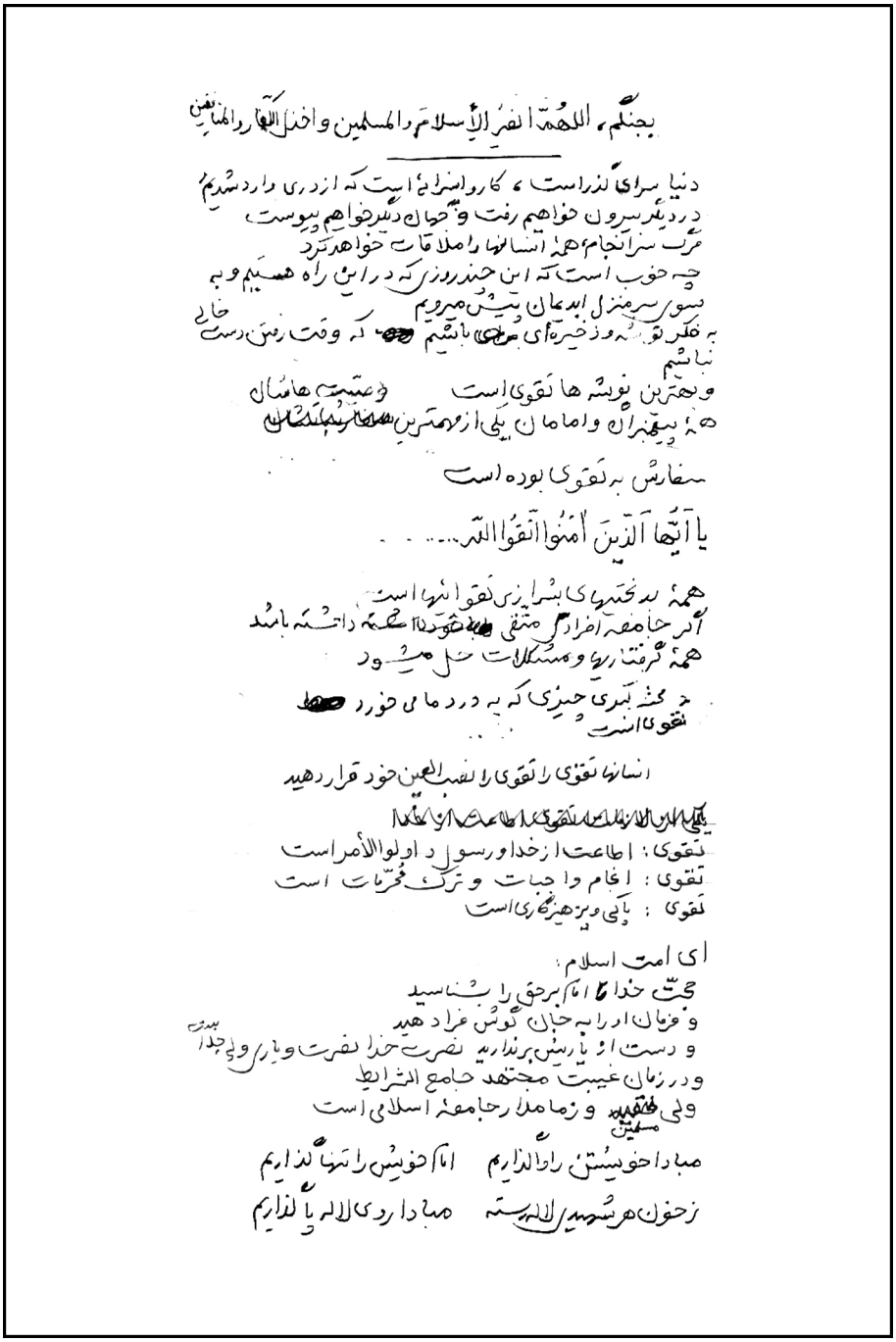

بجنگم، اللهمّ انصر الإسلام والمسلمین واخذل الکفار والمنافقین

---

دنیا سرای گذراست، کاروانسرایی است که از دری وارد شویم
در دیگر بیرون خواهیم رفت و جهان دیگر خواهیم پیوست،
مرگ سرانجام همهٔ انسانها را ملاقات خواهد کرد
چه خوب است که این چند روز که در این راه هستیم و به
سوی سرمنزل ابدیمان پیش میرویم
به فکر توشه و ذخیره‌ای برای [illegible] که وقت رفتن دست خالی
نباشیم
و بهترین توشه‌ها تقوی است و عشیت هامان
همهٔ پیغمبران و امامان یکی از مهمترین [illegible]

سفارش به تقوی بوده است

یا أیّها الّذین آمنوا اتّقوا اللّه ...

همهٔ بدبختی‌ها بی‌پرهیزی تقوا نداشتن است
اگر جامعه افراد متقی [illegible] داشته باشد
همهٔ گرفتاری‌ها و مشکلات حل میشود
خوشبختی چیزی که به درد ما می‌خورد [illegible]
تقوی است

انسانها تقوی را نصب العین خود قرار دهید

یکی از راههای تقوی اطاعت از خدا
تقوی: اطاعت از خدا و رسول و اولوالأمر است
تقوی: انجام واجبات و ترک محرمات است
تقوی: پاکی و پرهیزگاری است

ای امت اسلام:
حجت خدا امام برحق را بشناسید
و فرمان او را به جان گوش فرا دهید
و دست او را پیش بگذارید نصرت خدا نصرت و یاری ولی خدا
و در زمان غیبت مجتهد جامع الشرایط
ولی فقیه و زمامدار جامعهٔ اسلامی است

صبا دا خویشتن را دانگذارم  اما خویش را تنها نگذارم
ز خون هر شهید لاله رسته  صبا دارد کلاله یا نگذارم

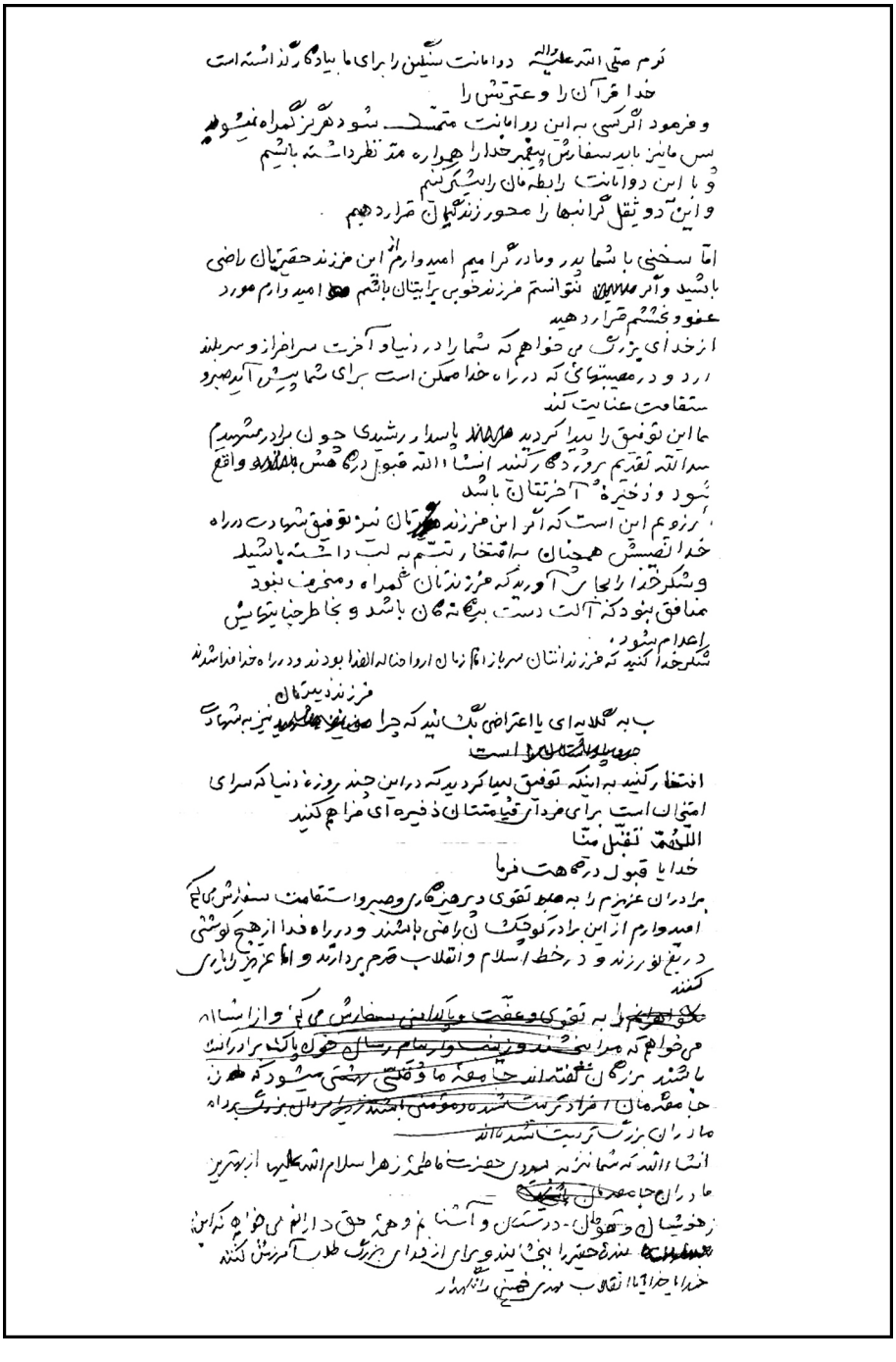

ترم صلی الله علیه و آله دوامانت سنگین را برای ما بیادگار گذاشته است
خدا قرآن را و عترتش را
و فرمود اگر کسی به این دو امانت متمسک شود هرگز گمراه نمیشود
پس ما نیز باید سفارش پیغمبر خدا را همواره مد نظر داشته باشیم
و با این دو امانت رابطه مان را برقرار کنیم
و این دو ثقل گرانبها را محور زندگیمان قرار دهیم

اما سخنی با شما پدر و مادر گرامیم امیدوارم این فرزند حقیر تان راضی باشید و اگر نتوانستم فرزند خوبی برایتان باشم امیدوارم مورد عفو و بخشش قرار دهید
از خدای بزرگ میخواهم که شما را در دنیا و آخرت سرافراز و سربلند دارد و در مصیبتهائی که در راه خدا ممکن است برای شما پیش آید صبر و استقامت عنایت کند
ما این توفیق را پیدا کردیم بسایه پاسدار رشیدی چون برادر شهیدم سید الله تقدیم بروز دگار کنید انشاء الله قبول درگاهش واقع شود و ذخیره آخرتتان باشد
آرزوی من این است که اگر این فرزند عزیزتان نیز توفیق شهادت در راه خدا نصیبش همچنان سرافراز و تبسم بر لب داشته باشید و شکر خدا را بجای آورید که فرزندتان گمراه و منحرف نبود منافق نبود که آلت دست بیگانگان باشد و بخاطر جنایتهایش اعدام شود
شکر خدا کنید که فرزندانتان سربازان امام زمان ارواحنا له الفداء بودند و در راه خدا فداشدند
فرزند شهید ما
ب به گلایه ای یا اعتراض بگذرد که چرا ... نیز به شهادت ... است
افتخار کنید به اینکه توفیق پیدا کردید که در این چند روزه دنیا که سرای امتحان است برای خود آخرتتان ذخیره ای فراهم کنید
اللهم تقبل منا
خدایا قبول درگاهت فرما
برادران عزیزم را به حفظ تقوی در هر کار و صبر و استقامت سفارش می کنم و از شما امیدوارم از این برادر کوچکتان راضی باشید و در راه خدا از هیچ کوششی دریغ نورزند و در خط اسلام و انقلاب قدم بردارند و او را عزیز دار باشند کنند
~~کلیه اعضا را به تقوی و عفت و ... این سفارش می کنم و از شما ... می خواهم که مرا ببخشند و زیاد به یاد رسالت خود پاک برادرانه باشند بزرگان گفته اند جامعه ما وقتی بهتر می شود که ... جامعه مان از فرزندان شهدا و مومنین آشنا ... مادران بزرگ تربیت شده باشند~~
انشاء الله که شما نیز به سبک حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از بهترین مادران جامعه ... باشید
زهرا سلام الله علیها - درستکار و آشنا به وظیفه حق دارائی می خواهم که این ... بنده حقیر را ببخشند و برای از دست دادن بزرگ طلب آمرزش کنند
خدایا خدایا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

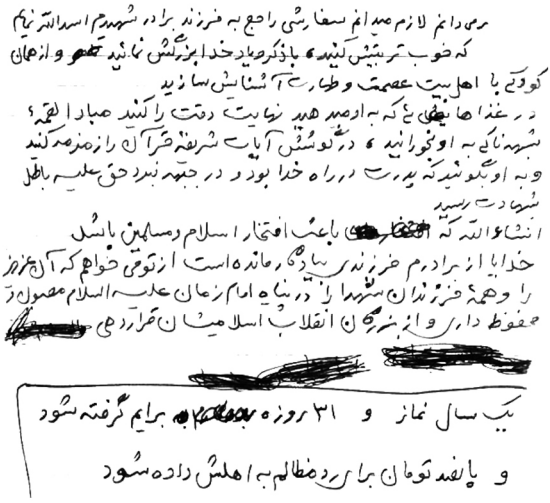

نام: **محمدحسن**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **اسماعیل**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **یکم اسفند ۱۳٤۲**
محل تولد: **شهر بیارجمند از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم مرداد ۱۳٦۰**
محل شهادت: **جاده آبادان- ماهشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- امیدوارم بتوانم با یک پیروزی کامل یا جزئی، برای خدا و اسلام و قرآن جان بی‌ارزشم را به الله آفریننده خود تسلیم نمایم.
- امیدوارم بتوانم برای شما یک فرزند نیکو و صالح بوده باشم.
- از شما می‌خواهم پس از شهادتم هیچ‌گونه گریه و زاری نکنید، بلکه خوشحال باشید.
- شما را به نماز سفارش می‌کنم و دوری از گناهان.
- مادر مگر علی‌اکبر، قاسم و سرباز شش ماهه‌اش در عاشورا در کربلای امام حسین(علیه‌السلام) شهید نشدند؟
- مگر حضرت عباس را دو دستش را از تن جدا نکردند.
- من که از آن بزرگواران بیشتر نیستم، بلکه یک بنده گناهکارم.

**محمدحسن احمدی**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«اناالله و انا الیه راجعون»**[۱]

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی[۲] و با سلام بر پدر و مادر مهربان، این وصیت‌نامه من پس از شهادت است. قبل از اینکه این سعادت نصیبم شود من شروع کرده‌ام و امیدوارم بتوانم با یک پیروزی کامل یا جزئی، برای خدا و اسلام و قرآن جان بی‌ارزشم را به الله آفریننده خود تسلیم نمایم، امیدوارم بتوانم برای شما یک فرزند نیکو و صالح بوده باشم. از شما می‌خواهم پس از شهادتم، هیچ‌گونه گریه و زاری نکنید بلکه خوشحال باشید زیرا من پیروز شدم و به آرزوی [خود رسیدم][۳] و امیدوارم برادران و دوستان من، بعد از من بتوانند با پایداری، مرز و بوم این کشور اسلامی را از دست دشمنان پلید و کافر پاک گردانند.

برادرم[۴] و خواهرم شما را به نماز سفارش می‌کنم و دوری از گناهان... مادر جان هر موقع به یاد من افتادی و خواستی گریه کنی و یا اینکه بر سر قبر من بیایی، آن لحظه به فکر کربلای حسین(علیه‌السلام) باش که در آن زمان با کافران و ستمگران برای برجا ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمانان از زیر سلطه یزید جنایتکار و جانی، چگونه جان خود و فرزندان عزیزشان را دو دستی تقدیم حق تعالی نمود.

مادر مگر علی‌اکبر[۵] قاسم و سرباز شش ماهه‌اش[۱] در عاشورا در کربلای امام حسین(علیه‌السلام) شهید نشدند؟ و مگر حضرت عباس را دو دستش را از تن جدا نکردند. پس من که از آن بزرگواران بیشتر نیستم، بلکه یک بنده گناهکارم.

---

۱- بقره/ ۱۵۶.

۲- در اصل وصیت «اما خمینی».

۳- [ ] افتادگی دارد به سیاق عبارت اضافه شده است.

۴- در اصل وصیت «بردارم» به‌جای برادرم.

۵- ر.ک. تعلیقات.

در خط مقدم جبهه ایستگاه ۱۲ آبان در تاریخ ۱۳٦۰/٤/۵ در زیر رگبار گلوله‌ها[۲] این وصیت‌نامه را می‌نویسم.

**سرباز امام زمان**

**محمدحسن احمدی***

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «رکبار کلوها» واقعاً در شرایطی که یادآور شده است وصیت نوشتن، آنهم زیر رگبار گلوله، در شرایط جنگی، باز هم آنها بوده‌اند که با ایمان و سکینه قلبی توانسته‌اند همین چند سطر را قلمی کنند.

* ذیل وصیت‌نامه شهید محمدحسن احمدی «شعر گلبرگ لاله‌ها» نوشته شده است.

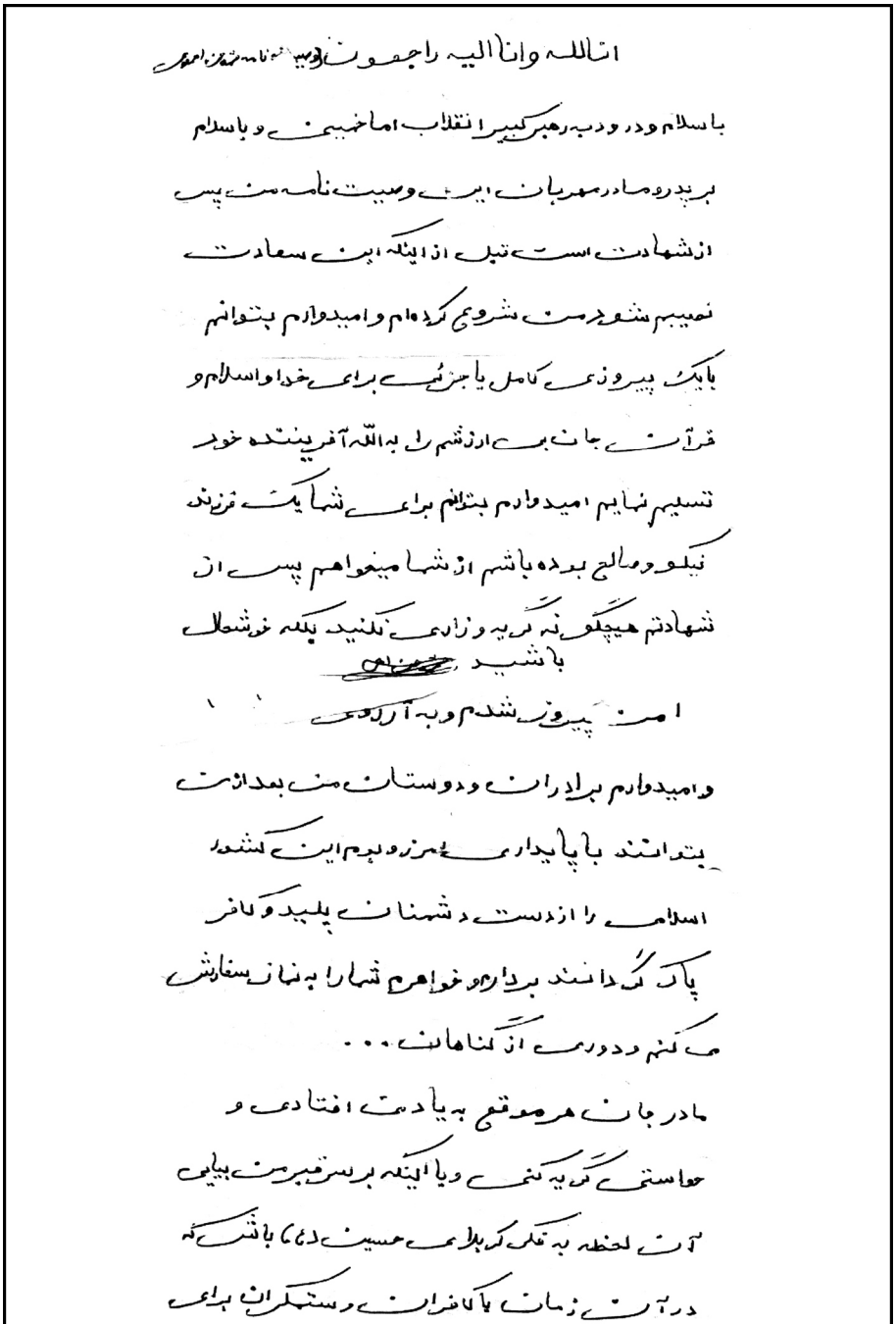

انا لله وانا الیه راجعون وصیت نامه شهید احمدی

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اما خمینی و با سلام
بر پدر و مادر مهربان این وصیت نامه من پس
از شهادت است قبل از اینکه این سعادت
نصیبم شود من شروع کرده ام و امیدوارم بتوانم
با یک پیروزی کامل یا جزئی برای خدا و اسلام و
قرآن جان بی ارزشم را به الله آفریننده خود
تسلیم نمایم امیدوارم بتوانم برای شما یک فرزند
نیکو و صالح بوده باشم از شما میخواهم پس از
شهادتم هیچگونه گریه و زاری نکنید بلکه خوشحال
باشید
من پیروز شدم و به آرزوی
و امیدوارم برادران و دوستان من بعد از من
بتوانند با پایداری مرزوبوم این کشور
اسلامی را از دست دشمنان پلید و کافر
پاک نگه دارند برادرم خواهرم شما را به نماز سفارش
می کنم و دوری از گناهان ...
مادر جان هر موقع به یادت افتادی و
حواستی گریه کنی و یا اینکه بر سر قبرم بیایی
آن لحظه به فکر کربلای حسین (ع) باش که
در آن زمان با کافران و ستمگران برای

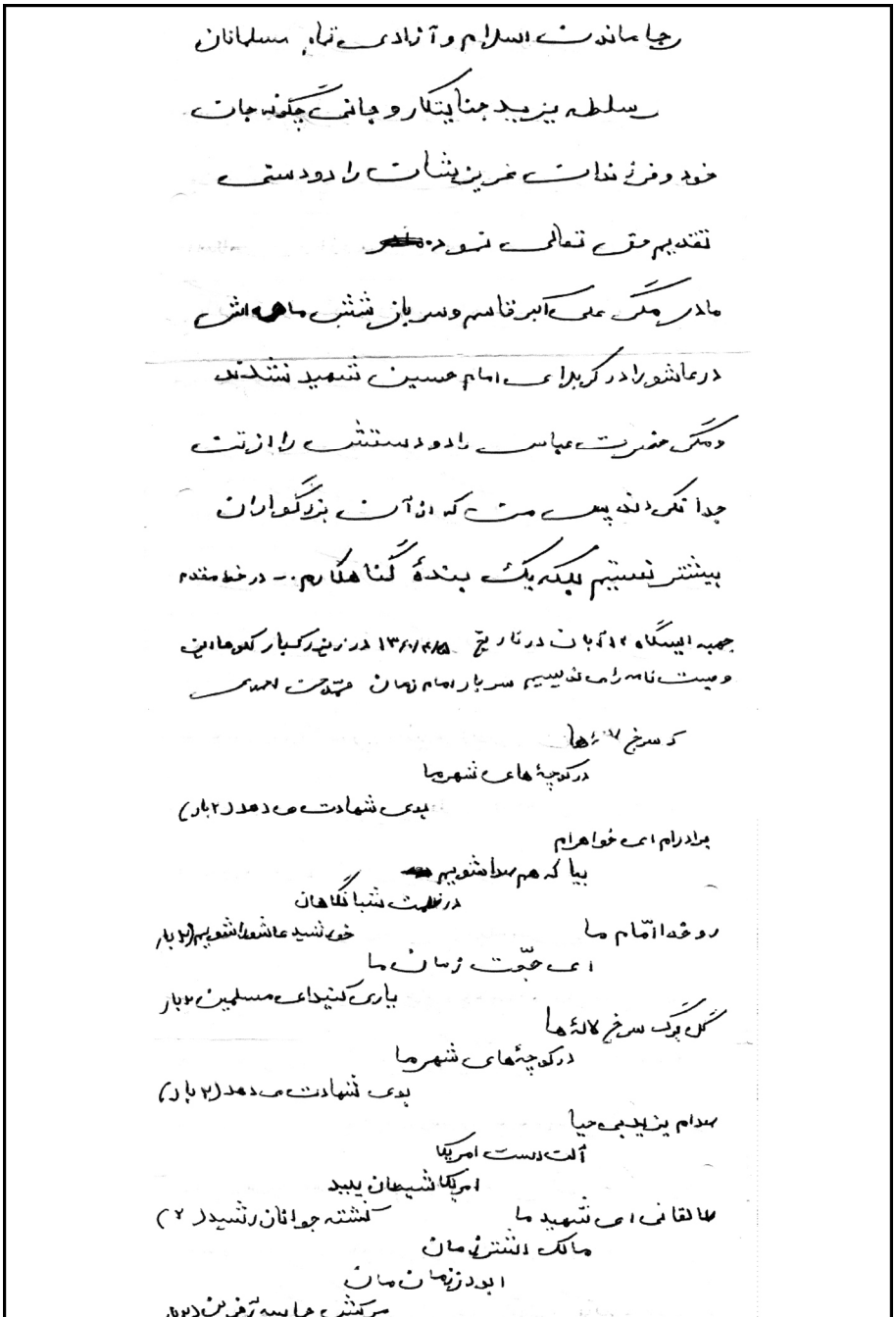

رجا ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمانان
سلطه یزید جنایتکار و جانی چگونه جان
خود و فرزندان عزیزشان را دودستی
تقدیم حق تعالی نمودند
مادر مگر علی اکبر قاسم و سرباز شش ماهه اش
در عاشورا در کربلای امام حسین شهید نشدند
و مگر حضرت عباس دادودستش را از تنش
جدا نکردند پس من که از آن بزرگواران
بیشتر نیستم بلکه یک بندهٔ گناهکارم. - درخط مقدم
جبهه ایستگاه ۱۲ آبان در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۱۵ در زمینه رکبار گلوله ها این
وصیت نامه را تقدیم سربازان امام زمان حضرت احمدی

کوسرخ لاله ها
در کوچه های شهرما
بوی شهادت می دهد (۲ بار)

برادرام ای خواهرام
بیا که هم سدا شویم
در ظلمت شبانگاهان
روح خدا امام ما خون شهید عاشقها شویم (۲ بار)
ای حجت زمان ما
یاری کنیدای مسلمین ۲ بار

گل پرک سرخ لاله ها
در کوچه های شهرما
بوی شهادت می دهد (۲ بار)

بدام یزید بی حیا
آلت دست امریکا
امریکا شیطان ببند
طالقانی ای شهید ما نشسته جوانان رشید (۲)
مالک اشتر زمان
ابوذر زمان ما
سرکش حماسه آفرین (۲ بار)

نام: **محمدحسین**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **سکینه‌خاتون**
تاریخ تولد: **بیستم خرداد ۱۳۳۲**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **پانزدهم مهر ۱۳۵۹**
محل شهادت: **جاده نوسود- کرمانشاه**
نحوهٔ شهادت: **انفجار مین و اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- پس از ۲۷ سال زندگی، به یاری حق به هدف خود رسیدم.
- هیچ چیز در زندگی جز شهادت، آرزوی من، پایدار نیست.
- اکنون می‌خواهم که مسیر الله را طی کنم و از اسلام و میهن خود دفاع کنم، تا سر حد شهادت.
- در راه خداوند لایزال تا آخرین قطره خون که در رگ دارم با دشمنان اسلام می‌جنگم.
- با خون خود امیدوارم که درخت اسلام سیراب شود.
- شهادت را برگزیدم و فقط مسئولیت شیعه بودن که به دوشم سنگینی می‌کرد و در تشیع که همان اسلام است، انسان جانشین خدا، یعنی انسان مسئول است.
- رفتم مبارزه با کفر کنم و بکشم و اگر نتوانستم بکشم، کشته شوم.
- وصیت می‌کنم که هرگز برای من اشک نریزید.
- به مادرم بگویید که تو در نزد زینب(علیهاالسلام) سربلند خواهی بود، چون که تو هم شهید داده‌ای.

**محمد حسین احمدی**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

«**لا یستوی القاعدون مِن المؤمنین غیر اولی الضرر والمجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجة وکلا وعدالله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی قاعدین اجرا عظیما**»[۱] «برابر نیستند نشستگان از گردندگان، غیر صاحبان رنج و جهاد کنندگان در راه خدا، به مال‌های خود و جان‌های [خود] زیادتی داد خدا جهاد کنندگان را به مال‌هایشان و خودهاشان بر نشینندگان مرتبه».

درود بر محمد و خاندانش و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (مدظله‌العالی).

پس از ۲۷ سال زندگی، به یاری حق به هدف خود رسیدم و هیچ چیز در زندگی جز شهادت آرزوی من، پایدار نیست و هیچ چیز نمی‌تواند گلوی تشنه مرا سیراب کند، جز شهادت و اکنون می‌خواهم که مسیر الله را طی کنم و از اسلام و میهن خود دفاع کنم، تا سر حد شهادت و جان ناقابل خود را نزد خداوند هدیه کنم. عمر من که ارزش خداوند را ندارد. پس در راه خداوند لایزال تا آخرین قطره خون که در رگ دارم با دشمنان اسلام می‌جنگم و با خون خود، امیدوارم که درخت اسلام سیراب شود و آنگاه از جوانه‌ای که از درخت اسلام می‌زند، برای ملت‌های مستضعف جهان[۲] ثمره دهد. شهادت را برگزیدم و فقط مسئولیت شیعه بودن که به دوشم سنگینی می‌کرد و در تشیع که همان اسلام است، انسان[۳] جانشین خدا، یعنی انسان مسئول است. من این راه را انتخاب کردم که منتظر من نباشید. چون نرفتم که زنده برگردم. رفتم مبارزه با کفر کنم و بکشم و اگر نتوانستم بکشم، کشته شوم.

---

۱- نساء/ ۹۵.

۲- در اصل وصیت «جهانی».

۳- در اصل وصیت «اسلام».

وصیت می‌کنم که هرگز برای من اشک نریزید. فقط به مادرم بگویید که تو در نزد زینب سربلند خواهی بود، چون که تو هم شهید داده‌ای. مادر هر موقع که به یاد فرزند خود می‌افتی به یاد فرزندانی باش که بدن پاره پاره آنان را هم مادرانشان ندیدند که توسط مزدوران چپ و راست[۱] در زیر رگبار گلوله‌های دژخیمان شرقی و غربی و داخلی امثال فدائی خلق[۲] و منافقین[۳] و دمکرات[۴] و کومله[۵] که آنها از ستون پنجم[۶] در ایران هستند، به دست آنها کشته شده‌اند و هیچ رحمی به آنان نکردند و حتی در کردستان عده‌ای از برادران ما را با بی‌شرمی سر بریدند و عده‌ای را زنده زنده زیر خاک کردند و عده‌ای دیگر را گرفتند و به حزب بعث[۷] عراق تحویل داده و پول و اسلحه می‌گرفتند.

و مادر تو هم مانند آن مادرانی باش که همچنان به سر آنان آوردند و تو هم همان هستی که فرزندت را کشتند و همچنان استوار مانند کوهی که به افق سر کشیده، سربلند باش، که مبادا منافقین از شهادت فرزند تو سوء استفاده‌ای کنند، که پیش فاطمهٔ زهرا(علیهاالسلام) شرمنده شوی.

و تو ای پدر، همچنان شیری درنده در میان بیشه‌زار باش که همچنان می‌غرد و نعره سر می‌دهد. که خدای ناکرده دشمن خوشحال شود و بیاید پیش شما و شما را اغفال نماید، که آی چرا نشستی پسرت را کشتند؟ چرا ساکت نشستی؟ بلند شو یک کاری بکن. مبادا چنین روزی پیش آید. مبادا بیاید و بگوید پسر تو را بزور بردند و کشتندش[۸]. پدر عزیزم ناراحت نباش، چون که [باید] همه باید روزی از این دنیای پر جوش و خروش برویم. پس چه خوب است مرگی که باعث عزت و سربلندی انسان شود و تو ای پدر

---

۱- ر.ک. تعلیقات.
۲- ر.ک. تعلیقات.
۳- ر.ک. تعلیقات.
٤- ر.ک. تعلیقات.
٥- ر.ک. تعلیقات.
٦- ر.ک. تعلیقات.
۷- ر.ک. تعلیقات.
۸- در اصل وصیت «کشتنش».

شکر و سپاس کن آن خدایی را که آفرید همه ما را و راه و روشی بر آنها قرار داد که من به آن راه راه الله، راه اسلام، راه شهادت رسیدم و شکر کن آن خدایی را که به فرزند تو شهادت را عطا کرد و امیدوارم که ما را در ردیف شهیدان خود قرار بدهد.[۱]

و به برادران دینی خود توصیه می‌کنم که شماها وارث این اسلحهٔ از دست افتادهٔ من هستید که در راه اسلام، در راه کفر، که با کفار جنگیدم هستید و شماها هستید که جای خالی شده مرا پر می‌کنید و تنها امید من شما برادران و خواهران من هستید که جای خالی مرا پر خواهید کرد. وصیت می‌کنم که هرگز تا آخرین قطره خون خود، هرگز با دشمنان اسلام سر سازش نگیرید و همیشه گوش به فرمان امام خمینی رهبر انقلاب باشید.

و من از برادران خود می‌خواهم که پدر و مادر مرا یاری دهند و به صبر و بردباری یاری نمایند و به آنان بگویید که اگر او نرود چه کسی برود؟ یک منافق می‌رود، نه، هرگز. و به آنان بگویید که تنها آرزوی او شهادت بود. شهادت در راه خدا .کسی خیال نکند[۲] که مرا به زور به جنگ فرستادند. من با میل و ایمانی که به خدا داشتم رفتم، تا به دشمنان اسلام بفهمانم که اسلام سازش‌پذیر نیست و به همان خدایی که تمامی ما را آفرید قسم، که تا آخرین قطره خون خود سنگر را رها نکرده و تا سرنگونی دشمن از سنگر بیرون نیایم و (بکشم سران کفر را)[۳].

خدایا از تو یاری می‌طلبم که شهادت در راه اسلام را، به من عطا کنی و اگر شهادت را عطا نمی‌کنی لااقل پاسداری از این انقلاب عظیم اسلامی [را] عطا فرما.

چنانچه استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید:

«شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع، این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگ‌های آن اجتماع، خاصه اجتماعی که دچار کم خونی هستند، خون جدید وارد کنند».[٤]

---

۱- در اصل وصیت «می‌دهد».

۲- در اصل وصیت «نکنند».

۳- بخشی آیه ۱۲ سورهٔ توبه است «فقاتلوا ائمة الکفر...».

٤- این عبارت از استاد شهید مرتضی مطهری است. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ به ضمیمهٔ شهید ص۱۰٤، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب به‌خصوص در وصایای شهدا بدان استناد شده است.

ما باید آن رسالتی که بر عهده ما هست، آنچنان به پایان برسانیم [به] آنچنان که مردم سلحشور ایران انتظار از یک پاسدار را دارند، به پایان برسانیم.

**این وصیت در ساعت ٦/٤٠ دقیقه مورخه ۱۳۵۹/۷/۲۲**

**با تقدیم احترام**

**پاسدار انقلاب اسلامی سپاه شاهرود**

**محمدحسین احمدی**

اگر می‌توانی بمیران (جهاد)  اگر نمی‌توانی بمیر (شهادت)

بسم الله الرحمن الرحیم

لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر والمجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجة و کلا وعد الله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما (۹۵ نساء)

برابر نیستند نشستگان از گردندگان غیر صاحبان رنج و جهاد کنندگان در راه خدا به مالهای خود و جانهای زیادتی داد خدا جهاد کنندگان را بمالهایشان و خودهاشان بر نشینندگان مرتبه.

وصیت نامه شهید محمدحسین احمدی

درود بر محمد و خاندانش و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی مدظله العالی

پس از ۲۱ سال زندگی بیارم حق به هدف خود رسیدم و هیچ چیز در زندگی جز شهادت آرزوی من نیست و هیچ چیز نمی تواند گلوی تشنه مرا سیراب کند جز شهادت و اکنون می خواهم که منجی الله را طلبی کنم و اسلام و میهن خود دفاع کنم تا سرحد شهادت و جان ناقابل خود را نزد خداوند هدیه کنم چون عمر من که ارزش خداوندی ندارد پس در راه خداوند لایزال تا آخرین قطره خون که در رگ دارم با دشمنان اسلام می جنگم و با خون خود امیدوارم که درخت اسلام شاداب شود و آنگاه از جوانهای که از درخت اسلام میزند برای ملتهای مستضعف جهانی ثمره دهد شهادت را برگزیدم و فقط مسئولیت شیعه بودن که به دوش سنگینی میکرد و در تشیع که همان اسلام است اسلام جانشین خدا یعنی انسان مسئول است من اینراه را انتخاب کردم که منتظر من نباشید چون نرفتم که زنده برگردم رفتم مبارزه با کفر بکنم و اگر نتوانستم بکنم کشته شوم وصیت میکنم که هرگز برای من اشک نریزید فقط به مادرم بگوئید که تا در نزد زینب سربلند خواهی بود چون که تو هم شهید داده ای مادر هر موقع که به یاد فرزند خود می افتی بیاد فرزندانی باش که بدن پاره پاره آنان هم مادرانشان ندیدند که توسط مزدوران جیره خوار در زیر رگبار گلوله های دژخیمان شرقی و غربی و داخلی امثال فدائی خلق و منافقین و دمکرات و کومله که آنها از ستون پنجم در ایران هستند به دست آنها کشته شده اند و هیچ رحمی به آنان نکردند و حتی در کردستان عده ای از برادران ما را با پیشرمی سربریدند و عده ای را زنده زنده زیر خاک کردند و عده ای دیگر را گرفتند و به حزب بعث عراق تحویل داده و پول و اسلحه میگرفتند و مادر تو هم مانند آن مادرانی باش که همچنان به سر آنان آوردند و تو هم همانطور هستی که فرزندت را کشتند و همچنان استوار مانند کوهی که به افق سر کشیده سربلند باش که مبادا منافقین از شهادت فرزند تو سوء استفاده ای کنند که پیش فاطمه زهرا شرمنده شوی و تو ای پدر همچنان شهری درنده در میان بیشه زار باش که همچنان

می فرد و نعره سر میدهد که خدای ناکرده دشمن هوشیار شود و بیاید پیش شما و شما را اعدام نما
که آی چرا نشستی پسرت را کشتند چرا ساکت نشستی پلشت شو یک کاری بکن مباد چنین روزی پیش آید مباد
بیاید و بگوید پسرتو را بزور بردند و کشتند پسر عزیزم ناراحت نباش چون که باید همه باید روزی از این
دنیای پر جوش و خروش برویم پس چه خوب است مرگی که باعث عزت و سربلندی انسان شود و تو ای پدر شکر گزار
کن آن خدائی را که افرید همه ما را و راه و روشی برآنها قرار داد که من به آن راه راه الله راه اسلا
راه شهادت رسیدم و شکر کن آن خدائی را که به فرزند تو شهادت را عطا کرد و امیدوارم که ما را
در ردیف شهیدان خود قرار میدهد و به برادران دینی خود توصیه می کنم که شما ها وارث این اسلحه از دست
افتاده من هستید که در راه اسلام ، در راه کفر که با کفار جنگیدم هستید و شما ها هستید که جای خالی
شده مرا پر کنید و تنها امید من شما برادران و خواهران من هستید که جای مرا پر خواهید
وصیت میکنم که هرگز تا آخرین قطره خون خود هرگز باد شمنان اسلام سر سازش نیارید و همیشه گوش به فرمان امام خ
همیشه رهبر انقلاب باشید و من از برادران خود می خواهم که پدر و مادر مرا یاری دهند و به صبر
بردباری یاری نمایند و به آنان بگویید که اگر او نرود چه کسی برود یک منافق میرود نه هرز و به آنان بگویید که
ها آرزوی او شهادت بود شهادت در راه خدا کسی بدان نکند که مرا به زور به جنگ فرستادند من با ع
ل و ایمانی که به اسلام دارم تا به دشمنان اسلام بهمانم که اسلام سازش پذیر نیست و به همان خدائی
که تمامی ما را آفرید قسم که تا آخرین قطره خون خود سنگر را رها نکرده و تا سرنگونی دشمن از سنگر
ون نیایم و (پشتیبان گفتار را) .

خدایا از تو یاری می طلبم که شهادت در راه اسلام را به من عطا کنی و اگر شهادت را عطا نمی کنی لااقل
داری از این انقلاب عظیم اسلامی عطا فرما .

تا نتیجه استاد شهید مرتضی مطهری میفرماید :

سادت تزریق خون است به پیکر اجتماع ، این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگهای آن به منزله اجسام
د ما کم خونی هستند خون جدید وارد می کنند .

ما باید اگر میالس که بر عهده ما هست آن را نیز به پایان برسانیم به آن نان که مردم سلحشور ایران انتظار
ما را دارند به پایان برد ما شیم

این وصیت در ساعت ۱۰/۴۰ دقیقه مورخه ۱۲/ ۷/ ۵۹
با تقدیم احترام

اگر میتوانی بمیران (جهاد) فرمانده انقلاب اسلامی سپاه شاهرود

محمد حسین احمدی

اگر نمی توانی بمیر (شهادت)

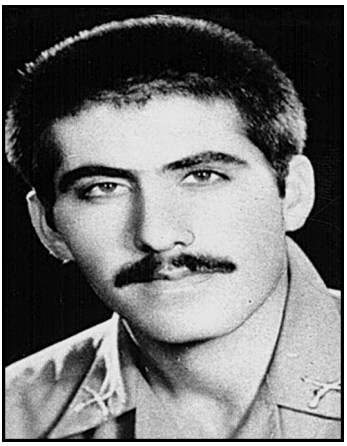

نام: **نورالله**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **عباسعلی**
نام مادر: **منیرخانم**
تاریخ تولد: **دهم تیر ۱۳۳۸**
محل تولد: **شهر ایوانکی از توابع شهرستان گرمسار**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **سی‌ام تیر ۱۳۶۱**
محل شهادت: **همدان**
نحوهٔ شهادت: **سانحه رانندگی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- با درود فراوان به رهبر سازش‌ناپذیر انقلاب اسلامی، امام خمینی و شهیدان ایران.
- این راهی است که خودم انتخاب کردم و دنبالش می‌روم تا پیروزی.
- پدر و مادر مهربانم، سرنوشت انسان دست خدا می‌باشد. در جبهه مسئله شهری و روستایی مطرح نمی‌باشد.
- این قول را به همهٔ خانواده‌ها و تمام ملت ایران می‌دهم که به کمک خدا و یاری امام زمان و به رهبری بت‌شکن زمان امام خمینی به زودی زود، پیروز خواهیم شد.
- دعا کنید برای رزمندگان در تمام جبهه‌ها و بیمارستان‌ها و پشت جبهه‌ها.

**نورالله احمدی***

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

«ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد». (امام خمینی)[۱]

با درود فراوان به رهبر سازش‌ناپذیر انقلاب اسلامی، امام خمینی و شهیدان ایران. امیدوارم که زیاد به فکر من نباشید، این راهی است که خودم انتخاب کردم و دنبالش می‌روم تا پیروزی. بله پدر و مادر مهربانم، سرنوشت انسان، دست خدا می‌باشد.

در جبهه مسئله شهری و روستایی مطرح نمی‌باشد. آنقدر برادران برای رفتن به جبهه عجله دارند و خوشحال هستند که وقتی می‌خواهند به جبهه بروند، شعارهای انقلابی با هم تکرار می‌کنند. این قول را به همهٔ خانواده‌ها و تمام ملت ایران می‌دهم که به کمک خدا و یاری امام زمان و به رهبری بت‌شکن زمان امام خمینی به زودی زود، پیروز خواهیم شد که برای همهٔ افرادی که در جبهه هستند کاملاً واضح و آشکار است، دعا کنید برای رزمندگان در تمام جبهه‌ها و بیمارستان‌ها و پشت جبهه‌ها. برادرم امروز روز عاشورا و سرزمین کربلاست. هر لحظه که می‌گذرد و پیشرفت ما زیاد می‌شود و شور و هیجان ملت ایران زیادتر پیام‌های رهبر انقلاب را با دل و جان گوش می‌دهیم و آنقدر خوشحال می‌شویم موقعی که امام خمینی صحبت می‌کند، روحیه تازه‌ای به تمام برادران می‌دهد. درود بر تمامی شهدای راه حق و آزادی- نابود باد جبهه دشمنان داخلی و خارجی.

از زندگی حقیقت و ایمانم آرزو است — یاران و دوستان مسلمانم آرزو است
طی کرده‌ام پست و بلندی زندگی — زین راه پر مخاطره پایانم آرزوست[۲]

---

* در بالای وصیت چنین آمده است: گلواژه‌های عشق، شهید نورالله احمدی، تاریخ تولد: ۱۳۴۲، تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۵/۱۰، محل شهادت: جاده خندق.

۱- صحیفه امام خمینی، دوره ۲۲ جلدی.

۲- دو بیتی که به قلم شهید نقل شده است از اشعاری است که افراد با ذوق برای تقویت روحیه رزمندگان می‌ساختند و تحت تأثیر غزل معروف مولانا است که مطلع آن چنین است:

**بنمای رخ که باغ گلستانم آرزوست — بگشای لب که قند فراوانم آرزوست**
**(کلیات شمس)**

# وصیت نامه شهید نورالله احمدی

بسم الله الرحمن الرحیم

ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد .
( امام خمینی )

با درود فراوان به رهبر سازش‌ناپذیر انقلاب اسلامی امام‌خمینی و شهیدان ایران
امیدوارم که زیاد بفکر من نباشید این راهی است
که خودم انتخاب کردم و دنبالش میروم تا پیروزی
بلله پدر و مادر مهربانم سرنوشت انسان دست خدا
میباشد در جبهه مسئلهٔ شهری و روستائی مطرح نمیباشد
آنقدر برادران برای رفتن به جبهه عجله دارند و خوشحال هستند
که وقتی میخواهند بجبهه بروند شعارهای انقلابی
با هم تکرار میکنند این قول را به همهٔ خانواده ها و تمام
ملت ایران میدهم که به کمک خدا و یاری امام زمان و برهبری
بت شکن زمان امام خمینی بزودی زود پیروز خواهیم شد که برای همهٔ
افراد یکه در جبهه هستند کاملا واضح و آشکار است . دعا کنید برای رزمندگان
در تمام جبهه‌ها و بیمارستانها و پشت جبهه‌ها . برادرم امروز روز عاشورا و سرزمین
کربلاست هر لحظه که میگذرد پیشرفت ما زیاد میشود و شور
و هیجان ملت ایران زیادتر پیامهای رهبر انقلاب را با دل و جان گوش
میدهیم و آنقدر خوشحال میشویم موقعی که امام خمینی صحبت میکند روحیه
تازه‌ای به تمام برادران میدهد .

درود بر تمام شهدای راه حق و آزادی . . . نابود باد جبهه دشمنان داخلی و خارجی
از زندگی حقیقت و ایمانم آرزوست×××××××××× یاران و دوستان مسلمانم آرزو است
طی کرده‌ام پست و بلندی زندگی×××××××××× زین راه پر مخاطره پایانم آرزو است

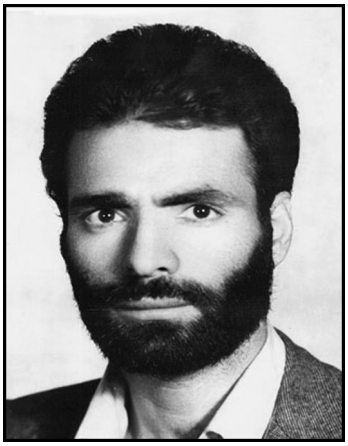

نام: **یدالله**
نام خانوادگی: **احمدی**
نام پدر: **احمد**
نام مادر: **تابنده**
تاریخ تولد: **پنجم اردیبهشت ۱۳٤۲**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم آبان ۱۳٦۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای روستای سرکویر از توابع شهرستان سمنان**

## عبارت‌های کلیدی

- درود و سلام بر شهیدان راه حق و حقیقت، از صدر اسلام تاکنون.
- اینک که افتخار پیدا کردم [که] پای در چکمه نمایم و لباس مقدس را که صدها شهید در آنها به شهادت رسیده‌اند به تن کنم و همچنین افتخار سربازی امام زمان(عج) نصیبم شده و به جبهه حق علیه باطل آمده‌ام، تا آنجا که از دستم برمی‌آید، در این راه مقدس جهاد می‌کنم.
- پدر و مادرم از شما تشکر می‌کنم که راه اسلام را به من نشان دادید و باعث سعادت من در دنیا و آخرتم شدید.
- من نتوانستم حق زحمات شما (پدر و مادر) را ادا کنم.
- مادرم، مادر خوبم شیر پاک تو را خوردم و شبها برای پرستاری از من ساعت‌ها بیدار [بودی] و زحمت کشیدی، مرا حلال کن.

## یدالله احمدی

### بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامه بنده خدا یدالله احمدی به امت شهیدپرور و خانواده‌ام.

«**فلیقاتل فی سبیل‌الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخرة و من یقاتل فی سبیل‌الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیما**»[1] ترجمه: مؤمنان باید در راه خدا با آنان‌که حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را «در بهشت ابدی» اجر عظیم دهیم.

سلام بر انبیاء عظام[2] به‌خصوص حضرت محمدابن عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)که راه سعادت و خوشبختی را به انسان‌ها آموخت و از راه سقوط و نیستی به راه هستی و سعادت راهنمایی کرد و درود بر اولیاء خدا و امامان معصوم و سلام بر منجی بشریت و نایب برحقش امام امت خمینی بت‌شکن که در این برهه از زمان که ارزش و معیارهای اسلامی انسانی رو به تباهی نیستی بود، با ندا[ی] وا اسلاما، روح و جان تازه‌ای به کالبد مرده [بی] رمق ملت دمید و با تداوم خط امامت و ولایت، مسیر صراط المستقیم را به ما نشان داد. درود و سلام بر شهیدان راه حق و حقیقت از صدر اسلام تاکنون و با سلام خدمت پدر و مادر عزیز و مهربانم.

پدر و مادر عزیز، اینک که افتخار پیدا کردم [که] پای در چکمه نمایم و لباس مقدس را که صدها شهید در آنها به شهادت رسیده‌اند به تن کنم و هم‌چنین افتخار سربازی امام زمان(عج) نصیبم شده و به جبهه حق علیه باطل آمده‌ام، تا آنجا که از دستم برمی‌آید، در این راه مقدس جهاد می‌کنم. پدر و مادرم از شما تشکر می‌کنم که راه اسلام را به من نشان دادید و باعث سعادت من در دنیا و آخرتم شدید. من هنگامی که این وصیت‌نامه را نوشتم همه‌اش در فکر زحماتی که برای من کشیدید بودم. من نتوانستم حق زحمات شما را ادا

---

۱- نساء/ ۷٤.

۲- در اصل وصیت «اعظام».

کنم. امیدوارم که خداوند قادر متعال شما را اجر و پاداش عظیم بدهد[۱] و از اینکه نتوانستم حق شما را ادا کنم مرا ببخشید. مادرم، مادر خوبم شیر پاک تو را خوردم و شب‌ها برای پرستاری از من ساعت‌ها بیدار [بودی] و زحمت کشیدی، مرا حلال کن. من به این راهی که می‌روم[۲] اگر شهادت نصیبم شد[۳] که حتمی و دیگر برگشتن محال است.[٤] پدر و مادرم مبادا وقتی که خبر شهادتم به شما می‌رسد خدای ناکرده کاری انجام دهید که دشمنان اسلام خوشحال شوند نمی‌گویم[٥] گریه نکنید، چون شهادت فرزند برای پدر و مادر بسیار مشکل است. اما باید این را بدانید که پسر تو از عباس[٦] علی(علیه‌السلام) و علی‌اکبر(علیه‌السلام)[۷] حسین(علیه‌السلام) عزیزتر نیست و بلکه خاک پای او هم نمی‌شود. باید طوری گریه کنی که قطره اشکت ترکشی باشد بر قلب دشمنان اسلام و باید فریاد برآوری که آمریکای جنایت‌کار و عُمالش[۸] باید بدانند که ایران ما مادرانی چون ما دارد. برای او و عُمالش در این مملکت جای نیست. پدر جان همیشه در حال نماز امام امت را دعا کن. زیرا با دعای شماها امام و همچنین رزمندگان قوت قلبی دیگر می‌گیرند و اما شما برادرانم عبدالله و حسین و نصرت‌الله.

عبدالله شما همان‌طوری که در لباس مقدس پاسداری هستی بمان و هر چه کوشا و پر تلاش‌تر به پاسداری از حریم اسلام و انقلاب اسلامی ادامه دهید و اما تو برادرم نصرت‌الله، امیدوارم که درسهایت را بخوانی زیرا مدرسه نوعی جبهه است و میز و نیمکت مدرسه سنگر توست، دفتر وخودکار تو، سلاح تو و خون شهیدان جوهر مشق توست. از آن

---

۱- در اصل وصیت «بدهد».
۲- در اصل وصیت «می‌رم».
۳- در اصل وصیت «شدم».
٤- در اصل وصیت «دیگر برگشتن محال است» تکرار شده است.
٥- در اصل وصیت «نمی‌گویند».
٦- ر.ک. تعلیقات.
۷- ر.ک. تعلیقات.
۸- در اصل وصیت «اعمالش».

پاسداری کن. نگذار که منافقین[۱] در میان شما رخنه کنند. در کار کشاورزی پدر را کمک کن، زیرا اگر پشت جبهه خدمت کنی اجر شهید را می‌بری. برادرانم الان در حالی این وصیت‌نامه را می‌نویسم که چند روز دیگر به یاری خدا، عملیات شروع می‌شود. برادرانم بعد از من سنگر مرا خالی مگذارید، زیرا اسلام عزیز خون می‌خواهد و با رسیدن خبر شهادتم باید سلاحم در دست و سنگر را پر کنید. اما شما خواهران من، شماها باید زینب‌گونه پیام‌رسان خون شهیدان باشید و با رساندن پیام خون شهیدان بساط یزیدان زمان را بر هم بزنید واما شما همسرم، شما باید با تربیت صحیح فرزندانم فاطمه و صدیقه همانطوری که با اسم به‌نام حضرت فاطمه(علیهاالسلام) هستند باید در عمل این چنین باشند و با این کار دین خودت را به اسلام ادا کرده باشی و اما سخنم با شما امت حزب‌الله است. سعی کنید همیشه در صحنه باشید. با منافقین داخلی و کفار خارجی بجنگید و همیشه پیرو خط ولایت فقیه باشید. امام را دعا کنید و او را هرگز هرگز تنها مگذارید و ثابت کنید همان‌گونه که تا به‌حال ثابت کرده‌اید که مردم کوفه نیستید و نشان دهید که هر لحظه به ندای امامتان لبیک می‌گویید و حال شما هم روستاییان عزیزم، امیدوارم که بنده حقیر اولین شهید از روستایم[۲] باشم. زنده بودن اینجانب که خدمت به اسلام نکرد بلکه شهادت و مرگم باعث خدمت به اسلام واتحاد بین شما عزیزان باشد. عزیزان تقاضا دارم هر چه بیشتر به ندای امام عزیزمان و به ندای قرآن کریم هرچه بیشتر، وحدت را حفظ و از تفرقه بپرهیزید که تفرقه سبب شکست شما و خواست دشمنان اسلام است. همیشه سعی کنید تفرقه‌اندازان را از بین خودتان بیرون کنید و در پایان دعای همیشگی را سر می‌دهید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار و من‌الله التوفیق. بندهٔ خدا یدالله احمدی. در مورد بدهکاری‌ها به‌طوری جداگانه وصیت‌نامه‌ای نوشتم که در نزد مادرم است. فقط پدرم مبلغ ٦٥٠٠ تومان (شش هزار و پانصد تومان) به حساب ۲۲۲ دولت جهت جبهه بریزید.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- روستای سر کویر از توابع شهرستان سمنان است.

**به تاریخ ۶۲/۶/۲۲**
**ومن‌الله التوفیق**
**بندهٔ خدا، یدالله احمدی**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

«**یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین بالقسط شهداءلله ولو علی انفسکم او الوالدین و الاقربین**»[۱]
«ای اهل ایمان نگه دار عدالت باشید و برای خدا یعنی موافق حکم خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد».

با درود و سلام بر انبیاء و رسولان خدا به‌خصوص بر خاتم‌الانبیاء حضرت محمدبن‌عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سلام بر اولیاء و امامان معصوم و سلام و درود بر منجی بشریت حضرت مهدی(عج) و نایب برحقش امام امت خمینی کبیر و سلام بر شهیدان راه حق و حقیقت از صدر اسلام تاکنون و سلام بر شما برادران و خواهران، اعضاء و هواداران و کلیه طرفداران انجمن اسلامی روستای خیان.

لازم دانستم در آخرین فرصت نکاتی و مطالبی را به شما عزیزان متذکر شوم، چون قبلاً وصیت‌نامه‌ای نوشتم ولی چون گنجایش این مطلب را نداشت، لازم دانستم که به‌طور جداگانه نکاتی را به شما عرض کنم.

۱- برادران و خواهران همان‌طور که همگی اطلاع دارید انجمن اسلامی دارای اهداف و خط مشی می‌باشد و به‌طور مسلم هر تشکیلاتی هدفی را دنبال می‌نماید و انجمن اسلامی هم یک رسالتی دارد و شما به‌عنوان اعضای انجمن اسلامی، تنها رسالت‌تان این است که انجمن اسلامی را نگه دارید واسلام و قرآن و انقلاب هرطوری شده بشود، خیر. انجمن اسلامی ابزاری برای حفظ انقلاب است و این است که برای انجمن اسلامی معتبر و محترم است. شما برادران و خواهران انجمن اسلامی هر کجا هستید باید شعارهای انقلابی را با قدرت و قوت هرچه تمام‌تر تعقیب نمایید. شما باید در مقدس‌ترین سنگرهای انقلاب

---

۱- بخشی از آیه ۱۳۵ سورهٔ نساء.

همیشه حاضر باشید در جبهه جنگ، پشت جبهه، تبلیغ، حمایت دوستان و فشار بر دشمنان انقلاب اسلامی در همه‌جا باید آماده باشید. انجمن اسلامی برای کار است، برای فخر نیست. مبادا خود را از همه بالاتر بدانیم به این سبب که به انجمن اسلامی انتساب داریم. زیرا امروز انجمن اسلامی مورد لطف و عنایت حضرت امام و تائید دولت‌مردان جمهوری اسلامی است. انجمن اسلامی با اخلاص برادران مخلص پدید آمد و با اخلاص هم باید ادامه یابد. انجمن اسلامی برای زحمت کشیدن و تحمل بارهای سنگین بر روی دوش به‌وجود آمده و به قول شهید مظلوم بهشتی بزرگوار «ما شیفتگان خدمتیم نه تشنگان قدرت». برادران و خواهران عضو انجمن اسلامی باید انجمن اسلامی را وسیله‌ای برای تکامل و رشد پیدا کردن خود از لحاظ عقیدتی و دینی و اخلاق و بینش سیاسی و همچنین رشد و تکامل دادن به دیگران بدانند. باید بدانند که در حفظ این تشکیلات همه مسئولیت دارند. برای حفظ هر تشکیلات، تشکیلاتی عمل کردن لازم است. فلذا برادران و خواهران باید نظم و تشکیلات را در کارهای خود مراعات نمایند. چونکه نظم و تقوا در امر زندگی از مهم‌ترین مسائل است. به فرمودهٔ امام علی(علیه‌السلام) در آخرین لحظات حیات خود به فرزندانش سفارش تقوا و نظم در کارها را می‌نمایند و می‌فرمایند «**اوصیکما بتقوی**[1] **و نظم امرکم**» شما را سفارش می‌کنم به بیشتر کردن تقوا[ی] خدا و نظم در کارها.

۲- نیروهای فعال و متدین را هرچه بیشتر جذب کنید و از بیهوده تلف شدن وقت آنها جلوگیری کنید و آنها را به سمت رشد و تکامل سوق دهید. یعنی دارای دو صفات ممتاز جاذبه و دافعه باشید و نیروهای کارشکن را از بین خود طرد کنید. در پایان این نکته را به برادران و خواهران بگویم که تمام خواسته‌ها و آرزوهای اینجانب در قالب این انجمن اسلامی است، و خدا نکرده با شکست انجمن اسلامی همه آمال و آرزوهای اینجانب و دیگر همفکرانم بر باد رفته و امیدوارم که اینجانب اولین شهید روستا باشم. زنده بودنم که به اسلام خدمت نکرد بلکه مرگم باعث خدمت و وحدت بین مردم و اهالی روستا باشد. و اینجانب مقداری پول از انجمن اسلامی طلبکار هستم که آن مقدار مال انجمن اسلامی باشد

---

۱- نامه ش ۴۷ نهج‌البلاغه. ترجمه سیدجعفر شهیدی، ص ۳۲۱

و کتاب‌های اینجانب آنچه که انجمن اسلامی لازم دارد در کتابخانه انجمن اسلامی گذاشته شود. حق عضویت اینجانب هر چند که پرداخت نکرده‌ام، بعد از شهادتم از پدرم گرفته شود و از خواهران تقاضا دارم که مسئله حجاب اسلامی را رعایت کامل نمایند و در مورد برگزاری مراسم تشییع جنازه و مابقی مراسم، با صلاح برادران انجمن اسلامی برگزار شود و در ضمن اگر جنازه‌ام به دست شما نرسید، هیچ مسئله‌ای نیست. در پایان همگی شما عزیزان را به خدا می‌سپارم و نصرت و سربلندی اسلام و مسلمین را از خداوند خواستارم.

**«والسلام علی عبادالله الصالحین»**

**بنده خدا یدالله احمدی**

**به تاریخ ۶۳/۷/۱۰**

[redacted] بسم الله الرحمن الرحیم

وصیتنامه بنده خدا ابوالاحمدی برادر شهید پرور خانواده ام

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

«ترجمه: مومنان باید در راه خدا با آنانکه حیوة مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند جهاد کنند و هر کس در راه جهاد براه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را «در بهشت ابدی» اجر عظیم دهیم» قرآن کریم سوره نساء آیه ۷۴

سلام بر انبیاء اعظام بخصوص حضرت محمد ابن عبدالله (ص) که راه سعادت و خوشبختی را به انسانها آموخت و از راه سقوط و نیستی به راه هستی و سعادت راهنمائی کرد و درود بر اولیاء خدا و امامان معصوم و سلام بر منجی بشریت و نائب بر حقش امام امت خمینی بت شکن که در این برهه از زمان که ارزشها و معیارهای اسلامی انسانی رو به تباهی نیستی بود با ندای اسلامی روح و جان تازه‌ای به کالبد مرده و رمق ملت دمید و با تداوم خط امامت و ولایت مسیر صراط المستقیم را به ما نشان داد.

درود سلام بر شهیدان راه حق و حقیقت از صدر اسلام تاکنون

و با سلام خدمت پدر و مادر عزیزم و مهربانم پدر و مادر عزیز اینک که افتخار پیدا کردم که پای در چکمه نهم و لباس مقدسی که صدها شهید در آن به شهادت رسیده‌اند بتن کنم و همچنین افتخار سربازی امام زمان (عج) نصیبم شده و بر جبهه حق علیه باطل آمده‌ام تا آنچه که از دستم برمی‌آید در این راه مقدس جهاد می‌کنم پدر و مادرم از شما تشکر می‌کنم که راه اسلام را به من نشان دادید و باعث سعادت من در دنیا و آخرتم شدید. من هنگامی که این وصیت نامه را نوشتم هر آنچه در مکتوم زحماتی که برای من کشیده بودید من نتوانستم حق زحمات شما را ادا کنم امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی شما را اجر و پاداش عظیم بدهد و از اینکه نتوانستم حق شما را ادا کنم مرا ببخشید. مادرم ای مادر خوبم شیر پاک تو را خوردم و شبها برای پرستاری از من ساعتها بیدار و زحمت کشیدی مرا حلال کن من برای این راهی که میروم اگر شهادت نصیبم شدم که حتمی و دیگر برگشتن محال است دیگر برگشتن محال است.

پدر و مادرم جهاد و وقتی که خبر شهادتم به شما رسید خدا ناکرده کاری انجام ندهید که دشمنان اسلام خوشحال شوند نمی‌گویم گریه نکنید چون شهادت فرزند برای پدر و مادر بسیار مشکل است اما باید این را بدانید که پسر تو از عباس علی و علی اکبر حسین عزیزتر نیست و الگوی یاران او هم نمی‌شود و باید طوری گریه کنی که قطره اشکت ترکشی باشد بر قلب دشمنان اسلام و باید فریاد برآوری که امریکای جنایتکار و اعمالش باید بدانند که ایران ما مادرانی چون ما دارد برای او و اعمالش در این مملکت جایی نیست. پدر جان همیشه در حال نماز امام امت را دعا کن زیرا با دعای شماها امام و همچنین رزمندگان قوت قلبی دیگری میگیرند و اما شما برادرانم عبدالله و حسین و نصرت الله

عبدالله شما همانطوری که در لباس مقدس پاسداری هستی بمان و هرچه کوشش و پرتلاش تر بر پاسداری از حریم اسلام و انقلاب اسلامی ادامه دهید

و اما تو برادرم نصرت الله امیدوارم که درس‌هایت را بخوانی زیرا مدرسه نوعی جبهه است و میز و نیمکت مدرسه سنگر تو است دفتر و خودکار تو سلاح تو و خون شهیدان جوهر مشق تو است از آن پاسداری کن نگذار که منافقین در میان شما رخنه کنند در کار رنگش و ورزش پیدا الگو کن زیرا اگر نیست جبهه خدمت کنی اجر شهیدان را می‌بری برادرانم الان در حالی این وصیت نامه را می‌نویسم که چند روز دیگر به یاری خدا عملیات شروع میشود برادرانم بعد از من سنگر مرا خالی مگذارید زیرا اسلام عزیز خون می‌خواهد و با رسیدن خبر شهادتم باید سلاحم را در دست و سنگرم را پر کنید. اما شما خواهران من شماها باید زینب گونه پیام رسان خون شهیدان باشید و بارساندن پیام خون شهیدان بساط ابرقدرتان زمان را بر هم زنید و اما شما همسرم شما باید با تربیت صحیح فرزندانم فاطمه و صدیقه همانطوری که اسم اینها بر نام حضرت فاطمه (س) هستند باید به عمل این چنین باشند و این کار دین خودت را به اسلام ادا کرده باشی.

و اما سخنم با شما امت حزب الله است سعی کنید همیشه در صحنه باشید با منافقین داخلی و کفار خارجی بجنگید و همیشه پیرو خط ولایت فقیه باشید امام را دعا کنید و او را هرگز هرگز تنها مگذارید و ثابت کنید همانگونه که تا حال ثابت کرده‌اید که مردم کوفه نیستید و نشان دهید که در لحظه به ندای امامتان لبیک می‌گوئید

و در حال شما هم روستائیان عزیزم امیدوارم که بنده حقیر اولین شهید از روستایم باشم زنده بودن اینجانب را خدمت به اسلام نکرد بلکه شهادتم مرگم باعث خدمت بر اسلام و البته در بین شما عزیزان باشد عزیزان تقاضا دارم هرچه بیشتر به ندای امام عزیز زمان و به ندای قرآن کریم هرچه بیشتر وحدت را حفظ و از تفرقه بپرهیزید که تفرقه سبب شکست شما و خواست دشمنان اسلام است همیشه سعی کنید تفرقه اندازان را از بین خودتان بیرون کنید و در پایان دعای همیشگی را سر میدهیم خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار و من الله التوفیق بنده خدا ابوالاحمدی

[redacted]

و من الله التوفیق بنده خدا ابوالاحمدی

در مورد بدهکاری‌ها بطوری جداگانه وصیت نامه‌ای نوشتم که در نزد مادرم است

نقط پدرم مبلغ ۶۵۰۰ تومان شش هزار و پانصد تومان به حساب ۲۲۲ دولت جهت جبهه بریزید

به تاریخ ۶۲/۶/۲۲

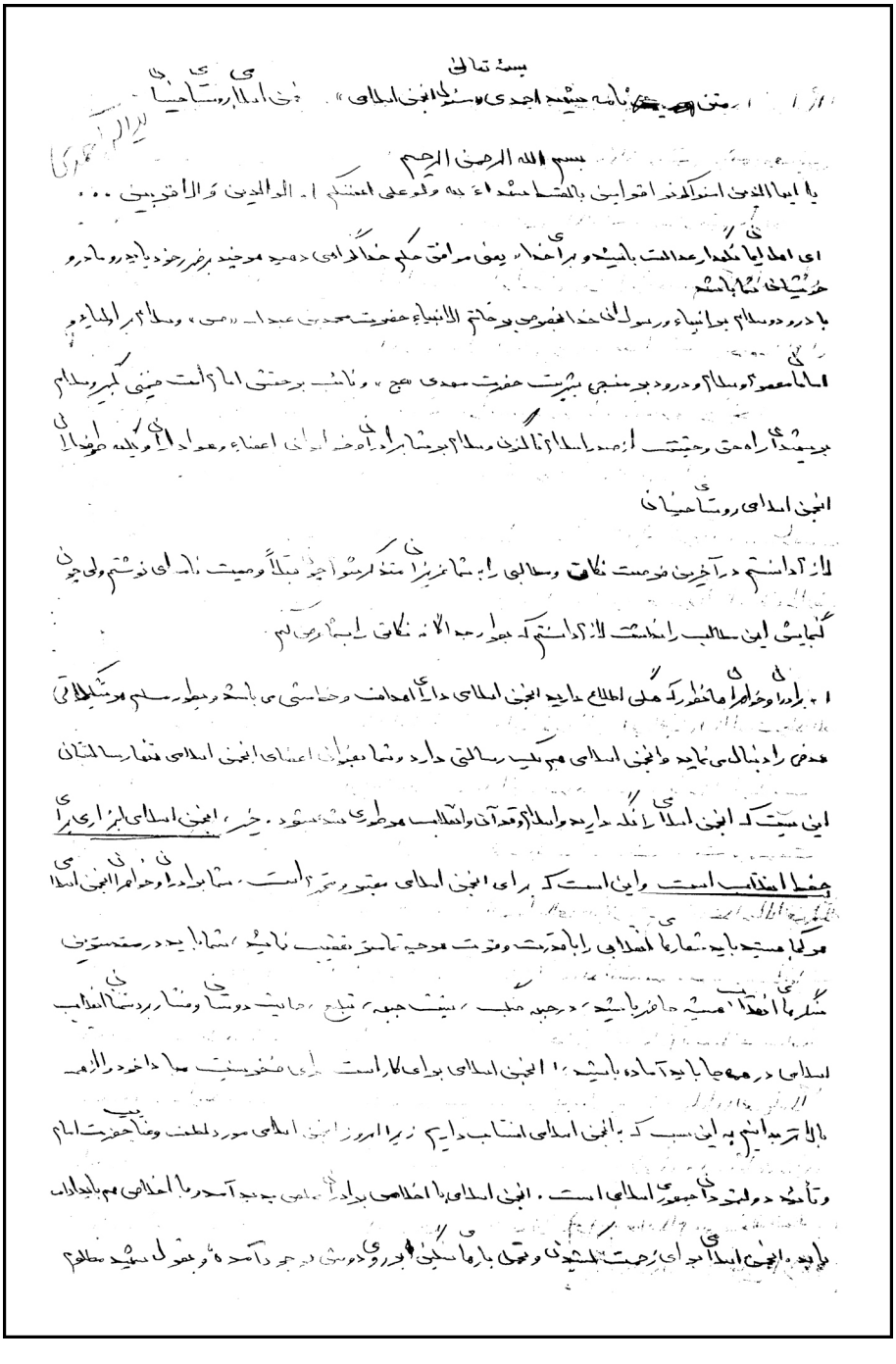

بسم تعالی

متن وصیت‌نامه سید احمدی به انجمن اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم او الوالدین والاقربین ...

ای اعضای محترم انجمن اسلامی، یعنی سرانجام حکم خدا برای همه ما فرا خواهد رسید و هیچ‌کس از مرگ نمی‌گریزد.

با درود و سلام بر انبیاء و رسولان خدا، به‌ویژه بر خاتم الانبیاء حضرت محمد بن عبدالله «ص» و سلام بر امام امامان، مولای متقیان علی علیه‌السلام و درود بر منجی بشریت حضرت مهدی «عج»، و نائب برحق امام زمان، نایب بزرگوار سلام بر همه آزادگان راه حق و حقیقت. از صمیم قلب سلام و تشکر خود را خدمت اعضای محترم انجمن اسلامی روستای خیاران

لازم دانستم در آخرین فرصت زندگانی وصایای خود را به شما عزیزان متذکر شوم. اجل مبرم است و نامه‌ای ننوشتم ولی چون گمانم این مطالب را نخواهند گذاشت که بعد از من بگویند ما نمی‌دانستیم.

۱. برادر و خواهر ما منظور که همگی اطلاع دارید انجمن اسلامی دارای امکانات و خاصیتی می‌باشد و همواره سعی و کوشش دارد که همه اعضای محترم را به انجمن اسلامی بیاورد و انجمن اسلامی هم کتب و رسالتی دارد و شما معلمان اعضای انجمن اسلامی هستید و این بیت که انجمن اسلامی را نگه دارید و اسلام و قرآن و انقلاب همواره محفوظ می‌شود. خیر، انجمن اسلامی برای برای همه انقلاب است و این است که برای انجمن اسلامی معتقد و مؤمن است. شما برادر و خواهر انجمن اسلامی موظف هستید با شعارهای اسلامی را با قدرت و قوت هرچه تمام‌تر تعقیب نمایید. شما باید در مقدمه‌ترین شعارها حاضر باشید و در جبهه حق علیه باطل، تبلیغ و حمایت روستا و شهر انقلاب اسلامی و رهبر عالیقدر باشید. انجمن اسلامی برای کار است. برای مخروبیت ما و خود را مهیا بالاتر از همه این سبب که با انجمن اسلامی استناب دارید زیرا امروز انجمن اسلامی مورد لطف و عنایت حضرت امام و تأیید و ولایت فقیه اسلامی است. انجمن اسلامی با اخلاص برادر و خواهر صالح به وجود آمده و با اخلاص هم باید ادامه یابد. انجمن اسلامی برای رحمت باشید و تمام با مسئولین فوری و دوستی در حد دانسته و معقول سعی نمایید

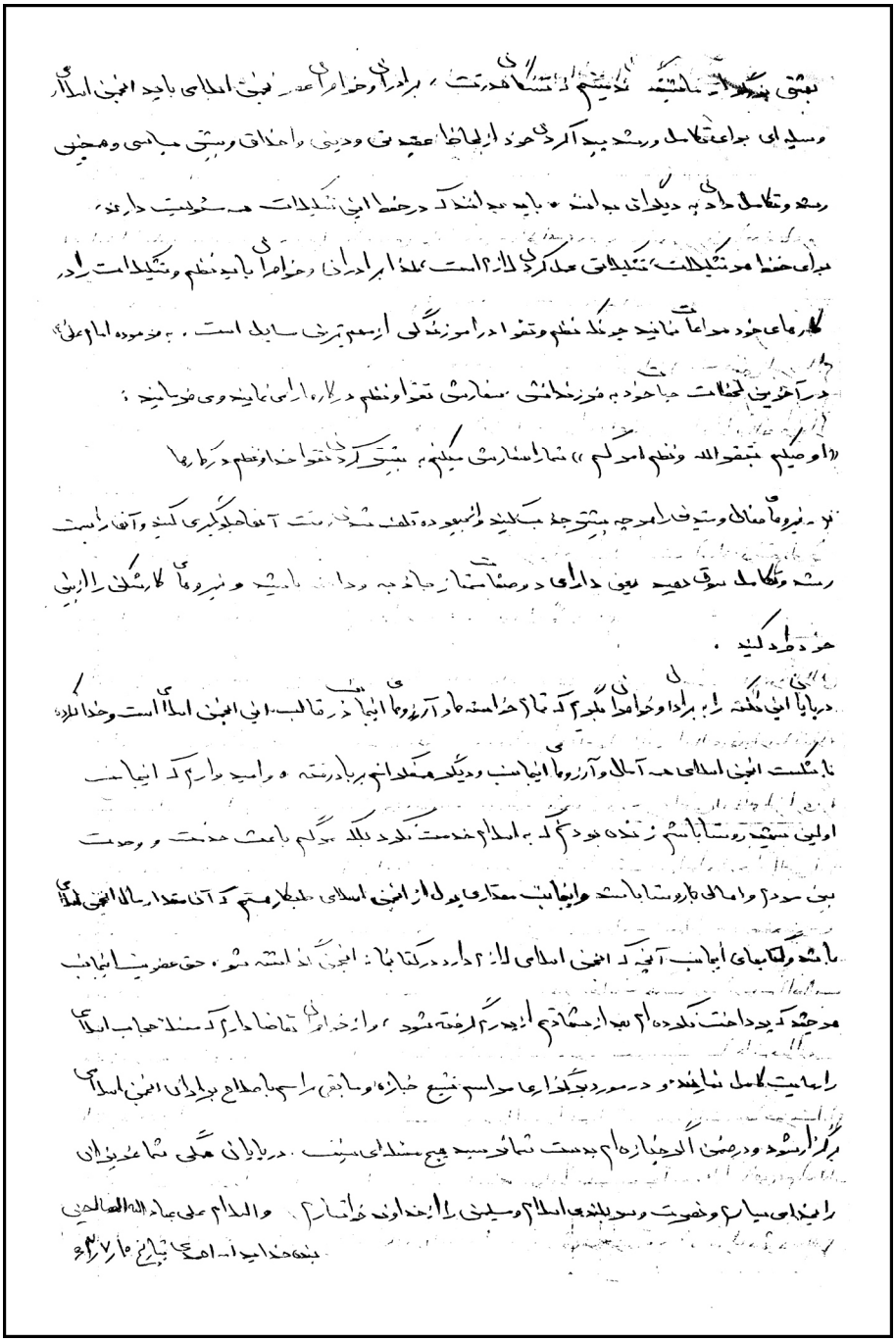

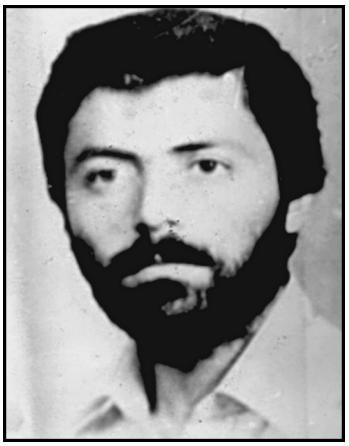

نام: **مجتبی**
نام خانوادگی: **احمدیان**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **نجمه‌خانم**
تاریخ تولد: **بیست‌وهشتم اردیبهشت ۱۳۳۷**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **دانشجوی دورهٔ کارشناسی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دهم مهر ۱۳۶۱**
محل شهادت: **سومار**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش و سوختگی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- به تمام کسانی که این نوشته را می‌خوانند باید بگویم، که اکنون نه وقت ماندن که وقت حرکت است.
- نه وقت مردن که وقت شهادت است.
- موقعیت از هر جهت آماده فداکاری، از خود گذشتن و ایثار است.
- اگر فرصت‌ها ارزان از دست بروند، دیگر بر نخواهند گشت.
- از نعمت جمهوری اسلامی و امام می‌بایست به‌خوبی استفاده کنیم.
- از دعا برای ظهور حضرت مهدی(عج) کوتاهی نکنیم.
- از خداوند بخواهیم تا ظهورش، امام امت را در سلامت نگه دارد.
- خط امام را به‌عنوان معیار برای خودسازی وحرکتمان انتخاب کنیم.
- گول هیچ گروهکی را تحت هیچ نامی نخوریم.

## مجتبی احمدیان

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

**«یا ایها الذین امنوا استعینوا بالصبر والصلوة ان الله مع‌الصابرین ولاتقولوا لمن یقتل فی سبیل‌الله اموات بل احیاء ولکن لاتشعرون و لنبلونکم بشیء من الخوف والجوع و نقص من الاموال والانفس والثمرات و بشّر الصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انالله و انا الیه راجعون»**.[۱]

به‌نام خداوند بخشندهٔ مهربان و به‌نام خدای هستی‌بخش و به‌نام خدایی که حتی یک لحظه زندگی کردن بدون وی قابل تحمل نیست، و با درود فراوان بر شهیدان اسلام و انقلاب و جنگ تحمیلی و با سلام بر امام امت خمینی بت‌شکن که راه چگونه زندگی کردن را به ما آموخت و با آرزوی موفقیت برای پیروزی تمام رزمندگان که ایثارگرانه در راه پیاده کردن قوانین اسلامی از همه‌چیز خود گذشته و از جان خود مایه گذاشته‌اند و سپاس و ستایش فراوان خدایی را که در این شرایط حساس بندهٔ حقیری چون من را، به مکانی فرستاد که وجب به وجب خاک آن، زنده‌کنندهٔ یاد شهیدانی است که خالصانه خون خویش را بر زمین ریختند، تا درخت تشنهٔ اسلام تنومند گردد و امید دارم لطف خداوند تا آن حد باشد که من استحقاق این همه لطفش را نداشته‌ام، سعادت مردن در راهش یعنی شهادت را نصیب بگرداند و این را خدا خود می‌داند که وحشت من نه از شهادت که از مردنی است که در راه او نباشد. و اکنون در شرایطی قرار گرفته‌ام که خود را موظف می‌دانم چند جمله‌ای هم با خانواده‌ام صحبت داشته باشم.

[...][۲] پدر و مادرم سلام کرده و سلامت و عافیت آنان را از خداوند آرزو می‌کنم و تقاضا دارم بخاطر زحمت‌هایی که به آنها داده‌ام، مرا ببخشند. می‌دانم که فرزند خوبی

---

۱- بقره/ ۱۵۳- ۱۵۶.

۲- خوانا نیست.

نبوده‌ام و حق فرزندی را به‌جا نیاورده‌ام، ولی از شما[1] به‌خاطر تمام رنج‌هایی که برای من کشیده‌اید، تشکر می‌کنم.

پدر جان و مادر عزیز، امیدوارم به‌خاطر راهی که خداوند مرا در آن قرار داده، شما نیز شکر خدای را بجا آورده و بدانید که این یک امتحان است و شما باید از آن سربلند بیرون بیایید. شما باید با صبر و تحمل خویش شاکر خداوند باشید و خدای ناکرده [با] بی‌تابی و ناراحتی اجر خود را ضایع نگردانید. شما خود می‌دانید که همه ما امانت‌هایی هستیم از طرف خداوند که بالاخره می‌بایست آنرا به صاحب امانت برگردانیم. پس بنا نیست که این امر ما را آنچنان ناراحت کند که غافل از یاد خدا شویم و اما مادر جان، یادت می‌آید روزی از تو پرسیدم که اگر من چکار کنم تو از من راضی هستی؟ و تو در جواب با همان زبان ساده‌ات گفتی راه راستتان را بروید، نمازتان را ترک نکنید، تا من از شما راضی باشم. حال از تو می‌پرسم که این راه همان راه راستی نبود که گفته بودی؟ آیا این راه، راه تمام شهیدان نبود؟ راه امامان نبود؟ و راه تمام کسانی نبود که آرزوی رسیدن به خدا را داشته‌اند؟ پس ای خدای بزرگ ترا شکر می‌کنم که مادرم را از من راضی گردانیدی، مادر جان می‌دانم صبرت زیاد است و می‌دانم که خوب می‌توانی تحمل کنی، پس در ناراحتی از دست دادن فرزندت نگران نباش، زیرا سرانجام کارش همان شد که خداوند و هم تو خواسته بودید. مادر جان از دعا برای آمرزش گناهانم کوتاهی نکن.

پدر جان از رفتن دیگر برادرانم به جبهه، جلوگیری نکنید و بگذارید آنها هم با خون خود تضمین‌کنندهٔ راه شهیدان باشند.

به خواهر عزیزم: باید بگویم زحمت‌های فراوانش در مورد من همیشه در ذهنم خواهند ماند و جز دعای خیر هیچ چیزی دیگری ندارم که تقدیمش کنم.

به برادرانم توصیه می‌کنم نماز را فراموش نکنند، راه اسلام را در پیش گیرند که بهترین راه همین است. در پاسداری از خون شهیدان کوتاهی نکنید که غفلت در این مورد قابل جبران نیست، ما اگر در پنج سال گذشته رفته بودیم جواب کمتری را می‌بایست به خدا

---

۱- در اصل وصیت «آنها».

می‌دادیم و بار کمتری را با خود بدوش می‌کشیدیم. اما اگر اکنون از دنیا برویم از ما از خون هزاران شهید می‌پرسند، که برای حفظ و حراست آن چه کردیم؟ و از خود چقدر مایه گذاشته‌ایم؟ و از ما و جان خود چقدر گذشته‌ایم؟ پس بیشتر به‌فکر بیفتیم و موقعیت و مسئولیت خود را بهتر بشناسیم. فرصت‌های گرانبها را از دست ندهیم. اگر می‌خواهیم کاری را هم صورت بدهیم و تصمیمی بگیریم، الان بهترین فرصت است. شاید فردا دیر باشد. تا باشد مانند من، خجل نزد خدا حاضر نشویم.

به همسرم باید بگویم، متأسفم از اینکه در این فرصت کم دو سه ماهه، نتوانستم برایت فرد مفیدی باشم. اما از این موضوع خوشحالم که خداوند در همین فرصت اندک مرا از داشتن یک همسنگر خوب محروم نگردانید و بدان فرصتی پیش آمده که تو نیز صبرت را امتحان کنی و آن را رشد دهی. تو باید شجاعانه درس صبر به تمام کسانی که شهادت را مردن می‌دانند بدهی. تو باید در مسئولیت سنگینی که در به انجام رساندن پیام شهیدان، داری استوار باشی و رسالت خویش را در این پیام به‌خوبی انجام دهی. البته می‌دانم که خوب می‌توانی. انشاءالله که اشتباه نکرده باشم.

در پایان، سعادت تورا از خداوند بزرگ خواستارم و امیدوارم خداوند همانطور که تاکنون به من کمک کرده با تو نیز همان کند. و به تمام کسانی که این نوشته را می‌خوانند باید بگویم که اکنون نه وقت ماندن که وقت حرکت است و نه وقت مردن که وقت شهادت است. کمی به زمانی که در آن زندگی می‌کنیم بیندیشیم موقعیت از هر جهت آماده فداکاری، از خود گذشتن و ایثار است.

اگر فرصت‌ها ارزان از دست بروند دیگر بر نخواهند گشت. نگذاریم نعمتی را که خداوند در اختیارمان گذاشته به راحتی از دست بروند. از نعمت جمهوری اسلامی و امام می‌بایست به‌خوبی استفاده کنیم. از دعا برای ظهور حضرت مهدی(عج) کوتاهی نکنیم و از خداوند بخواهیم تا ظهورش، امام امت را در سلامت نگه دارد. با جان و مال از جمهوری اسلامی دفاع کنیم و نگذاریم این ضد انقلاب‌های خانگی «اگر قابل ارشاد نیستند» فرصت عرض اندام داشته باشند. خط امام را به‌عنوان معیار برای خودسازی وحرکت‌مان انتخاب

کنیم و گول هیچ گروهکی را تحت هیچ نامی نخوریم. اگـر لطـف خداونـد بـیش از بـیش شامل حال من شد و شهید شدم، مرا در شهر شاهرود دفن نمایید.

با آرزوی سلامت و طول عمر برای امام و ظهور هرچه سریع‌تر حضرت حجت و پیـاده شدن هرچه سریع‌تر احکام اسلام در سراسر جهان و استقرار حکومـت خـدا. همـه شـما را به‌خداوند بزرگ می‌سپارم و شعار تمامی رزمندگان را سر مـی‌دهـیم کـه: خـدایا خـدایا تـا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

**«والسلام»**

**مجید احمدیان**

**۶۱/۶/۴ – اهواز**

وصیتنامه احمد [illegible]

«بسم الله الرحمن الرحیم»

یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرین ✻ و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احیاءٌ و لکن لا تشعرون ✻ و لنبلونکم بشیءٍ من الخوف و الجوع و نقصٍ من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین ✻ الذین اذا اصابتهم مصیبةٌ قالوا انا لله و انا الیه راجعون

سوره [illegible] آیه ۱۵۶ - ۱۵۸

بنام خداوند بخشنده مهربان و بنام خدای هستی بخش و بنام خدائی که حتی یک لحظه زندگی کردن بدون وی قابل تحمل نیست، و با درود و آرزوی [illegible] بر شهیدان اسلام و انقلاب و جنبش تحمیلی و با سلام بر امام امت خمینی بت شکن که راه چگونه زندگی کردن را به ما آموخت و با آرزوی موفقیت برای پیروزی تمام رزمندگانی که ایثارگرانه در راه پاسداری از اسلام می از هیچ چیز دریغ نکرده و [illegible] و از جان خود مایه گذاشته اند و با سپاس و ستایش و ادای خدائی را که در این شرایط حساس بنده حقیری چون من را به سلاحی نوشتاری که وجب به وجب خاک آن زنده کننده یا شهید آن است که خالصانه خون خویش را بر زمین ریخت تا درخت تنومند اسلام تنومندتر و در دلم لطف خداوند تا آن حد با شدم به منی که از عشق این همه لطفش را نه استعداد سعادت مردن در راهش یعنی شهادت را فهمیده بدرد انه راین را خدا خودمی داند و هشت من نه از شهادت که از دنیا است که در راه او نباشد و اکنون در کمالی قرار گرفته ام که خود را مطمئن می دانم هیچ چیز دنیوی هم با خانواده ام صحبت داشته باشم، بنابراین به پدر و مادرم سلام کرده و سلامت و عافیت آنان را از خداوند آرزو می کنم و تقاضا دارم بجای ناراحتی که به آنها داده ام مرا ببخشند می دانم فرزند خوبی نبوده ام و حق فرزندی را بجا نیاورده ام ولی از آنها بخاطر تمام رنج هائی که برای من کشیده اند تشکر می کنم پدر جان و مادر عزیز، امید وارم بخاطر اجر اخداوند در آن قرار داده شما نیز شکر خدای را بجا آورده و بدانید که این یک امتحان است و شما باید از آن سربلند بیرون بیائید شما باید با صبر و تحمل خویش ثابت کنید که خداوند با شهید و خدای ناکرده بی تابی و ناراحتی از خود را ضایع نکرده اید شما خود می دانید که همه ما امانت الهی هستیم از جانب خداوند که باید آنرا به صاحب امانت برگردانیم پس نباید از این امر ناراحت آنچنان ناراحت کند که غافل از یاد خدا شویم

راه مادرجان یادت می آید روزی از تو پرسیدم که آدم چکار کنم تا از من راضی هستی و تو در جواب به من
با همان زبان ساده ات گفتی راه راستشان را بروید، نمازتان را ترک نکنید تا من از شما راضی باشم
حال از تو می پرسم که این راه همان راه راستی نبود که گفته بودی آیا این راه، راه تمام شهیدان نبود راه
ما همان نبود و راه تمام کسانی که [redacted] آرزوی رسیدن بخدا را داشته اند؟ پس ای خدای بزرگ تر اشکری کنم
مادرم را از من راضی گردانیدی، مادرجان میدانم صبرت زیاد است و می دانم که خوب میتوانی تحمل کنی
پس در ناراضی از دست دادن فرزندت آنان نباشی زیرا سرانجام کارش همان شد که خداوند هم خواسته بود
مادرجان از دعا برای آمرزش گناهانم کوتاهی نکن و پدرجان از رفتن زیر برادرانم نهراسید
بلوگیری نکنید و بگذارید آنها هم با خون خود قسمتی از راه شهیدان را بسازند.
خواهر عزیزم با یاد آوری خاطرات خوبی که از برادرانش در خاطر من همیشه در [redacted] ذهنم خواهد ماند و جز دعای خیر چیز دیگری ندارم که تقدیمش کنم.
به برادرانم توصیه می کنم نماز را فراموش نکنند راه اسلام را در پیش گیرند که بهترین راه همین است
در پاسداری از خون شهیدان کوتاهی نکنید و غفلت در این مورد تا بل جبران نیست، ما آمده بودیم پنج سال آنجا بمانیم
ولی وقتی بود یم جواب کمتری را می دادیم بجای دادیم و با کمتری را با خود به هوش می کشیدیم. اما آمدیم اکنون
در دنیا بودیم از ما از خون هزاران شهید می پرسند که برای حفظ و حراست آن چیکر دیم و از خود چقدر مایه
گذاشته ایم و از مال و جان خود چقدر گذشته ایم پس بیشتر بفکر بیفتیم و موقعیت و مسئولیت خود را بهتر
بشناسیم فرصت های گرانبها را از دست ندهیم آری خواهیم کاری را هم صورت بدهیم و تصمیمی بگیریم الان
بهترین فرصت است، شاید فردا دیر بشود، تا بشود ما تند من مجلل تر در خدا حافظی کنم.
[redacted] بسیارم با یدبگویم متاسفم از اینکه در این فرصت کم [redacted] دوسه ماهه نتوانستم
برایت نامه بنویسم، اما از این موضوع خوشحالم خداوند در همین فرصت اندک را از دانشت یک
هنگر خوب محروم نگردانید و بدان فرصتی پیش آمده که تو نیز صبرت را از دست ندهی و آرام باشی و
تو با یدشجاعانه درس صبر به تمام کسانی که شهادت را از دست میدانند بدهی تو با یدمسئولیت سنگینی که در

به انجام رساندن پیام شهدای راه داری استوار باشم و رسالت خویش را در این پیام بخوبی انجام دهم.
البته میدانم که خوب میتوانی باشم... م اشتباه کرده باشم، در پایان سعادت تر الزخداوند بزرگ خواستارم
و امیدوارم خداوند همانطور که تاکنون به من کمک کرده باشد تر هم کند.

و به نام کسی که این نوشته را میخواند، به یاد کنم که ما اکنون نه وقت ماندن که وقت حرکت است و نه وقت
فرار که وقت شهادت است، کسی به رهبرم در راه آن زندگی می کنیم بیندیشیم و وقتیکه از هر جهت آماده
خدمتگزاری، از خودگذشتن و ایثار است آن وقت است که انسان از دست بردن دیگر برتر اهنده گشت
نگذاریم از جبهه حق بر اسلام بتازند و ندای شوم دوستی سر دهند نگذاریم [redacted]
سعی را م خداوند و رفتیاران گذاشته به راحتی از دست بروند از نعمت جمهوری اسلامی و امام می باید
بخوبی استفاده کنیم از دعا برای ظهور حضرت مهدی (عج) کوتاهی نکنیم و از خداوند بخواهیم تا ظهور حضرتش
امام امت را در سلامت نگهدارد و جان و مال از جمهوری اسلامی دفاع کنیم و نگذاریم این خدا انقلاب
خائنی. (آدم قابل ارشاد نیستم) فرصت عرض اندام داشته باشند، خط امام را بعنوان تنها راه برای خود برگزیده
و دلکمان انتخاب کنیم و گول هیچ گروهکی را نخوریم، هیچ نامی تحویل نگیریم،

آن لطف خداوند بیش از پیش شامل حالمان شده و شهید شدم را در شهر شاهرود رقم نماید.

با آرزوی سلامت و طول عمر برای امام و ظهور هرچه سریعتر حضرت حجت و پیاده شدن هرچه سریعتر
احکام اسلامی در سراسر جهان و استوار حکومت خدا هستم شما را بخداوند بزرگ می سپارم و سعادت
تمامی رزمندگان اسلام را از خداوند خواهانم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) را نگهدار.

مجید احمدیان

والسلام

۶۱/۶/۳ اهواز

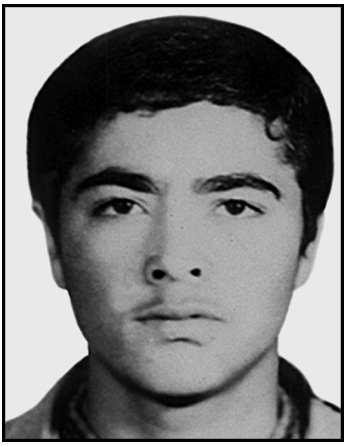

نام: **مهدی**
نام خانوادگی: **احمدیان**
نام پدر: **علی‌احمد**
نام مادر: **گلبهار**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم اردیبهشت ۱۳۴۳**
محل تولد: **مهدیشهر**
تحصیلات: **دانشجوی سال اول کارشناسی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفدهم مرداد ۱۳۶۲**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- همان‌طوری که تا به حال از امام پشتیبانی کردید و یار همیشگی امام بودید، از امام امت جدا نشوید.
- امام ما این پیر جماران را تنها نگذارید.
- جبهه‌ها را فراموش نکنید.
- از شما عاجزانه درخواست دارم که راهم را ادامه دهید.
- کسانی ادامه دهنده راهم هستند که فوج فوج به جبهه‌ها هجوم آورند.
- گوش به فرمان امام باشید.
- نمازهای جمعه و جماعات را ترک نکنید.
- امیدوارم با شهادتم خدمتی به اسلام و مسلمین کرده باشم.
- پدرم، مانند کوه استوار باش و همیشه به خودت افتخار و مباهات بورز که چنین پسری داشته‌ای.

## مهدی احمدیان

### بسم الله الرحمن الرحیم

«**و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عنـد ربهـم یرزقـون**»[1] «گمـان نکنیـد آنان‌که در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».
«شهادت ارثی از اولیاء و انبیاء به‌ماست»[2] (امام خمینی).

با درود و سلام بر امام امت خمینی بت‌شکن و بنیانگزار جمهوری اسـلامی ایـران و بـا درود و سلام بر امت رزمنده و شهیدپرور ایـران اینجانـب، مهـدی احمـدیان بـا توکـل بـر حضرت باریتعالی وصیت‌نامه‌ام را شروع میکنم و امیدوارم با شهادتم خـدمتی بـه اسـلام و مسلمین کرده باشم و باز هم امیدوارم که با شهادتم درخت خونبار انقلاب را آبیـاری کـرده باشم، با این امید پیام‌هایی به شرح زیر دارم و امیدوارم که به آن توجه شود.

ای امت حزبا... و در صحنه مهدیشهر، همان‌طوری کـه تـا بـه حـال از امـام پشـتیبانی کردید و یار همیشگی امام بودید، از امام امت جدا نشوید و امام ما این پیر جمـاران را تنهـا نگذارید. گوش به فرمان او باشید، همان‌طور که می‌دانید، جبهه‌های نبرد حق بر علیه باطـل احتیاج به نیروی انسانی دارد، جبهه‌ها را فراموش نکنید و از شما عاجزانه درخواسـت دارم که راهم را ادامه دهید و کسانی ادامه دهنده راهم هستند که فوج فوج بـه جبهـه‌هـا هجـوم آورند و کار صدام و جنگ تحمیلی‌اش را یکسره کنند.

ای عزیزان کسانی که می‌خواهند راهم را ادامه دهند، باید به جبهه‌های نبـرد حـق علیـه باطل بیایند و مشغول مبارزه شوند، تا دشمن اصلی تمام شهیدان انقلاب اسـلامی را نیسـت و نابود کنند، گوش به فرمان امام باشید و امام را تنها نگذارید و به صحبتهای امام گوش فرا دهید و به فرامینش عمل کنید. نمازهای جمعه و جماعات را ترک نکنید که ما به قول امـام

---

۱- آل عمران/ ۱۶۹.

۲- تعبیر امام این است «شهادت روشی است که از اولیاء و انبیاء به ما رسیده است» (صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی).

عزیزمان هر چه داریم از نماز جمعه و جماعات داریم،[1] پس ای عزیزان نمازهای جماعت و جمعه را که پیام تمام شهیدان به خون خفته ایران است را ترک نکنید و همیشه این سنگرها را پر کنید و تداوم دهنده راه شهیدان باشید.

پدرم، مانند کوه استوار باش و همیشه به خودت افتخار و مباهات بورز که چنین پسری داشته‌ای و در راه خدایت فدا کردی و از خدای خودت بخواه که این قربانی را از شما قبول کند و انشاءالله و به یاری پروردگار که این قربانی شما مورد قبول درگه حق می‌شود اگر چه ما بنده روسیاه و گنه‌کاری هستیم. و تو ای مادرم که سال‌های سال برای بزرگ کردنم زحمت کشیدی و چه حرف‌ها که شنیدی، پس ای مادر عزیز، همان‌طور که تا حال صبر کردی و استقامت در مقابل مصائب و سختی‌ها داشتی از این ببعد هم از خداوند متعال طلب صبر و استقامت کن که خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید «**وَاللّه یحب الصابرین**»[2] «به درستی که خداوند صبر کنندگان را دوست دارد» و باز امام عزیزمان می‌فرماید: «شما خانواده شهداء چشم و چراغ این ملتید».[3] پس پسرهای تمام این امت فرزندان تواند و نباید از این ناراحت باشی که فرزندت در جبهه نبرد شهید شده است، مادر جان آنروز یادت هست[4] در بیمارستان تهران روی دیوار مقام شهید را نوشته بود؟ آیا کم مقامی است اگر ما به آن حد نمی‌رسیم و نخواهیم رسید، پس باز هم می‌گویم صبر و استقامت را پیشه خود کن، تا از نزدیکان و مقربان خدا شوی. مادرم از شما معذرت می‌خواهم که در دوران کودکی یا وقتی که بزرگ‌تر شدم، شما را ناراحت کردم و یا شما را اذیت کردم. از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید و این ناراحتی‌ها را در دل نگیرید و دوباره از شما معذرت می‌خواهم.

---

۱- امام در سخنان متعددی به اهمیت نمازهای جمعه و جماعت پرداخته است: «برپایی نماز جمعه یکی از برکات بسیار عظیم اسلام بود»، امام در سنگر نماز تبیان دفتر هفتم. «نماز را در جماعت بخوانید، اجتماع باید باشد»، امام در سنگر نماز تبیان دفتر هفتم، چاپ اول، ١٣٧٤.

۲- در قرآن این عبارت که شهید آورده وجود ندارد «ان الله یحبّ الصابرین» صحیح آیه این است «والله یحب الصابرین» آل عمران/ ١٤٦.

۳- تعبیر از حضرت امام خمینی است. (صحیفه امام، دورهٔ ۲۲ جلدی).

٤- در اصل وصیت «است».

و شما برادرانم که مشغول تحصیل هستید، در سنگر مدارس محکم و استوار با سلاح قلم با آمریکا این ام‌الفساد قرن، به قول امام عزیز مبارزه کنید و نگذارید دیو جهل و نادانی بر شما غلبه کند و به شما برادران توصیه می‌کنم که اگر می‌خواهید راهم را ادامه دهید، فعلاً در سنگر مدارس بمانید تا درستان تمام شود و کتاب‌های آیت‌ا... مطهری[1] و امام و شهید بهشتی[2] را بیشتر مطالعه کنید. البته می‌دانم که فعلاً تا آن حد سوادتان نمی‌کشد، ولی در آینده این کتاب‌ها را مطالعه کنید تا از دریای علم این بزرگواران بهره بجویید و شما ای خواهرانم، شما نیز با حفظ حجاب خودتان ادامه دهنده راه برادرتان باشید. خواهرم سیاهی چادر تو از خون سرخ من کوبنده‌تر است، پس با حفظ حجابتان مشت محکمی بر دهان شرق و غرب بزنید و دوست دارم که به این تصمیم بیشتر از همه و همه گوش کنید. هم تو ای برادرم و هم تو ای خواهرم، گوش به حرف‌های مادر بدهید چون او خیرخواه شماست و هیچ‌وقت مادری بدِ فرزندش را نمی‌خواهد. پس کمتر با مادر جر و بحث کنید. چون ماشاءالله تعدادتان زیاد است و هر کدام حرفی بزنید می‌دانید که چه می‌شود و او را- که سال‌ها برای شما زحمت کشیده است- مورد آزار و اذیت قرار ندهید، چون من مادرم را اذیت کردم و حال فهمیدم، مادر چه ارزشی دارد. حال به مقام شایسته مادرم پی بردم. ای دوستان ما که نتوانستیم خدمتی به اسلام بکنیم از شما که ادامه دهنده راهم هستید، می‌خواهم که به جبهه‌ها بروید و کار جنگ را یکسره کنید. انشاءالله دوستانی که از ما ناراحتی دارند نیز ما را حلال کنند.

پدر و مادرم آن مقدار نماز و روزه‌ای هم که بجا نیاورده‌ام و خودتان هم می‌دانید، برایم بجا آورید و شما پدر و مادرم و از شما خواهران و برادرانم عاجزانه می‌خواهم که ما را حلال کنید و ما را دعا کنید از امت حزب‌الله التماس دعا دارم.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

تا پرچم حق به دست یاران خداست تا نام شهید بیت دیوان خداست[1]
تکبیر تو ای نمازی سنگر حق بر قلب عدو گلوله باران خداست

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگه دار.

**١٣٦٢/٤/١٩**

**حقیر و بنده ذلیل خدا**

**مهدی احمدیان**

١- شعر در دیوان شعرای مشهور یافت نشد. ازجمله سروده‌هایی است که مناسب حال و هوای جنگ در جبهه‌ها سروده می‌شد. اما متأسفانه کسی به فکر شاعر اصلی آن نبود، در آن سال‌ها مجموعه اشعار شاعران به‌صورت گسترده فعلی چاپ نمی‌شد. چه بسا اصلاً نمی‌پرسیدیم شاعر شعرهایی که هزاران بار زمزمه کرده بودیم، کیست؟

بسمه تعالی

" ولا تحسبن الذین تقتلوافی سبیل ا ۰۰۰ امواتا " بل احیاء عند ربهم یرزقون ۰ " " قرآن مجید "

" گمان نکنید آنانکه در راه خدا کشته شده اند مردگانند بلکه زنده اند و نزد خدا یشان روزی میخورند "

شهادت ارثی از اولیاء وانبیاء بماست "

" امام خمینی "

با درود وسلام بر امام امت حمایت جمهوری اسلامی ایران درود وسلام بر امت رزمنده و شهید پرور ایران بخصوص جنابعالی مهدی احمدیان با توکل بر خدا و یاری و عنایت تعالی وصیتنامه ام را شروع میکنم و امیدوارم با شهادت تمام خدمتی به اسلام و مسلمین کرده باشم و باز هم امیدوارم که با شهادت تمام درخت خونبار انقلاب را آبیاری کرده باشم ، با این امید پیام خود را بشرح زیر دارم و امیدوارم که به آن توجه شود ۰

ای امت حزب ا ۰۰۰ و در صحنه مهد یشهر همانطوری که تابحال از امام پشتیبانی کردید و یار همیشگی امام بودید از امام امت جدا نشوید و امام ما این پیر جماران را تنها نگذارید ۰ گوش بفرمان او باشید ، همانطور که میدانید جبهه های نبرد حق بر علیه باطل احتیاج به نیروی انسانی دارد ، جبهه ها را فراموش نکنید و از شما عاجزانه درخواست دارم که راهم را ادامه دهید و کسانی ادامه دهنده راهم هستند که فوج فوج به جبهه ها هجوم آورند و کار صدام و جنگ تحمیلی اش را یکسره کنند ۰ ای عزیزان کسانی که میخواهند راهم را ادامه دهند باید به جبهه های نبرد حق علیه باطل بپیوندند و مشغول مبارزه شوند تا دشمن اصلی تمام شهیدان انقلاب اسلامی را نیست و نابود کنند ، گوش بفرمان امام باشید و امام را تنها نگذارید و به صحبتهای امام گوش فرا دهید و به فرامینش عمل کنید ، نمازهای جمعه و جماعات را ترک نکنید که مابقول امام عزیزمان هرچه داریم از نماز جمعه و جماعات داریم ، پس ای عزیزان نمازهای جماعت و جمعه را که پیام تمام شهیدان بخون خفته ایران است را ترک نکنید و همیشه این سنگرها را پر کنید و تا دم آخر دشمن را به عقب برانید و راه شهیدان را پاشید ۰

پدرم مانند کوه استوار بود و همیشه به خودت افتخار و مباهات بورزکه چنین پسری داشته ای و در راه خدا بیت فداکردی و از خدای خودت بخواه که این قربانی را از شما قبول کند و انشاء الله و یاری پروردگار که این قربانی شما مورد قبول درگه حق میشود اگرچه ما بنده روسیاه و گنهکاری هستیم ۰ و تو ای مادرم که سالهای سال برای بزرگ کردنم زحمت کشیدی و چه حرفها که شنیدی پس ای مادر عزیز همانطور که تابحال صبر کردی و استقامت در مقابل مصائب و سختی ها داشتی از این بعد هم از خدا بخواه و متوسل شو و طلب صبر و استقامت کن که خدای متعال در قرآن کریم می فرماید " ان الله یحب الصابرین " بدرستی که خداوند صبر کنندگان را دوست دارد و باز امام عزیزمان می فرماید : شما خانواده شهداء چشم و چراغ این ملتید ۰ " پس پسرهای تمام این امت فرزندان تو اند

رنباید ازاین ناراحت باشی که فرزندت در جبهه نبرد شهید شده است، مادر جان آن روز یادت است که در بیمارستان تهران روی دیوار مقام شهید را نوشته بود آیا کم مقامی است که ما به آن حد نمی رسیم و نخواهیم رسید. پس باز هم میگویم صبر و استقامت را پیشه خود کن تا از نزدیکان و مقربان خدا شوی. مادرم از شما مغذرت میخواهم که در دوران کودکی یا وقتی که بزرگتر شدم شما را ناراحت کردم و یا شما را اذیت کردم از شما میخواهم که مرا حلال کنید و این ناراحتی شما را در دل نگیرید و دوباره از شما مغذرت میخواهم.

و شما برادرانم که مشغول تحصیل هستید در سنگر مدارس محکم را استوار با سلاح قلم با آمریکا این ام الفساد قرن بتازید امام عزیز ما رزه کنید و نگذارید دیو جهل و نادانی بر شما غلبه کند و به شما برادران توصیه می کنم که اگر میخواهید راهم را ادامه دهید فقط" در سنگر مدارس بمانید تا درستان تمام شود و کتابهای آیت ا... مطهری را مطالعه کنید. البته میدانم که فقط" تا آن حد سوادتان نمی کشد ولی در آینده این کتابها را مطالعه کنید تا از دریای علم این بزرگواران بهره ببرید و شما ای خواهرانم: شما نیز با حفظ حجاب خودتان ادامه دهنده راه برادرتان باشید و بدانید که صبر و سیاهی را در تو از خون سرخ من کوبنده تر است پس با حفظ حجابتان مشت محکمی بر دهان شرق و غرب بزنید و دوست دارم که این تصمیم بیشتر از همه و همه گوش کنید هم تو ای برادرم و هم تو ای خواهرم، گوش بحرف مادر بدهید چون او بهترین راه شماست و هیچ وقت مادری بد فرزند را نمی خواهد پس کمتر مادر را برنجانید و اذیت کنید و او را که سالها برای شما زحمت کشیده است مورد آزار و اذیت قرار ندهید چون من مادرم را در دوران جهل و نادانی (کودکی) اذیت کردم و حال فهمیدم مادر چه ارزشی دارد. آن به مقام شایسته مادرم پی برده بودم. ای دوستان مبارز اگر ما نتوانستیم کاری برای اسلام و مسلمین به انجام برسانیم اما امیدوارم که شما انجام دهنده راه ما باشید.

بدرو مادرم آن مقدار نیز مورد لطف و عنایت خدا قرار گرفته اند که به آنها ورود پیدا کرده اند. و شما امت بزرگ ا... شما پدر و مادرم را از شما خواسته و برادرم عازمانه میخواهم که ما را حلال کنید.

تا پرچم حق بدست یاران خدا است تا نام شهید بپیت دیوان خدا است
تکبیر سرتوای شهید سنگر حق برقلب عدو گلوله باران خدا است

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی زینبی را نگهدار.

" ۱۳۶۲/۴/۱۹ ـ عقربند ه دلیل خدا مهدی احمدیان

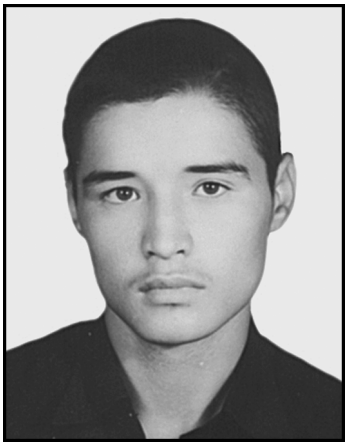

نام: **علی**
نام خانوادگی: **اختری**
نام پدر: **صفر**
نام مادر: **طیبه**
تاریخ تولد: **پانزدهم شهریور ۱۳۵۰**
محل تولد: **تهران**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند ۱۳٦٦**
محل شهادت: **ارتفاعات گوجار عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای شهرستان سمنان**

## عبارت‌های کلیدی

- ای پدر و مادر عزیزم، بدانید که خدا امانتی را به دست شما داده است.
- خدا هر وقت که بخواهد این امانت را از شما می‌گیرد.
- شما صبر و تقوا پیشه کنید.
- خواستم با خون خویش که در راه خدا ریخته می‌شود ریشهٔ این اسلام پایدار بماند.
- هدفم باز شدن راه کربلای حسینی به دست ما جوانان غیورمند بود.
- ای برادر و خواهر مهربانم، علم بی‌عمل ارزشی ندارد.
- برای این حقیر گریه نکنید بلکه برای امام حسین(علیه‌السلام) فاطمه الزهرا(علیهاالسلام) به علی‌اصغر و علی‌اکبر گریه کنید.

## علی اختری

### بسم الله الرحمن الرحیم

«**لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر المجاهدون فی سبیل‌الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجة وکُلاً وعدالله الحسنی و فضل‌الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً**».[۱] «هرگز مؤمنانی که بی‌هیچ عذری مانند (نابینایی، مرض، فقر و غیره از) کار جهاد بازنشستند با آنان‌که به مال و جان کوشش کنند در مراتب ایمان یکسان نخواهند بود و خدا مجاهدان فداکار و به مال و جان را بر بازنشستگان بلندی و برتری بخشیده و همهٔ اهل ایمان را وعده نیکو فرموده و مجاهدان[را] بر بازنشستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است».

به‌نام آن خداوندی که این جهان را با این عظمت آفرید و با درود بی‌پایان بر پنجمین[۲] اختر زمان محمد مصطفی(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و یاران او که به راه او رفتند و عمر خویش را در طاعت حق و خدمت به بندگان خدا صرف کردند و با درود و سلام بر امام مهدی(عج) و نایب برحق امام امت(سلام‌الله علیه) به پدر و مادر خود سفارش داشتم: ای پدر و مادر عزیزم، بدانید که این انسان را خدا از خاک به‌وجود آورده است[۳] و خدا هر وقت که بخواهد انسان را به خاک برمی‌گرداند و اگر انسان نخواهد، به خاک برگردد، در زمانی مرگ او فرا خواهد رسید و این سخن از علی(علیه‌السلام) است که می‌فرماید: «کسی که از مرگ فرار کند مرگ به سراغ او خواهد آمد، پس چه بهتر که این بدنی که می‌خواهد به خاک برگردد، در راه خالقش کوشش و تلاش کند. تا آن حد که حتی بدنش تکه تکه شود و به‌سوی معشوق، یعنی خدا پرواز کند».[۴]

---

۱- نساء/ ۹۵.

۲- غرض از پنجمین یعنی پنجمین پیامبر اولی‌العزم است یعنی حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

۳- در قرآن آیاتی است که به خلقت انسان از خاک و گل اشاره دارد. «هو الذی خَلَقکم من طین» انعام/ ۲ و آیات: مؤمنون/ ۱۲، صافات/ ۱۱، ص/ ۷۱ و...

۴- نهج‌البلاغه. ترجمه سید جعفر شهیدی.

ای پدر و مادر عزیزم، بدانید که خدا امانتی را به دست شما داده است و خدا هر وقت که بخواهد، این امانت را از شما می‌گیرد، و در این مورد خدا شما را می‌خواهد آزمایش کند که چقدر صبر و تقوا پیشه می‌کنید و شما صبر و تقوا پیشه کنید، تا از این آزمایش الهی سرافراز بیرون آیید.

ای پدر و مادر عزیزم مرا حلال کنید، چون این جانب به جای آنکه آن همه زحمت‌ها و رنج‌هایی که شبانه‌روز تحمل می‌کردید جبران کنم شما را ناراحت کرده‌ام و انشاءالله در جهان آخرت تمام زحمات و رنج‌هایی که شما برای این امانت که خدا به شما داده است جبران می‌کنم تا در جهان آخرت نزد خدا روسپید بیرون آییم.

ای پدر و مادر عزیزم، هدفم از اینکه به جهاد در راه خدا برخاستم این نبود که نظر دنیوی و غیرمعنوی داشته باشم، بلکه هدفم، هدف الهی، هدفم دفاع از این اسلام و هدفم استوار ماندن ریشهٔ اسلام است و خواستم با خون خویش که در راه خدا ریخته می‌شود ریشهٔ این اسلام پایدار بماند و هدفم باز شدن راه کربلای حسینی به دست ما جوانان غیورمند بود و هدفم رضای خدا بود و غیر از آن هدفی نداشتم.

ای پدر عزیزم از شما می‌خواهم برای این بندهٔ حقیر خدا، یک ماه روزه و سه ماه نماز بخوانید. شاید نمازم قضا شده باشد و انشاءالله زحمات شما را در جهان آخرت جبران می‌کنم.

ای برادر و خواهر مهربانم، از اینکه شما را ناراحت کردم، مرا ببخشید و حلالم کنید. شما درس‌هایتان را عالی بخوانید و آن علمی را که فرا می‌گیرید، به آن نیز عمل نمایید، چون علم بی‌عمل ارزشی ندارد و صبر و تقوا داشته باشید و در همهٔ مراسم مذهبی و مساجد و نماز جمعه و نماز جماعت در مدرسه شرکت کنید تا با ا ین کارهایتان منافقان[1] را ناراحت کنید.

ای دانش‌آموزان هنرستان شهید دکتر عباسپور، از اینکه شما را در تمام زمان تحصیل ناراحت کردم مرا حلال کنید و از شما می‌خواهم که در مراسم صبحگاهی و در نماز جماعت و در انجمن اسلامی و بسیج دانش‌آموزی مدرسه شرکت کنید، تا با این عملتان

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

دشمنان اسلام را ناراحت کنید و شما بر آنها پیروز شوید و نیز درس‌هایتان را با کوشش تمام بخوانید، تا کشور اسلامی ایران احتیاجی به متخصصین خارجی نداشته باشد و در همهٔ مسائل خودکفا شویم.

ای معلمان و مربیان هنرستان که در راه آموزش علم به ما از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نورزیدید و از اینکه این حقیر در فرا گرفتن علم، کوشش نکردم و از اینکه شما را در فرا گرفتن علم ناراحت کردم مرا حلال کنید و از شما می‌خواهم که راه مرا ادامه دهید.

ای پدر و مادر عزیزم اگر خواستید این امانتی که خدا از شما گرفته است، گریه کنید برای این حقیر گریه نکنید بلکه برای امام حسین(علیه‌السلام) فاطمه الزهرا(علیهاالسلام) به علی‌اصغر[۱] و علی‌اکبر[۲] گریه کنید چون من لیاقت آن را ندارم که برای من گریه کنید.

ای مردم شهیدپرور استان سمنان در حمایت از این انقلاب اسلامی از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نورزید و هر چه که انقلاب ارزش آن زیاد شود فداکاری در راه تحقق این انقلاب بیشتر و لازم‌تر است و راه مرا ادامه دهید.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**علی اختری**[۳]

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- با توجه به تاریخ شهادت علی اختری ۶۶/۱۲/۲۴ وصیت‌نامه را یک روز قبل از شهادت نوشته است. در سابقه‌ای که تحت عنوان اطلاعات شخصی شهید پیوست وصیت‌نامه است تاریخ اعزام را ۶۶/۱۰/۹ نوشته است یعنی حدود ۷۴ روز فاصله اعزام و شهادت اوست.

القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر المجاهدون فی سبیل الله باموالهم وانفسهم

افضل الله المجاهدین باموالهم وانفسهم علی القاعدین درجه وکلا وعدالله الحسنی وفضل الله المجاهدین

علی القاعدین اجرا عظیما)

« هرگز مؤمنانی که بی هیچ عذری مانند نابینایی - مرض - فقر وغیره از کار جهاد بازنشسته اند با آنان که به

مال و جان کوشش کنند در مراتب ایمان یکسان نخواهند بود و خدا مجاهدان فداکار و به مال و جان را

بر بازنشستگان بلندی و برتری بخشیده و همه اهل ایمان را وعده نیکو فرموده و مجاهدان بر بازنشستگان

به اجر و ثواب بزرگ برتری داده است» (سوره‌ی مبارکه نساء آیه ۹۴)

به نام آن خداوندی که این جهان را با این عظمت آفرید و با درود بی‌پایان بر بهترین اختر زمان محمد

مصطفی (ص) و یاران او که به راه او رفتند و عمر خویش را در طاعت حق و خدمت به بندگان خدا صرف

کردند و با درود و سلام بر امام مهدی (عج الله تعالی وجه الشریف) و نائب برحق امام است (سلام الله علیه)

به پدر و مادر خود سفارش داشتم:

ای پدر و مادر عزیزم، بدانید که این انسان را خدا از خاک به وجود آورده است و خدا هر وقت که بخواهد

انسان را به خاک برمی‌گرداند. و اگر انسان نخواهد به خاک برگردد در زمانی مرگ او را خواهد رسید و این سخن

از علی (ع) است که می‌فرماید: کسی که از مرگ فرار کند مرگ به سراغ او خواهد آمد، پس چه بهتر که این بدنی که

خاک برگرده در راه خالقش کوشش و تلاش کند تا آن حد که بدنش تکه تکه شود و به سوی معشوق

کند.

ای پدر و مادر عزیزم بدانید که خدا امانتی را به دست شما داده است و خواهروقت که بخواهد این امانت را

از شما می‌گیرد، و در این مورد خدا شما را می‌خواهد آزمایش کند که چقدر صبر و تقوا پیشه می‌کنید و شما صبر و تقوا

پیشه کنید تا از این آزمایش الهی سرافراز بیرون آیید.

ای پدر و مادر عزیزم مرا حلال کنید چون اینجانب به جای آن که آن همه زحمت‌ها و رنجهایی که شبانه روز متحمل

می‌گردید جبران کنم شما را ناراحت کردم و انشاءالله در جهان آخرت تمام زحمات و رنجهایی که شما برای این

امانت که خدا به شما داده است جبران می‌کنم تا در جهان آخرت نزد خداوند روسپید بیرون آییم.

ای پدر و مادر عزیزم هدفم از این که به جهاد در راه خدا پرداختم این نبود که نظر دنیوی و غیر معنوی داشته باشم

بلکه هدفم، هدف الهی، هدفم دفاع از این اسلام و هدفم استوار ماندن ریشه‌ی اسلام است و خواستم با

خون خویش که در راه خدا ریخته می‌شود ریشه‌ی این اسلام پایدار بماند و هدفم باز شدن راه کربلای

حسینی به دست ما جوانان غیور مند بود و هدفم رضای خدا بود و غیر از آن هدفی نداشتم.

ای پدر عزیزم از شما می‌خواهم برای این بنده حقیر خدا، یک ماه روزه و سه ماه نماز بخوانید. شاید نمازم قضا

شده باشد و انشاءالله زحمات شما را در جهان آخرت جبران می‌کنم.

امر مهربانم: از این که شما را ناراحت کردم من را ببخشید و حلالم کنید شما در سعادتیان را عالی

دانید را که فرا گیرید به آن عمل نیز نمایید. چون علم بی عمل ارزشی ندارد و صبر و تقوا داشته باشید

و در هیچ مراسم مذهبی و مساجد و نماز جمعه و نماز جماعت در مدرسه شرکت کنید تا با این کارهایتان منافقان

را ناراحت کنید.

ای دانش آموزان هنرستان شهید دکتر عباسپور از این که شما را در تمام زمان تحصیل ناراحت کردم من را

حلال کنید و از شما می خواهم که در مراسم صبحگاهی و در نماز جماعت و در انجمن اسلامی و بسیج دانش آموزی

مدرسه شرکت کنید تا با این عملتان دشمنان اسلام را ناراحت کنید و شما بر آن ها پیروز شوید و نیز در سعادتیان

را با کوشش تمام بخوانید تا کشور اسلامی ایران احتیاجی به متخصصین خارجی نداشته باشد و در هیچ مسائل خود کفا

شویم.

ای علمان و مربیان هنرستان که در راه آموزش علم به ما از هیچ کوششی در یغ نورزیدید و از این که این حقیر در

فرا گرفتن علم، کوشش نکردم و از این که شما را در نگران علم ناراحت کردم مرا حلال کنید و از شما می خواهم

که راه مرا ادامه دهید.

ای پدر و مادر عزیزم اگر خواست این امانتی که خدا از شما گرفته است گریه کنید برای این حقیر گریه نکنید

بلکه برای امام حسین (ع)، فاطمه زهرا (س)، علی اصغر و علی اکبر گریه کنید چون سن لیاقت آن را

من گریه کنید.

در استان سمنان در حماسه از این انقلاب اسلامی از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نورزید

و هرچه انقلاب از من آن زیاد شود مداری در راه تحقق این انقلاب بیشتر و لازم تر است و راه من را

ادامه دهید. * والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته *

علی اختری

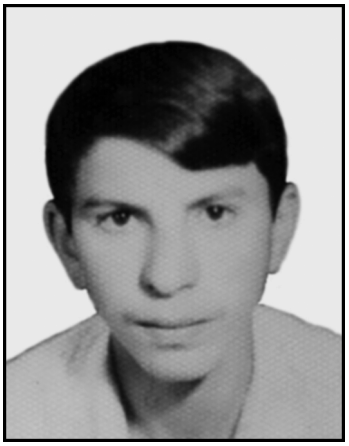

نام: **حسن**
نام خانوادگی: **اخلاقی**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **ساره‌خاتون**
تاریخ تولد: **پنجم بهمن ۱۳۴۳**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **شانزدهم اسفند ۱۳۶۲**
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ای ملت شهیدپرور ایران جبهه‌ها را پر کنید.
- اگر شما مردم شهیدپرور نباشید، این جبهه‌ها پر نمی‌شود.
- دعا به جان امام را فراموش نکنید.
- ای دوستان و ای برادران پاسدار، اگر از من بدی دیده‌اید، ببخشید و مرا حلال کنید.
- ای مردم شهیدپرور ایران این منافقین را از ریشه برکنید.
- ناراحت نباشید که فرزندتان به جبهه می‌رود، با خوشحالی آنان را بفرستید به جبهه.

## حسن اخلاقی*

**بسم الله الرحمن الرحیم**

سلام به رهبر کبیر انقلاب و به خانواده‌های شهدا که نور چشم این ملّت‌اند و سلام به ملت قهرمان ایران و خصوصاً ملت شهیدپرور سمنان.

من قبل از رفتن به جبهه وصیت‌نامه را یک امر شرعی می‌دانم و باید وصیت کنم تا از این دنیا نرفتم فساد تمام این دنیا را گرفته[1] است. تمام این مردم را به گمراهی کشیده است. ای [ملت] شهیدپرور ایران جبهه‌ها را پر کنید. جبهه‌ها محتاج شما مردم است. اگر شما مردم شهیدپرور نباشید، این جبهه‌ها پر نمی‌شود، پس شما مردم شهیدپرور جبهه‌ها را پر [کنید] تا خدا ما را یاری کند و پیروزی نصیب ما شود.

دعا به جان امام را فراموش نکنید، این پیر جماران که تمام مردم ایران را از فساد و گمراهی بیرون کشید. ای برادران از من راضی باشید. ای دوستان و ای برادران پاسدار اگر از من بدی دیده‌اید ببخشید و مرا حلال کنید.

ای مردم شهیدپرور ایران، این منافقین[2] را از ریشه برکنید، تا فساد نکنند و ضربه به انقلاب نزنند و این گرانفروشان را که می‌خواهند بازار سیاه درست کنند، نگذارید و ناراحت نباشید که فرزندتان به جبهه می‌رود، با خوشحالی آنان را بفرستید به جبهه.

ای مادرم ناراحت نباش. وقتی خبر شهادت مرا آوردند با خوشحالی در تشییع جنازه‌ام شرکت کن و گریه نکن، تا این منافقین خوشحال شوند. گریه کن برای امام حسین(علیه‌السلام) که در صحرای کربلا با آن وضع، دشمنان او را کشتند و سر از بدنش جدا کردند.

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**

**حسن اخلاقی**

---

*. بالای صفحه اول وصیت‌نامه شهید اخلاقی نوشته شده «متن وصیت‌نامه پاسدار شهید اسلام حسن اخلاقی».

۱- در اصل وصیت «تمام فساد را این دنیا گرفته است».

۲- ر.ک. تعلیقات.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«والذین هاجروا فی سبیل‌الله ثم قتلوا اوماتوا لیرزقنّهم‌الله رزقاً حسنا و انّ‌الله لهو خیر الرازقین»**[۱] «و آنان‌که در راه خدا از وطن خود هجرت گزیده و در این راه کشته شدند یا مرگشان رسید، البته خدا رزق و روزی نیکویی در بهشت ابد نصیبشان می‌گرداند که همانا بهترین روزی و بندگان است».[۲]

شهادت هدیه‌ای است الهی برای کسانی که لایق آن باشند.[۳] «امام خمینی»

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم  موجیم که آسودگی ما عدم ماست[٤]

سلام و درود خدا بر شهدای انقلاب اسلامی و شهدای جنگ تحمیلی و سلام و درود بر رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی. سلام بر ملّت قهرمان و شهیدپرورمان که همچون کوهی استوار و در زیر موشک‌های دشمنان اسلام و در مقابل این جنگ تا پیروزی ایستاده‌اند و دست از اسلامشان برنمی‌دارند و با حضور فعال خویش در تمامی صحنه‌ها تمامی نقشه‌های شوم شیاطین داخلی و خارجی را برملا و در نطفه خفه می‌نمایند و برای برقراری حکومت عدل الهی آنچنان در تلاش است که به جز خداوند از کس دیگری انتظار پاداش به آنها نیست و می‌رود تا به یاری خداوند در ادامه خط سرخ شهدای انقلاب اسلامی، توفیق نهایی را بیابد.

خدای را حمد و سپاس می‌گوییم که در طول این چهار سال جنگ با امدادهای غیبی خودش به کمک رزمندگان اسلام و ملت مسلمان ما آمد و عزت و پیروزی را نصیب ما

---

۱- حج/ ۵۸ .

۲- ترجمه‌ای آزاد از سوره حج آیه ۵۸ را در نظر داشته است «والذین هاجَروا فی سبیل‌الله ثم قُتِلوا او ماتو لیرزقنّهم الله رزقاً حَسناً و انّ الله لَهو خیرُ الرّازقین».

۳- صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی.

٤- شعر از کلیم کاشانی است.

نمود و شکست و خواری را نصیب قوای کفر. این پیروزی‌هایمان در گرو شهادت‌های عزیزان این امت است.*

*. ذیل وصیت شهید اخلاقی این عبارت وجود دارد. «از جمله شهدای بزرگوار را می‌توان برادر حسن اخلاقی را نام برد.» گویا کسی به بازنویسی وصیت‌نامه شهید اخلاقی اقدام کرده است و در پایان وصیت‌نامه عبارت مذکور را اضافه کرده است. در غیر اینصورت، بعید به نظر می‌رسد خود شهید به تعریف و تمجید خود پرداخته باشد!

«بسمه تعالی»

متن وصیتنامه پاسدار شهید اسلام احسن افلاکی:

سلام به رهبر کبیر انقلاب و به خانواده‌های شهدا که نور چشم این ملت از دست‌رفته ما هستند. ایران، و خصوصاً ملت شهید پرور ما.

من قبل از رفتن به جبهه وصیتنامه را کمی اصلاح و باید وصیت کنم تا از این دنیا نرفتم تمام حسابم را این دنیا گرفته است تمام این مردم را بیگدار احی کشیده است برای شهید پرور ایران. جبهه ها را پر کنید جبهه ها محتاج شما مردم است اگر شما مردم شهید پرور نباشید این جبهه ها پر نمی‌شود پس شما مردم شهید پرور جبهه ها را پر تا خدا به ما یاری کند و پیروزی نصیبمان شود. ریحانه‌ها). اما فراموش نکنید این پیمان را که تمام مردم ایران. را فساد و گمراهی ببرد. کشید. ای برادران از من راضی باشید. ای دوستان. و ای برادران. پاسداران گرانقدر من بدی دیده اید ببخشید و حلال کنید. ای مردم شهید پرور ایران. این منافقین را از ریشه بکنید تا فساد نکند و ضربه به انقلاب نزنند و این گمراه نشوند. راه می خواهند بازار سیاه درست کنند نگذارید و نراحت نباشید که خودتان. به جبهه می روید با خوشحالی آنان. را بفرستید به جبهه. ای مادرم ناراحت نباش و قتی خبر شهادت مرا آوردند با خوشحالی در تشییع جنازه‌ام شرکت کن و گریه نکن تا این منافقین خوشحال شوند گریه کن برای امام حسین که در صحرای کربلا یار. و منع دشمنان. او کشتند و سر از بدنش جدا کردند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

حسن اخلاقی

والذین هاجروا فی سبیل ا... ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم ا... رزقا حسنا ... و همانا خدا ... لهو خیر الرازقین

سوره حج - آیه ۵۸

و آنانکه در راه خدا از وطن خود هجرت کرده و در این راه کشته شوند یا بمیرند (شهید شوند یا بمیرند) رسید البته خدا رزق و روزی نیکوئی در بهشت ابد نصیبشان (نصیبشان) خواهد کرد بدانا خوبترین روزی و بندگان (روزی بندگان) است.

شهادت هدیه ای است الهی برای کسانیکه لایق آنند باشند.

«امام خمینی»

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم  موجیم که آسودگی ما عدم ماست

سلام و درود خدا بر شهدای انقلاب اسلامی و شهدای جنگ تحمیلی و سلام و درود بر رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی. سلام بر ملت قهرمان. و شهید پرورمان. که همچو کوی استوار در زیر هوسهای دشمنان. اسلام و در مقابل این جنگ تمام عیار ایستاده افتخار از اسلام میکنند. بدنی دارند و با حضور فعال خویش در صحنه های تمام عیار شوم شیاطین داخلی و خارجی را بوحشت و در نطفه خفه می نمایند. و برای برقراری حکومت عدل الهی آنچنان در تلاش است که عزیز خداوند از کس دیگری انتظار پاداش ندارد فقط خشنودی خداوند را طالب است و امیدوار است با یاری خداوند در ادامه خط سرخ شهدای انقلاب اسلامی توفیق خدمتی را بیابد خدای را حمد و سپاس می گویم که در طول این چهار سال جنگ با امدادهای غیبی خویش به کمک رزمندگان اسلام و ملت مسلمان ما آمد و عزت و پیروزی را نصیب ما نمود و شکست و خواری را نصیب قوای کفر. این پیروزیها در گرو شهادتهای عزیزان است. این است از جمله شهدای بزرگوار ما هستند. برادر حسن اخلاقی را نام برد.

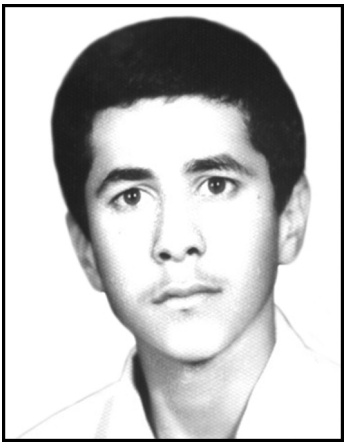

نام: **مجید**
نام خانوادگی: **اخلاقی**
نام پدر: **عبدالمحمد**
نام مادر: **نرگس**
تاریخ تولد: **دهم آذر ۱۳۴۷**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- چه مرگی بهتر از مرگ سرخ خونین و با عزت که در راه خدا باشد.
- به دنیا دل نبندید که دنیا زودگذر و فانی است.
- استغفار و دعا را از یاد نبرید.
- بهترین درمان‌ها برای تسکین درد دعا است.
- وحدت کلمه را حفظ کنید.
- نگذارید خدا نکرده دشمنان اسلام با حیله‌های گوناگون، بین شما و روحانیت متعهد تفرقه بیندازند.
- بر ما واجب است تا رفع هر فتنه‌ای به جنگ ادامه بدهیم.
- برادران و خواهران عزیزم، از شما انتظار دارم دنباله‌رو راه شهدا باشید.
- نگذارید که خون این همه شهیدان پایمال شود.
- اگر توفیق شهادت نصیبم شد، ناراحت نشوید.
- من این راه را آگاهانه انتخاب کردم و من امانتی از جانب خدا نزد شما بودم.

## مجید اخلاقی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

با سلام بر قائم آل‌محمد، مهدی موعود(عج)، شمع هدایت و نور ولایت و نایب برحقش امام امت که بی‌عشق او، عاشق مهدی شدن محال است و با سلام به رزمندگان پرتوان اسلام و درود فراوان به ارواح مطهر و تابناک تمامی شهدای تاریخ اسلام علی‌الخصوص شهدای مظلوم جنگ تحمیلی. با سلام مخلصانه بر حزب‌الله و با سلام بر شما پدر و مادر و برادران و خواهران و کلیهٔ فامیل.

بدانید که روزی مرگ همهٔ شما را[1] در برمی‌گیرد پس چه مرگی بهتر از مرگ سرخ خونین و با عزت که[2] در راه خدا باشد. مبادا که مرگ به هنگام غفلت گریبانگیر شما شود. به دنیا دل نبندید که دنیا زودگذر و فانی است. استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردها دعا است. در بسیج، نمازجمعه و مجالس مذهبی و حتماً در نماز جماعت شرکت کنید و وحدت کلمه را حفظ کنید و نگذارید خدا نکرده دشمنان اسلام با حیله‌های گوناگون بین شما و روحانیت متعهد تفرقه بیندازند، که اگر چنین کردند آن روز، روز جشن ابرقدرت‌ها و بدبختی مسلمانان می‌باشد.[3]

بنا بر آیهٔ صریح قرآن که می‌فرماید: «**و قاتلوهم حتی لاتکون فتنة**»[4] بر ما واجب است تا رفع هر فتنه‌ای به جنگ ادامه بدهیم. شما را به تقوی سفارش می‌کنم. باید حق بگویید و برای قیامت و پاداش‌های الهی کار کنید و در کارهایتان رضایت خداوند را درنظر بگیرید.

برادران و خواهران عزیزم، از شما انتظار دارم دنباله‌رو راه شهدا باشید و نگذارید که خون این همه شهیدان پایمال شود، [به پدر و مادر کمک کنید] و عاجزانه از شما تقاضا دارم که ناراحتی و اذیتی را که از من دیده‌اید ببخشید و حلالم کنید.

---

۱- پس از شما حرف اضافه «را» از قلم افتاده است.

۲- واژهٔ «که» پس از با عزت از قلم افتاده است.

۳- سیاق جمله و فاعل حکم می‌کند فعل می‌باشد جایگزین شود.

٤- بخش اول آیه ۱۹۳ سورهٔ بقره. با آنها جنگ کنید تا فتنه ریشه کن شود.

ای پدر و مادر گرامی و عزیزم که با[1] تمام هستی‌تان[2] در راه بزرگ کردن فرزندان خود کوشیده‌اند و مرا این‌گونه تربیت کرده‌اید، از شما قدردانی می‌کنم و امیدوارم که خداوند به شما اجر اخروی عطا فرماید. اگر توفیق شهادت نصیبم شد، ناراحت نشوید، زیرا من این راه را آگاهانه انتخاب کردم و من امانتی از جانب خدا نزد شما بودم و می‌بایست شما این امانت را روزی به او برگردانید و برای من گریه نکنید و برای مظلومیت امام حسین(علیه‌السلام) و دیگر شهدا گریه کنید. مقابل مصیبت‌ها همچون کوه استوار باشید، تا دشمنان اسلام خوشحال نشوند. از شما خواهش می‌کنم که مرا حلال کنید و ببخشید که شما را در این مدت عمر کوتاهم اذیت و ناراحت کردم. پدر و مادر عزیزم در ضمن از تمام اهل فامیل و آشنایان و همسایگان برایم حلالیت بطلبید و اگر کسی از من طلبی داشت به او بدهید [در ضمن ۲۳ روز روزه قضا دارم قضای آن را برایم بگیرید و ۲۰۰ تومان پول به‌عنوان رد مظالم نیز بدهید].

هرکه شد از روز ازل آشنای دوست — باید که رنج کشد همیشه از برای دوست
باید که گردن از دم شمشیر بگذرد — در هر سری که هست درآن سرهوای دوست

**«والسلام»**
**گردان موسی‌بن جعفر(علیه‌السلام)**
**دعا به جان امام و آیت‌الله منتظری را فراموش نکنید**
**مجید اخلاقی**

---

۱- قبل از واژهٔ «تمام» حرف اضافه «با» آورده شود.
۲- حرف اضافه «را» پس از هستیتان حذف گردد تا سیاق عبارت درست شود.

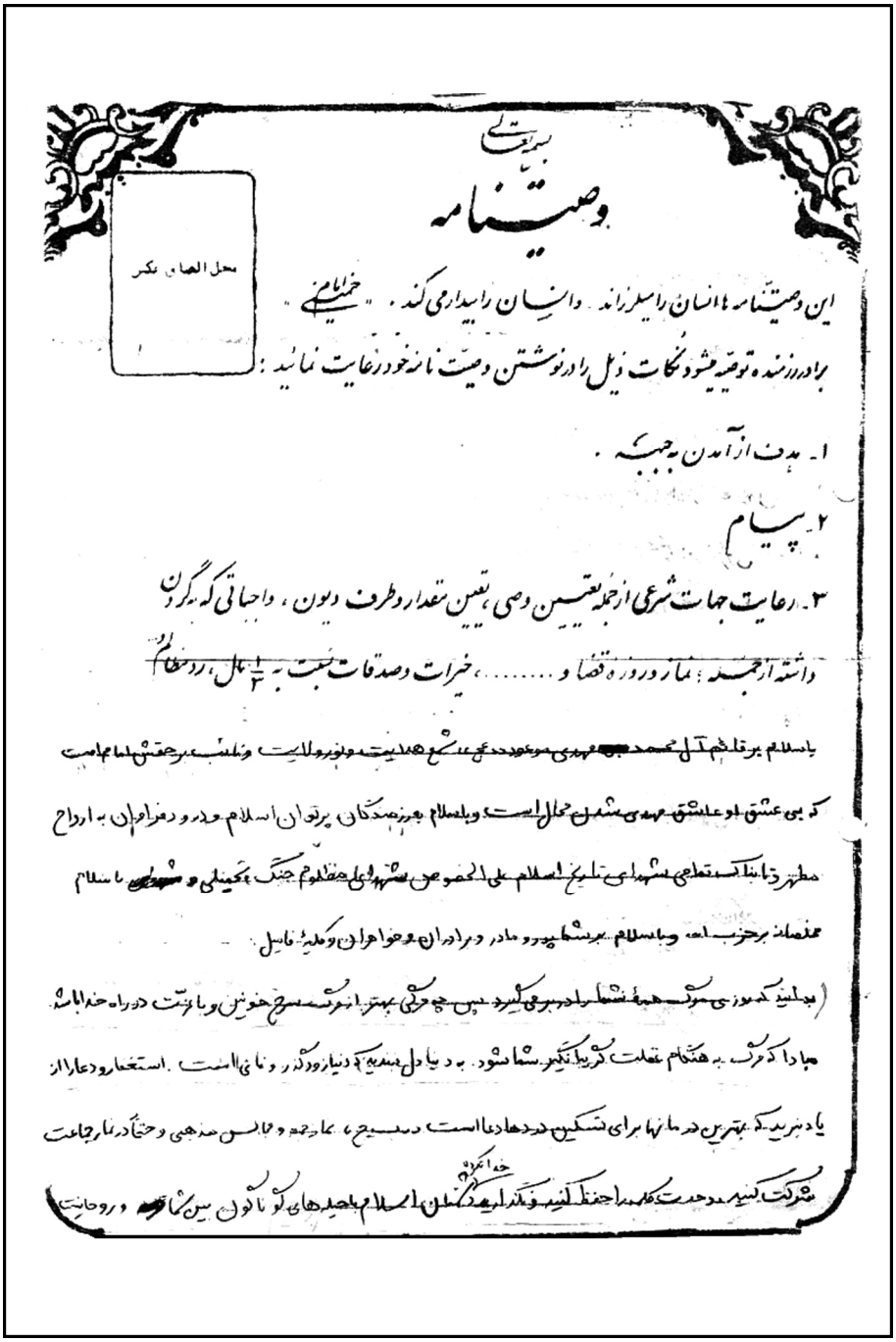

بسمه تعالی

# وصیتنامه

محل الصاق عکس

این وصیتنامه با انسان راسیز راند. وانسان رابیدارمی کند. «خمینی»

برادرزنده: توصیه میشود نکات ذیل را درنوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ـ هدف از آمدن به جبهه.

۲ـ پیام

۳ـ رعایت جهات شرعی ازجمله تعیین وصی، تعیین مقدار وظرف دیون، واجباتی که به گردن داشته ازجمله: نماز وروزه قضا و ....., خیرات وصدقات نسبت به $\frac{1}{3}$ مال، رد مظالم

باسلام برقائم آل محمد مهدی موعود دعای عشق و هدایت ونور ولایت وملتب برحقش امام امت

که بی عشق او عاشق مهدی مشکل محال است وباسلام به رزمندگان پرتوان اسلام ودرود و رحمت خدا بر ارواح

مطهر ذابناک شهدای راه اسلام علی الخصوص شهدای مظلوم جنگ تحمیلی و شهدای اسلام

محمدان برحزب الله وباسلام برشما پدر و مادر و برادران و خواهران و همه فامیل.

بدانید که روزی مرگ همه شما را در بر میگیرد پس چه مرگی بهتر از مرگ در راه خدا باشد

مبادا که مرگ به هنگام غفلت گریبانگیر شما شود. به دنیا دل مبندید که دنیا زودگذر و فانی است. استخاره و دعا را از

یاد نبرید که بهترین درمانها برای تسکین دردها دعا است و در پایان، عاجزانه و خالصانه از خداوند

شرکت کنید در وحدت کلمه را حفظ کنید و قدر این نعمت گرانبهای اسلام یعنی ولایت فقیه را بدانید و روحانیت

صفحه ۲

... معتقد بمیدان نبرد حاضر شوید آنروز روز عزت و سربلندی ما و دیگر مسلمانان می باشد

بنا بر آیه صریح قرآن که می فرماید وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه برما واجب است تا رفع هر فتنه‌ای جنگ

... بدهیم شما را بتقوی سفارش می کنم باید حق پیشه و مبارز باشید و با دشمنان الهی کافر شوید و کارهای

... عفاف عمامه را در نظر بگیرید برادران و خواهران عزیزم انتظار دارم با ... شهدا شوید

... بفضل این همه شهیدان پایمال نشود از همه و مادر کمک کنید کم و عاجز از انجام تقاضا دارم که با راحتی و آرامش

من دیده بخشید و سلام کنید ای پدر و مادر گرامی و عزیزم که تمام هستیم را در راه بزرگ کردن فرزندان

خدا کوشیده ملتزم و والدین تربیت کرده اید از شما متشکرم امیدوارم که خداوند بشما اجر اخروی عطا فرماید

... توفیق شهادت نصیبم شد ناراحت نشوید زیرا من این راه را با آگاهانه انتخاب کردم و من امانتی از جانب

خدا نزد شما بودم و می بایست این امانت را روزی به او برگردانید و برای من گریه نکنید و برای عظمت

... حسین دعا و شکر بجا آورید مقابل مصیبتها همچون کوه استوار باشید تا دشمنان اسلام خوشحال نشوند

... خواهش می کنم که مرا حلال کنید و ببخشید که شما را در این مدت عمر کوتاهم اذیت و ناراحت کردم پدر

و مادر عزیزم در فقدان فرزند طفل و آشنایان و همسایگان جوان حلالیت بطلبید و اگر کسی از من طلبکار است

... بدهید از دهمین ماه روز معاشم ... تومان پول بعنوان ... بدهید

خرم شود از دور ازل آشنای دوست — باید که رنج کمتر هیشه از برای دوست

باید که گردن از دم شمشیر ننگ دارد — در هر سری که هست در آن سر هوای دوست

والسلام

نگران خدمتی: گران موسی بن جعفر (ع)

دعای جوشن کبیر ... منتظری را از یاد نکنید

تاریخ

خواهشمند است ...

امضاء عبد الله ...

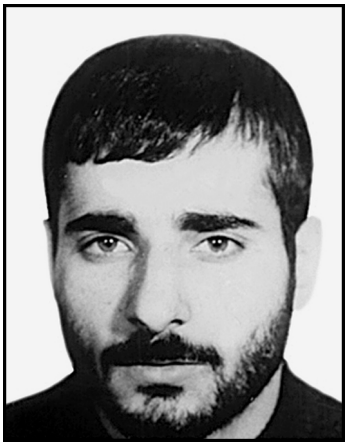

نام: **محمدتقی**
نام خانوادگی: **اخلاقی**
نام‌پدر: **فیض‌الله**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **دوم آذر ۱۳۳۷**
محل تولد: **تهران**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم فروردین ۱۳۶۲**
محل شهادت: **ابوقریب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت‌زهرای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- عیدی شما امسال پیروزی رزمندگان اسلام است.
- به همین زودی‌ها راه کربلای حسینی باز می‌شود.
- امیدوارم که به بزرگواری خودتان مرا ببخشید.
- از شما می‌خواهم که اگر لیاقت شهادت را داشتم، زیاد بی‌تابی نکنید.
- با یکدیگر مهربان باشید و هیچ ناراحت نباشید که خداوند با شماست.
- در اول وقت نماز بخوانید.
- دعا در حق امام یادتان نرود.
- [در] دعای توسل و دعای کمیل و نماز جمع‌ها شرکت کنید.

## محمدتقی اخلاقی[۱]

### بسم الله الرحمن الرحیم

### بسم رب الشهداء و الصدیقین

به‌نام الله در هم کوبندهٔ ستمگران، با سلام و درود بر امام زمان، منجی بشریت و نایب برحقش امام خمینی و شهیدان به خون غلتیدهٔ اسلام و انقلاب اسلامی و شهیدان زنده و جانبازان و امّت حزب‌الله و پدر و مادر، خواهر و برادران خودم که خداوند انشاءالله به همهٔ شما صبر و شکیبایی و سلامتی عنایت فرماید. از دور دست، به همهٔ شما سلام گرمی می‌رسانم. الان که این وصیت‌نامه را می‌نویسم در پادگان دوکوهه[۲] هستم که انشاءالله به همین زودی ما به منطقه اعزام می‌شویم و عیدی شما امسال، پیروزی رزمندگان اسلام است که به همین زودی‌ها راه کربلای حسینی باز می‌شود. می‌دانم که جز بدی چیز دیگری از من ندیده‌اید. امیدوارم که به بزرگواری خودتان مرا ببخشید که نتوانستم خدمتی به شما بکنم. از شما می‌خواهم که اگر لیاقت شهادت را داشتم، زیاد بی‌تابی نکنید و سیاه‌پوش نشوید و حجله برایم نگذارید و چراغانی نکنید. با یکدیگر مهربان باشید و هیچ ناراحت نباشید که خداوند با شماست و حاجی از طرف من وکیل است. در مورد زن و فرزندان تصمیم بگیرد و از مقدار پولی که دارید مدت دو سال نماز و روزه بدهید و اگر بچه‌ها پیش شما بودند از آنها مواظبت کنید. خداوند انشاءالله به همه توفیق عنایت بفرماید. وصیت این حقیر به شما این است که در اول وقت نماز بخوانید و دعا در حق امام یادتان نرود و دعا در حق امام و رزمندگان [در] دعای توسل و دعای کمیل و نماز جمعه‌ها شرکت کنید و به مجتبی هم که خدا صبرش بدهد و به همین زودی‌ها سلامتی خود را به‌دست آورد، رسیدگی نمایید.

---

۱- در بالای وصیت‌نامه تاریخ ۶۱/۱۲/۲۸ آمده است.

۲- ر.ک. تعلیقات.

خداوند انشاءالله همهٔ مجروحین و معلولین انقلاب و جنگ تحمیلی را شفاعت فرماید. «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به مملکت نرسد»[۱] به امید پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه‌های غرب و جنوب کشور اسلامی ایران. همهٔ شما را به خداوند بزرگ می‌سپارم. عرض دیگری ندارم.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.
خدایا خدایا، رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما.
خدایا خدایا، زیارت کربلا نصیب ما بگردان.
خدایا خدایا، معلولین و مجروحین شفا عنایت فرما.
خدایا خدایا، صدام و صدامیان نابودشان بگردان.
خداوند به شما جزای خیر در دنیا و آخرت عطا بفرماید.

یک وصیت به همسر: از زهره و زینب خوب مواظبت کن و به آنها دلداری بده، خدا انشاءالله به تو و بچه‌ها توفیق عنایت فرماید.
مقداری از پولی که باقی مانده به حساب جنگ‌زدگان بدهید.

**۶۱/۱۲/۲۸**

**محمدتقی اخلاقی**

**یک روز قبل از ورود به منطقه**

---

۱- این جمله را از آن امام خمینی می‌دانند «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به مملکت نرسد». اگر چه در صحیفه امام خمینی مجموعه آثار ۲۲ جلدی عین این عبارت یافت نشد. اما حضرت امام در پشتیبانی از ولایت فقیه سخنان صریح، روشن و محکمی دارند از آن جمله‌اند: «اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد. (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۸). به حرف‌های آنهایی که برخلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشنفکر حساب می‌کنند و می‌خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند (اعتنا نکنند) اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا، یا طاغوت، یا خداست یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیرمشروع است «صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۲۱».

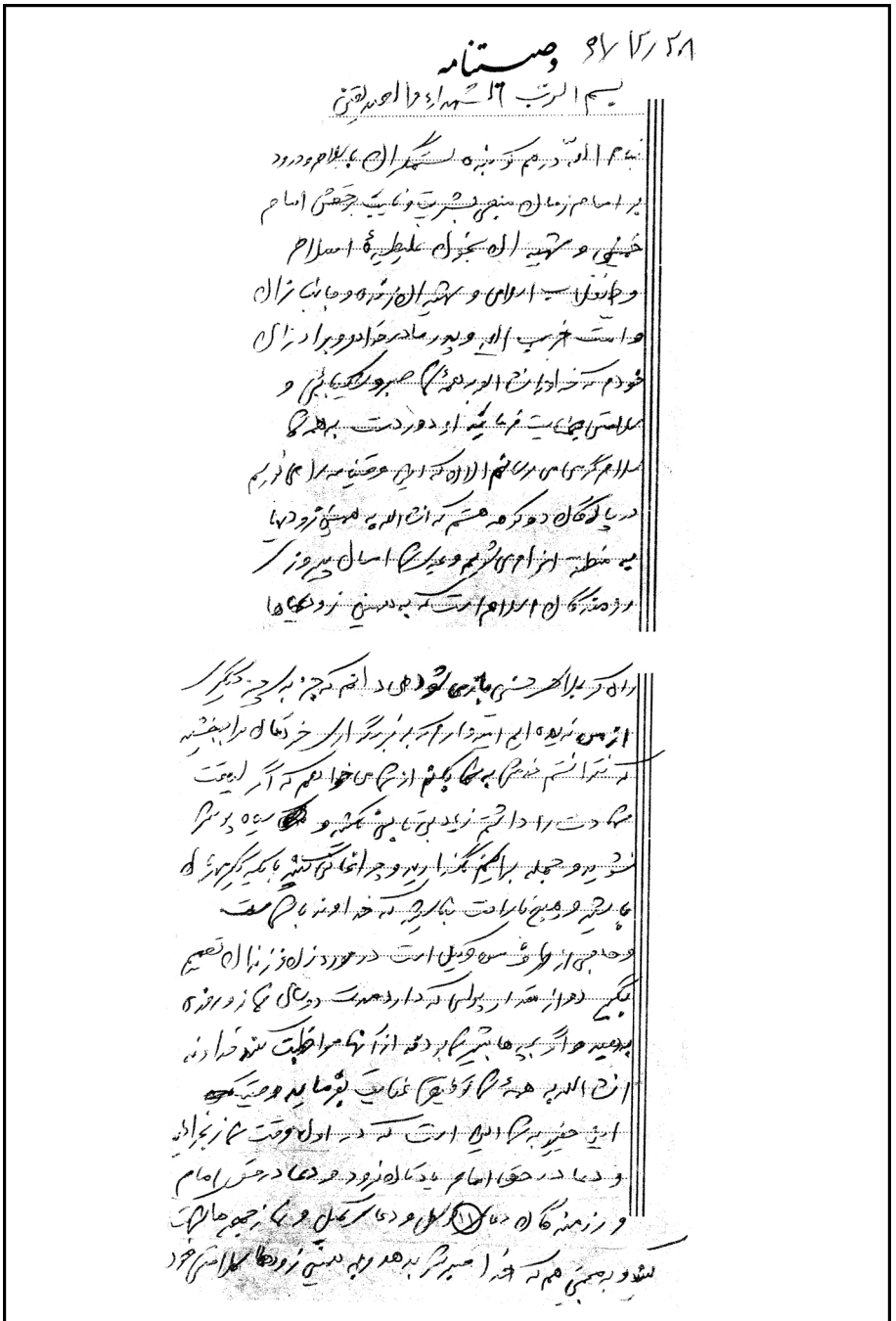

وصیتنامه

بسم الرب الشهداء والصدیقین

انا اول مسلم

یا امام زمان منتظر بشریت و نایب برحق امام

خمینی و شهید راه بزرگ علیه السلام

و جانشیان ارزشی و شهیدان راه وطن و جانباز ان

وصیت خود را این و دیعه صاحب خدا و برادران

خودم که خداوند این دیعه را صبر و شکیبایی و

سلامتی عنایت فرماید که از دوردست بتوانم

سلام گرمی من برسانم این که این وصیتنامه را تقدیم

دریاگان دوکوهه هستم که این دیعه ای ارزشمند را

به منظور ارزیابی و بررسی امانت به دستم رسیده

و وصیتگان این امانت به دستم رسیده

راه کربلا کهر جنگی باشد و من دانم که چه بر حسین دیگر

از من گذشته این امر دارد که بزرگترین خرمان را بپذیرد

من نیز انتظار دارم که با کمک از خدا بخواهم که اگر لیاقت

شهادت را داشتم نزدیک بتواند بشود و شهید پرسر

نشوم و همیشه برایم نگذارد و چراغ تشنه باکیه گرمی را

با خون و شهادت شما روشن کند خداوند با شما

وصیتی از طرف من وکیل است در مورد زنان و فرزندان تصمیم

بگیرد و از هیچ کمکی دریغ نکند و همیشه یاری و نگهدار

باشد و اگر بچه ها شیطنت کردند از آنها مراقبت کند خداوند

این الهیه هدیه ای ناچیز غنایت بفرماید وصیت

این حقیر برای این است که در اول وقت نماز بخواند

و دعا در حق امام بیدار نماید و در دعا در حق امام

و در زمینه گان دعا کند و دعای کمیل و دعای جوشن کبیر

نشود و بعضی هم که خدا صبر کرده و به دنیا زودها کمال می‌کرد

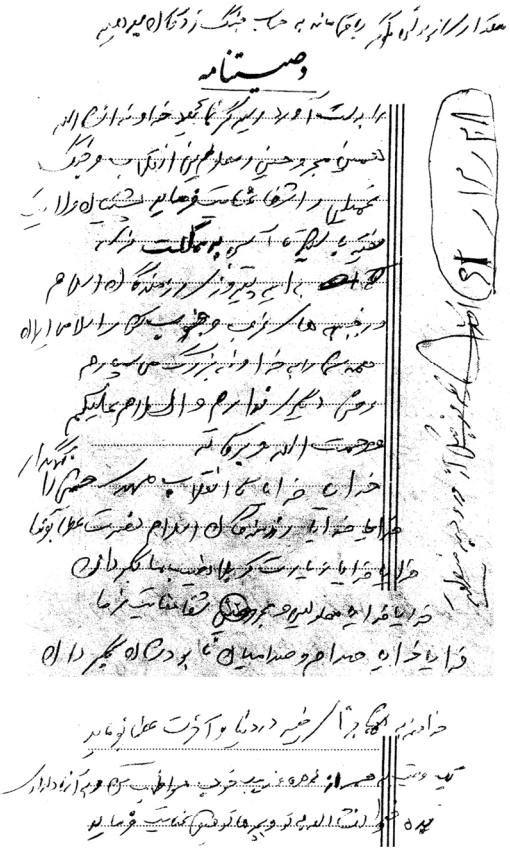

وصیتنامه

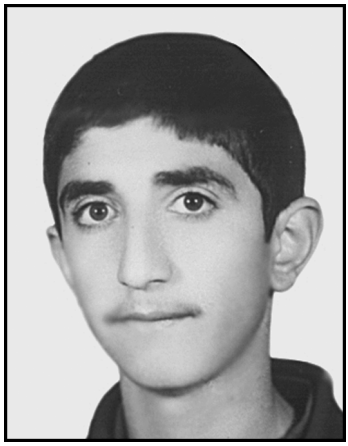

نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **اخلاقی**
نام پدر: **محمود**
نام مادر: **منور**
تاریخ تولد: **ششم مهر ۱۳٤۸**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **سی‌ام تیر ۱۳٦٦**
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- مادرم در شهادت من گریه نکن.
- خود را شریک غم زینب(علیهاالسلام) قرار ده.
- از امت حزب‌الله خواهشمندم که نگذارید اسلحه شهدا بر روی زمین باقی بماند.
- در این موقعیت باید تمامی جوان‌ها هجوم آورند به‌سوی جبهه و به ندای امام لبیک گویند.

**محمدرضا اخلاقی**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان**

«**ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون**»[1] «گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زنده‌اند، اما شما درک نمی‌کنید».

من خود را لایق وصیت کردن به دیگران و پدر و مادر خود نمی‌دانم، اما بنا به وظیفه‌ای که بر گردنم می‌باشد، مجبورم که وصیت‌نامه‌ای برای خود بنویسم. اول توصیه‌های خود را در رابطه با پدر و مادر عزیز می‌کنم:

مادرم در شهادت من گریه نکن و اگر می‌خواهید گریه کنید، در خانه و به دور از چشم دیگران گریه کنید و خود را شریک غم زینب(علیهاالسلام) قرار ده که اگر چنین نکنی دشمنان اسلام را خوشحال کرده‌ای. در حدود ۱۲ الی ۱۵ روز روزه از[2] من قضا شده است که امیدوارم به جای من آن را قضا کنید. همچنین نماز من، از دارایی دنیا صاحب چیزی نمی‌باشم، اما از شما تقاضا دارم در حدود ۱۰۰۰ تومان پول در راه من صدقه بدهید که اگر قرضی یا بدهکاری دارم، رفع شود. به[3] کسانی که با این رژیم مخالفت می‌کنند و یا از حکومت جمهوری ا سلامی ناراضی هستند، می‌گویم، جداً می‌گویم که در تشییع جنازه من شرکت نکنند. حتی اگر فامیل هستند. از امت حزب‌الله خواهشمندم که نگذارید اسلحه شهدا بر روی زمین باقی بماند. در این موقعیت، باید تمامی جوان‌ها هجوم آورند به‌سوی جبهه و به ندای امام لبیک گویند. در آخر از همهٔ دوستان و آشنایان و معلمان حلالیت می‌طلبم، خصوصاً پدر و مادرم که بسیار زیاد آنها را اذیت کرده‌ام. امیدوارم که مرا به بزرگواری خودشان ببخشند.

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**

**۶۶/۴/۲۷- محمدرضا اخلاقی**

---

۱- آل عمران/ ۱۶۹.

۲- در اصل وصیت «بر».

۳- در اصل وصیت «از».

متن وصیت‌نامه شهید محمدرضا اقدامی

با نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

و گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زنده‌اند اما شما درک نمی‌کنید (قرآن مجید)

من خود را لایق وصیت کردن به دیگران و پدر و مادر خودم نمی‌دانم اما بنا به وظیفه‌ای که برگردنم می‌باشد مجبورم که وصیت‌نامه‌ای برای خود بنویسم اول توصیه‌های خود را در رابطه با پدر و مادرم عرض می‌کنم

مادرم در شهادت من [illegible] و اگر می‌خواهید گریه کنید در خانه و پنهان از چشم دیگران گریه کنید و خود را شریک زینب بدانید

قرار بوده که اگر چنین نکنی دشمنان اسلام را خوشحال کرده‌ای مقداری در حدود ۱۲ الی ۱۵ روز روزه بر من قضا شده است که امیدوارم بجای من آن را قضا کنید همچنین نماز. من از دارایی دنیا صاحب چیزی نبوده‌ام اما از شما تقاضا دارم در حدود ۱۰۰۰ تومان پول در راه من صدقه بدهید که اگر قرضی به گردنم دارم رفع شود

از کسانی که با این رژیم مخالفت می‌کنند و با حکومت جمهوری اسلامی ناراضی هستند خواهش می‌کنم که در تشییع جنازه من شرکت نکنند حتی اگر فامیل هستند. راه است حزب الله خواهشمندم که ... و در این موقعیت باید تمامی جوانها هجوم آورند به سوی جبهه و به ندای امام لبیک گویند. در آخر از همه دوستان و آشنایان و همسایگان حلالیت می‌طلبم خصوصاً پدر و مادرم که سبب رنج آنها را اذیت کرده‌ام امیدوارم که مرا به بزرگواری خودشان ببخشند

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

۲۷ ۲۷/۴/۶۶ محمدرضا اقدامی

و السلام علیکم و رحمت ا... و برکاته

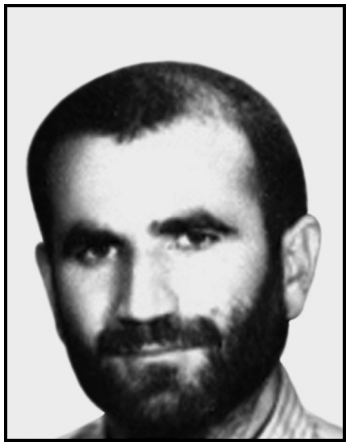

نام: **محمود**
نام خانوادگی: **اخلاقی**
نام پدر: **عبدالمحمد**
نام مادر: **نرگس**
تاریخ تولد: **بیست‌وچهارم فروردین ۱۳۳۵**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **چهارم مرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **اسلام‌آباد غرب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدایا تو شاهد بودی که فقط برای رضای تو و دفاع از اسلام، جبهه رفته‌ام.
- از همسرم می‌خواهم که از فرزندانم خوب مواظبت کند.
- از خداوند متعال خواستارم که گناهانم را ببخشد.

**محمود اخلاقی**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**انا‌لله وانا الیه راجعون**[۱]

با سلام و درود به آقا امام زمان و نایب برحقش امام خمینی و قائم‌مقام رهبری آیت‌الله منتظری.[۲] خدایا تو خود شاهد بودی که فقط برای رضای تو و دفاع از اسلام، جبهه رفته‌ام. از تمام دوستان و آشنایان می‌خواهم گوش به فرمان امام امت باشند.

از پدر و مادر و برادران و خواهران و دوستان و همچنین از همسرم می‌خواهم که اگر از اینجانب بدی دیده‌اند مرا ببخشند و از همسرم می‌خواهم که از فرزندانم خوب مواظبت کند و آنها را خوب تربیت کند. مدت ده سال روزه و پنج سال نماز برای اینجانب بگیرید، مقدار پولی که از برادرم، احمدآقا، طلب دارم، هر موقع در توان ایشان بود به همسرم بپردازد. برای نماز و روزه‌ام یا ماشین[۳] اینجانب را بفروشید، یا اینکه احمدآقا اگر توانست پول تهیه کند، بدهید و بدهکاری که دارم در دفتر نوشته شده که همسرم در جریان می‌باشد. در آخر از خداوند متعال خواستارم که گناهانم را ببخشد.

**«والسلام»**

**محمود اخلاقی**

**۶۶/۹/۲۷**

---

۱- بخشی از آیه ۱۵۶ سورهٔ بقره: «همانا ما از آن خداییم و به‌سوی او باز می‌گردیم».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل سند «را» پس از واژهٔ ماشین قید شده، اما سیاق کلام حکم می‌کند «را» حذف گردد تا عبارت صحیح و شیوا شود.

بسم الله الرحمن الرحیم

إنا لله وإنا إليه راجعون

با سلام و درود به کتابدار زمان و نایب بر حقش امام خمینی و قائم مقام رهبری آیت الله [redacted] خدایا به حرمت شهیدی که برای بقای اسلام و دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی از دنیا رفت و شهدای دیگر که در راه آرمان بزرگ امام گام برداشتند [redacted]

از پدر و مادر و زن و خانواده و فرزندان و همسرم که خانم [redacted] از اینجانب بجای مانده را ببخشند و از همسرم که خانم [redacted] از فرزندانم و بستگان اجازه گرفته ام که ماهیانه خرج [redacted] تومان برای [redacted] سال معوقه پنج سال نماز برای اینجانب بگیرید مقدار پولی که از برادرم آقای [redacted] هر جا هست در آن ایام بدهم همسرم بپردازد. برای نماز روزه ام یا شخص را اجیر نموده یا اینکه آقای [redacted] آن را انجام بدهد فیه تفصیل که در رساله ها گفته شده که همسرم یا فرزندان [redacted] خواهش میکنم از خانواده ام خواستارم که گناهانم را ببخشند

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۶۶/۹/۲۷

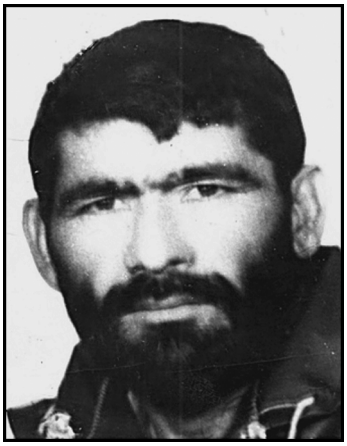

نام: **ذبیح‌الله**
نام خانوادگی: **اخوان**
نام پدر: **خیرالله**
نام مادر: **زرین‌تاج**
تاریخ تولد: **بیستم بهمن ۱۳۲۳**
محل تولد: **جاجرم**
تحصیلات: **بی‌سواد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهاردهم تیر ۱۳۶۳**
محل شهادت: **بانه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

## عبارت‌های کلیدی

- از شما فرزندانم می‌خواهم که سنگر اسلام را ترک نکنید.
- پیرو خط امام باشید.
- تنها راه پیروزی خط امام است.

## ذبیح‌الله اخوان

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«یا ایّتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربّک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنّتی».**[۱]

با درود فراوان به امام امّت و شهدا[ی] به خون خفته از صدر اسلام تا کنون و با درود بر مهدی صاحب زمان(عج) و با درود به خانواده‌های شهدا و با درود به رزمندگان اسلام. همسرم نبات اکبری: می‌خواهم که زینب‌وار از فرزندانم عباس، مهدی، هادی، زری و مرضیه نگه داری کنید. برادرزاده خودم، علی‌اکبر اخوان، بعد از من می‌خواهم که از مادرت و برادرهای خود عباس و مهدی و هادی و خواهرها زری و مرضیه نگه دار[ی] نمایید که امید آینده آنها شما هستید. اکبر می‌خواهم که شما مثل محمد نباشید، که امید بچه‌ها شما هستید و امید من هم شما هستید. خدا می‌داند که غیر شما دلسوزی نخواهم داشت. از شما فرزندانم می‌خواهم که سنگر اسلام را ترک نکنید و پیرو خط امام باشید که تنها راه پیروزی خط امام است.

و همسرم، شما حساب سال را راجع به اموالم بکنید و هر چه بدهکار بودم بدهید. همسرم و فرزندانم و برادرها و همشیره‌ها اگر از این سفر برنگشتم، دیدار من و شما می‌افتد به قیامت. من را ببخشید و رضایت داشته باشید.

**«السلام یا اباعبدالله الحسین یا مظلوم یا غریب»**
**ذبیح‌الله اخوان**

---

۱- فجر/ ۲۸.

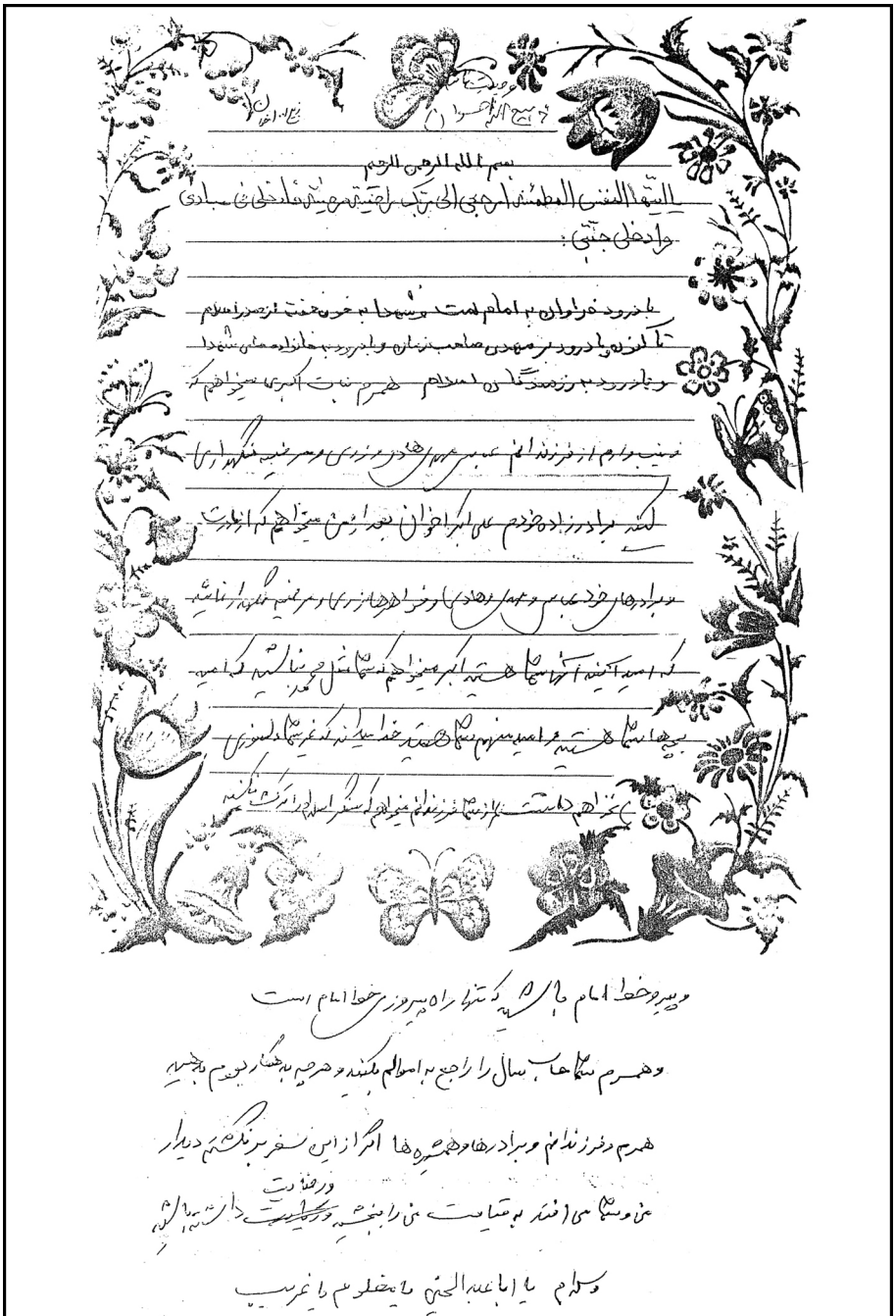

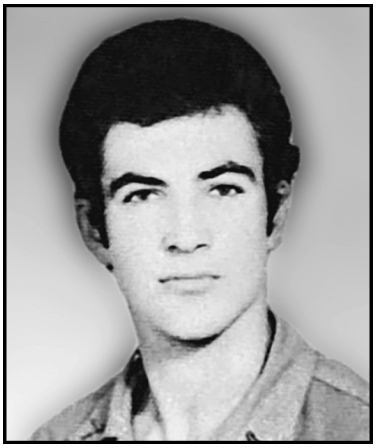

نام: **مصطفی**
نام خانوادگی: **اخیانی**
نام پدر: **عبدالرزاق**
نام مادر: **طیبه**
تاریخ تولد: **بیست‌وهفتم مهر ۱۳۴۷**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم تیر ۱۳٦٦**
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
محل دفن: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- پدر و مادرم این حقیر جوابگوی ذره‌ای از زحمت و رنج‌های شما نمی‌توانم باشم.
- راضی نباشید که فرزندتان راهی جز راه حسین(علیه‌السلام) برود.
- با مرگی جز مرگ حسین‌گونه بمیرد.
- اگر در این راه به شهادت رسیدم، هیچ اندوهی به دل راه ندهید.
- مادرم در عزایم گریه نکن که گریه تو مایه شادی دشمنان است.
- تا آخرین لحظه زندگی دست از این پیر خمین برندارید.
- همواره پشتیبان ولایت فقیه و روحانیت در صحنه باشید.
- شما حافظ خون شهدایید پس مبادا که لحظه‌ای از حرمت آن غافل گردید.

## مصطفی اخیانی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

**سخنی با پدر و مادرم**

«**رب ارحمهما ربیانی صغیراً**»[1] پدر و مادرم می‌دانید و می‌دانم و خدا نیز آگاه است که این حقیر جوابگوی ذره‌ای از زحمت و رنج‌های شما نمی‌توانم باشم. عزیزان من در راه پرورش اینجانب زحمات فراوان کشیدید و به لطف پروردگار چنین فرزندی به اجتماع تحویل دادید پس راضی نباشید که فرزندتان راهی جز راه حسین(علیه‌السلام) برود و با مرگی جز مرگ حسین‌گونه بمیرد و شاد باشید که خداوند چنین کرامتی ارزانیتان داشت، که افتخار دنیا و آخرت را نصیب شما کرد و پسرتان را در راه خود پذیرفت.

پدر و مادرم اگر در این راه به شهادت رسیدم، هیچ اندوهی به دل راه ندهید و خوشحال باشید. مادرم در عزایم گریه نکن که گریه تو مایه شادی دشمنان است. در آخر از شما التماس دعا داشته و حلالیت می‌طلبم.

**فرزندتان مصطفی**

**سخن این حقیر با امت حزب‌الله**

**بسمه تعالی**

برادران و خواهرانم سفارش این حقیر به تمامی این است که تا آخرین لحظه زندگی دست از این پیر خمین برندارید و همواره پشتیبان ولایت فقیه و روحانیت در صحنه باشید. چرا که دشمنان، اسلام را بدون این دو می‌خواهند.

شما حافظ خون شهدایید پس مبادا که لحظه‌ای از حرمت آن غافل گردید. از حضور در صحنه دریغ نکنید و به هیچ یک از عوامل استکبار اجازه اعلام موجودیت ندهید.

---

۱- اسراء/ ٢٤. ترجمه: «پروردگارا چنانکه پدر و مادر از کودکی مرا به مهربانی بپروریدند، تو در حق آنها رحمت و مهربانی بفرما».

از شما می‌خواهم که[1] دعا به امام [را] فراموش نکنید و این بنده حقیر را که سخت محتاج به دعای شماست، فراموش نشود. در پایان از تمامی کسانی که به نحوی حق بر گردن این حقیر دارند، حلالیت طلبیده و التماس دعا دارم.

**برادر کوچک شما**
**بنده گنهکار مصطفی اخیانی**

**سخنی با برادران همکلاسم و معلمان گرامی**

**بسمه تعالی**

معلمان گرامی و استادان عزیز که به هر صورتی در پرورش و تعلیم این حقیر نقشی داشته‌اید، از تمامی شما از صمیم قلب تشکر می‌کنم، هرچند از زحمات شما ذره‌ای نیز قابل قدردانی نخواهد بود.

از معلمان گرامی تقاضا دارم که در کار خود ایمان کامل داشته و با تلاش فراوان در تربیت صحیح این فرزندان امت حزب‌الله کوشا باشید. چرا که «معلمی شغل انبیاست»[2] و مبادا که در این شغل شریف خیانتی صورت گیرد که در برابر خداوند مسئول خواهید بود.

ای برادران و همکلاسان و دوستان عزیز بدانید که از اهم امور پس از حضور در جبهه، درس خواندن و حاضر شدن در کلاس درس است.

با سعی و تلاش هرچه تمام‌تر به یادگیری پرداخته و راه را بر آنهایی که بویی از انقلاب و ولایت نبرده‌اند، ببندید و مگذارید که خدایی نکرده، اینان میدان را از شما بربایند و آینده کشور را در دست بگیرند و بدانید خون شهدا در دست شماست، مبادا که آنرا پایمال کنید و در پایان از تمامی همکلاسان و معلمان گرامی حلالیت می‌طلبم.

**«والسلام»**

---

۱- در اصل وصیت بعد از واژهٔ «که» واژهٔ «از» بوده که برای روانی عبارت حذف شده است.

۲- این جمله از امام خمینی است: «این شغل (معلمی) در عین حالی که بسیار شریف است و بسیار ارزنده است، از باب اینکه همان شغل انبیاء است که برای انسان‌سازی آمده بودند، مسئولیت بسیار بزرگی است چنانچه مسئولیت انبیاء هم بسیار بزرگ بود» (صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۳۵).

**سخنی با شما کبوتران عاشق**

«**من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا‌الله علیه فمن هم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً**»[1] و اما شما ای کبوتران عاشق دلسوخته که به یکباره دنیا را رها کرده و از دنیایتان بریدید و گوی سبقت را [در] میدان سعادت و قرب الی الله ربودید و چیزی جز عشق حسین(علیه‌السلام) در دل ندارید و پروانه‌ای هستید در گرد شمع فروزان عالم هستی، دیوانه‌وار رو به‌سوی معشوق نهید و از بلاها و مصائب هراسی به دل راه ندهید. آری:

در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن[2] شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

برادران من مبادا که لحظه‌ای از خدا غافل گردید. مبادا که لحظه‌ای ذکر او را از لب بردارید که تنها رمز موفقیت ما در همین ذکرها و مناجات‌های شبانه است. اخلاص را توشه راه خود کنید که تنها ملاک اعمال است. شرکت در عزای اباعبدالله فراموشتان نگردد که زندگی و استواری اسلام در گروه همین است و در آخر از یاری امام عزیزمان این پیر جماران دست برندارید و همواره دعاگوی او باشید. از تمام شما التماس دعا داشته و حلالیت می‌طلبم.

«**والسلام**»

**برادر کوچک شما مصطفی اخیانی**

**سخنی با آشنایان و وابستگان**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

آشنایان و وابستگان: اول و آخرین توصیه این حقیر به شما عزیزان این است که بکوشید همواره در خط ولایت بوده، لحظه‌ای از پیروی این ابراهیم زمان،[3] دست برندارید. از آنهایی که تاکنون احتمالاً در انجام وظایف خود نسبت به این انقلاب قصور داشته‌اید، تقاضا

---

۱- احزاب/ ۲۳.

۲- در اصل وصیت «او»، شعر از حافظ است.

۳- منظور از ابراهیم زمان، حضرت امام‌خمینی است.

می‌کنم دست از اینگونه اعمال بردارید، که عقوبتی سخت در پیش دارد و مبادا که آن زمان که دیگر پشیمانی نفعی ندارد، از خواب غفلت بیدار شوید.

در آخر از همگی شما علی‌الخصوص آنهایی که بر گردن این حقیر حقی دارند، حلالیت طلب کرده و التماس دعا دارم.

**ملتمس دعا العبد الحقیر العاصی**

**مصطفی اخیانی**

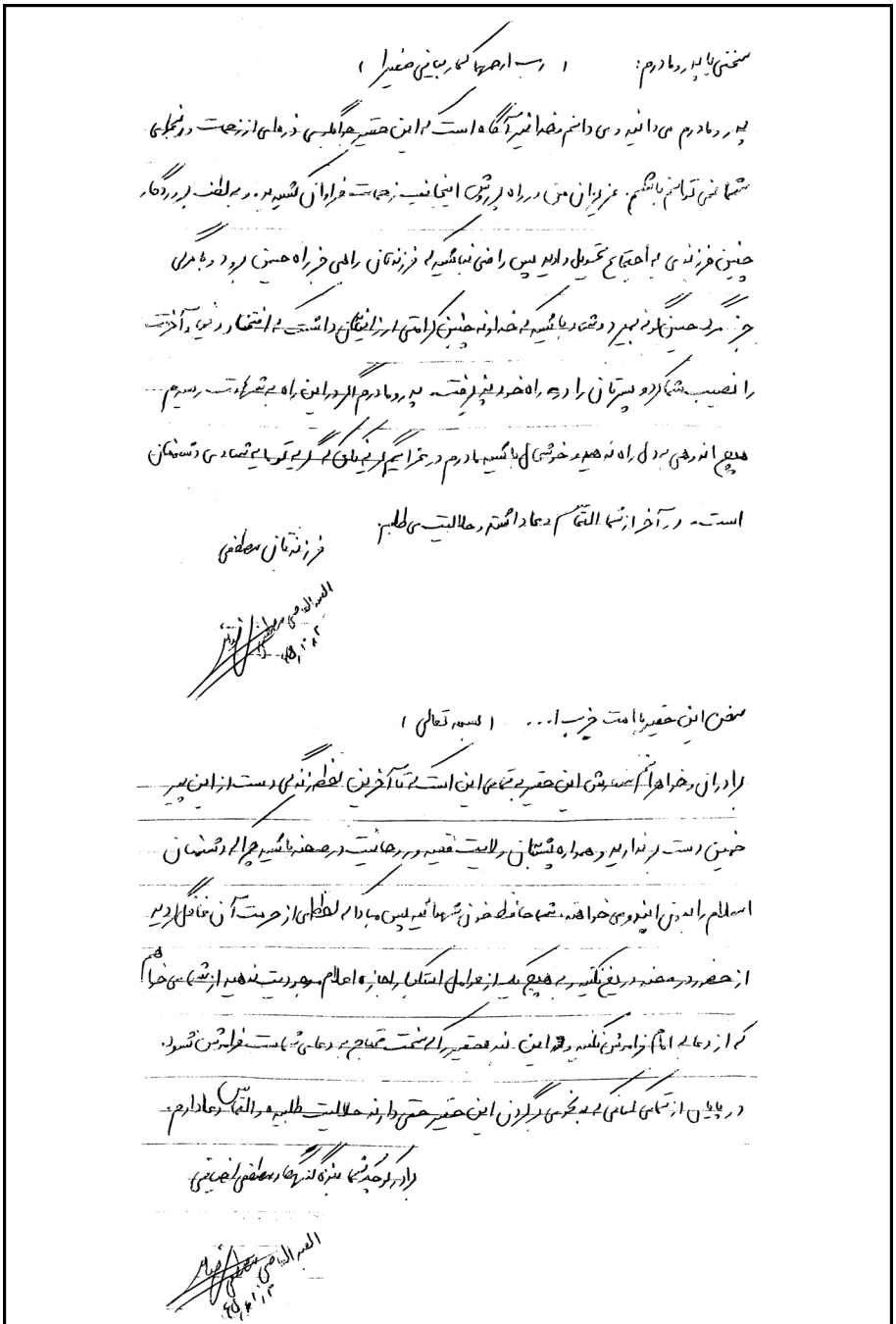

سخنی با پدر و مادرم: (به نام خدا)

پدر و مادرم می دانید و می دانم خدا را شکر آگاه هستید که این حقیر همواره سعی و تلاش در جهت رضایتی شما می داشتم. عزیزان من در راه پر فیض اسلام جهاد نمودم و امیدوارم که مورد قبول درگاه حق قرار گیرد. چنین فرزندی با احتیاج تحویل دادید پس راضی نباشید و فرزندتان را هم در راه حق و دفاع از میهن اسلامی از جان و دل فدا کنید. جز مرگ حسن دیگر دشمن نمیرد و شهید نباشد. خداوند چنین افتخاری را نصیب همگان نکرده و نمی کند. آخر را نصیب شما کرد و سپاس را در راه خود پذیرفته. پدر و مادرم از راه این جهاد مقدس بسیار هیچ اندوهی به دل راه ندهید و خوشحال باشید و در عزای اینجانب گریه نکنید و به شهادت دشمنان است. در آخر از شما التماس دعا داشته و حلالیت می طلبم.

فرزندتان مصطفی

(امضاء)

متن این حقیر با امت حزب ا... (بسم تعالی)

برادران و خواهران عضو این حقیر به شما این است که آخرین لحظه زندگی دست از این پیر خمینی دست بردارید و همواره پشتیبان ولایت فقیه و رهبر عزیز باشید و در صف باشید تا اسلام را بدون اینروسی خواهد. شما حافظ خون شهدا هستید پس مبادا لحظه ای از وحدت آن غافل و دور از حضور در صف و دفع تفکر به هیچ یک از عوامل استکبار اجازه اعلام موجودیت ندهید از شهدای خود که از دماء امام خمینی نشئت گرفته و این حقیر را شفیع خود در دعای خیر قرار دهید.

در پایان از شما برادران و خواهران می خواهم که در قنوت نمازهای خود این حقیر حقیر را نیز حلالیت طلبیده و التماس دعا دارم.

برادر کوچک شما در راه اسلام و مکتب رهبر مصطفی خمینی

(امضاء)

سفیر برادران کلاسم رهبران گرامی (بسمه تعالی)

معلمان گرامی و دانش آموزان عزیز در هر صورتی در پرورش و تعلیم این حقیر نقشی داشته اید از شما سپاسگزارم

از صمیم قلب تشکر می کنم هر چند از زحمات شما وجه ای نمی تواند قابل قدردانی باشد

از معلمان گرامی تقاضا دارم در کار خود ایمان کامل داشته و با تلاش فراوان در تربیت صحیح این

فرزندان امت خود کوشا باشند چرا که معلم شغل انبیاست و ما باید در این شغل شریف خدمتی

صورت گیرد و در برابر خداوند مسئول خواهیم بود. ای برادران و همکلاسان دوستان عزیز بدانید از

اهم امور پس از حضور در جبهه درس خواندن و حاضر شدن در کلاس درس است. با همین سعی و

تلاش هر چه تمامتر به یادگیری پرداخته و راه را برای آنهایی که برای از انقلاب و ولایت نبرده اند

ببندید و بدانید خداوند این میدان را از شما و با شهید آفریده کشور را دست بالا نگه دارید

خون شهدا و دست شجاعت مبادا که آنرا پایمال کنید و پایبند از شما ی همکلاسان رهبران

گرامی حلالیت می طلبم (والسلام)

اکبر الهامی [illegible]
۶۵/۱۰/۲

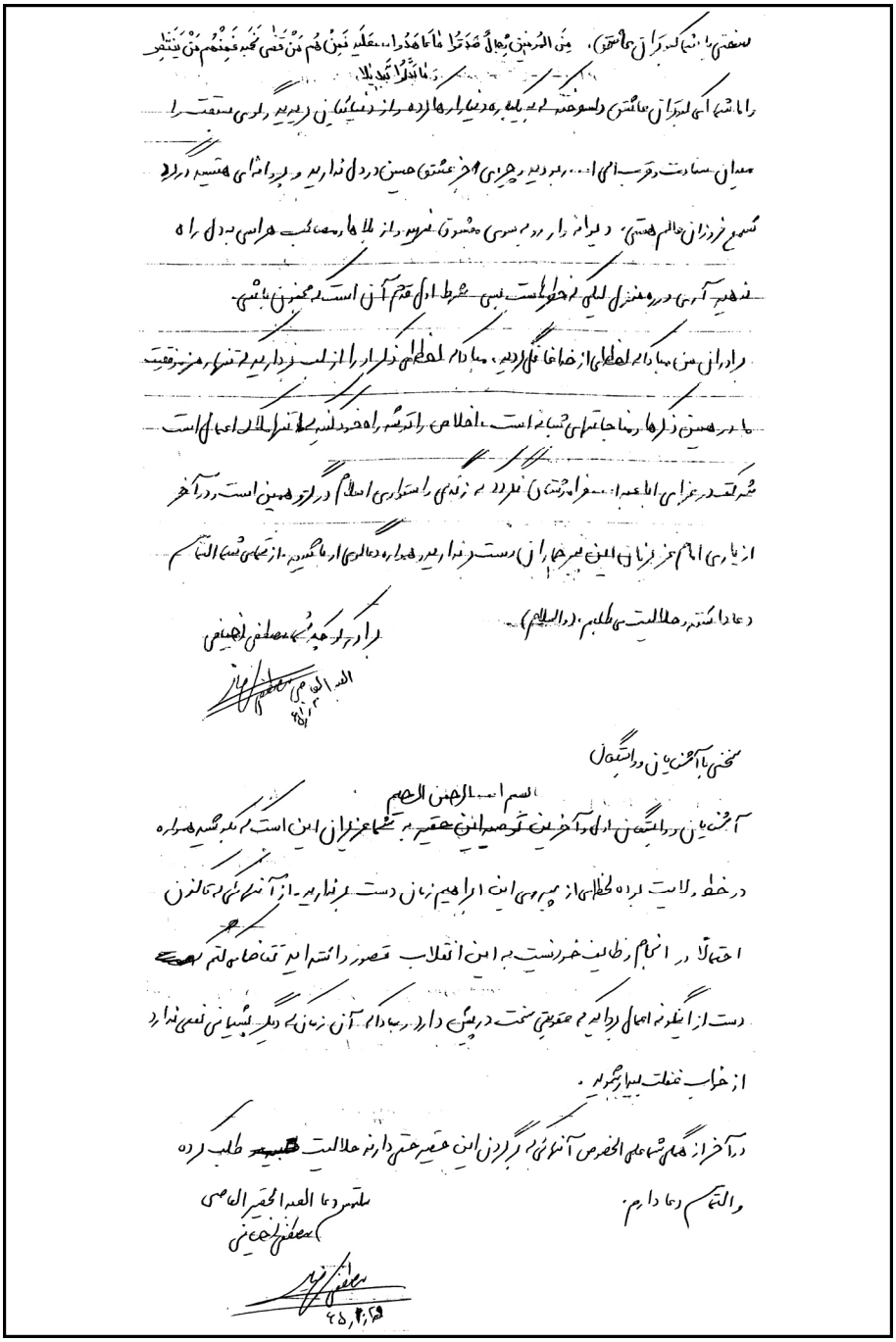

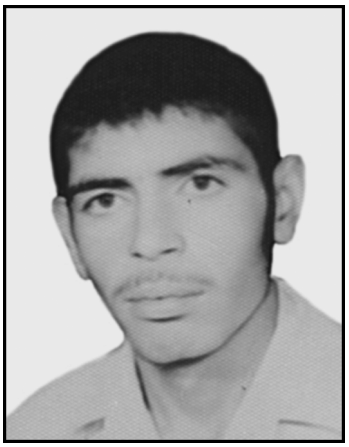

نام: **جعفر**
نام خانوادگی: **ادب**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **هشتم بهمن ۱۳۴۲**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم آبان ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- آری شهادت چه کلمه زیبایی چه واژه پرمعنایی.
- شهادت نصیب مردان خدا می‌شود.
- آری شهادت نقطه اوج به لقاءالله است.
- شهادت معراج نور است.
- شهادت نقطه پرواز است به‌سوی ملکوت.
- اگر بناست بمیرم، چرا در سنگر نمیرم.
- شهید مقام والایی دارد.
- مقام شهید آن‌قدر زیاد است که زبان عاجزم نمی‌تواند بازگو کند.

## جعفر ادب

### بسم الله الرحمن الرحیم

### به‌نام خداوند بخشنده مهربان

با درود بر تمامی شهدای صدر اسلام شهدای هفت تیر[۱]، هشت شهریور[۲]، شهدای فتح‌المبین[۳]، شهدای بستان[٤]، شهدای بیت‌المقدس[٥] و شهدای عملیات رمضان[٦] و تمام شهدای گمنام این مملکت اسلامی و با درود و سلام فراوان به رهبر کبیر انقلاب، پیر جماران، نور فروزان، ستارهٔ درخشان، نور گیتی، نایب امام زمان، حامی مستضعفان، دشمن مستکبران و یگانه پرچمدار اسلامی ایران، امام خمینی که از حضرت احدیت خواستاریم [که] این امام ما را، تا ظهور حضرت و فرج برای این امت شهیدپرور ایران، نگه دارد. تا امام ما باشد و انقلاب اسلامی ایران را به ا نقلاب حضرت مهدی(عج) متصّل نماید وامام ما تا آن زمان زنده بماند و از عمر ما بکاه و به عمر امام بزرگوار بیفزا. به امید آن روز.

**شهید نظر می‌کند به وجه‌الله[۷](امام خمینی)**
**به‌نام یاری دهنده روح‌الله**

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند  روبه صفتان زشت خو را نکشند[۸]

---

۱- ر.ک. تعلیقات.
۲- ر.ک. تعلیقات.
۳- ر.ک. تعلیقات.
٤- ر.ک. تعلیقات.
٥- ر.ک. تعلیقات.
٦- ر.ک. تعلیقات.
۷- از تعابیر عرفانی و بلند حضرت امام خمینی است. مرجع بیان امام وسائل الشیعه (کتاب جهاد) ج ۱۵ ص ١٦، ج ۲۰. در آنجا هفتمین خصلت شهید این‌گونه بیان شده: «یَنظُرُ فی وَجهِ الله، و انّه راحَةً لِکلِّ نبیٍ و شهیدٍ» نقل از حاشیه صحیفه امام ج ۱۳، ص ٥١٤.
۸- این شعر را پس از انقلاب به افراد متعدد نسبت دادند. از زندانیان سیاسی به‌خصوص افرادی که از سوی رژیم طاغوت اعدام می‌شدند تا برخی از شاعران، اما تاکنون مشخص نشده است شاعر و سراینده واقعی این شعر حماسی و مقاومت در ساحت مبارزات سیاسی کیست.

گـر عاشـق صـادقی ز مـردن مهـراس　　مـردار بـود هـر آنکـه او را نکشـند

«شهادت هدیه‌ای است الهی که شایسته افراد لایق می‌شود». (امـام خمینـی)[۱] آری شـهادت چه کلمه زیبایی چه واژه پرمعنایی[۲]. آیا شهادت نصیب من می‌شود یا نـه؟ خـود نمـی‌دانـم ولی تا آنجا که به نظر می‌رسد و من متوجّه می‌شوم شهادت نصیب مـردان خـدا مـی‌شـود. آری شهادت نقطه اوج به لقاءالله است. پرواز به‌سوی نور و فرار از ظلمت و تاریکی اسـت، شهادت معراج نور است، شهادت نقطه پرواز است به‌سوی ملکوت. به‌سوی پاکی. بـه‌سـوی خداست. آیا در این زمان با مرگ طبیعی مردن جایز است؟ نه، هرگز. اگر بناست بمیرم چرا در سنگر نمیرم و چرا در خون خود غوطه‌ور نشوم و با خون خود وضو نگیرم. شهید مقـام والایی دارد. مقام شهید آن‌قدر زیاد است که زبان عاجزم نمی‌توانـد بـازگو کنـد و قلمـم از نوشتن آن عاجز می‌ماند.

آن کس که تو را شناخت جان را چه کنـد　　فرزنـد و عیـال و خانمـان را چـه کنـد[۳]
دیوانـه کنـی و هـر دو جهـانش بخشـی　　دیوانـه تـو هـر دو جهـان را چـه کنـد

آری چه خوش است با فرق شکافته سوی خدا شتافتن، دست جدا، پا جدا، پیکر جـدا، سوی الله رفتن، آری جایی که علـی عبـاس، محمدرضـا، امیـرغلام بـرود، مانـدن مـن چـه فایده‌ای دارد؟ باید من هم مانند آنان به شهادت برسم.

مادر(۲) می‌روم به جبهه[۴]، برای جنگ با دشمن، اگر مرا دیدی در خون خود غلطـانم، بـرام اشکی نریز، اگر نیامدم برام اشکی نریز،

خداحافظ　خداحافظ　خداحافظ

حلالم کن حلالم کن.

آری مادر غم پرورم می‌دانم داغ جوان است، باید رفت.

---

۱- صحیفه امام دورهٔ ۲۲ جلدی، ذیل نمایه شهادت.

۲- در اصل وصیت «معنی».

۳-عطار نیشابوری.

۴- از سرودهایی است که رزمندگان می‌خواندند.

گـر مـرد رهـی میـان خـون بایـد رفـت  کـز پـای فتـاده سـرنگون بایـد رفـت[۱]

حال هنگام وصال آمده، باید جدا شد، باید رفت سوی خدا.

مادر عزیزم مرا حلال کن، مرا عفو کـن و ماننـد مـادر دیگـران شـیر بـاش و در سـوگ جوانت گریه نکن و ناراحت نباش، ای فرشته آزادی من، ای امیـد و آرزوی مـن، در مـرگ من، شیون مکن، گریه مکن.

[...][۲]

... را از چنگال اسرائیل غاصب نجات دهید و فلسطین و لبنان اشغالی را آزاد کنید و بـه برادران مسلمان افغانی هم کمک کنید تا بر شوروی و روس[۳] جلاد پیروز شوند.

وصیتی مهم‌تر از همه، که همیشه در آخر نمازها و در اجتماعات و در هر جا، امام امت رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی را دعا کنید، تا سایه عمر امام عزیز ما را، [خدا] از سر ما کوتاه نکند و تا انقلاب مهدی او را نگه دارد و دعا کنید که خدایا- خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار. از عمر ما بکاه و بـه عمـر او بیفزا.

به امید پیروزی حق بر باطل و به امید آن روزی که انقلاب اسلامی بر تمام جهان صـادر شود.[۴]

---

۱- از رباعیات عطار نیشابوری است.

گـر مـرد رهـی میـان خـود بایـد رفـت  از پـای فتـاده سـرنگون بایـد رفـت

تـو پـای بـه راه درنـه و هـیچ مپـرس  خـود راه بگویـدت کـه چـون بایـد رفـت

۲- یک صفحه از اصل وصیت افتاده است.

۳- اشاره دارد به دورانی است که افغانستان تحت نفوذ وسیطره اتحاد جماهیر شـوروی سـابق بـود، حتـی سـال‌هـا بـا دخالت مستقیم شوروی در افغانستان حکومت در اختیار افرادی بود که از سوی شوروی سابق حمایت و هـدایت می‌شدند.

۴- بحث صدور انقلاب از مباحثی بود که حضرت امام خمینی با توجه به استقبال بسیاری از مردم مستضعف جهـان و یا برخی از کشورهای اسلامی بدان اظهار علاقه می‌کردند. ندای زلال و الهی امـام کـه در جـان بسـیاری از مـردم تحت ستم جهان خوش نشسته بود، دولتمردان کشور از جمله مرحوم بازرگـان، اندیشـه‌هـای بلنـد امـام پیرامـون صدور انقلاب را درک نمی‌کرد و به طریقی با آن مخالف بود. امام هم نگاه جهان‌شمول و بزرگی داشت. بـا تمـام مخالفت‌ها و تبلیغات وسیع و متنوع استکبار جهانی و صهیونیزم بین‌الملل علیه انقـلاب اسـلامی، توانسـت در فـرا

و به امید آن روز که تمام مستضعفین جهان از چنگال مستکبرین جهان نجات یابند.

**«والسلام علیکم و رحمةالله»**

**جعفر ادب**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

«**قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین کله لله فان انتهوا فان الله بما یعملون بصیر**»[۱]

ای مؤمنان، با کافران جهاد کنید که در زمین فتنه و فسادی دیگر نماند و آئین همه دین خدا گردد و چنانچه دست از کفر کشیدند خداوند به اعمالشان بصیر و آگاهست.

با درود به آقا امام زمان(عج) و نایب برحقش رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و با درود به تمام رزمندگان که در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به مبارزه با کفار و منافقین می‌پردازند و با درود به شهیدان که از تمام هستی خویش گذشته و به دیدار معبود خود شتافتند.

راه رفتنی را باید رفت، ولی رفتنی را باید انتخاب کرد که با سربلندی و افتخار باشد. آری راهی که شهیدان انتخاب کرده‌اند، راهی است که حسین(علیه‌السلام) رفت و راهی است که خداوند برای تمام صالحین و مجاهدین قرار داده است. اینجانب، جعفر ادب که بنده ذلیل خداوند هستم، می‌خواهم در این راه قرار بگیرم، چون زندگیم که باعث خدمت به اسلام نگشته، شاید مرگم باعث سربلندی اسلام شود.

ای امت مسلمان، همان‌طوری که امامان فرمود: که جز اسلام به چیز دیگری فکر نکنید. من می‌دانم که سرانجام به شهادت خواهم رسید و این سخن[م] از این جهت می‌گویم که خداوند فرمود: «هر که مرا دوست بدارد، من هم او را دوست می‌دارم و هر

---

مرزها حرکت کند. اگرچه مشکلات پیچیده استکبار جهانی و حتی ابر قدرت شرق آن روز، نتوانست منجر به سقوط نظام جمهوری اسلامی ختم شود، اما بر سر راه نهضت موانعی برپا کردند. اما چون انقلاب اسلامی حق بود سریع‌تر از آن که واژه «حصار» را صرف کنند، امواج بیداری و آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی، در گستره وسیعی از جهان طنین‌انداز شد. (مصحح)

۱- انفال/ ۳۹.

کس [را] که دوستش داشتم به نزد خود می‌برم» وامیدوارم که این بنده حقیر که مدتها در انتظار شهادت به سر می‌برد به او پاسخ مثبت دهد که وعده خدا تخلف‌ناپذیر است.

ای مردم مسلمان و مبارز ایران، امام را تنها نگذارید هر کجا که هستید امام را دعا کنید، جبهه‌ها را خالی نگذارید، در نماز جمعه‌ها شرکت کنید و قرآن را از یاد نبرید، به خانواده‌های شهدا و اسرا سر بزنید و از آنها دلجویی کنید. ای مردم، به مجروحین و معلولین سر بزنید و به آنها کمک کنید. نیاز نیست که اینطور بگویم، چون پنج سال است که هدفتان را شناخته‌اید و آن سخن علی(علیه‌السلام) را می‌دانید که می‌گوید: هزار مرتبه در میدان جنگ بمیرم بهتر از این است که در رختخواب بمیرم. بله شما ملتی هستید شجاع و قاطع که به سلاح ایمان و قدرت خدا تکیه دارید.

و سلام بر تو ای پدر عزیزم که ۲۰ سال کمک کردی و زحمت کشیدی و من را یعنی امانتی که از طرف خدا به شما داده شده بود بزرگ کردی و در راه خدا و برای رضای خدا دادی. من از اذیت و آزاری که به شما کردم معذرت می‌خواهم که مرا ببخشی.

درود و سلام بر تو ای مادر مهربانم، ای مادر دلسوز که تو هم زجر کشیدی در بزرگ کردنم و دردهایم را احساس کرده‌ای و هر دفعه که من می‌خواستم به جبهه بروم هیچ مخالفت نکردی، از این بابت همیشه افتخار می‌کردم که چنین مادری دارم. مادر مهربانم، بعد از من ناراحت نباش و همیشه به یاد خدا باش که یک جان بیش نداریم، چه بهتر که در راه خدا بدهیم.

خواهر عزیزم، ای همسر شهید، فرزندانت را، بچه‌های شهید را، همیشه مواظب باش و چنان تربیت کن که ادامه دهنده راه پدرشان باشند و اینها امانتی هستند که به شما سپرده شدند. به امید فتح و پیروزی.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه — از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا
رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما — یاران باوفای امام ما نگه دار

**«والسلام»**
**من اتبع الهدی**
**۶۶/۷/۱جعفر ادب**

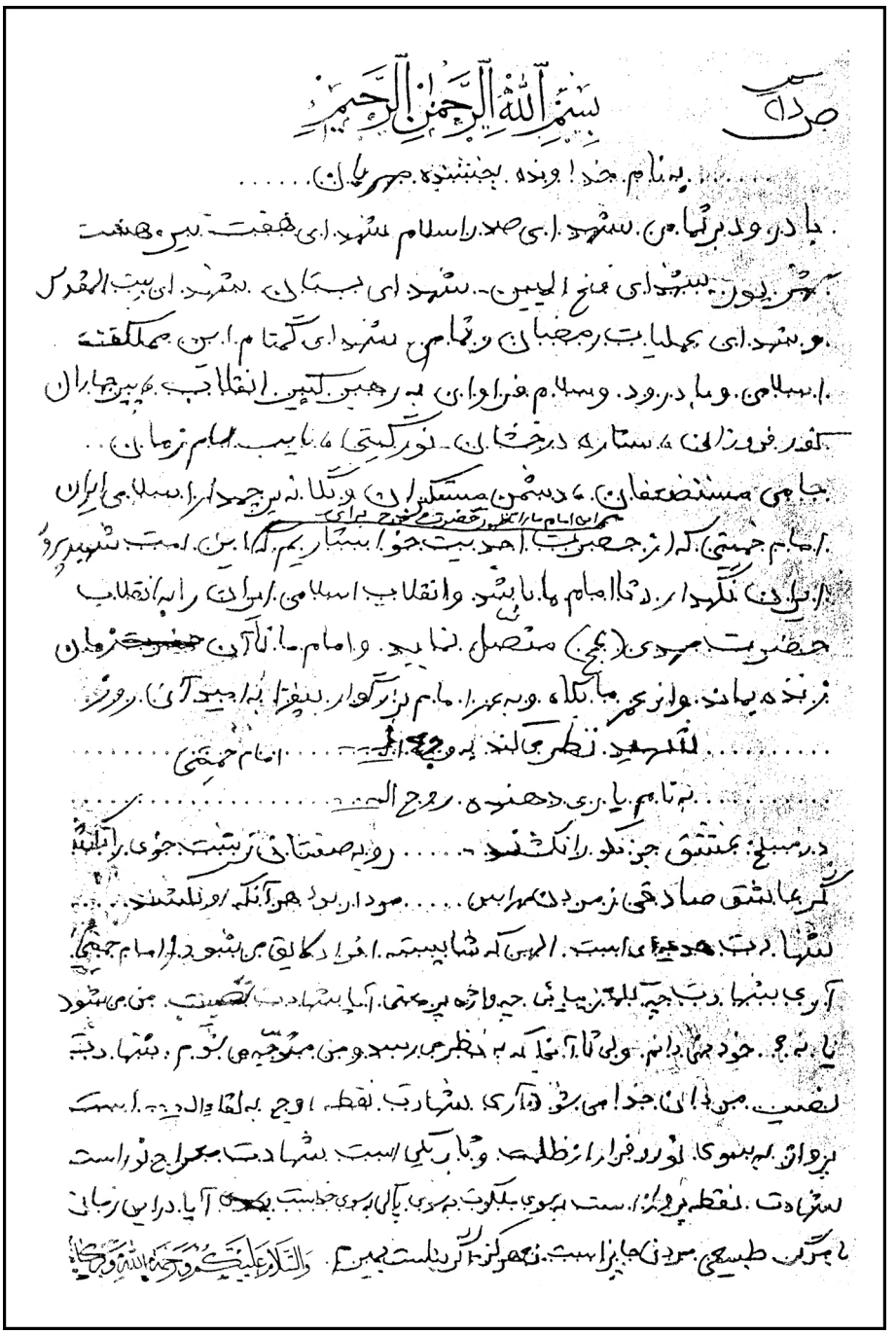

صلی

بسم الله الرحمن الرحیم

..... به نام خدا وند بخشنده مهربان .....

با درود بر نام شهدای صدر اسلام شهدای هفت تیر و هشت
شهریور شهدای فتح المبین شهدای بستان شهدای بیت المقدس
و شهدای عملیات رمضان و نام شهدای گمنام این مملکت
اسلامی و با درود و سلام فراوان به رهبر کبیر انقلاب و یاران
گفر فروزان و ستاره درخشان نور کبیتی و نایب امام زمان
حامی مستضعفان و دشمن مستکبران و نگاهبان پرچمدار اسلامی ایران
امام خمینی که از حضرت رسول حضرت مهدی برای
امام ما ائمه اطهار حضرت رسول حضرت مهدی برای
ایران نگهدار دنا امام ما باشد و انقلاب اسلامی ایران را به انقلاب
حضرت مهدی (عج) متصل نماید و امام ما تا آن حضرت زمان
زنده بماند و از محرومان نگاهدار و به همراه امام بزرگوار بتوانیم آن روز
..... شهید نظر مانند به روح الله ..... امام خمینی .....
..... به نام یاری دهنده روح الحق .....
در سبلغ عشق جز نکو را نکشند ..... رو به صفتان ز ریشت جوی را بکشند
گر عاشق صادقی ز مردن مهراس ..... مردان ره هر آنکه رو نلغزند .....
شهادت هدیه ای است الهی که شایسته افراد لایق می شود امام خمینی
آری بشهادت چه بلوغ زیبائی چه واژه پر معنی آیا شهادت نصیب من می شود
یا نه؟ خود نمی دانم ولی تا آنجا که به خطر می رسد و من متوجه می شوم شهادت
نصیب من از این جدا می شود آری شهادت فقط اوج به لقاء الله است
پرواز به سوی نور و فرار از ظلمت و تاریکی است شهادت معراج نور است
شهادت لغظ پرواز است به سوی ملکوت به سوی بالا به سوی خلسه آیا در این زمان
با مرگ طبیعی مردن جایز است نمیدانم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

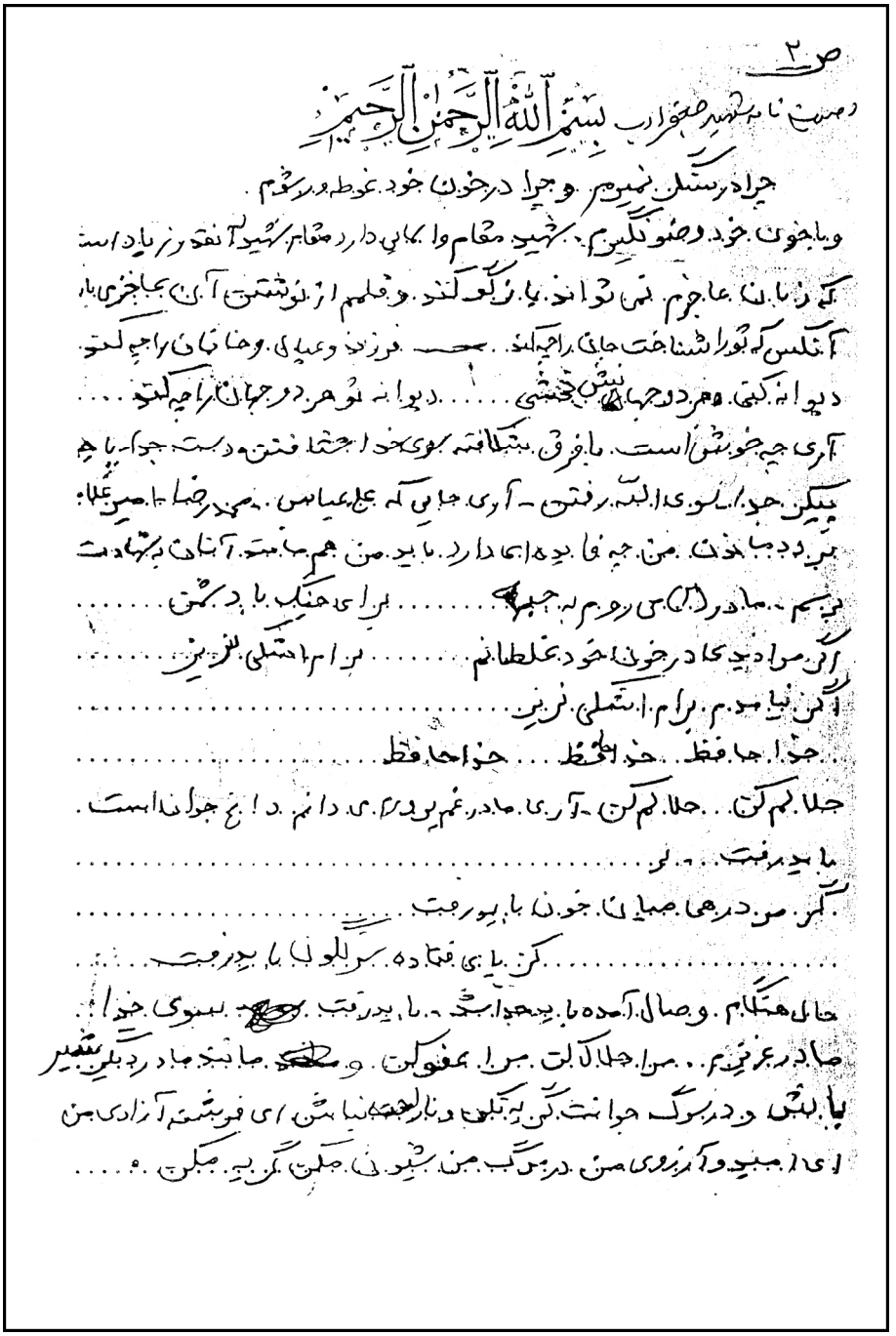

ص ۲

وصیت نامه شهید صفرزاده بسم الله الرحمن الرحیم

چرا از مسئله نمیرم و چرا در خون خود غوطه ور نگردم.

و با خون خود وصیت نکنم. شهید مقام والایی دارد مقام شهید آنقدر زیاد است که زبان عاجز است بتواند بیان کند و قلم از نوشتن آن عاجز و با آنکس که شهادت را شناخت جان را رها کند. فرزند و عیال و خانمان را رها کند دیوانه کی هم دو جهان پیش چشمش ... دیوانه تو هر دو جهان را رها کند ... آری چه خوش است با فرق شکافته بسوی خدا شتافتن و دست جدا با چه پیکر خود را بسوی الله رفتن - آری جایی که علی عباس محمد رضا امیر علی بر دوش پدر جان میدهند من چه فایده ای دارم باید من هم با شهادت آنان بپیوندم مادر (ن) س روحم به جبهه ... برای جنگ با دشمن ... اگر مرا نبیند در خون خود غلطانم ... برایم اشتیاق ترین ... اگر نیامدم برایم اشتیاق ترین ... خدا حافظ ... خدا حافظ ... خدا حافظ ... جلالم کن ... جلالم کن - آری مادر غم بزرگی دارم داغ جوانی است. باید برفت ... تو ... اگر من در هیاهوی جوانی باید برفت ... کن یادی فتاده بر لبها باید برفت ... حال هنگام وصال آمده باید برفت ... بسوی خدا صادر عزیزم ... مرا حلالت کن مرا ببخش و ... باید مادر دلیر شهید باشی و در سوگ حوادث کن بگریان و نالان نباشی ای فرشته آزادی من ای امید و آرزوی من در سوگ من شیون جلن کن بیجا کن ...

بسمه تعالی

وصیتنامه شهید جعفر ادب :

" وقاتلوا هم حتی لاتکون فتنه ویکون الدین کله لله فان انتهوفان الله بما یعملون بصیر " . " آیه /۳۹ ازسوره انفال "

" ای مومنان با کافران جهادکنیدکه درزمین فتنه وفسادی دیگرنماندوآئین همه دین خداگرددرچنانچه دست ازکفرکشیدندخداوندباعمالشان بصیروآگاه هست " .

بادرودبه آقا امام زمان ( عج ) ونائب برحقش رهبرکبیرانقلاب اسلامی امام خمینی وبادرودبه تمام رزمندگان که درجبهه های نبردحق علیه باطل به مبارزه باکفار و منافقین میپردازندوبادرودبه شهیدان که از تمام هستی خویش گذشته وبدیدارمعبود خودشتافتند .

راه رفتنی رابایدرفت ولی رفتنی رابایدانتخاب کردکه باسربلندی وافتخارباشد . آری راهی که شهیدان انتخاب کرده اندراهی است که حسین رفت وراهی است که خداوندبرای تمام صالحین ومجاهدین قرارداده است . اینجانب جعفرادب که بنده ذلیل خدارندهستم میخواهم دراین راه قرارگیرم چون زندگیم که باعث خدمت به اسلام نگشته شایدمرگم باعث سربلندی اسلام شود .

ای امت مسلمان همانطور یکه امامان فرمود : که جزبه اسلام به چیزدیگری فکر نکنیدمن میدانم که سرانجام به شهادت خواهم رسیدواین سخنم ازاین جهت میگویم که خدارندفرمود :

هرکه مرا دوست بدارد من هم او را دوست میدارم وهرکس که دوستش داشتم بنزد خود میبرم وامیدوارم که این بنده حقیر که مدتها در انتظار شهادت بسر میبرد به او پاسخ مثبت دهد که وعده خدا تخلف ناپذیر است .

ای مردم مسلمان ومبارز ایران امام را تنها نگذارید هرکجا که هستید امام را دعا کنید جبهه ها را خالی نگذارید در نماز جمعه شرکت کنید قرآن را زیاد بخوانید به خانواده شهداء راسراء سربزنید وآنها را دلجوئی کنید . ای مردم به دستورحین وصلوا این سر بزنید وبه آنها کمک کنید نیازنیست که اسلام بگویم چون پنجسال است که مفصل راشناخته اید وآن سخن علی ( ع ) را میدانید که میگوید هزار مرتبه در میدان جنگ بمیرم بهتر از این است که در رختخواب بمیرم . بله شما ملتی هستید شجاع وباطن که به سلاح ایمان وقدرت خدا تکیه دارید وسلام برتوای پدرعزیزم که ۲۰ سال کمک کردی رزحمت کشیدی ومن را یعنی امانتی که از طرف خدا بشما داده شده بود بزرگ کرده و درراه خدا وبرای رضای خدا دادی من از اذیت وآزاری که بشما کردم معذرت میخواهم و ازشما میخواهم که مرا ببخشی .

دوردوسلام برتوای مادرمهربانم . ای مادردلسوز که تورهم زجرکشیدی دربزرگ کردنم ودردهایم را احساس کرده ای وهردفعه که من میخواستم به جبهه بروم هیچ مخالفت نکردی ازاین بابت همیشه افتخارمیکردم که چنین مادری دارم . مادرمهربانم بعدازمن ناراحت نباش وهمیشه به یادخداباش که بلد جان بیش

ندارم چه بهتر که در راه خدا بدهم .

خواهر عزیزم : ای همسر شهید فرزندانت را بچه های شهید را همیشه مواظب باش و چنان تربیت کن که ادامه دهنده راه پدرشان باشند و اینها امانتی هستند که بعد از خدا به شما سپرده شده اند

دعای همیشگی :

خدایا ، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

از همه مرتدان و بر همه رایها

رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما .

یاران باوفای امام را نگهدار .

به امید فتح و پیروزی .

والسلام من اتبع الهدی

۶۲/۷/۱ : جعفر ادب

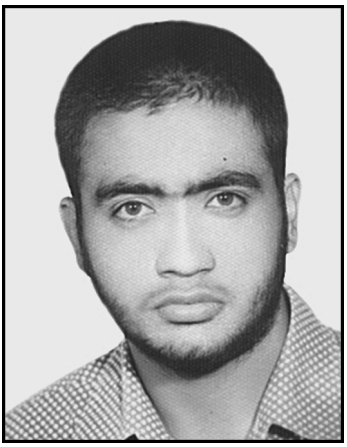

نام: **رجبعلی**
نام خانوادگی: **ادب**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **هاجر**
تاریخ تولد: **هفدهم آذر ۱۳٤٥**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **سیزدهم اسفند ۱۳٦٤**
محل شهادت: **مریوان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

✿ شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد با همهٔ آگاهی و همهٔ عشق و بیداری و بینایی خویش، خود انتخاب می‌کند.

## رجبعلی ادب

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامه شهید رجب‌علی ادب

ای کسانی که مرا برای دفن کردن به‌سوی قبرستان می‌برید، پارچه‌ای سیاه[۱] رویم بکشید[۲] که همه بدانند در طول عمر خود عزادار بودم. چشمانم را باز بگذارید که همه بدانند در طول عمر چشم به راه بودم. [پنجه‌های][۳] دستانم را باز بگذارید که همه بدانند چیزی به همراه نبردم و قالب یخی چون اشک دیدگان[...][٤] بر مزارم بگذارید که با اولین طلوع خورشیدی، به جای مادرم، به روی مزارم اشک بریزد. هشت روز مانده به شهادت برادرش [...][۵] یک صدای الهی او را صدا می‌زد و او را به‌سوی خود می‌کشید. یک نور الهی در دلش شعله می‌زند و می‌خواهد در این شعله تبدیل به آتش شود. شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد با همهٔ آگاهی و همه عشق و شوق و بیداری و بینائی خویش، خود انتخاب می‌کند. شهادت، در فرهنگ ما و در مذهب ما، یک حادثه خونین و ناگوار است. در مذاهب و تاریخ‌های اقوام، شهادت عبارت است از قربانی شدن عده‌ای که در جنگ به دست دشمن کشته شده‌اند و این یک حادثه غم‌انگیز مصیبت‌باری است و نام این کشته‌شدگان شهید و مرگشان شهادت است.

---

۱- پس از واژهٔ سیاه حرف «ز» حذف شود تا خلاف خواست شهید افاده نگردد.

۲- در اصل وصیت «برکشید».

۳- واژهٔ «پنجه‌های» قبل از دستان آورده شده، زیرا شهید افادهٔ کل به اراده جزء کرده است، یعنی پنجه دستانم را باز بگذارید.

٤- خوانا نیست.

۵- پس از واژهٔ برادرش افتادگی دارد.

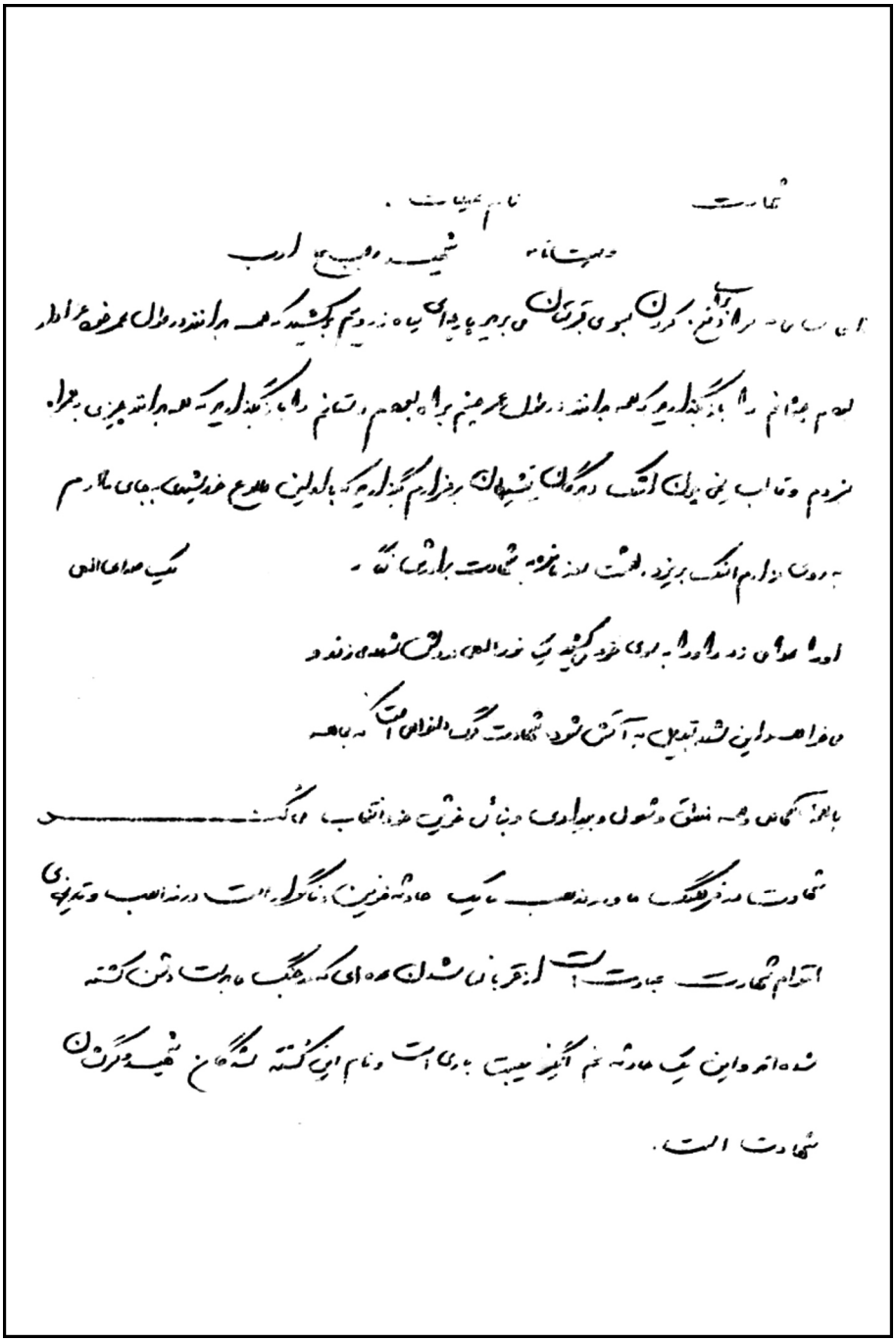

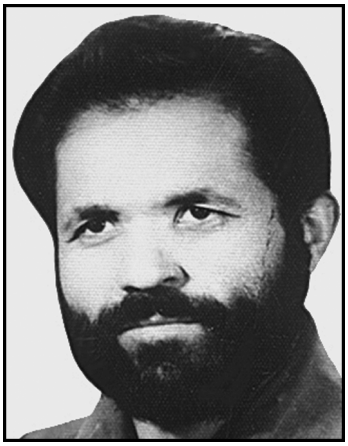

نام: **محمود**
نام خانوادگی: **ادب**
نام پدر: **حسنعلی**
نام مادر: **ساره‌خاتون**
تاریخ تولد: **بیست‌وسوم فروردین ۱۳۱۹**
محل تولد: **سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است.
- شهادت کوتاه‌ترین و سریع‌ترین راه، برای رسیدن به لقاءالله می‌باشد.
- البته شهادت لیاقت می‌خواهد و خشنود کردن خدا هم لیاقت می‌خواهد.
- وظیفه شرعی می‌دانم که در این موقعیت حساس مملکت اسلامی، در این جهاد مقدس شرکت کنم.
- عزیزانم قدر امام عزیز رهبر کبیر انقلاب را بدانید.
- قدر نماز جمعه را بدانید.
- قدر دعای توسل و کمیل را بدانید.
- قدر جنگ را بدانید.
- جبهه‌ها را فراموش نکنید، هرچه بخواهید درکربلای ایران یافت می‌شود.

## محمود ادب

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«رضیت بالله رباً و بالاسلام دیناً و محمد صلی الله علیه و آله نبیاً و بعلی اماماً و بالحسن والحسین و جعفرٍ و موسی و علی و محمد و علی والحسن والخلف الصالح علیهم السلام ائمةً و سادة و قادة بهم اتولی و من اعدائهم اتّبرءُ اللهم انی اسئلُک العفو والعافیه و المعافاة فی‌الدنیا والاخرة».**[1]

**«الحمدلله رب العالمین و الصلوة والسلام علی خیرالخلق و اشرف البریة ابی‌القاسم محمد(ص)».**

با درود و سلام وافر به حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا له الفدا و نایب برحقش حضرت امام خمینی رهبرکبیر انقلاب اسلامی ایران و مستضعفان جهان و درود بیکران خدا و ملائکه مقرب درگاه خدا، بر ملت شهیدپرور، همچنین رزمندگان غیور اسلام که در میدانهای نبرد حق علیه باطل، مردانه همچون حضرت علی‌اکبر(علیه‌السلام) و حضرت قاسم(علیه‌السلام) جان خود را به‌خدای خود هدیه کردند.

عزیزانم، همیشه در زندگانی بیاد خدا باشید و از خاندان عصمت و طهارت فاصله نگیرید، الان بهترین موقعیت برای مبارزه با کافران و مشرکان پدیدار گشته و دشمنان اسلام و مسلمین از هر سو کشور اسلامی ما را مورد تاخت و تاز ناجوانمردانه خود قرار داده‌اند. باید فرصت [را] از دست ندهیم و برای اسلام و سرزمین مقدس ایران به ندای این ابرمرد تاریخ حضرت امام خمینی مدظله لبیک گفته و از هیچ سعی و کوششی دریغ نکنیم. این کار نتیجه‌ای نمی‌دهد، مگر با ایثار و از خودگذشتگی امکان‌پذیر خواهد شد. همان طوری که جوانان عزیز ما، برای ایثار خون خودشان، از همدیگر سبقت می‌گیرند و در سرتاسر زمین مقدس اسلامی ایران حضور دارند تا به جهانیان مظلومیت خود را به اثبات برسانند، هرچند که خود را قابل نمی‌دانم ولی وظیفه شرعی می‌دانم که در این موقعیت حساس مملکت اسلامی، در این جهاد مقدس شرکت کنم و «جهاد در راه خدا دری از

---

۱- قسمتی از تعقیبات نماز ظهر است که در مفاتیح‌الجنان ذیل عنوان کلی تعقیبات مشترکه آمده است.

درهای بهشت است»[۱] هرچند که می‌دانم لیاقت شهادت را ندارم. چون شهادت کوتاه‌ترین و سریع‌ترین راه برای رسیدن به لقاءالله می‌باشد که نصیب همه کس نمی‌شود و البته شهادت لیاقت می‌خواهد و خشنود کردن خدا هم لیاقت می‌خواهد. کسی که می‌خواهد به‌سوی خدا هجرت کند. از همه زیبایی‌ها و از همه دوست‌داشتنی‌ها و از لذت‌های دنیا باید گذشت و از خود جدا شدن و به خدا پیوند زدن می‌خواهد. عزیزانم، قدر امام عزیز رهبر کبیر انقلاب را بدانید. قدر عمر خود را بدانید، قدر نماز جمعه را بدانید، و قدر دعای توسل و کمیل را بدانید، قدر جنگ را بدانید. همان‌طوریکه حضرت امام فرمودند: «جنگ نعمتی است واقعاً نعمت بزرگی برای ملت است»[۲] قدر جوانان مملکت را بدانید که واقعاً نور از چهره‌هاشان می‌درخشد، قدر شهیدان را بدانید، قدر معلومین و قدر ملت ایثارگر و نعمت‌هایی را که خدا به همه ما عطا کرده، بدانید و فرصت را از دست ندهید که فردا دیر است، جبهه‌ها را فراموش نکنید، هرچه بخواهید در کربلای ایران یافت می‌شود. زیارت شهدا را فراموش نکنید. زیرا دیدن مزار آنها روح مبارزه و انتقام و شهادت و استقامت را در انسانها چندین برابر می‌کند. مساجد را خالی نکنید و از دعا محروم نشوید. خدا فرموده: «**ادعونی استجب لکم**»[۳] بخوانید اجابت می‌کنم. صبر و تحمل و خوشبختی دنیا و آخرت در دعا یافت می‌شود.

آنکس که ترا شناخت جان راچه کند　　فرزند و عیال و خاندان را چه کند[٤]
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی　　دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

عزیزانم، اگر لیاقت شهادت را پیدا کردم و به این درجه و مقام الهی رسیدم، از همه شما تقاضا دارم که به این آیه شریفه توجه کنید «**والذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انالله و انا**

---

۱- علی(علیه‌السلام) در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «فان الجهاد بابٌ من ابواب الجنّة» ترجمه «جهاد دری است از درهای بهشت».

۲- امام خمینی: «رحمت است این [جنگ] نه این است که نقمت است بر مردم. یک رحمتی است بر تمام بشر که خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت به مقاتله کرده است». (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۱٦).

۳- غافر/ ٦۰.

٤- اشعار از خواجه عبدالله انصاری است.

**الیه راجعون»**[۱]. در مورد همه نیز تحقق می‌یابد. که انشاءالله خداوند شماها را از صابرین قرار دهد. خدایا تو شاهدی که من براساس رسالت و مسئولیتی که در برابر اسلام و انقلاب اسلامی ایران و خون‌بهای هزاران شهید و مجروح و وظیفه شرعی خود دانسته، به جبهه جنگ آمدم، تا با آنچه در توان دارم با کسانی که ضد خدا می‌باشند، بجنگم و این یک فریضه بزرگ و بر همه لازم است آنچه در توان دارند در راه خدا ایثار کنند. خیلی تنها شده‌ام و همه دوستان و یارانم از من سبقت گرفتند و من با این دنیای فریبنده چه کنم. خجالت می‌کشم در این دنیای فانی بمانم، هر لحظه به سنگینی گناهانم افزوده می‌شود. خدایا اگر قابل می‌دانی هرچه زودتر مرا به کاروان امام حسین(علیه‌السلام) برسان. عزیزانم حضرت زینب(علیهاالسلام) را فراموش نکنید و زینب‌وار به زندگی خود ادامه دهید. فضل‌الله در سنی رسیده که خود می‌تواند جای خالی پدر را پرکند. مردانه زندگی کنید. کسی نفهمد که با نبودن یک نفر زندگی پاشیده می‌شود. هرگز زحمات مادرتان را فراموش نکنید. یک سوم از اموال را در راه خیرات و نماز و روزه و حساب ۱۰۰ امام مصرف کنید. هرچند سالی که برای شما مقدور بود [برایم] نماز و روزه بدهید.

از پدر و مادر عزیزم می‌خواهم که مرا حلال کنند. از اینکه خداحافظی نکردم عذر می‌خواهم. با به‌سوی خدا رفتن، همه چیز فراموش می‌شود و اخوی‌ها و همشیره و همه آقایان و همسایگان را به خدا می‌سپارم و از همه حلالیت می‌طلبم. که انشاالله خدا از تقصیرات این بنده گنهکار درگذرد. «**حافظوا علی الصّلوات والصلوة الوسطی و قوموا لله قانتین**»[۲]

«نگاهداری کنید هر نماز را و نماز میانه و بر پای ایستید برای خدا دعا خوانان»

**خداحافظ شماها باشد**

**التماس دعا دارم**

**محمود ادب**

**٦٤/١١/٥**

---

۱- بقره/ ۱۵٦.

۲- بقره/ ۲۳۸.

بسمه تعالی

متن وصیتنامه شهید محمود ادب :

"رضیت بالله ربّاً وبالاسلام دیناً ومحمد صلی الله علیه وآله
نبیاً وعلی اماماً وبالحسن والحسین وجعفروموسی وعلی
ومحمد وعلی والحسن والخلف الصالح علیهم السلام ائمةً
وسادة وقادة بهم اتولی ومن اعدائهم اتبرء اللهم انی —
اسئلك العفووالعافیه والمعافاة فی الدنیاوالاخره "۰

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیرالخلق واشرف البریة ابی‌القاسم محمد (ص) وبعد درود وسلام وافره حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه ونائب برحقش حضرت امام خمینی رهبرکبیرانقلاب اسلامی ایران ومستضعفان جهان ودرود بیکران خدا وملائکه مقرب درگاه خدا برملت شهید پرورومسجنین رزمندگان غیوراسلام که درمیدانهای نبردحق علیه باطل مردانه همچون علی‌اکبر(ع) وقاسم (ع) جان — خود رابخدای خود هدیه کردند ۰ عزیزانم همیشه درزندگانی بیاد خدا باشید وازخاندان عصمت وطهارت اصله نگیرید الان بهترین موقعیت برای مبارزه باکافران ومشرکان پدیدارگشته ودشمنان اسلام ومسلمین ازهرسوکشورا سلامی مارا مورد تاخت وتازناجوانمردانه خود قرارداده اند باید فرصت ازدست ندهیم وبرای — اسلام وسرزمین مقدس ایران وندای این ابرمرد تاریخ حضرت امام خمینی مدظله لبیک گفته وازهیچ سعی وکوششی دریغ نکنیم این کارنتیجه ای نمی دهد مگربا ایثاروازخودگذشتگی امکان پذیرخواهد شد ۰همان طوری که جوانان عزیزما که برای ایثارخون خودشان ازهمدیگرسبقت میگیرند ودرسرتاسرسرزمین مقدس — اسلامی ایران حضوردارند تابه جهانیان مظلومیت خودرابه اثبات برسانند هرچندکه خودراقابل نمیدانم ولی وظیفه شرعی میدانم که دراین موقعیت حساس مملکت اسلامی رادراین جهاد مقدس شرکت کنم وجهاددرراه خدا دری ازدرهای بهشت است هرچندکه میدانم لیاقت شهادت راندارم چون شهادت کوتاه ترین وسریعترین راه برای رسیدن به لقاءالله میباشدکه نصیب همه کس نمیشود والبته شهادت — لیاقت میخواهد وخشنودکردن خدا هم لیاقت میخواهدکسی که میخواهد بسوی خدا هجرت کند باید از — همه زیبائی ها وازهمه دوست داشتنی ها وازلذتهای دنیا بایدگذشت وازخود جداشدن وبخدا پیوندزدن میخواهد ۰ عزیزانم قدرامام عزیزرهبرکبیرانقلاب رابدانید : ، قدرعمرخود رابدانید ، قدرنماز جمعه رابدانید ، وقدردعای توسل وکمیل رابدانید ، قدرجنگ رابدانیدکه همانطوریکه حضرت امام — فرمودند جنگ نعمتی است واقعاً نعمت بزرگی برای ملت است قدرجوانان مملکت رابدانیدکه واقعاً "نور ازچهره هاشان میدرخشد ، قدرشهیدان رابدانید ، قدرمعلولین وقدرملت ایثارگرونعمتهائی که خدا به همه ما عطاکرده بدانید وفرصت راازدست ندهیدکه فرداد یراست ، جبهه هارافراموش نکنید هرچه بخواهید درکربلای ایران یافت میشود زیارت شهداء رافراموش نکنید زیارت مزارآنهاروح مبارزه و— انتقام وشهادت واستقامت رادرانسانهاچندین برابرمیکند ، مساجدراخالی نکنید وازدعامحروم نشوید خدافرموده : "ادعونی استجب لکم "بخوانیداجابت میکنم ۰ صبروتحمل وخوشبختی دنیاو— آخرت دردعایافت میشود ۰

آنکس که تراشناخت جانرا چه کند　　فرزند ومیال وخانمان را چه کند

دیوانه کسی هرد وجهانش بخشی　　دیوانه تو هرد وجهان را چه کند

عزیزانم اگرلیاقت شهادت راپیدا کردم وباین درجه ومقام الهی رسیدم ازهمه شما تقاضادارم که به این آیه شریفه توجه کنید " والذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا انا لله وانا الیه راجعون " ۰ در مورد همه نیزتحقق میابد ۰ که انشاء الله خداوند متعال شما را از صابرین قرارد هد ۰ خدایا تو شاهدی که من براساس رسالت ومسئولیتی که دربرابر اسلام وانقلاب اسلامی ایران وخونبهای هزاران شهید ومجروح ووظیفه شرعی خود دانسته به جبهه جنگ آمدم تا آنچه در توان دارم باکسانیکه ضد خدا میباشند بجنگم واین یک فریضه بزرگ وبرهمه لازم است آنچه در توان دارند در راه خدا ایثارکنند خیلی تنها شده ام وهمه دوستان ویارنم ازمن سبقت گرفتند ومن با این دنیای فریبنده چه کنم ۰ خجالت میکشم در این دنیای فانی بمانم هر لحظه به سنگینی گناهانم افزوده میشود ، خدایا اگرقابل میدانی هرچه زود ترمرا به کاروان امام حسین (ع) برسان ۰ عزیزانم حضرت زینب سلام الله علیها را فراموش نکنید واوزینب واربزندگی خود ادامه دهید ۰ فضل الله درستی رسیده که خود میتواند جای خالی پدر را پرکند مواظب زندگی کنید کسی نفهمد که یا نبودن یکنفرزندگی پاشیده میشود هرگزخطمات مادرتان را فراموش نکنید ۰ یک سوم از اموال را در راه خیرات و نماز روزه وحساب ۱۰۰ امام مصرف کنید هرچند سالی که برای شما قضا شود روزه بدهید ۰ از دوستان عزیزم میخواهم که مرا حلال کنند از اینکه خدا حافظی نکردم عذرمیخواهم بقسوی خدا رفتن همه چیزفراموش میشود واخوی ها وهمشیره وهمه آشنایان وهمسایگان را بخدا می سپارم وازهمه حلالیت می طلبم ۰ که انشاء الله خدا از تقصیرات این بنده گنهکار درگذرد ۰

" حافظوا علی الصلوات والصلوة الرسطی وقوموالله قانتین "

" نگاهدار کنید هرنماز را ونماز جماعه رپای ایستید برای خدا دا خوانان ۰

خدا حافظ شما ها باشد ۰ التماس دعا دارم ۰

محمود ادب ؛ ۶۴/۱۱/۵

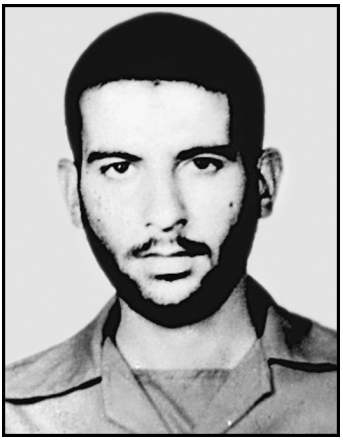

نام: **شهاب‌الدین**
نام خانوادگی: **ادریس‌آبادی**
نام پدر: **عبدالعزیز**
نام مادر: **طاهره**
تاریخ تولد: **سی‌ام دی ۱۳۴۱**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم فروردین ۱۳۶۵**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدایا فرج آقا و مولایمان را نزدیک فرما.
- خدایا به ما ایمانی عطا کن که در راه تو ثابت قدم باشیم.
- خدایا، با آنکه من نتوانستم امامم را ببینم تا حال، ولی عشق او را در دلم صد چندان کن.
- خدایا، به پدر و مادرم صبر عظیم عطا کن.
- از شما می‌خواهم وقتی جسد مرا آوردند خوشحالی کنید.

## سیدشهاب‌الدین ادریس‌آبادی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«اناالله و انا الیه راجعون»**

**«ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عندربهم یرزقون».**[۱]

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم  موجیم که آسودگی ما عدم ماست[۲]

بعد از ستایش حق تعالی که به ما جان داد تا در راهش جان[۳] بازیم و راه را به ما نشان داد تا در آن[٤] قدم برداریم و به[٥] ما رهبری داد که اطاعتش کنیم. خدایا صد هزار بار ترا شکر که ما را به میدان نبرد آوردی و ما را در این جای با شکوه[٦] کشتی و پروازمان دادی. خدایا درود بفرست بر محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آل محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و بر نایب برحقشان امام خمینی که انشاءالله تا قیام مهدی زنده و پاینده باشد. خدایا فرج آقا و مولایمان را نزدیک فرما. خدایا به ما ایمانی عطا کن که در راه تو ثابت قدم باشیم و گناهانم را بیامرز که من خجل هستم در پیش رویت و نمی‌توانم سرم را در مقابل اولیا تو بلند کنم. خدایا با آنکه من نتوانستم امامم را ببینم تا حال ولی عشق او را در دلم صد چندان کن. خدایا به پدر و مادرم صبر عظیم عطا کن، تا در موقع مرگ من دشمنان اسلام را با گریه‌هایشان خوشحال نکنند. و به همه خواهران و برادرم رشد فکری ده، تا در راه تو کوشش کنند و حق سپاسگزاری را در پیشگاهت بجا آورند و خدایا به برادران عزیز پاسدار مسئولیت و تعهد در قبال اسلام و قدرت و شکوه عظیمی در مقابل دشمنان اسلام، عطا کن که با هر یورششان خصم را عقب

---

۱- آل عمران/۱٦۹.

۲- شعر از کلیم کاشانی است.

۳- در اصل وصیت واژه «جان» از قلم افتاده است.

٤- در اصل وصیت «تا بدان» است.

٥- در اصل وصیت «به ما» به راحتی خوانده نمی‌شود اما با سیاق کلام و عبارت باید در اصالت آن تردید نکرد.

٦- غرض جبهه است.

زده و به‌سوی کربلایت و تمام مکان‌های مقدست که در تحت سیطره[۱] دشمنند، پیش بروند. خدایا شفاعت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آل محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را در دنیا و آخرت همراه ما ساز.

پدر و مادر عزیزم، این روز که دارم وصیت نامه می‌نویسم، روز اربعین حسین‌بن‌علی(علیه‌السلام) و یاران فداکارش است. همیشه بدانید که این عبد مسکین، خونش سرخ‌تر از حضرت علی‌اکبر(علیه‌السلام)[۲] و حضرت علی‌اصغر(علیه‌السلام)[۳] نخواهد بود. و از شما می‌خواهم که وقتی جسد مرا آوردند. خوشحالی کنید و عروسی مرا با شهادت جشن بگیرید، که این برای ما افتخاری است و شیون و زاری نکنید که دشمنان ما خوشحال خواهند شد و دعای فرج را بخوانید که آقامان زودتر بیاید که ما منتظر قدم او هستیم و در راه اسلام و امام از هرچه بگذرید که نیکو است.

من نمی‌توانم وصیتی به مردم بکنم چونکه لیاقت آن را ندارم و فرزندی کوچک از آنهایم. برادر از شما می‌خواهم که وصیت حضرت علی(علیه‌السلام) را در آخر وصیتم بخوانید و در عمل آن کوشش کنید:

و من وصیة له علیه السلام[۴]

للحسن و الحسین علیهما السلام لما ضربه ابن ملجم لعنة الله

أوصیکما بتقوی الله وأن لاتبغیا الدنیا و إن بغتکما، ولا تأسفا علی شیء منها زوی عنکما و قولا بالحق و أعملا للأجر. و کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً.

أوصیکما و جمیع ولدی و أهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم أمرکم، و صلاح ذات بینکم، فإنی سمعت جد کما صلی الله علیه و آله یقول: «صلاح ذات البین أفضل من عامه الصلاة و الصیام» و الله الله فی الأیتام فلا تغبوا أفواههم ولا یضیعوا بحضرتکم. و الله الله فی جیرانکم فإنهم وصیة نبیکم ما زال یوصی بهم حتی ظننا أنه سیورثهم. والله الله فی القرآن لایسبقکم بالعمل به

---

۱- در اصل وصیت «سیتره».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

٤- وصیت حضرت علی(علیه‌السلام) به امام حسین(علیه‌السلام) و امام حسین(علیه‌السلام) نامه ٤٧ نهج‌البلاغه ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی ص۳۲۰.

**غیرکم. و الله الله فی الصلاة فإنها عمود دینکم. و الله الله فی بیت ربکم لا تخلوه ما بقیتم فإنه إن ترک لم تناظروا. والله الله فی الجهاد بأموالکم و أنفسکم و ألسنتکم فی سبیل الله. و علیکم بالتواصل و التبادل و إیاکم و التدابر و التقاطع. لا تترکوا الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم.**

ترجمه: و از وصیت آن حضرت است

حسن و حسین(علیهما السلام) را چون پسر ملجم- که نفرین خدا بر او باد- او را ضربت زد. شما را سفارش می‌کنم به ترسیدن از خدا، و اینکه دنیا را مخواهید هر چند دنیا پی شما آید، و دریغ مخورید بر چیزی از آن که به دستتان نیاید، و حق را بگویید و برای پاداش- آن جهاد- کار کنید، و با ستمکار در پیکار باشید و ستمدیده را یار.

شما و همهٔ فرزندانم و کسانم و آن را که نامهٔ من بدو رسد، سفارش می‌کنم به ترس از خدا و آراستن کارها، و آشتی با یکدیگر، که من از جدّ شما (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می‌گفت: آشتی دادن میان مردمان بهتر است از نماز و روزهٔ سالیان.

خدا را! خدا را! دربارهٔ یتیمان، آنان را گاه گرسنه و گاه سیر مدارید، و نزد خود ضایعشان مگذارید. خدا را! خدا را! همسایگان را بپایید که سفارش شده پیامبر شمایند، پیوسته دربارهٔ آنان سفارش می‌فرمود. چندان که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد نمود.

خدا را! خدا را! دربارهٔ قرآن مبادا دیگری بر شما پیشی گیرد در رفتار به حکم آن. خدا را! خدا را! دربارهٔ نماز، که نماز ستون دین شماست. خدا را! خدا را! در حق خانهٔ پروردگارتان، آن را خالی مگذارید چندان که در این جهان ماندگارید، که اگر- حرمت- آن را نگاه ندارید به عذاب خدا گرفتارید.

خدا را! خدا را! دربارهٔ جهاد در راه خدا به مالهاتان و به جانهاتان و زبانهاتان! بر شما باد به یکدیگر پیوستن و به هم بخشیدن. مبادا از هم روی برگردانید، و پیوند هم را بگسلانید. امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که بدترین شما حکمرانی شما را بردست گیرند! آنگاه دعا کنید و از شما نپذیرند.

ای خوشا با فرق خونین در لقای یار رفـتن سر جدا پیکر جدا در محفـل دلـدار رفـتن
[...][1]در راهی که بتوان بی‌غم پا ره سـپردن سینه بر موجی که بی‌پارو توان هموار رفتن

**شهاب‌الدین ادریس‌آبادی**
**«خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار»**
**۶۰/۹/۲۶ اربعین حسینی**

۱- خوانا نیست.

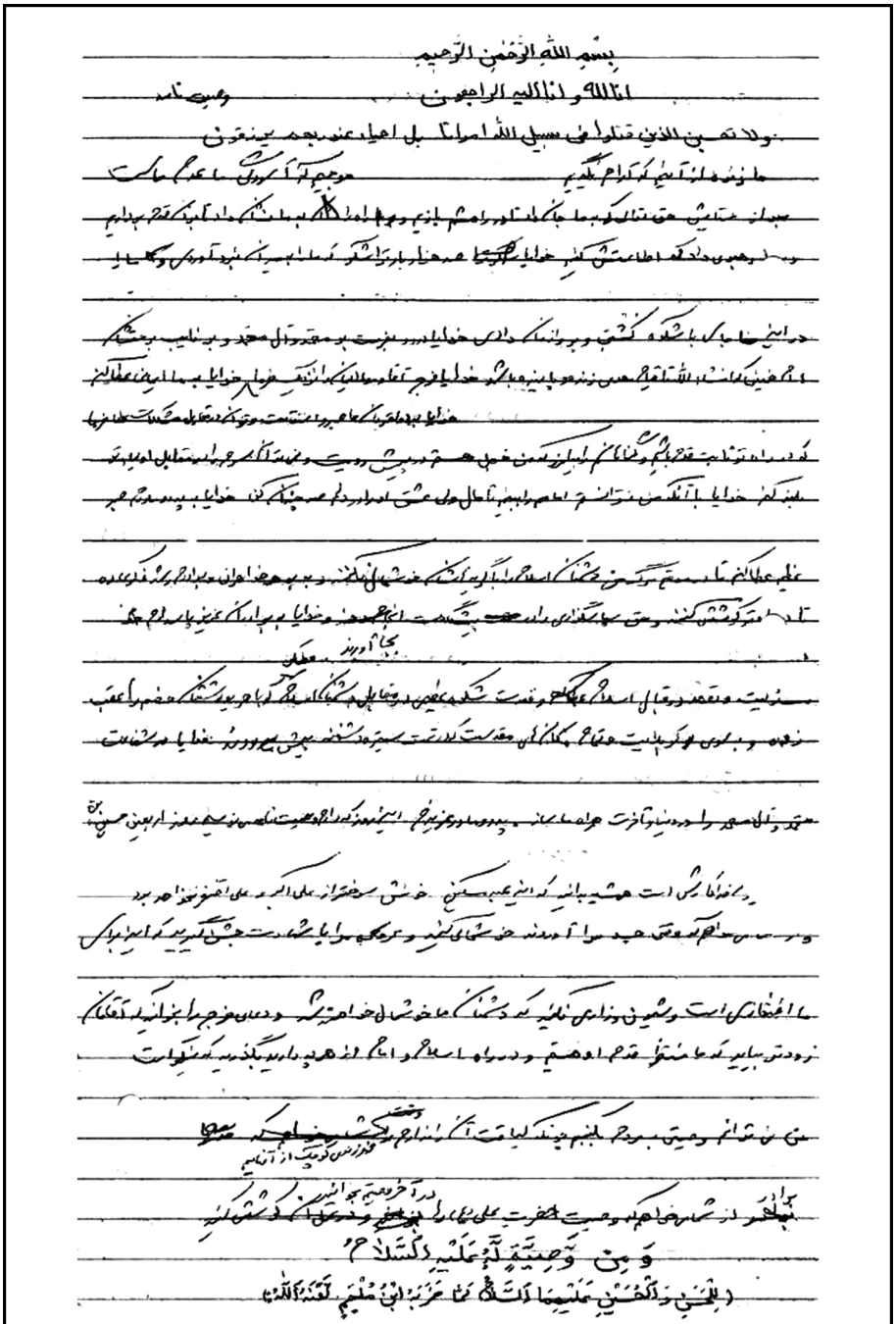

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون — وصیت نامه

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

ما نوکران آنیم که کرام گفتیم — موجیم که آسودگی ما عدم ماست

سپاس و ستایش خدای را که ما را آفرید و راهش را پیش پایمان گذاشت تا قدم برداریم و درهایی را که اطاعتش گشوده خداوندا ما را از شکر کنندگان قرار ده

در این شب که با شکوه کشف و پرنیاز داری خدایا در برابر تو به مقدورات محدود و بی نایب بودنم و فقیر کرامت الله تا قیام حسن زنده و پاینده باقی که از آن هر خدایا فرج آقا و مولایمان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را از تو خواهانم و خدایا به ما این توفیق را عنایت فرما که در رکاب آن حضرت با دشمنان تو و دشمنان خودمان جهاد کنیم و در راه تو و اسلام عزیز جان خود را فدا نماییم

خدایا تو را شاکرم که مرا از بدو تولد در خانواده‌ای مسلمان و مذهبی قرار دادی و به من توفیق دادی که در راه تو و اسلام عزیز گام بردارم و خدایا تو را شاکرم که مرا در این برهه از زمان که اسلام عزیز در خطر نابودی کامل است و ما شاهد ظلم و ستم و کفر جهانی بر ضد اسلام و مسلمین هستیم به دنیا آوردی و توفیق دادی که در راه تو و اسلام عزیز گام بردارم و خدایا تو را شاکرم که مرا در این برهه از زمان که اسلام عزیز در خطر نابودی کامل است و ما شاهد ظلم و ستم و کفر جهانی بر ضد اسلام و مسلمین هستیم به دنیا آوردی و توفیق دادی که در راه تو و اسلام عزیز گام بردارم و خدایا تو را شاکرم که مرا در این برهه از زمان که اسلام عزیز در خطر نابودی کامل است و ما شاهد ظلم و ستم و کفر جهانی بر ضد اسلام و مسلمین هستیم به دنیا آوردی و توفیق دادی که در راه تو و اسلام عزیز گام بردارم

و من وصیتی لم علیه السلام

(الحسن و الحسین علیهما السلام لعن الله عمر بن ملجم لعنه الله)

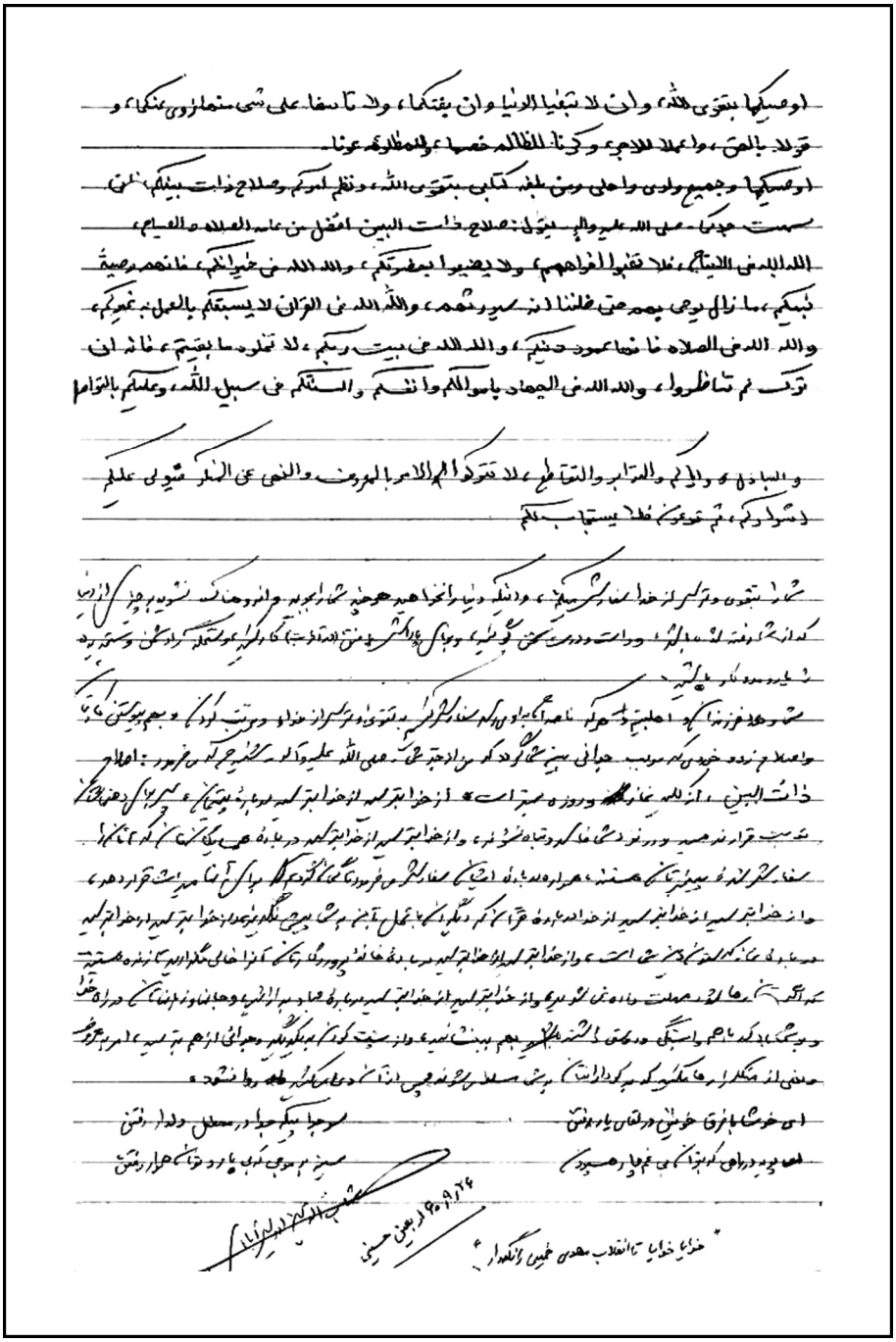

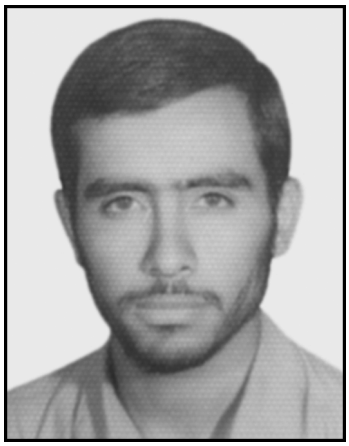

نام: **علی**
نام خانوادگی: **ادهم**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **هفتم شهریور ۱۳٤۷**
محل تولـد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم تیر ۱۳٦٦**
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- بارالها سوی تو روی آورده‌ام و گل سرخ شوق را به امید کرم تو در دل پروراندم.
- بارالها به پروردگاری تو گواهی می‌دهم و اعتراف و اقرار دارم.
- مسئله حیات اسلام است و از حبیب‌بن مظاهر تا علی‌اصغر(علیه‌السلام) همه باید در این راه فدا شوند.
- این خون و جان ما تا وقتی ارزش دارد که اسلام در خطر نباشد.
- با حضور خود در این جبهه حافظ این استقلال باشید.
- جنگ جنگ است و عزت و شرف دین و میهن ما در گرو همین مبارزات است.
- بدانید که جبهه بهترین محل یادگیری درس فداکاری و ایثار است.
- جبهه بهترین محل برای خودسازی و درک تفسیر آیه‌های قرآن است.
- جبهه بهترین محل برای جهاد با نفس است.

## علی ادهم

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«اشهد ان لااله الاالله و اشهد ان محمداً رسول‌الله و اشهد ان علی ولی‌الله».**

**«ان‌الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل‌الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التوریه و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذالک هوالفوز العظیم»**[1].

«محققاً خدا از مؤمنین مال‌ها و جان‌ها و دارایی‌هایشان را خرید که به‌جای آن بهشت برایشان باشد بنابراین آنان هم در راه خدا جهاد می‌کنند پس می‌کشند و کشته می‌شوند وعده‌ای است که وفای به آن بر خدا حق و درست است و آن را در تورات و انجیل و قرآن بیان نموده و کیست که به عهد و پیمان خود وفا کننده‌تر از خدا باشد. پس ای مومنین شاد باشید به داد و ستد خودتان آنچنان داد و ستدی که به آن معامله نمودید که آن معامله و داد ستد همان پیروزی و رستگاری بزرگ است».

فان تکن الدنیا تعد نفسیه ... فذا ثواب‌الله اعلی وابتل
وان تکن الاموال فَتُرک جمیعا ... فما بال متروک باء المرء یبخل
و ان تکن الا بدان للموت اَنشَات ... فقتل المرء بالسیف فی‌الله اجمل[2]

اگرچه دنیا زیبا و دوست داشتنی است. اما خانه پاداش الهی و خانه آخرت بسیار زیباتر و بهتر است و اگر مال دنیا را آخر کار باید گذاشت و رفت، پس چرا انسان آن را در راه خدا انفاق کند. و اگر این بدن‌های ما ساخته شده است که آخر کار بمیرد، پس چرا در راه خدا با شمشیر قطعه قطعه نشود.[3] (امام حسین(علیه‌السلام))

---

۱- توبه/ ۱۱۱.

۲- اشعار منسوب به حضرت امام حسین(علیه‌السلام) است.

۳- آنچه ذیل اشعار آمده در واقع ترجمه‌ای آزاد از ابیات عربی است که در وصیت آمده است البته از بین ابیات مورد نظر بیت سوم آن اشهر است که در برخی از وصیت‌نامه‌ها بدان اشاره شده است یا به‌صورت شعر و یا ترجمه آن را در نظر داشته‌اند.

به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با سلام و درود بر یگانه منجی عالم بشریت و نسل غوطه‌ور در گناه مهدی موعود و بنام خداوند بت‌شکنان تاریخ ابراهیم خلیل‌الله و محمد رسول‌الله و خمینی روح‌الله.

حمد و سپاس بیکران خداوندی را که به ما نعمت هستی عنایت فرمود تا از آن در راهی که رضای او در آن است استفاده کنیم. شکر خداوندی را که، اسلام واقعی را به ما نمایاند و برای هدایت ما پیامبران را فرستاد. شکری مضاعف که به ما توفیقی عنایت فرمود، تا همراه با بسیجیان و سپاهیان عاشق به سرزمین نور قدم گذاردم که به عطر خون شهیدان مطهر است.

بارالها، به‌سوی تو روی آورده‌ام و گلسرخ شوق را به امید کرم تو در دل پروراندم، بارالها به پروردگاری تو گواهی می‌دهم. اعتراف و اقرار دارم که تو پروردگارم هستی و بازگشتم به‌سوی تست[۱] پیش از آنکه چیزی باشم و نشانی از من باشد، به من نعمت آغاز کردی و مرا از خاک آفریدی و برای هدایت مقدر خود به‌دنیا آوردی.

پدر و مادر گرامی‌ام، می‌دانم چقدر برای من زحمت کشیدید، و واقفم که هیچگاه نتوانستم حتی گوشه‌ای از زحمات طاقت‌فرسای شما را جبران کنم. فقط توجه داشته باشید، وقتی مسئله، مسئله حیات اسلام است و از حبیب‌بن مظاهر[۲] تا علی‌اصغر[۳] همه باید در این راه فدا شوند این خون و جان ما تا وقتی ارزش دارد که اسلام در خطر نباشد. وقتی اسلام در خطر افتاد، سر حسین(علیه‌السلام) بالای نیزه می‌رود و زینب به اسیری می‌رود و حضرت علی‌اکبر[۴] و حضرت علی‌اصغر کشته می‌شوند. بدن امام حسین(علیه‌السلام) را زیر سم اسب‌ها له می‌کنند و سر امام حسین(علیه‌السلام) را با شمشیر جدا می‌کند. همه این جنایت‌ها به‌خاطر اسلام بوده است و خواهد بود. اما دین اسلام باید باقی بماند.

پدر و مادر عزیزم، می‌دانم که چقدر ناراحت هستید، اما بدانید که ناراحتی کشیدن برای یکنفر و از دست دادن او خیلی بهتر از، از دست دادن اسلام است. خوشحال باشید که این

---

۱- مضمون دو عبارت ترجمه‌ای است از این آیه قرآن. انالله و انااليه راجعون. (بقره/ ۱۵۶).

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

امانت را به صاحب اصلی‌اش تحویل داده، امیدوارم که از اشتباهاتم درگذرید و مرا عفو کنید.

برادر و خواهر گرامی‌ام، از اینکه برادر خوبی برای شما نبودم و بارها موجبات اذیت و آزار شما را فراهم کردم مرا ببخشید. شما با صبر و بردباری خود، می‌توانید پیام‌رسان خون شهدا باشید که همانا مقاومت و پایداری در راه حق تا آخرین لحظه است و خوشحال باشید که با یک عمل آگاهانه، با یک انتخاب و یک دنیا افتخار، از این جهان رفته‌ام و همانا زندگی واقعی در آن دنیاست، چون قرآن می‌فرماید: «این زندگانی چند روزهٔ دنیا افسوس و بازیچه‌ای بیش نیست و زندگی، اگر مردم بدانند، به حقیقت در آخرت است».[۱]

در شهادتم ناراحت نباشید و به این آیه قرآن توجه داشته باشید که: «**الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انالله و انا الیه...**»[۲] «آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند، صبوری پیشه گیرند و گویند ما به‌فرمان خدا آمده‌ایم و به‌فرمان خدا می‌رویم، آن گروهند مخصوص بدرود و الطاف الهی و رحمت خاص خداوند و آنها به حقیقت به‌سوی خدا هدایت یافتگانند».

و اما ای دانش‌آموزان و هنرجویان گرامی:

ای امیدهای[۳] آینده انقلاب اسلامی، دائماً توجه داشته باشید، در حالی که در پشت میز آرام و بدون هیچ دغدغه‌ای نشسته‌اید و درس می‌خوانید که بسیاری از جوانان دائماً در جبهه‌ها حاضرند و بسیاری در خاک و خون می‌غلطند و بسیاری مجروح و معلول می‌شوند و این راحتی شما دلیل جانفشانی آنهاست و قرآن در این مورد می‌فرماید: «اگر خدا دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر کند همانا صومعه و دیر و کنشت‌ها و مساجدی که در آن و ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران می‌شد هرکه خدا را یاری کند، خدا او را یاری خواهد کرد. که خدا را منتهای اقتدا و توانایست».[٤] (قسمتی از آیه ٤٠ سوره حج).

---

۱- «وَ ما هذه الحیوة الدنیا الا لهو و لعب و ان الدار الاخرة لهی الحیوان لوکانوا یعلمون» (عنکبوت/٦٤).

۲- بقره/١٥٦.

۳- در اصل وصیت «امیدان».

٤- جزیی از آیه ٤٠ سورهٔ حج. «و لولا رفع‌الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم‌الله کثیرا و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز».

برادران عزیزم توجه داشته باشید هرچند نیاز این کشور به علوم مختلفه در این برهه از زمان زیاد است، اما آیا توجه دارید که بدون داشتن اسلام و استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی، هیچگاه نمی‌تواند سعادت ملتی را تأمین کند پس با حضور خود در این جبهه حافظ این استقلال باشید که جنگ جنگ است و عزت و شرف و دین و میهن ما در گرو همین مبارزات است.

و بدانید که جبهه بهترین محل یادگیری درس و فداکاری و ایثار است. بهترین محل برای خودسازی و درک تفسیر آیه‌های قرآن است، بهترین محل برای نزدیکی به خداست و بهترین محل برای جهاد با نفس. و علاوه بر جنگ درس خود را فراموش نکنید چون در طول تاریخ علم ایمان با هم پیوند ناگسستنی داشته‌اند و نباید پیوندشان گسسته شود.

برادران همرزم، امروز به‌جای آنکه از مناره‌های مسجدالاقصی[۱] صدای الله‌اکبر و اشهد ان لا اله الاالله بلند شود، از آن صدای چکمه‌های خون آشامان صهیونیست بگوش می‌رسد. می‌دانید چرا؟ چون مسلمانان از حریم اسلام غفلت کردند و به دستورات قرآن عمل نکردند، در قرآن همان‌طوری که نوشته شده است: «**کتب علیکم الصیام**[۲] **و کتب علیکم القصاص**»[۳] نوشته شده است که «**کتب علیکم القتال**»،[۴] پس لختی به‌خود آییم و اندکی بیندیشیم و بدانیم که در کجا بسر می‌بریم و برای چه آفریده شده‌ایم و وظیفه ما در این چند روزه دنیا چیست؟ سال‌ها از جنگ تحمیلی گذشته است و همه شاهد ویرانی‌هایی هستیم که جنگ به این ملت تحمیل کرده و امت ما در مقابل این مشکلات چون کوهی استوار ایستاده‌اند.

تا چند جور طاغی و طالع برادر — ماییم اینک باقی صالح برادر
اسلام سیلی خورده و خونین مانده برجای — ماراست این میراث خونین مانده بر جای
فخر تبوک و بدر و فتح خیبر از ماست — برخیز اینک ذوالفقار حیدر از ماست

---

۱- ر.ک. تعلیقات.
۲- بقره/ ۱۸۳. کتب علیکم الصیام.
۳- بقره/ ۱۷۸ کتب علیکم القصاص.
٤- بقره/ ۲۱٦ کتب علیکم القتال.

دیروز، دیروز رفته است، نمی‌دانیم آیا در عمرمان فردایی را می‌یابیم یا نه، نباید به فردا اعتمادی داشت. پس بر ماست غنیمت شمردن این فرصت.[۱]

اکنون زمان آن رسیده که دین خود را به ملت و امت شهیدپرور به خانواده‌های شهدا و به این کشور اسلامی اداء کنیم. این وظیفه هر مسلمانی است که در مقابل هر تجاوز و تجاوزگری بایستد.

برادران عزیزم: من کوچک‌تر از آنم که بخواهم کسی را نصیحت کنم. اما چند جمله‌ای را به‌عنوان تذکر به خود و شما عرض می‌کنم:

۱- سعی کنید با دوستی و محبت بین خود پیوندهایتان را استوار سازید و به یکدیگر احترام فراوان گذارید، که در روایات[۲] حرمت مؤمن را عظیم‌تر از کعبه دانسته‌اند[۳] و بدانید که خوشخویی و گشاده‌رویی دام دوستی است و شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوی و هوس خویش پیروز شود.[٤]

۲- غیبت کردن مسلمان، از مسلمانی دیگر، بزرگترین گناه است و مانند این است که انسان گوشت برادر مرده خود را بخورد[۵] پس به این موضوع اهمیت بدهید و سعی کنید هر روزه چند آیه از قرآن را بخوانید که دل را جلا می‌دهد.

---

۱- گویا عبارت شهید تحت تأثیر این کلام عبرت‌آموز علی(علیه‌السلام) است. علی آن امام همام در خطبه ۷٦ می‌فرماید: خدا بیامرزد مردی را که حکمی را شنید و نیک فهم کرد و به رستگاری خوانده شد و بدان روی آورد و فرصت زندگی را غنیمت شمرد و بر اجل پیشی گرفت. نهج‌البلاغه ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی، ص٥٦. امیرمومنان علی(علیه‌السلام) در حکمت ۲۰ تعبیر بلند دیگری دارد که ما را به فرصت‌شماری و فرصت توصیه می‌فرماید: «الفرصة تمرمر السحاب» وقت (عمر) چونان گذر ابر سیر می‌کند.

۲- در اصل وصیت «روایات‌ها».

۳- حرمت مؤمن عظیم‌تر از حرمت کعبه است. (بحارالانوار، ج٦٤، ص۷۱).

٤- مضمون این روایت بلند را تداعی می‌کند: «اشجع الناس من غلب الهوی» (نهج‌الفصاحه، ص۵۸).

۵- به این فراز از آیه ۱۲ از سورهٔ حجرات اشاره دارد. «ولا تجسسوا ولا یغتب بغضکم بعضا ایحب اقدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً» ترجمه: در احوال و عیب‌های پنهان مردم کاوش مکنید و از پس یکدیگر بدگویی (غیبت) مکنید. آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مردهٔ خود را بخورد؟

۳- قدر این امام را بدانید که علامه امینی[۱] فرموده است، خمینی ذخیره خدا برای شیعه است و آیت‌الله سعیدی در زندان ساواک فرمودند که «به‌خدا اگر مرا بکشید و خونم را بر زمین بریزید در قطره‌قطره خون من نام مقدس خمینی را خواهید دید».[۲]

٤- توجه داشته باشید همگی به‌سوی خدا باز خواهید گشت و این یکی از خصوصیات کتب روح‌بخش اسلام است که حرکت انسان با هدف، از او شروع شده و به او ختم می‌شود «**انالله و انا الیه راجعون**»[۳] و این اصل جداکننده مکتب اسلام از مکاتب مادیگری و انحرافی است. پس چه سعادتمند و ارجمندند کسانی که جان و مال خود را به بهای بهشت با خدا معامله کرده‌اند.[٤]

۵- پیام تمامی شهیدان ما این بوده و است که هر وقت به یادمان افتادید، کودکان معصوم لبنانی را در نظر بگیرید که مظلومانه به‌دست صهیونیست‌ها قتل عام می‌شوند به پاسداران به آن برادر، بیندیشید که در کردستان سربریده شدند و برای سرهاشان جایزه‌ها داده به کسانی بیاندیشید که بدست منافقین پروانه صفت سوختند.

٦- سعی کنید با خواندن قرآن، شرکت در دعای کمیل و توسل و مجالس دیگر بعد روحانی خود را تقویت کنید و برای آخرت خود توشه‌ای بردارید.

۷- مسئله دیگر در مورد زمزمه‌های صلح است که در گوشه و کنار این مرز و بوم شنیده می‌شود و یا زمزمه‌هایی که درباره جنگ شنیده می‌شود. توجه داشته باشید که جنگ بد است، اما نه در مقام دفع، دشمنِ ما کسی است که مدارس ما و بیمارستان‌های ما و مناطق مسکونی کشور ما را مورد هجوم قرار می‌دهد و با بمب و موشک آنها را ویران می‌کند، آیا تابه‌حال خرابه‌ای را دیده‌ای که بر اثر اصابت موشک باشد یا شهیدی را که پیکر مطهرش در زیر آوار مانده است. آیا تابه‌حال کودک معصومی[۵] را بر تخت بیمارستان دیده‌ای و آیا

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- بقره/ ۱۵٦.

٤- توبه/ ۱۱۱.

۵- عبارت شهید این آیات نورانی قرآن کریم را تداعی می‌کند: «و اذا الموءدت سُئِلَت بأَی ذَنب قُتِلَت» (تکویر/۸ و۹ ترجمه: «و آنگاه از ختر زنده بگور شده پرسند به کدام گناه کشته شده است؟»

در آن لحظه با خود اندیشیده‌ای که اینان به‌کدامین گناه شهید و مجروح شده‌اند. آری برادرم، دشمن ما وحشی است و بسیار وحشی. آیا با یک وحشی می‌شود صلح کرد؟ مسلماً نه پس بر ماست که با حضور گسترده خود در صحنه‌های نبرد، انتقام خون این شهیدان و همه خون‌های بناحق ریخته شده را بگیریم.

۸- در آخر از تمامی دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که به بزرگی خود مرا ببخشید مخصوصاً از همکلاس‌هایم که امیدوارم در دعاهایتان، نمازهایتان، این حقیر را فراموش نکنید و برای آمرزش گناهان من دعا کنید.

اما هدفم از آمدن به جبهه:

من براساس وظیفه و مسئولیتی که در خود برای دفاع از اسلامی که از ۱۴۰۰ سال قبل به رسم امانتی به ما سپرده شده است، حس نمودم و در اینجا حضور یافتم و امیدوارم که خداوند از ما قبول کند.

**ساعت ۲/۵۱ بعدازظهر روز ۱۳۶۵/۱۲/۷**

**علی ادهم**[۱]

**دزفول**

---

۱- ذیل وصیت‌نامه آمده است: واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی سمنان و در بالای صفحهٔ اول آمده فرازهای زیر را از وصیت‌نامه شهید علی ادهم: جبهه بهترین محل یادگیری و فداکاری و ایثار است. جبهه بهترین محل برای خودسازی و درک تفسیر آیه‌های قرآن است. جبهه بهترین محل برای نزدیکی به خداست و بهترین محل برای جهاد با نفس.

بسم الله الرحمن الرحیم

اشهد ان لا اله الا الله ، اشهد ان محمدا رسول الله ، اشهد ان علیا ولی الله

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعدا علیه حقا فی التوراة و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم

محققا خداوند مؤمنین جانها و داراییشان را خریده به ازای آن بهشت برایشان باشد جانبازی آنان هم در راه خدا جهاد می‌کنند پس می‌کشند و کشته میشوند وعده‌ای است که دنیای تان برحق و درست است به آن در تورات و انجیل و قرآن بیان شده و کیست که به عهدش وفا کند تر از خدا باشد پس ای مؤمنین شاد باشید بداد و ستد خودتان که انجام داده‌اید و این معامله‌ای است که آن معامله‌ها در آن رستگاری بزرگی است سورهٔ توبه آیهٔ ۱۱۱

| | |
|---|---|
| فان ثمن الدنیا نفیسه | فخار تراب اعلی و اجل |
| و ان ثمن الاموال للترک جمیعا | فما بال مترک بالمرء یبخل |
| و ان ثمن الابدان للموت انشات | فقتل امرء بالسیف فخرا اجمل |

اگر چه دنیا را بسیار دوست داشتنی است اما خانه بودنش الهی و خانه آخرت بسیار زیباتر و بهتر است

اگر سال دنیا را آخرکار باید گذاشت و رفت ، پس جانبازان آن را در راه خدا ارزان نکند

و اگر این زندگی ما ساخته شده است که آخرکار بمیرد پس جانبازان در راه خدا نباید تصمیم خطیر نکنند

سلام ما بر پاسدار حریت خون شهیدان ، درود ما بر مجاهد در راه آزادی ، سلام ما بر مجاهد در راه آزادی ، سلام ما بر مجاهد در راه آزادی

قصد موعود و سلام خدا و نهایت سلام انبیاء تاریخ ابراهیم خلیل ا... محمد رسول ا... و حسین روح ا...

محمد و سپاس بیکران خداوندی را که به ما لیاقت جنگ نصیب فرمود تا از آن در راهی که رضای او در آن است استفاده کنیم ، شکر خداوندی را که اسلام و انقلاب را به ما بازیافته و برای همیشه ما یاران راه او شدیم و شکری ضاعت [illegible] که ما توفیق نصیب فرمود تا [illegible] همراه با سیصد و سیزده یار و یاوران عاشق به سوی تو قدم گذاریم که به عطر خون شهیدان معطر است .

بارالها ، به سوی تو روی آورده‌ام و محمل سبز شوق را امیدگرم نموده دل بسوی تو دارم بارالها به درگاهی تو گواهی میدهم اعتراف و اقرار دارم که تو پروردگار هستی و بازگشتم به سوی تست پیش از آنکه چیزی باشم و نشانی از من باشد به من لطف آغاز کردی و سرانجام بخاک آفرینی و برای هدایت مقدر خود بیاد آوری پروردگارا ما کجا و یاد تو کجا ؟

می دانم خفته برای من رحمت کشیده و دانستم که هیچگاه نتوانستم حتی گوشه‌ای از این رحمات طاقت فرسای

شما را بحدان کنم فقط توجه داشته باشید وقتی مسئله ، مسئله حیات اسلام است
از حبیب لبیم مظهر علی اصغر همه باید فداکار باشد ، خدا نگهدار این جوان رحمان تا وقتی ارزش
دارد که اسلام در خطر باشد ، وقتی اسلام در خطرات و سرحسین بالای نیزه میرود ، زینب سر اسیری میرود ،
علی اکبر و علی اصغر کشته میشوند بدن امام حسین را زیر سم اسبها لگد می کنند و سرانام حسین را با شمر جدا می کنند
همه این جنایتها تنها بخاطر اسلام بوده است و خواهد بود تا دین اسلام باید باقی بماند ، برادر عزیزم :
میدانم که حقیر را لایق هستید اما میدانید که ناراحتی کردن برای یک شیعه واز دست دادن او خیلی بهتر از از دست
دادن اسلام است خواهش دارم نگذارید که این امانت را بصاحب اصلی اش تحویل دادید ، امیدوارم که از اشتباهاتم درگذرید و مرا
عفو کنید

برادر و خواهر گرامی ام ، از اینکه برادر خوبی برای شما نبودم و برای موجبات اذیت و آزار شما را فراهم کردم از شما عذر
و پوزش میطلبم و قدمهای خود را برای جبران گذشته بسوی شما برمیدارم ، شما باید مرا ببخشید و بدانید که من
در راه خدا و اسلام و برای حفظ ناموس و شرف شما و دیگران کشته شدم ، شما باید بدانید که من
بیاری خدا و برای حفظ اسلام و ناموس شما و دیگران کشته شدم ، شما باید بدانید که من
بیاری خدا و برای حفظ اسلام و ناموس شما و دیگران کشته شدم ، شما باید بدانید که من

الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله و انا الیه راجعون ...

آنانکه چون مجازات سخت و ناگواری دچار شوند صبور و بردبار میشوند و میگویند ما همان خدا هستیم و
بسوی خدا میرویم آن گروهند که مشمول درود و رحمت الطاف الهی و رحمت خاص خداوند و آنان حقیقت هدایت
خداوند را یافته اند ۱۵۶ و ۱۵۷ سوره بقره

برادران و خواهران عزیز و دلسوز :

از همه برادران آگاه و روشنفکر میخواهم که با دقت و آرامش و بدون هیچ گونه غرض
و مرض بدقت این نامه را مطالعه کنند و بدانند که هدف من از نوشتن این نامه چیست ، من میخواهم
بگویم که ما مسلمانان در چه وضعی بسر میبریم و چه بلائی بر سر ما آمده است ، من میخواهم
بگویم که ما مسلمانان در چه وضعی بسر میبریم و چه بلائی بر سر ما آمده است ، من میخواهم
بگویم که ما مسلمانان در چه وضعی بسر میبریم و چه بلائی بر سر ما آمده است ، من میخواهم

برادران عزیز توجه داشته باشید هر عیبی را از این کتاب و علوم مختلفه را از این مردان ریاداری
آیا توجه دارید که بدون داشتن اسلام و استقلال سیاسی و اقتصادی هیچ

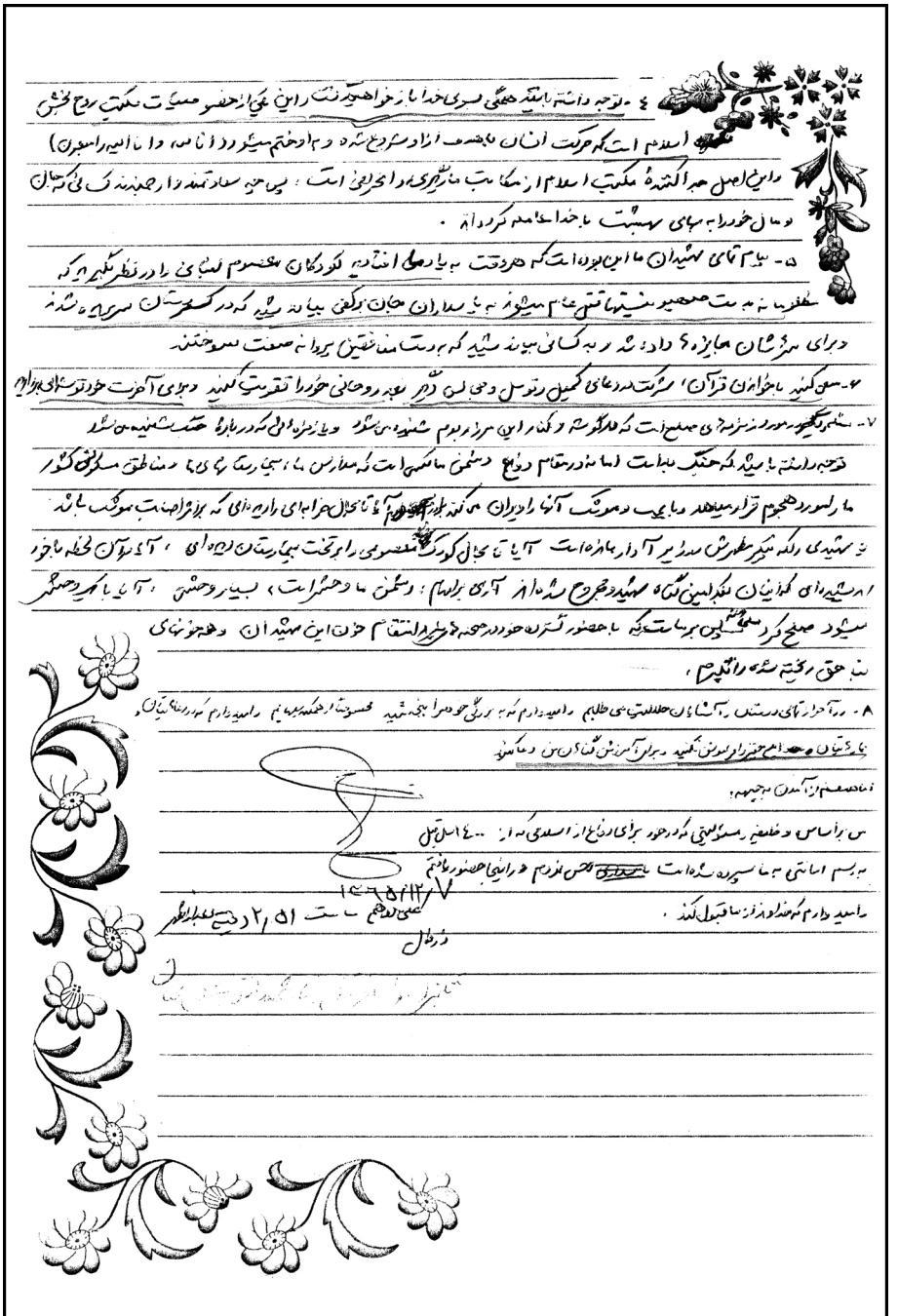

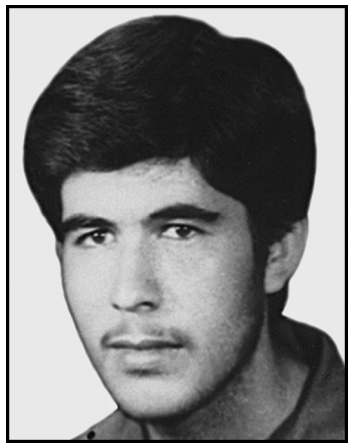

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **ادهم**
نام پدر: **حسینعلی**
نام مادر: **طوبا**
تاریخ تولد: **پانزدهم دی ۱۳٤۰**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم تیر ۱۳٦۱**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- درود بر امام خمینی تبلور عینی مکتب تشیّع.
- درود بر شما ملت همیشه بیدار ایران.
- مؤمنین شب حمله نزدیک است، شب دیدار عاشقان.
- آری در چنین شب‌هایی خدا بر بندگان خالصش فخر می‌کند.
- جبهه را به هیچ عذری فراموش نکنید.
- سنت اسلام این است که بهترین خیرت را در راه خدا قربان کن تا پذیرفته شود.

# علی‌اکبر ادهم

## بسم الله الرحمن الرحیم

**«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة».**[۱]

با درود بر انبیاء و اوصیاء خدا که بندگان را هدایت کردند از ظلمت به نور، و درود بر ائمه معصومین و درود و سلام بر امام مهدی (عج) عصارهٔ خلقت که شمعی است در تاریکی. و درود بر امام خمینی تبلور عینی مکتب تشیّع در حال حاضر، و با درود بر شهیدان گلگون کفن انقلاب اسلامی که با ایثار خون خود به این کشور حیثیّت، عزّت و شرف بخشیدند، و درود بر شما ملت همیشه بیدار ایران که اسوه ملت‌ها گشتید.

آری در زمانی که همه ملت‌ها در خواب خرگوشی خود فرو رفته‌اند و تنها به زندگی دنیوی و زرق و برق‌های آن چشم دوخته‌اند، شما تنها ملتی هستید که با داشتن همه امکانات رفاهی به فطرت اصیل خود که همان فطرت پاک خدایی است، عودت کرده‌اید.

آری، برادران و خواهران، فطرت انسان خداجوست و اصولاً انسان بر این فطرت آفریده شده است، اما گاهی حجابی از حجاب‌های دنیایی بر چهره پاک این انسان کشیده می‌شود و باعث می‌گردد که دنیا بر اثر این عوامل چهره‌ای غمناک به خود بگیرد. اما برادران، در پس این غمناکی‌ها و در پی این همه رنج‌ها و ملامت‌ها شیرینی و گوارایی نیز هست، اگر ملت ما دچار جنگ شد در عوض به اصالت خود رسید، یعنی به فطرت پاک الهی‌اش بازگشت.

برادران، بیشتر از این حاضر نیستم وقت شما را بگیرم که زودتر به اصل مطلب برسیم. مؤمنین شب حمله نزدیک است[۲]، شب دیدار عاشقان، آری در چنین شب‌هایی خدا بر بندگان خالصش فخر می‌کند، بندگانی که از بهترین چیز خود گذشتند. آری در شب قدر خداوند قهّار در برابر فرشتگان بر این انسانهای خالص و صالح می‌بالد و فرشتگان هر

---

۱- توبه/ ۱۱۱.

۲- نزدیک‌ترین عملیاتی که می‌توان مناسب شرایط وصیت‌نامه شهید معرفی کرد عملیات رمضان است که در تاریخ ۱۳٦۱/٤/۲۳ با رمز یا صاحب‌الزمان(عج) ادرکنی و در شرق بصره انجام گرفته است.

لحظه مشتاق دیدار چنین اسوه‌هایی هستند، آنها در انتظار میهمانانی بودند که خودشان به خانه میزبان رفته بودند که آنها حبیب خدایند. بله شب عروج انسانهاست، شبی است فراموش نشدنی که اگر با دیده صواب بنگری انتخاب خواهی شد که این انتخاب همیشگی است.

شب قدر است بهتر از هزار شب و خوش به سعادت انسانی که در این شب به شهادت برسد که با امام علی‌بن ابیطالب(علیه‌السلام) محشور خواهد گشت.

اما چند تقاضا دارم:

برادران و خواهرانم، تا زمانی که در قید حیات هستید امام را تنها نگذارید که تنها نگذاشتن امام مساوی است با نگهداشتن اسلام، و به فرامین امام گوش دهید و حتی‌الامکان آنرا به اجرا درآورید.

برادرانم جبهه را به هیچ عذری فراموش نکنید که این جبهه جبهه اسلام است که جنگ ما جنگ اسلام و کفر است.

وصیتی هم برای برادران پاسدارم، برادران همان‌طور که شما در همه موارد الگو و نمونه بودید این بار نیز الگو شوید و ازدواج با خانواده‌های شهدا را فراموش نکنید.

در مراسم و مجالسی که برای من می‌گیرید روضهٔ حضرت علی‌اکبر[1] یادتان نرود، همچنین دعای کمیل.

**و اما پیام برای خانواده‌ام:**

مادرم، می‌دانم که فراقم برای شما خیلی سخت است، اما مادر چه کنم که اسلام بزرگتر از آن است که به‌خاطر این چیزها در راهش فدا نشویم. مادرم، اگر من شهید شدم برایم نماز شکر بخوان که باعث آرامش و خوشحالیم شود. و اما شما پدرم، می‌دانم برای شما هم مشکل است، اما پدرم فرصت خوبی است که تا دِینم را نسبت به اسلام و قرآن ادا کنم که این بهترین و نزدیک‌ترین راه بود، و انشاءا... که خداوند این قربانی را از شما بپذیرد.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

و اما خواهرم، اگر من دلبند شما بودم، اگر من نور دیدهٔ شما بودم، اصولاً سنت اسلام این است که بهترین خیرت را در راه خدا قربان کن تا پذیرفته شود. خواهرم علاوه بر اینکه شما گریه نمی‌کنید، مادرم را نیز تسلّی خاطر دهید.

اما برادرم، سعی کن که بیشتر از اینها به اسلام خدمت کنی و آن مقدار پولی که دارم برای جبهه بفرستید و مقداری را هم به کسانی که از من طلبکارند بدهید.

در پایان از همه برادران و دوستان طلب مغفرت میکنم.

خونی که در رگ ماست، هدیه به رهبر ماست.

**«والسّلام»**

**٦١/٤/٢١**

**بنده حقیر خدا، علی‌اکبر ادهم**

**اذان مغرب است.**

## «وصیت نامه»

# «پاسدار شهید علی اکبر ادهم»

"بسم ا... الرحمن الرحیم"

" إِنَّ ا... اشْتَرىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ "

با درود بر انبیاء و اوصیاء خدا که بندگان را هدایت کردند از ظلمت به نور و درود بر ائمه معصومین و درود و سلام بر امام مهدی (عج) عصارهٔ خلقت که شمعی است در تاریکی، و درود بر امام خمینی تبلور عینی مکتب تشیّع در حال حاضر، و با درود بر شهیدان گلگون کفن انقلاب اسلامی که با ایثار خون خود به این کشور حیثیّت، عزّت و شرف بخشیدند، و درود بر شما ملّت همیشه بیدار ایران که اسوه ملّتها گشتید. آری در زمانیکه همه ملّتها در خواب خرگوشی خود فرو رفته اند و تنها به زندگی دنیوی و زرق و برق های آن چشم دوخته اند، شما تنها ملّتی هستید که با داشتن همه امکانات رفاهی به فطرت اصیل خود که همان فطرت پاک خدائی است عودت کرده اید.

آری، برادران و خواهران، فطرت انسان خداجوست و اصولاً انسان براین فطرت آفریده شده است، امّا گاهی حجابهای دنیایی بر چهره پاک این انسان کشیده میشود و باعث میگردد که دنیا بر اثر این عوامل چهره ای غمناک بخود بگیرد امّا برادران، در پس این غمناکیها و در پس این همه رنجها و ملامتها شیرینی و گوارایی نیز هست، اگر ملّت ما دچار جنگ شد در عوض به اصالت خود رسید یعنی به فطرت پاک الهی اش بازگشت.

برادران، بیشتر از این حاضر نیستم وقت شما را بگیرم که زودتر به اصل مطلب برسیم. مؤمنین شب حمله نزدیک است، شب دیدار عاشقان، آری در چنین شبهایی خدا بر بندگان خالصش فخر میکند، بندگانی که از بهترین چیز خود گذشتند.

آری در شب قدر خداوند قهّار در برابر فرشتگان بر این انسانهای خالص و صالح می بالد و فرشتگان هر لحظه مشتاق دیدار چنین اسوه هایی هستند، آنها در انتظار میهمانانی بودند که خودشان به خانه میزبان رفته بودند که آنها حبیب خدا ینند.

بله شب عروج انسانهاست، شبی است فراموش نشدنی که اگر باد یده صواب بنگری انتخاب خواهی شد که این انتخاب همیشگی است.

شب قدر است بهتر از هزار شب و خوش به سعادت انسانی که در این شب به شهادت برسد که با امام علی بن ابیطالب (ع) محشور خواهد گشت.

امّا چند تقاضا دارم:

برادران و خواهرانم، تا زمانیکه در قید حیات هستید امام را تنها نگذارید که تنها نگذاشتن امام مساوی است با نگهداشتن اسلام، و به فرامین امام گوش دهید و حتی الامکان آنرا به اجرا درآورید.

برادرانم جبهه را به هیچ عذری فراموش نکنید که این جبهه جبهه اسلام است که جنگ ما جنگ اسلام و کفر است.

وصیتی هم برای برادران پاسدار م، برادران همانطور که شما در همه موارد الگو و نمونه بودید

بقیه در پشت صفحه

این بار نیز الگو شوید و ازدواج باخانواده های شهدا را فراموش نکنید .

در مراسم و مجالسی که برای من میگیرید روضهٔ حضرت علی اکبر یادتان نرود ، همچنین دعـــای کمیـــل .

واما پیام برای خانواده ام :

مـادرم ، میدانم که فراقم برای شماخیلی سخت است ، امّا مادر چه کم که اسلام بزرگتـــر از آن است که بخاطر این چیزها در راهش فـدا نشویم .

مادرم ، اگر من شهید شدم برایم نماز شکر بخوان که باعث آرامش و خوشحالی ام شـــود .

وامّا شما پـدرم ، میدانم برای شماهم مشکل است ، امّا پـدرم فرصت خوبی است که تا دینم رانسبت به اسلام و قرآن ادا کنم که این بهترین و نزدیکترین راه بود ، و انشاء ا ... کـه خداوند این قربانی را از شما بپذیـرد .

وامّا خواهرم ، اگر من دلبند شما بودم ، اگر من نوردیدهٔ شما بودم ، اصولاً سنّت اســـلام این است که بهترین خیرت رادر راه خدا قربان کن تا بذیرفتـه شود . خواهرم علاوه براینکـه شما گریه نمی کنید ، مادرم رانیز تسلّی خاطر دهید .

امّا بـــرادرم ، سعی کن که بیشتر از اینها به اسلام خدمت کنی ، و آن مقدار پولی کـــه دارم برای جبهه بفرستید و مقداری راهم به کسانی که ازمن طلبکارنـد بدهید .

در پایان از همه برادران و دوستان طلب مغفرت میکنم .

خونیکـه در رگ ماست ـــ همـه به رهبـر ماست

( والسّـلام )

۶۱/۴/۲۱
بنده حقیر خدا علی اکبر ادهم

از این مرتب است .

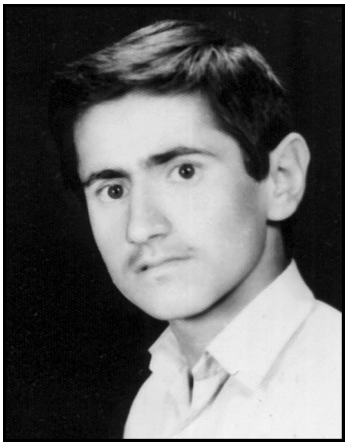

نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **اردکانی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **پنجم دی ۱۳٤٦**
محل تولد: **دامغان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳٦٥**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- تنها انگیزه این حقیر عمل به آیه شریفه که در اول ذکر شد [و قاتلوهم حتی لاتکون فتنة و...].
- والدین گرامی‌ام هرگز برای من گریه نکنید.
- بر مظلومیت آقا اباعبدالله بنالید.
- در دعاهایتان امام و رزمندگان را فراموش نکنید.
- مواظب باشید خون شهیدان پایمال نشود.

## محمدرضا اردکانی

### بسم الله الرحمن الرحیم

«**و قاتلوهم حتی لاتکون فتنة و یکون الدین کله لله فان انتهوا فَلا عدوان الا علی الظالمین**».[۱] «ای مؤمنان با کافران جهاد کنید که در زمین فتنه و فسادی نماند و آئین همه دین خدا گردد و چنانچه دست از فتنه کشیدند با آنها عدالت کنید که ستم جز بر ستمکاران روا نیست».

این حقیر، محمدرضا اردکانی، به شماره شناسنامه ۳۳٦، اعزامی از دامغان. به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و به‌نام آن که نامش آرام‌بخش دل‌های پریشان است و با درود بر یگانه منجی عالم بشریت آقا امام زمان(عج) و با درود بر نایب برحق آن حضرت امام امت روشنگر وجود انسان‌های اسیر در دام طاغوت و با سلام به خانواده معظم شهدا که در دامان پاک خود عزیزان و مدافعان حق و حقیقت را پرورانیدند و با درود به شهیدان راه حق، جان‌باختگان و ایثارگران جبهه حق علیه باطل.

گویند انگیزه‌ات از آمدن به جبهه چیست اولاً «باید بگویم که واقعا حسرت می‌خورم که چرا زودتر به جبهه نیامدم» چون جبهه جای عاشقان است و بودن در کنار شهیدان آینده و رزمندگان حالا، چه معنایی[۲] دارد که زبان الکن این حقیر قادر به توصیف آن نیست. اما انگیزه، تنها انگیزه این حقیر عمل به آیه شریفه که در اول ذکر شد و لبیک گفتن به ندای رهبر کبیر انقلاب اسلامی (رفتن به جبهه واجب کفایی است)[۳] و ادامه دادن راه شهیدان آن جان‌باختگان راه حق و میهن می‌باشد. و اما پیام، من کوچک‌تر از آنم که برای ملت شهیدپرور و دلیر ا یران عرضی داشته باشم، چه رسد به پیام. فقط سخنی دارم با پدر ومادر گرامی‌ام، والدین گرامی‌ام[٤] هرگز برای من گریه نکنید بلکه بر مظلومیت آقا اباعبدالله بنالید و هر وقت به یاد این حقیر افتادید به یاد آورید خانواده معظم شهدا را که چگونه

---

۱- بقره/ ۱۹۳. شهید اردکانی به جای **فلا عدوان الا علی الظالمین** آورده است «**فان الله بما یعطون بصیر**».

۲- در اصل وصیت تایپی «منایی».

۳- عبارت از امام خمینی است. صحیفه امام دوره ۲۲ جلدی.

٤- در اصل وصیت «گرام».

زینب(علیهاالسلام)وار صبر را پیشه خود ساختند. در دعاهایتان امام و رزمندگان را فراموش نکنید واما سخنی با عزیزان دانش‌آموز: عزیزان و نورچشمان مواظب دسیسه دشمنان باشید و هرگز خودتان را با لباس‌های آنچنانی آرایش نکنید که دست دشمن در کار است و با بی‌حجابی، شدیداً مقابله کنیدو تنها سخن این حقیر این است که مواظب باشید خون شهیدان پایمال نشود. محلّ دفن فردوس رضا.[۱]

**«والسّلام»**

**محمدرضا اردکانی**

**۶۰/۱۱/۱۷**

۱- فردوس رضا نام گلزار شهدای شهرستان دامغان است.

بسمه تعالی

# وصیت‌نامه شهید

## محمدرضا اردکانی

زمان شهادت: ۶۵/۱۰/۲۱

مکان شهادت: شلمچه

وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه ویکون الدین کله لله فان انتهوا فان الله بما یعملون بصیر •

ای مومنان باکافران جهاد کنید که در زمین فتنه وفسادی نماند وآئین همه دین خدا گردد وچنانچه دست ازکفر کشیدند خدا به ایمانشان بصیر وآگاه است •

این حقیر محمدرضا اردکانی به شماره شناسنامه ۳۳۶ اعزامی ازدامغان بنام الله یاسدا رحرم مخون شهدا و بنام آنکه نامش آرام بخش دلهای پریشان استجهاد ودرود بربنگانمنجی عالمبشریت آقاامام زمان (عج) ودرود برنایب برحق آن حضرت امام امت روشنگروجود انسانهای اسیر در دام طاغوت وسلام به خانواده معظم شهدا که در راه اسلام یا بخود عزیزان ومدافعان حق وحقیقت راپرورانیدند ویاد ودرود بمشهیدان راه حق جانباختگان وایثارگران جبهه حق علیه باطل •

گویند انگیزه ات ازآمدن بجبهه چیست؟ولا" باید بگویم که واقعا حسرت میخورم که چرا زودتر بجبهه نیامدم" چون جبهه جای عاشقان است وبود ن درکنارشهیدان آیند موزمندگان حالا چه منایی دارد که زبان الکن این حقیر قادر بتوصیف آن نیست. اما انگیزه • تنها انگیزه این حقیر عمل به آیه شریفه که در اول ذکر شد ولبیک گفتن به ندای رهبر کبیرانقلاب اسلامی (رفتن بجبهه واجب کفائی است) وادامه دادن راشهیدان آن جانباختگان راه حق وبیهن میباشد • واما پیام • من کوچکتر ازآنم که برای ملت شهید پرور ودلیر ایران عزیز داشته باشم چه برسد به پیام • فقط سخنی دارم باید روماد رگرامیم • والدین گرام هرگز برای من گریه نکنید بلکه برمظلومیت آقا ابا عبدالله بنالید وهروقت بیاد این حقیر افتادید بیاد آورید خانواده معظم شهدا راکه چگونه زینب وار (س) راه پیشه خود ساختند ودردها وغمهایتان اما هو رزمندگان رافراموش نکنید واما سخنی باعزیزان دانش آموز • عزیزان و نورچشمان مواظب دسیسه دشمنان باشید وهرگز خودتان رابالباسهای آنچنانی آرایش نکنید که دشمن درکارا ست وبابی حجابی وبد حجابی شدیدا • مقابله کنید وتنها سخنی این حقیراین استکه مواظب باشید خون شهیدان پایمال نشود • محلّ دفن فرد ومرقد والسلام

محمدرضا اردکانی ۶۵/۱۱/۱۷

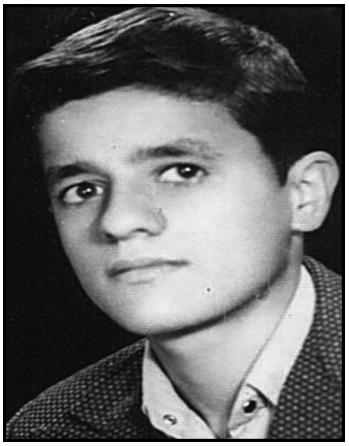

نام: **مهدی**
نام خانوادگی: **اردکانی**
نام پدر: **رضا**
نام مادر: **فاطمه‌سلطان**
تاریخ تولد: **دهم مهرماه ۱۳٤۰**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **سوم اسفند ۱۳٦۰**
محل شهادت: **تنگه چزابه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش خمپاره**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

✿ امید دارم که شیعیان اسلام را و علی(علیه‌السلام) را و حسین(علیه‌السلام) را بشناسند.
✿ اگر ما علی را نشناسیم دوست علی(علیه‌السلام) و حسین(علیه‌السلام) نخواهیم بود.
✿ من افتخار می‌کنم که در جبهه با نابودی کفار کشته شوم.

## مهدی اردکانی*

### بسم الله الرحمن الرحیم

به‌نام خداوندی که ما را آفرید و انسان‌ها را از نعمات خویش برخوردار ساخت و خداوندی که «بازگشت همه به‌سوی اوست».[۱] روزی ما به دنیا می‌آییم و یک روز از دنیا می‌رویم، و با سلام و درود به رهبر عالیقدر و عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی که هدایت‌کننده ما انسان‌های گمراه می‌باشد. همه ما به‌سوی الله رجعت می‌کنیم و چه خوبست که مسئولیتی را که خداوند بر دوش ما گذاشته است و آن را پذیرفته‌ایم، این بار سنگین را هرچه بهتر بر دوش بکشیم و در قبال الله و جامعه، بطور کامل به انجام رسانیم. مرگ روزی ما را در آغوش می‌کشد و روح را از بدن ما جدا خواهد کرد. هر انسانی به یک نحو از این دنیا خواهد رفت.[۲] یکی در اثر سانحه دیگری در بستر بیماری و یکی هم در جهاد فی سبیل الله. چه با شمشیر و چه با قلم و چه با زبان جهاد در راه الله و مقابله با کفر و باطل و با هر ستمگری. این‌گونه افراد شهید، شاهد زمان خویش می‌باشند و از خون آنها ریشه اسلام و ریشه حق تنومند می‌شود. و دیگران را به این روش دعوت می‌کند و هر روز بر تعدادشان افزوده می‌گردد. امروز ملت ما در برابر کفر و باطل ایستادگی می‌کند و می‌جنگد و من از خداوند قادر متعال، این آرزو را دارم که بتوانم هرچه زودتر به جبهه بروم و با کفر بجنگم و اگر لیاقت داشتم، شاید در جبهه کشته شوم و کشته شدنم گامی باشد در راه الله و به‌سوی تکامل، و از خداوند می‌خواهم که در بستر بیماری و یا در اثر سانحه، عمر خود را به پایان نرسانم و کشته شدنم در راه الله باشد. به هر صورت که باشد. و بیشتر آرزو می‌کنم که در جبهه نبرد اسلام با کفر و حق علیه باطل و نبرد بی‌امان ملت ایران با دشمن، کفار بعث عراق با از بین بردن مزدوران عراقی کشته شوم. امیدوارم که شیعیان اسلام را و علی(علیه‌السلام) را و حسین(علیه‌السلام) را بشناسند و

---

*- در بالای وصیت علاوه بر بسم‌الله الرحمن الرحیم آمده است: وصیت‌نامه شهید مهدی اردکانی تاریخ شهادت ۶۰/۱۲/۱ محل شهادت چزابه.

۱- به آیه «انالله وانا الیه راجعون» بقره/۱۴۵ اشاره دارد.

۲- عبارت شهید به این آیه اشاره دارد: کل نفس ذائقه الموت/ انبیاء آیه ۳۵.

دیگران را آگاه کنند. اگر ما علی(علیه‌السلام) را نشناسیم دوست علی(علیه‌السلام) و حسین(علیه‌السلام) نخواهیم بود.

در پایان، از مادر خویش می‌خواهم که اگر من لیاقت کشته شدن در جبهه را داشتم، هیچ ناراحت و گریان و غم‌زده نباشد و باید خیلی خوشحال شود که فرزند او لااقل در اثر سانحه و بیماری از دنیا نرفته است و من افتخار می‌کنم که در جبهه با نابودی کفار کشته شوم و چون من لیاقت شهید شدن را ندارم، برای آنکه هنوز گناهانم بسیار است و تا پاک شوم، راه بسیار زیاد و پرپیچ و خمی را باید طی کنم.

**«والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته»**

**مهدی اردکانی**

بسمه تعالی

وصیت نامه شهید مهدی اردکانی

تاریخ شهادت: ۶۰/۱۲/۱ محل شهادت: چزابه

بسم ا... الرحمن الرحیم

(بنام خداوندی) که ما را آفرید و انسانها را از نعمات خویش برخوردار ساخت و خداوندی (که بازگشت همهٔ بسوی اوست) روزی ما بدنیا می آئیم و یکروز از دنیا می رویم و باسلام و درود بر رهبر عالیقدر و عظیم الشأن انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی که هدایت کننده ما انسانهای گمراه میباشد (همه ما بسوی ا... رجعت می کنیم) و چه خوبست که مسئولیتی را که خداوند بر دوش ما گذاشته است و آنرا پذیرفته ایم این بار سنگین را هر چه بهتر بر دوش بکشیم و در قبال ا... و خامعه بطور کامل به انجام رسانیم. (مرگ روزی ما را در آغوش می کشد و روح را از بدن ما جدا خواهد کرد هر انسانی به یك نحو از این دنیا خواهد رفت) یکی در اثر سانحه دیگری در بستر بیماری و یکی هم در جهاد فی سبیل ا... چه باشمشیر و چه با قلم و چه باز بان جهاد در راه ا... و مقابله با کفر و باطل و با هر ستمگری این گونه افراد شهید، شاهد زمان خویش می باشند و از خون آنها ریشه اسلام و ریشه حق تنومند می شود. و دیگران را باین روش دعوت می کند و هر روز بر تعدادشان افزوده میگردد. (امروز ملت ما در برابر کفر و باطل ایستادگی می کند و میجنگد) و من از خداوند قادر متعال این آرزو را دارم که (بتوانم) هر چه زودتر به جبهه بروم و با کفر بجنگم و اگر لیاقت داشتم شاید (در جبهه کشته شوم) و کشته شدنم گامی باشد در راه ا... و بسوی تکامل و از خداوند می خواهم که در بستر بیماری و یا در اثر سانحه عمر خود را بپایان نرسانم و کشته شدنم در راه ا... باشد بهر صورت که باشد. و بیشتر آرزو میکنم که در جبهه نبرد اسلام با کفر و حق علیه باطل و نبرد بی امان ملت ایران با دشمن کفار بعث عراق با از بین بردن مزدوران عراقی کشته شوم. امیدوارم که شیعیان اسلام را و علی (ع) را و حسین (ع) را بشناسند و دیگران را آگاه کنند. اگر ما علی را نشناسیم دوست علی و حسین نخواهیم بود.

(در پایان از مادر خویش می خواهم که اگر من لیاقت کشته شدن در جبهه را داشتم هیچ ناراحت و گریان و غم زده نباشد و باید خیلی خوشحال شود که فرزندا و لااقل در اثر سانحه و بیماری از دنیا نرفته است) و (من افتخار می کنم که در جبهه با نابودی کفار کشته شوم) چون من لیاقت شهید شدن را ندارم) برای آنکه هنوز (گناهانم بسیار است و تا پاك شوم راه بسیار زیاد و پر پیچ و خمی را باید طی کنم.)

(والسلام علیکم و الرحمة ا... و برکاته) مهدی اردکانی

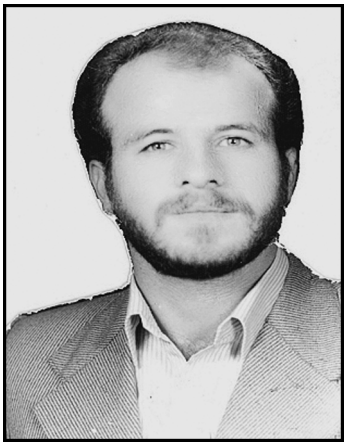

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **اسد**
نام پدر: **رضا**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **بیست‌وششم بهمن ۱۳۳۹**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ای مردم دست از اسلام و آئین محمدی برندارید.
- دست از ائمه اطهار برندارید.
- قلب امام زمان را از خود شاد نگه دارید.
- همچنان مردم کوفه نباشید که خدای نکرده، حسین زمان تنها بماند.
- از انقلاب اسلامی حمایت کنید.
- جبهه‌ها را گرم نگه دارید.
- اسلحه بزمین افتاده شهیدان را برگیرید.
- نباشد که خدای ناکرده با زیاد شدن شهدا، از صحنه بدر روید.
- ای خواهرانم، در شهادتم همچو زینب صبور باشید.

## علی‌اکبر اسد

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«اناالله و انا الیه راجعون»**[۱]

«**ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص**»[۲] «به‌درستی که خداوند دوست‌دار[۳] کسانی هست که در راهش جهاد می‌کنند».

نام: علی اکبر، نام خانوادگی: اسد، شماره شناسنامه: ۸۳٤، صادره از شاهرود، تاریخ تولد: ۱۳۳۹.

همه ما می‌دانیم، امروز استکبار و کفر جهانی نوکر و جیره‌خوار خود، یعنی صدام را تجهیز کرده است که به این انقلاب اسلامی و سرزمین و کشور اسلامی ایران حمله‌ور شود، تا بتواند انقلاب را شکست بدهد. ولی فکر این را نمی‌کرد، در این سرزمین، شیران و دلاورمردانی هستند که چون کوهی استوار، همچون مشتی فولادین، به یاری الله و به رهبری نایب امام زمانشان زعیم عالیقدر امام خمینی در برابرش، چنان قد علم[٤] کنند و چنان شجاعت و رشادت، ایثار، از جان گذشتگی [می] نمایند که نظر دنیا را به خود معطوف [می] نمایند. بار خدایا، این چه مکتبی است؟! این چه ایمانی است این چه اسلامی است که چنین سربازان جان برکفی می‌آفریند؟ شکرت خدا، شکرت الله، شکرت ایزدا، که این حقیر هم توانست[۵] با یاری تو در صف چنین مبارزانی، دلاورمردانی و اسوه‌های شجاعتی رسوخ[٦] کند اگرچه نمی‌توانیم همچو آنان باشیم، ولی شکرت را نمی‌توانیم بجا

---

۱- بقره/ ٥٦.

۲- صف/ ٤.

۳- در اصل وصیت «دوستار».

٤- در اصل وصیت «الم».

۵- در اصل وصیت «نتوانست».

٦- رسوخ کند یعنی وارد شود. خلاف انتظار و توقع است در رسوخ کردن معنای نفوذ و ورود غیرقانونی یا ایجاد رخنه یا خلل نهفته است، در حالی که منظور شهید قرار گرفتن در صف برادران رزمنده، موحد، شجاع، مؤمن، خداترس و دلاور و قهرمان است.

آوریم، که توانستیم در میانشان راه یابیم. خداوند[ا] به این حقیر هم توانی عطا بفرما، تا چنان آنها با شهامت، با شجاعت، با رشادت شکست‌ناپذیر با دشمنت بستیزیم و آنان را در مقابل کتابت قرآن، بزانو درآوریم، و حرم مطهر اباعبدالله الحسین را از لوث وجود بعثی‌های کافر و بعد از آن قدس عزیز را، از چنگال دشمن دیرینه اسلام، اسرائیل غاصب، بیرون آوریم و نماز جمعه را به امامت رهبر خویش در آن مکان مقدس بپا داریم. انشاءالله. آری، اینها را برای این ذکر کرده‌ام که نگویند کورکورانه به جبهه رفت. بلکه با چشمی باز راه را شناخت و رفت.

من چه باید وصیت کنم، تا حق تمام مردم را ادا کرده باشم، الا وصیت بر حفظ اسلام، ای مردم دست از اسلام و آئین محمدی برندارید، دست از ائمه اطهار برندارید. قلب امام زمان را از خود شاد نگه دارید، نایبش را تنها نگذارید، همچنان مردم کوفه نباشید که خدای نکرده، حسین زمان[1] تنها بماند. از انقلاب اسلامی حمایت کنید، پشتیبان دولت اسلامی باشید.

جبهه‌ها را گرم نگه دارید، نکند خدای[2] نکرده خون شهیدان عزیزمان پایمال شود. اسلحه بزمین افتاده شهیدان را برگیرید. بر دشمن زبون بتازید، که خداوند پیروزی را در قرآن به ما بشارت داده است. فقط کمی صبر «**ان الله مع الصابرین**»[3] در سختی‌ها و شهید دادنها مقاوم باشید، نباشد که خدای[4] ناکرده با زیاد شدن شهدا، از صحنه بدر روید. اینان زنده‌اند. «شهیدان زنده‌اند الله اکبر».

و شما ای کسانی که بندهای دلتان را با بندهای دنیا محکم کرده‌اید، که هیچ دردی از این رنج‌های انسان‌های محروم را درک نمی‌کنید و با مربوط دانستن[5] حفظ این جبهه‌ها [را] [را] به دیگران، خود را از آن ساقط کرده‌اید و گوش خود را گرفته‌اید، تا ندای پی در پی امام و گریه‌های دردآلود شهید داده و کودکان یتیم را نشنوید و چشم‌هایتان را بسته‌اید، تا

---

١- غرض از حسین زمان، حضرت امام خمینی است.

٢- در اصل وصیت «خدائی».

٣- بقره/ ١٥٣.

٤- در اصل وصیت «خدائی».

٥- در اصل وصیت «دادن».

مصیبت‌های مردم را به چشم نبینید، تا خود در کنار همسرانتان آرام بیاسایید، دیگر باز ایستید، که به قول علی(علیه‌السلام) هیچ چیز این بندهای دنیا را از جان شما پاره نمی‌کند، الا در زیر دندان‌های مصیبت‌ها، شماها ای انسان‌ها کمی سستی تن و روح را بشکنید و هجوم روحی داشته باشید که خداوند همگی را در راه عشق آزمایش می‌کند.

خداوندا تو خود شاهدی که حق هیچ کس را نتوانستم ادا نمایم، پدر و مادرم خواهرانم و برادرانم خویشان و آشنایانم و ای کاش می‌توانستم حق ولی فقیه و رهبرم را اداء کنم.

شما ای پدر و مادر عزیزم که زحمات زیادی برای من کشیده‌اید، از شما حلالیت می‌طلبم. امیدوارم که مرا عفو نمایید. از شما می‌خواهم که در شهادتم چون کوهی راسخ ایستادگی نمایید تا کسی نگوید با دادن دو شهید از میدان به در رفتید. سر را بلند کنید و به این افتخار فخر ورزید. مخصوصاً شما مادر، من به شما پرخاش[1] نمودم. امیدوارم که مرا به بزرگی خودت عفو نمایید. در شهادتم صبور باش. در شهادتم گریه خواستی بکنی بکن، ولی نه بر من، بر مصیبت حسین(علیه‌السلام) و یاران باوفایش گریه کن و اما شما ای پدر، که برایم زحمات فراوان کشیدید، از شما هم معذرت می‌خواهم که نتوانستم حق شما را ادا کنم و اما شما ای خواهرانم، در شهادتم همچو زینب صبور باشید. مبادا عملی انجام دهید [که][2] روح مرا آزار و اجر خویش را ضایع کنید. صبر داشته باشید که خداوند با صابران است.[3]

در پایان از تمام کسانی که با من سر [و][4] کار داشته‌اند از دوستان در امر کشاورزی یا عزیزان تره‌بار فروش، حلالیت می‌طلبم. اگر به کسی بدهکارم به وصیّم که همانا پدرم می‌باشد، طلبش را وصول نماید و از هر کس که طلبکارم به او بخشیدم، از شما وصی عزیزم می‌خواهم مقدار نوزده هزار تومان به ایرج علیکاهی، طی چکی بدهکارم که در درون کیف هست. سی هزار تومان بانک کشاورزی که سررسیدش برج شش می‌باشد و

---

۱- در اصل وصیت «پرخاشم».

۲- که بر مبنای سیاق کلام اضافه شده است.

۳- عبارت مفهوم این آیه را تداعی می‌کند. «ان الله مع‌الصابرین» بقره/۱۵۳.

٤- برای رفع غلط خوانی «واو» اضافه شده است. زیرا سرکار با سرو کار معنای متفاوت دارد. به سیاق عبارت و حکم استحسان باید سر و کار درست باشد.

مقدار بیست هزار تومان هم، سهم خمس بدهکارم، بدهید و سی هزار تومان هم به خودتان بدهکارم، از مالی که از خداوند به ما عطا[1] کرده، از آن بردارید و پنج هزار تومان هم رد مظالم[2] بدهید.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**محل دفن مزار شهدا شاهرود در کنار برادر شهیدم**

**الحقیر، علی اکبر اسد**

**۶۵/۲/۲۸**

---

۱- باید واژه عطا درست باشد. در اصل وصیت «اعطا» است.

۲- در اصل وصیت مضالم. در اکثر وصایا پایبندی شهدا به حلال کردن همان مختصر مالی که برایشان باقی‌مانده و نیز ردمظالم، بجای آوردن نماز و روزه قضا، رضایت گرفتن از مردم، حلالی طلبیدن از دوستان و آشنایان یک اصل است. این نماد روشنی است از یک تربیت مکتبی و اعتقاد قلبی و راسخ داشتن به مسائل شرعی و حلال و حرام و حق و ناحق و ادای وظایف و تکالیف الهی، حتی در صورتی که برخی اعمال مثل نماز و روزه واقعاً غیرعمد قضا شده باشد.

*. در حاشیه سمت چپ صفحه سوم اصل وصیت یادآور شده است. یکسال برایم نماز و سه ماه هم روزه یا بگیرید یا بدهید بگیرند، همه‌تان را به خدا می‌سپارم.

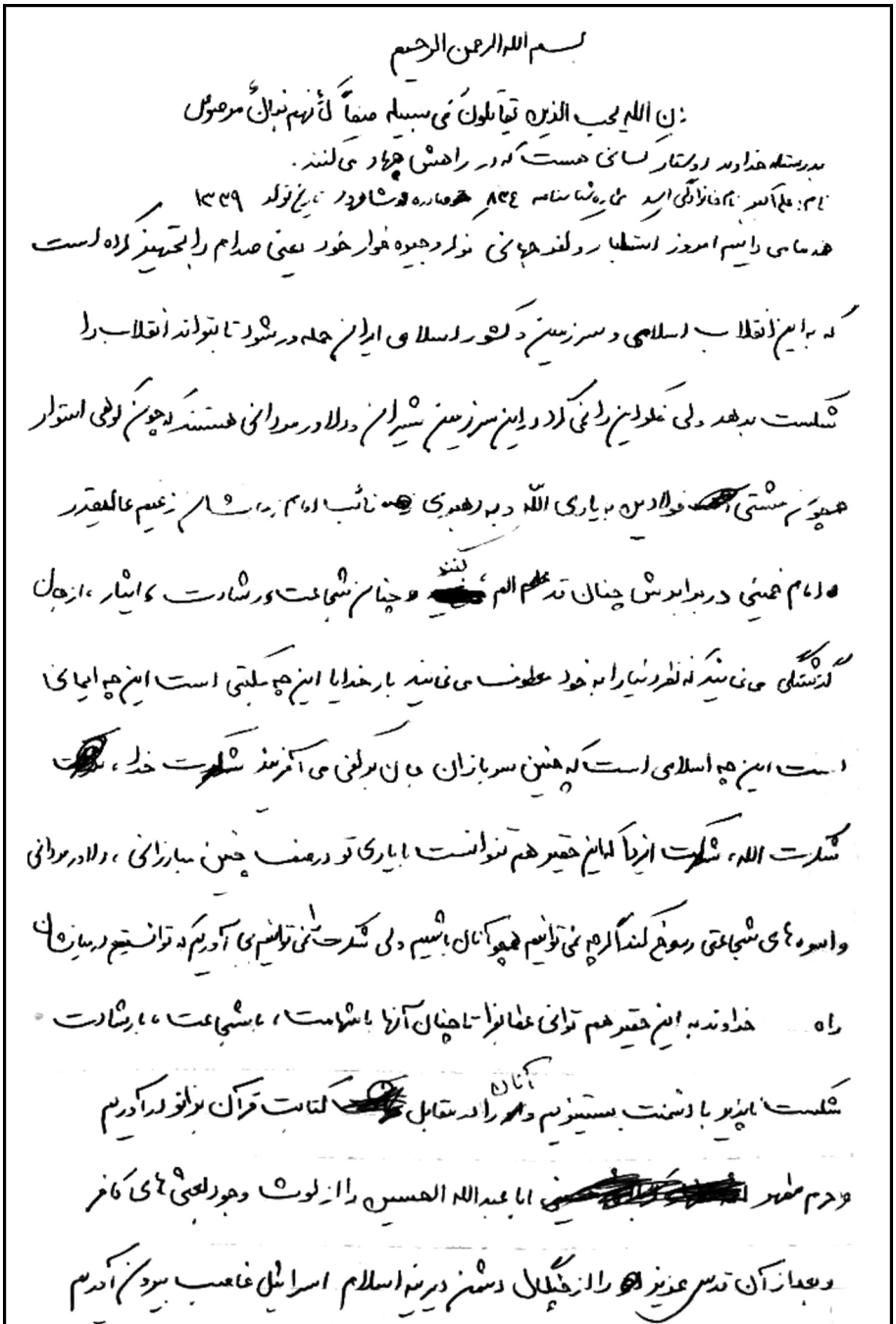

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کأنهم بنیان مرصوص

بندهٔ حقیر خداوند روستاگر [illegible] است که در راهش جهاد می‌کنند.

نام: علی‌اکبر نام خانوادگی اسد نام پدر [illegible] شماره شناسنامه ۸۳۴ متولد [illegible] تاریخ تولد ۱۳۴۹

هدف ما در این امر جهاد استقرار و گسترش هر چه بیشتر حکومت خود یعنی صدام را تجهیز کرده است

که با این انقلاب اسلامی و سرزمین کشور اسلامی ایران حمله ور شود تا بتواند انقلاب را

شکست بدهد ولی غافل از این که در این سرزمین شیران دلاور و مردانی هستند که چون لوای استوار

همچون [illegible] فرزندان پرباری الله و به رهبری [illegible] نائب امام زمان نعیم عالمقدر

و امام خمینی در برابرش چنان تند خشم الم [illegible] و چنان شجاعت و رشادت و ایثار از دل

گذشتگان می‌بیند که لرزه بر اندام خود مطوف می‌بیند بار خدایا این چه ملتی است این چه ایمانی

است این چه اسلامی است که همین سربازان بی‌نام و نشان می‌آفریند شکست خدا، شکست

شکست الله، شکست از دا امام حقیر هم نتوانست با یاری تو در صف چنین سربازانی، و دلاور مردانی

و اسوه‌های شجاعتی رسوخ کند اگرچه نمی‌توانم همچو آنان باشم ولی شکست نمی‌توانم بیاورم که توانستم در میان

راه خداوند به این حقیر هم توانی عطا فرما تا چنان آزاد باشم، با شجاعت، با رشادت

شکست ناپذیر با دشمنت بستیزم و همه را در مقابل [illegible] آنان کتابت قرآن برافروزم

و رحم مطهر [illegible] ابا عبدالله الحسین را زلوث وجود نجس کافر

و بعد از آن قدس عزیز را از چنگال دشمن دین اسلام اسرائیل غاصب بیرون آورم

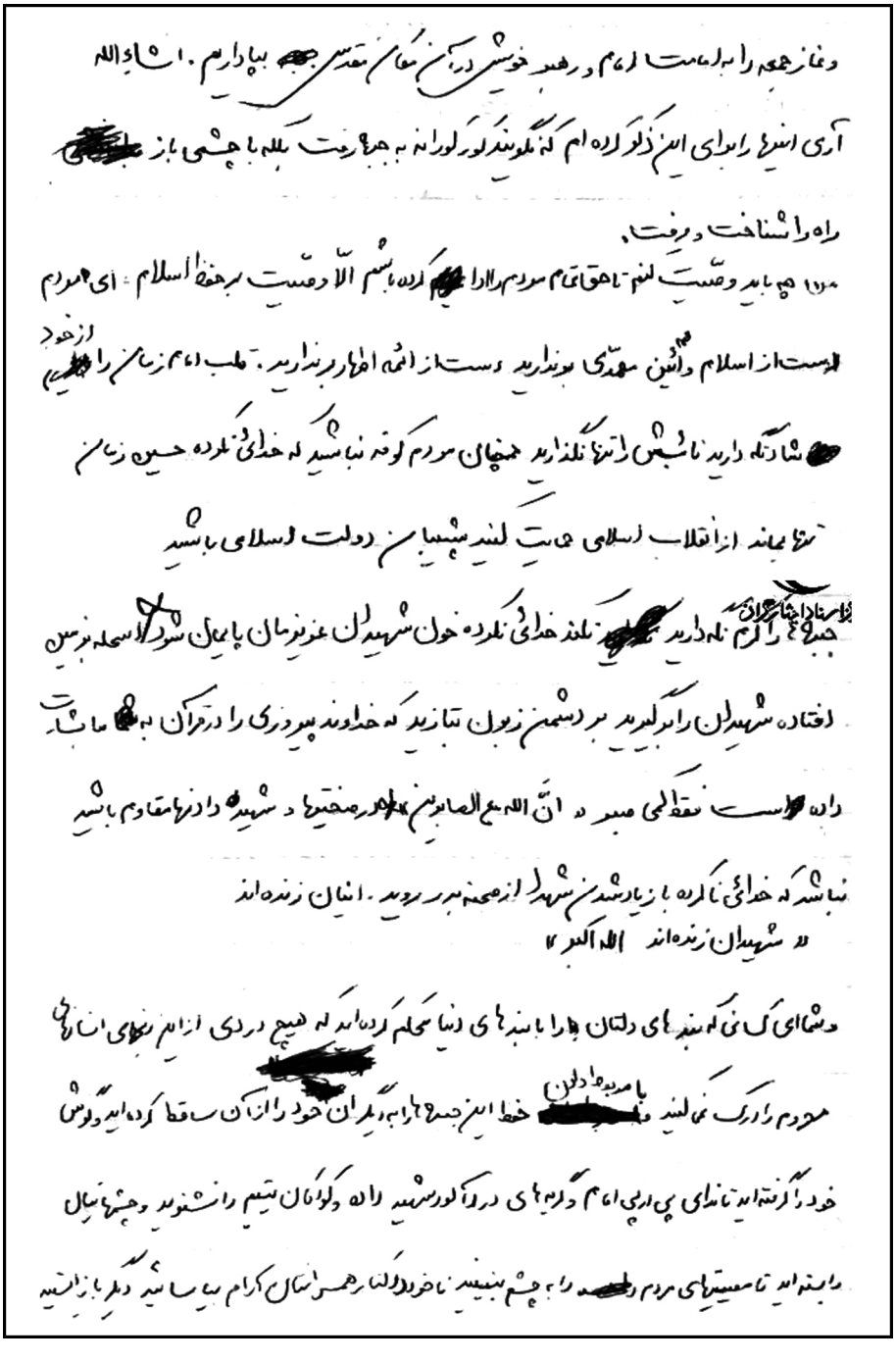

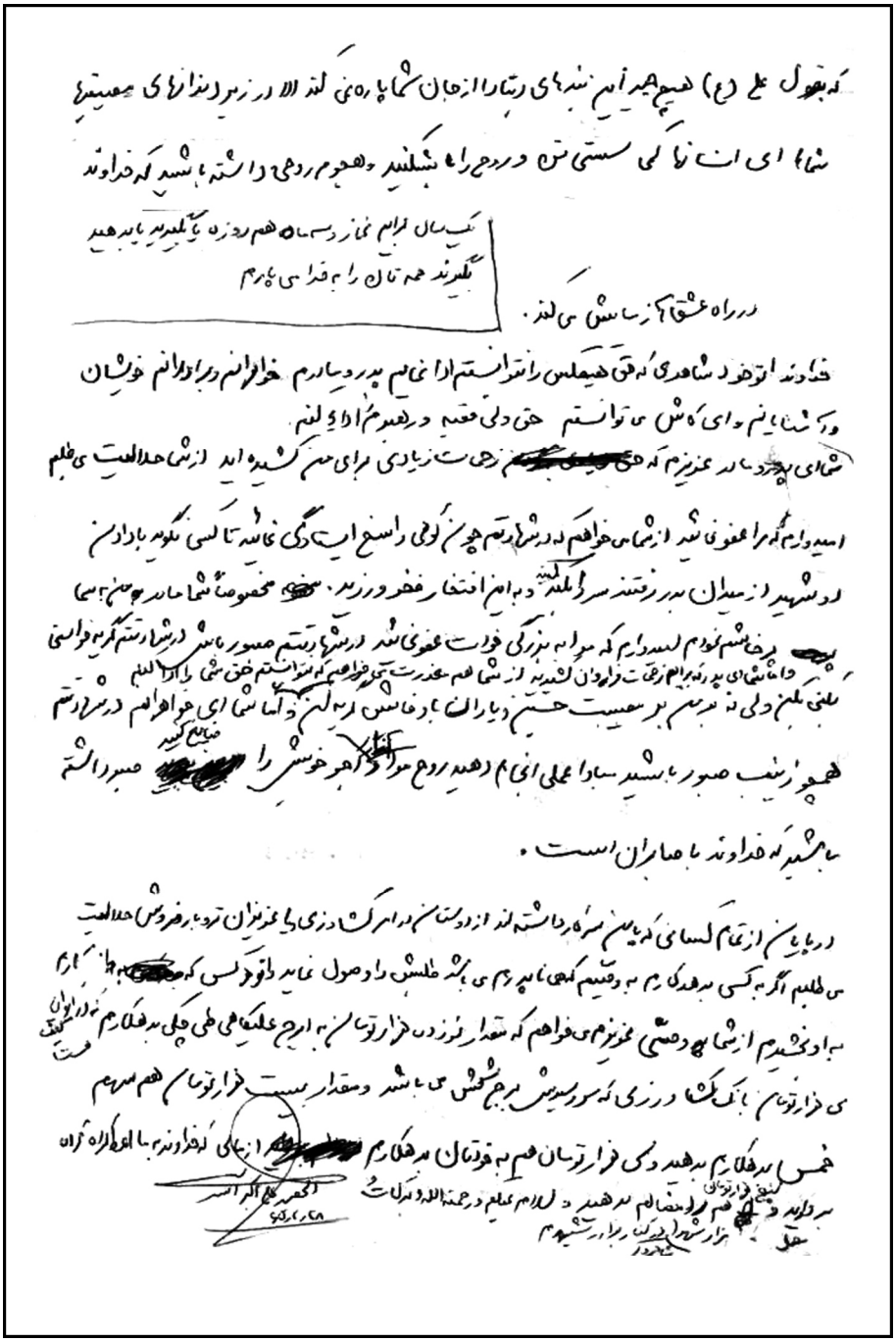

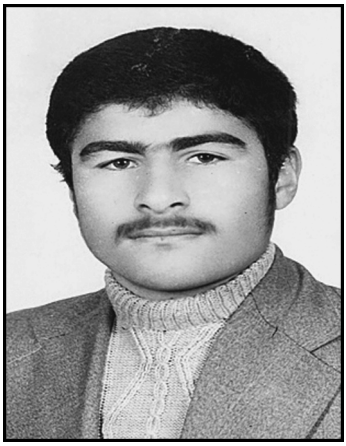

نام: **احمد**
نام خانوادگی: **اسدیان**
نام پدر: **اسدالله**
نام مادر: **شریفه**
تاریخ تولد: **دوازدهم آبان ۱۳٤۲**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دوم خرداد ۱۳٦۱**
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- انسان مسئول است اگر می‌تواند با مال یا جان و یا هرگونه می‌تواند، به این انقلاب کمک کند.
- باید به جبهه بروم و اسلحهٔ به زمین افتادهٔ برادران شهیدم را از زمین بلند کنم.
- این جنگ، جنگ کفر و اسلام است.
- سعادتی بالاتر از شهادت در راه خدا نیست.
- خدای نکرده، نکند ما امام را تنها بگذاریم.
- در دعای کمیل حتماً شرکت کنید و دعای توسل را زیاد بخوانید.
- همه از خداییم و بازگشتمان به‌سوی او است.
- برادرانم را خوب تربیت کنید که اجر شما با خدا است.

## احمد اسدیان[۱]

**بسم الله الرحمن الرحیم**

«**انما المؤمنون الذین آمنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا باموالهم وانفسهم فی سبیل‌الله اولئک هم الصادقون**»[۲] «منحصراً مؤمنان واقعی آن کسانند که به خدا و رسول او ایمان آوردند و بعداً هیچگاه شک و تردیدی به دل راه ندادند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند اینان به حقیقت راستگو هستند».

انسان مسئول است در برابر خدا در این زمان، که اگر می‌تواند با مال یا جان و یا هرگونه می‌تواند، به این انقلاب کمک کند و من بنا بر این مسئولیت، دیگر احساس می‌کنم که ماندنم هیچ درست نیست و باید به جبهه بروم و اسلحهٔ به زمین افتادهٔ برادران شهیدم را از زمین بلند کنم، تا از اسلام دفاع کنم، چرا که این جنگ، جنگ کفر و اسلام است و در این راه راضیم به رضای خدا، که اگر در راه او به شهادت رسیدم و خدا این بندهٔ سر تا پا گناه را پذیرفت، دیگر سعادتی از این بالاتر نیست. برادران این را بدانید که اکنون یاری امام از اهم واجبات است. با کار و صحبت بیشتر، با قلم و به هر صورت که می‌توانیم امام را یاری کنیم و خدای نکرده، نکند ما او را تنها بگذاریم و هیچگاه از دعا یادتان نرود. در دعای کمیل حتماً شرکت کنید و دعای توسل را زیاد بخوانید و این دعا که الهام شده الهی است را هیچ وقت فراموش نکنید: که «خدایا، خدایا، تو را به جان مهدی(عج) تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه دار».

از دوستان و آشنایان و تمام مؤمنان خدا می‌خواهم که برایم دعا کنند که خدا از گناهانم درگذرد و از تمام آنها می‌خواهم که اگر خطایی سر زده به بزرگی خودشان ببخشند. پدر و مادرم اگر خبر شهادت من رسید، همان‌طوری که قرآن می‌فرماید، بگویید [که] «**و اذا اصابتهم مصیبة قالوا انّالله و انّا الیه راجعون**».[۳] که مؤمنان خدا با مال و جان و ثمرات

---

۱- در بالای وصیت آمده است: «وصیت‌نامه احمد اسدیان فرزند اسدالله».

۲- حجرات/ ۱۵.

۳- بقره/ ۱۵۶.

زندگی خود امتحان می‌شوند و هنگامی که به آنها مصیبتی وارد می‌شود، می‌گویند: همه از خداییم و بازگشتمان به‌سوی او است. کتاب‌هایم را اگر برادران و خواهرانم می‌خواهند باشد، وگرنه به کتابخانهٔ مسجدی بدهند تا بیشتر استفاده شود و از شما می‌خواهم که برادرانم را خوب تربیت کنید که اجر شما با خدا است.

**«والسلام»**

**٦١/١/١٩**

**احمد اسدیان**

وصیتنامه احمد اسدیان فرزند ...

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

منحصراً مؤمنان واقعی آن کسانند که به خدا و رسول او ایمان آوردند و بعد آ هیچگاه شک و دودلی به دل راه ندادند و در راه

خدا با مال و جانشان جهاد کردند. اینان به حقیقت راستگو هستند. (سوره حجرات آیه ۱۵)

انسان مسئول است در برابر همه ... در این زمان که اگر می تواند با مال یا جان و هرگونه که می تواند به این انقلاب کمک کند

و من نیز بر این مسئولیت تکیه اساس می کنم که مانند هیچ وقت سنت رسیده به جبهه بروم و اسلحه بدست گرفته در راه رشید را

از دست ندهند تا اسلام دنیا کنم چرا که این جنگ، جنگ کفر و اسلام است و در این راه راضیم به رضای خدا، که اگر در راه او

به شهادت رسیم و خدا این بنده حقیر را پذیرفت و تکیه سعادتی از این بالاتر نیست برادران این را بدانید که اکنون یاری امام از

اهم واجبات است با کار و مصاحبت بیشتر با ملت و به هر صورت که می توانیم امام را یاری کنیم و خدائی نکرده [illegible] تنها

نگذاریم و همیشه از دعای خیر ایشان برخوردار باشیم و در دعاهای توسل را از یاد نبرید و از خدا بخواهید که امام را به ما

برگرداند و به همه ما توفیق عنایت فرماید که در راه اسلام و انقلاب و رهبر عزیز تا آخرین قطره خون از رگهایمان جاری است

از دشمنان اسلام و قرآن بیزاری بجوئیم و از تمام آنهائی که با انقلاب ما مخالفند و ما را از دوستان و آشنایان و تمام مسلمانان دنیا

می خواهند جدا کنند بیزاری بجوئیم و از خدا می خواهم که ما را در راه خود ثابت قدم بدارد و از تمام آنهائی که با انقلاب ما مخالفند

و ما را از دوستان و آشنایان و تمام مسلمانان دنیا می خواهند جدا کنند بیزاری بجوئیم و از خدا می خواهم که ما را در راه خود ثابت قدم بدارد و از تمام آنهائی که با انقلاب ما مخالفند

خبر شهادت من رسید همانطور که قرآن می فرماید بگوئید که وَإِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ که همان

خدا با مال و جان و ثمرات زندگی خود ما را می خواند و هنگامی که به آن احتیاج دارد می گوید همه از خدا ئیم و باز گشتمان به سوی اوست

گناهانم را اگر برادران و خواهرم می خواهند بابت کفن [illegible] هزینه تا بیشتر استفاده شود و از شما هم خواهم که

برادرانم را به تقوا توصیه کنید که همراه با خداست.

والسلام ۱۹/۱/۵۱

احمد اسدیان

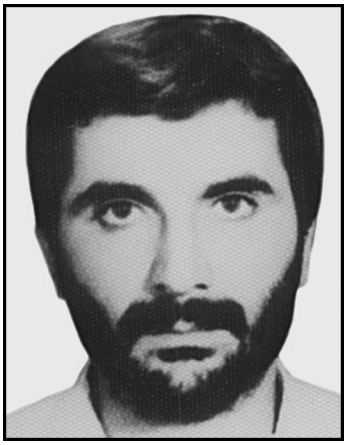

نام: **محمدباقر**
نام خانوادگی: **اسدی‌نژاد**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **بی‌بی‌نسا**
تاریخ تولد: **چهارم اسفند ۱۳۳۵**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **ستاد پشتیبانی جنگ و جهاد سازندگی**
تاریخ شهادت: **سی‌ام دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- مرگ حق است و خلاصه دیر یا زود به سراغ آدم می‌آید.
- چه بهتر که انسان در راه خدا بمیرد.
- عالی‌تر اینکه، در راه خدا جنگ کند و شهید شود.
- همسرم، در شهادتم بی‌تابی نکن.
- به خدا توسل کن که سرپرست و ولی همه ما خداوند متعال است.
- همسرم، سعی کن زهرا و حجت‌الله را فاطمه(علیهاالسلام) و علی(علیه‌السلام) گونه تربیت کنی.
- دوستانم، در انجام امور شرعی کوشا باشید.
- گوش به حرف‌های شیطان‌های داخلی که هدفشان جز خوردن و خوابیدن نیست، ندهید.
- همیشه طرفدار روحانیت متعهد مبارز باشید که الفباء معنوی جامعه هستند.

## محمدباقر اسدی‌نژاد

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انالله و انا الیه راجعون».**[۱]

درود و سلام بر انبیاء و اولیاء خداوند علیهم السلام. درود و سلام خداوند بر نایب امام زمان(عج) رهبر مستضعفین و مرجع تقلید شیعیان جهان. و درود و سلام خداوند برتمامی شهدای اسلام به‌ویژه شهدای جنگ تحمیلی.

برادران و خواهران عزیز، ملت مسلمان، مرگ حق است و خلاصه دیر یا زود به سراغ آدم می‌آید و گذشته از این معلوم نیست با چه وضع فلاکت‌باری انسان از بین برود پس چه بهتر که انسان در راه خدا بمیرد و عالی‌تر اینکه، در راه خدا جنگ کند و شهید شود. لذا من با آگاهی تمام و براساس احساس وظیفه شرعی عازم جبهه شدم تا از اسلام و مملکت اسلامی حمایت کرده باشم.

و اما پیام من به وابستگان و دوستان:

همسرم، در شهادتم بی‌تابی نکن، به خدا توسل کن که سرپرست و ولی همه ما خداوند متعال است صبر و شکیبایی پیشه کن که در این‌صورت ثواب و اجر شهید را خواهی برد سعی کن زهرا و حجت‌الله را فاطمه(علیها السلام) و علی(علیه السلام) گونه تربیت کنی، تا از سربازان امام زمان(عج) باشند.

شما ای پدرم و ای مادرم، اولاً از شما حلالیت می‌طلبم و ثانیاً از شهادتم ناراحت نباشید [که] افتخار کنید که چنین فرزندی تحویل جامعه دادید که به یاری امام زمان(عج) شتافت و از اسلام و مسلمین حمایت کرد، و در راه خدا شهید شد و هم چنین پدر و مادر شهید هستید. برادرانم از شما می‌خواهم که مرا ببخشید. کوشش کنید در انجام وظیفه شرعی خود کوتاهی نکنید. بیشتر یاور اسلام و حامیان اسلام باشید که هستید.

---

۱- بقره/ ۱۵۶. در اصل وصیت قبل از آیه فوق آمده «فبشر الصابرین».

خواهرانم، از شما می‌خواهم که مرا ببخشید چون در وقت اعزام شما را ندیدم. در شهادتم بی‌صبری نکنید. از شما می‌خواهم فرزندانتان را طوری تربیت کنید که همیشه طرفدار اسلام و خط روحانیت متعهد مبارز باشند.

دوستانم، در انجام امور شرعی کوشا باشید و گوش به دستورات و فرمان امام عزیز خمینی بت‌شکن باشید گوش به حرف‌های شیطان‌های داخلی که هدفشان جز خوردن و خوابیدن نیست، ندهید. همیشه طرفدار روحانیت متعهد مبارز باشید که الفباء معنوی جامعه هستند.

خداوندا به ما توفیق انجام وظیفه عنایت کرده و ما را ثابت قدم بدار. اسلام عزیز را بر کفر جهانی پیروز بگردان.

**شهادت‌نامه محمدباقر اسدی‌نژاد**

بسمه تعالی

متن وصیت نامه شهید محمدباقر اسلامی نژاد :

" قل هل تربصون بنا الا احدی الحسنیین ونحن نتربص بکم ان یصیبکم الله بعذاب من عنده او بایدینا فتربصوا انا معکم متربصون "

درود بر اسلام بر انبیاء و اولیاء خداوند علیهم السلام .

درود بر اسلام خداوند بر نایب امام زمان ( عج ) رهبر مستضعفین و مرجع تقلید شیعیان جهان .

و درود بر اسلام خداوند بر تمامی شهداء اسلام بویژه شهدای جنگ تحمیلی .

برادران و خواهران عزیز ، ملت مسلمان ما حق است و خلاصه دوران ددمنشی آدم میآید و گذشته از این مسلم نیست با چه وضع فلاکت باری انسان از بین برود پس چه بهتر که انسان در راه خدا بمیرد و عالیتر اینکه در راه خدا جنگ کند و شهید شود . لذا من با آگاهی تمام و براساس احساس وظیفه شرعی عازم جبهه شدم تا از اسلام و مملکت اسلامی حمایت کرده باشم . و اما پیام من به وابستگان و دوستان :

همسرم : در شهادتم بیتابی نکن بخدا توکل کن که سرپرست و ولی همه ما خداوند متعال است، صبر و شکیبائی پیشه کن که در اینصورت ثواب و اجر شهید را خواهی برد سعی کن زهرا حجت الله را و فاطمه ( س ) و علی ( ع ) گونه تربیت کنی تا از سربازان امام زمان ( عج ) باشند .

شما ای پدر و مادرم : اولا " از شما خلاصیت میطلبم و ثانیا " از شهادتم ناراحت نباشید بلکه افتخار کنید که چنین فرزندی تحویل جامعه دادید که بیاری امام زمان ( عج ) شتافت و از اسلام و مسلمین حمایت کرد و در راه خدا شهید شد و هم چنین پدر و مادر شهید هستید .

برادرانم از شما میخواهم که مرا ببخشید و عوض کنید در انجام وظیفه شرعی خود کوتاهی نکنید بیشتر یار اسلام و حامیان اسلام باشید که هستید .

خواهرانم ، از شما میخواهم که مرا ببخشید چون در رفت اعزام شما را ندیدم در شهادتم بیصبری نکنید از شما میخواهم فرزندانتان را طوری تربیت کنید که همیشه طرفدار اسلام و خط و امامت متعهد و مبارز باشند .

دوستانم : در انجام امور شرعی کوشا باشید و گوش بدستورات رهبر عزیز امام خمینی بت شکن باشید و گوش به حرفهای شیطانهای داخلی که عده‌شان چیزی جز ویران نیست ندهید همیشه طرفدار و یار و امت متعهد و مبارز باشید که ایشان اولیاء و صفوی جامعه هستند .

خدا را بسجا توفیق انجام وظیفه عنایت فرموده و یارا ثابت قدم بدار اسلام عزیز را بر کفر جهانی پیروز گرداند .

شهادتنامه محمدباقر اسلامی نژاد :

" تکثیر از : واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی سمنان "

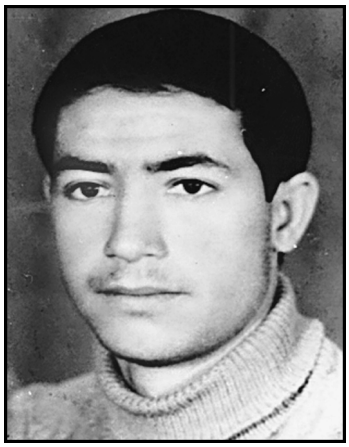

نام: **حسن**
نام خانوادگی: **اسکندری**
نام پدر: **قربانعلی**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **سوم مهر ۱۳٤٤**
محل تولد: **روستای فرومد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم اردیبهشت ۱۳٦٥**
محل شهادت: **حاج‌عمران عراق**
نحوهٔ شهادت: **بمباران هوایی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- من به جبهه آمدم، تا دینم را به اسلام عزیز ادا کنم.
- پدر و مادر عزیز، مبادا در شهادت من بگریید.
- هیچ کامی شیرین‌تر از شهادت نیست.
- برادرانم همیشه حسین‌وار زندگی کنید.
- خواهرانم شما هم موظفید همانند زینب(علیهاالسلام) پیام شهیدان را به گوش جهانیان برسانید.
- من با امام خمینی میثاق بسته‌ام و به او وفادارم.

## حسن اسکندری

### بسم الله الرحمن الرحیم

«**ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**»[۱] «مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شوند مرده‌اند نه بلکه زنده‌اند و در نزد خدا روزی می‌خورند» و نگویید که ناکام از دنیا رفت چون هیچ کامی شیرین‌تر از شهادت نیست.

وصیت‌نامهٔ شهید حسن اسکندری از فرومد شاهرود

«اینجانب دست و بازوی شما رزمندگان را که همانا دست خدا بالای آن است می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم».[۲] (امام خمینی)

با درود بر خمینی بت‌شکن و با سلام بر رزمندگان اسلام. چند کلمه‌ای به‌عنوان وصیت می‌نویسم. سلام گرم من به پدر و مادر گرامی‌ام و برادران عزیزم و خواهران عزیزم. عرض می‌کنم پدر و مادر عزیزم، نمی‌دانم چگونه زحمات شما را جبران کنم. من به جبهه آمدم تا دینم را به اسلام عزیز ادا کنم. پدر و مادر عزیز، مبادا در شهادت من بگریید، بگویید که ناکام از دنیا رفت. چون هیچ کامی شیرین‌تر از شهادت نیست. خواهران و برادران عزیزم، شرمسار و خجلم از این که نتوانستم برای شما کار مفیدی انجام دهم. برادرانم همیشه حسین‌وار زندگی کنید و در دنیا آزاد مرد باشید. خواهرانم شما هم موظفید همانند زینب(علیهاالسلام) پیام شهیدان را به گوش جهانیان برسانید. خدایا مرا ببخش. از گناهان من درگذر. تو کریم و رحیم هستی. پیامم به آنان که بر ضد اسلام برخاسته‌اند این است که هر چه زودتر به آغوش اسلام بازگردند. در برابر خدا و شهیدان مسئولند. پیامم به ملت این است که همیشه در صحنه باشند و راه سعادت‌بخش حسین‌بن‌علی(علیه‌السلام) را ادامه دهند و زینب‌وار زندگی کنند. من با امام خمینی میثاق بسته‌ام و به او وفادارم، زیرا که او به اسلام وفادار است و اگر چندین بار مرا بکشند، دست از او نخواهم کشید و اگر من شهید شدم،

---

*- در بالای وصیت‌نامه به قلم شهید اسکندری این عبارت آمده است: پیامم به ملت این است که همیشه در صحنه باشند و راه سعادت‌بخش حسین‌بن‌علی(علیه‌السلام) را ادامه دهند.

۱- آل عمران/۱۶۹.

۲- امام خمینی تبیان قوای مسلح. ص ۱۷.

تابوت مرا در خانه‌امان ببرید تا برادرانم و خواهرانم ببوسند و بعد به بهشت شهیدان فرومد[۱] ببرید. «**اناالله وانا الیه راجعون**»[۲]

**حسن اسکندری از فرومد**

۱- فرومد از روستاهای تابعه شهرستان شاهرود، مولد و مزار شهید حسن اسکندری است.
۲- بقره/ ۱۵۶. ترجمه: «ما از خداییم و بازگشتمان به‌سوی اوست».

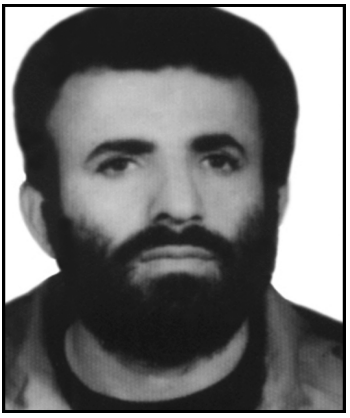

نام: **ساجد**
نام خانوادگی: **اسکندری**
نام پدر: **شیرآقا**
نام مادر: **زیبا**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۲۷**
محل تولد: **دماوند**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **ام‌الرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان مهدیشهر**

## عبارت‌های کلیدی

- راهی را که بنده انتخاب نمودم، راهی است که اولیاء الله رفته‌اند.
- همگی ما در قبال اسلام و شهدای اسلام و همچنین مسلمین مسئول می‌باشیم.
- باید راه شهدای اسلام را ادامه دهیم.
- کسی که مسلمان واقعی است، باید مسئله جهاد را اجرا نماید.
- ما همیشه باید بیاد خدا و مردن باشیم.
- باید راه امام حسین(علیه‌السلام) را تا ظهور مهدی(عج) ادامه دهیم.
- نماز را در اول وقت بخوانند.
- مسائل دینی را رعایت نمایند.
- نماز را سبک نشمارند.
- سعی کنند نماز را با جماعت در مساجد و نمازهای جمعه فراموش نفرمایند.
- پدر و مادر عزیز، شما پیشم عزیز هستید، اما اسلام عزیزتر است.
- ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند.

## ساجد اسکندری

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود بر یگانه منجی بشریت حجة ابن الحسن العسکری حضرت مهدی(عج) و نایب برحقش امام خمینی و با آرزوی پیروزی رزمندگان اسلام در سراسر جهان و برقراری حکومت عدل الهی در جهان و شفای عاجل مریضان و مجروحین اسلام و آزادی اسراء اسلام از زندان‌های ابر جنایتکاران جهان وصیتنامه اینجانب ساجد اسکندری فرزند شیرآقا دارنده شناسنامه شماره ۱۶۱ متولد فیروزکوه شغل کارمند راه آهن سمنان به‌شرح زیر می‌باشد.

راهی را که بنده انتخاب نمودم راهیست که اولیاء الله رفته‌اند و همان‌طوری که علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: «جهاد دری از درهای بهشت است که خدا آن را برای اولیاء خاص خود گشوده است»[1] و رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید بالای هر عمل نیک، عمل نیک دیگری است، تا اینکه مرد در راه خدا کشته شود پس چون در راه خدای عزوجل کشته شد دیگر هیچ عمل خیری برتر از آن نیست[2] و حضرت امام سجاد(علیه‌السلام) می‌فرماید: هیچ قطره‌ای نزد خداوند عزوجل محبوب‌تر نیست از دو قطره، قطره خونی که در راه خدا و قطره اشکی که در سیاهی شب برای خدا ریخته شود[3] و رسول اکرم می‌فرماید کسی که جهاد را ترک کند خداوند جامه‌ی ذلت بر او بپوشاند و به فقر معیشت گرفتارش سازد و دینش نابود گردد[4] و روایت‌های زیادی از ائمه معصومین در این زمینه داریم که انسان را در رابطه با جهاد راهنمایی می‌نماید. همگی ما در قبال اسلام و شهدای اسلام و همچنین

---

۱- ترجمه این سخن بلند علی(علیه‌السلام) است «فان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه». (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷، ترجمه سید جعفر شهیدی ص۲۷).

۲- با مضمون این سخن رسول اکرم همخوانی دارد که فرمود: ان افضل عمل المؤمن الجهاد فی سبیل الله «همانا برترین عمل فرد مؤمن جهاد در راه خداست». (نهج‌الفصاحه، ص۱۲۰).

۳- صحیفه سجادیه، ترجمه سید علی نقی فیض‌الاسلام.

۴- در کتاب نهج‌الفصاحه از رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیرامون جهاد و حضور مؤمنان در جهاد فی‌سبیل الله سخنان بسیار روشنی وجود دارد. حتی جهاد را برترین عمل مقبول می‌داند. عملی که بالاتر از آن وجود ندارد. کلمه ۴۲۷ ص۸۱.

مسلمین مسئول می‌باشیم و باید راه شهدای اسلام را ادامه دهیم و کسی که مسلمان واقعی است، باید مسئله جهاد را اجرا نماید. خواه ناخواه همگی ما از این دنیا خواهیم رفت. چون که دنیا محل انتظار است و ما همیشه باید به‌یاد خدا و مردن باشیم و تن بذلت ندهیم و باید راه امام حسین(علیه‌السلام) را تا ظهور مهدی(عج) ادامه دهیم و به ضد انقلاب اسلامی فرصت ندهیم که هرچه دلشان می‌خواهد برعلیه حکومت اسلامی انجام دهند و از این طریق ضربه به اسلام و مسلمین بزنند و موجب خوشحالی دشمنان اسلام گردند. و همان‌طوری که به فکر زندگی و زن و بچه‌های خود هستیم، قدری هم به‌فکر دین خود باشیم و دین خود را یاری نماییم و هیچکس نمی‌داند کی خواهد مرد و نگه دارنده ما خداوند می‌باشد و تنها این نباشد که فقط نماز بخوانیم و روزه بگیریم و زکات و خمس بدهیم و حج برویم و مسئله اصلی که جهاد باشد را انجام ندهیم. و همان‌طوری که امام عزیز ما فرموده‌اند: «مسئله اصلی ما جنگ تا رفع فتنه در جهان می‌باشد»[1] و ما وظیفه داریم فرمان ولایت فقیه را اطاعت و نگذاریم اسلام غریب بماند و با مال و جان خود در راه اسلام، جهاد نماییم. وصیت بنده به کلیه مسلمانان مؤمن این است که نماز را در اول وقت بخوانند و مسائل دینی را رعایت نمایند و نماز را سبک نشمارند و سعی کنند نماز را با جماعت در مساجد و نمازهای جمعه را فراموش نفرمایند و در سنگر نمازجمعه و جبهه‌های جنگ شرکت نمایند و در مراسم دعای کمیل و تشییع جنازه شهدا و همچنین در عزاداری محرم و یا ایام جشن و سوگواری ائمه اطهار شرکت نمایید و عزاداری برای امام حسین(علیه‌السلام) را فراموش نفرمایند و سفارش بنده به عده‌ای از برادران این است که نکنند برای امام حسین(علیه‌السلام) عزاداری کنند و سینه بزنند و گریه کنند و خرج (غذا) بدهند، اما نمازشان را نخوانده باشند یا قضاء نمایند. برادران توجه داشته باشید، امام حسین(علیه‌السلام) و کلیه ائمه و معصومین برای نماز، اسلام، دین و قرآن شهید شدند.

---

۱- امام خمینی در بیان ریشه قرآنی شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» می‌فرماید: «قرآن این را نمی‌گوید، قرآن می‌گوید: جنگ تا رفع فتنه باید رفع فتنه از عالم بشود» بنابراین غلط فهمی است از قرآن، که کسی خیال کند که قرآن نگفته جنگ جنگ تا پیروزی. قرآن بالاتر از این را گفته، اسلام هم گفته است». (صحیفه امام خمینی، ج۱۹، ص۱۱٦).

اما وصیت به همسر و فرزندانم و عزیزانم، شماها باید توجه داشته باشید که دین خود را به دنیا نفروشید و همیشه خدا را به‌خاطر داشته و عبادات خدا را به‌نحو احسن انجام دهید و همنشین تارک الصلاة نشوید و حرف آنها را گوش نکنید و اسلام و مسلمین را یاری نمایید و در نماز و سایر عبادات کاهلی ننمایید و نماز را در اول وقت بخوانید و در طول عمر خود یاور امام و اسلام و مسلمین باشید و سعی کنید از بی‌ایمان‌هایی‌که قابل هدایت نیستند، فاصله بگیرید و توجه داشته باشید که شما را از اسلام منحرف ننمایند و باید بدانید [همان‌طوری]که من شما را دوست داشتم و پیش من عزیز بودید، اما اسلام و دینم پیشم عزیزتر است و امیدوارم که شماها هم اسلام و دین‌تان برای شما از همه چیز عزیزتر باشد و همدیگر را در راه دین تشویق نمایید و امیدوارم که مرا ببخشید و سفارشی که به همسرم دارم اینست: شما وظیفهٔ سنگینی نسبت به فرزندان ما دارید و با توکل به‌خداوند بزرگ آنها را به‌نحو احسن تربیت و تحویل جامعه بده و طوری آنها را پرورش بده که با جان و مال، خدمتگزار اسلام و مسلمین باشند و خیلی از شما ممنونم که به‌فکر دین و آینده بچه‌ها هستی. امیدوارم که خداوند به شما اجر جمیل و جلیل عطاء فرماید و همیشه بچه‌ها را در رابطه با انجام وظایف دینی تشویق و آنها را راهنمایی نمایید و سفارشی که به فرزندانم دارم این است که همیشه قدر مادر را بدانید و حرف او را گوش کنید، چونکه مادر هیچ‌وقت بد فرزند خودش را نمی‌خواهد و شما باید مسائل دینی را از سایر دروس بهتر یاد بگیرید تا در آینده یک مسلمان واقعی و مطیع اسلام و قرآن باشید و در هر کاری که مشغول هستید همیشه به‌یاد خدا و آخرت باشید و حتی یک لحظه در اجرای دستورات الهی غافل نباشید و در هر کاری توکل‌تان به خدا باشد.

پدر و مادر عزیزم، شما پیشم عزیز هستید، اما اسلام عزیزتر است و من می‌باید این راه را ادامه دهم، چون که ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند و [...][1] شما ممنونم و امیدوارم که خداوند در آخرت به شما اجر جمیل و جلیل عطاء فرماید و شما باید خدا را شکر کنید که من به این راه رفتم و همچنین به سایر فرزندان خود سفارش کنید که راه حسین(علیه‌السلام) را انتخاب و تا آخرین قطرات خون خود راهش را ادامه و تن به ذلت ندهند.

---

۱- خوانا نیست.

[...][1] خود قرار دادم و در همه کار می‌تواند تصمیم‌گیری نماید. یک رأس گوسفند برای عقیقه زینب بدهکارم که باید خریداری و عقیقه گردد. مبلغ یک هزار و پانصد تومان جهت رد مظالم بپردازید. مبلغ پانصد تومان بابت خمس و سیصد تومان بابت ایام محرم بدهکارم باید پرداخت گردد. همچنین مبلغ چهارصد و هشتاد تومان به دامادم سیدمحمد جان حسینی بدهکارم. چکی به مبلغ ده هزار و هفتصد ریال به‌عبارت هزار و هفتاد تومان نزد آقای ابراهیم معصوم می‌باشد بابت بدهکاری به ایشان باید پرداخت گردد.

و سفارش آخرم به فرزندانم می‌باشد که بچه‌ها هیچ وقت بابت رفتن من ناراحت نباشید و خدا [را] شکر کنید که بنده به پیروی از اسلام و قرآن و امام به این راه رفتم و شما را هم به خدا و امام می‌سپارم و شما همیشه در نماز و دعاهایتان امام را دعا کنید و از خدا بخواهید که هرچه زودتر پرچم اسلام در سراسر جهان در اهتزار[2] و حکومت عدل الهی در سراسر جهان برقرار گردد و در تعجیل ظهور حضرت مهدی(عج) دعا کنید و در خاتمه امیدوارم که خداوند همه ما را ببخشد و بیامرزد انشاءالله.

اگر جنازه‌ای از بنده باقی ماند، محل دفن را همسرم می‌تواند تعیین کند و همان خواست[3] همسرم خواست من می‌باشد. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی(عج) خمینی را نگه دار.

**آمین یا رب العالمین**

**«والسلام»**

**ساجد اسکندری**

**یکم دیماه سال یکهزار و سیصد و شصت و چهار شمسی**

**برابر با نهم ربیع‌الثانی سال یکهزار و چهارصد و شش قمری**

---

۱- خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «براحتزاز».

۳- در اصل وصیت در هر دو مورد همان «خاصه» همسرم «خاصه» من می‌باشد.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بسمه تعالی

**" " متن وصیتنامه شهید ساجد اسکندری " "**

یگانه منجی بشریت حجة ابن الحسن العسگری حضرت مهدی (عج) و نایب بر... امام خمینی و... آرزوی پیروزی رزمندگان اسلام در سراسر جهان و برقراری حکومت عدل الهی در جهان و شفای عاجل مریضان و مجروحین اسلام و آزادی اسراء اسلام از... دانشهای ایران جهان و میتنامه اینجانب ساجد اسکندری فرزند شیرآقا دارنده شناسنامه شماره ۱۶۱ متولد فیروزکوه شغل کارمند راه آهن سمنان بشرح زیر میباشد.

راهی را که بنده انتخاب نموده ام راهست که اولیاء الله ... رفته اند و همانطور یکه علی (ع) میفرماید جهاد دری است از درهای بهشت که خدا آنرا برای اولیاء خاص خود گشوده است و رسول اکرم (ص) میفرمایند بالاتر خرمنی سبک عمل سبک دیگری است تا اینکه مردد در راه خدا کشته شود پس چون در راه خدا و جز خدا کشته شد دیگر هیچ عمل خیری برتر از آن نیست و حضرت امام سجاد (ع) میفرماید: هیچ قطره ای نزد خدا و ند جل محبوبتر نیست از دو قطره، قطره خونی که در راه خدا و قطره اشکی که در سیاهی شب برای خدا ریخته شود و رسول اکرم میفرماید کسی که جهاد را ترک کند خداوند جامه ذلت برا و بپوشاند و به فقر معیشت گرفتار سازد و دینش ناقص بود گردد و روایت های زیادی از ائمه معصومین در این زمینه داریم که انسان را در رابطه با جهاد راهنمائی مینماید.

همگی ما در قبال اسلام و شهدای اسلام و همچنین مسلمین مسئول میباشیم و باید راه شهدای اسلام را ادامه دهیم و کسی که مسلمان واقعی است باید مسئله جهاد را اجرا نماید خواه ناخواه همگی ما از این دنیا خواهیم رفت چونکه دنیا محل انتظار است و ما همیشه باید بیاد خدا و مردن باشیم و تن بذلت ندهیم و باید راه امام حسین (ع) را تا ظهور مهدی (عج) ادامه دهیم و به خدا انقلاب اسلامی فرصت ندهیم که هرچه دلشان میخواهد بر علیه حکومت اسلامی انجام دهند و از این طریق ضربه به اسلام و مسلمین بزنند و موجب خوشحالی دشمنان اسلام گردند. و همانطوری که به فکر زندگی و زن و بچه های خود هستیم قدری هم بفکر دین خود باشیم و دین خود را یاری نمائیم و هیچکس نمیداند کی خواهد مرد و نگهدارنده ما خداوند بزرگ میباشد و تنها این نباشد که فقط نماز بخوانیم و روزه بگیریم و زکات و خمس بدهیم و حج برویم و مسئله اصلی که جهاد باشد را انجام ندهیم. و همانطوری که امام عزیز ما فرموده اند: مسئله اصلی ما جنگ تا رفع فتنه در جهان میباشد و ما وظیفه داریم فرمان ولایت فقیه را اطاعت و نگذاریم اسلام غریب بماند و با مال و جان خود در راه اسلام جهاد نمائیم.

وصیت بنده به کلیه مسلمانان مومن اینست که نماز را در اول وقت بخوانند و مسائل دینی را رعایت نمایند و نماز را سبک نشمارند و سعی کنند نماز را با جماعت در مساجد و نمازهای جمعه را فراموش نفرمایند و در سنگر نماز جمعه و جبهه های جنگ شرکت نمایند و در مراسم دعای کمیل و تشییع جنازه شهدا و همچنین در عزاداری محرم و ایام جشن و سوگواری ائمه اطهار شرکت نمائید و عزاداری برای امام حسین (ع) را فراموش نفرمایند و سفارش بنده به عده ای از برادران اینست که نگذارند برای امام حسین (ع) عزاداری کنند و سینه بزنند و گریه کنند و خرج (غذا) بدهند امّا نمازشان را نخوانده باشند یا قضاء نمایند برادران توجه داشته باشید امام حسین (ع) و کلیه ائمه و معصومین برای نماز، اسلام، دین و قرآن شهید شدند.

امّا وصیت به همسر و فرزندانم و عزیزانم: شما ها باید توجه داشته باشید که دین خود را به دست نگیرید و همیشه خدا را مخاطر داشته و عبادات خدا را بخواهید انجام دهید و همنشین تارک الصلاة نشوید و حرف آنها را گوش نکنید و اسلام و مسلمین را یاری نمائید و در نماز و سایر عبادات کاهلی ننمائید و نماز را در اول وقت بخوانید و در طول عمر خود یاور امام و اسلام، مسلمین باشید و سعی کنید از بی ایمانهائیکه قابل هدایت نیستند فاصله بگیرید و توجه داشته باشید که شما از اسلام منحرف ننمایند و باید بدانید همانطوریکه من شما را دوست داشتم و بیش من عزیز بودید امّا اسلام و دینم پیشم عزیزتر است. و امیدوارم که شما ها هم اسلام و دین تان برای شما از همه چیز عزیزتر باشد و همدیگر را در راه دین تشویق نمائید و امیدوارم که مرا ببخشید و سفارشی که به همرم دارم اینست شما وظیفه ی سنگینی نسبت به فرزندان ما دارید و با توکل بخداوند بزرگ آنها را بنحو احسن تربیت و تحویل جامعه بدهید و طوری آنها را پرورش بدهید که باجان و مال خدمتگزار اسلام و مسلمین باشند و خیلی از شما ممنونم که بفکر دین و آینده بچه ها هستی. امیدوارم که خداوند بشما اجر جمیل و جلیل عطاء فرماید و همیشه بچه ها را در رابطه با انجام وظایف دینی تشویق و آنها را حمایتی نمائید و سفارشی که بفرزندانم دارم اینست که همیشه قدر ما در را بدانید و حرف او را گوش کنید چونکه ما در هیچوقت بد فرزند خودش را نمیخواهد و شما باید مسائل دینی را از سایر دروس مهمتر بدانید و در آینده یک مسلمان واقعی و مطیع اسلام و قرآن باشید و در هر کاری که مشغول هستید همیشه بیاد خدا و آخرت باشید و حتی یک لحظه در اجرای دستورات الهی غافل نباشید و در هر کاری توکل تان بخدا باشد.

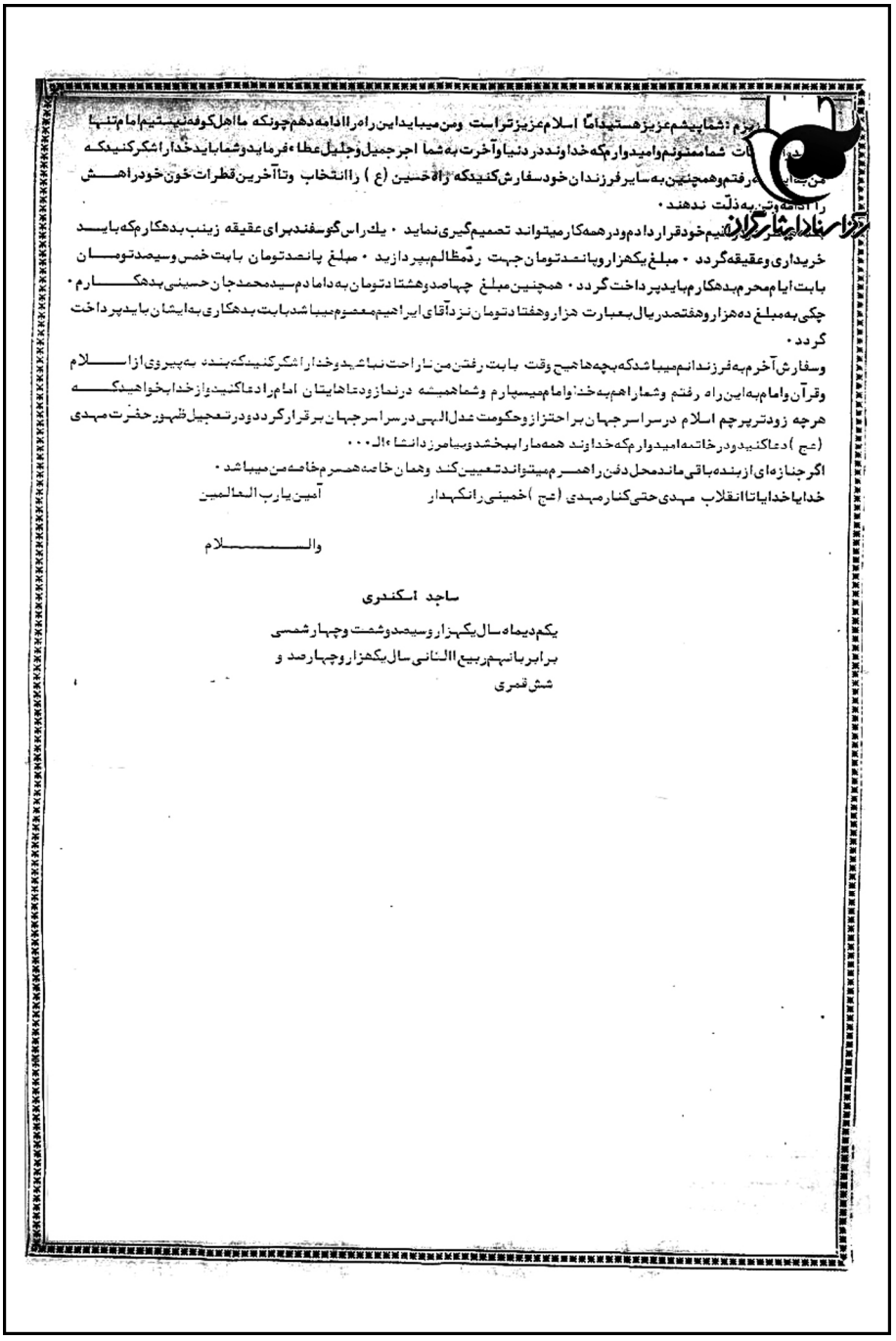

رزم شما بیشتر عزیز هستید امّا اسلام عزیزتر است و من میبایداین راه را ادامه دهم چونکه ما اهل کوفه نیستیم امام تنها
ت شما ستونم و امیدوارم که خداوند در دنیا و آخرت به شما اجر جمیل و جلیل عطا فرماید و شما باید خدا را شکر کنید که
من بیاد رفتم و همچنین به سایر فرزندان خود سفارش کنید که راه حسین (ع) را انتخاب و تا آخرین قطرات خون خود راهش
را ادامه و تن به ذلت ندهند.

بنیاد شهید و امور ایثارگران

نیم خود قرار دادم و در همه کار میتواند تصمیم گیری نماید. یک راس گوسفند برای عقیقه زینب بدهکارم که باید
خریداری و عقیقه گردد. مبلغ یکهزار و پانصد تومان جهت رد مظالم بپردازید. مبلغ پانصد تومان بابت خمس و سیصد تومان
بابت ایام محرم بدهکارم باید پرداخت گردد. همچنین مبلغ چهارصد و هشتاد تومان به داماد م سید محمد جان حسینی بدهکارم.
چکی به مبلغ ده هزار و هفتصد ریال بعبارت هزار و هفتاد تومان نزد آقای ابراهیم معصوم میباشد بابت بدهکاری به ایشان باید پرداخت
گردد.

وسفارش آخرم به فرزندانم میباشد که بجه‌ها هیچ وقت بابت رفتن من ناراحت نباشید و خدا را شکر کنید که بنده به پیروی از اسلام
و قرآن و امام به این راه رفتم و شما را هم به خط امام میسپارم و شما همیشه در نمازو دعاهایتان امام را دعا کنید و از خدا بخواهید که
هرچه زودتر پرچم اسلام در سراسر جهان برافتزاز و حکومت عدل الهی در سراسر جهان برقرار گردد و در تعجیل ظهور حضرت مهدی
(عج) دعا کنید و در خاتمه امیدوارم که خداوند همه ما را ببخشد و سیامرزد انشاءالله...

اگر جنازه‌ای از بنده باقی ماند محل دفن را هم میتواند تعیین کند و همان خاک همرم خاک من میباشد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی (عج) خمینی را نگهدار آمین یارب العالمین

والسلام

ساجد اسکندری

یکم دیماه سال یکهزار و سیصد و شصت و چهار شمسی
برابر با نهم ربیع الثانی سال یکهزار و چهارصد و
شش قمری

نام: **علی**
نام خانوادگی: **اسکندری**
نام پدر: **حبیب‌الله**
نام مادر: **طاهره**
تاریخ تولد: **یکم دی ۱۳٤۰**
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم آبان ۱۳٦۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- همیشه در سر نماز رزمندگان و مجروحین را دعا کنید.
- امام یادتان نرود.
- من از شما می‌خواهم که در سر نماز امام زمان را دعا کنید.
- دعا[ی] فرج را همیشه بخوانید.
- جوانان را تشویق کنید که به جبهه بیایند تا زودتر کلک صدام کافر را از منطقه بکنیم.

## علی اسکندری

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون».**[۱]

با سلام و درود فراوان به امام زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی و امت شهیدپرور ایران و با سلام و درود بر شهیدان دور[۲] اسلام از هابیل[۳] تا شهدای جنگ اُحد[٤] و از شهدای جنگ احد تا شهدای کربلا[٥] و از شهدای کربلا تا شهدای کربلا خوزستان و غرب کشور سخنم را آغاز می‌کنم.

با سلام بر پدر و مادر گرامی و با سلام بر برادران عزیزم محمد و مصطفی و خواهران گرامی‌ام فاطمه و زهرا، سخن را آغاز می‌کنم امیدوارم حال همه شما خوب باشد و هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید نامه پرمحبت شما رسید، بی‌نهایت خوشحال شدم، امیدوارم هرگز[٦] رزمندگان فراموش نکنید همیشه در سر نماز رزمندگان و مجروحین را دعا کنید و از امام یادتان[۷] نرود. یکی از این دوستان آقا امام زمان را خواب دیده بود، امام به ایشان گفته بود سلام مرا به رزمندگان برسانید و به ایشان بگویید برای من دعا کنند، تا خدا فرجم را نزدیک کند، من از شما می‌خواهم که در سر نماز امام زمان را دعا کنید. دعا[ی] فرج را همیشه بخوانید. دعا[ی] توسل برای رزمندگان یادتان نرود. حال همه رزمندگان و بچه‌های

---

۱- آل عمران/ ۱٦۹. ترجمه: «مپندارید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند. بلکه زنده‌اند و نزد خدا روزی خوارند».

۲- منظور از شهدای اولیه و صدر اسلام است. حتی قبل از ظهور اسلام یعنی دوره خلقت نسل آدم. یعنی هابیل و قابیل.

۳- ر.ک. تعلیقات.

٤- ر.ک. تعلیقات.

٥- واژه کربلا در واقع مرکب از دو جزء «کرب» به معنی اندوه، غم و «بلا» به معنی آزمون، امتحان و ابتلاء. در زبان فارسی نوعی ادغام و «ب» کربلا وَ «ب» بلاء صورت گرفته و به «کربلا» رایج است.

٦- در اصل وصیت «هیچگونه از رزمندگان را فراموش نکنید».

۷- غرض اینکه دعا کردن به جان امام را از یاد نبرید و خود امام را هم فراموش نکنید.

بسطام خوب است. پسر هادی و عباس اسماعیلی پیش ما هستند. حال ایشان هم خوب است دیگر وقت عزیزتان را نمی‌گیرم به امید پیروزی اسلام.

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**
**مرگ بر آمریکا مرگ بر شوروی مرگ بر اسرائیل**

از شما می‌خواهم که پیش هیچکس ناراحتی نکنید و جوانان را تشویق کنید که به جبهه بیایند[1] تا زودتر کلک صدام کافر را از منطقه بکنیم و راه بسته شده کربلا را باز کنیم، چون امام حسین(علیه‌السلام) منتظر ما هستند انشاءالله[2]
خدایا فرج آقا امام زمان را نزدیک بفرما آمین

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»***

---

۱- در اصل وصیت «بیایید».

۲- در اصل وصیت «ایشاالله».

*. پس از اتمام وصیت شهید جملهٔ زیر را خطاب به پدرشان نوشته است «پدر جان وسایل آچار و حدیده را از توی حمام بیاورید دکّان».

بسم الله الرحمن الرحیم
ما تا آخر با آنها جنگ خواهیم کرد و
و انشاء الله تعالی پیروز خواهیم شد.
( امام خمینی )

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

با سلام و درود فراوان به پیشگاه امام زمان (عج) و نایب برحق امام خمینی و ملت رشید و پیروز ایران و با سلام و درود به رزمندگان دلاور اسلام از هابیل تا جنگ احد و از شهدای جنگ احد تا شهدای کربلا و از شهدای کربلا تا شهدای گرانقدر خرمشهر و غرب کشور سخنم را آغاز می‌کنم با سلام بر پدر و مادر گرامی و با سلام به برادران عزیزم محمد و مصطفی و خواهران گرامی فاطمه و زهرا سخنم را آغاز می‌کنم امیدوارم حال همه‌تان خوب باشد و هیچ گونه ناراحتی نداشته باشید نامه‌ی محبت‌آمیز شما را دیدم نهایت خوشحال شدم امیدوارم همیشه از رزمندگان دلاور ما دعا کنید هستند در برابر زورمندگان و مجرمین را دعا کنید و از امام بزرگوار ما و از این دوستان آقا امام زمان را خراب نمی‌شود و همیشه به ایشان گفته بودم را به رزمندگان برسانید و به ایشان بگوئید برای من دعا کنند تا مرا نزدیک خدا کند من از دنیا متنفرم

که در سر نماز امام زمان را دعا کنید دعا فرج را همیشه بخوانید دعا توسل برای
رزمندگان یادتان نرود حال ها رزمندگان و بچه های سپاه خوب است
پسرهای دعبای اسماعیلی پیش ما هستند حال ایشان هم خوب است
دیگر وقت عزیزتان را نمی گیرم به امید پیروزی اسلام
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار
مرگ بر امریکا مرگ بر شوروی مرگ بر اسرائیل
از شما می خواهم که پیش هیچکس ناراحتی نکنید و جوانان را تشویق کنید
که به جبهه بیایند تا زودتر کلک صدام کافر را از منطقه بکنیم و را بسته
کربلا را باز کنیم چون امام حسین منتظر ما هستند ایشالله

خدایا فرج آقا امام زمان را نزدیک فرما آمین
خدایا دیدار با حضرت مهدی را نصیب همه ما بگردان آمین
خدایا رزمندگان ما را پیروز بگردان آمین
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
پوشان نامه و وسایل آخر وصیت را از طرف ما بیاورید دوستان

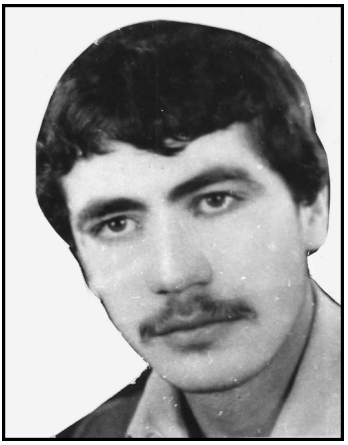

نام: **محمدحسین**
نام خانوادگی: **اسماعیلی**
نام پدر: **قربانعلی**
نام مادر: **فاطمه‌نسا**
تاریخ تولد: **دهم تیر ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهر مجن از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سیزدهم آبان ۱۳۶۱**
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- سلام بر حسین‌بن علی(علیه‌السلام) سالار شهیدان که درس شهادت را به ما آموخت.
- امام خمینی که از جهل و گمراهی که ما را به خود آورده.
- چه خوب است [که] قبل از این که انسان مرگ او را دریابد.
- من از مردم مسلمان می‌خواهم که امام را یاری کنید.
- از پیروان خط ولایت فقیه باشید.
- امام را دعا کنید.
- هر لحظه باید خود را برای مرگ آماده کنیم و مرگ را در برابر چشم خود قرار دهیم.
- از شما می‌خواهم هرگز از روحانیت جدا نشوید.
- مردم حزب‌اللهی میهن همیشه در صحنه باشید.
- مسجدها را پرکنید.
- روز بروز فعالیت‌های اسلامی خود را زیادتر کنید.
- آرزو داشتم که برویم قبر شش گوشه سالار شهیدان حسین‌بن علی(علیه‌السلام) را زیارت کنیم.

## محمدحسین اسماعیلی

### بسم الله الرحمن الرحیم

«**ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة**»[۱] «همانا خدا خرید از مؤمنان جان‌ها و مال‌های ایشان را که برای ایشان است بهشت».

درود بر محمّد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین و با درود و سلام بر حسین‌بن علی(علیه‌السلام) سالار شهیدان که درس شهادت را به ما آموخت و با درود بر نایب امام زمان(عج) امام خمینی که از جهل و گمراهی که ما را به خود آورده. شاید وصیت نوشتن برای جوانانی که هنوز عمری نگذرانده‌اند بسیار سخت و مشکل باشد و با هزاران امید در دل... و چه دردناک است این قصه! هر لحظه باید خود را برای مرگ آماده کنیم و مرگ را در برابر چشم خود قرار دهیم. همه این، یک طرف و هنگام مردن به‌خاطر می‌آوری که دیگر هیچ کس نداری تو را یاری کند و تنها آن اعمالت است که شهادتت می‌دهند و چه خوب است [که] قبل از این که انسان مرگ او را دریابد[۲] خود را بسنجد که چه است و چه کار کرده است و چه کار خیری انجام داده است.

خدایا من[۳] یک عمر گناه کردم و گناهکار هستم و خدایا از تو می‌خواهم که مرا ببخشی. و من از مردم مسلمان می‌خواهم که امام را یاری کنید و پیروان خط ولایت فقیه باشید و امام را دعا کنید و خواهران و برادران مسلمان قدر امام خمینی را بدانید و همیشه پیرو او باشید و امام نماینده‌ای[٤] است از جانب امام زمان(عج) که برای اسلام خدمت می‌کند. و ای مردم مسلمان، من از شما می‌خواهم هرگز از روحانیت جدا نشوید چون این روحانیت بوده که ما را از خواب غفلت بیدار کرد[ند] و اما پدرم، تو صبر داشته باش و من

---

۱- توبه/ ۱۱۱.

۲- در اصل وصیت «دریابند».

۳- در اصل وصیت «ما».

٤- در اصل وصیت «نمایندای».

اگر که در جبهه کشته شدم،[۱] خون من از خون علی‌اکبر[۲] حسین(علیه‌السلام) رنگین‌تر که نیست و از تو می‌خواهیم که دیگر فرزندان را تربیت کنی و برای اسلام خدمت کنند.

اما تو ای مادرم، اگر من کشته شدم برای من هیچ گریه نکن. اگر تو برای من گریه کنی من راضی نیستم. اصلاً برای من گریه نکن و دلت برای حال من نسوزد و دلت به حال اسلام بسوزد. و اما رضا جان، اگر من شهید شدم دلم می‌خواهد تو اسلحه مرا بگیری و راه مرا ادامه دهی و اما شما خواهرانم از شما می‌خواهم[۳] که بچه‌های خود را تربیت اسلامی نمایید.

اما مردم حزب‌اللهی میهن همیشه در صحنه باشید و مسجدها را پر کنید و کارهایتان را برای رضای خدا کنید، نه برای رضای خلق و اما... برادران (حزب)[٤] از شما می‌خواهیم که روز بروز فعالیت‌های اسلامی خود را زیادتر کنید و از خون شهدا پاسداری و در کارهایتان هیچ نوع سهل‌انگاری نکنید و کارهایتان را برای رضای خدا انجام دهید.

و اما در آخر از پدر و مادر و برادرانم می‌خواهم اگر جسد من به دست شما نرسید، هیچ ناراحت نباشید و هر وقت یادتان از من افتاد، بروید بر مزار دیگر شهدا. پدر و مادرم من آرزو داشتم که برویم قبر شش گوشه سالار شهیدان حسین‌بن علی(علیه‌السلام) را زیارت کنیم ولی این سعادت قسمت من نشد. پدر مادرم بروند کنار قبر امام حسین(علیه‌السلام) بگویید[۵] ای حسین(علیه‌السلام): پسر من آرزو داشته که بیاید تو را زیارت کند ولی قسمت نشده.

**به امید پیروزی ارتش اسلام بر کفر**

**با درود بر رهبر کبیر امام خمینی**

**محمدحسین اسماعیلی**

---

۱- در اصل وصیت «شدیم».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت «می‌خوهیم».

٤- منظور شهید از «حزب» «حزب جمهوری اسلامی» است. این حزب توسط گروهی از روحانیت آگاه و مبارز پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای ساماندهی و انجام کارهای سازمانی و تشکیلاتی از جمله «آیت‌الله خامنه‌ای، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، شهید باهنر و...» از بانیان اولیه بودند. بعدها به ضرورت شرایط خاص سیاسی با نظر حضرت امام فعالیت‌های این حزب بسیار محدود و نهایت تعطیل شد.

۵- در اصل وصیت «بگو».

و از شما برادران می‌خواهیم که این یک قطعه شعر[۱] را بر روی سنگ قبر من بنویسید.

گزین شدند[۲] و سوار گزیده را کشتند — سیه بپوش برادر سپیده را کشتند
مگر ز قافله بوی جنون نمی‌شنوی — ز رودخانه مگر بوی خون نمی‌شنوی
بیا بام و شهیدان دست ره به‌کار شویم — کفن بپوش که با یکدگر سوار شویم[۳]

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**«بسم الله الرحمن الرحیم»**[٤]

خیلی خوب است و دلم می‌خواهد که همیشه این پیر جماران و این امام بزرگوار امام خمینی را دعا کنی و از خداوند متعال بخواهی[٥] که او را تا انقلاب مهدی نگه دار[د].

و اما برادران و خواهران گرامی‌ام[٦] از شما می‌خواهم این، همیشه بعد از نماز امام و رزمندگان مجروحین را دعا کنی. و دعا شما این باشد که هر چه زود این راه بسته شد کربلا باز شود، که با هم برویم کنار قبر شش گوشه حسین‌بن‌علی(علیه‌السلام) این سالار شهیدان را زیارت کنیم و آنجا بگویم: حسین(علیه‌السلام) جان ما سال‌ها چشم انتظار زیارت تو بودیم که زیارت حسین‌بن‌علی(علیه‌السلام) یکی از آرزوهای ما است. حسن را خیلی خیلی سلام می‌رسانم. رضا و صغرا را سلام می‌رسانم. کلثوم و ماه خانم و زهرا را از قول من سلام برسانید. تمام بچه‌ها[ی] حزب‌الله را از قول من سلام برسانید و از همه آنها التماس دعا

---

۱- شعر از علی معلم دامغانی است. ابیاتی برگزیده از مجموعه رجعت سرخ ستاره. چاپ اول، سال ۱۳٦۰. «حوزه اندیشه و هنر اسلامی».

۲- در اصل وصیت «شدن».

۳- بیت سوم را اینگونه نوشته است:

بیا به‌یاد شهیدان دست بکار شویم — کفن بپوش تا با هم سوار شویم

اینکه شهیدان سرفراز دقیقاً اشعار را در یاد داشته باشند توقع نیست. زیرا از حافظه استفاده می‌کردند و احتمال فراموشی واژه یا کلمه یا مصرعی از اشعار «حفظ کرده» امری عادی است.

٤- شهید اسماعیلی به‌جای نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم دوبار نوشته بسم الله الرحمن بسم الله الرحمن.

٥- در اصل وصیت «بخوای».

٦- در اصل وصیت «گرامم».

دارم. شیخ علی حاج حسینی و شریفی ملاک [را] حتماً از قول من سلام برسانید. ابراهیم، عباس آقابیک را از قول من سلام برسانید. علی و محمّد را از قول من سلام برسانید.

**محمدحسین اسماعیلی**

**به امید هرچه زودتر باز شدن[1] راه کربلا**

---

۱- در اصل وصیت «شدن».

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة.

«همانا خدا خرید از مؤمنان جانها و مالهایشان را که برای ایشان است بهشت»

درود و رحمت خدا بر مؤمنین و مادر و درود و سلام بر حسین بن علی سالار شهیدان که در راه شهادت با پدرش آموخت و مادر و در نایب امام زمان (عج) ایا خمینی کبیر اجل و گرامی خود را آورده.

شاید وصیت نوشتن برای جوانی که هنوز بسی آرزوها در سر دارد سخت و مشکل باشد ولی با این امید در دل... و چیزی دردناک است این قصه! هر فرد باید خود را برای مرگ آماده کند و مرگ را در برابر چشم خود قرار دهد هر انسان یک طرف و هنگام مردن عالم میداری که دیگر هیچ کس نداری تو را یاری کند و تنها آن اعمالت به داد تو می رسد و خوب است که شهادت می دهند و چه خوب است که قبل از این که مرگ او را در یابد خود را بسنجد که چه است و چه کار کرده است و چه کار خیری انجام داده است.

خدایا ما بد عمر کردیم و گناه کار هستم و خدایا از تو می خواهم که مرا ببخشی.

و من از مردم مسلمان میخواهم که امام را یاری کنید و پیروان خط ولایت فقیه باشید و امام را دعا کنید و خواهران و برادران مسلمان قدر امام خمینی را بدانید که همیشه پیروز و موفق شوید.

... و امام عزیز از راست از جانب امام زمان عج، که برای اسلام خدمت می‌کند و ای
مردم مسلمان من از شما می‌خواهم هرگز اندوهگین نباشید و همیشه امیدوار و خوشبین باشید که ما
را از خواب غفلت بیدار کردند. و اما پدرم تو صبر داشته باش و من اگر کشته شدم خون من از خون علی اکبر حسین (ع) رنگین‌تر نیست و از تو می‌خواهم که دیگر فرزند
را تربیت کن و برای اسلام خدمت کنند. اما تو ای مادرم اگر من کشته شدم برای من هیچ
گریه نکن اگر تو برای من گریه کنی من راضی نیستم اصلاً برای من گریه نکن و دل
برای حال من نسوزد و دلتان به حال اسلام بسوزد. و اما برادرانم شما راه حسین (ع)
را در پیش بگیرید و پیرو خط امام باشید و اما خواهرانم شما نیز همچون آنان صبور باشید و بدانید که تنها
مرا بگیرند و را ادامه دهند و اما از شما خواهرانم می‌خواهیم که حجاب‌های خود را
در مقابل نامحرمان حفظ کنید و اما سردم حزب الله همیشه در صحنه باشید و مسجدها را پر کنید و در کارهایتان
را برای رضای خدا کنید نه برای رضای خلق. و اما... برادران (حزب) ایرانی ما می‌خواهیم که روز به روز
فعالیت‌های اسلامی خود را زیادتر کنید و از خون شهدا پاسداری کنید و در کارهایتان هیچ نوع سهل انگاری نکنید
و کارهایتان را برای رضای خدا انجام دهید. و اما در آخر ای پدر و مادر و برادرانم می‌خواهم اگر جسد

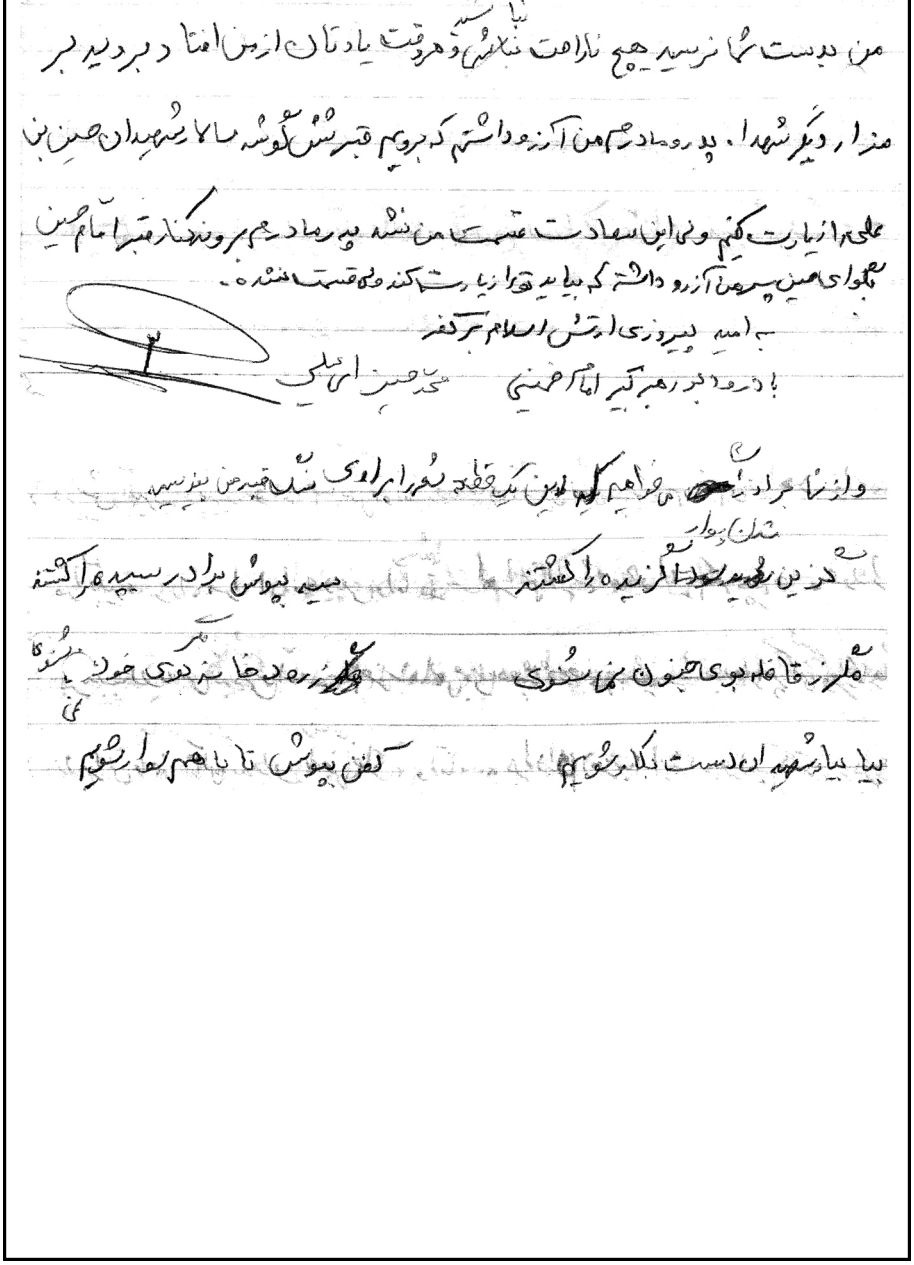

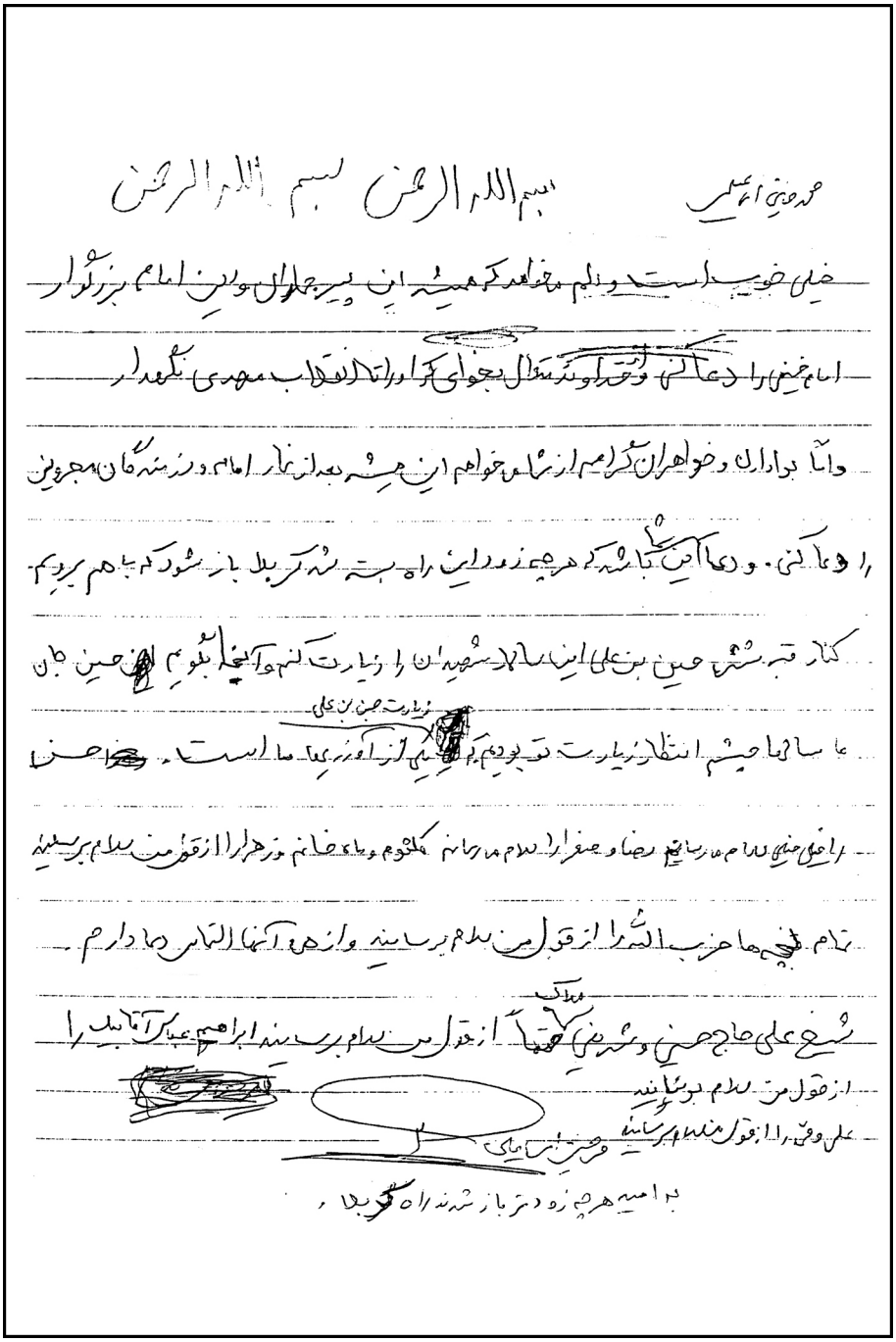

محمدرضا عباسی بسم الله الرحمن الرحیم

خیلی خوب است و دلم میخواهد که همیشه این پیرجماران و دین امام بزرگوار
امام خمینی را دعا کنید و خدا و نیز سئوال بجوای کرا و راه انقلاب مهدی نگهدار
و اما برادران و خواهران گرامی از شما میخواهم این همیشه بعد از نماز امام و رزمندگان مجروحین
را دعا کنید. و دعا آمین باشد که هرچه زودتر این راه بسته شده کربلا باز شود که باهم برویم
کنار قبر شش حسین بن علی این سالار شهیدان را زیارت کنیم و آنجا بلوییم از حسین جان
عاشورا چشم انتظار زیارت تو بودیم که تو هم از آن زیارت ما است. زیارت حسین بن علی
را علی جان و امام حسن و رضا و جعفر را سلام ما برسانید کلثوم و رقیه خانم و زهرا را از قول من سلام برسانید
تمام شهدا حزب الله را از قول من سلام برسانید و از همه آنها التماس دعا دارم.
شیخ علی حاج حسن و شریف قنبر آ از قول من سلام برسانید ابراهیم عبدالله آنابلد را
از قول من سلام برسانید
علی وفی را از قول من سلام برسانید
و حسن بابایی

به امید هرچه زودتر باز شدن راه کربلا.

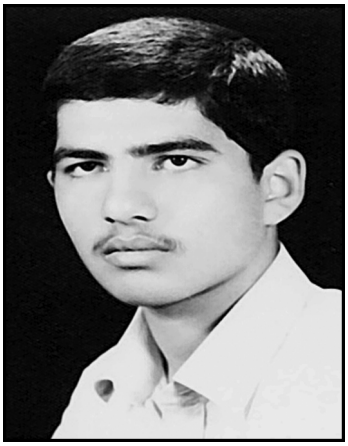

نام: **علی**
نام خانوادگی: **اشتری**
نام پدر: **ابوالقاسم**
نام مادر: **محبوبه**
تاریخ تولد: **نهم دی ۱۳٤۷**
محل تولد: **شهر ایوانکی از توابع شهرستان گرمسار**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- هدف دیدار روی اوست.
- خونم به‌نام او در جریان است.
- منزلگهم خانه اوست.
- قلبم به‌نام او در طپش است.
- قلبم به یاد او آرام می‌گیرد.
- کسی را که احساس می‌کنم با ذره ذرهٔ قلبم.
- خدایا، بار پروردگارا، شاکرم و سپاسگزارم که لحظات عمرم را فرا رسیدن یوم‌الله قرار دادی.

# علی اشتری[۱]

## بسم‌الله الرحمن الرحیم

به‌نام آن‌کس که ما را زنده کرد و روزی داد و سپس ما را می‌میراند.[۲]
هدف دیدار روی اوست، خونم به‌نام او در جریان است، نفسم به یاد او فرو می‌رود و دوباره باز می‌گردد. منزلگهم خانه اوست، قلبم به‌نام او در طپش است، قدمم به فرمان او پیش می‌رود و روحم به‌سوی او پرواز می‌کند. قلبم به یاد او آرام می‌گیرد، کسی را که احساس می‌کنم با ذره ذرهٔ قلبم با تکه‌تکهٔ بدنم، با تمام وجودم و اعضا و جوارحم احساسش می‌کنم، ولی زبانم قاصر از بیانش می‌باشد. ای کسی که همه چیزم از آن توست، ای کسی که بی‌تو هیچ و پوچم. ای کسی که لحظات عمرم در دست توست، خدایا، بار پروردگارا، شاکرم و سپاسگزارم که لحظات عمرم را فرا رسیدن یوم‌الله[۳] قرار دادی تا جانم را در یوم‌الله نثار دین پیغمبرت نمایم. اکنون یوم‌الله دیگرست، پیرو یوم‌الله حسین‌ابن علی(علیه‌السلام) سیدالشهداست. حسین جان، اگر در روزهای گرم، در روی شن‌های داغ کربلا، کسی نبود به ندای هل من ناصر ینصرنی[۴] تو لبیک گوید...[۵]

---

۱- در بالای وصیت آمده است: «گل‌واژه‌های عشق، وصیت‌نامه شهید علی اشتری، تاریخ تولد: ۱۳۴۷، تاریخ شهادت: ۱۳٦٤/۱۱/۲۱، محل شهادت: اروند رود، نام عملیات: والفجر ۸».

۲- جمله‌ای که درصدر وصیت‌نامه آمده است ترجمهٔ فراز نخست از آیه ٤۰ سوره روم است. «الله الذی خلقکم ثم رزقکم ثم یمیتکم...»

۳- یوم‌الله، از جمله تعابیری است که در تلقی اسلامی برای روزهای خاص و سرنوشت‌ساز بکار می‌رود مثلاً ۱۲ فروردین، ۲۲ بهمن، نیمه شعبان، عید مبعث، عید غدیر، عید قربان و هر روزی که در تقویم کشور خاص و ویژه تلقی گردد. تعبیر یوم‌الله از جمله تعابیری است که توسط حضرت امام به فرهنگ و تقویم ایران بازگشت.

٤- ر.ک. تعلیقات.

۵- «به علت تنگی وقت و اعلام آمادگی جهت عملیات شهید اشتری از نوشتن بقیه وصیت‌نامه محروم مانده است».

گل واژه‌های عشق

وصیت نامه شهید «علی اشتری»

تاریخ تولد: ۱۳۴۷ تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۱ محل شهادت: اروند رود نام عملیات: والفجر ۸

بسم الله الرحمن الرحیم

به نام آن کس که ما را زنده کرد و روزی داد و سپس ما را می میراند.

هدف دیدار روی اوست، خونم به نام او در جریان است، نفسم به یاد او فرو می رود و دوباره باز می گردد. هنر للهم هنر اوست، قلبم به نام او در تپش است، قدمم به فرمان او پیش می رود و هم به سوی او پرواز می کند. قلبم به یاد او آرام می گیرد و کسی را که احساس می کنم با ذره ذره قلبم تکه تکه می شوم، با تمام وجودم و اعضا و جوارحم احساسش می کنم، ولی زیبایی قاصر از بیانش می باشد. ای کسی که همه چیز از آن توست، ای کسی که بر تو هیچ چیز پوشیده نیست، ای کسی که لحظات عمرم در دست توست، خدایا از پروردگارا تشکر می کنم و سپاسگزارم که لحظات عمرم را تا امروز به من دادی تا انجام را در روز اسلام یاری دین پیغمبرت امام امروز دیگر است پیرو پیام الله حسین ابن علی سید الشهدا است حسین جان اگر در روزهای گرم در روی شنهای داغ کربلا کسی نبود به ندای هل من ناصر او لبیک گوید...

«به علت تنگی وقت و اصلاح آقا مادر جهت عملیات از نوشتن بقیه وصیتنامه محروم مانده است»

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **اشتری**
نام پدر: **ابراهیم**
نام مادر: –
تاریخ تولد: **۱۳٤۰**
محل تولد: –
تحصیلات: **چهارم نظری**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **اروند رود**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: –

## عبارت‌های کلیدی

- با سلام و درود بر امام امت این اسوه صبر و مقاومت.
- پای در پوتین رزم کنید که صدای این پوتین‌ها قلب دشمن را به لرزه می‌افکند.
- سلاح بر دوش بگیرید و همچون طوفانی سهمگین بر ابرقدرت‌های جهان و وابستگان آنها بتازید.
- تنها کسانی در صحنه نبرد، راست قامتانند که بر خداوند اتکال نمایند.
- پیام را از پیامبر الهی و حسین(علیه‌السلام) که سال‌هاست به گوش عالمیان رسیده بگیرید.
- امام حسین(علیه‌السلام) می‌فرماید: «ان الحیاة عقیدة و جهاد».
- وقتی عقیده ما را دارند پایمال می‌کنند، باید جهاد کرد.
- جامه تهذیب نفس را برتن کنید و نظر کنید بر جامه سبز خود که ایثار و خلوص ایمان و عشق و جهاد را باید متجلی سازد.
- بیایید تا دست به دست هم بدهیم و با هم متحد شویم.

## محمد اشتری[۱]

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**بسم‌الله الرحمن الرحیم الم اعهد الیکم یا بنی‌آدم ان لاتعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین**».[۲]

شکستند عهد و میثاق خدا را، عهد و پیمانی را که با خدای خودشان بستند، سر عهد خود ماندند و تسلیم شیطان نشدند و خدایشان را پرستیدند.

و حمد و ستایش شایسته خدای مهربانی است که انسان[۳] را آفرید و انبیاء و اولیاء را واسطه هدایت بندگان خود گردانید و درود و سلام بر خاتم انبیا و وصی او، علی مرتضی، و خاندان او که پیشوایان هدایت و سالار و سرور بشریت‌اند و با سلام و درود بر امام امت، این اسوه صبر و مقاومت، و درود و سلام بر یاران صدیق امام.

و اما کلامی خطاب به رزمندگان عزیز، برای برادران رزمنده که قصد جبهه دارید، پای در پوتین رزم کنید که صدای این پوتین‌ها قلب دشمن را به لرزه می‌افکند و قلب طفل شهید را آرامش[٤] می‌بخشد. جامه تهذیب نفس را برتن کنید و نظر کنید بر جامه سبز خود که ایثار و خلوص ایمان و عشق و جهاد را باید متجلی سازد که امت ما باید تقدس آیهٔ شریفه و اعدوالهم[٥] را در صبر و عزم، خلوص و ایمان و عشق تو نشانه بگیرد و بدانید که این لباس، لباس تعهد است. لباس خدمت به اسلام است. لباسی است که در وجودتان آرامش را روا نمی‌دارد و سلاح بر دوش بگیرید و همچون طوفانی سهمگین، بر ابرقدرت‌های جهان و وابستگان آنها بتازید و نسل آنها را برای همیشه در زباله‌دان تاریخ مدفون سازید و اگر کار می‌کنید، برای خدا باشد که کار برای خدا، دلسردی ندارد و افق

---

۱- در بالای وصیت آمده است: «گل‌واژه‌های عشق، وصیت‌نامه شهید محمد اشتری، تاریخ تولد: ۱۳٤۰، تاریخ شهادت: ۱۳٦٤/۱۱/۲۱، محل شهادت: اروندرود، نام عملیات: والفجر۸».

۲- سورهٔ یس/ ٦۰. ترجمه: «ای فرزندان آدم! آیا به شما توصیه نکردم که شیطان را نپرستید زیرا او برای شما دشمنی علنی است؟»

۳- در اصل وصیت «انسانی».

٤- در اصل وصیت «آرام».

٥- اشارهٔ به آیهٔ ٦۰ سورهٔ انفال است.

دیدتان[۱] را به خدا متصل کنید و شما ای امت شهیدپرور، شما که تاکنون با ایثار مال و جان انقلاب‌مان را حفظ کرده‌اید، بیایید با تمامی کمبودها بسازید و اجازه ندهید که عوامل استعمار و منافقین با توطئه‌هایشان، مسائل را به نفع اربابانشان تمام کنند.

بیایید تا دست به دست هم بدهیم و با هم متحد شویم و با[۲] این انسجام خود، راه را بر آنان ببندید تا نتوانند نفوذ کنند و بدین‌گونه با کمک الطاف الهی رسوا شوند. تنها کسانی در صحنه نبرد راست قامتانند که بر خداوند اتکال نمایند و با توکل بر او پیش بتازند. نه در سختی‌ها و نه در پیروزی‌ها در هیچ‌کجا از یاد او غافل نشوند. و محکم و مقاوم چون کوه بایستند و دشمن را از پای درآورند و این صفت مخصوص رزمندگان اسلام است. در هیچ‌کجای دنیا آن کسانی که اعتماد به خداوند و اعتقاد به معاد روز قیامت ندارند، نمی‌توانند دارای چنین مقاومتی باشند.

پس پیام را از پیامبر الهی و حسین(علیه‌السلام)، که سال‌هاست به گوش عالمیان رسیده، بگیرید که امام حسین(علیه‌السلام) می‌فرماید: «ان الحیاة عقیدة و جهاد».[۳] زندگی یعنی عقیده. وقتی به اعتقاداتمان پایبند باشیم، در راه عقیده از همه چیز باید بگذریم و وقتی عقیده ما را دارند پایمال می‌کنند، باید جهاد کرد.

پس الان کشور انقلابی اسلامی ما در محاصره و مخاطره ابرقدرت‌ها قرارگرفته است و حیات ما و عقیده ما نشانه گرفته شده و موقع جهاد و پیکار است و ما در عمل دیدیم که بهشتی‌ها[٤] و مدنی‌ها[٥] و... با تلاش شبانه‌روزی و ایثار جان شیرینشان، که بالاتر از آن چیزی چیزی نیست، از جان خودشان گذشتند و در این راه، یعنی عقیده، پیکار کردند و لبیک گفتند، پروردگارشان را و سرورشان و امامشان را.

---

۱- در اصل وصیت «دیده‌تان».

۲- به‌جای حرف اضافه «از» حرف «با» آمده است.

۳- این حدیث از کلمات قصار حضرت امام حسین(علیه‌السلام) است.

٤- ر.ک. تعلیقات.

۵- ر.ک. تعلیقات.

و صحبتی هم با پدر و مادر و خانواده گرامی‌ام، ای سروران، مخصوصاً پدر و مادر، من فرزند خوبی برای شما نبودم[۱] و نتوانستم حق فرزندی را ادا نمایم و در اموری کمک شما باشم، ولی شما خوشحال و مسرور باشید که فرزندتان در راه اسلام فدا شده، اگر خدا قبول نماید و از خداوند متعال خواستارم که اجر و صبری عظیم به شما عطا نماید. به امید طول عمر امام خمینی(ره) و فرج امام زمان(عج).

**«والسلام»**

۱- در اصل وصیت «نبود».

بسم الله

وصیت نامه شهید محمد استوری

تاریخ تولد ۱۳۴۰ تاریخ شهادت ۱۳۶۴/۱۱/۲۱ محل شهادت اروندرود نام عملیات والفجر ۸

بسم الله الرحمن الرحیم الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین (سوره یس آیه ۶۰)

شکسته عهد و میثاق خدا را عهد و پیمانی را که با خدای خودشان بستند سر عهد خود نماندند و تسلیم شیطان شدند

و خدا نشان را پرستیدند.

و حمد و ستایش شایسته خدای مهربانی است که انسانی را آفرید و انبیاء و اولیاء را واسطه عدالت بندگان خود.

گسیل داشت و درود و سلام بر خاتم انبیاء و در صدر آنها بر علی مرتضی و خاندان او که پیشوایان عدالت و سالاران سرور بشریت

و با سلام و درود بر امام امت این اسوه صبر و مقاومت و در درود و سلام بر یاران صدیق امام. و اما خطاب به مردم بزرگوار

عزیز برادران رزمنده که قصد جبهه دارید پای در پوتین رزم کنید که صدای این پوتین‌ها قلب دشمن را به لرزه درآورند

و قلب صدام شهید را آرام می‌کند جامه تهذیب نفس را بر تن کنید و فقط کنید و جامه سبز خود که ایثار و خلوص

ایمان و عشق و جهاد را باید متجلی سازد که امت ما با بدترین آنها بیعت و اعدادتان را در صبر و عزم خلوص و

ایمان و عشق توشه راه بگیرید و بدانید که این لباس، لباس مقدس است. لباس خدمت به اسلام است لباسی

است که در وجود آن آرامش را روانی دارد و سلاح بر دوش بگیرید و همچون طوفانی مهلکین بر اهریمنان

جهان و استکبار آن‌ها بتازید فصل آخر را برای همیشه در بالهای تاریخ مدفون سازید و آنگاه آرام کنید

برای خدا باشد که کار برای خدا دلسردی نیاورد و توفیق دهدتان راه خدا متصل کنید و شهادت است شهید پرورش

که تا کنون با ایثار مال و جان انقلاب‌مان را حفظ کرده اید بیائید با تمامی کمبودها بسازید و اجازه ندهید که عوامل

استعمار و منافقین با توطئه‌هایشان مسائل را به نفع ارباب‌شان تمام کنند. باید تا دست به دست هم بدهیم و با متحد شویم و از این انسجام خود را برآنان بیندیم تا نتوانند نفوذ کنند و دیگر نه با کمک الطاف الهی رسوا شوند.

تنها کسانی که در صحنه نبرد راست قامتانند که به خداوند اتکال نمایند و با توکل به او پیش بتازند. نهراسند و در چم و خم‌ها در هیچ کجا از یاد و عامل نشوند و محکم و مقاوم چون کوه بایستند و دشمن را از پای درآورند و این صفت مخصوص رزمندگان اسلام است. در هیچ کجای دنیا آن کسانی که اعتقاد به خدا و اعتقاد به معاد روز قیامت ندارند نمی‌توانند دارای چنین مقاومتی باشند.

پس پیام را از پیام امیر الهی و حسین (ع) که سالهاست به گوش عالمیان رسیده بگیرید که امام حسین (ع) می‌فرماید «ان الحیاة عقیدة و جهاد» زندگی یعنی عقیده، و وقتی به اعتقاداتمان پایبند باشیم در راه عقیده از همه چیز باید گذشت و وقتی عقیده ما را دارند پایمال می‌کنند باید جهاد کرد. پس الان کشور انقلابی اسلامی ما در مخاطره ای بزرگ قرار گرفته است و حیات ما و عقیده ما دستخوش خطر شده و موقع جهاد و پیکار است و ما در عمل دیدیم که بهشتی ما و مدنی ما و... با تلاش شبانه روزی و ایثار جان شیرینشان که با هیچ از آن چیزی نیست از جان خودشان گذشتند و در این راه یعنی عقیده پیکار کردند و لبیک گفتند به ورود کارشان را دیدند و ما هم‌شان را.

و اما همه‌ی ما باید رو ما در وظیفه‌ای که برای ما در این سرزمین مخصوصاً پدر و مادر من فرزند خوبی برای شما نبوده و نتوانسته حق فرزندی را ادا نماید و در امور کمک شما باشم و دلی شما خوشحال و مسرور باشد که فرزندتان در راه اسلام فدا شده، اگر خدا قبول نماید و از خدا به متوسل خواستارم که صبر و عظیم به شما عطا نماید. به امید ظهور مولی صاحب الزمان حضرت ولی عصر (عج) و فرج ولی امر (عج).

والسلام

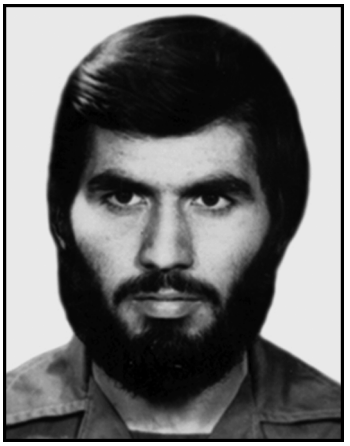

نام: **عباسعلی**
نام خانوادگی: **اشرف**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **یازدهم اردیبهشت ۱۳۳۹**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم اسفند۱۳۶۳**
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- پیروان راه هابیل از دیرهنگام چون سدی پیوسته و هم رشته بر سر راه خیل پیروان راه قابیل ایستادگی کردند.
- شعله‌وران بزرگ حماسه شهادت، در همه جا حماسه پایداری و پایمردی را ستودند.
- من با کمال آگاهی و علم و شناخت و یقین کامل به این راه، قدم در این دانشگاه عظیم یعنی جبهه‌های نور علیه ظلمت گذاشتم.
- شهادت انتخابی است آگاهانه و شهید، گزینش‌گری است متعهد و مسئول.
- به‌قول سرور شهیدان بهترین مرگ شهادت در راه خداست.
- اگر لیاقت آن را داشتم که از این دانشگاه با مدرک قبولی شهادت فارغ‌التحصیل گردم، فقط برایم دعا کن.
- مادرجان، شما نیز همچون ام‌البنین به‌خاطر از دست دادن عباست، صبر پیشه کن.
- برادرجان، امروز روز امتحان است.
- خوشا به حال آن کسی که کارنامه‌اش و پرونده اعمالش را، به دست راستش بدهند.

## عباسعلی اشرف

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا».**[۱]

**«اللهم اجعل وفاتی قتلا فی سبیلک تحت رایة نبیک مع اولیائک و اَسئلک ان یقتل بی اَعدائک و اعداء رسولک».** امام جعفر صادق(علیه‌السلام)[۲]

«کسی که به خدا متمسک است. از هیچ چیز نمی‌ترسد، برای اینکه آخرش این است که انسان را بکشند، آخرش شهادت است و این ترسی ندارد». (امام خمینی)

اینجانب، عباسعلی اشرف، فرزند مرحوم حسن، به‌خاطر وظیفه و تکلیف اسلامی و شرعی در کمال صحت و سلامت این چند کلمه را به‌عنوان وصیت می‌نویسم. اولاً: **«انی اشهد[۳] ان لااله الا الله وحده لاشریک له و ان محمد عبده و رسوله، جاء بالحق من عنده و ان الجنة حق و النار حق و الساعة آتیة لاریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور».**[٤]

و اما بعد: من با کمال آگاهی و علم و شناخت و یقین کامل به این راه، قدم در این دانشگاه عظیم یعنی جبهه‌های نور علیه ظلمت گذاشتم، چرا که بقول استاد شهید مرتضی مطهری(ره)[۵] شهادت انتخابی است آگاهانه و شهید، گزینش‌گری است متعهد و مسئول که گذرگاه شهادت را بر مبنای ویژگی‌های زمان خویش برای رسیدن به هدف الهی خویش برمی‌گزیند، زیرا که شهید همواره عملش در حرکت تکاملی تاریخ برای رسیدن به الله و حکومت صالحان و مستضعفان شکل می‌گیرد. از ابتدای خلقت انسان و از آن زمان که شیطان سوگند دشمنی با بنای آدم را یاد کرد، حرکت تاریخ شاهد کشمکش و درگیری و جدال و ستیز دو نیروی متضاد و متخاصم حق و باطل، نور و ظلمت، ایمان و کفر بوده و

---

۱- احزاب/ ۲۳.

۲- اصول کافی/ دعای ماه رمضان/ مفاتیح الجنان.

۳- در اصل وصیت «یشهد».

٤- اصول کافی- باب ارکان الاسلام.

۵- ر.ک. تعلیقات.

تا ابد خواهد بود و جهان از نخستین روزهای چرخش و حرکت خویش محلی بوده است برای مبارزه این دو نیرو و مکانی بوده است برای نمود قدرت ستم و بیداد. همیشه سرکشان و طغیان‌گران و طاغوتیان زمان سعی کرده‌اند حقیقت و درستی و عدالت را بتاریکی برده و در پشت میله‌های زندان و در سیاهچالهای مخوف به اسارت کشند، تا بتوانند در ظلمت فکری و فرهنگی و معنوی، بهتر در گردنه‌های روزگار به کاروان انسانیت و شرف و آزادگی حمله برده و دسترنج آنرا به یغما و تاراج برند و در این میان قامت‌های ستبر و استوار پیروان راه هابیل[1] از دیرهنگام چون سدی پیوسته و هم رشته بر سر راه خیل پیروان راه قابیل ایستادگی کردند و هرگز از پای نایستادند. آن شعله‌وران بزرگ حماسه شهادت، در همه جا حماسه پایداری و پایمردی را ستودند و خون خویش را برای گلگون ساختن چهره آزادی نثار کردند و به فیض عظمای شهادت رسیدند و خداگونه شدند و این، آن جهان مداوم روز است که از ابتدای خلقت تا به امروز به ما به میراث رسیده است. یزیدیان زمانه، همگی دست به‌دست هم داده و در سنگری واحد با تمامی امکانات و با قدرت هرچه تمام‌تر در جهت نابودی و ریشه‌کن نمودن اسلام برای همیشه دست اتحاد بهم داده و در مقابل حق و عدالت و نور ایستاده‌اند. اینک اشعه‌های نورانی و خیره کننده اسلام، پس از گذشت ۱۴۰۰ سال و اندی خاموشی موقت، از سرزمین اسلامی ایران طلوع کرده است و خفاشان زمان چون چشم دیدن تابش درخشان این خورشید را ندارند. سعی دارند پرتو جلوه نور الهی را به ظلمت و تاریکی تبدیل نمایند. ولی زهی خیال باطل که خداوند اراده نموده است این نور را همچنان پابرجا نگه دارد هرچند کافران را ناخوش آید. قرآن کریم می‌فرماید: «**یریدون لیطفؤا نورالله بافواههم والله متم نوره ولوکره الکافرون**».[2] «کافران می‌خواهند نور خدا را که چراغ درخشنده علم و دین و مکتب الهی است به نفس و گفتار جاهلانه خود خاموش کنند و خدا نگذارد تا آنکه نور خدا را بحد کمال رساند هرچند کافران ناراضی باشند».

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- شهید در وصیت خود قید کرده آیه ۲۳ سوره توبه در حالی که این آیه از سورهٔ صف آیه ۸ می‌باشد.

برادران و خواهران حزب‌الله: اینک ما و شما در موقعیتی قرار گرفته‌ایم که این امانت الهی (اسلام و قرآن) بیش از هر زمان بیاری و کمک و نصرت ما نیاز دارد و بر ما تکلیف و وظیفه است که بیاری قرآن بپاخیزیم، هرچند در این راه مقدس و والا کشته شویم و یا بکشیم. ما و شما که دعوی پیروی امام حسین(علیه‌السلام) را داریم باید که مأموریت او را دنبال نماییم و مأموریت او مأموریت پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است و طبق قرآن کریم مأموریت رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) استقامت است «**فاستقم کما امرت و من تاب معک**»[۱] و امام امت در این باره می‌فرماید: هرکس به پیغمبر گرویده است مأموریت استقامت دارد و بدانید که به‌خاطر این استقامت و پایداریتان پاداشی اخروی و جاویدان در انتظارتان خواهد بود. «**ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف علیهم و لاهم یحزنون**».[۲] «**اولئک اصحاب الجنة خالدین فیها جزاء بما کانوا یعملون**»[۳] به‌گفته قرآن مجید: «**قاتلوهم هم حتی لاتکون فتنة**»[٤] و به‌گفته امام عزیزمان: «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم»[٥] و هر عاملی که بتواند ما را از این مسئله اصلی جدا نماید عزت و شرف و آزادگی را از ما خواهد گرفت و به‌جای آن برای ما ذلت و خواری به ارمغان خواهد آورد. «**فان الجهاد باب من ابواب الجنة... فمن ترکه رغبه عنه، البسه الله ثوب الذل**».[٦]

درود خدا و انبیاء عظام بر تمامی شهدا، اسرا مفقودین و مجروحین و معلولین جبهه‌های نبرد که بدور از همه وابستگی‌ها و تعلقات دنیایی و بدور از همه هیاهوهای

---

۱- هود/ ۱۱۲.

۲- احقاف/ ۱۳.

۳- احقاف/ ١٤.

٤- بقره/ ۱۹۳.

٥- تعبیر«جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم» از امام خمینی است. (صحیفه امام ج۱۹ ص۱۱٦).

٦- قسمتی از خطبه شماره ۲۷ از علی(علیه‌السلام) است که پیرامون جهاد ایراد فرموده‌اند. اما بعد فان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصه اولیائه و هو لباس التقوی و درع الله الحصینه و جنته الوثیقة. فمن ترکه رغبه عنه البسه الله ثوب الذل و شمله البلاء. ترجمه: «اما بعد جهاد، دری است از درهای بهشت که خدا به روی گزیدهٔ دوستان خود گشوده است، و جامه تقوی است که بر تن آنان پوشیده است. زره استوار الهی است که آسیب نبیند، و سپر محکم اوست که تیر در آن ننشیند. هرکه جهاد را واگذارد و ناخوشایند داند، خدا جامه خواری بر تن او پوشاند. و فوج بلا برسرش کشاند (نهج‌البلاغه ترجمه سیدجعفر شهیدی).

فریبنده و شیطانی از تمام امکانات مالی و رفاهی از شهرت و اعتبار و از با ارزش‌ترین سرمایه خود در راه اسلام دست برداشته و عاشقانه، خالصانه، عارفانه و صادقانه از شهر و دیار خود هجرت نمودند و برای دفع متجاوز از کشور اسلام و حریم قرآن به جبهه‌ها رفتند و درود و سلام و تحیت بر تمامی شیرمردان و شیرزنان، یعنی اولیاء معظم شهدا، اسرا، مفقودین و مجروحین و معلولینی که برای برپایی قسط و عدل و نابودی ظلم و ستم هر روز پاره‌های جگرشان و گل‌های نوشکفته خود را در مصاف با قابیلیان[1] می‌فرستند و در هجران و فراق آن صبر پیشه کرده و مقاومت می‌کنند.

مادر گرامیم، طبق گفته خداوند در قرآن کریم، برای هرکس اجل معینی مقرر و مشخص شده است، که اگر آن زمان فرا رسد، نه یک لحظه به عقب و نه یک لحظه به جلو خواهد افتاد و هرکس بنوعی از این جهان خاکی و از این محل گذر و استراحتگاه موقت هجرت می‌نماید و به‌قول سرور شهیدان بهترین مرگ شهادت در راه خداست. همان مرگی که شما نیز چندین بار در حضور من آن را از خداوند درخواست کردید و گفتید: «ای کاش من هم می‌توانستم همانند رزمندگان به جبهه بروم و شهید بشوم». اکنون بسیار خداوند منان را شکر و سپاس می‌گویم، که توفیق حضور در این دانشگاه را بمن عنایت فرمود. اگر لیاقت آنرا داشتم که از این دانشگاه با مدرک قبولی شهادت فارغ‌التحصیل گردم، فقط برایم دعا کن که مورد قبول حق‌تعالی واقع گردد و برای رضای او انجام شده باشد و خالص برای او شهید شده باشم (انشاءالله).

مادرجان، شما نیز همچون ام‌البنین[2] به‌خاطر از دست دادن عباست[3]، صبر پیشه کن که فرزندت، عزیزتر از فرزند فاطمه زهرا(علیهاالسلام) و دیگر شهدای به خون خفته کربلاهای ایران نبوده و نیست. دستتت را به‌سوی آسمان دراز کن و هزاران بار خداوند متعال را به بزرگی یاد کن، که چنین سعادتی را نصیب شما فرمود و رضا باشید به رضای او. اینک خداوند اراده کرده است، امانتی را که بشما سپرده بود، از شما بگیرد و شما خوشحال باشید از

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

اینکه در امانت الهی نهایت دقت را بعمل آورده‌اید. مادرجان، امیدوارم که این فرزند کوچک خود را ببخشید، زیرا نتوانستم پاسخگوی زحمات شما باشم و موفق نشدم دینی که برگردنم داشتید و آن همه رنج و مشقت که برای تربیت کردن و بزرگ کردنم تحمل نمودید، جوابگو باشم و ادا نمایم.

مادرجان، حالا در این دقایق آخر عمرم، از شما می‌خواهم کاری نکنید که باعث خوشحالی دشمنان و ناراحتی روح من گردد، تا می‌توانید صبور بوده و همیشه به یاد خدا باشید زیرا «**الا بذکرالله تطمئن القلوب**».[1]

ای خواهران مهربان و گرامی هر انقلابی دو چهره دارد: خون و پیام. ما در صحنه جهاد خون را برگزیدیم و شما باید پیام را برگزینید و همچون زینب(علیهاالسلام) که پیام شهدای کربلای امام حسین(علیه‌السلام) را به گوش جهانیان رساند، پیام شهدای ایران را بگوش مردم برسانید و خدای نکرده در این امر مهم، هیچ کوتاهی ننمایید.

خواهران عزیزم، در سوگ این برادر خطاکارتان احساس دلتنگی و ناراحتی نکنید و سعی نمایید در انجام آن رسالت سنگین و [پر] خطیر مادری و همسری، نهایت دقت و کوشش را به‌خرج دهید و همچون حضرت فاطمه(علیهاالسلام) فرزندانتان را در راه خدا و برای خدا، طوری تربیت نمایید، تا باعث آبروی اسلام و قرآن گردند و از برای شما در فردای قیامت، جزء باقیات صالحات باشند. آنها را به‌خوبی تعلیم و تربیت نمایید و حقوق فرزندانتان را به‌خوبی ادا نمایید، تا آنها نیز متقابلاً حقوق شما را ادا نمایند. ضمن اطاعت از دستورات شوهرانتان، حتی‌الامکان در امور اجتماعی، مذهبی و سیاسی نقش خود را ایفا نموده و دیگر مادران و خواهران را نیز به این امر تشویق و ترغیب و راهنمایی فرمایید.

برادر عزیز و بزرگوارم: امیدوارم این برادر خطاکارت را ببخشی و در سوگ من دلتنگی و ناراحتی ننمایید. انشاءالله که برادرت به‌خاطر خدا و در راه خدا و برپایی حکومت خدا و اجرای دستورات خدا شهید شده است، برایم دعا کن که خداوند لیاقت همنشینی با امام حسین(علیه‌السلام) و شهدای دشت کربلا را بمن عنایت بفرماید و با وجود همه گناهان و خطاهایی که مرتکب شده‌ام، مرا پذیرا باشد. سلاح خونین و پرچم افتاده‌ام را بشما واگذار

---

۱- رعد/۲۸.

می‌کنم. آرزومندم خداوند بزرگ، توفیق ادامه دادن راه شهدا [را] بشما عنایت و مرحمت بفرماید. (انشاءالله)

برادرجان، امروز روز امتحان است، امتحان لیاقت‌ها، مردانگی‌ها، صداقت‌ها و شرافت‌ها و فردای قیامت نتیجه این امتحان و آزمایش خداوندی را به‌دستمان خواهند سپرد و خوشا به حال آن کسی که کارنامه‌اش و پرونده اعمالش را، به‌دست راستش بدهند و این میسر نخواهد شد، مگر در زیر سایه شمشیرها و در زیر رگبار مسلسلها و در زیر باران توپها و خمپاره‌ها، همچنان در سنگرت(بسیج) مقاوم و استوار باش و سعی کن، با نیروی جاذبه‌ات جوانان و سرمایه‌های با ارزش این مملکت اسلامی را جذب بسیج نموده و کمکشان کن، تا راه و هدف را بهتر بشناسند و با شناخت و آگاهی کامل، هرچه بیشتر و بهتر در خدمت اسلام و این مردم قهرمان و شهیدپرور قرار گیرند.

ملت قهرمان و شجاع، همگی برادران برای شما پیام می‌فرستند، ولی من برای شما پیامی ندارم، چرا که آنچه را که من می‌خواهم در شعار به شما بگویم، شما عملاً بما نشان داده‌اید و به همین خاطر شما از من جلوتر هستید و کسی که عقب مانده است، به کسی که جلو افتاده است، نمی‌گوید برگرد پیش من، بلکه باید بگوید صبر کن تا من هم بتو برسم. تنها پیام من بشما این است که متعهد می‌شوم و قول شرف و مردانگی می‌دهم که تا آخرین توانم و قدرتم از خون شهدای گرانقدر و عزیز شما، پاسداری نمایم و سعی می‌کنم آنچه را که آنها به‌خاطر آن شهید شدند، حراست و حفاظت نمایم و از ادامه دهندگان راهشان باشم. خداوند انشاءالله به همگی شما و ما توفیق انجام وظیفه و خدمتگزاری به اسلام عنایت بفرماید.

برادران عزیز و گرامی پاسدار و بسیج، ای همرزمان و ای همسنگران، شما خود بهتر از من می‌دانید که این ملت ستمدیده و مخصوصاً خانواده‌های معظم شهدا و اسرا و مفقودین و مجروحین و معلولین بعد از خداوند متعال تمام امیدشان در حفظ این نظام الهی و دفع ظالم از کشورمان به من و شماست و اطلاع دارید و آگاهید چه انتظاری از ما دارند و این را نیز می‌دانید که هر زمان یکی از برادران بسیج و یا سپاه را در کوچه و خیابان می‌بینند، یاد فرزندان و یا برادران و یا پدران و یا همسران شهیدشان می‌افتند و با خود می‌گویند، اگر فرزندم شهید شده است، اشکالی ندارد، هستند جوانان غیور و دلاوری که سنگرهای آنها را

پر کنند و اسلحه بر زمین افتاده‌شان را بردارند و به دفاع از دستاوردهای انقلاب بپردازند. پس ای عزیزان، با جدیت هرچه تمام‌تر سعی نمایید راه شهیدان را بپیمایید و گام درجای پای شهدا بگذارید و خدای نکرده کاری نکنید که دل این نورچشمان امام و امت شکسته گردد. چراکه آنها شما را همچون فرزندانشان می‌دانند.

با دیدن شما قلب و چشمشان روشن می‌گردد. پس ای برادران همچون گذشته و بهتر از آن حق پدری و مادری را درست ادا نمایید. باشد که انشاءالله همگی من و شما توانسته باشیم شکر نعمات خداوندی را به‌جا آورده باشیم و دینی که برعهده ماست ادا نموده باشیم.

مادرجان، صورت طلبکاری و بدهکاری‌های من و همچنین صورت کلی اموال و داراییم [را] در کاغذ دیگری نوشته‌ام که به آن عمل نمایید. کتاب‌هایی که دارم آنچه نیاز دارید برداشته و بقیه را با مشورت بزرگان و صاحبنظران به هر محلی که صلاح دیدید، به‌عنوان یادبود وقف نمایید، تا مورد استفاده برادران و خواهران مسلمان قرار گیرد. مقداری از نماز و روزه من بر اثر سهل‌انگاری دوران جوانی قضا شده است، مقداری از پولم را به یک نفر بدهید، تا آنرا به نیت من انجام دهد. (یک‌ماه روزه و دو ماه نماز و در ضمن کفاره یک‌ماه روزه را نیز بدهید).

برادرجان، اگر جنازه‌ام به‌دست شما رسید، هرکجا برای شما امکان داشت دفن نمایید، البته بهتر است در زادگاهم در کنار دیگر شهدای سرخه[1] باشد و اگر بدست شما نرسید، اصلاً نگران نباشید و راضی باشید به رضای خداوند.

**«والسلام»**

**دیدارمان روز قیامت**

**«الهم انی اسئک التوبه قبل الموت و الراحة عند الموت و المغفرة بعد الموت و العفو عند الحساب».**[2]

---

۱- سرخه از توابع شهرستان، سمنان زادگاه و مزار شهید است.

۲- المناقب، ج۲ ص ۳۷۹.

در پایان، از همگی برادران و خواهران مسلمان اگر حقی در گردنم دارند، حلالیت می‌طلبم امیدوارم مرا ببخشید و از مادران و پدران و همسران و خواهران و برادران و فرزندان خردسال شهدا و اسرا مفقودین و مجروحین و معلولین التماس دعا دارم و عاجزانه از همگی آنان درخواست می‌کنم که برایم دعا کنید و از خدا برایم طلب مغفرت و آمرزش بطلبند. دعا کنند تا اعمالم مورد قبول درگاه حق تعالی واقع گردد. خداحافظ همگی شما باد.

**به‌تاریخ دوشنبه ۶۳/۱۱/۲۲**
**بنده خطاکار خدا، عباسعلی اشرف**
**به پیش تا جهانی شدن انقلاب عظیم اسلامی و شکستن سدهای طاغوتی**
**پیروز باد پرچم خونین اسلام**
**به امید زیارت کربلای بدون صدام**
**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه دار**

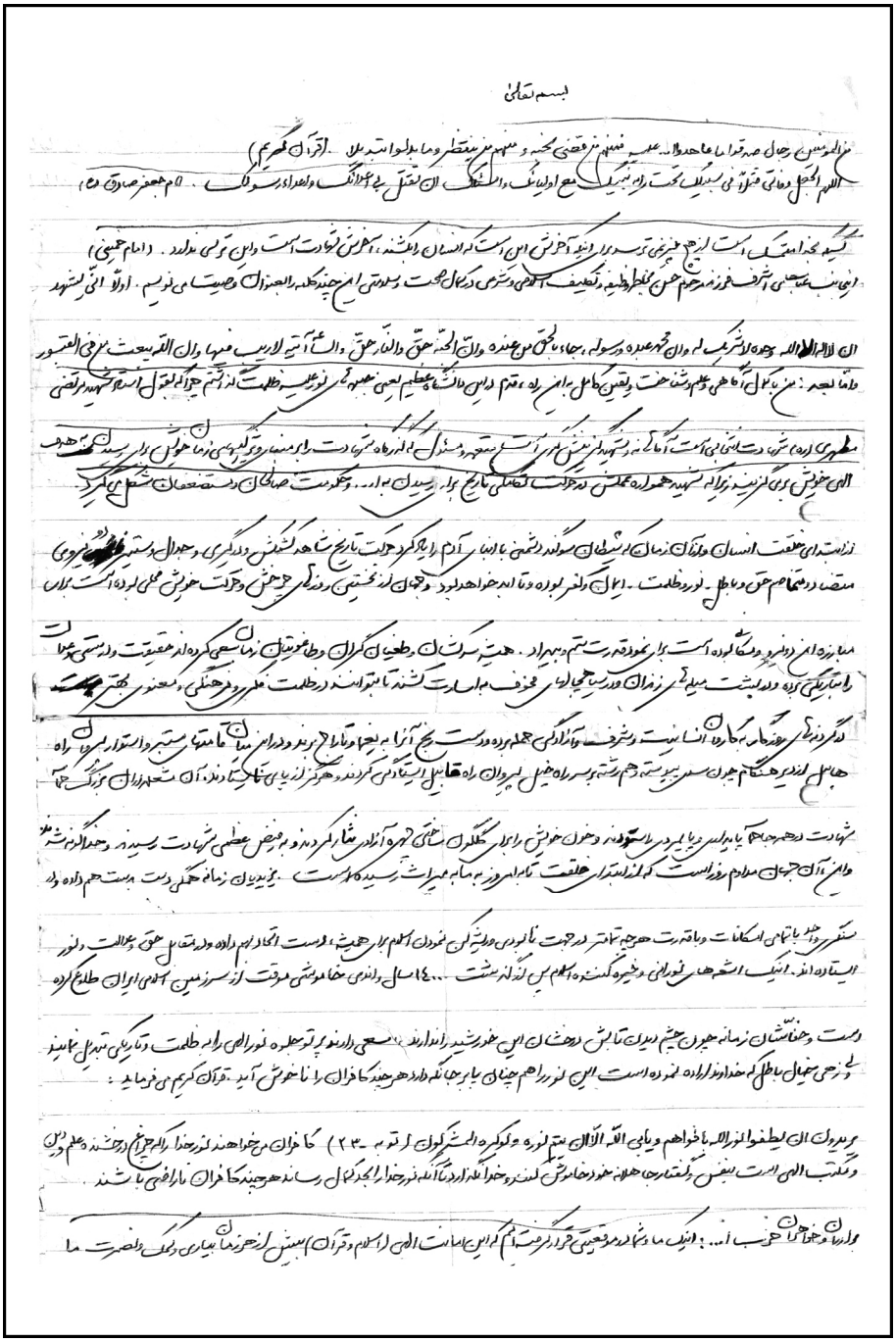

خواهران مهربان و گرامی: هر انقلابی دو چهره دارد خون و پیام. ما در صحنه جبهه خون را نگریستیم و شما باید پیام را نگریسته و همچون زینب (س) که پیام شهدای کربلا را امام حسین (ع) را به گوش جهانیان رساند، پیام شهدای ایران را نگذارش مردم برسانید و هدف نگذارید دراین امر مهم چه کوتاهی نمائید.

خواهران عزیزم: در سوگ این برادر خطه کمارتان از عمال دشمن دنیا را آتش نگیرید و پس نمانید در انجام آن به حالت سنگین و خطیر مادری و همسر نهایت دقت و کوشش را بخرج دهید و همچون حضرت فاطمه (س) فرزندان را در راه خدا طوری تربیت نمائید تا باعث آبروی اسلام و قرآن گردند و برای شهادت فرصت و قیامت حرز و بقیات صالحات باشند. آنها را جز تعلیم و تربیت نمائید و حقوق فرزندان را بخوبی ادا نمائید تا آنها نیز متقابلاً حقوق شما را ادا نمایند. ضمن اطاعت از دستورات شوهرانتان حتی الامکان در امور اجتماعی مذهبی سیاسی نقش خود را ایفا، نمونه و دیگر مادران و خواهران را نیز تشویق فرمائید.

برادر عزیز و دوست دارم: امیدوارم این برادر خطه کمارت را بخشی و در سوگ من دلتنگی و ناراحتی نشان ندهید. انشاء... که برادرت بخاطر خدا و در راه خدا و برای خدا بوده است. خداوند بزرگ و توانا را شکر می‌کنم که حکومت خدا و اجرای دستورات خدا را شهید شده است. برادر عزیز اگر من که خداوند لیاقت هشتمین یا امام حسین (ع) و شهرای رشت گیلان را بمن عنایت فرموده و با وجود همه گناهان و خطاهائی که مرتکب شده ام، مرا پذیرا باشد، سلاح خونین و پرچم متبرکه ام را شما و اگذار می‌کنم. آرزومندم خداوند بزرگ توفیق ادامه راه شهدا را بشما عنایت و مرحمت بفرماید. (انشاء الله...)

برادر جان: امروز روز امتحان ایمان است. امتحان لیاقت ما - مردانگی ها - صداقتها - شرافتها و فداکاری قیامت نتیجه این امتحان و آزمایش خداوندی را بدستمان خواهد سپرد و خوشا بحال آنکسی که کارنامه اش پر و نمره اش را بدست راستش بدهند و این میسر نخواهد شد مگر در زیر سایه شمشیرها و دود و گلوله مسلسلها و در زیر باران توپها و خمپاره ها همچنان در سنگر (ایستاده) مقاوم و استوار باشی و سعی کنی با نیروی جاذبه اسلام حیوانات درنده و موذی را که سرمایه داری بالدرش این مملکت اسلامی را تبدیل به بیشه کرده و کمکش کرده تا راه و هدف را بهتر بشناسند و با شناخت و آگاهی کامل هرچه بیشتر و بهتر در خدمت اسلام و این مردم قهرمان و شهید پرور قیام کنند.

ملت قهرمان و شجاع! هنگی برادران شهید پیام می فرستند ولی من برای شما پیامی ندارم چرا آنکه آنچه را که من میخواهم در شعارهایتان بگویید شما عملاً بما نشان داده اید و بهمین خاطر شما از من جلو تر هستید و کسی عقب مانده است به کسیکه جلو افتاده است نمی گویند بگذر دنبال من، بلکه باید بگویند صبر کن تا من هم بتو برسم. تنها پیام من بشما این است که متفقه میشوم و قول شرف و مردانگی میدهم که تا آخرین قطره خون در رگهایم و آخرین توانم و قدرتم از خون شهدای گرانقدر و عزیز شما پاسداری نمایم و سعی میکنم آنچه را که آنها بخاطر آن شهید شدند حراست و محافظت نمایم و از ادامه دهندگان راهشان باشم. خداوند انشاء... بهمگی شما و ما توفیق انجام وظیفه و خدمتگزاری به اسلام عنایت بفرماید.

برادران عزیز و گرامی پاسدار و بسیج - ای همرزمان و ارجمندگران: شما خود بهتر از من میدانید که این ملت ستمدیده و مخصوصاً خانواده های محترم تمام امیدشان شهدا و مفقودین و مجروحین و بعد از این بعد از خداوند متعال به حفظ این نظام الهی و دفع ظالم از کشور ما بمن و شما است و اطلاع دارید و آگاهید

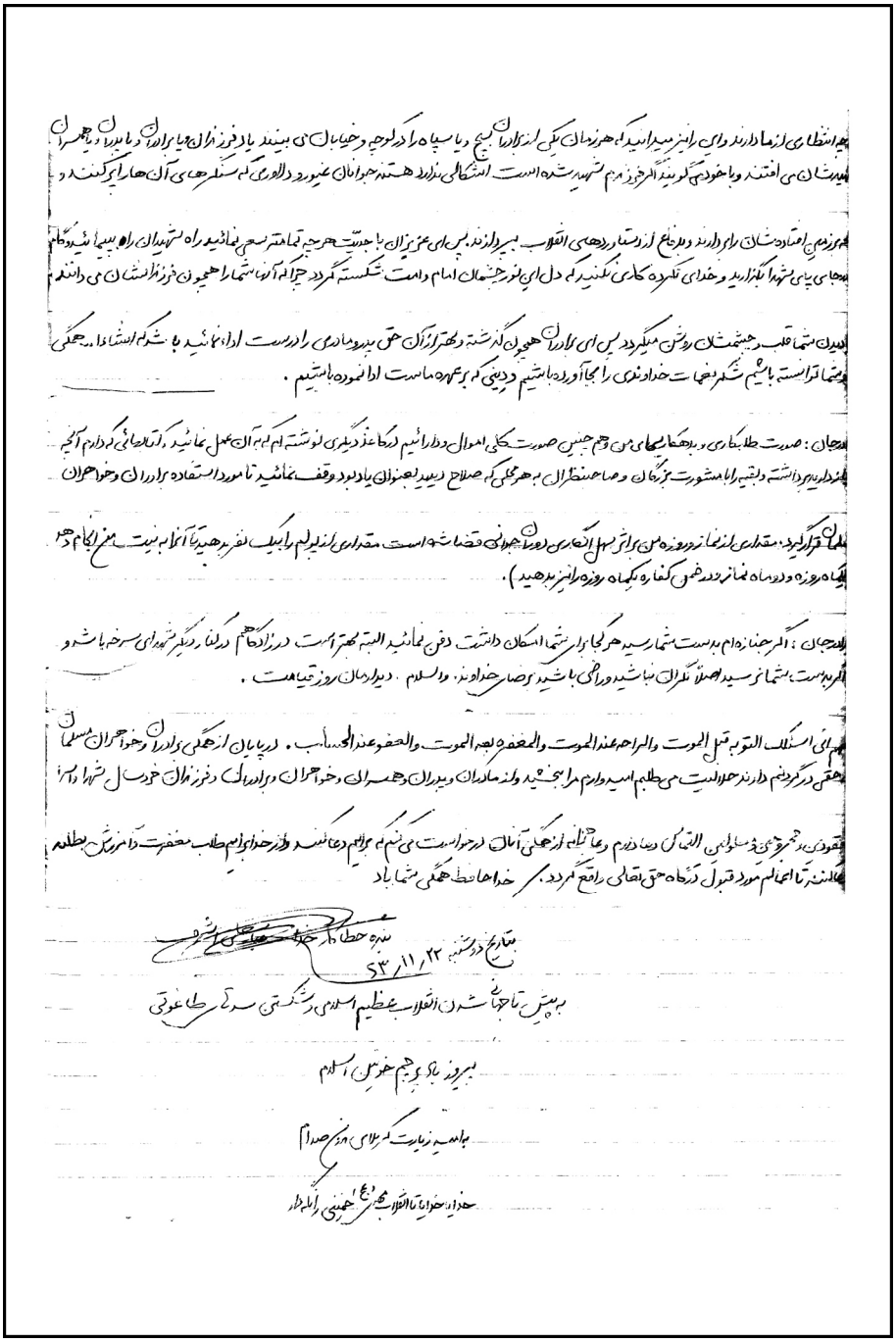

بنده خط دار حقیر سید علی خامنه‌ای

به تاریخ روز شنبه ۵۳/۱۱/۲۲

به پیش تاجدار شدن انقلاب عظیم اسلامی برشکوهی سرکار خانم علوی

بسیار مایل به رحیم خوش اسلام

با سلام و زیارت که بر ای روز صدام

حضرت خواهر تا انقلاب مجدد ع خمینی را بیاد دار

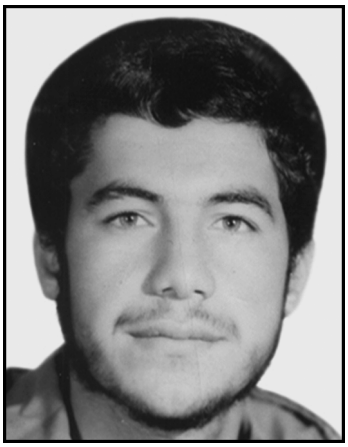

نام: **محمدحسین**
نام خانوادگی: **اشرف**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم خرداد ۱۳۴۲**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم آبان ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- از خدای خود می‌خواهم که مرا بیامرزد.
- شهادت که بزرگ‌ترین افتخار هر انسانی باید باشد، نصیبم گرداند.
- مرگ حق است.
- چه بهتر قبل از اینکه مرگ بتواند ما را دریابد، ما مرگ را مقهور وجود خود کنیم.
- چه مرگی بهتر است از شهید شدن در راه خدا.
- من مرگم را با آگاهی کامل شهادت را انتخاب کردم.
- شهید شدن یعنی به کمال رسیدن.
- کمال انسانیت یعنی از خود و خودیت بریدن و به خدا پیوستن.
- انشاءالله، با شهدا و صلحا و اولیا محشور می‌گردم.

**محمدحسین اشرف**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

«**یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم فِئة فاثبتوا و اذکروالله کثیراً لعلکم تفلحون**»[1] «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید هرگاه با گروهی از دشمنان مقابل شدید پایداری کنید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که فاتح و رستگار شوید».

سپاس خداوند بزرگی که توفیق زندگی کردن در راه اسلام را به ما عطا فرمود و توفیق بریدن از همه چیز و همه کس [را] به ما مرحمت فرمود و یاری نمود تا در جهاد بزرگ اسلام علیه کفر شرکت ورزیم و در راهش شهید شویم. سپاس خداوندی را که به ما توان مقاومت و دلیری و شهامت را داد، سپاس خداوندی که ستایشش برای کسی سبب سرشکستگی نیست و در آمرزشش کسی را نومیدی نیست.

خداوندا، آنچه را که به‌نام وصیت‌نامه یا بهتر بگویم شهادت‌نامه پیش خانواده و امت حزب‌الله به یادگار می‌گذارم از ریا و تزویر به دور داشته و آن را به گفته‌های قلبم نزدیک‌تر گردان.

شهادت می‌دهم خدا واحد است و شریکی برایش نیست و حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسول خداست و علی(علیه‌السلام) ولی خدا و امام زمان مهدی(عج) حجت برحق اوست و خمینی روح خدا، رهبر امت ماست. وای به حالم که در این لحظات آخر، عمرم را با سیاهی قلبم و تاریکی درونم پیش خدا می‌گذرانم. آخرین روزها و ساعاتی که قبلش عمرها بود و به بطالت رفت و بعدش نه روزی است و نه ساعتی و نه حتی لحظه‌ای که بخواهیم آن را برای آینده خود در قیامت ذخیره سازیم و تازه چه ماندنی؟ که باز هم با آگاهی بیشتر نتوانیم انسان خوبی باشیم؟ پس چه بهتر زودتر پرونده سیاه اعمالمان را با این امید که مورد بخشش خداوند قرار گیرد، جمع کنیم و به دیار ابدیت پا گذاریم، به آنجا

---

۱- انفال/ ٤٥.

برویم به این امید که خدا با فضلش با ما رفتارنموده و نه با عدلش[۱]. در این دمهای آخر، از خدای خود می‌خواهم که مرا بیامرزد و شهادت که بزرگترین افتخار هر انسانی باید باشد، نصیبم گرداند. مرگ حق است هر چند اعماق زمین و یا بالاتر از ابرهای آسمان باشی[۲] و زمان مرگ را ساعت و دقیقه‌ای و حتی لحظه‌ای[۳] تخلف نیست، پس چه بهتر قبل از اینکه مرگ بتواند ما را دریابد ما مرگ را مقهور وجود خود کنیم و آنرا خود انتخاب نماییم. چه مرگی بهتر است از شهید شدن در راه خدا، که حضرت علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: «اکرم الموت...» «با عزت‌ترین مرگ‌ها شهید شدن در راه خداست[۴]» پس من مرگم را با آگاهی کامل شهادت را انتخاب کردم و یک‌سال و اندی خودم را [در] آزمایش آن قرار دادم و مدتها در نیمه‌های شب و یا روزهای متوالی با خدای خود تنها کرده و آرزویم را بیان نمودم و مدت‌ها ضجّه زدم، اشک ریختم، و از خدا خواستم مرا به‌عنوان غلام سیاه درگاه خود قبول کند و حال خدا مرا قبول نموده و دعایم را مستجاب کرده که می‌فرماید: «**ادعونی استجب لکم**»[۵] شهید شدن یعنی به کمال رسیدن و کمال انسانیت یعنی از خود و خودیت بریدن و به خدا پیوستن و من امروز به عرش اعلاء رسیده‌ام چون خدا را می‌بینم، انشاءالله، با شهدا و صلحا و اولیا محشور می‌گردم هرچند لیاقت آنرا نداشته و ندارم اما تفضّل خدا بسیار بود و مرا هم شامل گردید. خداوندا در زندگی، بنده مخلص نبودم و بندگی ترا کردن را با بندگی هوی و هوس اشتباه گرفته بودم، بندهٔ جاه و مقام و ریاست

---

۱- روایت مشهوری منسوب به حضرت علی(علیه‌السلام) است که در اکثر آثار و حتی منابع بدون ذکر منبع دقیق به حضرتشان منسوب است «الهی تعاملنی بفضلک و لا تعاملنی بعدلک».

۲- یادآور این آیه قرآن است: «اینما تکونوا یُدرککم الموت و لو کنتم فی بروجٍ مشیدة» ترجمه «هر کجا باشید اگر چه در کاخ‌های بسیار محکم مرگ شما را فرا رسد از مرگ هیچ چارهٔ رهایی ندارید» (نساء/ ۷۸).

۳- در اینکه اجل هر کس فرا رسد ساعتی پیش و پس نخواهد شد. آیات متعددی در قرآن موجود است از آنجمله: اعراف/۳۴- یونس/۴۹- حجر/۵- نحل/۱۶- مؤمنون/۲۳. برای نمونه به اعراف/۳۴ بسنده می‌شود: «فاذا جاء اجلهم لایستأخرون ساعة و لا یستقدمون» ترجمه: «هنگامی که اجل شما فرا رسد در آن ساعتی تعجیل و تأخیر نخواهد شد».

۴- علی(علیه‌السلام) تعبیری مشابه سخن رسول‌الله دارد که شهید بدان نظر داشته است «انَ اکرم الموت االقتل» نهج‌البلاغه خطبه ۱۲۳، ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی.

۵- المؤمن/ ۶۰.

شدم و هوس زندگی فریبم داد. اما یکباره با تمام این امور دنیوی وداع کردم و به‌سویت هجران نمودم تا شاید روزی بنده مخلص گردم و حال نمی‌دانم که بنده تو بودم و شهید شدم یا نه؟ در نمازها و روزه‌ها خاشع نبودم، اما در پی‌اش بودم که اصلاح کنم در عبادت‌ها خشوع قلب نبود، اما می‌خواستم آنرا بوجود آورم در دنیا کارهایم از شرک و ریا دور نبود، اما در پی به دور کردن آنها بودم. خداوندا حالا دیگر از من بگذر و قلم عفو بر جرایم اعمالم بکش. الهی العفو.

و ای رسول و ائمه اطهار، ای رسول خدا به رسالتت ایمان آوردم اما هرگز نتوانستم آنچه که تو می‌خواهی و تو می‌پسندی و به ما تعلیم دادی، باشم. قرآن خدا را که تو عامل وحی آن بودی خواندم، اما نتوانستم خودم را بر آن وفق دهم، اما از رسول خدا حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌خواهم که ما را شفیع قرار دهد. علی جان(علیه‌السلام) دعایت را که به کمیل آموزش دادی قرائت کردم و به حال زارم گریستم که تو با مصونیتت از گناه در برابر خدا چگونه خاضع و خاشع بودی و در درگاه او گریستی، اما ما هرگز نتوانستیم روح دعا و مناجات را درک کنیم.

ای امام حسین(علیه‌السلام)، سومین پیشوای عالم تشیع، ندای «هل من ناصر ینصرنی»[1] ترا بعد از ۱۴۰۰ سال به گوش شنیدم و آنرا لبیک گفتم شاید توانسته باشم به آن حرف‌هایی که مکرر می‌گفتیم «ای کاش می‌بودیم و حسین(علیه‌السلام) را یاری می‌کردیم[2]» عمل کرده باشم. حسین جان به ندای تو بعضی‌هامان بسرعت و بعضی‌هایمان با کمی تأخیر و بعضی دیگر نیز مانده‌اند و در آینده لبیک خواهند گفت و ما منتظر جواب لبیک آنها به شما هستیم تا آنها را در جبهه‌ها به آغوش گرم خود بگیریم. حسین جان یاری کن تا آنها نیز جوابت دهند که «بهشت در زیر سایه‌های شمشیرها هویدا می‌شود».[3]

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ترجمه فراز آخر از زیارت امام حسین(علیه‌السلام) است: «یا لیتنی کنتُ معکم فافوز فوزاً عظیماً» (مفاتیح الجنان).

۳- از پیامبر اکرم حدیثی بدین مضمون روایت شده است که دقیقاً با ترجمه‌ای که شهید نقل کرده معادل است: «الجنة تحت ظِلال السّیوف» (نهج‌الفصاحه، ص ۲۸۰).

و ای حجت خدا، ای دوازدهمین پیشوای عالم تشیع، دیگر زمان غیبت بس است، دیگر این امت، شمشیرهای خود را تیز نمودند تا در کنار تو با دشمنان تو و خدای تو بجنگند. باز آی ای منجی گیتی، باز آی ای یاور امت، ای امام زمان. شب‌ها ضجه زدم و در تاریکی‌ها اشک ریختم و در مسجدها در نماز ناله کردم تا بتوانم چهره منور تو را دیدار کنم. اما لیاقت دیدن ترا تا این لحظه نداشتم و شاید با این اعمالم هرگز نداشته باشم. ای امام زمان ای حجت خدا، در پیشگاه خدا ما را شفاعت کن که به شفیع شدن تو بسی محتاجیم.

اماما، ای خمینی بت‌شکن ملت اسلامی‌مان در داشتن چنین نعمتی به همه کشورهای مسلم و غیرمسلم دیگر فخر می‌فروشد، تویی بت‌شکن که تمام قدرت‌های استکباری دنیا از دست توانمند تو به تنگ آمده‌اند، تویی عارف که تمام وجود تو از عرفان و معنویت مملو است و با دعایت از خدا کمک می‌خواهی، تا اسلام و مسلمین سرافراز باشند و با دعاهای عارفانه‌ات، بارها دشمن‌ها را در مناطق مختلف به ورطه نابودی کشاندی، درود بیکران خدا برتو باد.

ای امام، ای فرمانده کل قوا، ندای تو را مبنی بر شرکت در نبرد حق علیه باطل شنیدم و لبیک گفتم چون وظیفه‌ای بود می‌بایست انجام شود. و تو ای امام قوایت در سرزمین‌های اسلام علیه خصم می‌شورند و تو با دعایت به قوای خود کمک میکنی و چون پتکی محکم بر سر دشمن فرود می‌آوری. دعایی که بردش از سلاح ما بیشتر است، از خدا برای ما که به‌سویش شتافتیم، طلب مغفرت کن.

و ای والدین عزیزم فرزندی که به‌عنوان امانت از خدا گرفته بودید به خودش بازگردانید و به امانت خیانت نورزید، در زندگی آنقدر بد بودم که مرا لیاقت فرزندی شما نبود. اما حالا با شهادتم توانستم، بزرگ‌ترین افتخار را برای خود و شما کسب نمایم و پرچم پرافتخار خانواده شهید بودن را بر تارک خانواده‌تان به اهتزاز درآورم.

پدر جان در سوگ و غم از دست دادن فرزندت به یاد علی‌اکبر[1] حسین(علیه‌السلام) باش و جلوی ناراحتی خود را بگیر که خود با آگاهی کامل و درس آموزی از مکتب خونین

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

مولایم حسین(علیه‌السلام)، راه شهادت را پیمودم که همانا شهادت نزدیک‌ترین راه تکامل انسان است و به آن افتخار می‌کنم. انسان باید برای خدا از هرچه که دارد و می‌تواند بگذرد و آن به منزله نابودی زندگی نیست، بلکه ساختن منزلگاه و آماده شدن برای روز قیامت است.

و ای مادرم، مادر عزیزم تحمل از دست دادن فرزندی که برایش زحمت‌های بسیار متحمل شدی و منتظر دامادیش بودی، برایت بسی مشکل است. مادر جان اگر فرزند خوبی برایت نبودم و قَدْرَت را ندانستم در این دمهای آخر شیر پاکت را حلالم کن و از من، فرزند حقیرت، درگذر. مادرم با چه زبانی از تو تشکر کنم که مرا فرزند و جوانی مسلمان ساختی و نماز و روزه را از کودکی بمن تعلیم دادی و اسلام را در سلول‌های وجودم[1] داخل نمودی و حالا نیز هر بار که به‌سوی جبهه آمدم، مرا به خدا سپردی و این بار نیز چنین کردی، این بار خدا هدیه‌ات را قبول کرد و آنرا پس نفرستاد. درود خدا بر تو باد ای مادر و سلام من برتو ای مادر، من در راه خدا شهید شدم و شما در راه خدا متحمل مصیبت شدید، پس برای خود ثوابی[2] و اجری بیشتر از اجر شما پدران و مادران شهدا نمی‌بینم و انشاءالله در قیامت همدیگر را دوباره ملاقات خواهیم کرد.

و ای خواهران مهربانم می‌دانم که تحمل از دست دادن برادر برای شما مشکل است اما باید تحمل کنید که زینب(علیهاالسلام) دوری ۷۲ تن را تحمل نمود. و به شما توصیه می‌کنم خدا را از یاد نبرید و رهبر را مرید باشید و مادر را دلداری داده و خود باعث ناراحتی بیشتر او نشوید، شهادتم را به همدیگر تبریک بگویید و در ساختن خواهران و مادران دیگر خوب بکوشید و فرزندانتان را برای اسلام پرورش دهید هر چند که دیگران را خوش نیاید. حزب‌اللهی اصیل و متقی و زینب‌گونه باشید و حجاب کامل خود را همچنان محکم حفظ کنید و بر دهان مفسدین بی‌حجاب بکوبید که سیاهی چادرهای شما از خون من سرخ‌تر و دشمن کُش‌تر است.

ای برادران عزیزم من رفتم شما را به امان خدا گذاشتم و اما در این لحظه‌های آخر پیامی دارم. برادران خوب توجه کنید که زمانه یکجور نیست و هر روز یک روز نیست و

---

۱- باید در اصل وصیت دستنویس «سلول‌های» باشد.

۲- در اصل وصیت «صوابی».

حوادث زندگی حال و گذشته و آینده شما را فریب ندهد که نخواهد داد و شما را از راه حق و صراط مستقیم منحرف نکند که نخواهد کرد. دشمن و منافق را در [هر] زمان[ی] با هر لباسی بشناسید و نگذارید دوباره رشد کنند و گروه‌های منحرف را در هر زمانی و با هر مارکی از خود دور کنید که اسلام و متن قرآن فقط از حلقوم کسانی بیرون می‌آید که سال‌ها زجر حجره ماندن را کشیده‌اند و آنان کسانی جز روحانیت اصیل نبوده‌اند، برادرانِ من، شما حالا برادر شهیدید، شهیدی که با همه غربی‌ها و شرقی‌ها دشمن بود و از اول انقلاب و مدتی قبل از آن خط‌های درست و نادرست را خوب شناخت. امام را رهبر دانست، حاکمیت جبهه ملی[1] و نهضت آزادی[2] را طرد می‌کرد و مجاهد دروغین خلق را منافق[3] شناخت، یاران امام را که در سنگر علم و تقوی مجلس و دولت مبارزه می‌کنند، یاران اسلام خواند. به بنی‌صدر[4] ملعون و خبیث رأی نداد و جبهه را فراموش نکرد و در آن مقاومت ورزید و حتی برای شرکت در نبرد فردا درس را فراموش نکرد و حالا با صدای بلند می‌گویم ته مانده‌های منافقین را از خود برانید و به گروههای کوچکی که هدفی جز تفرقه در صف تشیّع ندارند، دل نبندید و سعی کنید که شما را فریب ندهند و خوب فکر کنید که حوادث آینده برای شما تلخ نگردد. امام را تنها نگذارید. در راه اسلام تلاش و کوشش هرچه بکنیم کم کرده‌ایم و سعی کنید که از گناه صغیره و کبیره بگریزید که قیامتی به‌پاست و در آن جا همه با پرونده‌ها و اعمالمان حساب می‌شویم و میزان برقرار است. و توجه داشته باشید که هیچ‌کس را دوست و رفیق و برادر شهید بودن افتخار نیست بلکه راهش را ادامه دادن شرط است.

و ای همه خویشان و قومانم: شما را [به] نزدیکتر شدن به امام و انقلاب اسلامی توصیه می‌کنم و می‌خواهم در شهادتم این نکته را توجه بیشتر کنید.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

**«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التوراة و الانجیل والقران و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذالک هو الفوز العظیم»**[1] «خدا جان و مال مؤمنین را به بهای بهشت خریداری کرده که آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و دشمنان دین را به قتل می‌رسانند و یا خود کشته [بـ]شوند این وعده قطعی است بر خدا، و عهدی است که در سه دفتر آسمانی تورات، انجیل، قرآن به او فرموده و کیست باوفاتر از خدا به‌عهد؟ «ای اهل ایمان، شما به‌خود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا به حقیقت سعادت و پیروزی[2] بزرگی است».

باید بدانید که در راه اسلام تمام زندگی را فدا کردن زیباست که زیبایی آن را شهید می‌داند و بس. زندگی خوب و شیرین است، اما نه آن زندگی که کافران بعثی بر تو حاکم باشند و دیارت را در تصرف، زندگی شیرین است، اما نه آنکه ناموست را در اشغال بگیرند و تو به آن نگاه کنی، زندگی شیرین است اما نه آنکه به امام حسین(علیه‌السلام) و حسین زمان جواب لبیک گفته نشده باشد. با شما بودن خوب و شیرین بود تا زمانی که اسلام برای پرورش و باروری خود احتیاج به‌خون نداشت در جمع شما بودن شیرین بود تا موقعی که جهان بر علیه ما و برای نابودی اسلام بسیج نشده بود، چه زندگی چه شیرینی. آیا در پناه صدام بودن خوش است یا جان به جان آفرین تقدیم نمودن؟ ننگم باد که باز هم در خانه بمانم و صدا و شیون کودکان پدر شهید شده را بشنوم و بنشینم و صدای وای اسلاما، وای قرآنا، وای اماما را نشنوم. در زندگی آزاده باشید و آزاد زندگی کنید و به هیچ دشمنی کوچک‌ترین باجی ندهید. و ای دوستانم متکی به خدا باشید. خدا را بهتر بشناسید و او را عبادت کنید، مخلص باشید و متقی، هراسی بدل نداشته باشید وجود خود را در جبهه‌ها از نظر معنوی پرورش دهید و طعم شیرین جهاد در راه خدا بچشید و نگذارید روزی یأس و نومیدی برای شما به‌خاطر پایان جبهه و جنگ و شکست در امتحان خداوندی بماند.

---

۱- توبه/ ۱۱۱.

۲- در اصل وصیت «فیروزی».

و ای ملت حزب‌الله ای سلحشوران و یاوران روح‌الله ای کسانی که هنوز در امتحان بزرگِ شهید دادن، سرفرازانه به پیش می‌روید و ای کسانی که خدا شما را برای مبارزه در راهش و پیاده کردن احکامش انتخاب نمود، همچنان با شتابی افزون به‌سوی هدف‌های بزرگ اسلامی قدم بردارید و هرگز اسلام و رهبر را تنها نگذارید که ۱۴۰۰ سال تنها ماندن اسلام کافی هست. شما امتی هستید که خداوند نعمت داشتن این چنین رهبری مانند امام خمینی را بشما عطا فرمود. قدرش را بدانید و فریب و نیرنگ دشمنان را در مورد رهبری نخورید که نخواهید خورد و خدای ناکرده در هیچ زمان جبهه و جنگ را فراموش نکنید. هرچند که این جبهه اسلام هرگز به ما هیچ احتیاجی ندارد و این ما هستیم که به شرکت در این جبهه‌ها احتیاج داریم، برای ساختن خود و برای قیامت که بپاست. ای امت حزب‌الله تقوا را پیشه کنید و زندگی کردن را برای اسلام بدانید. کوشش کنید که مخلص باشید و برای خدا کار کنید. جواب دشمنان را با مشت‌های محکم بدهید و جز گرایش به اسلام فقاهتی به هیچ دسته و گروه دیگر گرایش نشان ندهید. در هر زمانی پیرو ولایت فقیه باشید و آنرا پشتیبانی کنید و امرش را به خوبی انجام دهید و نهی‌اش را به خوبی نفی کنید.

دنیای زندگانی و مادی را جز آزمایشگاهی بزرگ و زمینه‌سازی برای روز قیامت ندانید و برای دنیای آخرت توشه‌ای کسب کنید که هرچه است در آن روز است.

اما آنچه دارم را به چنین نحوی خرج کنید: هزار تومان از سرمایه‌ام را در مسجد ولی‌عصر و پانصد تومان آنرا در هیئت ابوالفضل(علیه‌السلام) و بقیه آن را جهت حسینیه شهدا صرف نمایید و نیز موتورم را به هر سبک که می‌توانید فروخته و پولش را جهت پیروزی رزمندگان و آنچه را که خود تشخیص می‌دهید صرف کنید و وسایلم (شامل کتاب و غیره) را به هر صورتی که بهتر است برای اسلام بدهید و همچنین ۳۱ روز روزه واجب بدهکارم که آن‌را به هر نحو که می‌دانید قضا نمایید. و می‌خواستم مدت یک‌سال را نماز بخوانم که اگر می‌توانید آن را قضاء نمایید. و برایم دعا کنید که با شهدا محشور گردم.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**۶۲/۶/۳۱**

**محمدحسین اشرف**

بسمه تعالی

متن وصیتنامه شهید محمد حسین اشرف :

" یاایهاالذین آمنواذ القیتم فئه فاثبتواواذکروا ۰۰۰
کثیرا " لعلکم تفلحون ۰" " انفال / ٤٤ "

" ای کسانیکه ایمان آورده اید هرگاه باگروهی ازدشمنان
مقابل شدید پایداری کنید وخدا رابسیاریاد کنید باشد
که فائق ورستگارشوید ۰"

سپاس خداوند بزرگی که توفیق زندگی کردن در راه اسلام رابماعطاءفرمود وتوفیق بریدن ازهمه چیزوهمه کس بمامرحمت فرمود ویاری نمود تادر جهاد بزرگ اسلام علیه درشرکت ورزیم ودر راه شهید شویم , سپاس خداوندی راکه بماتوان مقاومت ودلیری وشجاعت راداد , سپاس خداوندی که ستایشش برای کسی سبب سرشکستگی نیست ودرآمرزشش کسی رانومیدی نیست ۰

خداوندا آنچه راکه بنام وصیتنامه یابهترگویم شهادت نامه پیش خانواده وامت حزبا ۰۰۰ به یادگارمیگذارم آن ریاونزویرد واشته وآنرابه گفته های قلیم نزدیک ترگردان ۰

شهادت مدهم خداواحد است وشریکی برایش نیست وحضرت محمد (ص) رسول خدا است وعلی ولی خدا وامام زمان مهدی (عج) حجت برحق اوست وخمینی روح خدا رهبر امت ماست ۰

وای بحالم که دراین لحظات آخرعمرراباسیاهی قلبم وتاریکی درونم پیش خدا میگذرانم ۰ آخرین روزهاوساعاتی که قبلش عمرهابود وبه بطالت رفت وبخدشی نه روزی است نه ساعتی ونه حتی لحظه ای که بخواهیم آنرابرای آینده خود درقیامت ذخیره سازیم وتازه چه ماندنی که بازهم باآگاهی بیشترنتوانیم انسان خوبی باشیم . پس چه بهترزود ترپرونده سیاه اعمالمان راباین امیدکه مورد بخشش خداوند قرارگیرد جمع کنیم وبدیارابدیت باگذاریم , به آنجابرویم به این امیدکه خداباقیش باطرافتهای ونه با عدلش , در این دمهای آخرازخدای خود میخواهم که مرابیامرزد وشهادت راکه بزرگترین افتخارهرانسانی باید باشد نصیبم گرداند ۰ مرگ حق است هرچند اعماق زمین ویابالاترازابرهای آسمان باشی وزمان مرگ را ساعت ودقیقه ای وحتی لحظه ای تخلف نیست , پس چه بهترقبل ازاینکه مرگ بتواند مارا دریابد مامرگ رامقهوروجود خودکنیم وآنراخود انتخاب نمائیم ۰ چه مرگی بهتراست ازشهید شدن در راه خدا که حضرت علی (ع) میفرماید : اکرم الموت ۰۰۰۰ " باعزت ترین مرگهاشهید شدن در راه خدا است " پس من مرگم راباآگاهی کامل شهادت انتخاب کردم ویکسال واندی خودم راآزمایش آن قرارادم ومدتها نیمه های شب وباروزهای متوالی باخدای خود تنهاکرده وآنرویم رابیان نمودم ومدتها ضجه زدم , اشک ریختم , وازخدا خواستم مرابعنوان غلام سیاه درگاه خود قبول کند وحال خدا مراقبول نموده ودعایم رامستجاب کرده که میفرماید , "ادعونی استجب لکم " ۰ شهید شدن یعنی به کمال رسیدن وکمال انسانیت یعنی ازخودوخودیت بریدن وبه خدا پیوستن ومن امروزبحمدش اعلاء رسیده ام چون خدارامیبینم , انشاءالله , باشهداء وصلحاء واولیاء محشورمیگردم هرچند لیاقت آنراندا شته وندارم اماتفضل خدابسیاربود ومراهم شامل گردید ۰

خداوندا در زندگی بنده مخلص نبودم و بندگی تراکردن رابابندگی هوی وهوس اشتباه گرفته بودم، بنده جاه ومقام وریاست شدم وهوس زندگی فریبم داد امایکباره باتمام این امورد نیوی وداع کردم وبسویت هجران نمودم تاشاید روزی بنده مخلص گردم وحال نمیدانم که بنده تو بودم وشهید شدم یانه ۰ درنمازهاوروزه هاخاشع نبودم اماریی اش بودم که اصلاح کنم در عباد تهاخشوع قلب نبود امامیخواستم مرا بوجود آورم درد نیاکارهایم ازشرک وریاد ورنبود اماد رپی بدورکردن آ نهابود م ۰ خداوندا حالا دیگرا زمن بگذ روقلم عفوبرجرایم اعمالم بکش ۰ الهی الصفووای رسول واءمه اطهار: ای رسول خدابه رسالتت ایمان آوردم اماهرگزنتوانستم آنچه که تومیخواهی وترومی پسندی وبماتعلیم دادی باشم ۰ قرآن خداراکه توحامل وحی آن بودی خواندم، امانتوانستم خودم رابرآن وفق دهم، امااز رسول خدا حضرت محمد (ص) میخواهم که ماراشفیع قرارد هد ۰ علی جان (ع) دعایت راکه به کمیل آموزش دادی قرائت کردم وبحال زارم گریستم که توبامصونیتت ازگناه دربرابرخدا چگونه خاشع وخاشع بودی ودر درگاه اوگریستی اماما هرگزنتوانستیم روح دعاومناجات رادرک کنیم ۰

ای امام حسین (ع)، سومین پیشوای عالم تشیع، ندای هل من ناصرینصرنی ترابعد از ۱۴۰۰ سال بگوش شنیدم وآ نرالبیک گفتم شاید توانسته باشم به آن حرفهایی که مکرر میگفتیم "ای کاش می بودیم وحسین (ع) رایاری میکردیم" عمل کرده باشم ۰ حسین جان به ندای توبعضی هامان بسرعت وبعضی هایمان باکمی تأخیروبعضی دیگرنیزمانده اند ودرآینده لبیک خواهند گفت ومامنتظر جواب لبیک آنهابشما هستیم تاآنهارادربهبه هابه آغوش گرم خود بگیریم حسین جان یاری کن تاآنهانیزجوابت دهند که بهشت در زیرسایه های شمشیرهاوید امیشود ۰

وای حجت خدا، ای دوازدهمین پیشوای عالم تشیع، دیگرزمان غیبت بس است، دیگر این امت شمشیرهای خود راتیزنمودند تادرکنارتوباد شمنان توخدای توبجنگند ۰ بازآی ای مجتبی گیتی، بازآی ای یاورامت ۰ ای امام زمان شبهاد رحجره زدم ودرتاریکیهااشک ریختم و درمسجدها "نمازناله کردم تابتوانم چهره منورترادیدارکنم ۰ امالیاقت دیدن تراتااین لحظه نداشتم وشاید بااین اعمالم هرگزنداشته باشم ۰ ای امام زمان ای حجت خدا، درپیشگاه خدا ماراشفاعت کن که به شفیع شدن توبسی محتاجیم ۰

اماما، ای خمینی بت شکن ملت اسلامیمان درداشتن چنین نعمتی به همه کشورهای مسلم و غیرمسلم دیگرفخرمیفروشد، توئی بت شکن که تمام قدرتهای استکباری دنیاازدست توانمند توبه تنگ آمده اند، توئی عارف که تمام وجود توازعرفان ومعنویت مملّواست وبادعایت ازخدا کمک میخواهی تااسلام ومسلمین سرافرازباشند وبادعاهای عارفانه ات بارهاد شمنهاراد رمناطق مختلف به ورطه نابودی کشاندی، درد بیکران خدابرتوباد ای امام، ای فرماندهکل قوا ندای ترامبنی بر شرکت درنبرد حق علیه باطل شنیدم ولبیک گفتم چون وظیفه ای بود میبایست انجام شود ۰ وتوای امام توایت درسرزمینهای اسلام علیه خصم میشورند وتوباد عایت به قوای خود کمک میکنی وچون پتکی محکم برسرد شمن فرود میاوری ۰ دعایی که نردش ازسلاح مابیشتر

است , ازخدا برای ماکه بسویش شتافتیم طلب مغفرت کن ۰

وای والدین عزیزم فرزندی که بعنوان امانت ازخدا گرفته بودید به خود بازگردانید وبه امانت خیانت نورزید , درزندگی آنقدر بد بودم که مرالیاقت فرزندی شمانبود اماحالا باشهادتم توانستم بزرگترین افتخاررابرای خود وشماکسب کنمایم ۰ وپرچم پرافتخارخانواده شهید بودن رابرتارک خانواده تان به امتزازدرآورم ۰

پدرجان درسوگ وغم ازدست دادن فرزندت به یاد علی اکبرحسین باش وبلوی ناراحتی خود رابگیرکه خودباآگاهی کامل ودرس آموزی ازمکتب خونین مولایم حسین راه شهادت راپیمودم که همانا شهادت نزدیکترین راه تکامل انسان است زیرا آن افتخارمیکنم ۰ انسان باید برای خدا ازهرچه که دارد ومیتواند بگذرد وآن به منزله نابودی زندگی نیست بلکه ساختن منزلگاه وآماده شدن برای روزقیامت است ۰

وای مادرم , مادرعزیزم تحمل ازدست دادن فرزندی که برایش زحمتهای بسیارمتحمل شدی و منتظرد امادیش بودی برایت بسی مشکل است ۰ مادرجان اگرفرزند خوبی برایت نبودم وقدرت را ندانستم دراین دمهای آخرشیرپاکت راحلالم کن وازمن فرزند حقیرت درگذر ۰ مادرم باچه زبانی ازتوتشکرکنم که مرافرزند وجوانی مسلمان ساختی ونمازوروزه راازکودکی بمن تعلیم دادی واسلام رادرسنتهای وجودم داخل نمودی وحالانیزمربارکه بسوی بهه آمدم مرابخد اسپردی واین بارنیزچنین کردی , این بارخدا هدیه ات راقبول کردوآنراپس نفرستاد ۰ درود خدا برتو باد ای مادروسلام من برتواد مادرمن درراه خدا شهید شدم وشمادرراه خدا متحمل مصیبت شدید , پس برای خود صوابی واجری بیشترازاجرشماپدران ومادران شهدا نمی بینم وانشاءالله درقیامت همدیگررادوباره ملاقات خواهیم کرد ۰

وای خواهران مهربانم میدانم که تحمل ازدست دادن برادربرای شامشکل است امابایدتحمل کنید که زینب (س) دوری ۷۲ تنسن راتحمل نمود ۰ وشماتوصیه میکنم خدارا ازیاد نبرید ورهبر رانبرید باشید ومادرزادلداری داده وخود باعث ناراحتی بیشتراونشوید , شهادتم رابه همدیگر تبریک بگوئید ودرساختن خواهران ومادران دیگرخوب بکوشید وفرزندانتان رابرای اسلام پرورش دهید هرچندکه دیگران راخوش نیاید ۰ حزب اللهی اصیل ومتقی وزینب گونه باشید وحجاب کامل خود راهمچنان محکم حفظ کنید وبرد هان مفسدین بی حجاب بکوبیدکه سیاهی چادرهای شماازخون من سرختروشمن کشتراست ۰

ای برادران عزیزم من رفتم شمارابه امان خدا گذاشتم وامادراین لحظه های آخرپیامی دارم, برادران خوب توجه کنیدکه زمانه یکجورنیست وهرروزیک روزنیست وحوادث زندگی حال و گذشته وآینده شمارافریب ندهد که نخواهد دادوشمارااز راه حق وصراط مستقیم منحرف نکندکه نخواهدکرد , دشمن ومنافق رادرزمانی باهرلباسی بشناسیدونگذاریدد وباره رشد کنندوگروه های منحرف رادرهرزمانی وباهرمارکی ازخود دورکنیدکه اسلام ومتن قرآن فقط از حلقوم کسانی بیرون میایدکه سالهازجرجره ماندن راکشیده اندوآنان کسانی جزروحانیت

اصیل نبوده اند ، برادران من شماحالا برادر شهید دیده ، شهیدی که باهمه غریبها و شرقیها دشمن بود و ازاول انقلاب و مدتی قبل از آن خطهای درست و نادرست را خوب شناخت امام را رهبر درست ، حاکمیت جبهه ملی و آزادی را طرد میکرد و مبارزه در روغین خلق را منافق شناخت ، یاران امام را که در سنگر علم و تقوی مجلس و دولت و یارزه می کنند یاران اسلام خواند به بنی صدر ملعون و خبیث رای نداد و جبهه را فراموش نکرد و در آن مقاومت ورزید و حتی برای شرکت در نبرد فرد ادرس را فراموش نکرد و حالا باعدای بلند میگویم ته ماندههای منافقین را از خود برانید و به گروههای کوچکی که هدفی جز تفرقه در صف تشیع ندارند دل نبندید و سعی کنید که شما را فریب ندهند و خوب فکر کنید که حوادث آینده برای شما تلخ نگردد . امام را تنها نگذارید . در راه اسلام تلاش و کوشش هرچه بکنیم کم کرده ایم ، و سعی کنید که از گناه صغیره و کبیره بگریزید که قیامتی بپاست و در آن همه با پرونده های اعمالمان حساب میشویم و میزان برقرار است . و توجه داشته باشید که هیچکس را دوست و رفیق و برادر شهید بودن افتخار نیست بلکه راهش را ادامه دادن شرط است . وای همه خویشان و قومانم : شما را نزد یکتر شدن به امام و انقلاب اسلامی توصیه میکنم و میخواهم در شهادتم این نکته را توجه بیشتر کنید .

" ان الله اشتری من المومنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا " علیه حقا " فی التورایه والانجیل والقران ومن ارفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به وذالک هوالفوزالعظیم . "

" خدا جان و مال مومنین را به بهای بهشت خرید اری کرده که آنها در راه خدا جهاد میکنند و دشمنان دین را به قتل میرسانند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا ، و عهد یست که در سه دفتر آسمانی تورات ، انجیل ، قرآن باوفرموده و کیست باوفاتر از خدا بعهد ؟ ای اهل ایمان ، شما بخود در این معامله بشارت دهید که این معامده با خدا بحقیقت سعادت و پیروزی بزرگی است . " " آیه ۱۱۱ / ازسوره توبه "

باید بدانید که در راه اسلام تمام زندگی را فدا کردن زیباست که زیبایی آن را شهید میداند و بس زندگی خوب و شیرین است امانه آن زندگی که کافران بخشی برتو حاکم باشند و دیار تو را تصرف . زندگی شیرین است امانه آنکه ناموست را پامال بگیرند و تو به آن نگاه کنی ، زندگی شیرین است امانه آنکه به امام حسین و حسین زمان جواب لبیک گفته نشده باشد ، با شما بودن خوب و شیرین بود تا زمانی که اسلام برای پرورش و باروری خود احتیاج بخون نداشت در جمع شما بودن شیرین بود تا موقعی که همان برعلیه ما و برای نابودی اسلام بسیج نشده بود ، چه زندگی ، چه شیرینی ، آیاد رپناه صدام بودن خوش است یا جان به جان آفرین تقدیم نمودن ، تنگم باد که بازهم در خانه بمانم و صدای شیون کودکان پدر شهید شده را بشنوم و بنشینم و صدای وای اسلاما ، وای قرآنا ، وای امامارانشنوم . در زندگی آزاده باشید و آزاد زندگی کنید و به هیچ دشمنی کوچکترین باجی ندهید ، وای دوستانم متکی به خدا باشید خدا را بهتر بشناسید و او را عبادت کنید ، مخلص باشید و متقی ، هراس بدل نداشته باشید

وجود خود را در جبهه ها از نظر معنوی پرورش دهید و طعم شیرین جهاد در راه خدا را بچشید و نگذارید روزی یأس و نومیدی برای شما بخاطر پایان جبهه و جنگ و شکست در امتحان خداوند پیدا نماند.

ای ملت حزب‌الله ۱۰۰۰ : ای سلحشوران و یاوران روح ۱۰۰۰ ای کسانی که هنوز در امتحان بزرگ شهید دادن سرفرازانه به پیش میروید و ای کسانی که خدا شما را برای مبارزه در راه خود پیاده کردن احکامش انتخاب نمود همچنان با شتابی افزون بسوی هدفهای بزرگ اسلامی قدم بردارید و هرگز اسلام و رهبر را تنها نگذارید که ۱۴۰۰ سال تنها ماندن اسلام کافی هست. شما امتی هستید که خداوند زحمت داشتن این چنین رهبری مانند امام خمینی را بشما عطا فرمود قدرش را بدانید و فریب و نیرنگ دشمنان را در مورد رهبری نخورید که نخواهید خورد و خدای ناکرده در هیچ زمان جبهه و جنگ را فراموش نکنید که هرچند که این جبهه اسلام هرگز بما هیچ احتیاجی ندارد و این ما هستیم که به شرکت در این جبهه ها احتیاج داریم برای ساختن خود و برای قیامت که بپاست. ای امت حزب‌الله تقوا را پیشه کنید و زندگی کردن را برای اسلام بدانید، کوشش کنید که مخلص باشید و برای خدا کار کنید، جواب دشمنان را با مشتهای محکم بدهید و جز گرایش به اسلام فقاهتی به هیچ دسته و گروه دیگر گرایش نشان ندهید. در هر زمانی پیروولایت فقیه باشید و آنرا پشتیبانی کنید و امرش را بخوبی انجام دهید و نهی اش را بخوبی نفی کنید.

دنیای زندگانی و مادی را جز آزمایشگاهی بزرگ و زمینه سازی برای روز قیامت ندانید و برای دنیای آخرت توشه ای کسب کنید که هرچه است در آن روز است.

اما آنچه دارم را به چنین نحوی خرج کنید: هزار تومان از سرمایه ام را در مسجد ولی عصر پانصد تومان آنرا در هیئت ابوالفضل و بقیه آنرا جهت حسینیه شهدا صرف نمائید و نیز موتورم را به هر سبک که میتوانید فروخته و پولش را جهت پیروزی رزمندگان و آنچه را که خود تشخیص میدهید صرف کنید و وسایلم (شامل کتاب و غیره) را به هر صورتی که بهتر است برای اسلام بدهید و همچنین ۳۱ روز روزه واجب بدهکارم که آنرا به هر نحوی که میدانید قضا نمائید. و میخواستم مدت یکسال را نماز بخوانم که اگر میتوانید آنرا قضاء نمائید. و برایم دعا کنید که با شهداء محشور گردم.

" والسلام علیکم ورحمة ۱۰۰۰ وبرکاته "

" ۶۲/۶/۳۱ ـ محمد حسین اشرف "

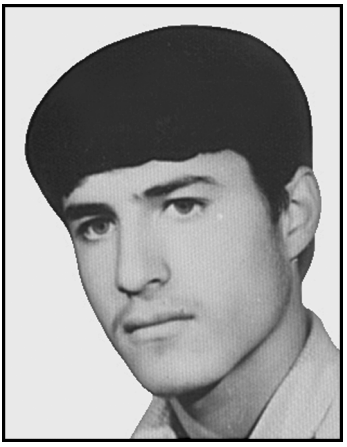

نام: **مهدی**
نام خانوادگی: **اشرف**
نام پدر: **ابراهیم**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **چهارم آبان ۱۳۴۸**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ما سرسپردگان مکتب توحید و هدایت‌شدگان صراط مستقیم، اصلاً قصد کشورگشایی و جنگ را نداریم.
- ما نیز مسلمانیم و جز برای رضای خدا و جز در راه خدا نبرد نخواهیم کرد.
- الان نیز اساسی‌ترین جرم ما گفتن کلمه الله‌اکبر و لااله‌الاالله است.
- می‌خواهیم مسلمان باشیم و مسلمان هم آزاده است.
- اینک ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین(علیه‌السلام) از زبان پیر جماران به‌گوش ما می‌رسد.
- به فرموده امام عزیزمان اگر بکشیم هم پیروزیم و اگر کشته شویم باز هم پیروزیم.
- تا آنجا که می‌توانیم در جبهه‌ها شرکت کنیم.
- گوش به فرمان رهبر کبیر انقلاب و روحانیت اصیل باشید و نگذارید که امامان همانند حسین‌بن علی(علیه‌السلام) تنها بماند.
- خواهرانم، در زندگی خود حضرت فاطمه(علیهاالسلام) را نمونه و الگوی زندگی خود قرار دهید.
- چون زینب(علیهاالسلام) حجاب را حفظ کنید.

## مهدی اشرف

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**اشهد ان لااله‌الاالله و أشهد أن محمداً رسول الله و علی ولی الله**».

«**انالله و انا الیه راجعون**». اگرچه دنیا زیباست و انسان را به‌سوی خودش می‌کشد، ولی سرای دیگر و آخرت بسی زیباتر و جالب‌تر است. اگر کل دنیا برای این است که انسان باید روزی آن را بجا گذارد و از دنیا برود، چرا در راه خدا انفاق نکند و اگر انسان‌ها و این بدن‌ها آفریده شده‌اند تا روزی از دنیا بروند و اسیر خاک شوند، پس چرا در راه خدا قطعه قطعه نشوند؟ «حسین‌بن علی(علیه‌السلام)».[1]

با شهادت به یگانگی پروردگار عالم و نبوت و رسالت محمد رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آخرین پیامبر و فرستاده خدا و با شهادت به امامت و ولایت حضرت مولی‌الموحدین علی ابن ابیطالب و ائمه اطهار، تا آخرین اختر تابناک ولایت و امامت حضرت بقیةالله الاعظم مهدی موعود(عج).

با حمد و سپاس خداوندی را که انسان را هستی داد و با درود بر فرستادگان و انبیاء الهی که انسان را به صراط مستقیم و راه حیاتبخش اسلام رهنمون شدند و با درود و سلام

---

۱- عبارت ابتدای وصیت‌نامه ترجمه اشعار زیر است:

و إن تکن الدنیا تعد نفیسة ... فدار ثواب الله اعلی و أنبل

و إن تکن الأبدان للموت أنشئت ... فقتل امرىء بالسیف فی الله إفضل

و إن تکن الأرزاق قسماً مقدرا ... فقلة حرص المرء فی الکسب أجمل

و إن تکن الأموات للترک جمعهاً ... فما بال متروک به المرء یبخل

اگر دنیا نفیس و با ارزش به شمار می‌آید، پس آخرت که خانهٔ ثواب و پاداش الهی است بس بلند پایه‌تر و شریف‌تر است.

و اگر بدن‌ها برای مرگ آفریده شده‌اند، پس کشته شدن انسان با شمشیر (در راه خدا) بسی برتر است.

و اگر روزی‌ها(ی مردمان) به اندازهٔ معین تقسیم و مقدر شده است، پس کم‌تر حریص بودن انسان در کسب روزی زیباتر است.

و اگر نتیجه اندوختن اموال ترک نمودن آن‌هاست، پس چیزی که واگذاشته خواهد شد چه ارزشی دارد که آدمی بدان بخل بورزد! (حسین بن علی امام شهیدان، مرضیه محمدزاده).

بر منجی عالم بشریت امام مهدی(عج) و نایب برحقش امام خمینی و با درود و سلام بر ارواح طیبه شهدا، از هابیل[۱] تا کربلای حسین(علیه‌السلام) و از کربلای حسین تا کربلای خونبار جنوب و غرب ایران و با سلام و درود بر تمامی کفرستیزان جبهه نور علیه ظلمت. چون طبق توصیه پیامبر و ائمه معصومین نوشتن وصیت‌نامه[۲] برای هر مسلمانی ضروری دانسته شده، لذا چند سطری را به‌عنوان وصیت می‌نویسم. در این برهه از زمان که خونخواران صدامی و شیطان‌صفتان بعثی راه و رسم خونریزی و مسلمان‌کشی را در میهن عزیز و سرتاسر مرزهای خونرنگ ایران به راه انداختند، بیایید که با یاری پروردگار عالم به‌سوی آن متجاوزان هجوم ببریم و آنها را به خاک مذلّت بنشانیم و اطمینان داشته باشید که به فرموده امام عزیزمان اگر بکشیم هم پیروزیم و اگر کشته شویم باز هم پیروزیم.[۳] ما امت اسلام، ما سرسپردگان مکتب توحید و هدایت‌شدگان صراط مستقیم، اصلاً قصد کشورگشایی و جنگ را نداریم، چون خدای ما رب‌العالمین است و ما نیز مسلمانیم و جز برای رضای خدا و جز در راه خدا نبرد نخواهیم کرد. و الان نیز اساسی‌ترین جرم ما گفتن کلمه الله‌اکبر و لااله‌الاالله است و می‌خواهیم مسلمان باشیم و مسلمان هم آزاده است به همین علت تمام ابرجنایتکاران در مقابل ما و بر علیه ما صف کشیده‌اند و اما در مقابل این حرف‌ها امت اسلام چون کوهی راسخ و استوار در طول پنج سال و اندی جنگ و نبرد با دشمنان ایستاده است و هرگز متزلزل نخواهد شد. زیرا اماممان فرموده است که: «اگر این جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد ما همچنان ایستاده‌ایم»[٤] و اما اینک که ندای «هل من ناصر ینصرنی»[٥] حسین از زبان پیر جماران بگوش ما می‌رسد چگونه می‌توانستم با واجب بودن شرکت در جبهه‌ها در این جهاد شرکت ننمایم و به مبارزه بر علیه دشمنان به پا نخیزم. و وظیفه جوانان و مسلمانان نیز این است که به این ندای حسین‌گونه امام خمینی لبیک گویند و از دین خدا

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- الوصیة حق علی کل مسلم. (امام صادق(علیه‌السلام)، الهدایه، ص ۳۱۹).

۳- امام خمینی: «اگر آنها را بکشیم ما به بهشت می‌رویم، اگر آنها ما را بکشند باز هم ما به بهشت می‌رویم» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۰۷).

٤- جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، تبیان، دفتر ۲٤.

٥- ر.ک. تعلیقات.

دفاع نمایند. «آری جنگ مسئله اصلی و اساسی است و عزت و شرف ما نیز بستگی به همین جنگ دارد».[۱] و هرگز نباید این مسئله را عادی بگیریم باید در همه حال به فکر جنگ بوده و باشیم و مبادا یک لحظه غافل بمانیم تا آنجا که می‌توانیم در جبهه‌ها شرکت کنیم و اگر عذری هم برای عدم حضور خود در جبهه را داریم، لااقل در پشت جبهه فردی فعال باشیم و در سنگر پشت جبهه به مبارزه برخیزیم. شما ای امت حزب‌الله و همیشه در صحنه و ای بسیجیان، ای عاشقان شهادت و ای مرغان آغشته به عشق گوش به فرمان رهبر کبیر انقلاب و روحانیت اصیل باشید و نگذارید که اماممان همانند حسین‌بن علی(علیه‌السلام) تنها بماند و در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و پایگاه‌های مقاومت و نمازهای جمعه و جماعت و خصوصاً در جبهه‌ها شرکت فعال داشته باشید و نهال جمهوری اسلامی را یاری نمایید و خدای ناکرده یک وقتی منحرف و یا از خط اصیل انقلاب اسلامی که همان خط ائمه اطهار و انبیاء و خط قرآن است، خارج نشوید و همواره توطئه‌های منافقین و ضد انقلابیون را خنثی سازید و آنها را با ارشاد و راهنمایی به خط اسلام دعوت کنید.

مبادا خویشتن را واگذاریم　　امام خویش را تنها گذاریم
ز خون هر شهیدی لاله‌ای هست　　مبادا روی لاله پا گذاریم[۲]

و اما چند کلامی با پدر و مادر عزیزم: من بنا به فرمان خداوند و برای رضای او و نابودی کفار به جبهه‌های جنگ رفتم و رفتم تا شاید که بتوانم ذره‌ای از دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایم و هیچ فردی در آمدن[م] به جبهه‌های جنگ مسئول نیست و نبوده، چون خودم با چشم باز این راه را انتخاب کرده و برای مبارزه و دفاع از اسلام و کیان مسلمین به جبهه آمدم. پدرم از شما طلب بخشش می‌نمایم که بدون اجازه شما و از روی کم‌لطفی، با شما خداحافظی نکردم و باز هم معذرت می‌خواهم. نمی‌دانم چه بگویم، زبانم قادر به گفتن نیست و قلمم از نوشتن زحمات شما عاجز. من در طول زندگیم فرزند خوبی برای شما نبودم و نتوانستم به شما کمکی کرده باشم، تا به هدفتان برسید و در زندگانی خیلی شما را آزرده خاطر کردم و نمی‌توانم از شما پوزش بطلبم. شما ای پدر

---

۱- تعبیر مشابه سخن حضرت امام خمینی است: «جنگ جنگ است و عزت و شرف ما در گروه جنگ است» (صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی).

۲- قیصر امین‌پور، در کوچه آفتاب، ص ۹۶.

خیلی افتخار کن که فرزندت خطی را انتخاب کرده و در راهی شهید شده که تمام شهدا آن را برگزیده‌اند و راهی است که حسین‌بن علی(علیه‌السلام) انتخاب کرد و بر علیه ظلم و جور مبارزه کرد و سازش نکرد و خیلی افتخار کن که فرزندت خدای ناخواسته قربانی راه کثیف اعتیاد نشده و یا به ضدانقلابیون و منافقین نپیوسته تا[1] به‌عنوان محارب و ملحد شناخته و اعدام شود و یا به‌وسیله بیماری و یا تصادفات دیگر و یا در بستر، از دنیا برود و واقعاً هم خیلی تأسف‌آور است که در این برهه که انسان در عصر شهادت است، با مرگی غیرشهادت بمیرد و در آخر باز هم از شما می‌خواهم که مرا عفو کنید و عذرم را بپذیرید. انشاءالله خداوند به شما اجر و پاداش عظیم عنایت بفرماید.

و اما تو ای مادرم، نمی‌دانم با کدامین قلم و کدامین کلام از زحمات طاقت‌فرسایی که برایم کشیده‌اید، تشکر نمایم و می‌دانم زبانم ناچیز است و نمی‌تواند از خدمت‌های شما به بندهٔ حقیر تشکر نماید. فقط می‌توانم از خدا بخواهم که اجر و پاداش عظیم و فراوانی به شما عنایت فرماید. مادرم می‌دانم و مطمئنم که در آن کانون گرم و باصفایی که بودم، نتوانستم آن طور که شایسته فرزندی است، وظیفه‌ام را نسبت به شما ادا نمایم. مادرم هنوز آن صدای دلنشین تو که شب‌ها برایم قصه‌های قرآن و احکام خدا را می‌گفتی، از گوشم بیرون نرفته. امیدوارم که مرا عفو نمایید.

شما وظیفه را نسبت به من و تربیت من به حد اعلاء انجام داده‌اید و شما درس مقاومت و ایثار را به من یاد داده‌اید و من هم به[2] داشتن چنین مادری مهربان، افتخار می‌کنم و شما بودید که کلام حسین‌بن علی(علیه‌السلام) آن سرور آزادگان را در گوشم زمزمه کردید که: «مرگ با عزت اگر خونین بود، بهتر از زندگی ننگین بود».[3]

و از شما می‌خواهم که بقیه رسالت را خود به پایان برسانید و در مقابل سختی‌ها و مشکلات این دنیا، صبور باشید که «**ان الله مع الصابرین**».[4] از شما پدر و مادرم می‌خواهم که

---

١- در اصل وصیت «و».

٢- در اصل وصیت «با».

٣- عبارت شعرگونهٔ شهید ترجمه‌ای است از این عبارت بلند امام حسین(علیه‌السلام):

المـوت اولـی مـن رکـوب العـار  والعـار اولـی مـن دخـول النـار

٤- بقره/ ١٥٣.

حلالم کنید و از سر تقصیرات کوچک و بزرگم بگذرید، که اگر رضایت والـدین بـه‌همـراه نباشد، اعمال ما اگر پاک و خالص باشد، آلـوده خواهـد شـد و مـورد پـذیرش خداونـد و باریتعالی قرار نخواهد گرفت و اگر جنازه‌ام نیز به‌دست شما نرسید، اصـلاً ناراحـت نباشـید که «الهی رضاً برضائک».

اگـــر شـــد جســـم مـــن بـــی‌ســـر — مشـــو غمگـــین ایـــا مـــادر[1]
کـــــه در راه خـــــدا هرگـــــز — نـــــدارد ارزشـــــی پیکـــــر
بـــــراه حـــــق نهـــــادم ســـــر — شـــــدم قربـــــانی رهبـــــر

و اما برادرانم از شما نیز طلب مغفرت می‌کنم. از شما نیز می‌خواهم که صـبور و مقـاوم باشید. بعد من در مساجد و محافل و در صحنه‌های اجتماعی طوری ظاهر شوید که باعـث تقویت روحیه امّت حزب‌الله و ناامیدی مخالفین شود و می‌بخشید که نتوانستم حق بـرادری را نسبت به شما ادا نمایم.

و ای برادر بزرگم از شما خواهش دارم که بعد از مـن مراقـب پـدر و مـادر و خـواهرم باش و نگذار روزگار به آنها سخت بگذرد و تا آنجا که می‌توانی آرامش را برای آنها تـأمین کنی.

خواهرانم، در زندگی خود حضرت فاطمه(علیهاالسلام) را نمونه والگـوی زنـدگی خـود قـرار دهید و از اخلاق و رفتار او درس بگیرید و چـون زینـب(علیهاالسلام) حجـاب را حفـظ کنیـد و فرزندانتان را به راه اسـلام و قـرآن و بـه نفـع جامعـه اسـلامی تربیـت کنیـد و همـواره در سنگرهای مسجد و نمازهای جمعه و جماعات شرکت کنید. از همه شما می‌خواهم کـه در شهادت من گریه و زاری نکنید و بی‌تابی از خود نشان ندهید و تـا آنجـایی کـه مـی‌توانیـد لباس سیاه نپوشید. زیرا من با لباس خونین و سرخ به معبودم شتافتم و چون کـوهی راسـخ در مقابل دشمنان اسلام بایستید. ولی هرگاه دل شـما گرفـت و خواسـتید گریـه کنیـد بیـاد کـربلای امـام حسـین(علیه‌السلام) و شـهادت ۷۲ تـن از یـاران باوفـایش و بیـاد اسـارت[2] زین‌العابدین(علیه‌السلام) و حضرت زینب(علیهاالسلام) بعد از شهادت آنها گریه کنید. از تمام رزمندگان

---

۱- اشعارِ شعارگونه‌ای است که رزمندگان در حین جابجایی و لحظه‌های حرکت به‌سوی جبهه می‌خواندند.

۲- اشاره دارد به پایان واقعه کربلا و حرکت حضرت زینب(علیهاالسلام) با حضرت سجاد(علیه‌السلام) به همراه کاروان اسرا.

و امت حزب‌الله و عاشقان کربلای حسین(علیه‌السلام) تقاضا دارم که اگر روزی بعد از شهادت من راه کربلای حسین(علیه‌السلام) باز شد و قبر حسین(علیه‌السلام) را زیارت کردید بگویید حسین(علیه‌السلام) جان بسیار بسیار عزیزانی بودند که آرزوی زیارت قبر تو را داشتند ولی موفق نشدند.

در پایان به تمام دوستان و آشنایان و هم‌محلی‌ها و کسانی که مرا می‌شناسند، سلام عرض می‌کنم و از شما می‌خواهم که اگر بدی و یا اگر کینه‌ای در دل دارند، قَسَمشان می‌دهم به خون به ناحق ریخته اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) که مرا حلال کنند. و مرا ببخشند و اگر کسانی[1] از من طلبکارند[2] به خانواده‌ام مراجعه کنند و مقدار طلبشان را دریافت دارند. ضمناً این بنده حقیر خدا دو سال نماز و دو ماه روزه به معبودم بدهکارم امیدوارم که بعد از من آنها را نیز انجام دهند. وعدهٔ دیدار ما روز محشر. ضمناً وصیت‌نامه قبلی نیز اعتبار دارد.

تا شنیدم صوت جانان بهر وصلش پرگرفتم — مرگ سرخ عاشقی را از شعف دربرگرفتم
جان براه حق نهادم چون خودم را هدیه دادم — جمله تار و پود خود را هدیه به رهبر گرفتم

***

یکی در سنگر عشق وشرف مردانه می‌میرد — یکی از فرط مستی گوشه میخانه می‌میرد
یکی در محراب عشق به خون خود می‌غلتد — یکی همچون منافق در ره بیگانه می‌میرد

---

۱- در اصل وصیت «کسی».
۲- در اصل وصیت «طلبکار است».

وصیت نامه

بسم رب الشهداء والصدیقین

اشهد ان لا اله الا الله

و اشهد ان محمدا رسول الله

و علی ولی الله

انا لله و انا الیه راجعون

اگرچه دنیا زیباست و انسان را سوی خویش میکشد ولی سرای دیگر و آخرت بس زیباتر و جالبتر است اگر عمل دنیا برای این است که انسان با بدست آوردن آن را مجانی گذارد و از دنیا برود چرا راه خدا را اتفاق نکند و اگر انسان خود این بدنیا آفریده شده است که روزی از دنیا برود و سر خاک شوند پس چرا راه خدا قطعه قطعه نشوند.

بگاهی ← احسین بن علی (ع)

با شهادت به پروردگار عالم و نبوت و رسالت محمد رسول الله (ص) آخرین پیامبر و فرستاده

خدا و با شهادت به امامت و ولایت حضرت مولی الموحدین علی بن ابیطالب و الممه اطهار تا آخرین ذخیره تابناک ولایت و امامت حضرت بقیة الله الاعظم (عجل) موعود (ع).

ما همه سپاس خداوندی را که انسان را هستی داد و با فرستادن پیامبران و فرستادگان و انبیاء الهی که انسان را براه مستقیم و راه حیاتبخش اسلام رهنمون شدند و با درود و سلام بر پیغمبر عالم شریف امام موحدین (ع) و نائب برحقش امام خمینی تا درود و سلام بر ارواح طیبه شهدا از هابیل تا کربلای حسین (ع) و از کربلای حسین تا کربلاهای خونبار جنوب و غرب ایران و با سلام و درود بر تمامی کفر ستیزان جهان حامی نور علیه ظلمت.

چون طبق توصیه پیامبر اکرم (ص) هر شخص وصیتنامه برای خود لازم است تا چند سطری را بعنوان وصیت می نویسم

در این برهه از زمان که خونخواران صدامی و شیطان صفتان بعث واه و رسم خونریزی و مسلمان کشی را در حسین عزیز و سرتاسر سرزمین خونرنگ ایران براه انداخته اند بیائید که بجای پرورد گار عالم بسوی آن بتاوزان هوم ببریم و آنها را بر خاک مذلت بنشانیم و اطمینان داشته باشید که بفرمود امام عزیزمان اگر بایستیم هم پیروزیم و اگر کشته شویم باز هم پیروزیم. ما امت اسلام، ما سربازان مکتب توحید و هدایت شدگان صراط مستقیم اصلاً قصد کشورگشایی و جنگ را نداریم چون خدای ما رب العالمین است و ما نیز مسلمانیم و جز برای رضای خدا و گسترش راه خدا نخواهیم کرد. و الآن نیز اساسی ترین سخن ما گفتن کلمه الله اکبر و لا اله الا الله است و می خواهیم مسلمان باشیم و مسلمان هم آزاده است. بهمین علت تمام ابرقدرتها و کفار در مقابل ما و بر علیه ما صف کشیده اند و اما در مقابل این همه امت اسلام چون کوهی راسخ و استوار در طول پنج سال و اندی جنگ و نیرو بازدشمنان ایستاده است و خود از منزل تخواهد شد زیرا امامان فرموده است که اگر این جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد ما همچنان ایستاده ایم.

و اما آنک که ندای حل بین ما می نیست حسین از زبان پیر جماران نگوش ما می و بسل چگونه می توانستم با واجب بودن شرکت در جبهه ها در این جهاد شرکت نمایم و به مبارزه بر علیه دشمنان به پا نخیزم. و بر طبق خواستان و مسلمانان نیز این است که به این ندای حسین گوش فرا دهند و از حسین خمینی یک گویند و از حسین خود دفاع نمایند.

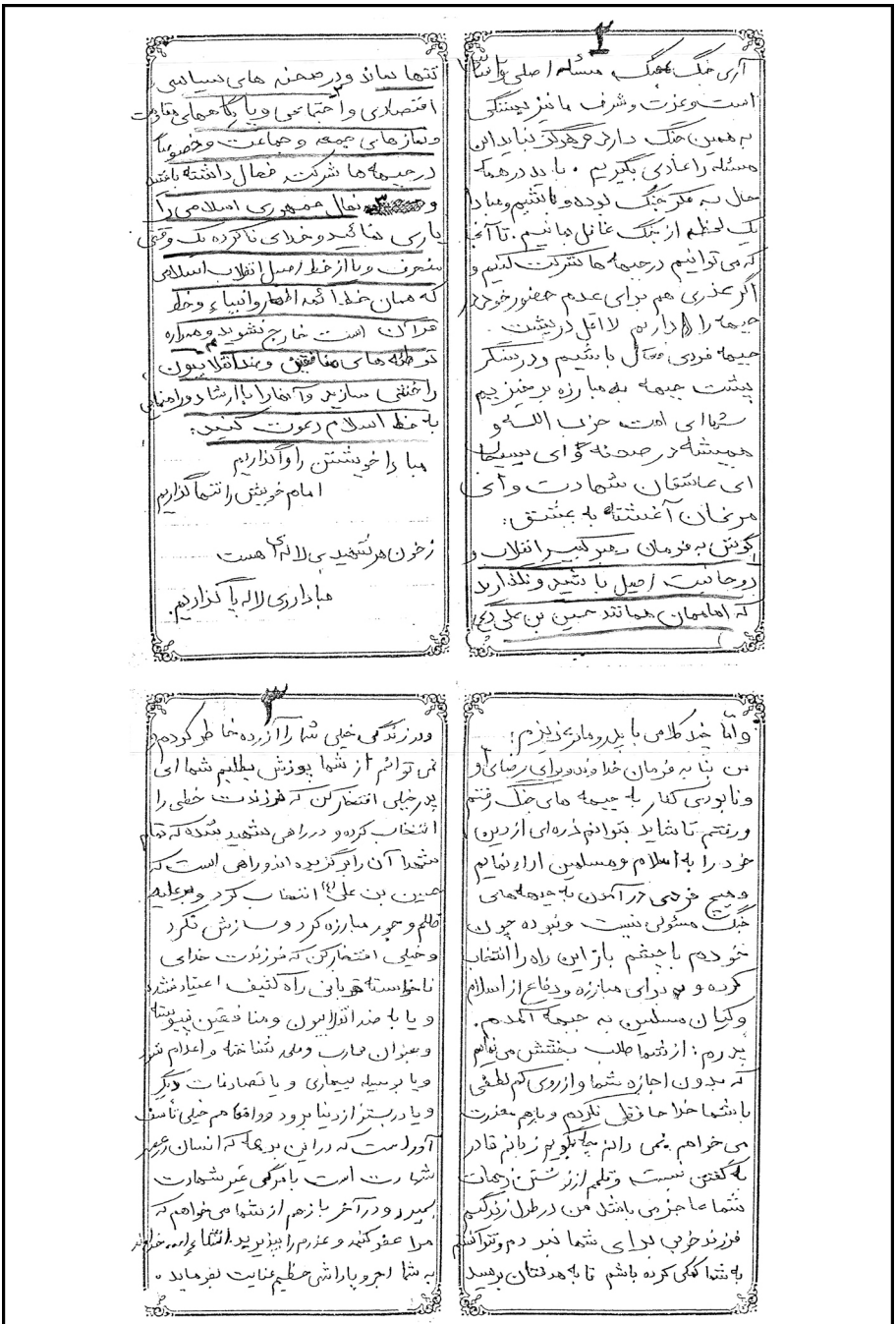

آری جنگ جنگ مسئله اصلی و اساسی
است و عزت و شرف ما نیز پیوستگی
به همین جنگ دارد و هرگز نباید این
مسئله را عادی بگیریم. باید در همه
حال به فکر جنگ بوده و باشیم و نباید
یک لحظه از جنگ غافل مانیم. تا آنجا
که می توانیم در جبهه ها شرکت کنیم و
اگر عذری هم برای عدم حضور در
جبهه را داریم لااقل در پشت
جبهه فردی فعال باشیم و در سنگر
پشت جبهه به مبارزه برخیزیم
سپاه ما سپاه حزب الله و
همیشه در صحنه و آمادهٔ بسیج
ای عاشقان شهادت و ای
مرغان آغشته به بهشت:
گوش به فرمان رهبر کبیر انقلاب و
روحانیت اصیل باشید و نگذارید
که اسلامتان همانند حسین بن علی (ع)

تنها نماند و در صحنه های سیاسی
اقتصادی و اجتماعی و یا کارهای تداوم
و نمازهای جمعه و جماعت و مخصوصاً
در جبهه ها شرکت فعال داشته باشید
و نگذارید دشمن اسلام جمهوری اسلامی را
یاری نماید و خدای ناکرده یک وقتی
شرف و یا از خط اصیل انقلاب اسلامی
که همان خط ائمه اطهار و انبیاء و خط
مراکز است خارج نشوید و همواره
توطئه های منافقین و منحرفین و ضد انقلابیون
را خنثی سازید و آنها را با ارشاد و راهنمایی
به خط اسلام دعوت کنید.
ما را خویشتن را واگذاریم
امام خویش را تنها گذاریم

ز خون هر شهید بی لاله ای هست
ما داری لاله یا گذاریم.

و اما چند کلام با پدر و مادر عزیزم:
من بنا به فرمان خدا و برای رضای او
و نابودی کفار به جبهه های جنگ رفتم
و رفتم تا شاید بتوانم ذره ای از دین
خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایم
و هیچ فردی در آمدن به جبهه های
جنگ مسئولی نیست و بوده چون
خودم با چشم باز این راه را انتخاب
کرده و به برای مبارزه و دفاع از اسلام
و کیان مسلمین به جبهه آمدم.
پدرم: از شما طلب بخشش می نمایم
که بدون اجازه شما و از روی کم لطفی
با شما خداحافظی نکردم و باهم معذرت
می خواهم شما را به خدا می سپارم زیرا هم قادر
به گفتن نیست و تکلم از زشتی زحمات
شما عاجز می باشد من در طول زندگیم
فرزند خوبی برای شما نبودم و توقع دارم
به شما کمکی کرده باشم تا به هر نحو که بتوانید
از زندگی خیلی شما را آزرده نموده طرد کردم
من توانم از شما پوزش بطلبم شما ای
پدر خیلی انتظار کن که فرزندت خطی را
انتخاب کرده و در راهی شهید شده که تمام
شهدا آن را برگزیده اند و راهی است که
حسین بن علی (ع) انتخاب کرد و برعلیه
ظالم و جور مبارزه کرد و از آن دفاع نمود
و خیلی افتخار کن که فرزندت خدای
ناخواسته هر باغی راه کثیف اعتیاد نشده
و یا به ضد انقلابیون و منافقین نپیوسته
و عنوان خائن و ملعون نشناخته و اعدام نشود
و یا بر سیله بیماری و یا تصادفات دیگر
و یا در بستر از دنیا نرود و وداع هم خیلی ناراحت
آور است که در این مورد که انسان زجر
شهادت است با مرگی غیر شهادت
بمیرد و در آخر باز هم از شما می خواهم که
مرا عفو کنید و عذرم را بپذیرید. انشاء الله خداوند
به شما اجر و پاداش عظیم عنایت فرماید.

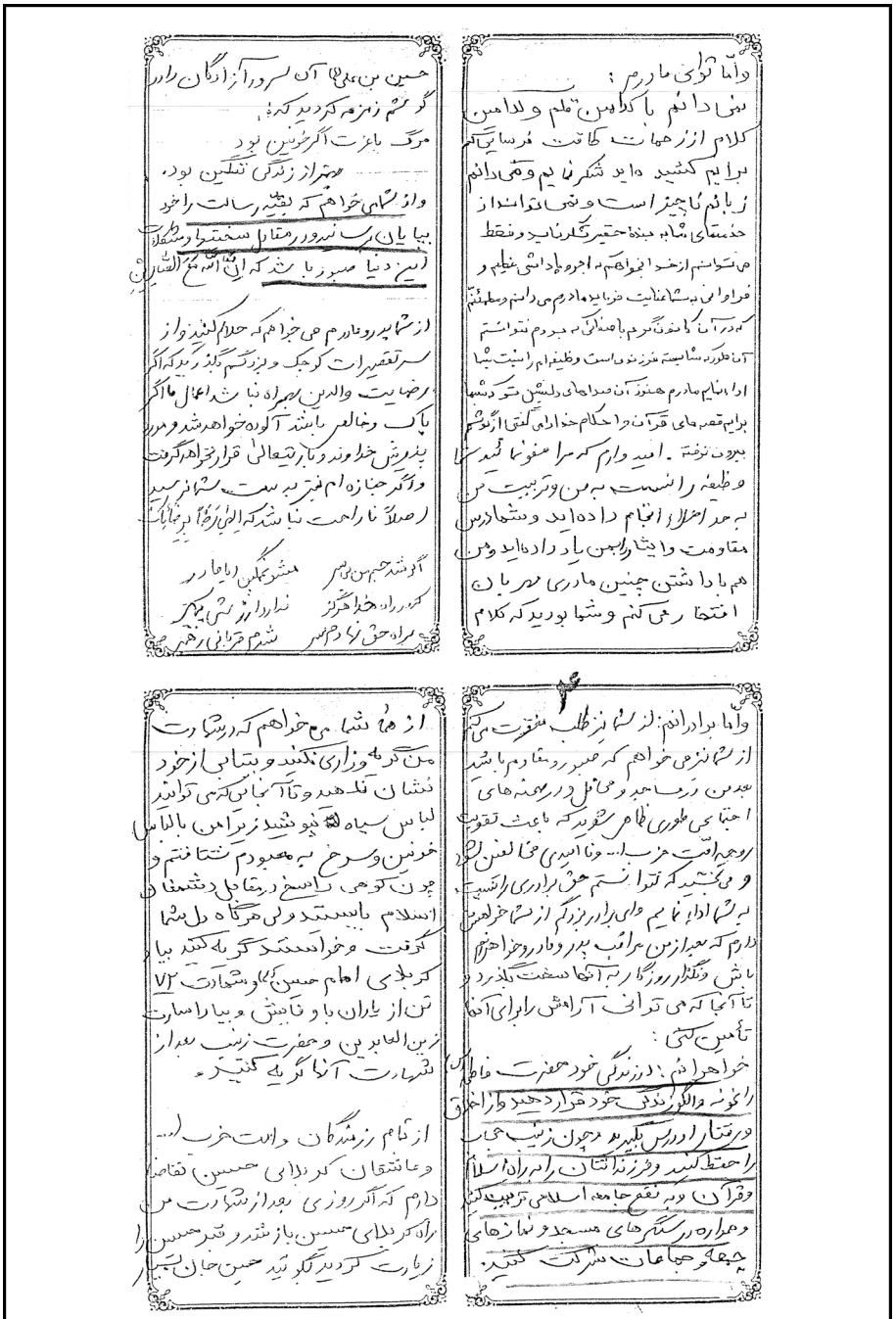

و اما توای مادرم:

بس دانم با کدامین قلم و کدامین کلام از زحمات کاملت قدردانی کنم برایم کشید و باید شکرنامیم و همی دانم زبانم ناچیز است و نقصان تو انداز حد ستایش بالاتر جنده حقیر نکند و فقط می‌خواستم از خدا بخواهم که اجرو پاداشی عظیم و فراوانی به شما عنایت فرماید مادرم می‌دانم و مطمئنم که در آن کاملاً موفق خواهم بود هرگز نتوانستم آن طور که شایسته مقام تو است وظیفه‌ام را نسبت به شما ادا نمایم مادرم همتوز آن صداهای دلنشین تو در گوشها برایم قصه‌های قرآن و احکام خدا را می‌گفتی از یادم بیرون نرفته. امید دارم که مرا عفو نمایی و وظیفه را نسبت به من و تربیت من به حد اعلا انجام داده‌اید و شما در این مقاومت و ایثار را بمن یاد داده‌اید و من هم یاد داشتن چنین مادری مهربان افتخار می‌کنم و شما بودید که کلام

حسین بن علی (ع) آن سرور آزادگان را در گوشم زمزمه کردید که:

مرگ باعزت از حیات توأم با ذلت بهتر است.

هیچ‌گاه از زندگی تنگین نبود، و از شما می‌خواهم که بقیه رسالت را خود بپایان برسانید و مقابل سختیها و مشکلات این دنیا صبور باشید که ان الله مع الصابرین

از شما پدر و مادرم می‌خواهم که حلالم کنید و از سر تقصیرات کوچک و بزرگم بگذرید که اگر رضایت والدین همراه نباشد اعمال ما گرچه پاک و خالص باشند آلوده خواهد شد و مورد پذیرش خداوند و باری تعالی قرار نخواهد گرفت و اگر جنازه‌ام قبل از بیست سالگی در خاک است اصلاً ناراحت نباشید که این از لطف پروردگار است

آن شنید حسین بن علی — مشق شهادت نمود

کرد راه خدا گزین — نداد از دست دین

شد ز حق راضی و او هم راضی شد ز حق — شد ز قربانی راهش

و اما برادرانم: از شما نیز طلب مغفرت می‌کنم از شما نیز می‌خواهم که صبور و مقاوم باشید بعد من در مصائب و مشاکل در راه‌های احتجاجی طوری ظاهر شوید که باعث تقویت روحیه اقوام عرب ایران و فامیلی مخالفین نظام و می‌خواهید که ثابت کنید که برادری راشته‌اید که شما افتخار می‌کند و امیدوارم که از شما خواهرم دارم که بعد از من عواطف پدر و مادر و خواهرم را باش و گذار روزگار را بر آنها سخت نگذرد و تا آنجا که می‌توانی آرامش را برای آنها تأمین کنی:

خواهرانم: در زندگی خود حضرت فاطمه (س) را نمونه و الگوی زندگی خود قرار دهید و از اخلاق و رفتار او درس بگیرید و همچون زینب حجاب را حفظ کنید و فرزندانتان را به راه اسلام و قرآن و به نفع جامعه اسلامی تربیت کنید و همواره در سنگرهای مسجد و نمازهای جمعه و جماعات شرکت کنید.

از شما می‌خواهم که در شهادت من گریه و زاری نکنید و بتابی از خود نشان ندهید و تا آنجایی که می‌توانید لباس سیاه نپوشید زیرا من با لباس خونین و سرخ به معبود مشتاقم و چون کوهی راسخ در مقابل دشمنان اسلام بایستید و لی هرگاه دل شما گرفت و خواست گریه کند بیا کربلای امام حسین (ع) و شهادت ۷۲ تن از یاران با وفایش و بیاد اسارت زین العابدین و حضرت زینب بعد از شهادت آنها گریه کنید.

از تمام بستگان و دوستان خوب... و عاشقان کربلای حسین تقاضا دارم که اگر روزی بعد از شهادت من راه کربلای حسین باز شد و قبر حسین را زیارت کردید نگوئید حسین جان بیا

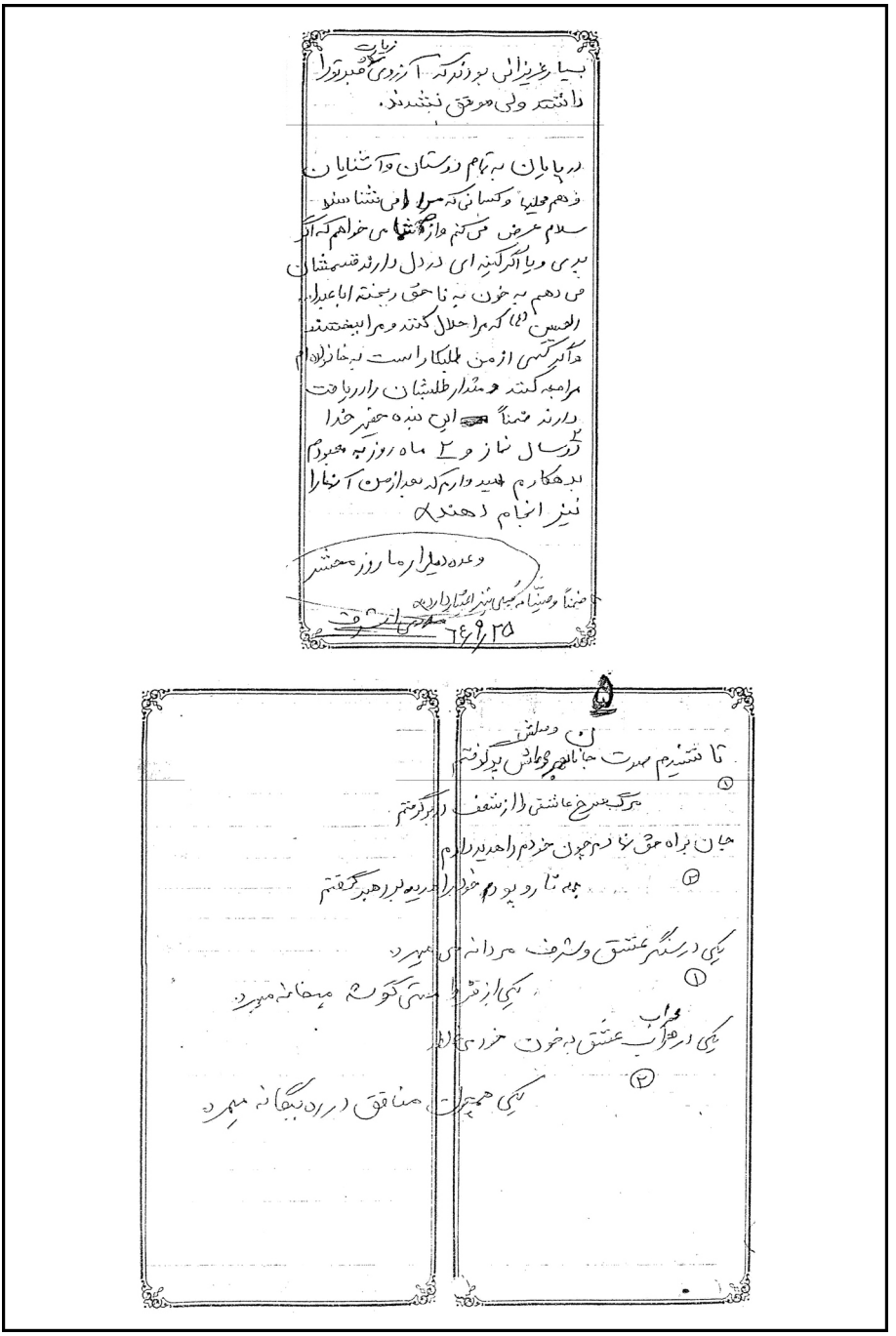

بیا عزیزان بروند که آرزوی قبر تورا
داشتند ولی موفق نشدند.

در پایان به تمام دوستان و آشنایان
و همه محلیها و کسانی که مرا می‌شناسند
سلام عرض می‌کنم و از همگی شما می‌خواهم که اگر
بدی و یا اگر کینه‌ای در دل دارید قسمتشان
می‌دهم به خون به ناحق ریخته ابا عبدالله
الحسین (ع) که مرا حلال کنند و مرا ببخشند
و اگر کسی از من طلبکار است به خانواده
مراجعه کند و مقدار طلبشان را در یافت
دارند ضمناً این بنده حقیر خدا
۲۵ سال نماز و ۲ ماه روزه بدهکارم امیدوارم که بعد از من آنها را
نیز انجام دهند

وعده دیدار ما روز محشر

ضمناً وصیتنامه‌ی من نیز امضا دارد

۶۴/۶/۲۵



تا نشستم مهرت جانا بدل و جانم برگرفتم
برگ سبز خاشاک از نشف را برگرفتم
جان براه حق فدا و همچون خودم را حاضر دیدم
بیم تا رو پوشم خود را در پرده بر راهبر گرفتم

یکی در سنگر عشق و شرف مردانه می‌میرد
یکی از ترس و سستی کوچه میخانه میرود

یکی در محراب عشق به خون خود غلطان
یکی همچون منافق در رختخوابش میرد

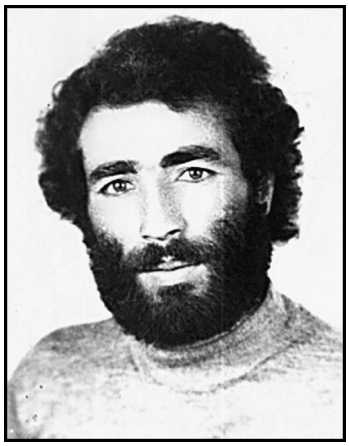

نام: **اکبر**
نام خانوادگی: **اشرفی**
نام پدر: **محمدحسین**
نام مادر: **شاهزاده**
تاریخ تولد: **دهم آبان ۱۳۳۰**
محل تولد: **روستای قلعه‌آقاعبدالله از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم تیر ۱۳۶۰**
محل شهادت: **قلّه چغالوند**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله و ترکش**
**مزار: گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- امروز با ندای حسین زمانم، خمینی بت‌شکن، فریاد لبیک را سر می‌دهم.
- تا آخرین قطره خونم دست از چنین رهبری و چنین مکتبی نخواهم کشید.
- ملت مسلمان امام را تنها نگذارند.
- تقاضای دیگر من از ملت این است که از روحانیت متعهد و مسئول جدا نشوند.
- روحانیت بود که پیشتاز انقلاب بود.
- این روحانیت است که خون بیش از هشتاد هزار شهید را لحظه به لحظه بدوش می‌کشد.

## اکبر اشرفی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی‌الدین کلّه و لو کره المشرکون»**[۱]
«اوست خدایی که رسول خدا را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد. هر چند مشرکان ناراضی و مخالف باشند».

اینجانب، اکبر اشرفی وصیت‌نامه خود با نام خدا و با یاد امام خمینی آغاز می‌کنم و به جبهه جنگ حق علیه باطل عازم می‌شوم که با نثار خون ناقابل خود به این نابخردان و بی‌دینان بفهمانم که اگر نبودم در صحرای کربلا یاری امام حسین رهبر آزاد مردان را نمایم امروز با ندای حسین زمانم خمینی بت‌شکن فریاد لبیک را سر می‌دهم و تا آخرین قطره خونم دست از چنین رهبری و چنین مکتبی نخواهم کشید و تقاضای من از ملت مسلمان و قهرمان و مبارز و شهیدپرور ایران اینست که امام را تنها نگذارند و همیشه در صحنه حاضر باشند، تا توطئه‌گران آرزوی خود را به گور ببرند و تقاضای دیگر من از ملت این است که از روحانیت متعهد و مسئول جدا نشوند چون این روحانیت بود که پیشتاز انقلاب بود و این روحانیت است که خون بیش از هشتاد هزار شهید را لحظه به لحظه بدوش می‌کشد و هرگز نمی‌گذارد پایمال شود...

**«والسلام»**

**به امید پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی**
**و نابودی ابرقدرت‌ها در رأس آنها آمریکا**
**به‌تاریخ دوم تیرماه شصت مطابق با بیستم شعبان یکهزار و چهارصد و یک**
**اکبر اشرفی**

---

۱- توبه/ ۳۳. در اصل وصیت به جای «ولو کره المشرکون» آمده است «و کفی بالله شهیداً».

بسم الله الرحمن الرحیم

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیدا

اوست که فرستاد پیامبرش را با رهبری و کیش حق تا ظاهر گرداند این دین خودش را بر همه دینها اگرچه کفار نخواهند و کافی که خدا خود شاهد است والله باشد

اینجانب اکبر اشرفی وصیتنامه خود را با نام خدا و یاد و نام خمینی آغاز میکنم در جبهه جنگ حق علیه باطل عازم میشوم که با نثار خون ناقابل خود به این نامردان دنیا بفهمانم که اگر نبودم در صحرای کربلا یاری امام حسین رهبر آزاده را امام امروز یعنی حسین زمانم خمینی بت شکن تنها نمیگذارم و تا آخرین قطره خونم هست از چنین رهبری و چنین مکتبی حمایت کنیم و تقاضای من از ملت مسلمان و پدر و مادرم و شهید پرور ایران این است که امام را تنها نگذارند همیشه در صحنه حاضر باشند تا دشمنان آرزوی خود را بگور ببرند و تقاضای دیگر من از ملت این است که از روحانیت متعهد و مبارز حمایت کنید چون این روحانیت بود که پیشتاز انقلاب بود و این روحانیت است که خون هشتاد هزار شهید را لحظه به لحظه به دوش میکشد و هرگز نمیگذارد پایمال گردد والسلام

نابود باد دشمنان انقلاب اسلامی ایران و رهبر امام خمینی

و نابود باد ابرقدرتها و شیطان بزرگ آمریکا

تاریخ [illegible]

[illegible]

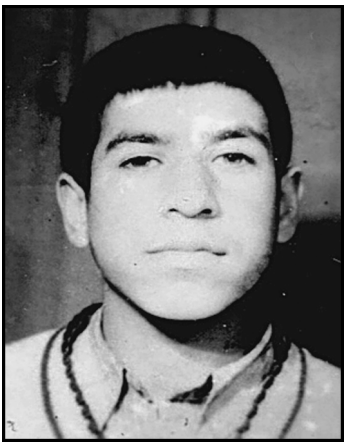

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **اشرفی**
نام پدر: **صفرعلی**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۷**
محل تولد: **روستای کلامو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم بهمن ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- شکر خدا را می‌کنم که بر من منّت نهاد و توفیق رزمیدن در جوار رزمندگان اسلام را به من عطا کرد.
- ما که پیرو ائمه معصومین هستیم همچون انصار حسین بن علی(علیه‌السلام)، مشکلات را تحمل کرده، از ناموس و دین اسلام و کشور خود دفاع کنیم.
- درود بر تو ای پدر بزرگوارم که همچون فرزندی تربیت کرده و راه حقیقت را بر ما عرضه کردی.
- نایب برحق امام زمان(عج) را تنها نگذارید.
- امام فرمودند، ای جوانان جبهه‌ها را خالی نگذارید و نگذارید.
- خواهرانم و برادرانم این حقیر به شما توصیه می‌کنم که هرگز در هر کجا که هستی سنگر مرا خالی نگذارید.
- برادرانم همچون قاسم‌ها و علی‌اکبرها باشید و در رکاب حسین(علیه‌السلام) بجنگید.

## حسین اشرفی[۱]

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**ولاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء و لکن لاتشعرون**»[۲] «مگویید به کسانی که کشته می‌شوند در راه خدا مرده، بلکه ایشان زنده‌اند و لکن شما کیفیت زندگی ایشان را نمی‌فهمید».

سپاس و حمد بی‌اندازه به حضرت رب‌العالمین و ذوالجلال والاکرام آن خدایی که بشر را بعد از آفرینش به‌سوی نور هدایت و راهنمایی فرمود، این بندهٔ حقیر حسین اشرفی وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم، با لطف پروردگار. این حقیر توفیق دومین بار است که عازم به جبهه‌ها[ی] حق علیه باطل شده‌ام و شکر خداوند بزرگ را می‌کنم که این بنده کوچک توانسته‌ام تکالیفی که بر ما واگذار شده است به کمک خداوند متعال انجام داده باشم. شکر خدا را می‌کنم که بر من منّت نهاد و توفیق رزمیدن در جوار رزمندگان اسلام را به من عطا کرد و ما که پیرو ائمه معصومین هستیم همچون انصار حسین بن علی(علیه‌السلام)، مشکلات را تحمل کرده، تا توان شناخت خداوند را یاد گرفتم و ما باید همچون حسین‌وار بجنگیم و تا آخرین قطرهٔ خون خود مبارزه کنیم تا بلکه بتوانیم وظایف شرعی خود را انجام داده باشیم[۳] و این وظایف بر دوش تک تک ما است، که از ناموس و دین اسلام و کشور خود دفاع کنیم و راه این شهدا و شهدای کربلای امام حسین(علیه‌السلام) [را] ادامه بدهیم و من به تمام ملّت ایران توصیه می‌کنم که امام امت، این نایب برحق امام زمان(عج) را تنها نگذارید و سخنان او را به‌گوش گیرید، چون سخن امام سخن [و] پیام اسلام است. چرا که حضرت امام فرمودند: «ای جوانان جبهه‌ها را خالی نگذارید و نگذارید [...][۴] تربیت کردی، شیرت بر من حلال باشد و درود بر تو ای پدر بزرگوارم که همچون فرزندی تربیت کرده و راه حقیقت را بر ما عرضه کردی. پدر عزیز و مادر مهربانم، اگر من در طول عمرم شما را

---

۱- در بالای وصیت تاریخ ۶۳/۱۲/۱۷ آمده است.

۲- بقره/ ۱۵۴.

۳- در اصل وصیت «داده باشم».

۴- افتادگی دارد.

رنجانیده و یا اذیت[۱] و آزاری کردم مرا ببخشید و به شما سفارش می‌کنم که استقامت را در زندگی خود سرمشق قرار داده و با زبان و عمل خود مشت محکمی بر دهان منافقین بزنید.

خواهرانم و برادرانم این حقیر به شما توصیه می‌کنم که هرگز در هر کجا که هستی سنگر مرا خالی نگذارید. خواهرانم همچون ام‌کلثوم[۲] خروشان باشید و با صبر خود بر مشکلات غالب شوید. برادرانم همچون قاسم‌ها[۳] و علی‌اکبرها[٤] باشید و در رکاب حسین(علیه‌السلام) بجنگید و شهادت را از خدا بخواهید و سنگر مرا خالی نگذارید و در آخر این حقیر عاجزانه از دوستانم و امت شهیدپروری که از این حقیر بدی، حرفی شنیده‌اند، می‌خواهم مرا با بزرگواری خودتان حلال کنید.

---

۱- در اصل وصیت «اظیت».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

٤- ر.ک. تعلیقات.

آن دم کـه بـه‌خـون خـود وضـو مـی‌کـردم دانـی کـه از حـق چـه آرزو مـی‌کـردم[1]
ای کـاش مـرا هـزار جـان بـود بـه تـن تـا آن همـه را فـدای او مـی‌کـردم
اگـر از صـف ناپاکـان آیـی بـه صـف پاکـان فتح در جهان این است غافـل منشـین ای جـان[2]

پدر جان خواهش دارم که برای من ۲ ماه روزه و ۲ سال نماز بخوانید.

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**

**والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته**

**التماس دعا الحقیر و فقیر حسین اشرفی**

---

۱- اشعار از سروده‌هایی است که برای تشجیع روحیه رزمندگان در مناطق جنگی، سروده می‌شد. بار اصلی آنها حماسه است.

۲- آنچه به‌صورت شعر نوشته است سکته وزنی دارد. پیام شعر مهم است که شهید آن را حفظ و ذیل وصیت‌نامه‌اش آورده وگرنه از نظر شعر قوی نیست.

بسمه تعالی

۶۳/۱۲/۱۷

کشته شدن در راه خدا عادتمان و شهادت کرامتمان امام زین العابدین(ع)

✡ ✡ ✡ ✡ ✡ ✡ ✡ ✡

هدیه به رزمندگان سلحشور اسلام ؛ ستاد پشتیبانی مناطق جنگی مسجد مدرسه قلعه شاهرود ☎ ۴۰۰۶

بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احیاءٌ ولکن لا تشعرون ؛

نگوئید به کسانی که کشته میشوند در راه خدا مرده بلکه ایشان زنده اند ولکن شما کیفیت زندگی ایشان را نمی فهمید. سپاس و حمد بی اندازه به حضرت رب العالمین و ذوالجلال والاکرام آن خدای که بشر را به وسیله آفرینش نبوی نور هدایت و راهنمایی فرمود اینجانب حقیر حسین اشرفی وصیت نامه خود را با یاری خداوند متعال با لطف پروردگار اینجانب حقیر توفیق و تمکین براست که عازم به جبهه های حق علیه باطل شده ام و شکر خداوند بزرگ را می کنم که اینجانب را کمک و توانائی داد تا لبیک گوی ندای رهبر آگاه و پیشوای امت به یک خداوند متعال انجام داده باشم شکر خدا را می کنم که بر من منت نهاد و توفیق رزمندگان اسلام را در جوار رزمندگان اسلام را به عطا کرد و با پیروان ائمه معصومین علیهم السلام هستم همچون امام حسین بن علی علیه السلام مشکلات را تحمل کرده تا توان و شناخت خداوند را پیدا کردم و باید همچون حسین وار به جنگیم و تا آخرین قطره خون خود مبارزه کنیم تا بلکه بتوانیم وظایف شرعی خود را انجام داده باشم و اینک وظایف برادران یک تک ما است که در پاسدار دین اسلام و کشور خود دفاع کنیم و راه این شهداء و شهدای کربلا امام حسین ع، ادامه دهیم و من به تمام ملت ایران توصیه می کنم که از امام امت اینک نائب بحق امام زمان عج پیروی نمائید و سخنان او را بگوش گیرید چون سخن امام سخن پیام اسلام است، چرا که حضرت امام فرمودند اگر ما از جبهه ها برگردیم [illegible]

تربیت کردی شهید بن حلال باشد و در روز قیامت پدری بزرگوار که همچون فرزندی تربیت کرده و راه حقیقت را برایم عرضه کردی. پدر عزیز و مادر مهربانم اگر من در طول عمرم شما را رنجانیده و یا اذیت و آزاری کردم مرا ببخشید و به شما سفارش می‌کنم که استقامت را در زندگی خود سرلوحه قرار داده و با زبان و عمل خود مسلک مکتبی برادران منافقین بزنید. خواهرانم و برادرانم اینجانب به شما توصیه می‌کنم که هرگز در راهی که راستی سنگر آن خالی نگذارید. خواهرانم همچون اُمّ‌البنین خروشان باشید و با صبر خود بر مشکلات غالب شوید. برادرانم همچون ماسمای علی‌اکبرها باشید در رکاب حسین بجنگید و شهادت را از خدا بخواهید و سنگر را خالی نگذارید.

و در آخر از همه عزیزانی که در دوستانم وامت شهیدپروری را از من خصوصی هستند امید می‌خواهم مرا به بزرگواری خودتان حلال کنید.

ای دا که بتول خود وضو کردم
دانی که از چه جوهر آزو کردم
ای کاش مرا هزار جان بودی تن
آن همه را فدای او می‌کردم

پدر جان خواهشی دارم که برای من ۲ ماه روزه و ۲ سال نماز بخوانید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی فاطمه را نگهدار

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

التماس دعا الحقیر و فقیر [illegible]

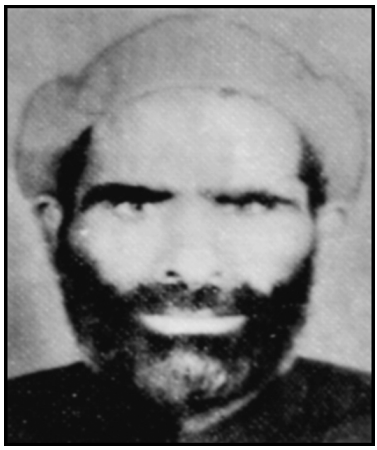

نام: **علی‌اصغر**
نام خانوادگی: **اشرفی**
نام پدر: **محمدحسین**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **چهارم آبان ۱۳۱۲**
محل تولد: **شاهرود**
تحصیلات: **بی‌سواد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- دفاع از حریم اسلام و قرآن عزیز بر هر مسلمان متعهد لازم و واجب آمده.
- در پی لبیک ندای مقام ولایت فقیه و مرجعیت کبیر رهبر عظیم‌مان، امام خمینی، عازم به نجات سرزمین عشق و شهادت می‌گردم.
- از خواهر و برادرم خواهش می‌کنم که اگر شربت شهادت نصیبم شد، گریه نکنند.
- چون هدفم اسلام بود و برای اسلام رفتم، فدای اسلام شدم.
- تمنا دارم که امام را تنها نگذارند.
- اگر من به شهادت فی‌سبیل الله نایل آمدم، امیدوارم فرزندان عزیزم سلاح مرا بر زمین نگذارند.

## علی‌اصغر اشرفی

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**بسم رب الشهداء و الصدیقین**

«**قال الله تبارک و تعالی: و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتاً**»[۱] «پروردگار فرمود: «نباید کسانی که در راه خدا شهید می‌شوند آنها را مردگان نامید بلکه زنده‌اند و در کنار پروردگارشان روزی می‌خورند».[۲]

از آنجا که دفاع از حریم اسلام و قرآن عزیز بر هر مسلمان متعهد لازم و واجب آمده، لذا اینجانب، علی‌اصغر اشرفی، در پی لبیک ندای مقام ولایت فقیه و مرجعیت کبیر رهبر عظیم‌مان، امام خمینی، عازم به نجات سرزمین عشق و شهادت، جبهه حق علیه باطل، می‌گردم و چون مسلمان قبل از مرگ وصیت برای او واجب آمده، لذا اینجانب با چند جمله وضع خویش را روشن می‌نمایم. اولاً درود بی‌پایان خود را تقدیم به پیشگاه ولی‌عصر(عج) و نایب برحقش امام خمینی و سپس به فرزندانم، حسن و حسین گرامی‌ام، می‌دارم و از خواهر و برادرم خواهش می‌کنم که اگر شربت شهادت نصیبم شد، گریه نکنند و چون هدفم اسلام بود و برای اسلام رفتم، فدای اسلام شدم و از همسن‌هایم تمنا دارم که امام را تنها نگذارند و منافقین را سرکوب کنند.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**چهارشنبه ۲۹ ماه مبارک رمضان ۱۳۶۱ شمسی**

---

۱- بقره/ ۱۵٤.

۲- ترجمهٔ آیه ۱٦۹ سورهٔ آل عمران است. ترجمه صحیح آن: «نگویید به کسانی که کشته می‌شوند در راه خدا مرده، بلکه ایشان زنده‌اند ولکن شما کیفیت زندگی‌شان را نمی‌فهمید».

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر][1]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«فلیقاتل فی سبیل‌الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخرة و من یقاتل فی سبیل‌الله فیقتل او یغلب فسوف نوتیه اجرا عظیما»[2]**

اینجانب، علی‌اصغر اشرفی، به یاد و ذکر قادر متعال وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم و به یاری امام و امت حزب‌الهی فریاد کوبندهٔ الله اکبر را رساتر می‌کنم و با مشت محکم و فریاد کوبنده به جلادان و کافران زمان اعم[3] از آمریکا، شوروی و اسرائیل و صدام صهیونیست فریاد فرود می‌آورم که ای جاهلان، بدانید که ما شیعیان تا آخرین قطرهٔ خون خود در راه اسلام عزیز، قرآن کریم و رهبرمان خمینی کبیر، می‌جنگیم و هیچ‌گاه بیمی از کشته شدن نداریم. خود ما پیرو خط سرخ حسین(علیه‌السلام) هستیم و شهدای ما هم با خون خود این را ثابت کرده‌اند و اکنون نیز میلیون‌ها رهرو راه شهدا با ایثار جان و هستی خود مجدداً این موضوع را به اثبات رساندند و می‌رسانند. و فقط افسوس من این است که نتوانسته‌ام به اندازهٔ لازم به اسلام و انقلاب اسلامی و مسلمین خدمت کنم، ولی امیدوارم مسلمین مرا به علت اینکه کم خدمتی کرده‌ام ببخشند و انشاءالله فرزندانم، حسن و حسین، بعد از من این کم‌خدمتی را جبران کنند و تا حد توان به اسلام عزیز خدمت کنند. و اگر من به شهادت فی‌سبیل الله نایل آمدم، امیدوارم فرزندان عزیزم سلاح مرا بر زمین نگذارند و به جنگ با کفر صدامی به پا خیزند و به جای گریه و زاری خدمت به اسلام را پیشه کنند.

و تو ای همسر گرامی‌ام، اگر من به افتخار شهادت نایل گردیدم، سوگواری زیادی و بیش از حد نکنی و افتخار کنی چون این (شهادت) خود سعادتی بزرگ است که نصیب

---

۱- در ابتدای این وصیت آمده است:

خوشا آنان که با عشق به ایمان — بساط کفر برچیدند و رفتند

خوشا آنان که با عشق خمینی — شهادت را پذیرفتند و رفتند

۲- نساء/ ٧٤. ترجمه: «مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند جهاد کنند و هرکس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را (در بهشت ابدی) اجری عظیم دهیم».

۳- در اصل وصیت «ائم».

هر کس نمی‌شود. و امیدوارم اگر در طول مدتی که خدمت شما بودم کم‌خدمتی یا نارسایی از من حقیر دیده‌ای مرا ببخشی.

فرزندانم، امیدوارم رهرو راه شهدا باشید و به بزرگی خود مرا حلال کنید. در ضمن اگر اقوام و دوستانم از من حقیر خطا یا لغزشی دیده‌اند به کرم خود مرا ببخشند.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**علی اصغر اشرفی**

**برای پنجمین بار عازم به جبهه**

در ضمن جسد مرا در مزار قلعه آقا عبدالله دفن کنید و قبرم نیز کنار قبر شهید علی‌اکبر اشرفی باشد تا شهدا بدانند که رهروان زیادی دارند و آنها تنها نیستند. و پیام من این است که یار و مدد کار امام باشید.

**«التماس دعا دارم»**

بسم رب الشهداء والصدیقین

قال الله تبارک وتعالی ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله أمواتٌ

ترجمه

بل احیاء عند ربهم یرزقون: نباید کسانیکه در راه خدا شهید میشوند آنها را مردگان نامید بلکه زنده اند و در کنار پروردگارشان روزی میخورند

پروردگار فرمود

از آنجا که دفاع از حریم اسلام و قرآن مجید بر هر مسلمان متعهد لازم و واجب آمده لذا اینجانب علی اصغر اشرفی در پی لبیک ندای مقام ولایت فقیه و مرجعیت کبیر رهبر عظیم‌الشان امام خمینی عازم به نیابت سرزمین عشق و شهادت جبهه حق علیه باطل میگردم و چون مسلمان قبل از مرگ و مشیت برای او واجب آمده لذا اینجانب با چند جمله وضع خویش را روشن مینمایم اولاً وجود بی‌بایان خود را تقدیم به پیشگاه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه شریف ونایب برحقش امام خمینی و سپس به خزینه‌دار حسن و حسین گرامم میدارم و از خواهر و برادرم خواهش می‌کنم که اگر شهادت نصیبم شد گریه نکنند و چون هدفم الله بوده و برای اسلام رفتم خدای اسلام شدم و از هم سنگرهایم تقاضا دارم که امام را تنها نگذارند و منافقین را سرکوب کنند والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته چهار شنبه ۲۹ ماه مبارک رمضان ۱۳۶۱ شمسی

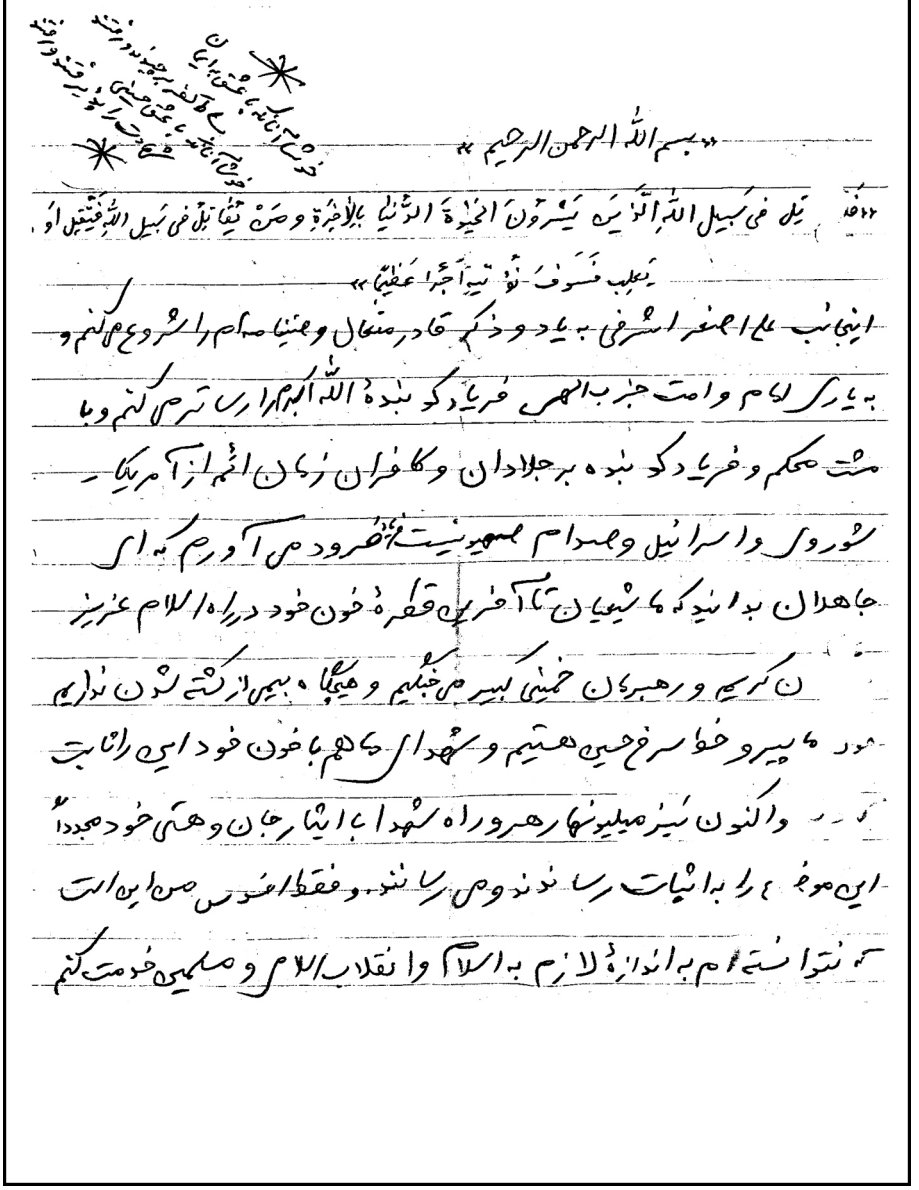

«بسم الله الرحمن الرحیم»

«فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخرة ومن یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجرا عظیما»

اینجانب علی اصغر اشرفی با یاد و ذکر خدا در میدان و عرصه جهاد و مبارزه با یاری امام و امت حزب الهی فریاد کوبنده الله اکبر را رسا ترمی کنم و با مشت محکم و فریاد کوبنده بر جلادان و کافران زمان اعلام انزجار میکنم و شوروی و اسرائیل و صدام مسعود نیست تا خرد می آورم که ای جاهلان بدانید که ما شیعیان تا آخرین قطره خون خود در راه اسلام عزیز و امام کریم و رهبر کبیر خمینی کبیر می جنگیم و هیچگاه بیم از کشته شدن نداریم زیرا ما پیرو خط سرخ حسین هستیم و شهدای ما هم با خون خود این راه را ثابت کرده اند و اکنون نیز میلیونها رهرو راه شهدا با ایثار جان و هستی خود مجددا این موضوع را به اثبات رسانده و می رسانند و فقط افسوس من این است که نتوانستم به اندازه لازم به اسلام و انقلاب اسلامی و مسلمین خدمت کنم

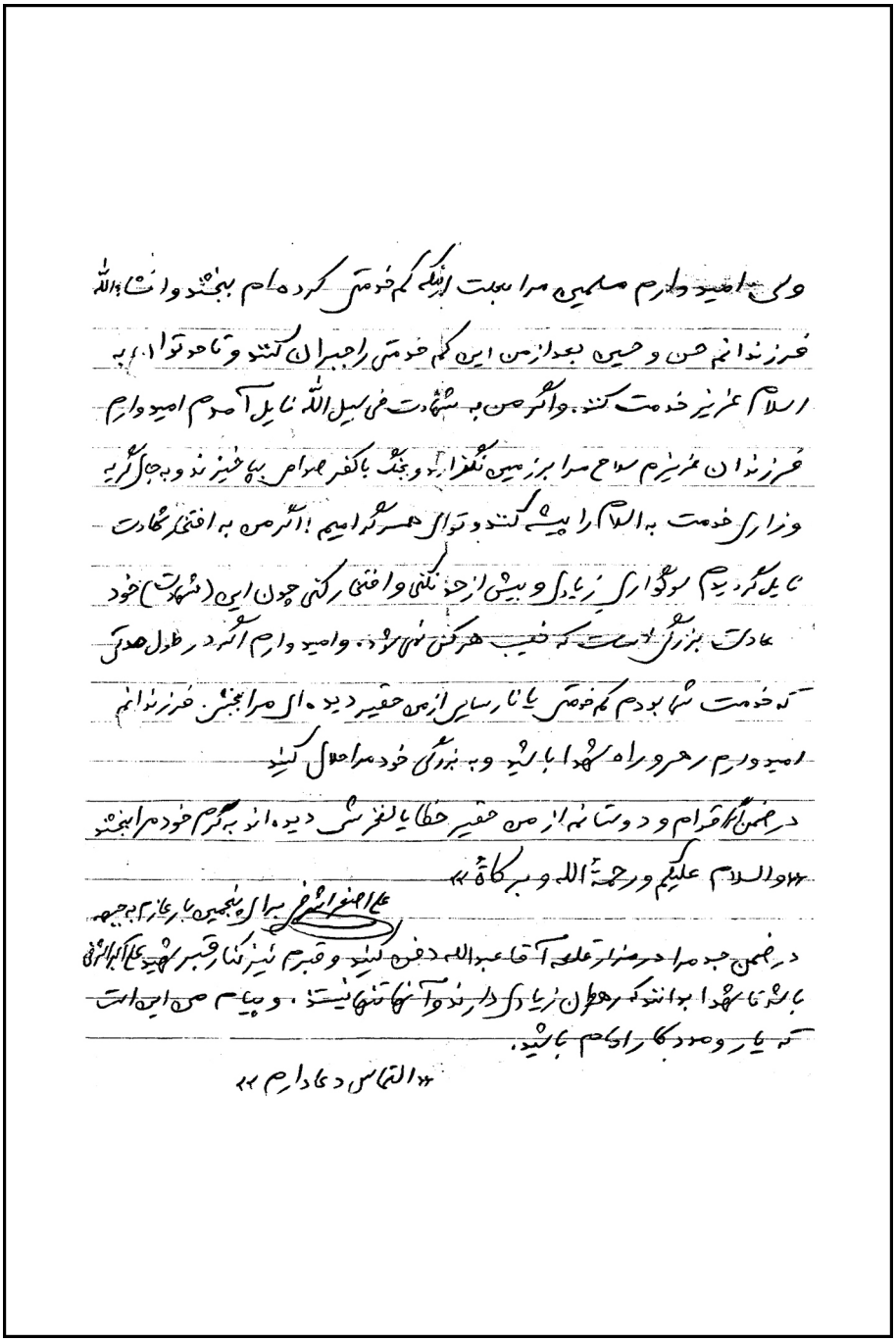

ولی امیدوارم مسلمین مرا بعلت اینکه کم خدمتی کرده‌ام ببخشند و انشاءالله
فرزندانم حسن و حسین بعد از من این کم خدمتی را جبران کنند و تا حد توان به
اسلام عزیز خدمت کنند. و اگر من به شهادت فی سبیل الله نایل آمدم امیدوارم
فرزندان عزیزم سلاح مرا بر زمین نگذارند و بجنگ با کفر بپاخیزند و چنان گریه
وزاری خدمت به اسلام را پیشه کنند و توان همسرگرامیم! اگر من به افتخار شهادت
نایل گردیدم سوگواری زیادی و بیش از حد تلقی و اقتفا نکنی چون این (شهادت) خود
عادت بزرگی است که عقب هرکس نمی‌رود. و امیدوارم اگر در طول عمری
که خدمت شما بودم کم خدمتی یا نارسایی از من حقیر دیده‌اید مرا ببخشید. فرزندانم
امیدوارم رهرو راه پدر باشید و به بزرگی خود مرا حلال کنید
و همچنین اگر قرام و دوستانم از من حقیر خطا یا لغزشی دیده‌اند به کرم خود مرا ببخشند
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی اصغر اشرفی

در همین جا مرا در جوار قبر آقا عبدالله دفن کنید و قبرم نیز نام و قبر شهید علی اکبر اشرفی
باشد تا شهدا بدانند که رهروان زیادی دارند و آنها تنها نیستند. و پیام من این است
که یار و مددکار یکدیگر باشید.

التماس دعا دارم

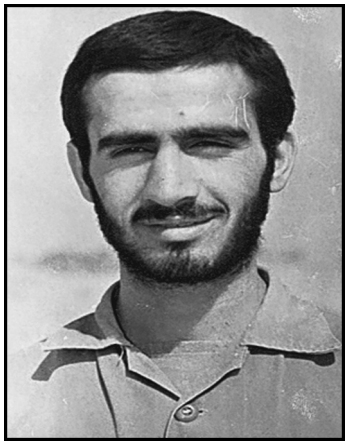

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **اشرفی**
نام پدر: **صفر**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **یکم تیر ۱۳٤۱**
محل تولد: **روستای کلامو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **سی‌ام خرداد ۱۳٦۷**
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- بدانید شیعه استقامت و صبر را از رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آموخته.
- شجاعت و دلیری را از مولا علی(علیه‌السلام) آموخته.
- ایثار و فداکاری را از حسین بن علی(علیه‌السلام) آموخته است.
- آری شیعه شهادت را نهایت تکامل خود دانسته و بزرگ‌ترین آرزویش نیز همین است.
- از خداوند منان، حقیر عاجزانه از خداوند متعال می‌خواهم توفیق شهادت در راهش را نصیبم گرداند.
- خدایا، ملتمسانه از تو می‌خواهم با آمرزش والدین گرامی‌ام آنها را نیز در محشر روسفید گردان.
- خدا کند توشه‌تان از سفر آن باشد که رضای خدا را موجب شود و شفیع‌مان گردد، انشاالله.

**علی‌اکبر اشرفی**

## بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**أللهم إنی أسئلک الامان یوم لاینفع مال و لابنون الا من أتی الله بقلب سلیم و أسئلک الامان یوم یعضّ الظالم علی یدیه یقول یا لیتنی اتّخذت مع الرسول سبیلاً و أسئلک الامان یوم یعرف المجرمون بسیماهم**».[1] «خدایا، من جداً از تو امان می‌خواهم، روزی که سودی ندهد مالی و فرزندانی به هیچ کس مگر به کسی که آرد به خدا روی سالم (بی‌عیب) و از تو امان می‌خواهم، روزی که گزد ستمکار، پشت دست‌هایش را، به علامت پشیمانی و گوید: کاشکی گرفتمی به اتفاق پیامبر راهی و از تو امان می‌خواهم، روزی که مجرمین به چهره‌هایشان شناخته می‌شوند».

اینجانب، علی‌اکبر اشرفی، وصیت‌نامه‌ام را به‌نام خدا و به امید مغفرتش آغاز می‌کنم و به کمک حسین زمانم، روح خدا، فریاد الله اکبرم را به گوش فراعنه و اهریمنان رسانیده که ای بی‌خبران از عالم انسانیت، بدانید شیعه استقامت و صبر را از رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، شجاعت و دلیری را از مولا علی(علیه‌السلام)، ایثار و فداکاری را از حسین بن علی(علیه‌السلام) آموخته است.

بدانید شیعه این را خوب درک کرده است که زنده ماندن دین خدا جز با خون او میسر نخواهد بود و در این راه می‌بینید عاشقانه شتابان بوده و سر از پا نمی‌شناسد. آری شیعه شهادت را نهایت تکامل خود دانسته و بزرگ‌ترین آرزویش نیز همین است.

حقیر عاجزانه از خداوند منان، حقیر عاجزانه از خداوند متعال می‌خواهم توفیق شهادت در راهش را نصیبم گرداند تا انشاالله نزد علی(علیه‌السلام) و اولاد اطهرش روسفید باشم.

خدایا، ملتمسانه از تو می‌خواهم با آمرزش والدین گرامی‌ام آنها را نیز در محشر روسفید گردان. پدر، مادر، همسر و اقوام گرامی و ارجمندم، ما از خدا هستیم و باید به‌سوی او برویم»[2]. همگی انشاالله باید به مرحلهٔ عروج برسیم و این را همیشه باید از خدا

---

۱- فرازی از مناجات حضرت امیرالمؤمنین(علیه‌السلام). در اصل وصیت این قسمت را نقطه‌چین کرده است، اما در ترجمه معنی قسمت نقطه‌چین را آورده است «... یوم یعرف المجرمون بسیماهم» (مفاتیح‌الجنان).

۲- ترجمهٔ «انالله و انا الیه راجعون». بقره/ ١٥٦.

بخواهیم. زود یا دیر رفتن از این دیار فانی مسئله نیست. بلکه خوب رفتن شرط است، روسفیدی در محضر حق‌تعالی شرط است. و شیعه واقعی بودن و لیاقت زیارت امام علی(علیه‌السلام)، با روی خوش در روز محشر، شرط است.

بار خدایا، در این امور مهم طلب‌کننده‌اش را یاری فرما. پس ای عزیزان اگر مصیبتی ظاهری برای شما رخ داد، اولاً صابر باشید که خدا با صابرین است.[۱] ثانیاً اگر انسان دیدهٔ خدابین داشته باشد آن را مصیبت نمی‌داند، بلکه برگشت به منزل باقی و ابدی می‌داند. خدا کند توشه‌تان از سفر آن باشد، که رضای خدا را موجب شود و شفیع‌مان گردد، انشاالله.

در نهایت از شما والدین گرامی، همسر ارجمند و اقوام و دوستانم می‌خواهم اگر خطا یا بدی از این حقیر دیده‌اید، مرا به بزرگی خود عفو نمایید و خواسته‌ام از شما خانواده‌های محترم شهدا این است که خود باید حافظ خون شهید باشید و در این راه از خدا کمک بخواهید و اما شما اهالی مذهبی و زحمت‌کش روستایمان، که حتماً مورد نظر خدا هستید، محافل را گرم نگه دارید. اخوت، برادری و صفا را بین خود حاکم نمایید. از اختلاف بپرهیزید که تفرقه موجب عذاب است و اتحاد مایه رحمت.

مجدداً از همهٔ شما عزیزان می‌خواهم اگر بی‌احترامی یا خطایی از این حقیر دیده‌اید، به‌خاطر خدا عفو نمایید. عزیزانِ، اسلام، امام کبیرمان را هیچ‌گاه فراموش نکنید و همیشه سلامتی‌اش را از درگه حق جویا باشید. رزمندگان و جبهه‌ها را فراموش نکنید که خداوند تعالی ما را در معرض امتحان و آزمایش قرار داده است. انشاءالله همگی از این آزمایش موفق بیرون بیاییم.

[...][۲] که:

به‌سر غیر از تو سودایی ندارم — به‌دل جز تو تمنایی ندارم[۳]
خدا دونی که در بازار عشقت — به‌جز خون هیچ کالایی ندارم

---

۱- ترجمه این آیه است: «ان الله مع الصابرین» (بقره/۱۵۳).

۲- خوانا نیست.

۳- دوبیتی از شاعر شناخته‌شده‌ای نیست، در عین حال که دو بیتی‌های باباطاهر را تداعی می‌کند.

خدایا، این هدیه ناقابل را قبول فرما و مرا در زمرهٔ شهدا قرار ده. نهایتاً برای همهٔ شما عزیزان از درگه حق طلب آمرزش و مغفرت می‌نمایم و از شما می‌خواهم جهت آمرزش این حقیر نیز دعا کنید. خدا هم بندگانش را از کیدها و بلاها حفظ نماید.

**«انشاءالله»**

**به امید رهگشایی کربلای امام حسین**

**علی‌اکبر اشرفی**

**۱۳۶۲/۷/۲۴**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

سلام و صلوات[۱] بر محضر یگانه منجی و مصلح بشریت، امام زمان، ارواحنا له الفدا و با درود بر نایب کبیرش امام خمینی و با سلام بیکران بر شهیدان همیشه جاوید و جانبازان و رزمندگان ظفرمند اسلام.

وصیت‌نامه‌ام را به‌نام او، که رحمن و رحیم است، شروع می‌نمایم و ابتدا از درگه‌اش خواهشی را مستدعی هستم که: «اللهم الیک صمدت من ارضی و قطعت البلاد رجاء رحمتک فلا تخیبنی و لاتردنی بغیر قضاء حاجتی و ارحم یا ارحم الراحمین».[۲] «خدایا به درگاهت آمده‌ام از سرزمینم و به امید رحمت تو شهرها را طی کردم پس نومیدم مکن و بازم مگردان بدون برآوردن حاجتم و رحم کن ای مهربان‌ترین مهربانان».

[...][۳] بر تمام جهانخواران و ایادی‌شان و در نهایت بر این کافران عفلقی[۴] فریاد برمی‌آورم که ای [...] از عالم انسانیت و ای دشمنان بشریت بدانید که شیعه صبر و استقامت را از پیامبرش محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، شجاعت و دلیری را از امام علی(علیه‌السلام) و شجاعت و ایثار را از حسین بن علی(علیه‌السلام) آموخته. هرگز تن به ذلت و خواری در نخواهد داد و

---

۱- در اصل وصیت «صلواة».

۲- بخشی از زیارت حضرت امام رضا.

۳- خوانا نیست.

۴- در اصل وصیت‌نامه «افلقی».

این را شهدای عزیزمان تا به حال کلاً اثبات کرده‌اند. اکنون نیز رهروان راه سرخشان ثابت می‌کنند. پس با ایثاری چنان و روحیه‌ای چنین هرگز جای پایی برای شما باز نخواهد بود.
برادران عزیزم:

شرط فرمان بردن اندر عاشقی دانی که چیست؟ همچو اسماعیل جان خویش قربان داشتن
تا نگیری ترک خود دعوا کن در عاشقی شرط جانبازان نباشد تکیه بر جان داشتن

باید که جمله جان شوی تا لایق جانان شوی. «بارخدایا، جانی لایق جانان[1] بما عطا نما».

امت حزب‌الهی، نصیحتی کوچک از من کوچک‌تر را بپذیرید و آن این است که راه سرح شهدا را وانگذارید. امام عزیز که به حق نجات دهندهٔ همهٔ ما از بلاها و [...][2] بوده و احیا کنندهٔ اسلام عزیز را خدا نکرده تنها نگذارید. از اختلاف بپرهیزید و با هم نعوذبالله با خصومت برخورد نکنید که این‌کار در اسلام و مسلمین نیست. انشاءالله

والدین عزیزم بر باطل پایبند مباشید. اگر خدای نکرده کاری را خلاف اسلام از هر کسی دیدید [...][3] ننمایید. در طایفه‌بندی تجدید نظر کنید که آیا بعضی اوقات به نفع اسلام هست یا نه اگر نبود از آن بپرهیزید.

خواهران و برادران عزیزم سعی کنید اجتماعات شما اسلامی باشد و با هم با برخوردی اسلامی و اخلاقی شایسته برخورد نمایید.

ای اقوام عزیزم، اگر تا به حال هر جوری زندگی کرده‌اید، فکر نمی‌کنید دیگر بس باشد، بیایید به‌خاطر خدا دور کنید شیطان دنیا را از جسم و روح خود و کمی تفکر نمایید ببینید در روز محشر چه عملی منجی شما خواهد بود؟ آیا محبت محمد و آل مطهرش، آیا دوست داشتن دوستان خدا یا دشمنی آنها؟ آیا فکر نمی‌کنید با همان کسی که اختلاف دارید ممکن است از اولیا الله باشد؟ آیا آیا... پس به‌خاطر خدا بپرهیزید از آن و دعا کنید که خدای نکرده که در این زمینه‌ها خلافی از ما سر زده بوده مردم مرا ببخشند و بعد

---

۱- در اصل وصیت «جانبان».
۲- خوانا نیست.
۳- خوانا نیست.

خداوند متعال نیز ترحم نماید انشاءالله تعالی [...][۱] حق‌الناس خیلی مشکل است، پس بپرهیزید از گناهی که جنبهٔ حق‌الناس دارد. ولی رحمت خدا چون زیاد است گناهانی که جنبهٔ حق‌الله دارد خداوند متعال ترحم می‌نماید. انشاءالله

در پایان از والدین عزیزم می‌خواهم اگر خدای نکرده از این حقیر کمی خدمت یا نارضایتی دیده‌اند به بزرگی خودشان عفوم نمایند و از ایشان می‌خواهم صبر صبر صبر را پیشه سازند که «**ان الله مع الصابرین**».[۲]

همسر عزیزم، می‌بخشید که نتوانستم همسری خوب و کمک‌یار برایت [باشم][۳] و شما را متحمل زحمت نمودم ولی خود بهتر تشخیص می‌دهی نیاز اسلام را که کی نیاز به خون و ایثار است و کی جهاد و هجرت. در هر صورت اگر کم و کسر یا خطایی از من سر زده امیدوارم حلال نمایی.

امت حزب‌الله، اقوام و دوستان عزیزم می‌بخشید که در نهایت کوچکی با شما چنین حرف زدم. ضمن آرزوی موفقیت از خداوند متعال برای شما عزیزان امیدوارم مرا ببخشید.

دوستانی که قبلاً با این حقیر همنشین بودید، اگر زحمت نیست شما را برایم هرچقدر که می‌توانید، اشکال ندارد اگر هم [...][۴] باشد یا نباشد، نماز قضا بخوانید. به آن برادرانی که تکرار کردم به‌خصوص[۵] گروهان ابوذر از گردان [...][۶] اصفهانی مجدداً یادآوری می‌نمایم که یادشان نرود. ضمن آرزوی شفاعت از حسین‌بن علی(علیه‌السلام) و همهٔ شهدا از شما خداحافظی می‌نمایم.

**«اللهم ارزقنا شفاعة الحسین یوم‌الورود»**

**علی‌اکبر اشرفی، فرزند صفر**

**روز ۱۲ فروردین ۱۳۶۳**

---

۱- خوانا نیست.

۲- بقره/ ۱۵۳.

۳- در اصل وصیت «نبودم» که برای روانی متن «باشم» جایگزین آن شد.

۴- خوانا نیست.

۵- در اصل وصیت «به‌الخصوص».

۶- خوانا نیست.

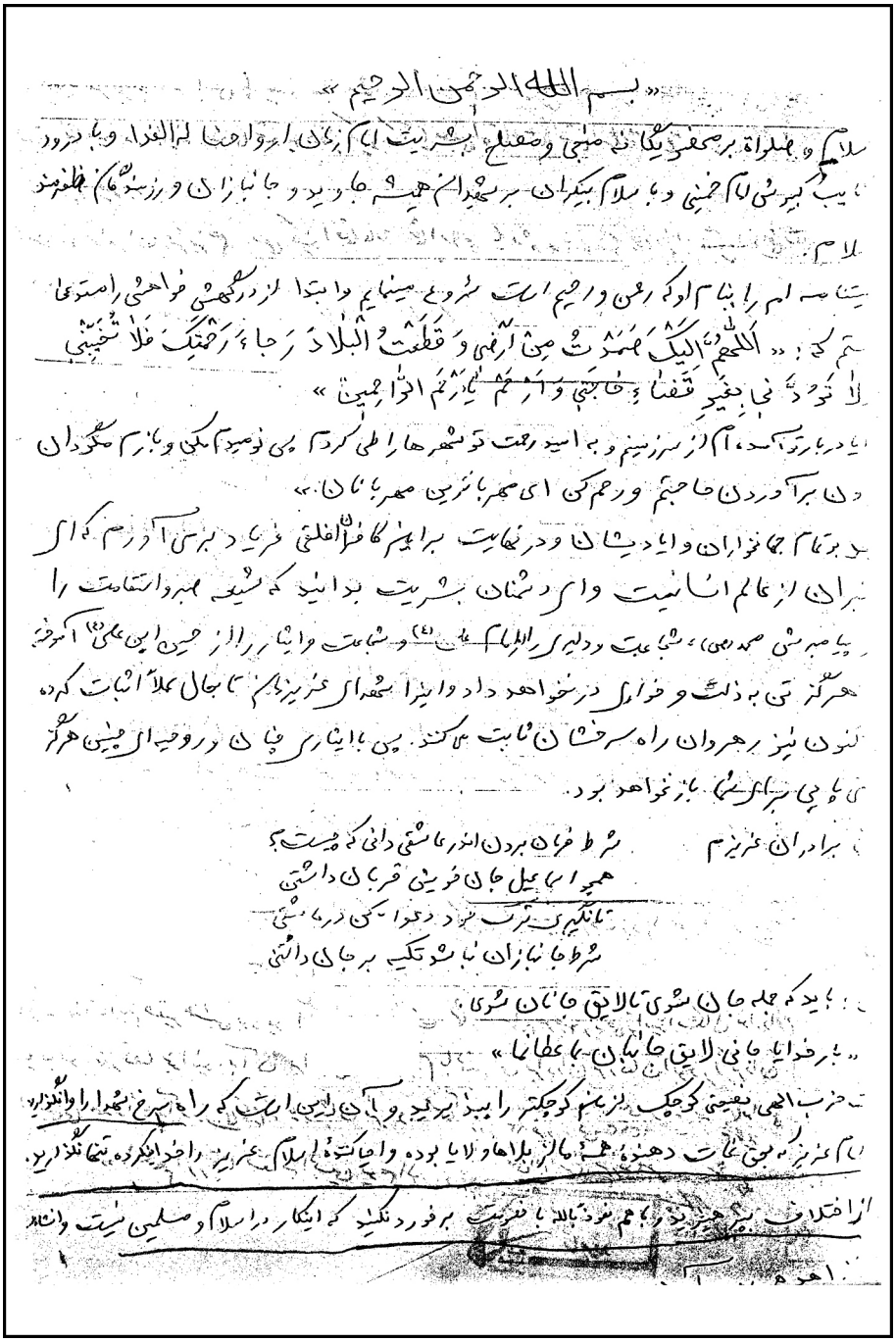

«بسم الله الرحمن الرحیم»

سلام و صلوات بر صحفی یگانه منجی و مصلح بشریت ای کاش از واقعه الغدا و یا درود
یب کربلا حضور و با سلام بیکران بر شهدای هفت جاویدان و جانبازان و رزمندگان مظلوم
لام

ستا صحیفه امام را بنام آنکه رحمن و رحیم است شروع مینمایم و ابتدا از دعای معروف
ی کنم که: «اللهم الیک هجرت و قطعت البلاد رجاء رحمتک فلا تخیبنی
لا تردنی فی بعض قضاء حاجتی و اغفر لی یا ارحم الراحمین»
ای دربار تو کسد، ام از سرزمینم و به امید رحمت تو شهرها را طی کردم پس نومیدم مکن و یارم مگردان
ون برآوردن حاجتم و رحم کن ای مهربانترین مهربانان.»
د بر تمام خانواده و یاران و در نهایت برادرگانه فرزندان گرامی
ران از عالم انسانیت و از دشمنان بشریت بدانید که شیوه صبر و استقامت را
ز پیامبر صلی الله علیه و آله و شجاعت و دلیری را از امام علی علیه السلام و شجاعت و ایثار را از حسین ابن علی علیه السلام آموخته
هرگز تن به ذلت و خواری در نخواهد داد و ایران همه‌ای عزیزمان تا بحال عملاً اثبات کرده
نون نیز رهروان راه سرخشان ثابت میکنند. پس با ایثار جان و روحیه‌ای چنین هرگز
ی پای بر اهریمن باز نخواهد بود.

برادران عزیزم شرط مردان اندر عاشقی دانی که چیست؟
همچو ما بایل جان خویش قربان داشتن
تا نگیرد ترک تو دامن که با ما کس وفا نکرد
شرط جانبازان بابا شوکت بر جان داشتن

باید که جمله جان شوی تا لایق جانان شوی
بار خدایا جانی لایق جانان بما عطا کن»

ت حزب الهی بخصوص کوچکترین عضو کوچکتر را ببوسید و آن این است که را با سرع بخدا را واگذارید
ام عزیز به پیش تاخت دهنده ما از بلاها و لایا بوده و واجبات اسلام عزیز را خواهیکرده تنها نگذارید.
از اختلاف بپرهیزید با هم بوده تا لطمه به وحدت برخورد نکند که اینکار در اسلام و صلحین نیست و اشاد

نام: **مسلم**
نام خانوادگی: **اشرفی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۳۶**
محل تولد: **روستای قلعه‌آقاعبدالله از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پنجم مرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **اسلام‌آباد غرب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش توسط نیروهای سازمان مجاهدین خلق**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدا را شکر که در این موقعیت از تاریخ و زمان قرار گرفتیم.
- خداوند بر ما منت نهاد، چنین رهبری آگاه فرستاد.
- باید بدانیم که اسلام از ما چه می‌خواهد.
- اگر کسی معرفت اسلامی را پیدا کرده باشد، هر لحظه می‌فهمد که اسلام چه مسئولیتی بر دوش او گذاشته.
- زحمات اولیاء دین و ایثارگری‌های شهدای اسلام و مخصوصاً شهدای اخیر، وظیفه ما را چندین برابر کردند.
- به خواهرانم و برادرم سفارش می‌کنم اگر نمی‌توانید به جبهه بروید، لااقل پشت جبهه زینب‌وار باشید.
- واجبات را ترک نکنید.
- نماز را به پا دارید.
- روزه بگیرید و زکات بدهید.

## مسلم اشرفی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

[...][1]

به‌نام خدای بی‌همتا و سپاس بیکران خدا را که بر ما منّت نهاد و نعمت بی‌منت‌های خود را بر ما ارزانی کرد و برای ما پیمبرانی فرستاد و ما را از جهل و نادانی به‌سوی کمال و خودشناسی و خداشناسی هدایت نمودند و ما را از تاریکی به‌سوی نور، که همان نجات از جهل و نادانی بود هدایت کردند و همچنین بعد از پیمبران که اول آنها حضرت آدم و آخر آنها حضرت خاتم‌الانبیاء یعنی محمدبن عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌باشد به‌حق فرستاد جانشینانی، که دوازده امام همه از ذریه پاک نبی می‌باشند و با فرستادن چنین پیامبرانی و امامانی و نازل نمودن قرآن و در زمان غیبت امام عصر(عج) چنین علما[ی] دلسوز،حجت را بر ما تمام نموده است و بفرمودهٔ قرآن «**یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی‌الامرمنکم**»[2] ای کسانی که ایمان آوردید اطاعت کنید رسولش را و فرمان‌گزاران خدا و رسولش را و اما، ما ایمان آوردیم وقتی در مقابل خطاها [...][3] و اطاعت کنم. خدا را شکر که در این موقعیت از تاریخ و زمان قرار گرفتیم که خداوند بر ما منت نهاد، چنین رهبری آگاه فرستاد و چنین انقلابی به ثمر رسید، تا ما بهتر بتوانیم راه اسلام حقیقی را بشناسیم و حال که ایمان آوردیم و اسلام واقعی را شناختیم، باید بدانیم که اسلام از ما چه می‌خواهد، اگر کسی معرفت اسلامی را پیدا کرده باشد، هر لحظه می‌فهمد که اسلام چه مسئولیتی بر دوش او گذاشته و فوراً بفکر انجام وظیفه می‌افتد. زحمات اولیاء دین و ایثارگری‌های شهدای اسلام و مخصوصاً شهدای اخیر، وظیفه ما را چندین برابر کردند. ای مؤمن[ین] حالا که وظیفه‌شناس شده‌ای و سالهای طولانی برای ایثارگری‌های شهدا و مخصوصاً سرور شهیدان حسین بن علی(علیه‌السلام) عزاداری کردی آرزو می‌کردی ای کاش من هم کربلا بودم.[4]

---

۱- سطر اول وصیت خوانا نیست.

۲- نساء/ ۵۹.

۳- خوانا نیست.

۴- به فراز آخر حسین(علیه‌السلام) اشاره دارد. «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاًعظیماً» مفاتیح الجنان.

پس امروز حرکت کن، یزیدیان در مقابل شما هستند و حسین زمان ندای «هل من ناصر»[۱] سر می‌دهد و بارها گفته است رفتن به جبهه از اهم واجبات است. پس حرکت کن، و آیه «**ربنا افرغ علینا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین**»[۲] را بخوان.

به خواهرانم و برادرم سفارش می‌کنم اگر نمی‌توانید به جبهه بروید، لااقل پشت جبهه زینب‌وار باشید. اگر این هم برای تو مشکل است پس از دشمنان اسلام به‌خصوص منافقین بی‌زار باش. این گفته پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) است که فرمود اگر کسی با سستی کردن یا از بی‌عقیدگی از مبارزه با دشمنان دین روگردان شد با او قطع رابطه کنید و امروز وظیفه ما است که در مقابل این منافقین که با تبلیغاتشان و با [...][۳] مخصوصاً این قاچاق فروشان خائن، همان گفته پیغمبر را اطاعت کنیم. آیا ما چنین هستیم یا برعکس؟ چرا که تو ای مسلمان، با بی‌تفاوتی آب را به آسیاب دشمن می‌ریزید چرا که با یک قاچاق فروش خائن با او آنگونه گرم می‌گیرید که به او جرئت بیشتری می‌دهید؟ چرا که تو ای مسلمان وقتی دولت جمهوری اسلامی می‌خواهد یک قاچاق فروش را تنبیه کند تو در خانه‌ات او را مخفی می‌کنید با این [کار] می‌خواهد بگوید که من یک خائن دوستم و بدان که تو شریک جنایت آن هستید[۴].

اینها از بعثی‌های عراق بدترند. عراقی‌ها می‌کشند، اما ایمانش را نمی‌گیرند تمام هستی‌اش را به یغما نمی‌برند. اما اینها با معتاد کردن یک جوان، تمام هستی‌اش را برباد می‌دهند. بر همه امت مسلمان واجب است که با این غارتگران مرگ و زالوصفتان و با دشمنان رویاروی اسلام هرگونه که می‌توانند مبارزه کنید. اگر نکردید پس بدان یزیدی هستید. من بارها گفتم و این جا هم می‌گویم شما ای منافقان به اسلام و انقلاب و ای قاچاق فروشان اگر توبه کردید و به آغوش محبت اسلام آمدید، خداوند شما را بیامرزد و اما اگر به همان کارها[ی] ناپسند خود و جنایات بار ادامه می‌دهید من از تو بی‌زارم. اگر در زیر جنازهٔ من هستید برو کنار و بر مزار من نیا و در مجالس عزاداری من پا نگذارید زیرا

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- بقره/ ۲۵۰.

۳- خوانا نیست.

۴- در اصل وصیت «هستید».

که شهدا روحشان از شما بی‌زار است. از خدا بترسید گناه نکنید بدانید که باید بمیرید «**کل نفس ذائقة الموت**».[۱] همه باید بمیرید، تو هم باید بمیری. دیگر [اینکه] واجبات را ترک نکنید و نماز را به پا دارید. روزه بگیرید زکات بدهید و دیگر واجبات همه[را] انجام دهید نماز شب را به پادارید و در راه خدا جهاد کنید. علی(علیه‌السلام) فرمود: «**ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه**». همانا جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند بر بندگان مخصوص خود هدیه کرده است. به رهنمودهای پیامبرگونه امام عزیزمان گوش فرا دهید و به دستوراتش عمل کنید. ما باید به جبهه برویم باید خدا را شکر کنیم که چنین سعادتی به ما داده که برای دین خدا تا آخرین نفس دفاع کنیم و جزء افراد مخصوص خدا شویم من به جبهه می‌روم به یاری اسلام، و در عملیات شرکت می‌کنم به یاری خدا اگر شهید شدم فکر نکنید مرده‌ام، برای اینکه آینده‌ام زنده می‌ماند و اما اگر زنده برگشتم بازهم راضیم[۲] به رضای خدا باز شهید آینده خواهم.[۳]

فرزندم شهاب تو را سفارش می‌کنم به تقوا و نظم در کارها و همیشه یاور مظلومان باش و خصم ظالمان[٤]، هرگاه دیدی آتشی برعلیه اسلام و مسلمین روشن کردند، مردانه دست‌ها را بالا کن، خودت را در آن آتش بینداز یا خاموش کن و یا بسوز که هر دو سعادت تو است و [به] شما نور دیدگانم دخترانم سفارش می‌کنم به تقوا و بپرهیزید از گناه. محفوظ[۵] دارید حجاب را و صبر کنید بر مشکلات و توکلتان را بر خدا کنید و به شما پدر و مادر مهربانم می‌گویم: اگر از این فرزند خودتان، خطایی سرزد و یا نافرمانی دیدید، مرا عفو کنید و اگر خیری از من ندیدید همین بس که در نزد زهرا(علیهاالسلام) و علی(علیه‌السلام) روسفید هستید و فرزندی را به یاری حسین(علیه‌السلام) فدا کردید و من زحمات شما که در آن زمان فقر و تنگدستی برای من کشیدید یادم نمی‌رود. خداوند اجر[و] مزد شما را در قیامت

---

۱- عنکبوت/ ۵۷.

۲- در اصل وصیت «رازیم».

۳- کلمه آخر خوانا نیست.

٤- این عبارت ترجمه‌ای است از سخنان مولا علی(علیه‌السلام) «کونواللمظلوم عوناً و للظالم خصماً» (نهج‌البلاغه) ترجمه سید جعفر شهیدی.

۵- در اصل وصیت «محفوض».

می‌دهد. «اگر کسی خدا را یاری داده باشد که خداوند شما را یاری کند».[1] [...][2] صفت اسلامی و اخلاص در اعمالتان هر کاری می‌کنید برای خدا باشد. اگر با کسی دوست هستید، برای خدا و اگر با کسی دشمن هستید برای خدا، حُبّ الله و بغض الله. و دیگر اطاعت از امام امت خمینی کبیر همیشه دعایتان برای طول عمر امام عزیز باشد و اگر خدای نخواسته زبانم لال رهبر عزیزمان را طوری شد، از قائم مقام رهبری حضرت آیت الله منتظری[3] اطاعت کنید زیرا اطاعت نکردن از قائم مقام رهبری مثل کسانی می‌شوید که اطاعت نکردند وصیت پیامبر را و نادیده گرفتند جریان غدیرخم را و با این عمل ناپسندشان این همه بین مسلمین تفرقه انداختند تا مسیرشان را جدا کردند از اسلام عزیز.

خداوند به همه ما توفیق اطاعت، بندگی و اخلاص در عمل عنایت کند و مرگمان را شهادت در راه اسلام عزیز قرار دهد و خداوند سپاه پیروان ولایت را هرچه زودتر به پیروزی نهایی برساند.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**مسلم اشرفی**

**١٣٦٥/٦/٢١**

**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**

**شعار مرگ بر قاچاقچی را هرچه بلند سر دهید**

---

١- «یا ایها الذین امنوا ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم». محمد/٧.

٢- خوانا نیست.

٣- ر.ک. تعلیقات.

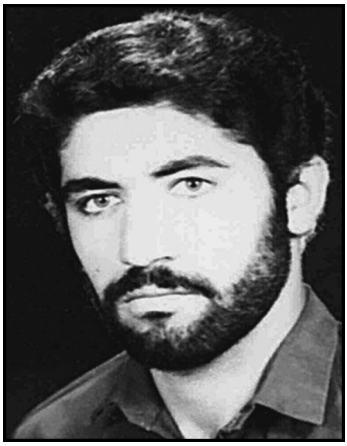

نام: **احمدرضا**
نام خانوادگی: **اصحابی**
نام پدر: **حسینعلی**
نام مادر: **ماه‌نسا**
تاریخ تولد: **هفدهم شهریور ۱۳٤٤**
محل تولد: **روستای چهارده زردوان از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دانشجوی سال دوم کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم دی ۱۳٦٥**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای دامغان**

## عبارت‌های کلیدی

- قسم به خون پاکت حسین(علیه‌السلام) راهت را ادامه خواهیم داد.
- به یاری خداوند مهربان ابتدا کربلا و سپس قدس را آزاد خواهیم کرد.
- اسلام را انشاءالله به جهان صادر خواهیم کرد.
- حسین جان، اسلام با شهادت تو زنده ماند.
- امیدوارم همیشه از ولایت فقیه حمایت کنید.
- به جان امام امت و روحانیت مبارز دعا کنید.
- به گفته امام مدرسه سنگر است.
- امیدوارم که همیشه دعاگوی رزمندگان اسلام باشید.

## احمدرضا اصحابی

**«بسم الله الرحمن الرحیم»**

**«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنّه یقاتلون فی سبیل‌الله فیقتلـون و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التوراة و الانجیل والقرآن».**[1]

سلام به حسین(علیه‌السلام) تشنه لب کربلا، قسم به خون پاکت راهت را ادامه خواهیم داد و به یاری خداوند مهربان ابتدا کربلا و سپس قدس را آزاد خواهیم کرد و اسـلام را انشـاءالله به جهان صادر خواهیم کرد.

حسین(علیه‌السلام) جان، حماسه و ایثار رزمندگان مـا کـه در جبهـه‌هـا علیـه دشـمن انجـام می‌دهند، مدیون حماسه آفرینی تو است.

اسلام با شهادت تو زنده ماند و اگر شهادت تو و ۷۲ تن دیگـر از شـهدای کـربلا نبـود اسلام زنده نمی‌ماند، همانطور که تو در برابر ظالمان و دژخیمان و دشمنان تا دندان مسـلح خود ایستادی و گفتـی: «**و ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی**»،[2] «اگـر دین جدم محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با کشـته شـدن مـن اسـتوار و جاویـدان خواهـد مانـد، پـس ای شمشیرها مرا در بر گیرید و قطعه قطعه کنید»، و ای حسین جان ما هم تا موقعی کـه جـان در بدن داریم راهت را ادامه خـواهیم داد. بـرادران عزیـز مبـادا در بـی‌تفـاوتی بمیریـد کـه علی(علیه‌السلام) در محراب به شهادت رسید.[3]

---

۱- توبه/ ۱۱۱.

۲- در موسوعة کلمات الامام حسین(علیه‌السلام) و در کتاب دایرةالمعارف تشیع چنین آمـده اسـت «شـیخ محسـن (۱۲۳۵-۱۳۰۵ ق) فرزند حاج محمد حویزی حائری آل ابی الحب از اعاظم خطبا و شعرای شیعه و صاحب دیوان شـعری به‌نام الحائریات است قصیده معروفی دارد که زبان حال همه سوگواران در مجالس حسینی است. دو بیت شـعر از زبان حال ابی عبدالله الحسین(علیه‌السلام) دارد که چنین است:

اعطیـــت ربّـــی مُوثقـــاً لا ینتهـــی — الا بقتلـــی فاصـــعدی و ذُریتـــی

ان کـــان دیـــن محمّـــدٍ لـــم یســـتقم — الا بقتلـــی یـــا ســـیوف خـــذینی

«دایرة المعارف تشیع ج ۱، ص ۱۳۷ با اندک ویرایش»

۳- اشاره دارد به حضرت علی(علیه‌السلام) که در محراب مسجد کوفه به شهادت رسید.

مادران مهربان امیدوارم در غم از دست دادن فرزندان خود ناراحت نباشید. هر چند که از دست دادن یک عزیز ناراحتی دارد ولی این را نباید از یاد ببرید که زینب(سلام‌الله علیه) در کربلا در غم ۷۲ تن از عزیزانش صبر و استقامت کرد و هرگز در غم آنها گریه نکرد، تا دشمنان اسلام را با گریه کردن خود شاد کند.

برادران و خواهران گرامی، امیدوارم همیشه از ولایت فقیه حمایت کنید و سخنان آنها را الگوی کار خود قرار دهید و به جان امام امت و روحانیت مبارز دعا کنید.

همکلاسیان عزیز و دانش‌آموزان گرامی امیدوارم که درس خود را بخوانید و به گفته امام مدرسه سنگر است[۱] و شما باید این سنگر را با خواندن درستان محکم کنید، امیدوارم همگی شما موفق باشید و بتوانید انشاءالله در آینده فرد مفیدی برای جامعه خود باشید. و از هر جهت کشور عزیزمان را خودکفا کنید.

برادران و خواهرانم رمز پیروزی رزمندگان در جبهه‌ها دعا و استغفار می‌باشد. امیدوارم که همیشه دعاگوی رزمندگان اسلام باشید، تا این رزمندگان پر توان دین مظلوم اسلام را به جهان صادر کنند و حقوق مستضعفین را از مستکبرین جهان‌خوار بگیرند.

و در پایان پدر و مادر مهربانم امیدوارم از من در این مدت زندگی راضی باشید و در صورت خطا مرا ببخشید، دوستانم، اگر خطایی نسبت به شما انجام دادم به بزرگی خود مرا ببخشید.

برادران عزیزم امیدوارم که همیشه مساجد که یکی از سنگرهای مهم انقلاب است را پر کنید چه در نمازهای جماعت و جمعه و چه شرکت در بسیج محلی خود که همین کار خود ضربه‌ای است برای نابودی [...][۲] و منافقین داخلی که می‌خواهند به اسلام عزیز ضربه وارد کنند. [...][۳]

دیگر عرضی ندارم جز سلامتی شما.

---

۱- حضرت امام خمینی از تعبیر «سنگر» برای مناسبت‌های مختلف استفاده کرده است. گاهی مسجد، گاهی دانشگاه، گاهی مدرسه و حوزه‌های علمیه را سنگر عبادت و دانش و درس اسلام می‌دانند. «صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی ذیل واژهٔ سنگر».

۲- افتادگی دارد.

۳- افتادگی دارد.

«خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی خمینی را نگه دار».
در صورت شهادت مرا در کنار دیگر شهدای دامغان در فردوس[1] رضا دفن کنید.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»**

**٦٢/١٢/٥**

**احمدرضا اصحابی**

١- فردوس رضا نام مزار شهدای شهرستان دامغان است.

۶۵/۱۰/۵

«بسم الله الرحمن الرحیم»

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا في التوراة والإنجيل والقرآن (توبه آیه ۱۱۱)

سلام بر حسین تشنه لب کربلا، قسم بر خون پاکت که راه را برای ما و همه آزادگان جهان گشود و به یاری خداوند موفق شدیم که ندای قدس را آزادی‌خواهی کرده و اسلام را از خطر نابودی نجات دهیم. حسین جان همانند دیگر آزادمردان که در جبهه‌ها علیه دشمن اسلام می‌رزمند، ما هم آرزوی تو را داشتیم که اسلام با شهادت تو زنده ماند و اگر شهادت تو ۷۲ سال پیش نبود، امروز اسلامی که ما می‌شناختیم اسلام مرده‌ای بود که فقط در کتابها خوانده می‌شد و در جهان هیچ نامی از آن نبود. حسین جان تو با قیام خود ثابت کردی که در برابر ظالمان و در هر زمان و مکان باید ایستاد و با دشمنان اسلام و قرآن و مسلمین با تمام قوا جنگید و با آنان سازش نکرد و تسلیم نشد و تو با شهادت خود به ما آموختی که چگونه باید زندگی کرد و چگونه باید مرد. حسین جان تو با شهادت خود به ما آموختی که چگونه باید زندگی کرد و چگونه باید مرد. حسین جان تو با شهادت خود به ما آموختی که چگونه باید زندگی کرد و چگونه باید مرد.

برادران و خواهران گرامی امیدوارم همیشه در ولایت فقیه قائد کبیر و نائب برحق آن امام امت را الگوی کار خود قرار دهید و در جهاد اسلام امت را مورد حمایت قرار دهید و دعا کنید که ما بتوانیم وظیفه خود را انجام دهیم و امیدوارم که در پس خود راه را برای ادامه دهندگان اسلام هموار کرده باشیم و امیدوارم که این سنگر را بتوانید حفظ کنید و امیدوارم همگی شما موفق باشید و بتوانید آنچه را که ما آرزو داشتیم برای جامعه خود پیاده کنید و از هر جهت کشور عزیزمان را خودکفا کنید.

برادران و خواهران عزیز و رزمندگان در جبهه‌ها و ما را استغفار فرمایید امیدوارم که همیشه دعاگوی رزمندگان اسلام باشید تا این رزمندگان پرتوان دین مظلوم اسلام را به جهان صادر کنند و حقوق مستضعفین را از مستکبرین جهان خوار بگیرند.

و در پایان پدر و مادر عزیزم امیدوارم از من راضی باشید و در سرنوشت خطا مرا ببخشید، دوست دارم اگر خطایی نسبت به شما انجام داده‌ام به بزرگواری خود مرا ببخشید، برادران عزیزم امیدوارم که همیشه شاهد گامهای مؤثر انقلاب اسلام باشید و در راه‌پیمایی‌های جمعه و در هر صحنه حضور داشته باشید و از کسی که در این کار خدا را فراموش کرده است پشتیبانی نکنید و برای نابودی کاخ ستمگران بکوشید.

خواهران مسلمان به اسلام عزیز هر چه بیشتر روی آورید و در راه اسلام از هیچ کوششی دریغ نکنید.

دیگر عرضی ندارم و به سلامت شما.

خدایا! تا انقلاب مهدی (عج) را نگاه دار.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

وصیت‌نامه را برای پدر عزیزم بفرستید تا آن را به وصیت‌نامه ضمیمه کنم.

احمد رضا احمدیان

۶۵/۱۰/۵

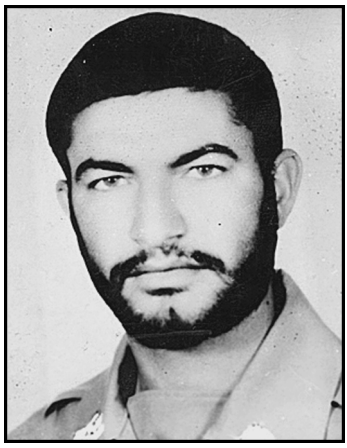

نام: **احمد**
نام خانوادگی: **اصغری**
نام‌پدر: **محمدرضا**
نام مادر: **شهربانو**
تاریخ تولد: **ششم مهر ۱۳٤٥**
محل تولد: **شهر میامی از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- شما پدر و مادرم، سفارشی دارم، از شما جداً خواستارم مرا عفو کنید.
- اگر لیاقت شهادت را داشته باشم، جنازه‌ام هم به‌دست شما نرسد، برای من گریه نکنید.
- می‌خواهم که از ولایت فقیه، دوری نکنید.
- یار و یاور امام باشید.

## احمد اصغری

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

**۱- مشخصات کامل:** نام احمد اصغری، شماره شناسنامه: ۹,

**۲- هدف از آمدن به جبهه:** برای نابودی صدام و برجای ماندن پرچم اسلام و اطاعت از ولایت فقیه .

**۳- پیام:** از تمام همشهریان می‌خواهم که از ولایت فقیه کناره‌گیری نکنند.

«**مالکم لاتقاتلون فی سبیل‌الله والمستضعفین من الرجال و النساء والولدان**».[۱]

چه شده است شما را که در راه خدا جهاد نمی‌کنید در صورتی‌که جمعی از مردان و زنان و کودکان بی‌گناه در زیر چکمه‌های استکبار شرق و غرب هستند؟ پس بپاخیزید و اسلحهٔ تکبیر [را][۲] که مسلح به الله اکبر[۳] است، برگیرید و بر این از خدا بی‌خبران، بتازید و از نشستن در خانه و اسیر هوای نفس شیطانی[٤] بپرهیزید، که قرآن کریم می‌فرماید: «آیا مردم چنین پنداشتند[٥] که به صرف اینکه گفتند ایمان آورده‌ایم و خداوند به این دعوت هیچ آزمایشی و امتحانی از آنان درنمی‌آورد»[٦] تا دروغگویان را از راستگویان کاملاً معلوم کند. و همشهریان عزیز شما در این بُرهه[۷] از زمان حداکثر استفاده را در این زمان بکنید، چون در این زمان با چنین رهبر و مردمی که از تمام مال و جان و فرزند و عیال خود گذشته‌اند و تاریخ چنین روزهایی[۸] را بعد از ائمه و پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بیاد نمی‌آورد و چون شرایط کاملاً

---

۱- نساء/ ۷۵. آنچه شهید در آغاز وصیت‌نامه آورده فرازی از آیه ۷۵ سوره نساء است.

۲- در اصل وصیت «را» افتاده است.

۳- شعاری است که رزمندگان در حین حرکت برای عملیات می‌خواندند و نیز در سرودها خوانده می‌شد. قسمتی است از شعار بزرگ «وحدت». ما مسلح به الله اکبریم  بر صف دشمنان حمله می‌بریم

٤- در اصل وصیت «شیطنی».

٥- در اصل وصیت «پداشتند».

٦- این عبارت مفهومی قرآنی دارد که شهید بدون ذکر منبع آنرا استفاده کرده است. نزدیکترین آیه‌ای که می‌تواند تلمیح موردنظر تلقی گردد آیه ۲ از سورهٔ عنکبوت است: «أحَسب النّاس ان یُترکوا ان یقولوا امَنّا و هم لایُفتَنون».

۷- در اصل وصیت «بُهره».

۸- در اصل وصیت «روزهای».

آماده است، پس هیچ عذری[1] دیگر در پیشگاه خدا ندارید و هر خطایی[2] کنی، خطـای شـما چند برابر زمان‌های دیگر است و شما پدر و مادرم: سفارشی دارم، از شما جـداً خواسـتارم مرا عفو کنید، چون خیلی وقت‌ها بوده است که من شما را زحماتی داده‌ام، پـدر جـان مـرا ببخشید، چون متأسفانه خجالت می‌کشیدم، چون اینهم از کم‌سعادتی من بود کـه بتـوانم در زمان یا در دوران حیاتم از شما معذرت‌خواهی کنم، تا شاید خداوند به‌وسـیله دعـای خیـر شما گناهان مرا سبک کند و امیدوارم که عذر فرزند ناقابلتان [را][3] که تقدیم خداوند کردید، کردید، بپذیری.

و تو همسرم، تو را در تربیت فرزندانم، آقـا جـواد و آقـا جـلال سـفارش مـی‌کـنم کـه کوچکترین بی‌توجهی به بچه‌ها نکنید، چون در جامعـه اثـر نـاگواری بـه جـا مـی‌گـذارد و امیدوارم که در تربیت بچّه‌ها خیلی کوشا بـوده باشـید و از خداونـد مـی‌خـواهم کـه اجـر کارهایت و زحماتت را بدهد و این را به‌عنوان وصیّت داشته بـاش و همیشـه در یـاد خـدا باش و فرزندانت را در خط امام و یاور امام تربیت کن.

و شما پدر و مادرم، همسر و خواهرانم و برادرانم شاید اتفاقی بیفتد، که من اگـر لیاقـت شهادت را داشته باشم، جنازه‌ام هم به‌دست شما نرسد، برای من گریه نکنید و خدا را شـکر کنید که توانسته‌اید امانت خود را سالم به‌دست صاحبش داده‌اید و صبر و پایداری را پیشـه خود قرار دهید، و از عوامل از خدا بی‌خبر که همیشه فکر مادیات هستند، دوری کنید حتی از اقوام و خویشان.

و در پایان از تمام هم‌شهریانم می‌خواهم که از ولایت فقیه، دوری نکنیـد و یـار و یـاور امام باشید و هرکسی از من خوبی که نه، اگر بدی دیده، به خـوبی و بزرگـی خودتـان مـرا ببخشید و از یاری دادن به رزمندگان کوتاهی نکنید و ایـن را در ایـن بُرهـه[4] از زمـان بیـاد داشته باشید که می‌گوید:

---

١- در اصل وصیت «عُضری».

٢- در اصل وصیت «خطاء».

٣- در اصل وصیت واژه «را» افتاده است

٤- در اصل وصیت «بُهره».

گـر مـرد رهـی میـان خـون بایـد رفـت  از پـای فتـاده سـرنگون بایـد رفـت[1]

**گردان کربلا گروهان ابوالفضل**

**٦٤/١١/٩**

**امضاء احمدی**

**محل دفن زادگاهم میامی**

و پدر و مادر جان و همسرم، هرچند خودتان می‌دانید که در شهادت من سهیم هستید ولی از نظر موارد شرعی [...][2]

امیدوارم که همسرم اگر بدی و تندی از من دیدی، باید مرا ببخشید و از نظر مال که مالی من ندارم. همانی است که خودتان می‌دانید که حساب‌های من پیش شکری است، می‌توانید با او حساب کنید و به مقدار ۳۰۰۰ هزار تومان دست صفرعلی شکاری دارم، نمی‌دانم که همسرم گرفته باشد یا نه و مقدار ٤۰۰ تومان از پسر عباس قولی[3] می‌خواهم و مقدار ٦۰۰ تومان از باقر که پول دستی گرفته است و آن زمین شهرک است و اگر پولی داشته باشم، حتماً در دست تعاون سپاه است و هرجور که می‌دانید با همکاری آقا مؤمنی آن را تسویه[4] کنید به طور شرعی و من از امام خمینی تقلید می‌کردم و بدهکار کسی نبودم و اگر هم بودم، نمی‌دانم درست. و حدود ۲ دو سال که شصت روز باشد، روزه‌ام را در زمان خدمت سربازی خورده‌ام، یعنی بدهکار هستم.

---

۱- بیت اول از رباعی معروف و حماسی فریدالدین عطار نیشابوری است.

گـر مـرد رهـی میـان خـون بایـد رفـت  از پـای فتـاده سـرنگون بایـد رفـت

تـو پـای بـه راه در نـه و هـیچ مپـرس  خـود راه بگویـدت کـه چـون بایـد رفـت

۲- حدود یک سطر افتادگی دارد.

۳- عباس قولی، باقر، آقای مؤمنی و صفرعلی شکاری که شهید از آنان یاد می‌کند از دوستان و همکاران شهید هستند.

٤- در اصل وصیت «تصفیه».

بسمه تعالی

# وصیتنامه زندگان

این وصیت نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

محل الصاق عکس

برادر عزیز توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ـ مشخصات کامل: نام احمد اصغری شناسنامه ۹

۲ـ هدف از آمدن به جبهه: برای نابودی صدام و برپای ماندن پرچم اسلام و اطاعت از ولایت فقیه

۳ـ پیام: از تمام همشهریان می‌خواهم که از ولایت فقیه کنار گیری نکنند

بسم الله الرحمن الرحیم

ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والنساء والولدان

چه شده است شما را که در راه خدا جهاد نمی‌کنید در حالی که جمعی از مردان و زنان

و کودکان بی‌گناه در زیر شکنجه‌های استکبار شرق و غرب هستند پس به پا خیزید و

اسلحه تبر که صلح بالله اکبر است برگیرید و برای این از خطر بی‌خبران بترسید و از نشستن در

خانه و اسیر هوای نفس شیطانی بپرهیزید قرآن کریم می‌فرماید مردم چنین پنداشتند

که به صرف اینکه گفتند ایمان آوردیم خداوند به این دعوت هیچ آزمایشی و امتحانی از آنان

نمی‌آورد تا دروغگویان را از راستگویان کاملاً معلوم کند و هشدار عزیز شما در این سرزمین

وجود کفر است شما را در این زمان بکشد چون در این زمان با چنین رهبر و مردمی که در تمام سال و مان و مزرعه

و عیال خود کشت خانه و تاریخ چنین روزهای را پدران ائمه و پیامبر (ص) پیدا نکرده و چون

شرایط کاملاً آماده است پس هیچ عذری دیگر در پیشگاه خدا نداریم و هر خطائی کنی خطای شما چند

برابر شما های دیگر است و شما پیروز خواهید شد از شما چه از خدا میخواهم مرا عفو کنید چون ما

و شما بر دو راه حق و باطل قرار داریم پیروزی از آن ما است چون ما با ایمان

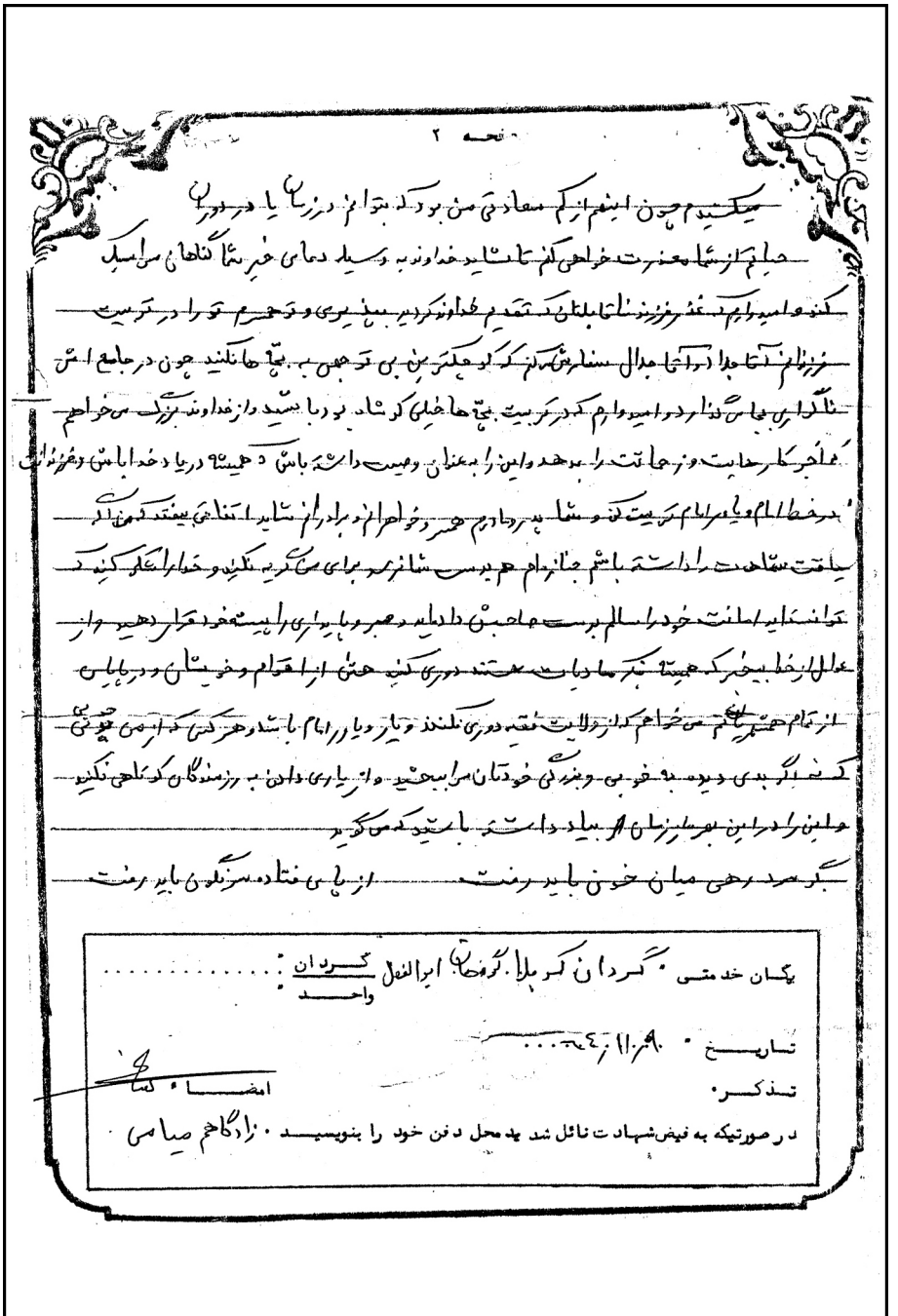

نحمه ۲

میگذرم چون اینهم از کم سعادتی من بود که بتوانم در رزمایی یا در دوران
حیاتم از شما معذرت خواهی کنم تا شاید خداوند به وسیله دعای خیر شما گناهان مرا بیامرزد
کنون امیدوارم به عنوان فرزندان تا بتوانید قدم در طریق بندگی و تقرب خداوند گذارید و حرمت تو را در تربیت
فرزندانم نگاه دارید و تا جایی که امکان دارد از کارهای که در تربیت بچه‌ها خللی کوتاهی نورزید و از خداوند بزرگ میخواهم
که اجر کار خیر و زحمات را بدهد و این را به عنوان وصیت داشته باشید و همیشه در یاد خدا باشید و فرزندان
را در خط امام و اسلام تربیت کنید و شما پدر و مادرم حسرت میخواهم از برادران شاید انتظاری بیهوده نداشته
باشم که ساعدت را داشته باشم جانم فدایتان هم پیش شما نمی‌آید برای من گریه نکنید و خدا را شکر کنید
که توانستم با سلامت خود را به ساحل برسانم صبر و بردباری را پیشه خود قرار دهید و از
عمل ناشایست که همیشه بر ما دیار میگذرد دوری کنید همچنین از اقوام و خویشان و در پایان
از تمام همرزمانم میخواهم که در ولایت فقیه دوری نکنند و یار و یاور امام باشند و هرکسی که از من چیزی
که نشنیده بدی دیده به خوبی و بزرگی خودتان مرا ببخشید و از یاری دادن به رزمندگان کوتاهی نکنید
و این را در این بحران از یاد نبرید باید دانست که می‌گوید
بگو مرد رهی میان خون باید رفت ... از پای فتاده سرنگون باید رفت

یگان خدمتی: گردان کربلا گروهان ابوالفضل گردان واحد: .....

تاریخ: ۶۰/۱۱/۹

تذکر:

امضاء کننده

در صورتیکه به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود را بنویسید: زادگاهم صیامی

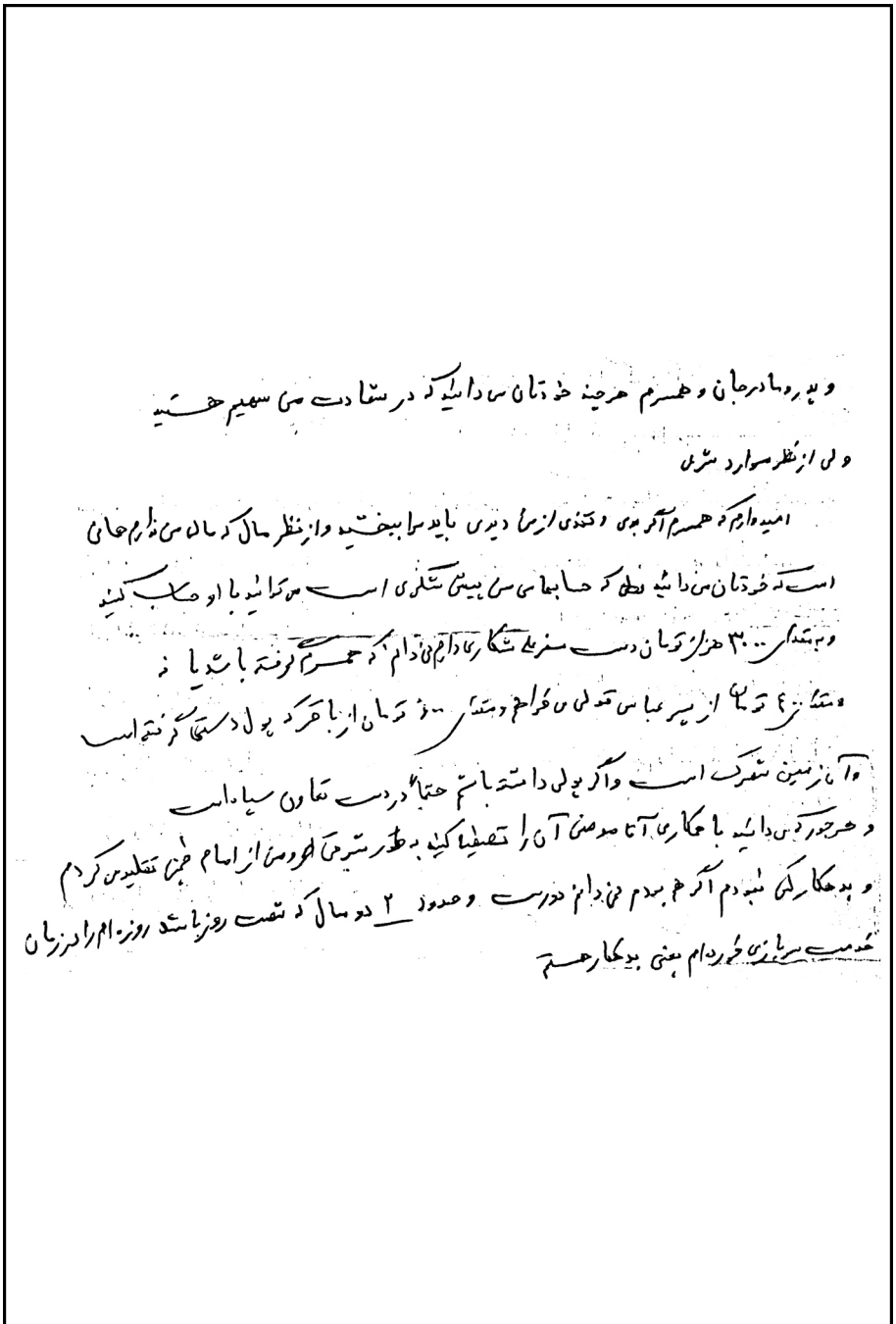

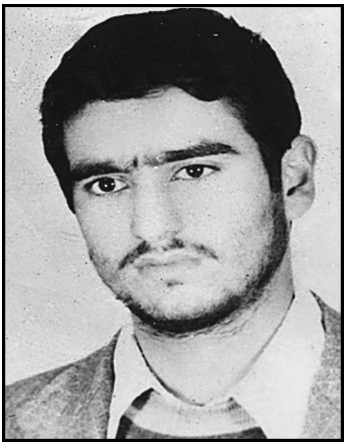

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **اصغری**
نام پدر: **عباس**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۳٦**
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدایا من هیچ نبودم و بودم کردی.
- خدایا هیچ نداشتم، همه چیز به من دادی.
- خدایا یک عمر تو به من مهربانی کردی و من متقابلاً عصیان کردم.
- مال و زندگی خوب است، تا وقتی که به جان آسیبی وارد نکند.
- یک چیز است که از جان نیز عزیزتر و ارزش آن بیشتر است و آن اسلام است.
- خدایا، بارها از تو تقاضا کردم که من را در بستر نمیرانی و مرگم را شهادت در راه خود قرار دهی.
- خدایا، من را از ارادتمندان امام زمان قرار بده.
- از شما می‌خواهم که تقوای الهی را پیشهٔ خود سازید.
- تقاضا دارم که کاملاً مطیع امر ولایت فقیه بوده و نظم را در هر مورد رعایت نمایند.

## محمد اصغری

### بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب، محمد اصغری، فرزند عباس، دارندهٔ شناسنامه، شماره ٤٤، متولد و صادره از حوزه ۲ شاهرود و ساکن بسطام خیابان سرآسیاب شهرک.

«**ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بِأن لهم الجنة یقاتلون فی سبیل‌الله...**».[۱]

«**ربنا افرغ علینا صبرا و ثبت اقدامنا و انصُرنا علی القَوم الکافرین**».[۲]

درود خداوند بر حضرت آدم اولین پیامبر خدا، درود خداوند بر [...][۳] از آدم تا حضرت نوح، درود خداوند بر پیامبران اولی‌العزم مخصوصاً خاتم پیامبران حضرت محمدابن عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، درود و برکات خاصّ بر اولیاء و معصومین خداوند از پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا قائم آل محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، درود خدا [...] و سپاس فراوان به پیشگاه یگانه خالق هستی. خدایا تو را شکر می‌کنم که بار دیگر بر من بنده گنهکار، خود منّت نهادی و توان دادی تا جهت یاری دینت به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل روانه شوم. خدایا تو را سپاس می‌گویم از اینکه زمانی من را آفریدی که بعد از گذشت سال‌ها در تحت حکومت امامی عادل، در سایهٔ انقلاب اسلامی، زندگی خود را تا حدی توفیق دادی سپری نمایم. خدایا تو خالقی و من بنده‌ای ضعیف، خدایا تو [...] و من بنده‌ای عاصی، خدایا تو غفوری و من بنده‌ای گنه‌کار. خدایا یک عمر [...] بودی ولی با حضور تو، من نافرمانی تو را کردم و تو با ستارالعیوبیت عیب مرا پوشاندی. خدایا در این مدت چند سالی که روزیِ مرا در دنیا قرار دادی [...] و همه چیز به من دادی ولی باز من نافرمانی کردم و آنطور که شایسته پرستش بودی، من به وظیفه خود عمل نکردم. خدایا من هیچ نبودم و بودم کردی. هیچ نداشتم همه چیز به من دادی. خدایا یک عمر تو به من مهربانی کردی و من متقابلاً عصیان کردم. خدایا پس با چه رویی به درگاهت روی آورم و حال آنکه تو از هر عیبی پاک و منزهی و من

---

۱- توبه/ ۱۱۱.

۲- بقره/ ۲۵۰.

۳- کلیه مواردی که داخل [...] آمده است به‌علت افتادگی آخر سطور وصیت‌نامه از سمت چپ است.

بنده‌ای سراپا خطاکار. خدایا در هر حال لطف و رحمت بی‌منتهایت مرا به طمع انداخته و با کوله‌باری پر از گناه به درگاهت روی آورده‌ام. تا اینکه با فضل و کرمت به من نظر کرده و از گناهم درگذری، هر چیزی در حد خود ارزشی دارد. مال و زندگی خوب است، تا وقتی که به جان آسیبی وارد نکند. حفظ جان واجب است. یک چیز است که از جان نیز عزیزتر و ارزش آن بیشتر است و آن اسلام است.

خدایا، بارها از تو تقاضا کردم که من را در بستر نمیرانی و مرگم را شهادت در راه خود قرار دهی. حال آمده‌ام تا عزیزترین چیز خود که همانا جانم می‌باشد و آن را نیز تو به من عطا کردی، فدای اسلامت که از جان عزیزتر است و تمام اولیائت جان خود را فدای آن کرده‌اند، بنمایم و اینگونه با تو معامله کنم. خدایا من گستاخی کردم و این جمله را می‌گویم که آنچه تو خودت راضی هستی مرا بدان موفق کن (خدایا بارها در زیارت نامه‌ها خواندم که یا حسین جان «**یا لیتنی کنت معکم**»[1] یعنی ای حسین جان کاش در کربلا بودم و تو را یاری می‌کردم و حالا آن شعار به مرحله عمل رسیده و حالا می‌گویم ای حسین جان: «**انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم**»[2] ای حسین جان سازش می‌کنم با هر که تو سازش کرد و می‌جنگم با هر که با تو جنگید.

خدایا، به من داشتن خصوصیات یک سرباز واقعی که تنها به فرمان فرمانده‌اش می‌نگرد [را] عطا کن و اگر توفیق شهید شدن در راهت را به من عطا کردی، در موقعی که امام زمانت ظهور می‌کند من را زنده بدار، تا در رکاب آن حضرت با دشمنانت بجنگم و به این وسیله دین خود را نسبت به اسلامت ادا نمایم. خدایا، تو در قرآن فرموده‌ای که روز قیامت هر گروهی را با امامش مبعوث می‌کنیم. خدایا، من را از ارادتمندان امام زمان قرار بده و با آن حضرت محشور فرما.

پدرم سال‌های سال جان خود را و سلامت خود را به خطر انداختی، تا لقمه نانی تهیه کرده و مرا پروراندی و با آن همه سختی‌های زندگی بزرگم کردی و سر و سامانی به زندگی‌ام دادی، ولی من هیچ کاری برای تو نکردم. امیدوارم که مرا حلال کرده و ببخشید.

---

۱- قسمتی از زیارت امام حسین(علیه‌السلام) است، ترجمه: «ای کاش من با شما بودم».

۲- فرازی از زیارت عاشورا است.

مادرم در آن سال‌های طاقت‌فرسای زندگی، مرا شیر دادی و بزرگم کردی و چقدر خدمت و مهربانی‌ها دربارهٔ من کردی، ولی من هیچ کاری برای تو نکردم. امیدوارم که شیرت را به من حلال کرده و مرا ببخشی. برادران مهربان و خواهر عزیزم شما سال‌ها به من مهربانی و خدمت کردید، ولی من هیچ کاری برای شما نکردم، امیدوارم شما هم مرا ببخشید.

همسر مهربانم تو واقعاً همسر مهربانی برای من بودی و رازدار زندگی‌ام بودی و با همه سختی‌ها ساختی، ولی من آنطور که شایسته همسری برای شما می‌باید باشم، نبودم. لذا مرا حلال کن و ببخش.

فرزندانم احمد و اعظم را خوب و به طریقه اسلامی تربیت نما و در تحصیل علم آنها کوتاهی نکن. تا بتوانند در آینده خدمتگزاری شایسته برای اسلام و مسلمین باشند. مجدداً از همه شما عذرخواهی می‌کنم و از شما می‌خواهم که تقوای الهی را پیشهٔ خود سازید و جز به اسلام به هیچ چیز دیگر ننگرید، انتظار من از شما برادرانم و از فرزندم احمد بعد از بزرگ شدن این است که نگذارید اسلحه شهید بر زمین بماند و با طی کردن راه صحیح اسلام، ریشهٔ دشمنان اسلام را از بن برکنید.

از شما پدر و مادر و برادران و خواهر و همسر عزیزم می‌خواهم که به وسوسه‌های شیطانی که از بعضی دهانها بیرون می‌آید، گوش نکرده و با توکل بر خدا آن دهانها را با مشت ببندید، زیرا راهی که ما آمده‌ایم حق است و راهی است که تمام اولیاء خدا مخصوصاً سرور شهیدان حسین‌بن علی(علیه‌السلام) جان خود را در آن راه داده‌اند و حضرت زهرا(علیهاالسلام) آن همه مشقات را جهت پیمودن این راه متحمل شد و حضرت زینب(علیهاالسلام) سر شکافته پدر را در محراب عبادت و جگر قطعه قطعه شده برادر را در میان تشت و سر بریدهٔ برادر را بر نیزه دشمنان تحمل کرد و اینها همه به‌خاطر اسلام عزیز است و راه ما راهی است که این بزرگان رفته‌اند.

از همهٔ اقوام و بستگان از اینکه نتوانستم حقی که بر گردن من داشته‌اند، ادا نمایم، معذرت می‌خواهم. از همهٔ شماها تقاضا دارم که در شهادت من گریه و زاری نکنید و اگر هست بر سرور شهیدان حسین‌بن علی(علیه‌السلام) بگریید، تا انشاالله برای شما اجر همیشگی

داشته باشد و از همهٔ شما می‌خواهم که گوش به فرمان امام خمینی باشید و دستورات آن بزرگوار را مو به مو عمل نمایید و بدانید که نایب آن بزرگوار آیت حق منتظری[۱] می‌باشد.

در نمازهای جمعه و جماعات همگی شرکت نمایید. نگذارید اسلحهٔ شهدا بر زمین بماند، سستی به خود راه ندهید تا انشاءالله همیشه پیروز و سرافراز باشید. برادران حزب‌الله به هوش باشید و حضور خود را در صحنه همیشه حفظ کنید و نگذارید کارها به دست افراد بی‌تفاوت و احیاناً ضد انقلاب بیفتد. به هوش باشید که با کوچکترین غفلت مسئول خواهید بود. از برادران فرهنگی و همکارانم می‌خواهم که تا می‌توانند بر رشد معلومات دینی خود افزوده و شاگردان خود را از لحاظ مسائل دینی اشباع نمایند، تا مبادا خدای ناکرده طعمه غارتگران فرهنگی شوند. همکاران عزیز مسئولیتی بزرگ و امانتی بزرگ بر گردن شماست و آن تربیت نسل آیندهٔ اسلام است پس تا می‌توانید در ادای این امانت بزرگ کوشا باشید. از دانش‌آموزان عزیز تقاضا دارم که به حرف‌های معلمین عزیز خود خوب گوش کرده و آن را به جان و دل بپذیرند و تا می‌توانند به تکالیف خود عمل کرده و خود را از لحاظ مسائل دینی و عملی و تخصصی تا حد ممکن اشباع نمایند، تا امانتدار شایسته‌ای برای فردای اسلام ومسلمین باشند. از کلیه برادران و خواهران بی‌سواد تقاضا دارم که برای فراگیری علم و دانش و به پا کردن رشد فرهنگی خود به کلاس‌های نهضت سوادآموزی مراجعه کرده که این دشمن همیشگی خود را هر چه سریع‌تر ازبین ببرند. [...][۲] از آموزشیاران نهضت تقاضا دارم که در کلاس‌ها همیشه به این مسئله جهت آموزش توجه زیاد داشته باشند و از کلیه برادران و خواهران دست‌اندرکاران [و] کادر نهضت تقاضا دارم که نگذارند نهضت حالت نهادی خود را از دست بدهد و از ذکر کردن مکرر آمار و ارقام خودداری نمایید، و بیشتر به کیفیت کار توجه نمایید تا کمیّت آن به افراد ضد انقلاب، که در حقیقت ضد اسلامند، چون انقلاب ما یک انقلاب اسلامی است، توصیه می‌کنم که کمی عقل خود را به کار بیندازند و برگردند به این که در اصل چه بوده‌اند و الان چی هستند، و عاقبت چه خواهند شد. فکر کنند به اینکه آیا آنها نیز خواهند مُرد یا اینکه همیشه زنده‌اند؟

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- خوانا نیست.

اگر اطمینان دارند که همیشه زنده‌اند و می‌توانند خود را زنده نگه دارند و کسی نیست که به وضع آنها رسیدگی کند، پس هر چه می‌خواهند انجام دهند و اگر اطمینان ندارند که تا کی زنده‌اند، قدری بیشتر فکر کنند. زیرا دنیا به هیچ کس وفا نکرده و نخواهد کرد.

از برادران حزب جمهوری اسلامی که اینجانب نیز لیاقت وارد شدن به این ارگان مقدس را پیدا کردم و توانستم در سایه این تشکیلات تا حد امکان به رشد معنوی و سیاسی خود بیفزایم، تقاضا دارم که کاملاً مطیع امر ولایت فقیه بوده و نظم را در هر مورد رعایت نمایند و نگذارند به این ارگان مقدس که به‌عنوان مشعلی از هدایت در جامعه فروزان است و خون بهشتی‌ها[1] به پایش ریخته شده، توسط ضدانقلاب خدشه‌دار شود- خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

«**و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین**»[2] «هراس به خود راه ندهید و اندوهناک نباشید و شما بلند مرتبه هستید اگر مؤمن باشید».

با درود به همهٔ پیامبران از حضرت آدم تا حضرت خاتم حضرت محمدبن عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و با درود فراوان به تمامی اولیاء خدا و با درود فراوان به منجی عالم بشریت حضرت حجة ابن الحسن و با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب شکوهمند اسلامی حضرت امام خمینی و با درود فراوان به ارواح پاک تمامی شهدا و با درود فراوان به تمامی خانواده‌های شهدا و مجروحین و معلولین و با درود فراوان به تمامی رزمندگان اسلام و ملت شهیدپرور ایران.

و اما سخنی با خانواده و پدر و مادرم و فامیلهای مهربانم، اگر خداوند توفیق شهید شدن را به من داد همچون حضرت زینب(علیهاالسلام) که در مصیبت جدش حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و پدرش حضرت علی(علیه‌السلام) و مادرش حضرت فاطمه(علیهاالسلام) و دو

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- آل عمران/ ۱۳۹.

برادرش حضرت امام حسن(علیه‌السلام) و امام حسین(علیه‌السلام) صبر انقلابی نموده و شما هم صبر را پیشه خود نموده و از خداوند بزرگ عظمت اسلام و مسلمین را بخواهید.

پدر و مادرم توجه داشته باشید که ما در حدیث از معصوم، داریم که اگر پدری یک فرزند خود را در زمان حیاتش در راه خدا بدهد از ۷۰ فرزند برای او بهتر است که بعد از مرگش در رکاب پیامبر اسلام جنگ کرده و شهید شوند و البته این افتخار برای شما تا زمانی است که شکر خدا را به‌جا آورید و مغرور نشوید.

و اما سخنی با همسرم، همسرم از تو می‌خواهم که در تربیت فرزندانم کوشا بوده و سعی نمایید یک انسان تحویل جامعهٔ اسلامی نمایید، تا بتوانند حق و باطل را شناخته و در مقابل باطل ایستادگی نمایند و آنها هم همچون ما این سخن را به گوش جهانیان برسانند. آری آن سخن این‌چنین است که امام حسین(علیه‌السلام) فرمود «اگر اسلام با ریختن خون من رشد می‌کند، پس ای شمشیرها مرا دریابید»[1] و ما اینک به استکبار جهانی می‌گوییم که اگر تداوم انقلاب به خون ما نیازمند است پس ای گلوله‌ها ما را دریابید که مرگ با عزت بهتر از زندگی ذلت‌بار است.

و اما پیام این حقیر به ملت مسلمان و شهیدپرور بسطام و کلیه ملت ایران این هست که جبهه‌ها را پر کرده و نگذارند کسانی که در اینجا هستند، خسته بشوند و ثانیاً حضور در صحنه خود را حفظ نموده و در نماز جمعه و جماعات و دعاهایی که برگزار می‌شود، حتماً شرکت نمایند و لحظه‌ای از فرامین امام غفلت ننمایند. تا مبادا گرفتار گوساله سامری‌های[2] زمان گردند و از همین الان می‌گوییم که رهبر و مرجع ما یکی است و آن امام امت خمینی کبیر می‌باشد و این را به‌خاطر داشته باشید.

و شما قدردان این نعمت گرانبها باشید و اما پیامی به کلیه برادران و خواهران بی‌سواد که هر چه سریع‌تر تا فرصت از دست نرفته در کلاس‌های نهضت سوادآموزی شرکت نموده، تا به مسائل اسلامی آشنا شده، تا مبادا بر اثر ضعف فرهنگ اسلامی در معرض

---

۱- ترجمه این عبارت است که منسوب است به امام حسین(علیه‌السلام) در حالی که از آن امام حسین(علیه‌السلام) نیست. «و ان کان دین محمد لم یستقم الا به قتلی فیا سیوف خذینی». این عبارت بیت دوم از شعر یک شاعر ولایی شیعی است که در اکثر منابع و به‌خصوص مقاتل، شعر ایشان را به‌عنوان سخنان امام حسین(علیه‌السلام) نقل کرده‌اند.

۲- ر.ک. تعلیقات.

طعمه گرگ‌های زمان واقع گردید و در پایان از همهٔ ملت شریف می‌خواهم که اتحاد و یکپارچگی خود را حفظ نموده و به این وسیله ضربه نهایی را بر دشمنان اسلام وارد آورید. از پدر و مادر مهربان و خانواده محترمم و کلیهٔ عزیزانی که حق به گردن اینجانب دارند و من نتوانستم آن حق را ادا نمایم، مخصوصاً خانواده و پدر و مادرم تقاضا دارم که مرا ببخشند و توجه شما را به این آیه از قرآن کریم جلب می‌نمایم که هیچ عمل و کاری و حادثه‌ای واقع نمی‌شود مگر اینکه خدا بخواهد و کسی که به خدا ایمان بیاورد خداوند قلبش را هدایت می‌کند و همانا خداوند به همهٔ امور عالم دانا است بنابراین تنها به یاد خدا باشید و همیشه «ذکر خدا را به زبان آورید که با یاد خدا[1] دل‌ها اطمینان می‌یابد». مبادا در مصیبت من گریه و ناله نمایید که دشمن سوء استفاده نماید. «**اللهُمَ وفقنا لما تُحب و ترضی**».

و ای خدا

نی از تو حیات جاودان می‌خواهم — نی ملک تنعم جهان می‌خواهم[2]
نی سیم و زر و راحت جان می‌خواهم — آن چیز رضای توست آن می‌خواهم

***

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند — فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی — دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

***

گر مرد رهی میان خون باید رفت — از پای فتاده سرنگون باید رفت
تو پا به ره بنه دگر هیچ مپرس — خود راه بگویدت که چون باید رفت

**«والسلام علی من اتبع الهُدی»**[3*]

**محمد اصغری**

---

۱- عبارت شهید به این آیه اشاره دارد «**اَلا بذکر الله تطمئن القلوب**».

۲- رباعی‌ها از فریدالدین عطار نیشابوری است. مصرع سوم رباعی سوم در دیوان عطار چنین است: «تو پای به راه ورنه و هیچ مپرس».

۳- در اصل وصیت «والسّلام مَن اتبع هُدی».

*- در ادامه این عبارت وصیت‌نامه دست‌کاری شده و عبارت «همه پشتیبان ولایت فقیه باشید» با خطی کاملاً متفاوت وارد وصیت اصلی شده است.

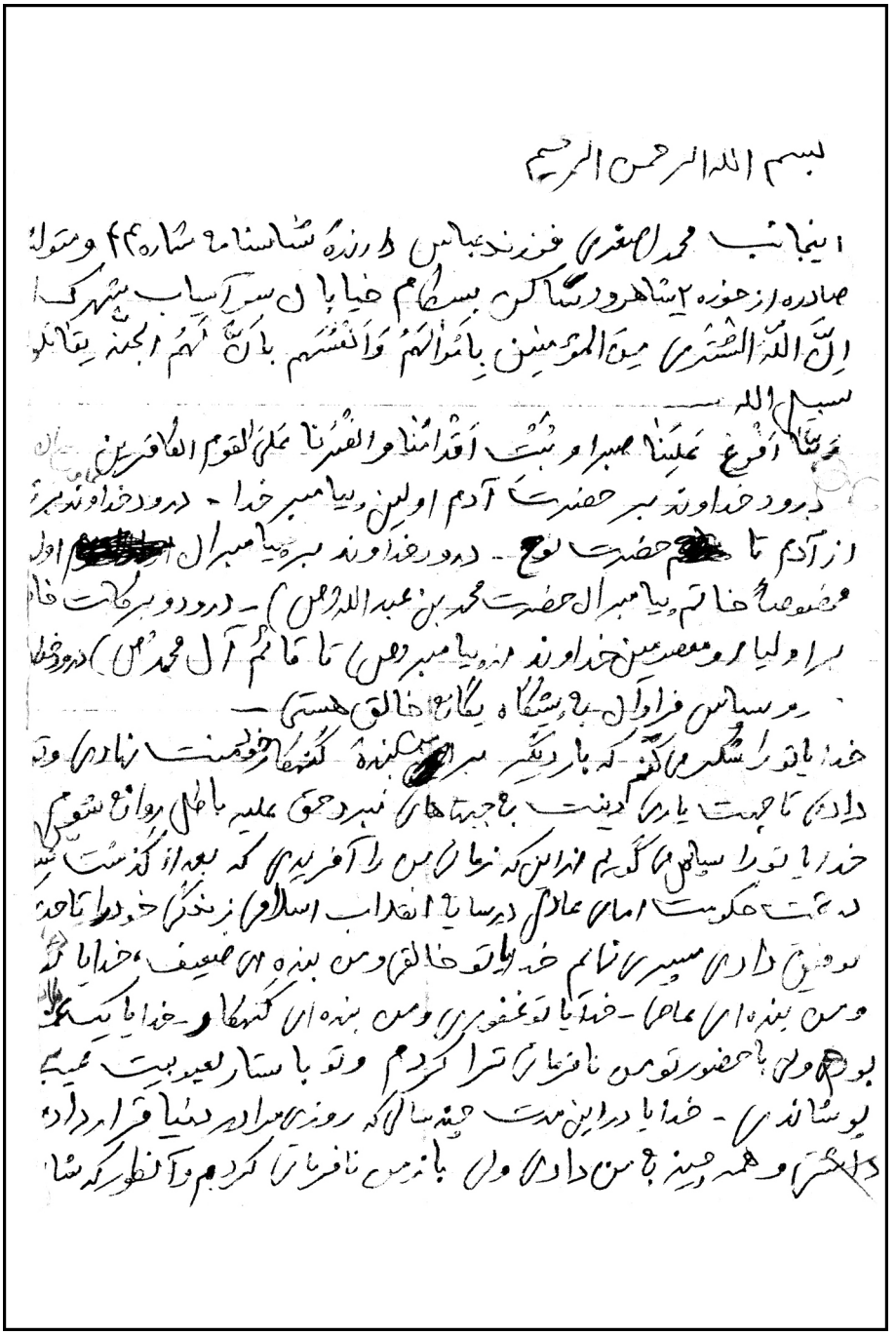

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] محمد اصغری فرزند عباس [illegible] شناسنامه شماره ۴۴ و متولد [illegible] صادره از حوزه ۲ شاهرود و ساکن بسطام خیابان سرآسیاب شهرک [illegible]

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ [illegible]

[illegible] أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ [illegible]

درود خداوند بر حضرت آدم اولین پیامبر خدا - درود خداوند بر [illegible] از آدم تا [illegible] حضرت نوح - درود خداوند بر [illegible] پیامبران [illegible] اول مخصوصاً خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله (ص) - درود و برکات خدا بر اولیاء و معصومین خداوند و نیز پیامبر (ص) تا قائم آل محمد (ص) درود خدا بر [illegible] و سپاس فراوان بارگاه یگانه خالق هستی -

خدایا تو را شکر می‌کنم که بار دیگر [illegible] کننده گناهان [illegible] نادری و توفیق دادی تا جهت یاری دینت با جبهه‌های نبرد حق علیه باطل روانه شوم [illegible] خدایا تو را سپاس می‌گویم از این که زمان من را آفریدی که بعد از گذشت [illegible] دولت حکومت امام عادل در سایه انقلاب اسلامی زندگی خود را تا حدی [illegible] توفیق دادی مسیر را نام خدایا تو خالق و من بنده‌ی ضعیف، خدایا تو [illegible] و من بنده‌ی عاصی - خدایا تو غفور و من بنده‌ای گنهکار و خدایا تو [illegible] بودی و با حضور تو من نافرمانی تو را کردم و تو با ستار العیوبت عیب [illegible] پوشاندی - خدایا در این مدت چند سال که زندگی مرا در دنیا قرار دادی [illegible] داشتی و همه وسیله‌ها من دادی ولی با این من نافرمانی تو را کردم و آنطور که شاید

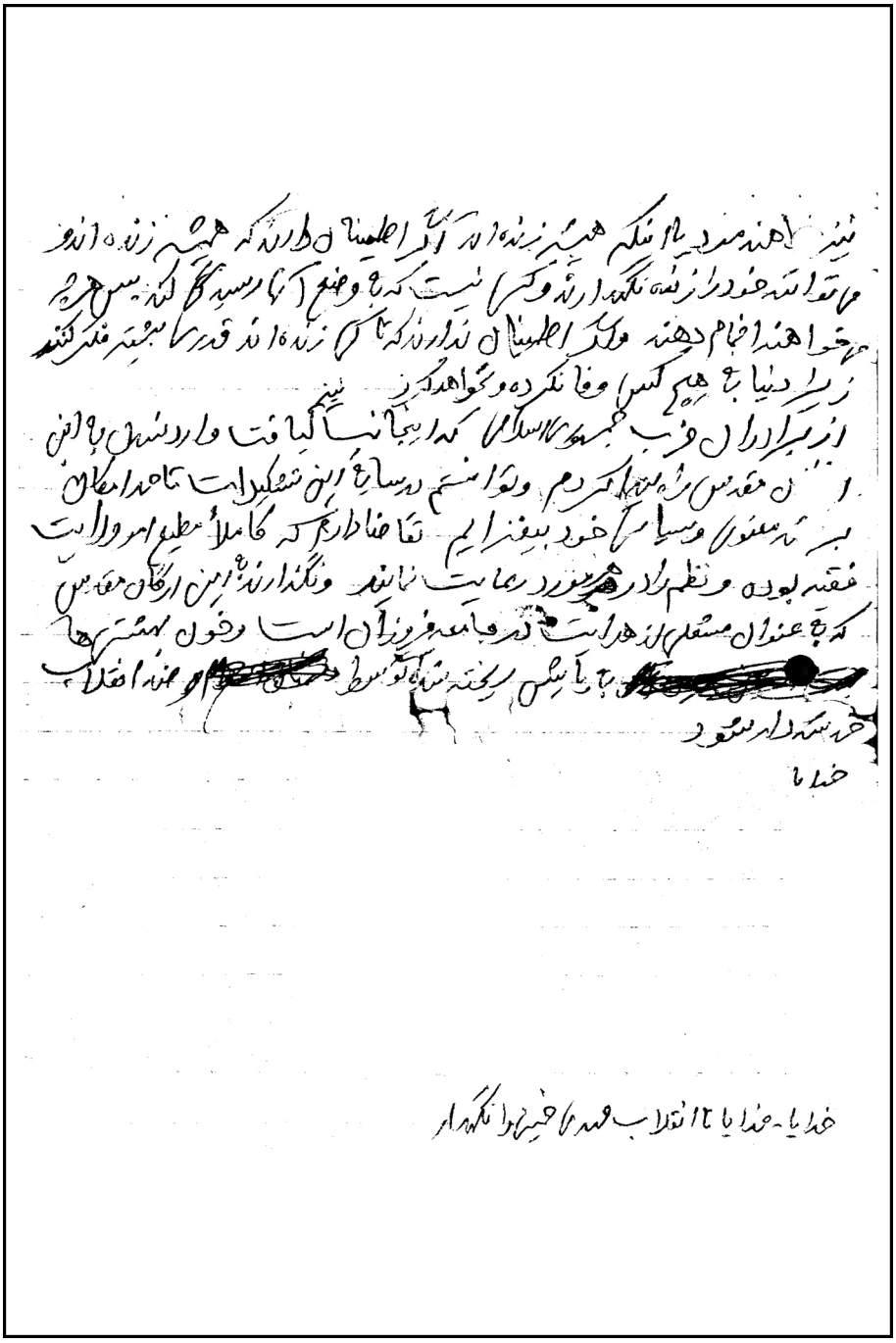

بسم الله الرحمن الرحیم

قسمتی از وصیت نامه برادر شهید معلم بزرگوار

«محمد سعیدی»

ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین.

هواس به خود راه ندهید و اندوهناک نباشید و شما بلندمرتبه هستید. اگر مؤمن باشید.

با درود فراوان به تمامی پیامبران از حضرت آدم تا حضرت خاتم حضرت محمد بن عبدالله (ص) و با درود فراوان به تمام اولیاء خدا و با درود فراوان به ~~محمد~~ منجی عالم بشریت حضرت حجة ابن الحسن و با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب شکوهمند اسلامی حضرت امام خمینی و با درود فراوان به ارواح پاک تمامی شهدا و با درود فراوان به تمامی خانواده های شهدا و مجروحین و معلولین و با درود فراوان به تمامی رزمندگان اسلام و ملت شهید پرور ایران.

و اما سخنی با خانواده عزیز و مادرم و نامه های مهربانم. اگر خداوند توفیق شهید شدن را به من داد همچون حضرت زینب (سلام الله) که در مصیبت جدش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و پدرش حضرت علی علیه السلام و مادرش حضرت فاطمه (سلام الله) و برادرش حضرت امام حسن و امام حسین صبر انتخاب نموده و شما هم صبر را پیشه خود نموده و از خداوند بزرگ عظمت اسلام و مسلمین را بخواهید.

پدر و مادرم! توجه داشته باشید که ما در حدیث از معصوم داریم که اگر پدری یک فرزند خود را در زمان حیاتش در راه خدا بدهد از ۷۰ فرزند برای او بهتر است که بعد از مرگش در رکاب پیامبر اسلام جنگ کرده و شهید شوند و البته این افتخار برای شما تا زمانی است که شکر خدا را بجا آورید و مغرور نشوید.

و اما سخنی با همسرم: همسرم از تو می خواهم که در تربیت فرزندانم کوشا بوده و سعی نمایید یک انسان تحویل جامعهٔ اسلامی نمایید تا بتواند حق و باطل را شناخته و در مقابل باطل ایستادگی نماید و آنها هم همچون ما این سخن را بگوش جهانیان برسانند. آری آن سخن این چنین است که امام حسین علیه السلام فرمود اگر اسلام با مثل خون من رشد میکند پس ای شمشیرها ما را دریابید و ما اینک به استکبار جهانی میگوییم که اگر تداوم انقلاب به خون ما نیازمند است پس ای گلوله ها ما را دریابید که مرگ با عزت

بهتر از زندگی ذلت بار است.

و اما پیام این حقیر به ملت عزیز و رشید و در بند و سلام و کلیهٔ ملت ایران این هست که همه‌ها را بکرده و تکذارند کسان که در این هنگام خسته میشوند و شانه خالی کنند حضور در صحنه خود را حفظ نموده و در تظاهرات و راهپیمایی‌ها که برگزار میشود حتماً شرکت نمایند و لحظه‌ای از فرامین امام غفلت ننمایند تا مبادا توطئه‌گران سالهٔ سامری‌های زمان آورند و از همین الان میدهیم که رهبر و مرجع ما یکی است و آن امام است خمینی کبیر باشد و این را نباید فراموش باشید همه شما وظیفه [illegible] و شاکر دان این نعمت آنها باشید

و اما پیامی به کلیهٔ برادران و خواهران بی سواد که هرچه سریعتر تا فرصت از دست نرفته در کلاسهای نهضت سوادآموزی شرکت نموده تا به مسائل اسلامی آشنا شده تا مبادا بر اثر ضعف فرهنگ اسلامی در معرض طعمهٔ توطئه‌گران واقع گردید و در پایان از همهٔ ملت شریف می خواهم که اتحاد و یکپارچگی خود را حفظ نموده و به این وسیله ضربهٔ نهائی را بر دشمنان اسلام وارد آورید

~~از پدر و مادر مهربان و خانواده محترم و کلیهٔ عزیزانی که حق به گردن اینجانب دارند و من نتوانستم~~

حق را ادا نمایم مخصوصاً خانواده برادر و مادرم تقاضا دارم که مرا ببخشند و توجه شما را به آیه از قرآن کریم جلب می نمایم که هیچ عمل و کاری و حادثه‌ای واقع نمی شود مگر اینکه خدا بخواهد و کسیکه بخدا ایمان بیاورد خداوند قلبش را هدایت میکند و همانا خداوند به همهٔ امور عالم داناست بنابراین تنها به یاد خدا باشید و همیشه ذکر خدا را به زبان آورید که با یاد خدا دلها اطمینان می یابد و ما را در مصیبت من گریه و نالان نمایید که دشمن مرا استهزا ده نمایند. اللّهُمَّ وفِّقْنا لِما تُحِبُّ و تَرضی

والسلام مَن اتبعَ هُدی

ای خدا!

نی از تو حیات جاودان میخواهم — نی ملک تنعّم جهان میخواهم
نی سیم و زر و راحت جان میخواهم — آن چیز رضای تو ست آن میخواهم
آن کس که ترا شناخت جان را چه کند — فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند — دیوانه کن هر دو و جانش بخش
گر مرد رهی میان خون باید رفت — از پای فتاده سرنگون باید رفت
تنهای به زه مبند و تیر مپران — خود راه بگویید که چون باید رفت

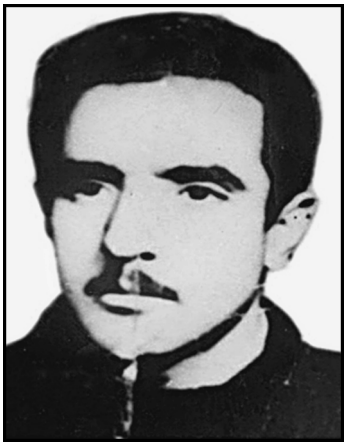

نام: **ابوالقاسم**
نام خانوادگی: **اصغریان**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **ربابه**
تاریخ تولد: **یکم آبان ۱۳۱۲**
محل تولد: **روستای علی‌آباد کتول از توابع شهرستان گرگان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **جهاد سازندگی**
تاریخ شهادت: **پنجم تیر ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **سانحه رانندگی**
**مزار: گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- دفاع از خاک و ملت، برای هر مرد غیرتمند واجب است.
- از خدای بزرگ می‌خواهم من را در راه رسیدن به کربلای حسین(علیه‌السلام) به فیض شهادت برساند.
- از مسئولین تقاضای عاجزانه دارم، قدر مملکت و جوان‌ها را بدانند.
- امروز اطاعت از این پیرمرد باتقوی (امام خمینی) واجب است.
- این راه را از روی اختیار و آزادانه و آگاهانه انتخاب کردم.
- اگر شما مسئولین با مفاسد اجتماعی مبارزه جدی و خدایی نکنید، ما در فردای قیامت، جلوی شما را خواهیم گرفت.

## ابوالقاسم اصغریان

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«جنگ جنگ است و عزت و شرف ما نیز در گرو همین جنگ». (امام خمینی)[۱]
اینجانب، ابوالقاسم اصغریان، فرزند علی‌اکبر، ساکن شهرستان علی‌آباد کتول، وصیت خود را به شرح ذیل برای اقوام و نورچشمان فرزندان عزیزم به یادگار می‌گذارم.

شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای «جل‌جلاله» نیست و آخرین رسولان برترش حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است و پس از آن بزرگوار، امام علی(علیه‌السلام) و یازده اولاد معصومین آن امام، جانشین برحق پیامبر خدا هستند و پس از امامان عزیز، مرجع شیعیان امام خمینی رهبر ماست و امروز اطاعت از این پیرمرد باتقوی، واجب است. من که اکنون ۵ الی ٦ مرتبه است که به جبهه‌های حق علیه باطل می‌روم، این را اولاً بر خود واجب می‌دانستم. خصوصاً دفاع از خاک و ملت، برای هر مرد غیرتمند واجب است و من این راه را، از روی اختیار و آزادانه و آگاهانه انتخاب کردم و از خدای بزرگ می‌خواهم من را در راه رسیدن به کربلای حسین(علیه‌السلام) به فیض شهادت برساند و عاقبت به خیر نماید. از مسئولین تقاضای عاجزانه دارم، قدر مملکت و جوان‌ها را بدانند و انقلاب و امام را حفظ نمایند و با افراد ظالم بی‌خدای فاسد، که به اشکال مختلف در پی انحراف مردم و جوان‌ها هستند بجنگند و آنها را نیست و نابود نمایند و اگر شما مسئولین[۲] با مفاسد اجتماعی جدی و خدایی نکنید، ما در[۳] فردای قیامت، جلوی شما را خواهیم گرفت و هرگز شما را نخواهیم بخشید. همسرم: ای که تو در طول زندگی در کنار من با زندگی مستضعفانه من ساختی و تحمل سختی‌ها و رنج‌ها را کردی، از تو متشکرم و امیدوارم با حضرت زینب(علیهاالسلام) همنام خودت در قیامت، همنشین باشی. همسر عزیزم خانه مسکونی و بچه‌ها را برای سرپرستی آنها به تو می‌سپارم. پس از شهادتم مرا در مزار امامزاده در کنار قبور

---

۱- عبارت از امام خمینی است (صحیفه امام، دورهٔ ۲۲ جلدی تبیان و نیز قوای مسلح در اندیشه امام خمینی ص٤٧).
۲- برای روانی و فصاحت عبارت کلمهٔ شما مسئولین جابجا شده است. در اصل وصیت «اگر با مفاسد اجتماعی شما مسئولین مبارزه جدی و خدایی نکنید».
۳- در اصل وصیت قبل از فردای قیامت، واژهٔ «پس» است که برای شیوایی حذف شده است.

شهدا و فرزندان واقعی فاطمه(علیهاالسلام) دفن نمایید. در مراسم عزاداری حداقل خرج را کنید (بیشتر از ۳۰,۰۰۰ هزار ریال یعنی سه هزار تومان نباشد) و زمینی را هم که در کنار جاده در نزدیکی کافه چلوکبابی در آنطرف شهر و به سمت گنبد، دارم و قبلاً مغازه‌ام بود. بین فرزندانم به طور شرعی تقسیم نمایید.

همه دوستان، اقوام، آشنایان، همشهری‌ها و همه کسانی که از من حقی دارند و خصوصاً مادر عزیزم مرا ببخشید و عفو نمایید.

**«والسلام»**

**ابوالقاسم اصغریان**

**۱۳۶۵/۳/۲۰**

بسمه تعالی

~~صلح جنگ است و عزت و شرف ما نیز در گرو همین مجاهدت~~

امام خمینی

اینجانب ابوالقاسم اصغریان فرزند علی اکبر ساکن شهرستان ~~ع~~ آباد کتول وصیت خود را به شرح ذیل برای اقوام و نورچشمان فرزندان عزیزم به یادگار می گذارم.

شهادت صدهم که خدائی جز خدای جل جلاله نیست و آخرین رسولان و پیرو دین حضرت محمد (ص) است و پس از آن نگهدار امام علی (ع) و یازده اولاد معصومین آن امام جانشین برحق پیامبر خدا هستند، و پس از امامان عزیز مرجع شیعیان امام خمینی رهبر ما است و امروز اطاعت از این پیرمرد با تقوی واجب است. من که اکنون ۵۱ سال عمر دارم است که به جبهه های حق علیه باطل می روم این را اولاً بر خود واجب میدانستم

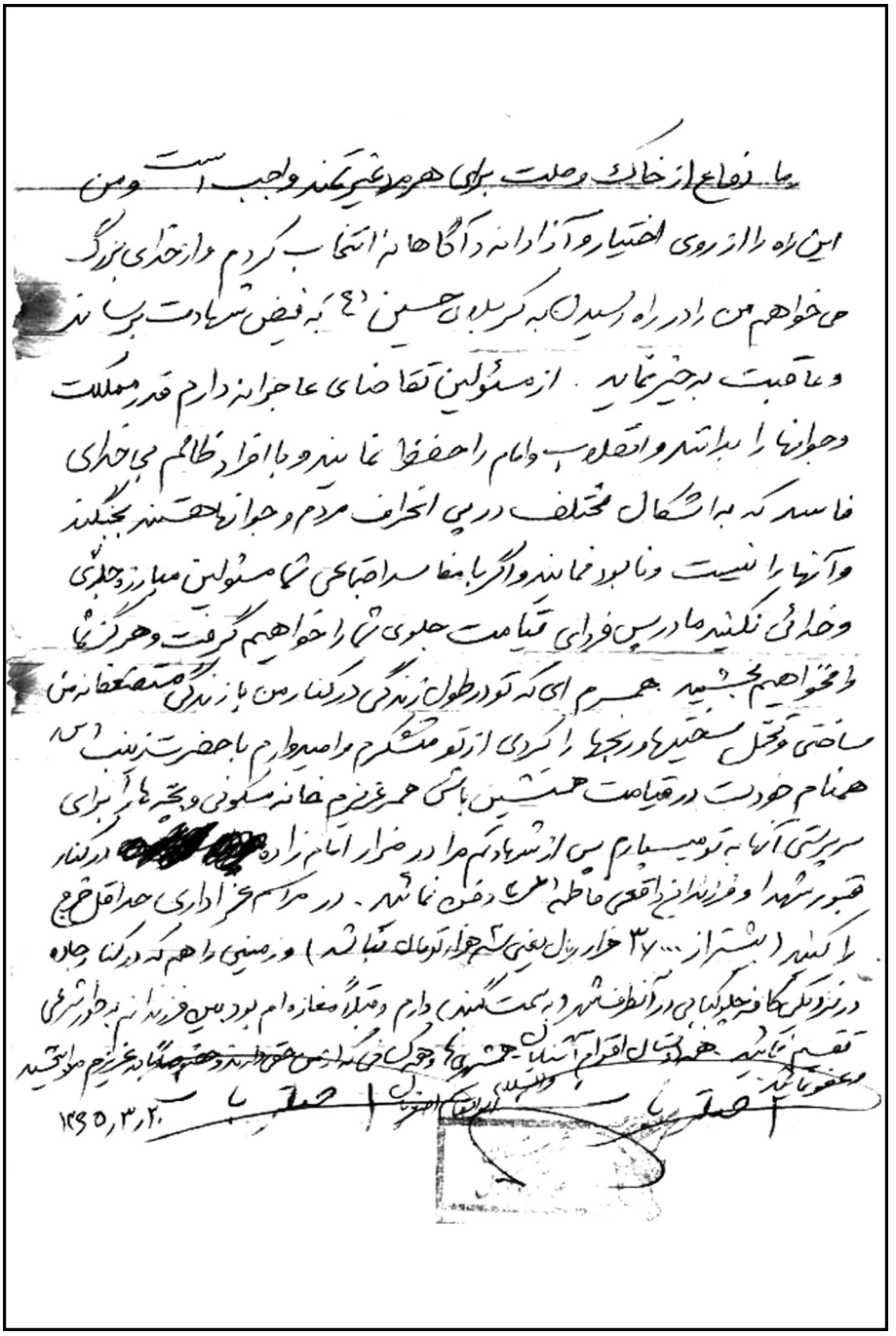

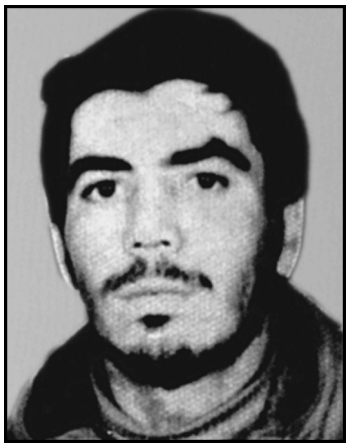

نام: **علی‌اصغر**
نام خانوادگی: **اصغریان**
نام پدر: **گل‌محمد**
نام مادر: **فاطمه‌خاتون**
تاریخ تولد: **دوم فروردین ۱۳٤۲**
محل تولد: **شهر میامی از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم تیر ۱۳٦۱**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- باید آنجا بگوییم ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد.
- تا آخرین قطره خونمان می‌جنگیم و برای اسلام و قرآن جانمان را فدا می‌کنیم.
- ابرقدرت‌ها با تمام قدرتشان می‌خواهند انقلاب اسلامی و مسلمین را سرکوب کنند.
- امروز به ندای خمینی روح‌الله لبیک «هل من ناصر ینصرنی» را می‌گوییم.
- تا آخرین نفس، جانمان را فدای چنین اسلام و رهبری خواهیم کرد.
- یک خواهش خالصانه دارم که شما بعد از مرگ من هیچ گریه نکنید.
- این بار می‌روم تا اگر لیاقت شهید شدن را داشتم، بپذیردم.
- مطالعه کنید از جمله قرآن، نهج‌البلاغه.
- به رهنمودهای اما گوش کن و به آنها عمل کنید.
- حجاب و عفت را حفظ کن.
- تا کی صبر کنم و شاهد جنایات آمریکا باشیم.

## علی اصغر اصغریان

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**ان الله لاینظر الی صورکم و اعمالکم انما ینظر الی قلوبکم و فیتکم**»[۱] «خدای بزرگ نگاه نمی‌کند به صورت و کارهای‌تان بلکه نظر می‌کند به قلب‌ها و نیت‌هایتان»
تا بانگ الله اکبر و لا اله الا الله محمد رسول الله به جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه هست [ما هستیم].[۲] (امام خمینی)

وصیت‌نامه علی اصغر اصغریان، شماره شناسنامه ۳۰، تاریخ تولد ۱۳۴۲، محل تولد میامی. آری، زمان زمان صدر اسلام و رسول اکرم است و در این برهه از زمان انقلابی دیگر رخ می‌دهد و از بَعدِ سال‌ها[ی] سال، مسئله تنها شدن اسلام مطرح می‌شود. امام، آن پیر خروشان، دلسوز اسلام و یاور محرومان و خصم ستمکاران در این عصر قیام می‌کند و بر طاغوت و طاغوتیان، ابر قدرت‌ها[ی] بزرگ، از جمله آمریکا[ی] جنایتکار چنان لرزه بر اندامشان انداخته که گویی هرکدامشان دست به اتحادی نامعلوم می‌زند و با تمام قدرتشان می‌خواهند انقلاب اسلامی و مسلمین را سرکوب کنند. از هر طرف، چه از لحاظ فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی بسیج شده‌اند، ولی نمی‌داند اینها که کور خوانده‌اند.

ملتی که امامش از خداوند الهام می‌گیرد و ملت جهان پشتیبان آن است و باز در مقابل این جریان که نمی‌تواند کار بکند و دست به کاری دیگر می‌زند که آن هم جنگ عراق و ایران و همچنین لبنان که با اسرائیل غاصب[۳] سال‌هاست ملت عزیز[را] از زن و کودک

---

۱- روایت با اندک اختلافی از آن پیامبر اکرم(صلوات الله علیه) است: «ان الله لاینظر الی صورکم و لا الی اموالکم و انما ینظر الی قلوبکم و اعمالکم» (امالی‌طوسی، ج۱، ص۵۳۶، ح۱۱۶۲) ترجمه: «خدای بزرگ نگاه نمی‌کند به صورت‌ها و اموال‌تان بلکه به قلوب و اعمال شما نگاه می‌کند».

۲- امام خمینی نگاه ویژه‌ای به مبارزه دارد. نوع برداشت امام با دیگران متفاوت است. در صحیفه امام تعبیری است قریب به آنچه شهید اصغریان در صدر وصیت‌نامه نوشته است می‌فرماید: «ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم، ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزار درآوریم». در اصل وصیت «ما هستیم» افتاده است. (صحیفه امام، ج ۲۱، م ۸۸)

۳- در اصل وصیت «قاصب».

گرفته در زیر بمباران قرار می‌دهند و آنها را به خاک و خون می‌کشند.[۱] باید آنجا بگوییم «ملتی شهادت دارد اسارت ندارد»[۲] و تا آخرین قطره خونمان می‌جنگیم و برای اسلام و قرآن جانمان [را] فدا می‌کنیم و حال راهی جبهه‌های حق علیه باطل می‌شویم که با نثار خونمان به منافقین، بی‌دینان بفهمانیم اگرچه در صحرای کربلای حسین(علیه‌السلام)، رهبر آزادمردان، نبودیم لبیک سر دهیم، امروز به ندای خمینی روح الله لبیک «هل من ناصر ینصرنی»[۳] را می‌گوییم و تا آخرین نفس، جانمان را فدای چنین اسلام و رهبری خواهیم کرد و حال ای تو زن، که همسری را با من قبول کردی و اینجاست که [از][۴] زحمات شما تشکر کنم و شما می‌دانستی که در عین حال پاسدارم و این را هم می‌دانستی که [تا] ظلم هست[۵] مبارزه هم هست[۵] و از شما یک خواهش خالصانه دارم که شما بعد از مرگ من هیچ گریه نکنید، بلکه خوشحال [و] سرافراز باش که شوهرت را در راه اسلام و قرآن فدا کردید. آری، کاسه صبرم لبریز شده، تا کی صبر کنم و خود نمی‌توانم[۶] شاهد جنایات صدامی باشم. با اینکه چندین بار است راهی جبهه می‌شوم، ولی به آرزوی دیرینه خود نرسیدم. این بار می‌روم تا اگر لیاقت شهید شدن را داشتم، بپذیردم و آن چیزی را هر روز به تو می‌گفتم که مطالعه کنید از جمله قرآن، نهج‌البلاغه و دیگر کتاب‌های را. اگر می‌خواهید اَزَت راضی باشم، دوست دارم [به] وصیتم عمل کنید و الا ازتان نخواهم گذشت و همچنین به رهنمودهای امام گوش کن و به آنها عمل کنید. و این چند نکته[۷] را در نظر داشته باش. دختر دایی، از قول من [از] مادرت و پدرت معذرت خواهی[۸] کن و

---

۱- در اصل وصیت «می‌کشیدند».

۲- جملهٔ «ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد» از سخنان حضرت امام خمینی است. (صحیفه امام دوره ۲۲ جلدی). بعد از «ملتی» واژهٔ «که» افتاده است.

۳- ر.ک. تعلیقات.

٤- شهید عزیز در نگارش وصیت‌نامه برخی حروف اضافه را یا به کار نبرده است یا اشتباهاً به کار برده است. برای جلوگیری از کثرت پاورقی‌ها این موارد تصحیح و داخل کروشه گذاشته شده است.

۵- در اصل وصیت «است».

٦- در اصل وصیت «نمی‌تواند».

۷- در اصل وصیت «نقطه».

۸- در اصل وصیت «خواهید».

می‌خواهم که مزاحمت[۱] یا دردسری برایشان ایجاد کردم ببخشند و شما هیچ‌گاه گول شیاطین و وسوسه‌ها را نخورید. حجاب و عفت را حفظ کن، چون که حجاب تو خون سرخ من است و از خون من خوب نگه داری کنید و راه زینب را خوب شناخته باشید و آن همه مصیبت‌هایی [که] در جلوی چشمش اتفاق افتاد در صحرای کربلا، سرمشق خود قرار دهید و بعد از مرگ [با] مادرم صحبت کن در رابطه با شهید و جنگ تحمیلی و چون‌که وظیفه خود دانسته و جانم در دست خودم نیست، امیدوارم در این چند ماه اگر مزاحمت برایت ایجاد کردم ببخشید و امیدوارم خوشحال باشی که شوهرت در راه اسلام جان داد.

و اما مادرم، «انالله و انا الیه راجعون» ما همه از خداییم و بازگشت به‌سوی اوست. توجه زیادی داشته باش چون منطق با اسلام است و این کالایی[که] خداوند داده و حال باید به خودش بفروشیم و مبادا در حقم گریه کنید و دعا کن که چنین فرزندی را در [راه] انقلاب و اسلام اهدا نمودید و بخندید و خوشحال باش. تا اینکه و ممکن است با گریه‌های شما دشمن از خدا بی‌خبر شاد شود و انگار و نه انگار که پسری داشته‌اید و اگر گناهی در حقتان کردم ببخشید. و نمی‌دانم خوبی‌ها و مهربانی که برآیم کرده‌اید جبران‌پذیر باشم. و از خدا می‌خواهم که پاداش آن خوبی‌ها را بدهد و در حالی‌که من برای تو پسری نکردم و تو حق مادری به‌جای آوردی و باز می‌گویم هرگز گریه نکنید و این را می‌دانم مهر فرزندی در تو است ولی تا می‌توانید یک قطره اشک هم نریزید. به‌جای گریه [و] اشک، شیرینی بدهید. توی کوچه را چراغانی کنید و جشن بگیرید و انگار که عروسی کرده‌ام. بله این را هم بگویم که با گلوله‌های سرب عروسی می‌کنم و آن هم شهادت است و با غلغله شادی مسلسل‌ها و بارش نقل سربی در حجلهٔ سنگر، عروس شهادت را به آغوش خواهم کشید و هرگاه به‌یاد من افتادید، به‌یاد مادران بی‌فرزند و عمار[۲] و ابوذر[۳] و صحنه کربلا [را] به یاد آر، آن مادرانی که چندین فرزند را از دست داده‌اند.

---

۱- در اصل وصیت «مزاحم».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

و شما پدر عزیزم، امیدوارم در درون قلبت مرا بخشیده باشی. من که در حقتان گناه زیادی کردم و پیشت شرمنده‌ام. یقین اگر نبخشید، ممکن است خداوند در درگاهش مرا قبول نکند و هرگز گریه نکنید. بس است زندگی ننگین تا کی صبر کنم و شاهد جنایات آمریکا باشیم. حال راهی جبهه‌ها می‌شوم و با اجازه تو امیدوام از من راضی باشید. باشد که خداوند به تو صبر و استقامت دهد و هیچ‌گاه نگویید که کمر[م] شکست و زنجیر خانمان پاره شد. تو خودت می‌دانی در راه خدا شهادت است و هیچ جای نگرانی نیست و پس خوشحال و خندان باش.

لاله این چمن آلوده به رنگ است هنوز  سپر از دست نینداز که جنگ است هنوز[1]

و اما تو برادر عزیز، تویی که درون مردم هستی. از تو می‌خواهم که از تمام کارهایی که کرده‌اید به پیش خدا سر فرود آری و کمک بطلب تا اینکه کمکت کند. با مردم خوش‌رفتاری کن و بیا درون این جبهه‌ها ببین چه ایثار و فداکاری و چه حماسه‌ها و معجزه‌ها است. به‌خاطر چه، به‌خاطر اینکه اسلام است و ما ایمان به الله داریم. برادرم، نمازت را به‌پای دار، کمک به پدر و مادرت کن. دوست دارم بعد از توبه‌ات اسلحه من را بگیرید و از اسلام دفاع کنید و تو خواهر عزیز، تو را به جان مادر به مکتب‌خانه برو تا اینکه قرآن را فراگیرید و حتماً کتاب‌های خوب و ارزنده و مفید را مطالعه و سعی کنید بیشتر در جلسات مذهبی شرکت کنید. توی مدرسه و حتی توی کوچه خوش‌رفتار[ی] کن.

برادر و خواهران عزیزم، امروز آخرین دیدار را با شما دوستان به‌وسیله این نامه می‌کنم. امروز از جانم می‌گذرم چون مرگم جز به راه حق و قرآن چیز[2] دیگری نیست و در این سنگر اسلام می‌خواهم شرافتمندانه بمیرم چون این راه [را] خودم انتخاب کردم. می‌خواهم سرافراز بمیرم و برادر و خواهر عزیز، سعی کنید اسلام واقعی را بشناسید و به فرمان رهبر عالیقدر عمل کنید، چون او نماینده امام زمان است و از خداوند ایزدمنان الهام می‌گیرد و

---

۱- در اصل وصیت در مصرع دوم شعر واژه سپر را «سپری» نوشته که در وزن شعر خللی ایجاد شده است. در ضمن «نینداز» را نیز «نیانداز» نوشته است.

لاله این چمن آلوده به رنگ است هنوز  سپری از دست نیانداز که جنگ است هنوز

۲- در اصل وصیت «چیزی».

هیچ‌گاه پایتان [را] از رهنمودهایش بیرون نگذارید و شما دوستان من گول این شیاطین و منافقین[۱] را نخورید و یقین الان زمانی است که اگر گول اینها بخورید و یا اینکه گمراه شوید، خداوند شما را نخواهد بخشید و غیر از راه امام، که [از] همان راه انبیا سرچشمه می‌گیرد، راه دیگری انتخاب کنید شکست درش حتمی است. خداوند [برای] شما عذابی دردناک خواهد فرستاد. و یک تقاضای من این است از ملت شهیدپرور و مسلمان که امام را تنها نگذارند و به رهنمودها عمل کنند و همیشه در صحنه باشید «**هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی‌الدین کله و کفی بالله شهیداً**»[۲]، اوست که فرستاد پیامبری به رهبری و کیش حق تا ظاهر گرداند دین خودش را بر همه دین‌ها اگرچه کفار نخواهند و کافی که خداوند شهادت داده باشد.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

«**هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره کله و کفی بالله شهیداً**» «اوست که فرستاد پیامبری به رهبری و کیش حق تا ظاهر گرداند دین خودش را بر همه دین‌ها، اگرچه کفار نخواهند و کافی که خداوند شهادت را داده باشد».

خدایا، از تو می‌خواهم که در این راه یاری و هدایتم فرمایی، چون در غیر این صورت موفق نخواهم بود و الهی رضای من به رضای توست. خداوندا، تو را به خون پاک شهیدان، به‌ویژه سیدالشهداء حسین(علیه‌السلام)، سوگند می‌دهیم که دشمنان این انقلاب رهبر عزیز ما را، که در هر لباس و مقام هستند، اگر قابل هدایت هستند هدایتشان کن و اگر نیستند، نیست و نابودشان بگردان و رزمندگان اسلام [را] در کلیه جبهه‌های جنگ از رحمت و نصرت خودت بهره‌مندشان بفرما.

پروردگارا، امام عزیزمان، روح‌الله کبیر انقلاب، این فرزند حسین(علیه‌السلام) و انبیاء، این امیر مستضعفان، این کوبنده طاغوتیان و بنیانگذار جمهوری اسلامی و ای خدای رحمان رحیم

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- فتح / ۲۸.

تویی که در همه چیز دانا و توانایی، تو خودت امام ما را تا ظهور حضرت بقیه‌الله، امام زمان(عج)، برای ما نگه دار. آمین یا رب‌العالیمن
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

همسر عزیزم، مقداری پول در دست یکی از دوستان به‌نام حاج سعادت عسگری است که به محمود عمو بگو تا ایشان از او بگیرد. او آدرس دقیق را می‌داند. آدرس: قم، بهداری سپاه پاسداران که به مبلغ ۹۵۰۰۰ ریال است. به مبلغ ۷۵۰۰ تومان به عابدین امین‌پور و بقیه را هم به قرض‌الحسنه و همچنین از پول‌های خانه بدهید. به قرض‌الحسنه به مبلغ ۵۰۰۰ تومان و این نظر خودت است. از وام مسکن سپاه پول دارم، می‌توانید به حساب ۱۰۰ امام واریز کنید و همچنین یک فرش و یک ضبط و دیگر وسایل خانه و هرچه هست، اگر احتیاج نبود لطف کنید بدهید به ستاد نماز جمعه و کمیته امام خمینی، چون اینها از بیت‌المال مسلمین است و برای مسلمین کاری نکردم می‌خواهم صرف بیت‌المال گردد و این که به پدر بگو اصغر مقداری زیاد از روزه‌های ماه رمضان را خورده‌ام. برایم بگیرید و اگر نمی‌توانستید به بودجه خودم به دیگران بدهید تا برایم بگیر[ن]د و نماز قضا زیادی دارم، برایم بخوانید. خداوند به شما صبر و استقامت بدهد. و به مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به محمدعلی پسر عمه بدهید.

و این را بگویم که یک عدد ساعت یادگاری از شما دارم، چون دوستم، برادر واعظیان، اصرار زیادی کردند به او می‌دهم، باید ببخشید و این را بگویم به تمام برادران همسایه از کوچک تا بزرگ اگر از دست من بدی و ناراحتی دیدند، باید ببخشند.

**«والسلام»**
**خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار**
**التماس دعا**
**امام را دعا کنید**

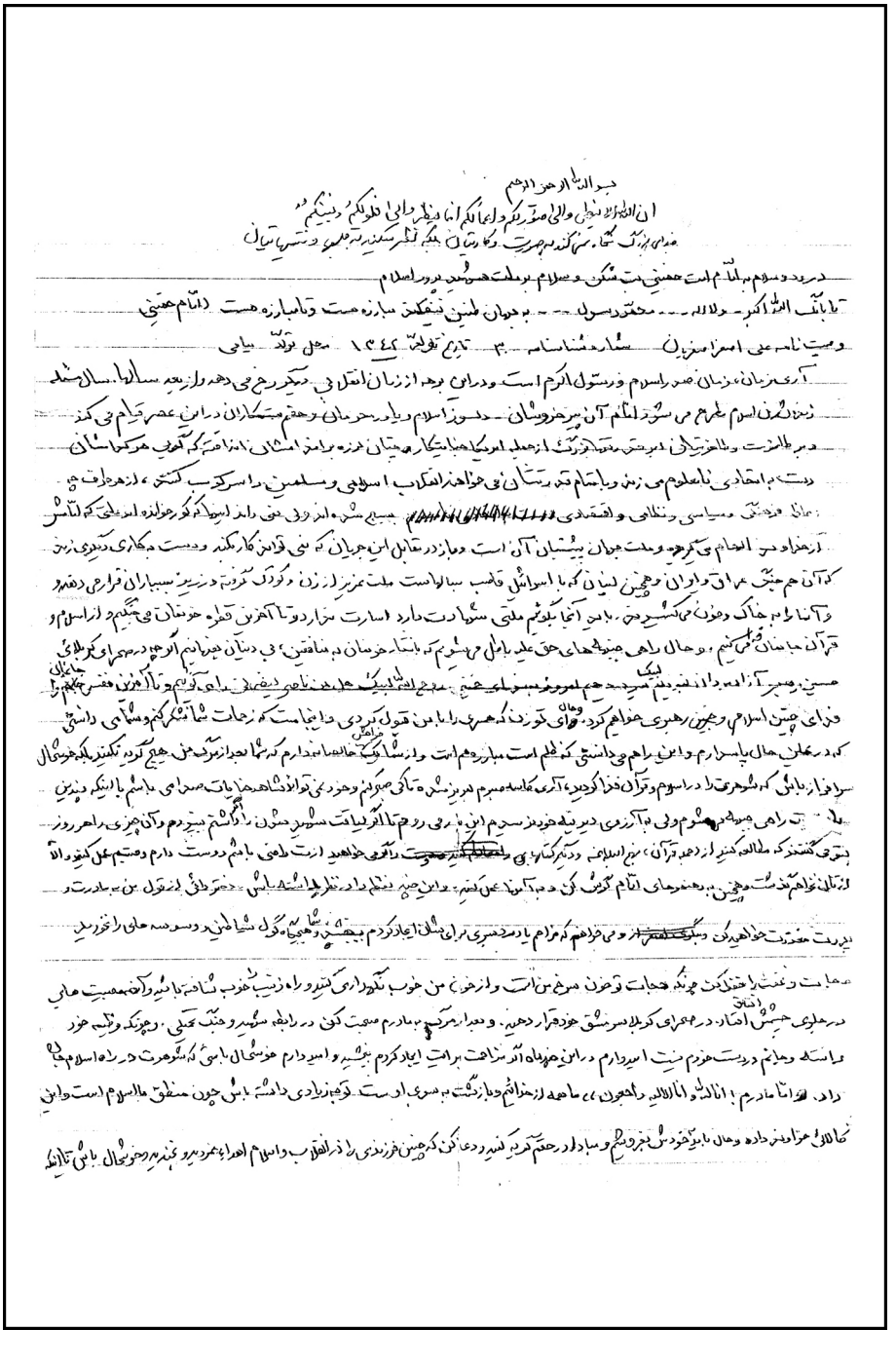

علی الدوام وکوثر امیرین

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله وکفی بالله شهیداً. اوست که فرستاد پیامبری به رهبری و کیش حق تا ظاهر گرداند دین خود را بر همه دینها اگرچه کفار نخواهند و کافر که خدا و تنها شهری دوست دارد باشد. خدایا از تو می خواهم که راه این راه یاری و هدایتم نمایی چون در غیر این صورت موفق نخواهم بود و الهی رضای من به رضای تو است. خدایا تو را به خون پاک شهیدان بویژه سید الشهدا و حسین (ع) سوگند می دهیم که دنبال این انقلاب رهبر عزیز ما را که در هر لباس و مقام هست و اگر قابل عبادت هستند خداشان کن و اگر نیستند، نسبت و نابودشان بگردان و رزمندگان اسلام را که به جبهه ها می روند از صدمات و نعمت حفظ و سلامتشان بدار. پروردگارا! امام عزیز روح الله کثیر انقلاب این فرزند حسین و انبیاء، این امید مستضعفان، این کوبنده طاغوتیان و بنیانگذار جمهوری اسلامی و ای خدای جهان چنین کن که در همه چیز دانا و توانا پیرو تو حضرت امام ما را تا ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه (عج) برای ما نگهدارش ... آمین یا رب العالمین

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

خواهر عزیزم یعقوبی پول در دست یکی از دوستان بنام حاج سعادت عسگری است که به محمود و عموها بگوید تا آنان نیز پول خود را به او بدهند تا در این وقت تنگ همراهی سپاه پاسدار ان کرده باشم. مبلغ ۹۵۰۰۰ ریال است به مبلغ ۷۵۰۰۰ تومان بهای این پول را به قرض الحسنه و همچنین از پولهای خانه بردارید. به قرض الحسنه به مبلغ ۵۰۰۰۰ تومان و این نظر خودت است از زهرا مسکن سپاه پول بدهم. می توانید به حساب ۱۰۰۰ امام واریز کنید و همچنین یک فرش و یک سماور و دیگر وسایل خانه و همچه هست اگر احتیاج نبود لطف کنید به بهداشتی زهرا و کمیته امام خمینی چون اینها از بیت المال مسلمین است و برای مسلمین کاری کردم. من خواهم صرف بیت المال گردد. و این که به برادر اصغر عبادی زیاد از روزه های ماه رمضان را مرده ام. برایم نگیرید و اگر من توانستید به بودجه خودم به دیگران بدهید تا برایم بگیرد و نماز و قضا زیادی دارم برایم بخوانید خداوند به شما صبر و استقامت بدهد ... و مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به محمد علی پرعمه بدهید ...

و این را بگویم که یک عدد ساعت یادگاری از شما دارم چون در تهران برادر و اعضای اهمراه زیادی کردند بگیرید من دهم یا برادر بخشید و این را بگویم به تمام برادران همسایه از کوچک تا بزرگ اگر از دست من بدی و یا اجحاف دیده باشند ... و السلام

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی نگهدار

التماس دعا

امام را دعا کنید.

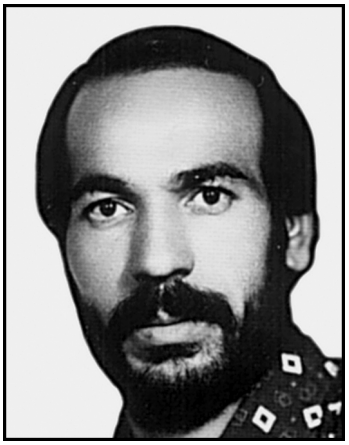

نام: **شکرالله**
نام خانوادگی: **اصغری اعلایی**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **منوره‌حاجی**
تاریخ تولد: **بیست‌وهفتم دی ۱۳۲۳**
محل تولد: **روستای اعلا از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دوم فروردین ۱۳۶۱**
محل شهادت: **شوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای بهشت‌زهرا، تهران**

## عبارت‌های کلیدی

- انسان مسلمان وظیفه شرعی او است که از دین خدا و مملکت خود دفاع کند.
- من هم اولاً مقلد امام هستم و بعد هم وظیفه شرعی خود می‌دانم که با دشمنان خدا و پیغمبر باید جنگید.
- با رضایت خودم این راه را انتخاب کرده‌ام.
- اگر تمام دنیا جمع شوند لشکر به ایران بکشند، نمی‌توانند با ما بجنگند.
- فرمانده کل ما امام زمان(عج) است و نایبش امام خمینی.

## شکرالله اصغری علائی[۱]

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

اولاً سلام خدمت همگی شما و خوانندهٔ[۲] این وصیت‌نامه. اینجانب، شکراله اصغری علائی، فرزند محمدعلی، شماره شناسنامه ۵۰، صادره از سمنان تولد ۱۳۲۳ وصیت می‌کنم که اگر من در راه خدا شهید شدم، از همه شما می‌خواهم که گریه‌زاری نکنید. چون کسی که فرزند، برادر، شوهر، یا پدر خود را در راه خدا می‌دهد، گریه ندارد و خیلی هم باید خوشحال و افتخار کنید. این حقیر در راه الله شهید شده است. من نمی‌دانم چه باید بنویسم. مگر امکان دارد که دشمن در مملکت[۳] ما باشد و خیانت به آب و[٤] خاک بکند، ولی ما بگوییم به ما چه؟ نه این طور نیست. یک انسان مسلمان وظیفه شرعی او است که از دین خدا و مملکت[۵] خود دفاع کند. من هم اولاً مقلد امام هستم و بعد هم وظیفه شرعی خود می‌دانم که با دشمنان خدا و پیغمبر باید جنگید و من هم با رضایت خودم[٦] این راه را انتخاب کرده‌ام و کسی مرا مجبور نکرده است و راضی‌ام به رضای[۷] خدا. هرچه او بخواهد همان است «**واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا**»[۸] یعنی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید و من این را به دنیا اعلام می‌کنم[۹] که از دید خود می‌بینم. اگر تمام دنیا جمع شوند[۱۰] لشکر به ایران بکشند، نمی‌توانند با ما بجنگند چرا [که] اولاً ایمان داریم و بعد هم

---

۱- در بالای وصیت نام و امضای شهید با تاریخ ٦۰/۱۲/۱۱ آمده است.

۲- در اصل وصیت «خوانده».

۳- در اصل وصیت «مملک».

٤- در اصل وصیت بین آب و خاک واژهٔ «واو» ندارد.

۵- در اصل وصیت «مملک»

٦- بعد از واژهٔ خودم «به» زاید است.

۷- در اصل وصیت «رزای».

۸- آل عمران/ ۱۰۳.

۹- در اصل وصیت «می‌کنیم».

۱۰- بعد از واژهٔ شوند «به» زاید است.

فرمانده کل ما امام زمان(عج) است و نایبش امام خمینی. به خدا اگر کسی در این راه[۱] آمده آمده باشد، می‌داند وگرنه نمی‌داند این لشکر ایران چه هستند جز خدا، همه رزمندگان شاد هستند و مثل شیر می‌خروشند.[۲] مگر می‌شود جبهه جنگ به این طور باشد، نه لشکر(الله) که همهٔ لشکر اسلام از سر شب تا سحر به دعا و نماز مشغول هستند. والله[۳] خدا پشت و پناه[٤] همه ما است. خلاصه[٥] من وصیت را از این‌جا شروع[٦] می‌کنم. زمین کرج که زیر خط خط راه آهن[۷] است، سه دانگ[۸] آن مال من است و سه دانگ[۹] آن که در اداره به‌نام آقای فرامرز[۱۰] است و قولنامهٔ آن هم به‌نام من است، مال برادرم ماشاالله است و پول آن را همه داده است و برای دیوارکشی هم سهم خود را داده و مقداری[۱۱] در حدود هشت هزار تومان هم از من طلب دارد و دیگر هیچ حسابی نداریم و سند[۱۲] زمین هم از فرامرز[۱۳] بگیرید و به‌نام او بکنید و از حسین شیردره ۲۵ هزار تومان بابت دو قطعه زمین فردیس طلب دارم، تمام خرج با ایشان است، پول را می‌دهد و دو قطعه زمین سه دانگی[۱٤] را به‌نام ایشان بکنید و خانه تهران هم اگر بچه‌ها در تهران ماندنی باشند[۱٥] استفاده کنند و اگر نه بفروشند بروند

---

۱- در اصل وصیت «را».
۲- در اصل وصیت «می‌خورشند».
۳- در اصل وصیت «ولا».
٤- در اصل وصیت «پشت‌پهنای».
٥- عبارت در اصل وصیت چنین است: مگر می‌شود جبهه جنگ به دین طور نه جز لشکر (اله) که هم لشکر اسلام از سر شب تا صحر به دعا و نماز مشغول هستند ولی که خدا پشت پهنای همه است خولاصه.
٦- در اصل وصیت «شرع».
۷- در اصل وصیت «رآهن».
۸- در اصل وصیت «دنک».
۹- در اصل وصیت «دونگ».
۱۰- در اصل وصیت «فرامز».
۱۱- در اصل وصیت «مقدار».
۱۲- در اصل وصیت «نداریم و زمین» واژهٔ «سند» اضافه شده است.
۱۳- در اصل وصیت «فراز».
۱٤- در اصل وصیت «دونگی».
۱٥- در اصل وصیت «ماندن باشد».

در سمنان و مبلغ یکصدوبیست تومان بدهید به همسرم و بقیه را بین فرزندانم به‌طور شرعی پسر سهم پسری و دختر سهم دختری خود و زمین کرج سهم مرا بفروشند[۱] و مبلغ صد هزار تومان آن را برادرم ماشاالله و مادرم منور و همسرم فاطمه و پدرخانم من محمدعلی این چهار نفر به مکه بروند و بقیه آن را خمس و زکات بدهند و تیرآهن را هم بفروشید[۲] و اگر بچه‌ها[۳] تهران خواستند بمانند، هرطور شده یک طبقه را[٤] برای آنها بسازید بسازید تا در زندگی خودشان در مضیقه[٥] نباشند و زیادی تیرآهن را هم بفروشید.[٦] من مبلغی در[۷] شرکت تعاونی کوشش در اداره دارم، محمود می‌داند از[۸] او بپرسید و شما را راهنمایی[۹] می‌کند و خانه محمود هم من، مبلغ دو هزار تومان از او می‌خواهم و دیگر حسابی[۱۰] ندارم و اگر دولت بانک رفاه[۱۱] سهم مرا به من بخشید شما مبلغ پانزده هزار تومان به او می‌بخشید و بقیه را از او یک‌جا و یا قسط[۱۲] می‌گیرید و خانه را به‌نام او می‌کنید و اگر بانک رفاه نبخشید[۱۳] و پول ۲ هزار تومان را از او می‌گیرید[۱٤] و خانه را به‌نام ایشان می‌کنید و بچه‌هایم را اول به خدا و بعد به شماها می‌سپارم و یادآوری هرچه محمود به بانک بدهکار است نه همه کلّ خانه و این یادآوری که پول شرکت هرچقدر است مال فرحناز است غیر از سهم او.

---

۱- در اصل وصیت «بفرشند».
۲- در اصل وصیت «بفرشید».
۳- در اصل وصیت «بچه».
٤- در اصل وصیت «رو».
٥- در اصل وصیت «مزیقه».
٦- در اصل وصیت «بفرشید».
۷- در اصل وصیت «مبلغ دو».
۸- در اصل وصیت «از» ندارد.
۹- در اصل وصیت «راه‌نمائی».
۱۰- در اصل وصیت «حاجی».
۱۱- در اصل وصیت « با یک رفا».
۱۲- در اصل وصیت «قصط».
۱۳- در اصل وصیت «اگر بانک رفا ببخشید».
۱٤- در اصل وصیت «می‌کیرید».

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

«**واعتصموا بحبل‌الله جمیعا و لاتفرقوا**»[۱] «یعنی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید». نشوید».

خدا را شکر می‌کنم که این سعادت را نصیب من کرده که بتوانم در راه او جهاد کنم و با چشمی باز این راه را انتخاب نموده‌ام و اکنون ماه محرم است، ماه حسین، ماه خون، ماه پیروزی حق بر باطل و قابیلان[۲] بدانند که هابیلان[۳] بر آنها پیروز خواهند شد و این وعده خداست و این نهضت آغازگر آن است و این افتخار نصیب من شده است که در آن راه ستیز می‌کنم و با رهبری امام خمینی این سربازان امام زمان انشاالله[٤] پرچم اسلام را در سراسر دنیا برپا خواهیم کرد. من وصیت می‌کنم که برادرانم و فرزندان من راهم را ادامه دهند تا اسلام به پیروزی نهایی برسد و حق بر باطل پیروز شود. اگر شهید شدم، از همسرم می‌خواهم که خودش و فرزندانم لباس سیاه نپوشند.[٥] دوست دارم لباس شادی بر تن کنند و چشم دشمنان اسلام را کور کنند[٦] و برایم گریه نکنند. به مادرم و برادرانم و خواهرم بگویید شما هم همین‌طور، لباس شادی بر تن کنند و گریه نکنند. چون من در راه خدا رفته‌ام و در راه خدا کشته شده‌ام. من افتخار می‌کنم که در این راه دشمن را بکشم و بعد شهید شوم و بدانید اگر شهید شدم، حتماً چند نفر از آنها را کشته‌ام و بعد شهید شده‌ام[۷] ولی به یاری خداوند و به رهبری امام خمینی، انشاءالله[۸] می‌جنگیم[۱] تا عراق را کاملاً

---

۱- آل عمران/ ۱۰۳.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- هابیل نام پسر حضرت آدم است که به دست برادر خود قابیل کشته شد، زیرا خداوند وی را بر برادرش قابیل ترجیح داد و قربانی او را پذیرفت. (فرهنگ فارسی معین).

٤- در اصل وصیت «انشااله».

٥- در اصل وصیت «نپوشم».

٦- در اصل وصیت «کور کند».

۷- در اصل وصیت «شدم».

۸- در اصل وصیت «انشااله».

بگیریم[۲] و قبر امام حسین را در بغل می‌گیرم و زیارت می‌کنم و بعد به‌سوی شما برمی‌گردیم، هیچ ناراحت نباشید[۳] و به آن وصیت‌نامه که در خانه دارم عمل کنید و خمس [و] زکات آن را بدهید و دفترچه بانکی در کشوی[٤] میز اداره هست، مبلغ ٢٤ هزار تومان می‌باشد که ۱۳۰۰۰ هزار تومان[٥] آن را بدهکار فضل‌الله اصغری هستم، به او بدهید و در دفترخانه طلب و بدهکاری من نوشته‌ام آن را[٦] هم بگیرید و مبلغ ٦۰۰۰ هزار تومان از محمود شمیسان [...][۷] اداره می‌خواهم و خانه‌ای که با او شریک هستم مال او است و فقط آن را باید تمام به[۸] محمود بدهید[۹] و هیچ سهمی[۱۰] از آن خانهٔ محمود شمیسان ندارم.[۱۱] خواهش می‌کنم که نگذارید محمود ناراحتی بکشد. من به شرکت کوشش مبلغ ۳۰۰۰۰ هزار تومان بدهکارم و مقداری سهم در آنجا دارم که عباسیان نقاش اداره می‌داند.

از تمام برادران و مادرم و خواهرم و همسرم و فرزندانم رضا، فری، حسین و فرشته و دیگر فامیل‌ها[۱۲] پسرخاله‌ها خداحافظی می‌کنم و شما را به خدا می‌سپارم و فرزندانم را هم به خدا سپردم انشاءالله[۱۳] که فرزندانم در راه خدا حرکت کنند.

---

۱- در اصل وصیت واژهٔ «و» بین می‌جنگیم تا زاید است.
۲- در اصل وصیت «می‌گیریم».
۳- در اصل وصیت «نباشد و آن».
٤- در اصل وصیت «کشوع».
٥- در اصل وصیت «۱۳۰۰۰ هزار تومان آن بدهکار».
٦- در اصل وصیت «بدهکارش نوشته‌ام آن هم».
۷- خوانا نیست.
۸- در اصل وصیت بین تمام و محمود واژهٔ «به» ندارد.
۹- در اصل وصیت «بدهد».
۱۰- در اصل وصیت «سمی».
۱۱- در اصل وصیت «دارم».
۱۲- در اصل وصیت «فامیلان».
۱۳- در اصل وصیت «انشااله».

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامه شکرالله اصغری علائی

اولاً سلام خدمت همگی شما و خانواده‌ایش وصیت نامه اینجانب شکرالله اصغری علائی فرزند محمدعلی شناسنامه ۵۰ صادره از کمال تولد ۱۳۴۴ وصیت می‌کنم که اگر من در راه خدا شهید شدم از همه شما می‌خواهم گریه زاری نکنید حتی کسی که فرزند برادر یا شوهر و یا خواهر را در راه خدا شهید داده گریه نکند هم باید خوشحال و افتخار کنید این حقیر در راه الله شهید شده است من نمی دانم چه باید بنویسم مگر اینکه دارد که دشمن در مملکت ما بارگرفته و خیانت به آب و خاک کنند ولی ما بگذاریم به چه نحو این طور نیست یک انسان مسلمان وظیفه شرعی او است که از دین خدا و مملکت خود دفاع کند من هم اول مقلد امام هستم و بعد هم وظیفه شرعی خودم دانستم که با دشمنان خدا و پیغمبر جنگید و من هم با رضایت خودم به این راه را انتخاب کرده‌ام و کسی مرا مجبور نکرده است و راضیم به رضای خدا هر چه او بخواهد صلاح همان است

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) یعنی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید و من این را به دنیا اعلام می‌کنم که از دیدخودی بیشتر اگر تمام دنیا جمع شوند به لشکر ایران نگذند نمی توانند ما را بجنگند چرا اولاً ایمان داریم و بعد هم فرمانده کل ما امام زمان است (نجف آباد) اگر کسی در این را آمده باشد می داند و گرنه نمی داند من لشکر ایران چه هستند خدا همه رزمندگان شاد هستند و مثل شیری می خورستند مگر می شود جمهوری جنگ به این گفت نه خیر لشکر الله که همه لشکر اسلام از سرشب تا صبح به دعا و نماز مشغول هستند ولا که خدایشت پناه همیشه است خواهد من وصیت را از این جا شروع می کنم زمین کرج که زیر خط راه آهن است یک دنگ آن مال من است و شش دنگ آن که در اداره ثبات آمل ثبت است و قولنامه آن هم نام من است مال برادرم حاج شاه الله است و پول آن همه داده است و برای دیوار کشی هم کمی خودش داده و مقدار در حدود ۸ هزار تومان هم از من طلب دارد و دیگر هیچ حاجی نداریم فرمین هم از فرزندم بگیرید و بدهید و از من خبر دره ۲۵ هزار تومان بابت دو قطعه زمین فرمین طلب دارم تمام خرج با ایشان است پول را می دهد و دو قطعه زمین شش دونگی را بنام ایشان بکنید و خانه تهران هم اگر بیمه مادر تهران ماندن تا نه داشته باشد و اگر نه بفروشند بروند در کرمان مبلغ یکصد و بیست تومان ۱۲۰۰۰۰۰ هزار تومان به همه همه و بقیه را بین فرزندانم بطور شرعی پسر کوچک و دختر کوچک خودم زمین کرج کوچک را بفروشند مبلغ صد هزار تومان آن را برادرم شاه الله درم منور و همسرم فاطمه و پدر خانم من محمدعلی این چهار نفر به مکه بروند و بقیه آن را هم صرف برکات به هند و تیرآهن را هم بفروشید و اگر بیمه تهران نخواستند بمانند به طریقه یک طبقه دیگر برای آن کاب زنند تا در زندگی خودشان در سفر بیفتند و نیازی تیرآهن را هم بفروشید من مبلغ دو شرکت تعاونی پرستش در اداره دارم مجموعاً دو دانه اوپل سیه و کارا راه نمایی می کنند نخواهند محمد هم من مبلغ دو هزار تومان آزادی فاطمه و دیگر حاجی نداریم اگر دوست بانک افتاد کوچک مرا بین بخشید تا مبلغ پانزده هزار تومان باقی می بخشید و بقیه را از او بگیرید و یا قسط می گیرد و خانه را بنام او می کنید و اگر بانک افتاد بخشید و میل به هزار تومان را از او نگیرید و خانه را بنام ایشان می کنید و بچه هایم را اول به خدا و بعد به شما می سپارم و باید در هر چه محمد به بانک بدهکار است نه همه کل خانه و این یادآوری کنم پول شرکت هر چقدر است مال فرهنگ است خدا از همه او

تاریخ:

نام و نام خانوادگی:
شکرالله اصغری علائی

بسم الله الرحمن الرحیم

## وصیت نامه

۱ و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا - یعنی یکدیگر همان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید
۲ خدا را شکر می کنم که این سعادت را نصیب من کرده که بتوانم در راه او جهاد کنم و با چشم
با تر این راه را انتخاب نموده ام و اکنون ماه محرم است ماه حسین ماه خون ماه پیروزی
حق بر باطل و قاپیلان بدانند که با پیلان بر آستانه پیروز خواهند شد و این وعده خداست
و این نهضت آغاز گر آن است و این افتخار نصیب من شده است که در آن راه سپر
می کنم و با رهبری امام خمینی این کاروان امام زمان ان شاء الله پرچم اسلام را در سراسر دنیا برپا
خواهیم کرد من وصیت می کنم که برادران و فرزندان من راهم را ادامه دهند تا اسلام به پیروزی نهائی
برسد و حق بر باطل پیروز شود اگر شهید شدم از همه می خواهم که خودش و فرزندانم لباس سیاه
نپوشم دوست دارم لباس شادی بر تن کنند و چشم دشمنان اسلام را کور کنند و برایم گریه نکنند و برادر
و برادرانم و خواهرم بگویند شما هم همین طور لباس شادی بر تن کنند و گریه نکنید چون من در
راه خدا رفته ام و در راه خدا کشته شده ام من آرزو می کنم که در این راه خونین رابطم و بعد شهید بشوم
و بدانید اگر شهید شدم حتماً چند نفر از آنها را کشته ام فقط شهید شدم ولی به یاری خدا و به رهبری امام
خمینی ان شاء الله بر این جنگیم و عراق را کاملاً شکست خواهیم داد و بعد ایم حتی را در بغل می گیرم و به او
بوسه می زنم بیچاره نمی داند وصیت نامه ام را چه کار دارم عمل کنید و خمس و زکات آن را به همین
و در صورتی که باقی در شوع میراث ده قسمت مطلع ۲۰۰۰ هزار تومان میشود که ۲۰۰۰ هزار تومان آن را به همین
فصل از اضافی هستم به او بدهید و در دفترخانه طلاب و بدهکاری نوشته ام آن هم بگیرید و مبلغ سی
هزار تومان از محمود شمیران ماشین دارد می خواهم فقط نامه ای که با او شریک هستم مال او است و قسط آن
را باید تمام محمود بدهد و مبلغ سی از آن خانم محمود شمیران را هم خواهش می کنم از بنگذارید محمود ناراحتی بکشد من
به شرکت کوشتی میلان ۲۰۰۰ هزار تومان بدهکارم و مقداری سهم در آن جا دارم که عباسیان تقاضی اداره میداند
انتقام برادران و خواهران و همسر و فرزندانم را رضا - فرزی - حسین دفرشته و دیگر شهیدان پیروز خواهد شد و خدا حافظ
می کنم دشمن را به خدا می سپارم و فرزندانم را هم به خدا می سپارم ان شاء الله که فرزندانم در راه خدا حرکت کنند

۵۹/۸

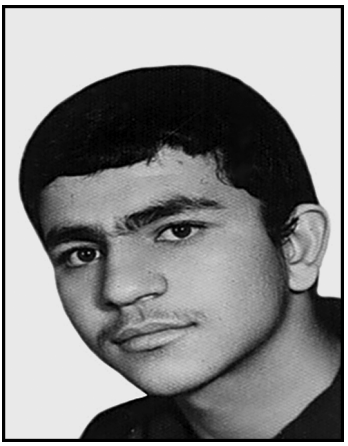

نام: **محمدعلی**
نام خانوادگی: **اعرابی**
نام پدر: **رضا**
نام مادر: **ربابه**
تاریخ تولد: **بیست‌وهفتم خرداد ۱۳٤٦**
محل تولد: **روستای دلازیان از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند ۱۳٦۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای شهرستان زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- درود بر امامم که مرا به‌سوی خدا کشاند.
- ترکش را دوست دارم که مرا از این قفس دنیا آزاد می‌سازد.
- راه شهادت را خود انتخاب کرده‌ام.
- رفتن به جبهه را وظیفه شرعی می‌دانم.
- این دنیا فانی است.
- از مرگ هراسی ندارم.
- بهتر است با شهادت دنیا را ترک کنیم.

## محمدعلی اعرابی

### بسم‌الله الرحمن الرحیم

**«یا ایها الذین آمنوا مالکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اثاقلتم الی الارض ارضیتم بالحیوة الدنیا من الاخره فما متاع الحیوة الدنیا فی الاخرة الا قلیل»**[۱]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید جهت چیست که چون به شما امر شود که در راه خدا جنگ کنید و خارج شوید به خاک زمین دلبسته‌اید؟ آیا راضی به زندگانی دنیا به عوض آخرت شدید که متاع دنیا در مقابل آخرت اندک است».

با سلام به امام زمان و نایب برحقش و با سلام بر شهیدان که با خون خود درخت انقلاب را آبیاری کردند و با سلام بر اسراء و معلولین و مجروحین و با سلام بر رزمندگان اسلام که با رزمشان پشت دشمن را به لرزه درآوردند و با سلام بر خانواده‌های شهدا که جگرگوشه‌های خود را در راه یاری امام و اسلام فدا نمودند.

اول، سپاس خدا را که مرا در این زمان حیات داد و سپاس او را که مرا به این راه رهنمون ساخت و سپاس او را که مرا از گمراهی به در داشت. دوم، درود بر امامم که مرا از منجلاب فساد به‌سوی تکامل، سوی خدا رسیدن کشاند و فشنگ را دوست دارم، چون مرا سوراخ سوراخ می‌کند و ترکش را دوست دارم که مرا پاره پاره می‌کند و از این قفس دنیا آزاد می‌سازد.

همه بدانند این راه و شهادت را خود انتخاب کرده‌ام و کسی بر من تحمیل ننموده و از آنجا که رفتن به جبهه [را] برای خود وظیفه شرعی می‌دانسته‌ام، رو به‌سوی جبهه کرده‌ام تا هم وظیفه را انجام داده باشم و هم به ندای حسین زمان لبیک گفته باشم و چون هیچ دلبستگی به دنیا ندارم و فهمیده‌ام که این دنیا فانی است و دنیای باقی دنیای دیگر است، از مرگ هیچ ترسی نداشته‌ام. چون این مرگ به‌سوی همه می‌آید، چه بهتر قبل از آنکه مرگ به‌سوی ما بیاید ما خود طرف مرگ برویم و با شهادت دنیا را ترک کنیم و همه ما باید بدانیم اینجا جای عمل است نه حساب و فردا جای حساب است نه عمل.

---

۱- توبه/ ۳۸.

پیامم به خانواده شهدا این است که افتخار کنند که فرزندانشان را در این راه اهدا نمودند و صبر را سرمشق زندگی خودشان قرار بدهند. پیامم به ملت این است که حضور خود را در صحنه حفظ کنند. امام را تنها نگذارند، راه شهیدان را ادامه دهند، درس بیاموزند و به دیگران یاد بدهند، همیشه حق بگویند و طرفدار حق باشند.

پدر و مادرها فرزندان خود را، که هدایای خدا به آنهاست، به اسلام تقدیم کنند. دانش‌آموزان سنگر مدرسه را حفظ کنند، اخلاق اسلامی را رعایت کنند، نگذارند خون شهدا پایمال شود، کمتر به مادیات توجه کنند و دعاها را بیشتر بخوانند که «**الدعاء سلاح المؤمن**».[۱]

از پدر و مادرم تشکر می‌کنم که مرا این چنین تربیت نموده و در راه اسلام فرستادند. و [از] خواهران و برادرانم می‌خواهم که از خدا بخواهند که مرا عفو کند، چون اگر آنها راضی نباشند، خدا شهادتم را قبول نمی‌کند.

همین‌طور دوستان از من راضی باشند و برایم فاتحه بخوانند و شب‌های جمعه سر قبرم بیایند و برایم صلوات بفرستید.

به اندازه ۳ من و ۱۰ سیر کفّاره روزه دارم با ۱۳ روز روزهٔ قضایی. مقداری پول دارم که دو سوم را به مادرم بدهند تا هرجور که می‌خواهد استفاده کند و یک سوم را به حساب جبهه و جنگ بریزند.

با امید سلامتی و طول عمر برای امام و شفا برای معلولین و آزادی برای اسرا و صبر برای خانوادهٔ شهدا.

**«والسلام علی من اتّبع الهدی»**
**بندهٔ حقیر، محمدعلی اعرابی**
**۶۳/۱۲/۲۰**

---

۱- روایتی از پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «الدعاء سلاح المؤمن، و عمود الدین، و نور السموات و الارض». «دعا اسلحهٔ مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است». (اصول کافی، ج۲، ابواب الدعاء)

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

## بسم‌الله الرحمن الرحیم

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مردگانند، بلکه زنده‌اند و در نزد خداوند روزی می‌گیرند.»[۱]

خون شهید برای همیشه در رگ‌های اجتماع می‌جهد. شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع. این شهدا که به پیکر اجتماع و در رگ‌های اجتماع خاصه اجتماعاتی که دچار کم‌خونی هستند، خون جدید وارد می‌کنند. (استاد شهید مطهری)[۲]

سخنی دارم با شما ای پدر و مادر، این انقلاب به خون احتیاج دارد. این انقلاب مانند درختی می‌ماند که به آب احتیاج دارد تا رشد کند. اگر خون شهیدان نبود و نباشد، این انقلاب نونهال رشد نمی‌کند. تا خون بهشتی‌ها[۳] و رجائی‌ها[٤] نبود، این انقلاب و حق و اسلام به بعضی‌ها ثابت نمی‌شد. پس این خون‌هاست که انقلاب را به مردم جهان ثابت می‌کند و به خارج از ایران صادر می‌کند. ای پدر و مادر، باید در برابر همه اتفاق‌ها و جریان‌ها صبر و استقامت داشت.

پیام من به‌عنوان یک مسلمان به ملت ایران این است که در راه و خط امام باشند که این خط همان خط اسلام است. ای ملت، به ندای رهبرمان لبیک گویید، همان‌طور که قبلاً گفتید. در صحنه باشید و این منافقان[۵] ضد دین و اسلام را نگذارید کاری انجام دهند که باعث مزاحمت برای انقلاب شوند. به‌سوی جبهه بشتابید و این جنگ را خاتمه دهید. همان‌طور که امام فرمود این یک وظیفه شرعی است و شما باید وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهید.

ای پدر و مادر، به‌خاطر من گریه نکنید، من به معشوق خودم رسیدم، من به آرزوی دیرینهٔ خود رسیده‌ام. از کارهایی که شما را ناراحت کرده از من سر زده امیدوارم ببخشید.

---

۱- ترجمه آیهٔ ۱٦۹ از سورهٔ آل عمران است: «ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

٤- ر.ک. تعلیقات

۵- ر.ک. تعلیقات.

و از شما می‌خواهم که نمازها و روزه‌هایی را که نگرفته‌ام، برایم بگیرند یا پول بدهید. نمازها کلاً یک سال و روزه‌ها ۲۰ روز و امیدوارم که بگیرید و از طرف من از همه بچه‌ها به‌خاطر کارهایی که آنها ناراحت شده‌اند بخشش بخواهید. ۵ تومان پول به یکی از همکلاسی‌هایم به‌نام رمضانعلی اخلاقی بدهید و ۵۰ تومان به یکی از برادران خیرآباد به‌نام مراد شرابیان.

**«والسلام علیکم و رحمة الله برکاته»**

**محمدعلی اعرابی**

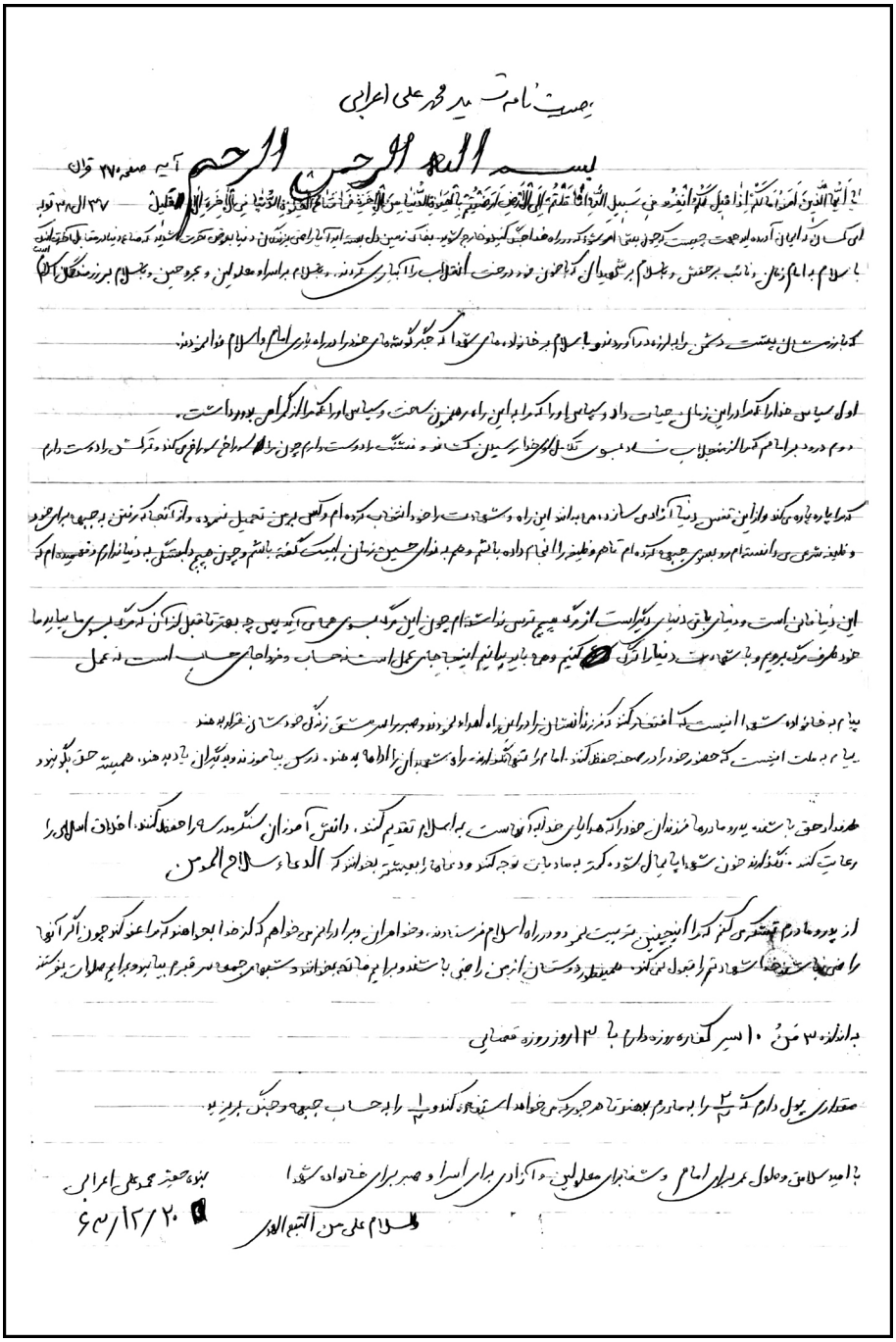

وصیت نامه سید محمد علی اعرابی

بسم الله الرحمن الرحیم

آیه صفحه ۲۷۰ قرآن

یا ایها الذین امنوا ما لکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اثاقلتم الی الارض ارضیتم بالحیوة الدنیا من الاخرة فما متاع الحیوة الدنیا فی الاخرة الا قلیل ۳۷ الی ۳۸ توبه

ای کسانی که ایمان آورده اید چه شده است که چون به شما گفته می شود که در راه خدا حرکت کنید به سنگینی به زمین می چسبید آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید در صورتی که متاع زندگی دنیا در آخرت بسیار اندک است

با سلام و امام زمان و نائب برحقش و سلام بر شهیدان گمنام خصوص شهدای انقلاب را آغاز می کنم. و سلام بر اسراء معلولین و جوجه حسین و سلام بر رزمندگان اسلام

که با زحمات این چنین دشمن را ابرزه در آورده نتوانست با اسلام بر خانواده ما حکومت کند و ما آگاهانه و عاشقانه راه خود را در راه یاری امام و اسلام خواهیم رفت.

اول سپاس خدا را که در این زمان به ما عنایت داد و سپاس او را که ما را در این راه رهروی ساخت و سپاس او را که ما را گرامی بوده و داشت.

دوم درود بر امام که ما را از منجلاب ننگ و بردگی رژیم ستمشاهی نجات داد و نهضتش را در دست داریم چون راه او راه حسین است.

که ما را یاری می کند و راه این تمدن دنیا آزادی سازد، ما بر این راه و رهنمود او راه خود را انتخاب کرده ایم و کسی بر من تحمیل نموده و ما آگاهانه و عاشقانه بر چنین راهی گام نهاده و ظلم شرق و غرب را دانسته ام و بدین جهت کرده ام تا هم وظیفه را انجام داده باشم و هم به فرزندان حسین زمان ثابت کنم که باشم و چون هیچ دلبستگی به دنیا ندارم و نخواسته ام که

این دنیا ماندنی است و من نیز به دنیا نیامده ام که بمانم پس نباید از مرگ بترسم و از این مرگ بدین چه بهتر تا قبل از آن که مرگ بسراغ ما بیاید ما خود به طرف مرگ برویم و با شهادت به دنیا لگد کنیم و هر چه باید بیانیم انجام دهیم زیرا حساب و جزا حساب است نه عمل

پیام به خانواده شهید: انتظار دارم که فرزندانتان را در این راه الگو قرار دهید و صبر را پیشه خود سازید و زینب گونه باشید

پیام به ملت: انتظار دارم که حضور خود را در صحنه حفظ کنید. اما هرگز تنها نگذارید راه شهیدان را ادامه دهید. درس بیاموزید و به دیگران یاد دهید، همیشه حق طلب باشید

همه دارم حق با شهداء پدر و مادرم فرزندان خود را که هدایای خدا به ما بود به اسلام تقدیم کنید. دانش آموزان سنگر مدرسه را حفظ کنید. اقوام اسلام را رعایت کنید. نگذارید خون شهدا پایمال شود. گریه به عزاهایتان توجه کنید و دعا را فراموش نکنید. الدعاء سلاح المومن

از پدر و مادرم تشکر می کنم که اینچنین مرا تربیت کردند و در راه اسلام فرستادند، و خواهران و برادرانم می خواهم که از خدا بخواهند که مرا عفو کند چون اگر آنها را راضی نباشد شفاعت شهداء دشوار می شود. همینطور دوستان را نیز می خواهم که از من راضی باشند و شهداء را فراموش نکنند و برایم طلب آمرزش کنند

به اندازه ۳ من ۱۰ سیر گندم روزه دارم یا ۱۲ روز روزه قضایی

صدقه ای پول دارم که $\frac{2}{3}$ را به مادرم بدهند تا هر جور که می خواهد استفاده کند و $\frac{1}{3}$ را به حساب جیره و جنگ برزمین

با امید سلامتی و حلول عید بر امام و ملت نجابت برای معلولین و آزادی برای اسراء و صبر برای خانواده شهداء

والسلام علی من اتبع الهدی

بنده حقیر محمد علی اعرابی

۶۳/۱۲/۲۰

بسم الله الرحمن الرحیم

هیچ ایرانی کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده گمان نبرد بلکه زنده‌اند و در نزد خداوند روزی می‌گیرند — قرآن کریم

خون شهید برای همیشه در رگهای اجتماع می‌جوشد و شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع. این شهداء که به پیکر اجتماع

در رگهای اجتماع خاص اجتماعاتی که دچار کم خونی هستند خون جدید وارد می‌کنند (استاد شهید مطهری)

سخنی دارم با شما ای پدر و مادرها. این انقلاب به خون احتیاج دارد. این انقلاب مانند درختی می‌ماند که به آب احتیاج دارد

تا رشد کند. اگر خون شهیدان نبود و نباشد این انقلاب نونهال رشد نمی‌کند. تا خون بهشتی‌ها در رگهای ما نبود این

انقلاب و حق و اسلام به بعضی‌ها ثابت نمی‌شود. پس این خونها است که انقلاب را به مردم جهان ثابت می‌کند و به خارج

از امیران صادر می‌کند. ای پدر و مادرها باید در برابر هجوم انواع و اقسام حوادث صبر و استقامت داشت.

پیام من به عنوان یک مسلمان به ملت ایران این است که در راه و حفظ احکام باشند که این خط ما را از خط اسلام جدا نکند. ای ملت

به ندای رهبران کبیر گوش دهید همانطور که قبلاً گفته‌ام در صحنه باشید و این منافقان ضد دین و اسلام را رسوا سازید تا این انحرافات

باعث مزاحمت برای انقلاب نشوند. به سوی جبهه بشتابید و این جنگ را اتمام دهید. همانطور که امام فرمودند این یک وظیفه شرعی

است و شما باید وظیفه خود را بنحوی احسن انجام دهید. ای پدر و مادر به خاطر آورید که شهید من به معشوق خود رسید من با آرزوی دیدار

خود رسیده‌ام. از کارهایی که شما را ناراحت کرده از من سرزده امیدوارم ببخشید. وارثی از من جز خواهر نادارم و آنها را به شما

برادر بگیرید یا پول بدهید تا بتواند با آن یک سال و نیم خرج کند امیدوارم که بگیرید و از طرف من از مادر و پدر خانم بخواهید که از کارهایی که

شده بگذرند و ببخشند. ۵ تومان پول دیگر از هیلا سیاحم به نام رمضانعلی اعرابی بدهید. ۵۰ تومان به یک از دوران خیر آباد بدهید

مادر شرمنده‌ات — محمدعلی اعرابی — والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

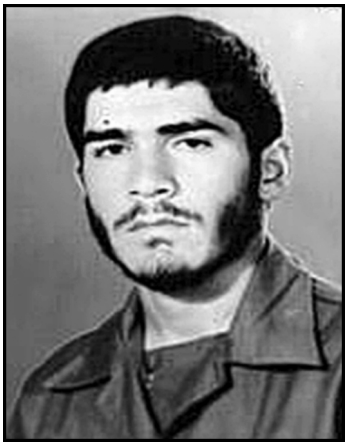

نام: **رضاعلی**
نام خانوادگی: **اعرابیان**
نام پدر: **قاسم**
نام مادر: **نسا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳٤٥**
محل تولد: **روستای دلازیان از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **ام‌الرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای شهرستان زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- آرزوی کلیه شهدا و بنده عرض ادب به آقا اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) بود.
- ظلم و ستم را باید از سر مستضعفین کوتاه کنیم.
- بیت‌المقدس را باید از چنگال دژخیمان به در آورد.
- شهدا به آرزویشان رسیده‌اند.
- ای امام اگر هزارها جان داشتم آنها را فدای اسلام، انقلاب و قرآن و تو می‌کردم.
- باید در برابر منافقین ایستاد.
- آرزوی من شهادت است.
- من شهادت را مشتاقانه به آغوش می‌کشم.

# رضاعلی اعرابیان[۱]

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**به‌نام خداوند بخشنده و مهربان**

«**ان الله له ملک السموات والارض یحیی و یمیت و مالکم من دون الله من ولی ولا نصیر**»[۲]
«به‌درستی که خدای راست پادشاهی زمین و آسمان و زنده می‌کند و می‌میراند و نیست شما را غیر از خدا دوستی و نه یاری کننده‌ای».[۳]

با درود و سلام خدمت پیامبر اکرم حضرت محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) و با درود به تمام اولیاء و انبیاء خداوند بزرگوار و با سلام به یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی(عج) و با درود بر نایب برحقش، امام امت و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی و با سلام به ارواح پاک و طیبه شهدا، از شهدای صدر اسلام تا شهدای کربلاهای ایران و با درود بر تمامی سلحشوران و جان برکفان سپاه حق علیه باطل و با سلام به تمامی امت مسلمان و شهیدپرور ایران و اجر عظیم باد بر تمامی خدمتگزاران جمهوری اسلامی ایران.

سخن را با نام و به یاد و برای خدا آغاز می‌کنم چرا که خداوند در همه جا و در همهٔ کارها[٤] ما را سرآغاز است و نام مبارک او همیشه در قلب‌های بی‌نور ما جا دارد و از بارگاه متعالش خواهانم که بنده را در نوشتن این وصیت‌نامه یاری نمایند. (انشاءالله) هرچند که بنده نه نویسنده خوب و نه اندرزگوی خوبی هستم، ولی برحسب تکلیف شرعی شروع به نوشتن این وصیت‌نامه می‌کنم و همان‌طور که گفتم از خداوند منان خواستارم که حقیر را یاری کند (انشاءالله) البته باید این را پیش از سخن برای عزیزان یادداشت نماییم که بنده هیچ قصد نصیحت و خدای نکرده قصد موعظه به کسی را ندارم و همان‌طور در اول سخن گفته‌ام این وصیت‌نامه را برحسب تکلیف شرعی می‌نویسم و آن را با چند جمله به‌عنوان

---

۱- در بالای وصیت نامه نوشته شده «وصیت‌نامه، مورخه ٦٣/٤/٨ برابر با بیست‌ونهم رمضان»

۲- توبه/١١٦.

۳- ترجمهٔ اصل وصیت اندکی آشفته بود. ضمناً آیه را نیز ۱۱۷ ذکر کرده است «بدرستیکه خدا مرا، و راست پادشاه زمین و آسمان زنده می‌کند و می‌میراند مرا و نیست شما را غیر از خدا دوستی و نه یاری کننده‌ای».

٤- در اصل وصیت «کارهها».

تذکر ادامه می‌دهم. اما در اول سخن باید آرزوی شهدا را بازگو کرد و حقی را که آنها بر گردن ما دارند ادا[1] نماییم.

آرزوی بنده و کلیه شهدا این بود که روزی کنار قبر آقا اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) عرض ادب نمایم و همچنین ظلم و ستم را از سر مستضعفان جهانی کم کنیم و دست ظالمین را کوتاه سازیم و همچنین بیت‌المقدس[2] عزیز را از چنگال دژخیمان به در آوریم و این را بدانید که نکند یک موقع این در ذهنتان خطور کند که شهدا به آرزوهایشان نرسیده‌اند. بلکه اولین آرزوی همگی آنها شهید شدن در راه خداوند بوده است که با رسیدن به آن به تمامی آرزوهایشان رسیده‌اند. و اما [...][3] از آنها بر گردن ما است: ۱- اسلحه به زمین افتاده آنها را برداریم و این بار با رشادت بیشتری به دشمنان آنها، که دشمنان اسلام هستند، هجوم ببریم. ۲- امام عزیز را تنها نگذاریم و تا آخرین نفس و آخرین قطره خون از او (امام امت) و از اسلام دفاع کنیم و نکند که خدای نکرده به اهداف آنها و مقاصد آنها عمل نکنیم و خون آنها را پایمال بکنیم.

اما جمله‌ای با امام عزیز و بزرگوارمان: هرچند بنده کوچک‌تر از آنم که با امام بزرگوار سخنی داشته باشم.

ای امام و ای رهبر عزیز و بزرگوار، ای کسی که سال‌ها زحمت و رنج و مشقت را تحمل نمودی تا نهال انقلاب اسلامی را در وجود انسان‌ها بکاری، ولی طاغوتیان از خدا بی‌خبر نمی‌گذاشتند که این نهال در دل مردم بروید و هرجا سراغی از اسلام و خدمتگزاری به قرآن را می‌یافتند یا او را نابود می‌کردند و یا او را از کشورش تبعید می‌کردند. اما نام تو و سخن تو آنچنان در قلب مردم اثر گذاشت که تمام خائنین به اسلام را نابود کردند و پرچم اسلام را برافراشته کردند. اما ای امام، اکنون که این سعادت بنده را یاری کرد و حقیر به آرزوی دیرینه خود رسیده‌ام، بدان که اگر خداوند هزارها جان به بنده می‌داد، بنده تمامی

---

۱- در اصل وصیت «اعدا».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- خوانا نیست.

آنها را فدای انقلاب و اسلام و قرآن و تو می‌کردم[۱] که هدف تو غیر از هدف انبیا نیست و اجازه نخواهم داد که منافقین به این انقلاب ضربه‌ای وارد سازند و امیدوارم که روزی پرچم جمهوری اسلامی بر قله‌های مرتفع جهان به اهتزار درآید و همچنین مسلمانان جهان با رهبری امام گونه شما بر مستکبرین به پیروزی نهایی برسند.

ای امت شهیدپرور انقلاب اسلامی ایران و خصوصاً امت شهیدپرور سمنان و قریه دلازیان[۲] از شما خواستارم که امام عزیز را تا آخرین لحظه جان یاری نمایید و از شما می‌خواهم که آنچه در توان دارید از رزمندگان و دلیران اسلام و قرآن یاری کنید و آنان را یاری نمایید که به اهداف عالی اسلام برسند. (انشاءالله)

از اینکه این فیض بزرگ و سعادت بزرگ نصیب اینجانب گردیده است بسیار خوشحالم و امیدوارم که پدر و مادر و دیگر اقوام و دوستان هم خوشحال باشند. البته بنده آرزوی شهادت را اینگونه کرده‌ام که خدایا در راه تو، برای تو، برای اسلام تو می‌جنگم و در راه تو می‌رزمم و اگر در این راه شهادت نصیب بنده شد، این سعادت را مشتاقانه به آغوش می‌کشم، چون پیامبر گرامی می‌فرماید: «**الدنیا سجن المؤمن و جنة الکافر**»[۳] دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است. پس باید هرچه سریع‌تر بار سفر را بست و خود را برای مرگ آماده ساخت و چه خوب است که این مرگ در راه خدا و برای رضای او فدا کنیم جانمان را و مرگ با عزت را بهتر بدانیم از ماندن با لذت.

اما سخن بنده با خانواده شهدا که امام عزیزمان فرمود: «خانواده شهدا چشم و چراغ این ملتند».[٤]

---

۱- عبارت شهید حدیثی را که از طریق اهل سنت روایت شده است به یاد می‌آورد: «قال النبی (صلی الله علیه و آله)،... و لوددت ان قاتلت فی سبیل الله فقتلت ثم احییت ثم قتلت ثم احییت»، ترجمه: «دوست می‌داشتم که در راه خدا بجنگم و کشته شوم، سپس زنده شوم، سپس کشته شوم، پس زنده شوم». (صحیح النجاری، ج٤، ص١١).

۲- یکی از روستاهای شهرستان سمنان در استان سمنان است. این روستا در ۸ کیلومتری جنوب سمنان در سوی دیگر خط آهن تهران- مشهد و پس از روستای خیرآباد و رکن‌آباد قرار دارد.

۳- دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است. (جامع صغیر، ج۲، ص١٦ و کنوز الحقائق، ص٦٤). مولوی گوید:

این جهان زندان و ما زندانیان حفره کن زندان و خود را وا رهان

٤- عبارت از حضرت امام خمینی است. (صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی).

ای پدر و ای مادر و ای همسر و ای فرزند شهید، مقاوم و استوار و صابر باشید که فتح بزرگ و نهایی نزدیک است و شماها فردای قیامت نزد پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و فاطمه(علیهاالسلام) و علی(علیه‌السلام) و فرزندانشان روسپید هستید.

اما در آخر سخن بنده با پدر و مادر عزیز و مهربانم: پدر و مادر گرامی و عزیز، شاید در طول عمرم و در این مدتی که خدمت شما بوده‌ام نتوانستم خدمتی به شما بکنم و نتوانسته‌ام ذره‌ای از آن زحمات شما را ادا[۱] نمایم[۲] و شما بودید که همیشه در کارها و سخن‌ها بنده را یاور بودید و همیشه بنده را با پندها و نصیحت‌های پدر و مادرگونه‌یتان موعظه می‌کردید و بنده آنقدر شایسته نبودم که به نصیحت‌های شما گوش فرا دهم و از این جهت از شما طلب بخشش و حلالیت را دارم و امیدوارم که فرزند حقیر و کوچک خودتان را ببخشید. پدرم، از اینکه شما برای بنده بسیار زحمت کشیده‌اید و بنده نتوانسته‌ام این زحمات شما را جبران نمایم[۳] متأثرم و شاید شما به امید آن بودید که بنده همگام با شما برای تأمین طعام و مائده خانواده به شما کمک نمایم.[٤] اما اجل یاری نکرد و بنده نتوانستم به امیدها و آرزوهای شما پاسخ مثبت بدهم.

اما شما ای مادرم، از اینکه فرزندت شهید شده است، ناراحت نباش و غمگین مشو که این آرزوی بنده بوده است و تو باید خوشحال باشی و اگر شما نتوانستید بنده را در حجله دامادی ببینی و اکنون فرزندت را در حجله شهادت می‌بینی، خوشحال باش[۵] و به مردم شیرینی بده، چرا که بنده به دامادی حقیقی رسیده‌ام.

و شاید بنده با انتخاب شغل پاسداری توانسته بودم ذره‌ای از زحمات شما را جبران نمایم[٦] و از تو می‌خواهم که در مرگ من گریه نکنی و عزا نگیری که دشمنان اسلام خوشحال خواهند شد.

---

۱- در اصل وصیت «اعدا».

۲- در اصل وصیت «نمائیم».

۳- در اصل وصیت «نمائیم».

٤- در اصل وصیت «نمائیم».

۵- در اصل وصیت «باشم».

٦- در اصل وصیت «نمائیم».

بنده از خداوند منان می‌خواهم که به شما صبر و اجر جزیل عنایت کند و همیشه استوار و مقاوم باشید.

و سخنی با همکاران و برادران بسیار عزیز خودم دارم: ای برادر پاسدار و بسیار عزیز، مبادا خدای نکرده با عملی و سخنی این شغل گرانبها را لکه‌دار کنی و این جان بسیار عزیز خود را به راه دیگری فدا کنی که غیر از اسلام باشد و این را بدان از زمانی که وارد سپاه شده‌ای و جان خود را بر کف دست نهاده‌ای و لباس شهادت را به تن کرده‌ای و این را بدان که راه ما در آخر به‌جز شهادت در راه اسلام به چیز دیگری ختم نخواهد شد. پس خود را آماده شهادت کن و از این لباس مقدس، که از خون شهدا به‌دست آمده است، به‌خوبی پاسداری کن و سعی کنید که اعمالتان[۱] خالص برای رضای خدا باشد. از تمام دوستان، اقوام، آشنایان- همشهریان[۲] و دیگر امت حزب‌الله طلب بخشش و حلالیت دارم و امیدوارم که حقیر را عفو نمایید. (انشاءالله)

**الحقیر، رضاعلی اعرابیان**

در قسمت آخر وصیت‌نامه لازم بر این دانستم که چند جمله در رابطه با خودم و اثاثیه‌ای[۳] که متعلق به بنده است سخنی بگویم:

در رابطه با خودم باید خدمتتان عرض شود که به مدت(۱/۵) یک سال‌ونیم نماز مقروضم[٤] و حدود ۵ ماه هم روزه. اگر توانستید اینها را برای بنده بگیرید و فکر نکنم که چیزی و یا پولی به کسی مقروض[۵] باشم و اگر کسی آمد و گفت که پولی و یا چیزی از ایشان می‌خواهم به او بدهید و ایشان را راضی کنید و از همگی برای بنده طلب عفو و بخشش نمایید.

---

۱- در اصل وصیت «اعملتان».

۲- در اصل وصیت «همشریان».

۳- در اصل وصیت «اساسیه‌ای».

٤- در اصل وصیت «مغروضم».

۵- در اصل وصیت «مغروض».

و در حدود یک دانگ و یک سوم دانگ خانه، که در حدود ۸۵ متر است، به اسم بنده است و آن هم تعلق[۱] به پدرم دارد و یک موتور، که در حدود ۳۲ هزار تومان قیمت شده است، آن هم به اسم بنده است که آن هم متعلق به پدرم هست و دیگر چیزی ندارم غیر از چند عدد کتاب. اگر کتاب‌ها را احتیاج ندارید به کتابخانه‌ای بدهید تا از آنها استفاده شود.

در آخر، اگر جنازه بنده به‌دست شما رسید، آن را در قبرستان روستای دلازیان[۲] به خاک بسپارید و اگر به دست شما نرسید، هیچ ناراحت نباشید و بنده می‌خواستم که همیشه شهید گمنام باشم.

خداوندا، گناهان ما را ببخش و ما را بیامرز. به ما توفیق بندگی و اطاعت از خودت را بده. خدایا، مرگ ما را شهادت در راهت قرار بده «آمین یا رب العالمین».

به امید فتح و پیروزی کامل تمامی رزمندگان و سلحشوران جان بر کف سپاه حق علیه باطل و به امید زیارت و فتح کربلا و بیت‌المقدس.

**الحقیر و بنده کوچک خدا، رضاعلی اعرابیان**

**٦٣/٤/٨**

---

۱- در اصل وصیت «متعلق».

۲- روستای دلازیان زادگاه شهید اعرابیان از توابع شهرستان سمنان است.

وصیت نامه

صفحه ۱

تمام حق این اثر از آن خداوند است و هرگونه استفاده از آن بدون اجازه کتبی مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران ممنوع است

بسم الله الرحمن الرحیم — مورخه: ۸/۴/۶۳

(به نام خداوند بخشنده و مهربان)

برابر با بیست و نوم رمضان

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

بدرستیکه خدا مراء، و راست پادشاه زمین و آسمان زنده میکند و میمیراند مرا و نیست شما را غیر از خدا دوستی و نه یاری کننده ای

سوره توبه (آیه ۱۱۷)

با درود و سلام خدمت پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) و با درود به تمام اولیاء و انبیاء خداوند بزرگوار

و با سلام به یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و با درود بر نائب برحقش امام امت و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی و با سلام به ارواح پاک و طیب شهداء از شهدای صدر اسلام تا شهدای کربلاهای ایران و با درود بر تمامی سلحشوران و جانبازان سپاه حق علیه باطل و با سلام به نامی امت مسلمان و شهید پرور ایران و اجر عظیم با دبیر تمامی خدمتگزاران جمهوری اسلامی ایران

سخن را با نام و یاد و برای خدا آغاز میکنم - هر آنچه خداوند در هفت جا در قرآنهای ما از سر آغاز است و نام مبارک او همیشه در قلبهای پر نور ما جاودانه و از بارگاه متعالش خواهانم تا یاریگر ما در نوشتن این وصیت نامه یاری نماید (انشاءالله) هر چند که بنده نه نویسنده خوب و نه اندرزگوی خوبی هستم ولی بر حسب تکلیف شرعی شروع به نوشتن این وصیت نامه میکنم و هر طور که گفتم از خداوند متعال خواستارم که حقیر را یاری کند (انشاءالله)

البته با بیان این پیش از سخن برای عزیزان یادآوری نمایم که بنده هیچ قصد نصیحت و خدای نکرده قصد وعظ به کسی را ندارم و هر طور در اوائل سخن گفتم این وصیت نامه را بر حسب تکلیف شرعی می نویسم و آن را چند جمله بعنوان تذکر ارائه میدهم.

اما در اوائل سخن باید آرزوی شهدا را باز گو کرد و حقی را که آنها بر گردن ما دارند ادا نمائیم.

آرزوی بنده و کلیه شهدا این بود که روزی کنار قبر آقا اباعبدالله الحسین عرض ادب نمائیم و هجنین ظلم و ستم را از سر مستضعفان جهان کم کنیم و دست ظالمین را کوتاه سازیم و هجنین بیت المقدس عزیز را از چنگال رژیم غاصب بدر آوریم و این را بداند که تکلیف ما در قبال این در دهستان خط قرمز شهدا به آرزوهایشان نرسیده اند بلکه اولین آرزوی همگی آنها شهید شدن در راه خداوند بوده است که با رسیدن به آن به تمامی آرزوهایشان رسیده اند.

صفحه ۳

[illegible] بنده با پدر و مادر عزیز همراهم

مرتضی [illegible] برادر عزیز - شاید در طول عمرم و در این مدتی که خدمت شما بوده ام نتوانسته ام خدمتی به شما بکنم و نتوانسته ام ذره ای از آن زحمات شما را اعدا نمایم و شما بودید که همیشه در کارها و سختیها بنده را یاور باشید ببودید و همیشه بنده را با پندها و نصیحتهای پدرو مادرگونه آنان موعظه میکردید و بنده آنقدر شایسته نبودم که به نصیحتهای شما گوش فرا دهم و از این جهت از شما طلب بخشش و حلالیت را دارم و امیدوارم که فرزند حقیر و کوچک خود آن را ببخشید

پدرم از اینکه شما برای بنده بسیار زحمت کشیده اید و بنده نتوانسته ام این زحمات شما را جبران نمایم متأثرم و شاید شما به امید آن بودید که بنده همگام با شما برای تأمین طعام و مائده خانواده به شما کمک نمایم اما اجل یاری نکرد و بنده نتوانستم به امیدها و آرزوهای شما پاسخ مثبت بدهم

مثلاً شمای مادرم از اینکه فرزندت شهید شده است ناراحت نباش و غمگین مشو که این آرزوی بنده بوده است و تو باید خوشحال باشی و اگر شما نتوانستید بنده را در حجله داماد ببینید و اکنون فرزندتان را در حجله شهادت میبینی خوشحال باش و به مردم شریفی بده چرا که بنده به دامادی حقیقی رسیده ام

و شاید بنده با انتخاب شغل پاسداری توانسته بودم ذره ای از زحمات شما را جبران نمایم و از دستم خواهم که در مرگ من گریه نکنی و عزا نگیری که دشمنان اسلام خوشحال خواهند شد

بنده از خداوند متعال میخواهم که به شما صبر و اجر جزیل عنایت کند و همیشه استوار و معاون شما شد

و سختی با همکاران و برادران بسیار عزیز خودم دارم

ای برادر پاسدار و بسیار عزیز میدانم که با علی و سختی این شغل را انتخاب کرده اید و این جانبار بسیار عزیز خود را به راه دیگری فدا کنی که غیر از اسلام باشد و این را بدان از زمانی که وارد سپاه شده ای جان خود را در کف دست نهاده ای و لباس شهادت را بتن کرده ای و این را بدان که راه مادر اکبر بجز شهادت در راه اسلام به چیز دیگری ختم نخواهد شد پس خود را آماده شهادت کن و از این لباس که مقدس است از خود شهید دست آماده است نخوری پاسداری کن و سعی کنید که اعمالتان خالص برای رضای خدا باشد

از تمام دوستان، اقوام، آشنایان - همشهریان و دیگر امت حزب الله طلب بخشش و حلالیت دارم و امیدوارم که حقیر را عفو نمایند. (انشاء الله)

رضا [illegible]

الحقیر رضا [illegible]
اعرابیان

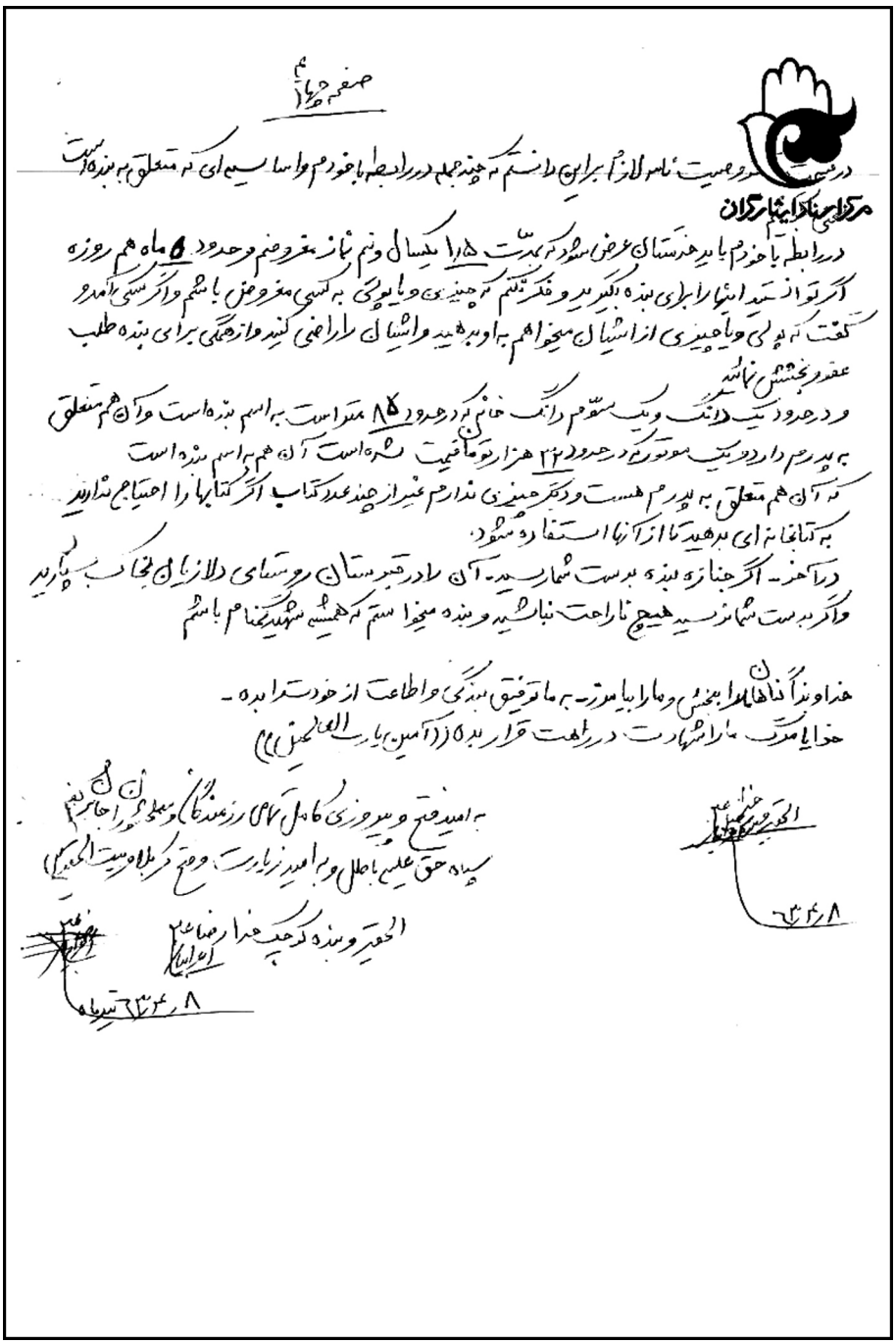

صفحه ۱

بسم الله الرحمن الرحیم

در مورد وصیت نامه لازم است برایتان بگویم که چند جمله در رابطه با خودم و اساسی که متعلق به بنده است

مرکز اسناد ایثارگران

در رابطه با خودم باید عرض شود که بهمن ۱۵ را یکسال و نیم نماز مقروضم و حدود ۵ ماه هم روزه اگر توانستید اینها را برای بنده بگیرید و فکر نکنم که چیزی و یا پولی به کسی مقروض باشم و اگر کسی آمد و گفت که پولی و یا چیزی از اشیاء میخواهم به او بدهید و اشیاء را راضی کنید و از همگی برای بنده طلب عفو و بخشش نمائید

و در حدود ۱۰ متر و یک سوم رانگ خانم پر در حدود ۸۵ متر است به اسم بنده است و آن هم متعلق به پدرم را در دو سند معتبر در حدود ۲۲ هزار تومان قیمت شده است آن هم به اسم بنده است که آن هم متعلق به پدرم هست و دیگر چیزی ندارم غیر از چند عدد کتاب اگر کتابها را احتیاج ندارید به کتابخانه ای بدهید تا از آنها استفاده شود.

در آخر اگر جنازه بنده بدست شما رسید آن را در قبرستان روستای دلازیان بخاک بسپارید و اگر بدست شما نرسید هیچ ناراحت نباشید و بنده میخواستم که همیشه شهید گمنام باشم

خداوندا گناهان ما را ببخش و ما را یاری کن تا موفق به بندگی و اطاعت از خودت را بدهد.
خدایا مرگ ما را شهادت در راهت قرار بده (آمین یا رب العالمین)

الحقیر حسین [illegible]
۶۳/۴/۸

به امید فتح و پیروزی کامل رزمندگان و مجاهدین اسلام در سپاه حق علیه باطل و به امید زیارت وضع مرکبلا و بیت الحرام

الحقیر و بنده کوچک غلامرضا [illegible]
۶۳/۴/۸ سپاه

نام: **جواد**
نام خانوادگی: **اعظمی**
نام پدر: **عزیز**
نام مادر: **گوهر**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳٤٥**
محل تولد: **روستای مزرعه از توابع شهرستان گرگان**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ویکم تیر ۱۳٦۱**
محل شهادت: **پاسگاه زید عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

## عبارت‌های کلیدی

- پروردگارا آگاهانه به مشهد خویش می‌روم.
- تنها راهنمای ما ابرمرد زمان امام خمینی است.
- اماما تو قلب مرا تسخیر کرده‌ای.
- اماما تو مانند کوه استوار باش.
- پدرم در لحظه‌های ناراحتی برای سرور آزادگان حسین(علیه‌السلام) گریه کن.
- امام حسین(علیه‌السلام) با خونش گفت: «مرگ سرخ بهتر از زندگی ننگین است».
- در شهادتم گریه نکنید.
- در قیامت از خدا برای شما طلب آمرزش می‌کنم.

## جواد اعظمی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«ان الله یحب الذین یقاتلونَ فی سبیله صفاً کأنهم بنیان مرصوص»**[۱]

با خون شهید بیعتی تازه کنیم  در حق‌طلبی جهان پرآوازه کنیم[۲]

خدایا، پروردگارا، تو خود می‌دانی که ما چقدر مشتاق شهادتیم و نیز می‌دانی که هدف ما شهادت نیست بلکه پیروزی در راه توست. اگر توانستیم می‌کشیم و اگر نتوانستیم کشته می‌شویم، ولی در هر حال پیروزی با ما است، چون تو فرموده‌ای: «**اِن الله یدافع عَن الذین آمَنُوا**»[۳] خداوندا، چه دلیلی بهتر و چه منطقی قاطع‌تر برای جهاد ما که فرموده‌ای: »**وَ جاهدوا فی الله حق جهاده**»[٤] پروردگارا، اینک تو را شاهد می‌گیریم که آگاهانه به مشهد[۵] مشهد[۵] خویش می‌روم برای جهاد در راه تو و در راه به تحقق رساندن جمهوری اسلامی در سراسر دنیا. ای پدر، برای من گریه مکن و مادرم را دلداری بده. از خدا می‌خواهم تا شما را یاری دهد تا آنچه در توان دارید در راه اسلام جانفشانی کنید و خدا به من توان بدهد که بتوانم تا آخرین قطره خونم در راه اسلام جانفشانی کنم.

**«والسلام»**

اینک که ما با دنیا طرف شده‌ایم، تنها تو را داریم و راهنمایی‌های این مجاهد و این ابرمرد زمان (امام خمینی) را. اماما، اینک سخنی با تو دارم: ای که قلب‌های ما را تسخیر کرده‌ای و اگر تو نبودی انقلابی در این سرزمین تا صدها سال دیگر رخ نمی‌داد، مگر باز

---

۱- صف/ ٤. ترجمه: «همانا خداوند آن کسانی را که صف در صف، همچون دیوار دژی محکم در راه او کارزار می‌کنند دوست می‌دارد».

۲- شعر از محمدرضا سهرابی‌نژاد است:

با خون شهید بیعتی تازه کنیم  در حق‌طلبی جهان پرآوازه کنیم
آشفته ورق‌های کتاب وحدت  برخیز که این کتاب شیرازه کنیم

۳- بخشی از آیه ۳۸ سورهٔ حج. «مسلماً خداوند از مؤمنان دفاع و حمایت می‌فرماید».

٤- بخشی از آیه ۷۸ سورهٔ حج. «در راه خداوند چنان که حق و سزاوار است از همه جهت جهاد کنید».

۵- مَشهد: اسم مکان از ریشه شهد یشهد به معنی محل شهادت، قربانگاه.

هم به رهبریِ رهبری چون تو. اماما، اینک که ضربه‌ها از هر طرف بر پیکر تو فرو می‌آید، ولی تو با یاری خدا همچون کوهی استوار بر پا ایستاده‌ای و مسئولیت سنگین نذیران و بشیران را به دوش می‌کشی، مطمئن باش که ما یار و یاور توایم و از اسلام دفاع خواهیم کرد. می‌توانم بگویم همین‌قدر که مشتاق شهادتم مشتاق دیدن امامم نیز می‌باشم.[۱] خدایا، به پدر و مادر و خانواده و دوستانم صبر و مقاومت همراه با آگاهی عطا کن تا بدانند که «**ما اصاب من مصیبة الاّ باذن الله**».[۲]

جمله‌ای از امامم به یاد آمد که بیشتر زبان حال من است. «من که زندگی‌ام به اسلام خدمتی نکرد، شاید مرگم موجب خدمتی شود».[۳] آخرین کلام اینکه من که نه لیاقت بهشت را دارم و نه لیاقت اسم شهید و جای شهید را، ولی لطف خدا و رحمت حق و بخشندگی او را نیز نمی‌توانم فراموش کنم. با وجود این، اگر شما بازماندگان برای من دعا کنید و مرا ببخشید، من در قیامت نیز به خودم اجازه خواهم داد که از خداوند برای شما طلب آمرزش کنم. و پیامی برای مادرم: وقتی که شهید شدم برای من گریه نکنند. پیامی دیگری برای پدرم: تو ای پدر عزیز، دست‌های پینه بسته‌ات را از راه دور می‌بوسم، مرا ببخش، شما در حق من محبت‌ها کرده‌اید.

پدر عزیزم، شما را به خدا سوگند می‌دهم که برای من ناراحت نباشی، زیرا من هدفی مشخص داشتم و برای رسیدن به هدفم هیچ سدی نمی‌تواند در جلوی من مقاومت کند. هر وقت ناراحت شدی، برای سرور آزادگان، حسین(علیه‌السلام)، گریه کن که در زمانی که نه

---

۱- محبت و علاقه‌ای که خداوند در دل رزمندگان نسبت به امام افکنده بود، غیرقابل وصف و بیان است. وقتی امام می‌فرمود: «ملت ما الهی شده است» و وقتی امام بارها در برابر عظمت این ملت خضوع می‌کردند، واقعاً شگفت‌انگیز بود. امام بی‌دلیل نمی‌فرمودند: «این آستین پاره‌ها و مستضعفان ولی‌نعمت ما هستند». رزمندگان حتی با دیدن تصویر امام روحیه جدید می‌گرفتند تا چه رسد کسی مورد عنایت خاص قرار گیرد و به زیارت امام نایل آید، شهید اعظمی شوق دیدار امام را با شوق شهادت یکسان می‌داند.

۲- بخشی از آیه ۱۱ سورهٔ تغابُن. ترجمه: «مصیبت بر انسان و جوامع نازل نمی‌شود مگر به اذن خداوند».

۳- این تعبیر به گونه‌ای دیگر نیز از سوی امام خمینی نقل شده است. (صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی).

قلم بود و نه دفتر با ۷۲ تن یارانش خون خود را جوهر و زمین را کاغذ قرار داد و نوشت: «مرگ سرخ بهتر از زندگی ننگین است».[۱]

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم رب شهداء و الصدیقین**

با یاد الله و با سلام به حضور امام زمان(عج) و درود بیکران به نایب برحقش امام خمینی و با سلام به خانوادهٔ گرامی‌ام و امت همیشه بیدار وصیت‌نامهٔ خود را به شرح زیر بیان می‌کنم:

اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم مورخهٔ ۱۳٦۱/٤/۲۲ مصادف با روز احیاء ۲۱ ماه مبارک رمضان می‌باشد که در جبهه هستم و نزدیک حمله است یا یک شب دیگر حمله است[۲] و یا دو شب دیگر.

پدرم و مادرم، هیچ ناراحت نباشید از برای من. اگر که من شهید شدم، شما باید خوشحال و شادمان باشید و اگر شما ناراحت شوید منافقین[۳] به شما می‌خندند. وصیتی که به شما برادرانم و خواهرانم دارم این است که اگر من شهید شدم، برای من گریه نکنید. مادرم، شما باید همچون زینب(علیها السلام) باشید و خواهرانم، شما هم باید مانند زینب(علیها السلام) در راه اسلام جانفشانی کنید و حجاب خودتان را حفظ کنید. پدر و مادرم، اگر از من بدی دیدید مرا ببخشید. چون که من جوان بودم و سطح فکر ما به آن صورت نبود که به شما بدی نکنیم. پدر و مادرم و برادران و خواهرانم، من هنوز آرزو دارم، آرزوی چه؟ آرزوی

---

۱- از امام حسین(علیه السلام) جمله‌ای دقیقاً معادل این عبارت در هیچ منبعی نقل نشده است. اما تعابیر بلندی چون: «هیهات منا الذّله» یا «لا اری الموتَ الا سعادة و الحیوة مع الظالمین الابَرما» از امام حسین(علیه السلام) است که با عبارت شهید سازگار و مناسب است.

۲- با توجه به تاریخی که نقل شده باید یک روز قبل از عملیات رمضان باشد که در تاریخ ٦۱/٤/۲۳ در شرق بصره با رمز عملیات یا صاحب‌الزمان(عج) ادرکنی آغاز شده و محورهای شمال و شمال‌غرب پاسگاه زید از دست عراق آزاد شده است.

۳- ر.ک. تعلیقات.

کربلا دارم. من از خدا می‌خواهم که هرچه زودتر [...][1] پدرم کلید قدس[2] در حرم مطهر [...][3] حسین‌ابن علی(علیه‌السلام) است. به امید روزی که خانوادهٔ شهدا را در سر قبر سالار شهیدان، حسین‌ابن علی(علیه‌السلام)، ببینیم. پدرم و مادرم، شما امام را دعا کنید که هرچه داریم از امام است و در آخر نماز امام را دعا کنید و برای فرج امام زمان(عج) هم دعا کنید. و برادرانم، اگر من شهید شدم، اسلحه‌ام را بر زمین نگذارید. اسلحه‌ام را بردارید و چنان بر قلب دشمن بزنید و لشکر کفر را متلاشی کنید که خودتان خوشحال شوید. در آخر، آرزوی طول عمر رهبر انقلاب، امام خمینی، را از خداوند بزرگ خواستارم.

**به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر علیه کفر**

**۱۳٦۱/٤/۲۲**

**۲۱ ماه مبارک رمضان**

**جواد اعظمی**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

وصیت‌نامه شهید جواد اعظمی

«**و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین* الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انالله و انالیه راجعون**».[4]

«و هر آینه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش از اموال و جان‌ها و ثمرات مورد آزمایش قرار می‌دهیم و مژده دِه به صبرکنندگان، آنان که هرگاه مصیبتی به آنها رسد می‌گویند: «ما از خداییم و بازگشت ما به‌سوی اوست».

انسان در طول زندگی خود هر لحظه در برابر آزمایشی از طرف پروردگارش قرار دارد و ارزش هر کس بستگی به آن دارد که چگونه از این امتحانات بیرون بیاید. انسان برای

---

۱- در کپی از اصل وصیت چند کلمه از حاشیه وصیت‌نامه افتاده است.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در کپی از اصل وصیت چند کلمه از حاشیه وصیت‌نامه افتاده است.

٤- بقره/ ۱۵۵- ۱۵٦.

ماندن و زندگی کردن دائمی در دنیا آفریده نشده است. انسان باید از فرازونشیب‌ها عبور کند تا خدا را ملاقات کند. «**یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه**»[1] آری باید انسان در راه الله رنج ببرد تا او را ملاقات کند. این سرنوشت انسان است. بزرگی هر روح به اندازه رنجی است که در راه الله می‌برد. روح‌های بزرگ همواره به رنج‌های بزرگ مبتلایند. مگر نه اینکه حسین‌ابن‌علی(علیه‌السلام)، این روح بزرگ آفرینش، باید بزرگ‌ترین رنج‌ها را ببرد و در بزرگ‌ترین امتحان‌ها شرکت جوید. ما که شیعه هستیم باید از او پیروی کنیم. باید همچون او گوشه‌ای ساخت و از اینجا کوچید، زیرا که دنیا نه جای ماندن است و نه ارزش ماندن را دارد، آن هم زمانی که اسلام عزیز مورد هجوم جهانخواران و ایادی آنها قرار گرفته. چگونه می‌توان به دور از صحنه درگیری حق و باطل به زندگی روزمره تن در داد. باید شهادت و مرگ سرخ را برگزید تا برای همیشه از مرگ سیاه رهایی یافت، تازه ما که با ریختن خون خود در راه خدا که کاری نکرده‌ایم، تنها امانت را به صاحبش برگردانده‌ایم. من که در طول زندگی کاری برای اسلام نکرده‌ام، شاید با خواست خدا ریخته شدن خونم موجب آمرزش گناهان و پیشرفت اسلام عزیز شود. اگر در دنیای شما می‌ماندم، چه می‌کردم؟ آیا زندگی در جوار رحمت خداوند که مژده‌اش را داده است با مرگ تدریجی که زندگی‌اش نام نهاده‌اند مساوی است؟ پدر و مادر مهربانم، شما مرا از دست نداده‌اید، به خدا قرض داده‌اید. «**من [ذا الذی] یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه**».[2] مادر مهربانم، مرا خدا به تو داده بود، تو نیز به او برگرداندی. پس آیا خدا برایت کافی نیست؟ باید با متانت بسیار بر این مصیبت صبر کنی نیکو، که در آن شکایتی نباشد تا خداوند پاداشت را بدهد. وقتی این شهادت را برای خدا و به خواست خدا و در راه خدا داشتی، این مصیبت بر تو آسان خواهد شد.

از پدر و مادر و برادران و خواهرانم می‌خواهم که بعد از شهادت من صبر و تقوای را پیشه خود کنند و محور تمام کارهایشان را خدا قرار دهند و برادران، تنها خط امام خمینی

---

۱- انشقاق/ ٦. ترجمه: «ای انسان! تویی که در راه اطاعت پروردگارت کوشا هستی و به فرمانش گوش فرا داشته‌ای، محققاً به ملاقات او نائل خواهی شد».

۲- بخشی از آیه ۲٤٥ سورهٔ بقره. ترجمه: «کیست که به خدا قرض‌الحسنه‌ای بدهد تا آن مقدار را خداوند در زندگی او چند برابر جبران فرماید؟». «ذا الذی» در اصل وصیت نیامده است.

و قرآن است که می‌تواند ما را از انحرافات فکری رهایی داده و به‌سوی قرآن روی آورد[۱] و آن را همان‌گونه که هست دریافت و به آن عمل کرد. باید با تمام قوا برای خدا و انقلاب اسلامی کار کرد و در این راه هیچ سستی به خود راه نداد. خدایا، اینک به‌سوی تو آمده‌ام و از همه به‌سوی تو گریخته‌ام. با تمام گناهانم دعایم را پذیرا باش و مرا به آرزویم برسان. خدایا، چون غم‌ها هجوم آورند، تو خود توشه من باش و خدایا، من دیگر طاقت دوری تو را ندارم. مرا از نظر به کرامتت محروم مفرما. خدای من، فردای قیامت مرا به دیدار خود شاد گردان. خداوندا، مرا به قسمت خود راضی و قانع گردان و از سر تقصیراتم بگذر.

«**الهی هب‌لی کمال الانقطاع الیک**»:[۲] خدایا قلبم را از عشق خودت لبریز کن تا چشمم را توانایی تحمل آن نباشد و خونم در راه تو ریخته شود و روحم به‌سوی تو به پرواز درآید.

«**والسلام**»

**وصیت‌نامه پاسدار رشید اسلام، جواد اعظمی**

---

۱- در اصل وصیت «آورید».

۲- فرازی از مناجات شعبانیه است.«الهی هَب لی کمال انقطاع الیک و اَنِر ابصار قُلوبنا بضیاء نظرها.» ترجمه: «بارالها بریدگی کامل (انقطاع) از تعلقات را برای توجه به خودت ارزانی‌ام فرما و چشم دل‌هایمان را به فروغ نظر کردن خودت روشن گردان».

بسم رب شهدا - وصیت نامه

ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص

با خون شهید بیعتی تازه کنیم

در حق طلبی جهاد پیرا آوازه کنیم

خدایا پروردگارا تو خود می دانی که ما چقدر مشتاق شهادتیم

و نیز می دانی که هدف ما شهادت نیست بلکه پیروزی در راه

توست اگر تو انستیم می کشیم و اگر نتوانستیم کشته می شویم ولی در هر

حال پیروزی با ما است چون تو فرمودی - ان الله یدافع عن

الذین آمنوا و انوچه دلیلی بهتر و چه منطقی قاطعتر برای جهاد

ما که فرموده ای و جاهدوا فی الله حق جهاد - پروردگارا ما انیک

تورا خاهش می گیریم که آگاهانه به مشهد خویش می رویم برای جهاد

در راه تو و در راه به تحقق رساندن جمهوری اسلامی در سراسر دنیا

ای پروردگار من گریه مکن و مادرم را دلداری بده. از خدا می خواهم

شما را یاری دهد تا آنچه در توان دارید در راه اسلام جانفشانی

کنید و جبران مصیبت تو را به هر که بتواند تا آخرین قطره خونش در راه اسلام

نثار کند

و السلام

ولی که ما با دنیا طرف شده ایم تنها تو را داریم و راهنمائیهای این
مجاهد و این ابر مرد زمان (امام خمینی) را. اما ما اینک سخنی با تو داریم
ای که قلبهای ما را تسخیر کرده ای و اگر تو نبودی انقلابی در این سرزمین
تا صدها سال دیگر رخ نمی داد. مگر باز هم به رهبری، رهبری چون تو
اما ما اینک که خبر به ما از هر طرف میرسد تو هر روز می آیی و لی تو با یاری
خدا همچون کوهی استوار بر پا ایستاده ای و مسئولیت سنگینی را بر دوش
و بشیراه را با روشنی می کشی مطمئن باش که ما با روحیه ای و روحیه ای و از
اسلام دفاع خواهیم کرد می توانم بگویم همین قدر که مشتاق شهادتم
مشتاق دیدن امامم نیز می باشم خدایا به پدر و مادر خانواده ام
دوستانم صبر و مقاومت عطا کن و با آگاهی عطا کن تا بدانند که
ما أصاب من مصیبة إلا بإذن الله - جمله ای از امامم بیاد آمد
که بیشتر از بار حال من است که من که زنده ایم با سلام خوشی نکرد
شاید مرگم موجب خوشی شود آخر این کلام اینکه من که نه لیاقت
بهشت را دارم و نه لیاقت اسم شهید و جای شهید را ولی لطف

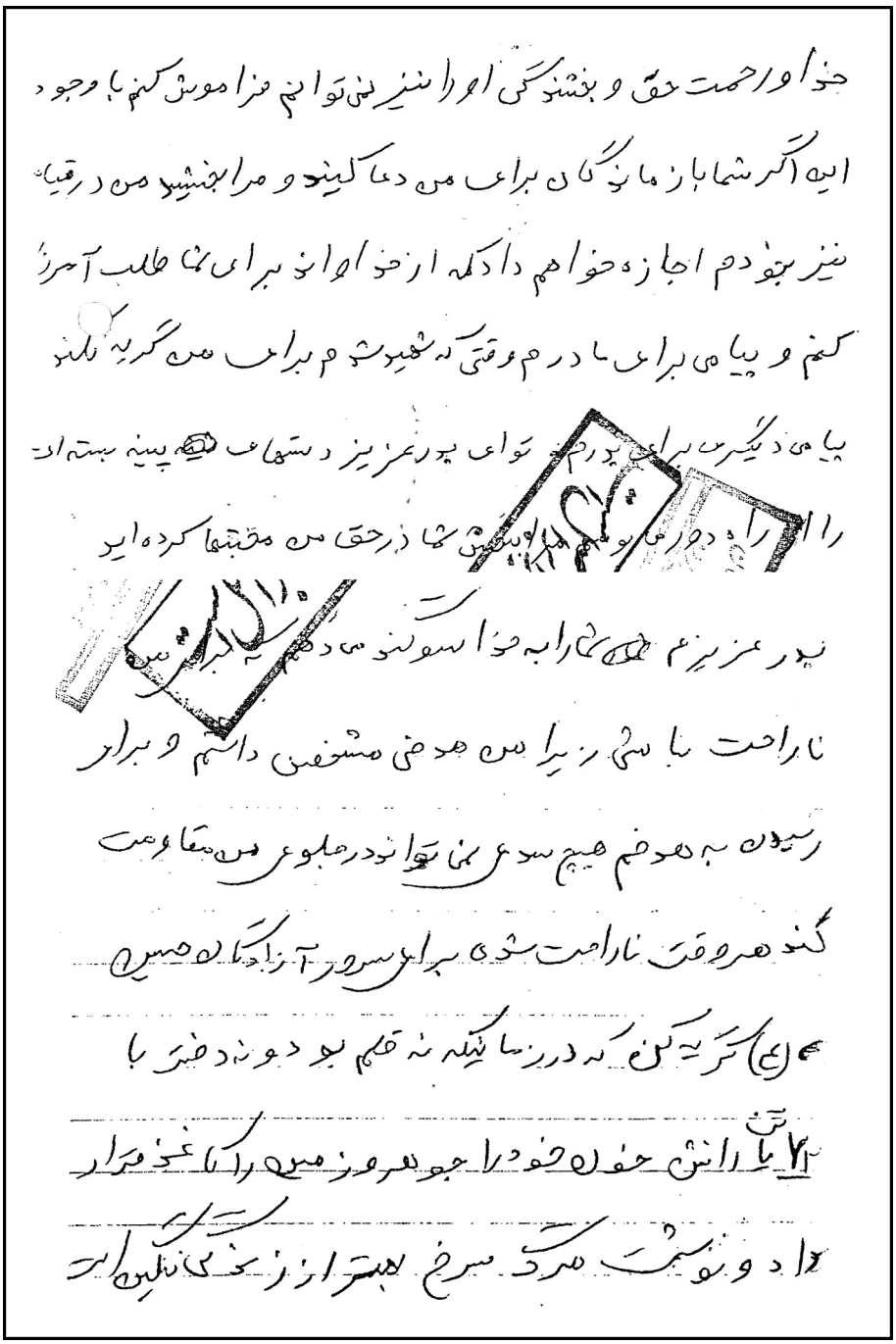

بسم رب شهداء والصدیقین

با یاد الله و با سلام به حضور امام زمان (عج) و درود و بیکران به نائب بر حقش امام خمینی و با سلام بر خانوادهٔ گرامیم و امت همیشه بیدار وصیت نامهٔ خود را شرح زیر بیان می کنم:

اکنون که این وصیت نامه را می نویسم مورخهٔ ۱۳۶۱/۴/۲۲ مصادف با روز احیاء ۲۱ ماه مبارک رمضان می باشد که در جبهه هستم و نزدیک حمله ساعت یا یک شب دیگر جدا است و یا دو شب دیگر. پدرم و مادرم همیشه شاد باشید از برای من اگر که من شهید شدم شما باید خوشحال و شاد باشید و اگر شما ناراحت شوید منافقین به شما می خندند. وصیتی که به شما برادرانم و خواهرانم دارم این است که اگر من شهید شدم برای من گریه نکنید، ما شما باید همچون زینب (س) باشید و خواهرانم شما هم باید مانند زینب (س) در راه اسلام جانفشانی کنید و حجاب خود را حفظ کنید، پدر و مادرم اگر از من بدی دیدید مرا ببخشید چون که من جوان بودم و سطح فکرم با آن صورت نبود که به شما بدی نکنم، پدر و مادرم و برادران و خواهرانم من هنوز آرزو دارم. آرزوی چه، آرزوی کربلا دارم، من از خدا

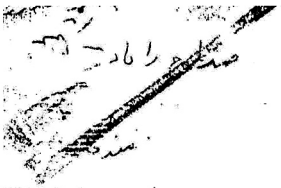

می خواهم که هرچه زودتر
پیکرم کلید قدس در حرم [illegible]
حسین ابن علی (ع) است به میدان روزی که خانواده شهدا را در
سرتاسر بالای شهیدان حسین ابن علی (ع) ببینم، پدرم و مادرم شما
امام را دعا کنید که هرچه داریم از امام است. و در آخر نماز امام را
دعا کنید و برای فرج امام زمان (عج) هم دعا کنید. و برادرانم اگر
من شهید شدم اسلحه را بر زمین نگذارید اسلام را پاسداری و جهاد
علیه دشمن بزنید و لشکر کفر را متلاشی کنید که خودتان خوشحال شوید
در آخر آرزوی طول عمر رهبر انقلاب امام خمینی را از خداوند
بزرگ خواستارم.
امید پیروزی رزمندگان اسلام بر علیه کفر.

۲۲/۴/۱۳۶۱
۲۱ ماه مبارک رمضان

جواد اعظمی

۱

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامه شهید جواد اعظمی

ولنبلونکم بشی من الخوف والجوع ونقص من الاموال والا
نفس والثمرات وبشر الصابرین الذین اذا اصابتهم
مصیبه قالوا انا لله وانا الیه راجعون

و هرآینه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی وکاهش
از اموال وجانها وثمرات مورد آزمایش قرار میدهیم
و مژده ده به صبرکنندگان آنانکه هرگاه مصیبتی
به آنها رسد می‌گویند ما از خدایم و بازگشت ما به
سوی اوست انسان در طول زندگی خود هر لحظه
در برابر آزمایشی از طرف پروردگارش قرار دارد
و ارزش هر کس بستگی به آن دارد که چگونه از
این امتحانات بیرون بیاید انسان برای ماندن و
زندگی‌کردن دائمی در دنیا آفریده نشده است ـ
انسان باید از فراز ونشیبها عبور کند تا خدا را
ملاقات کند یاایها الانسان انک کادح الی ربک ـ
حافملاقیه آری باید انسان در راه الله رنج ببرد
تا او را ملاقات کند این سرنوشت انسان است ـ
بزرگی هر روح به اندازه رنجی است که در راه الله
می‌برد روحهای بزرگ همواره به رنجهای بزرگ ـ
مبتلایند مگر نه اینکه حسین بن علی (ع) این

۲

روح بزرگ آفرینش باید بزرگترین رنجها را ببرد و در بزرگترین امتحانها شرکت جوید ما که شیعه هستیم باید از او پیروی کنیم باید همچون او — گوشه‌ای ساخت و از اینجا کوچید زیرا که دنیا نه جای ماندن است و نه ارزش ماندن را دارد — آن هم زمانی که اسلام عزیز مورد هجوم جهانخواران وایادی آنها قرارگرفته چگونه می‌توان بدور از صحنه درگیری حق و باطل به زندگی روزمره تن در داد — باید شهادت و مرگ سرخ را بر گزید تا برای همیشه ازمرگ سیاه رهایی یافت تازه ما که با ریختن خون خود در راه خدا که کاری نکرده‌ایم تنها امانت را به صاحبش برگردانده‌ایم من که در طول زندگی کاری برای اسلام نکرده‌ام شاید با خواست خدا ریخته شدن خونم موجب — آمرزش گناهان و پیشرفت اسلام عزیز شود اگر در دنیای شما می‌ماندم چه میکردم آیا زندگی در جوار رحمت خداوند که مزدهاش را داده است با مرگ تدریجی که زندگیش نام نهاده‌اند مساوی است پدر و مادر — مهربانم شما مرا از دست نداده‌اید به خدا قرض داده‌اید .

۳

ومن یقرض الله قرضا حسنا
فیضاعفه . مادر مهربانم مرا خدا به
تو داده بود تو نیز به او برگرداندی پس
آیا خدا برایت کافی نیست باید با
متانت بسیار بر این مصیبت صبر کنی
نیکو که در آن شکایتی نباشد تا خداوند
پاداشت را بدهد وقتی این شهادت
را برای خدا و بخواست خدا و در راه
خدا داشتی این مصیبت بر تو آسان
خواهد شد .

از پدر ومادر و برادران و خواهرانم
میخواهم که بعد از شهادت من صبر
و تقوای را پیشه خود کنند و مجور
تمام کارهایشان را خدا قرار دهد
و برادران تنها خط امام خمینی
و قرآن است که میتواند ما را از
انحرافات فکری رهایی داده و
بسوی قرآن روی آورید و آنرا همانگونه
که هست دریافت و به آن عمل کرد
باید با تمام قوا برای خدا و انقلاب
اسلامی کار کرد و در این راه هیچ

۴

سستی بخود راه نداد خدایا اینک بسوی تو آمده‌ام و از همه بسوی تو گریخته‌ام با تمام گناهانم دعایم را پذیرا باش و مرا به آرزویم برسان خدایا چون غمها هجوم آورند تو خود توشه من باش و خدایا من دیگر طاقت دوری ترا ندارم مرا از نظر به کرامتت محروم مفرما خدایمن فردای قیامت مرا به دیدار خود شاد گردان خداوندا مرا به قسمت خود راضی و قانع گردان و از سر تقصیراتم بگذر.

الهی هبلی کمال الانقطاع الیک خدایا قلبم را از عشق خودت لبریز کن تا چشمم را توانایی تحمل آن نباشد و خونم در راه تو ریخته شود و روحم به سوی تو به پرواز درآید.

والسلام

وصیت نامه پاسدار رشید اسلام شهید جواد اعظمی

نام: **ابوالفضل**
نام خانوادگی: **اعظمی‌نژاد**
نام پدر: **حبیب‌الله**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **نوزدهم اردیبهشت ۱۳٤۲**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دانشجوی دوره کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳٦٤**
محل شهادت: **ام‌الرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای شهرستان زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- شهادت پایان‌بخش زندگی دنیوی است.
- شهیدان انسان‌ها را از تاریکی به روشنایی می‌برند.
- شهادت انسان را به فوز و کمال می‌رساند.
- شهادت کسب رضای خداست.
- جبهه دانشگاه است. کلاسش سنگر، استادانش اندیشه، تدبر و تعقل است.
- به فرامین ولایت فقیه بی‌توجه نباشید.
- ای معلمین عزیز به گفتهٔ امام معلمی شغل انبیاء است.
- ای خواهران عزیز وقار و بزرگی و عظمت زنان در حجابشان می‌باشد.
- علی‌وار، حسین‌گونه، خمینی‌مانند بر همهٔ دشمنان اسلام و انقلاب بخروشید.
- ای برادران عزیز غیر از اسلام و قرآن به چیزی فکر نکنید.

## ابوالفضل اعظمی‌نژاد

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«یا ایها الذین امنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا و یکفّر عنکم سیئاتکم و یغفرلکم والله ذوالفضل العظیم».**[۱]

به‌نام او [که] قدرت مطلق و به‌نام او که همه‌چیز از اوست و در تحت اراده و نظر و فرمان اوست و به‌نام و سلام و درود فراوان به محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و خاندان نبوت و جایگاه رسالت و محل فرود آمدن فرشتگان و جایگاه نزول وحی و معدن رحمت و سلام گرم‌مان به امامان هدایت‌گر و روشنی‌بخش تاریکی‌ها و صاحبان خردمندی و هوشیاری و پناهگاه عالمیان و وارثان پیامبران و حجت‌های خدا و بر اهل دنیا و آخرت؛ شماهایی که دل‌هاتان جایگاه معرفت و مخزن علم خدا هستید و درود فراوان به حضرت امام زمان مهدی موعود(عج) و نایب برحق آن حضرت امام خمینی، آن قلب تپنده جهان اسلام (مدظله) و شهدا و آنانی که جانشان را در راه احیای اسلام بی‌دریغ دادند و با خون سرخشان چهرهٔ پرچم اسلام و حکومت حق را نمایی دیگر بخشیدند. آری شهیدانی که در جبهه‌ها با ایمان و ایثار و فداکاری و از جان گذشتگی و الهام گرفتن از امام حسین(علیه‌السلام) شهادت را پایان‌بخش زندگی دنیوی خود قرار دادند. یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران همان شهادت [است] که از ائمه اطهار(سلام‌الله علیهم اجمعین) و اولیاء خدا به ما ارث رسیده است که در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی نقش بسیار عمده داشته است و شهادت، انسان را به مرحله‌ای از فوز و کمال می‌رساند که بدون آن امکان رسیدن به این مرحله نیست و شهیدان با دادن جان عزیزشان در راه خدا انسان‌ها را از تاریکی‌ها به روشنایی‌ها و از سکون به تحرک وا می‌دارند و شهادت تنها راهی است که انسان در کمترین مدت به آرزویش، که همانا جلب رضای خدای متعال و یافتن منزلی باشکوه در آخرت می‌باشد،

---

۱- انفال/ ۲۹. ترجمه: «ای اهل ایمان اگر خداترس و پرهیزکار شوید، خدا به شما فرقان (تمییز حق از باطل و تشخیص راه سعادت از شقاوت) بخشد و گناهان شما را بپوشاند و شما را بیامرزد که خدا دارای فضل و رحمت بی‌انتهاست».

می‌رسد؛ شهادتی که به‌عنوان مدرک تحصیلی دانشگاهی عظیم که مکانش جبهه و کلاسش سنگر و استادانش اندیشه و تدبر و تعقل در عالم است و امدادهای غیبی و الطاف خداوندی و نعمت‌های بی‌حد و اندازه الهی و خلوص و ایمان و ایثار شما و دعاهای پر محتوای بندگان مخلص و جان بر کفان پاسدار و بسیجی و ارتش است که دنیا چنین استادانی به خود ندیده است.

منِ حقیر، نیز با تصمیم و ارادهٔ خود و با چشمی باز، که اعتقاد راسخ به حقانیت این راه داشته‌ام، به جبهه آمدم تا بتوانم در این محیط پرمعنی خود را ساخته و نیازهای خود را، که همانا شناخت خود و عالم اطراف من و خدای منّان می‌باشد، برآورم و سپس اگر خدا بخواهد خدمتگزاری باشم که شاید خدمتم مورد قبول خداوند رحمن و رحیم قرار گیرد و اگر خداوند لیاقتی که به ما عطا کند، جان ناقابل خودمان را در راه هرچه پایدار ماندن و استحکام یافتن و جاری شدن احکام عالیه اسلام هدیه کنم و به شهادت، یعنی آزاد شدن از قید و بندهای دنیای مادیت و جَستن به‌سوی عالم بس وسیع و فراوان از الطاف الهی، برسم.

خداوندا، کودکی بیش نبودم که مرا به نعمت و احسان خود پروراندی و در بزرگی سربلندم ساختی. سپاس خدای را است که هرگاه بخوانمش پاسخم گوید و اگر او را نافرمانی کنم بدی‌هایم را بپوشاند و چه بسا بخشش‌های نیکویی که مرا بخشیده و به من عطا کرده و حوادث هراس‌انگیزی که از آن نگاهم داشته و شادمانی‌های فریبنده‌ای که نشانم داده، اینک شکرگزار و ستاینده‌ام و نام پاکش را بر زبان می‌رانم. سپاس خداوندی که درِ رحمت را به‌سوی این بندگان گنه‌کار خود باز کرد و سپاس او را که آبروی بندگانش را حفظ می‌کند و سپاس به تو خدای من که خود را به من شناساندی پس چنان شدم که به آسودگیِ خاطر، تو را می‌خوانم و با حال انس به تو، نه با حال ترس یا خوف، زیرا [با] راهنمایی تو به‌سوی تو می‌آیم.

سخنی با پدر و مادرم و برادران و خواهران و امت حزب‌الله دارم که در ذیل می‌آورم:
پدر و مادرم، قبل از هر چیز، از اینکه در تمام عمر گاهی مزاحمت برای شما و گاهی آزار و سرپیچی از سخنان شما عزیزان کرده‌ام و شما را ناراحت ساخته‌ام، شما را به چهارده معصوم قسم می‌دهم که مرا حلال کنید و شما را به خدای واحد و آنکه ما را آفرید قسم

می‌دهم که مرا ببخشید و از شما بزرگواران می‌خواهم در شهادتم ناراحت نباشید و هرگونه افسردگی و ناراحتی شما مطمئناً باعث عذاب روح شهداء اسلام می‌شود و فراموش نکنید که زنده ماندن راه حسین(علیه‌السلام) احتیاج مبرم به اشک‌ها و گریه و زاری‌های شما دارد.

ای برادران عزیز، هشیار باشید و غیر اسلام و قرآن به چیزی دیگر فکر نکنید و در پشتیبانی از این انقلاب، که هدفی جز احیای احکام قرآن را ندارد، دریغ نکنید.

ای خواهران عزیزم، شما نیز زینب‌گونه خود را ساخته و در تبلیغ دین کوشا باشید و حجاب اسلامی را در هر زمان فراموش نکنید که وقار و بزرگی و عظمت زنان در حجابشان و آن ایمان به الله می‌باشد.

ای برادران و آشنایان و ای امت حزب‌الله، با توکل به خدا در مبارزه با کفار بدون دریغ از هیچ کمکی باز نایستید[1] و سعی کنید در مبارزه با باطل از سلاح دعا که در هم کوبنده دشمن داخلی یعنی هوای نفس و دشمن خارجی می‌باشد که امام صادق(علیه‌السلام) می‌فرماید: «هیچ سلاحی به اندازهٔ دعا دل دشمن را سوراخ نمی‌کند»[2] و به تجربه ثابت شده است که تنها سلاح مؤمنین موفق در میدان پیکار با دشمن دعا بوده است، پس به همگان توصیه می‌کنم که در مراسم‌هایی که نور الهی در آن دیده می‌شود شرکت کنند و از این دریچهٔ رحمت فیض ببرند. انشاءالله و از عمل به فرامین رهبری اسلام که همان ولایت فقیه است بی‌توجه نباشید و از خداوند متعال بخواهید که شما را در مو به مو اجرا کردن اوامر ولایت فقیه زمان، یعنی امام امت، روح خدا، پیر جماران و تپنده قلب جهان اسلام، خمینی کبیر (مدظله)، یاری دهد و شما را به خون عزیزانتان قسم می‌دهم و به سرخی خون شهداء اسلام و به خداوندی که آفریده است و آفریده نشده است و به پروردگاری که قدر مطلق و حکیم و داناست قسم می‌دهم که علی‌وار، حسین‌گونه، خمینی‌مانند بر همهٔ دشمنان داخلی و خارجی اسلام و این انقلاب بخروشید و این انقلاب را به سرتاسر گیتی برسانید. انشاءالله. ای دانش‌آموزان که با آموختن خود امام صادق(علیه‌السلام) را از خود خوشحال می‌کنید

---

۱- در اصل وصیت «نیایستید».

۲- روایتی از پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «الدعاء سلاح المؤمن، و عمود الدین، و نور السموات و الارض». «دعا اسلحهٔ مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است». (اصول کافی، ج۲، ابواب الدعاء).

و ائمه اطهار(علیهم‌السلام) را دوست خود قرار می‌دهید و ای محصلینی که با پشتکارتان امام امت و امت امام را امیدوار کرده‌اید و با جهت‌گیری اسلامی‌تان کفار و مشرکین را به وحشت انداخته‌اید، فراموش نکنید که شماها پشتوانه این انقلابید و پشتوانه این امتید و پشتوانه عالم و ایمانید و رسالتی بس بزرگ بر دوش شماست، هر کلمه‌ای که یاد می‌گیرید به منزلهٔ گلوله‌ای بر دل مخالفین اسلام است و هر کلمه‌ای که فرا می‌گیرید، برای سازندگی و خودکفایی کشور عزیزمان است.

ای معلمان عزیز، ای کسانی که شغل انبیا[۱](صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را دارید، در پرورش کودکان اسلام کوتاهی نورزید و بدانید که کوچک‌ترین غفلت و بدآموزی شما باعث بزرگ‌ترین جنایت خواهد[۲] شد. چرا که در این محیط سالم، که به برکت انقلاب اسلامی به‌وجود آمده، هر چه این عزیزان دانش‌آموز یاد بگیرند در خدمت مسلمین و حکومت الله خواهد بود. به همین علت مسئولیت شما عزیزانِ معلم بیشتر از پیش خواهد بود و در راه یاد دادن عزیزان فعالیت بیشتری بکنید.

خدایا، راضی‌ام به رضای تو و رضایت تو را به هر چه که دوست دارم با ارزش‌تر می‌دانم، انشاءالله که خود آنچه را که صلاح می‌دانی بر ما روا دار. انشاءالله.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]***

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخرة و من یقاتل فی سبیلِ الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً»**[۳]

---

۱- از بیانات حضرت امام خمینی: «معلمی شغل انبیاء است» (صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی).

۲- در اصل وصیت «خواهید».

*. وصیت دوم در بسیاری از موارد با وصیت اول یکسان است مگر برخی جمله‌ها و تعابیری که در وصیت دوم آمده است. در وصیت دوم خانواده را چندان مخاطب قرار نداده است.

۳- نساء/ ۷٤.

«مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را (بهشت ابدی) اجری عظیم دهیم».

به‌نام خداوند رحمن و رحیم، خدای عظیم و کریم و علیم و حلیم و به‌نام پروردگار ناصر و غافر و با سلام و درود فراوان به خاندان نبوت(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، جایگاه رسالت و محل فرود آمدن فرشتگان و جایگاه نزول وحی و معدن رحمت و درهای ایمان و امانت‌داران خدای و بهترین بندگان پروردگار.

و سلام به امامان هدایت‌گر و روشنی‌بخش تاریکی‌ها و صاحبان خردمندی و هوشیاری و پناهگاه عالمیان و وارثان پیامبران و حجت‌های گرانقدر خدا بر اهل دنیا و آخرت و درود به حضرت امام خمینی، نایب برحق امام زمان(عج) و با سلام به شهداء و آنانی که جانشان را در راه اسلام بی‌دریغ اهدا نمودند و سپاس خدای باری‌تعالی را که بر من منت نهاد و مرا از عدم هستی بخشید و سپاس خدایی را که کودکی بیش نبودم و مرا به نعمت و احسان خویش پروراند و سپس سبب هدایتم را فراهم ساخت و در مقابل خیلی از خطاها حفظم گردانید و سپاس خدایی را که به من نعمتی بزرگ بخشید و من آن را جبران نکردم و چه بسا بخشش‌هایی بزرگ و نیکویی را به من روا داشت و مرا در مقابل حوادث هراس‌انگیز قوت دل بخشید و شادمانی‌های بیهوده و فریبنده را از من به دور ساخت و هر چه از او نافرمانی کردم بدی‌هایم را پوشانید و اینک شکرگزار خداوند غفارم که مرا به راهی رهنمون ساخت که آن راه را امام حسین(علیه‌السلام) پیموده است، راهی که انتهایش به او ختم می‌شود.

«**انالله و انا الیه راجعون**»[1]

بار خدایا که تو بخشنده و مهربانی، از تو می‌خواهم از گناهانم درگذر و همچنان‌که تاکنون مرا در سایه رحمتت هدایت نمودی، اینک هدایتم کن. با یقینی استوار، در راهی که قدم گذاشته‌ام به هدف اصلی همان تقرب به تو به‌وسیلهٔ شهادت است که منتهای هدف هر انسان خداجویی است برسم. انشاءالله

---

۱- بخشی از آیه ۱۵٦ سورهٔ بقره. ترجمه: «ما از خداییم و به‌سوی خدا باز می‌گردیم».

خدایا، مرا در مقابل ارواح نورانی از ایمان و ایثار و فداکاری و جهاد شهدا که با الهام گرفتن از امام حسین(علیه‌السلام) و فقط و فقط به‌خاطر جلب رضای تو و به‌خاطر رسیدن به تو جانشان را فدا کرده‌اند و شهید شده‌اند خجل مکن. انشاءالله

یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران، که از ائمه اطهار(سلام‌الله اجمعین) و اولیاء خدا بر ما به ارث مانده، شهادت است که در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی نقش بسیار عمده داشته است و شهادت انسان را به مرحله‌ای از فوز و کمال می‌رساند که بدون آن امکان رسیدن به این مرحله نیست و شهدا با دادن جان عزیز خودشان در راه خدا انسان‌ها را از تاریکی‌ها به روشنایی‌ها و از سکون به تحرک وامی‌دارند و من با تبعیت از این عزیزان با تصمیم و اراده خود و با چشمی باز که اعتقاد راسخ به حقانیت این راه داشته‌ام به جبهه آمدم که بتوانم در این محیط پرمعنی خود را ساخته و نیازهای خود را برآورم و سپس اگر خدا بخواهد خدمتگزاری باشم که شاید خدمتم مورد قبول خداوند رحمان و رحیم قرار گیرد و اگر خداوند لیاقتی به من عطاء کند و جان ناقابلم را در راه هر چه پایدار ماندن و استحکام یافتن و جاری شدن احکام عالیه اسلام هدیه کنم و به شهادت یعنی آزاد شدن از قید و بندهای دنیوی و جستن به‌سوی عالم بس وسیع و فراوان از الطاف الهی برسم. انشاءالله

آری، شهادت تنها راهی است که انسان در کمترین مدت به آرزویش، که همانا جلب رضای خدای متعال و یافتن منزلی باشکوه در آخرت می‌باشد، می‌رسد. شهادتی که به‌عنوان مدرک تحصیلی دانشگاهی عظیم که مکانش جبهه و کلامش سنگر و استادانش اندیشه و تدبر و تعقل در عالم خلقت و امدادهای غیبی و الطاف خداوندی و نعمت‌های بی‌حد و اندازهٔ الهی و خلوص و ایمان و ایثار و نماز شب‌ها و دعاهای پرمحتوی بندگان مخلص و جان برکفان پاسدار و بسیجی است که دنیا چنین دانشگاه و چنین استادانی به خود ندیده است. باشد که در سایه عنایات خداوند توفیق موفقیت در این دانشگاه را بیابیم. انشاءالله

سخنی با پدرم و مادرم و امت حزب‌الله دارم که در ذیل می‌آورم: پدر و مادر عزیزم، قبل از هر چیز از اینکه در تمام عمر جز مزاحمت برای شما، جز آزار و سرپیچی از سخنان شما عزیزان کاری انجام نداده‌ام طلب حلالیت می‌کنم و شما را به خدای واحد و آنکه ما را آفرید قسم می‌دهم که مرا ببخشید و از شما بزرگواران می‌خواهم در شهادتم ناراحت

نباشید و هرگونه افسردگی و ناراحتی شما مطمئناً باعث عذاب روح من می‌شود. اگر به یاد من متأثر شدید، برای امام حسین(علیه‌السلام) گریه کنید که زنده ماندن راه حسین احتیاج مبرم به اشک‌ها و گریه و زاری‌های شما دارد و حتماً از خداوند بخواهید و او را به خون حسین(علیه‌السلام) قسم دهید که این هدیه ناقابل را از شما قبول کند. انشاءالله

ای برادران عزیز، هشیار باشید و غیر اسلام و قرآن به چیزی دیگر نگروید و در پشتیبانی از این انقلاب، که هدفی جز احیای احکام قرآن را ندارد، دریغ نکنید.

ای خواهران عزیز، شما نیز زینب‌گونه خود را ساخته و در تبلیغ دین کوشا باشید و حجاب اسلامی را در هر زمان فراموش نکنید که وقار، بزرگی و عظمت زنان در حجابشان است.

ای دانش‌آموزان و آینده‌سازان انقلاب که با آموختن خود امام صادق(علیه‌السلام) را از خود خوشحال می‌کنید و ائمه اطهار را دوست خود قرار می‌دهید. و ای محصلینی که با پشتکارتان امام امت و امت امام را امیدوار و مخالفین را ناامید کرده‌اید و با جهت‌گیری اسلامی‌تان کفار و مشرکان را به وحشت انداخته‌اید، فراموش نکنید که شماها پشتوانه این انقلابید و پشتوانه این امتید و پشتوانه علم و ایمانید و رسالتی بس بزرگ بر دوش شماست. هر کلمه‌ای که یاد می‌گیرید، به منزلهٔ گلوله‌ای بر دل مخالفین اسلام و انقلاب اسلامی است و هر کلمه‌ای که فرا می‌گیرید، آجری برای سازندگی و خودکفائی کشور عزیزمان است.

انشاءالله با لطف و عنایات خداوندی و پشتکار و تلاش شما عزیزان بتوانید این رسالت بزرگ را به پایان برسانید.

و ای امت حزب‌الله، با توکل به خدا در مبارزه با کفار کوشا باشید و سعی کنید در مبارزه با باطل از سلاح دعا، که درهم کوبنده دشمن داخلی یعنی هوای نفس و دشمن خارجی می‌باشد، که امام صادق(علیه‌السلام) می‌فرماید هیچ سلاحی به اندازهٔ دعا دل دشمن را سوراخ نمی‌کند و به تجربه ثابت شده است که تنها سلاح مؤمنین موفق و پیروز در میدان مبارزه دعا و توکل به خدا بوده است. پس به همگان توصیه می‌کنم که در مراسم‌هایی که نور و رحمت الهی دیده می‌شود (کمیل، توسل، ندبه، سمات، نمازجمعه، نماز جماعت‌ها و غیره) شرکت کنند و از این دریچهٔ رحمت فیض ببرند. انشاءالله

امت قهرمان از عمل به فرامین رهبری اسلام، که همان ولایت فقیه است، بی‌توجه نباشید و از خداوند متعال بخواهید که شما را در مو به مو اجراء کردن اوامر ولایت فقیه زمان یعنی امام امت، روح خدا، خمینی کبیر، یاری دهد و شما را به سرخی خون شهداء اسلام و به خداوندی که آفریده و آفریده نشده است و به پروردگاری که قدر مطلق و حکیم و داناست قسم می‌دهم که علی‌وار و حسین‌گونه و خمینی‌مانند بر همه دشمنان داخلی و خارجی اسلام و این انقلاب بخروشید و این انقلاب را به سرتاسر گیتی برسانید. انشاءالله.

خدایا خداوندا، پروردگارا، این خون ناقابل مرا که فقط و فقط برای رضای تو به این انقلاب عظیم اسلامی هدیه کرده‌ام قبول بفرما.

خدایا، بارالها، این امت اسلامی و ایثارگر را در تمام عالم سربلند و موفق و پیروز بگردان.

خدایا، ظهور حضرت مهدی(عج) را نزدیک بگردان.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

**۶۲/۱۲/۲**

**ابوالفضل اعظمی‌نژاد**

**بسمه‌تعالی**

چند تذکر است که یادآور می‌شوم:

۱- تمام دارایی‌های من، چه پول و چه وسایل، را در راه انجام نماز و روزه برای هر چقدر می‌شود، بدهند (حداقل دو سال).

۲- از تمام دوستان و آشنایان برای من طلب آمرزش کنید.

۳- امیدوارم که پدر و مادرم از اینکه نتوانستم فرزند خوبی برای آنها باشم مرا ببخشند.

## وصیت نامه حقیر ابوالفضل اعظمی نـــــــــــــــژاد

بسم الله الرحمن الرحیـــــــــــم

یا ایهاالذین امنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا و یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم و الله ذوالفضل العظیم • آیه ۲۸ ـ سوره انفال

به نام او قدرت مطلق و به نام او که همه چیز از اوست و در تحت اراده و امر و فرمان اوست و به نام و سلام و درود فراوان به محمد (ص) و خاندان نبـوت جایگاه رسالت و محل فرود آمدن فرشتگان و جایگاه نزول وحی و معدن رحمت و سلام گومان به امامان هدایت گر و روشنی بخش تاریکیها و صاحبان خردمندی و هوشیاری و پناهگاه عالمیان و وارثان پیامبران و حجت های خدا و بر اهـــل دنیا و آخرت شما هائی که دلهاتان جایگاه معرفت و مخزن علم خدا هستید و درود فراوان به حضرت امام زمان مهدی موعود (عج) و نائب بر حق آن حضرت امام خمینی آن قلب تپنده جهان اسلام مدظلـــه و شهداء و آنانی که جانشان را در راه احیای اسلام بی دریغ دادند و با خون سرخشان چهره پرچـم اسلام و حکومت حق را نمائی دیگر بخشیدند آری شهیدانی که در جبهه ها با ایمان و ایثار و فداکاری و از جان گذشتگی و الهام گرفته اند امام حسین (ع) شهادت را پایان بخش زندگی دنیوی خود قرار دادند یکی از ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران همان شهادت که از ائمه اطهار سلام ۰۰۰ علیم اجمعیـــن و اولیاء خدا به ما ارث رسیده است که در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی نقش بسیار عمده داشته است و شهادت، انسان را به مرحله ای از فوز کمال می رساند که بدون آن امکان رسیدن به این مرحله نیست و شهیدان با دادن جان عزیزشان در راه خدا انسانها را از تاریکی ها به روشناییها و از سکن بـــه تحرک وامی دارند و شهادت تنها راهی است که انسان در کمترین مدت به آرزویش که همانا جلـــب رضای خدای متعال و یافتن منزلی با شکوه در آخرت میباشد می رسد شهادتی که به عنوان مـــدرک تحصیلی دانشگاهی عظیم که مکانش جبهه و کلاسش سنگر و استادا نش اندیشه و تدبر و تعقل در علـــم سعت و امداد های غیبی و الطاف خداوندی و نعمت های بی حد و اندازه الهی و خلوص و ایمان و ایثار شهداء و دعاهای پر محتوی بندگان مخلص و جانبرکفان پاسدار و بسیجی و ارتشی است که دنیا چنیـــن استادانی به خود ندیده است •

من حقیر نیز با تصمیم و اراده خود و با چشمی باز که اعتقاد راسخ به حقانیت این راه داشته ام بـــه جبهه آمدم ابتوانم در این محیط پر معنی خود را ساخته و نیازهای خود را که همانا شناخت خـــود وعالم اطراف من و خدای منان میباشد برآورم و سپس اگر خدا بخواهد خدمتگذاری باشم که شاید خدمتم مورد قبول خداوند رحمن و رحیم قرار گیرد و اگر خداوند لیاقتی که به ما عطاء کند جان نا قابـــل خودمان را در راه هرچه پایدار ماندن و استحکام یافتن و جاری شدن احکام طیه اسلام هدیه کنـــم و به شهادت یعنی آزاد شدن از قید و بند های دنیای مادیت و جستن به سوی عالم بس وسیع و فراوان از الطاف الهی برسم •

خداوندا کودکی بیش نبودم که مرا به نعمت و احسان خود پروراندی و در بزرگی سر بلندم ساختی سپاس خدای را است که هرگاه بخوانش پاسخم گوید و اگر اورا نا فرمانی کنم بدیهایم را بپوشاند و چه بســـا بخششهای نیکوئی که مرا بخشیده و به من عطاء کرده و حوادث هراس انگیزی که از آن نگاهم داشتـــه و شادمانی های فریبنده ای که نشانم داده اینک شکر گزار و ستاینده ام و نام پاکش را بر زبان می رانـــم

سپاس خداوندی که در رحمت را به سوی این بندگان گنه کار خود باز کرد و سپاس او را که آبروی بندگانش را حفظ میکند و سپاس به تو خدای من که خود را به من شناساندی پس چنان شدم که به آسودگی خاطر تو می خوانم و با حال انس به تو نه با حال ترس یا خوف زیرا راهنمایی تو به سوی تو می آیم ۰ سخنی با پدر و مادرم و برادران و خواهران و امت حزب‌ا ۰۰۰ دارم که در ذیل می‌آورم ۰

پدر و مادرم قبل از هر چیز از اینکه در تمام عمر گاهی مزاحمت برای شما و گاهی آزار و سر پیچی از سخنان شما عزیزان کرده ام و شما را ناراحت ساخته ام شما را به چهارده معصوم قسم می دهم که مرا حلال کنید و شما را به خدای واحد و آنکه ما را آفرید قسم می دهم که مرا ببخشید و از شما بزرگواران می خواهم در شهادتم ناراحت نباشید و هر گونه افسردگی و ناراحتی شما مطمئناً باعث عذاب روح شهداء اسلام میشود و فراموش نکنید که زنده ماندن راه حسین احتیاج مبرم به اشک ها و گریه و زاری‌های شما دارد ۰

ای برادران عزیز هشیار باشید و غیر اسلام و قرآن به چیزی دیگر فکر نکنید و در پشتیبانی از این انقلاب که هدفی جز احیای احکام قرآن را ندارد دریغ نکنید ۰

ای خواهران عزیزم : شما نیز زینب گونه خود را ساخته و در تبلیغ این کوشا باشید و حجاب اسلامی را در هر زمان فراموش نکنید که وقار و بزرگی و عظمت زنان در حجابشان و آن ایمان به الله میباشد ۰

ای برادران و آشنایان وای امت حزب‌ا ۰۰۰ با توکل به خدا در مبارزه با کفار بدون دریغ از هیچ کمک باز نایستید و سعی کنید در مبارزه با باطل از سلاح دعا که در هم کوبنده دشمن داخلی یعنی هوای نفس و دشمن خارجی میباشد که امام صادق (ع) می‌فرماید هیچ سلاحی به اندازه دعا دل دشمن را سوراخ نمی‌کند و به تجربه ثابت شده است که تنها سلاح مومنین موفق در میدان پیکار با دشمن دعا بوده است پس به همگان توصیه می‌کنم که در مراسمهایی که نور الهی در آن دیده میشود شرکت کنند و از این دریچه رحمت فیض ببرند انشاءا ۰۰۰ و از عمل به فرامین رهبری اسلام که همان ولایت فقیه است بی توجه نباشید و از خداوند متعال بخواهید که شما را در مورد مواجهه کردن او امر ولایت فقیه زمان یعنی امام امت روح خدا (پیر جماران) و نپنده قلب جهان اسلام خمینی کبیر مدظله یاری دهد و شما را به خون عزیزانتان قسم می دهم و به سرخی خون شهداء اسلام و به خداوندی که آفریده است و آفرید نشده است و به پروردگاری که قدرت مطلق و حکیم و داناست قسم می دهم که علی وار حسین گونه مانند بر همه دشمنان داخلی و خارجی اسلام و این انقلاب بخروشید و این انقلاب را به سرانجام برسانید انشاءا ۰۰۰ ای دانش‌آموزان که با آموختن خود امام صادق را از خود خوشحال می‌کنید و ائمه اطهار را دوست خود قرار می دهید وای محصلینی که با پشتکارتان امام امت و امت امام را امیدوار کرده اید و با جهت گیری اسلامی‌تان کفار و مشرکین را به وحشت انداخته اید فراموش نکنید که شما ها پشتوانه این انقلابید و پشتوانه این امتید وپشتوانه عالم و ایمانید و رسالتی بس بزرگ بر دوش شماست هر کلمه ای که یاد میگیرید به منزله گلوله ای بر دل مخالفین اسلام است و هر کلمه ای که فرا میگیرید برای سازندگی و خود کفائی کشور عزیزمان است ۰

ای معلمان عزیز ای کسانی که شغل انبیاء (ع) را دارید در پرورش کودکان اسلام کوتاهی نورزید بدانید که کوچکترین غفلت و بد آموزی شما باعث بزرگترین جنایت خواهد شد چرا که در این محیط سالم که به برکت انقلاب اسلامی به وجود آمده هر چه این عزیزان دانش‌آموز یاد بگیرند در خدمت مسلمین و حکومت ا ۰۰۰ خواهد بود به همین علت مسئولیت شما عزیزان معلم بیشتر از پیش خواهد بود و در راه یاد دادن عزیزان فعالیت بیشتری بکنید ۰ خدایا راضیم به رضای تو و رضایت تو را به هر چه که دوست داری بسا ارزش‌تر می‌دانم انشاءا ۰۰۰ که خود آنچه را که صلاح می‌دانی برما روا دار انشاءا ۰۰۰

بسم الله الرحمن الرحیم

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» نساء - ۷۴

مومنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی را بر آخرت گزیده‌اند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شده یا غالب گردیده زود باشد که او را (در بهشت ابد) اجری عظیم دهیم. نساء - ۷۴

به نام خداوند رحمن و رحیم خدای عظیم و کریم و حلیم و حکیم و به نام پروردگار نا صبر و غافرذنب

با سلام در درود فراوان بر خاندان نبوت (من) جایگاه رسالت و محل فرود آمدن فرشتگان و جایگاه نزول وحی و معدن رحمت و درهای ایمان و امانت داران خدا و بهترین بندگان پروردگار

و سلام بر امامان هدایت گر و روشنی بخش تاریکیها و صاحبان خردمندی و هوشیاری و پناهگاه عالمیان و دژبانان پیامبران و حجت‌های گرانقدر خدا بر اهل دنیا و آخرت!

و درود بر حضرت امام خمینی نائب برحق امام زمان (عج) و با سلام بر شهدا و آنانی که جانشان را در راه اسلام فدا نمودند و سپاس خدای باری تعالی را که بر من منت نهاد و مرا از علم هستی بخشید و سپاس خدای را که کودکی بیش نبودم و مرا به نعمت ایمان خویش پرورانید و چنین سبب هدایتم را فراهم ساخت و در مقابل خیلی از خطاها و ها حفظم گردانید و سپاس خدای را که به من نعمتی بزرگ بخشید و من آن را جبران نکردم و چه بسا بخشش‌های بزرگ و نیکوئی را به من روا داشت و مرا در مقابل حوادث هراس انگیز قوت دل بخشید و شادمانی‌ها بیهوده و فریبنده را از من بدور ساخت و هر چه از او نافرمانی کردم به ما پاداش نیکو داد و نگذاشت شکر گزار خداوند مقام کبریایی هستن ساخت که آن راه را امام حسین (ع) پیموده است راهی که انتهایش به او ختم می‌شود «انا لله و انا الیه راجعون»

بار خدایا که تو بخشنده و مهربانی از تو می‌خواهم از گناهانم در گذری و همچنانکه تاکنون مرا در سایه رحمت هدایت نمودی اینک هدایتم کن تا با یقینی استوار در راهی که قدم گذاشته‌ام بتوانم

به هدف اصلی همان تقرب به تو برسم شهادت است که منتهای هدف هر انسان خداجوئی است بر سم (انشاء الله)

خدایا مرا در مقابل ارواح مقدس از ایمان و ایثار و فداکاری و جهاد شهدا که با الهام

گرفتن از امام حسین (ع) و فقط و فقط به خاطر جلب رضای تو و به خاطر رسیدن به تو
جانشان را فدا کرده اند و شهید شده اند خیلی سخن. انشاء ا...

یکی از زمینه گیای انقلاب اسلامی ایران کار از ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین و اولیاء
خدا برای ما به ارث مانده مشارت است که در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی نقش

بسیار عمده داشته است و شهادت، انسان را به مرحله ای از فوز و کمال می رساند
که بدون آن امکان رسیدن به این مرحله نیست و شهدا با دادن جان عزیز خودشان

در راه خدا انسانها را از تاریکی ها به روشنایی و از سکون به تحرک و می دارند و سبب
از این عزیزان و با تصمیم و اراده خود و با چشمی باز که اعتقاد راسخ به حقانیت

این راه داشته ام به جبهه آمدم که بتوانم در این محیط به معنی خود را ساخته و نیازهای
خود را برآورم و پس اگر خدا بخواهد خدمتگذاری باشم که شایسته خدمتم مورد قبول خداوند

جهنم و رزمم قرار گیرد و اگر خداوند لیاقتی به من عطا کند و جان ناقابلم را در راه هدف
پایدار ماندن و استقرار یافتن و جاری شدن احکام عالیه اسلام هدر کنم و به شهادت

یعنی آزاد شدن از قیدوبندهای دنیوی و پیوستن به سوی عالم بس وسیع و فراوان از
الطاف الهی را سم انشاء ا...

آری شهادت تنها راهی است که انسان در کمترین مدت با آرزوهای که هانا

جلب رضای خدای متعال و یافتن منزلی باشکوه در آخرت می باشد می رسد شهادتی
که به عنوان مدرک تحصیلی دانشگاهی عظیم که مکانش جبهه و کلاسش سنگر و استادانش

اندیشه و تدبر و تعقل در عالم خلقت و اندازه های شگفتی و الطاف خداوندی و
نعمت های بی حد و اندازه الهی و خلوص و ایمان و ایثار و نماز شبها و دعاهای پرمحتوی

بندگان مخلص و جانبرکفان پایدار و بسیجی است. که دنیا چنین دانشگاه و چنین استادانی
به خود ندیده است. باشد که در سایه عنایات خداوند توفیق موفقیت در این دانشگاه

را بیابیم. انشاء ا...

سخنی با پدر و مادرم و اما خواهرانم که در دلهای ما جای دارم
پدر و مادر عزیزم قبل از هر چیز از اینکه در تمام عمر جز راحتی برای شما چیزی نبوده و سرمایه

از سختان شما عزیزان کاری انجام نداده ام طلب حلالیت می کنم و شما را به خدای
واحد و اگذار می کنم و از شما می خواهم که مرا ببخشید و از شهید برگواران می خواهم در

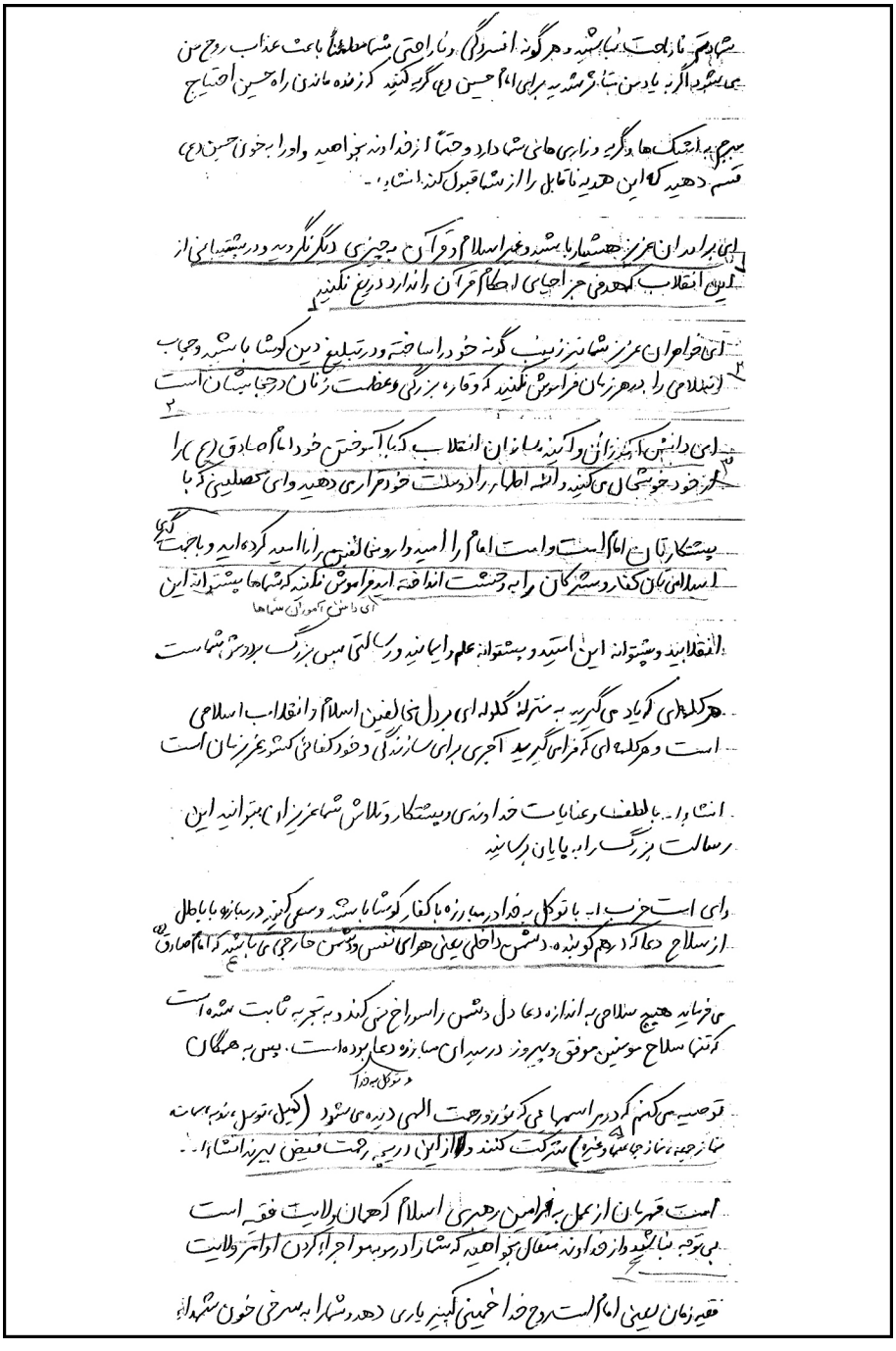

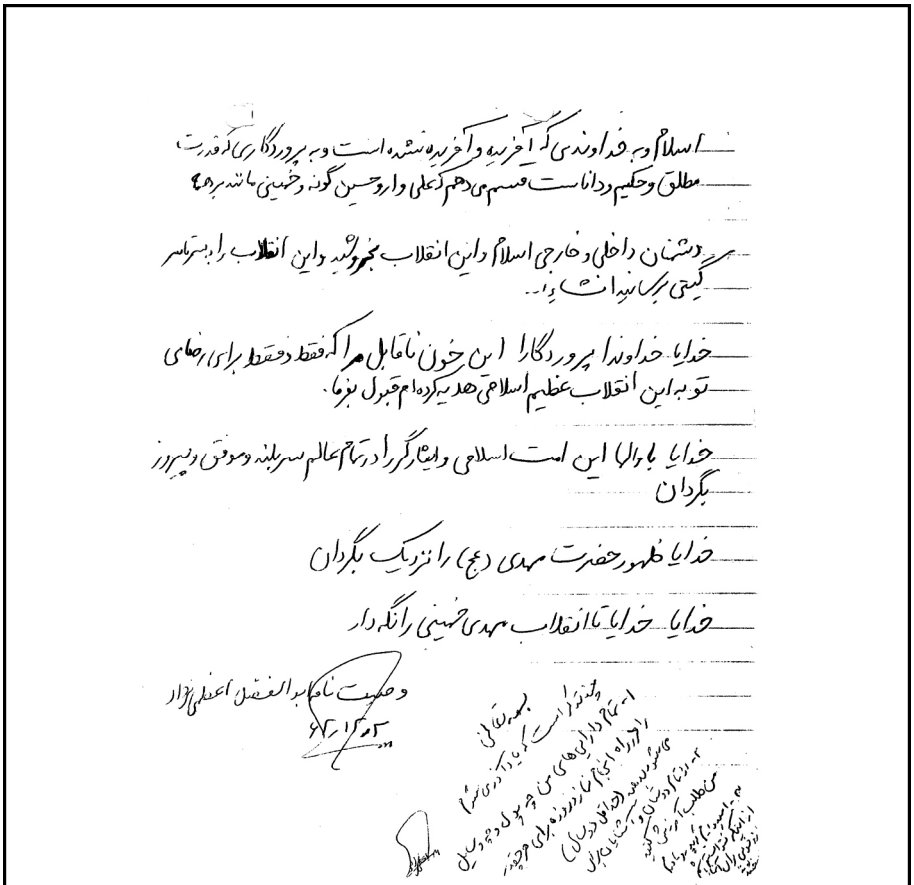
اسلام و به خداوندی که آخرین و آخرین شده است و به پروردگاری که قدرت مطلق و حکیم و دانا است قسم می‌دهم که علی و اروحسین گونه و خمینی ما نشر دهد

دشمنان داخلی و خارجی اسلام و این انقلاب بخصوص شدید و این انقلاب را به شکست گیتی برسانند ان شاء الله.

خدایا خداوندا پروردگارا این خون ناقابل مرا که فقط و فقط برای رضای تو به این انقلاب عظیم اسلامی هدیه کرده‌ام قبول بفرما.

خدایا یاور این امت اسلامی و امام گرد را در تمام عالم سربلند و موفق و پیروز بگردان

خدایا ظهور حضرت مهدی (عج) را نزدیک بگردان

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار

وصیت نامه ابوالفضل اعظمی نژاد

## تعلیقات

- **اسلام فقاهتی:** تعبیر اسلام فقاهتی از حضرت امام خمینی است. شأن بیان و تأکید حضرت امام در این موضوع این است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی از روشنفکران که آبشخور فکریشان متون و آثار غربی بود و به نوعی اختلاط در مبانی و اصول انقلاب رسیدند. به‌خصوص در مسائل و موضوع‌هایی که در ادامه انقلاب با آن روبه‌رو بودند از جمله مسائل سیاسی- اقتصادی و... به‌نوعی گرایش و وابستگی غربی دچار شده بودند، خطر این کار این بود در ادامه دراز مدت از مبانی اصلی دوری شدند و به‌نوعی نگاه و تلقی از اسلام فقاهتی رنگ می‌باخت و اسلام التقاطی حاکم می‌شد. در مواردی هم نسبت به نگاه و حکم اسلام فقاهتی تردید می‌کردند. حضرت امام صریحاً اعلام کردند که اسلام ما اسلام فقاهتی و فقه ما فقه جواهری است با این موضع علمی و محکم و مستند امام تمام حرف‌ها و تلقی‌های ناخالص یا التقاطی رنگ باخت. امام بعدها از همین اسلام در قالب اسلام ناب محمدی در برابر اسلام آمریکایی دفاع کرد و به آن اصالت بخشید (صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی).
- **اصطلاح چپ و راست:** این تعبیر بعد از انقلاب فرانسه رواج یافت. در مجمع ملی نمایندگان فرانسه به نمایندگان تندرو که در طرف چپ پارلمان مستقر بودند «چپ» و به نمایندگانی که در طرف راست پارلمان بودند و با تندروها مخالف بودند

«راست» می‌گفتند. بعدها به گروهی که خواهان حرکت‌های تند و انقلابی بودند جناح یا جریان چپ گفتند و به گروه مقابل و مخالف این سیاست‌ها جناح یا جریان راست گفتند. این اصطلاح در سایر کشورها هم به نوعی جای خود را باز کرد و خود مصادیقی یافت. البته هر دو جریان سیاسی در ایران تعاریف خاص بومی داشتند چپ‌ها و چپگرایان و راست‌ها و راستگرایان ایران، مانند فرانسه و سایر کشورها نبودند. ادبیات سیاسی روی کار آمده و نوع تعامل این دو جناح، با دولت‌ها و موضعگیری‌های آنان در ایران با سایر کشورها اگر نگوییم مغایر است، حداقل باید بپذیریم که متفاوت است. «مصحح»

- **ام وهب:** همسر عبدالله بن حباب کلبی یکی از زنان شجاع و مجاهدی که در روز عاشورا شاهد وقایع خونین آن روز بود. ام وهب در روز عاشورا در فرستادن فرزند خود به میدان اصرار داشت و وقتی فرزندش اسیر شد، عمرسعد ملعون سرش را از تنش جدا کرد و سر را به نزد ام وهب آوردند، پس از پاک کردن خون از صورت فرزند و حمد و ستایش خداوند، سر را به سوی دشمن افکند، یعنی آنچه در راه خدا داده‌ام باز پس نخواهم گرفت (بحارالانوار، ج ۱۷، ص۱۷).
- **ام‌البنین:** همسر علی‌بن ابی‌طالب است. دختر عامریه از خاندان آل وعید که در روز عاشورا چهار فرزند ایشان به‌نامهای (عبدالله، جعفر، عثمان و عباس) یکی پس از دیگری در رکاب امام حسین(علیه‌السلام) شجاعانه جنگیدند تا شهید شدند.
- **ام‌کلثوم:** دختر علی بن ابیطالب(علیه‌السلام) از حضرت فاطمه(علیهاالسلام) است. بنا به مشهور به همسری عمر خلیفه دوم درآمد. در تنقیح‌المقال آمده است که ام‌کلثوم کنیه حضرت زینب کبری(علیهاالسلام) دختر حضرت علی(علیه‌السلام) است که در کربلا با برادرش امام حسین(علیه‌السلام) همراه بود. سپس به شام و مدینه رفت. برخی گویند حضرت علی(علیه‌السلام) دو دختر داشت که کنیهٔ هر دو ام کلثوم بود.
- **امینی، عبدالحسین:** علامه عبدالحسین امینی معروف به علامه امینی صاحب الغدیر در سال ۱۳۲۰ هجری قمری در روستای سروها از توابع شهرستان سراب به‌دنیا آمد. خاندانش اهل علم و فضل بود. مقدمات علوم را در تبریز خواند و عاقبت از تبریز راهی نجف شد. از مراجع بزرگی چون سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری، شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی بهره علمی برد. علاوه بر ده‌ها اثر عمیق،

دقیق و ارزشمند علمی، از جمله: کامل الزیارات، سیرتنا، سیره نبینا، شهدای راه فضیلت، مدت چهل سال عمرش را به تألیف کتاب بی‌مانند الغدیر در ۲۰ مجلد صرف کرد. برای اثبات حقانیت علی(علیه‌السلام) و خاندان عصمت و طهارت و دفاع علمی از جایگاه علمی و ولایی آنان به ده‌ها کشور و شهر در شرایط سخت سفر کرد. در نهایت امساک و ورع و زهد بسر می‌برد و شبانه‌روز حدود ۲۰ ساعت به تحقیق و تفحص و پژوهش می‌پرداخت. سرانجام در ۱۲ تیرماه ۱۳٤۹ در آستانهٔ ۷۰ سالگی دارفانی را وداع گفت و در محل کتابخانهٔ عمومی خود به‌خاک سپرده شد.

- **انسان‌سازی:** تعبیر «انسان‌سازی» را حضرت امام خمینی برای قرآن و اسلام بارها و به مناسبت‌های گوناگون به‌کار برده است از آن‌جمله‌اند: «اسلام مکتب انسانی‌سازی است» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۷). اسلام یک مکتبی است که برای انسان‌سازی آمده. (صحیفه امام، ج ٤، ص ۸) قرآن کتاب انسان‌سازی است (صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۲٦). ابرقدرت‌ها از او [مکتب اسلام] می‌ترسند. از انسان می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون مکتب انسان‌سازی است. (صحیفه امام، ج ٦، ص ۲۷۸) رزمندگان تحت‌تأثیر سخنان امام این تعابیر را قلمی کرده‌اند که«جبهه‌ها کارخانه انسان‌سازی است».
- **باهنر، محمدجواد:** (۱۳۱۲– ۱۳٦۰ش) در سال ۱۳۱۲ در کرمان متولد شد و در سال ۱۳٤۲ در پی تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت کرد و از محضر بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی تلمذ نمود و در عین حال توانست در رشتهٔ الهیات نیز حائز درجهٔ دکترا شود. شهید باهنر در سال ۱۳۲۷ به‌علت سخنرانی علیه رژیم اسراییل دستگیر شد و از سال ۱۳٤۱ فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب سمت‌های مهمی چون عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نیز وزارت آموزش و پرورش را برعهده داشت و سرانجام در ۸ شهریور ۱۳٦۰ در حادثهٔ انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه شهید باهنر به شهادت رسید.
- **بنی‌صدر، ابوالحسن:** متولد ۱۳۱۲ همدان. در بهمن سال ۱۳۵۸به‌عنوان نخستین رئیس جمهوری اسلامی انتخاب شد. خیلی سریع به علت مواضع مخالف با نظام و خروج

از مسیر حرکت انقلاب، هم‌صدا با منافقین و برخی مخالفان نظام به نوعی مقاومت مسلحانه علیه نظام روی آورد. عدم کفایت سیاسی او از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شد. با تأیید حکم مجلس، از سوی حضرت امام و اجرای حکم، خلع مسئولیت شد. از کشور گریخت و با سایر مزدوران و معاندان و مخالفان ضدانقلاب همسو شد.

- **بیت‌المقدس:** «قدس» نام دیگر آن مسجدالاقصی است. مسلمانان معتقدند معراج پیغمبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از آنجا آغاز شده است و به‌عنوان قبله اول مسلمانان و دومین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده است و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال ٤٤٥ قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امروز یکی از مراکز مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.
- **پادگان دوکوهه:** در حدود بیست کیلومتری شهر اندیمشک واقع شده است. این پادگان در اصل خانه‌های سازمانی پادگانی از ارتش به همین نام بود که در شمال این ساختمان‌ها قرار دارد و مرکز پشتیبانی نیروی زمینی ارتش است و در دوران دفاع مقدس به‌طور موقتی در اختیار تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله قرار گرفت که بعدها به لشگر ارتقا یافت و تا پایان جنگ در همین مکان و ساختمان‌ها مستقر بودند و اکنون نیز در اختیار همان لشکر است.
- **پایگاه:** منظور پایگاههای بسیج و مقاومتی بود که از دوران دفاع مقدس به‌عنوان مراکز پشتیبانی و جذب نیرو تحت مدیریت و فرماندهی بسیج تشکیل شده است. بی‌تردید مردمی‌ترین مراکز نظامی و انتظامی در روزگار ماست که با ابتکار حضرت امام خمینی به‌عنوان فرمانده کل قوا تشکیل شد.
- **جبهه ملی:** از احزاب سیاسی ایران بود که نطفه اولیه آن از دوران فعالیت‌های دکتر محمد مصدق بسته شد. این سازمان تاکنون به علت نوسانات مختلف بیش از پنج بار تجدید حیات کرده است. فعالیت‌های این جبهه به علت تعارض و مواضع مخالف با نظام جمهوری اسلامی غیرقانونی اعلام شده است. در سال‌های دفاع مقدس با نهضت آزادی و سایر تشکلهای سیاسی جزو مخالفان جدی جنگ بودند،

وابستگی شدید آنان به جریان‌های سیاسی- حقوقی غرب، مواضعشان را از نظام جمهوری اسلامی بسیار دور کرده است.

- **چریک‌های فدایی خلق:** سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران. در سال ۱۳۵۰ برای مبارزه با رژیم پهلوی فعالیت خود را شروع کرد. از آغاز از جهت خط‌مشی وابسته به شرق بود. اندیشهٔ مارکسیسم دانست به علت خیانت‌های متعدد و اعلام جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران غیرقانونی و منحله شناخته می‌شود. با سقوط ابرقدرت شرق (شوروی سابق) پایگاه اصلی خود را از دست داد. وابستگی شدید این تشکیلات به شرق آن روز و اندیشه مارکسیستی و عدم شناخت از ایران و مردم اسلام، آنها را به انزوا و نابودی کشید. «مصحح»
- **حبیب‌بن مظاهر:** از اصحاب رسول خدا و امیرالمومنین علی(علیه‌السلام) بود و در جنگ جمل و صفین و نهروان کنار امام علی(علیه‌السلام) جنگید. حبیب از کسانی بود که برای امام حسین(علیه‌السلام) نامه نوشت و هنگامی که مسلم‌بن عقیل، نمایندهٔ امام به کوفه رسید، در منزل مختار به حمایت از او سخن گفت. او به همراه مسلم‌بن عوسجه در کوفه برای امام حسین(علیه‌السلام) بیعت می‌گرفت و در واقعهٔ عاشورا همراه دیگر یاران آن حضرت به شهادت رسید.
- **حر بن یزید ریاحی:** سردار طلیعهٔ سپاه عبیدالله‌بن زیاد بود. روز عاشورا به ناگهان به سپاه اباعبدالله حسین‌بن علی(علیه‌السلام) پیوست و در رکاب او به یوم‌الطف شهادت یافت. او را اول قتیل روز عاشورا به کربلا می‌دانند. بعدها حر به‌عنوان نماد آزادگی مشهور شد. یقیناً وجود فطرت پاک حر در تغییر موضع او و خروج از صف باطل و پیوستن به صف حق بسیار مهم بوده است. «دهخدا»
- **حزب بعث عراق:** (به عربی: البعث العربی الاشتراکی): نام حزبی سیاسی بود که با کودتای سال ۱۳٤۷ (۱۹٦۸م.) که منجر به حکومت دراز مدت حزب بعث شد، بر سر قدرت آمد، مبانی نظری این حزب بر پان عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم استوار بود، صدام حسین تکریتی یکی از اعضای برجستهٔ حزب بعث محسوب می‌شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان عامل دست امریکا و با همکاری و حمایت سایر قدرتها به قصد تجزیه ایران و شکست و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی، به ایران حمله کرد. پس از تلفات و خسارات بسیار به دو

کشور، جای پای امریکا و لشکرکشی و حضورش را در منطقه باز کرد و سرانجام از ایران و نیروهای رزمنده ایران به تعبیر حضرت امام «سیلی خورد که هرگز از جایش برنخاست». این حزب در طول تاریخ در خدمت اهداف استکبار بوده است. (مصحح).

- **حسینی بهشتی، سیدمحمد:** (۱۳۵۷-۱۳۰۷ش) در محلهٔ لومبان اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشتهٔ الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجهٔ دکتری ادامه دهد، شهید دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب پس از فعالیت‌های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.
- **حضرت علی‌اصغر:** فرزند شیرخوار امام حسین(علیه‌السلام) بود که روز عاشورا از شدت تشنگی بی‌تاب شده بود. امام حسین(علیه‌السلام) وقتی تمام یاران را از دست داد خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حرمله تیری به‌سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی‌اصغر(علیه‌السلام) را شکافت و خون گلوی او را به آسمان پاشید. علی‌اصغر را باب‌الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می‌نامند. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).
- **حضرت علی‌اکبر:** فرزند ابی‌عبدالله الحسین(علیه‌السلام) بود و در سال ۴۳ قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش‌چهره، زیبا و خوش زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق و خوی و صباحت رخسار شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود. علی‌اکبر(علیه‌السلام) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین(علیه‌السلام) فعالانه به مبارزه می‌پرداخت. وی نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمربن سعد را به هلاکت رساند. پس از آنکه توسط مرة بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربه‌ای وارد آمد، دشمن جرأت پیدا

کرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه‌ها قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شریف وی برخی ۱۹ سال و برخی ۲۵ سال نوشته‌اند.

- **حضرت قاسم**: قاسم(علیه‌السلام) فرزند امام حسن(علیه‌السلام) در واقعه عاشورا از امام حسین(علیه‌السلام) اذن میدان گرفت. به‌قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه‌اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمربن نفیل اسدی به شهادت رسید.
- **خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی**: از شاگردان فقهی، اصولی و پیروان مشی سیاسی- مبارزاتی حضرت امام خمینی هستند. قبل از انقلاب، به‌عنوان یکی از مبارزان شاخص خطه خراسان فعالیت‌های چشمگیری داشت. بارها از سوی رژیم پهلوی بازداشت و چندین سال به ایرانشهر تبعید شدند. از اعضای شورای انقلاب بودند. در مسئولیت‌های مهمی چون سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امام جمعه تهران، نماینده امام در شورای‌عالی دفاع، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، حضور فعالانه در جبهه‌های جنگ، ترور توسط منافقین در ۱۳۶۰، رئیس جمهوری اسلامی پس از شهادت شهید رجائی، رئیس شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و سرانجام در ١٤ خرداد ١٣٦٨ پس از رحلت حضرت امام خمینی توسط مجلس خبرگان رهبری به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند. از آن تاریخ تاکنون با شایستگی تمام هدایت امت مسلمان ایران را عهده‌دار شد.
- **دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عوامل داخلی استکبار جهانی به‌خصوص آمریکا به کارهای ایذایی، توطئه، آشوب و تفرقه، ترور و حتی طرح کودتا و تخریب شخصیت‌های انقلاب و شایعه‌پراکنی متعدد می‌پرداخت. به تحریک قومیت‌ها و ناامنی در برخی مناطق از جمله کردستان و گنبد و مناطق مرزی و غیره می‌پرداخت. دانشجویان متعهد و انقلابی با تیزهوشی متوجه شدند این جریان‌ها باید یک مرکز فرماندهی و اطاق فکر داشته باشد پس از بررسی دریافتند که سرنخ همهٔ این مخالفت‌ها و دشمنی و تحرکات ضد انقلابیون در سفارت آمریکاست. عده‌ای از دانشجویان متعهد، جان برکف و انقلابی و شجاع را که برای خنثی کردن شیطنت‌های آمریکا حاضر بودند شهادت را به جان بخرند به‌عنوان

«دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» هم پیمان شدند و با نوشتن وصیت‌نامه با شور انقلابی به سفارت آمریکا حمله کردند. سفارت آمریکا را اشغال، و اسناد و مدارک بسیار مهم و ارزشمندی از به اصطلاح سفارت آمریکا به‌دست آمد. باوجودی که اسناد مهمی را در داخل سفارت خُرد کردند اما بعدها با حوصله و شکیبایی خارق‌العاده مدارک رشته رشته شده را کنار هم گذاشتند کوس رسوایی آمریکا و بسیاری از عوامل داخلی و خارجی آن زده شد. از آن تاریخ به بعد به سفارت آمریکا «لانه جاسوسی» می‌گویند. ضمناً امام خمینی با وجود مخالفت آقای مهدی بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیر، حرکت انقلابی دانشجویان را انقلاب دوم نامید. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در آن برهه خدمت بزرگی به انقلاب اسلامی کردند.

- **دستغیب، عبدالحسین:** (۱۲۹۲– ۱۳۶۰ش) فرزند مرحوم آقا سید محمدتقی دستغیب در خانوادهٔ اهل علم و تقوا دیده به جهان گشود. تا سن ۱۲ سالگی مقدمات علوم را نزد پدر فراگرفت و سپس در شهر شیراز به تکمیل علوم حوزوی و نیز اقامهٔ نماز جماعت در مسجد باقرخان و تبلیغ احکام دینی و افشای ظلم و ستم دستگاه طاغوت و استبداد رضاخانی همت گماشت. بر اثر افشاگری‌های این عالم مجاهد، رژیم وی را مجبور به جلای وطن و هجرت به نجف اشرف کرد. او بعد از سقوط رضاخان در سال ۱۳۲۱ دیگر بار به ایران مراجعت کرد. مصادف با مبارزات امام خمینی در سال ۱۳۴۲، به امام پیغام فرستادند که حاضر به همکاری در نهضت هستند و در مدت تبعید و زندانی شدن امام، شهید دستغیب نقش رهبری استان فارس را برعهده داشتند؛ تا آنجا که در سال ۱۳۵۶ مدتی در خانهٔ خود حصر شدند. از سمت‌های ایشان در اواخر حیات خود امامت جمعهٔ شیراز و ریاست حوزهٔ علمیهٔ فارس است. شهید دستغیب سرانجام در آذرماه ۱۳۶۰ به هنگام عزیمت به نماز جمعه مورد سوء قصد قرار گرفتند و همراه چند تن از یاران خود به شهادت رسیدند. این شهید سعید و عالم خبیر دارای آثار متعددی در تفسیر و احکام و اخلاق نیز هستند.
- **دمکرات:** این تشکیلات تحت عنوان «حزب دمکرات کردستان» ایران فعالیت داشته است. مأموریت اصلی این حزب از آغاز تأسیس، فعالیت خودمختاری برای

کردستان بوده است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از جریان‌هایی بود که آرامش را از کردستان سلب می‌کرد، وابستگی‌های شدید آن به سایر قدرت‌ها موجب شد که با نظام جمهوری اسلامی ایران به تقابل بپردازد. از آنجا که حضور قدرتمند و با تدبیر و کارایی خاص نظام در کردستان فلسفه وجودی حزب را از بین برد و نبود پایگاه مردمی او را به انحلال کشیده است. بارها با نیروهای مردمی و مسلح درگیر شده اینک در ایران فاقد پایگاه است و بیشتر در عراق مستقر است. (مصحح).

- **رجایی، محمدعلی:** (۱۳۱۲– ۱۳۶۰ ش) در شهرستان قزوین متولد شد، تحصیلات ابتدایی خود را تا اخذ گواهی‌نامهٔ ششم ابتدایی در همین شهرستان به اتمام رسانید و پس از عزیمت به تهران در سال ۱۳۳۸ وارد نیروی دریایی شد و هم‌زمان، تحصیلات خود را از طریق مدارس شبانه ادامه داد و توانست در رشتهٔ ریاضی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شود و به عنوان معلم در مدارس مشغول کار شود. شهید رجایی چندی بعد فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از انقلاب، شهید رجایی سمت‌های مهمی چون وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و در سال ۱۳۵۹ سمت نخست‌وزیری جمهوری اسلامی را برعهده داشت و سرانجام در ۸ شهریور ۱۳۶۰ بر اثر انفجار دفتر نخست‌وزیری به‌دست منافقین کوردل به شهادت رسید.
- **سامری:** موسی‌بن ظفر، قریب مهتر حضرت موسی(علیه‌السلام) بود. او گوساله‌ای زرین و مرصع از جواهر ساخته بود. خاک نعل براق جبرئیل(علیه‌السلام) که در روز غرق فرعون به دست آورده بودند در اندرون آن دردمیده هر بانگی که ملایم گاو است از او برآمده با همین حیله، گروهی از قوم یهود گوساله پرست شدند. داستان سامری و گوساله او در قرآن ذیل داستان حضرت موسی(علیه‌السلام) آمده است. در این داستان، سست اعتقادی قوم یهود نسبت به حضرت موسی مشهود است. «دهخدا»
- **سعیدی، سیدمحمدرضا:** در سال ۱۳۰۸ شمسی به دنیا آمد و تحصیلات علوم دینی را در مشهد و قم به پایان رسانید. او از محضر آیت‌الله بروجردی و حضرت امام خمینی بهره برد و پس از وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بر دامنه فعالیت‌های خود علیه شاه افزود. از این رو از جانب ساواک ممنوع‌المنبر گردید. مسجد او در خیابان غیاثی

تهران کانونی برای مبارزه علیه رژیم پهلوی بود. آیت‌الله سعیدی در سال ۱۳٤٥ شمسی در پی سخنرانی علیه رژیم اشغالگر قدس مدت ٦۱ روز در زندان‌های ساواک به سر می‌برد اما پس از آزادی فعالیت‌های خود را از سرگرفت و این بار به دلیل مخالفت با سیاست‌های استعمار رژیم پهلوی و آمریکای جنایتکار، دستگیر و به سبب شکنجه‌های شدید به شهادت رسید. از آثار این شهید مبارز می‌توان به «اتحاد اسلام»، «آزادی زن»، «کار در اسلام» و «چاپ و نشر جزوات آموزشی» اشاره کرد.

- **شهدای محراب:** حضرت علی(علیه‌السلام) در تاریخ اسلام به‌عنوان شهید محراب معروف است. مولای متقیان علی(علیه‌السلام) در حالی که در محراب نماز به عبادت مشغول بود به شهادت رسید و پس از آن ضربهٔ مهلک ابن ملجم مرادی بود که امام علی(علیه‌السلام) فرمود: «فُزت و رب الکعبه» به خدای کعبه رستگار شدم. در دوران انقلاب اسلامی به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب منافقین کوردل طی سلسله عملیاتی به ترور شخصیت‌ها و یاران امام پرداختند. از آن‌جمله به ائمه جمعه و جماعات و روحانیت آگاه و مبارز و در صحنه نیز رحم نکردند و به ترور شهدایی چون آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله مدنی، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، آیت‌الله قاضی طباطبایی که چون حضرت علی(علیه‌السلام) در محراب و در مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه به فیض شهادت نائل آمدند.
- **طالقانی، سیدمحمود:** در سال ۱۲۸۹ ش در روستای گلیرد طالقان دیده به جهان گشود. موفق به کسب اجازه‌نامه اجتهاد از آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گردیده و بعد از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) به تدریس علوم دینی مشغول شد. ایشان در کنگره جهانی شعوب‌المسلمین که در کراچی تشکیل می‌شد شرکت کرد و نیز در کنگره اسلامی قدس که سالی یک‌بار برگزار می‌شد، دوبار در مقام ریاست هیأت نمایندگی ایران به بیت‌المقدس سفر کرد. پس از تشکیل «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» که در نزدیکی تشیع و تسنن سهمی به سزا داشته، آیت‌الله طالقانی به نمایندگی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی برای رساندن پیام ایشان به شیخ شلتوت به آن دیار سفر کرد. به پیروی از امام به مخالفت با رژیم پرداخت و به دلیل فعالیت‌های زیاد در

همان سال به زندان افتاد. در زندان با نوشتن تفسیر «پرتوی از قرآن» سعی در آشنا کردن افراد به عظمت قرآن کرد. آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از زندان نهایت تلاش خود را در جهت پیروزی انقلاب کرد. وی در انتخابات مجلس خبرگان قانونگذاری از سوی مردم تهران به‌عنوان نماینده انتخاب شد. اولین نماز جمعه در پنجم مرداد ۱۳۵۸ به امامت ایشان در دانشگاه تهران برگزار شد. سرانجام در نوزدهم شهریور ۱۳۵۸ مرحوم طالقانی پس از سال‌ها فعالیت‌های علمی و مبارزات سیاسی علیه رژیم ستم‌شاهی و عمری تلاش خستگی‌ناپذیر در راه پیاده کردن احکام اسلامی دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

- **طباطبایی، سیدمحمدحسین:** در سال ۱۲۸۱هش در تبریز متولد شد. دروس مقدماتی را در ایران خواند و در ۲۳ سالگی عازم نجف اشرف شد. طی یازده سال اقامت در نجف از محضر عالمان نامداری چون: میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی آقا طباطبایی استفاده برد. اصول روش رئالیسم و تفسیر المیزان از آثار علامه است. سرانجام در بیست‌وچهار آبان سال ۱۳٦۰ درگذشت.
- **عباس‌بن علی‌بن ابیطالب(علیه‌السلام):** فرزند حضرت علی(علیه‌السلام) از ام‌البنین عامریه است. در صحرای کربلا پس از شهادت سه برادرش جعفر, عبدالله و عثمان نوبت به حماسه‌آفرینی و حضور قهرمانانه و دفاع جانانه‌اش از امام حسین(علیه‌السلام) رسیده است. به طرف شط فرات حرکت کرد در حالی‌که با حضرت امام حسین(علیه‌السلام) هم‌رکاب بود. با وجودی که نبردهای اشقیا آن دو را در مسیر فرات از یکدیگر جدا کردند اما حضرت عباس خود را به فرات رساند، مشک آب را پر کرد بدون آن‌که قطره‌ای آب بنوشد. به‌سوی امام و خیمه‌ها برگشت. در برگشت با نبردهای سپاه دشمن روبرو شد و در محاصره آنها قرار گرفت. در دو حمله دست راست و چپش را قطع کردند و با ضربه‌ای بر فرق مبارکش از اسب سقوط کرد. با وجود آن‌همه زخم و تیر، توان حرکت نداشت و دو نفر از اشقیا او را به شهادت رساندند. عباس به‌خاطر شجاعت و زیبایی فوق‌العاده به «قمر بنی‌هاشم» شهرت داشت. «حسین‌بن علی امام شهدا، مرضیه محمدزاده».

- **عماربن یاسر:** از قبیله ثعلبه، پدرش از نخستین کسانی بود که به اسلام گروید و در راه نشر دین خداوند رنج و عذاب فراوانی متحمل شدند. در مهاجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه همراه رسول‌الله بود. در جنگ صفین و جمل همراه علی(علیه‌السلام) بود. در سال ۳۷ هـق در سن ۹۳ سالگی در جنگ صفین به شهادت رسید. عمار به سبب زهد و تقوای بسیار در ادب فارسی نماد تعبد و پرهیزکاری است.
- **عملیات بدر:** نام عملیاتی است که با رمز یا فاطمه‌الزهرا(علیهاالسلام) در تاریخ ۶۳/۱۲/۱۹ در شرق رودخانه دجله (حد فاصل بین قلعه صالح- الفزنه) انجام شد. این عملیات به آزادی بسیاری از مناطق مهم و نفت‌خیز هور الهویزه و ده روستا و تصرف جاده معروف به خندق شد.
- **عملیات بستان:** عملیات طریق‌القدس (بستان)، این عملیات در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۶۰ با رمز «یا حسین فرماندهی» در منطقه عمومی غرب شهرستان سوسنگرد و منطقه عمومی بستان انجام گرفت. آزادسازی شهر بستان و تأمین نوار مرزی و دسترسی به هورالهویزه از اهداف شاخص این عملیات بود. علاوه بر آزادسازی بستان و ۷۰ روستای منطقه و ۵ پاسگاه مرزی تنگه بسیار مهم چزابه نیز آزاد شد و حدود ۸۰۰ کیلومتر مربع از خاک کشور از لوث وجود دشمن پاکسازی شد. مدت عملیات چهارده روز بود. بین نیروهای دشمن در شمال غرب و جنوب غربی خوزستان (جاده فکه، جفیر) نیز قطع ارتباط شد. در این عملیات تعدادی از نیروهای اسلام هم به شهادت رسیدند.
- **عملیات بیت‌المقدس:** در دوران دفاع مقدس سلسله عملیاتی که به این نام موسوم بود ٦ عملیات بود، علاوه بر آن عملیات بیت‌المقدس که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین این سلسله عملیات بود، باید مدنظر شهید باشد. رمز این عملیات یا علی‌بن ابیطالب(علیه‌السلام) بود. تاریخ عملیات از ۱۳٦۱/۲/۱۰ الی ٦۱/۳/۳ بود. محور عملیات: غرب کارون، جنوب غربی اهواز و شمال خرمشهر، علاوه بر آزادسازی شهر بندری خرمشهر، شهر هویزه و پادگان حمیدیه، جاده مهم و تدارکاتی اهواز- خرمشهر، کرخه خور، جاده سوسنگرد- هویزه، آزاد ساختن بخش وسیعی از مناطق جنوب میهن اسلامی در زیر آتش دشمن و تصرف و تأمین ۸ پاسگاه مرزی نیز فراهم شد.

- **عملیات رمضان:** این عملیات با رمز یا صاحب‌الزمان(عج) ادرکنی، در تاریخ ۱۳٦۱/٤/۲۳ در محور شرق بصره انجام گرفت. از جمله مناطق آزاد شده پس از این عملیات پاسگاه زید عراق و محورهای شمالی و شمال غرب این پاسگاه است. در این عملیات ۱۳۱۵ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند، تعداد زخمی و کشته‌شدگان بیش از ۷ هزار و ٤۰۰ نفر بودند.
- **عملیات فتح‌المبین:** این عملیات با رمز یا زهرا(علیهاالسلام) در تاریخ دوم فروردین ۱۳٦۱ با هدف تصرف ارتفاعات منطقه عملیاتی به‌منظور آزادسازی بخش وسیعی از جنوب غربی میهن اسلامی از دست نیروهای بعثی انجام گرفت. وسعت منطقه عملیات حدود ۲ هزار و پانصد کیلومتر مربع بود. مناطقی چون جاده دهلران، دشت عباس، و مناطق دشت چنانه و زمین‌های سرخه و ارتفاعات شمال غربی خوزستان آزاد شدند. مناطقی چون شهرستان دزفول، اندیمشک، شوش، پایگاه چهارم شکاری دزفول، جاده سراسری اندیمشک- اهواز و صدها روستا از زیر آتش سنگین دشمن بعثی خارج شدند. به چاه‌های نفتی ابوغریب در ارتفاعات تینه دستیابی شد. در این عملیات بسیار مهم و سرنوشت ساز بیش از ۲۵ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. تعداد اسرای این عملیات را پانزده هزار نفر ثبت کرده‌اند.
- **غزوهٔ احد:** یکی از غزوه‌های پیامبر اکرم با کفار مدینه بود که در دامنهٔ کوه احد در ٤ کیلومتری شمال مدینه در روز هفتم شوال سال سوم هجری، روی داد. در این نبرد، نخست مسلمانان پیروز شدند، اما هنگام جمع‌آوری غنائم، کفار از غفلت سپاه مسلمانان استفاده کردند و بر آنها تاختند و مسلمانان را شکست دادند.
- **غزوه بدر:** به جنگ بدر از غزوات پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است اشاره دارد. که در ماه رمضان سال دوم هجری بین مسلمانان و مشرکان مکه در سرزمین بدر، روستای کوچکی میان مکه و مدینه، رخ داد. رسول خدا همراه با ۳۱۳ تن از یاران خویش از مدینه بیرون رفت. پرچم سپاه مسلمین را علی(علیه‌السلام) بر دوش داشت. از سوی دیگر سپاه ابوسفیان وقتی از حرکت مسلمانان آگاه شد با فرستادن پیکی به مکه تقاضای کمک کرد. سران قریش هم بی‌درنگ با سپاهی ۹۵۰ نفری عازم بدر شدند. جنگ سختی بین دو طرف درگرفت. مسلمانان با وجود تعداد اندکشان با امداد الهی بر قریش پیروز شدند. هفتادتن از آنان را کشتند و هفتاد تن را به اسارت گرفتند.

ابوجهل و حنظله، پسر ابوسفیان، در میان کشتگان بودند. در این جنگ حضرت علی(علیه‌السلام) پایمردی بسیار کرد و در پیروزی مسلمانان سهم زیادی داشت به‌طوری که گفته می‌شود ۳۶ تن از مشرکان در آن نبرد به دست او کشته شدند. در این جنگ ۱۴ تن از مسلمانان به شهادت رسیدند. (المغازی، جلد ۱، سیره ابن‌هشام، معجم‌البلدان، ج۱، تاریخ طبری، ج۲).

- **غفاری، ابوذر:** از کبار صحابه و از مؤمنین قدیم بود ابوذر در شرایط بسیار سخت آغاز نبوت پیامبر و در آن فضای بسته بر سرجمع، با آواز بانگ شهادتین بگفت. مشرکین بارها او را بزدند و او کوچک‌ترین خللی بخود بر سر اسلام راه نمی‌داد. ابوذر را نفی بلد کردند به ربذه. در همان جا درگذشت در اوج سختی و فقر. از رسول‌الله نقل است که درباره او می‌فرماید: ابوذر در امت من بزهد چون عیسی بن مریم است علیه السلام. عثمان به تحریک معاویه او را تبعید کرد.
- **قابیل:** فرزند آدم و حوا برادر هابیل است. قابیل و اقلیما از حوا متولد شدند. بار دیگر که حوا باردار شد هابیل و لبودا را بدنیا آورد. حکم خدا این بود که هریک با دختری که از بطن دیگر متولد شده ازدواج کنند یعنی هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا. چون قابیل این حکم را نپذیرفت و خواهان ازدواج با خواهر بطنی خود بود. خدا گفت قربانی کنند، قربانی هرکس مقبول افتاد حق با اوست. قربانی قابیل پذیرفته نشد و خشمگین شد و برادرش هابیل را به مرگ تهدید کرد. سرانجام با ضربه سنگی هابیل را کشت. و او را دفن کرد. خداوند به سزای عمل زشت و گناه برادرکشی او را از درگاه لطف و مرحمت خود و از وطن و خانواده‌اش راند. (دهخدا)
- **کاشانی، سیدابوالقاسم:** روحانی مبارز و شخصیت معروف سیاسی تاریخ معاصر ایران. پس از فرار رضا شاه از ایران مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد که در نتیجه این مبارزات توسط نیروهای اشغالگر انگلیسی دستگیر و زندانی شد. اما پس از آزادی در مقام نمایندهٔ مردم تهران به مجلس شورای ملی راه یافت. با حمایت ایشان از دکتر مصدق و تشویق مردم در کمک به دولت، صنعت نفت در سراسر کشور ملی اعلام شد. بعد از روی کار آمدن دولت سرکوب قوام‌السلطنه، آیت‌الله کاشانی مردم را دعوت به قیام کرد که این قیام موسوم به ۳۰ تیر بار دیگر دولت مردمی مصدق را

به قدرت رساند. اما پس از کودتای امریکایی زاهدی و بازگشت شاه، آیت‌الله کاشانی نیز خانه‌نشین شد تا اینکه سرانجام بعد از عمری مبارزه با استعمار در ۸۰ سالگی بدرود حیات گفت.

- **مدرس، سیدحسن:** روحانی مبارز و عالمی آزادی‌خواه بود که در پی مبارزات خود علیه ظلم حکومت داخلی و دخالت‌های بیگانگان در زمان کودتای ۱۲۹۹ رضاخان دستگیر و زندانی شد. وی پس از سقوط کابینه سیدضیاء از زندان آزاد و به‌عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه یافت. سرانجام در پی تشدید مخالفت‌های خود علیه حکومت رضا شاه به خواف تبعید و سپس به کاشمر منتقل شد و همان جا به دست عوامل دولتی به شهادت رسید. مدرس از جمله حرفه‌ای‌ترین پارلمانتاریست‌های ایرانی بود که با وجود اقلیت همیشگی، با سخنان خود اکثریت را به سمت خود می‌کشید. شعار معروف «سیاست ما عین دیانت ماست» از شهید مدرس است.
- **مدنی، سیداسدالله:** در سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در آذرشهر آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود. در آغاز جوانی برای کسب علم و کمال به شهر مقدس قم عزیمت کرد. دیری نپایید که از استادان معروف حوزهٔ علمیه نجف شد و توانست از مراجع بزرگی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله حجت‌کوه کمری و آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد بگیرد. ایشان تمام عمر خویش را در راه ترویج اسلام و مبارزه با رژیم فاسد طاغوت گذراند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم همدان به‌عنوان نمایندهٔ مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. پس از شهادت آیت‌الله قاضی به فرمان امام خمینی امامت جمعه تبریز را به عهده گرفت. آیت‌الله مدنی در بیستم شهریور ۱۳۶۰ پس از اتمام خطبه‌های نماز جمعه همدان با انفجار نارنجک منافقی کوردل به شهادت رسید.
- **مسجد الاقصی:** در شهر قدس و نخستین قبله مسلمانان بوده است. این مسجد را حضرت داود(علیه‌السلام) بنا کرد. سپس فرزندش سلیمان تکمیلش کرد. در زلزله‌ای شدید ویران شد در سال ۵۸۵ میلادی توسط صلاح‌الدین ایوبی مرمت شد. نام مسجدالاقصی در قرآن مجید آیه اول از سورهٔ اسراء در آیات مربوط به معراج پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است: «سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی

المسجد الاقصی» این مسجد بارها از سوی یهودیان افراطی و صهیونیست مورد تهاجم قرار گرفته و در سال ۱۹۶۹ میلادی قسمت جنوب شرقی مسجد به آتش کشیده شد. امروز به‌عنوان یکی از مراکز و پایگاه‌های مهم مقاومت مسلمانان فلسطین نامیده می‌شود.

- **مطهری، مرتضی:** (۱۲۹۸– ۱۳۵۷ ش) در مشهد در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در اوان کودکی به تحصیل علم پرداخت. وارد حوزهٔ علمیه شد و چندی بعد، از محضر استادانی چون امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی بهره جست. استاد مطهری از سال ۱۳۳۱ بعد از عزیمت به تهران، تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خود را در مدارس و محافل مذهبی آغاز کرد و در سال ۱۳٤۲ بعد از سخنرانی‌ای مهیج علیه رژیم شاه روانه زندان شد اما پس از آزادی فعالیتهای فرهنگی و آموزشی و مبارزاتی خود را از سر گرفت و تا پیروزی انقلاب و پس از آن لحظه‌ای از آگاهی بخشی به جوانان و جامعه از پا ننشست تا آنجا که به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی نامبردار شد. اما سرانجام در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ به دست گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.
- **مفتح، محمد:** در سال ۱۳۰۷ (هـ ش) در همدان دیده به جهان گشود. در آنجا به تحصیل دوره دبستان و مقدمات علوم اسلامی روی آورد. سپس به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد. درحالی‌که در این حوزه به درجه اجتهاد رسید، در دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ درجه دکتری گردید. نقش شهید مفتح در صحنه‌های مهم مبارزات انقلابی از جمله اقامه نماز دشمن‌شکن عید فطر ۱۳۵۷ بسیار حساس بود. در خطبه‌های نماز جمعه برای اولین بار نام امام خمینی را آشکارا بر زبان جاری کرد و رهبری امام را مورد تأکید قرار داد و مردم را به راهپیمایی برای روزهای بعد دعوت کرد. شهید مفتح با تشکیل شورای انقلاب، از طرف امام به عضویت این شورا درآمد و در این سنگر منشأ خدمات شایانی شد. آیت‌الله مفتح، به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، به تدریس و تحقیق می‌پرداخت. سرانجام در ۲۷ آذرماه ۱۳۵۸ به همراه دو تن از پاسداران جان بر کف خود در مقابل دانشکده الهیات از سوی گروهک منافق فرقان به شهادت رسید و در صحن حرم حضرت معصومه(علیهاالسلام) به خاک سپرده شد.

- **منافقین:** در سال ۱۳٤٤ با عنوان سازمان مجاهدین خلق با هدف مبارزه با رژیم پهلوی تشکیل شد. اعضای آن در زندان دچار انحراف شدید فکری شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر روز با جمهوری اسلامی زاویه مواضعشان بیشتر می‌شد تا در خرداد ۱۳٦۰ علیه جمهوری اسلامی به مشی مسلحانه روی آوردند. فعالیت‌های آنان از سوی حکومت ایران غیرقانونی اعلام شد. پس از آن تغییرات سازمانی وابسته به آمریکا و اقمارش در عراق مستقر شدند و شانه به شانه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند. سرسپرده صدام شده در تخلیه اطلاعاتی و شکنجه آزادگان و اسرای ایرانی فعالیت می‌کردند. اینک در اردوگاهی در عراق مستقرند به‌عنوان مزدوران آمریکا، انگلیس و اسرائیل همسو با استکبار جهانی و سلطنت‌طلب‌ها و سایر ضدانقلاب‌ها فعالیت دارند.
- **منتظری، حسین‌علی:** در ۱۳۵۷ از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در ۱۳٦۸ به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقهٔ رزمندگان و مردم بودند.
- **میثم ابن یحیی**: از موالیِ بنی‌اسد و از اجلهٔ اصحاب حضرت علی(علیه‌السلام) بود. وی بردهٔ زنی از بنی‌اسد بود و حضرت علی(علیه‌السلام) او را خرید و آزاد کرد و میثم نزد علی(علیه‌السلام) باقی ماند. سپس در کوفه سکونت گزید و به سبب علاقه و ارتباطی که با حضرت علی(علیه‌السلام) داشت، عبیدالله‌بن زیاد، امیر کوفه، او را زندانی ساخت و سپس بر چوبی به صلیب کشید و او در آن حال شروع به بیان فضایل بنی‌هاشم کرد و چون خبر آن را به ابن‌زیاد دادند و بدو گفتند که این برده شما را مفتضح ساخت، امر کرد که او را لجام نهادند و این نخستین بار بود که در تاریخ اسلام کسی را لجام می‌زدند و سپس با نیزه او را به قتل رساندند و آن در سال ٦۰ هـق و ده روز پیش از ورود امام حسین(علیه‌السلام) به عراق بوده است. (از الاعلام زرکلی، ج۸ ، ص ۲۹٤). ابوسالم میثم از ایرانی‌های کوفه و از اجلهٔ اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) بوده و او را عبیدالله زیاد ده روز قبل از آنکه حضرت امام حسین(علیه‌السلام) به عراق وارد شود در کوفه به قتل رساند. (دهخدا).

- **میرزا کوچک جنگلی:** از مجاهدان مشروطیت و رهبر قیام جنگل. نامش یونس معروف به میرزا کوچک‌خان فرزند میرزا بزرگ از مردم رشت در سال ۱۲۹۸ هق دیده به جهان گشود. مقدمات علوم دینی را در مدرسه صالح‌آباد رشت و مدرسه محمودیه شمیران فرا گرفت. پس از فراز و نشیب‌های بسیار تصمیم به تأسیس نهضت جنگل گرفت. با دکتر شمس‌الاطباء و میرزا کریم‌خان و سردار محیی‌الدین و سایر مجاهدین گیلان برای اخراج بیگانگان از ایران به مبارزه پرداخت. فردی معتقد به احکام شریعت بود. مدتی طلبه علوم دینی بود، اما از مقدمات فراتر نرفت. سرانجام در سال (۱۳۰۰ ش) با مرگ مشکوک او نهضت جنگل هم خاتمه یافت. «دهخدا با تلخیص»
- **میرلوحی، سیدمجتبی (نواب صفوی):** مشهور به نواب صفوی از رهبران اصلی سازمان فدائیان اسلام همراه سه تن از همرزمانش شهید شد. بدین‌ترتیب رژیم طاغوت مبارزی متعهد و انقلابی را که فقط بر مبنای اسلام‌خواهی سخن گفته بود به شهادت رساند. شهید نواب صفوی در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی متولد شد و تحصیلات متداول را در کنار تحصیلات حوزوی ادامه داد. وی بنیانگذار اولین سازمان انقلابی- مکتبی است که راه‌گشای مبارزات مسلحانه اسلامی بود. فداییان اسلام مبارزه با شاه و عوامل او را در داخل و نیز مبارزه با استعمارگران و قدرت‌های خارجی و روشنفکرنماهای وابسته به غرب را سرلوحه اهداف خود قرار داده بودند!
- **نوری، فضل‌الله:** (حاجی شیخ) بن ملا عباس نوری مازندرانی معروف به شیخ نوری از فقهای امامیه و از مراجع تقلید اوایل قرن چهاردهم است. پس از تحصیل علوم دینی مقیم تهران گشت و در وقایع مشروطیت به حمایت و همراهی از محمدعلی شاه قاجار و به مخالفت با طباطبایی و بهبهانی، دو روحانی صاحب نفوذ و مشروطه‌خواه پرداخت. پس از فتح تهران گرفتار و در ۱۳ رجب ۱۳۲۷ به دار آویخته شد و در قم مدفون است. از تصانیف او تذکره الغافل و ارشاد الجاهل و صحیفه مهدویت را می‌توان نام برد. (دهخدا)
- **نهضت آزادی:** حزبی سیاسی بود که در سال ۱۳٤۰ با جدایی از جبهه ملی ایران و تأکید بر هویت ایرانی- اسلامی تأسیس شد. اولین دبیر کل آن آقای مهدی بازرگان

بود که تا هنگام مرگ در این سمت قرار داشت. بعدها به علت خروج از مسیر کلی و حرکت در جهت خلاف حرکت جمهوری اسلامی و اخذ مواضع مخالف، از سوی امام فعالیت‌شان غیرقانونی اعلام شد.

- **واجب کفایی**: آن است که با فعل بعضی از مکلفان منظور حاصل شود، هرکه باشد فرق نمی‌کند (عدهٔ مکلفان معین نیست) مانند جهاد. در هر صورت اگر افرادی در زمینه‌ای که حکم واجب کفایی بدان تعلق می‌گیرد انجام وظیفه نمایند، تکلیف از عهده بقیه ساقط می‌گردد. (لغت‌نامهٔ دهخدا).
- **والفجر(۱)**: نام عملیاتی است که در تاریخ ٦٢/١/٢٠ با رمز یا الله، یا الله، یا الله در منطقهٔ عملیاتی شمال غرب فکه انجام شده است. این عملیات مقدمات عملیات متعدد بعدی را فراهم آورده است. چندین روستا و سه ارتفاع در منطقه حمرین و یک پاسگاه آزاد شده است. اقدامات مهندسی این عملیات به عهده جهاد سازندگی استان مازندران قرار گرفت. ناگفته نماند قبل از این عملیات، در تاریخ ١٣٦١/١١/١٨ نیز عملیات والفجر مقدماتی با همان رمز در محور فکه- چزابه با موفقیت انجام شده که حدود ۳۰۰ کیلومتر از مناطق نظامی آزاد شده است. به احتمال قوی شهید آجودانی در ابتدای وصیت نامه به روح شهدای آن عملیات درود می‌فرستد.
- **وراثت زمین**: تعبیر وراثت ارض در آیه‌های متعددی در قرآن به‌کار رفته است با دو نگاه ویژه: الف) وراثت زمین به آنان‌که هدایت شده‌اند. ب) بازپس‌گرفتن زمین از آنان که از پیشینیان آن را به ارث برده‌اند. در آیه ٧٤ سورهٔ زمر چنین آمده است: «وقالوا الحمدلله الذی صَدَقَنا وَعدَهُ و اورثنا الارض...» ترجمه: «و گویند سپاس و ستایش خدای راست که وعده خویش را به ما راست داشت و زمین (بهشت) را به ما میراث داد.
- **هابیل**: فرزند آدم و حوا، برادر قابیل است. هابیل و لبودا از یک بطن از حوا زاییده شدند و قابیل و اقلیما از بطن دیگر به دنیا آمدند. حکم خدا این بود که برادر و خواهر تنی نمی‌توانند ازدواج کنند، باید هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا ازدواج کنند. قابیل نپذیرفت و در حسادت با برادر، قابیل هابیل را کشت. هابیل نخستین کسی بود که توسط برادر کشته شد. گویند جایی که قابیل هابیل را به خاک سپرد در کوهی حدود سراندیب بود. وقتی قرار شد هر دو برادر (قابیل و هابیل) به درگاه

خدا قربانی آورند، از هابیل که گوسفندی را آورده بود، قربانی پذیرفته شد و از قابیل پذیرفته نشد و همین امر قابیل را به قتل برادر تحریک کرد. هابیل شبان بود. هابیل فرزند دوم آدم و حواست. (دهخدا)

- **هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر:** از روحانیون مبارز قبل از انقلاب است که در جوانی پیرو مشی فکر سیاسی مبارزاتی حضرت امام شد. قبل از انقلاب مکرر از سوی رژیم پهلوی دستگیر شد. پس از انقلاب اسلامی عهده‌دار مسئولیت‌هایی چون: سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، امام جمعه موقت تهران، رئیس مجلس خبرگان رهبری و... شد. هم‌اکنون ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده دارند.
- **هشت شهریور:** در ۸ شهریور ۱۳۶۰ دفتر نخست‌وزیری بر اثر انفجار بمب که توسط منافقان کار گذاشته شده بود، دو هم‌رزم دیرینه، شهید محمدعلی رجایی به‌عنوان رئیس جمهوری اسلامی و دکتر محمدجواد باهنر به‌عنوان نخست‌وزیر در این حادثه دلخراش به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هفت تیر:** دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران محل گردهمایی بسیاری از شخصیت‌های سرشناس کشوری بود که در شب هفتم تیر ۱۳۶۰ به‌وسیلهٔ بمب منفجر گردید و بیش از ۷۲ تن از چهره‌های انقلابی و نمایندگان مجلس، اعضای هیأت دولت و اعضای حزب جمهوری اسلامی به‌دست منافقان به طرزی فجیع به شهادت رسیدند. در این حادثه غیر انسانی تعدادی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی- که در رأس آنان شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی قرار داشت- به درجهٔ رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هل من ناصر ینصرنی:** عبارتی که در کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین(علیه‌السلام)» آمده این است: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار، هل من مجیر لابناء البتول، هل من ذاب یذب عن حرم الرسول» (ص ۵۰۶) ترجمه: آیا دلرحمی هست که بر آل رسول مختار رحم کند؟ آیا یاری کننده‌ای هست که ذریت پاک رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را یاری کند؟ آیا فریادرسی هست برای فرزندان بتول(علیهاالسلام)؟ آیا مدافعی هست تا از حرم رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دفاع کند؟